

غائله آذربایجان

خانبابا بیانی



خانم آذربایجان

تألیف: خانم ابایی

غائله آذربايجان

مستند به اسناد تاريخي و سياسي و آرشيو

تأليف: دکتر خانبا با بياني

ويرايش: سعيد قانع



انتشارات زریاب

غائله آذربایجان

نالیف: دکتر خانبايا بیانی

ویرایش: سعید قانع

چاپ اول: ۱۳۷۵

تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه

حروفچینی: سینا (قانع)

لیتوگرافی: صدف

چاپ: چاپخانه حیدری

ناشر: انتشارات زریاب

مرکزپخش، تهران وشهرستانها: انتشارات علمی، خیابان انقلاب، مقابل در بزرگ
دانشگاه تهران، شماره ۱۳۵۸ تلفن ۶۲۶۰۶۶۷، ۶۲۶۵۹۷۰

شابک ۰-۳-۹۰۶۳۷-۹۶۲-۰ ۳-۰-۹۰۶۳۷-۹۶۲-۰ ۳-۰-۹۰۶۳۷-۹۶۲-۰ ISBN 964 - 90637 - 3 - 0

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار:
۸۳	فصل اول: توسعه‌طلبی اتحاد جماهیر شوروی...
۹۳	فصل دوم: آغاز غائله آذربایجان و تجزیه آن
۱۰۹	فصل سوم: تشکیل فرقه دموکرات
۲۰۱	فصل چهارم: استعفای صدر و روی کار آمدن حکیمی...
۲۵۱	فصل پنجم: غائله آذربایجان از نظر نمایندگان آمریکا
۳۳۳	فصل ششم: پیشنهاد تشکیل کمیسیون رسیدگی به وضع ایران
۳۴۷	فصل هفتم: ارجاع مسئله آذربایجان به سازمان ملل متحد
۴۰۷	فصل هشتم: مسافرت هیئت اعزامی به مسکو به ریاست احمد قوام
۴۷۳	فصل نهم: وقایع سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶
۴۷۹	فصل دهم: مسئله ایران در شورای امنیت
۵۲۱	فصل یازدهم: پیشه‌وری و سران حکومت آذربایجان در تهران
۵۸۷	فصل دوازدهم: رهائی آذربایجان
۶۶۷	فصل سیزدهم: یک سال تسلط دموکراتها بر آذربایجان
۶۸۳	فصل چهاردهم: سازمان جمهوری آذربایجان نیروهای مسلح...
۷۰۹	فصل پانزدهم: فرار پیشه‌وری و سران فرقه دموکرات و سرانجام آنان
۷۴۱	فصل شانزدهم: وضع فراریان پس از ورود به قفقازیه...
۷۷۷	فصل هفدهم: نتایج سیاسی خاتمه غائله آذربایجان
۸۲۵	فصل هیجدهم: کنفرانس مسکو و ایران
۸۴۷	فصل نوزدهم: گزارشها و اقدامات مظفر فیروز سفیر کبیر ایران...
۸۹۳	فصل بیستم: قانون عفو عمومی مجرمین غائله آذربایجان و...
۹۲۷	منابع:
۹۳۱	فهرست اعلام

به نام خدا

مقدمه ویراستار

غائله آذربایجان که بیش از نیم قرن از آن می‌گذرد از وقایع بسیار مهم تاریخی معاصر ایران است که درباره آن بسیار سخن گفته شده، ولی بسیاری از اسرار پشت پرده مربوط به آن هنوز ناگفته باقی مانده است. یادآوری این وقایع در حال حاضر خالی از لطف نیست خصوصاً برای نسل حاضر که در جریان این وقایع نبوده‌اند و شایع مطالبی هم نیز درباره آن نخوانده و نشنیده‌اند جالب توجه خواهد بود.

* * *

در بعضی از کتابها و مقالاتی که درباره غائله آذربایجان نوشته شده، بخصوص آنچه در رژیم گذشته انتشار یافته سعی شده است که چنین وانمود کنند که نجات آذربایجان و سرنگونی حکومت تجزیه طلب فرقه دموکرات در آذربایجان نتیجه جسارت و از خودگذشتگی شاه و ژنرالهای اطراف او بوده است، در حالی که براساس تمام مدارک و

شواهد موجود تاریخی تضاد سیاستهای خارجی و رقابت بین آمریکا و شوروی و بهره‌برداری نخست‌وزیر وقت قوام‌السلطنه در این میان نقشی اساسی را ایفا نموده و شاه جز مترسکی دست‌نشانده و عامل اجرائی آمریکا نقش دیگری در این ماجرا نداشته است و در نهایت می‌توانیم غائله آذربایجان را منسوب به علمای دینی و مردم پرخروش و مسلمان آذربایجان که در سراسر تاریخ این مرز و بوم همچنان در مقابل شاه‌ها و ستمگران تاریخ مردانه ایستادگی می‌کرده‌اند، بدانیم و تبلیغاتی را که شاه به خود و ارتش خود نسبت داده بود، به قضاوت تاریخ رد نمائیم.

۷۵/۱۰/۱۵

سعید قانع

به نام یزدان پاک

پیش‌گفتار

مقارن خاتمه جنگ در اروپا کشمکش و منازعه بین مخالفان در ایران شدت پیدا کرد. مطبوعات ملی مسئله تخلیه ایران از قوای متفقین را مطرح ساخته اصرار داشتند که قوای مزبور هرچه زودتر باید ایران را ترک گویند ملیون می‌دانستند که طبق پیمان سه‌جانبه اتحاد شوروی و انگلیس حق دارند تا شش ماه پس از خاتمه جنگ با محور و منجمله ژاپن که هنوز تسلیم نشده بود قوای خود را در ایران نگاه دارند معینا می‌گفتند آن مقصودی که قوای متفقین از امثال ایران داشتند دیگر از بین رفته و وجود خارجی ندارد و بنابراین آنها باید هرچه زودتر ایران را تخلیه کنند. مقصود از اشغال ایران، چنانکه سابقاً خاطرنشان شد، در سال ساز و برگ و مهمات به روسیه شوروی بود ولیکن از ماه نوامبر ۱۹۴۴ که دریای سیاه بروی ناوگان متفقین گشوده شد فرماندهی خلیج فارس عملاً عملیات خود را متوقف ساخت و دیگر کالائی به روسیه حمل نکرد. از طرف دیگر مطبوعات موضوع بیطرفی را نیز پیش کشیده اظهار عقیده می‌کردند که به محض خاتمه جنگ ایران باید بیطرفی کامل پیش گیرد.

روز نوزدهم ماه مه ۱۹۴۵ دولت ایران رسماً از انگلیس و روسیه تقاضا نمود که قوای خود را از ایران بیرون ببرند سفارتخانه‌های انگلیس و روسیه در جواب متذکر شدند که قوای خارجی قانوناً موظف و متعهد نیستند که قبل از موعد مقرر و معین خاک ایران را تخلیه کنند معینا انگلیس‌ها از بهار سال ۱۹۴۵ مشغول تخلیه ایران شدند و بسیاری از فعالیت‌های خود را کاهش دادند به‌تدریج تعطیل و متوقف نمودند و هرکجا که برای آنان

مقدور بود سعی کردند موافقت روسها را هم برای اقدام بمثل جلب کنند ولی اغلب توفیق نمی یافتند و مجبور می شدند به تنهایی تصمیم خود را عملی سازند. اقدامات انگلیس برای تخلیه ایران تدریجاً صورت می گرفت و از این رو برای امنیت و وضع انگلیسها تولید مخاطره نمی کرد. گذشته از این سیاست صلح جویانه آنها را به ایرانیان نشان می داد و هم نظر و خط مشی دیپلوماسی شوروی را آزمایش می کرد. در میان نکاتی که روی آن بین انگلیسها و روسها توافق نظر حاصل شد یکی تخلیه فوری منطقه تهران بود. قراردادی که در این خصوص بین طرفین منعقد شد ظاهراً به حال هردو یکسان بود ولیکن در باطن به نفع شورویها بود. برای اینکه روسها تعداد زیادی اشخاص را با لباس غیرنظامی که تنها عده آنها در تهران به چندین هزار نفر بالغ می شد جانشین نفرات شده بود و منجمه مرکز (N.K.V.D) پلیس مخفی همچنان در تهران باقی ماندند باین ترتیب اگرچه تا اواسط ماه سپتامبر ۱۹۴۵ قسمت اعظم قوای شوروی تهران را تخلیه کردند ولیکن هنوز امکانات مبادرت به عملیات نظامی از طرف شوروی در پایتخت بطور کامل از بین نرفته بود.

در خلال این مدت انگلیسها فعالیتهای خود را یکی بعد از دیگری تعطیل و موقوف کردند ولی از طرف روسها اقدام بمثل نمی شد و کاملاً واضح بود که آنها متعمداً به مسامحه و دفع الوقت می گذرانند و مایل نیستند خاک ایران را تخلیه کنند و قرائنی بسیار نشان می داد که روز بروز فعالیت آنها در ایران زیادتر و وسیع تر می شود.^۱

مسئله نفت بار دیگر ایران را بر سر دوراهی سرنوشت سرگردان می کند و بیم تجزیه آذربایجان هر لحظه بیشتر رنگ خطر به خود می گیرد. این نگرانی را از مدتها پیش کارشناسان خبره انگلیس و امریکا دریافته بودند و اگر به گفتگوهای سه جانبه امریکا، انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی در کنفرانس یالتا (۸ فوریه ۱۹۴۵) بنگریم، درمی یابیم که امریکا و انگلستان برای بهبود بخشیدن روابط ایران و شوروی بسیار کوشیده اند. ونیستون چرچیل پاره ای از این گفتگوها را در کتاب خاطرات خود آورده است که ادوار. آر. استیونس جویز در کتاب «روزولت و روسها» از تمامی آن چنین یاد می کند:

۱- رقابت روسیه و غرب در ایران، نوشته جورج لئوسکی، ترجمه اسماعیل رائین، صفحات

گفتگوی وزیران امور خارجه امریکا و انگلستان و شوروی در کنفرانس یالتا: آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلستان از اعلامیه سه دولت در کنفرانس تهران پیرامون ایران یاد می‌کند و می‌گوید: «بنابر پیمانی که متفقین با ایران بستماند دولت ایران مزایایی برای متفقین در زمان جنگ قائل شده است ولی عقیده من بر این است که در دیگر مسائل دولت ایران باید صاحب اختیار کشور خود باشد و بتواند با آزادی کامل تصمیماتی بگیرد. دولت انگلستان اهمیتی چندانی به رعایت این مسئله می‌دهد زیرا در غیر این صورت امکان رقابت میان متفقین در ایران به‌وجود خواهد آمد و این برای هیچکس خوشایند نیست. بنابراین پیشنهاد می‌کنم که دول متفق از دخالت در کارهای داخلی ایران خودداری نمایند».

دولت انگلستان به این نکته که دولت شوروی به نفت ایران نیازمند است کوچکترین اعتراضی ندارد و سیاست دولت من این نیست که شوروی را از بدست آوردن امتیاز نفت شمال ایران بازدارد زیرا ما به این نکته معترفیم که شوروی بازار طبیعی نفت ایران است. دولت انگلستان کوچکترین علاقه‌ای به سد کردن راه شوروی در گرفتن امتیازهای نفت ایران ندارد بشرط اینکه ایرانیان خود متمایل به گفتگو پیرامون نفت خود باشند. من معتقدم دول متفق رسماً اعلام دارند که تا پیش از خروج نیروهای خود از خاک ایران برای گرفتن امتیاز نفت، دولت ایران را تحت فشار نخواهند گذاشت. نیز دولت انگلستان آماده است تا در این کنفرانس پیرامون فراخواندن ارتش متفقین زودتر از موعد مقرر گفتگو کند و به بررسی آن بپردازد: اگر این پیشنهاد را بپذیرند بیگمان اثر نیکوئی بر افکار عمومی جهان خواهد گذاشت.

در پاسخ مولوتف وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی می‌گوید: «در این قضیه دو مسئله مختلف مورد گفتگو وجود دارد یکی فراخواندن ارتش متفقین از ایران و دیگر امتیازهای نفت.

درباره فراخواندن ارتش متفقین تاکنون پیشنهادی به دولت شوروی نشده بود به اعتقاد من این مسئله به پیمانی که با ایران بسته شده است مربوط می‌شود و اگر نیازی باشد که در پیمان تغییراتی بدهیم باید بیشتر روی آن گفتگو کنیم و این کار زمان می‌خواهد. اما درباره نفت باید به چند نکته اشاره کنم. دولت شوروی نظریه دولت ایران را درباره نفت از آهی سفیر کبیر ایران در شوروی جوابا شد پاسخ سفیر کبیر ایران مساعد

بود از این رو کافتاراذره برای آغاز گفتگو به ایران رفت. در اولین دور گفتگو کافتاراذره و محمد ساعد نخست‌وزیر دولت ایران بار دیگر روی خوش نشان داد و البته روی خوش نشان دادن و پاسخ مساعد گفتن واکنشی کاملاً طبیعی بود زیرا اعطاء امتیاز نفت نه تنها به دولت شوروی بلکه به دولت ایران سود سرشار می‌رساند. از این گذشته چنین امتیازی با اعلامیه تهران نیز هماهنگی داشت چرا که به اقتصاد ایران کمک شایانی می‌کرد.

این مرحله اول گفتگو و مباحثات بود اما در ابتدای مرحله دوم اوضاع به یکباره دگرگون شد و ناگهان ایرانیان ادعا کردند که موقع برای ادامه گفتگو مناسب نیست و مجلس شورای ملی ایران قانونی را گذراند که گفتگو پیرامون نفت را در زمان جنگ تحریم کرد بعدها بسیاری از ایرانیان اظهار داشتند که این تصمیم با شتاب گرفته شده و از خردمندی بدور است.

اکنون می‌پرسم چرا مرحله سوم پدید نمی‌آید؟ مگر نه اینکه دولت ایران یک‌بار تغییر فکر داد؟ پس دولت شوروی دلیلی نمی‌بیند که دولت ایران یک‌بار دیگر هم تغییر رأی ندهد و بر سر حرف اول خزد بازنگردد. دولت شوروی در تشویق ایرانیان برای بازگشت به مرحله اول بسیار کوشیده است. کافتاراذره اکنون از تهران بازگشته و در مسکو بسر می‌برد و رویه (دست قوی) که او بکار برد کاهش داده شده است بنابراین لزومی نمی‌بینم که درباره این قضیه گفتگویی کنم چون وضع فعلی آن چنان حاد است که بهتر است با گفتگو درباره آن اوضاع را وخیم‌تر از این نسازیم.

ادوآراستی نوس (امریکائی) در جواب مولوتف چنین گفت: «دولت امریکا در زمان جنگ هیچگونه پیمانی با دولت ایران نبسته است وضع ما از نظر نفت با دولت شوروی یکسان است زیرا با قانونی که مجلس شورای ملی ایران گذراند راه هرگونه گفتگو یا ادامه گفتگوی شرکت‌های نفتی امریکا با ایران نیز بسته شده است.» نماینده واشنگتن سپس درباره فراخواندن ارتش امریکا از ایران چنین گفت: «دولت امریکا درباره واگذار کردن گفتگوهای جدید پس از پایان جنگ کوچکترین اعتراضی ندارد و درباره فراخواندن نیروی خود برای ترک خاک ایران از نظریه دولت انگلستان پشتیبانی می‌کند.

آنتونی ایدن برای بار دیگر اظهار داشت «شرکت‌های انگلیس پیش از آنکه

دولت شوروی بر سر نفت شمال ایران با دولت ایران به گفتگو بنشینند مذاکراتی را با ایران آغاز کرده بودند بنابراین روشن است که با تصمیم دولت ایران گفتگوی شرکت‌های نفتی انگلستان نیز بدون کوچکترین نتیجه‌ای بدست فراموشی سپرده شده است. من بار دیگر یادآوری می‌کنم که پیشنهاد من را دربارهٔ اعلامیه پذیرش متفقین به واگذارن گفتگوهای نفتی به پس از جنگ بپذیرد تا در آینده راه برای گفتگوهای جدید باز باشد. دربارهٔ خروج نیروی متفقین از ایران نیازی به تفسیر پیمان نیست زیرا پیمان مزبور مقرر می‌دارد که ارتش متفقین نباید دیرتر از شش ماه خاک ایران را ترک گویند پس همین که رساندن وسایل به شوروی از راه ایران قطع شد نیروی متفقین باید از خاک ایران فراخوانده شوند...»

مولوتف همچنان بر سر حرف خود می‌ماند و می‌کوشد تا درهای گفتگو را باز نگاهدارد. بنابراین گفته نخستین خود را به گونه‌ای دیگر در میان می‌نهد «صلاح در این است به تبادل نظریاتی که در این باره شده است اکتفا کنیم. من آمادهم که کافتارازره را به این کنفرانس فراخوانم تا گزارشی دربارهٔ اوضاع ایران بدهد.»

اما آنتونی ایدن در جواب همتای خود چنین می‌گوید: «من مایلم دربارهٔ مطالبی که آقای مولوتف ابراز داشت بیشتر بیندیشم و آن را بررسی کنم شاید در جلسات آینده پیشنهادهایی در این باره بدهم.»

سرانجام کوشش ایدن و استیونس برای وادار ساختن مولوتف به صدور اعلامیه‌ای دربارهٔ ایران به جایی نمی‌رسد و همین ناکامی زمینه را برای دامن زدن به آتش غائله آذربایجان فراهم می‌سازد.^۲

یکی از مشخصات اوضاع سیاسی ایران این بود که محال بنظر می‌رسید بین ایران و اتحاد شوروی اتفاقی رخ دهد و انگلستان نسبت به آن واقعه لاقید باشد به این سند مراجعه شود:^۳

۲- از شکست تا پیروزی، ماجرای نفت، نوشته علیرضا طاهری، صفحات ۲۰۰ تا ۲۰۳

۳- مرکز اسناد آرشیو لندن. P.R.O. 454G4. Public Record Office

به کلی سری

نظریات سفیر اعلیحضرت پادشاه انگلیس در تهران

در جواب یادداشت شماره: ۱۳۳۲ / 0 - IN - 000

۳ از (c) تا (e)

۱ - به منظور رفع و احتراز از سوء تفاهم های ناشی از مکاتبه های پیشین شاید لازم باشد اشاره کنم که من هیچگاه اهمیت امنیت میدانهای نفتی برای ایران را از نظر دور نداشته‌ام. پیشنهاد من این بود که این امنیت می‌تواند توسط یک نیروی پلیس غیر نظامی (کشوری) بریتانیائی (یا هندی) و تحت کنترل شرکت نفت ایران و انگلیس حفظ گردد که بالقوه قادر به مداخله باشد که امیدوارم بتوانیم این نیرو را در عراق و در مسافتی با بیستون مستقر سازیم.

۲ - دولت امپراتوری همواره این نظریه را اتخاذ کرده است که مذاکرات احتمالی در باب امتیاز نفت منوط به موافقت بین شوروی و دولت ایران است ولی موافقتی که با رضایت عمیق طرفین باشد و زیر هیچ نوع فشاری حاصل نشده باشد. تنها طریق نیل به این منظور تماس با دولتی است که در مذاکره آزاد باشد یعنی به تعویق انداختن مسئله تا پس از تخلیه کشور از جانب نیروهای شوروی.

۳ - معذک به عقیده من بزرگترین اشتباه این است که تصور شود تحصیل امتیاز نفت به وسیله شوروی حتی در بهترین شرایط ممکنه وضع امتیاز نفت جنوب ما را محکمتر خواهد کرد. عقیده دارم که مخالفت صریح با این موضوع عین حقیقت است اگر اتحاد شوروی دولتی کاملاً غیر مهاجم و عاری از جاه طلبی تسلط بر دنیا بود و از اعمال فشار برای تحصیل نفت از کشوری خارجی بری بود امکان اظهار عقیده در این موضوع وجود داشت ولی هیچکس با وجود کمونیسم نمی‌تواند انتظار داشته باشد که امریکا از این مسئله صرف نظر کرده اعمال قدرت نکند و نیز باید به این نکته توجه داشت که متخصصین امور نفتی معتقدند که اتحاد شوروی نفت کافی برای احتیاجات خود در اختیار دارد. بنابراین باید پذیرفت که تقاضای تحصیل امتیاز نفت ایران از طرف شورویها گرچه کاملاً جنبه سیاسی نداشته باشد ولی می‌توان استنباط نمود در صورتیکه نفت شمال ایران به شورویها اختصاص یابد آنوقت است که مازاد قابل توجهی از این بابت در اختیار

گرفته می‌تواند این مازاد را به بازارهای جهان عرضه کند. از نظر سیاست اعمال قدرت تعلق گرفتن ذخایر نفتی وسیله خواهد شد که از این راه امتیازات بیشتری را نصیب خود نماید. این ذخایر نه تنها قدرت بالقوه جنگی را افزایش می‌دهد بلکه وسیله موثری برای رقابت با سایر کشورهای تولید نفت بدست آنها خواهد داد.

۴ - با توجه به این نکات عدم امکان عرضه نفت و فروش آن به دیگران از مسئله مالکیت آن مهمتر و با اهمیت‌تر است. بطور کلی با در نظر گرفتن جنبه نظامی مسئله که ممکن است مدت آرزو کوتاه باشد شورویها در آینده خواهند فهمید که تضعیف کنترل بریتانیا در منابع نفتی کاملاً به نفع آنان تمام خواهد شد. علاوه بر این با وجودی که شرکت نفت ایران و انگلیس در حال فعالیت است معذک این ملاحظه سیاسی مطرح است که نفت به ایران تعلق دارد و بریتانیای کبیر فقط منافع مخصوصی در آن دارند که هرگاه شورویها نقصانی در آن مشاهده نمایند باعث مسرت آنان خواهد شد. اگر شورویها ما را از نفت ونزوئلا محروم سازند ناچار از این موضوع منتفع خواهند شد که اگر نفت ایران را هم به آن ملحق شود نفعی دوچندان نصیبشان می‌شود.

۵ - اکنون که شورویها نمی‌توانند از نفت جنوب استفاده نمایند باید انتظار داشته باشیم که کوشش‌های خود را برای تضعیف وضع شرکت نفت ایران و انگلیس افزایش خواهند داد. چنانکه هم‌اکنون وسیله‌هائی برای انجام چنین عملی در اختیار دارند. از قبیل به راه انداختن اغتشاشات کارگری از طریق حزب توده و دست زدن به وسایل تبلیغات افتراآمیز از طریق مطبوعات تحت کنترل خویش. اگر شورویها به گرفتن امتیاز نفت شمال موفق شوند این وسایل قویتر و افزونتر خواهد شد. سیستم کنترل شوروی در مسائل اقتصادی به وضعی است که حتی در صورت لزوم و با تحمل خسارات زیر بازرگانی می‌توانند شرایطی بوجود آورند که در مدتی کوتاه بازار نفت شرکت ایران و انگلیس را مختل سازند. علاوه بر این وجود یک شرکت تحت کنترل شوروی در ایران وسیله سیاسی مهمی را در اختیار آن خواهد گذاشت که به وسیله آن مقامات ایرانی را وادار به محدود ساختن شرکت نفت ایران و انگلیس می‌نمایند.

«.....»

با این تفصیل مشاهده می‌شود که تا چه اندازه موضوع نفت در بروز غائله آذربایجان موثر بوده است. «استالین به نفت شمال ایران می‌اندیشد و سخت بدان

دل بسته است. او نیز می‌خواهد مانند امریکا و انگلستان کشور خود را در زمره میهمانان ضیافت پرشکوه نفت ایران جای دهد». اما همه راه‌ها به روی استالین بسته است و تنها پس آذربایجان آتش امید را در سینه او دامن می‌زند.

«ارتش سرخ که از آغاز یورش نیروی متفقین سراسر بخش شمال، شمال شرقی و شمال غربی ایران زیر چکمه‌های خود گرفته است بذر تبلیغات روسی و ضد ایرانی را ذره ذره در خاک اشغال شده می‌پاشد تا اگر احتمال نزدیک به یقین شکست گفت و گوه‌های نفت به واقعیت پیوست، راه دیگری را برای روسیه شوروی به سوی نفت ایران هموار سازد».

«با ناکامی کافتارادزه و پاسخی که مولوتف در کنفرانس یالتا در امریکا و انگلستان می‌دهد موج تبلیغات ضد دولتی در سراسر ایران بالا می‌گیرد و آتش آذربایجان گداخته‌تر می‌شود».

«ایران هنوز آرامش خود را بازیافته است و بلندگوهای تبلیغاتی کرم‌لین همچنان آهنگهای گوشنواز دلفریب پخش می‌کند. درست در شرایطی که پادشاه جوان ایران جستجوگر آرامش است تا برای اولین بار در تاریخ، یک منطقه نفت خیز را نه تنها از بیچارگی و زبونی به دور نگاهدرد بلکه به مردم خود آرامش و آسایش بخشد، طوفان آذربایجان غوغا می‌کند تا از ایران به مسکو، حریف تازه نفس در میدان نبرد خداوندان نفت، نیز کلاهی برسد...»^۴ پیش از اینکه وارد بحث در جزئیات مسئله غائله آذربایجان شویم لازم دیدیم اوضاع کشور را از جهات مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و وضع متفقین را در آن زمان در ایران به عنوان مقدمه مورد مطالعه قرار دهیم. البته منابع ایرانی در این موارد شاید به اندازه کافی اطلاعاتی در دسترس گذاشته باشند که در آینده هم از آنها استفاده خواهد شد ولی چون هدف و منظور ما در تدوین تاریخ آن زمان جنبه وقایع‌نگاری ندارد و کوشش بر این است که حوادث را از دیده اسناد سیاسی نگریسته از این راه به حقایق امور پی ببریم. بنابراین موضوع را به اسنادی متوجه کردیم که سیاستمداران و بخصوص نمایندگان سیاسی دولتهای ذینفع، بنا به وظایف سیاسی و دیپلوماسی خود موظف بودند در ژرفای جزئیات امور داخل شده با دیده تیزبین، گرچه

برای حفظ منافع خویش هم که شده حقایق امور را بدون پرده‌پوشی به دولتهای متبوع خود گزارش دهند. و اگر هم بنا به اقتضای منافع گاهی وقایع را به نفع خود تعبیر و تفسیر کرده‌اند می‌توان با اندک وقتی این نقیصه را درک کرد و نظریات و عقاید شخصی را تشخیص داد. به پیروی از این روش در میان اسناد زیادی که در این موضوعات در دست می‌باشد، اسنادی را که معرف گویای اوضاع آن زمان و مصادف با بروز غائله آذربایجان است و به وسیله سفیر وقت دولت پادشاهی انگلستان به وزیران امور خارجه متبوع خود داده شد، انتخاب کرده در زیر متذکر می‌شویم:

ایران ۲۲ مه ۱۹۴۵

سری بخش یک

نسخه شماره ۸

[۳۴ / ۳۱ / ۱۳۲۷۸ ای]

از سر آر. بولارد به آقای ایدن (وزیر امور خارجه) [واصل در تاریخ ۳۲ مه]
(شماره ۱۲۸)
عالیجناب

پیرونامه شماره ۲۱ مورخ ۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ افتخار دارم به این وسیله گزارش اوضاع ایران را طی ماههای ژانویه، فوریه و مارس ۱۹۴۵ تقدیم نمایم.

سیاست داخلی و روابط با اتحاد شوروی:

۱ - دولت ایران در آغاز سال زیر فشار مبارزه تبلیغاتی شورویها به اقدامات امیدبخش در جهت اصلاحات اداری و اجتماعی و تصویب نامه‌هایی برای تشکیل انجمن‌های محلی، اصلاح وضع کارگران روستائی و صنعتی و اصلاح ادارات دولتی و تهیه مقدمات طرح قانونی تعلیمات اجباری و طرح‌هایی برای توسعه کشاورزی و صنعتی و اکتشاف و استخراج منابع زیرزمینی، مبادرت ورزیده و دستورهای دراین زمینه‌ها به مقامات سراسر کشور صادر کرده است.

۲- در خلال این مدت نخست‌وزیر (سپه‌السلطان بیات) برای جلب رضایت شورویها و حل اختلاف با آنان راجع به موضوع اکتشاف نفت با امکان استفاده از متخصصین ایران و در صورت عدم وجود متخصصان ایرانی استفاده از متخصصان کشورهای بی‌طرف و در غیر این صورت مراجعه به کارشناسان شوروی، موضوع را به آگاهی سفیر شوروی رسانید. ولی سفیر شوروی این پیشنهاد را با سردی تلقی کرده با بی‌میلی وعده داد که دولت متبوع خویش را از این قضیه مسبوق سازد.

۳- پیشنهاد نخست‌وزیر که باید طبق لایحه قانونی به اطلاع مجلس برسد از ترس اینکه مبدا مورد موافقت واقع نشود به مجلس شورای ملی ارائه نگردید. ولی طولی نکشید که شایعه مذاکرات او با شورویها قوت گرفت و به آگاهی نمایندگان رسید. نمایندگان مجلس اعتقاد پیدا کردند که بیات دو وعده صریح به شورویها داده است: (۱) اینکه خود را از دست دکتر میلیسپو خلاص می‌کند و (۲) اینکه مجلس را متقاعد می‌کند که قانون مصوب دسامبر مجلس شورای ملی که اعطای هرگونه امتیاز نفتی را به هر دولت و با شرکت خارجی ممنوع و غیرقانونی اعلام می‌کند، تجدیدنظر خواهد کرد. راجع به موضوع دکتر میلیسپو نخست‌وزیر طرفدارانی در مجلس دارد ولی بعضی دیگر از نمایندگان معتقدند که برکناری میلیسپو قدرت اقتصادی را تضعیف کرده باعث خرابی وضع می‌شود... در تعقیب این شایعه نمایندگان که مخالف دادن امتیاز به شوروی هستند تصمیم گرفتند که بیات را از کار برکنار نمایند... در نتیجه صف‌بندی مجدد «فراکسیونها» در مجلس آغاز گردید. اتحاد ملی، بزرگترین فراکسیون، که نخست‌وزیر شخصاً عضو آن است به دو گروه تقسیم گردید. گروهی به پشتیبانی وی و گروه دیگر به مخالفت با او برخاستند. فراکسیون «میهن» که با همکاری با «اتحاد ملی» بیات را بر سر کار آوردند، آشکارا علیه وی قیام کرده است. از طرف دیگر فراکسیون «دموکرات‌ها» همچنان با بیات مخالفت می‌نماید در صورتیکه فراکسیون «مستقل» و عملی از منفردین و حتی نمایندگان توده در پشتیبانان از وی کوشش می‌کنند. بنابراین در حقیقت بیات پشتیبانی بسیاری از نمایندگان محافظه‌کار را که به نخست‌وزیری او رأی داده بودند، از دست داده است. ولی بیات سعی می‌کند برای حفظ خود به مخالفان دست چپی متکی شود. با تمام این تفصیل بنظر می‌آید که وضع و موقع وی بسیار سست شده عزل او نزدیک است. در میان جانشینان احتمالی او نام

قوام السلطنه بیش از سایرین برده می‌شود. سهیلی هنوز از اتهامات وارده مبرا نشده و نفوذ چندانی ندارد... با وجود مذاکرات و کوشش‌های زیر هنوز نمایندگان برای انتخاب نخست‌وزیر جدید به توافق نرسیده‌اند و بیات هم با سرسختی از دادن استعفا خودداری می‌کند.

۴ - حوادث چندی در خلال این زمان از طرف مخالفان به بهانه تمایل آشکار او به شورویها اتفاق افتاد. از جمله نخست‌وزیر به علت دادن اجازه پخش ترجمه مقاله‌ای از پراودا، به وسیله انجمن فرهنگی ایران و شوروی و از طریق رادیو تهران که در آن به سیدضیاءالدین طباطبائی، نخست‌وزیر اسبق، که پس از بیست سال اقامت در فلسطین دوسال قبل به ایران بازگشته بود، حمله شده او را به آلت دست انگلیسها در مظان افترا قرار داده بودند. به شدت در معرض انتقاد قرار گرفت. همچنین برپا کردن مجلس ضیافت رسمی به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد ارتش سرخ که در آن هیئت‌های سیاسی شرکت داشتند و نیز داستان دونفر از وزیران کابینه او در مجلس یادبود درگذشت دکتر ارانی کمونیست، که بعداً هم از طرف یکی از وزیران شرکت کننده تکذیب گردید، تماماً زمینه انتقادات شدیدی را علیه او فراهم آورد. ضمناً در بعضی از جراید نیز به دلایلی متمایل به شورویها قلمداد گردید. با تمام این تفصیل گرچه بیات در موارد کم‌اهمیتی، متمایل به شوروی بود معذک باید گفت که در موضوع امتیاز نفت و یا سایر موارد اساسی دیگر آثارش مشهود نیست. چنانکه نمایندگان پشتیبان او در مجلس هم همین عقیده را دارند که نخست‌وزیر جز در موارد غیرمهم در اصلاح روابط ایران و شوروی موفقیت‌هایی کسب کرده است...

۵ - طی این دوره در مجلس کار جدی صورت نگرفت. فقط اتهام یکی از نمایندگان به عنوان سوءاستفاده از مقام خود از طرف نماینده مخالف او و تصویب دو لایحه مربوط به بهداری و طرح قوانین جدیدی برای اعاده حقوق کسانی که امولشان به وسیله عشایر و یا سایر مالکین ضبط شده بود و توسعه کشاورزی و تأسیس انجمن‌های کشاورزی و قانون جدید کار و منع استعمال تریاک و کشت خشخاش که این لوایح اخیر تا آخر ماه مارس هنوز به تصویب نرسیده است، از جمله مسائلی بود که در دستور کار مجلس قرار داشت.

۶ - طی این دوره فعالیت حزبی و تظاهرات کارگری رو به شدت بود. حزب

توده به خصوص در جنوب تبلیغات خود را گسترش داده است. رهبران حزب آشکارا اظهار داشتند گرچه فعالیت آنان در شمال با پشتیبانی شوروی است ولی درصددند که در آینده فعالیت خود را در مناطقی که از طرف شورویها اشغال نشده بهبود بخشند. بر روی این اصل دو مرکز در شیراز ایجاد کردند و به انتشار دو روزنامه مباردت ورزیدند. که در آنها کسانی را مانند قوام‌الملک و ناصر قشقای که مدعی بودند طرفدار انگلیسها هستند به باد انتقاد گرفتند. در اهواز هم ورود کنسول جدید شوروی با اعتصابی در کارخانه محلی صورت گرفت. فعالیت حزب توده در اصفهان و یزد بیش از سایر جاها بود. چنانکه تعدادی از نمایندگان توده برای تقویت قوای خود در اتحادیه‌های کارگری به اصفهان رفتند. ولی با وجود پشتیبانی کنسول شوروی بر اثر عکس‌العمل صاحبان کارخانه‌ها و ایجاد اتحادیه‌های بازرگانی علیه توده، اقدامات نمایندگان با ناکامی مواجه گردید و پس از یک دوره پر آشوب همراه با تظاهرات و تصادمهای بین هواداران احزاب رقیب مقامات محلی ایران موفق شدند کنترل اوضاع را در دست گرفته نظم و آرامش را اعاده دهند. نتیجه این عمل چنین شد که بسیاری از کارگران حداقل در حال حاضر خود را به عنوان ضدتوده اعلام کرده در پایان ماه مارس با برپا ساختن تظاهرات ضدتوده به مؤسسات حزب توده آسیب فراوان وارد ساختند. در یزد نیز افراد حزب توده بر اثر حمله مردم با واکنش شدیدی روبرو شدند. در ماه ژانویه شعبات حزب در آذربایجان نخستین کنگره خود را تشکیل داد و جمعی از اهالی شهر تبریز و کشاورزان و عشایر کرد را با خود همراه کرد. به همین قرار در همدان و کرمانشاه نیز تلاشهای ناموفقی برای جلب هواداران برای حزب صورت گرفت.

۷- در تهران عقیده عموم بر این است که حزب توده، بخصوص پس از برگزاری تظاهرات اکتبر گذشته، حزب دست چپی ایرانی نیست بلکه سازمانی است سیاسی که زیر نظر شوروی اداره می‌شود. در موقعی که توده خود را برای تظاهرات دوم ماه مارس آماده می‌کرد فرماندار نظامی تهران جداً از تظاهرات مزبور جلوگیری به عمل آورد. در آذربایجان نیز در آخر ماه مارس علائمی در دست بود که رهبران توده روش معتدلانه‌ای در پیش گرفته سعی می‌کردند از فعالیتهای بی‌رویه و تند افراد حزب جلوگیری بعمل آورند. در مشهد در آخر ماه مارس فعالیتهای حزب توده شدیدتر بود و تظاهرات آنها با پشتیبانی افراد مسلح شوروی در خیابانها انجام گرفت.

۸- در ماه فوریه سیدضیاءالدین برنامه حزب خود را علناً به نام «اراده ملی» اعلام کرد و علیرغم حملات شدید مطبوعات طرفدار شوروی و سایر عناصر دست چپی حزب او به پیشرفتهای چشمگیری نائل آمد بطوریکه تا پایان ماه مارس تعداد اعضای این حزب بین ۹ تا ۱۰ هزار نفر رسید.

۹- در ۱۴ مارس دکتر مصدق، یکی از پشتیبانان اصلی بیات، مجلس را به چشمپوشی و سهل‌انگاری در برابر فساد متهم ساخت و با تذکر به اینکه دیگر به مجلس برنخواهد گشت کرسی خود را ترک گفت ولی دو روز بعد در میان تظاهرات دانشجویان، که به کشته شدن چند نفر از آنان و مجروح شدن عده‌ای از مردم منجر شد، به مجلس برگشت. در این میان بیات و اعضای کابینه او به جرم شرکت در این تظاهرات علیه مجلس «مرتجع» متهم گردیدند و همین امر سبب شد که دامنه انتقاد علیه دولت او رویه افزایش بگذارد. سرانجام در ۱۸ مارس نمایندگان فراکسیونهای «میهن»، «مستقل»، «دموکرات» و تعدادی از فراکسیون «اتحاد ملی» بالاتفاق به عرض شاهنشاه رسانیدند که دیگر از بیات پشتیبانی نخواهند کرد و استدعا کردند او را وادار به استعفا نمایند. ولی شاهنشاه بنابر مصالح وقت صلاح دیدند که کابینه او تا پس از تعطیلات عید نوروز به کار خود ادامه دهد.

۱۰- به این ترتیب بیات و دولت او در حال حاضر (پایان مارس) هنوز بر سر کار است و علت آن فقدان اتحاد و تصمیم مخالفان و موکول شدن اخذ تصمیم مجلس به پس از تعطیلات نوروزی است. در این روزها مجلس به علت نبودن حدنصاب نمایندگان حاضر در جلسه نتوانسته است جلسه‌ای تشکیل دهد.

تقاضای امتیاز نفت از طرف شوروی و کنفرانس یالتا:

۱۱- در اواخر ماه مارس سفارت در برابر درخواستهای پی در پی دولت ایران راجع به طرح مسئله ایران در کنفرانس یالتا، بطور غیررسمی و شفاهی به دادن پاسخهای زیر مبادرت ورزیده است:

«مسئله مربوط به ایران چون در دستور جلسه کنفرانس منظور نشده بود بطور خلاصه مطرح مذاکره قرار گرفت. و تا هنگامی که شورویها علائمی از صرفنظر کردن تمایل خود راجع به گرفتن امتیاز نفت نشان ندهند موافقت کامل درباره حفظ استقلال و

تمامیت ارضی ایران حاصل است و تکرار تذکر اعلامیه‌های منتشره قبلی در این موضوع زائد بنظر می‌رسد».

۱۲- حقیقت امر این است که شورویها در کنفرانس یالتا هنگام طرح مسئله ایران نظرات دلسردکننده و غیرممکن را ابراز داشتند و بسیاری از اظهارات نادرست خود را پیرامون بحران امتیاز نفت تکرار کردند. معذک با توجه به خلاصه مذاکرات شاید دولت شوروی را متقاعد کرد که اعمال هرگونه فشار زیادتری بر ایران برای نقض تصمیم راجع به دادن امتیاز نفت در روابط آن دولت با بریتانیای کبیر و کشورهای متحده اثرات نامطلوب و منفی باقی خواهد گذاشت و البته شورویها هم اعمال چنین فشاری را به شدت رد کردند. قابل تذکر است که پس از اندک مدتی بعد از پایان کنفرانس یالتا مطبوعات ایران از جانب سفارت شوروی زیر کنترل قرار گرفت و تدریجاً ابراز هیجانات مربوط به الغاء قانون نفت را قطع نمود.

برقراری سانسور از جانب ایران و انگلیس و شوروی:

۱۳- برقرای سانسور از طرف انگلیس و شوروی درباره وقایع جنگ که با شدت هرچه تمامتر در قسمت اعظم دوره تحت کنترل اعمال می‌شد به پیروزی کامل بریتانیا منجر گردید.

۱۴- در اواخر تابستان ۱۹۴۴ پیشنهادی دائر بر متارکه موقت «برقراری سانسور ایدئولوژیکی» به سفیر شوروی تسلیم گردید. در آن زمان عملیات تلافی‌جویانه بریتانیا سبب ناراحتی شورویها شده بود. گرچه آقای ماکسیموف سفیر شوروی در ایران تعهد کرد این پیشنهاد را به مسکو بفرستد ولی انجام آن مشکوک بنظر می‌رسد.

۱۵- در ۲۹ ژانویه این پیشنهاد با طرح منطقی‌تر و تشریح جزئیات مطالب، تکرار شد. در این پیشنهاد قید شده بود که طرفین باید سانسور مراسلات چاپی انگلیسی و روسی را که از طریق نمایندگان گیسهای رسمی و شرکتهای بریتانیایی و کشورهای تحت‌الحمايه آن و شرکتهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای متحده منتشر شده است قطع نمایند.

۱۶- در خلال این مدت اقدامات تلافی‌جویانه ادامه یافت ولی هیچگاه با محتوای عملیات سانسور شوروی قابل مقایسه نبود...

۱۷- در ۶ مارس قسمت سانسور شوروی شفاهاً با پیشنهادهای فوق‌الذکر موافقت کرد و تعداد زیادی از مکاتبات چاپی متعلق به انگلیس و آمریکا و اتحاد شوروی را که قبلاً توقیف شده بود آزاد کردند....

۱۸- با وجود کوشش‌های زیاد موفقیتی برای بدست آوردن موافقت کتبی از طرف مقامات شوروی حاصل نگردید شاید به این علت بود که آقای ماکسیموف به استناد تصریح در گفتار خود به دادن تعهد کتبی تمایل نداشت و یا اینکه احتمالاً در انجام این امر دستوری نداشت.

..... ۱۹ -

کمک به شوروی:

۲۰- جمع کل محمولات کمک به شوروی در ماههای ژانویه، فوریه و مارس به

قرار زیر بود:

ژانویه

۱۰۲۰۰۹ تن

با راه آهن

۳۶۶۰۳ تن

با کامیون

۱۳۸۶۱۲ تن

فوریه

۸۳۷۷۹ تن

با راه آهن

۵۰۷۲۸ تن

با کامیون

۱۳۴۵۰۷ تن

مارس

۶۰۷۶۶ تن

با راه آهن

با کامیون

۲۰۹۲۷ تن

۸۱۶۹۳ تن

اوزان مربوط به کامیونها مجموع وزن کامیونها و محموله آنهاست.

۲۱- محمولات دریائی به شوروی از طریق خلیج فارس به سرعت کاهش یافت زیرا این محمولات در موارد مختلف توسط کشتیهائی که بطور نامرتب و اتفاقی از بریتانیا و امریکا و هندوستان و سیلان حرکت می کردند، حمل می شد. بهترین هواپیما و آلکیلات (ALKY late) (ماده ای برای تبدیل بنزین معمولی به بنزین هواپیما) که محصول پالایشگاه شرکت نفت ایران و انگلیس در آبادان است، قسمت اعظم محمولات را تشکیل می دهد. لذا از ۶۰ هزارتن محموله راه آهن در ماه مارس ۴۷ هزارتن آن به تولیدات شرکت نفت ایران و انگلیس تعلق داشت.

۲۲- سه هزارتن مواد نفتی در هر ماه از آبادان به وسیله راه آهن ایران به قسمت شمالی کشور (برای احتیاجات شوروی) حمل شده است.

۲۳- طی ماه مارس تعدادی از کامیونها از خرمشهر به بندر دریای سیاه برده شد و آخرین آنها در اواسط آوریل فرستاده خواهد شد.

۲۴- فرماندهی امریکا در خلیج فارس برای تقویت خطوط ارتباطی «کمک به شوروی» پانزده لکوموتیو دیگر برای حمل و نقل تجهیزات اختصاص داد.

۲۵- جمع کل زندانیان جنگی شوروی که از طریق ایران از تاریخ ۲۷ اکتبر ۱۹۴۳ تا ۲۵ فوریه ۱۹۴۵ به روسیه اعزام شده اند بالغ بر ۱۳۰۶۳ نفر می باشد.

موضوع عقب کشیدن نیروهای متفقین

۲۶- این مسئله به ارتباط بین سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلیس و وزارت امور خارجه بستگی دارد. بطوریکه در بند نوزدهم آخرین گزارش سه ماهه تذکر داده شده است، پیشنهاد سفارت آن بود که نیروهای بریتانیائی با استفاده از سایر طرق غیر از ایران، حداقل باید هرچه زودتر تهران را تخلیه نمایند. اظهار امیدواری می شود که روسها نیز به چنین اقدامی مبادرت ورزند.

۲۷- با اینکه دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس چندان تمایلی به تخلیه ندارد ولی

می‌تواند نیروهایش را زودتر از موعد معین فراخواند.

۲۸- این سفارت معتقد است که برای جلوگیری از فلج شدن اداره امور ایران و تجزیه روزافزون کشور باید هر چه زودتر در تخلیه خاک ایران اقدام نمود. زیرا روسها در اشغال استانهای ثروتمند شمالی و تعویق تخلیه منطقه اشغالی خود به شدت وارد عمل شده‌اند. تعویق در امر تخلیه شانس از جا کندن آنها را کمتر خواهد کرد دور صورت باقیماندن نباید انتظاری از دولتهای ایران داشت که در انجام این امر موفق شوند. بنابراین امکان اظهار این موضوع است که عقب‌نشینی بریتانیا از مناطق نفت خیز در منتهی‌الیه جنوب غربی کشور با تطبیق با عقب‌نشینی مشابه شوروی از شمال کشور می‌تواند مورد گفتگو قرار گیرد.

۲۹- هر چند انجام این امر با دشواری و پیچیدگی توأم است معذک پی‌فرمس سرفرماندهی کل عقیده دارد برای حفظ سلامت نیروهای حافظ مناطق نفتی، نگاهداری پایگاه استراحتی سربازان هندی در کرنه و پایگاه آموزشی تابستانی بیستون و حفظ خط ارتباطی جنوب از طریق خرم‌آباد، الزامی بنظر می‌آید... پیشنهاد سرفرماندهی کل وسیله خواهد شد که کاهش قابل ملاحظه‌ای در نیروهای منطقه اشغالی بریتانیا حاصل شود. ولی پذیرفتن تخلیه از مناطق موردنظر برای روسها مشکل است و آنان بدون تردید و بدون ارائه دلیلی منطقی خواهند گفت که با توجه به مقتضیات مجبورند به منطقه «خود» که طبق قرارداد تصریح شده است عقب‌نشینی نمایند و در منطقه‌ای استقرار یابند که کوهستانی و پوشیده از جنگل در قسمت مرکزی رشته کوه البرز و حاشیه ساحلی شمال آن است (این منطقه تقریباً در روی خطی قرار گرفته که از شمال شرق از قزوین به خرم‌آباد و از همین جهت از طریق ساحل دریای خزر و علی‌آباد به بابل و از اینجا در جهت جنوب شرقی تا سمنان ادامه پیدا می‌کند). با در دست داشتن این منطقه آنها کنترل کامل آذربایجان، گیلان و گوشه شمال شرقی ایران را در اختیار گرفته بر پادگانهای راه تبریز و مشهد در صد مایلی دوطرف تهران نیز اعمال کنترل خواهند کرد. حقیقت مطلب این است که پس از اشغال طبق تصریح محتوای نامه‌های متبادل بین ایران و شوروی، مشهد جز منطقه شوروی نبود. ولی با انتشار اعلامیه‌ای شفاهی و تأکید سفیر وقت شوروی نیروهای آنها فرودگاه مشهد را اشغال کردند و از این راه نفوذ خود را عملاً در شهر مشهد تثبیت کرده این ناحیه جزء منطقه اشغال شوروی درآمد...

۳۰- برای مقابله با این پیش آمد دشوار، سفارت پیشنهادی را مطرح نمود که ظاهراً و بطور احتمال مسئله را حاد می کرد به این قرار عقب نشینی کلی از جانب طرفین توأم با اقداماتی برای حفاظت مناطق نفتی، در غیاب نیروهای بریتانیا توسط نیروی پلیس مشابه پلیس فلسطین، که ظاهراً تحت کنترل ایران قرار داده شود، باشد. امکان دارد این پیشنهاد در مواجهه با مسئولیت مقامات نظامی شهر بر امنیت مناطق نفتی، بسیار جدی تلقی شود. لیکن باید خاطرنشان ساخت که خرابکاریهای ژاپنی ها در روزهای دشوار قبل از اشغال جنوب ایران بسیار کمتر از خطرات خرابکاری آلمانها بود. در نتیجه باید گفت که ادامه اشغال شوروی در شمال و تا شش ماه پس از صلح با ژاپن که منجر به تجزیه تقریباً کامل ایران خواهد شد ممکن است ما را از استفاده سرشار از مناطق نفت خیز محروم کند. ضمناً نتایج وخیم دیگری را نیز ببار خواهد آورد.

۳۱- این پیشنهاد در ۳۱ ژانویه به لندن تلگراف شد و چون کنفرانس یالتا یک هفته بعد از آن تشکیل گردید لذا وقت برای طرح و منظور کردن مسئله تنگ بود. در این کنفرانس گرچه بررسی امور مربوط به ایران در دستور جلسه رسمی وجود نداشت ولی برای ترغیب روسها در توافق در موضوع احضار نیروهای متفقین، تماس های چندی صورت گرفت که متأسفانه با عکس العمل منفی و دلسرکننده آنها مواجه گردید. مارشال استالین و مولوتف هر دو خواهان اجرای متن صریح پیمان سه گانه بودند و عقیده داشتند که نباید هیچگونه امتیازی در مذاکرات عقب کشیدن نیروها قائل شد.

۳۲- با توجه به این نتایج نامطلوب، این سفارت در اوایل ماه مارس خاطرنشان کرد که شوروی ها قصد و هدف خود را آشکار نموده اند. منظور آنه این است که تا حد امکان قبل از ترک خاک ایران نفوذ و تفوق خویش را بر این کشور محرز کرده برای انجام این مقصود هرچه بیشتر نیروهای خود را نگاهدارند.

۳۳- طی این دوره از هر اقدامی از جهات تبلیغاتی و یا تهدید خودداری به عمل آمد. ولی در اواخر ماه مارس سفارت اختیار گرفت که به دولت ایران اطلاع دهد که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس طبق تمایل دولت ایران مخالف رسیدگی متفقین به موضوع امکان عقب کشیدن نیروها قبل از موعد، یعنی شش ماه پس از تسلیم ژاپن، نیست. این تذکر سبب تشجیع افکار عمومی شد و آنها را بر آن داشت تصور کنند که فقط روسها هستند که مخالف تخلیه فوری هستند....

امنیت:

۳۴- مسئله پراهمیت اخیر سر و صدای مطبوعات و هیجان مجلس علیه بازداشت عده‌ای از برجستگان ایرانی بود که در این موضوع مقامات بریتانیایی مقصر قلمداد شدند. این شایعه قوت گرفته است که زندانیان باید طبق قانون ایران محاکمه شوند. در هر حال خطر امنیتی شدت گرفته باید در این خصوص چاره‌ای اندیشید.

۳۵- این هیجانات نتیجه حادثه‌ای بود که در موقع بازرسی بازداشت‌شده‌گان توسط یک افسر جزء بریتانیا اتفاق افتاد. افسر مزبور مورد حمله و بدرفتاری یک سرهنگ عصبانی قرار گرفت و این عمل دستاویزی برای بی‌رحمی‌های انگلیس‌ها در مطبوعات گردید.

۳۶- در اول فوریه دکتر مصدق در مجلس وزیر امور خارجه را در باب توجیه قانونی عمل بازداشت و تعیین تعداد بازداشت‌شده‌گان، مورد سؤال قرار داد و علیرغم کوششهای مشترک بریتانیا و شوروی در کمک به وزیر مسئول، برای دادن پاسخ مناسب معذک اظهارات وی اثر چندانی در تخفیف هیجان مجلس نکرد.

۳۷- به منظور مقابله با این جریانها سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلیس، بیانیه‌ای درباره حادثه پایگاه زندانیان منتشر ساخت و داستان کامل اقدامات جاسوسان آلمانی گامتا و مایر و جامعه ملیون را به خبرگزاریهای مهم دنیا مانند رویتر، آسوشیتدپرس و یونایتدپرس اطلاع داد. این اقدام باعث شد که در مطبوعات چنین وانمود شد که منظور بی‌اعتبار کردن ایران در سازمان ملل متحد و شکست انتظاراتش از کنفرانس سانفرانسیسکو بود.

..... ۳۸-

..... ۳۹-

۴۰- در روز ۱۲ فوریه کلیه زندانیان ایرانی پایگاه سلطان آباد به استثنای آنهاییکه خطرناک بودند و نیز سیدابوالقاسم کاشانی، ضد انگلیسی دوآتشه به بازداشتگاه تهران منتقل گردیدند. کاشانی بعداً به کرمانشاه انتقال داده شد.

۴۱- هم‌اکنون آزادی تدریجی زندانیان ایرانی در تهران، جز تعدادی که پس از خاتمه جنگ با ژاپن آزاد خواهند شد، مورد بررسی مقامات امنیتی بریتانیا قرار دارد و سفارت شوروی نیز آزادی نخستین دسته هشت نفری را خواستار شده است.

۴۲- در دهم مارس سیزده تن آلمانی و چک و سایر زندانیان از سلطان آباد به پایگاهی در عراق منتقل گردیدند و به این ترتیب پایگاه سلطان آباد منحل گردید.

۴۳- در ۱۸ مارس شیخ عبدالمجید شیرازی که نامش در فهرست انگلیس و شوروی جزء طرفداران دشمن و وابسته به توطئه مایر ثبت شده بود توسط پلیس ایران بازداشت گردید. در دوم آوریل نیز کنستانتین کاساکوفسکی، آخرین آلمانی نامطلوب که سالها در ایران به سر می برده است، بنا به درخواست مقامات بریتانیا توسط ژاندارمری در شهرضا دستگیر و تحویل گردید.

منافع نظامی بریتانیا:

۴۴- طی دوره مورد بررسی دوازده ماه گذشته نیروهای نظامی بریتانیا در ایران (که یازده هزار نفر بودند) به هشتصد نفر کاهش پیدا کرده

۴۵- علیرغم اعتراضی شدید سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلیس علیه خرابکاری در وسایل ارتباطی نیروهای متفقین، سرقت سیم‌های مخابراتی ادامه دارد. ارتش ایران هم اکنون حفاظت سیم‌ها را به عهده گرفته است...

مطبوعات و افکار عمومی:

۴۶- طی اوائل دوره، مورد بررسی، مطبوعات و افکار عمومی به شدت تحت تأثیر بحران ناشی از تقاضای امتیاز نفت شمال ایران از جانب اتحاد شوروی، قرار داشت. در این موضوع مطبوعات به دو گروه اصلی تقسیم شده بودند: جبهه آزادی که از تقاضای شوروی پشتیبانی می کردند و روزنامه‌های جبهه استقلال که بر ضد تقاضای شوروی بوده فشار وارده از جانب اتحاد شوروی را مداخله بدون مجوزی در امور داخلی کشور تلقی می کردند. برخی از روزنامه‌ها و بخصوص آنهایی که از سیدضیا، طرفداری می کنند حمله‌های شدید و علنی به سیاست شوروی می نمودند. بطوریکه مطبوعات توده قادر به دادن پاسخ‌های موثر نبودند. با توجه به این امر سفارت شوروی به سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلیس پیشنهاد کرد که به اتفاق از دولت ایران بخواهند که مطبوعات را به انتخاب لحن معتدلی مجبور نماید. در روز ۲۷ ژانویه سفیران دو کشور یادداشت مشترکی به دولت ایران تسلیم کردند و در آن به حمله‌های مطبوعات به متفقین اعتراض

کرده خواستار توقیف متخلفین و تعقیب سردبیران روزنامه‌ها شدند. در همان وقت فرماندار نظامی تهران اختاریهای منتشر ساخت و آنهایی را که مسئول حمله به دولت یا مقامات دولتی بودند و یا در روابط بین متفقین اخلاص می‌کردند و امنیت را به مخاطره می‌انداختند، به تعقیب تهدید نمود. نخست‌وزیر به اطلاع سفیر اعلیحضرت پادشاه انگلیس رسانید که به تمام مأموران دولت در حوزه مسئولیت خود، دستوری مشابه آن داده است. در نتیجه تعدادی از روزنامه‌ها برای مدتی کوتاه توقیف شدند ولی این عمل نتیجه چندان موثری دربر نداشت، زیرا هریک از روزنامه‌های توقیف شده تحت عنوانی دیگر فوراً در صحنه ظاهر می‌شدند.

۴۷- موازی با بالا گرفتن بحران نفت سوءظن روزنامه‌های جبهه آزادی نسبت به بریتانیا آشکار و قوت می‌گرفت و از بی‌غرضی اتحاد شوروی در برابر ما کیابولیم سیاست امپریالیستی بریتانیا حمایت می‌شد. ستونهای این روزنامه سراسر مملو از حمله‌های تند علیه «امپریالیسم» و «مرتجع بین‌المللی» و نمایندگان این نیروها، بخصوص سیدضیا، بود. ضمناً کنایه‌های ضد بریتانیائی هم در این حملات دیده می‌شد. روزنامه‌های جبهه آزادی به حمله به دکتر میلپسپو ادامه می‌دادند. در تمام مطبوعات در انتقاد از دولت پافشاری می‌شد. روزنامه رهبر ارگان حزب توده دولت را متوجه ائتلاف احزاب تندرو می‌کرد. روزنامه‌های جبهه آزادی، استقلال از نیاز به اصلاحات فوری تأکید می‌کردند. انتشار جریان کامل کنفرانس یالتا و منظور نشدن مسئله ایران در این کنفرانس در اعلامیه مشترک آن شگفتی مطبوعات و افکار عمومی را برانگیخت. رنجش مشابه دیگری نیز اطلاعیه نظامی مصر و ترکیه به وجود آمد که با توجه به آخرین اعلامیه آنها این دو کشور در کنفرانس صلح وضع و موقعی برابر با ایران داشته باشند. روش کنفرانس صلح فرصتی شد که سیل مقاله‌هایی مبنی بر اینکه ایران با وجود نقش مهمی که در جنگ داشته، قربانی پیروزی متفقین شده است. در بعضی از روزنامه‌های کم‌اهمیت گرایش حمله به شاه مشهود بود. سایر عناوین مورد بحث مطبوعات شامل فدراسیون غرب می‌شد که از تشکیل آن به عنوان موفقیت سیاسی بریتانیا تعبیر شده بود. روزنامه‌های وابسته به جبهه استقلال به استناد گشوده شدن بغاز داردانل و امکان آزادی کشتیرانی متفقین از این راه، تقاضاهایی درباره تخلیه ایران مطرح گردید. روزنامه‌های جبهه آزادی با احتیاط از طرح چنین تقاضاهایی که به وضوح

منافع شورویها در آن ملحوظ نبود، خودداری می کردند.

۴۸- طی این دوره بهبود نسبی در روابط ایران و انگلیس دیده می شد و آن به این علت بود که دولت انگلیس با تصمیم دولت ایران مبنی بر خودداری در دادن امتیاز نفت تا پایان جنگ روی موافقت نشان داده است...

امور امریکا:

۴۹- در روز ۱۹ فوریه مجلس سنای کشورهای متحده انتصاب آقای والاس موری را به عنوان سفیر آن کشور در ایران به جای لاند موریس، که از ماه اوت گذشته در اینجا بود، تأیید کرد.

۵۰-

۵۱- بطوریکه مشهور است آقای موری تاکنون فعالیتها و هدفهای بریتانیا را در خاورمیانه با بدگمانی تلقی می کردند ولی دسیسه های شوروی او را قلباً از این بدگمانی خارج کرد. امکان دارد تعیین ایشان به جای دو سفیر [دریغدس و موریس] میانه رو سابق، به نفع ما تمام شود.

اعلان جنگ به ژاپن:

۵۲- روز ۲۸ فوریه دولت ایران به ژاپن اعلان جنگ داد.

از بند ۵۲ تا ۶۳ گزارش به امور مربوطه به انجمن فرهنگی هند و ایران و فعالیتهای آن از نظر فرهنگی و بازرگانی و اقدامات تبلیغاتی انگلیس اختصاص یافته و چون از نظر سیاسی و اوضاع آن زمان ایران اهمیت چندانی ندارد برای خودداری از اطلاع کلام به ذکر مطالب مزبور مبادرت نشد. اینک دنباله گزارش:

امور عشایر:

۶۳- در سه ماهه اول سال ۱۹۴۵ کلیه عشایر ساکت بودند و دولت ایران با اینکه برای بهبود وضع عشایر اقدامی نکرده بود نگذاشت هیچگونه تجاوزی از طرف مقامات ارتش به آنان وارد آید.

۶۴- فارس - حضور قوام الملک در شیراز و ضدیت وی با حزب توده باعث

حملات مطبوعات وابسته شوروی در این مورد شده است. مطبوعات مزبور ائتلاف عشیره‌ای را که خطری برای دولت مرکزی می‌دانند و نیز مقاصد شوم امپریالیسم بریتانیا را در جنوب مورد حمله قرار داده‌اند. ناصرخان قشقایی کوشش‌هایی در جهت بسط نفوذ خویش در کوه گالو انجام داد که به عدم موفقیت منجر شد. قرائنی از آمدن وی به تهران و مذاکره با مقامات عالی‌ه برای پایان دادن به وضع مبهم او در دست است.

۶۵- کوه گالو - ظاهراً اختلاف دامنه‌دار بین عبدالله خان ضرغام‌پور و برادر ناتنی او و نیز فعالیت‌های غیرقانونی عبدالله خان با تسلیم وی به دولت خاتمه پذیرفته است. گرچه دولت ایران رسماً وی را نبخشیده ولی نوعی اطمینان از چشم‌پوشی از گناهان این شخص است.

۶۶- خوزستان - ژنرال همایونی عملیات خلع سلاح اعراب را به انجام رسانید و تعدادی تفنگ در حدود پنج هزار قبضه از آنها گرفت که بسیاری از این تفنگها از نوع قدیمی و باید آنها را جزء اشیاء عتیقه محسوب داشت. عشایر مزبور شکایت دارند که آنها در برابر همسایه عراقی خود و سایر قبایل مسلح در وضع خطرناکی قرار گرفته‌اند این شکایت‌ها تا زمانی ادامه خواهد یافت که دولت ایران بتواند مانند دوره رضاشاه امنیت عشایر را در برابر همسایگان تضمین نماید. دولت ایران هم با فقدان قوای لازم و کافی برای خلع سلاح عشایر مسلح در وضع وخیمی قرار گرفته است. بنابراین برای سرکوبی باید از عشایری که قدرت کافی ندارند شروع کند.

۶۷- بختیاری - مرتضی قلی خان با مشاهده اعمال زشت تیره‌های قبیله خود که قدرتشان به تدریج رو به ضعف می‌رود، به حفظ نظم ادامه می‌دهد. عملیات پیش‌بینی شده علیه عشایر بهمانی و طیبی به حال تعویق مانده است. مرتضی قلی خان به نوبه خود و به مراتب بیش از دولت، در صدد تهیه توپخانه و سواره نظام عشیره‌ای برآمده است. ژنرال همایونی نسبت به تأخیر نقل مکان عشایر به نقاط دوردست اعتراض کرده است.

..... ۶۸ -

۶۹- کردستان - کردهای منطقه جنوب کردستان تاکنون آرام مانده‌اند. پانزده نفر از کردهای قبیله رقیزاده جان آزاد و به عراق برگشته‌اند. هیچ‌گونه بی‌نظمی و راهزنی برای اختلال در شبکه ارتباطی نیروهای دولت امپراتوری روی نداده است. در کردستان شمالی وضع رضایت‌بخش نیست. ارزیابی و تشخیص تسلط و نفوذ شوروی بر کردها و

درجه هواخواهی کردها از خط مشی توده و اینکه آنان تا چه اندازه از جنبش جدائی طلبی آذربایجان پشتیبانی خواهند کرد مشکل بنظر می آید... طی زد و خورد کوتاهی در رضائیه یک سرگرد ایرانی کشته شد و نیز در یک نزاع خیابانی در مهاباد پنج نفر پلیس مقتول شدند. ستاد ارتش بی درنگ یک ستون نظامی از سقز به مهاباد اعزام داشت. ولی فرمانده روسی آنها در بوکان متوقف و مجبور به بازگشت نمود. این مسئله در سطح دیپلماتیک مورد بحث واقع شده است و شورویها در عدم قبول پافشاری می کنند و معتقدند که اعزام نیرو برای مهاباد باید از تبریز عملی شود و تعداد آن نباید از یک گردان توپخانه بیشتر شود و ضمناً هم نباید در تبریز گردان دیگری جانشین آن گردد.

نیروهای نظامی ایران:

۷۰ - (الف) ارتش (به انضمام هیئت نظامی کشورهای متحده) طی سه ماهه اول سال ۱۹۴۵، با اینکه از اواسط ماه مارس به علت بیماری ابراهیم زند در وزارت خانه حاضر نشد، وزیر جنگ و رئیس کل ستاد ارتش تغییر کردند. تغییرات زیادی در مشاغل پائین تر رویداده است... مجلس دوباره بحث در قانون نظام وظیفه عمومی را آغاز کرده... در بودجه پیشنهادی سال ۱۳۲۴ (از ۲۱ مارس ۱۹۴۵ تا ۲۰ مارس ۱۹۴۶) هزار میلیون ریال بودجه ارتش تشخیص داده شده که از این مبلغ ۱/۴ میلیون ریال به امور مشمولین و ۹۶ میلیون به خرید تجهیزات نظامی از کشورهای متحده اختصاص یافته است. این سه قلم هزینه تقریباً ۲۵ درصد کل هزینه بودجه را شامل می شود هنگامی که مبلغ ۱۰۰ / ۲۴۶ / ۳۹۸ ریال با امور ژاندارمری و مبلغ ۲۳۷۰۰۰۰۰۰ ریال به امور پلیس تخصیص داده شد. نمایندگان مجلس چنین توجیه کردند که دولت بیش از ظرفیت خود صرف امنیت و نیروهای دفاعی خویش خرج می کند در عرض سه ماهه گذشته ارتش ایران به عملیات نظامی مهمی دست نزده است، فقط چند مورد کم اهمیت درگیری با عشایر بود. چندی قبل دولت کشورهای ایالات متحده به دولت ایران اطلاع داد که هیئت ژنرال ریدل، در پایان مدت قرارداد که اول ماه مارس است به مأموریت خود خاتمه خواهد داد ولی دولت ایران تقاضا کرد که هیئت مزبور مدت مأموریت خود را تمدید نماید. دولت کشورهای متحده نیز به این تقاضا پاسخ مثبت داد ولی تا کنون قراری برای انجام این کار داده نشده است.

۷۱- (ب) ژاندارمری: (به انضمام هیئت ژاندارمری کشورهای متحده) به جز گزارشهای قبلی اطلاعات زیادتری نمیتوانم بدهم. سرهنگ شوارتسکوف با همکاری اعضای هیئت خود و با انجام دادن سفرهای پی در پی مشغول ریختن طرح و نقشه‌ای است که از فساد و لغزش‌ها و سهل‌انگاری‌ها جلوگیری به عمل آورد. در این طرح که اصلاح به این قرار ارائه شده است: یکی تشکیل دستجات ورزیده با تعداد زیر. دیگر انتقال افسران ژاندارمری در هر دو سال از محلی به محل دیگر. که به عقیده او این مدت حداقلی است که یک فرمانده محلی میتواند خود را برای عملیاتی در مقیاس وسیع‌تر آماده سازد.

۷۲- (ج) پلیس: سرتیپ سیف در سه‌ماه گذشته در پست ریاست پلیس باقی ماند. هنوز اقدامی برای استخدام یک مشاور خارجی برای پلیس نشده است. پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در زمینه سازمانی و اداره امور آن مشهور نبود. کمبود افراد و نبودن کافی از علل این عدم پیشرفت است.

نیروی هوائی ایران:

۷۳- شاهنشاه در اوائل سال عقیده خود را راجع به تقویت نیروی هوائی و مجهز کردن آن با وسایل جدید ابراز داشتند. ولی در حال حاضر فعالیت زمینی زیادی برای توسعه در امر هوائی مشاهده نمی‌شود...

۷۴- ژنرال نخجوان از مأموریت خود به کشورهای متحده مراجعت کرده ولی ظاهراً موفقیتی نصیب او نشده است...

خطوط هوائی کشوری ایران:

۷۵- وزارت پست و تلگراف و تلفون سومین و آخرین هواپیمائی خریداری خود را از دولت امپراتوری تحویل گرفت. یک شرکت بازرگانی که سعی دارد خطوط هوائی کشوری را به عهده بگیرد پیشنهادهایی داده که مورد موافقت وزارتخانه مزبور قرار گرفت ولی تاکنون نتیجه مثبتی از آن عائد نشده است.

پایان کار دکتر میلیسپو:

۷۶- در گزارش قبلی راجع به تجدید بحث‌های مربوط به سلب اختیار دکتر میلیسپو درباره موضوعات اقتصادی از قبیل عملیات خرید، توزیع، کنترل قیمت و فروش مواد غذایی و سایر کالاها که از اختیارات مخصوص مالی او بود، تذکراتی داده شده بود. در روز هشتم ژانویه مجلس با ۶۹ رأی موافق و ۶ رأی مخالف و ۲۰ نفر غایب در جلسه، قانون سلب اختیارات او را به تصویب رسانید. گرچه چندین بار کوشش بعمل آمد که وی را از استعفا بازدارند ولی او با کمال یأس از ناسپاسی که در برابر خدماتش شده بود از کار کناره گرفته در ۲۸ فوریه به کشور خویش مراجعت نمود. عده‌ای از کارمندان امریکائی او نیز استعفا کردند ولی عده‌ای دیگر در مشاغل خود به کار ادامه دادند....

وضع مالی:

۷۷- اقلام بودجه برای دو ماه سال جاری یعنی تا ۲۰ ژانویه ۱۹۴۵ به شرح زیر است (اقلام مشابه سال مالی ۴۴ - ۱۹۴۳ به منظور مقایسه نیز ذکر می‌شود):

درآمدها	۱۹۴۳ - ۴۴	۴۵ - ۱۹۴۴
---------------	-----------	-----------

_____	_____
-------	-------

۳/۶۴۹ (به ملیون ریال)	۳/۱۸۳
-----------------------	-------

۳/۲۰۰

- ۱۷

هزینه‌ها ۳/۱۲۴

+ ۵۲۵

۲/۸۵۷	درآمدهای بازرگانی ۱/۷۴۵
۳/۳۹۶	هزینه‌های بازرگانی ۳/۱۹۳
<hr/>	<hr/>
- ۵۳۹	- ۱/۴۴۸

۵۵۶

۹۲۳

کسری خالص

با عقب افتادن پرداخت یک ماه حقوق کارکنان دولت باید در ۲۰۰ میلیون ریال نیز به کسری بودجه افزود.

۷۸- احتمال نمی‌رود با توجه به مقاومت منفی مؤدیان مالیات و نقص روش جمع‌آوری مالیات و فساد مأموران مالیاتی دکتر میلیسپو بتواند حسابهای دولتی را در سال مالی ۴۵ - ۱۹۴۴ متعادل نماید. با پائین آمدن نرخ مالیات، وصول مالیات بر درآمد ده ماهه سال جاری کمتر از دوره مشابه سال قبل خواهد بود. به نظر دکتر میلیسپو موقوف ساختن مالیات بر درآمد بهیچوجه امکان‌پذیر نیست. انتظار می‌رود به زودی لایحه کاهش نرخ مالیات در مجلس مطرح شود. لیکن احتمال اقدام برای جمع‌آوری مالیاتهای معوقه بسیار کم است. در این زمان دولت به حداکثر حق استقراض قانونی خود از بانک ملی رسیده و استقراض داخلی نیز به ۴۸۰۰ میلیون ریال بالغ شده است.

۷۹- بودجه جاری برای سال ۴۶ - ۱۹۴۵ (که از ۲۱ مارس ۱۹۴۵ آغاز می‌گردد) در حالی تقدیم مجلس شده که هنوز بودجه سال ۴۵ - ۱۹۴۴ به تصویب نرسیده است. بودجه جدید فقط با انتقال پانصد میلیون ریال از مازاد بازرگانی با منظور کردن ۴۴۱۲ میلیون ریال متعادل می‌شود که هنوز آماده نیست. این امر با توجه به مبلغ ۱۷۴۱ میلیون ریال کسری موازنه بازرگانی سال ۴۴ - ۱۹۴۵، ۵۳۹ میلیون کسری موازنه بازرگانی ده‌ماهه سال جاری غیرقابل تصور است وصولی تخمینی مالیات بر درآمد سال ۴۶ - ۱۹۴۵ بالغ بر ۶۴۴ میلیون ریال است که با مقایسه با مبلغ تخمینی ۸۸۵ میلیون ریال برای سال ۴۵ - ۱۹۴۴ بسیار زیاد بنظر می‌رسد.

۸۰- هم‌اکنون اسناد در گردش و سپرده‌های بانکی در حال افزایش است. اسناد

در گردش که در سال ۱۹۳۹ بالغ بر هزار میلیون ریال بود در دسامبر سال ۱۹۴۴ به

مبلغ ۶۶۴۰ میلیون ریال و در فوریه ۱۹۴۵ به مبلغ ۶۷۰۹ ریال رسید: پانصد میلیون ریال سپرده بانکی در سال ۱۹۳۹ در دسامبر ۱۹۴۴ به ۹۰۰۳ میلیون ریال و در فوریه ۱۹۴۵ به ۹۸۰۰ میلیون ریال بالغ گردید. شاخص قیمت‌های عمده‌فروشی که در دسامبر ۴۹۷ بود به تدریج در فوریه به ۴۸۶ رسید. هرچند که شاخص هزینه زندگی به مقدار ۶۸۴ در دسامبر به ۶۹۳ در فوریه صعود کرد.

۸۱- بطوریکه در گزارش قبلی انتظار می‌رفت فروش طلا و به حساب دولت امپراتوری متوقف گردید. طی مدت اول تا پانزدهم ژانویه و با قطع فروش طلا مبلغ فروش به ۲۳۵۸۸۰ لیره استرلینگ بالغ شد و برای تمام دوره عمل، یعنی از ۲۶ ژوئن ۱۹۴۳ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۴۵ کلاً به مبلغ ۶/۸ میلیون لیره رسید.

وضع اقتصادی:

۸۲- اختیارات اقتصادی دکتر میلیسپو به یک سازمان اقتصادی متشکل از اقتصاددانان ایرانی سپرده شد. از بدو تأسیس این سازمان علانی از بهبود اداره امور اقتصادی کشور، پس از قطع کنترل امریکائیها، مشهود نیست. دولت بیات تعداد معتناهی لایحه برای بهبود وضع کشاورزی و شرایط اقتصادی به مجلس پیشنهاد کرد ولی هنوز بسیاری از آنها در پیچ و خم بحث و گفتگوست. بعضی از این لوایح شامل قانون جدید کار نیز می‌شود. ولی با فقدان وسایل و ضعف اراده انجام کار عملی شدن تمام این لوایح، حتی در صورت تصویب، قابل تردید است.

۸۳- برای اینکه تغییر مهمی در امور اقتصادی به وجود آید ایجاد مرکزی برای عرضه در خاورمیانه جهت اعمال کنترل بر روی کالاهای وارداتی لازم بنظر می‌رسد که نتیجه آن در فعالیتهای بازرگانی که بازرگانان کوشش دارند با تمام قدرت و به هر وسیله‌ای که باشد صحیح و یا ناصحیح کالاهائی وارد کنند که تحت کنترل مرکز کنترل عرضه خاورمیانه نیستند، منعکس خواهد شد. هم‌اکنون لزوم پروانه وارداتی از طرف دولت ایران مشهود است. زیرا بازرگانان به این امید که قادر خواهند بود کالاها را به محض ورود در بازار عرضه کنند، از گرفتن پروانه خودداری می‌نمایند. این طفره رفتن از اخذ پروانه نتیجه مشکلات عدیده‌ای است برای گرفتن آن و نیز پرداخت رشوه به مأموران دولت است. معذک ایجاد کنترل مرکز عرضه خاورمیانه، به عنوان نخستین گام

در راه بازرگانی آزاد بعد از جنگ خواهد بود که از این راه هم وارد کنندگان و هم صادرکنندگان از آن سود خواهند برد.

۸۴- با نزدیک شدن پایان جنگ، تعداد طرحهای صنعتی از طرف شرکتهای خصوصی و بخش عمومی پایه گذاری شده است. علاوه بر طرح آبیاری لار و طرح برق آبی، که قبلاً گزارش شده است، مذاکرات مشابهی در مورد اصفهان و شیراز در جریان است. برای توسعه ایستگاه نیروی برق تهران و ساختن ایستگاه نیروی برق اصفهان، تقاضای لوازم و ابزار شده است. طرح لوله کشی آب و فاضلاب تهران و نیز سیستم جدید آبرسانی به شیراز طراحی گردید. پیشنهادهائی برای تجهیز تهران به واگونهاى برقی و برقراری سیستم روشنائی معابر و راه آهن برقی برای منطقه بیلاقی شمیران ارائه شده است.

۸۵- فعالیت بازرگانی شوروی در این دوره شدیداً افزایش یافته و با عبور کالاها از طریق ایران، این فعالیت در سایر کشورهای خاورمیانه نیز توسعه داده شده است. کالاهای اساسی عبارت است از: نقره، پوست، نخ پنبه‌ای.

مبارزه اقتصادی:

۸۶- هم‌اکنون بازرگانان مشتاقانه در انتظار پایان مخاصمات هستند. زیرا در این امر پایان دوران تمام کنترل‌ها و مقررات اقتصادی و محدودیت‌ها را می‌بینند. بازرگانان ایران به تجارت آزاد عادت کرده‌اند و با وجود درک الزامات جنگی به دوام محدودیت‌ها رغبت ندارند.

۸۷- قطع تسهیلات عبور صادرات فرش به سوئیس و پوست و سایر کالاها به ترکیه و تغییر روش قبلی محیط تردید آمیزی را به خود گرفته است. با قطع این تسهیلات ارسال پول خارجی‌ان را در خارج از کشور دشوار کرده است. ولی ایرانیان هنوز از این تسهیلات برخوردارند.

۸۸- طی سه ماهه گذشته تصمیم گرفته شد بین کشورهای سوریه و لبنان و عراق و ایران با لندن قراردادی راجع به حذف اعلامیه مقصد نهائی منعقد گردد.

۸۹- تاکنون هیچ تغییری در فهرست قانونی صورت نگرفته است. ولی شنیده می‌شود که توصیه‌ای برای این حذف برای مقامات مربوط به لندن ارسال شده است.

غلات و توسعه کشاورزی

۹۰- با رفتن دکتر میلیسپو ممکن است روش جمع آوری غله دچار اشکال شود و امر آن مختل گردد. ولی از طرف دولت دستور داده شد که مأموران جمع آوری غله در سر کار خود باقی بمانند و تا زمانی که مقامات مربوط ایرانی در کار آنها مداخله نکرده‌اند، با احتیاط و مراقبت طرح تثبیت قیمت‌ها و جمع آوری گندم و جو را در تابستان ۱۹۴۵ رعایت کرده به آن عمل نمایند.

۹۱- در پایان ماه مارس ذخیره غله در سیلوی تهران تقریباً به ۳۶۰۰۰ تن گندم و ۲۲۰۰۰ تن جو می‌رسد که این مقدار فقط برای مصرف ۲۲۱ روز اهالی شهر تهران کافی است. با افزایش درصد جو از ۷ به ۱۰ دولت ایران توانست مقدار ۲۵۱۲۴۱ تن غله در تمام کشور توزیع نماید.

۹۲- پیش‌بینی می‌شود با آمدن برف و باران زیاد در زمستان امسال مازاد غله سیلو به ۳۰ هزارتن بالغ شود (۲۰ هزارتن گندم و ۱۰ هزارتن جو) که پس از برداشت ۵۰ هزارتن دیگر ممکن است به آن مقدار افزوده شود. از سفارت شوروی درخواست شده که مقدار مورد نیاز خود را قبل از اینکه غله مورد نیاز مرکز عرضه خاورمیانه معلوم شود معین نماید. ضمناً باید تذکر داد که باید به حمله ملخ نیز توجه داشت.

۹۳- مدتی است که انجمن کشاورزی خوزستان منحل شده و برای این منظور هم‌اکنون هیئتی در مزرعه حمیدیه به کار مشغول است. بطوریکه انتظار می‌رفت ظاهراً وزیر دارائی ایران با مشورت «مشاوران» امریکائی به این کار مبادرت ورزیده است. این روش غیراصولی به وزیر دارائی ایران گوشزد شد و وی وعده داد که برای تشکیل مجدد آن جانشینی برای سرهنگ دوم ئی. دبلیو. سی. نوتل مدیر فنی آن انتخاب نماید.

حمل و نقل:

۹۴- متعاقب تعلیق اختیارات اقتصادی دکتر میلیسپو و واگذاری کنترل اجرائی به ایرانیان، رئیس امریکائی اداره حمل و نقل نیز از کار کناره گرفت. پس از استعفاى او دولت ایران واگذاری شغل او را به انگلیسها پیشنهاد کرد. مشاورین بریتانیایی با مساعی فراوان در این راه به پیشرفتهای قابل ملاحظه‌ای موفق شدند. موجودی لاستیک اتومبیل کم است ولی کوشش می‌شود تعداد لازم برای مصادف اساسی توزیع گردد.

تصمیم گرفته شد سه چهارم کامیونهای روباز که در سال ۱۹۴۴ بکار مشغول بودند مسقف شود تا ارتباط بین پایتخت و استانها بهبود یابد.

۹۵- حمل و نقل نفت، زغال و غله از طریق شاهراهها و راه آهن رضایت بخش است.

کنترل حمله ملخ:

۹۶- اوایل سه ماهه اخیر مبارزه علیه ملخ صحرائی و مهاجر و انظر مقامات مسئول ایرانی زائد تلقی می شد. ولی در روزهای آخر ماه مارس از قاهره گزارش رسید که امکان حمله ملخ به سواحل ایران در خلیج فارس وجود دارد. تا اواسط مارس چندین هجوم برای تخم گذاری در سواحل دیده شد ولی در اواخر مارس ملخها به نواحی وسیعی از کمربند ساحلی حمله بردند.

۹۷- موفقیت در مبارزه علیه حمله ملخ فعلاً مطرح نیست و وضع از طرف انگلیسها و شورویها و ایرانیها تحت بررسی است. بندرعباس، که در آن ایرانیها و انگلیسها مشترکاً مشغول فعالیت هستند، مورد هجوم و تخم گذاری قرار گرفته و طبق گزارشهای رسیده مناطق وسیعی پوشیده از تخم ملخ شده که احتمالاً هم افزایش خواهد یافت. به منطقه خرمشهر هم حمله شده ولی وخامت حمله تأکید نشده است.

۹۸- تا ماه فوریه در نواحی شیراز و فسا و جهرم و داراب چهارهزار هکتار از اراضی به تخم ملخ آلوده شده است. بدبختانه مسئولان ایرانی در محل های مزبور فاقد هرگونه تجهیزاتی برای مبارزه هستند. و به همین جهت مسئول انگلیسی مبارزه با ملخ دو دستگاه کامیون برای مبارزه در اختیار آنان گذاشته که ظاهراً مفید واقع شده است.

انجمن کمک و اسکان سازمان ملل متحد و پناهندگان مهاجر لهستانی:

۹۹- در روز سوم ژانویه آقای گالوسینگی به عنوان نماینده اداره پناهندگان انجمن کمک و اسکان سازمان ملل به تهران وارد شد، به محض ورود ایشان از تمام لهستانیهای مقیم ایران ثبت نام به عمل آمد که نتیجه آن به شرح زیر بود:

۱۳۶۶	اهواز
۹۵۰	اصفهان
	تهران
۵۸۵	اردوگاه شماره ۳
۸۱	اردوگاه شماره ۲
۴۶	اردوگاه شماره ۵
۱۶۲	بیمارستان
۲۶	نواسخانه
۸۶۶	مقیم در شهر
۱۷۶۶	جمع کل در تهران
۴۰۸۲	جمع کل:

۱۰۰- از اول ژانویه ۴۰۸ نفر لهستانی به سوریه و ۱۲ نفر به انگلیس و ۴ نفر به فلسطین اعزام شدند.

۱۰۱- رونوشت این گزارش به کنسولگری در ایران و به مسکو و حکومت هند و فرماندهی ایران و عراق و وزیر مقیم در قاهره و مرکز انتظامی خاورمیانه ارسال گردید.

آر. دبلیو. بولارد

ایران ۱۳ اوت ۱۹۴۵

سری قسمت یک

از سر. آر بولارد به آقای بوین (وزیر امور خارجه) (شماره ۲۶۳ سری) تهران: ۲۶ جولای ۱۹۴۵

«عالیجناب:

پیرونامه شماره ۲۸؛ مورخ ۲۵ آوریل افتخار دارم به این وسیله گزارش امور ایران در ماههای آوریل، مه و ژوئن ۱۹۴۵ را تقدیم دارم.

نسخه‌هایی از این گزارش به مقامات کنسولی امپراتوری در ایران، نمایندگان

دولت امپراتوری در مسکو، حکومت هند، فرماندهی ایران و عراق، فرماندهی خاورمیانه، وزیر مقیم در قاهره و مرکز اطلاعاتی سیاسی خاورمیانه، ارسال شده است.^۶

با احترام

آر. دبلیو. بولارد

مسئله فراخواندن نیروهای متفقین از ایران

۱- این موضوع در خلال مدت سه ماهه فوق‌الذکر و با توجه به نتایج زیر صورت عمل به خود گرفت به این قرار:

(۱) قطع راه ایران برای کمک به شوروی. (۲) تسلیم یادداشتهای رسمی از طرف دولت ایران به نمایندگان سیاسی بریتانیای کبیر، شوروی و امریکا در تهران مبنی بر تخلیه فوری نیروهای متفقین. (۳) اعلام اینکه سه قدرت بزرگ به زودی وارد مذاکره شوند.

۲- در اوایل این سه ماهه ارسال محموله ماوراء دریاها به بنادر برای شوروی تقریباً قطع شد ولی شوروی هنوز هم تا حدی از راه ایران و از طریق خط هوایی آبادان تدارکاتی دریافت می‌کند و این موضوع طبق موافقتنامه‌ای صورت می‌گرفت که موعد آن در ماه ژوئن به پایان می‌رسید. لذا تصمیم به این گرفته شد که شوروی سهمیه هوایی ماه ژوئن را از سایر راههای دیگر تأمین نماید. زیرا از پایان ماه مه صرف‌نظر از مقادیر قلیل محموله‌های باقیمانده در بنادر یا در دریا، ارسال تدارکات از طریق ایران بکلی قطع شد.

۳- در ۱۹ ماه مه وزیر امور خارجه یادداشتی به سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان تسلیم کرد که در آن تقاضا شده بود نیروهای بریتانیا باید بی‌درنگ از ایران فراخوانده شوند و چنین استدلال شده بود که وضع ایران باید طبق تمایل مردم به حال عادی بازگردد و نیز تذکر داده شده بود که ژاپن امری است بسیار جزئی و حضور نیروهای متفقین نمی‌تواند به این بهانه تأثیری در جنگ خاور دور داشته باشد... در

یادداشت اضافه شده است که در این زمینه با سفارت شوروی و امریکا هم تماس حاصل شده است.

سفیر دولت امپراتوری بنا به دستورهای وزارت امور خارجه در پاسخ به وزیر امور خارجه ایران اطلاع داد اگرچه دولت امپراتوری نمی‌تواند استدلال رد نگرهداری نیروهای متفقین را طبق مفاد پیمان انگلیس و شوروی و ایران تا شش ماه پس از پایان جنگ با ژاپن بپذیرد معذک آنها خود را برای مورد ملاحظه قرار دادن صمیمانه درخواست دولت ایران آماده می‌نمایند و بر اساس آنکه عقب کشیدن نیروهای متفقین باید قبل از تاریخ نهانی منظور در پیمان صورت پذیرد. ضمناً اضافه کرد که دولت امپراتوری مسئله را با دولتهای شوروی و کشورهای متحد، امریکا نیز مورد بحث قرار داده است.

۴- به سفیر دولت امپراتوری در واشنگتن دستور داده شده که وزارت امور خارجه امریکا را از مذاکرات تهران آگاه سازد و توضیح دهد که اخبار جدید رسید: حاکی است که دولت کشورهای متحده قصد دارد نیروهای خود را از ایران فراخواند و تا اول جولای عملیات راه‌آهن را واگذار نماید. و با توجه به نظر وزارت امور خارجه در هنگام اجلاس کنفرانس کریمه درباره عدم اختلاف عقیده دو دولت درباره این موضوع، بحث و گفتگو به عمل آید و تذکر داده شود که انجام این امر کمکی به ایران و در ضمن به دولت امپراتوری است که اساساً دولت کشورهای متحده به دولت شوروی تذکر دهد که شروع تخلیه هرچه زودتر ایران مورد تمایل می‌باشد. این موضوع به صلاحدید سفیر دولت امپراتوری واگذار شده است که وزارت امور خارجه را مطلع سازد که ما در مورد عقب کشیدن قبل از موعد همراه با شورویها آماده نیستیم و میزان عقب‌نشینی ما تا پایان جنگ با ژاپن به تعهداتمان در حفاظت از مناطق نفتی و پالایشگاه بستگی دارد. چند روز بعد مطبوعات امریکا اظهارات معاون وزارت امور خارجه را منتشر کردند که با توجه به یادداشت دولت ایران، دولت کشورهای متحده طبعاً با نظر ایران موافق و معتقد است که تعداد نیروهای امریکا در ایران قبلاً به سرعت کاهش یافته است.

۵- اظهارنظر سفارت امریکا در تهران یأس آور بود، این وضع با مطالبی که رایزن امریکا اظهار کرد وخیمتر شد. وی چنین گفت هراندازه طی چندسال اخیر گذاشتیم روسها به انحاء مختلف ایران را رو بضعف و تحلیل ببرند و کوشش بریتانیا هم

در ارضای ایران برای محدود کردن زمانی جهت فروش اموال و تجهیزات متفقین به جایی نرسید، اینک وقت عمل فرا رسیده و دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای برای هیچیک از نیروهای متفقین برای ابقای نیروهایشان به منظور حفظ اموال خود باقی نمی‌گذارد.

۶- در پاسخ تماس سفارت دولت امپراتوری درواشنگتن، وزارت امور خارجه اظهار کرد که در صددند طرحی در جواب یادداشت دولت ایران تهیه نمایند که در آن با فکر عقب کشیدن نیروها پیش از موعد معین موافقت دارند. وزارت امور خارجه موافقت کرده است که عقب کشیدن نیروهای بریتانیا و امریکا قبل از موعد و همراه نیروهای شوروی مطلوب است. ولی از طرف دیگر اظهار می‌دارد وزارت جنگ به علل سیاسی مایل نیست تأخیری در فراخواندن نیروهای امریکائی رخ دهد. وزارت جنگ امریکا تمایل دارد تا پایان جنگ ژاپن تعداد پانصد نفر از نیروهای خود را برای خدمات فرماندهی حمل و نقل هوائی باقی بگذارد و این تعداد غیر از نفراتی است که برای حفظ تأسیسات نظامی و اموال تا هنگام واگذاری آنها گماشته خواهند شد که امکان دارد کارشان چندین ماه به طول انجامد و نیز وزارت امور خارجه در نظر دارد که تمام این تصمیمها را به اطلاع شورویها برساند.

۷- متن پاسخ دولت امپراتوری به یادداشت ایران در ۳۱ مه برای دولت شوروی در مسکو ارسال گردیده است. در این متن اضافه شده بود که دولت امپراتوری هم اکنون علاقمند است که رسماً پیشنهاد نماید که نیروهای متفقین باید هم‌زمان و طی مراحل قبل از موعد نهائی مقرر در پیمان به عقب‌نشینی از ایران شروع نمایند و ضمناً لازم است که مذاکرات نظامی نیز برای بحث در این تصمیم آغاز گردد. ولی تا پایان سه‌ماهه اخیر هنوز پاسخی نرسیده است و شاید علت آن ملحوظ داشتن ترتیباتی باشد که قبلاً برای مذاکرات سه قدرت بزرگ در نظر گرفته شده است. سفیر ایران در مسکو جز این حقیقت که مسئله «با دقت مورد بررسی است» هیچگونه اطلاعی نتوانسته است از کمیسر امور خارجی کسب نماید. سفیر شوروی هم در بیان این مطلب که هنوز دستوری از مسکو برای او نرسیده است. دائماً پابرجاست ولی وزیر امور خارجه را مطمئن ساخت که حضور نیروهای شوروی موقتی است و پس از انتقال تدارکات و اجناس باقیمانده به این کار مبادرت خواهد شد.

۸- واگذاری راه آهن به دولت ایران یکی از موانع را از جلوی پا برداشت و

نیروهای بریتانیا از مسئولیت حفاظت آن رهائی یافتند و طولی نخواهد کشید که با درخواست امریکائیها نیپ محافظ راه آهن به پایگاه همدان انتقال خواهد یافت. امتیاز استقرار نیپ در نقطه‌ای خوش آب و هوا بر سفارت دولت امپراتوری پوشیده نیست ولی بنظر می‌آید که این استقرار تلاش‌های ما را در جهت اطمینان از عقب کشیدن اساسی نیروهای شوروی با شکست مواجه کند...

۹- موضوعی را که باید به آن دقت کرد اینست که بدبختانه حسن نیت ما با توجه به مقتضیات جنگ با ژاپن با مقاصد آشکار شورویها در جهت اعمال قدرت در ایران، علیرغم هر نوع توجیه نظامی، تباین کامل دارد. پی‌فرمس سرفرمانده کل قوا در خاورمیانه عقیده دارد تا هنگامی که جنگ با ژاپن ادامه دارد نیروهای ما باید در کرمانشاه، تنها نقطه خوش آب و هوای خاورمیانه، نگاهداری شود. این عمل با حفظ پایگاه بیستون محلی که بیست مایل از نقطه تعیین شده ما با روسها در سال ۱۹۴۱ به تهران نزدیکتر است، ملازمه دارد.

۱۰- یکی از سوءتفاهمات عمیق که باید روشن شود. تعبیر عقب کشیدن نیروها به عنوان یک سیاست تسکینی برای آرام کردن روسهاست که باید به آنها تفهیم شود که ما به علت جنگ با ژاپن به ماندن در ایران احتیاج داریم و این مطمئناً سیاستی است که شورویها را خوشحال خواهد کرد زیرا قسمت اعظم ایران در اشغال ما است و برای آنها هم توجیه ابقای نیروهایشان آسانتر خواهد شد. در این وقت است که علیرغم اعمال سیاست تسکینی هدف ما در این زمینه تحقق خواهد یافت که تنها سلاح موجود خود را علیه آنها بکار بندیم و این سلاح آشکار کردن تمایلات «امپریالیستی» آنها در صورتی که با هر گونه تخلیه اساسی ایران موافقت نکنند، می‌باشد. ضمناً وسیله خواهد شد که ادعای شورویها به عنوان حافظ ملت‌های کوچک در نظر کشورهای خارجی مثل بریتانیا و کشورهای متحده بی اعتبار جلوه کند.

۱۱- این موضوع قابل درک است که تهران را نمی‌توان در عرض چند روز تخلیه کرد. گرفتاریهایی مانند به راه انداختن کارخانه چوب‌بری و تهیه الوار برای ساختمانهای اسکان قوا در پایگاه برای ما وجود دارد و نیز مشکل وجود قوای نظامی در دره لار برای ساختمان پل بزرگی که به وسیله شرکتی انگلیسی به مقاطعه گرفته شده است نیز به حال خود باقی می‌ماند در تمام این موارد موضوع این است که اگر افراد

نظامی، خواه در لباس نظام و یا در لباس شخصی باشند دولت شوروی آنرا به عنوان دلیلی برای ابقای مستمر نیروهای بریتانیا در تهران قلمداد کرده عذری برای نگاهداشتن نیروهای خود جلوه خواهد داد. همچنین نیروی هوایی دولت امپراتوری نیز منافعی دارد که نمی‌توان از آنها چشم‌پوشید. نیروی هوایی مامجبورند مسئولیت‌هایی که در کارخانه هواپیماسازی دوشان تپه به عهده گرفته است تا هنگامی که شرکت هوایی ماوراء بحار بریتانیا به خدمات خود در تهران ادامه می‌دهد، منظور نظر قرار دهد و آن را با عجله نیمه‌تمام گذاشته و اگذار نماید: این شرکت هوایی باید خدماتی از قبیل: کنترل هوایی، خدمات هواشناسی و دریایی انجام دهد. به نظر سفارت دولت امپراتوری شورویها روز بروز نفوذ خود را در شمال ایران افزایش می‌دهند. بنابراین اگر دولت امپراتوری به تخلیه تهران مصمم شود باید کوشش کرد که این موانع را از پیش پا بردارد.

۱۲- هم‌اکنون می‌توان مشکلات را به شرح زیر خلاصه کرد:

(۱) احتمالاً می‌توان در پوتسدام پیشنهاد کرد که ما و شورویها باید بی‌درنگ و قبل از موعد مقرر نیروهایمان را عقب بکشیم و نقطه آغاز فراخواندن نیروها از تهران باشد.

(۲) استقرار نیروهای بریتانیا در همدان دچار مانع نخواهد شد.

(۳) در صورتیکه ابقای نیروها در کرمانشاه و بیستون پس از پائیز لازم شمرده شود در این صورت است که گرفتار خواهیم شد زیرا مسلماً شورویها هم ابقای نیروهای خود را در خط تبریز، قزوین، تهران، سمنان و مشهد خواستار خواهند شد. و همین امر باعث تضعیف پایتخت می‌شود و در نتیجه به عملی شدن طرحهای سیاسی آنها کمک خواهد کرد. پیشنهاد عملی سفارت دولت امپراتوری اینست که نیروی موتوری ذخیره‌ای در پایگاه کردند، که در داخل مرز ایران است، نگاهداشته شود و در صورت لزوم از طریق هوا در آبادان و یا در مناطق نفتی از فلسطین نیرو آورد که این اقدام را هم می‌توان با آوردن نیرو از کرمانشاه و یا به طرق دیگر عملی کرد. اینکه میدانهای هوایی در مناطق نفتی برای پیاده کردن نیروها کافی باشد باید آن را تجربه نمود.

(۴) مسئله مهم دیگری که در پاراگراف سی‌ام مارس گزارش سه ماهه آمده است اطمینان از توانایی برای حفظ مناطق نفتی، در غیاب نیروهای بریتانیا باید توسط نوعی پلیس باشد که این موضوع خود به مباحثه طولی احتیاج دارد. در اوایل ژوئن

وزارت جنگ از پی فرمس سرفرمانده کل استفسار کرد که به عقیده او در صورتیکه تمام نیروهای بریتانیایی از ایران فراخوانده شوند و به جای آنها ارتش ایران و یا یک نیروی پلیس شخصی عهده‌دار حفظ مناطق نفتی شوند آیا مناطق مزبور منطقاً می‌تواند به نحو احسن علیه هر گونه خرابکاری و اغتشاش محافظت شود؟ همچنین از وی سؤال شد که نیروهای موتوری عراق در صورت لزوم می‌توانند فوراً وارد مرحله شوند؟ افسر فرمانده در جواب این سؤالات مخالفت خود را در زمینه سیاسی، نظامی و وضع آب و هوا برای نگاهداشتن نیروهای موتوری در عراق اظهار کرد و در جواب سؤال دیگر به مخالفت احتمالی امریکاییها درباره حفاظت نفت ایران قبل از فروش اموال خود یاد آور و اشاره کرد که تخلیه عجولانه شاید به زیان هنگفتی از بابت فروش اموال خود در ایران منجر شود: نتیجه اظهار نظر سرفرمانده کل این است که: اگر نفت جنوب ایران در جنگ علیه ژاپن حیاتی باشد خرابکاری در منطقه نفتی هم حائز اهمیت است. بنابراین با امعان نظر در امنیت این منطقه لزوم ابقای نیروهای هندی بریتانیایی در آبادان خاطر نشان شده و نیز نگهداری نیروهای دیگر در مناطق نفت خیز و ذخیره یک تیپ در ایران مطلوب قلمداد شده است.

۱۳- درباره جایگزین کردن نیروهای هندی بریتانیایی در مناطق نفتی به نیروی پلیس مسلح هندی سرفرماندهی کل معتقد است که برای این کار سه هزار نفر لازم است ولی اگر ترجیح داده شود آبادان به وسیله سرباز حفظ شود مناطق نفتی دوهزار نفر پلیس لازم خواهد داشت. با وجود توافق در این مسائل موضوع دیگر این است که مقامات ایرانی نیز می‌توانند به خوبی در دفاع از این مناطق به ما ملحق شوند. زیرا آنان برای اینکه در تخلیه تسریع شود حاضرند وضع قوای نظامی خود را اصلاح نموده از این راه شرایط صلح را زودتر فراهم سازند. حصول این امر به آزمایش روشهای اصلاح وضع نیروی پلیس و ژاندارمری ایران بستگی دارد که پس از پایان دوره سه ماهه باید آغاز گردد.

ارتش بریتانیا:

۱۴- در گزارش قبلی توضیح این نکته فراموش شده بود که در پانزدهم فوریه استقلال فرماندهی پی فرمس از وی گرفته شد و او تحت فرماندهی خاورمیانه درآمد.

۱۵- طی دوره سه‌ماهه مورد تقاضای شما باید تذکر دهم که نیروی بریتانیایی مستقر در ایران در حدود ده‌هزار نفر بود.

پیشنهاد عملیات متقابل علیه فشار شوروی:

۱۶- در ماه آوریل وزارت امور خارجه دربارهٔ آمادگی اقدامات واکنش در برابر فشار روزافزون شوروی در ایران استفسار نموده و خواسته بود که آن‌را با یک تذکر کوتاه به مسئولیت خویش واقف سازند. عملیات مشخص شوروی را در سقوط دولتها می‌توان به این قرار مشخص کرد: (۱) شکست و ضعف دولت در حفظ نظم که تهدیدی علیه امنیت شوروی باشد. (۲) دولت «فاشیست» است و باید آن را با یک دولت «دموکرات» که متناسب با ارادهٔ مردم باشد تغییر داد. امکان دارد شورویها اعلام کنند که با وجود بی‌نظمی‌های آذربایجان و با تهران منافعشان مورد تهدید قرار دارد. و اظهار اینکه دولت‌های کنونی نمایندهٔ افکار عمومی هستند امری است بس دشوار. در هنگامی که دولت شوروی تلاش نماید که دولت را در برابر عمل انجام شده بگذارد دولت امپراتوری باید خود را آمادهٔ دادن تذکرها و محکم بنماید و ادعای شورویها را دربارهٔ تغییر دادن افکار عمومی به سود خود خنثی کند. وزارت امور خارجه از این سفارت خواسته است که در مرحله اول یادداشت‌هایی برای ایرانیان تهیه نماید که ممکن است شورویها نیز به همین منظور به اقداماتی دست بزنند، تذکرات در این یادداشتها را باید به اطلاع شورویها رسانید. در مرحلهٔ دوم به قراری که وزارت امور خارجه هم درخواست کرده است اعمال و رفتارهای ناهنجار شورویها! از قبیل منع برقراری نظم از طرف دولت ایران و جلوگیری از برقراری امنیت، برشمرده فهرست نماید. مرحله سوم سفارت باید برای اجراء عملی کردن اصلاحات اجتماعی بر روی شاه و دولت ایران فشار وارد آورد. بالاخره نکتهٔ بسیار مهم دیگر عامل تبلیغات است (تا جایی که به وسیله تبلیغات وسیع تفاوت بین اظهارات شورویها و اعمال آنها ثابت شود که این موضع بهترین عاملی است از منصرف ساختن شورویها برای اقدامات و روش سیاسی آنها).

اگر اه مطبوعات انگلوسا کسون از انتشار اخبار اعمال شوروی در ایران:

۱۷- یکی از مشکلات این سفارت این است که تقریباً تمام تبلیغات خارجی

درباره ایران به سیاست شورویها گرایش دارند (این موضوع مخصوصاً در پائیز گذشته در هنگامی که دولت شوروی برای گرفتن امتیاز نفت دولت ایران را زیر فشار گذاشته بود واضح و آشکار بود). علت دیگر آن است که قسمت شوروی سانسور ایران و انگلیس و شوروی برای نشر خبرهای خبرگزاریهای خارجی در تهران سیاست سختی را اجرا می‌کند و چون عمل خبرنگاران شامل مجازات کیفری و جزائی می‌شود لذا آنها هم جرأت نشر اخبار خود را ندارند. دلیل دیگر اینکه خبرگزاریها نسبت به اخبار خبرنگاران خود از تهران بی‌توجهی نشان می‌دهند و تصور می‌کنند که اخبار ایران فقط منحصر به اخباری است که از مسکو مخابره می‌شود. آژانس خبرگزاری تاس در تهران به عنوان یک آژانس رسمی، علاوه بر اینکه مشمول مقررات سانسور ایران و انگلیس و شوروی نیست هر خبری را که دلخواهش باشد مخابره می‌کند و این امر اساس اخبار خبرگزاریهای خارجی را از مسکو تشکیل می‌دهد. در نتیجه تنها راه چاره کار خبرنگار امنیت که از سانسور شوروی نترسد و آنچه را که می‌خواهد صراحتاً بگوید.

۱۸- در شرح زیر توضیحاتی درباره تأثیر سانسور شوروی بر روی خبرنگاران خارجی ذکر می‌شود: هنگامی که آقای سالزبرگر خبرنگار مخصوص نیویورک تایمز به تهران آمد به پیروی از خبرنگارانی که خود را آلت دست شورویها درباره اخبار ایران کرده‌اند متن مصاحبه خود را با رهبر حزب توده از تهران مخابره کرد و این امر غیرواقعی را که توده حزبی عمیقاً دموکراتیک است در خبر خود تذکر داد و پس از رسیدن به مسکو کار را بدتر کرد و این خبر را مخابره نمود که بریتانیاییها بازگشت سیدضیاء را به ایران تسهیل کرده‌اند و بنابراین سیدضیاء و ما را از مخالفین مشترک اتحاد شوروی و حزب توده قلمداد نمود... پس از او هم خبرنگار جنگی شیکاگو ویلی نیوز مصاحبه خود را با رهبر حزب توده مخابره نمود که محتوایش آن بود که گفته شده است رهبر حزب توده پولی از شورویها دریافت نکرده است. سفارت دولت امپراتوری در مسکو اظهارنظر کرده است که این خبرنگاران به ندرت فریب تبلیغات شوروی را درباره ایران می‌خورند و اگر مایل باشند بار دیگر به خاک شوروی بروند نخواهند توانست با صراحت از شوروی انتقاد نمایند.

۱۹- این مسئله با وزارت امور خارجه (امریکا) هم مورد گفتگو واقع شده است و آنها تعهد کرده‌اند درباره یک نویسنده و یا مفسر امریکائی که بتواند مقاله بی‌طرفانه‌ای

درباره ایران بنویسد و امکان مخابره آن به خارج وجود داشته باشد تحقیق کنند (تا آنجا که این سفارت آگاه است از این گفتگو تاکنون نتیجه‌ای عاید نشده است). ضمناً این سفارت پیشنهاد نمود که خبرنگار دیلی اکسپرس در خاورمیانه باید از ایران دیدن کرده مشاهدات خود را بنویسد. وزارت امور خارجه (انگلیس) پاسخ داد که نه دیلی اکسپرس و نه سایر روزنامه‌ها که بخواهند در اتحاد شوروی و یا در مناطق اروپائی که تحت اشغال شوروی هستند نمی‌توانند مطالب صریحی درباره آنها منتشر نمایند و بهترین راه درج مقاله در اکونومیست یا منچستر گاردین است که نماینده و خبرنگاری در مسکو ندارند. این سفارت اظهارنظر می‌کند که جای تأسف است که روزنامه‌های مهم انگلیس و احتمالاً روزنامه تایمز جرأت فرستادن اخبار حقیقی ایران را نداشته باشند و در صورت اقدام به این عمل مجبور باشند اخبار نادرست را از مسکو کسب نمایند.

زندانیان ایرانی و توافق بریتانیا و شوروی در این موضوع:

۲۰- بنا به درخواست مقامات بریتانیائی و شوروی بیست و شش نفر از زندانیان ایرانی در ماههای آوریل و مه آزاد شده‌اند... در ۲۵ مه سفیر شوروی آزادی فوری بقیه را پیشنهاد کرد و تا قبل از ۲۹ مه مقامات شوروی به پلیس ایران اطلاع دادند که خواهان آزادی تمام زندانیان می‌باشند. ولی مقامات بریتانیا با آزادی آنان مخالف بودند. بنابراین در دوم ژوئن سفیر دولت امپراتوری به وزیر امور خارجه (ایران) اطلاع داد که مقامات امنیتی بریتانیا فقط به زندانی ماندن اشخاصی تمایل دارد که ممکن است در جنگ ژاپن خطر داشته باشند. با این حال بیش از سی و یک نفر از زندانیان تاکنون آزاد شده‌اند. بعداً سفارت شوروی اعلامیه‌ای در مطبوعات منتشر کرد و متذکر شد که شورویها هیچگاه با آزادی زندانیان مخالف نبوده‌اند. در ضمن سفیر شوروی نام آنهایی را که بنا به تمایل مقامات بریتانیا باید در زندان بمانند به وزیر امور خارجه ایران فاش ساخت و ضمناً استخلاص کاشانی و سرلشگر آقاولی را خواستار گردید. در حین این جریانات مقامات بریتانیا به پنج نفر در بازداشتگاه برخوردند که بنا به تقاضای شورویها بازداشت شده بودند لذا سفارت دولت امپراتوری با خوشوقتی به وزیر امور خارجه اطلاع داد که در مورد این پنج نفر ادعائی ندارند. بنابراین با فرض خوشبینی مقامات شوروی در مورد آزادی آنها تعداد کل ایرانیان آزاد شده طی سه ماهه به شصت و دو نفر بالغ گردیده

است.

۲۱- سیزده نفر ایرانی هم‌کنون در ایران زندانی هستند که دوازده نفر آنها در پایگاه تهران و یک نفر آنها یعنی کاشانی در پایگاه کرمانشاه بازداشت هستند. تعدادی هم به انضمام ژنرال زاهدی در فلسطین در توقیف هستند. در دوم ژوئن نخست‌وزیر ایران از سفیر دولت امپراتوری خواستار شد که در صورت امکان در مدت زندان زندانیائی که در ایران بازداشت هستند تخفیف داده شود و یا اینکه به شهر کوچک محلات در پنجاه میلی شرق سلطان آباد منتقل گردند. این پیشنهاد مورد قبول افتاد به استثنای کاشانی که باید در کرمانشاه در توقیف باقی بماند. درباره آئنده زاهدی و سایرین که در فلسطین هستند هنوز تصمیمی گرفته نشده است.

خط مشی‌های داخلی و مداخله شوروی:

۲۲- به علت عدم توانائی نمایندگان (مجلس) برای انتخاب جانشینی بیات وی هنوز هم (اول آوریل) در شغل باقی است: دولت وی بتدریج از هم پاشیده می‌شود. در اول آوریل نصرالله انتظام وزیر امور خارجه استعفا داد. ابراهیم زند وزیر جنگ برای آزمایشهای پزشکی به فلسطین رفته است و روسها به بیات فشار می‌آورند که سروری وزیر کشور را به علت اینکه به شدت با فعالیت‌های توده رفتار کرده است از هیئت دولت برکنار نماید. علاوه بر این با تساری تقریبی موافقین و مخالفین دولت وضع بن‌بستی در مجلس بوجود آمده... سید محمدصادق طباطبائی رئیس قبلی مجلس که یکی از حامیان بیات بود با اکثریت یک رأی بر رقیب خود فرخ، از مخالفین بیات در مجلس پیروز شد.

۲۳- در ۱۵ آوریل سیدضیاء با دادن استیضاحی حاکی از عدم اعتماد به دولت در مجلس تشنجی مخالف دولت بوجود آورد ولی هنگامی که مطلع شد که بیات قصد دارد در مذاکرات آینده مجلس وضع دولت را روشن کند استیضاح خود را پس گرفت. زمانی که بیات طی یک نطق طولانی در ۱۷ آوریل از سیاست دولت خویش دفاع کرد و قضاوت مجلس را بین دولت و مخالفان آن خواستار گردید نطق او با فریادهای مخالف نمایندگان قطع شد بیات به مجلس تذکر داد به جای فشار آوردن به دولت بهتر است از طریق مباحثه به انتقادکنندگان که از طریق نشر شایعه‌های بی‌اساس از قبیل:

مسلح شدن عشایر و تشکیل اتحادیه عشایر و داستان تخریب تأسیسات نظامی امریکائیا به وسیله خود آنها در هنگام ترک ایران وسایل ضعف دولت را فراهم می‌سازند، جواب دهد و ضمناً تعهد کرد که موضوع میلیسپو که در روابط ایران و کشورهای متحده امریکا اثرات سوء خواهد بخشید به سرعت حل کند. پس از بیانات او مجلس وارد رأی شد و فقط چهل و پنج نفر به وی رأی دادند که به این ترتیب دولت مجبور به استعفا گردید.

۲۴- گرچه شاهنشاه طی پیغامی به نمایندگان امر دادند بدون تأخیر جانشینی برای بیات معین کرده به بحران پایان دهند ولی تا پایان ماه آوریل همچنان کشور بدون دولت ماند. پس از بحثهای طولانی نمایندگان مجلس تصمیم گرفتند نمایندگان از فراکسیونهای پارلمان انتخاب کنند که با یکدیگر مذاکره کرده راه حلی پیدا نمایند. طی مذاکرات سری این نمایندگان در ۲۴ آوریل به ترتیب محمود بدر دارای رأی بیشتری شد و پس از او قوام السلطنه و منصور و پاکروان و صادق اکثريت داشتند. عدم توانائی مجلس در اخذ تصمیم در حقیقت معلول آن بود که قریب سی یا چهل نفر از نمایندگان به انتخاب گاندیدائی مایل بودند که خوشایند شورویها باشد. گرچه آنان به تحمیل شخص انتخابی خود به مجلس قادر نبودند ولی سدی بودند برای انتخاب شخص مخالف خود در این ضمن، با وجود آنکه حزب توده فقط هشت نفر نماینده در مجلس داشت خواهان تشکیل یک دولت ائتلافی با شرکت اعضای خود بود. نتیجه امر مصالحه بر روی شخصی ضرر و بیطرف بود. در دوم ماه مه ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) که مردی سالخورده و سالهای متمادی نقشی در سیاست ایران نداشت با شصت و چهار رأی به نخست‌وزیری انتخاب شد در حالیکه صادق (مستشارالدوله) بیست و چهار رأی داشت و قوام السلطنه فقط سه رأی آورد.

۲۵- حکیمی در دهم ماه مه کابینه خود را به حضور شاه به این قرار معرفی کرد:

انوشیروان سپهبدی وزیر امور خارجه

غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ

نصرالله خلعت‌بری (اعتلاءالملک) وزیر کشاورزی

دکتر اسماعیل مرزبان وزیر بهداری

عبدالحسین هژیر وزیر مالیه

ابوالقاسم نجم وزیر بازرگانی و صنایع
 ابراهیم زند وزیر جنگ
 مصطفی عدل وزیر مشاور
 حسینعلی کمال هدایت (نصرالملک) وزیر مشاور
 نادر آراسته وزیر راه

دو وزیر اول فهرست به تازه‌گی وارد کابینه شده‌اند و رهنما اولین باری است که وارد سیاست می‌شود. چهارنفر بقیه در کابینه بیات دارای مشاغلی بودند. خلعت‌بری که سنش از هفتاد گذشته است مدت زمانی را در بازنشستگی می‌گذرانید. هژیر مردی تواناست ولی توده با او مخالف است. انتظار می‌رود نجم سفیر در کابل انتصاب خود را رد کند. حکیمی خود عهده‌دار وزارت کشور شده و وزارت دادگستری که به عهده اللهیار صالح محول است فعلاً در امریکا بسر می‌برد و دکتر خوشبین معاون وزارت دادگستری به جای او وزارتخانه را اداره می‌کند. محل وزارت پست و تلگراف فعلاً خالی است. بطور کلی هیئت وزیران رنگی ندارد و از قبول عامه برخوردار نیست.

۲۶- در روز ۱۳ مه نخست‌وزیر اعضای کابینه خود را به مجلس معرفی و روز بعد برنامه دولت را حاوی اصلاحات کشاورزی و اقتصادی، بهبود وضع کارگران و کشاورزان، تجدیدنظر در مالیاتها و تحکیم روابط دوستانه با متفقین بر اساس پیمان سه‌جانبه و منشور آتلانتیک و اعلامیه تهران به اطلاع مجلس رسانید. ولی حزب توده مخالفت خود را با دولت بر اساس عدم اجرای تجدید سازمان انقلابی در نظام اجتماعی اعلام داشت. حزب توده با افزایش تعداد نمایندگان خود در مجلس به دلایل خصوصی تمایل شورویها را به دولت مصلحت می‌داند. از طرف دیگر بسیاری از نمایندگان که به حکیمی رأی داده بودند چون خواسته‌های آنان را در انتخاب وزیران انجام نداده است از وی آزرده خاطر شده‌اند ولی نمایندگان دست راستی معتقدند که ترکیب کابینه برای تسکین دادن روسها مناسب خواهد بود.

۲۷- از آغاز کار وضع کابینه اطمینان‌بخش بنظر نمی‌رسید و حامیان کوشش دارند به‌ر صورت از کابینه پشتیبانی نمایند... در ۱۹ مه برنامه دولت در مجلس مطرح مذاکره قرار گرفت. در ضمن مباحثات از طرف نمایندگان توده حملات شدیدی به دولت می‌شد و طبق معمول به وارد ساختن اتهامهایی مانند پشتیبانی مرتجعین از نظام

فئودالی عشیره‌ای که به خاطر منافع امپریالیسم آنها را مسلح می‌کنند و قصور در چگونگی نظم ارتش، دست زدند. در ضمن سیدضیاء مورد حملات آنان قرار گرفت. نمایندگان توده عقیده داشتند که برای برقراری روابط بهتر و بیشتر با اتحاد شوروی عقد پیمان جدیدی لازم است. با اینکه این حملات به دولت تأثیر چندانی نکرد ولی مخالفت توده‌ایها و نمایندگان که به دلایل شخصی از رنجش و کدورت روسها نگرانند بی‌اثر نبود از این پس تذکر پشت تذکر برای وادار کردن حکیمی به انتخاب وزیران مورد علاقه نمایندگان، در مجلس به وی داده می‌شد نمایندگان مزبور تصور می‌کردند که اگر دولت دیگری سرکار بیاید در انتخاب آینده می‌توانند مجدداً کرسی خود را در مجلس حفظ نمایند روز به روز شدت مخالفت افزوده می‌شد تا سرانجام در روز سوم ژوئن هنگام اخذ رأی برای رأی اعتماد به دولت حکیمی فقط بیست و پنج رأی داشت. بنابراین کابینه استعفای خود را تقدیم داشت و از کار کنار رفت.

۲۸- به جای او (حکیمی) سیدمحسن صدر (صدرالاشراف) با شصت رأی مجلس به نخست‌وزیری انتخاب شد و در ششم ژوئن از جانب شاهنشاه مأمور تشکیل کابینه گردید. با این حال صدر نیز مانند سلف خود در موضوع انتخاب وزیران خود، بخصوص در انتخاب وزیر کشور که می‌تواند در انتخابات مجلس اعمال نفوذ نماید با نمایندگان مجلس دچار مشکلات گردید. معذک در ۱۲ ژوئن صدر کابینه خود را حضور شاهنشاه به قرار زیر معرفی نمود:

نخست‌وزیر و وزیر کشور صدر (صدرالاشراف)

وزیر مالیه محمود بدر

وزیر دادگستری امان‌الله اردلان

وزیر صنایع و معادن عباسقلی گلشائیان

وزیر بهداری دکتر سعید مالک (لقمان‌الملک)

وزیر پست و تلگراف احمد اعتبار

وزیر جنگ ابراهیم زند

وزیر امور خارجه انوشیروان سپهبدی

وزیر فرهنگ غلامحسین رهنما

وزیر مشاور مصطفی عدل (منصورالسلطنه)

وزیر مشاور حسینعلی کمال هدایت (نصیرالملک)

وزیران کابینه صدر هریک سابقاً در مشاغل وزارت انجام وظیفه می کردند. و پنج نفر آنان یعنی وزیر جنگ، وزیر امور خارجه، وزیر فرهنگ و دوتن وزیر مشاور عضو کابینه قبلی بودند.

۲۹- هشت نفر نماینده توده فوراً مخالفت خود را با صدر اعلام داشتند و نیز سی نفر دیگر که عضو این حزب نیستند و با آن مخالفند و مصدق و دار و دسته او جزء مخالفین کابینه در آمدند و اعلام کردند که با تمام و با وسایل ممکنه دولت او را ساقط خواهند کرد... تصادفاً دو نفر از اعضای کابینه پس از چند روز استعفای خود را تقدیم کردند و بعداً اردلان وزیر دادگستری جای خود را به هدایت وزیر مشاور داد...

۳۰- تمام روزنامه‌های زیر نفوذ شوروی علناً به مخالفت با کابینه صدر برخاستند و وی را متهم به واقعه باغ شاه و محاکمه آزادی خواهان مشروطیت ایران کردند و گفته که وی پیوسته مرتجع سرسختی بوده است. با وجود مذاکرات پی در پی بین مخالفان و موافقان در مجلس سرانجام برای حل مسئله توافق نشد و اقلیت هم در نظر خویش راجع به عدم حضور در مجلس و از اکثریت انداختن آن پابرجا ماند. هربار که صدر کوشش می کرد کابینه خود را به مجلس معرفی کند اقلیت از حضور در جلسه خودداری می کرد و نتیجه آن بود که هیچگاه مجلس برای اخذ رأی به حد نصاب نمی رسید. در ۲۸ ژوئن بین دو گروه مخالف مذاکرات زیادی به عمل آمد. اقلیت پیشنهاد می کند که صدر باید استعفا دهد که در این صورت برای انتخاب نخست وزیر دیگری با اکثریت همکاری خواهند کرد. ولی اکثریت به قبول این پیشنهاد حاضر نشد و بن بست ادامه یافت. سرانجام شاهنشاه برای پایان دادن به این بحران نمایندگان اکثریت و اقلیت را به حضور پذیرفته به آنان امر کردند بدون تأخیر کوشش خود را برای رفع بحران بکار ببرند. با این تفصیل راه حلی پیدا نشد و تا پایان ماه ژوئن صدر موفق گردید از مجلس رأی اعتماد بگیرد.

۳۱- طی این دوره فعالیت احزاب مختلف و جنبش های کارگری قابل ملاحظه بود. مقررات منع تظاهرات سیاسی در تهران در اول ماه مه به منظور دادن اجازه به حزب توده برای تظاهر به افتخار ارتش سرخ مسکوت ماند. حدود پنج هزار نفر که اکثر آنها ارمنی و آذربایجانی و مهاجرین قفقازی بودند در تظاهرات منظمی شرکت کردند. در

شهرهای استانهای شمالی ایران و کرمانشاه و همدان نیز به مناسبت روز اول ماه مه (روز کارگر) تظاهرات مشابهی برپا گردید. در مشهد هم این تظاهرات دو روز بطول انجامید و افسران و در حدود هشتاد سرباز مسلسل به دست روسی وظیفه حفظ امنیت تظاهرکنندگان را در خیابانها عهده دار بودند.

در روز ۱۸ ماه مه حزب عدالت که از سیاست اصلاحات از طریق دین، پشتیبانی می کند به علت وابستگی تودماییها به روسها با آن حزب مخالف است، به بهانه بزرگداشت پیروزی متفقین تظاهراتی در تهران برپا کرده در ضمن خواستار تخلیه ایران از نیروهای متفقین و استخلاص زندانیان شد. تظاهرات حزب عدالت با مقاومت و حمله اعضای حزب توده مواجه شد و ضمن درگیری یک نفر از اعضای حزب عدالت کشته و چند نفر مجروح شدند. در این گیر و دار پلیس توانست دخالت کند، شاید علت آن فشار شورویها به دولت برای برکنار کردن رئیس پلیس اصفهان که علیه آشوبگران حزب توده عمل کرده بود باشد. پس از این واقعه طرفداران سیدضیاء، سه روز پی در پی در مقابل مجلس به تظاهرات پرداختند.

۳۲- طی ماه آوریل در اصفهان امنیت برقرار بود و مبارزات محلی شوروی و توده در برابر مقامات ایرانی که در حفظ نظم و امنیت سخت کوشا بودند، ظاهراً در کار نبود. ولی در اواسط ماه مه رهبر توده اصفهان، بهرام پور، با مبالغ گزافی پول از تهران بازگشت و این مبلغ را برای تحریک طرفداران حزب توده در برابر مخالفان خود خرج کرد در ۲۵ مه یکی از رهبران ضد توده اتحادیه کارگری اصفهان به وسیله اوباش توده کشته شد. نتیجه آن برانگیخته شدن موجی از خشم علیه توده شد. معاون اداره پلیس که به عقیده مردم از طرفداران شوروی بود از مقام خود عزل گردید و به جای او یک افسر ارتش گمارده شد و در ضمن نیز چندین بازداشت صورت گرفت. شکست توده با معرفی اصلی محرکین جنایت سبب نگرانی شد زیرا احساس شد که حزب توده با عدم پیشرفت خود بر اثر موانع قانونی به وضوح سیاست تروریسم را پیشه خود ساخته است.

۳۳- طی ماه مه فعالیت های حزب توده در کرمانشاه نیز افزایش یافت و منجر به وقوع اعتصابهایی در پالایشگاه شرکت نفت کرمانشاه گردید. این جنبش را نمی توان سطحی و ناشی از عمل ناراضیان علیه شرکت دانست بلکه از تمام جهات می توان نتیجه گرفت که در صورت موفقیت، آزمایشی برای نتایج بعدی و درگیری های کارگران

آبادان و یا جاهای دیگر بود، هنگامی که اعتصاب سرکوب شد، مطبوعات توده که تا این زمان به تحریک کارگران مشغول بودند، اعلامیه‌ای منتشر کردند که در آن متذکر شدند که برای جلوگیری از تأخیر در امر جنگ علیه ژاپن این اعتصاب نتیجه‌ای ندارد و باید هرچه زودتر به آن پایان داده شود.

۳۴- حزب سیدضیاء، اراده ملی، به افزایش اعضا و فعالیتهای خود ادامه می‌دهد و سعی دارد در هرجا که حزب توده شعبه دارد، شعبه‌ای از حزب اراده ملی در آنجا دایر شود. مطبوعات توده‌ای و سایر روزنامه‌های دست چپی به حمله‌های خود علیه سیدضیاء، ادامه می‌دهند و او را نماینده امپریالیسم یا کسی که آن را رهبری کند معرفی می‌کنند. در پایان ماه ژوئن سید طی یک سخنرانی به حمله متقابل شدیدی دست زد و توده را متهم کرد که ابزار و آلت دست شورویهاست.

مطبوعات و افکار عمومی ایران و نفوذ شوروی:

۳۵- طی این زمان چندین تصادم توسط فرماندار نظامی تهران صورت گرفت که اثر آن در مطبوعات منعکس گردید. توقیف‌های پی در پی روزنامه‌ها سبب شد که مطبوعات به عملیات غیرقانونی فرماندار نظامی اعتراض کنند و خواهان الغاء حکومت نظامی بشوند... عامل مهم در اعمال و رفتار ناراضی‌کننده حکومت نظامی این است که از طرف سفارت شوروی، برای اینکه اقدامات آن را محدود نمایند، بر روی دولت و حکومت نظامی فشار شدید وارد می‌شود تا وسیله‌ای فراهم آید که فشار بر روی روزنامه‌هایی که سبب عدم رضایت مقامات شوروی می‌شوند، افزوده گردد و کمتر دولتی است که جرأت مقاومت در برابر این فشار را داشته باشد... به علاوه دوره توقیف هر روزنامه چه طولانی و چه کوتاه باشد به مخالفت یا پشتیبانی سفارت شوروی بستگی دارد.

۳۶- پایان یافتن جنگ در اروپا مورد استقبال مطبوعات و عموم مردم قرار گرفته است. عقیده عمومی بر این است که جنگ در خاور دور دیگر اهمیتی ندارد و مردم معتقدند که به زودی اوضاع دنیا به حالت عادی بازخواهد گشت ولی مطبوعات توده اعتقاد دارند که جنگ علیه فاشیسم باید ادامه یابد و چون فاشیسم و ارتجاع بین‌المللی در اروپا متزلزل شده است سعی می‌کند در کشورهایی چون ایران اساس خود را مستحکم

نماید. پایان جنگ در اروپا مطبوعات را بر آن داشته است که استخلاص زندانیان را خواستار گردند، فقط از این میان جبهه آزادی است که با استدلال به اینکه پیمان سه‌جانبه شامل جنگ با ژاپن نمی‌شود خواستار تخلیه کشور از طرف تمام نیروهای متفقین هستند. در هر حال تخلیه فوری ایران می‌تواند پاداشی شایسته در برابر خدمات ایران در قبال متفقین به شمار آید.

۳۷- در میان مطبوعات و جبهه آزادی و روزنامه‌هایی که به توده تعلق ندارند شکافی به وجود آمده است ولی بیشتر آنها با لحنی شدید از «ضدامپریالیستی بودن» یعنی ضد بریتانیائی سخن می‌گویند... وضع و موقع جبهه استقلال با از دست دادن عده‌ای از اعضای آن و پیوستن آنها به گروه سیدضیاء تضعیف شده است. از طرف دیگر مبارزه شدیدی بین جبهه آزادی و گروه طرفدار سیدضیاء راجع به مداخله بریتانیا و شوروی در انتخابات دوره چهاردهم مجلس در گرفته است... سیدضیاء به عنوان یک نماینده امپریالیست که مأمور اجرای مقاصد آن است، قلمداد شده است. جبهه آزادی تلاش می‌کند به مردم به‌قبولاند که سیدضیاء و مرتجعین و امپریالیست‌ها درصددند که ایران را به دو منطقه شمال و جنوب تقسیم نمایند.

۳۸- لحن جبهه آزادی در مورد بریتانیا خصمانه است، این جبهه کوشش می‌کند که این کشور را به‌صورت «امپریالیسم بین‌المللی» یا «ارتجاع بین‌المللی» مجسم سازد. مورد شلیک قرار گرفتن «سیم دزدان ایرانی» توسط نظامیان هندی و نطق آقای ریچارد لائو در مجلس عوام انگلیس در مورد منافع بریتانیا در جنوب ایران بهانه‌ای به دست جبهه آزادی داد که درباره دسیسه‌های سیاست بریتانیا در خاورمیانه، داد سخن بدهند. موضوع اصلی ادعا این است که ایران پاسدار هندوستان بشمار رفته برای حفظ منافع امپریالیستی انگلیس فریب مرتجعین را می‌خورد و باید به هر قیمتی که شده یا از راه جلوگیری از سقوط و بدبختی ایران و یا از راه تهیج و تحریک جنبش خودمختاری کردستان و یا تشکیل فدراسیون عرب و یا ایجاد اتحادیه اسلامی از نفوذ روزافزون شوروی جلوگیری به عمل آورد. سخنرانی انتخاباتی آقای چرچیل و حوادث اخیر سوریه نیز مورد بحث جبهه آزادی قرار گرفت. شدت عمل روزنامه‌ها درباره «ارتجاع بین‌المللی» و سیدضیاء، با توجه به بی‌اساس بودن این حمله‌ها، با اصرار روسها برای جلوگیری از اعمال چنین روزنامه‌هایی توأم است و شاید این اصرار نشانه‌ای از مبارزه

متقابل آنها با روزنامه‌های طرفدار سیدضیاء و جبهه آزادی که مخالف توده و اربابان روسی آنها به این موضوع دلبستگی دارند، باشد.

۳۹- «رهبر»، ارگان رسمی حزب توده، طی مقاله‌ای چنین نوشت: بحرین جزء لاینفک ایران است و تمام تصمیم‌هایی که در این مورد توسط مجلس دوره رضاشاه گرفته شده غیرمعتبر است. «ظفر» ارگان رسمی اتحادیه کارگران با دستاویز قرار دادن بدرفتاری نسبت به کارگران، شرکت نفت ایران و انگلیس را دائماً مورد حمله قرار می‌دهد.

۴۰- مشکلات داخلی مانند: بحرانهای پی در پی کابینه و مجلس، صف‌بندی مطبوعات، وضعی مشابه دارند بطوریکه جبهه آزادی در یک جبهه و روزنامه‌های طرفدار سیدضیاء و جبهه استقلال در جبهه‌ای دیگر رودرروی یکدیگر قرار گرفته‌اند. نگرانی از وضع اقتصادی و اجتماعی مبنای هدفهای هر دو جبهه را تشکیل می‌دهد. خطر اوضاع مالی و بیکاری با توجه به عدم اقدامات و فعالیتهای سازنده برای اصلاح وضع از مواردی است که بر روی آنها می‌توان تکیه کرد. در مورد وضع سیاسی نگرانی از این جهت است که امکان دارد از جانب ارتش یا دربار برای برقرار کردن نظام دیکتاتوری تلاشهایی به عمل آید.

۴۱- افکار عمومی با توجه به اوضاع آشفته کشور دچار اختلال و بی‌نظمی شده است ولی با دقت زیاد به مبارزه بین توده و سیدضیاء نظارت می‌کند که باید علت اصلی آن را در پشتیبانی آشکار مقامات شوروی در هفته‌های اخیر از حزب توده جستجو کرد. هرچه بیشتر به فعالیتهای سیدضیاء در ایران که با نظر تحسین نگریسته می‌شود، افزوده می‌گردد و عملیات شوروی و حقایق برام کمونیسم که از جانب مطبوعات با انتشار مقالات شدیدالحن آشکار می‌شود ترس و نگرانی از دخالت شورویها در امور داخلی افزون‌تر می‌گردد. گرایش کلی افکار عمومی برای بیرون راندن شورویها و رسوا ساختن آنها از طریق وسایل ارتباط جمعی به جهانیان، واضح و آشکار است. ایران در این گیر و دار تلاش می‌کند مسئولیت را از دوش خود برداشته به دوش دیگری بگذارد. از دید مردم ایران سرنوشت ایران به فعالیتهای خود ایرانیان بستگی ندارد بلکه این مسئولیت را به امعان نظر در تقاضاهای شوروی از انگلیس و یا لاقل از امریکا در اروپا ارتباط داده است. هم‌اکنون چشمهای مشتاق ایرانیان به اروپا دوخته شده است.

عشایر و اعمال و نفوذ شورویها در میان آنها:

۴۲- طی نیمه اول، جز در آذربایجان باختری (کردستان شمالی) وضع عشایر رضایت بخش بود و فقط ناامنی‌ها و راهزنی‌های کم‌اهمیتی اتفاق می‌افتاد و آشوبهایی که اغلب مقارن با کوچ عشایر رخ می‌دهد، امسال به ندرت دیده شد. ولی هم‌اکنون تمام عوامل بی‌نظمی وجود که در صورت تحریک به وسیله محرکین سیاسی یا در اثر سوء اراده امور، آتش آن شعله‌ور خواهد گردید.

۴۳- وضع عشایر کردستان شمالی توجه شدید دولت ایران را به خود جلب کرده است. از مدتی پیش که مقامات شوروی از تجدید وضع قوای دولت ایران و اعمال قدرت آن جلوگیری کرده‌اند، تمام عشایر، از مهاباد تا ماکو، عملاً جز در برخورد با مقامات شوروی، به خود متکی شده‌اند. زمانی کوشش به عمل آمد که کرد به پیوستن به حزب توده مجبور شوند ولی اهداف و اصول اساسی مرام حزب توده کمتر مورد توجه سران عشایر قرار گرفت. گزارش شده است که پشتیبانی شوروی از جنبش استقلال کرد، مشهور به کومله، آغاز شده و ظاهراً زمینه پیشرفت سریع در این مورد مشهود گردیده است. انتظار می‌رود که دولت ایران، پس از عقب کشیدن نیروهای شوروی، با وضع وخیمی در آذربایجان باختری مواجه شود و برای بهبود اوضاع هم امید چندانی نیست.

۴۴- در آذربایجان خاوری، این وطن پرست شاهسون در اثر بازداشت دونفر از سران خود توسط مقامات شوروی به جرم مخالفت با حزب توده و نیز به علت ضعف دولت ایران در جلوگیری از این اقدام، تحریک شده است.

۴۵- در جمع آوری اسلحه از عشایر و سایر افراد پیشرفتی حاصل نشده است. در حدود هزار قبضه تفنگ در کردستان شمالی از عشایر مطیع و کشاورزان، گرفته شده است.

مناطق عشایری:

۴۶- شیخ جالب، پسر بزرگ شیخ خزعل (شیخ محمدره) مرحوم، که از تهران از طریق بغداد بازگشته است برای انتقام از محاکم دادگستری ایران درباره اتخاذ تصمیم در موضوع تخصیص قسمتی از اراضی وسیعی که پس از بازداشت شیخ خزعل در سال

۱۹۲۵ از طرف دولت ضبط شده است به تلاش برادران و خواهران خود که از مدتها قبل به این ادعا برخاسته بودند، پیوسته است...

ارتش ایران:

۴۷- کوششهایی چند برای بهبود روحیه افراد ارتش نیز به وسیله ژنرال ارفع رئیس ستاد کل ارتش، صورت گرفته است. اخیراً فرمانی مبنی بر منع تنبیه جسمی از طرف ارتش صادر شده است. باشگاههای نظامی در مراکز ارتش تأسیس شده و به لزوم بهبود در وضع مدیریت ارتش و افزایش مقدار جیره افراد تأکید می‌شود. ولی با وجود این هنوز حقوق افسران پرداخت نشده است و مادامی که این امر ادامه داشته باشد نمی‌توان از آنان صداقت و انجام وظیفه را انتظار داشت. ارتش از باقیمانده بودجه قلیل سال گذشته خود استفاده می‌کند. رئیس ستاد کل فعلی فردی میهن‌پرست و در کار خویش متخصص است ولی نمی‌تواند از مسائل روزمره سیاسی برکنار بماند. زیرا از یک طرف متقاعد شد که برای ایستادگی و مقابله با نفوذ شوروی از طریق حزب توده، می‌تواند نقش مهمی در افکار و مقاصد میهن‌پرستان داشته باشد و از طرف دیگر احساس می‌کند که برای مقابله با دشمنان ناچار است از پشتیبانی نمایندگان مجلس و روزنامه‌نگاران برخوردار باشد.

حسادت‌های همه‌جانبه و دشمنی‌های شخصی که از دسیسه‌های شورویها و تشویق توده سرچشمه می‌گیرد، وقت افسران ارشد را اشغال کرده آفتی برای پیشرفت امور شده است. شورویها دشمن رئیس ستاد و افسران ارشد انتصابی او هستند. حزب توده سعی دارد طرفداری افسران جزء و درجه‌داران را به سوی خود جلب نماید. چنانکه در این راه هم‌اندکی موفق گردیده است. در نواحی شمال خراسان و آذربایجان، بر اثر سیاست آمرانه مقامات شوروی و محدود شدن آزادی عمل ارتش ایران افسران و افراد روحیه خود را باخته‌اند. شورویها به آنان آزادی عمل نمی‌دهند. آنان را در مناطق معین محصور ساخته و به محدودیت تعداد آنها اصرار می‌ورزند...

۴۸- نفوذ و اقدامات ژنرال ریدلی و هیئت وی، درمورد موضوعهایی غیر از تهیه تدارکات، آشکارا بسیار قلیل است. دوره کنترات آنها در ماه مارس امسال پایان یافت ولی به درخواست دولت ایران دولت کشورهای متحده امریکا دوره اقامت آنها را تمدید

کرد.

ژاندارمری:

۴۹- وضع ژاندارمری به استثنای پایتخت، بطوری است که در سه سال اخیر بوده است یعنی فاسد و قاصر در انجام وظیفه و به جای اینکه از بی‌نظمی و ناامنی جلوگیری کند خود عامل بی‌نظمی و ناامنی است. اقدامات سرهنگ شوراسکف و قوانین و مقرراتی که برای بهبود وضع ژاندارمری وضع کرده است، جز در مواردی، هنوز هم بلاثر مانده است. تفرقه و جدائی بین ارتش و ژاندارمری رو به افزایش است و ستونهای اعزامی آنها برای تعقیب راهزنان در موارد مختلف با یکدیگر تصادم پیدا کرده است. همکاری بین این دو نیرو بسیار کم دیده می‌شود. انتقال ژاندارمری به وزارت جنگ و تحت کنترل و اداره آن به این شکل و صورت قابل تعمق است. برداشتن چنین گامی ممکن است از نظر صرفه‌جویی و پیشرفت امنیت نتایج مثبتی را دربرداشته باشد.

۵۰- ادارات مرکزی ژاندارمری، جز در فارس و آذربایجان، منحل شد و هم‌اکنون هنگ‌های ژاندارمری زیر فرمان مستقیم اداره مرکزی ژاندارمری در تهران هستند. این موضوع روابط بین استانداران و ژاندارمری را پیچیده‌تر خواهد کرد. زیرا استانداران قبلاً فرمانده ژاندارمری ناحیه را در مرکز استان زیر نظر خود داشتند.

پلیس:

۵۱- با اینکه شوروی از طریق حزب توده کارگران را تحریک کرده و احتمالاً آشوب و خرابکاری در شهرها رو به افزایش خواهد گذاشت، نیروی پلیس در حفظ نظم قابلیت کمی از خود نشان داده و با عدم کارآئی مورد بی‌اعتمادی قرار گرفته است... با چنین وضعی نمی‌توان از پلیس عمل بی‌طرفانه‌ای را انتظار داشت البته دولتهای پی در پی و زودگذر را باید مقصر اصلی چنین وضعی دانست. و در صورتیکه رئیس پلیس شایسته و فعالی هم بر سر کار آید بر اثر ترس و عدم لیاقت وزیران ناچار اقداماتش بلاثر خواهند ماند. تنها هیئتی از افسران خارجی با داشتن قدرت کافی که باید به آنها تفویض شود، قادر خواهند بود با داشتن استقلال کامل و عدم دخالت دولت و بودجه کافی نظم و رونقی به کارها داده از بی‌نظمی جلوگیری نمایند. ولی بطوریکه تجربه

افسران امریکائی ژندارمری نشان داد وظیفه آنان آسان نخواهد بود: بخصوص که از نظر حفظ نیروی کارگری شرکت نفت ایران و انگلیس در برابر تهدید و خرابکاری، کیفیت عمل نیروی پلیس ایران با منافع دولت امپراطوری ارتباط کلی دارد.

نیروی هوائی ایران:

۵۲- با توجه به علاقه شخصی شاهنشاه دربارهٔ نوسازی و گسترش نیروی هوائی ایران مذاکرات زیادی انجام شده است. نظر نیروی هوائی دولت امپراتوری برای تجهیز، آموزش و سازمان خواسته شده که تا حد زیادی مورد قبول واقع شده است ولی با توجه به عقب ماندگی شدید نیروی هوائی، پیشرفت در این زمینه احتمالاً سریع نخواهد بود.

۵۳- با این وجود در این زمینه هر روز پیشرفت کمی به چشم می خورد ولی با وجود فرماندهی سرتیپ خسروانی روحیهٔ افراد در سطح بدی قرار دارد.

خطوط هوائی کشوری در ایران:

۵۴- خط هوائی دولتی ایران، زیر نظر وزارت پست و تلگراف و تلفون، هم اکنون دو پرواز رفت و برگشت از طریق کرمانشاه در هفته به بغداد و از طریق اصفهان و شیراز یک پرواز هفتگی به بوشهر دارد. مسافر (رسمی) گرفته نمی شود. جنوب اصفهان به تأسیسات مخابرات بی سیم این قسمت از راه اختصاص دارد.

۵۵- شرکت بازرگانی در پیشرفت این خطوط اصرار دارد ولی تاکنون کار مثبتی انجام نداده است. سرویسهای با اصطلاح رسمی شوروی بین تهران و مشهد در کار حمل کالا به مقصد پهلوی و تبریز هستند...

۵۶- امریکائیه با دولت ایران توافق کردند که سرویس بازرگانی ایران بین بغداد و تهران به تدریج جایگزین سرویسهای نظامی کشورهای متحده گردد. خط هوائی فرانسوی به حمل غیرنظامیان ادامه می دهد ولی چندین مورد مشکوک روایت نیز کشف شده است. خط هوائی ماوراء سجار بریتانیا در سه مسیر بغداد، جده و قاهره هر هفته با ظرفیت مملو از کالا و مسافر عادی به کار خود ادامه می دهد ولی به اندازه کافی نیست.

مالیه:

۵۷- اقلام بودجه ایران در سال ایرانی ۱۳۲۳ شمسی (۲۱ مارس ۱۹۴۴ تا ۲۰ مارس ۱۹۴۵) ۸۱ میلیون مازاد در بودجه جاری و ۵۴۳ میلیون ریال کسری در بودجه بازرگانی بود که در نتیجه کسری خالص آن بالغ ۴۶۲ میلیون ریال می شود جمع کسر بودجه در سال ۱۳۲۲ مبلغ ۱۰۵۳ میلیون ریال بود. قسمتی از ترمیم بودجه کشور به مساعی دکتر میلیسپو و هیئت وی بستگی دارد ترمیم سایر قسمتها به تجدیدنظر در قانون مالیات بر درآمد، که در رأس برنامه های هر دولتی قرار دارد، و اقدامهای آتی دکتر میلیسپو چندان مسلم به نظر نمی آید.

۵۸- با سقوط قیمت طلا در لندن دولت ایران در ۹ ژوئن اعلام داشت با توجه به ماده ۸ موافقتنامه ای به حد کافی و لازم موازنه استرلینگ را به تعویق خواهند انداخت. سفارت دولت امپراتوری به دولت ایران اطلاع داد که دولتهائی که با دولت امپراتوری چنین موافقتنامه هایی دارند این تأدیل را خواستار نشده اند و این تغییر قیمت در اثر کاهش هزینه بیمه و حمل و نقل به مقصد کشورهای متحده بوده است. اما اگر دولت ایران حق درخواست چنین تأدیلی را برای خود محفوظ دارد، دولت امپراتوری آماده تأدیل و برقراری موازنه خواهد بود.

۵۹- کمیابی دلار در ماه ژوئن باعث شد که بانک ملی ایران گشایش اعتبارهای دلاری برای سفارش کالا از کشورهای متحده را نپذیرد. متعاقب این عمل اداره کنترل بازرگانی خارجی و مرکز تدارکات خاورمیانه در تهران تا انجام اقداماتی برای ذخیره دلار جهت ایران، صدور پروانه را برای کالاهای امریکائی متوقف ساخت. با این حال دولت ایران تاکنون عملی برای جلب دلارهای اشخاص خصوصی بر نداشته و بر روی دلارهای حاصل از صادرات جاری به کشورهای متحده نیز کنترلی اعمال نکرده است. قیمت دلار در بازار آزاد پنجاه ریال گردیده است (در مقایسه با نرخ رسمی دلار که ۳۲ ریال است).

وضع اقتصادی:

۶۰- سازمان اقتصادی که به وسیله دکتر میلیسپو پی ریزی شده است کلیه امور مربوط به قسمت های اقتصادی دولت را زیر نظر و در اختیار خود گرفته است و بیش از

آنچه که انتظار می‌رفت خوب عمل کرده است. این حسن عمل قسمتی به علت اقتباس سازمانی و روش کار امریکائیا و قسمتی به نحو عملکرد اعضای هیئت میلیسپو ارتباط دارد. با تمام نقائص موجود در این سازمان اقتصادی، سازمان مزبور توانست تداوم عملیات حیاتی اقتصادی را، در هنگام بحران کابینه‌ها و خطر نابودی سازمانهای اقتصادی، تأمین نماید. هیئت‌های کشاورزی و حمل و نقل بریتانیا همچنان به کار خود ادامه می‌دهد. ولی آینده ابقای امریکائیا و انگلیسها در بخش‌های مختلف اقتصادی نامعلوم و احتمالاً ابقای آنها برای مدتی طولانی امکان‌پذیر نیست. طی این سه ماه در صدور پروانه واردات، شیوع رشوه و ارتشاء، و در هم ریختگی در حال افزایش بود و عمل چنین بود که شرکتها را وادار سازند که از طریق وارد کنندگان اولیه پروانه وارداتی به دست آورند. هم‌اکنون نمایندگان شرکت‌های بازرگانی بریتانیا و کشورهای متحده و هندوستان مشترکاً تلاش می‌کنند پیشرفتی در این زمینه به دست آورند.

۶۱- بازارها، با وجود پایان جنگ در اروپا جنب و جوش چشم‌گیری به خود نداده‌اند. بازرگانان که از جنگ منتفع گردیدند و پایان روزهای پرسود را پیش‌بینی می‌نمایند، بدون اینکه از خود حرارتی به خرج دهند این وضع را غنیمت شمرده از آن استقبال کرده‌اند. صادرات فرش، صمغ و پوست به مقصد کشورهای متحده با وضع جدید دلار رونق گرفته است و در ۲۲ ماه مه بانک ملی فروش دلار را متوقف ساخت ولی بازار در ادامه روش صادرات خود به عراق و سوریه تا اواخر این دوره همچنان فعال باقی ماند.

فروش یا واگذاری تأسیسات نظامی امریکا و بریتانیا:

۶۲- فهرستی از تأسیسات و تجهیزات نظامی بریتانیا و تأسیسات مشترک بریتانیا و امریکا، که به منزله دارایی ثابت تلقی گردید، به عنوان مازاد تهیه و اعلام گردید و برای فروش به دولت ایران عرضه شد. در رأس این فهرست تأسیسات بندر شاهپور و سیستم خط تلفون نظامی قرار دارد. ولی احتمال نمی‌رود که دولت برای خرید آنها بتواند قادر باشد که قیمت آنها را نقداً پرداخت نماید. بخصوص که امریکائیا اصرار دارند که قیمت تأسیسات به دلار پرداخت شود و به همین جهت هم انجام امر متوقف ماند. محتمل است که مقامات امریکائی موافقت کنند برای تبدیل ریال به دلار

مهلتی به ایرانیان داده شود ولی برای پرداخت قیمت تأسیسات بریتانیا مشکلات تبدیل پول در میان نخواهد بود.

واگذاری راه آهن تحت اختیار بریتانیا و امریکا به ایران:

۶۳- استرداد کنترل راه آهن جنوب تهران از طرف بریتانیا و امریکا به دولت ایران تا پایان ماه ژوئن تحقق خواهد یافت. مسئولیت دو فاکتری بریتانیا برای ملحوظ داشتن پرداخت قروض مالی راه آهن در اول ژوئن پایان پذیرفت. ولی ارتش بریتانیا، برای جبران کسری پرداخت در خط جنوب تا پایان سپتامبر خود را آماده می کند. سرمایه بریتانیا و امریکا در راه آهن ایران برای «استفاده، نگهداری و تعمیر» به ایرانیان واگذار شده است. سفارت شوروی هنوز هم آمادگی خود را برای آغاز گفتگو با بریتانیا و ایران در مورد تعیین تکلیف استفاده از راه آهن توسط متفقین، طی مدت اول سپتامبر ۱۹۴۱ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۴۵ اعلام نکرده است. دولت ایران برای عمل کردن این موافقتنامه پافشاری می کند. علامتی که حاکی از تأسی شوروی به روش انگلیس و امریکا در جهت پس دادن کنترل راه آهن جنوب به ایران، قبل از پایان موعد پیمان سه جانبه، باشد مشهود نیست.

وضع غله:

۶۴- تا پایان ماه ژوئن جمع محصول غله در ایران بالغ بر ۲۰۴/۰۰۰ تن بود که ۱۳۴/۰۰۰ تن آن گندم بود. گزارشهای موجود نشان می دهد که این محصول غیرمنتظره و قابل ملاحظه بوده است. انگلیس و امریکا متفقاً از اینکه سفارت شوروی معتقدند که صادرات غذایی بدرستی جوابگوی خواسته آنان نیست، ناراحتند. بنابراین در زمان حاضر فقط دولت ایران است که باید تصمیم بگیرد که از انگلیس و امریکا تقاضای کمک کند یا مازاد احتیاج خود را به مقدار ۱۰۰/۰۰۰ تن بابهای بیشتر از قیمت معمول از آنان خریداری نماید و یا با به خطر انداختن ریال و موضوع عرضه بیش از تقاضا از شورویها این تقاضا را بکند که در این صورت زیان فراوانی به کشاورزانی که قادر نیستند به موقع محصول غلات خود را برداشت نمایند وارد خواهد آمد.

ایران

[E.9218/31/34]

سری

از: سر آر.بولارد به آقای بوین (در ۲۸ نوامبر دریافت گردید)

شماره: ۳۸۷ (سری)

جناب آقای بوین وزیر محترم امور خارجه انگلیس. تهران ۷ نوامبر ۱۹۴۵^۷
پیرونامه شماره ۲۶۳ مورخ ۲۶ جولای به این وسیله افتخار دارم گزارش امور و
وضع ایران را در ماههای جولای، اگست و سپتامبر ۱۹۴۵ را تقدیم دارم.
نسخه‌ای از این گزارش به سر کنسول انگلیس در ایران، نمایندگان دولت
امپراتوری در مسکو، حکومت هند، فرماندهی ایران و عراق، فرماندهی خاورمیانه، اداره
بریتانیا در خاورمیانه و مرکز اطلاعاتی سیاسی خاورمیانه ارسال شده است.

سیاست داخلی - مجلس شورای ملی:

۱- بن‌بست سیاسی که در ماه ژوئن به منظور جلوگیری صدر (صدرالاشراف) از
رسیدن به مقام نخست‌وزیری از طرف گروه اقلیت در مجلس به وجود آمده بود،
کماکان ادامه دارد و اقلیت مصرانه در انجام مقصود خویش کارشکنی می‌کند. از جمله
با عدم حضور خود در جلسه علنی در هنگام گرفتن رأی اعتماد مجلس را از اکثریت
می‌اندازد. گروه اکثریت با رد پیشنهاد اقلیت همچنان از صدر پشتیبانی می‌کند تا در
انجام با ۱۰۴ نفر عده حاضر در جلسه، با وجود عدم حضور نمایندگان توده، توانست در
۱۷ ژوئیه دولت خود را به مجلس معرفی نماید.

۲- بحث‌های بیپایان در مجلس در مورد برنامه‌های دولت مدتها ادامه داشت.
اقلیت بیانیه‌ای علیه صدر صادر کرد و هیئتی را نزد شاهنشاه فرستاد و به عرض رسانید
که اقلیت هیچگونه مسئولیتی را در قبال این دولت به عهده نخواهد گرفت... دولت از
نظر اقتصادی در وضع ناهنجاری بود و تنها با گذراندن یک دوازدهم بودجه سال
توانست احتیاجات جاری کشور به خصوص حقوق مستخدمین دولت را، تأمین نماید.

۳- جلسه خصوصی در مجلس تشکیل گردید تا تکلیف جنگ با ژاپن را که تا ۱۶ اوت ادامه داشت، معین نماید در این جلسه هم اقلیت حضور نیافت. گروه اقلیت دارای ۳۲ نماینده است که به دلایل متعدد با دولت مخالفت می‌کند. این گروه با هشت نفر نماینده توده گروه مصممی را برای مخالفت با کابینه صدر، به هر قیمتی که شده، تشکیل داده‌اند.

۴- در ۱۸ اوت بنا به تقاضای نخست‌وزیر جلسه خصوصی تشکیل گردید تا درباره وقایع مشهد، که یکی دو روز پیش اتفاق افتاد، و همچنین در موضوع فتنه‌ای که اخیراً در آذربایجان به وقوع پیوسته است، بحث شود صدر اعتقاد دارد که بحث در این موارد برای دولت وی سرنوشت‌ساز است. نتیجه این مباحثه دادن رأی اعتماد دوباره به کابینه صدر بود.

این واقعه روشن کرد که نمایندگان توده کوشش دارند در کشور اختلال و بی‌نظمی به وجود آورند و برای انجام این مقصود هر روز جلساتی تشکیل داده از گروه اقلیت دعوت می‌کردند با آنان هم‌صدا شوند. این مباحثات سرانجام برای دولت به نتیجه مطلوب رسید زیرا هر دو گروه سرانجام موفق شدند در سپتامبر در جلسات رسمی مجلس حضور به هم رسانیده عده حاضر را به حد نصاب برسانند.

۵- در جلسه ۴ سپتامبر کنفرانس سانفرانسیسکو دکتر عبده (جلال) عضو هیئت نمایندگی ایران سخنرانی دقیق و مشروحی ایراد کرد. اساسنامه سازمان ملل متفق با تقاضای ایران در شرکت در این سازمان به مجلس تقدیم و به اتفاق آرا به تصویب رسید.

۶- در ۹ سپتامبر اردلان به مجلس پیشنهاد کرد که در آینده ایرانیان حق ندارند در سازمانهای خارجی به کار بپردازند مگر با اجازه و تصویب مجلس، پیشنهاد اردلان مورد تأیید اکثریت قرار گرفت.

در ۲۷ سپتامبر بودجه کشور با ۸۵ رأی در مقابل ۱۰۵ نفر عده حاضر از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و این موضوع گشایشی در امور اقتصادی کشور فراهم ساخت.

تا پایان ماه سپتامبر اقلیت همچنان به مخالفت خود با صدر ادامه داد. اکثریت هم ظاهراً نشان می‌داد که آن نیز اصراری برای نگاهداری صدر ندارد. مخالفت حزب توده و چندتن از افراطیون برای برکنار کردن صدر در لحظات حساس که کنفرانس

وزیران امور خارجه در لندن تشکیل شده بود، اتفاق افتاد.

۷- در ۲۸ سپتامبر دولت صدر با ۴۰ رأی در مقابل ۷۰ رأی از مجلس برای بار دیگر رأی اعتماد گرفت. این رأی اعتماد در زمانی که مردم تهران در نهایت نگرانی بودند، موفقیت بزرگی محسوب می‌شد.

ضمن تلگرافی که به لندن مخابره شد تشکیل حزب جدید توده آذربایجان و ادعای آن برای گرفتن خودمختاری آذربایجان، تشریح شد. همین امر باعث شد که احساسات نمایندگان مجلس حتی اقلیت را به غلیان آورده به دولت صدر رأی اعتماد دادند.

نفوذ شوروی:

۸- در اوایل ماه جولای نماینده‌ای از طرف اتحادیه‌های بازرگانی شوروی بنا به دعوت سازمان کارگران حزب توده وارد تهران شد. این دعوت بدون اجازه دولت ایران به عمل آمده بود. دعوتهای مشابهی از اتحادیه‌های بازرگانی سایر کشورها مانند بریتانیای کبیر و کشورهای ایالات متحده و فرانسه شده بود که ظاهراً بلاجواب مانده بود.

نماینده بازرگانی شوروی مسافرتی به نواحی اطراف دریای خزر و تبریز، مناطقی که در آنها کارخانجات کشور قرار دارند، بدون مشورت با مدیران آن کارخانجات، به عمل آورد.

نمایندگان روسی با نزدیک‌تر کردن خود به مطبوعات این‌طور وانمود می‌کردند که آنان از طرف ۲۵ هزار اتحادیه بازرگانی در ایران مورد استقبال قرار گرفته‌اند. تعداد کارگران کارخانه‌های صنعتی به‌طور تخمین بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر است. ولی این معنی را نمی‌رساند که تمام آنان عضو حزب توده هستند. به‌طور مثال در اصفهان، که مرکز کارخانجات صنعتی است، گروه کثیری از کارگران مخالف حزب توده بوده در حال حاضر به کار خود مشغولند. این حقیقت مسلم شد که نمایندگان روسی در اصفهان به هدفی که انتظار آن را داشتند، نرسیدند.

با مذاکراتی که با فرماندهان ارتش بریتانیا گذاشته شد سفارات اعلیحضرت

پادشاه انگلیس تاکید کرد که به دلائل امنیتی حاضر نیست به نماینده شوروی اجازه دهد تا از مناطق نفت خیز جنوب بازدید به عمل آورد. سفیر شوروی در پاسخ گفت که او هم چنین قصدی را نداشته است...

۹- در ماه جولای تبلیغات حزب توده در مشهد، همدان، کرمانشاهان و کردستان غربی رو به افزایش گذاشته بود.

در پاسخ بیانات و حمله شدید سیدضیاء به روسها و عملیات حزب توده در تهران، روزنامه پراودا مقاله شدیداللحنی منتشر کرد. مدتی هم بعد از طرف مسکو به سیدضیاء حملات سختی به عمل آمد.

نخست وزیر و دولت او با کوشش زیاد موفق شد که آزادی تشکیل گروههای تروریست و مسلح شدن آشوب گران و غیره را ممنوع اعلام نماید...

۱۰- به نظر می رسد که کلیه امور در گیلان و مازندران در اختیار حزب توده بوده است که جلسات آنها توسط شورویها کنترل می شود. روسها مستقیماً یا از طریق حزب توده آذربایجان را زیر کنترل و نظارت خود دارند و در این نظارت ظاهراً پیشرفتهائی نیز حاصل کرده اند. به نظر می رسد روسها قوای خود را تقویت می کنند و کوشش دارند در وضع ادارات نواحی اشغالی خود هرج و مرج به وجود آورند. حزب توده صادرات برنج را از شمال به جنوب ایران متوقف کرده است و به نظر می رسد که سعی دارند رفت و آمد کامیونها را از تبریز به تهران نیز متوقف سازند.

دولت سعی دارد با تهدید و حتی در بعضی مواقع با تنبیه و توبیخ عناصر طرفدار نظریات روسها را سر جای خود بنشانند. حزب توده که تا این زمان حائز مقامی بود از این پس دیگر توجهی به اهداف و نظریات و مقاصد آن نمی شد...

در ماه اگست آشوبگران حزب توده در دهکده های نزدیک تبریز سعی کردند که کشاورزان را وادار کنند در موقع برداشت محصول از دادن حق السهم مالک خودداری نمایند. همین امر باعث برخورد شدیدی بین مالکین و حامیان آنان با زارعین به عمل آمد که نتیجه آن زد و خورد و کشته شدن عده ای از مالکین گردید. در مراغه آذربایجان حزب توده ادارات دولتی را اشغال کردند. سفیر روسیه معتقد بود که نیمی از این عملیات مربوط به روسها و نیمی دیگر به حزب توده ارتباط دارد. و به وزیر امور خارجه اظهار داشت که دولت آزاد است هر اقدامی را که صلاح بداند برای

جلوگیری از این عملیات در مراغه انجام دهد و افراد باقیمانده حزب توده را که در محدوده سربازخانه‌های روسها اقامت دارند دستگیر و به زندان بیندازد. در کردستان عده‌ای که خود را جزء ارتش ایران جا زده بودند با همدستی حزب توده سر به شورش برداشته بودند...

کشاورزان و دهقانان محلی با تحریک و تشویق اعضای مخفی حزب سیدضیاء به خصوص در مازندران با افراد حزب توده می‌جنگیدند. معذک در اوایل ماه سپتامبر ادارات دولتی چالوس، ساری، شاهی، و بابل به دست حزب توده افتاد. ترکمنها هم با تجهیزاتی که حزب توده در اختیار آنان می‌گذاشت کنترل ایستگاه‌های راه‌آهن بندر گز و شاهی را در دست گرفته بودند.

۱۱- آشوبها و ناراضیاتی‌ها پیوسته به ارتش و دولت گزارش شده به اطلاع آنها می‌رسد.

در ۲۳ اگست قانونی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت که طبق آن منع تظاهرات سیاسی و توقیف روزنامه‌هایی که به آشوب و فتنه دامن می‌زدند و برقراری حکومت نظامی پیش‌بینی شده بود. همچنین دولت هیئتی را برای بازرسی مأمور آذربایجان کرد. این هیئت در اوایل سپتامبر به محل مأموریت خود وارد گردید و این درست در زمانی بود که بیانیه‌ای از طرف اهالی تبریز صادر شده بود که در آن مردم را برای مقابله با ستمگری‌های حزب توده دعوت کرده بود فعالیت روسها در شمال پیوسته روز به روز رو به افزایش می‌گذاشت و به همین مناسبت مردم روز به روز نگران‌تر می‌شدند. روسها اقدامات و عملیات دستگاه‌های دولتی را خنثی می‌کردند و یکی از سران کرد ناسیونالیست را به سرپیچی از دولت و به وجود آوردن نهضتی تشویق می‌کردند و سعی داشتند که نگذارند هیچ حزبی به جز حزب توده به رسمیت شناخته شود...

در حال حاضر از آذربایجان گزارش رسیده که از طرف «حزب دموکرات» در سوم سپتامبر بیانیه‌ای صادر شده که در آن درخواست حکومت خودمختاری برای آذربایجان کرده‌اند...

حزب توده، با وجود کوششهای زیاد و به وجود آوردن شورش نظامی در مشهد مجبور شد در برابر حزب جدید سکوت اختیار کرده وضع خود را با آن منطبق سازد.

از این زمان است که حزب جدید به نام «حزب دموکرات» در آذربایجان آغاز به فعالیت نمود.

این حزب در ۲۵ سپتامبر جلسه‌ای در تبریز تشکیل داد، در این کنفرانس عمومی تعداد ۶۰ نفر نماینده به عنوان اعضای اصلی کنگره انتخاب شده مقرر داشتند که از اوایل اکتبر مرتباً جلسات خود را تشکیل دهند.

۱۲- در مورد فعالیت‌های دیگر طی این مدت از این حزب جدید گزارش‌های متعددی واصل شده است. حزب سیدضیاء بنام «اراده ملی» در ۲۲ جولای در صدد برآمد تظاهراتی در مشهد برپا کند ولی در همان روز نیروهای شوروی با همکاری پلیس ایران از تظاهرات حزب مزبور جلوگیری به عمل آورده تعدادی از افراد آن را دستگیر و خانه‌هایشان تفتیش کرده مقداری از اسناد مربوط به آن حزب را بدست آوردند. ولی طولی نکشید به استثنای هفت نفر از آنان را که از شهر مشهد تبعید کردند مابقی را آزاد نمودند...

۱۳- حزب توده پیوسته می‌کوشید که متینگ‌ها و تظاهراتی در تهران برپا کند. در اواسط سپتامبر در صدد برآمد با قوای انتظامی که دفاتر حزب را بسته بودند به مقابله بپردازد. در طول ماه سپتامبر تعداد قابل ملاحظه‌ای از روزنامه‌های مخالف توقیف شده بودند ولی بیشتر آنها با نام دیگری منتشر می‌شد.

دولت ایران پیوسته علیه فعالیت‌ها و مداخلات شورویها در شمال اعتراض می‌کرد... ولی به دریافت جوابی یا عکس‌العملی از طرف آنان نایل نمی‌شد. هر عکس‌العملی از طرف دولت ایران موجب اعتراض شدید سفارت شوروی می‌شد...

وضع عشایر:

۱۴- وضع عشایر در سه‌ماه گذشته برای دولت ایران موجب نگرانی نبود، تنها شورشی که در خلال این مدت در کردستان اتفاق افتاد شورش محمودخان کانیسنانی در غرب کردستان در مریوان اتفاق افتاد که آن هم بلافاصله سرکوب و تنبیه شد. تعدادی از عشایر کرد به عراق پناه بردند و در زمستان دست به عملیاتی زدند که آن هم بدون نتیجه برای شورشیان پایان یافت...

۱۵- در شمال کردستان روسها از راه فعالیت دو حزب توده و دموکرات جنبش

خودمختاری به نام «کومله» به وجود آوردند و یکی از رهبران آنها را به باکو فرستاده بودند. در این میان معلوم نبود که کردستان باید به جنبش تجزیه طلبی آذربایجان بپیوندد و یا خود حکومت خودمختار کردستان را تشکیل دهد.

۱۶- از سایر عشایر گزارش قابل توجهی واصل نشده است.

عقب نشینی نیروهای متفقین:

۱۷- در دهم جولای وزارت امور خارجه ایران بیانیه ای صادر کرد که در آن تقاضا شده بود که نیروهای انگلیس و شوروی به موجب پیمان سه گانه (شش ماه پس از پایان جنگ با ژاپن) خاک ایران را تخلیه نمایند.

دولت شاهنشاهی ایران به شوروی پیشنهاد کرد که همزمان با تخلیه سایر متفقین به نیروهای خود دستور عقب نشینی بدهد. ولی کاملاً روشن بود که روسها نمی خواهند در آینده نزدیک خاک ایران را تخلیه نمایند. شاید امیدوارند شمال ایران را در اختیار خود گرفته در آنجا مستقر شوند و ضمناً دامنه نفوذ خود را در داخل دولت ایران افزایش دهند. اگر چنین باشد دخالت و نفوذ آنها در جنوب حتمی و جدی خواهد بود.

دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در چهارمین جلسه کنفرانس پوتسدام پیشنهاد کرد که نیروهای نظامی انگلیس و شوروی همزمان و در تاریخ معینی باید از تهران عقب بنشینند. ما امیدوار بودیم هنگامی که نیروهای انگلیس عقب نشینی می کنند نیروهای روسی هم به همین عمل مبادرت ورزند. در صورتی که اطمینان پیدا کنیم که روسها با این نقشه موافقت خواهند کرد آنوقت است که دولت ایران از هر قیدی آزاد شده می تواند قدرت کامل خود را در داخل کشور برقرار نماید. با اینکه اطمینان نداریم که روسها با پیشنهاد ما موافقت داشته باشند ولی شانس این هست که آنچه را که ما می خواهیم انجام دهند. از بند ۱۸ تا بند ۳۵ موضوعاتی مربوط به نحوه عقب نشینی و امور مربوط به سرویسهای هوایی انگلیس است که در جلد اول و ضمن این جلد مکرر راجع به آن بحث شده احتیاج به تکرار نبود.

۳۵- در تاریخ ۱۲ سپتامبر ارتش انگلیس تخلیه تهران را آغاز کرد، روسها هم بدون هیچ گونه اخطار قبلی فرودگاه قلمه مرغی را تخلیه و در شبهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر تهران را ترک گفتند. ولی به جای افراد نظامی اداره امور را به دست مأموران با لباس

شخصی سپردند. در ضمن همچنان اداره راه آهن شمال را در دست خود گرفته در تهران نیز با گذاشتن افراد عادی در راه آهن به کار خود ادامه دادند...

۳۶- در تاریخ ۲۹ سپتامبر آخرین پرواز بریتیش ایرویز از تهران صورت گرفت.

۳۷- در تاریخ ۳۰ سپتامبر وزارت امور خارجه انگلیس تصمیم خود را مبنی بر تخلیه ایران در تاریخ ۲۲ سپتامبر در میان گذاشت و در خلال این مدت نامه‌هایی مابین بوین و مولوتف، که خلاصه آن در زیر ذکر می‌شود، مبادله گردید.

از: آقای بوین وزیر امور خارجه انگلیس

به: آقای مولوتف کمیسر امور خارجه اتحاد شوروی مورخ ۱۹ سپتامبر.

از آنجائیکه در کنفرانس پوتسدام تصمیم گرفته شده بود که مراحل بعدی عقب‌نشینی نیروهای متفقین از ایران مورد بحث قرار بگیرد با پایان یافتن جنگ با ژاپن موضوع کاملاً فرق کرده است.

در ۲ مارس ۱۹۴۶، یعنی شش ماه پس از ترک مخصصه با ژاپن مقرر است که دولتهای متفق باید نیروهای خود را از خاک ایران بیرون ببرند. موضوعی که مورد تقاضای ما می‌باشد توجه آقای وزیر امور خارجه است به این تاریخ.

من همچنین پیشنهاد کردم که موافقت شود در اواسط دسامبر ۱۹۴۵ این تخلیه صورت بگیرد. منتهی تا دوم مارس ۱۹۴۶ تعدادی از نیروهای انگلیس در مناطق نفت خیز جنوب که اندیمشک نیز شامل آن خواهد شد و نیروهای شوروی در آذربایجان باقی بمانند.

از: آقای مولوتف

مورخ ۲۰ سپتامبر

به: آقای بوین

تصمیم مبنی بر احضار نیروهای شوروی از تهران هم‌اکنون از طرف روسها به مورد عمل درآمده است ولی احضار کلیه نیروهای شوروی از خاک ایران باید در زمان معینی مقرر در پیمان سه‌جانبه روس و انگلیس و ایران انجام پذیرد. بنابراین دولت شوروی احتیاجی نمی‌بیند در مورد این سؤال در وزارت امور خارجه بحث شود.

۳۹- با وجود مبادله این یادداشتها آقای بوین نظریات خود را بار دیگر تکرار

کرد که تاریخ نهائی عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی تا تاریخ دوم مارس خواهد بود. ولی

وزیر امور خارجه در پاسخ اظهار داشت که شوروی در مقابل انجام تعهدات خود احساس مسئولیت می‌کند و در حفظ آن استوار است.

از بند ۴۱ تا ۴۶ سانسور و لغو آن مطرح است که سابقاً در این موضوع تذکرات لازم داده شده است.

ارتش ایران:

۴۷- روحیه افسران و درجه‌داران ارتش ضعیف و بی‌نظمی در میان آنان مشاهده می‌شود بخصوص که مشکلات مالی بیشتر مؤید آن شده است. شورویها توسط عمال خویش با توجه به این مشکلات و حزب توده به این آتش دامن می‌زدند. در اواسط ماه اوت افسران پادگان مشهد دست به شورش زده با بدست آوردن اسلحه، مهمات و قطع سیمهای تلفون و تلگراف با پشتیبانی روسها به بجنورد عزیمت کردند و کلیه خطوط ارتباطی بین مشهد و قوچان را در بین راه از میان بردند. در بجنورد پادگان آنجا را خلع سلاح کرده به ترکمن‌ها پیوستند. در مشهد مشهور شد (به وسیله شورویها) که شورشیان از طرف ترکمن‌ها که تعداد آنان بین هزار تا دوهزار نفرند حمایت شده تصمیم دارند به زودی به شهر مشهد حمله کنند. فرمانده پادگان مشهد از هنگ ژاندارمری کمک خواست و در گنبد قابوس با پشتیبانی ژاندارمری با شورشیان به زد و خورد پرداختند در نتیجه پس از کشته شدن هفت نفر و زخمی شدن دو نفر از افسران شورشی و پس گرفتن اسلحه و مهمات به شورش خاتمه داده شد.

سی نفر از افسرانی که روابط نزدیکی با توده‌ای‌ها و یا روسها داشتند شناخته شدند که طبق قوانین ارتش باید محاکمه می‌شدند. ده نفر که جرم کمتری داشتند به جنوب کشور تبعید شدند. بعداً نیز عده‌ای از شورشیان دیگر دستگیر گردیدند. ستاد ارتش در نتیجه اطلاعاتی که از شورشیان کسب کرد معتقد شد که رابطه نزدیکی بین شورشیان و حزب توده مشهد بوده است.

دو افسر از طرف ستاد مأمور رسیدگی و تهیه گزارشی در مورد مهمات و اسلحه‌هایی که به دست شورشیان افتاده بودند مصوب گنبد قابوس عزیمت کردند ولی بدون اخذ نتیجه از طرف شورویها به تهران بازگشتند. در فیروزکوه از اعزام دویست نفر ژاندارم و ارسال بمب‌هائی که برای نیروی هوائی مشهد فرستاده شده بود و نیز نیروهائی

که برای تقویت قوای پادگان مشهد از تربت جام اعزام شده بودند، توسط شورویها جلوگیری به عمل آمد... حضور معاون کنسول روسیه در مشهد، چند ساعت قبل از قیام شورشیان وضع را وخیم‌تر کرده بود که عاقبت آن معلوم نبود.

لایحه‌ای از طرف دولت تقدیم مجلس شورا می‌شد که در آن مبلغ ۳۵۰۰۰،۰۰۰ ریال اعتبار برای رفع مشکلات مالی افسران و تهیه مسکن و لباس مجانی و پاداش سالانه و هزینه عائله و تشکیل شرکت تعاونی برای آنان پیش‌بینی شده بود. تا زمانیکه این لایحه از تصویب مجلس نگذرد و کلیه این تعهدات جامه عمل به خود نپوشد با اطمینان نمی‌توان گفت که شورش سرکوب شده است.

۴۸- هیچگونه تغییراتی در امور اداری کشور به‌وقوع نپیوسته و کلیه وظایفی که به‌عهده هیئت نظامی امریکائی زیر سرپرستی ژنرال ایدلی گذاشته شده دچار کندی شده است.

لایحه دیگری شامل ۱۶۵ میلیون ریال اعتبار برای تشکیل دو واحد دوازده هزار نفری ارتش و لایحه دیگری شامل ۳ میلیون دلار اعتبار برای خرید تجهیزات و تدارکات نظامی از امریکا تقدیم مجلس شد.

۴۹- ابراهیم زند و تیمسار ارفع کماکان در پست وزارت جنگ و ریاست ستاد انجام وظیفه می‌کنند. ولی تغییراتی در قسمتهای دیگر مشاغل در تهران و کرمان صورت گرفته است.

اعزام نیرو برای سرکوب یاغیان کرد:

۵۰- در حدود ۱۵۰۰ نفر نظامی که برای حفاظت و امنیت در مناطق مرزی ایران و عراق اعزام شده بودند بر اثر مقاومت کردهای این مناطق به موفقیت چشمگیری نائل نیامدند و به علت رسیدن فصل زمستان ناچار به پادگانهای خود مراجعت کردند.

ژاندارمری:

۵۱- سرهنگ شوآرتسکوف وظایف خود را برای پیشرفت و تقویت نیروهای ژاندارمری با وجود مشکلات مالی و اداری که ایران با آن مواجه است، با جدّ تمام ادامه می‌دهد. ولی متأسفانه بنظر نمی‌رسد که با وجود این مشکلات قادر به انجام کاری باشد.

نیروهای ژاندارمری به وسیله دو افسر جدید امریکائی تقویت شد. برای سرهنگ شوآرتسکوف مرکزیت دادن و بازرسی دائمی از کلیه پست‌های ژاندارمری در نقاط مختلف از ضروریات بشمار می‌آمد. بیشتر این مشکلات ناشی از عدم هم‌آهنگی بر اثر گزارشاتی بود که از منطقه تهران و سایر مناطق کشور به وی می‌رسید....

پلیس ایران:

۵۲- موضوع تازه‌ای راجع به پلیس ایران نمی‌توان به گزارشات سابق اضافه کرد.

نیروی هوائی ایران:

۵۳- در خلال این مدت اقدامات و مذاکرات زیادی برای توسعه نیروی هوائی و تجدید حیات و خرید لوازم و تجهیزات آن طبق نمونه‌هائی که از طرف انگلیس به نمایش گذاشته بود، به عمل آمد....

۵۴- با توجه به این مسائل این فکر به وجود آمد که نیروی هوائی باید قادر باشد روی پای خود به‌ایستد و امیدی برای آینده ارتش باشد.

امور مالی:

۵۵- دولت ایران تقاضا کرده است طبق موافقت مالی که سابقاً به عمل آمده، موجودی طلای خود را که به قاهره انتقال داده شده مسترد دارد.

۵۶-

۵۷- نرخ بازار آزاد دلار به ۶۸ ریال با مقایسه با نرخ دولتی که ۳۲ ریال بود، افزایش یافت.

کنترل ارزی:

۵۸- در ماه اوت وزیر دارائی ایران اعلام کرد که از این پس کمیسیون کنترل‌ارز کلیه عملیات ارزی را زیرنظر و مراقبت خاص خود قرار می‌دهد.

وضع غله و حبوبات:

۵۹- گرچه تولید دانه‌های غذائی بسیار زیادتر از مصرف است ولی به علت ترس از دولت روسیه که شایع شده است قصد ایجاد قحطی را در کشور دارند، دولت از فروش غله اضافی خود به خارج خودداری می‌کند. بنابراین به همین علت با اینکه یونان احتیاج مبرم به غله دارد، سفارت انگلیس از پیشنهاد خرید خودداری کرده است و منتظر است که تقاضای فروش از طرف دولت ایران رسماً اعلام گردد.

۶۰- در پایان ماه سپتامبر میزان جمع‌آوری محصول گندم و جو به ۱۷۰ هزار تن بالغ گردید که از این مقدار ۱۰۸ هزار تولید گندم است و ذخیره آن در تهران برای ۲۱۱ روز خوراک اهالی کافی است.

۶۱- هنوز میزان موفقیت اداره غله و نان در زمینه جمع‌آوری و توزیع گندم و آرد با توجه به تشکیل مرکز نذارکاتی خاورمیانه که زیر نظر افسران انگلیسی اداره می‌شود، روشن نیست و این اداره در شرف تعطیل شدن است و سرگرد عطاءالله (؟) که بانی اصلی این مرکز برای سه سال گذشته بود، در صدد کناره‌گیری است.

حمل و نقل:

۶۲- راه آهن - با افتادن امور عملیات راه آهن جنوب بدست ایران، آماری که نمایانگر میزان ترافیک در این خط باشد، در دست نیست. ولی از زمانی که راه آهن به وسیله ایرانیان اداره می‌شود، اداره امور حمل و نقل از این طریق رو به نقصان رفته است معذک حمل و نقل نفت و غلات در نقاط مختلف جریان طبیعی خود را سیر می‌کند. اثر کامل عدم کارآئی در اداره راه آهن تا زمستان آینده روشن نخواهد شد.

۶۳- دولت ایران فروش ۳۶۰۰ کامیون مستعمل را پیشنهاد کرده است، این کامیونها جزء دارائی اداره بی‌تحرک حمل و نقل زمینی است.

۶۴- در ورود اتوموبیل‌های شخصی نظارتی نیست...

۶۵- قیمت لاستیک نزول نشان می‌دهد و این به علت عرضه لاستیک‌های

مستعمل متعلق به مقامات نظامی در بازار است.

شرکتهای هواپیمائی خصوصی در ایران:

۶۶- بطوریکه در سابق گفته شد، شرکت هواپیمائی بی. او. سی عملیات خود را در پایان سپتامبر به اتمام می‌رساند. پروازهای شوروی که بطور دلخواه، بصورت نظامی یا مسافری صورت می‌گیرد با رفتن نیروهای روسها از قلمه مرغی متوقف نشده است.

واگذاری بانک شاهنشاهی ایران:

۶۷- بانک ملی ایران اختاریهای به مهلت شش ماه به بانک شاهی داده است که به عملیات بانکی خود خاتمه دهد. اثر الغاء این موافقتنامه محروم کردن بانک شاهی از حقوق خود در موضوع ارز خارجی است و به بانک اجازه بهره‌گیری از انتقال منافع را نمی‌دهد. همزمان با این اختار بانک ملی، بانک شاهی مذاکرات مستقیم خود را با وزیر دارائی وقت راجع به گرفتن امتیازات دیگری که اخیراً به تصویب هیئت وزیران رسیده و باید به امضای وزیر دارائی برسد، انجام می‌دهد.

وضع اقتصادی:

۶۸- با پایان جنگ موضوع فروش دارائی‌ها و تجهیزات متفقین به میان آمده است. شرکت بازرگانی انگلیس دیگر وظیفه تأمین تدارکات و حمل و نقل را بر عهده ندارد و اعضای شرکت تنها دست اندر کار فروش اموال خود هستند. همچنین مرکز تدارکاتی خاورمیانه تا پایان سپتامبر مشغول فراهم آوردن ترتیبات انحلال خود می‌باشد. این کار در پایان اکتبر باید خاتمه یابد.

۶۹- مستشاران امریکائی به خدمات خود در سازمانهای مربوط ادامه می‌دهند ولی از اینکه اختیار و اراده‌ای در انجام وظایف خود ندارند، ناراضی هستند و بسیاری از آنان تمایل به استعفا دارند.

۷۰- آثار و علائم پیشرفت در نظام نظارت اقتصادی کشور توسط ایرانیان به چشم نمی‌خورد. بخصوص که اداره صدور جواز واردات بسیار نالایق و گمراه است. بازرگانان و کسبه هرچه بیشتر از وضع هرج و مرج و آشوب ادارات و سازمانهای دولتی استفاده می‌کنند و موضوع نظارت بر صدور اجازه از طرف دولت را با وجود اینکه رعایت قانون ایجاب می‌کند که واردکنندگان کالا با صدور اجازه ورودی کالاهای خود را وارد

نمایند، مورد انتقاد قرار می‌دهند. بسیاری از کالاها که در چند ماهه اخیر وارد کشور شده است ترخیص شده و وارد کنندگان با اغوا و فریب مردم کالاهای خود را به فروش می‌رسانند. برای جلوگیری از این عمل دولت از صدور جواز ورود کالا خودداری می‌کند و همین بیشتر باعث خرابی وضع شده است.

۷۱- در ماه ژوئن الغاء انحصار پنبه از تصویب هیئت دولت گذشت و فقط نظارت در مورد ورود پنبه خام در انحصار دولت باقی مانده است.

۷۲- علیرغم پایان جنگ وضع بازار کماکان اسفناک است و این وضع بیشتر معلول اعمال سیاست نظارت ارز می‌باشد.

با وجود سهولت خرید و فروش دلار، صادرات به کشورهای متحده امریکا محدود به مقادیری caseins و پوست بره شده است.

فرانسویان ظاهراً سعی می‌کنند سرویس نظامی خود را به بهانه پروازهای بازرگانی، حفظ نمایند و اظهار می‌دارند که ایران از آنها تقاضا کرده است که به علت قطع پروازهای بی. او. سی به کار خود ادامه دهند.

امریکائیانها هنوز پروازهای بازرگانی خود را جانشین پروازهای نظامی نکرده‌اند. با اینکه تمایل به این کار نشان می‌دهند معذک میل دارند تا زمانی که نیروهای آنها در تهران هستند به این وضع ادامه دهند.

۷۳- شرکت هواپیمائی دولتی ایران با نظم و ترتیب قابل تقدیر به پروازهای خود بین تهران و بغداد و تهران و بوشهر ادامه می‌دهد ولی نتیجه عملیاتی آن خوب نیست و از تعداد محدود هواپیمائی که در اختیار دارد بهره‌گیری کامل نمی‌شود. با برخورداری از مدیریت بهتر به سهولت می‌توان تعداد پروازها را بین نقاط مزبور با وجود مشکلات زیاد، اضافه کرد و بنابراین تعجبی نخواهد داشت اگر وزارت پست و تلگراف که این شرکت را اداره می‌کند منتظر دریافت پیشنهاداتی از طرف بخش‌های خصوصی باشد.

۷۴- بخش خصوصی بین خود مشاجرات و مباحثاتی دارند و به دو دسته تقسیم می‌شوند. یکی گروهی که در اطراف ج. ه. ابتهاج شهردار جمع شده‌اند که علاوه بر این ایران‌تور نیز اداره می‌کند و گروهی دیگر به تیمسار احمد نخجوان، که متکی به خدمات گذشته خود می‌باشد و امیدوار است به اتکاء همین امر اجازه این کار را به طریقی کسب نماید، متکی هستند. کوشش برای نزدیک کردن دو گروه مزبور هنوز به

جایی نرسیده است. هواپیمائی ایران منتسب به آقای ابتهاج مقدمات امضای موافقتنامه‌ای را با شرکت امریکایی ترانس کونیتانتال وسترن مایر برای آغاز عملیات مشترک با هواپیمایی وسترن ایر، که بسیار به نفع شرکت مزبور می‌باشد، فراهم آورده است ولی هیچکس به نتیجه این کار امیدوار نیست. هواپیمائی ملی ایران نیز تقاضای اجاره چهار فروند هواپیمای دومینک ار کرافت را از دولت پادشاهی (انگلیس) کرده است.

واگذاری وسائل و تأسیسات نظامی امریکا و انگلیس:

۷۵- سیستم وسائل ارتباطی - موافقتنامه‌ای برای فروش خطوط ارتباطی تلفون به انضمام مرکز کاریر و ملحقات مربوط به آن با وزارت پست و تلگراف پس از پایان فصل امضا شد. وسائل مرکز مخابرات امریکا قابل فروش نبود و قراردادی که قرار بود با آنها بسته شود برگشت داده شد. قیمت خرید آن ۳۰ هزار پوند بود که به شرح زیر باید پرداخت می‌گردید.

الف -

ب -

ج -

وسایل مستقر در تأسیسات نظامی:

۷۶- تأسیسات نظامی موجود در شمال ایران برای فروش به دولت ایران عرضه شد ولی دولت ایران از خرید آن خودداری نمود و عقیده داشت طبق بند ۴ معاهده سه گانه تهران ساختمانهای مزبور باید بطور رایگان به ایران واگذار شود...

۷۷-

۷۸-

۷۹-

۸۰- اظهارنظر مطبوعات در این دوره در مسیری معین و مفرضانه توأم با سوءتفاهم در روابط بین‌المللی در مورد عملیات و اقدامات قدرتهای بزرگ صورت می‌گیرد. از خط مشی امور داخلی و زمامداران، بدون راه‌حلهای سازنده و مثبت، انتقادات

شدید به عمل می‌آید.

۸۱- دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران به حد اعلا رسیده است. انتخابات آینده نگرانیهای زیادی در نحوه اجرای آن به وجود آورده است. درگیری اتحاد جماهیر شوروی در ایالات شمالی ایران موجب بحث و مخالفت‌های مطبوعات متمایل به راست را فراهم کرده است...

۸۲- ارتش در تهران بر اثر اعمال قدرت شدید مخصوصاً توسط دست چپی، پیوسته مورد انتقاد و اهانت قرار دارد. «جبهه آزادی» که اغلب روزنامه‌های آن در حال توقیف است. روش مطبوعات بیشتر مبتنی به حمله به مداخلات اتحاد جماهیر شوروی در شمال ایران و عمال آن مانند حزب توده و شعبات آن (حزب دموکرات آذربایجان و اتحاد ملی کردستان کومله) می‌باشد. در آغاز این دوره روزنامه‌های دست چپی مخالف تخلیه قوای بیگانه بودند ولی طولی نکشید که از این مخالفت صرف‌نظر کردند با انتشار مقاله تایمز در اواخر ماه ژوئیه که در آن از تخلیه مناطق شمالی گفتگو کرده بود با مکاتباتی که بعداً به عمل آمد این موضوع از طرف مولوتف تکذیب گردید و بنظر می‌رسد که دولت شوروی از اجرای مفاد موافقتنامه دوم مارس برای امر تخلیه یعنی پس از شش ماه پس از پایان جنگ طفره می‌رود. گفته می‌شود که ایرانیها با امید نه با اعتماد انتظار دارند به‌بینند که آیا روسها در دوم مارس مناطق اشغالی را خود تخلیه می‌کنند یا خیر؟

۸۳- حمله پروادا به ایران: شورش کردستان همچنین مسافرت اخیر هیئتی از طرف حزب ملیون کردستان به بادکوبه و اقدامات سران آنها در ارتباط با ارتش سرخ علیه آزادیهای فردی اعم از حقیقی یا غیرحقیقی موجبات عدم رضایت افکار عمومی را در ایران علیه دخالت‌های روسها در ایالات شمالی فراهم کرده است. مطبوعات دست راستی بطور کلی در انتقاد از روسیه شوروی نقش مهمی را به عهده دارند.

۸۴- برای اولین بار ارتش امریکا در ایران بر اثر عدم مسئولیت و رفتار آزادانه آن در تهران مورد انتقاد قرار گرفت ولی انتشار بیانیه‌ای از طرف سفارت امریکا که در آن از حمایت و کمکهای آینده این دولت گفتگو شده بود سبب تغییر لحن مطبوعات از حالت خصمانه به وضعی آشتی‌پذیر، گردید.

۸۵- کنفرانس امور خارجه در لندن در ماه سپتامبر با حسن استقبال مردم ایران

مواجه گردید ولی شکست این کنفرانس ناامیدی عمیقی در پی داشت. ایرانیان انتظار داشتند مسئله ایران در دستور کنفرانس قرار بگیرد ولی غافل از این بودند که موضوع ایران در عهدنامه سابق تکلیفش معین شده بود... اختلاف بین کشورهای متحده امریکا و دولت انگلیس بر سر موضوع نفت و اوضاع فلسطین از طرف بعضی از روزنامه‌ها با رضایت خاطر تلقی گردید.

۸۶- پایان جنگ ژاپن اثرات خوبی به جای گذاشت و استفاده از بمب اتمی موجب بحث زیادی در مطبوعات شد و حتی یکی از روزنامه‌ها از کشف اورانیوم در سواحل دریای خزر خبر داد و اظهار امیدواری کرد که این اکتشاف در آینده به اندازه نفت برای ایران دردسر نخواهد داشت.

۸۷- اظهارات آقای بوین در ۲۰ اوت در مورد تخلیه ایران و پاسخ اعتراض آمیز بریتانیا در مورد مناطق تحت نفوذ ارتشهای بیگانه تأثیر به سزایی در جراید کرد. روی کار آمدن دولت کارگری در انگلیس ابتدا با سوءظن تلقی شد و بعضی‌ها تصور می‌کردند که روی این کار آمدن این دولت کوشش برای مصالحه با روسیه به ضرر ایران خواهد بود... افکار عمومی اینک با پذیرفتن حقیقت امر، رو به آرامی می‌رود.

..... ۸۸-

..... ۸۹-

۹۰- اساس باقیمانده بازداشت شده گان ایرانی اعم از آنهایی که در ایران و یا در فلسطین بازداشت هستند در تاریخ ۱۵ اوت اعلام گردید و برای اینکه وضع این عده روشن شود اطلاعیه در همان زمان در مطبوعات توسط سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در تهران به چاپ رسید که در آن تأیید شده بود که این گروه با جاسوسان آلمانی علیه متفقین همکاری داشته‌اند و ضمناً عین نامه سیدابوالقاسم کاشانی را خطاب به رشید عالی درج کرده بود.

اما علل این نابسامانیها:

متفقین که ظاهراً مسئله کمک به ایران را پیش می‌کشیدند و خود را پشتیبان و

حامی ثبات سیاسی ایران قلمداد می‌کردند در همان حال که می‌دانستند وجود نیروهای نظامی آنان در ایران خود عامل اساسی هرج و مرج سیاسی است، پیوسته از دولت و مقامات مسئول ایران می‌خواستند که با آن هرج و مرج و آشوب مبارزه و از تظاهرات پراکنده علیه یک یا دو دولت متفق جلوگیری کند. مقامات انگلیس و شوروی با این اندیشه نابجا که ایران در اشغال و تصرف نیروهای نظامی آن دو دولت است علیرغم مفاد پیمان اتحاد سه‌جانبه هریک به نحوی در امور ایران مداخله و موجبات ضعف دولتها و چیره‌گی عوامل و عناصر مخرب را بر شئون سیاسی کشور فراهم می‌ساختند.

پشتیبانی بی‌دریغ مقامات و مأمورین بریتانیا و شوروی از احزاب افراطی دست چپی، خاصه حزب توده ایران، و همچنین ایجاد روابط مستقیم محرمانه با بعضی از ارباب مطبوعات و تهیج افکار عمومی به وسیله عمال متفقین علیه مقامات مسئول و قوای سه‌گانه رژیم مشروطه و تلقین افکار و عقاید تند و افراطی چپ به وسیله شورویها و انگلیس‌ها و تقویت عناصر و عوامل ارتجاع و کوشش آن دو دولت در تضعیف مقام و موقع شاهنشاه ایران روز به روز بر نشت افکار و عقاید مردم می‌افزود و آتش نفاق و دودستگی را هرچه بیشتر دامن می‌زد و اضطراب روحی ملت ایران را رو به کمال می‌برد و حتی بیم آن می‌رفت که صحنه‌های ساختگی جنگ عقاید و تظاهرات بی‌پایه احزاب چپ و راست، که غالباً توأم با شعارهای موهن و زننده بود به وحدت ملی ایران خلل وارد سازد که جبران آن به زودی و آسانی میسر نگردد.

یکی از اقدامات متفقین که آن را منطبق با ضرورت جنگی و موافق مصلحت خود و ایران می‌دانستند، بازداشت جمعی از رجال سیاسی و مأمورین کشوری و لشکری و چندتن از ارباب جراید و افراد دیگر ایرانی متهم به داشتن تمایلات فاشیستی بودند.

«مشکلات اقتصادی، ناشی از توقف و عملیات نیروهای متفقین در ایران فراوان و زندگی عمومی ایران را به شدت زیر تأثیر قرار داده بود. از یک طرف بر اثر تورم پولی که به علت خریدهای گزاف متفقین در بازارهای ایران پدید آمده و ارزش ریال را پائین آورده بود، بهای کالاهای ضروری مردم روزبروز افزایش می‌یافت و قدرت خرید افراد کم بضاعت که اکثریت ملت ایران را تشکیل داده بودند، رو به کاهش می‌رفت و از طرف دیگر قسمت عمده خواربار و موارد ضروری مردم را متفقین یکجا می‌خریدند و غالب مواد و کالاها در بازار نایاب یا کمیاب گردیده بی‌انصافی و ناجوانمردی

سودجویان در خرید و احتکار مواد بر یکدیگر پیشی می‌جستند، زندگی را بر اکثریت ملت ایران دشوار ساخته بود.»

متفقین بدون توجه به تورم پولی دولت را زیر فشار شدید دیپلوماسی قرار داده از دولت می‌خواستند که مبالغ هنگفتی اسکناس رایج ایران را برای رفع احتیاجات و پرداخت هزینه نیروهای خود انتشار دهد و در اختیار آنان بگذارد....

تبلیغات و تحریکات عوامل حزب توده و امثال آنان در میان کشاورزان موجب کاهش سطح تولید کشاورزی گردیده و این تبلیغات در واحدهای صنعتی کشور به صورت بارزی کار تولید صنعتی را مختل ساخته بود و کارگران متشکل در سندیکاها به جای کار در کارخانه به صحنه تظاهرات و متینگها کشانیده می‌شدند. متفقین در این اندیشه بودند که چگونه کارخانه‌های اسلحه و مهمات‌سازی ایران را مصادره نمایند.

» «دولتهای ایران بر اثر کمیابی خواربار و مواد ضروری خاصه قند و شکر و منسوجات نخی ناگزیر شدند بر توزیع نان نیز نظارت کنند و چون گندم به حد کافی در اختیار نداشتند کسری آن را از جو و غلات نظیر آن جبران می‌کردند... در حقیقت ملت ایران با کمال جوانمردی و صمیمیت همه چیز خود را در اختیار متفقین گذاشته و خود ناظر بی‌عدالتی مقامات متفقین بودند...»

فصل اول

توسعه طلبی اتحاد جماهیر شوروی روسیه به سوی خلیج فارس و منابع نفتی ایران

قبل از اینکه وارد اصل مطلب، یعنی تجزیه آذربایجان و غائله آن بشویم لازم دیدیم روش سیاسی اتحاد جماهیر شوروی را برای نیل به مقصود که از مدتها پیش در تهیه آن بود برای روشن شدن کامل و ریشه اصلی این مسئله متذکر شویم. خوشبختانه سندی در آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران به دستم افتاد که مبین و تشریح جزئیات این سیاست است که ذیلاً باستحضار می‌رساند. این سند مطالعات تاریخی و دقیقی است که آقای ا. مجدی سر کنسول ایران در بادکوبه وزارت امور خارجه در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۲۴ تحت شماره ۲۸۲ ارسال داشته است. باین قرار:

«با اینکه ممکن است اولیای امور بهتر از بنده واقف به جزئیات تشکیل حکومت آذربایجان قفقاز بوده ولی چون از لحاظ طول مدت موضوع و سابقه از خاطرها ممکن است محو شده باشد تاریخچه امر را بطور خلاصه با عللی که منجر گردید امروزه دولت شوروی اینهمه تبلیغات در آذربایجان ایران نموده در نتیجه کشمکشهایی تولید شده است که آن دولتهای وقت ایران را فارغ نگذاشته و بالاخره حزبی بنام حزب دموکرات قلابی در آذربایجان ایران تأسیس و موجبات تشکیل خودمختاری را با اینهمه فجایع فراهم آورده‌اند از نظر اولیای امور می‌گذرانند.»

۱- طرز تشکیل حکومت آذربایجان قفقاز و علل اساسی و سیاسی آن:

تقریباً دز پایان جنگ بین‌المللی پیشین پس از اینکه دولت وقت تزاری روسیه از هم شکسته شد زمزمه انقلاب در تمامی خاک روسیه آغاز و دامنه آن به بادکوبه نیز که از لحاظ معادن نفت و کثرت کارگر یکی از بزرگترین مراکز انقلاب محسوب و در مواقع خود زعمای کنونی روسیه همواره مترصد بودند آتش انقلاب از بادکوبه به سایر نقاط روسیه شعله‌ور شود سرایت نمود. نیروی عثمانی به فرماندهی انورپاشا از طریق باطوم و سایر نقاط و بنادر دریای سیاه به جانب قفقاز هجوم و در همان اوان چون برای دومین بار زد و خورد سختی فیما بین مسلمانان و ارامنه در بادکوبه رخ داده این خود بهترین بهانه برای عثمانیها می‌بود عدهٔ خیلی قشون از گنجه به طرف بادکوبه برای نجات و کمک مسلمانان روانه و دولت و کارکنان وقت کشور عثمانی را بر آن داشت از لحاظ عداوت و بدبینی که با ایران داشته خود را نیز در پایان جنگ مغلوب می‌دیدند برای اینکه به نحو دیگری هم باشد نیات و مقاصد سوء خود را نسبت به کشور ایران عملی نمایند. برخی از اهالی بادکوبه و سایر شهرهای مسلمان‌نشین قفقاز را گرد آورد و به پاس اینکه لطمه تازه‌تری به ایران وارد آورند حکومتی بنام «آذربایجان» تشکیل و حزبی بنام حزب «مساوات» تحت ریاست محمد امین رسول‌زاده در این سامان به وجود آوردند که بعدها بتواند بدین وسیله دسترسی به آذربایجان ایران پیدا نموده و حکومت واحدی در تمام خطه آذربایجان چه ایران و چه قفقاز پدید آورند.

علاوه بر تبلیغاتی که در آن ایام ترکها بین مسلمین قفقاز نموده موجبات دیگری نیز پیش آمد نمود بر اینکه موقع زد و خورد مسلمان و ارمنی عده از مسلمانان که از ترس جان و مال و ناموس خود به ایران متواری و پناهنده می‌شدند آن طوری که لازم بود مورد رأفت و عطوفت دولت وقت ایران قرار نگرفته و برعکس ارامنه که به این منظور می‌رفتند با آنکه در همان اوان تقریباً رضائیه و شاهپور را با دستیاری آشوریها قتل عام کرده بودند معذک در ارامنه نقاط دیگر ایران مخصوصاً تبریز که عده زیادی در آنجا اقامت دارند هیچگونه مورد خشم و غضب مأمورین وقت واقع نگردیده و برعکس همه گونه مورد مهربانی واقع و این موضوع نیز مزید بر علت گردیده دستاویزی بدست مبلغین ترک برای اینکه یکسره مسلمین قفقاز را بر ضد ایران برانگیزند، داد.

حکومت مساوات آذربایجان قفقاز مدت دو سال و کسری تقریباً بر دوام و از

ضعف دولت وقت ایران استفاده می‌نمود و در تمام این مدت منتهای سختی و مضيقه را نسبت به ایران و ایرانی روا داشته حتی به افراد سربازانی که برای قشون خود گرد می‌آورد همواره تبلیغاتی علیه ایران می‌نمودند. در خلال این مدت در داخل ترکیه انقلاباتی بروز و جنگهای داخلی آغاز و ملت ترک برای آزادی و کسب استقلال خود گرد قائد خود مصطفی کمال پاشا (آتاترک) آمده در اواخر حکومت مساوات در بادکوبه نمایندگان مبرز از طرف اتاترک مانند خلیل پاشا و غیره به این نقاط روانه و هرچند در ظاهر دم از یگانگی و برادری با مسلمانهای بادکوبه می‌زنند ولی در باطن امر چون سیل قوای سرخ و بلشویک به تمام شمال قفقاز سرازیر و آخرین نقطه و مرکز حکوم دینکین که در پتروفسک بود نیز بدست قوای سرخ افتاده و دولت ترکیه آنوقت احتیاج مبرمی به کمک و مساعدت دولت شوروی می‌داشت نقشه‌هایی برای ورود قوای سرخ به بادکوبه طرح و با کسانی که می‌بایستی در رأس حکومت بادکوبه قرار بگیرند روابط خیلی محرمانه داشته و نقشه در آنوقت ریختند که مختصر قوای دولت آذربایجان در سرحد قراباغ با ارامنه به جنگ و جدال پرداخته و نقطه مانند بالاجاری که در شمال شرقی بادکوبه واقع و مرکز تلاقی راه آهنهای تفلیس به شمال قفقاز می‌باشد تقریباً خالی از قشون و تنها یک پادگان کوچکی باقی و شخص خلیل پاشا هم که قبلاً با حکومتی که می‌بایست سرکار بیاید به استقبال قوای سرخ رفته در اواخر ماه آوریل ۱۹۲۰ از مرز بالاجاری عبور و همین که پادگان آنجا درصدد مقاومت برآمد آنها را از این قصد منحرف و اظهاراتی براینکه این اشخاص همه مسلمان و از برادران شماست جلوگیری از خونریزی نموده و به این ترتیب حکومتی بنام جمهوری شوروی آذربایجان به وجود آمد و موجب شد که قوای سرخ به آخرین آمال و آرزوی خود، یعنی نفت بادکوبه، برسد. در نتیجه این همه فداکاری که ترکها برای روسها نمودند روسیه نیز کمکهای معتناهی چه از حیث تسلیحات و چه از جهات دیگر با حکومت وقت ترکیه نموده موجبات پیشرفت و تأسیس پست ترکیه کنونی را فراهم نمود.

پس از برقراری حکومت شوروی در آذربایجان اولین نماینده سیاسی ترکیه در این سامان آقای [؟...] شوکت بیت که چندی در ایران و افغانستان سمت سفیر کبیری داشت و اکنون رئیس حزب خلق ترکیه است بوده که با فراست و ذکاوتی که داشته نقشه‌ها و آرزوهای دولت خود را به پایان رسانید (ضمناً نامبرده عضو همان کمیته نه

نفری بود که به ریاست آتاترک علم استقلال ترکیه را برافراشته بودند).

حکومت جمهوری شوروی آذربایجان قفقاز در بدو تأسیس و حتی چندسال بعد نیز فقط بقایا و جهات داخلی خود پرداخته و چون این لطمه که ترکها به مسلمانان وارد آوردند برای آنها فراموش نشدنی و رفته رفته مسلمین قفقاز را نسبت به ترکها بدگمان ساخته و بیشتر متمایل به ایران گردیده بودند. اولیای امور حکومت شوروی آذربایجان به تدریج تمام کسانی را که ممکن بود روح و فکر دیگری در مغز آنها جایگزین شده باشد و حتی همان حکومتی که به دستگیری ترکها سرکار آمده بودند از بین برده بطوریکه امروزه هیچیک از اشخاصی که حتی تا پنج سال قبل مصدر امر بودند وجود نداشته و تمام کسانی که اکنون در رأس حکومت قرار گرفته اند از اشخاص و کسانی هستند که هیچگونه معروفیتی در سابق نداشته و دست پرورده و تربیت شده حکومت مرکزی مسکو می باشند. و ضمناً تمامی جوانانی که با طرح دولت وقت آذربایجان برای تحصیل به خارجه اعزام و بعدها نیز حکومت شوروی عهده دار هزینه تحصیل آنها گردیده و با سلام و صلواتی در موقع بازگشت از اروپا و تکمیل تحصیلات به کار گماشته شدند یا تبعید و یا سر به نیست گردیدند.

در این میان یکی از بزرگترین رلهائی را که دولت شوروی برای خفه کردن مسلمانها بازی نمود این بود که اهالی سایر نقاط روسیه را تحت عنوان اینکه شهر بادکوبه شهری است صنعتی و معادن نفت در اینجا وجود داشته و ایجاب می نماید بر تعداد عمه و کارگر افزوده شود به این شهر کوچ داده به این نحو جنبه مسلمانی این شهر از دست رفته و در حقیقت یک شهر تمام روسی به وجود آمده بطوری که در رأس تمام دوائر و بنگاههای حساس جز چند نفری که بنام کمیسر یعنی وزیر محسوب و در بین آنها نیز پستهای حساس به ارمنی یا روسی و یا یهودی واگذار گردیده غیر از مسلمانها قرار گرفته اند و بخشهای داخلی شهر را نیز به اسامی قاندین و بزرگان و سرلشکرها روسیه موسوم و بخشهای نفت خیز را هم بنام لنین نفت - استالین نفت - مولوتف نفت و غیره اسم گذاشته اند. یگانه شخصی که از سابق یعنی بعد از تشکیل حکومت شوروی آذربایجان قفقاز مصدر امر بوده و امروز نیز در ظاهر فرمانفرمای آذربایجان می باشد میرجعفر عباسزاده باقراف است که اصلاً از اهالی قبه و در سال سوم برقراری حکومت شوروی در این سامان به ریاست (چکا) بعداً (گه. پ. او) سپس کمیسری داخله و

اکنون در ظاهر منشی کل حزب کمونیست آذربایجان قفقاز به تمام معنی صاحب اختیار و فرمانروای این حکومت می‌باشد.

دولت روسیه تنها به شهر بادکوبه از لحاظ تکثیر سکنه از روس و ارمنی و یهودی اکتفا ننموده بلکه نام شهر گنجه که دومین شهر این نقاط و یکی از مراکز صنعتی است تغییر و آنرا کیراف آباد نامیده و در آنجا نیز روس و ارمنی و یهودی سکونت گزیده و اکثریت نسبی جمعیت آن شهر با این گروه اشخاص است.

ضمناً در سال ۱۹۲۲ رؤسای حکومت وقت جمهوری شوروی آذربایجان قفقاز درصدد برآمدند الفبای عربی را از بین برداشته و الفبای لاتین که در آن چند حرف روسی نیز مشاهده می‌شد جایگزین آن بنمایند. در سال ۱۹۲۸ باز هم البته به اشاره دولت مرکزی زمامداران کنونی آذربایجان قفقاز پیشنهادی به دولت مرکزی نموده دائر بر اینکه عموم اهالی آذربایجان طالب آن هستند که این الفبا نیز تبدیل به الفبای روسی شده فقط چند حرفی که همان حروف روسی است با مختصر تغییری در آن گنجانده شود که مورد قبول حکومت مرکزی واقع و امروزه در سراسر کشور به تدریس آن می‌پردازند.

۲- نقشه و خیالهایی که همواره دولت شوروی برای الحاق آذربایجان ایران به آذربایجان قفقاز در مغز و خیال خود جا داده است.

در ظرف سالهای چند یعنی پس از برقراری رژیم دیکتاتوری در ایران رفتار و تضيیقاتی که از طرف شهربانیهای ایران در آن موقع نسبت به عموم ایرانیان ساکنین خاک شوروی و قفقاز که به میهن خود بازمی‌گشتند (و البته در میان آنها نیز انصافاً اشخاص ماجراجو وجود داشت) دولت شوروی از این وضع استفاده و کسانی را که دست‌نشانده خود می‌دانست به نحوی در انحاء از قید این فشار و صدمه در ایران خلاص و اجازه بازگشت آنانرا به خاک شوروی صادر نموده و چنین اشخاصی را وادار به تبلیغات زیاد بین توده آذربایجان قفقاز علیه ایران نموده زمینه را طوری ترتیب می‌داد تا کسانی هم که بعداً به ایران خواهند رفت حاضر و آماده برای آغاز هرگونه فتنه و فساد در موقع خود باشند.

در اینجا ناگفته نباید گذاشت که در همان اوان دولت شوروی ظاهراً دست از مراقبت لازم از سرحداتی شمالی ایران کشیده و وسیله بدست کسانی داد که از راه

غیرمجاز بسوی ایران معاودت نمایند. البته در بین مهاجرین اتباع شوروی که به ایران رهسپار گردیدند صدی نود از اشخاص ناصالح بوده و به آنها تعلیمات و دستورات لازمه داده بودند که در ایران خود را بیچاره و افسرده مانند اینکه از قید شکنجه و آزار دولت شوروی فرار اختیار و به ایران پناهنده شده‌اند قلمداد و در باطن امر به تبلیغات لازم پردازند.

بعد از قضایای شهریورماه ۱۳۲۰ ورود نیروی سرخ به ایران دولت اتحاد جماهیر شوروی عده‌ای از عمال زیردست اداره سیاسی (گ. پ. او) را با لباس نظامی به ایران می‌فرستد تا شعباتی در شهرهای اشغال شده ایران تشکیل دهند، که هم مواظب و مراقب رفتار افراد غیرنظامی بوده و هم بین اهالی مشغول تبلیغات شوند. از جمله میرزا اژدر اوغلی ابراهیم اف. سلیمان رستم - آناکیش و شاه‌گلدی اف بوده‌اند. میرزا اژدر اوغلی ابراهیم اف و سلیمان رستم که از کارمندان حزب کمونیست و کارکنان اداره ادبیات و نویسندگی آذربایجان قفقاز بودند برای تأسیس و طبع انتشار روزنامه و اوراق در استان سوم و چهارم مأموریت می‌یابند. اژدر اوغلی ابراهیم اف روزنامه «وطن پولنده» را تأسیس و مشغول تبلیغات می‌شود. سلیمان رستم هم تحریر قسمتی از آن روزنامه را عهده‌دار ضمناً برای اینکه روزنامه‌های دیگری هم تحت مدیریت ایرانی تأسیس نمایند مشغول پیدا کردن مؤسس می‌شوند. و انتشاراتی می‌دهند هرکس برای روزنامه وطن پولنده نظم یا نثری تهیه و بفرستد و مورد قبول واقع شود برای هر خطی به او مبلغی داده خواهد شد. سیدمهدی اعتماد کارمند اداره ثبت تبریز که خود را نویسنده و ادیب و شاعر می‌داند و به زبان عربی و ترکی هم آشنائی کامل دارد با محمد باقرزاده پسر غلام متخلص به بیرا که کارمند شهرداری و مأمور تهیه مصالح ساختمانی بوده و خود را شاعر می‌داند و تا سال ۱۹۲۱ هم در بادکوبه بوده داوطلب شده و اشعاری برای وطن پولنده تهیه و می‌فرستند که مورد قبول واقع و متدرجاً وجهی به آنها می‌رسد. در این موقع کارکنان اداره سیاسی (گ. پ. او) علی‌شبیستری فرزند رضا را هم که در تبریز بوده به وسایلی برای انجام مقاصد خود و تأسیس جمعیت آذربایجان و طبع روزنامه آذربایجان حاضر و مشغول کار می‌شوند و به دست او عده‌ای را جهت تحریر در هر دو روزنامه و همچنین برای داخل نمودن به جمعیت آذربایجان تهیه می‌نمایند.

پس از پیشروی فاشون شوروی تا قزوین و عقد قرارداد بین دولت ایران با دولتهای

انگلیس و شوروی و اعزام نیرو از مرکز استانهای اشغال‌شده و برقراری انضباط مأمورین اداره سیاسی سیدمهدی اعتماد - محمد بی‌ریا - شبستری و شمس را اغفال و به عنوان اینکه دولت ایران در صدد دستگیری و توقیف شده است و بهتر است هرچه زودتر جان خود را بدر برند آنها را ترسانده و شبانه آنانرا به باد کوبه روانه تا در اینجا از وجود آنها استفاده نموده و در موقع لزوم وادار نمایند به هرطور که بخواهند نظم و نثری انتشار دهند.

پس از آوردن این اشخاص به باد کوبه به آنها جا و مکان داده و مبلغی هم وجه به عنوان تهیه مقدمات لوازم زندگی پرداخت و سیدمهدی اعتماد - علی شبستری - اسمعیل شمس - محمد باقرزاده بی‌ریا را در اداره نویسندگی ادبیات و اداره رادیو مشغول ساخته و به هر کدام ماهیانه از ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ منات می‌دهند و به تمام این اشخاص اعم از مرد و زن توصیه می‌کنند که بهیچوجه سرکنسول ایران را نباید ملاقات نمایند.

ضمناً در اوایل ورود اداره گذرنامه و روادید اتباع خارجه که شعبه‌ای از اداره سیاسی است عرایضی مبنی بر تقاضای دخول به پایتخت شوروی تهیه و آنها را وادار به امضای آن می‌نماید تا به این وسیله گویا ظاهراً نتوانند به ایران رفته و در آتیه سرّ آنان را فاش نمایند.

متعاقب این اقدامات باز هم از لحاظ آنکه خود پی می‌برند وجود این اشخاص در ایران ذیقیمت و باید هرچه زودتر روانه ایران گردند و با برقراری نظم ممکن است دولت ایران موجبات مزاحمتی را برای آنان فراهم نماید در این موقع حضرات را وادار به مراجعه به سرکنسولگری و اظهار ندامت و پشیمانی نموده و از طرف دیگر چون در دست فاقد هرگونه مدرک تابعیتی برای مراجعت به ایران می‌بودند سرکنسولگری به آنان ورقه عبور داده و با اینکه در موقع خود سرکنسولگری جدّیت می‌نماید آنها را از راه بندر پهلوی روانه کند بفتناً مأمورین اداره سیاسی از همان راه جلفا این آقایان را به ایران فرستاد و آنان را برای چنین روزی می‌پروراند. علاوه بر این اقداماتی که بطور مستقیم به عمل آمده من غیرمستقیم نیز همواره اقدامات و تبلیغات دیگری در این سامان چه بطور کنفرانس در مجالس سخنرانی و چه بن نحو مقاله و انتشار آن در روزنامه‌های محلی به عمل آمده است.

مثلاً قطع نظر از اینکه علی‌الدوام شعرا و نویسندگان و فضلای ایرانی را ترک و

آذربایجانی (البته مقصود آذربایجان قفقاز است) قلمداد نموده در سال ۱۳۲۲ نیز کتابی بنام تاریخ آذربایجان به زبان ترکی این سامان به طبع رسانده که در موقع خود گزارش امر با خلاصه ترجمه و نکات برجسته آن ضمن گزارش ۲۳/۸/۲۲ شماره ۲۲۰۶ به وزارت امور خارجه تقدیم گردیده و اینک محض فزونی آگهی نکات برجسته آن یکبار دیگر از نظر مبارک می‌گذرد.

۱- یکی از خصوصیات این کتاب و بطوریکه منظور نویسندگان آن هم نه فقط موقع نوشتن بلکه در موقع ایجاد و ریختن اساس این کتاب همان بوده است اینکه در همه جا آذربایجان را غیر از ایران ذکر و گویا از ابتدای خلقت بشر این سرزمین استقلال تام و تمام داشته و بعدها مورد اشغال واقع شده است.

۲- از زمان حضرت آدم آذربایجانیها - ارامنه - گرجیها متحد و متفق بوده همواره دست به دست یکدیگر داده و علیه دشمنهای مشترک به جنگ پرداخته‌اند.

۳- چون نمی‌توانستند متذکر شوند که ما جزو فلان کشور بوده و بعدها از آن مجزا شدیم در همه جا ایرانیان و سایر ملل را اشغالگرچیان نام نهاده‌اند.

۴- بطوریکه از مطالعه مندرجات این کتاب برمی‌آید در تمام تاریخ ساختگی خود هیچ‌وقتی یک حکومت و دولت حسابی در این سرزمین روی کار نیامده است با اینهمه همواره دارای استقلال تام و تمام بوده است.

۵- مردمان این سرزمین طوری وانمود شده‌اند که حتی دول شرقی امروزی هم شیوه تمدن و کشورداری را از این محیط پاک یاد گرفته‌اند و مثل این است که در تمام شئون انسانیت آنان پیشرو و پیشقدم سایر ملل بوده‌اند.

۶- بعد از آنکه شاه‌عباس اول روی کار آمده و پایتخت را از اردبیل و قزوین به اصفهان منتقل ساخته ایران را غیر از آذربایجان می‌داند یعنی تا آنوقت دولت فقط دولت آذربایجان بوده ولی چون پایتخت از اردبیل به اصفهان انتقال یافته دولت ایران تشکیل و این دولت از این تاریخ دشمن جانی و صلیبی آذربایجان محسوب گردیده است.

۷- تمام فلاکت و بدبختیهای را که نصیب این سرزمین شده از سه دولت شاهان ایران و مأمورین آنها دانسته و معتقدند که بیچارگی و گرسنگی را آنان نصیب این کشور ساخته‌اند.

۸- علاوه بر اینکه بعضی از شعرا و نویسندگان ایرانی را که نام یکی از شهرهای

کنونی آذربایجان قفقاز بر روی آن [...] بوده به خود منتسب ساخته مانند نظامی گنجوی - خاقانی شیروانی - مجیرالدین بیلقانی حتی بعضی از سلاطین ایران مانند شاه اسمعیل صفوی را هم از خود دانسته و به اینهمه هم اکتفا نکرده زردشت را هم به روایتی از لنکران و سالیان می‌دانند.

بالاخره وقتی هم که به قول خود از استیلای ایران رهائی یافته و گرفتار روسها گردیده‌اند برای اینکه جهت این گرفتاری راه شرعی پیدا کنند می‌نویسد که البته پیوستن به یک کشور شرقی مانند روسیه تزاری بهتر از این بود که در تحت اشغال کشور عقب‌مانده‌ای مانند ایران قرار گرفت.

علاوه بر این کتاب مطبوعات دیگری هم بوده است که در موقع خود مراتب به سفارت کبرای ایران در مسکو و هم به وزارت امور خارجه گزارش شده است.

ضمناً از سال ۱۳۲۳ به این طرف هم همواره در روزنامه‌ها مقالات تند و زننده راجع به ایران و وضعیات آذربایجان ایران که همواره آن را آذربایجان جنوبی تلقی نموده منتشر که هرچند تمامی آنها در موقع خود مرتباً به سفارت کبرای ایران در مسکو و وزارت امور خارجه با تلگراف مخابره و سپس هم موقعی که بدست آمده ترجمه مقالات با پست نیز تقدیم گردیده است که بطور جداگانه تمامی آنها از نظر مبارک خواهد گذشت.

دولت شوروی برای تشویق و تقدیر از خدمات و زحماتی که میرزا اژدر اوغلی ابراهیم اف در موقع خود در تبریز و سایر نقاط آن استان از خود بروز داده پس از مراجعت از ایران نامبرده را به سمت کمیسر معارف تعیین و در انتخابات جدید نیز سمت نمایندگی را عهده‌دار می‌باشد. نامبرده در آغاز سال ۱۳۲۴ یکبار دیگر مسافرتی به ایران نموده که تقریباً شش ماه و نیم این مسافرت به طول انجامیده است.»

فصل دوم

آغاز غائله آذربایجان و تجزیه آن^۱

بطور کلی هدفهای شوروی و اجرای سیاست خارجی آن کشور در این منطقه هیچ تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سیاست تزارها نداشته و درحقیقت سنت تزارها از طرف بلشویکها حفظ و ادامه یافته است. لذا هدفهای شوروی در این منطقه در سه دهه اخیر عبارت است از:

۱- تضعیف یا خروج نفوذ سایر دول و جایگزینی آن.

۲- برقراری یک دولت طرفدار شوروی در تهران.

۳- چشمداشت به منابع نفتی.

روش بلشویکهای اولیه در برقراری حکومت سوسیالیستی گیلان و مفتنم شمردن فرصت برای برقراری یک حکومت کمونیستی در شمال غربی در مسیر حصول هدفهای فوق‌الذکر بوده است.

استالین با ادامه سیاست تزاری تصور می‌نمود که پس از انعقاد قرارداد با آلمانها سرزمینهای را به خاک اصلی شوروی ضمیمه نماید. لذا ابتدا متوجه فنلاند و سه

۱- اقتباس از کنفرانس «منافع شوروی و امریکا در خاورمیانه»

Soviet And American: Interests In The Middle East

در مرکز تحقیقاتی دپکینسون Dickenson دانشگاه اباتی نیوپورک در شهر بینگامتون

Binghamton طی روزهای ۱۴ و ۱۵ مه ۱۹۷۶ تحت نظر مطالعات خاورمیانه آن دانشگاه.

جمهوری کوچک دریای بالتیک شد و سپس فشار خود را به ایران آغاز نمود. ساعد دیپلمات ایرانی با هوشیاری خاصی گزارشات مربوطه را برای اطلاع دولت ایران ارسال داشته است. این اقدام روسها ناشی از تفاهم کلی بین مولوتف و خون رینبتروپ وزیر خارجه آلمان و قبول ضمنی آلمانها از حرکت شوروی به سوی آبهای خلیج فارس می باشد. ادغام سه جمهوری بالتیک به سرزمین شوروی و وقایع ۴۰ - ۱۹۳۹ در ماورای مرزهای شمالی از طرف سیاستمداران ایرانی با نگرانی عمیق مورد بررسی قرار گرفته است لکن حمله آلمانها به شوروی صحنه را برای ایران عوض کرد و انگاء بیش از حد شوروی به مواد تسلیحاتی جهان غرب این فرصت را برای سیاستمداران ایرانی ایجاد می کند که برای حفظ استقلال خود با نرمش خاصی بتوانند بین سه متحد موازنه ای برقرار کنند. روسها برای حصول نظرات خود قراردادهای مرده خوشتاریا را با اعزام کافتارازره نزد ساعد نخست وزیر زنده کردند. ساعد با تجربه چندین ساله با نماینده اعزامی روسها از قبول درخواست آنان خودداری می نماید. کارشناسان روسیه شناس در توجیه این رویدادها و ثبات یا عدم ثبات دولت ایران طی این دوره دچار اشتباه محض بوده و توجیه آنان از وجود یک عدم ثبات در ایران طی دهه ۵۵ - ۱۹۴۵ درست نیست و استعفاهای کابینه های مختلف در ایران طی این دوره دلیل عدم ثبات حکومت در این لحظه بخصوص شمرده نمی شود. ساعد بخاطر رد خواسته های شوروی استعفا می دهد. نخست وزیر بعدی هم همان حرف را به روسها گفته و هرکس به نخست وزیری منصوب می گردید همان حرف «رد» را به روسها تحویل داده است. تغییرات کابینه در حقیقت از شدت فشار رسها علیه ایران بطور متناوب کاسته است... جرج کنان سفیر وقت امریکا در مسکو در گزارشات خود به واشنگتن به اهمیت ایران اشاره کرده و گزارشهای او حاکی است که او واشنگتن را متوجه خطر روسها از ابتدای فعالیت روسها در شمال نموده است. بنظر کنان مسئله امتیاز نفت جزء یک صحنه سیاسی برای برقراری برتری و نفوذ روسها در ایران نیست. ساعد خود نیز به عمق طرز فکر روسها کاملاً آشنا بود و به همین جهت برای عقب انداختن مانور روسها استعفا کرده است...

بطور کلی دولت شوروی از روز اول اشغال ایران به بعد کاملاً به برنامه های سیاسی خود واقف بوده و در نحوه اجرای آنها یک هماهنگی و ارتباط پیوسته ای ملاحظه می شود ولی در عین حال هم حاضر نبوده است که با توجه به شرایط زمان به خاطر اجرای

این برنامه‌ها با امریکا دچار اختلاف و مقابله بشوند. برای اثبات اینکه سیاست استالین در ایران همان سیاست قدیمی تزارها و سراسر مشحون از بهانه‌گیری برای انجام مقاصدی که بعداً در جریان غائله آذربایجان علنی و آشکار گردید اسناد زیر را به عنوان شاهد می‌آورد:

تلگرام: ۲۵۴۵ - ۹ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۵ سپتامبر ۱۹۴۵

۷۶۸ - علیرغم الغاء نهائی سانسور خارجی و پیشرفت تخلیه تهران از سوی نیروهای شوروی و بریتانیا، این سفارت وضع ایران را وخیم تلقی می‌کند. وضع سیاست داخلی و شرایط اقتصادی و اجتماعی اسفناک است و طبقه رهبری کنونی برای اصلاح این اوضاع توانائی زیادی ندارد و همین امر فرصت و بهانه‌ای برای مداخله بریتانیا و شوروی داده است.

بدون تردید هردو قدرت در مداخله کنونی گناهکارند ولی معتقدم که هدفهای بریتانیا در جهت جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر شوروی در جنوب کاملاً جنبه دفاعی دارد و بریتانیا به علت وجود منافع خویش مصرأ به حفظ استقلال و ثبات ایران علاقمند می‌باشد و برای پایان دادن به تخلیه کشور و واگذاری حقوق مخصوص مکتسبه زمان جنگ تمایل دارند. به عقیده من فعالیت دولت مزبور جز در مورد اقدامات متقابل برای عملیات شوروی، نگران کننده نیست.

بنابراین روش شوروی معمای موضوع است. بر مبنای شواهد خارجی و اسناد جمع‌آوری شده درباره این موضوع به نتایج زیر رسیده‌ام:

۱- امکان دارد هدف نهائی شوروی و ترس به خلیج فارس و نفوذ در سایر مناطق خاور نزدیک بوده باشد. اما شاید هدفها و مقاصد کنونی احتمالاً به نگاهداری منطقه حفاظ در ایران جهت مقابله با حمله از جنوب محدود گردد. برای انجام این

2- Foreign Relations Of The United States.

Diplomatic Papers Vol VIII. The Near East And Africa.

U.S. government Printing Office Washington 1969

مقصود شورویها حداقل به نفوذ و سلطه در استانهای شمالی مصمم شده‌اند.

۲- از بدو ورود انگلیس و شوروی به ایران در سال ۱۹۴۱ حضور نیروهای شوروی در ایران آنها را از وضع و موقع تسلط آمیز خویش در مناطق تحت اختیار خود مطمئن ساخته است. شاید آنها هم‌اکنون در جستجوی وسایلی باشند که بعد از احضار نیروها تا مارس ۱۹۴۶ وضع خود را تداوم بخشند.

۳- وسایل مختلفی در دست آنهاست که منهم می‌پذیریم که سیاست شوروی به حد کافی موثر بوده و قابل انعطاف است که در هر لحظه و در هر فرصت مناسب می‌توانند از آنها استفاده کرده و برای به نتیجه رساندن آنها تلاش نمایند. ظاهراً رویدادهای اخیر آذربایجان و نواحی اطراف دریای خزر که ناشی از ناراضی از حکومت مرکزی است ممکن است به تجزیه‌طلبی و احتمالاً به الحاق به جمهوریهای توده‌ای شوروی یکی از روش‌های عملکرد آنها محسوب شود. با اینهمه تردید دارم که این حوادث باید در مرتبه دوم اهمیت قرار داشته باشد و تصور می‌کنم احتمالاً هدف اصلی آنها فعلاً مستقر ساختن حکومتی به اصطلاح «توده پسند» در تهران باشد که مانند رژیم گروزا در رومانی توسط زمامدارانی زیرنفوذ شوروی و متمایل به آن و جوابگوی خواسته‌های آن عمل کند و ضمناً دشمن ملل خارجی دیگر نیز باشد. گرایش عمومی تبلیغات شوروی که در جهت بی‌اعتبار ساختن هیئت حاکمه ایران و اطلاق «مرتجع»، «فاشیست» به این طبقه است و درباره محبوبیت شخصیت عناصر دست‌چپی است نمایانگر این حقیقت است که امکان دارد شورویها به منظور مقابله با انتقادهای خارجی از وقوع کودتا خودداری نمایند و وقوع آن را تجلی اراده توده مردم جلوه دهند. اختلال در امور و عدم لیاقت کابینه‌ها و مجلس ایران اعمال این سیاست را محتمل می‌کند. از طرف دیگر به این نکته باید توجه داشت که مداخله آشکار و نابه‌حق در امور ایران تأثیر جدی در روابط انگلیس و شوروی بر جای خواهد گذاشت زیرا این دو کشور در زمانهای سابق به وضع بدی در این کشور درگیر بوده‌اند. بدون تردید واکنش بریتانیا در برابر تهدید منافع حیاتی خود در مناطق نفتی و پالایشگاه و هندوستان و خطوط ارتباطی امپراطوری بسیار شدید خواهد بود.

علاوه بر این به دلایل زیر تسلط شوروی بر حکومت ایران با در نظر گرفتن منافع صریح ایالات متحده زیان‌آور خواهد بود.

۱- وقوع این امر به منزله پایان کار ارتباط هوایی امریکا از خاک ایران خواهد بود.

۲- بازرگانی ایران را به طرف شورویها سوق داده به ضرر منافع بازرگانی ما تمام خواهد شد.

۳- به امکان گرفتن امتیاز نفت در ایران برای امریکا پایان خواهد داد.

۴- از همه مهمتر اینکه، این امر به معنای توسعه نفوذ شوروی در سواحل خلیج فارس بوده موجب تهدید بالقوه علیه منافع نفتی ما در عربستان سعودی، بحرین و کویت خواهد بود.

هرچند که امکان دارد درباره اوضاع ایران دل‌سوزی کنیم ولی بهبود وضع امور آن توسط یک گروه اقلیت تحت هدایت شوروی هم برای ایرانیان و هم برای صلح جهانی و هم برای ایالات متحده وضع وخیمی را به بار خواهد آورد.

در این عقیده‌ای که اظهار می‌کنم اصرار می‌ورزم. اکنون موقع آن رسیده است که علیه فعالیت‌های مداوم شوروی وضع مثبت و مناسبی را اتخاذ نمائیم. نخستین و مهمترین گام باید عقب‌نشینی فوری نیروهای نظامی بریتانیا و شوروی و الغاء پیمان سه‌جانبه ۱۹۴۲ باشد. به استثنای واحدهای کوچک، برای محافظت تأسیسات متفقین دلیلی برای باقیماندن مداوم نیروهای سایر ملت‌ها در اینجا نمی‌بینم (شورویها تأسیسات در ایران ندارند). مداخله دامن‌دار ارتش شوروی در امور کشوری و نظامی ایران و کنترل نقل و انتقال‌های ایرانیان و خارجی‌ان در مناطق شمالی به اتکاء حقوق ادعا شده در پیمان، غیرقابل تحمل است. زمانی که دلیلی وجود ندارد نباید به شورویها اجازه داد به مفاد پیمان تکیه و استناد کنند.

از این موضوع اطمینان دارم که اگر وزارت امور خارجه با عقیده من موافقت نماید هر روشی را که اتخاذ می‌کند از پشتیبانی بریتانیا برخوردار خواهد بود.

به شماره ۷۶۸ به وزارت امور خارجه و رونوشت آن به شماره ۲۴۴ به مسکو و به شماره رمز ۶۴ (سکدل) به لندن ارسال شده است.

تلگرام: ۲۷۴۵ - ۹ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۵

« ۷۷۳ - ما کسیموف سفیر شوروی که پس از چند هفته از مسکو مراجعت کرده است در ۲۵ سپتامبر من را به مذاکره دوساعته درباره وضع ایران دعوت کرد. در این مذاکرات مترجم او و مترجم من و کاپیتان گارین معاون وابسته نظامی نیز شرکت داشتند.

نظریات سفیر درباره ایران چنین بود: عناصر مرتجع را تحمیل کرده مزاحم عناصر آزادیخواه می شوند و نیز از جانب دولت ایران در چهارساله گذشته هیچگونه اقدامی در برابر مساعی دوستانه شوروی برای اصلاح وضع در ایران به عمل نیامده است و دولت کنونی ایران هم از کوششهای مشاوران امریکائی نه تنها قدردانی نکرده بلکه اقدام و عملی در جهت کمک به آنان به عمل نیاورده است... ما کسیموف تمام این قصور دولت ایران را به دولت شوروی نیز تسری می داد و سیدضیاءالدین را به عنوان تحت الحمايه سیاسی بریتانیا در ایران و ضدیت با دکتر میلیسپو و شکست و برکناری او در زیر لوای دوستی، یکی از عوامل موثر این قصور قلمداد کرد.

ملاحظات من در پاسخ وی به این شرح بود: البته تا جایی که اصلاحات آزادیخواهانه در ایران عمیقاً مورد نظر باشد باید به خاطر آورد... که برای احیاء سازمانهای آزادیخواهی و عوامل دموکراتیک باید صبر و حوصله به خرج داد بخصوص که این دولت خواهان کمک از جانب دولتهای ما می باشد که اگر با صمیمیت در این زمینه همکاری کنیم اطمینان ما برای پیشرفت زیادتیر خواهد شد.

در باب اشاره سفیر به عدم قدردانی و همکاری دولت ایران نظر وی به سیاستی که در امریکای لاتین قبل از به روی کار آمدن روزولت اعمال شده بود جلب کردم و گفتم کشورهای مزبور بر اثر قدرت کامله ما و همسایه بودن با آنها ناچار دچار ترس و هراس شده بودند ولی سیاست مسالمت آمیز روزولت و اعلام بهبود ساختن روابط دوستانه با سایر کشورهای امریکای لاتین وسیله شد که ترس و وحشت جای خود را به دوستی و روابط حسنه بدهد.

سپس به وی اظهار داشتم که او مایل است با صراحت و مانند یک دولت با او

سخن بگویم. به وی گفتم که نمی‌توانم از یادآوری این نکته که سیاست خشونت‌آمیز شوروی که در موارد مختلف در ایران اعمال شده و خود ناظر آن بوده‌ام، خودداری نمایم. و اطمینان دارم که در این موضوع با من موافق باشید که با وجود ترس و سوعظن نمی‌توان بین ملتها روابط دوستانه برقرار کرد (سفیر اصرار داشت که ترس ایرانیان را به عنوان عملی تظاهرآمیز وانمود کند). پس از آن دوره طولانی دوستی ایران و شوروی را که پس از جنگ جهانی اول که منجر به انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ به حد اعلای خود رسیده بود یادآوری کردم. ضمناً صراحتاً اظهار امیدواری کردم که با کمک روح آزادیخواهی به عنوان وسیله‌ای روابط بین ایران و اتحاد شوروی مجدداً رو به بهبودی برود.

.....
لازم دانستم که باید به موضوع دیگری اشاره کنم و آن چنین بود که در ایران عموم مردم معتقد شده‌اند که حزب توده از طرف شورویها پشتیبانی و تقویت می‌شوند و این امر نه تنها وضع را بهتر نمی‌کند بلکه به وخامت آن نیز می‌افزاید.

بالاخره اظهار عقیده کردم که اگر شرایط و اوضاع اقتصادی در ایران رو به بهبودی بگذارد وضع سیاسی آشفته ایران حتماً بهتر خواهد شد و ضمناً با یادآوری اعلامیه مربوط به ایران به امضای روزولت و استالین و چرچیل که لزوم همکاری اقتصادی دولتهای ما را به ایران تصریح کرده بود خاطرنشان نمودم که اعلامیه مزبور نه تنها نمایانگر توافق و تفاهم متقابل بین سران سه کشور می‌باشد بلکه وسیله‌ای است برای من و شما که برای حصول منافع ایران که نه تنها منافع ایران را ملحوظ داریم بلکه برای حفظ منافع ملی خودمان از این همکاری دریغ نداریم...

تمام گفتگوها در محیطی صمیمانه و دوستانه انجام گرفت.

به شماره ۷۷۳ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۴۶ به مسکو و به شماره ۶۷

با عنوان رمز سکدل به لندن ارسال شد.

تلگرام: ۲۷۴۵ - ۹ / ۰۰ / ۸۹۱ -

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۵

« ۷۷۷ - جریان دعوت ما کسیموف سفیر شوروی که در تلگرام شماره ۷۷۳ مورخ ۲۷ سپتامبر گزارش شد، قابل توجه است زیرا در خلال بیش از دو سال این اولین بار است که یکی از نمایندگان شوروی برای مذاکره درباره مسائل سیاسی با این سفارت پیشقدم می‌شود. از آنجائی که ما کسیموف به تازگی از مشورت با مسکو برگشته است احساس می‌کنم این دعوت بر مبنای دستورهای دولت او انجام شده باشد.

به عقیده من هدف وی القاء عدم اعتماد به من در مورد دولت ایران و هیئت حاکمه و به همان نسبت درباره سیاست بریتانیا در ایران و نشان دادن حداقل موافقت سیاست شوروی در قبال رژیم کنونی بود. تذکرات او درباره به کار بردن کلمات «مرتجع»، «ناسپاسی» و «عدم همکاری» دولت ایران دنباله روش مطبوعات شوروی و گروه افراطیون ایرانی است که منشاء آن بحران نفت در پائیز سال ۱۹۴۴ می‌باشد و تنها قصد او توجه خصومت شوروی نسبت به رژیم می‌باشد و اما راجع به موضوع مستشاران امریکائی آشکارا چنین طرح‌ریزی شده بود که معلوم سازد که وضع ایشان به همان نسبتی که برای شوروی ناخوشایند است برای ایالات متحده نیز چنین می‌باشد و اما اشاره او به سیدضیاءالدین شاید قصد وی از طرح موضوع این بود که غیرمستقیم بفهماند که بریتانیا هم در ایران علیه امریکا کار می‌کند.

تصور می‌کنم این نکته را کاملاً روشن ساختم که ما بهیچوجه مخالف منافع شوروی نیستیم ولی در عین حال هم نمی‌خواهیم خود را در برابر اعمال سیاست انقیاد ایران و مجبور کردن آن به تسلیم در برابر خواسته‌های آن دولت متقاعد سازیم....

موری.»

سند زیر حقیقت نظر استالین را درباره ایران بطور وضوح روشن می‌کند:

تلگرام شماره: ۲۳۴۵ / ۱۲ / ۰۰۱۱۹ - ۷۴۰

از سفیر امریکا در اتحاد جماهیر شوروی

به وزارت امور خارجه

این تلگرام که ساعت یک بعدازظهر روز ۲۳ دسامبر ۱۹۴۵ از مسکو مخابره

شده است (۴۲۶۲) فقط برای اطلاع وزارت امور خارجه ارسال می گردد: «طی مذاکرات خصوصی که با استالین در روز ۱۹ دسامبر به عمل آمد وزیر امور خارجه انگلیس و این جانب در مورد عقب نشینی نیروهای شوروی از ایران سوالاتی مطرح کردیم.

نظریات استالین در این مورد چنین بود:

- ۱- دولت ایران دشمن اتحاد جماهیر شوروی است. خطر موجود این است که این خصومت سبب خواهد شد که در مناطق نفت خیز باکو خرابکاری به عمل آید و به همین دلیل است که روسیه ناچار است به استقرار نیروهایش در ایران ادامه دهد.
- ۲- معاهده سال ۱۹۲۱ به روسیه این امکان را می دهد که مستقیماً نیروهای خود را به ایران بفرستد زیرا ممکن است هر آن در آن کشور اغتشاش و آشوبی برپا گردد. واضح است که دشمنی ایران برای شوروی خطرانی را به بار آورده است بنابراین برای اتحاد جماهیر شوروی لازم است که کمی بیشتر مطالب را مورد رسیدگی و مطالعه قرار دهد و نیروهای شوروی یا طبق عهدنامه سه جانبه ۱۹۴۲ عقب نشینی کند و یا باید تحت شرایط عهدنامه سال ۱۹۲۱ وضع خود را حفظ نماید.
- ۳- نیروهای شوروی در اغتشاشات داخلی ایران مداخله ای ندارد و دلیل اینکه به نیروهای کمکی ایران اجازه داده نشد به آذربایجان بروند اینست که ممکن است برخوردی با دستجات ملی آذربایجان به وجود آید چنانکه در حال حاضر هم این درگیری وجود دارد و چند سرباز روسی هم در ضمن این درگیریها کشته شده اند.
- ۴- دولت ایران کوشش می کند میان روسیه و نیروهای انگلیسی برخورد و درگیری به وجود آورد و ما باید در برابر این امر عکس العمل نشان دهیم... موافقت گردید که من و استالین دوباره با یکدیگر ملاقات کنیم.

سفیر امریکا در اتحاد جماهیر شوروی: «

اما آنچه که بیش از همه اعمال سیاست استالین را در ایران روشن و آشکار می کند گزارش مظفر فیروز سفیر ایران در مسکو است که از راه دلسوزی و صلاح ملک و ملت ایران همکاری و پشتیبانی از آن سیاست را به نخست وزیر وقت (قوام السلطنه)

توصیه می‌کند:^۳

محرمانه و مستقیم

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر

در تعقیب تلگراف شماره که ضمن آن شرح مذاکرات این جانب با دکانازف که در غیاب مولوتف جانشین وزیر امور خارجه است به عرض رسید لازم می‌دانم نظریات اولیه خود را راجع به وضع سیاسی اتحاد جماهیر شوروی با توجه مخصوص به اوضاع و احوال ایران که نتیجه مذاکرات و تحقیقات و مطالعات این مدت می‌باشد به استحضار جناب اشرف برسانم.

هدف سیاسی اتحاد جماهیر شوروی

بعد از تجربیات جنگ اخیر سیاست خارجی شوروی متوجه این نکته شده که امنیت جماهیر شوروی ایجاب می‌کند که حکومت‌های ملل مجاور روش دوستی و مؤدت را با اتحاد جماهیر شوروی در سیاست خود تعقیب نمایند و ملاحظه می‌گردد سیاست خارجه شوروی چگونه این نظر را در سرحدات شرقی و غربی خود با توجه به اوضاع و احوال موجود در شمال چین و مغولستان و رخنه نفوذ شوروی در لهستان و آلمان و چکواسلاوکی و رومانی و ملل بالکان تأمین نموده و از این راه اطمینان حاصل کرده که در کشورهای مزبور روش ضد شوروی تعقیب نخواهد شد ولی با اینکه قفقاز و آذربایجان شوروی و مخصوصاً بادکوبه به علت تحولات صنعتی و نظامی که در قست اول جریان دارد و معادن نفت که در قسمت ثانی موجود می‌باشد برای اتحاد جماهیر شوروی از مسائل اساسی و حیاتی به شمار می‌رود هنوز در اتحاد جماهیر شوروی از روش سیاست دولت ایران که مجاور این مناطق حیاتی می‌باشد اعتماد حاصل نشده و با تصدیق اینکه دولت شوروی نمی‌تواند نسبت به امنیت این منطق که با روش سیاسی دولت ایران ارتباط کامل دارد بی‌علاقه و لاقید باشد تردید نباید داشت که سیاست خارجی شوروی در آینده

نه تنها نسبت به کیفیت و روش حکومت ایران علاقه نام ابراز خواهد داشت بلکه مساعی جدی به کار خواهد برد که موجباتی را فراهم نماید که روش حکومت ایران با مقتضیات سیاسی و مصالح شوروی تطبیق نماید و هرگاه فرض شود که دولت شوروی تحت تأثیر فشار سیاست دول انگلوساکسن از تعقیب چنین رویه و تأمین امنیت مناطق حیاتی خود صرف نظر خواهد نمود اشتباه بزرگی است که ممکن است به قیمت آرامش و استقلال کشور تمام خواهد شد مضافاً به اینکه به نظر این جانب هر قدر فشار حریف بر علیه شوروی در ایران زیادتر شود به همان درجه به فشار و توجه شوروی در ایران افزوده خواهد شد.

سیاست نفت

علاقه سیاسی شوروی در ایران علاوه بر ملاحظات کلی سوق الجیشی در درجه اول مربوط به نفت می باشد یعنی موضوع نفت از لحاظ سیاست شوروی دارای دو جنبه می باشد اول حفظ معادن بادکوبه از هر نوع خطر احتمالی از ناحیه ایران ثانیاً تحصیل حق استخراج نفت در شمال ایران به وسیله تصویب قرارداد تشکیل شرکت ایران و شوروی از طرف مجلس شورای ملی. هرگاه این نکته در نظر گرفته شود که میان تهران و بادکوبه با طیاره فقط دو ساعت فاصله موجود می باشد و از نقاط شمالی ایران بیش از سه ربع ساعت تا بادکوبه با طیاره فاصله نیست و از طرفی اهمیت حیاتی بادکوبه و معادن نفت حدود مزبور برای اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته شود علل علاقه دولت شوروی به کیفیت ترکیب و روش دولت ایران آشکار خواهد گردید و درک این نکته مسلم آسانتر خواهد شد که دولت شوروی با در نظر گرفتن اوضاع و احوال فوق الذکر در تحت هیچ عنوان نمی تواند از مصالح و منافع خود دست کشیده و نسبت به وضع و سیاست حکومت ایران و فعالیت عمال ارتجاع لاقید باشد. از موضوع دفاع معادن نفت بادکوبه که بگذریم در نتیجه رقابتی که میان ملل بزرگ برای بدست آوردن منابع جدید نفت ایجاد شده دولت شوروی به اجرای قرارداد نفت و استخراج معادن نفت شمال ایران بی نهایت علاقمند می باشد و به طوری که ضمن تلگراف شماره... به عرض رسید کیفیت و میزان علاقه شوروی به نفت شمال ایران به درجه است که اگر موجبات اخلاف و یا تأخیر جریان انتخابات ایران فراهم شود و از این راه تصویب قرارداد نفت از طرف

مجلس به تأخیر بیفتد محتمل است این جریانات از طرف دولت اتحاد جماهیر شوروی به منزله عمل غیردوستانه و تحریک آمیز تلقی و منجر به تحریکات و عکس العمل‌هایی گردد که برای کشور دارای عواقب وخیم خواهد بود.

صنایع جدید شوروی در قفقاز

پس از پایان جنگ اخیر و انهدام شهرهای بزرگ صنعتی روسیه مانند کیو و خارکف و غیره دولت شوروی برای صنایع سنگین جدید جنگی خود نقشه جدیدی را تهیه نموده و تصمیم اتخاذ گردید که صنایع مزبور در دو نقطه کوهستانی یعنی اورال و قفقاز تمرکز یابد و به همین جهت بزرگترین کارخانه ذوب آهن آلمان که به عنوان غنائم جنگی از آلمان حمل به روسیه شده و فعلاً به وسیله متخصصین آلمانی تحت نظر مهندسین شوروی و استفاده از هشتصد هزار نفر اسیران آلمانی در نقطه چهل کیلومتری شهر تفلیس در قفقاز با نهایت فعالیت مشغول نصب می‌باشند و با توجه به اینکه کارخانجات مهم اسلحه‌سازی همیشه در نزدیکی کارخانه ذوب آهن نصب و مشغول کار می‌شوند مسلم است که منطقه قفقاز در آینده بعد از اورال مهمترین منطقه نظامی شوروی خواهد بود و به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که عامل بسیار مهم و جدیدی پیدا شده که در ازدیاد علاقه و تعیین خط مشی سیاست شوروی در ایران و بالقوه روابط دو کشور موثر خواهد بود. این نکته نیز قابل دقت و توجه مخصوص است که طبق اطلاع موثقی که به دست آوردم مارشال راکوسوسکی فاتح استالینگراد و بعداً برلن و از مارشالهای نامی اتحاد جماهیر شوروی است اخیراً به فرماندهی قوای متمرکز شوروی در قفقاز تعیین و فعلاً در تفلیس مرکز ستاد خود توقف دارد.

خطر انحراف از تعقیب مودت با شوروی:

نکته که بنظر این جانب در سیاست ایران همیشه باید مورد توجه قرار گیرد این است که انگلستان نسبت به شمال ایران علاقه نداشته و از مجموع مساعی و فعالیت سیاسی خود در ایران که اخیراً بطور محسوس بر میزان آن افزوده شده فقط خواهان این نتیجه است که منافع آن در جنوب ایران که عبارت از نفت و خطوط ارتباطیه امپراطوری می‌باشد از هر نوع خطر و تعرض احتمالی محفوظ و مصون بماند. قرارداد ۱۹۰۷ و

تقسیم ایران به دو منطقه نفوذ بهترین دلیل عدم علاقه انگلستان به سرنوشت شمال ایران است و باید در نظر گرفت که سیاست خارجی بریتانیای کبیر از ۱۹۰۷ تا حال از لحاظ ماهیت به هیچ وجه تغییر نکرده است و موافق اطلاع موثقی که از منبع صلاحیت دار بدست آوردم دو ماه قبل دولت انگلستان به دولت شوروی پیشنهاد نمود که برای احتراز از هر گونه اصطکاک منافع در ایران عملاً همان قرارداد ۱۹۰۷ را اجرا نمایند ولی دولت شوروی که در نتیجه انقلاب سیاست آن از لحاظ ماهیت تغییر نموده است این پیشنهاد را رد نمود و فقط پس از یأس از حصول توافق در این موضوع با اتحاد جماهیر شوروی مأمورین انگلیس به فعالیت اخیر خود در ایران پرداخته که کشف توطئه جنوب و طغیان قشقانی ها و زمزمه آخوندها آثار قطعی آن به شمار می رود.

با توجه به نکات فوق نباید این نکته از نظر دور شود که هر آن که دولت شوروی حاضر شود برای انگلستان حقوقی را در جنوب ایران قبول نموده و به رسمیت بشناسد همان دقیقه موضوع ایران از صحنه سیاست بین المللی خارج و نسبت به اعمال شوروی در شمال ایران کوچکترین اعتراض از طرف انگلستان به عمل نخواهد آمد. توجه به این نکته نیز ضروری است که هدف اصلی فعالیت فعلی انگلستان در ایران این است که به وسیله ایجاد سوء تفاهات با شوروی و تهدید ارجاع امر به شورای امنیت دولت شوروی را وادار به قبول حقوقی برای انگلستان در جنوب ایران نماید مضافاً به اینکه سیاست فعلی انگلستان در ایران اولاً ساعی است با خود شوروی کنار آمده و ایران را عملاً تقسیم به منطقه نفوذ نماید و ثانیاً در صورت عدم حصول توافق با شوروی می خواهد موجباتی را فراهم نماید که امور ایران تحت سرپرستی کمیسیون بین المللی قرار گیرد تا در پناه حمایت چنین کمیسیون نظریات خود را در ایران اجرا نماید مسلماً با اصل استقلال و حق حاکمیت ایران متناقض بوده و قبول چنین رویه به هیچ وجه با حفظ مصالح و منافع ایران تطبیق نمی کند.

از توضیح فوق به خوبی مدلل می گردد که سیاست اجانب در ایران جز تأمین منافع خود به هیچ وجه هدف دیگری را ندارد و دلسوزی آنها برای استقلال ایران، جز تبلیغ و الفاظ پوچ چیز دیگری نبوده و بنابراین حفظ استقلال و تأمین سعادت ایرانیان فقط در سایه سیاست ملی و ایرانی بدون هیچ توجه به دسائس اجانب میسر تواند بود و یقین داریم جناب اشرف که همان روش سیاست ملی که در گذشته تعقیب فرموده در

آینده نیز ادامه خواهند داد و به هیچ وجه اجازه نخواهند داد کوچکترین انحراف از سیاست ملی و مودت با اتحاد جماهیر شوروی حاصل شود. متأسفانه باید تصدیق نمود که عواملی در ایران یافت می‌شوند که با وصف اوضاع و احوال جهان و موقعیت و عظمت اتحاد جماهیر شوروی باز تصور می‌کنند ممکن است سیاستی که در دوره بیست سال دیکتاتوری در ایران متداول بوده مجدداً نسبت به شوروی معمول داشت اگرچه این اشخاص از مرحله پرت و از اوضاع سیاسی جهان به کلی بی‌اطلاع می‌باشند ولی تبلیغات و دسائس آنها در ایران بی‌نهایت برای مصالح کشور مضر بوده و نتیجتاً محافل شوروی را نسبت به ایران نگران و بدبین می‌سازد و بدیهی است هر قدر جناب اشرف از مداخله و تحریکات این قبیل عناصر در سیاست ایران جلوگیری فرمایند به همان درجه در رفع سوءظن و جلب اعتماد دولت شوروی و تحکیم و تشیید مناسبات دو کشور حسن اثر خواهد نمود.

صلاح ایران چیست؟

توجه به اوضاع و احوال ایران و فعالیت روزافزون دول انگلوساکسن و اقدامات عناصر ارتجاعی بر علیه انتخابات و اساس مشروطیت تماماً حاکی است که در آینده نزدیک جناب اشرف با مشکلات و تحریکات بیشتری مواجه خواهد شد بدیهی است فعالیت سیاسی دول انگلوساکسن و مخالفت آنها با انتخابات با موضوع نفت و تنفیذ قراردادی که در این باب با دولت شوروی منعقد شده و می‌بایست از طرف مجلس تصویب شود ارتباط کامل دارد و این مخالفت بیشتر از این لحاظ است که چرا این حق از طرف دولت ایران بدون مداخله ثالث داده شده و معتقد هستند که اگر حق استخراج نفت شمال ایران به شوروی داده شود باید فقط در نتیجه جلب موافقت آنها صورت گیرد تا بتوانند نفت ایران را وسیله مبادله بین‌المللی قرار داده و در مقابل این گذشت که از کیسه ملت ایران می‌نمایند در صحنه سیاست بین‌المللی عوضی از روسها دریافت دارند. توجه به این نکته حائز کمال اهمیت است که موقعیت ایران شباهت کامل به اوضاع چکوسلاوکی دارد و ملاحظه می‌گردد که با وصف مصائب جنگ در نتیجه تدابیر عاقلانه شخص بنش به موضع این کشور ترتیب منظمی داده شده به نحوی که هم جلب اعتماد کامل شوروی به عمل آمده و هم منفع دول انگلوساکسن تأمین شده است و

موفقیت بنش در این امر مدیون رعایت دو نکته است که اولاً به هیچ وجه حاضر نشده مسائل مربوطه به چکواسلاوکی را از اختیار خود خارج و وارد در میدان سیاست بین‌المللی نماید بلکه امور مربوطه به هریک از دول بزرگ را مستقیماً و مستقلاً با دول مزبور قطع و فصل کرده و از هر نوع تحریک آنها بر علیه یکدیگر جلوگیری نموده است و ثانیاً نکته حساسی که موجب مزید پیشرفت کار بنش شده این است که از دخالت دادن عناصری در سیاست کشور که مورد سوءظن روسها می‌باشند مطلقاً احتراز نموده مضافاً به اینکه حاضر نشد مملکت را فدای اشخاص نماید بلکه اشخاص را فدای مملکت نمود و از این راه مملکت خود را نجات داد.

به نظر این جانب مصالح کشور ایجاب می‌کند که اولاً روش مسالمت آمیزی که تا حال نسبت به آذربایجان تعقیب می‌شد ادامه یابد و تعیین تکلیف قطعی را به تشخیص مجلس پانزدهم واگذار نمود. ثانیاً دولت با کمال قدرت از تحریک هر نوع نفوذ ارتجاعی داخلی یا خارجی در شمال ایران و در مجاور مناطق حیاتی شوروی ریشه کن سازد تا دولت شوروی اطمینان حاصل نماید که سیاست فعلی دولت ایران این است که هیچگاه اجازه ندهد مملکت ایران مرکز تحریک و تعرض بر علیه منافع شوروی گردد ثالثاً باید در جنوب ایران منافع مشروع انگلستان را هم تأمین نمود ولی باید به دولت اخیرالذکر صریحاً اعلام داشت که باید از سیاست مداخله در امور داخلی ایران به وسیله ترویج خرافات و ایجاد مانع در راه ترقی ملت ایران و اصلاحات مملکت صرف‌نظر نمایند رابعاً انتخابات دوره پانزدهم را فوراً به جریان انداخت و با اعمال قدرت دولت کسانی که به منظور تعطیل مشروطیت مخالف قانون اساسی به نفع بیگانه بر علیه انتخابات تحریک و دسیسه می‌نمایند فوراً دستگیر نمود مخصوصاً کوشش کرد که به منظور حفظ وحدت ملی ایران نمایندگان آذربایجان زودتر انتخاب و در مجلس پانزدهم حاضر شوند.

در خاتمه موفقیت جناب اشرف را در حل مشکلات و معضلات از خداوند

خواهانم

با ذکر این مقدمه و به استناد اسناد صحیح و روشن تا حد مقدور سیاست
استالین نسبت به ایران و بروز غائله آذربایجان و علل و اسباب آن واضح و آشکار
گردید که از این پس به ذکر جزئیات آن می‌پردازیم.

فصل سوم

تشکیل فرقه دموکرات

لنین گفته است که انقلاب کالای صادراتی نیست ولی استالین می‌خواست نشان بدهد که نه تنها انقلاب می‌تواند کالای صادراتی باشد بلکه می‌تواند به صورت کالائی دربیاید که صدور آن از هر کالای دیگر ساده‌تر و آسان‌تر است، این طرز تفکر، رئیس دولت شوروی را بر آن داشت که پس از نومید شدن از حزب توده ایران، به صدور کالای انقلاب متوسل گردد. سیدجعفر پیشه‌وری، یعنی کسی که اعتبارنامه نمایندگی او از آذربایجان در مجلس چهاردهم رد شده بود، به دستور استالین وارد دسته جدیدی به نام فرقه دموکرات آذربایجان به راه انداخت که از میان مردم آزاده و شریف آن ایالت هیچگونه تکیه گاهی نداشت و فقط سیاست استالین حمایت و پشتیبانی از آن را بر عهده گرفت.

فرقه دموکرات یک فرقه خلق الساعه و مسخره و تشکیل آن مغایر با قوانین و اصول ساختمانی حزبی بود و در تأسیس آن به حدی شتابزدگی به کار رفت که حتی شعبه حزب توده در آذربایجان، یعنی کمیته ایالتی آن حزب، مجال آن را نیافت که درباره الحاق خود به فرقه دموکرات به کمیته مرکزی حزب توده در تهران گزارش بدهد. الحاق شعبه حزب توده به فرقه دموکرات چنان سریع و برق آسا و بدون مقدمه بود که کمیته مرکزی حزب توده را گیج و مبهور ساخت و رهبران این حزب که از حقایق تلخ و ناگوار این ماجرا آگاهی نداشتند طی اعلامیه رسمی خود عمل خودسرانه کمیته ایالتی حزب در آذربایجان یعنی الحاق به آن را به فرقه دموکرات تقبیح کردند. اقدام کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان دو نکته را روشن ساخت:

۱- این اقدام که بدون کسب اجازه از کمیته مرکزی و به دستور صریح عمال استالین صورت گرفت این حقیقت را بار دیگر ثابت کرد که رهبران حزب توده ایران نتوانسته‌اند نقش خود را که در اجرای دیپلوماسی خائنانه‌ای که سیاست استالین دیکته کرده بود به خوبی ایفا کنند و از آن پس ناگزیر بودند که با وجود آنهمه سازمانها و تشکیلات منظم، خود را در پناه فرقه دموکرات قرار دهند.

۲- روشنفکران و اهل بصیرت و شاید بتوان گفت که اکثریت مردم وطن‌پرست ایران با سیمای حقیقی دیپلماسی استالین که خود را پشت‌پرده حوادث آذربایجان پنهان ساخته بود آشنا شدند و بیش از همه مردم غیور و میهن‌پرست آذربایجان به این حقیقت تلخ پی بردند و به همین علت بود که از همان آغاز تشکیل فرقه و علیرغم طرحها و برنامه‌های فریبنده اصلاحی فرقه، کانونهای متعدد مبارزه با نیات پلید رهبران فرقه دموکرات نخست در آذربایجان و سپس در تهران و سایر شهرستانها به وجود آمد.

برای آنکه از چگونگی وقایع آذربایجان و عللی که منجر به تشکیل فرقه دموکرات و تسلیم پادگانهای نظامی و به وجود آمدن حکومت خودمختار و قلابی این فرقه و سایر تحولات تاریخی و سیاسی آن سرزمین به خوبی آگاه شویم لازم است چندسالی به عقب برگشته و اوضاع را از هنگام ورود ارتش استالین مودر مطالعه قرار دهیم:

جای هیچ شبهه و شک و تردید نیست، چنانکه در مقدمه گذشت، استالین از همان آغاز ورود ارتش سرخ به آذربایجان درصدد برآمد به نام قوانین و مقررات زمان جنگ از موقع استفاده کرده جای پای استواری در آذربایجان برای خود تهیه نماید. بنابراین با تمام قوا کوشید به وسایل ممکنه در تمام شئون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی سرزمینهای اشغالی به‌خصوص آذربایجان مداخله کرده دست عمال خویش را در این سرزمینها باز و آزاد گذارد.

«جنگ بین‌المللی دوم فرصتی بود برای حکومت استالین تا علاوه بر امتیازات دیگر در بلادها امتیاز نفت شمال را نیز به زور از ما بستاند. دلیل موجه آن در مورد این اعمال زور امتیاز نفت جنوب بود. زیرا همسایه شمالی مدتها بود که دنبال فرصت

می گشت تا مثل همسایه جنوبی از خوان گسترده نصیب ببرد. منتهی روسها هنگامی بلوای نفت را علم کرده بودند که مجلس سیزدهم و چهاردهم شورای ملی در صدد بود به هر وسیله که هست درباره قرارداد فی مابین نفت جنوب نیز تجدیدنظر نماید و درست در این گیرودارها بود که روسها هم از فرصت جنگ بین المللی دوم استفاده و تقاضای دریافت امتیاز نفت شمال را مطرح کرده بودند. بنا به همین نظر معاون وزارت امور خارجه شوروی به ایران آمد که شاید بتواند از دولت ساعد امتیاز نفت شمال را بگیرد. اما نه دولت ساعد و نه مجلس چهاردهم زیر بار این تقاضا نرفتند. نتیجه چه شد؟ معلوم است کشورهای زورمند هر آینه نتوانند باج خویش را از طریق روابط دیپلماسی از کشورهای ضعیف بستانند دست به تهدید و ارعاب و حتی در صورت ضرورت به اعمال زور ایجاد بلوا می زنند و بدینگونه است که ما هرگز نمی توانیم مسئله آذربایجان را از مسئله نفت شمال جدا بدانیم.^۲

بنابر همین اصول استالین بود که عمال او بنای عملیات و اقدامات سیاسی خود را در آذربایجان پایه گذاری کردند. نمونه های فراوانی از این طرز رفتار در جلد اول این کتاب ذکر شد ولی برای تجدید خاطر و اثبات وقایع اسفناکی که در آذربایجان روی خواهد داد به ذکر چند نمونه دیگر مبادرت می ورزد:^۳

شماره ۴۶۳۲

به تاریخ آذر ۱۳۲۰

وزارت امور خارجه

جناب آقای اسمیرنوف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی - تهران

محترماً خاطر شریف را مستحضر می دارد طبق اطلاع واصله از تبریز دیروز علی

۲- مجله سپید و سیاه، شماره ۷۲۶، صفحات ۱۰ - ۱۱. سوم شهریور ۱۳۴۶

۳- آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

اف نام و چند نفر از افسران شوروی از استانداری تقاضا کرده‌اند دستور داده شود:

۱- روزنامه صدای آذربایجان توقیف شود.

۲- سرهنگ سیف رئیس شهربانی که چندی قبل بر طبق تقاضای اهالی تبریز

برای ریاست شهربانی آنجا فرستاده شده فوراً از تبریز خارج شود.

۳- اشخاصی را که به واسطه راهزنی یا عدم پرداخت بهره مالکانه توقیف شده‌اند

به عنوان اینکه وابستگی به مقامات شوروی دارند فوراً آزاد گردند.

گزارش بعدی حاکی از این است که ساعت چهار بعدازظهر دیروز یک نفر افسر

شوروی که خود را مازور رومانیان و کماندان اتحاد شوروی معرفی نموده به شهربانی

رفته و اظهار داشته است که:

۱- باید عده پایهوران، سرپاسبانان و پاسبانان تبریز و سایر شهرستانها به شرح

زیر باشد:

دوازده پایهور و هفده سرپاسبان و ۲۰۵ پاسبان در تبریز. یک پایهور و یک

سرپاسبان و پانزده پاسبان در استارا. یک پایهور، یک سرپاسبان و پنج پاسبان در

علمدار. یک پایهور، یک سرپاسبان و ده پاسبان در ارس باران. یک پایهور، یک

سرپاسبان در سراب. یک پایهور، یک سرپاسبان و پنج پاسبان در خداآفرین. یک پایهور،

یک سرپاسبان و شش پاسبان در مشگین شهر. یک پایهور، یک سرپاسبان و هجده

پاسبان در مراغه. یک پایهور، یک سرپاسبان و شش پاسبان در نمین...

ضمناً اظهار داشته است اسلحه نیز باید به تعداد عده مزبور بوده صورت اسامی

مأمورین با تعیین سیستم و شماره اسلحه آنها تا چهار ساعت بعدازظهر روز هفدهم ماه

جاری تسلیم شود، نسبت به تعیین وضعیت شهرستانها هم تا چهار روز مهلت داده است

و گفته است آنچه زاید بر عده بالا است باید خارج شوند. صورت این عده و اسلحه آنها

نیز برای مشارالیه فرستاده شود و علاوه کرده است اگر از تهران راجع به جمع آوری

سربازهای احتیاط دستوری برسد قبلاً تصفیه باید به آنها اطلاع داده شود.

خبر بعدی حاکی از این است که به امنیه رفته و در آنجا هم نسبت به تقلیل عده

مذاکراتی کرده‌اند.

این اظهارات و اقدامات مأمورین شوروی که برخلاف وعده‌های صریحی است

که کراراً از طرف شما به اینجانب داده شده مبنی بر اینکه نظامیان شوروی به هیچ وجه

در امور اداری و داخلی ایران مداخله نخواهند کرد موجب اعتراض و تأثر اولیای دولت متبوعه دوستدار است و از این مداخلات مأمورین نظامی شوروی در اموری که به هیچ وجه مربوط به کار آنها نیست فوق العاده متعجب هستند و مخصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که راجع به عده مأمورین هیچ قیدی از ابتدا نبوده و عده مأمورین امنیه هم با توافق نظر مأمورین نظامی شوروی و وزارت کشور تعیین شده و از آن عده هم تجاوز نشده است. چون اولیای دولت متبوعه دوستدار یقین دارند جنابعالی با این عملیات که برخلاف وعده های صریح دولت شوروی است و موجب اختلال نظم و آرامش آن حدود خواهد شد موافقت ندارند به اینجانب مأموریت داده اند از جنابعالی خواهش کنم فوراً و تلگرافاً دستور متضمن در ترک این رویه و عدم مداخله در کارهای داخلی و اداری ایران صادر فرمایند که سوء تفاهماتی بین دولتین پیش نیاید و بگذارند مأمورین انتظاماتی ایران مخصوصاً سرهنگ سیف که از مأمورین کافی و مورد اطمینان مردم آنجا است به وظایفی که در عهده دارند مشغول و انجام وظیفه کنند تا آسایش برقرار و زندگانی عادی اهالی آن حدود مستقر گردد.

در انتظار جواب مطلوب موقع را مغتنم شمرده احترامات فائمه را تجدید می نماید.

وزیر امور خارجه علی سهیلی

سفیر شوروی در جواب نامه وزیر امور خارجه چنین نوشت:

شماره ۲۵۰

تهران ۹ دسامبر ۱۹۴۱

سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

در ایران

آقای وزیر

در پاسخ نامه شماره ۷۴۶۳۲ دسامبر جاری شامل این مطالب:

الف - توقیف روزنامه صدای آذربایجان.

ب - برکناری سرهنگ سیف رئیس شهربانی.

ج - آزادی زندانیان.

افتخار دارم به اطلاع آن جناب برسانم که این مطالب به دقت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در صورتی که مطالبی که در نامه شما تصریح شده حقیقت داشت جداً موضوع را تعقیب کرده اقدامات لازم را به عمل خواهم آورد.

اما موضوعی که با تعداد تقسیم افراد شهربانی و ژاندارمری در منطقه اشغالی شوروی ارتباط دارد باید به اطلاع برسانم که این موضوع با حقیقت وفق نمی‌کند.

به خود اجازه می‌دهم که اساس مطلب را برای شما تشریح نمایم: در ماه سپتامبر و در اوایل اکتبر جاری آقای جهانبانی وزیر کشور به من و مقامات نظامی مراجعه کرد و تقاضا نمود که اجازه داده شود که افراد شهربانی و ژاندارمری در منطقه اشغالی شوروی مسلح شوند. این درخواست‌های وزیر کشور از طرف فرماندهی شوروی مورد موافقت قرار گرفت و ضمناً موافقت شد که تعداد افراد شهربانی ۲۰۸۰ و ژاندارمری ۳۲۰۰ نفر باشد. به همین قرار هم عمل شد. اما در بابت تعداد افراد شهربانی و تقسیم‌بندی آنان به هیچ‌وجه تصمیمی گرفته نشد و فقط به تعداد کلی که ۲۰۸۰ نفر باشد اکتفا گردید. در ضمن نیز مقرر گردید که افراد شهربانی به طیانچه و افراد ژاندارمری به تفنگ مسلح باشند. در نتیجه موضوع اعتراض شما راجع به تقسیم‌بندی که وزیر کشور راجع به کارکنان شهربانی بدان اشاره کرده است حقیقت ندارد.

با در نظر گرفتن اینکه ضمن مذاکره میان مقامات نظامی شوروی و وزیر کشور ایران تعداد نفرات ژاندارمری و شهربانی معین و مشخص شد و نیز با در نظر گرفتن اینکه وزیر کشور به فرماندهی شوروی وعده کرده است که فهرست‌هایی که شامل تعداد افراد مورد بحث است تهیه و برای فرماندهی ارسال دارد بنابراین فرماندهی شوروی حق داشته است که طریقه اجرای این امر را در نتیجه توافقی قبلی خواستار گردد.

آقای وزیر اطمینان دارم که مقامات نظامی شوروی با خواستن چنین اطلاعاتی به هیچ‌وجه تمایلی برای محدود ساختن و یا تقلیل تعداد نفرات شهربانی و ژاندارمری که ضمن مذاکره و توافق با وزیر کشور ایران حل و فصل شده، نخواهند داشت.

آقای وزیر خواهشمندم احترامات فائقه این جانب را بپذیرید

خطاب به جناب آقای سهیلی وزیر امور خارجه ایران - تهران

اسمیرنوف

با وصول این نامه جوابیه سفیر شوروی وزارت کشور به پاسخ زیر مبادرت

ورزید:

تاریخ ۱۳۲۰/۱۰/۲۳ وزارت کشور

شماره ۱۱۹۴۲ / ن ۱۲۸۸ اداره انتظامات

محرمانه

وزارت امور خارجه

عطف به نامه ۴۶۷۳ - ۳۲۰/۹/۲۲ متضمن رونوشت ترجمه نامورخه ۹ دسامبر

۱۹۴۱ سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی زحمت افزا می شود.

در غالب نقاط که صورت تعداد افسران و افراد شهربانی و امنیه از طرف مصادر امور نیروی سرخ مطالبه شده صحیحاً تسلیم گردیده است و اینکه سفارت کبری در پایان نامه متذکر شده اند که تقاضای مقامات نظامی شوروی برای دادن صورت تعداد افسران و افراد مربوط به محدود نمودن یا کم کردن تعداد آنها نبوده صحیح نیست زیرا گزارشهای رسیده از استانداریهای تبریز و رضائیه و هم چنین شهربانیهای محل حاکی است که از طرف کماندانهای نظامی شوروی مقیم آن نقاط مخصوصاً به دواير شهربانی و امنیه رسماً صورتی داده و گفتنند فقط به تعداد مصرحه در صورتی که داده شده باید پاسبان و امنیه داشته باشند و مازاد بر صورت را به تهران رجعت دهند صورت تسلیمی نیز تفاوت فاحش با غده موجود داشته و تقلیل زیادی در تعداد سازمانی اداره های نام برده می داد بدیهی است این طرز عمل را می توان مداخله در امور داخلی آن ادارات تلقی نمود. اینک محض مزید استحضار رونوشت تلگراف شماره ۱۳۹ استانداری ۴ و رونوشت گزارش شماره ۶۰۲۸۴-۲۶۲۵ اداره کل شهربانی که مؤید منظور است به ضمیمه ایفاد می گردد.

وزیر کشور

وزارت امور خارجه

اداره دوم سیاسی

شماره: ۲۵۹۱

تاریخ: ۱۳۲۰/۱۱/۱۴

به عرض می‌رسد

از بدو ورود نیروی شوروی به ایران شکایات و گزارشهای متواتر از کلیه نقاط اشغال شده مبنی بر تقاضاهائی که نیروی شوروی داشته یا تعدیاتی به افراد قشون شوروی نسبت می‌دهند رسیده که کم و بیش خاطر مبارک مستحضر است.

علاوه بر شکایات اهالی شهرها و قصبات تعدیاتی که یا در اثر ورود نیروی شوروی رخ داده یا بالتبع از طرف اشخاص مفسده‌جو و اشرار حادث گردیده از بازرگانان و ادارات دولتی نیز شکایات و گزارشهای دائر به اشغال و تصرف اماکن و ادارات دولتی و بنگاه‌ها و خطوط ارتباطیه تلگراف و تلفن و راه آهن و غیره رسیده و می‌رسد بدون اینکه مقامات شوروی خواسته باشند به نحوی از انحاء رضایت بازرگانان یا مالکین را بدست آورده و یا با دولت برای پرداخت بهای اماکن و بنگاه‌های متصرفی کنار بیایند و چون قسمتی از درآمد بودجه کلی مملکتی از این راه‌ها تأمین می‌گردد عدم توجه به این موضوع و جلوگیری نکردن از خساراتی که به خزانه دولت می‌رسد ممکن است در آینده باعث نگرانی دولت شود. زیرا مثلاً اگر بنا باشد شش میلیون درآمد ماهیانه راه آهن آذربایجان عاید خزانه نگردد و در مقابل هزینه ماهانه آن از محل دیگری تأمین گردد طولی نخواهد کشید که از یکطرف خزانه دولت ورشکست خواهد شد و از طرف دیگر راه آهن آذربایجان از کار باز خواهد ماند و چون نظائر آن زیاد است با طناب کلام نمی‌پردازد.

اگرچه تا زمانی که قراردادی بین دولتین اتحاد جماهیر شوروی و ایران در کار نبود به دست آوردن راه حلی مشکل بنظر می‌رسید ولی اکنون که پیمان منعقد گردید و در فصل چهارم پیمان فقره ۲ و فقره ۳ ضمیمه پیمان پیش‌بینی شده است که دولتین انگلیس و شوروی کلیه اینگونه مخارج یعنی مال‌الاجاره ابنیه و خریدهای محلی و

مخارج حمل و نقل و امثال آن را به عهده خود گرفته و دولت ایران ملزم نیست هیچگونه مخارجی که دول نامبرده برای مقاصد نظامی خود انجام می‌دهند عهده‌دار شود راه هر اقدام برای جلوگیری از خسارت باز است.

برای تأیید خاطر مبارک را به این نکته متوجه می‌سازد اگر بنا باشد از یک طرف نیروی شوروی آنچه را که نیازمند است بدون پرداخت بها دریافت کند و از طرف دیگر پس از جنگ هم آنچه را که در ایران به مصرف رسانده‌اند طبق قرارداد با شرایطی به دولت ایران واگذار نمایند در موقع تسویه حساب دو زیان متوجه دولت ایران خواهد شد یکی آنکه بر درآمد بودجه سالیانه کلی مملکتی لطمه وارد آمده و دولت ایران بایستی کسر خرج خود را از محل‌های دیگر جبران نماید دیگر آنکه هنگامی که هزینه‌های هنگفتی که دولتین در ایران نموده با دولت احتساب خواهند نمود دولت ایران ناچار است آنچه بدهی دارد بپردازد ولی چون سندی در مقابل مخارجی که برای نیروی اشغال کننده در دست ندارد باید از طلب خود اجباراً صرف نظر نماید.

بنابراین با اعتراف به اینکه هنگامی که نیروی شوروی به ایران آمده احتیاجاتی داشته و با تصدیق به اینکه این نیرو مدامی که در ایران توقف دارد نیازمندی‌هایی در آتیه خواهد داشت برای جلوگیری از هرگونه لطمه به درآمد کلی مملکتی و یا برای آنکه مدارک و اسنادی در دست باشد که به موقع خود مورد استفاده قرار گیرد لازمست:

یکم - جدیت و کوشش به عمل آید که حوائج نیروی شوروی خوب و زده انجام گیرد.

دوم - کوشش شود مال‌الاجاره عمارات دولتی و شخصی و انبارهای گمرکی و غیره که تسلیم شده یا خواهد شد و همچنین ماشین آلات و آذوقه و مواد مصرف‌شدنی و غیره حتی المقدور نقداً دریافت گردد و چنانچه نتوان نقد دریافت کرد اسناد ثبت در مقابل به دست آورد که موقع لزوم مورد استفاده قرار گیرد.

سوم - آنچه تاکنون نیروی شوروی از بابت کرایه اماکن دولتی و شخصی و ماشین آلات و غیره بدهکار است مشخص و روشن گردد... کیهان»

نگرانی دولت ایران از اوضاع آذربایجان از این تلگرام وزیر امور خارجه که به سفیر ایران در لندن کرده است به خوبی روشن می‌شود:

موضوع: اقدامات و تجاوزات روسها

اطلاعات واصله از آذربایجان خیلی وخیم و ما را دچار زحمت کرده است کردها و مسیحی‌های رضائیه جمعیتی به اسم «کمیته نجات» تشکیل داده مأمورین دولت را تهدید به خروج کردهاند که کارها را خودشان عهده‌دار شوند رئیس آگاهی نظمیه و چند نفر دیگر را به قتل رسانده‌اند کویال حاکم آنجا را هم تهدید به قتل کرده‌اند در باکو مأمورین نظامی شوروی به ادارات دولتی اخطار کرده‌اند که خارج شوند و به جای آنها باید مأمورین ترک‌زبان گماشته در بعضی نقاط مازنداران دست به تعدی دراز کرده‌اند در خلخال هم دسته‌های زیاد تشکیل و با مأمورین امنیه زد و خورد می‌کنند. تمام این وقایع ناشی از آن است که روسها اجازه نمی‌دهند قوای نظامی ایران به قسمت‌های اشغالی آنها برود سهل است که عده امنیه و پلیس را هم فشار می‌آورند که کم و خیلی محدود شود به این ترتیب آذربایجان از دست ما خواهد رفت. هرچه با روسها مذاکره می‌کنم جواب می‌دهند که ما دخالت نداریم ولی از طرف دیگر این قبیل عملیات را هم مرتکب می‌شوند که اگر کار به این ترتیب ادامه یابد ناچار خواهیم بود قوای نظامی اعزام داریم اگرچه روسها همانعت کنند زیرا در غیر این صورت قسمتی از کشور خود را از دست خواهیم داد. جنابعالی با وزیر امور خارجه مذاکره کنید چاره بیندیشند انگلیس‌ها دست روسها را به ایران باز کردند اقلأ حالا به ما کمک کنند تبلیغات آنها هم در کمال قوت رواج دارد روزنامه به زبان ترکی در تبریز و یک روزنامه بالشویکی در رشت منتشر می‌کنند. منتظر اقدامات جنابعالی هستیم. نمره ۱۹۹۸. سهیلی».

تقی‌زاده سفیر کبیر ایران در لندن پس از مذاکره با ایدن وزیر امور خارجه انگلیس و وادار کردن او به ایراد نطقی در پارلمان این گزارش را برای وزیر امور خارجه در جواب تلگراف او به طور رمز تلگراف کرد:



تعارف از

موضوع

سید علی حسینی از اسرار حاج ملا

۲۸۰. الفی وزیر امور خارجه در پارلمان مطابق بود. با آنچه جولیه نشر داده
 بود. و نیز در روز رقعته ای بن نوشته اظهار داشت که بر طبق تقاضای من این بیان
 او مناسبت نمود که در باب مصونیت تمام خاک ایران و استقلال آن مجدداً تائید و تاکید
 نمایند. باشد امروز معنی اولیه املات نمودم و در باب مسائل متعدد و مسائل
 بسیار که بعد از حصول اتحاد دولتی و بالخصوص در باب تجاوزات و اختلالات محتمل ناچار
 بودیم از شمال بر طبق یادداشت مفصلی که باو داد. بودم و در تعقیب منبغات بزرگترین
 ۱۹۰۰. اندازد نمودم مشاء. البته استقبال خوبی کردم و گفتم که کشکالات ما را اعتقاد
 و تجدیدات موجود گرفت توقیف بول را محال گردیم و خود داد در سایر امور
 از قبیل جواز صدور و ناویرت و کارخانه موایجات پس از آنکه من کتابت بکنم و
 اقدام کنند آنوقت لقم همتری تقاضا و انتظارات ما که در واقع نمره اول مستدعیات
 من است همانا اقدامی جدید در بلوگری از بی اعتدالها در روی در شمال است گفت
 آنچه من انتظار دارم حالا بهتر شده و تغییر رویه داده اند و گفتم غالب آنها از مامورین
 محلی تندرو و روکی است و من پس از آنکه و یادداشت کتب شما در قبیل یادداشتی
 بدو است روکی درین باب و گفتم و در لندن هم به کثیر گیر روکی کشکو کردم و علاوه



موضوع

بر اینها به کار نرزال قونسل انگلیس در تبریز دستور دادم که رفته تحقیق و درین
بابها بکند و او به رضایت رفت و را تیر ماه درین باب داد. آنوقت از راه پست
او شری برای من خواند که تلگراف میکند که رویه حضرت د. آغا بهتر شده و معنی شایع
محلی اغراق آمیز بود. و در هر سال روسها یا میراث اقدام دولت انگلیس و یا بواسطه
آنکه خود بجایب آن رفتار بر خورد، اندرون رویت را تغییر داد، اندرون آقای ابدن
مایل نبود از اقدام دولت انگلیس درین بابا زیاد حرفی زد، بشود که برونها بر نخورد
در مکتوب عجب است که از موضوع تلگراف ۹ جمادی ثانیه رسیده الوزراء و جنابهای
به بند اطلاع داشتند از مخفیانه خود تلگراف و بطور حرمانه بنده دانسته
~~یک روز در وقتیکه وزیر مختار انگلیس در تبریز بودند~~
~~انگلستان این سلب را اعلام نمود و حتی در ضمن خبر کرد که این سلب در شهر چهار~~
~~مکتوب سکونت یکی از وزراء بوزیر مختار انگلیس اطلاع داد.~~ ولی خواش آن داشت
~~و بنده~~ که تمام این سلب پیشین عمرمان باشد و لهران اطلاع ندیم
Bazm-e-Ahmadi ۱۶ کتبی زاد

وزارت امور خارجه

تلگراف رمز

جناب آقای سپیلی وزیر امور خارجه. طهران

عطف به ۲۸۰ نطق وزیر امور خارجه در پارلمان مطابق بود با آنچه جراید نشر کرده بودند. خود وزیر خارجه نیز دیروز رقعهای به من نوشته اظهار داشت که بر طبق تقاضای من این بیانات او در مجلس نمود که در باب مصونیت تمام خاک ایران و استقلال آن مجدداً تأیید و تأکید علنی کرده باشد. امروز معزیه‌ای را ملاقات نمودم و در باب مسائل عمده که لزوم حل اشکالات جاری بعد از حصول اتحاد دولتی و بالخصوص در باب تجاوزات و مداخلات تحمل‌ناپذیر روسها در شمال طبق یادداشت مفصلی که به او داده بودم و در تعقیب مندرجات تلگراف شریف ۱۹۵۰ مذکره نمودم. مشارالیه استقبال خوبی کرد گفتم اشکالات مالی و اقتصادی و تهدیدات موجوده که از پنج ماه به این طرف نسبت به امور ایران ایجاد شده باید حالا برطرف شود گفت توقیف پول را الغا کردیم و وعده داد در سایر امور از قبیل جواز صدور نارسیرت و لوازم و کارخانه هواپیمائی پس از آنکه من کتباً فهرستی بدهم اقدام کند. آنوقت گفتم مهمترین تقاضا و انتظار ما که در واقع نمره اول مستدعیات من است همانا اقدامی جدی در جلوگیری از بی‌اعتدالیهای روس در شمال است. گفت آنچه اطلاع دارم حالا اوضاع بهتر شده و تغییر رویه داده‌اند و گفت غالب اینها از مأمورین محلی تندرو روسی است و من پس از مذاکره و یادداشت کتبی شما در چندی قبل یادداشتی به دولت روس درین باب فرستادم و در لندن هم با سفیر کبیر روس گفتگو کردم و علاوه بر اینها به ژنرال قونسول انگلیس در تبریز دستور دادم که رفته تحقیقاتی درین بابها بکند و او به رضائیه رفت و راپرتی در این باب داده آنوقت او شرحی برای من خواند که تلگراف می‌کند که رویه حضرات در آنجا بهتر شده و بعضی شایعات اغراق‌آمیز بوده و در هر حال روسها یا بر اثر اقدامات دولت انگلیس و یا به واسطه اینکه خود به معایب آن رفتار برخوردده‌اند رویه را تغییر داده‌اند آقای ایدن مایل نبود از اقدام دولت انگلیس درین بابها زیاد حرفی زده شود که به روسها برنخورد... و خواهش داشت که تمام این مطالب پیش من محرمانه باشد و به

طهران اطلاع ندهم ۱۷ [؟] تقی زاده.»

از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ یعنی تا آغاز نغمه شوم خودمختاری آذربایجان این وضع در آن استان ادامه داشت تا در زمان آقای محسن صدر (صدرالاشراف) آذربایجان که از حیث وسعت و جمعیت و ثروت و موقع بزرگترین و مهمترین استانهای ایران است، چندماه بدون سرپرست ماند و به علت نبودن استاندار رشته انتظام امور آن از هم گسیخت و کارهای اداری و امور اجتماعی آن استان تمرکز و وحدت لازم را از دست داد.

دولت صدر شش نفر از رجال کشور مثل سهام السلطان بیات و معتصم السلطنه فرخ را جهت استانداری آذربایجان نامزد نمود ولی هر کدام از آنها مورد مخالفت عده‌ای از وکلا و متنفذین آذربایجان مقیم تهران یا دولت استالین می‌گردید. لذا مدت چندماه دولت صدر با اینهمه اختلافات نتوانست تصمیم بگیرد. فرخ در مورد انتصاب خود به استانداری آذربایجان چنین می‌نویسد: «پس از آنکه نخست‌وزیر وقت محسن صدر انتصاب وی را در مجلس شورای ملی اعلام کرد فرقه دموکرات آذربایجان علیه وی اعلامیه‌ای زیرعنوان «فرخی نیچون کورندریلر» صادر کرده در آخر آن اعلامیه می‌نویسد اگر پای فرخ به آذربایجان برسد او را خواهیم کشت. در دنباله آن فرخ اضافه می‌کند:

«... سفیر روس بدون مقدمه به وزارت خارجه رفت و به وزیر خارجه وقت

صریحاً اعلام کرد که اگر فرخ به آذربایجان برود روابط فی مابین روسیه و ایران تیره خواهد شد. من بدون توجه به این اولتیماتوم‌ها به دولت اعلام کردم که برای حرکت به آذربایجان حاضر هستم. دولت نیز به آقای سرهنگ همایونی فرمانده ژاندارمری آذربایجان دستور داد برای استقبال از من به طرف میانه حرکت نماید و چیزی نگذشت که سرهنگ همایونی با شصت نفر ژاندارم به میانه رسید و منتظر ماند تا من به سوی میانه حرکت کنم. من می‌دانستم که در این بلوا روسها به‌طور مستقیم به ما حمله نخواهند کرد و می‌دانستم به جای دخالت مستقیم در مورد حرکت من به آذربایجان عده‌ای از افراد محلی و یا بهتر بگویم فرقه‌ای‌ها را علیه ما تحریک خواهند کرد. به همین جهت به طور محرمانه با چندتن از رؤسای شاهسون جلسه‌ای تشکیل دادم و با آنان قرار گذاشتم که عده‌ای مسلح در سراب و میانه آماده دستور باشند. دست بر قضا روسها از

حرکات شاهسون مشکوک شدند و بار دیگر صدای اعتراضشان بلند شد. به طوری که وقتی مجدداً به آقای صدر عرض کردم اجازه بدهند حرکت کنم ایشان فرمودند تا بیست و چهار ساعت مهلت بدهید. عرض کردم چرا؟ مگر چه شده؟ باید صبر کنیم تا از مسکو جواب بیاید. مجدداً از ایشان پرسیدم حرکت من به آذربایجان چه ارتباطی به مسکو می‌تواند داشته باشد؟ ایشان فرمودند گویا قرار است آقای مولوتف وزیر خارجه شوروی با آقای مجید آهی سفیر کبیر ما در مسکو گفتگو بکند.

فصیه به نحو عجیبی بفرنج و در عین حال تأسف آور شده بود... چند ساعت بعد به تهران خبر رسید که آقای مولوتف وزیر خارجه شوروی به آقای مجید آهی سفیر ایران در مسکو اطلاع داده است که اگر آقای فرخ را به آذربایجان بردند نه فقط روابط ما با دولت ایران تیره خواهد شد... بلکه حتی ممکن است این انتصاب موجب قطع رابطه دو کشور گردد...»

در نتیجه این جریانات چندماه آذربایجان بی‌سرپرست ماند. رؤسای دوایر دولتی در نتیجه نبودن استاندار ناچار شدند مستقیماً به مرکز مراجعه نمایند. این وضع با فصل برداشت محصول و تماس شدید مأمورین ژاندارمری با مالکین و کشاورزان شد. نیکجو رئیس اداره گمرک آذربایجان که به سمت کفالت استانداری آذربایجان تعیین شده بود بلافاصله با مشورت سرهنگ همایونی فرمانده ژاندارمری منطقه آذربایجان و نمایندگان وزارت دادگستری و کشور برای جمع‌آوری و برداشت محصول اخذ بهره مالکانه از رعایا بخشنامه‌ای تنظیم نمودند که چند روزی نیز به اجرا گذاشته شد. در این بخشنامه مالکین از گرفتن رسومات غیرعادی محروم شده بودند. رسومات مزبور بر اصول ظالمانه‌ای قرار گرفته بود. مثلاً به مالک اجازه می‌داد که هروقت بخواهد رعیت خود را به بیگاری وادار سازد و این رسوم رعیت را ناگزیر می‌کرد در پایان هر سال زراعی، مرغ و خروس اضافه به مالک پیشکش بدهد. این عادت کهنه و استبدادی در دوره رضاشاه تقریباً متروک شده بود ولی وکلای ثروتمند آن روز آذربایجان که به شدت با اقلیت مبارزه می‌کرد برای اینکه فشار بیشتری بر طرفداران کشاورزان و دهقانان وارد سازند دولت را مجبور کردند به مأمورین خود دستور دهد تا کشاورزان را وادار به اجرای آن عادات و رسوم کهنه بنماید. در نتیجه پس از مدت کوتاهی بخشنامه مزبور مورد اعتراض حکومت مرکزی قرار گرفت و معاد آن برخلاف مالکیت تشخیص داده شد و بخشنامه

دیگری از مرکز برای وصول بهره مالکانه از طرف دولت صدر صادر و به آذربایجان ابلاغ گردید. ادارات ژاندارمری و دادگستری و همچنین کشاورزان و مالکین به علت فشار این دو بخشنامه دچار سرگردانی و بلاتکلیفی شدند و با آنکه در چگونگی و ماهیت این دو بخشنامه تفاوت بسیار ناچیزی دیده می‌شد ولی همین اختلاف جزئی بدست ماجراجویان وسیله شد تا کشاورزان را تحریک نموده مرکز را دشمن کشاورز و طرفدار مالک معرفی کند. بخصوص چون بخشنامه دومی در زمان حکومتی صادر شده بود که بیشتر وکلای آذربایجان و بطور کلی مناطق شمالی کشور مخالف آن حکومت بودند به این جهت مخالفین با کمک وکلای مزبور حداکثر استفاده از این فرصت نمودند و با نشریه‌های گوناگون و تبلیغات مختلف و پرداخته عده‌ای از آذربایجانیها را علیه مرکز تحریک و بسیج کردند.

وکلای دسته اقلیت منطقه آذربایجان شاید در این تحریکات جز در فشار گذاشتن حکومت مرکزی و وادار ساختن آن به استعفا نظر دیگری نداشتند ولی کسانی که از دیرباز کشاورزان را علیه مالکین و آذربایجانیها را علیه سایر هموطنانشان تحریک می‌کردند و خلاصه به نام رعیت و ارباب و ترک و فارس بین برادران خندق جدائی هولناکی ایجاد می‌نمودند از این وضع استفاده کردند و دست به عملیات شدیدی زدند. اولین قربانی این تحریکات حاجی احتشام لیقوانی بود. پس از این واقعه هیشی برای بازرسی به ریاست آقای سرلشکر جهانبانی به تبریز اعزام گردید. تعدادی از عناصر دولتی که بعد از این واقعه بطور کلی نقاب از چهره خود برداشتند ناچار نقاب را عوض کرده با چهره جدیدی خود را به نام دموکرات معرفی نمودند.

برای روشن شدن وضع آذربایجان در این زمان لازم آمد گزارش سری را که آقای ژ. دابلیو وال سرکنسول انگلیس به بولارد سفیر انگلیس در تهران داده متذکر شویم. در این گزارش جزئیات وضع آذربایجان تشریح شده و از آن می‌توان به جریان حوادث و وقایعی که بعداً به ایجاد حکومت قلابی فرقه دموکرات منجر شد آگاه گردید. اینک متن گزارش:

ایران / سری ۱۶ آوریل ۱۹۴۵ شماره ۲۴۴۵/۲۳۹/۳۴ E.
از آقای وال به سر آر. بولارد (تهران) رسیده به وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۶
آوریل شماره ۴ تبریز. ۱۶ مارس ۱۹۴۵
آقا

افتخار دارم پیرو پیام شما به شماره ۳۸ مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۴۴ گزارش اوضاع
این ناحیه کنسولی را در خلال شش ماهه تا ۲۸ فوریه ۱۹۴۵ تقدیم دارم.

۱- روابط بین مقامات ایران و شوروی - روابط بین مقامات محلی شوروی و ایران
که از مسئله بحران نفت ناشی شده اصولاً بدون تغییر باقیمانده است. از طرف شورویها
کنترل شدیدی بر روی دستگاههای اداری ایران اعمال می شود و این اعمال نفوذ برای
این است که از اقدامات، عملیات عناصر دست چپی و حتی آشوبگران جلوگیری شود
در صورتی که این روش به منافع هردو طرف لطمه وارد می سازد. از جانب ایران هم
سکوت و صبر در مقابل شورویها و دست نشانده گان آنها در پیش گرفته شده است.

مداخله شورویها در اداره امور استان بطور مستقیم و گاهی غیرمستقیم صورت
می گیرد. در مورد اول مداخله معمولاً توسط مقامات نظامی شوروی انجام می گیرد. تمام
نقل و انتقالات ارتش و ژاندارمری زیر نظر و مراقبت شوروی انجام می گیرد و به این
وسیله می توانند از هر پیش آمد و عملی جلوگیری به عمل آورند. مقامات نظامی شوروی
با اخراج مقام اقدام کننده عمل او را خنثی می کنند. نمونه های فراوانی از چنین مداخلاتی
هر روز مشاهده می شود که بارزترین آن اخراج سرتیپ خسروانی فرمانده لشکر سوم در
نوامبر گذشته است... مداخله غیرمستقیم از طریق «فشار بر روی افکار عمومی» زیر نظر
و رهبری سر کنسولگری شوروی و به خصوص توسط دو کنسولیاری قفقازی به نامهای قلی
یف و کاسانوف صورت می گیرد. به اعتقاد مقامات ایرانی هر گونه فشار دست چپی هاناشی
از اراده شورویهاست... بالاخره مقامات شوروی با امتناع از پذیرش انتصاب هر مقام
ایرانی توانسته اند خواسته های خود را به مورد عمل در آورند و هر کس را که مایل باشند
بر سر کار بگذارند: تنها مقام بلند پایه که در آذربایجان در شغل خود باقی مانده
سرهنگ درخشانی است که از استانداری آذربایجان غربی به فرماندهی لشکر سوم
(تبریز) نیروی نظامی ایران توانسته است تا کنون به کار خود ادامه دهد.

این نظارت و دخالت بر انتصابها از طرف شورویها مقامات اداری استان را بر

آن داشته است که به خاطر ترس و وا همه عملی برخلاف منافع شورویها انجام ندهند.

۲- هدفهای سیاست شوروی در آذربایجان - در شش ماه گذشته واقعه‌ای اتفاق نیفتاده که آخرین نظر من را (به تاریخ ۲۲ اوت ۱۹۴۴) درباره هدفهای شوروی مبنی بر کسب امتیازاتی در پایان جنگ تغییر دهد. قسمت اعظم ضعف اداری ایران در این استان اعمال سیاست شوروی و اثرات موثر و نیرومند آن است. از طرف دیگر درباره منظور جداسازی آذربایجان از طرف شوروی و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان شوروی ظاهراً آثار کمی دیده می‌شود. زیرا در بسیاری از موارد عالیت‌ترین مقام آنها در هنگام سخنرانی تأکید دارند خطابشان به ایران باشد نه آذربایجان.

در بررسیهای اخیر مشاهده شد که تبلیغات جدائی طلبانه در گفتار رهبران جبهه آزادی دیده نمی‌شود و حتی بعضی از آنان، به طریقی بسیار مصنوعی، کوشش می‌کنند که احساسات وطن پرستانه خود را نمایش دهند. با این تفصیل در خلال گذشت زمان مقدمات یک نهضت جداخواهانه در متن آرزوهای آشوریها و اقلیت‌های ارمنی به علت اختلاف زبان و مذهب مقیم این استان با سایر نقاط ایران دیده می‌شود ضمناً نمی‌توان انکار کرد که در زیر این سرپوش مقامات رسمی شوروی و سربازان شوروی مستقر در آذربایجان که عموماً از مردم قفقاز هستند برای تشکیل یک آذربایجان بزرگ در کار تبلیغ به طرز وسیعی می‌باشند. بنابراین اگر این افراد از طرف مقامات بلندپایه شوروی تشویق و تحریک نشوند به نظر نمی‌آید که بتوانند برای انجام مقصود خود وارد عمل شوند بدون تردید باید گفت که هدف اساسی سیاست شوروی حصول اطمینان از تسلط نفوذ سیاسی و اقتصادی در این استان است...

۳- تبلیغات شوروی - در شش ماه گذشته تمام قرائن حاکی از تبلیغات شدید و روزافزون و به اشکال مختلف شوروی بود. وسیله مهم و موثر تبلیغات، علاوه بر جبهه آزادی که آن وضع دیگری دارد، انجمن فرهنگی ایران و شوروی است. این انجمن در محوطه وسیعی قرارداد که به یک پروژکتور سینما مجهز می‌باشد و بطور متوسط هفته‌ای دوبار تشکیل جلسه می‌دهد. مدیران و اعضای آن از مردم محلی طرفدار متعصب شوروی و یا اشخاصی که به اقتضای منافع خود ظاهراً طرفداری می‌کنند، ترکیب شده است. جلسات معمولاً در پشت درهای بسته که معمولاً مدت آن به درازا می‌گشدد، تشکیل می‌شود. مذاکرات اصولاً با دو زبان است و جلسات با نمایش فیلم و یا موسیقی

آذربایجانی شوروی خاتمه می‌یابد. ریاست هیئت مدیره انجمن به عهده استاندار و سرکنسول شوروی است و شعبه‌ای از زنان دارد که ریاست آن را خانم استاندار به عهده دارد... پذیرائیهای شایانی در آن به عمل می‌آید و خلاصه محل مناسبی است برای ایراد خطابه و بروز استعداد ادبی.

۴- در اکتبر گذشته کتابخانه بسیار مجهزی در شهر تأسیس گردید که دارای قرائخانه‌ای است که در آنجا اخبار و عکس‌های خبری و نقشه بزرگی که در آن عملیات و پیشرفتهای ارتش شوروی نشان داده شده است، منتشر می‌شود.

شورویها آموزشگاهی در نوامبر گذشته برای تدریس زبان روسی تأسیس کرده‌اند و تعدادی بورس زبان روسی در دانشگاههای شوروی برای پسران و دختران محلی تخصیص داده‌اند. شورویها علاوه بر آموزشگاه بیمارستانی نیز تأسیس کرده‌اند که سال گذشته افتتاح شد که دارای ارزش تبلیغاتی زیادی می‌باشد. مهمانیها توأم با کنسرت از طرف ارتش سرخ، آمد و رفت هنرمندان آذربایجان شوروی و تشکیل مجالس شب‌نشینی از طرف ارمنی‌ها و سایر مراسم زمینه‌ساز برای بهره‌برداری تبلیغاتی نیز وجود دارد. طبعاً ارتش سرخ نقش فاطمی در تبلیغات شوروی دارد که با نمایش دادن روح وطن‌پرستی و استالین‌دوستی و اعتقاد به اصول کارگری و کشاورزی هیجان‌نمات طبقات و مردم آذربایجان را تحریک می‌کند. نشانه‌های استفاده‌های مادی نیز در برخی از این وسایل تبلیغاتی دیده می‌شود مثلاً در استفاده از بیمارستان شوروی مخارج زیادی را ایجاب می‌کند (چنانکه فقرا بیشتر ترجیح می‌دهند برای معالجه به امریکائیها و یا به هیئت‌های پزشکی آدونیت مراجعه نمایند). بازرگانان شهر اغلب مجبور می‌شوند برای خرید بلیط کنسرت پول زیادی بپردازند...

۵- تشکیلات اداری ایران - برکناری استاندار آذربایجان شرقی خواسته مردم است ولی او ظاهراً با ایستادگی در برابر مردم و شرایط سیاسی هنوز موقع خود را حفظ کرده است. در برابر شورویها و دست‌چپی‌ها روش تحمل و صبر را پیشه خود ساخته است. مردم از سستی و ضعف او انتقاد می‌کنند ولی از هرگونه تهمت مبرا است و شاید هدف وی آن باشد که تا زمان بازنشستگی قریب‌الوقوع بتواند با کمترین دردسر به کار خود ادامه دهد. مبه‌ر روشنی فرماندار تبریز پس از یک غیبت طولانی جای خود را به روشنی داد، این شخص در سیاست خارجی تجربه طولانی دارد و به صداقت و امانت و

دقت نظر معروف و امیدی است برای مردم تبریز که بلکه بتواند رشته‌های از هم گسیخته را مجدداً بهم پیوند دهد: روشنی از اعتماد استاندار و یا مقامات شوروی برخوردار نیست و به همین جهت مردم عقیده دارند که مأموریت او در تبریز طولانی نخواهد شد. با انتقال سرهنگ درخشانی از فرماندهی لشکر آذربایجان غربی اداره امور آن استان رو به ضعف گرائیده و جانشینی او ساعد سمیعی هنوز برای اشغال شغل خود نیامده است و اداره امور استان چهارم به دست سرهنگ زنگنه که نظامی و وظیفه‌شناس بوده شهرت خوبی دارد افتاده است. سرهنگ درخشانی هنوز نمی‌داند چگونه خطر را مرتفع خواهد ساخت ولی توانسته است مقام خود را در برابر آشوب‌طلبان و مقامات شوروی حفظ نماید...

۶- اداره امور شهرداری تبریز فقط نامی از آن باقی است. غلامرضا الهامی رئیس شهرداری ارادتمندانه در رده امیال شورویها گام برمی‌دارد و با امضای تقاضای اصلاحاتی که از جانب جبهه آزادی در دسامبر ۱۹۴۴ ارائه گردیده بود عدم رضایت وزیر کشور را فراهم کرد به طوری که از کار خود معزول و به تهران احضار شد... مهدیقلی ضیائی رئیس پلیس تبریز نیز بر اثر انحرافات که در کار خود داشت به تهران احضار شد ولی به نظر می‌آید که این دو نفر هر دو با پشتیبانی مقامات شوروی بتوانند در شغل خود ابقا شوند. در اول ژانویه فرمانده جدیدی برای ژاندارمری آذربایجان انتخاب شد ولی او هم مانند سلف خود و بسیاری دیگر از مقامات ایرانی از عدم امکان انجام وظایف خویش به این علت که هر اقدامی باید به اجازه شوروی‌ها باشد، شکایت می‌کند. وظیفه اصلی او تجدید سازمان قوای پراکنده در استان و تمرکز دادن به پاسگاهها و افراد به طریقی که بتوانند به وظایف اصلی خود عمل کنند، می‌باشد...

۷- آقای توماس آلن رئیس بخش تدارکات و امور مالی که جزء مثبت میلیسپو است کوشش کرد بلکه بتواند اوضاع درهم و برهم اقتصادی را بهبود بخشد و از عملیات غیرقانونی افراد در موضوع توزیع خواربار جلوگیری کند ولی با وجود کوشش بسیار به انجام این کار موفق نگردید... هم‌اکنون رئیس جدید ایرانی به جای او به تبریز آمده است که قضاوت درباره اقدامات و توانائی او هنوز زود است.

۸- جبهه آزادی و توده ایران - در عرض شش ماه گذشته دست‌چپی‌ها فعالیت زیادی داشتند به طوری که پس از شورویها نیروی فعاله امور آذربایجان را تشکیل می‌دادند. با پیش آمد بحران نفت و تشکیل تظاهرات به منظور اعتراض به سیاست نفتی

ساعد و تصادم با پلیس و خلع سلاح شدن آن به وسیله مقامات شوروی به آنان ثابت کرد که می‌تواند رشته امور را در دست گرفته در مسائل اختیاردار باشند...

بس از موقوف شدن مسئله نفت یک‌ماه سکوت برقرار گردید ولی در خلال این مدت موضوع جدیدی در حال تکوین بود و آن به میان کشیدن مسئله تشکیل انجمن ایالتی بود که در قانون اساسی ۱۹۰۶ پیش‌بینی شده است ولی هیچگاه به مرحله عمل درنیامده بود. در همین زمان بود که مبلغان حزب کوشش می‌کردند دهقانان و کشاورزان را به برنامه‌های خود علاقمند نمایند. در تمام سخنرانیها از اصلاحات کشاورزی گفتگو می‌شد. در اول دسامبر تظاهر بزرگی تشکیل گردید، تصور می‌رود که این موضوع مورد توجه بسیاری از دهقانان قرار گرفته باشد زیرا جمعیت انبوهی متجاوز از پنجهزار نفر که بیشتر آنان از کارگران شهری به آن حزب ملحق گردیدند. در یازدهم ژانویه اولین کنفرانس منطقه‌ای شعبه‌های حزب توده آذربایجان در تبریز تشکیل شد که اعلام خطری برای ملاکین بود. با اینکه تصمیمات کنفرانس چندان اهمیتی نداشت ولی حاوی مسائلی بود که رهبران حزب، طی ماههای گذشته، بدانها متکی بودند. جالبترین موضوع کنفرانس درخواست پشتیبانی کردها بود که حزب اعلام کرد سران قبیله شکاک به آنها وعده پشتیبانی دادماند و هدف دیگر قدرت بخشیدن به حزب از راه ازدیاد عضو و تلاش برای استحکام بخشیدن مبانی و انضباط حزبی بود.

۹- مشکل بتوان بین جبهه آزادی و توده ایران وجه تفاوت بارزی یافت به ندرت می‌توان عضوی از جبهه آزادی را یافت که عضو حزب توده نباشد. هدف فقط جذب توده ایران در جبهه آزادی و خاتمه بخشیدن به رسوائیهای آن حزب و بدست آوردن میدان وسیعتری برای عمل بود. شش ماهه اخیر شاهد برگزاری مجامع و مجالس و بحثهای زیادی درباره سازمان این دو تشکیلات و تدوین وظایف و مقررات بود. که سرانجام جبهه آزادی به عنوان رکن و طرح اصلی و هماهنگ کننده تمام عقاید ترقی خواهانه در استان معرفی گردید که دو رکن اجرایی دیگر از آن ناشی می‌شد یکی حزب توده که مسئول تضمین انتخاب نامزدهای جبهه آزادی و ارائه آن در مجلس بود و دیگری اتحادیه کارگران (شورای متحده ایالتی - اتحادیه کارگران و زحمتکشان آذربایجان که به نام شورای متحده ایالتی آذربایجان موسوم شد) که وظیفه‌اش عملی ساختن برنامه اقتصادی و صنعتی جبهه ملی است. ولی در ضمن عمل این سه رکن در

امور یکدیگر دخالت کرده به وسیله یک عده رهبر به خصوص که بر تمام امور مسلط بودند، اداره می‌شود.

۱۰- در ماههای اخیر طراحان برنامه در زمینه هدفی فعالیت کرده‌اند که نتیجه کلی آن به‌طور دقیق روشن نیست. اما از متن سخنرانیهای رهبران می‌توان نکاتی را به این‌قرار استنباط نمود: حفظ یک‌پارچگی و استقلال ایران، برقراری حکومت واقعی و حقیقی دموکراتیک و لیبرال، توسعه اقتصادی، مجازات خائنان و دوستی عمیق با اتحاد جماهیر شوروی. از ظاهر چنین برنامه‌ای خطری مشاهده نمی‌شود ولی بر ارباب بینش و فهمیده پوشیده نیست که در زیر نقاب آن مسائل خطرناکی وجود دارد که سرمنشاء آن از سرکنسولگری شوروی الهام گرفته می‌شود. و آن به وجود آمدن آذربایجان مستقل و بلشویک است که به ادامه اشغال شوروی خاتمه می‌یابد. با وجود صورت ظاهر ملایم برنامه جبهه آزادی از حرف و عمل آنها با حمله به مرتجعین حکومت مرکزی مانند سیدضیاءالدین طباطبائی و اولیای امور مرکزی ایران که در تمام نقاط آذربایجان اعم از شرق و غرب به شدت ادامه دارد و روش ارباب و تهدید به ضرب و قتل به خوبی می‌توان به مقاصد و هدفهای آنان پی برد.

۱۱- به طوری که گفته شد اصول حزبی حزب توده با توجه به تبلیغات عادی در میان کارگران و کشاورزان، محتوای ایدئولوژیکی ندارد. ولی نباید اشتباه کرد که تصور کنیم تمام رهبران حزب در آذربایجان بدون اعتقاد به مسلک و مرامی بوده و تنها آلت دست شوروی‌ها هستند. زمانی که منافع شخصی و فردی به عنوان انگیزه اصلی در هر حزب سیاسی شرقی وجود داشته باشد، برخی از رهبران مانند شبستری و اصفهانی اصول کمونیسم را جدی خواهند گرفت و از این راه حزب می‌تواند تعدادی از جوانان را که نشنه و مشتاق اصلاح اجتماعی هستند به خود جذب و جلب نماید. از جمله در میان آنان افرادی مانند محمدولی عباسی وجود دارد که بعضی از آثار کوتاه مارکس و لنین را به فارسی ترجمه کرده است. با این تفصیل به هیچ‌وجه نمی‌توان انتظار داشت که بتوان اصول کمونیسم را به چنین کارگران نادان و عقب‌مانده تلقین کرد. ظاهراً حزب عملاً برای اصلاح مسائل اقتصادی و اجتماعی استان با استفاده از تئوری سوسیالیسم راه عاقلانهای را انتخاب کرده است: از جمله سازمان دادن به اتحادیه‌های مختلف کارگری و بازرگانی، بالا بردن دستمزدها و اعمال نفوذ در تنظیم شرایط کار، زیر نظر گرفتن و

هدایت کارمندان دستگاههای اداری و تا حدودی تعیین وظایف پلیس و امور قضائی از طرف مقامات حزبی و طرح برنامه‌هایی برای احیاء کارخانجات ورشکسته به وسیله کارگران و برای آنها.

۱۲- جبهه آزادی و حزب توده با پشتیبانی و حفاظت شوروی توانسته‌اند شبکه وسیع خویش را در سراسر استان آذربایجان گسترش دهند. در این دو حزب عموم طبقات اعم از ولگردان و آدمکشان مزدور تبریز، باربران، کارگران کارخانه‌ها، کشاورزان، پیشموران، دانش آموزان، روزنامه‌نگاران و حتی بازرگانان و مالکین و ماجراجویان سیاسی عضویت دارند. سازمان آنها درهم ریخته و مغشوش است و نمی‌توان خط مشی سیاسی آن را بطور قاطع معلوم و مشخص کرد. چنانکه هم‌اکنون آثار آن آشکار گردیده است و رهبران این دو حزب کوشش دارند که نظم و انضباط را در داخل حزب برقرار سازند، اخراج عناصر نامطلوب آدمکش نشانه این اقدام است...

..... ۱۳-

..... ۱۴-

..... ۱۵-

..... ۱۶-

۱۷- وضع اقتصادی - پیروزی غیرمنتظره متفقین در اروپا به نحو بارزی در بازرگانی و صنعت تبریز موثر شد. وبه‌طوری که از قراین پیداست وجود عواملی برای به راه انداختن صنایع داخلی و محلی تردید آمیز است چنانکه با این تفصیل شاید علل اصلی ضعف بازرگانی عواملی ظاهری باشند چنانکه عقیده بسیاری از بازرگانان بر این است که شکست آلمان وسیله‌ای است که سدها و اشکالات بازرگانی ایران گشوده شود و با زیاد شدن واردات، کالاهای ارزان قیمت به بازارهای داخلی ریخته شود و از این راه کالاهای محلی و داخلی گرفتار رقابت شده تاب مقاومت را نیاورد. طی شش ماه گذشته میل زیادی برای فروش و اکراه فراوانی برای خرید وجود داشت چنانکه قیمت‌های عمده‌فروشی با تردید کامل بر روی این گرایش اثر گذاشت.

۶- مطالب شماره‌هایی که ذکر نشده است به موضوع کردها و مسائل مربوط به آنان ارتباط دارد که از بحث این کتاب خارج است.

قیمت‌های خورده‌فروشی، جز در ماه اکتبر که تنزل قیمت در خواربار مشهور بود، اساساً بدون تغییر باقی ماند. نمایندگی بازرگانی شوروی واردات کالا را به بازار محلی و تهران ادامه داده است. کالاهای عمده عبارت بود از: پنبه، شکر، ظروف چینی، ظروف شیشهای، روغن ماهی و مقدار کمی مواد شیمیائی برای کارخانه‌های صابون‌سازی و کبریت‌سازی. واردات منسوجات و شکر به قیمت پائین‌صورت نگرفت و در ترخیص کالاهای ذخیره مورد احتیاج شورویها حداکثر قیمت را برای بازرگانان محلی تعیین کردند. خرید غله و خشکبار کاهش یافت. شرکت نفت ایران و شوروی نه تنها کوشش کرد که زمینه خورده‌فروشی پارافین را به زیان شرکت نفت ایران و انگلیس به انحصار خود درآورد بلکه اغلب به طرق نامشروع متوسل شده است. تجارت خشکبار، صادرات اصلی استان، از رونق افتاد و عملاً جز مقدار پنجاه تن خرید از طرف شورویها، صادراتی در کار نبوده است. تجارت فرش در نوسان بود. صادرات مستقیم به سوریه و عراق و مصر رو به تقلیل گذاشت و فقط گاهی از اوقات مقداری فرش برای بازار تهران خریداری می‌شود. اصولاً قیمت‌ها در حال سقوط است و تنها قیمت‌های کالاهای صنعتی است که روبه افزایش گذاشته است. از کار افتادن کارخانه‌های کوچک ادامه دارد. گفته می‌شود که موجودی فرش در تبریز بسیار تنزل کرده است.

۱۸- تنزل اجتناب‌ناپذیر صنایع تبریز آغاز شده است. چهار کارخانه بزرگ، دو کارخانه نساجی و دو کارخانه چرم‌سازی به ورشکستگی افتاده است. یک کارخانه نساجی واقعاً ورشکست شده و بقیه هم درلبه پرتگاه قرار گرفته‌اند به طوری که تجدید حیات آنها کار بسیار دشواری است. قیمت‌های بی‌تناسب و کیفیت پائین و نامرغوب بودن آنها بازار صادرات را محدود کرده حتی تکافوی احتیاجات محلی را نیز نمی‌کند. با وجود دو کارخانه مجهز بافندگی پشم و پنبه و دو کارخانه چرم‌سازی در شهر نیمی از مردم به لباس مندرس مجلس و کفش به پا ندارند. کارخانه‌ها فقط می‌توانند با کاهش دادن عملیات خود تا کمتر از نصف و تقلیل دستمزدها به تولید ادامه دهند. موافقت‌نامه موجود کار صاحبان کارخانه‌ها را از اخراج کارگران و کارکنان ممانعت می‌کند. اتحادیه نیرومندی، مسلماً از سطح بالای هزینه زندگی بحث می‌کند و به شدت با قطع دستمزدها مخالفت می‌ورزد. به همین دلیل است که بسیاری از صاحبان کارخانه‌ها و سهامداران در تکاپوی رهایی از تعهدات و دیون خود بوده و کوشش دارند به تهران

مهاجرت نمایند قیمت سهام دو کارخانه چرمسازی و یک کارخانه نساجی در حال حاضر ۱۰/۵۹ و ۵/۴ ریال است. از مدتها پیش فرار سرمایه‌ها از تبریز آغاز گردیده، قیمتهای واقعی پائین و خریداری در کار نیست.

..... ۱۹-

..... ۲۰-

۲۱- نتیجه - هر قدر که جنگ اروپا به پایان خود نزدیک می‌شود این سؤال در مخیله مقامات و طبقات ثروتمند مسلمان در آذربایجان مطرح می‌شود که آیا دولت شوروی واقعاً در تاریخ مقرر به اشغال خود خاتمه خواهد داد؟ علیرغم لحن موافق اعلامیه‌های شوروی باز سوعظن عمیقی در زمینه مذهبی و تعصب نژادی وجود دارد که بدبختانه اعمال مشکوک مقامات شوروی در موارد مختلف این بدگمانیها را درباره مقاصد آنان به یقین مبدل می‌کند. تا زمانی که اشغال شوروی پا بر جاست شکایات متواتر و دائمی دولت ایران مبنی بر محال بودن استقرار نظم در محل باقی خواهد بود. از طرف دیگر تلاش و مجاهدت دست‌چپی‌ها در مورد افزایش اعضا و تقویت سازمانهای خود به منظور ازدیاد قدرت بدون شک به این دلیل است که اگر زمانی از حمایت و حفاظت دولت شوروی محروم مانندند بتوانند به کار خود ادامه دهند، که آن روز کاملاً دشوار و پرمشقتی برای آنان خواهد بود... اگر دولت ایران بتواند چند نفر زمامدار شایسته و آزاد فکر به این استان اعزام دارد و اگر توده و نهضت اتحادیه بازرگانی بتوانند با در پیش گرفتن کار منظم و توأم با همکاری در چهارچوب اداره ایران به خود سازمان دهند امید می‌رود تعدیل و اصلاح وضع مجدد آذربایجان امر پرزحمت و دشواری نباشد... ارادتمند. جی. دبلیو. وال»

سر ریدر بولارد وزیر مختار انگلیس وقایع آذربایجان را به وزارت امور خارجه لندن چنین گزارش می‌کند:

دفتر وزارتی

از تهران به وزارت امور خارجه [لندن]

مهم

سر آر. بولارد

شماره: ۸۵۰

۱۴ اوت ۱۹۴۵

بازگشت به تلگرام شماره ۸۴۷

طبق تلگرامی که توسط کفیل سر کنسولگری تبریز رسیده است وقوع حادثه را بر طبق اعلامیه رسمی ایران تأیید می کند و ضمناً این نکته اساسی را نیز اضافه می کند. علت اغتشاش و شورش کوشش بود از جانب طرفداران مخفی حزب توده برای برپا کردن آشوب و اعمال نفوذ خود برای برانگیختن کشاورزان به بهانه خودداری از دادن سهم مالکانه غله.

۱- وادار کردن تعطیل اداره های دولتی و کارخانه ها و مغازه ها برای سوگواری کشته شدن افراد حزب توده. فرمانده نظامی ایران نگران اوضاع است و مقامات محلی به شدت از طرف مطبوعات توده ای مورد حمله قرار گرفته اند. در صورتیکه روسها به فرماندار نظامی اجازه دهند می توانند برای مقابله با بی نظمی خود را آماده نماید ولی... روسها با وجود مفاد پیمان سه جانبه و احترام به داشتن توانائی دولت ایران برای اداره امور داخلی خود شدیداً از عملیات و اقدامات دولت ایران جلوگیری به عمل می آورند. شهر آرام است ولی احساسات توده در اوج خود قرار دارد و طبقه بازرگان در حال ترس و نگرانی بسر می برند. آشوبگران تبلیغات ضد بریتانیائی می کنند چنانکه یکی از کارمندان رسمی کنسولگری گزارش داد که مورد تهدید قرار گرفته است. با در نظر گرفتن سوءاستفاده و ناسزاگوئیهای روزنامه های طرفدار شوروی که روش شوروی و توده را دنبال می کند فرو نشستن موج انقلاب نمی توانست نتیجه اقدامات دولت مرکزی باشد چون دولت هیچ کاری از دستش ساخته نبود و این عمل تعجب آور نیست.» هر قدمی که می خواست بردارد با مداخله و مخالفت مقامات شوروی مواجه می شد.

نمایندگان سیاسی کشورهای متحده امریکا در مسکو و واشنگتون نیز به نوبه خود اوضاع آذربایجان را با دقت کامل تعقیب کرده به دولت متبوع خود گزارش

می‌دادند که تعدادی از این اسناد را ذیلاً متذکر شویم.^۸

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۵ سپتامبر ۱۹۴۵

« ... ۶۹۳ - نخست‌وزیر صدر با قرائت گزارش وزیر کشور درباره حوادث شمال کشور دیروز مجلس را در جریان این حوادث گذاشت. وی اظهار داشت در بعضی از نقاط مقامات شوروی از عملیات نیروهای امنیتی ایران برای برقراری نظم جلوگیری به عمل آورده‌اند و وزیر امور خارجه درباره این موضوع یادداشتی به سفارت شوروی تسلیم نموده است، وی اضافه کرد با انتظار دریافت دستوراتی که از مسکو باید به مقامات شوروی برسد نتیجه‌ای عاید نشده است ضمناً تذکر داد که دولت ایران سیاست موازنه با شوروی را حفظ کرده برخلاف منافع شوروی به اقداماتی دست نزده است و علتی برای شکایت شوروی نمی‌بیند.

موری.»

تلگرام: ۱۴۴۵ - ۰۰/۹ - ۸۹۱

از کاردار در اتحاد شوروی (کنان) به وزیر امور خارجه

مسکو: ۱۴ سپتامبر ۱۹۴۵

« ۳۲۶۹ - مطبوعات شوروی در ۱۴ سپتامبر سه چهارم ستونهای روزنامه‌های خود را به چاپ اعلامیه حزب جدیدالتأسیس دموکراتیک «آذربایجان» اختصاص داده‌اند. مقدمه این اعلامیه چنین بیان می‌کند که نیروی دموکراتیک ویرگیهای طبقات مختلف و عشایر را که تشکیل‌دهنده جمعیت ایران هستند، با توجه به آداب و رسوم و زبان و غیره... به حساب آورده منظور دارد. در این صورت تشکیل فدراسیون تمرکز

8- Foreign Relations Of The United States.

Diplomatic Papers Vol VIII. The Near East And Africa.

U.S. government Printing Office Washington 1969

تضعیف نمی‌کند بلکه بالعکس به حقوق مردم و وابستگی آنها را به سرزمین مادری خود مستحکمتر می‌کند. در این اعلامیه متذکر شده است که اثری از دموکراسی در ایران باقی نمانده و با چنین رژیم مردم ایران هرگز نمی‌توانند در راه ترقی و پیشرفت گام بردارند. اعلامیه تأکید می‌کند آذربایجان ایران دارای چهارو نیم میلیون آذربایجانی است که از نظر آداب و عادات و رسوم و نیز به علت اختلاف زبانی متمایز هستند. در این صورت تقاضای خودمختاری داخلی در چهارچوب فرهنگ و سازمان سرزمین مادری عملی نیست که اصل مرکزیت را از بین ببرد و آن را نقض نماید. در نتیجه سوء سیاست، مرکز آذربایجان از حقوق خود محروم شده است. فرزندان آن، در سرزمین خود احساس آزادی نمی‌کنند. آنان حق آموزش در زبان مادری خود را ندارند. طبقه روشنفکر آذربایجان نمی‌تواند برای سعادت سرزمین خود تلاش کند. اعلامیه چنین ادامه می‌دهد تهران فرهنگ آذربایجان را زیر فشار می‌گذارد با این حال آذربایجانیها حاضر نیستند روابط خود را با ایران قطع نمایند. ما مطیع و شریک حقوقی که با عدالت توأم باشد هستیم، در مجلس در اداره امور مرکزی شرکت خواهیم کرد. ما به تدریس زبان فارسی توأم با زبان بومی به عنوان زبان رسمی علاقمند هستیم. اما حق اداره سرزمین خویش را بنا به رأی و عقاید مخصوص به خود محفوظ می‌داریم.

به شماره ۳۲۶۹ به وزارت امور خارجه، به شماره ۱۳۶ به بغداد [تهران] و به شماره ۴۵۱ به لندن و به شماره ۵۳ به آنکارا مخابره گردید. «کنان»

تلگرام: ۱۵۴۵ - ۹۱/۹ - ۷۶۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۵

« ۷۳۱ - ... در گفتگوی اخیر با نخست‌وزیر شوراسکف دخالت کرد و چنین پیشنهاد داد که چون ژاندارمها نمی‌توانند با مداخله مداوم شوروی مقابله نمایند تماماً از مناطق شمالی احضار گردند. صدر اظهار داشت دولت ایران نمی‌تواند در برابر چنین روشی سستی پیش گیرد... از این به بعد مراقبت خواهد شد که از وقوع چنین حوادثی اجتناب شود و ضمناً متذکر شد که امیدوار است از طریق مذاکره همه مسائل را حل

کند و انتظار کمک از جانب کشورهای متحده را دارد. موری.»

تلگرام: ۱۸۴۵ - ۹۱/۹ - ۷۶۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۱۸ سپتامبر ۱۹۴۵

«پیرو تلگرامهای ۶۲۶ به تاریخ ۱۹ اوت، شماره ۶۶۹ به تاریخ ۲۴ اوت، ۶۷۰ به تاریخ ۱۳۰ اوت، ۶۷۹ به تاریخ ۳۰ اوت، ۶۹۳ به تاریخ اول سپتامبر، ۷۰۱ به تاریخ ۵ سپتامبر، ۷۲۵ به تاریخ ۷ سپتامبر، ۱۳ سپتامبر، به شماره ۷۳۱ به تاریخ ۱۵ سپتامبر. وزیر امور خارجه ایران، سپهبدی، در مذاکره خود با من در روز ۱۵ سپتامبر به خطرناک بودن نظر شوروی اشاره کرد و سپس به حوادث بی‌شماری که در استانهای شمالی می‌گذرد پرداخت. وی اظهار داشت تاکنون تعدادی یادداشت به سفارت شوروی ارسال داشته است ولی هیچ جواب و اطلاعی از آنها بدست نیاورده است. بنابراین به آهی سفیر ایران در مسکو دستور داده است به شورویها تذکر دهد که دولت ایران امیدوار است از مداخله در نقل و انتقال نیروهای امنیتی ایران منصرف شوند. تنها پاسخی که آهی دریافت کرده است اشاره به یادداشتی بود که چندی پیش (احیاناً در اواخر سال گذشته) از طرف شورویها تسلیم دولت ایران شده است و در آن تقاضای اعطای امتیاز نفت تجدید شده بود. سپهبدی اظهار داشت نظر شوروی همواره این بوده است که تا حل مسئله نفت نمی‌توان به طور کامل و قطعی به درخواستهای ایران ترتیب اثر داد یا آنکه اصولاً توجهی به آنها کرد... موری.»

حزب توده در مدت چهار سالی که از عمر آن می‌گذشت در تهران و اغلب شهرستانهای کشور تشکیلات وسیعی داده توانسته بود نه نفر نماینده به مجلس چهاردهم بفرستد. در اینجا لازم می‌آید از تشکیل و پیشرفت حزب توده برای روشن شدن اذهان تاریخچه مختصری ذکر شود:^۱

بدون تردید زیان‌بخش‌ترین واقعه اجتماعی داخلی میهن ما پس از ورود ارتشهای

بیگانه به خاک ایران که تأثیر زیادی در سیر جریان حوادث سیاسی ایران نموده و زیانهای عظیمی به مبانی اجتماعی این کشور وارد آورده است تشکیل و توسعه یک سازمان کمونیستی به نام حزب توده می‌باشد. هسته مؤسس توده عبارت از دسته پنجاه و سه نفر بود که اعضا آن قبلاً با تمام تشکیل و اداره جمعیتی با مرام و رویه اشتراکی محاکمه و محکوم گردیده و سپس در اثر وقایع شهریور ۱۳۲۰ مشمول عفو عمومی شده عناصری که سابقه فعالیت کمونیستی داشتند در تأسیس حزب توده شرکت نمودند.

تأسیس حزب توده در مهرماه ۱۳۲۰ صورت گرفت و تشکیلات آن از گروه‌های کوچک بحث و مطالعه تئوریه‌های مارکسیستی شروع گردید و در بهمن ۱۳۲۰ روزنامه مردم که در آن هنگام بیشتر مطالب و صفحات خود را به مبارزه ضد فاشیستی اختصاص داده بود انتشار یافت. نخستین تظاهر حزب توده برپا کردن مراسم یادبود دومین سال وفات دکتر تقی ارانی در ۱۴ بهمن ۱۳۲۰ بود. اوایل سال ۱۳۲۱ روزنامه «سیاست» ارگان مرکزی حزب توده انتشار یافت. حزب توده با استفاده از محیط مساعد به پخش و تبلیغ اصول و مرام خود یعنی به انتشار کمونیسم در ایران پرداخت. روشنفکران و کارگران بیش از همه طبقات در معرض شکار سازمانهای حزب توده بودند. نخستین اثر تبلیغات حزب توده به تدریج شروع به تظاهر نمود. کارگران در کارخانه‌ها از اطاعت نظم و انضباط سرباز زده به فحاشی و اعتصاب آغاز کردند. عبارات روزنامه‌های حزب توده درباره مبارزه با «ارتجاع» و تضاد طبقات «حاکم و محکوم» و «مردم زحمتکش» و لزوم عدم تجدید «حکومت دیکتاتوری» و «مبارزه علیه امپریالیسم بین‌الملل و تبعیت از سوسیالیسم و دموکراسی جهانی» مرتباً از ماشین تبلیغات حزب توده بیرون داده می‌شد.

قبل از اینکه نشان دهیم پیشرفتهای سازمانی و تبلیغاتی حزب توده به کجا کشیده شد و چه حوادثی به دنبال آن رخ داد لازم است به طور مختصر علل ترقی سریع این حزب را ذکر کنیم:

۱- حزب توده از لحاظ سیاست خارجی دارای پشتیبان نیرومندی بود که ارتش آن تمام ایالات شمالی ایران را زیر تسلط خود داشت و در پایتخت کشور نیز نفوذ کرده بود و آن دولت اتحاد جماهیر شوروی بود. این دولت که برای بسط و توسعه نفوذ کمونیسم در جهان خواهان انقلاب جهانی بود بلافاصله پس از ورود ارتش خود به ایران

با کمال جدیت به چیدن مقدمه اجرای انقلاب کمونیستی در این کشور مشغول گردید. واضح است این سیاست انقلابی که می‌بایست به دست افراد ایرانی اجرا شود احتیاج به تشکیلات داشت و لازم بود مانند سایر کشورهای جهان یک ستون پنجم داخلی مجهز سازمان داده شود و از همه لحاظ مورد تقویت قرار گیرد. این تشکیلات چیزی جز حزب توده که تمام هسته‌های سابق فعالین کمونیست را در خود مجتمع کرده نمی‌توانست باشد.

۲- نظر به اینکه به طور کلی همه دولتهای متفق منجمله انگلستان در ایران احتیاج به تبلیغات شدید ضد آلمان هیتلری که دشمن مشترک همه آنان بود، داشتند و حزب توده نیز در ابتدا تمام فشار تبلیغاتی خود را برای کوبیدن تئوریهای فاشیستی و فاش کردن جنایات آلمان هیتلری به کار می‌برد این موضوع باعث شد که نه تنها سیاست انگلستان در ابتدا روی مخالفت با آن نشان نداد بلکه برای استفاده از تبلیغات شدید ضد هیتلری که صفحات روزنامه و مطالب سخنرانیهای هفتگی حزب توده را پر کرده بود، تا اندازه‌ای از آن پشتیبانی به عمل آورد. این حقیقت که شرکت سابق نفت انگلیس و عوامل آن به روزنامه «مردم» کمکهای مالی و فکری می‌کردند و عده‌ای از رهبران حزب توده را در سازمان شرکت نفت استخدام می‌کردند و بطور کلی روابط حزب توده با عناصر طرفدار سیاست انگلستان دوستانه بود بر صدق این مدعا گواهی می‌دهد: البته باید دانست که این جریان موقتی بود و هر قدر در سیاست جهانی اختلاف بین دو دولت شوروی و انگلستان زیاده‌تر می‌شد روابط حزب توده نیز با عوامل سیاست انگلستان سردتر می‌گردید تا بالاخره منجر به تصادم و خصومت شدید گردید.

۳- مردم ایران و مخصوصاً روشنفکران آن در سیاست آزموده نبودند و اصولاً احزاب و مرام‌های گوناگون را نمی‌شناختند و به جریان مبارزات فکری و ایدئولوژیک در جهان سیاست وارد نبودند و به همین جهت وقتی حزب توده با تئوری و تشکیلات مجهز شروع به کار نمود توانست مردم ساده و ناآزموده را که تشنه اصلاحات اجتماعی بودند ولی دارای اطلاعات و تجربه کافی نبودند با برنامه فریبنده گول بزند و به صفوف خود وارد سازد.

۴- مشکلات توان‌فرسای اقتصادی که در اثر ورود فوای ارتشهای بیگانه رخ داده و وضع زندگی کلیه طبقات مخصوصاً پائین را سخت مغشوش کرده بود دستاویز مهمی

جهت تبلیغات حزب توده فراهم آورد. حزب توده وعده می‌داد که اگر طبقات زحمتکش ایران از خط مشی سیاسی و دستورالعمل‌های آن حزب پیروی کنند راه بهشت را برای آنان خواهد گشود تبلیغ ماهرانه با عبارات طلائی نمی‌تواند در ذهن افراد ساده‌ای که دچار فقر هستند تأثیر نداشته باشد مخصوصاً که آنان هنوز از حزب توده جز جملات زیبا و وعده‌های شیرین چیزی نمی‌دانستند.

۵- ضربت سختی که در اثر حوادث شهریور ۱۳۲۰ بر پیکر جامعه ایران خورده بود یک بحران عمیق فکری و روحی در مردم تولید کرد... حزب توده از این بحران روحی منتهای استفاده را به عمل آورد.

۶- مسلماً وجود عده‌ای از افراد عقب‌مانده و مانع اصلاحات اجتماعی که آن هنگام در دستگاه حاکمه ایران و خصوصاً در مجلس شورای ملی و بین صاحبان زمینی و کارخانه‌داران بزرگ تأثیر و نفوذ داشتند و با هرگونه تجدد و پیشرفت مخالفت می‌نمودند در ایجاد زمینه برای تبلیغات حزب توده بدون تأثیر نبود...

۷- حزب توده با وجود ماهیت کمونیستی خود در ابتدای امر مرام و روش واقعی خود را مخفی می‌نمود... از این نظر کارگردانان اصلی حزب چنین صلاح دیدند که ریاست حزب را به عهده شخصیتی مانند سلیمان محسن اسکندری که لیدر حزب دموکرات در دورانهای گذشته بود و فردی مذهبی و معتقد به قانون اساسی ایران بود، واگذار نمایند. همچنین در مرامنامه رسمی حزب پشتیبانی خود را از قانون اساسی ایران اعلام دارند و برنامه اصلاحات اجتماعی حزب را نیز به نحو تعدیل یافته‌ای که بکلی از هدف واقعی آنان متمایز بود تدوین نمایند. این تاکتیک حزب توده در عده زیادی مؤثر افتاد و چه بسیار افراد با ایمان و معتقد بمبانی مذهبی و اصول قانون اساسی که فریب حزب را خوردند و وارد تشکیلات این حزب شدند.

حزب توده با استفاده از این عوامل مساعد مرتباً تشکیلات خود را توسعه می‌داد «اتحادیه کارگران» و «تشکیلات زنان» و سپس «سازمان جوانان حزب» تشکیل گردید و هر کدام از این سازمانها برای خود ارگانهای مطبوعاتی به وجود آوردند... روزنامه «رهبر» ارگان حزب توده با تیراژ وسیع انتشار یافت. مطبوعات و کتب مربوط به تبلیغ کمونیسم روزبه روز بیشتر شد. حزب مخصوصاً در ایالات و شهرستانهای شمالی ایران که ارتش سرخ در آن اقامت داشت پیشرفت و توسعه زیادی پیدا کرد.

تشکیلات حزب مورد پشتیبانی ارتش بیگانه بود و مقامات انتظامی ایران در ایالات و شهرستانهای مزبور امکان برقراری نظم و انضباط و تنبیه عناصر مخرب را نداشتند.

هرقدر نفوذ و قدرت حزب در صحنه اجتماع ایران بیشتر می‌شد عملیاتش گستاخانه‌تر و شدیدتر می‌گردید. در اسفند ۱۳۲۲ مجلس چهاردهم رسمیت یافت. در این مجلس هشت نفر از نمایندگان حزب توده توانستند کرسیهای نمایندگان را اشغال کنند... راه پیدا کردن حزب توده به مجلس شورای ملی مخصوصاً از چند جهت برای آن حزب موفقیت آمیز بود:

۱- حزب توده تربیون مجلس را به عنوان وسیله‌ای جهت تبلیغ نظریات و مرام و رویه خود مورد استفاده قرار داد. نمایندگان حزب توده ساعتها وقت مجلس را می‌گرفتند و با ایراد سخنرانیهای عوامفریبانه مردم زیادی را در تهران و شهرستانها به صفوف خود جلب می‌کردند.

۲- حزب فراکسیون پارلمانی خود را به عنوان وسیله مؤثری برای تضعیف دولت و مقامات انتظامی و قدرتهای قانونی کشور مورد استفاده قرار می‌داد. نمایندگان حزب توده با دولتهائی که تشکیل می‌شد ابراز مخالفت و محیط پارلمان را متشنج می‌کردند...

۳- حزب توده وجود فراکسیون پارلمانی خود را در مجلس در نزد مردم به عنوان دلیلی جهت قانونی بودن مرام و رویه خود مورد استفاده قرار می‌داد و به اعضا خود دل و جرات می‌داد هرکاری بکنند با استفاده از نفوذ فراکسیون توده می‌توان آن را تیرنه نمود. حزب توده با استفاده از موقعیتی که پس از راه پیدا کردن در پارلمان به دست آورد به توسعه تشکیلات خود همت گماشت نخستین کنگره حزب در تابستان ۱۳۲۳ در تهران تشکیل شد و سازمان حزب را در تهران و شهرستانها بر پایه تشکل و مرکزیت بیشتر تقویت کرد. با تشکیل کمیته مرکزی و کمیسیون تفتیش جدید و ایجاد کمیسیونهای مختلف تشکیلاتی و تبلیغاتی و اطلاعاتی شبکه حزب با دقت و مهارت بیشتر به جلب افراد جدید از طبقات مختلف کشور همت گماشت. سخنرانیهای هفتگی حزب که در آن غالباً نمایندگان پارلمانی حزب سخنرانی می‌کردند عده زیادی از مردم را به سوی خود جلب نمود و به وسیله‌ای برای تهدید دولت و پیش بردن نظریات حزبی تبدیل گردید.

ولی حزب توده نمی‌توانست برای همیشه به تبلیغات و وعده‌های عوام‌فریبانه قناعت کند بلکه مجبور بود بالاخره مقاصد باطنی خود را ظاهر و آشکار نماید.

در پائیز ۱۳۲۳ نخستین فرصت جدی برای ملت ایران پیدا شد که ماهیت واقعی حزب توده را بشناسد. این فرصت عبارت بود از آزمایش روی حزب در جریان تقاضای دولت اتحاد شوروی از ایران راجع به واگذاری امتیاز نفت شمال بدان دولت (که جزئیات جریان آن در جلد اول این کتاب به تفصیل ذکر شده است).....

مردم ایران مخصوصاً با ملاحظه دو حقیقت روشن و آشکار زیر این نکته مهم را درک نمودند که حزب توده و رهبران آن اراده‌ای از خود ندارند و خود را مجبور می‌دانند که تمام نظریات بیگانگان را بپذیرند:

۱- حزب توده فقط چند هفته پیش از تقاضای امتیاز نفت توسط یکی از نمایندگان خود به طور رسمی در مجلس شورای ملی اعلام داشته بود که حزب توده با دادن هرگونه امتیاز به هر دولت خارجی شدیداً مخالف است و آن را برخلاف منافع آزادی و استقلال ایران می‌داند ولی به مجرد اینکه تقاضای نفت از طرف کافتارادزه مطرح شد حزب فوراً به مدافع سرسخت امتیاز نفت تبدیل شد.

۲- در پنجم آبان ۱۳۲۳ حزب نخستین تظاهرات خود را در تهران برای پشتیبانی از امتیاز نفت شمال برپا نمود و مقامات ارتش سرخ در تهران کامیونهای سرباز خود را به حمایت از تظاهرکنندگان در خیابانهای تهران به حرکت درآورد.

حزب توده از شکست معنوی سختی که پس از رد درخواست دولت استالین برای گرفتن امتیاز نفت شمال ایران متحمل شد سخت عصبانی و ناراحت شده بود. در اردیبهشت ماه ۱۳۲۴ جنگ با آلمان و در شهریور ۱۳۲۴ جنگ با ژاپن به پایان رسید و طبق موافقتنامه رسمی که دولتین انگلیس و شوروی با دولت ایران منعقد ساخته بودند می‌بایستی نیروهای خارجی شش ماه پس از خاتمه جنگ یعنی در اسفند ۱۳۲۴ خاک ایران را ترک نمایند. از نظر حزب توده اگر تا آن موقع با استفاده از اقامت ارتش سرخ در ایران انقلاب مهمی انجام نمی‌گرفت دیگر کار از کار گذشته بود. سیاست استالین برای ایجاد یک پایگاه انقلابی مصنوعی در ایران دست و پا می‌کرد و همه نیروی تبلیغاتی و تشکیلاتی حزب در این راه به کار افتاد. نطقهای نمایندگان توده‌ای در مجلس شدیدتر

و آتشین‌تر شد. تحریکات در سراسر کشور رو به فزونی گرفت. گیلان و مازندران و اصفهان و خوزستان غرق در آتش شد و همه‌جا فریادهائی بر علیه مقامات قانونی کشور به گوش می‌رسید. در بسیاری از موارد کار به تصادم مسلحانه عمال حزب با نیروهای انتظامی منجر گردید. در تهران تحریکات به اندازه‌ای شدید بود که دولت و فرمانداری نظامی باشگاه مرکزی حزب را اشغال و توقیف نمودند و از انتشار جراید توده‌ای جلوگیری کردند این روزنامه‌ها از حملات عادی دست برداشته علناً مردم ایران را به گرفتن اسلحه و سرنگون کردن دولت قانونی ایران تشویق و تحریک می‌کردند. قتل فجیع حاجی احتشام در لیقوان آذربایجان به دست عمال حزب توده نشان داد که عمال این حزب تا چه اندازه در عملیات خود بی‌پروا شده‌اند.

در برابر اقدامات و فعالیت‌های حزب توده مخالفین نیز بیکار ننشسته و به وسایل مختلف در مبارزه با عملیات آن کوشش می‌کردند به این قرار ^{۱۰}:

«عناصر مخالف در ایران متعدد بود و در میان آنها خود دولت محسوب می‌شد. این نکته مسلم است که بار مسئولیت حفظ امنیت و آرامش و جمع‌آوری مالیات‌ها و تهیه خواربار و سایر مایحتاج مردم در مواقع بحران و کمبود تنها به دوش دولت بود و لذا این دولت و نمایندگان دولت در شهرستانها بودند که موظف بودند با مسائل و معضلات ناشی از اشکال تراشی‌های شوروی در کشور روبرو شوند و با هرج و مرج و اختلال و نظم و آرامش که ناشی از فعالیت‌های خشونت‌آمیز حزب توده بود مبارزه کنند. اگر توجه کنیم که تا قبل از مراجعت سیدضیاءالدین به ایران در پائیز سال ۱۹۴۳ هیچ دسته و فرقه و جنبش سیاسی متشکل که بتواند از لحاظ اصول و تئوری با کمونیزم مبارزه کند در کشور وجود نداشت بیشتر به اهمیت مسئولیت دولت پی می‌بریم. آن احزاب کوچک سیاسی که قبل از ورود سیدضیاءالدین تشکیل شده بودند با حزب توده که جمعیتی متراکم و متشکل و کاملاً واقف به نیت و هدفهای خویش بود ابداً نمی‌توانست قابل مقایسه باشد. فقدان احزاب سیاسی متشکل مخالف کمونیستها مخصوصاً طی انتخابات پارلمانی پائیز سال ۱۹۴۴ کاملاً مشهود گشت.

۱۰- رقابت روسیه و غرب در ایران. تألیف جورج لنزوسکی. ترجمه اسماعیل رائین.

مخالفت دولت با نفوذ شوروی از طرق مختلف عملی و نمودار می‌شد. البته مهمترین وسیله مؤثر مداخله مستقیم ارتش یا پلیس بر ضد حزب توده در تهران و نواحی جنوب کشور دولت عموماً در استناده از قوای ارتش و پلیس بر ضد حزب توده و تظاهرات آنها آزاد و موفق بود ولیکن در شمال از یک چنین آزادی و توفیق بهره‌مند نگردید زیرا در منطقه شوروی حزب توده مستقیماً توسط قوای شوروی حمایت می‌شد و پلیس چندان اختیار و قدرت نداشت.

یک اسلحه دولت برای مبارزه توقیف روزنامه‌ها بود ولیکن توسل به این وسیله غالباً مشکلاتی در برداشت که مهمترین آنها مداخلات سفارت شوروی بود. سفارت شوروی در تمام طول مدت جنگ پیوسته در امور مطبوعات ایران مداخله می‌کرد و پی در پی دولت را مجبور می‌کرد که روزنامه‌های مخالف کمونیسم را توقیف نماید و از این رو دولت با وجود دوستی و اشتراک منافع با ملیون ناگزیر بود که بسیاری از روزنامه‌های وابسته به حزب سیدضیاءالدین را توقیف کند. اقدامات پلیس نیز برای مبارزه با کمونیسم کافی نبود و پیدا بود که با یک مبحث فکری و علمی و یا یک جمعیت متشکل سیاسی فقط با یک ایدئولوژی فکری و علمی دیگر، و یک جمعیت متشکل نماینده آن مرام و ایده می‌توان مبارزه کرد و موفق شد. جبهه مخالف دائمی کمونیسم از چندین محل و قوه کمک می‌گرفت که ما برای اینکه رعایت سلسله مراتب را کرده باشیم اول دربار را نام می‌بریم.

دربار ایران نه تنها در کشور اعمال نفوذ سیاسی می‌کرد بلکه اساساً عنوان یک مظهر را در میان ملت دارا می‌باشد.

شاه ایران در تعقیب سیاستی که برای ازدیاد حیثیت و اعتبارش تنظیم شده بود طی جنگ سه مسافرت کرد که حائزاهمیت بود مرتبه اول در سال ۱۹۴۳ به اصفهان رفت این مسافرت که همان زمان جنگ صورت گرفت در موقعی انجام شد که اوضاع اصفهان در اثر تبلیغات و تحریکات کمونیستها در میان کارگران کارخانجات پارچه‌بافی آن شهر سخت وخیم شده بودو البته در تضعیف نفوذ حزب توده در میان کارگران بی‌اثر نبود. مرتبه دوم در پائیز همان سال شاه به مشهد مسافرت کرد. طبق قرارداد ۱۹۴۱ انگلیس و شوروی، قرار بود که مشهد منطقه بی‌طرف باشد ولی در عمل شورویها به این قرار واقعی نگذاشتند و واحدهای ارتش سرخ آن شهر را نیز اشغال کرده

بودند و در آن زمان خراسان مواجه با همان گرفتاری و مشکلات ناشی از ورود قوای شوروی بود که سایر استانها و شهرستانهای شمالی بودند و از این رو مسافرت شاه به آن منطقه ممنوع اقدام جسورانه‌ای محسوب می‌شد. مسافرت شاه به مشهد مسلماً برای مقامات شوروی که پیوسته سعی می‌کردند از مقام و منزلت و محبوبیت اصول و مبادی قدیمی و تاریخی ایران در نزد مردم بکاهند چندان خوش آیند نبود ولی در عین حال نمی‌توانستند از این مسافرت جلوگیری کنند خصوصاً با در نظر گرفتن اینکه مشهد یک شهر زیارتی بود. تبلیغات شوروی سعی می‌کرد که خط مشی آن دولت از لحاظ آزادی و ترویج مذهب را در آن کشور میان ایرانیان حسن‌اثر بخشد و بالاخره مرتبه سوم شاه در تابستان سال ۱۹۴۴ به شیراز مسافرت کرد که در ضمن از اصفهان هم دیدن نمود و اتفاقاً یک مرتبه هم اصفهان در اثر تحریکات حزب توده دستخوش هرج و مرج و بی‌نظمی شده بود.

... تا آن موقع مطبوعات چندان به اهمیت نقش دربار و ایجاد ارتباط بین افکار عامه و آن پی نبرده بودند مثلاً در حالی که دهها روزنامه و مجله از شوروی و انگلیس حمایت می‌کرد تنها یک روزنامه بود که می‌توان آن را بلندگوی دربار توصیف کرد و آن هم روزنامه کیهان بود... چنانکه یکی از روزنامه‌های ضد کمونیست ۱۹۴۴ در مقاله‌ای از اطرافیان و رجال دست اندرکار انتقاد نمود که چرا اطلاعات صحیح و گزارش‌های واقعی را به عرض نمی‌رسانند. یک مرکز نیرومند ضد کمونیسم ارتش بود که نسبت به مقام سلطنت وفاداری نشان می‌داد... ستاد ارتش علیرغم شکست خود هنگام مقابله با هجوم انگلیس و شوروی به ایران در سال ۱۹۴۱ باز به هیچ وجه حاضر نبود که از قوای خود بکاهد و برعکس هر سال مرتباً از دانشکده افسری افسر بیرون می‌داد. بطور کلی ارتش ایران یک واحد متشکل و بهم پیوسته‌ای بود که می‌توانست از کمونیسم جلوگیری نماید. البته از نظر کمونیستها بهترین سیاست در مورد ارتش این بود که از اختلافات طبقاتی در شئون مختلف نظامی استفاده شود ولی کوششهایی که حزب توده در این راه به خرج داد قرین توفیق نشد و برعکس اقدامات و مساعی مستقیم جاسوسان و عمال شوروی در راه جلب نظر و حمایت بعضی عناصر ارتشی در مناطق اشغالی شمال به طرف خود نتایجی به بار آورد و سبب شد که در خراسان چندتن از افسران جوان لشکر در تابستان سال ۱۹۴۵ چند کامیون و تعدادی اسلحه و مهمات

تصرف کنند و به اتفاق دوهزار نفر افراد جنگی و مسلح ایل ترکمن یموت شورش برپا سازند... ولیکن سرانجام نتوانستند کاری از پیش ببرند و در تاریخ ۲۱ اوت هنگامی که می‌خواستند گنبد قابوس و مرکز ژاندارمری را تصرف نمایند شکست خوردند و از بین رفتند. این پیروزی باعث توقف شورش‌های مورد نظر دیگر شد. عکس‌العمل ارتش بسیار سریع و درخشان بود. چه افسران و واحدهای نظامی سراسر کشور با ارسال تلگرام‌ها و نامه‌ها تنفر خود را از چنین وقایعی اظهار و یکبار دیگر سوگند وفاداری نسبت به میهن یاد نمودند.

یک عنصر سرسخت دیگر که بر ضد کمونیستها مخالفت و مقاومت می‌کرد جامعه روحانی بود... دولت هم کم و بیش با روحانیون همراهی می‌کرد و ما در اینجا می‌توانیم از چند اقدام رسمی دولت که در این زمینه صورت گرفت به عنوان مثال یادآور شویم:

یکی اینکه در سال ۱۹۴۳ محسن صدر سیاستمدار سالخورده و روحانی سابق در کابینه سهیلی به وزارت دادگستری منصوب شد و از آن پس در کابینه‌های زمان جنگ نقش مؤثری بازی کرد.

دوم اینکه در دسامبر همان سال به دستور دولت یک شورای ده نفری برای مطالعات مذهبی تشکیل گردید. روحانیون در خلال ساعی خود در میان مردم با کمونیستها نیز شدیداً مبارزه می‌کردند... بعضی اوقات حزب توده علناً به روحانیون حمله می‌کرد و در بعضی موارد دیگر سعی داشت از راه دوستی و اعلام رویه تشبیت به مذهب خود را به روحانیون نزدیک کند... روحانیون شیعه اولین کسانی بودند که به نقشه‌ها و تاکتیک‌های شوروی و کمونیستها پی بردند و به مبارزه و مخالفت آشتی‌ناپذیر خود با نفوذ کمونیستها ادامه دادند. آیت‌الله قمی هنگامی که از نجف و کربلا به تهران وارد شد صریحاً خاطرنشان کرد که با حزب توده موافق نیست چون فعالیت‌های حزب مخالف دین اسلام است. روزنامه‌های ملی و بخصوص جراید وابسته به حزب سیدضیاءالدین هم اغلب درباره جنبه ضد دینی حزب توده با آن حزب جر و بحث می‌کردند

... چنانکه گذشت برای مقابله مؤثر با تبلیغات کمونیستی در ایران وجود یک حزب سیاسی ضد درصدها ضد کمونیست مورد احتیاج بود. از سال ۱۹۴۱ الی سال

۱۹۴۳ یک‌چنین حزبی وجود نداشت ولیکن در سال ۱۹۴۳ این شکاف پر شد به این ترتیب که در ماه سپتامبر آن سال سیدضیاءالدین نخست‌وزیر اسبق از تبعید مراجعت کرد و مشغول جمع‌آوری عناصر ضد کمونیست شد.

با ورود سیدضیاءالدین حزب سیاسی جدیدی به نام حزب «وطن» تأسیس گردید که ارگان آن ابتدا روزنامه «کاروان» و سپس «رعد امروز» بود. در پائیز سال ۱۹۴۳ سیدضیاءالدین در انتخابات پارلمانی به عنوان کاندیدا شرکت کرد و به نمایندگی مجلس انتخاب شد.

... پس از یک‌سال و اندی حزب وطن تغییر اسم داد و به نام «حزب اراده ملی» موسوم گشت که در ماه ژانویه سال ۱۹۴۵ به عنوان یک حزب جدید مجدداً تأسیس و افتتاح گردید.

سازمان حزب اراده ملی طوری بود که با تشکیلات هیچیک از احزاب سیاسی کوچک و بی‌اهمیت ایران تطبیق نمی‌کرد و از این لحاظ شاید فقط با سازمان حزب توده شباهت داشت واحدهای اصلی این حزب «حلقه»‌هایی بودند که هر کدام مرکب از نه عضو و یک نفر رئیس که او را سرحلقه می‌خواندند. هر نه حلقه یک دسته که آن را «رابط» می‌خواندند تشکیل می‌داد و این دسته‌ها هر کدام به نوبه خود رئیس جداگانهای داشتند که او را سردسته می‌گفتند. انتخاب و انتصاب رؤسای دسته‌ها توسط منشی کل حزب صورت می‌گرفت و این رؤسا در کلیه شهرهایی که حزب اراده ملی شعبه داشت موظف بودند که همراه کنفرانسی تشکیل دهند. این قبیل کنفرانسها را «مجلس کوچک» می‌خواندند. در ماه مارس ۱۹۴۵ نخستین کنگره حزب که به نام «مجلس بزرگ» خوانده می‌شد، در تهران تشکیل گردید و روی هم رفته هشتاد و یک نفر نماینده در آن شرکت داشتند. برنامه حزب اراده ملی آنچه را که از خصوصیات یک حزب آزادیخواه اصلاح‌طلب محسوب می‌شود مانند آزادی و مساوات برای کلیه ایرانیان و بالا بردن سطح زندگی مردم، اصلاحات ارضی و منجمله تقسیم املاک دولتی در بین کشاورزان و تجدیدنظر در طریقه تقسیم محصول و اصلاح اوضاع کشاورزی و آبیاری کشور و توسعه صنایع و بهره‌برداری از منابع طبیعی کشور و اصلاح دستگاه مالی و اصلاح ارتش و غیره را دربرداشت.

قطع نظر از این نکات برنامه حزب اراده ملی نکات دیگری را متضمن بود که از

سیاست غیرعادی حزب حکایت می‌کرد آن نکات عبارت بود از: دفاع بیشتر از استقلال اقتصادی و سیاسی ایران، رفتار دوستانه با عشایر، دفاع از دین اسلام، اضافه کردن تعلیمات دینی به برنامه مدارس و تعقیب یک سیاست خارجی مبتنی بر اصل بیطرفی دائمی، نظیر سیاست خارجی کشور سوئیس.

سیدضیاءالدین هیچگاه احساسات ضد کمونیستی خود را پنهان نمی‌کرد و جراید ارگان و وابسته به حزب او پیوسته مبارزه سخت و خستگی‌ناپذیر خود را علیه حزب توده ادامه می‌دادند و آن حزب را متهم به خیانت و فعالیت‌های مخرب و تبلیغات ضد دینی، خشونت، خرابکاری و دورویی و غیره می‌نمودند.

... این نکته را باید خاطرنشان ساخت که تا موقع بحران نفت سال ۱۹۴۴ روزنامه‌های سیدضیاء با نهایت دقت از حمله مستقیم به اتحاد شوروی اجتناب می‌کردند ولی ازدیاد فشار شوروی به ایران در پائیز سال ۱۹۴۴ باعث شد که سیدضیاء دست از احتیاط محافظه کارانه بردارد و علناً به حمله بپردازد و از آن پس روزنامه رعد امروز و سایر جراید وابسته به حزب اراده ملی مقالات و گزارش‌های صریح‌اللحنی درباره اوضاع منطقه اشغالی شوروی چاپ می‌کردند و علیه اخراج و تبعید و قتل ایرانیان در شمال شدیداً اعتراض می‌نمودند و طبعاً سیاست شوروی در تهران نیز از حملات و تعرضات جراید وابسته به حزب اراده ملی بی‌نصیب نماند.

... در نیمه اول سال ۱۹۴۵ مبارزه دار و دسته سیدضیاءالدین با حزب توده به منتهای شدت و حدت خود رسید. خاتمه جنگ اسلحه جدیدی در دست رهبر ملیون داد که عبارت بود از تقاضای تخلیه فوری ایران از قوای اجنبی. از این لحاظ هیچکس در برابر حزب اراده ملی عرض اندام نمی‌کرد و صدای آن وقتی برای تقاضای تخلیه ایران از قوای اجنبی بلند می‌شد عکس‌العمل مخالف نداشت زیرا جراید هواخواه شوروی همه سکوت محض اختیار کرده بودند... سیدضیاءالدین قدرت اصلی و عمده خود را از اتحاد و اتفاق با طبقه روحانیون و تجار و مالکین و ایلات کسب می‌کرد و همچنین از مجلس نیز غافل نبود و چون خودش وکیل بود مرتباً در میان و کلا فعالیت می‌کرد. به طوری که در بهار سال ۱۹۴۵ از کمک و حمایت سی و هشت نفر از وکلا برخوردار گردید...»

واقعه شورش عده‌ای از افسران در خراسان که با شکست و عدم موفقیت روبرو گردید و جبهه‌های مخالفی که یکی پس از دیگری قدم به عرصه مبارزه گذاشتند به خوبی

نشان داد که از نظر حزب ساعات قطعی فرا رسیده است ولی سیاست استالینی از روی تجربه‌های گذشته روز به روز بیشتر درک می‌کرد که سازمان حزب توده دیگر نمی‌تواند کاری را با موفقیت انجام دهد از این جهت به فکر تشکیل فرقه جدیدی به نام دموکرات آذربایجان افتاد روز سوم شهریور ۱۳۲۴ سیدجعفر پیشه‌وری^{۱۱} مایوس از اینکه اعتبارنامه‌اش در مجلس چهاردهم رد و روزنامه‌اش توقیف شده بود پس از ترک تهران با مقدماتی که تهیه دیده بود به تبریز رسید و در دنبال مکاتباتی خصوصی که با میرزا علی شبستری داشت و سفری که بعد از شهریور متفقاً به خارج از کشور نموده بودند با همکاری صادق پادگان اساس سازمان فرقه‌ای را به نام «فرقه دموکرات» ریخت.

«من جرأت حرکت به طرف تبریز را داشتم اما اوضاع مرکز را چندان موافق و مسئولین مرکز را چندان مصمم نمی‌دیدم. زیرا من می‌دانستم در آذربایجان چه خبر است

۱۱- سیدجعفر پیشه‌وری فرزند سیدجواد از سادات خلخال و از کمونیستهای مؤمن و تعلیم یافته و دانشگاه‌دیده (کوتو) بود. وی دوران پرهیجان و طوفانی را در زندگی سیاسی خود طی کرده است. نامبرده در سال ۱۲۶۷ شمسی در آذربایجان ایران به دنیا آمد و در ۱۲۸۳ به باکو رفت و تا زمان انقلاب روسیه سال ۱۹۱۷ میلادی در آنجا بود و در بادکوبه در مدرسه اتحاد ایرانیان به شغل معلمی اشتغال داشت یکسال پس از انقلاب اکتبر در سال ۱۲۹۷ شمسی با ارتش سرخ به ایران بازگشت و بنام سیدجعفر بادکوبه‌ای معروف شد.

سید جعفر بادکوبه‌ای در سال ۱۲۹۹ شمسی وزیر کشور جمهوری گیلان «به سرکردگی میرزا کوچک‌خان» گردید و پس از سقوط جمهوری مزبور به روسیه رفت و در کمیترون به فعالیت پرداخت. مأموریت‌ها و دستورهای کمیترون او را به کشورهای خاورمیانه کشانید نامبرده در آن موقع اظهار می‌داشت جزء افرادی است که قربانی تصفیه شده مشارالیه پس از مدتی در سال ۱۳۱۵ شمسی در ایران ظاهر شد. دولت ایران دقیقاً مراقب بود و عملیات او را زیر نظر داشت و تا اینکه به کاشان تبعید شد لیکن در نتیجه عفو عمومی سال ۱۳۲۰ شمسی آزاد گردید. پیشه‌وری پس از آزادی به تهران آمد و به انتشار روزنامه آژیر پرداخت و در تأسیس حزب توده کمک کرد و در دوره چهاردهم خود را کاندیدای نمایندگی آذربایجان کرد ولی اعتبارنامه‌اش رد شد. در سال ۱۳۲۴ شمسی غائنه آذربایجان را به وجود آورد و در ۲۱ آذر ماه سال ۱۳۲۵ پس از نجات آذربایجان و سرنگون شدن حکومت نهضت با سران باغی و گردانندگان آن بساط به کشور روسیه فرار کرد.

(کمونیسم در ایران با تاریخ مختصر فعالیت کمونیستها در ایران. از اوایل مشروطیت تا

فروردین ماه ۱۳۴۲. تألیف: سرهنگ ستاد: علی زیبایی. صفحه: ۱۹۷)

و چه خبرهائی هم خواهد شد. من حتی از جلسه محرمانه و مخفی تهران هم خبر داشتم من می‌دانستم پیشه‌وری این مردی که اعتبارنامه‌اش از مجلس رد شده و روزنامه‌اش نیز توقیف شده بود به سوی تبریز به چه کار می‌رفت. من می‌دانستم که او قبل از حرکت جلسه محرمانه‌ای نیز با ماکزیموف و مظفر فیروز و آقای حسین لنکرانی نیز داشته است و حتی شنیده بودم که قوام‌السلطنه نیز از این جلسه محرمانه چندان بی‌اطلاع نبوده است و همچنین شنیده بودم که پیشه‌وری به هنگام حرکت به تبریز صدهزار تومان نیز از کسانی دریافت کرده است... به همین دلیل بود که من نیز مثل آن پنج تن رجال دیگر از قبول آن مسئولیت امتناع کردم.»^{۱۲}

پیشه‌وری در یادداشت‌های خود راجع به تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان این‌طور می‌نویسد:^{۱۳}

«در آن موقع در آذربایجان جز حزب توده تشکیلات سیاسی دیگری وجود نداشت. این سازمان در نتیجه مبارزه چندساله خود فرسوده و بدنام شده بود.»
جبهه آزادی که بر اثر زحمات من و شبستری به وجود آمده بود و عده‌ای از آزادی‌خواهان قدیمی و مشروطه‌چینها عضویت آن را داشتند با آنکه آلودگی نداشت معینا فاقد قدرت مبارزه بود.

پس از مذاکرات مفصلی که سه روز تمام بین من [پیشه‌وری] و شبستری و صادق پادگان ادامه یافت، بالاخره تصمیم گرفتیم فرقه دموکرات آذربایجان را ایجاد کنیم و قبل از همه صادق پادگان را مأمور کردم با رؤسای حزب توده و اتحادیه کارگران آذربایجان وارد مذاکره شود و مقدمات الحاق آنها را به این فرقه فراهم آورد.
روز دوازدهم شهریور بیانیه معروف فرقه را صادر کردیم. در این بیانیه دو ماده که یکی مربوط به زبان ترکی و دیگری مربوط به خودمختاری آذربایجان بود در بین فارس‌ها و طرفداران آنها اثر سونی کرد.

در بیانیه فرقه دموکرات آذربایجان مورخ ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ پیشه‌وری و

۱۲- مجله سپید و سیاه. صفحه ۴۷، شماره ۷۱۴. مورخ ۱۲ خرداد ۱۳۴۶. (مقالات

معتصم‌السلطنه فرخ).

۱۳- مرگ بود باز گشت هم بود. تألیف نجفقلی پسیان. صفحه ۲۱.

همفکران وی پس از ایراد مقدمه طولانی از خودمختاری ملت‌ها و عدم توجه اولیای دولت به آذربایجان خواسته خود را چنین شرح داده بودند که ترجمه از ترکی به فارسی آن چنین است:^{۱۴}

۱- با حفظ استقلال و تمامیت ایران باید به مردم آذربایجان آزادی داخلی و مختاریت مدنی داده شود تا امکان داشته باشند در راه فرهنگ خود و برای آبادی و ترقی آذربایجان با رعایت قوانین عادلانه مملکتی سرنوشت خود را تعیین نمایند.

۲- برای عملی نمودن همین منظور به زودی انجمن اهالی ایالت و ولایت انتخاب گردیده شروع به کار خواهد نمود. این انجمن‌ها درباره فرهنگ، بهداشت، اقتصاد فعالیت خواهند کرد و همچنین برابر قانون اساسی حق خواهند داشت کارهای مأمورین دولت را بازرسی نموده درباره تغییر و تبدیل آنان اظهارنظر نمایند.

۳- در مدارس ابتدائی آذربایجان تا کلاس سوم همه درسها تنها به زبان آذربایجانی تدریس خواهد شد. زبان فارسی فقط در کلاسهای بالاتر به نام زبان دولتی برابر با زبان آذربایجان تدریس خواهد شد. تشکیل دارالفنون ملی در آذربایجان یکی از مقاصد اساسی فرقه دموکرات آذربایجان می‌باشد.

۴- فرقه دموکرات آذربایجان درباره توسعه صنایع و کارخانه‌ها جداً اقدام خواهد کرد. سعی خواهد نمود که همزمان با تکمیل کارخانه‌های موجود وسایل از بین بردن بیکاری و ازدیاد صنایع دستی و ماشینی را فراهم آورده و کارخانه‌های جدیدی نیز تأسیس نماید.

۵- فرقه دموکرات آذربایجان توسعه تجارت را نیز یکی از مسائل جدی و لازم محسوب می‌دارد. بسته ماندن راههای تجارتی تا امروز باعث گردیده که اغلب کشاورزان و باغداران و خورده مالکین از هستی ساقط گردیده کارشان به گدائی بکشد. به منظور جلوگیری از این کار فرقه دموکرات آذربایجان در نظر دارد برای یافتن بازار و تأمین راههای ترانزیتی جهت کالاهای صادراتی آذربایجان اقدام جدی نماید تا بدین وسیله جلوی کاهش ثروت عمومی گرفته شود.

۶- یکی از مقاصد اساسی فرقه دموکرات توجه به عمران و آبادی شهرهای

آذربایجان است. برای رسیدن به این مقاصد سعی خواهد کرد در قانون تشکیل انجمن‌های شهری هرچه زودتر تغییرات لازم داده شود تا اهالی هر شهر امکان داشته باشند مستقلاً در آبادی شهر خود کوشش نموده وضع ظاهر شهر را به حال آبرومند و مدرنی تبدیل نمایند مخصوصاً یکی از مسائل خیلی فوری فرقه دموکرات تأمین آب مشروب شهر تبریز می‌باشد.

۷- مؤسسين فرقه دموکرات آذربایجان به خوبی متوجه‌اند که قدرت اقتصادی و قوه مولد ثروت مملکت بازوان توانای کشاورزان می‌باشد. بدیهی است فرقه نمی‌تواند جنبش دهقانان و کشاورزان را نادیده بگیرد. بنابراین فرقه سعی خواهد کرد در تأمین احتیاجات دهقانان قدمهای اساسی برداشته شود. مخصوصاً تعیین حدود معین و معلومی بین مالک و رعیت و جلوگیری از دریافت مالیاتهای غیرقانونی که بعضی از مالکین به میل خود اختراع و به دهقانان تحمیل نموده‌اند از وظایف فوری فرقه دموکرات می‌باشد. فرقه سعی خواهد کرد این مسئله به نحوی حل و فصل شود درعین حال که زارعین از آن راضی و خرسند باشند مالکین نیز به آینده خود اطمینان حاصل نموده جهت آبادی و مملکت خود با میل و رغبت سعی و کوشش نمایند. بنا به عقیده فرقه دموکرات آذربایجان اراضی خالصه و هم‌چنین اراضی و املاک کسانی که از آذربایجان فرار کرده‌اند و یا اربابهایی که محصول دسترنج مردم آذربایجان را در تهران یا شهرهای دیگر خرج می‌کنند اگر چنانکه هرچه زودتر به آذربایجان مراجعت نمایند باید بدون قید و شرط در اختیار دهقانان گذاشته شود. ما کسانی را که ثروت آذربایجان را در خارج صرف عیش و نوش خود می‌کنند آذربایجانی نمی‌دانیم. اگر چنانچه آنان از مراجعت به آذربایجان ابا و امتناع ورزند ما نیز برای آنان در آذربایجان حقی قائل نیستیم.

علاوه بر این فرقه سعی خواهد کرد به طرق سهل و ساده احتیاج دهقانان آذربایجان را از حیث زمین و ادوات کشاورزی تأمین نماید.

۸- از مهمترین وظایف فرقه دموکرات یکی هم مبارزه با بیکاری است. این خطر حالا نیز به صورت خیلی جدی نمایان است و در آینده این مسئله روز به روز شدیدتر خواهد شد... فعلاً ممکن است تدابیری مثل ایجاد کارخانه‌ها، توسعه تجارت، توسعه تشکیلات کشاورزی، ساختن راههای آهن و شوسه تا حدی مفید واقع شود.

۹- موقع نوشتن قانون انتخابات ظلم فاحش در حق آذربایجانیان شده. بنا به اطلاعات دقیق فعلاً در این سرزمین بیشتر از چهارمليون نفوس آذربایجانی زندگی می‌کنند. به موجب این قانون غیرعادلانه در مجلس شورای ملی جهت همه مردم آذربایجان فقط بیست کرسی جهت بیست و کیل اختصاص داده شده. فرقه دموکرات آذربایجان سعی خواهد کرد برای مردم آذربایجان حق انتخاب و کیل به نسبت نفوس آن به دست بیاورد. این نسبت تقریباً به اندازه یک سوم و کلای مجلس خواهد بود.

فرقه دموکرات آذربایجان طرفدار آزادی مطلق انتخابات می‌باشد. فرقه با مداخله مأمورین دولت و عناصر داخلی و خارجی و همچنین با تهدید و تطمیع پولدارها در کار انتخابات جداً مخالفت خواهد کرد. انتخابات در تمام ایران باید در آن واحد شروع گردیده و خیلی سریع پایان پذیرد.

۱۰- فرقه دموکرات آذربایجان با عناصر فاسد، مختلس، رشوه‌خوار که در ادارات دولتی رخنه نموده‌اند جداً مبارزه خواهد کرد و از افراد صالح و درستکار که در میان مأمورین دولت پیدا می‌شوند قدردانی خواهد کرد.

مخصوصاً فرقه جدیدت خواهد کرد شرایط زندگی و معاش مأمورین صالح را طوری اصلاح نماید که برای دزدی و خیانت دیگر بهانه‌ای در دست نداشته باشند و آنها بتوانند برای خود یک زندگی آبرومندی ترتیب دهند.

۱۱- فرقه دموکرات آذربایجان سعی خواهد کرد نصف بیشتر از درآمدهای وصولی آذربایجان جهت رفع نیازمندیهای خود آذربایجان مصرف شود و از میزان مالیات‌های غیرمستقیم نیز جداً کم گردد.

۱۲- فرقه دموکرات آذربایجان طرفدار دوستی با همه دولتهای دموکراسی جهان مخصوصاً متفقین می‌باشد و برای تثبیت این دوستی سعی خواهد کرد در مرکز و شهرهای دیگر ایران دست عناصر خائن را که جهت برهم زدن دوستی بین ایران و دول متفق دموکرات کار می‌کنند از هرگونه امور سیاسی، اجتماعی و دولتی کوتاه نماید.

آنها که از نزدیک شاهد جریان تشکیل فرقه دموکرات بودند و می‌دانستند در زیر کاسه چه نیم کاسه‌ای قرار گرفته به خود لرزیدند و کسانی که تنها از دور اخباری در این باره می‌شنیدند وقتی مواد اول و چهارم اعلامیه مزبور را که مربوط به محو بسیاری از افراد عادی و آزادیخواهان... با حرص و ولع اعلامیه مزبور را از نظر گذراندند. در اولین

نظر گمان می کردند این بار نیز مانند نهضت مشروطیت آذربایجان برای آزادی سایر استانها پیشقدم شده و این قیام ترقی خواهانه‌ایست، همچنین وقتی مواد اول و چهارم اعلامیه را خواندند دچار احساسات تازه عجیبی شدند. احزاب آزادیخواه و افراد مترقی بسیاری از شهرها تلگرافی به پیشه‌وری زدند و تقاضا کردند دو ماده مزبور حذف یا تعدیل شود ولی پیشه‌وری که اختیاری از خود نداشت و مقصود از نهضت مزبور نیز انجام همان دو منظور بود در بیانیه فرقه دموکرات تجدیدنظر نکرد.

مثلاً در رضائیه عده‌ای از سرشناسان شهر جلسهای تشکیل دادند و اعلامیه مزبور را مورد مطالعه قرار داده تلگراف زیر را به تبریز مخابره کردند:

«تبریز کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان چون چند ماده از مرامنامه فرقه لازم است اصلاح گردد متمنی است دو نفر نماینده اعزام دارید تا پس از مذاکرات و اصلاح در رضائیه فرقه نیز تشکیل شود.»

چند روز بعد دو نفر نماینده وارد رضائیه شدند و با سرشناسان شهر مذاکره کردند و چون نتوانستند افکار و عقاید خود را به معترضین به قبولانند به تبریز مراجعت کردند.

پیشه‌وری پس از این جریان تلگرافی به شرح زیر به رضائیه مخابره کرد:

«من احتیاجی به فرقه دموکرات مشروطه نخواهم داشت.»

به این ترتیب دست پیشه‌وری اولین بار از طرف عده‌ای از اهالی رضائیه رد شد ولی او از این دوماده ثقیل که مانند خندق گود و عمیقی تبریز را از تهران و آذربایجان را از ایران جدا می کرد، دست برنداشت.

عملیات فرقه دموکرات آذربایجان به سرعت پیش می رفت، وقت کم بود نیروهای خارجی از ایران می رفتند و لازم بود قبلاً حاصل عملیات خود را به صورت مشتی برای فشار بر دولت مرکزی درآورند.

بار دیگر قسمتی از عملیات مقدماتی تشکیل فرقه دموکرات را از یادداشتهای خود پیشه‌وری نقل می کنیم.

«روز بیست و دوم شهریور هیئت مؤسسان را تشکیل دادم در این کمیسیون به اکثریت آراء من به سمت صدر فرقه و شبستری به سمت معاونت انتخاب شدیم. بی‌ریا صدر شورای متحده در این روز وابستگی شورای متحده را به فرقه اعلام داشت هرچند او

از خود ما بود ولی رسمیت این عمل خیلی به نفع ما تمام شد. عصر این روز هم پادگان و قیامی در جلسه عمومی حزب توده از طرف فرقه دموکرات صحبت کردند و چون زمینه حاضر بود حزب توده نیز الحاق خود را با اعلام و تشکیلات مزبور منحل گردید:»^{۱۵}

فرقه دموکرات آذربایجان برای جلب افراد از یک رشته مسائل روانی استفاده کرد. رهبران فرقه می‌دانستند که رژیم ظالمانه ارباب رعیتی از دیرباز در ایران بر سر روستائیان سایه انداخته و موجب ایجاد عقده‌های روانی و حق و کینه نسبت به اربابان و فئودالها و مالکان بزرگ در میان دهقانان گردیده است. با توجه به این نکات تبلیغات گمراه کننده فرقه سازان بیشتر متوجه روستائیان ساده دل و زودباوری شده بود که در املاک وسیع فئودالها و مالکان عمده با محرومیت و فقر و تنگدستی به سر می‌بردند. با استفاده از این روش تبلیغاتی که محتوی آن وعده تأمین زندگی مرفه و تقسیم اراضی مزروع بین زارعین و از میان فقر و جهل و بیسوادی بود عده‌ای از روستائیان به فرقه دموکرات ملحق شدند و به دستور رهبران فرقه اسلحه برداشتند و به تمرین‌های جنگی و نظامی پرداختند. در این میان بسیاری از فئودالها و مالکان عمده نقدینه و اشیاء گرانبها و جان خود را از خطری که متوجه آنان بود رهانیدند و غالباً به پایتخت آمدند و عده‌ای از خرده مالکان و یا مالکان عمده راه سازگاری با رهبران فرقه را پیش گرفتند و بدین ترتیب جان و مال خود را از گزند متجاسرین ایمن داشتند. آنگاه دولت خودمختار آذربایجان یعنی محصول خیانت جمعی خودخواه و جاه طلب به اتکاء افرادی که بنابر علل فوق‌الذکر و با از ترس زجر و شکنجه عمال فرقه به چنان ننگ و رسوائی نن داده بودند که خود را یک «دولت ملی» مورد پشتیبانی و تأیید مردم آذربایجان قلمداد کرد و از دولت مرکزی خواست که بر آنچه پیش آمده است صحنه بگذارد و خودمختاری و استقلال دولت متجاسرین را به رسمیت بشناسد.

روزها به سرعت می‌گذشت روز دهم مهر ۱۳۲۴ اولین کنگره حزب نوزاد تشکیل گردید. در این جلسه از همه طبقات: حاجی، ملا، بازرگانان، رئیس ایل، کرد، روشنفکر، کمونیست و دیگران شرکت داشتند. پیشه‌وری برای آنکه توجه همه را به

حزب خود جلب کند و از پشتیبانی کلیه طبقات برخوردار گردد از هر طبقه شخصی را آورده بود ولی همین اشتباه سبب شد که چندی بعد اختیار کار را از دست داده و فرقه جدیدش به صورتی درآمد که از کارگر تا بازرگان و از میهن پرست تا مهاجر آواره همه مخالف و دشمن آن باشند.

حمله فدائیان فرقه دموکرات به پادگانهای نظامی از روز بیست و چهارم آبان ماه ۱۳۲۴ شروع شد و با تصرف میانه به دست دموکراتها بسیاری از مطلعین متوجه شدند که این عمل غیر از تظاهرات عادی بوده در حقیقت قیامی علیه دولت مرکزی است. گزارشات واصله از طرف مأمورین ژاندارمری حاکی از این بود که در دهات قلی‌کندی بین مراغه و میان‌دوآب و اونیق در نزدیکی میانه و صوفیان و یام به وسیله کامیونهای مخصوصی شروع به تقسیم اسلحه شده است.

چند روز قبل از آنکه عملیات توزیع اسلحه شروع شود ژنرال کلینسکی فرمانده نیروهای شوروی در تبریز و سایر فرماندهان ارتش سرخ در آذربایجان طبق اظهار مأمورین رسمی، به مأمورین انتظامی دولت ایران مراجعه نموده تقاضا می‌کردند اسلحه‌ای که از طرف دولت به مالکین داده شده یا شخصاً دارا می‌باشند هرچه زودتر جمع‌آوری شود. مأمورین دولتی نیز برای آنکه وسیله رنجش بدست آنها ندهند اسلحه مالکین را که مأموران شوروی صورت می‌دادند جمع‌آوری می‌کردند و در ضمن به اطلاع مأمورین دولتی رساندند که در دهات نامبرده و سایر نقاط شروع به توزیع اسلحه شده است بعد از مختصر توجهی اطلاع حاصل شد که مسطح بودن کشاورزان مورد نگرانی مأمورین شوروی نیست و آنها فقط اصرار در جمع‌آوری اسلحه مالکین دارند.

اوضاع آذربایجان را از زبان جی. دبلیو وال سر کنسول انگلیس از تبریز بشنوم:

۱۹ نوامبر ۱۹۴۵

کنسولگری بریتانیا

(۶۳۱/۲۵۱/۱ - /۴۵)

تبریز شماره ۱۵

آقا

افتخار دارم، طی مطالب زیر، گزارش وضع آذربایجان را در وضع حاضر،

چنانکه توانستام به درستی تحقیق کنم تقدیم دارم. اطلاعات من منحصرأ از منابع ایرانی کسب شده است. از همتای روسی خود جریان اوضاع را پرسش نمودم ولی از او نتوانستم اطلاعی کسب کنم جز اینکه او اظهار عقیده کرد که گزارشها اغراق آمیز است.

۱- در ۱۴ نوامبر حزب دموکرات آذربایجان در مطبوعات اعلام داشت، مرحله

اول سازمان آنها یعنی تشکیل کمیته تبریز و کمیته‌های فرعی در شهرستانها حل شده است و مرحله دوم یعنی تشکیل کمیته‌های فرعی حزب در تمام دهات به زودی آغاز می‌گردد. اعلامیه با حمله شدیدی علیه ژاندارمری همراه بود که متذکر می‌شد ژاندارمها از تشکیل کمیته‌های دهات و به جانب‌داری از مالکین مرتجع از پیشرفت کار جلوگیری می‌نمایند. در همین هنگام اعلام شد که حزب تصمیم تهران را راجع به تعویق انتخابات مجلس شورای ملی نادیده انگاشته و آذربایجان تحت رهبری حزب دموکرات انتخابات مجلس و انتخابات ایالتی و ولایتی را به شخصه عملی خواهد ساخت بدون اینکه توجهی به دستورات مرکز داشته باشد. گفته می‌شود که انتخابات انجمن ایالتی در ۲۲ نوامبر یا در سوم دسامبر ۳ یا ۱۲ آذرماه) برگزار می‌گردد. گفته می‌شود که ششصد نماینده در تبریز اجتماع کرده بیست نفر عضو انجمن ایالتی را انتخاب خواهند نمود.

۲- به این نکته باید توجه کرد که حزب دموکرات انتظار دارد که نیروی نظامی ایران در برابر اقدامات آن برای آغاز انتخابات انجمن ایالتی (که احتمالاً اداره‌امور استان را در دست خواهد گرفت) مقابله نماید و نیز ژاندارمری در مناطق روستانشین از انتخابات نمایندگان انجمنها که باید در تبریز اجتماع نمایند و همچنین از مسافرت آنان جلوگیری به عمل آورد. بنابراین به نظر می‌آید نخستین گام برای تضمین یک محیط آزاد برای انجام دادن انتخابات مربوط به انجمن‌های ایالتی دموکراتیک با خلع سلاح و تهدید ژاندارمری توأم گردد.

۳- مبارزه علیه ژاندارمری با ارسال نامه ۱۵ نوامبر به تمام کنسولگریهای خارجی آغاز گردید که در آن مقامات دولتی تهران به شدت عمل و سرکوبی مخالفان متهم شده و از سختگیریهای ژاندارمها در نقاط مختلف آذربایجان مطالبی ذکر شده بود.

۴- عصر روز شانزدهم نوامبر طبق اخبار موثق اطلاع حاصل کردم که سیم‌های تلگراف تبریز به میانه، میاندوآب مراغه و تهران قطع شده است و اگر هم قطع نشده باشد اداره‌های دولتی در میانه و مراغه از طرف اعضاء مسلح حزب مسلح دموکرات اشغال

شده است. در همین زمان ضمن گزارشهای واصله جنگ بین قوای حزب دموکرات و ژاندارم در منطقه میانه (ولی نه در خود شهر) به اوج خود رسیده و ژاندارمها در بعضی از دهات جنوب تبریز خلع سلاح شده‌اند. گفته می‌شود در شهرهای آذرشهر، بناب، میاندوآب و مراغه نقشه حمله به ژاندارمها طرح‌ریزی شده برای کسب اطلاع از اینکه خط تگلفرافی تبریز و تهران برقرار است منشی خود را فرستادم معلوم شد که خط دوباره برقرار است فرماندهان نظامی و ژاندارمری با مراکز خود در تهران تماس گرفتند. لذا منم این تلگرام را به شماره ۳۹ به تلگرافخانه فرستادم که برای شما مخابره شود.

۵- صبح روز بعد سرتیپ درخشان فرمانده لشکر تبریز به دیدن من آمد و تأکید کرد که جنگ و زد و خورد در نزدیک میانه ادامه دارد و برای اصلاح خطوط ارتباطی قطع شده تعدادی افراد اعزام شده‌اند و فعلاً هیچگونه ارتباطی با مراغه و میاندوآب برقرار نیست. ضمناً اظهار داشت که در ۱۶ نوامبر تمام ژاندارمهای آذرشهر در ۴۰ مایلی جنوب غربی تبریز، خلع سلاح و زندانی شده‌اند و در سایر روستاهای واقع بین مراغه و میاندوآب هم حمله‌هایی به ژاندارمها صورت گرفته است. راه میاندوآب زیر کنترل افراد مسلح دموکرات است و تمام وسایل نقلیه را متوقف و بازرسی می‌کنند و ضمناً چندین تصادم هم روی داده است و نیز اضافه کرد که شورویها پاسگاهی در بین راه میاندوآب و بوکان (راه مستقیم تبریز به کرمانشاهان) مستقر نموده یک هفته است که فرماندهی کل شوروی در آذربایجان تمام درخواستهای او را مبنی بر اعزام قوای نظامی و یا ژاندارم از تبریز به نقاط آشوب‌زده رد کرده است چنانکه همان روز صبح ضمن نامهای از فرماندهی شوروی درخواست کرده که اجازه دهند تا صد نفر نظامی به میاندوآب اعزام دارد ولی تاکنون جوابی دریافت نکرده است.

۶- هنگامی که سرتیپ در دفتر من بود فرمانده ستاد او به وی اطلاع داد که طبق اخبار رسیده در شب شانزدهم ششصد نفر از دموکراتهای مسلح به ژاندارمری حمله کرده نیروهای مستقر در سراب را با وجود مقاومت طولانی وادار به تسلیم کرده آنان را به مقصد نامعلومی فرستاده‌اند. در همان شب نیز ششصد نفر دیگر از دموکراتها به پاسگاههای ژاندارمری اطراف میانه حمله کرده یک قسمت از قوای خود را برای جلوگیری از برقراری ارتباط با تهران به تلگرافخانه فرستاده‌اند. طبق گزارش واصله سه نفر از ملاکین در دهات میانه به قتل رسیده‌اند.

۷- همان روز صبح از تلگرافخانه تبریز تحقیق نمودم و معلوم شد که هیچ ارتباطی با تهران برقرار نشده بنابراین تلگرام شماره ۳۹ من نیز مخابره نشده است.

۸- همان روز بعدازظهر سرکنسول شوروی آقای کراسنیخ را ملاقات کردم نسبت به وضع اینجا و از هدف و مقاصد حزب دموکرات خود را بی‌اطلاع جلوه داد و اظهار کرد که صبح امروز عده‌ای از بازرگانان تبریز به ملاقاتش رفته نگرانی عمیق خود را از وضع تبریز اظهار کرده بودند. گفت فکر می‌کند که تمام گزارشهای رسیده از استان مبالغه‌آمیز است و این برخوردها فقط تصادم بین ماجراجویان و ژاندارمها می‌باشد. مقامات محلی وظیفه دارند برای اعاده نظم اقدام نمایند در جواب گفتم در صورتی مقامات محلی برای اعاده نظم می‌توانند اقدام نمایند که دارای نیرو و تجهیزات کافی باشند.

کنسول شوروی متذکر شد که مقامات محلی نیروی کافی دارند ولی آنچه که آنها احتیاج دارند اداره صحیح است. به آقای کراسنیخ اظهار داشتم مایلم حقیقت اوضاع را در میانه و منطقه اردبیل بدانم زیرا در آنجا شرکت نفت ایران و انگلیس دارای شعبه است و ممکن است در اثر زد و خوردها به شرکت نفت آسیب برسد. آقای کراسنیخ اظهار داشت که معاون کنسول شوروی در اردبیل تا حد توانائی از کمک به اعضای شرکت نفت انگلیس مضایقه نخواهد داشت. ضمن اظهار تشکر متذکر شدم که از شنیدن هرگونه خبر اطمینان‌بخش در این مورد خوشحال خواهم شد. همچنین در موضوع مخابره تلگرام خود به شما از طریق خط تلگرافی نظامی شوروی استفسار کردم. گفت در این موضوع اقدام خواهم کرد ولی بعداً یکی از اعضای سرکنسولگری شوروی تلفون کرد که میان تهران و تبریز خط تلگرافی نظامی شوروی وجود ندارد.

۹- آگهی شده بود که عصر روز یک‌شنبه ۱۶ نوامبر میتینگ عمومی حزب دموکرات برگزار خواهد شد و در شهر شایع است که مقصود از برگزاری این میتینگ تصرف و قبضه اداره‌های دولتی است، این شایعه با وقایعی که در سراب و میانه اتفاق افتاده است چندان بی‌تناسب نیست. سخنرانان میتینگ قصد حزب را مبنی بر حفظ قانون و رعایت نظم را تأکید کردند و سعی داشتند به بازرگانان اطمینان دهند و گفتند اگر از طرف نیروی نظامی مورد حمله قرار بگیرند به زور متوسل خواهند شد. ضمناً اجرای برنامه حزب را راجع به پیشقدم شدن در انتخابات مجلس و انجمن‌های ایالتی

و ولایتی تکرار کردند. قبل از تشکیل میتینگ از بازرگانان و کسبه بازار خواسته شده بود کار خود را تعطیل کرده در میتینگ شرکت نمایند. با اینکه بسیاری از مغازه‌ها بسته شده بود معذک تعداد کمی از بازرگانان و کسبه در این تظاهر شرکت کرده بودند. بیشتر شرکت کنندگان را کارگران کارخانه‌ها و دهقانان تشکیل داده بودند. در این روز سرما شدید و در آخر میتینگ برف بارید. در حدود ساعت پنج و نیم بعدازظهر میتینگ خاتمه یافت و جمعیت پراکنده شد. مقامات ایرانی انتظار داشتند در این تظاهرات آشوب و بلوا برپا شود ولی با کمال نظم پایان یافت.

۱۰- در این هنگام که این گزارش را می‌نویسم شهر آرام است و تا جاییکه اطلاع دارم زد و خوردی در شهر و یا دهات اطراف دیده نمی‌شود... ولی کاملاً مشهود است که اعضاء حزب در روستاها به خوبی مسلح‌اند و تفنگهای آنها همان تفنگهای ارتش ایران است که از طرف مقامات حزبی در میان هواداران خود و دهقانان پخش شده است...

۱۱- با توجه به گفتگوی خود با فرمانده لشکر چنین استنباط می‌کنم که اگر حزب یا انجمنی که پیشنهاد انتخاب آن شده است بخواهد زمام امور استان را در دست بگیرد کار برای آن آسان است زیرا نیروهای نظامی ایران از خود مقاومت زیادی نشان نخواهد داد. سرتیپ درخشانی اظهار داشت تا آخرین گلوله مقاومت خواهد کرد ولی در ضمن فهمانید که او مستقیماً رودرروی ارتش سرخ قرار گرفته است. با قضاوت در دو مورد اتفاقاتی که در داخل شهر افتاده و با اتکاء به تجربه شخصی باید بگویم که اگر تصادمی بین ارتش ایران و حزب رخ دهد شاید فرمانده نیروی شوروی تصمیم به خلع سلاح ارتش ایران بگیرد. به عقیده من اگر حزب دموکرات اراده کند در حال حاضر می‌تواند در صورت کوچکترین مخالفت مقامات ایرانی امور تبریز را رأساً در دست بگیرد. البته برای رهائی از مداخله دولت مرکزی ناچار است که به پشتیبانی و همکاری مقامات شوروی متکی باشد. طبق مشاهدات و مذاکراتی که با اشخاص مختلف در این استان کرده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که شورویها با اعزام ارتش کمکی ایران از تهران و یا از کرمانشاهان به آسانی موافقت نخواهند کرد.

۱۲- تعیین درجه خلوص و تصمیم حزب دموکرات تا اندازه‌ای دشوار است ولی امر مسلم این است که حزب تصمیم گرفته است انتخابات انجمن‌ایالتی را به گامی به

سوی حصول مقصود یعنی خودمختاری این استان است، به مورد عمل درآورد. مقامات ایرانی در اینجا اظهار می‌دارند که چنین انجمنی را به رسمیت نخواهند شناخت. ضمناً اظهار عقیده کردن راجع به این موضوع که آیا حزب در عملی کردن مقاصد خود تا چه اندازه موفق و پابرجاست فعلاً مشکل است ولی امری که برای من مسلم است که حزب کوشش می‌کند قبل از اینکه روسها خاک ایران را تخلیه کنند خودمختاری داخلی را تثبیت نمایند.

۱۳- با توجه به وضع کنونی تبریز مشکل می‌توان فهمید که مقامات شوروی تا چه اندازه در شهرهای کوچک آشکارا به دموکراتها یاری کرده‌اند ولی امری را که با تجربه شخصی بدان پی برده‌ام اینست که حمله به نقاط مختلف این استان مثلاً در میانه بدون موافقت فرمانده روس آن منطقه بعید بوده است. به طوری که شنیدم ارتش شوروی از پیشروی و اعزام نیروهای نظامی تقویتی ایران به میانه و سراب و میاندوآب جلوگیری کرده‌اند...

ارادتمند و مخلص شما

جی. دبلیو. وال

اینک نظر نمایندگان سیاسی کشورهای متحده آمریکا را درباره حزب دموکرات آذربایجان ذیلاً متذکر می‌شویم.^{۱۷}

تلگرام: ۲۴۴۵ - ۰۰/۹ - ۸۰۹

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۵

« ۷۵۸ - بازگشت به تلگرام شماره ۱۳۶ مسکو، ۱۴ سپتامبر به تهران و شماره

۳۳۱۵ مورخ ۱۸ سپتامبر به وزارت امور خارجه و گزارش مورخ ۶ سپتامبر واصله از

تبریز به وزارت امور خارجه. چون مدت کمی از تأسیس حزب جدید می‌گذرد. ظاهراً حدود ۳۰ اوت تشکیل شده است. لذا ارزیابی صحیح این حزب، یعنی «حزب دموکراتیک آذربایجان» مشکل به نظر می‌آید. در ظاهر رهبری و هدفهای تعیین شده آن برای ایجاد تضاد بین طبقه مرتجع ملاکین بزرگ و افراطیون حزب توده طراحی گردیده است. اولین اثر آن تأکید بر منطقه‌ای بودن آذربایجان در مرحله اول و اصلاحات اجتماعی در مرحله دوم می‌باشد.

قسمت بسیار مهم از خصوصیات آن ایجاد زمینه وسیع تبلیغاتی برای حزب به وسیله مطبوعات مسکو و انتشار نشریه روسی زبان یومیه در تهران از طرف سفارت شوروی است. انتشار بیانیه حزب از طرف این دو دستگاه طرفداری و پشتیبانی شوروی را ایجاب می‌کند. در ایران بسیاری از مردم و نیز سفارت بریتانیا، این حزب جدید را به عنوان حزب توده منتهی با نامی دیگر می‌شناسند. به [نظر من و بسیار محتمل است] که این حزب مانند ابلینگ (Ebling) مقاصدی خاص دارد. این حزب معتقد است که احترام به نهضت آزادیخواهی را در ایران افزایش می‌دهد و چون حزب توده غیرقانونی اعلام گردید و یا در نوعی رسوائی درگیر شد و نتوانست برای مدتی طولانی مفید واقع شود حزب جدید جایگزین آن شد. اعلامیه ستاد کل... اشاره می‌کند تصمیم دولت ایران بر این است که حزب توده را غیرقانونی اعلام کند. البته جنبه منطقه‌ای حزب دموکراتیک موجب برای سیاست شوروی خواهد شد که از این راه حکومت مرکزی ایران را تضعیف کرده سرانجام سبب جدائی آذربایجان شود.

به شماره ۷۵۸ به وزارت امور خارجه، ۲۴۲ به مسکو و ۳۸ به تبریز ارسال گردید موری.»

تلگرام: ۱۴۵ - ۱۰ / ۰۰ - ۸۹۱

از کاردار در اتحاد شوروی (کنان) به وزیر امور خارجه

مسکو: اول اکتبر ۱۹۴۵

«آ - ۲۶۴ - بازگشت به تلگرام شماره ۲۴۲ مورخ ۲۴ سپتامبر از تهران. با توجه به موافقت با تجزیه و تحلیل تهران از وضع حزب دموکرات آذربایجان می‌توان

اضافه کرد که باید موضوع منطقه‌ای این جنبش را مهتر از مشخصات اصلاع خواهی اجتماعی آن احساس کرد.

در ظاهر حزب آذربایجان با هدف «ملی‌گرایی» که قبلاً در بسارابی و روتنی و لهستان شرقی و اخیراً در سین کیانگ و ارامنه ترکیه مشاهده کرده‌ایم، مطابقت دارد. مانند سایر مناطق دیگر روش جدائی‌اندازی شوروی که ظاهراً بر مبنای نژادی است از علائم و آثار آن واضح و آشکار است. زمان و شکل جدائی خواهی در آذربایجان پیش‌بینی فرصت طلبی آنها را درباره سایر مناطق خاورمیانه غیرممکن می‌سازد... طی سالها اتحاد شوروی در مورد مغولستان ثابت کرد که چگونه حاکمیت یک کشور دیگر در منطقه‌ای (چینی‌ها) می‌تواند مورد شناسائی قرار گیرد بدون آنکه از برنامه شوروی جهت تسلط حقیقی بر آن منطقه ممانعت به عمل آمده باشد و یا «خودمختاری» آن منطقه از طریق مذاکرات دوستانه شناخته شود. کنان»

۱۹۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

یادداشت رئیس اداره خاور نزدیک و امور افریقا (هندرسون)

به معاون وزارت امور خارجه (دان)

واشنگتن: ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵

«گزارش‌های منتشره از طرف مطبوعات و رادیو به نقل از سخنگویان دولت ایران از بالا گرفتن شورش در استان آذربایجان، در شمال غربی ایران، حکایت می‌کند. قسمتی از این گزارشها قبلاً از طرف سفارت و ستاد کل ارتش ایران تأیید شده بود. استان آذربایجان مانند سایر نقاط شمالی ایران از سال ۱۹۴۱ تحت اشغال شورویها بوده است. طی این دوره آشفتگی سیاسی به انضمام تقاضا از دولت ایران برای اصلاحات انتخاباتی و اجتماعی و حتی تقاضا برای خودمختاری داخلی استان آذربایجان، بروز کرده است. دامنه این آشفتگی با توجه به این حقیقت چنان گسترش یافته است که مقامات شوروی با مناطق شمالی مانند مناطق ممنوعه رفتار کرده دسنرسی خارجیان

و مقامات ایرانی را به مناطق مزبور فقط به اجازه مخصوص موکول کرده‌اند.^{۱۸} شورویها اجازه انتقال یا تجدید قوای ژاندارمری و ارتش ایران را رد کرده‌اند و در امور استان توسط

۱۸- راجع به موضوع مسافرت خارجیان به مناطق شمالی به اسناد زیر مراجعه کنید:

تلگرام: ۲۲۴۵ - ۱۱ / ۹۱۵۶ - ۱۲۵

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۲ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۸۰ - کوشش داریم به وسیله رادیوی ارتش ایران که با پادگان تبریز در تماس است، با آنجا ارتباط برقرار سازیم و امیدوارم در یکی دو روز آینده پیغامی از ابلینگ دریافت دارم. هم‌اکنون منتظر هستم اجازه مسافرت به وسیله اتوموبیل با هواپیما را به مقصد تبریز از شورویها دریافت کنیم... کاردار شوروی مرا مطمئن ساخت که قبلاً تمام کوشش خود را به کار برده است ولی این اجازه باید از فرماندهی نظامی شوروی در قزوین گرفته شود که بنابه گفته کاردار تا این تاریخ جوابی به تلگرام بعدازظهر ۲۰ نوامبر داده نشده است. موری.»

تلگرام: ۲۴۴۵ - ۱۱ / ۹۱ - ۱۲۴

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۴ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۹۰ - گرچه در مورد اجازه سفر به مقامات این سفارت به تبریز، اولین تماس در ۱۹ نوامبر برقرار گردید، لیکن تاکنون پاسخ شوروی به این درخواست نرسیده است. عصر روز ۲۱ نوامبر شخصاً کاردار شوروی را دعوت نموده و اهمیت موضوع را تأکید کردم. دیشب با شنیدن پاسخی در این باره، یادداشت شدیدالحنی فرستادم و در آن خاطرنشان کردم: ایجاد محدودیت حرکت برای مقامات امریکائی در ایران کار نابجائی است. از تأخیر و وصول پاسخ نیز اظهار تعجب کردم و انتظار پاسخ فوری را نیز گوشزد نمودم.

واضح و آشکار است که شورویها با مطالعه و بررسی کامل نیروهای امنیتی را متوقف می‌سازند. در مرحله اول می‌خواهند از موقع نظامی خویش از مبداء قزوین دفاع کنند و در مرحله دوم ثابت نمایند که اجباراً باید موضوع به مسکو احاله گردد. پیشنهاد می‌کنم وزارت امور خارجه به سفارت ما در مسکو دستور دهد که این مسئله را شدیداً تعقیب کرده و سفارت شوروی در تهران را وادار نماید که در صدور اجازه تسریع نماید.

به شماره ۹۹۰ به وزارت امور خارجه ارسال شد و به شماره ۲۸۷ به مسکو رونوشت

گردید. موری.»

مقامات رسمی دولت ایران، مداخله کرده‌اند. حزب جدیدالتأسیس دموکرات که گزارشهای مطبوعات، حاکی از نقش مهم آن در اغتشاشات اخیر است، از پشتیبانی بی‌چون و چرای شوروی برخوردار است.

در صورت موفقیت جنبش خودمختاری آذربایجان، از دست رفتن این استان بر روی اقتصاد ایران اثرات سوئی خواهد بخشید و ممکن است به تجزیه هرچه بیشتر کشور منجر گردد. این استان مرکز مهم تولید خواربار و یکی از مناطق مهم صنعتی است. علاوه بر جنبه داخلی این وضع دشواریهای زیاد سیاسی را به بار می‌آورد. وقوع این امر به نحو قابل ملاحظه‌ای بر روی خطوط ارتباطاتی بریتانیا و نفوذ آن کشور در تمام منطقه تأثیر خواهد گذاشت که در این صورت مشکلات خطرناکی را به وجود خواهد آورد. با توجه و شناسایی اوضاع این دولت (امریکا) در چند سال گذشته علاقه فراوانی نسبت به ایران ابراز داشته است... برای جلوگیری از این خطر ما باید پیوسته به تخلیه کامل نیروهای متفقین از ایران و در زودترین تاریخ ممکن پافشاری کنیم. گذشته از تمایل ما به ملحوظ داشتن جنبه امنیت بین‌المللی، این کشور (امریکا) به علل منافع نفتی، اقتصادی و استراتژیکی، منافع مستقیمی در این مسئله داریم. لویی. دبلیو. هندرسون.»

دولت استالین نه تنها در آذربایجان بلکه در سایر استانهای شمالی برخلاف تعهد و امضای خود به اقدامات و دخالتهایی که برخلاف استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران بود مبادرت می‌ورزید و نمی‌گذاشت ارتش و قوای تأمین به وظایف خود عمل نمایند. وزارت امور خارجه ایران هم مرتباً این اقدامات تجاوزکارانه را از طریق یادداشت به سفارت شوروی در تهران و به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو اطلاع می‌داد و از سفیر ایران می‌خواست که مراتب را به دولت شوروی اطلاع داده و چاره کار را بخواهد برای روشن شدن مطلب به ذکر چند فقره از این اسناد می‌پردازیم:^{۱۱}

نمره ۲۳

۱۳۲۴/۱/۲۲

سفارت کبرای ایران - مسکو

«روز شانزدهم فروردین کمیسارف دبیر سفارت شوروی به رئیس اداره دوم سیاسی اظهار داشت مذاکراتی که بین سفیر کبیر و وزیر امور خارجه راجع به اعزام قوا به مهاباد شده بود لازم می‌دانیم اطلاع بدیم که فرماندهی شوروی در آذربایجان اعزام قوایی را از مرکز به آذربایجان به جای قوایی که از آنجا به مهاباد مأموریت خواهد یافت بی‌نتیجه می‌داند لذا توافق نظر ننموده است. رئیس اداره دوم پاسخ داد که تکمیل پادگان آذربایجان برای حفظ امنیت آن حدود ضروریست (اگرچه هنوز از آنجا نیرو اعزام نشده و از کردستان اعزام شده بود که ممانعت نمودند) و این عدم توافق نظر مقامات شوروی را چنانکه در مورد اعزام ژاندارم به گرگان نموده‌اند می‌توان یک نوع دخالت در اموری تعبیر نمود که انجام آن از وظایف دولت شاهنشاهی ایران است. اظهار کرد این دو موضوع متفاوت است عدم توافق نظر فرماندهی شوروی با اعزام قوا به آذربایجان برای این است که حالیه پایان جنگ است و فرماندهی مزبور اعزام قوا را لازم نمی‌داند و فرماندهی شوروی طبق پیمان سه‌گانه این حقوق را داراست اما راجع به گرگان، به مسکو مراجعه نموده‌ایم و هنوز به ما دستوری از مسکو نرسیده است ولی اصولاً قوا و مهمات با نظر و توافق نظر مقامات شوروی باید انجام شود. رئیس اداره دوم خاطرنشان نمود با اینکه تصدیق دارید که در گرگان عده‌ای از اشرار موجبات اخلال نظم را فراهم ساخته‌اند و کمیساریای خارجه هم اطلاع یافته است چرا اعزام این عده معدود ژاندارم که برای حفظ امنیت اعزام می‌شود جلوگیری و باعث تأخیر می‌شوند در صورتی که در اینگونه امور ما انتظار همکاری مقامات شوروی را داریم اما نه همکاری به وسیله کمک قوای شوروی در انجام منظور بلکه عدم جلوگیری از اعزام نیرو و ژاندارم برای حفظ امنیت نقاط لازم چه اگر بنا باشد نظامیان شوروی در قلع و قمع اشرار با قوای ایران همکاری نمایند خود یک نوع دخالت در امور داخلی ایران محسوب می‌شود. طبق پیمان هم حق هیچگونه جلوگیری از اعزام قوا و آزادی عمل را ندارند ولی نامبرده اصرار داشت که این عمل فرماندهی شوروی در عدم توافق نظر با اعزام نیرو به آذربایجان و دستجات ژاندارم به گرگان متکی به پیمان سه‌گانه بدانند تعجب است. به طوری که در تلگراف

۱۵۹ سفارت کبرای اطلاع داده شد خودشان پیشنهاد نمودند قوه مختصری از آذربایجان به مهاباد فرستاده شود حالیه اظهار می‌دارند اعزام قوا به جای آنها مورد توافق نظر فرماندهی شوروی نیست. از این اوضاع و احوال معلوم می‌شود شاید منظورشان این است که به هر ترتیب شده است از عده نیروی نظامی و ژاندارم در حدود شمال کاسته شود و دولت نتواند نظم و امنیت را در آن حدود با اعزام ژاندارم به گرگان و نیرو به مهاباد مخالفت می‌نمود اشکال ننمایند. نتیجه را تلگراف فرمایند. ۱۹ فروردین.»

شماره ۲۳۱

تاریخ ۱۳۲۴/۶/۱۸

سفارت کبرای ایران - مسکو

«یکی اینکه از مراغه اطلاع می‌دهند پس از برقراری فرمانداری نظامی در آنجا فرماندار برای جلوگیری از اغتشاشات کبیری نام را توقیف نموده بلافاصله مقامات شوروی فرماندار را دوازده ساعت توقیف و کبیری و آدمش را با اسلحه‌شان آزاد کردند و به سرگرد صفوی هم بدرفتاری نموده امر داده‌اند نظامیان نباید از سربازخانه خارج شوند. در کوچه‌ها و خیابانها افراد حزب توده و نظامیان شوروی کیشیک می‌دهند. این عمل مقامات شوروی چون دخالت صریح در امور داخلی ایران است مذاکره فرمایند دو دولت ایران از دولت دوست و همجوار متفق خود انتظار ندارد برخلاف عهد و قراردادهای مأمورین نظامی آن دولت در امور داخلی ایران دخالت نمایند و تقاضا فرمایند دستوری فوری بدهند در امور تأمینیه کشور دخالت ننموده بگذارند مقامات مربوطه ایران به وظایف خود عمل نمایند. یادداشتی در این زمینه به سفارت شوروی نوشته اعتراض شد دیگر اینکه از شاهی تلگراف می‌کنند از طرف حزب توده در تمام خیابانها و دروازه‌های شهر و در پست و تلگراف و تلفون و راه آهن چند نفر مأمور گذارده‌اند که در کارها نظارت نمایند. در نتیجه مردم متوحش دکا کین را بسته و کارخانه‌ها تعطیل شده همچنین در شهبور تشکیلات حزب مزبور اعتصاب و تعطیل عمومی کرده تلگرافخانه چالوس را بسته‌اند و هیئت بازرسی دولت را مجبور کرده‌اند از چالوس خارج شود و بر اوضاع تسلط یافته‌اند. کشاورزان شهرستان کجور و کلارستاق هم که دل خوشی از عملیات حزب توده ندارند نگران شده و محتمل است اگر دولت نتواند قوایی برای رفع این

بی‌نظمی‌ها به آنجا فرستاد خودشان از خود در مقابل حزب توده دفاع نمایند و اغتشاشات دامنه پیدا کند. ظاهراً کلیه این اقدامات متجاسرانه حزب توده بر اثر حمایت مقامات شوروی است در این زمینه هم یادداشتی به سفارت شوروی نوشته شد که زودتر با اعزام دویست نفر ژاندارم به شهرستانهای مزبور توافق نظر مقامات شوروی را اعلام دارند. در آنجا هم مذاکره فرمایند که سفارت با اعزام ژاندارم به نقاط مزبور و آزادی عمل آنان به منظور استقرار امنیت موافقت نمایند و از نتیجه اقدامات فوری وزارت امور خارجه را منحصر فرمایند تا به اوضاع نامطلوب شهرستانهای شمالی که دولت و ملت ایران را نگران ساخته خاتمه داده شود. ۱۲ شهریور ۹۸۳ - سپهبدی»

شماره ۲۳۵

تاریخ ۱۳۲۴/۶/۲۱

سفارت کبرای ایران - مسکو

«بخشنامه - یادداشتی در هجدهم شهریور ۲۴ به سفارت کبرا ارسال گردیده است. وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود به سفارت کبری اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی محترماً به استحضار می‌رساند در اثر اغتشاشات و بی‌نظمی‌هایی که اخیراً در مراغه پیش آمده بود فرماندار نظامی در آن شهر برقرار گردید طبق اطلاع رسیده فرماندار نظامی که به منظور رفع اغتشاشات کبیری را توقیف نموده بود بلافاصله از طرف مقامات شوروی مداخله شده و فرماندار نامبرده را چند ساعت نگاهداری و کبیری و آدمش را با اسلحه‌هایی که از آنها گرفته شده بود آزاد کرده‌اند و نسبت به سرهنگ صفوی بدرفتاری کرده و امر داده‌اند که نظامیان ایران نباید از سربازخانه خارج شوند و به همین جهت پاسبان‌ها نمی‌توانند در کوچه و خیابان انجام وظیفه نمایند و عناصر غیرمسئول امور شهر را در دست گرفته‌اند وزارت امور خارجه شاهنشاهی نسبت به مداخله مقامات شوروی در امور شهر مزبور و بازداشت چندساعته فرماندار اعتراض نموده خواهشمند است هرچه زودتر از نتیجه بازجوئی‌ها و دستوری که برای جلوگیری از این اقدامات خلاف رویه که مغایر روابط دوستان و حسن همجواری بین دو کشور است به عمل خواهند آورد. وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند. مطالب دیگری هم هست که بعداً به اطلاع آن سفارت خواهد رسید. ۱۹ شهریور. ۱۰۲۱ سپهبدی»

شماره ۲۴۸

تاریخ ۱۳۲۴/۶/۲۷

سفارت کبرای ایران - مسکو

« ۸۱ - از وزارت جنگ اطلاع می‌دهند مقامات شوروی به وسایل مختلف مشغول فعالیت‌های شدیدی به منظور تحریک کردها بر علیه دولت و بروز اغتشاش می‌باشند و هنوز عملاً موافقت با اعزام نیروی ایران به مهاباد برای جلوگیری از اقدامات عناصر مفسده‌جو ننموده. یادداشت مجددی به سفارت شوروی نوشته و تقاضا شد موافقت نمایند که نیروی ایران به مهاباد اعزام شود و محدودیت‌هایی که در شهرهای شمالی برای قوای تأمینیه ایران قائل شده‌اند و به این جهت نمی‌توانند به انجام وظایف خود که محدود به حفظ امنیت کشور و جلوگیری از عناصر مفسده‌جو می‌باشد قیام نمایند مرتفع سازند آنجا هم مذاکره فرمایند تا شاید زودتر با آزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران موافقت نمایند والا بیم آن می‌رود که دامنه اغتشاش توسعه یابد و از قدرت دولت در نقاط مزبور بیش از پیش کاسته شود. ۲۵ شهریور - ۱۰۵۳ همایون‌جاه»

حوادث ناگوار و اخبار پی در پی موحشی که از آذربایجان هر روز به تهران می‌رسید دولت ایران را بر آن داشت که در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۲۴ به وسیله وزارت امور خارجه یادداشتی به مضمون زیر برای سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی در تهران بفرستد: ۲۰

وزارت امور خارجه

یادداشت

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

شماره ۵۳۷

به تاریخ ۱۳۲۴/۸/۲۶

وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای اتحاد جماهیر

شوروی سوسیالیستی اظهار داشته و پیرو یادداشتها عبیده و مذاکرات حضورى راجع به آزادى عمل ارتش و قواى تأمینۀ ایران در استانهای شمالی کشور که عدم توافق نظر مقامات شوروى نسبت به آن سبب شده است که قواى مزبور نتوانسته‌اند در یک مدت طولانى به کوچک‌ترین عملی برای حفظ امنیت و استقرار نظم و جلوگیری از عناصر مفسده‌جو مبادرت نمایند با کمال احترام زحمت‌افزا مى‌شود:

اطلاعاتی که از وزارت کشور و وزارت جنگ و وزارت دادگستری رسیده است حاکی است:

۱- عده‌ای از رؤسای کرد مقیمین در استان ۴ و مهاباد به تحریک دستجات محدودی که مخالف تمامیت خاک ایران در سر دارند به فعالیت‌هایی شروع نموده و به وسایل مختلف تهیه اسلحه و مهمات مى‌نمایند که خود را برای انجام منظور آماده سازند.

۲- رؤسای اکراد مزبور برای پیشرفت مقاصد خود و ایجاد بی‌نظمی رقت‌انگیزی در صدد برآمده از راه مطبوعات افکار کردهای صلح‌جو را مشوب نموده و دامنهٔ اعتشاش را در کردستان ایران توسعه دهند و برای این منظور یک دستگاه ماشین چاپی و مقادیر زیادی کاغذ روزنامه از خاک شوروی به دست آورده‌اند.

۳- چند نفر از رؤسای کردهای مهاباد و ساکنین قسمتهای باختری آذربایجان بدون رعایت مقررات گذرنامه و روادید برای پیشرفت عملیات خود به باد کوبه رفته و مراجعت نموده‌اند.

۴- ملا مصطفی بارزانی که از خاک عراق با کسان خود فرار اختیار و به ایران آمده است در نقاط کردنشین ایران سکنی نموده و چون مسلح هستند ظن قوی می‌رود دامنهٔ بی‌نظمی را توسعه داده و با عناصر مفسده‌جو امنیت و انتظامات قسمت باختری استان ۴ و حدود مهاباد را مختل سازند.

۵- آمد و رفت عادی سکنهٔ ایران از مرکز به شهرهای شمالی مورد بازرسی دقیق واقع شده و مأمورین شوروی بدون بازرسی فرد فرد مسافرین اجازهٔ ورود مردم را به مناطق شمالی نمی‌دهند.

۶- حمل و نقل عادی ارزاق از استانهای شمالی به نقاط مرکزی و جنوبی دچار وقفه شده از این وضعیت زندگانی اقتصادی مردم مختل و بهای ارزاقی که باید از

استانهای شمالی به نقاط دیگر کشور حمل شود رو به ترقی روزافزونی نهاده است به علاوه رعایای استانهای شمالی نیز شکایت می‌نمایند که اجناس آنها به واسطه جلوگیری از حمل به نقاط دیگر زمینی مانده و دچار عسرت و زحمت شده‌اند.

۷- حفظ امنیت و آسایش سکنه استانهای شمالی نظر به کافی نبودن قوای تأمینیه ایران و عدم موافقت مقامات نظامی شوروی با نقل و انتقال افراد ارتش و قوای تأمینیه ایران از نقطه به نقطه دیگر دچار اشکال شده به نحوی که ژاندارم نمی‌تواند بدون موافقت مقامات مربوطه شوروی از شهری به شهری منتقل شود و تشریفات تحصیل این موافقت هم بعضاً اصل موضوع را منتفی می‌نماید.

۸- گردش کار ادارات ایران در استانهای شمالی به واسطه نبودن استاندار و فرماندار و سایر رؤسای مستقیم در بعضی از نقاط مختل و متوقف گردیده چون که برای رفتن به محل مأموریت و اجرای وظایف دچار اشکالات می‌شوند.

۹- در خط مرزی ایران و ترکیه که بایستی توسط ژاندارمهای ایران پاسگاه لازم برقرار و رفت و آمدهای مرزی به منظور جلوگیری از سرقت اغنام و احشام تحت بازرسی قرار گرفته کلانتران مرز مسائل مرزی ایران و ترکیه را حل و تسویه نمایند به واسطه نداشتن آزادی عمل همین‌طور موضوع معوق مانده و مراقبت مأمورین دولت از نواحی مزبور سلب شده است.

۱۰- تعقیب و محاکمه اشخاص در استانهای شمالی نظر به مداخلات مقامات شوروی غالباً با مقررات و قوانین کشور وفق ننموده و این مداخلات مخالف استقلال قضایی ایران تلقی می‌شود چنانکه از طرفی در تبعید و مجازات اشخاص که مقامات شوروی نظر خوشی به آنان ندارند تسریع و از طرف دیگر نسبت به کسانی که محل آرامش و موجد بی‌نظمی می‌شوند و باید از آنان جلوگیری بشود ممانعت می‌نمایند.

گذشته از مسائل مذکوره بالا در نتیجه عدم آزادی عمل قوای تأمینیه در استانهای شمالی و اینکه در موقع ضروری و لازم میسر نشده‌است قوای امدادی از مرکز یا جاهای دیگر به یک محلی که بی‌نظمی پیش می‌آید فرستاده بشود گزارشهایی اخیراً از مقامات مربوطه دولت شاهنشاهی رسیده است که شرح آن از این قرار است:

الف - از میانه تلگرافی گزارش داده‌اند شب ۲۳/ ۸/ ۱۳۲۴ در نتیجه اقدامات دسته‌ای که به اسم دموکرات اجتماع نموده‌اند عده‌ای از اهالی قراء در ۱۲ کیلومتری

میانه قریه اونیک جمع بنا به گزارشی که رسیده اظهارات مسافریں پنجاه نفر از آنان که مسلح بوده‌اند جلوی دو کامیون را ساعت ۳ بعد از نصف شب گرفته یک نفر استوار دامپزشکی را پس از کتک خلع سلاح نموده‌اند. غروب با انتشار آگهی میتینگ داده و گزارش رسیده روز ۲۴ و ۲۵ آبان ماه از ترکو و ترکمان حاکی است عده از اهالی قراء منتصب به فرقه نامبرده مسلحانه حاضر شده‌اند مأمورین دولتی را خلع سلاح و در ضمن نسبت به تصرف ادارات اقدام نموده حتی در صدد اغتشاش و تحریکات دیگر هستند. از هر آبادی بیست و پنج نفر که خدمت نظام وظیفه کرده باشند اسم‌نویسی می‌نمایند و آنهایی را که حاضر به شرکت در فرقه نیستند تهدید می‌کنند و به عده هم سلاح می‌دهند و بر طبق آخرین خبری که بعد از ظهر ۲۶ آبان ماه رسیده (۹) همین دسته میانه را تصرف و تمام ژاندارم و پلیس راه آهن را خلع سلاح نموده ادارات دولتی را متصرف و مأمورین را توقیف نموده‌اند.

ب - در شهرستان مراغه عده به وسیله کبیری مسلح شده‌اند. در عجب شیر ژاندارمها را متجاسرین محاصره و پس از زد و خورد دستگیر و خلع سلاح و زندانی نموده‌اند. در قلی کندی عده مسلح به ژاندارمها که جهت تحقیق رفته‌اند تیراندازی ژاندارمها دو نفر مسلح و سیزده نفر غیرمسلح را دستگیر و به مراغه می‌آورند. مقامات شوروی پس از اصرار زیاد به فرماندار باعث می‌شوند دستگیر شده گان به دستور فرمانداری مرخص شوند. کبیری مشغول جمع آوری عده و مسلح نمودن آنها برای حمله به مراغه است. در سراب هم بین اعضای حزب نامبرده اسلحه تقسیم می‌شود. افراد مسلح به عنوان دادن میتینگ می‌خواهند به سراب رفته ادارات را اشغال نمایند. در قریه اونیک بین ترکمان و میانه عده مسلح سیم تلگراف را قطع و اتومبیلها را کاوش و یک نفر استوار که به مرخصی می‌رفته شدیداً کتک زده‌اند و سیمبان را که برای درست کردن سیم رفته مورد تهاجم عده مسلح قرار گرفته فرار نموده است.

ج - از تبریز اطلاع می‌دهند مأمورین شوروی از پاسبانانی که برای مراقبت ساختمان زندان می‌روند جلوگیری می‌نمایند در صورتی که حزب مزبور آزادانه مشغول اقدام است عده را مسلح کرده به بی‌نظمی تحریک می‌کنند مأمورین دولتی هم از اقدامات متقابل مانع می‌شوند. در مذاکراتی هم که بامقامات شوروی برای جلوگیری از این اقدامات می‌شود نتیجه مثبتی به دست نمی‌آید. در شهرهای خوی و ماکو و رضائیه

نیز حال بدین منوال است.

بنا به مراتب منظوره که حتی در اخبار جهانی منعکس شده است و باعث نگرانی دولت شاهنشاهی گردیده و به وزارتخانه‌های مربوطه دستور صادر شده است که در اسرع اوقات استاندار و فرماندار و سایر مأمورین که لازم می‌دانند به پست‌هایی که چندی است به علل مذکوره بلامتصدی مانده اعزام و قوای تأمینیه و ارتش را در حدود احتیاجاتی که برای حفظ امنیت و استقرار نظم بر استانهای مزبور ضرورت دارد تکمیل نمایند لذا وزارت امور خارجه شاهنشاهی به استظهار اینکه دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با امضای پیمان سه گانه تعهد نموده است تمامیت خاک ایران را محترم بدارد و نسبت به ادارات و قوای تأمینیه ایران و زندگانی اقتصادی کشور مزاحمتی ننمایند در این موقع که اوضاع و احوال در استانهای شمالی کشور ایران طوری است که هرگاه توجه عاجلی در جلوگیری از بی‌نظمیها به وسیله اعزام قوای تأمینیه کشور به آن نقاط نشود ممکن است مفاسدی پیش آید که البته مخالف میل دولتین است و چون دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همواره در تحسین روابط خود با ایران ساعی و مقید بوده و هست و دولت شاهنشاهی نیز به حسن‌نیت دولت همجوار و متفق و دولت خود معتقد و مستظهر است از سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی خواهشمند است دستورهای لازمه فوری به مقامات نظامی شوروی صادر فرمایند که با آزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران در استانهای شمالی موافقت نموده و توافق نظر خود را زودتر اعلام دارند و لطفاً از نتیجه اقدامات حسنه که در این باره مبذول خواهند داشت وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند تا با اقداماتی که برای حفظ آرامش و جلوگیری از توسعه بی‌نظمی‌ها لازم است مبادرت شود چه هرگاه دولت شاهنشاهی نتواند به جلوگیری از پیشامدهای نامطلوب مزبور به علت نداشتن آزادی عمل ارتش و قوای تأمینیه ایران موفق گردد بدیهی است آثار ناشیه از آن را حقاً می‌تواند متوجه مأمورین نظامی شوروی بداند.

در خاتمه به استحضار می‌رساند که فعلاً دولت شاهنشاهی برای جلوگیری از توسعه عملیات متجاسرین که نتوانند با دستجات مأمورین تأمینیه مواجهه و قسمتهای کوچک را منفرداً خلع سلاح کنند تصمیم گرفته دو گردان و یک دسته تانک سبک و یک گروهان ژاندارم با لوازم و مهمات از تهران قزوین زنجان به سمت میانه و تبریز

اعزام نماید که قوای تأمینیه استانهای ۳ و ۴ تقویت شوند. بطوری که آقای وزیر جنگ با آقای وابسته نظامی سفارت کبرا در این خصوص مذاکره نموده‌اند خواهشمند است هرچه زودتر مراتب را به مقامات مربوطه شوروی آگهی دهند که از مطلب قبلاً استحضار داشته باشند.

تهران به تاریخ ۲۶ آبانماه ۱۳۲۴

این نامه در جلسه بیست و ششم آبانماه ۱۳۲۴ (هیئت دولت) قرائت و موافقت با ارسال آن گردید.

۲۴/۸/۲۶

رونوشت این نامه به سفارتخانه ایران در لندن، واشنگتن، آنکارا، بغداد، بیروت، قاهره، پاریس، برزیل، برن، دهلی و کابل، استکهلم فرستاده شد.

در اواخر آبانماه چون اوضاع عمومی آذربایجان هر لحظه رو به وخامت می‌رفت و پادگانهای محدود و محصور آن قادر به حفظ ارتباط و همکاری با یکدیگر و برقراری نظم و آرامش و جلوگیری از اقدامات مسلحانه متجاسرین نمی‌شدند علاوه بر یادداشتی که در فوق ذکر آن گذشت، برحسب دستور نخست‌وزیر در ساعت ده و نیم روز ۲۶ آبان وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش وقت با وابسته نظامی سفارت کبرا برای شوروی و معاون او ملاقات نموده و به اطلاع آنان رسانیدند که دولت ایران برای برقراری امنیت و حفظ آرامش آذربایجان که از وظایف مطلقه آن می‌باشد، تصمیم دارد ستونی از مرکز به تبریز اعزام و ستون مزبور حاضر به حرکت است و تقاضا می‌شود مقامات و فرماندهان شوروی را از حرکت ستون مستحضر نمایند. وابسته نظامی در پاسخ اظهار داشت که موضوع به فرماندهی ارتش سرخ در قزوین مراجعه و به محض وصول جواب نتیجه اعلام خواهد شد. در هر حال به علت بحرانی بودن و تیرگی اوضاع ستون مزبور مرکب از دو گردان محمول و یک‌دسته اراکه جنگی از لشکر ۲ و یک گروهان نگهبانی به فرماندهی سرهنگ ۲ امجدی حرکت و شب در کرج توقف و عصر روز ۲۸ آبان به طرف قزوین عزیمت نمود. ولی در ساعت ۱۵ روز بیست و نهم آبان ستون مزبور در شریف آباد به وسیله یک قسمت محمول و رزمی ارتش شوروی با تهدید به تیراندازی

متوقف گشت و همچنین از حرکت سنبه ستون در کرج جلوگیری به عمل آمد. ضمناً سرهنگ اسمیرنوف فرمانده نیروی شوروی همان روز در شریف آباد فرمانده ستون اعزامی را ملاقات کرد و ابلاغ داشت که حرکت ستون به طرف قزوین غیرممکن است و در صورتی که حرکت نمایند این امر عملی خصمانه نسبت به نیروی شوروی تلقی خواهد گردید. بنابراین ستون باید تا دو ساعت دیگر از شریف آباد خارج شود و به تهران معاودت نماید.

فرمانده ستون نیز پاسخ داد که مراتب را به ستاد ارتش گزارش می دهد و منتظر دستور خواهد شد. در روز اول آذرماه از ستاد ارتش به فرمانده ستون اعزامی ابلاغ شد که تا دستور ثانوی و با مراعات اصول تأمینی جلوداران ستون در دیزج و یک گروهان در شریف آباد و بقیه در آبادی های عقب توقف نمایند و چون بالاخره به هیچ طریقی از طرف نیروی شوروی با عزیمت ستون موافقت نشد. ستون مزبور پس از مدتی توقف بیهوده طبق دستور ستاد ارتش در روز ۱۳ آذرماه یعنی دو روز پس از سقوط تبریز به مرکز مراجعت نمود.

وزیر امور خارجه و سفیر کشورهای متحده ایالات متحده در ایران و سفیر این کشور در انگلیس درباره متوقف ساختن نیروهای مسلح ایران اطلاعاتی به قرار زیر می دهند:

تلگرام: ۲۰۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۷۰ - ارفع رئیس کل ستاد ارتش ایران به وابسته نظامی ما اطلاع داده است که ستون نیروهای اعزامی به تبریز در عصر روز ۱۹ نوامبر در حوالی منطقه شرقی قزوین توسط نیروهای مسلح شوروی متوقف شده اند. افسر شوروی تهدید کرده است اگر دستور توقف اطاعت نشود مجبور به تیراندازی خواهد شد. وی اضافه می کند که نخست وزیر

دستور داده است تا خاتمه مذاکره با کاردار شوروی از حرکت ستون خودداری شود. تاخیر در حرکت دسته‌های دیگر از ستون اعزامی از دیروز بعد از ظهر که در کرج متوقف مانده است هنوز ادامه دارد. ارفع اظهار می‌دارد فرمانده دسته اخیر با فرمانده پادگان شوروی در کرج که تعداد افراد آن در چند روز اخیر به پنج یا شش هزار نفر افزایش یافته است، وارد مذاکره شده است.

به شماره ۹۷۰ به وزارت امور خارجه و رونوشت به شماره ۳۷۳ به مسکو و به شماره ۸۱ به لندن ارسال گردید. موری.»

تلگرام: ۲۱۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در بریتانیا (وینانت) به وزیر امور خارجه

لندن. ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۲۲۲۴ - امروز ضمن مذاکره، با کستر، رئیس اداره امور شرق وزارت امور خارجه (انگلیس) درباره وضع ایران، اظهار داشت تاکنون تأییدی مبنی بر متوقف ساختن نیروهای مسلح ایران به وسیله شورویها، دریافت نکرده است ولی اگر این واقعه حقیقت داشته باشد وضع بسیار جدی خواهد بود و سبب آشفتگی خاطر بریتانیا خواهد شد. وی اظهار داشت که تردیدی نیست که در پشت این پرده دست شورویها دخالت دارد ولی در حال حاضر ارائه مدارکی منطقی بر مسکو مقدر نیست.

.....

با کستر ارزیابی مقاصد نهائی شوروی را مشکل می‌دانست ولی اظهار داشت که این امکان هست که پشتیبانی شوروی از اغتشاشات آذربایجان و کردستان حداقل یکی از هدفهای شوروی باشد مانند در فشار گذاشتن ترکیه.

.....

به شماره ۱۲۲۲۴ به وزارت امور خارجه و رونوشت به شماره ۳۰ به تهران ارسال گردید وینانت.»

تلگرام: ۲۳۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۳ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۸۳ - وزارت امور خارجه ایران یادداشت دیگری به سفارت شوروی ارسال

داشته که در تلگرام من به شماره ۹۷۸ مورخ ۲۲ نوامبر مخابره شده است.

نخست‌وزیر از مجلس شورای ملی درخواست کرده است که از مباحثه درباره وضع آذربایجان خودداری نماید زیرا امکان دارد که دولت ایران مذاکرات خود را در محیط آرامی تعقیب نماید و ضمناً اظهار داشت که مذاکرات به نحو مطلوبی پیش می‌رود و امیدوار است به راه‌حلی نائل آید: (هن دلیلی برای صحت ادعای او ندارم، شاید تمایل نخست‌وزیر از اجتناب نطق‌های شدید در مجلس جلوگیری از تحریک شورویها باشد).

.....

وزیر کاپیتن گاگارین معاون وابسته نظامی از طریق کرج به قزوین رفت و در ضمن شاهد نقل و انتقال کامیونهای تدارکاتی ارتش ایران بود که اجازه داشتند در شاهراه مزبور حرکت نمایند ولی تمام اتومبیل‌ها در پاسگاه بازرسی شوروی در کرج متوقف می‌شدند. گاگارین با فرمانده ستون ایرانی که در خارج از قزوین متوقف شده بود مذاکره کرد و فرمانده مزبور گفته ارفع را به این صورت تکرار کرد که شورویها دستور داده‌اند نیرو باید به تهران مراجعت کند فرمانده گفته بود که قبل از حرکت به هرطرف که باشد در انتظار دستور تهران خواهد ماند. گاگارین مشاهده کرده بود که دو زره‌پوش و دسته کوچکی از توپخانه آشکارا علیه پیشروی ایرانیان از مدخل شرقی قزوین حفاظت می‌کنند. سرهنگ بیکر دیروز صبح از کرج دیدن کرد. که در پاسگاهای ژاندارم و پلیس شورویها در دسته‌های چهار یا پنج نفری همراه با آنها از خط تلگراف محافظت می‌کردند. سرهنگ بیکر نتوانست شماره دقیق نیروهای شوروی مستقر در کرج را بفهمد...

با این تفصیل باید تأکید نمایم که گاگارین متوقف ساختن ستون نیروی اعزامی ایران را که محور اصلی بحث کنونی است، تأیید نمود.

موری»

تلگرام: ۲۴۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۴ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۸۹ - بازگشت به تلگرام من به شماره ۹۸۳ مورخ ۲۳ نوامبر. با توجه به سفر گآگارین به قزوین بدون تردید متوقف شدن نیروهای ایرانی توسط مقامات شوروی حقیقت دارد (بازگشت به شماره ۶۴۲ مورخ ۲۲ نوامبر) حتی کاردار شوروی هم در مذاکره با من (مفاد تلگرام من به شماره ۹۸۲ مورخ ۲۳ نوامبر) ادعا نکرد که برای پیشروی ستون اعزامی ایران اجازه اقدام داده شده است. صرفنظر از ظواهر امر و اطلاعات کسب شده از ستاد کل ارتش و وزارت امور خارجه ایران ترجیح می‌دهم توجه وزارت متبوع خود را به موارد متعددی از گزارشهای این سفارت جلب نمایم که طبق مفاد آنها از اقدام واحدهای ارتش و ژاندارمری برای ورود به داخل منطقه شوروی جلوگیری به عمل آمده است (در این زمینه به تلگرام مخصوص سفارت به شماره ۱۸۸ مورخ ۱۷ مارس و سایر گزارشها در این باره رجوع کنید). از بدو ورود خود به تهران در این مورد هر هفته از منابع رسمی ایران گزارشهایی دریافت کرده‌ام... و من فکر می‌کنم که با توجه به سابقه قبلی شوروی در این موضوع نباید هیچ تردیدی در پذیرفتن گزارشهای مقامات خودی و یا سایر منابع به خود راه دهیم.

به این نکته نیز اشاره می‌کنم که هنوز هم برای مسافرت مقامات دیپلماتیک امریکا به تبریز از طرف مقامات شوروی اجازه‌ای صادر نشده و به درخواستهای من در این خصوص پاسخی نرسیده است. کمترین نشانه برای اظهار مطلب و ایجاد بدگمانی شدید اکراه شوروی در این زمینه است. موری»

جلوگیری از اعزام نیروی کمکی تهران به وسیله ارتش استالین و اطمینان از اینکه هیچ مانعی برای اجرای دستور اربابان خود در میان نیست پیشه‌وری و اتباع و حزب او را بر آن داشت که یکباره نقاب از چهره کریه و پلید خویش بردارند و نغمه شومی را که از مدتها پیش ساز کرده بودند یکباره علنی نمایند. بنابراین رهبر خائن فرقه دموکرات کنگره‌ای به اصطلاح ملی از تاریخ ۲۹ تا ۳۰ آبان در شهر تبریز تشکیل داد و به صدور اعلامیه ذیل که مفاد آن خواندن فاتحه آذربایجان و جدائی آن از سرزمین

مادری بود، مبادرت ورزید.

اعلامیه (دکاراسیون) کنگره ملی آذربایجان^{۲۲}

کنگره ملی که از نمایندگان تمام شهرستانها و بخشهای آذربایجان در تاریخ ۲۹ - ۳۰ آبان ۱۳۲۴ در شهر تبریز تشکیل یافته در چهارمین جلسه خود به اتفاق آراء تصمیم گرفت با اعلامیه زیر به حکومت مرکزی ایران و دول منظم دموکراسی جهان (امریکا، انگلستان، اتحاد جماهیر شوروی، فرانسه و چین) مراجعه نموده درخواستهای مشروع و قانونی خود را که رئوس آن در مواد زیر قید شده است اعلام نماید.

۱- مردم آذربایجان در اثر علل و حوادث بیشمار تاریخی که ذکر آن از گنجایش این اعلامیه خارج است دارای ملیت، زبان و آداب و رسوم و خصوصیات است که به او حق می‌دهد مانند تمام ملل عالم با مراعات استقلال و تمامیت ایران طبق منشور آتلانتیک در تعیین سرنوشت خود آزاد و مختار باشد.

۲- نظر به علاقه و روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که ملت آذربایجان با مردمان سایر ایالات و ولایات ایران دارد و نظر به فداکاریهای بیشماری که آذربایجان در تأسیس و ایجاد ایران کنونی به خرج داده‌اند (در واقع مؤسس آن بوده‌اند) بنابراین برای

۲۲- آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران.

عنوان اصل تلگراف هیئت رئیسه مجلس مؤسسان فرقه دموکرات به این قرار است: تلگراف لندن - شورای وزیران خارجه

جناب برنس Mr. A.Cx.Byrons وزیر خارجه امریکا

جناب بوین Mr. Beween وزیر خارجه انگلستان

جناب مولوتف Mr. Molotov وزیر خارجه اتحاد جماهیر شوروی

جناب بیدو Mr. Bidoux وزیر خارجه فرانسه

جناب ونگ شه‌شیه Mr. Wang She Shieh وزیر خارجه چین

پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه

جناب آقای سید محمدصادق طباطبائی رئیس مجلس شورای ملی

جناب آقای ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر

(کمونیسم در ایران با تاریخ مختصر فعالیت کمونیستها در ایران. تألیف: سرهنگ علی زیبایی، صفحه

حفظ استقلال و تمامیت آن به هیچ وجه حاضر نیستند تقاضای‌های مشروع خود را روی اساس تجزیه آن قرار داده به مرزهای آن خلل وارد آورد.

۳- ملت آذربایجان با تمام قوای خود خواهان رژیم دموکراسی است که در ایران به شکل مشروطیت و حکومت ملی می‌باشد.

۴- ملت آذربایجان مانند ساکنین تمام نقاط ایران در اداره امور اجتماعی و حکومت مرکزی با فرستادگان نمایندگان خود به مجلس شورای ملی و ادای مالیات عادلانه شرکت خواهد نمود.

۵- ملت آذربایجان رسماً و علناً اعلام می‌دارد که مانند سایر ملل زنده عالم حق دارد برای اداره امور ملی و داخلی خود با مراعات تمامیت ایران حکومت ملی محلی تشکیل بدهد و این حکومت می‌تواند با مراعات استقلال و تمامیت کشور ایران آذربایجان را طبق اصول دموکراسی و حاکمیت ملی اداره نماید.

۶- ملت آذربایجان در راه آزادی و دموکراسی زحمات فراوان کشیده و قربانیهای بیشمار داده است. بنابراین می‌خواهد حکومت خودمختار اوروی اساس دموکراسی حقیقی استوار شود. از این جهت طبق نظامنامه داخلی که به تصدیق کنگره ملی رسیده است مجلس ملی داخلی خود را انتخاب می‌نماید و نیز لازم می‌داند که حکومت ملی داخلی آذربایجان از میان نمایندگان مجلس ملی انتخاب شود و در مقابل آن مسئول باشد.

۷- ملت آذربایجان مخصوصاً به زبان ملی و مادری خود علاقه دارد تحمیل زبان دیگر او را تا به حال از کاروان تمدن و ترقی بازداشت و جلو فرهنگ ملی آن را مسدود نموده است. برای جلوگیری از این تحمیل ناروا و برای تأمین وسایل ترقی آذربایجان کنگره ملی به هیئت ملی دستور داده است هرچه زودتر زبان آذربایجانی را در دوایر دولتی مرسوم و تدریس آن را در تمام مدارس اعم از ملی و دولتی عملی نماید.

۸- کنگره ملی که با امضاء و شرکت یکصد و پنجاه هزار نفر و با نمایندگی هفتصد نفر از نقاط مختلف آذربایجان تشکیل یافته طبق اراده ملت آذربایجان خود را مجلس مؤسسان نامیده برای اداره امور داخلی آذربایجان هیئتی عبارت از سی و نه نفر انتخاب و به آنها اختیار داده است برای عملی کردن منظور تدابیر لازمه را اتخاذ و با مقامات صلاحیتدار داخل مذاکره شوند و ضمناً انتخابات مجلس ملی آذربایجان و

مجلس شورای ملی را عملی سازند.

در خاتمه کنگره نظر اولیای دولت ایران و دول بزرگ دموکرات جهان را به مراتب فوق جلب نموده اظهار می‌دارد که برای اجرای منظور فوق از راه تبلیغات و تشکیلات اقدام نموده حاضر نیست به هیچ‌وجه به نزاع و برادرکشی اجازه بدهد ولی اگر دولت مرکز بخواهد حق مشروع او را با زور اسلحه و قهر و غلبه از بین ببرد ناچار به هر قیمتی باشد از حقوق خود مدافعه خواهد کرد و تا آخرین نفر در راه تحصیل مختاریت ملی خود مبارزه خواهد نمود.

مجلس مؤسسان به هیئت ملی اختیار داده است که برای تأمین مختاریت آذربایجان با مقامات صلاحیتدار داخل مذاکره شده قضیه را از راه صلح و مسالمت حل نماید ولی هیئت ملی به هیچ‌وجه حق ندارد از حق مختاریت محلی و حکومت ملی صرف‌نظر کند و یا بر علیه تمامیت و استقلال ایران اقدام نماید.

آرزومندیم تمام دنیای دموکراسی بدانند که در دنیا ملتی وجود دارد که حاضر شده است با تمام توانائی از خود مدافعه کرده و در گوشه آسیا علم آزادی و دموکراسی حقیقی برافراشته و می‌خواهد با نیروی ملی خود آزادی خویش را تأمین نماید و نیز انتظار داریم مقامات صلاحیتدار کشور ایران و دول بزرگ دموکراسی جهان در عملی کردن منظور ملی ما از مساعدت نوع‌پرورانه خود که پایه آن روی منشور آتلانتیک گذاشته است مضایقه نفرمایند.

با احترامات فائقه - هیئت رئیسه کنگره ملی (مجلس مؤسسان ملی) آذربایجان.
پیشه‌وری - رفیعی - دکتر جاوید - قیامی - شبستری - جودت - مکرم ترابی -
بی‌دیا - ضیائی - حاج مصطفی داودی - سیدموسی - حاجی عظیم خادم ملی - شیخ
موسی کیوانی - وثوق - دیلمقانی

محل مهر (آذربایجان ملی هیئت)

اول آذر ۱۳۲۴

۹- پس از انتشار متن اعلامیه کنگره آذربایجان گوئی که ایران و ایرانی در شعله‌ای از آتش سوزان فرو رفت. دلها از فرط تأثر و غم و اندوه به طپیدن افتاد و با از دست رفتن خطه زرخیز و آباد و سرسبز پرافتخار آذربایجان و بدنی که سر او را از تن جدا کرده باشند اشکها از چشمان فرو ریخت. زبانها و قلمها نظماً و نثراً از گوشه و کنار کشور پهناور و باستانی ایران بکار افتاد و هریک به فراخور حال این ضایعه اسفناک را به فلک و ملت ایران تسلیم گفتند. در اینجا موقع را مغتنم شمرده یکی از دهها خاطرات خود را طی هشتاد سال زندگیم که خود حاضر و شاهد و ناظر آن بودم در این دوره تاریک و غم‌افزا متذکر می‌شوم. جریان این خاطره از این قرار بود:

«با اینکه در آن زمان شاغل مقامی نبودم و تنها شغلم استادی دانشگاه و معاونت دانشکده ادبیات و دانش‌سرای عالی بود با همسرم به محل دانش‌سرای مقدماتی در خیابان روزولت دعوت شدیم. در این مجلس شاه ایران، محمدرضا شاه، که تازه به تخت سلطنت نشسته بود با تمام هیئت دولت و مقامات عالیرتبه مملکتی و سران سپاه و افسران بلندپایه حضور داشتند. در این زمان صدرا لاشراف (صدر) نخست‌وزیر بود. مذاکرات تماماً در اطراف آذربایجان و وقایع شومی که در آن سرزمین می‌گذشت مخصوصاً اعلام اعلامیه کنگره آذربایجان دور می‌زد. نخست‌وزیر و مسئولین امر هریک ضمن گزارشهایی که می‌دادند پیشنهادهایی ارائه می‌دادند»

* * *

جلسه ادامه داشت. در موقع رفتن شاه ناگهان آوای موسیقی برخاست و سرودی که با «ای آذربایجان» شروع می‌شد و به وسیله شادروان فقید دانشمند حسین گل‌گلاب استاد دانشگاه سروده شده بود توأم با موسیقی شروع به خواندن کرد. شاه و حضار در مجلس گوئی در جای خود می‌خکوب شدند. با ادامه این سرود (که متأسفانه متن آن را به یاد ندارم) یکباره اشک از چشمان تمام اهل مجلس به پائین سرازیر گردید. دستمالها از جیب‌ها بیرون آمد و به پاک کردن اشک‌های روان مشغول شدند. به راستی غم و اندوه سراسر مجلس را فرا گرفت و در غرای آذربایجان عزیز از دست رفته به سوگواری پرداختند و به همین ترتیب مجلس خاتمه یافت.»

از اقدامات دولت و اعتراضات مجلس شورای ملی و روحانیان و طبقات مختلف

در رفع این غائله مفصلاً در این کتاب گفتگو شده است احتیاج به تکرار نیست. ولی برای تأیید این ناراحتی لازم آمد قصیده‌ای را که شادروان مهدی حمیدی از سوز دل که نمایانگر مکنونات قلبی قاطبه ملت ایران است سروده، بطور اختصار به این مناسبت در اینجا متذکر شویم:^{۲۳}

«غوغای آذربایجان»

می‌کشد آتش زبان از نای آذربایجان شعله‌ای از دامن تبریز می‌آید برون اژدری آتشفشان می‌غرد از رود ارس سهمگین جاناوری دندان گشاده چون صدف	کوز می‌دارد دل مینای آذربایجان سخت می‌پیچد به دست و پای آذربایجان در هوای گیج گوهرزای آذربایجان دردهان خواهد دریکتای آذربایجان
باز می‌آید ز آذربایجان بانگ رحیل چون خروس بی‌محل بی‌گاه می‌خواند مدام این نوای وحشت‌افزا از دل تبریز نیست	وای از این بانک جانفرسای آذربایجان غرفه می‌خواهد به خون بالای آذربایجان نیست در وی بوی جان‌افزای آذربایجان
خلق آذربایجان در عشق ایران آتشند این دم‌سردی که بینی زان دهان گرم نیست	کی ز آتش سرزند سرمای آذربایجان زردروئی ناور، خضرای آذربایجان
گر ندیدی رای کس را پای حکم قتل او گر ندیدی کس که او امضا به مرگ خود دهد گر ندیدی پیشتر از مردنی غوغای ارثی	شهر آذربایجان، بین رای آذربایجان زیر این فرمان بخوان امضای آذربایجان ناخوشی ایران ببین، غوغای آذربایجان
می‌زنند فرزند ایران لاف عشق اجنبی کار آذربایجان از این سخن‌ها درگذشت	می‌کند ننگین رخ زیبای آذربایجان دردل این ملک خالی جای آذربایجان

آنکه آذربایجانش زخم‌ها بر جان نهاد پخته در سر این زمان سودای آذربایجان
 پس چه شد آن غیرت و جانبازی آباء پیر کان‌چو میراثی است بر انبای آذربایجان
 ما به آذربایجان نرد وفا می‌باختیم عشق تا بودو دل والای آذربایجان
 وای ایران، وای ایران وای آذربایجان جان‌من با جان آذربایجان همناله بود
 گرنبودی «دست‌نامحرم» در این غوغا پدید سر نهادم بر سر غوغای آذربایجان
 گرنبود از «مجلس تبریزی ملی» حدیث جان‌ما بودو دم بویای آذربایجان
 گرنبود از «انحصار لهجه ترکی» سخن ترک‌وتا جیکی نبود الای آذربایجان
 این علامت‌ها نشان دشمن و بیگانه است بشنو از من این سخن آی آذربایجان
 چشم ایران با امیدی خیره در این تیرگی است بر شب آبستن و فردای آذربایجان

تهران ۲۴/۹/۲۴

در تعقیب اعلامیه مجلس مؤسسان کنگره بلافاصله این قطعنامه را صادر کرد^{۲۴}:

قطعنامه کنگره ملی:

- ۱- در حالی که در نتیجه فداکاری ملل بزرگ دموکراتیک سهمگین‌ترین نیروهای زورگویی و برتری نژادی سرکوب شده است [مقصود شکست آلمان نازی است] خلق آذربایجان به تمام معنی مانند یک ملت قیام کرده می‌خواهد به نیروی خویش حق قانونی و طبیعی خود را به دست آورد.
- ۲- خلق ما برای جلوگیری از سوءتفاهم و نهمت‌ها در حالی که مقدرات خویش را به دست می‌گیرد جدا نشدن آذربایجان را از ایران اعلام کرده و حفظ روابط برادرانه ما با عموم خلق ایران را وظیفه خود می‌داند.

۲۴- کمونیزم در ایران از اوایل مشروطیت تا فروردین ماه ۱۳۴۳، سرهنگ ستاد: علی

زبانی صفحات: ۳۰۴ - ۳۰۵ (حاشیه)

۳- کنگره ملی برای جلوگیری از افتراآت و تهمت‌های دشمنان آزادی به صورت واضح و آشکار انتشارات مربوط به جدا شدن آذربایجان از ایران و یا الحاق او به مملکت دیگر را جداً تکذیب می‌کند.

۴- خلق آذربایجان نسبت به اصول مشروطیت وفادار مانده و برای اجرای اصل‌های دموکراتیک قانون اساسی جدید خواهد کرد.

۵- خلق آذربایجان با مراعات قوانین عمومی مشروطه به منظور اداره امور داخلی خویش و تأمین خودمختاری ملی از قانون اساسی استفاده کرده تشکیلات انجمن ایالتی را کمی توسعه داده به آن نام مجلس ملی می‌دهد و در داخل ایران بدون اینکه به تمامیت و استقلال ایران کوچکترین خللی وارد سازد حکومت ملی خود را به وجود می‌آورد.

۶- به موجب قطعنامه‌های صادره از طرف شرکت کنندگان در میتینگ‌های عظیم خلق، کنگره خلق آذربایجان مقرر می‌دارد که تحت رهبری فرقه دموکرات آذربایجان انتخابات مجلس ملی و انجمن ولایتی و مجلس شورای ملی به فوریت آغاز شود.

۷- حاکمیت هر ملتی در تعیین سرنوشت خویش هنگامی امکان‌پذیر می‌باشد که آن ملت برای اداره کردن مرز و بوم خود دارای قوانین اساسی باشد و ما خوب می‌دانیم که مرتجعین متمرکز در تهران به خلق ما این اختیار را نخواهند داد بلکه به منظور تحمیل ارادهٔ خائنانه خویش از ایجاد موانع در راه ما فروگذار نخواهند کرد بنابراین کنگره بزرگ خلق برای عملی ساختن آرزوها و مطالبات خویش قدم جدیدی برداشته خود را مجلس مؤسسان اعلام می‌دارد و برای اینکه خودمختاری ملی ما بر پایه محکم قرار بگیرد مجلس ملی به وجود می‌آید.

۸- طبیعی است که بدون داشتن خودمختاری ملی، اقتصادی و فرهنگی، خودمختاری ملی حرف پوچ خواهد بود از این نظر مجلس مؤسسان لازم می‌داند بی‌درنگ یک حکومت ملی به وجود آید و امور داخلی ما به وسیله این حکومت اداره شود.

۹- تا روزی که انتخابات مجلس ملی پایان یافته و حکومت ملی رسمیت پیدا کند کنگره از بین نمایندگان خود هیئتی مرکب از ۳۹ نفر به نام هیئت ملی انتخاب می‌کند و اجرای قرارهای صادره را به این هیئت موقت می‌سپارد.

۱۰- این هیئت ملی تا روز تشکیل مجلس ملی امور ملی خلق آذربایجان را اداره

خواهد کرد و به محض تشکیل مجلس ملی وظایف او خاتمه خواهد یافت.

۱۱- کنگره ملی به منظور تأمین انتخاباتی که در مرکز و شهرستانها آغاز می‌شود به منظور تأمین امنیت هیئت ملی به هیئت مذکور برای اتخاذ هرگونه تدابیری اختیارات وسیعی می‌دهد.

۱۲- کنگره ملی از مأمورینی که در رأس ادارات دولتی قرار دارند می‌خواهد تابع هیئت ملی شده و راهنماییهای او را اطاعت کنند و اخراج کسانی را که برخلاف این رفتار کرده و بخواهند خود را حاکم مطلق نشان دهند از ادارات دولتی لازم می‌داند.

۱۳- کنگره ملی تدریس اجباری زبان آذربایجانی را در کلیه مدارس به هیئت ملی می‌سپارد و مقرر می‌دارد کسانی را که مانع انجام این وظیفه ملی باشند دشمن خلق آذربایجان به حساب آورده به منظور جلوگیری از حرکات ارتجاعی و خائنانه آنها تدابیر جدی اتخاذ نماید.

۱۴- کنگره در فکر منحل ساختن تشکیلات پلیس و ژاندارمری و ارتش نیست. این سازمانها با حفظ لباس رسمی و درجات به انجام وظیفه خود ادامه می‌دهند. لیکن اگر از طرف اداره کنندگان آنها علیه خودمختاری ملی ما عملی سرزند به هیئت ملی اختیار داده می‌شود که به منظور جلوگیری از خیانتهای آنها تدابیر جدی اخذ کند.

(نقل از کتاب ترکی «شهر یورین اون ایکی سی ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵» صفحه

۳۴۶ تا ۳۴۷)

دولت استالین پس از اینکه اطمینان حاصل کرد که کنگره قلابی ملی آذربایجان مقاصد وی را عملی کرده پس از نه روز جواب یادداشت مورخ ۲۶ آبانماه وزارت امور خارجه را داد که تفصیل آن به این قرار است:^{۲۵}

یادداشت شماره ۵۲۶ مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ سفارت شوروی که ساعت ده و نیم روز پنجم آذر ۱۳۲۴ به دفتر اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه تسلیم شد.

سفارت کبرای دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی با اظهار تعارفات خود

به وزارت امور خارجه ایران در پاسخ یادداشت شماره ۵۳۷ مورخ نوامبر ۱۹۴۵ افتخار دارد مطالب زیر را اطلاع بدهد. اظهار وزارت امور خارجه در اینکه مأمورین شوروی در امور داخلی ایران دخالت می‌نمایند صورت عملی پیدا نکرده و با حقیقت امر وفق نمی‌دهد. همچنین موضوع مساعدت مقامات شوروی به کردها نسبت به فعالیت‌های سیاسی کردها در آن نواحی به کلی بی‌اساس است و مخصوصاً مقامات شوروی هیچگونه رابطه با فعالیت‌های رؤسای کردها مقیمین استان ۴ (مهاباد) نداشته‌اند و نیز در امر عبور مصطفی بارزان از خاک عراق به ایران که در یادداشت وزارت امور خارجه به آن اشاره شده هیچگونه دخالتی ننموده‌اند.

به سفارت کبرای شوروی بدون تردید معلوم است که نمایندگان شوروی تقاضای آزاد نمودن احدی را که از طرف ژاندارمها در قلی‌کندی بازداشت شده و در یادداشت وزارت امور خارجه اشاره شده است، ننموده‌اند و همچنین موضوع بازداشت متحفظین نظامی ایرانی که در تبریز به طرف بنای زندان می‌رفتند از طرف مقامات شوروی وقوع نیافته است. تأیید به اینکه مقامات شوروی از رفت و آمد اتباع ایران در استانهای شمالی ممانعت می‌نمایند با حقیقت امر وفق نمی‌دهد بدیهی است که ترتیب صدور جواز موقع رفت و آمد به نقاط شمالی ایران که نیروی شوروی در آن نقاط توقف دارند مربوط به افراد کشورهای ثالث می‌باشند.

تأیید یادداشت وزارت امور خارجه راجع به اینکه مأمورین شوروی در زندگانی اقتصادی استانهای شمالی مداخله می‌نمایند بی‌اساس می‌باشد. از طرف دیگر واضح است که دولت شوروی طبق وظیفه دوستی خود در ماه مه ۱۹۴۳ در سخت‌ترین مواقع حتی برای دولت شوروی ۲۵ هزارتن گندم برای اهالی پایتخت ایران - تهران، به ایران مساعدت کرد.

تشکیلات بازرگانی شوروی با وارد نمودن کالاهای دیگر خود وضعیت پخش کالا را برای اهالی ایران در موقع جنگ بهبودی بخشید.

بدیهی است که از نبودن استاندارها و سایر کارمندان دولتی در استانهای شمالی مسئولیتی متوجه دولت شوروی نمی‌شود. اما آنچه مربوط به عزیمت این کارمندان به محل مأموریت است در این خصوص تشکیلات حمل و نقل شوروی همواره با دولت ایران مساعدت نموده است، یعنی چند روز پیش سفارت شوروی در تهیه هواپیما برای عزیمت

آقای بیات استاندار تبریز، مساعدت خود را ابراز داشته است.^{۲۶}

وزارت امور خارجه بدون نظر عمیقانه موضوع حفاظت مرزهای ایران و ترکیه را مطرح می‌نماید. مقامات مربوطه ایران کراراً به اطلاع مأمورین شوروی رسانده‌اند که استقرار پاسگاههای مرزی در مرز ایران و ترکیه برای مقامات مزبور اشکال فوق‌العاده دارد و در موقع خود از حفاظت این مرز با وجود اصرار و پیشنهاد مکرر مأمورین شوروی در این خصوص استنکاف ورزیده‌اند. با این وضعیت اعتراضات وزارت امور خارجه را

۲۶- راجع به این موضوع به این سند مراجعه شود:

دفتر وزارتی

از تهران به وزارت امور خارجه

سر. آر. بولارد

شماره ۱۲۹۸ فوری

۲۲ نوامبر ۱۹۴۵

بازگشت به تلگرام ۱۲۹۲ خ

اعتراض نخست‌وزیر راجع به متوقف ساختن نیروهای ایرانی در حقیقت تا صبح امروز به سفارت شوروی ارسال نشده است. هرچند که هیچ ملاحظه‌ای از طرف روسها مبنی بر درخواست اجازه عبور نیروها به عمل نیامده است.

مقامات شوروی پیشنهاد نموده‌اند بیات استاندار جدید آذربایجان را به وسیله هواپیمای روسی به تبریز ببرند. اقدام روسها در این پیشنهاد هیچگونه خطری را متوجه آنان نمی‌کند زیرا بیات یکی از اشخاص... ایران است زمانی که با دموکراتها که مجهز به استدلال هستند مواجه شوند تنها [۹۰۰] خود را ابراز خواهد داشت. به علاوه استانداری که فاقد وسایل ارتباطی با دولت متبوع خویش باشد ناچار اقداماتش بلااستفاده خواهد ماند. خط بی‌سیم آسیب‌دیده متعلق به فرمانده لشکر تبریز فقط می‌تواند جوابگوی پیامهای بسیار محدودی باشد، خط تلگرافی هم که تاکنون بدون مصرف افتاده ارتباطش با مرکز قطع است.

وزارت امور خارجه...

رونوشت به مسکو، حکومت هند، اداره خاورمیانه، قاهره، بغداد

(لندن) (P.R.O. No 899 E)

راجع به نبودن پاسگاههای ژاندارم در مرز ایران و ترکیه نمی‌توان صحیح تلقی نمود. اظهار مبنی بر اینکه گویا مقامات شوروی در امور قضائی ایران دخالت نموده و مانع از اجرای کیفر قانونی نسبت به اتباع ایران بوده‌اند نظر به بی‌اساس و مخالف بودن آن با حقیقت امر باعث تعجب می‌گردد^{۲۷} و از طرفی هم نمی‌توان از نظر دور داشت که مأمورین محلی ایرانی کراراً در موضوع پیدا کردن عناصر تبه‌کار موانعی به وجود آورده

۲۷- برای رد اظهار سفارت کبرای شوروی به ذکر این سند مبادرت می‌ورزد:

شماره ۲/۵۱۳/۲۷۷۹

مورخ ۱۳۲۱/۸/۳

وزارت امور خارجه

بادداشت

وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار و پیرو مذاکرات شفاهی آقای کیهان رئیس اداره دوم سیاسی با آقای سولی دبیر نخست سفارت کبری مراتب زیر را اطلاع می‌دهد. طبق گزارش مقامات صلاحیتدار در اغلب موارد که از طرف نیروی سرخ شکایات و اطلاعاتی در خصوص سرقتها و مرافعات عادی و یا موضوعات دیگر به شهربانی و دادگستری‌ها مخصوصاً شهربانی و دادگستری گرگان می‌شود با اینکه کمال سعی و جدیت در انجام امر به عمل می‌آید معذک فرصت کافی برای رسیدگی به قضیه نمی‌دهند و به محض اعلام امری نتیجه را خواستار و صدور حکم را در موضوعی که مراجعه نموده‌اند تقاضا می‌نمایند. لازم به تذکر نیست که اینگونه مراجعات مستلزم تحقیقات و جمع‌آوری دلائل و انجام تشریفات قانونی است که باید طبقاً جریان قانونی خود را سیر نماید. این موضوع علاوه بر اینکه به امور انتظامات و قوانین جاری کشور و امنیت داخلی لطمه وارد می‌آورد موجب اتلاف وقت کارمندان دوایر دولتی نیز می‌گردد. خواهشمند است به مقامات مربوطه نیروی شوروی عموماً در گرگان خصوصاً دستور لازم صادر فرمایند که از عجله و شتاب در تعقیب قضایا خودداری نمایند تا مقامات قضائی و شهربانی‌ها می‌توانند به وظایف قانونی خود عمل نموده منظور و مقصود را از راه جریان اداری انجام دهند و از هر اقدامی که در این باره به عمل می‌آورند وزارت امور خارجه را آگاه فرمایند. معاون کل وزارت امور خارجه

محمدعلی همایونجاه

سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

و قضات محلی نیز مکرر آنان را تبرئه کرده و با اینکه بر علیه افراد مخالف نظم و آسایش در نواحی محل اقامت نیروی شوروی و مرتکبین سرقت اموال نظامی شوروی و حتی قاتلین افراد مأمورین نظامی شوروی دخالت در جریان قضائی ایران را پیش نگرفته و منافع اتباع و مؤسسات شوروی را طبق قوانین جاریه ایران خواستار بودند و مسلم است که مأمورین شوروی نمی‌توانستند از جریان بازجوئی و طرد دادرسی که به وسیله مأمورین ایرانی نسبت به ایرانیانی که مرتکب تبہکاریهای مهم بر علیه پاره‌ای از مأمورین شوروی و نظامیان آن شده بودند صرف‌نظر نمایند. معذک این امر را به هیچ‌وجه نمی‌توان دخالت در امور دادرسی (قضائی) ایران تلقی نمود.

در یادداشت وزارت امور خارجه راجع به فعالیت پاره‌ای از دستجات سیاسی ایران در استان‌های شمالی ایران از جمله راجع به حوادثی که در میانه و مراغه رخ داده است اشعار شده است و یادداشت مزبور آنها را به حزب دموکرات آذربایجان نسبت می‌دهد. اطلاعاتی که سفارت شوروی در دست دارد مسائل مزبور را که در یادداشت بالا درج شده بود تأیید نمی‌نماید.

در هر حال حوادث استان‌های شمالی ایران که با فعالیت احزاب سیاسی بستگی دارد محققاً از مسائل داخلی ایران است. مأمورین شوروی و مقامات نظامی آن در زندگی سیاسی داخلی استانهای شمالی دخالت ننموده و نمی‌نمایند.

لذا سفارت شوروی اهتمامی را که در انتقال مسئولیت و وقوع این حوادث از مقامات ایران به مأمورین شوروی که به هیچ‌وجه در این حوادث دخالتی ندارند به عمل می‌آید، جداً رد می‌کند.

چون وزارت امور خارجه برای تأیید اظهارات خود لازم دانسته به پیمان سه‌گانه متکی شود سفارت ناگزیر است اشعار دارد که پیمان نامبرده مورخ ۱۹۴۲ کاملاً و دقیقاً از طرف شوروی رعایت می‌شود و در عین حال سفارت ناگزیر است خاطرنشان نماید که پیمان مزبور در آن قسمت که مربوط به تأمین امنیت داخلی خاک ایران می‌باشد غالباً از طرف مأمورین ایرانی رعایت نمی‌شود و رفتار پاره‌ای از مأمورین دستجات نظامی و ژاندارم با وضعیت برقراری امنیت در حوزه مأموریتی که اعزام می‌شوند مناسب نبوده و این موضوع به موقع خود در یادداشت شماره ۳۶۲ مورخ ۲۰ اوت ۱۹۴۴ و سپس در مکاتبات سفارت شوروی اشعار شده است. اطلاعاتی که سفارت در دست دارد شاهد

آنست که اخیر پاره‌ای از مأمورین ژاندارمری ایران نه فقط برای برقراری امنیت و نظم استانهای شمالی ایران کمکی نکرده‌اند بلکه بیشتر از در نتیجه رفتار خود باعث وقوع حوادث نامطلوبی بین سکنه محلی شده‌اند.

راجع به اظهارات آنوزارت مبنی بر ورود نیروی نظامی تکمیلی به استانهای شمالی ایران سفارت شوروی آن وزارت را به شکایت زیر متوجه می‌سازد.

با در نظر گرفتن اینکه از هرگونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید احتراز کرد و این موضوع با ورود نیروی نظامی تازه ایرانی به استانهای شمالی ایران بستگی دارد. دولت شوروی در این موقع انجام این امر را صلاح نمی‌داند و باید در نظر گرفت که چنانچه نیروی تازه علاوه بر ارتش منظم ایرانی و ژاندارم که در نواحی مزبور می‌باشد وارد شود آنگاه این عمل باعث اغتشاشات و خونریزی در استانهای شمالی ایران خواهد گردید و به این مناسبت دولت شوروی هم ناگزیر است که به منظور حفاظت نظم و تأمین امنیت برای پادگان شوروی نیروی تکمیلی خود را به ایران وارد نماید چون دولت شوروی به ورود نیروی تکمیلی خود به ایران مایل نیست به این لحاظ ورود نیروی تکمیلی ایران را به استانهای شمالی ایران در این موقع صلاح نمی‌داند.

باوصول یادداشت سفارت کبرای اتحاد شوروی، دولت ایران با توجه به طرز دفاع و منطقی که در آن یادداشت بکار رفته بود دانست که قضایای آذربایجان از صورت واقعه داخلی و حتی حادثه مورد توجه ایران و شوروی خارج گردیده و به صورت مسئله بین‌المللی درآمده است. بنابراین یادداشتهای دیگری که هر دوی آنها در تاریخ ۵ آذرماه ۱۳۲۴ یکی به صورت جوابیه یادداشت سفارت کبرای شوروی^{۲۸} و دیگری نبودن سفارتخانه‌های شوروی و آمریکا و انگلیس^{۲۹} بود به قرار زیر صادر کرد: وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارف خود را به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار و درپاسخ یادداشت ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ پنجم آذرماه ۱۳۲۴ شماره ۵۲۶ محترماً مراتب زیر را به استحضار می‌رساند:

۲۸- مرگ بود بازگشت هم بود. صفحات ۴۲ - ۴۴.

۲۹- آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

از مندرجات یادداشت جوابیه که مرقوم فرموده‌اند دخالت مأمورین شوروی در امور داخلی ایران در استانهای شمالی حقیقت ندارد نظر به اینکه وزارت امور خارجه فعلاً نمی‌خواهد توضیحات بیشتری در این باره بدهد و سوابق امر را کاملاً روشن نماید و از آنچه اشعار داشته‌اند معلوم می‌شود من بعد اقدامات مزبور تکرار نخواهد شد اظهار خوشوقتی می‌نماید و از اینکه اشعار داشته‌اند که مأمورین شوروی مقررات پیمان سه گانه و اعلامیه سران سه کشور بزرگ و متحد ایران را که در تهران امضا و انتشار یافته کاملاً محترم می‌دارند اظهار مسرت می‌نماید.

وزارت امور خارجه امیدوار است با مساعدت آن سفارت کبری در ضمن تخلیه سریع و کامل خاک ایران از نظامیان شوروی که همین انتظار را از دو دولت دوست و متحد دیگر نیز داریم دیگر از اینگونه اقدامات از طرف مأمورین نظامی شوروی در استانهای شمالی صورت نیابد تا دوستی خلل ناپذیر ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روز به روز افزون شود. و اینکه اشعار داشته‌اند دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسئول عواقب وخیم نبودن مأمورین ایران در نقاط لازمه استانهای شمالی نیست لزوماً به استحضار آن سفارت کبری می‌رساند وجود مأمور در صورتی مفید و موثر است که قوای تأمینیه در اختیار استانها و شهرستانها بوده و نقل و انتقال قوای مزبور هم از محلی که مورد احتیاج نیست به نقطه مورد احتیاج میسر باشد. اگر مأمورین رسمی دولت دست بسته و محصور و آنها که در صدد ایجاد ناامنی هستند آزاد باشند و قوای تأمینیه کشور هم آزادی عمل و ارتباط با مرکز نداشته باشند طبعاً سلب امنیت از مردم شده و مأمورین دولت مانند سایر اهالی استانهای شمالی در معرض خطر تجاوز و تعدی و جرح و قتل خواهند بود چنانکه بارها وقایع قابل تأسف در اثر همین وضعیات اتفاق افتاده است.

وزارت امور خارجه شاهنشاهی امیدوار است چنانکه سفارت کبری مرقوم داشته‌اند. مداخله در امور استانهای شمالی خاتمه یافته باشد و قوای تأمینیه کشور در نقل و انتقال آزاد باشند تا امنیت و انتظام در آن نواحی استقرار یابد ضمناً به استحضار سفارت کبری می‌رساند که تقویت قوای تأمینیه کشور در استانها چنانکه اظهار نموده‌اند مورد نگرانی نیست و به هیچ وجه نباید وسیله آمدن قوای تازه از کشور اتحاد جماهیر شوروی به ایران شود. زیرا مورد درخواست دولت شاهنشاهی اینست که قوای موجود

شوروی که در ایران هنوز مانده‌اند و همچنین قوای سایر کشورهای متحد ما هرچه زودتر ایران را تخلیه و به کشورهای خود برگردند تا دولت ایران بتواند موجبات آسایش و راحتی عموم ایرانیان را فراهم آورد. منظور قوای تأمینیه یا ارتش دولت شاهنشاهی ستیزه با مردم نبوده و نیست بلکه مقصود از تقویت قوای تأمینیه در استان‌ها فقط جلوگیری از بی‌نظمی و تعدی و تجاوز و مراقبت در تأمین آسایش مردم است و به این ترتیب به زودی موجبات آرامش نواحی شمالی کشور فراهم و مأمورین دولت نیز خواهند توانست به اظهارات حقه هر کس طبق قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه کشور رسیدگی نمایند بنابراین خواهشمند است آن سفارت کبری از اقدامات سریع خودشان برای آزادی عمل مأمورین لشکری و کشوری ایران در استانهای شمالی و نقل و انتقال قوای تأمینیه و ارتش کشور شاهنشاهی عموماً و به خصوص عده‌ای که فعلاً در شریف‌آباد معطل و عازم استانهای سه و چهار هستند هرچه زودتر وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند. اسباب مزید امتنان خواهد بود.

یادداشت دولت اتحاد جماهیر شوروی مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ برابر با ۵ آذر ۱۳۲۴ چنانکه گذشت نه‌تنها مورد توجه دولت قرار گرفت و به آن پاسخ داده شد بلکه در جراید نیز منعکس گردیده نظریاتی درباره آن داده که ما در اینجا به ذکر یکی از آنها مبادرت می‌ورزیم:^{۳۰}

۱۲ آذر ۱۳۲۴

«قبل از اینکه وارد بحث در اطراف یادداشت دولت اتحاد جماهیر شوروی شویم باید بگوئیم که اگر ما این موضوع را مطرح کرده‌ایم برای این است که همانطور که بارها گفته‌ایم ملت ایران از صمیم قلب شایق به دوستی و همگاری با ملل اتحاد جماهیر شوروی بوده و نهایت آرزو را دارد که با همسایه دیوار به دیوار خود که یکی از بزرگترین و نیرومندترین کشورهای جهان است در منتهای صفا و صمیمیت زیست نماید و روابط معنوی و سیاسی و اقتصادی دو کشور بدون هیچگونه ابهامی روز به روز استوارتر و محکمتر گردد.

ثانیاً برای این است که ما فکر می‌کنیم اطمینان داریم که دولت اتحاد جماهیر

شوروی بر وفق پیمان سه‌جانبه و اعلامیه سران سه دولت در تهران و مواعید کتبی و شفاهی پیشوای بزرگ آن کشور ژنرال یسیم‌استالین هیچگونه نظر ارضی در کشور ما ندارد و گذشته از اینکه نظر ارضی ندارد اصولاً حافظ حقوق ملل ضعیف و ناتوان می‌باشند و حاضرند حرف حسابی ما را گوش بدهند:

روی این دو اصل است که ما یادداشت دولت شوروی را مورد بحث قرار می‌دهیم و الا اگر بنا باشد که منطق دولت شوروی نسبت به ما منطق قوی نسبت به ضعیف باشد ما البته اعتراف می‌کنیم که منطق ما در این مورد خیلی ضعیف است و در برابر نیرو و قدرت ما هیچ است و دنبال تقاضاهای حق و مشروع ما هیچگونه زور و قدرتی وجود ندارد. ولی متأسفانه در یادداشت دولت شوروی همان منطق اقویا نسبت به ضعیفا به کار رفته و به همین جهت مندرجات آن یادداشت بر وفق انتظار ملت ایران و موافق با روح حقگزاری و انصاف است که ما از دولت شوروی توقع آن را داشتیم، نمی‌باشد.

دولت ایران در یادداشت خود به دولت شوروی مواردی را راجع به دخالت مأمورین شوروی در امور داخلی ما تذکر داده بود که در یادداشت جوابیه دولت شوروی کلیه آنها را تکذیب کرده بودند. ما نمی‌خواهیم در اینجا بگوئیم که راجع به این مسائل اسناد و مدارک غیرقابل انکاری وجود دارد ولی با وجود این از این تکذیب اظهار خشنودی می‌کنیم زیرا این تکذیب در عین حال به منزله اعتراف و تصدیق دولت شوروی است که اگر نظایر اقداماتی که در یادداشت دولت ایران بدان اشاره شده بود از طرف مأمورین شوروی صورت گرفته باشد مخالف تعهدات و مواعید دولت شوروی نسبت به دولت و ملت ایران است و بنابراین ما هم همانطور که در یادداشت جوابیه دولت ایران اشعار شده امیدواریم که نظایر این اقدامات من بعد تکرار نشود و همانطور که در یادداشت خود اشعار داشته‌اند از این پس مأمورین شوروی با کسانی که علیه استقلال کشور قیام می‌کنند مساعد ننمایند. تقاضای آزاد نمودن یا تبعید کردن احدی را نکنند، آزادی عمل به قوای تأمینیه ما بدهند، از رفت و آمد اتباع ایرانی در استانهای شمالی ممانعت ننمایند و در زندگانی اقتصادی مردم مداخله نکنند و از حمل خواربار و کالاها از شهری به شهر دیگر جلوگیری ننمایند.

این بود قسمت اول یادداشت دولت ایران و جواب دولت شوروی که ما هم حاضریم تکذیب دولت را بپذیریم به شرط اینکه آن اقدامات اکنون و از این پس تکرار

نشود.

یک قسمت دیگر از یادداشت جوابیه دولت شوروی که جلب نظر می‌کند گله و شکایتی است که از مأمورین دولت ایران نموده و نوشته‌اند که پیمان سه‌گانه در آن قسمت که مربوط به تأمین امنیت داخلی خاک ایران است مرتباً از طرف مأمورین و دستجات نظامی و ژاندارمها رعایت نمی‌شود.

ما از چگونگی مواردی که مورد شکایت اولیای دولت شوروی قرار گرفته بی‌خبریم ولی اصولاً ما هم تصدیق داریم که در نواحی که نیروی شوروی اقامت دارد مأمورین دولت ایران نمی‌توانند آنطور که باید امنیت و آسایش مردم را تأمین کنند و علت آنهم این است که آزادی عمل ندارند و در نقل و انتقال و تغییر و تبدیل مأمورین مقامات شوروی دخالت می‌کنند و اصولاً نمی‌گذارند دولت نیروی تأمینیه خود را در این نقاط به قدر لزوم و کفایت تقویت نماید. شما این موانع را از جلوی پای مأمورین دولت بردارید و به آنها آزادی عمل بدهید و از انجام وظایف آنان به طرق مختلف جلوگیری نکنید تا آنها بتوانند وظیفه خود را انجام داده و در حوزه مأموریت خود امنیت را برقرار نمایند.

اما قسمت سوم یادداشت جوابیه دولت شوروی که اصل موضوع و جان کلام است در جواب تقاضای دولت ایران راجع به اعزام نیرو به نقاط شمالی است که می‌نویسد: «با در نظر گرفتن اینکه از هرگونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید احتراز کرد و این موضوع به ورود نیروی نظامی تازه ایران به استانهای شمالی ایران بستگی دارد دولت شوروی در این موقع انجام این امر را صلاح نمی‌داند» با اینکه تنظیم کنندگان یادداشت حتی‌الامکان سعی کرده‌اند صورت حق به جانبی بدان بدهند و از آغاز تا انجام آن مکرر پیمان سه‌گانه را تأیید نموده و بعد هم دخالت مأمورین شوروی در امور کشور ایران اشعار داشته‌اند در اینجا ناگهان به صورت صلاح‌اندیشی دخالت صریح خود را در امور داخلی کشور ما مدلل می‌دارند. معنی استقلال و حاکمیت ملی یک کشور مگر جز از این است که اختیار صلاح‌اندیشی او با خود اوست. اگر یک دولتی نسبت به دولت دیگری که آنرا آزاد و مستقل می‌داند و می‌گوید آزادی و استقلال او را محترم می‌شمارد برخلاف رضای او صلاح‌اندیشی نماید نام این صلاح‌اندیشی را چه باید گذاشت؟ عجب‌تر از همه این است که در این

صلاح‌اندیشی منتهی هم بر سر دولت ایران گذاشته و نوشته‌اند (برای احتراز از حوادث نامطلوب) چه حادثه نامطلوبی برای دولت ایران بدتر از این است که قسمت مهمی از یک استان از کشور او را جمعی مزدور و خائن بخواهند از او جدا نمایند؟ آیا نامطلوب‌تر از حادثه‌ای که الان دولت ایران با آن مواجه شده حادثه دیگری هم می‌تواند باشد. طرز استدلالی هم که درباره این صلاح‌اندیشی شده قابل دقت است. می‌نویسند «چنانچه نیروی تازه علاوه بر ارتش منظم ایرانی و ژاندارم که در این نواحی مرز می‌باشند وارد شود آنگاه این عمل باعث اغتشاشات و خونریزی در استانهای شمالی خواهد گردید و به این مناسبت دولت شوروی هم ناگزیر خواهد بود که به منظور حفاظت نظم و تأمین امنیت برای پادگان خود نیروی تکمیلی به ایران وارد کند و چون دولت شوروی به ورود نیروی تکمیلی خود به ایران مایل نیست ورود نیروی تکمیلی ایران را به استانهای شمالی ایران در این موقع مصلحت نمی‌داند». اولاً اگر دولت می‌خواهد نیروی تکمیلی به آذربایجان روانه دارد برای رفع اغتشاش و خونریزی است که اکنون در آذربایجان روی داده است و اگر اغتشاش و خونریزی نبود دولت ایوان به این فکر نمی‌افتاد.

ثانیاً نیروی تکمیلی ایران مخل نظم و امنیت کشور خود نمی‌باشد و بهتر خواهد توانست با نیروی تکمیلی خود نقاطی را که پادگان شوروی در آن اقامت دارد منظم سازد و در نبودن نیروی دولت در این مناطق احتمال هرگونه حادثه‌ای می‌رود به خصوص اگر قصد بهانه‌جویی هم خدای ناکرده در کار باشد.

گذشته از این دولت شوروی که صلاح‌اندیشی برای حفظ امنیت این مناطق می‌نماید چگونه شورشیان و متجاسرین را اجازه می‌دهد که هرکجا می‌خواهند بروند و هرکار می‌خواهند بکنند و ژاندارم و مأمورین پاسگاههای راه آهن را خلع سلاح کنند و بکشند و این عملیات را خونریزی و اغتشاش نمی‌دانند ولی اعزام نیروی منظم دولتی را که نابع انضباط و دیسیپلین می‌باشند سبب خونریزی می‌داند و حتی اعزام و انتقال یک ژاندارم را از نقطه‌ای به نقطه دیگر به سختی مورد بازرسی قرار می‌دهند. دولت شوروی اگر واقعاً قصد صلاح‌اندیشی و خیرخواهی نسبت به دولت و ملت ایران دارند همانطور که مکرر مورد تقاضای دولت و ملت ایران بوده موافقت فرمایند که نیروی خود را هرچه زودتر از ایران خارج نمایند و این مشکلات را در عالم دوستی از جلوی پای دولت و ملت ایران بردارند و گرنه همانطور که بر خودشان پوشیده نیست حقایق بر ملت ایران

نیز پوشیده نیست.

در خاتمه ما یکبار دیگر توجه اولیای محترم دولت شوروی را به مندرجات یادداشت اخیر دولت ایران جلب نموده و انتظار داریم با نظر انصاف و دوستی به این یادداشت توجه نموده و ملت ایران را از این دغدغه خاطر نجات دهند.

این است صلاح‌اندیشی که ما از دولت و ملت دوست و همسایه خود که منتهای عقیده ایمان به حسن روابط و استحکام مبانی دوستی دو ملت داریم انتظار داشته و به انجام آن امیدوار می‌باشیم.»

دولت ایران در تعقیب یادداشتی که برای دولت استالین فرستاد یادداشت زیر را در همان تاریخ یعنی ۵ آذرماه ۱۳۲۴ برای سفارتخانه‌های دولتهای متفق در تهران راجع به وقایع آذربایجان ارسال داشت:

نمره ۵۶۲۴

به تاریخ ۵ آذرماه ۱۳۲۴

یادداشت

وزارت امور خارجه شاهنشاهی با اظهار تعارفات خود محترماً به استحضار سفارت کبرای: اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی. دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و کشورهای متحده امریکا می‌رساند:

به طوریکه اطلاع دارند در استانهای ۳ و ۴ آذربایجان عده‌ای محدود دست به اقداماتی زده نغمه‌هایی ابراز و حتی نسبت به اظهارات خود اعلامیه هم صادر نموده‌اند که وضعیت کاملاً برخلاف قانون اساسی کشور و خلاف امنیت و آسایش و رفاه عمومی در جریان بوده و دامنه فساد و بی‌نظمی پیوسته توسعه می‌یابد. چنانکه این اشخاص در خیلی از جاها به مأمورین تأمینیه تعرض و خیلی از نقاط را هم در دست گرفته و در راهها نیز مداخله و امنیت عبور و مرور را مسلوب نموده‌اند و در نتیجه دولت مرکزی به واسطه قطع روابط تلفونی و تلگرافی از حال مأمورین خود در این استانها به وضع منظم بی‌خبر و نمی‌تواند به درستی دستورات لازمه را به مأمورین مربوطه برساند و اطمینان از اجرای آن

داشته باشد.

نظر دولت امنیت هر فرد و دسته و جماعت از اهالی کشور اظهاراتی داشته باشند به وضع ترمذ از حکومت مرکزی و برخلاف قانون اساسی نباشد به اظهارات حق آنها رسیدگی و وسایل آسایش و رفاه عمومی را در هر محل تأمین نماید. در عین حال دولت برای استقرار امنیت از عناصری هم که خلاف شئون و حیثیت کشور عملیاتی داشته باشند ناچار به اقدامات اساسی است تا قدرت حکومت مرکزی را بتواند به صلاح عامه مردم در سراسر کشور محفوظ و برقرار سازد.

انتظار دولت شاهنشاهی به اساس دوستی و حسن مناسبات موجود با متفقین بزرگ خود و مخصوصاً نظر به تصمیمات مقرر در اعلامیه سران سه کشور در تهران که به امضاء مقامات ارجمند.

پرزیدان روزولت رئیس جمهور کشورهای دول متحد آمریکا و ژنرال سیس استالین رئیس دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و نخست وزیر انگلستان مستر چرچیل

رسیده بر این است دولت‌های متحد و متفق ایران که نظامیان آنها هنوز در این کشور مانده‌اند بدون اینکه در امور داخلی کشور حق مداخله داشته باشند نظر مساعد به اقدامات و عملیات دولت قانونی مرکزی ابراز و هر توصیه هم که برای ترتیب استقرار امنیت در این استانها داشته باشند از کیفیت آن دولت شاهنشاهی را مستحضر دارند. بدیهی است در نظر هم خواهند داشت که دولت برای امنیت و تهیه وسایل آسایش مردم محتاج به استفاده از قوای تأمینیه کشور است که در هر محل لازم و ضرور باشد به امداد پادگان آنجا عده کافی بفرستد و نیروی شاهنشاهی هم باید در داخله کشور آزادی عمل داشته تا بتواند از عملیات عناصر متجاسر و متمرّد جلوگیری و امنیت را در جاهای لازم برقرار نماید و از آنجا که به قرار معلوم در استانهای ۳ و ۴ قریباً در نظر گرفته‌اند به عملیاتی خلاف قانون اساسی اقدام نمایند. مقتضی است توجه داشته باشند که موضوع کمال اهمیت و فوریت را داشته و درخواست هم داریم مقامات مربوطه دول دوست و متفق هرچه زودتر دستورات فوری برای مساعدت و حسن نظرهای لازم به جاهائی که مقتضی بدانند صادر نمایند.

عین این یادداشت برای سفارت کبرای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان و

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای متحده آمریکا همچنین در تهران ارسال گردیده است. یک رونوشت هم برای سفارت کبرای دولت موقتی فرانسه و یک رونوشت برای سفارت کبرای چین در تهران فرستاده شده است.

تهران به تاریخ پنجم آذرماه ۱۳۲۴

در جلسه دوشنبه پنجم آذر ۱۳۲۴ (هیئت دولت) قرائت و تصویب شد. برای سه

دولت عین و برای فرانسه و چین رونوشت فرستاده شود ۱۳۲۴/۹/۵ «

فصل چهارم

استعفای صدر و روی کار آمدن حکیمی (حکیم‌الملک) و وضع مجلس شورای ملی

در هنگام بروز این حوادث کابینه صدر (صدرالاشراف) در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۲۴ پس از کشمکشهای طولانی و اختلافات زیادی که با مجلس شورای ملی کرد سرانجام استعفای خود را به شاه تقدیم کرد که از نظر اهمیت موضوع متن استعفا نامه ایشان را در اینجا متذکر می‌شویم:

پیشگاه اعلیضرت همایون شاهنشاهی

«چون از موقعی که چاکر برحسب اراده و اوامر ملوکانه زمامداری کشور را قبول و این مسئولیت را بر عهده گرفته و دولت را از رجال لایق و محبوب تشکیل دادم جز قصد خدمت به کشور منظور دیگر نداشته و تا آنجا که مصلحت کشور ایجاب می‌کرد در مقابل مشکلات ثبات و استقامت ورزید تا موقعی که با اکثریت آراء مجلس شورای ملی رای اعتماد برنامه دولت داده شد و موقع آن رسید که دولت شروع به اجراء برنامه خود و اصلاحات لازمه در امور کشور مطابق آمال ملت بنماید متأسفانه ملاحظه شد که موانع عدیده پیشرفت کارهای دولت را دچار تعویق نموده و هر روز بر مشکلات می‌افزاید و اقلیت مخالف دولت در مجلس تشبث به وسایلی است که مقدمات انجام امور که عمده تصویب لوایح پیشنهادی دولت است به تعویق افتد در حالیکه هفت ماه از

سال گذشته و هنوز بودجه‌های امسال به تصویب نرسیده و لایحه اصلاحی مالیات بر درآمد که رقم عمده عایدات را تشکیل می‌دهد و همین‌طور لوایح دیگر در مجلس را کد مانده و بطوریکه مشاهده می‌شود با این وضع تصور نمی‌شود که تا آخر سال هم به تصویب برسد و چون همان‌طور که چاکر مکرر به حضور مبارک عرض کرده و در مجلس هم به سمع آقاییان نمایندگان رسانیده‌ام به هیچ‌وجه مایل نیستم که اختلاف نمایندگان مجلس به این صورت واسطه این دولت باقی و سبب تعویق امور مهمه مملکت شود اینک صلاح کشور را در کناره‌گیری این دولت تشخیص داده و استعفاء خود را به پیشگاه ملوکانه تقدیم و استدعای قبول آن را دارد. محسن صدر.»

وضع مجلس شورای ملی در آن زمان با وجود هزاران مشکلی که در سر راه دولت بود فوق‌العاده پیچیده و درهم شده بود. اکثریت و اقلیت به جان یکدیگر افتاده کار را به جایی رسانیده بودند که هیچ‌گونه تصمیمی گرفته نمی‌شد؛ از لحاظ عدم پیشرفت کارها در پارلمان نظر آقای صدر صحیح بود زیرا واقعاً عده‌ای جداً مانع پیشرفت کار بودند و به هر کیفیتی بود نمی‌گذاشتند لایحه‌ای از مجلس بگذرد و گشایش در کار دولت پیدا شود. اگر به تاریخ حکومت چندماهه آقای صدر مراجعه شود می‌بینیم مجلس هیچ قدمی برای کمک به دولت برنداشت. هیچ پشتیبانی به معنای خود از حکومت نکرد و تعجب این است که با وجود اکثریت کامل و اینکه پس از چندماه سرگردانی و معطلی وقتی رأی گرفتند. هفتاد نفر رأی اعتماد به دولت دادند ولی این هفتاد نفر با کمال بی‌علاقگی نقش اکثریت را انجام می‌دادند، یعنی وقتی مثلاً لایحه‌ای در مجلس طرح می‌شد خود افراد اکثریت هم در تعویق و تأخیر لایحه کمک می‌کردند.

اقلیت چهل نفری مجلس حرفی که روز اول می‌زد تا روز آخر در اظهار آن پایداری و مقاومت نمود. روز اول گفتند با آمدن صدر مخالف هستیم مدتی مجلس را ترک کردند وقتی دوباره به مجلس آمدند همین حرف را زدند. باز هم همین عنوان را تکرار کردند. اما دلایل مخالفتشان را هم نگفتند یعنی در حقیقت معلوم نشد که مخالفت اقلیت صرفاً روی کنار ماندن آنها در انتخاب نخست‌وزیری صدر بوده یا در

شخص صدر مشکلاتی را سراغ داشتند، این قضیه بالاخره هم روشن نشد. اما موضوعی که خود ایشان مکرر حتی پیش از رأی اعتماد اظهار نموده و در نطق‌های خویش هم اشاره کرده بودند این بود که آقایان نمایندگان با هم توافق نمایند کسی را برای نخست‌وزیری در نظر بگیرند و درین صورت من فوراً کناره‌گیری خواهم کرد و اکنون اگر روی اصرار مشغول کار هستم صرفاً از لحاظ جلوگیری و احتراز بحران است. این اصرار ایشان بود ولی طی این مدت مجلس هیچگونه قدم موثری برای ایجاد توافق نظر بین اقلیت و اکثریت برنداشت. مذاکراتی بین یک عده از پیشروان و لیدرهای پارلمانی ادامه داشت لکن به جایی منتهی نمی‌شد. نمایندگان اکثریت به اقلیت تعارف می‌کردند که شما کاندیدای خود را برای نخست‌وزیری بدهید. نمایندگان اقلیت به اکثریت همین تعارف را مبادله می‌کردند. هیچیک بطور قطع نظریه خود را اظهار نداشتند و در نتیجه همین تعارفات مملکت هم در بلاتکلیفی و وضع مجلس هم در تشنج و کشمکش باقی ماند.

بعضی به آقای صدر ایراد می‌گیرند که چرا بی‌حوصلگی به خرج داده و در تقدیم استعفا عجله کرده‌اید شما که اکثریت کامل داشتید بهتر بود تأمل می‌کردید شاید راهی برای موافقت پیدا می‌شد و کارهای مهمی که در پیش است... انجام می‌یافت بعد استعفا می‌دادید. این نظر را آقای صدر به طوری که اظهار کرده‌اند قبول ندارند زیرا ایشان معتقد هستند که وضع مجلس طوری است که کوچکترین کمک و پشتیبانی از دولت نمی‌شود و در نتیجه کارها دچار تعویق و تأخیر و از هم گسیختگی می‌گردد ماندن من بی‌نتیجه بود و مصلحت در همین بود که هرچه زودتر استعفا داده از کار کناره‌گیری نمایم.

سرانجام پس از گفتگوها و کشمکشهای زیاد مجلس در روز ۳ آبان ۱۳۲۴ با اکثریت ۷۵ رأی به دولت ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) رأی اعتماد داد و با فرمان همایونی به نخست‌وزیری منصوب گردید. حکیمی پس از ده روز مطالعه هیئت دولت خود را در روز ۱۳ آبان ماه به قرار زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد:

حسنعلی کمال هدایت (نصرالملک): وزیر مشاور، خلیل فہیمی: وزیر کشور، دکتر سعیدمالک (لقمان‌الملک): وزیر بهداری، امان‌الله اردلان: وزیر دادگستری، اللهیار صالح: وزیر مشاور، عبدالحسین هژیر: وزیر دارائی، غلامحسین رهنما: وزیر فرهنگ، ابوالقاسم

نجم: وزیر امور خارجه، سرلشکر ریاضی: وزیر جنگ، سرلشکر محمدحسین فیروز: وزیر راه، احمدحسین عدل: وزیر کشاورزی، محمود نریمان: وزیر پست و تلگراف

به این ترتیب ابراهیم حکیمی در بحرانی‌ترین ایام تاریخ ایران زمام امور را در دست گرفت. در خلال همین مدت بود در آذربایجان وقایع ناگواری اتفاق می‌افتاد که پشت هر میهن‌پرستی را به لرزه می‌انداخت. شهرهای آذربایجان مانند: سراب، عجب شیر، اهر، میانه، زنجان، مراغه، اردبیل، آستارا و رضائیه یکی پس از دیگری سقوط کرده به دست ماجراجویان و متجاسرین می‌افتاد. نگرانی در سراسر کشور و به خصوص در پایتخت روزافزون شده بود و مردم در حال تشویش و اضطراب سر می‌کردند چنانکه نخست‌وزیر مجبور شد برای آرامش مردم نطقی به قرار زیر در مجلس شورای ملی ایراد نماید:

«بطوریکه آقایان نمایندگان محترم اجمالاً استحضار حاصل فرموده‌اند از چند روز قبل به این طرف توسط عده‌ای نادان در بعضی از نقاط استانهای ۳ و ۴ حوادث قابل توجهی پیش آمده که الحق خلاف اصول میهن‌پرستی و خلاف افکار عموم هموطنان عزیز مخصوصاً برادران آذربایجانی می‌باشد.

اینجانب فعلاً می‌خواهم قبل از اینکه اطلاعات کامل نسبت به این حوادث به دولت برسد شرح وقایع را به عرض مجلس شورای ملی برسانم. در این صورت فعلاً صلاح اینست به دولت مجال دهند اقداماتی که به صلاح کشور است به موقع عمل بگذارد و بعد هرگاه اشکالاتی پیش آمد کیفیت را در مجلس توضیح دهد.

چنانچه در برنامه دولت حاضر ملاحظه و تصویب فرموده‌اید دولت برای اصلاح حال مردم فکرهای مساعد داشته و مصمم است در سراسر کشور وسائل بهبود زندگی را فراهم و نسبت به اجرای عدالت هم توجه خاص مبذول نماید تا زندگی عموم بر اساس امنیت رو به رفاه و آسایش برود در همین حال دولت اینجانب انتظار دارد و نه بکلی هم اجازه می‌دهد در هر نقطه از نقاط کشور باشد برای اظهار مطالب خود به دولت یا مجلس شورای ملی به وضع تجاوز و تمرد اقدام و از این راه بخواهد مقامات قانونی کشور را در فشار قرار داده امنیت عمومی را مختل نماید.

بدیهی است عناصر مفسده‌جو کسانی که به حیثیت و شئون کشور علاقه نداشته و بخواهند تولید فساد نمایند به سختی تعقیب و به اتکاء و پشتیبانی مجلس شورای ملی،

دولت برای استقرار امنیت و آسایش عمومی اقدامات قطعی خواهد نمود. دولت ایران از مقامات مربوطه کشور دوست و همعهد امضاکننده پیمان سه گانه که نیروی آنها هنوز در ایران مانده هیچ نوع توقع و انتظاری ندارد جز اینکه مقید باشند در این قبیل امور داخلی به هیچ وجه مداخله ننمایند. و آزادی عمل نیروهای دولت شاهنشاهی و همچنین آزادی عملیات مقامات مربوطه دولت را نسبت به اجرای وظایفی که عهده دارند در هر محل محترم شمرده حسن نظر و علاقه خود را برای امنیت ایران اثبات نمایند.

دولت و ملت ایران در یک موقع وخیم حسن تفاهم و صمیمیت خود را با کشورهای همسایه ثابت نموده اکنون نیز به دوستی و حسن نظر دولت های دوست و مجاور اطمینان داشته و دارد.

برادران آذربایجانی ما هم که این افتخار را دارند که همیشه به شئون و عظمت مملکت اهمیت داده از بذل جان و مال مضایقه ننموده اند البته در این موقع از دوردست محبت و برادری به این جانب که رئیس دولت و دوست و برادر آنها هستم خواهند داد. یقین دارم از طرف عموم ایرانیان و طبقات مختلفه کشور در اجرای این وظیفه دولت و استقرار امنیت و آسایش مردم با هر نوع مساعدت و همراهی و حتی فداکاری از دولت پشتیبانی لازم خواهد شد.»

از روز بیست و چهارم که می توان آنرا روز آغاز قیام مسلحانه فرقه دموکرات دانست تا روز بیست و هشتم آذر ۱۳۲۴ که پادگان رضائیه یعنی آخرین پادگان نظامی منطقه آذربایجان تسلیم شد دوره مخصوصی را تشکیل می دهد. در این دوره وقایع و رفتار مردم و مأمورین و دموکراتها شایسته بررسی است.^۳ در این روزها متجاسرین بدون اینکه حمله ای به پادگان های مهم نظامی بنمایند کلیه مساعی و کوشش خود را در تخریب روحیه افسران و افراد بکار می بردند و کوشش داشتند بدون آنکه زد و خوردی صورت بگیرد نظامیان و ژاندارم ها و پاسبانها را مجبور به تسلیم کنند. اصرار بیگانگان در اجرای این امر دو علت برجسته داشت. نخست آنکه قتل سربازان و افسران تأثیر بسیار بدی در روحیه اهالی ایران و به خصوص آذربایجان می بخشید به ویژه اینکه بیشتر افسران و عموم

سربازان آذربایجانی بودند و اقوام و دوستان عده‌ای از آنها در فرقه دموکرات عضویت داشتند. دیگر اینکه در صورت بروز زد و خورد بیگانگان مجبور بودند سربازان خود را علناً وارد کارزار نمایند زیرا افراد مسلح دموکرات فاقد قدرت نظامی بودند و صورت‌بندی منظمی نداشتند. مهم‌تر از همه اینکه بیگانگان که شب و روز از این نهضت طرفداری می‌کردند و می‌خواستند آن را به دنیای متمدن نهضتی حقیقی و متکی به ملت ایران و توده آذربایجان نشان دهند در صورت بروز زد و خورد و ادامه جنگ به کلی این امر غیرممکن می‌شد. از طرف دیگر شورویها که برخلاف مأمورین متفقین جنوبی در بعضی از نقاط وجهه خوبی داشتند سعی می‌کردند محبوبیت خود را تا حد امکان حفظ کنند.

به هر تقدیر در تمام این مدت کوتاه مأمورین بیگانه جنگ تبلیغاتی شدیدی را در ایران و در تمام جهان به منظور پیشرفت مقاصد شروع کرده بودند و دسته‌دسته خبرنگاران خارجی برای مشاهده اوضاع ایران و آذربایجان از نزدیک، به این کشور می‌آمدند.

در این هنگام اهالی شهرهای تبریز و رضائیه و اردبیل روحیه مضطرب و نگرانی داشتند که تشریح و کیفیت روحی آنها و سربازان پادگان از هر جهت لازم و قابل توجه است.

امنیت مخصوص شهر تبریز و اوضاع ظاهر آرام آن در نتیجه حوادثی که در سایر شهرها اتفاق می‌افتاد به کلی دگرگون شده بود در محلات لیل‌اوا و جنوب مقصودیه افراد ناشناس و مسلحی دیده می‌شدند که عصرها در خیابان پهلوی روبروی کمیته مرکزی حزب دموکرات عناصر غیرمحملی و کسانی که اهل شهر آنها را مهاجر و ناشناس می‌دانستند، به وفور به نظر می‌رسیدند.

اداره شهربانی و دژیانی لشکر گزارشات گوناگونی مبنی بر ورود عده‌ای مهاجر در شهر داده بودند و مشاهده بعضی از افراد صحت گزارشات مزبور را برای اهالی تبریز تأیید می‌کرد.

هنوز چند روزی از این معدمات نگذشته بود که دونفر از افراد مسلح به وسیله مأمورین شهربانی دستگیر گردیدند ولی فشار کمیته مرکزی فرقه دموکرات و رفتار مأمورین خارجی مانع بازداشت آنها شد و استخلاص این دونفر در حقیقت به منزله

اولین اقدام برای آزادی حمل سلاح در شهر بود. بر تعداد افراد ژاندارمری که از پاسگاههای دوردست جان خود را از دست دموکرات‌ها نجات داده گرسنه و تشنه به سمت شهر تبریز می‌آمدند روز به روز اضافه می‌شد و این فراریها جز اخبار مخوف و دهشتناک مبنی بر طرز رفتار فدائیان دموکرات و تعداد افراد ماجراجوی مسلح، تحفه جدیدی برای اهالی تبریز نمی‌آوردند.

مأمورین همسایه شمالی نیز در این روزهای اخیر رفتار خود را تغییر داده مثل روزهای اول بعد از حادثه شهرپور در نزدیکی شهر دروازه‌های مخصوص بر پا کرده بودند و مسافرین و محمولات را با دقت زیاد بازجوئی و بازرسی می‌کردند.

رژیم جدید هم از لحاظ سیاسی یک حکومت پلیسی بود.^۴ با اینکه در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۴) ظاهراً طبق اصل کلی انتخابات که اخذ رأی باید همگانی و مخفیانه و مستقیم باشد. پارلمان جدیدی انتخاب شد مع‌الوصف اثری از آزادی مشهود نبود. صدها نفر از اهالی آذربایجان از ترس ترور و ناامنی به داخل ایران و عراق پناهنده شدند. سازمان پلیس مخفی آذربایجان به تقلید از N.K.V.D یعنی پلیس مخفی شوروی قدم به وجود گذاشت. رئیس پلیس مخفی آذربایجان و وزیر داخله شخصی بود به نام سلام‌الله جاوید که یکی از کمونیستهای قدیمی و تحصیل کرده شوروی بود از مسافرت خارجیان به آذربایجان عموماً ممانعت به عمل می‌آمد. دولت آذربایجان از اشخاصی تشکیل شده بود که یا با شوروی رابطه محکم داشتند و یا اساساً از خود شوروی به ایران صادر شده بودند. ارتش ملی یا فدائیان آذربایجان پر از صدها نفر از جاسوسان و عمال شوروی بود که همه اهل قفقاز بودند و اکثر آنها را ارامنه یا مهاجرین ایرانی که در سال ۱۹۴۶ از اتحاد شوروی به زاد و بوم خود مهاجرت کرده بودند تشکیل می‌دادند. البسه قشون انقلابی نیز قاعداً همان اونیفورم ارتش شوروی بود که علامت آذربایجان داشت...

وقایع و حوادث ناگوار آذربایجان در روحیه مردم پایتخت اثرات به سزائی گذاشت «مردم در حال نگرانی و اضطرابند و مردم با شور و هیجان فوق‌العاده از ما خبر می‌خواهند و حتی از شهرستانها هم از دیروز تا کنون مکرر از ما توضیح خواسته‌اند.

۴- رقابت روسیه و غرب در ایران. صفحات ۳۱۹ - ۳۲۱

۵- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، روزنامه اطلاعات، شماره ۷۰۹

به طور کلی عموم مردم، عموم ایرانیان از زن و مرد از اینکه در خطه آذربایجان یعنی سرزمین رادمردان و غیرتمندان و میهن پرستان ایران مشتی اجامر و بیگانه پرستان بلوا و آشوب راه انداخته‌اند اظهار تأسف می‌کنند و همه آمادگی خود را برای کمک و یاری به آذربایجان اظهار می‌دارند. شعرا و گویندگان و نویسندگان ملی قطعاتی که حاکی از تأثرات ملت ایران است سروده‌اند و اکنون در هر محفل و مجلسی صحبت فقط از آذربایجان است و چیزی که بیش از همه در میان این تأثرات سبب امیدواری است همان عشق مقدس به میهن ایران است که در هنگام صحبت آذربایجان از چشمها می‌درخشد... خبری که از دیروز تا کنون بیش از سایر خبرها سبب اندوه و تأثر و حیرت و تعجب مردم گردیده متوقف ساختن نیروی اعزامی در شریف آباد و کرج است. در اطراف این موضوع حدسها و گفتگوها می‌شنویم و نه باور می‌کنیم. زیرا همانطور که آقای نخست‌وزیر در مجلس ضمن نطق خود اظهار نموده‌اند ما یقین داریم که این مشکلات و سوءتفاهمات و موانعی که در راه نیروی اعزامی دولت موجود است برطرف خواهد شد و متمردين به سزای خود خواهند رسید زیرا هیچ دلیلی در دست نیست که دولت متفق و همسایه دوست ما به عهد و پیمان خود وفا نکند. منتها تشریفات انجام این کار بیش از انتظار مردم به طول انجامیده و توقف نیروی اعزامی در شریف آباد سبب این نگرانیها شده که ما امیدواریم با حسن نیت مأمورین شوروی که نظر مساعد خود را به حل مشکلات ابراز کرده‌اند مریفع گردد.

به همین دلیل ما نیز عموم هم‌میهنان عزیز را دعوت به صبر و بردباری می‌نمائیم ولی در عین حال که مردم را به صبر و بردباری دعوت می‌کنیم دولت را نیز متوجه این نکته می‌نمائیم که باید در حفظ حقوق ملی ایران مجاهدت و پایداری ورزد. اگر امروز مردم خاموش و ساکت نشسته‌اند برای اینست که کاملاً امیدوارند و نمی‌توانند باور کنند که به حقوق ملی ما از طرف یکی از بزرگترین کشورهای علمدار آزادی و هم‌عهد و هم‌پیمان ما لطمه‌ای وارد آید و اعتماد دارند که آقای حکیمی که مورد اعتماد ملت و مجلس شورای ملی می‌باشد موفق به حل مشکلات خواهند شد.

و روی همین اصل اکنون سخت در انتظار اقدامات دولت بوده انتظار دارند هرچه زودتر دولت مژده خاتمه این حوادث سوء را به اطلاع آنها برساند. بنابراین شایسته است آقای حکیمی نیز ارزش وقت را کاملاً در نظر گرفته و کاملاً از طرق دیپلماسی و به هر

وسیله‌ای میسر است مشکلات را برطرف نمایند و آزادی عمل برای قوای دولتی و مردم آذربایجان تحصیل نمایند که بتوانند عناصر مشکوکی را که امروز اسلحه بدست گرفته و به جان و مال و هستی مردم تعرض نموده و برخلاف استقلال و مرکزیت کشور اقدام نموده‌اند به جای خود بنشانند. ما عجالتاً در یک کلمه می‌گوئیم ملت ایران منتظر است و مردم ایران در حال اضطراب و انتظار می‌باشند.

امروز صبح عده زیادی از نمایندگان در مجلس اجتماع داشته و در فراکسیونها و سراسراهای مجلس به صحبت در پیرامون وقایع آذربایجان و لزوم اقدامات موثر و عاجلی از طرف دولت مشغول بودند. مذاکرات دسته‌هائی که گوشه و کنار اجتماع داشتند از صورت عادی خارج بود زیرا مطالب با عصبانیت و حرارت و گاهی با فریاد اظهار می‌گردید ولی در عین حال همه به اتکای اظهارات دیروز آقای نخست‌وزیر به سکوت دعوت می‌شدند و در انتظار رفع سوء تفاهات و مشکلات هستند. ضمناً صحبت شد که نباید نمایندگان مجلس در این موقع مهم و حساس مجلس را ترک کنند باید جلسات خصوصی و عمومی و کمیسیونها و فراکسیونها تشکیل باشد و لاینقطع در اصطکاک با دولت باشند و از افکار و نیات و اقدامات دولت مستحضر شوند.

وقایع آذربایجان در مطبوعات و جراید و رادیوهای سراسر جهان انعکاس یافت که ما به ذکر چند فقره از آنها می‌پردازیم:

رادیو خاور نزدیک - اخبار دیشب حاکی است که جنگ در میانه پیوسته ادامه دارد و نیروهای ایرانی که از طرف دولت ایران به آذربایجان به منظور اعاده امنیت و انتظام در آن منطقه از تهران اعزام شده از طرف مقامات نظامی شوروی در نزدیکی قزوین متوقف گردیده است مقامات مزبوره به نیروهای ایرانی دستور داده است که به تهران مراجعت کنند.

خبر دائر بر اینکه دولت ایران به مستر برنس وزیر امور خارجه امریکا مراجعه کرده از وی تقاضای ایجاد راه‌حلی برای اوضاع فعلی آذربایجان نموده از طرف محافل رسمی لندن نه تأیید شده و نه تکذیب ولی در لندن رسماً اظهار شده است که دولت انگلستان چنین درخواستی را از تهران دریافت داشته است.

رادیو لندن - خبرنگار رویترا از تهران خبر می‌دهد که دو گردانی که دولت به منظور اعاده آرامش در آذربایجان به آن منطقه اعزام داشته از طرف نیروی شوروی در قزوین واقع در ۱۵۰ کیلومتری شمال غرب تهران متوقف شده‌اند. از این شهر منطقه متصرفی شوروی در ایران شروع می‌شود. فرستادن این دو گردان برحسب تصمیم هیئت دولت و متعاقب تشکیل جلسه خصوصی در مجلس شورای ملی است. قبل از فرستادن این نیروها برای برقراری امنیت در آذربایجان سرلشکر ریاضی وزیر جنگ ایران وابسته نظامی شوروی در تهران را ملاقات و مذاکره نموده و به ایشان گفته بود که دولت برای رفع غائله آذربایجان سربازانی به آنجا خواهد فرستاد.

دیروز برای نخستین بار جراید مسکو در ضمن اخبار خود اشاره به حوادث آذربایجان نموده‌اند. روزنامه ایزوستا مقاله‌ای انتشار داده و طی آن محافل و جراید و خبرگزاریهای لندن را مهم نموده که در مورد اخبار مربوط به حوادث آذربایجان تعهد دارند مبالغه کنند و می‌خواهند بدین وسیله افکار دنیا را از قضایای فلسطین و اندونزی و غیره منحرف کنند.

روزنامه مزبور می‌نویسد که حوادث آذربایجان نتیجه افکار اصلاح طلبان آذربایجان است. این روزنامه ادعای مداخله ارتش سرخ را در این حوادث و اینکه این ارتش به آذربایجانیها کامیونهای مملو از اسلحه داده تقبیح نموده و تکذیب کرده است و سپس موضوع تشکیل حزب دموکرات آذربایجان را مورد تفسیر قرار داده می‌نویسد: این حزب نمی‌خواهد آذربایجان را از ایران مجزا کند بلکه میل دارد فرهنگ ملی آذربایجان و حقوق آذربایجانیها در دایره دولت ایران محفوظ باشد.

واشنگتن. (خبرگزاری فرانسه) سفیر ایران در واشنگتن اظهار کرد که اگر نیروی شوروی از حرکت نیروی ایران به طرف تبریز مانع شود دولت امریکا حاضر است مداخله نماید.

بیروت (خبرگزاری پارس) رادیو بیروت که خبر فوق را منتشر می‌کند اضافه می‌نماید که مستر برنس وزیر امور خارجه امریکا به آقای علاء سفیر کبیر ایران اظهار کرد که قبلاً تا موقعی که از سفیر کبیر امریکا در تهران گزارشی نرسیده باشد دولت امریکا نمی‌تواند در این خصوص اقدامی بکند.

لندن (خبرگزاری پارس) رادیو لندن خبر می‌دهد که آقای تقی‌زاده سفیر کبیر

ایران پس از ملاقات وزیر امور خارجه انگلیس طی یک مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت: ما در کشور خودمان نمی‌توانیم نیروی نظامی را تحت اختیار خود داشته باشیم. از طرف دیگر رادیو لندن خبر می‌دهد که دولت ایران دو گردان پیاده نظام و دو گردان تانک سبک و یک گردان ژاندارم به طرف آذربایجان اعزام نموده و مقامات شوروی در نزدیکی شهر قزوین که ابتدای منطقه اشغالی شوروی است از پیش‌روی نیروی ایران جلوگیری نمودند.

رادیو لندن - سفارت کبرای ایران مقیم لندن پریشب عین یادداشت‌های متعددی را که دولت ایران در این اواخر برای سفارت کبرای شوروی در تهران فرستاده، انتشار داد. دولت ایران در تمام این یادداشتها از مقامات شوروی خواستار شده که به نیروهای ایران اجازه داده شود تا به مناطق شمال رفته و شورشیان را سرکوب نماید.

در یکی از این یادداشتها موضوع تخلیه تهران مطرح گردید و چنین نوشته شده است: «با اینکه اعلام شده که نیروهای متفقین تهران را تخلیه کرده‌اند ولی هنوز دیده می‌شود که نیروهای شوروی در تهران اقامت دارند و در حوزه‌های راه آهن و راههای دیگر برخلاف مقررات عهدنامه متمرکز می‌باشند و هنوز عده‌ای از مراکز افسران و سربازان شوروی در تهران بدون هیچگونه تغییری باقی است. به علاوه مشاهده می‌گردد که در نقاط مختلف منطقه تهران از طرف نیروهای مزبور سیم‌های تلفون کشیده می‌شود از اینها گذشته مقامات شوروی اسلحه و مهمات در بعضی نقاط تسلیم می‌نمایند.»

دولت ایران در بعضی یادداشت‌های خود اشاره نموده که روسها به کردها کمک نموده و مخصوصاً در ارومیه و مهاباد کردها را ضد حاکمیت ایران تقویت نموده‌اند.

در یادداشت دیگری دولت ایران می‌نویسد: مقامات شوروی از حمل و نقل مواد خواربار از شمال ایران به سایر مناطق مخصوصاً تهران جلوگیری می‌نمایند و بدین وسیله نرخ این مواد در تهران ترقی نموده است. به علاوه با این ترتیب کشاورزان شمال ایران را با مشکلات زیادی برای فروش محصولات خود مواجه کرده‌اند.

واشنگتن - چنانکه خبرگزاری انگلیس گزارش می‌دهد جیمس بیرنس وزیر امور خارجه امریکا در انجمن روزنامه‌نگاران اظهار داشته که دولت انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی به پیشنهاد امریکا دایر بر تخلیه خاک ایران از نیروهای خود پاسخ نداده‌اند. روزنامه‌نگاران سوال کردند آیا در این خصوص از طرف نمایندگان سیاسی

امریکا در مناطق شمال ایران اطلاعاتی به واشنگتن رسیده است یا خیر؟ وزیر نامبرده در پاسخ اظهار داشت در این دو روز اخیر اخبار و اطلاعاتی از طرف آنها به ما رسیده است.

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

دیلی نیوز بولتن. ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵ - بیانات آقای حسین علاء راجع به آذربایجان.

دولت ایران موضوع اختلاف نظری را که با اتحاد جماهیر شوروی بر سر بی‌نظمی‌های شمال پیدا نموده به موقع به اطلاع دولتمندان آمریکا و انگلستان رسانید. نظر به اینکه قوای شوروی از عزیمت نیروی ایران به شمال برای استقرار نظم آذربایجان جلوگیری به عمل آورده است آقای حسین علاء سفیر کبیر دولت ایران در واشنگتن به خبرنگاران مطبوعات اظهار داشت: «رجاء واثق داریم که متفقین ما اقدامات موثر به عمل خواهند آورد. ما امیدواریم مسکو درک نماید که این وضعیت بایستی خاتمه یابد و از آمریکا توقع داریم که از اعمال نفوذ خود نسبت به این موضوع در مسکو خودداری ننماید. زیرا ایران سنگ محک برای کلیه اصولی است که عالم برای حفظ آن دست به جنگ برد. آیا معاهدات ملل متفق پاره کاغذ می‌باشند؟» سپس سفیر کبیر ایران مفاد یادداشت دولت ایران را به روسیه که در تاریخ ۱۷ نوامبر صادر گردیده بود خاطرنشان نمود در این یادداشت تذکر داده شده است که اگر دولت ایران به علت عدم آزادی حرکت قوای تأمینیه خود موفق به جلوگیری از حوادث شوم نگردد دولت خود را محق می‌داند که مسئولیت عدم توفیق را متوجه شورویها نماید. وزارت امور خارجه شاهنشاهی به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی در تهران اطلاع داده که دولت ایران تصمیم گرفته است که فعلاً دو گردان پیاده‌نظام و یک گردان موتوریزه و یک گردان ژاندارم با تسلیحات از تهران به میانه و تبریز از طریق قزوین و زنجان اعزام نماید. بنابراین تقاضا می‌شود تصمیم دولت ایران را به اسرع اوقات ممکنه به مقامات صلاحیت‌دار شوروی اطلاع دهند و طی یادداشت از دولت اتحاد جماهیر شوروی درخواست نمایند که استقلال و حاکمیت ایران را محترم شمرده و به نیروهای خود دستور دهند که از مداخله نسبت به آزادی عمل ارتش ایران و مأمورین انتظامات امتناع ورزند و قبل از اینکه سفیر کبیر

اطلاع حاصل نماید که نیروی ایران از طرف روسها متوقف گردیده‌اند اشعار داشت «که وزارت امور خارجه امریکا به طوری که اظهار داشته است موضوع را دقیقاً مورد مطالعه قرار خواهد داد و حقیقت امر وقتی معلوم خواهد شد که اطمینان حاصل شود که شورویها نسبت به عملیات قوای ایران مداخله نموده و از عبور آنها جلوگیری کرده‌اند و فقط وقتی اقدام خواهد شد که محقق شود در این باب اتفاقی رخ داده است». آقای تقی‌زاده سفیر کبیر ایران مقیم لندن مستر بوین وزیر امور خارجه انگلستان را ملاقات نموده و شکایت کرده است که شورویها دائماً از عملیات نیروی ایران ممانعت نموده و از اجرای وظایف آنها جلوگیری به عمل آورده‌اند.^۷ به این سند نیز توجه شود:^۸

از واشنگتن به وزارت امور خارجه

لرد هالیفاکس

فوری / محرمانه

شماره ۷۸۶۰

۲۳ نوامبر ۱۹۴۵

بازگشت به تلگرام ۷۸۳۳

بیرنس اقدامات مقدماتی یک بیانیه کنفرانس مطبوعاتی را به این مضمون تهیه دیده است که دولت ایالات متحده امریکا درباره وضع ایران اطلاعات نگران کننده‌ای را دریافت کرده است. با اینکه ارتباطات آنها و در نتیجه از جزئیات اخبار کمی در دست معذک وی مایل است توجه عموم را به این حقیقت معطوف دارد که دولت شوروی و ایالات متحده همگی امضاکننده اعلامیه تهران که حاکمیت و استقلال ایران در آن تأیید گردیده است، می‌باشند.

۱- در پاسخ پیشنهاد شما بیرنس تصمیم دارد به مضمون تقریبی زیر با دولت شوروی در مسکو ارتباط حاصل نماید: ایالات متحده اطلاعاتی دریافت کرده که مقامات نظامی شوروی از اعزام قوای ایران برای حفظ قانون و رعایت نظم در مناطق مسلم خاک

۷- آرشیو وزارت امور خارجه ایران

خود جلوگیری کرده‌اند. به عقیده دولت ایالات متحده اعزام قوا از جانب ایران برای حفظ قانون و نظم حق مسلم حاکمیت ایران است و هر نوع مداخله از سوی سایر نیروها مداخله‌ای در حق حاکمیت است. ایالات متحده اطمینان دارد که دولت شوروی و دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا صمیمانه اشتیاق دارند که مفاد اعلامیه تهران باید دقیقاً به مورد عمل و اجرا گذاشته شود. این امکان نیز هست که فرماندهان نظامی محلی بدون داشتن دستوراتی از طرف دولت متبوع خود عمل کرده باشند. اگر چنین باشد دولت ایالات متحده امیدوار است که هر چه زودتر دستور عدم مداخله صادر گردد. ضمناً در یادداشت این مطلب گنجانده شده که دولت ایالات متحده امیدوار است که هر چه زودتر کلیه نیروهای خود را از خاک ایران به عقب بکشند.

۲- دولت ایالات متحده یادداشتی به همین مضمون دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس ارسال خواهد داشت و ضمناً انتظار می‌رود که همین امشب دستوراتی به سفیران خود در لندن و مسکو بفرستد... بیرنس امیدوار است که شما روش مشابه ولی مستقلی را در مسکو در صورت امکان هر چه زودتر اعمال نمائید...

۳- بیرنس اعتقاد دارد که در این خصوص نباید اطلاعاتی به مطبوعات داد. در خلال همین اوقات بوین وزیر امور خارجه انگلیس ضمن نطق مفصلی که در مجلس عوام انگلیس ایراد کرد اشاره به موضوع ایران کرد و از تصمیم ایران دایر به فرستادن نیرو به آذربایجان سخن گفت و استقرار نظم در آذربایجان را موضوعی کاملاً بجا دانست و اضافه کرد که تصمیم ایران در استقرار نظم در آن قسمت از خاک ایران کاملاً موافق عهدنامه سه‌جانبه است و اظهار امیدواری نمود که دولت ایران در اجرای این نقشه کامیاب گردد؛ و ضمناً اظهار داشت که دولت انگلیس به مأمورین نظامی خود دستور داده است که مقررات عهدنامه سه‌جانبه را در ایران کاملاً رعایت کنند و نیز گفته است مولوتف وقتی که در لندن بود به او اطلاع داده است که دستورهای شوروی به مأمورین شوروی در ایران در همین زمینه بوده است.

ایدن معاون رهبر نمایندگان حزب محافظه کار انگلیس نیز در همین موقع دربارهٔ ایران چنین اظهار داشت: در جلسه روز پنج‌شنبه مجلس عوام انگلیس مستر ایدن وزیر امور خارجه سابق انگلیس نطقی ایراد کرد. نخست از ضرورت روابط حسنه انگلیس

و روسیه و امریکا سخن گفت و سپس توجه خود را به وقایع اخیر ایران معطوف داشت. ایدن گفت ما با اندک نگرانی در جراید اخباری ملاحظه می‌کنیم مشعر براینکه شورش و بی‌نظمی در بخش شمال باختری ایران پیش آمده دولت ایران بر اعزام قوا بدان سامان برای رفع غائله و تأمین آرامش مبادرت نموده است. بالاخره اطلاع یافتیم که مقامات شوروی از حرکت این قوا جلوگیری کرده آنها را مجبور به بازگشت نموده‌اند. من ناگزیرم به اطلاع آقایان برسانم که به نظر این جانب چنین اقدامی با روح همان سه‌جانبه انگیس و شوروی و ایران مورخ سال ۱۹۴۲ و به اعلامیه انجمن تهران مورخ سال ۱۹۴۳ سازگار نیست زیرا مفاد اعلامیه انجمن تهران چنین می‌گوید که دولت‌های شوروی و امریکا و انگلیس متفقاً مایلند که عنان استقرار نظم کشور ایران به دست دولت ایران سپرده شود.

به نظر این جانب این اولین بار نیست که مقامات شوروی از حرکت نیرو و ژاندارمری دولت ایران به نواحی تحت اشغال خود جلوگیری نموده و اجازه حرکت به آن سامان را نداده‌اند. بالنتیجه هر آینه اختلافی به ظهور رسیده باشد چندان شگفت‌انگیز نمی‌باشد. دولتهای متفق برای آن به خاک ایران قدم نهادند که مسئله ارسال خواریار و مهمات به خاک اتحاد جماهیر شوروی تأمین گردد و هرگز مایل نیستند که دوباره به سیاست منفور گذشته که به نام مناطق نفوذ سیاسی نامیده می‌شد بازگشت نمایند: دولت اتحاد جماهیر شوروی برای رفع سوءظن و بدگمانی می‌تواند تصمیم زیر را اتخاذ و اظهار کند که حاضراست میدان عمل را برای فعالیت‌های این نیروها در مناطق مزبور بازگذارد و بدانها کمک و مساعدت نماید. من می‌توانم بگویم که دولت اتحاد جماهیر شوروی خبرنگاران جراید دنیا را دعوت کند که به آن سامان رفته و از نزدیک اوضاع آنجا را مشاهده نمایند و بدانان اجازه دهد که مشاهدات خود را آزادانه منتشر سازند. به این ترتیب از خود رفع سوءظن نموده و موقع خویش را بیش از پیش مستحکم سازد.

وزارت امور خارجه نیز در تهران راجع به اعزام قوا به آذربایجان دست به اقدامات مجددی زد که متأسفانه هیچیک از این اقدامات به نتیجه مثبت نرسید. به سند زیر مراجعه شود:

شماره ۳۲۰

مورخ ۲۴/۷/۲۵

۱۲۲- به سفیر شوروی گفته شد اعزام قوا در خاک ایران امری است که مربوط به خود ایران و حق حاکمیت است و به چه علت می‌خواهیم قوا بفرستیم به آنها مربوط نیست کشور ایران کشور مستقلی است و می‌تواند قوای خود را به هرجائی از نقاط کشور بخواهد بفرستد. ۱۲۶۶ - سپهبدی.

اوضاع تبریز^۱

دولت ایران سرانجام موفق شد در تاریخ ۷ آذر ۱۳۲۴ سهام‌السلطان بیات را که از مدتها پیش برای استانداری آذربایجان معین شده و وسیله‌ای برای حرکت او به محل مأموریت نبود با یک هواپیمای شوروی به تبریز بفرستد. بیات در فرودگاه با استقبال گرم مردم وارد تبریز گردید و یکسر به استانداری رفت ولی غیر از رؤسای ادارات هیچیک از سران یا وابستگان فرقه دموکرات به دیدار وی نیامدند و بیات هم حاضر نشد به مرکز فرقه دموکرات برود.

در حالی که اعلامیه‌های پیاپی فرقه دموکرات آذربایان وعده‌های خوش به مردم می‌دهد و آنان را به پشتیبانی از خودمختاری آذربایجان تشویق می‌کند، استاندار آذربایجان نیز روز ۱۲ آذرماه با اعلامیه‌ای نظریات خود را با مردم در میان می‌گذارد:

«هموطنان و برادران عزیزم. در این موقع مهم که افکار عموم ایرانیان متوجه آذربایجان بوده و از طرف دولت برحسب امر اعلیحضرت همایونی مأموریت خدمتگزاری این حدود به این جانب تکلیف شد و نظر به علاقه و حسن عقیدتی که نسبت به وطن پرستی و آزادیخواهی برادران آذربایجانی داشته و دارم با یک حس فداکاری و

۹- اقتباس از: شکست تا پیروزی، نوشته علیرضا طاهری - سرزمین زردشت، رضائی. تألیف علی دهقان - رقابت روسیه و غرب در ایران، نوشته جرج لنزوسکی، ترجمه اسماعیل راثین - مرگ بود بازگشت هم بود، نوشته نجفقلی پسیان - ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، روزنامه اطلاعات، شماره‌های ۷۱۰ - ۷۱۱

صمیمیت برای قبول این وظیفه وجدانی حاضر شده و به تبریز آمده‌ام هیچ تردید ندارم که اوضاع اجتماعی و بهداشتی و تأمینی و فرهنگی و اداری ایران و مخصوصاً آذربایجان محتاج یک رشته اصلاحات فوری است که باید بلادرنگ عملی گردد.

بدواً برای شروع به اصلاحات حاضرم با نمایندگان احزاب و عموم طبقات وارد مذاکره شده پس از تبادل نظر آن قسمت از اصلاحات را که در حدود اختیار این جانب است فوری با مشورت آقایان به موقع عمل و اجرا گذارده و اگر مسائلی هم باشد که محتاج مذاکره با مرکز گردد اینجانب شخصاً حاضر به فوریت با دولت داخل مذاکره شده و تمام نفوذ و قوای خود را بکار برم که مقاصد مشروع برادران عزیزم را انجام دهم و اطمینان کامل دارم با حسن نیت موضوعات مطروحه مورد توجه و عمل واقع خواهد گردید.

می‌توانم به عموم برادران عزیزم اطمینان دهم که تمام اوقات و تمام قوای خود را برای اجرای اصلاحات عمومی و رفع نگرانی و اضطراب عموم هموطنان عزیزم مصروف و با نهایت صمیمیت برای خدمتگزاری حاضر و از عموم برادران عزیز انتظار دارم در این نیت پاک که فقط از نقطه نظر مصالح کشور و آسایش عمومی است دست به دست من داده با اینجانب تشریک مساعی و کمک نمایند تا به توجهات و تفضلات خداوندی و مساعدت برادران عزیز بتوانم اصلاحات مقتضیه را به موقع اجرا گذاریم.

در خاتمه نیز لازم است تذکر داده شود چون بعضی اشخاص مفسده‌جو در مقام استفاده از موقع برآمده و اقدام به عملیات مخالف انتظامات از قبیل قتل و غیره در شهر نموده‌اند اینجانب برای حفظ انتظامات به مأمورین شهربانی دستورات لازم داده و امیدوارم عموم طبقات هم برای جلوگیری از این نوع عملیات با مأمورین شهربانی کمک و مساعدت نمایند. مرتضی بیات.»

با وجود صدور این اعلامیه از طرف سران فرقه دموکرات کوچکترین اقدامی به عمل نیامد تا سرانجام پس از مذاکراتی طرفین حاضر شدند در منزل ذکاءالدوله سراجمیر با من و پیشه‌وری و شبستری و بی‌ریا و فریدون ابراهیمی نمایندگان فرقه دموکرات آذربایجان ملاقات صورت بگیرد. در این جلسه در مورد دو اصل رسمیت زبان ترکی و خودمختاری آذربایجان مذاکرات زیادی شد. بیات مخالفت این دو اصل را با قانون اساسی و تمامیت کشور بیان کرده تقاضا نمود که قبلاً ماجراجویان و فدائیان مسلح را از

شهر خارج کنند و در شهر امنیتی ایجاد نمایند تا بتواند با مرکز در این موارد مذاکره کند ولی آنها اصرار کردند اول دولت این دو اصل را بپذیرد بعد ما خود امنیت شهر را برقرار می‌کنیم. در تعقیب این مذاکرات سران فرقه دموکرات به عملیات و اقدامات شدیدی دست زدند و حتی امیر مالک رئیس رمز شهربانی و سروان علی و کیلی افسر شهربانی تبریز را در روز روشن به قتل رسانیدند.

صبح چهارشنبه ۲۱ آذر شهر تبریز وضع خاصی پیدا می‌کند نیروی مسلحی که در روزهای پیش به نیروی ماجراجویان دموکراتها اضافه شده بود در شهر به حرکت درمی‌آیند و در خیابانها و مرکز شهر مستقر می‌شوند.

در میان این افراد مسلح دستجاتی دیده می‌شد که علاوه بر تفنگ‌های قوی برنو دارای مسلسل‌های سبک نیز بودند. علاوه بر این نیروهائی که شب پیش از مراغه و سراب و میانه و نقاط اطراف به سمت تبریز حرکت کرده بودند از هر سمت به تبریز رسیده تپه‌های اطراف شهر را اشغال کردند و از هشت صبح به تیراندازی شروع کردند. تیراندازی در داخل و خارج شهر برای مرعوب کردن مردم شروع گردید و تا مدتی ادامه داشت.

سه ساعت به ظهر مجلس ملی آذربایجان افتتاح یافت در این جلسه قریب هشتاد نفر از نمایندگان ملت آذربایجان شرکت نمودند ابتدا نظامنامه داخلی مجلس مطرح شد و با توضیحاتی که پیشه‌وری می‌داد به اتفاق آراء به تصویب رسید بعد برای انتخاب رئیس مجلس رای گرفتند و شبستری به ریاست انتخاب شد بعد منشی‌ها و اعضای دیگر هیئت رئیسه را معین کردند.

سپس رئیس مجلس تمایل اکثریت را به نخست‌وزیری جعفر پیشه‌وری رهبر فرقه دموکرات آذربایجان ابلاغ و ایشان را مأمور تشکیل هیئت دولت نمودند که بعد از ظهر دولت را به مجلس معرفی کند.^{۱۰}

۱۰- تشکیل مجلس ملی آذربایجان

اولین جلسه مجلس ملی آذربایجان در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۴ شمسی با نطق ریاست سنی مجلس محمدنقی رفیعی (نظام‌الدوله) و با حضور ۷۵ نفر نماینده افتتاح گردید. سپس نظامنامه مجلس توسط میرزا رحیم والائی قرائت و تصویب شد و بعداً انتخاب هیئت رئیسه با رأی مخفی به شرح زیر به عمل آمد:

در همان موقعی که مجلس تشکیل می شد شهر از هر طرف به وسیله نیروهای

→

حاج میرزا علی شبستری به ریاست مجلس و سه نفر به شرح زیر به معاونت مجلس انتخاب

شدند:

۱- صادق پادگان ۲- حسین جودت ۳- محمدتقی رفیعی (نظام الدوله)

و دو نفر منشی نیز به شرح زیر انتخاب شدند:

۱- میرزا رحیم والائی ۲- محمد عظیمیا

اعضا و هیئت رئیسه نیز به قرار زیر انتخاب شدند:

۱- مرادعلی تیموری بیات ۲- اصغر دیبائیان ۳- صادق دیلمقانی

صورت کلی اسامی وکلای مجلس ملی آذربایجان به شرح زیر است:

از تبریز:

۱- میرجعفر پیشموری ۲- محمد بی‌ریا ۳- زین‌العابدین قیامی ۴- صادق پادگان ۵- دکتر

سلام‌الله جاوید ۶- محمدتقی رفیعی (نظام الدوله) ۷- حاج میرزا علی شبستری ۸- غلامرضا الهامی ۹-

ابوالفتح نیکجو ۱۰- فتحعلی ایکچیان ۱۱- علی ماشینچی ۱۲- محمد عظیمیا (از تبریز).

از خوی:

۱۳- آتش خان بیات ماکو ۱۴- شیخ موسی کیانی ۱۵- نورالله بیگانه ۱۶- ترابی

از مرند:

۱۷- جعفر کلویان ۱۸- میر رحیم والائی.

از سراب:

۱۹- غلام یحیی دانشیان ۲۰- ابوالحسن واقف ۲۱- محمود غزنوی

از هشتروند:

۲۲- دکتر جاوید مهتاش ۲۳- عبدالعلی مستمع

از ماکو:

۲۴- مرادعلی تیموری بیات ۲۵- عبدالحسن احمدی ۲۶- محمود ترابی

از اردبیل:

۲۷- حسن جودت

از مراغه:

۲۸- داداش تقی‌زاده

از سولدوز:

۲۹- قلیخان پورچالو

از میانه:

مسلح محاصره شده و هنوز هم شلیک و تیراندازی می‌شد و این تیراندازها تا ساعت

→

۳۰- عباسعلی پنه‌ای ۳۱- حاج زین‌العابدین رحیم‌زاده بادکوبه‌چی

از اهر ارسباران:

۳۲- حسین آخوندزاده ۳۳- خلیل آذربادگان ۳۴- تقی خاوری ۳۵- میرزا قاسم آقازاده

از زنجان:

۳۶- معرفت صفائی ۳۷- دکتر جهانشاهی ۳۸- هلال ناصری

از علمدار گرگر:

۳۹- حسن زفیری

از رضائیه:

۴۰- صادق دیلمقانی ۴۱- معیرزاده

از عجب‌شیر ذیرجرود:

۴۲- جعفر اخگری

از آوزشهر:

۴۳- رسام موزع‌زاده

از این به بعد در کتاب ذکر محل انتخابیه به میان نیامده است و فقط به ذکر اسامی نمایندگان اکتفا شده است:

۴۴- کاظم هاشم‌نیا ۴۵- بابکن قوروقچیان ۴۶- تقی شاهین ۴۷- اصغر دیبائیان ۴۸- ریح

کبیری ۴۹- شکبیا ۵۰- فریدون ابراهیمی ۵۱- محمدتقی آزادوطن ۵۲- علی‌اکبر اورنگی ممقانی

۵۳- محرم دانائی ۵۴- میرمحمد چاوشی ۵۵- علی‌اکبر مهمانی ۵۶- هاشم مرادی ۵۷- ابوالفضل

غفاری ۵۸- حسین تیزفهم نکمه‌داشی ۵۹- علی‌اکبر ژهیده ۶۰- حسین صانمی ۶۱- بهرام ناییبی ۶۲-

ورام میراکیان ۶۳- میرقاسم چشم‌آذر ۶۴- رضا رسولی ۶۵- ابوالرحیم موزع‌زاده ۶۶- قهرمان

قهرمانزاده ۶۷- کریمی ۶۸- جعفر ادیب ۶۹- مهدی هاشمی ۷۰- یوسف عظیمیا ۷۱- محمدعلی

دیبائی ۷۲- ابراهیم علیزاده ۷۳- عبدالله رحیمی ۷۴- اسماعیل شمس ۷۵- سیمون مقروبیچیان ۷۶-

عبدالملی پژوهنده ۷۷- داود کرگیان ۷۸- اسماعیل پیشمازی ۷۹- بانو عقیقه ترکی ۸۰- بانو شمس

بدری

در همین زمان سیدجعفر پیشموری رئیس دولت برنامه خود را به مجلس ارائه نمود [برنامه

دولت همان مطالب بیانیه فرقه دموکرات بوده است] و به برنامه دولت با قیام و قعود رأی گرفته و به

اتفاق آراء به تصویب رسید.

پس از تشکیل مجلس ملی در تبریز و اعلام خودمختاری در آذربایجان و تعیین دولت به

نخست‌وزیری جعفر پیشموری یک اداره پلیس مخفی از روی نمونه « N. K. W. X » به وجود

آمد ریاست آن به عهده دکتر سلام‌الله جاوید که مدارج کمونیستی را در شوروی گذرانده بود

←

یازده در خارج شهر ادامه داشت.

بعد از ظهر پیشه‌وری نخست‌وزیر هیئت دولت خود را به شرح زیر به مجلس معرفی نمود:

دکتر سلام‌الله جاوید وزیر کشور - جعفر کاویان وزیر قشونهای ملی - دکتر جاوید مهتاش وزیر فلاحات - محمد بی‌ریا وزیر معارف - دکتر حسن اورنگی وزیر صحتیه - غلامرضا الهامی وزیر مالیه - یوسف عظیمی وزیر عدلیه - ربیع کبیری وزیر پست و تلگراف و طرق - رضا رسولی وزیر تجارت و اقتصاد - زین‌العابدین قیامی ریاست کل دیوان تمیز - ابراهیمی دادستان آذربایجان - آتش خان بیات ماکو وزیر تبلیغات.

بعد پیشه‌وری برنامه هیئت دولت دموکراتها را به مجلس تقدیم نمود و به اتفاق آرا تصویب شد و در خصوص وزارت خارجه دموکراتها اظهار کردند وزارت خارجه ما همان وزارت خارجه ایران است چون ما در صدد تجزیه ایران نیستیم.

پس از تشکیل مجلس و هیئت دولت قلابی و خیمه شب‌بازی فرقه دموکرات به تکمیل قوای خود و تقسیم اسلحه بین مردم و کشاورزان و دست زدن به کشتار و به وجود آوردن ترس و وحشت بین اهالی. پیشه‌وری دونفر از وزیران کابینه الهامی و دکتر جاوید را نزد بیات استاندار فرستاده به ایشان اطلاع دادند که باید تبریز را ترک کند. بیات هم به واسطه قطع ارتباط با مرکز ناچار می‌گردد عصر روز پنجشنبه ۲۲ آذرماه با هواپیما تبریز را ترک گفته به تهران مراجعت نماید.

→

واگذار نمود.

سید جعفر پیشموری با سفیر شوروی در تهران سادچیکف و همچنین کنسول شوروی در تبریز ارتباط نزدیک داشت لباس ارتش ملی آذربایجان مانند لباس ارتش شوروی و با علامت مخصوص بوده است. فرمانده ارتش غلام یحیی دانشیان بود که این شخص زبان مادری یعنی ترکی را بلد نبود ولی روسی را فصیح صحبت می‌کرد.

(کمونیسم در ایران یا تاریخ مختصر فعالیت کمونیستها در ایران. از اوایل مشروطیت تا

فروردین ۱۳۴۳ صفحات: ۳۰۶ تا ۳۱۰)

تسلیم پادگان تبریز^{۱۱}

از روز بیست و چهارم آبان که می‌توان آن را روز آغاز مسلحانه فرقه دموکرات دانست تا روز بیست و هشتم آذر ۱۳۲۴ که پادگان رضائیه یعنی آخرین پادگان نظامی منطقه تسلیم شد دوره مخصوصی را تشکیل می‌دهد. در این روزها متجاسرین بدون آنکه حمله‌ای به پادگانهای مهم نظامی بنمایند کلیه مساعی و کوشش خود را در تخریب روحیه افسران و افراد بکار می‌بردند و سعی داشتند بدون آنکه زد و خوردی صورت بگیرد نظامیان و ژاندارمها و پاسبانها را به تسلیم مجبور کنند. اجرای این امر دو علت برجسته داشت: نخست اینکه قتل سربازان و افسران تأثیر بسیار بدی در روحیه اهالی ایران و بخصوص آذربایجان می‌بخشید به ویژه اینکه بیشتر افسران و عموم سربازان آذربایجانی بودند و اقوام و دوستان عده‌ای از آنان در فرقه دموکرات عضویت داشتند. دیگر اینکه در صورت بروز زد و خورد بیگانگان مجبور بودند سربازان خود را علناً وارد کارزار نمایند، زیرا افراد مسلح دموکرات فاقد قدرت نظامی بودند. مهمتر از همه اینکه بیگانگان که دائماً از این نهضت طرفداری می‌کردند و می‌خواستند آن را به دنیای متمدن نهضتی حقیقی و متکی به اراده ملت ایران و مردم آذربایجان نشان دهند در صورت بروز زد و خورد و ادامه جنگ این امر غیرممکن بنظر می‌شد.

در تمام این مدت کوتاه مأمورین بیگانه جنگ تبلیغاتی شدیدی را در ایران و در تمام جهان به منظور پیشرفت مقاصد خود شروع کرده بودند و دسته‌دسته خبرنگاران خارجی برای مطالعه اوضاع ایران و آذربایجان از نزدیک به این کشور می‌آمدند.

در این هنگام اهالی شهرهای تبریز و رضائیه و اردبیل روحیه مضطرب و نگرانی داشتند که تشریح و کیفیت روحی آنها و افراد پادگانها از هر جهت قابل توجه است. امنیت مخصوص شهر تبریز و اوضاع ظاهراً آرام آن در نتیجه حوادثی که در سایر شهرها اتفاق می‌افتاد بکلی دگرگون شده بود در محلات افراد ناشناس و مسلحی دیده می‌شدند که به حد وفور در اغلب این محلات در رفت و آمد بودند.

اداره شهربانی و دژیانی لشکر گزارشهای پی در پی مبنی بر ورود عده‌ای مهاجر در شهر می‌دادند. هنوز چند روری از این مقدمات نگذشته بود که دونفر از افراد

مسلح به وسیله مأمورین شهربانی دستگیر گردیدند ولی فشار کمیته مرکزی فرقه و رفتار مأمورین خارجی مانع بازداشت آنان شد و استخلاص این دونفر در حقیقت به منزله اولین اقدام برای آزادی حمل اسلحه در شهر شد.

بر تعداد افراد ژاندارمری که از پاسگاههای دوردست جان خود را از دست دموکراتها نجات داده گرسنه و تشنه به تبریز می‌آمدند روز به روز اضافه می‌شد و این فراریها اخبار موحش و وحشتناک مبنی بر طرز رفتار فدائیان دموکرات و تعداد افراد ماجراجوی مسلح به تبریز می‌آوردند.

مأمورین استالینی نیز در این روزها رفتار خود را تغییر داده مانند روزهای اول بعد از حادثه شهرپور، در نزدیکی شهر دروازه‌ها و پست‌های مخصوصی برپا کرده مسافرین و محمولات را با دقت زیاد بازرسی می‌کردند.

دولت مرکزی و مأمورین آن در آذربایجان در قبال اقدامات دموکراتها و کمکی که به آنها می‌شد به قدری متحیر و سرگردان شده بودند که در حقیقت می‌توان گفت بکلی غافلگیر شده بودند. دموکراتها شب و روز برای پیشرفت مقاصد خود کار می‌کردند و فعالیت می‌نمودند در صورتیکه در مجلس تهران در اثر تحریک‌نمایندگانی که با فرقه دموکرات سروکار داشتند مشغول گفتگو و مشاجره و مباحثه بودند و هریک از نمایندگان عمل دموکراتها را به وضعی تشریح می‌کرد و راه‌حلی برای وقایع آذربایجان پیشنهاد می‌نمود. مأمورین دولت در تبریز هم اوقات خود را با تشکیل کمیسیونها و در انتظار دستورهای تهران می‌گذرانیدند.

در آذربایجان اکثریت مردم درحالیکه روش سکوت و انتظار نسبت به اعمال دموکراتها را در پیش گرفته بودند از ابراز کینه و نفرت شدید نسبت به آنان خودداری نمی‌کردند بخصوص از زمانی که افراد ناشناس در بین دموکراتها ظاهر شده بودند که سر جنبانان و رهبران حزب هم از همین افراد بودند. طبقات بازرگان و اصناف بکلی مخالف دموکراتها بودند. کارمندان فهمیده دولت و روشنفکران و عموم اعضای غیر آذربایجانی نیز مخالفت شدیدی نسبت به دموکراتها ابراز می‌داشتند.

در آن روزهایی که از طرف ستاد ارتش به وسیله رادیو خطاب به لشکر آذربایجان رمز فرستاده می‌شد شبها مردم دسته دسته در کنار رادیو جمع شده شماره‌های رمز را با علاقه و آفری یادداشت نموده سحرگاه در دفتر فرماندهی لشکر آمده رمزها را برای

استفاده لشکر به مسئولین امر می‌دادند.

پس از قتل مأمورین شهربانی و اسائه ادب و توهینی که هم‌روزه از طرف فدائیان فرقه نسبت به افراد ارتش و افسران می‌شد عده‌ای از معروفین و محترمین شهر اجتماع کرده در آن جلسه تصمیم گرفتند با مأمورین دولتی همکاری نمایند و در صورت لزوم دوش به دوش سربازان با ماجراجویان مبارزه نمایند. بر اثر این تصمیم قریب پانزده هزار نفر از اهالی محلات تبریز با امضای اعلامیه‌ای برای مبارزه با ماجراجویان آماده شدند ولی افسوس از ابتدای امر استاندار کاردانی در تبریز نبود و سرتیپ درخشانی فرمانده لشکر نیز مرعوب و یا مجذوب دموکراتها شده بود لشکر تبریز در قسمت جنوب خیابان شاهپور در نزدیکی باغ شمال دارای ساختمانها و عمارات مفصل و متعددی بود ولی پس از شهریور نیروهای شوروی در این ساختمانها اقامت کردند و لشکر سوم ناچار شد از ساختمانهای معمولی استفاده نماید.

لشکر تبریز در نزدیکی دروازه تهران در عمارتی که سابقاً پرورشگاه بود، قرار داشت. گردان مهندسی و توپخانه هریک در ساختمانی دیگر و بدتر از همه ستاد لشکر در یکی از کوچه‌های فرعی در ساختمان نامناسبی قرار داشت.

دو روز قبل از تسلیم پادگان تبریز، مردم شهر ناظر عملیات و رفت و آمدهای زیادی در قسمت غربی باغ شمال و سربازخانه‌های شوروی بودند. صبح روز سه‌شنبه صدای رگبار چند مسلسل شنیده شد. از دو ساعت بعد از ظهر آن روز آتشبارهای نیروی شوروی حالت مخصوصی به خود گرفتند ولی سربازان لشکر ۳ با فداکاری هرچه تمامتر خود را برای بروز هر پیش‌آمدی آماده کردند.

ستاد ارتش عقیده داشت که لشکر نباید به هیچ قیمتی سلاح بر زمین گذاشته تسلیم متجاسرین شود ولی فرمانده لشکر دفاع در مقابل حملات متجاسرین را امکان‌ناپذیر می‌دانست. اختلاف عقیده تهران و تبریز و استنباط مختلف و متضاد این دو مرکز نظامی از تلگرافی که فرمانده لشکر به شرح زیر به عنوان مقامات نظامی ارتش مخابره کرده است مشهود می‌گردد:

تهران - ستاد ارتش

«چون از دستور صادره چنین مستفاد می‌شود که هنوز مرکز با تمام گزارشاتی

که لشکر داده وارد به اوضاع آذربایجان نیست و ممکن است با اجرای دستورات صادره محظوراتی پیش آید که ضرر جبران ناپذیری متوجه کشور گردد. لذا پیشنهاد می‌کنم فوری یک کمیسیون عالی برای بررسی وضعیت آذربایجان با هواپیما عازم تبریز والا اینجانب طبق مصالح کشور در محل هر اقدامی را لازم دانستم عملی خواهم نمود.»

ستاد ارتش به تلگراف مزبور جواب زیر را داد:

«تبریز - مقصود از دستورات صادره کدام دستور است. صریحاً تعیین نمایند. تشخیص مصالح کشور نه با فرماندهان لشکر و نه با ستاد ارتش است. بلکه با هیئت دولت می‌باشد. مادام که استانداری اعزام نشده بود شما حق داشتید با توجه به موقعیت دستورات دولت را اجرا نمائید ولی حال که جناب آقای بیات به محل وارد شده‌اند وظیفه شما اینست که نظریاتی را که دارید به معظم‌له اظهار کنید و چون نماینده رسمی سیاست دولت در آذربایجان شخص استاندار می‌باشد هر دستوری که جناب نخست‌وزیر به معظم‌له در برقراری امنیت داده‌اند باید اجرا شود به موضوع اعزام کمیسیون عالی هم به عرض رسید.»

در این روزها که آذربایجان دچار تحول خونینی شده بود بی‌سر و صدا و آرام در قصر سلطنتی تهران پیوسته جلساتی به ریاست شاه ایران برای جلوگیری از توسعه غائله آذربایجان تشکیل می‌گردید و شاه لحظه به لحظه به وسیله ستاد ارتش از جریانات آذربایجان مطلع شده دستورات لازم را صادر می‌کرد. بالاخره در شب ۲۲ آذر دستور حرکت لشکر به تهران داده شد. ولی فرمانده لشکر آن را قبول نکرد و غیرممکن تشخیص داد. دستوری را که مرکز برای حرکت لشکر به تهران شب ۲۲ آذر داده بود به قرار زیر است:

«به فرموده مبارک اعلام می‌دارد. در صورت امکان با نیرو به شکل ناگهانی از راهی که به وسیله بیگانگان مسدود نشده شبانه با استفاده از ارتفاعات سه‌پند و شاهین دژ به سمت کردستان حرکت نمائید. در صورتیکه چنین عملی ممکن نباشد در خود سربازخانه سنگربندی و در مقابل متجاسرین در صورت حمله به سربازخانه دفاع نمائید و به این منظور خواربار لازمه را متمرکز نمائید.»

یک روز قبل از مغایره این تلگرام فرمانده لشکر تبریز ضمن تلگرافی از دولت تقاضا نموده بود از روی مصلحت با پیشه‌وری و سایر رهبران حزب دموکرات وارد

مذاکره و حتی همکاری شده، لشکر را ظاهراً در اختیار آنها بگذارد ولی ستاد ارتش با این تقاضا جداً مخالفت نموده جواب می‌دهد:

«لشکر ۳ - در این موقع که جناب استاندار به تبریز تشریف آورده‌اند مسئولیت امر از نظر سیاسی طبق دستورات دولت با استاندار است ولی اجرائیات آن به عهده نیروی انتظامی می‌باشد. لازم است در موضوع اجرای عملیات همان طوری که قبلاً دستور داده شده است شدیداً متجاسرین را سرکوب کنید.»

عصر روز پنجشنبه بیست و دوم آذر بیات به سمت تهران عزیمت نمود. شهربانی و ژاندارمری تسلیم شدند و فقط لشکر در محوطه خود مسلح باقی مانده بود..

ساعت ۷/۵ بعدازظهر سرتیپ درخشانی با بی‌سیم مطالب زیر را به ستاد ارتش مخابره نمود «هیچگونه مقاومتی از طرف لشکر ممکن نبوده و به هیچ‌وجه مفید فایده نخواهد بود. جز موافقت با نظر آن‌ها چاره‌ای نیست. استاندار همین نظریه را داشت. ۷/۵ عصر.»

ستاد ارتش جوابی به شرح زیر می‌دهد:

«لشکر - منظور از موافقت با نظر آنها یعنی چه؟»

فرمانده لشکر برای توضیح کلمه موافقت و تشریح وضع خود تلگراف زیر را مخابره کرد:

«با مذاکراتی که شخصاً با پیشه‌وری نمودم که پیشنهاد نمود یا همکاری با جنگ، همکاری هم به این طریق خواهد بود که چند روز به وسیله چند نماینده در داخل افسران و افراد لشکر تبلیغاتی نموده بعد افسران قسم یاد کنند که به استقلال ایران و خودمختاری آذربایجان خیانت نکنند. بعد تمام اسلحه و سازمان لشکر با این طریق پابرجا و فدائیان مرخص خواهند شد و تا موقعی که حکومت مرکزی خودمختاری آذربایجان را شناسد ارتباط لشکر با مرکز باید قطع شود و به محض شناسائی خودمختاری حکومت آذربایجان لشکر تحت امر مرکز خواهد بود. تا ساعت ۲۴ امروز ضرب‌الاجل و وقت تعیین گردید. فوری تکلیف تعیین فرمائید. قطعاً چند ساعت دیگر حمله به سربازخانه شروع می‌شود. ۲۴/۹/۲۲.»

ستاد ارتش چنین جواب داد:

«باید به عرض هیئت وزیران برسد پاسخ در حدود دو ساعت دیگر داده

می‌شود.» در طول این مدت فرمانده لشکر بار دیگر این پیشنهادی را که از طرف دموکراتها برای پذیرفتن ریاست لشکر آذربایجان به ایشان شده بود به شرح زیر به اطلاع ستاد ارتش رسانید.

«پیشنهاد می‌کنند چون بنده آذربایجانی هستم ریاست ارتش را به عهده بگیرم. اگر اعلیحضرت همایونی اجازه فرمایند شاید بدین ترتیب فعلاً از محو لشکر جلوگیری شود.»

در پاسخ این تلگراف و تلگرافهای دیگری که راجع به تسلیم و موافقت با دموکراتها به تهران مخابره شده بود مقامات نظامی تهران دستور زیر را می‌دهند:

«البته شرافت نظامی و استقلال کشور به هیچ‌وجه اجازه چنین تسلیمی را نمی‌دهد. خود شما با کلیه افسران لشکر به مرکز حرکت نمائید. افراد و گروه‌بازان نیز بایستی مرخص و اسلحه آنها معدوم شود. منتهی تیپ‌های اردبیل و رضائیه طبق دستورات قبلی در مقابل ماجراجویان ایستادگی نمایند و این دو تیپ هم از این به بعد مستقیماً به مرکز مراجعه کنند.»

عصر روز پنجشنبه بیست و دوم آذر هیئت وزیران جلسه فوق‌العاده خود را تحت ریاست حکیم‌الملک حکیمی تشکیل داد. موضوع پیشنهادات فرمانده لشکر تبریز و دستورات و نظریات ستاد ارتش مطرح گردید. در این جلسه که زند وزیر جنگ و سرلشکر ارفع رئیس ستاد ارتش نیز حضور داشتند اطراف و جوانب امر از لحاظ دفاع یا تسلیم مطرح و بالاخره پس از مذاکرات بسیار با اکثریت آراء درباره تسلیم لشکر با شرایطی که تقاضا شده بود موافقت حاصل نشد و در نتیجه از طرف مقامات نظامی مسئول تهران تلگرافی که می‌توان آن را آخرین دستور قطعی مرکز دانست به لشکر آذربایجان مخابره شد:

«تبریز - فرمانده لشکر. مطابق اعلام رسمی جناب آقای نخست‌وزیر در جلسه چهارشنبه ۲۴/۹/۲۱ مجلس شورای ملی، دولت این قیام مسلحانه را که برخلاف قانون اساسی و بر علیه ملت ایران است به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین اصولاً باید مقاومت نمود. شورائی از افسران خودتان تشکیل بدهید و متن بیان آقای نخست‌وزیر را اظهار بکنید اگر مطابق تشخیص شما مقاومت غیرمقدور است خود شما و افسران به تهران حرکت نمائید: ساعت ۲۰/۳۰ عصر ۲۴/۹/۲۲»

فرمانده لشکر در مقابل این دستور تلگراف زیر را به ستاد ارتش مخابره می‌نماید و ضمناً دستوری را که از طرف مرکز برای دفاع داده شده بود رد کرده غیرعملی می‌داند:

«الساعه دونفر نماینده آنها آمده اظهار می‌داشتند افسرانی که با ما کار کنند می‌توانند در کار خود باقی مانده کسانی که مایل نیستند تحت تأمین به هر نقطه مایل باشند می‌توانند بروند. خروج از سربازخانه به هیچ‌وجه امکان ندارد مقاومت در مقابل چندین برابر عده موجوده نتیجه محو تمام نیرو و آنچه باقی مانده بطوریکه در مشگین شهر عمل کردند باقیمانده افسران اعدام خواهند شد. چنانچه برای کشور مفید باشد حاضریم.»

موضوعی که بعدها مورد توجه ستاد و دادرسی ارتش قرار گرفته این بود که سرتیپ درخشانی بین ساعت ۸ و ۹ کجا بوده است و چرا قبل از وصول دستور مرکز تسلیم شده است. اعلامیه‌ای که به وسیله سرتیپ درخشانی و پیشه‌وری در خصوص تسلیم و تعیین تلکیف لشکر تنظیم شده بود در ساعت ۸ امضا شده است.

در ساعت ۸/۵ رئیس ستاد لشکر آذربایجان و فرمانده هنگ ۷ به وسیله دستگاه بی‌سیم وضع لشکر و موقع فرمانده آن و روحیه افسران تلگراف زیر را به ستاد ارتش مخابره کرده است:

«فرمانده لشکر در عمارت استانداری که فعلاً هیئت دولت آذربایجان در آنجا تشکیل یافته رفته‌اند. به پیشنهاد امروز حاضر به همکاری با حزب دموکرات نشده‌اند. رئیس ستاد لشکر ساعت ۲۰/۵ - ۱۳۲۴/۹/۲۲.»

تلگراف آخر ستاد ارتش پس از مراجعه به آقای نخست‌وزیر و کسب تکلیف از ایشان در ساعت ۹ مخابره شده و در تبریز کشف شده است و تا این تلگراف در تهران به صورت رمز درآمده مخابره شده و در تبریز کشف شده است مسلماً نیم ساعت وقت لازم داشته و به این ترتیب در ساعت ۹/۵ به دست سرتیپ درخشانی رسیده است در صورتیکه ایشان به قرار معلوم قریب یک الی یکساعت و نیم قبل قرارداد تسلیم را بسته است.

صورت جلسه‌ای که برای تسلیم لشکر با حضور عده‌ای از افسران لشکر تبریز تشکیل گردیده ذیلاً تذکر داده می‌شود. این جلسه در ساعت ۹ بعدازظهر تنظیم گردیده

در حالیکه قرارداد در ساعت ۲۰ امضا و انتشار یافته است.

«کمیسسیون در ساعت ۲۱ روز ۲۲ آذر ۲۴ با حضور افسران ارشد حاضر در موضوع دفاعی هنگ ۷ تبریز در مفر فرماندهی لشکر تشکیل پس از اینکه هر فرماندهی لشکر وضعیت نظامی و سیاسی منطقه را تشریح و اظهار عقیده فرمودند که دفاع در این موضوع اگرهم چندان به طول بکشد بالاخره محکوم به فناست و نتیجه هم از این دفاع به نفع کشور عاید نخواهد داشت. لذا مطابق دستور تلگرافی حضوری ساعت ۸/۳۰ افسران امضا کننده زیر با عقیده نیمسار فرماندهی لشکر با اظهار اینکه باید شرط شود که افسرانی که می‌خواهند به هر نقطه کشور بروند از طرف حزب دموکرات سلامتی خود و خانواده آنها تضمین بشود، راجع به ترک مقاومت و حرکت افسرانی که مایل باشند از تبریز خارج شوند موافقت و این صورت جلسه را امضا نمودند.

فرمانده لشکر آذربایجان سرتیپ درخشانی - سرهنگ شاهنده - سرهنگ مدبر - سرهنگ ورهرام - سرهنگ موثقی - سرهنگ منصوری - (امضا نکرده) - سرهنگ ۲ کلانتری - سرهنگ ۲ بهادر - سرهنگ ۲ خطیب شهیدی - سرگرد مظاهری - سرگرد مهرداد (امضا نکرده) - سرگرد امینی - سرگرد دکتر پرهون - سرگرد امامی - سرگرد بایگان (امضا نکرده).

فرمانده لشکر آذربایجان در پیرو تلگرافات ستاد ارتش با نمایندگان دموکراتها یعنی دکتر جاوید و الهامی با حضور سرتیپ شاهنده معاون لشکر در عمارت استانداری وارد مذاکره شده بعد از ختم جلسه با تلفون با پیشه‌وری مذاکراتی می‌نمایند و بالاخره در ساعت ۸ بین سرتیپ درخشانی و پیشه‌وری قراردادی به شرح زیر منعقد و به صورت اعلامیه در بین واحدهای لشکر و اهالی شهر توزیع می‌شود.

«چون از طرف مجلس ملی آذربایجان دولت داخلی آذربایجان مأمور حفظ امنیت آذربایجان می‌باشد. برای اینکه هیچگونه سوءتفاهمی از نظر حفظ آرامش پیش آمد نکند و برادر کشی نشود مذاکرات و مشاوره‌های متعددی با فرماندهی لشکر ۳ به عمل آمده پس از چند روز تبادل افکار بالاخره در تاریخ ۲۲ آذرماه سال ۱۳۲۴ روز پنجشنبه ساعت ۸/۵ بعد از ظهر نیمسار سرتیپ درخشانی نظر خود را دایر بر موافقت زمین گذاشتن اسلحه و همکاری پادگان تبریز و حومه با هیئت دولت آذربایجان اعلام و به عقد قراردادهای زیر موافقت نمودند.»

- ۱- از طرف پادگان مقیم تبریز آقای سرتیپ درخشانی و از جانب هیئت دولت داخلی آقای سیدجعفر پیشه‌وری تعیین و شروط مشروحه را امضا نمودند.
- ۲- هریک از افراد پادگان تبریز نباید تا دستور ثانوی از محوطه سربازخانه خارج شوند و دولت داخلی وسائل زندگانی و معاش آنها را فراهم خواهد آورد.
- ۳- کلیه تسلیحات باید در انباری جمع‌آوری شده و به وسیله اشخاصی که از طرف دولت داخلی آذربایجان تعیین می‌شود، محافظت خواهد گردید.
- ۴- هریک از آقایان افسران که مایل باشند می‌توانند به مسقط الرأس یا نقاط دیگری که در نظر دارند مسافرت نمایند و دولت ملی حاضر است در حدود امکان وسایل مسافرت آنان را فراهم نماید.
- ۵- افسرانی که مایل به همکاری شده و بخواهند در ارتش آذربایجان خدمت نمایند پس از انجام تحلیف و مراسم سوگند هیئت دولت آنها را به خدمت پذیرفته و وسایل زندگانی آنان را تأمین خواهد شد.
- ۶- استواران و گروه‌بانان و سایر افراد پادگان پس از انجام مراسم تحلیف و سوگند وفاداری اسلحه آنها مسترد و مشغول ادامه خدمت سربازی خود خواهند شد.
- ۷- این قرارداد در دو نسخه تهیه و پس از امضاء بین آقای سرتیپ درخشانی فرمانده لشکر ۳ آذربایجان از یک طرف و آقای سیدجعفر پیشه‌وری رئیس هیئت دولت آذربایجان از طرف دیگر مبادله گردید.

فرمانده لشکر ۳ آذربایجان - سرتیپ درخشانی

رئیس هیئت دولت داخلی آذربایجان - سیدجعفر پیشه‌وری.

پس از تسلیم پادگان تبریز پادگانهای اردبیل و اهر و میاندوآب، مراغه و رضائیه اسلحه بر زمین گذاشتند از روی اجبار و زیر فشار ظالمانه فرقه دموکرات تسلیم شدند. فرماندهان و سربازان دلیر و وطن‌پرست پادگانها تا آخرین قطره خون خود در برابر ماجراجویان مقاومت وزریدند مثلاً در رضائیه آن‌چنان مقاومتی به عمل آمد که تا مدتها دولت قلابی خودمختار آذربایجان و مقاومت نظامی شوروی را به خود مشغول داشته دچار

زحمت کرده بود که در اینجا به ذکر مختصری از شرح واقعه می‌پردازیم:^{۱۲}

عمل تقسیم اسلحه و سایر اقدامات بیگانگان در این شهر دیرتر از اردبیل و تبریز شروع شد گزارشی که فرمانده تیپ رضائیه روز ۱۹ و ۲۰ آذر درباره تقسیم اسلحه و فعالیت متجاسرین رضائیه به تبریز می‌دهد به شرح زیر است:

از رضائیه - تبریز - تیمسار فرماندهی لشکر

محترماً معروض می‌دارد طبق گزارش شهربانی رضائیه مکرم ترابی در معیت چند نفر به قریه هفت‌وان شاهپور رفته اهالی آنجا را وادار به اغتشاش نموده ولی اهالی از قبول آن مخالفت و نامبرده به شهر مراجعت نموده است و شب را هم در منزل حسن حبیبی با عده‌ای از عمال دموکرات و فرمانده شوروی مهمان ولی مذاکرات آنها فعلاً معلوم نشده است ۲۴/۹/۱۹ - ۳۹۱۸.

از رضائیه - تبریز - تیمسار فرماندهی لشکر

محترماً معروض می‌دارد طبق گزارش شهربانی رضائیه در تاریخ ۱۷ جاری حوالی سپیده صبح یک دستگاه کامیون شوروی در جلو در مقر فرقه دموکرات رضائیه متوقف و دو عدد صندوق محتوی فشنگ پیاده به وسیله عمال دموکرات به داخل مقر فرقه حمل نمودند ۲۴/۹/۱۹ - ۳۹۲۹.

از رضائیه - تبریز - تیمسار فرماندهی لشکر

محترماً معروض می‌دارد ضمن گزارش ژاندارمی رضائیه در تاریخ ۱۶ جاری یک دستگاه ماشین شوروی در قریه وینه قلندر دوازده قبضه تفنگ به اهالی بی‌مان پائین و ضمناً به اهالی قریه ساعت لوی بیوه لر نیز اسلحه داده شده است ۲۴/۹/۲۰ - ۳۹۵۲.

روز ۱۵ آذرماه ۱۳۲۴ که شورای استان در استانداری تشکیل شده بود رؤسای ادارات همگی حضور داشتند. ناگهان در ساعت ۱۰ صدای تیراندازی از شهر شنیده شد. از رئیس دژیان به وسیله تلفون علت تیراندازی را سؤال کردم جواب داد «دونفر غیرنظامی مسلح به تفنگ در شهر مشاهده شدند، مأمورین دژیان در صدد برآمدن آنها را دستگیر و خلع سلاح نمایند» با تحقیقات بعدی معلوم شد آن دونفر فرار نموده و به

۱۲- مرگ بود بازگشت هم بود و سرزمین زردشت، رضائیه خاطراتی از مأموریت‌های من در آذربایجان از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا دی ماه ۱۳۲۵ تعلیم سرلشکر احمد زنگنه.

مرکز حزب توده در خیابان پهلوی پناهنده شدند. مأمورین دژبان برای تعقیب و دستگیری آنها می‌خواهند وارد محوطه حزب توده شوند ولی از داخل حزب تیراندازی می‌شود: مأمورین دژبان به تیراندازی پاسخ می‌دهند و تسلیم آن دونفر را خواستار می‌شوند در این موقع کماندان شوروی به بهانه اینکه قونسول شوروی در نزدیکی محل حادثه در مطب دندان‌پزشک است و برای او احتمال خطر می‌رود دخالت می‌کند و از ادامه عمل مأمورین دژبان جلوگیری می‌نمایند. این حادثه برای بیگانگان و ایادی آنها یک آزمایش بود، یعنی می‌خواستند بدانند آیا افراد غیرنظامی مسلح می‌توانند وارد شهر شوند یا خیر ولی با این پیش‌آمد متوجه شدند مأمورین انتظامی بیدارند و جلوی هر عمل خلاف نظم را خواهند گرفت.^{۱۳} در این زمان وضع نیروی مستقر ارتش در رضائیه و مقدمات حمله به این شهر به قراری بود که ذیلاً متذکر می‌شود:

۱- چون متجاسرین طبق معمول و نظیر آنچه در سایر نقاط عملی ساخته بودند ابتدا پاسگاههای خارجی و دوردست شهر رضائیه را مورد حمله قرار می‌دادند، لذا به این پاسگاهها دستور داده شده بود که تا حد امکان به ادای وظیفه مقاومت پردازند و سپس به طرف مراکز گردانی عقب‌نشینی کنند و در چنین وضعی حمله متجاسرین به این پاسگاههای خارجی ادامه داشت.

۲- دروازه‌های شهر توسط پاسگاههای نظامی اشغال شده تحت مراقبت و تفتیش قرار گرفته بود و بدین ترتیب آزادی عمل و ابتکاری که در تمام نقاط آذربایجان در دست متجاسرین بود در این منطقه تا حد مقدور از آنان سلب شد.

۳- از تظاهرات و دخالت‌های غیرمشروع متجاسرین که به تحریکات مقامات بیگانه صورت می‌گرفت و همچنین از عبور افراد مسلح و دخالت‌های نامشروع آنان در امور ممانعت به عمل می‌آمد و بدین‌ترتیب روحیه مردم شهر تقویب و از تجری ماجراجویان جلوگیری می‌شد.

۴- با وجود هوشیاری و مراقبت پادگان ژاندارمری، تبلیغات و تحریکات و جنگ عصبی شدید و توزیع اسلحه بین ماجراجویان و وادار ساختن بعضی از اهالی به عدم اطاعت از دستورهای مقامات دولتی ادامه داشت.

۱۳- خاطراتی از مأمورینهای من در آذربایجان. سرلشکر احمد زنگنه ص ۶۷ - ۶۸

۵- استحکاماتی با وسایل موجوده در پادگانها تهیه و در ۱۵ آذر واحدها به ترتیب زیر مستقر شده بودند.

الف - دو گردان پیاده و ۶ ارابه جنگی، دو قبضه خمپاره‌انداز و یک توپ ۷۵ در باغ معروف به باغ فلاحت.

ب - یک دسته خمپاره‌انداز - یک گروهان مسلسل - یک توپ ۷۵ کوهستانی - یک دسته پیاده در سر راه مهاباد.

ج - یک گردان با ستاد و کلیه عناصر فرماندهی و دواتر تیپ در پادگان مرکزی داخل شهر.

د - گروهان دژیان در عمارت ستاد سابق که تخلیه شده بود جای گرفت.

از روز ۱۵ آذر حملات دموکراتها به پاسگاههای خارجی و مقدم شهر در اطراف قره حسینلو، نقده، توپراق قلعه و بالانش که توسط ژاندارمها اشغال شده بود شدیدتر شد ولی افراد ژاندارمری با وجود تعداد قلیل دلیرانه ایستادگی می کردند ولی به واسطه تقویت نیروهای دشمن دستور داده شد به توپراق قلعه و بالانش عقب‌نشینی نمایند. در روز ۲۰ آذر در حالیکه در این دو ناحیه زد و خوردهای شدیدی ادامه داشت توسط تمام دستگاههای تبلیغاتی متجاسرین انتشاراتی مبنی بر حاضر شدن پادگان تبریز به تسلیم و خلع سلاح و نزدیک شدن زمان حمله به رضائیه وضع شهر وخیم و اهالی نگران و متوحش شدند. در عین حال گشتی‌های مسلح شوروی به تعداد زیاد بر محدودیت تیپ افزوده و اعتراض فرمانده تیپ راجع به کمک نیروی شوروی به متجاسرین بی‌نتیجه و بلااثر ماند.

در روز ۲۱ آذرماه خبر تسلیم پادگان تبریز در رضائیه منتشر شد. رؤسای دوایر دولتی برای کسب تکلیف در فرماندهی تیپ حاضر شدند و فرمانده تیپ تصمیم خود را راجع به ایستادگی در برابر تجاوز متجاسرین به آنان ابلاغ نموده. سرلشکر احمد زنگنه خود در خصوص این موضوع چنین می‌نویسد: «^{۱۴}

در این روز مانند روز قبل زد و خورد اکراد و دسته‌های متجاسرین با پاسگاههای اطراف رضائیه شدیداً ادامه داشت. تجمع و تظاهرات در محوره‌های مختلف

رضائیه در جریان بود. چون بیگانگان علناً در اداره و تقویت متجاسرین اقدام و دخالت می کردند لذا عصر همان روز برای درک نیات متجاسرین با کنسول شوروی ملاقات کردم و صریحاً به کنسول شوروی گفتم عمال شما با دخالت و تحریکات علنی اوضاع شهر رضائیه را آشفته نموده اند.

کنسول شوروی جواب داد: «اگر علاقه دارید که نظم و آرامش برقرار باشد عقیده دارم به پاسگاههای مدافع شهر دستور ترک مخاصمه بدهید در داخل شهر نیز تمام سلاح تیپ و ژاندارمری را در انبارها و اسلحه خانه ها جمع کرده و به تبعیت از لشکر ۳ تبریز تسلیم شوید.»

کنسول شوروی افزود: «صراحتاً به شما می گویم ظرف امروز و فردا کلیه دموکراتها از خارج به شهر حمله خواهند نمود و به این طریق همه شماها نابود خواهید شد برای جلوگیری از برادر کشی مثل تبریز تسلیم شوید و ترک مخاصمه نمایید.»

«چون حمله متجاسرین از خارج به شهر رضائیه حتمی بود لذا برای جلوگیری از تفرقه قوا و تقویت نیروی دفاعی شهر دستور داده شد افراد پاسگاههای ژاندارمری که در شمال و جنوب رضائیه استقرار یافته بودند به طرف رضائیه عقب نشینی نمایند. واحد ژاندارمری در بالانش تحت محاصره قرار گرفته بود و موفق به عقب نشینی نگردید. مقاومت و عکس العمل تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری در مقابل عملیات متجاسرین در روز ۲۲ آذر بین اهالی شهر رضائیه اثرات نیکوئی بخشید و روحیه سربازان تقویت شد.» تا روز ۲۴ آذر زد و خورد بین افراد تیپ و هنگ ژاندارمری به سختی بخصوص در اطراف بالانش ادامه داشت سرلشکر زنگنه به نوشته های خود چنین ادامه می دهد: ۱۵

«طبق اخبار منتشره در روزنامه ها و رادیوها وزراء خارجه چهار کشور بزرگ قرار داشتند روز ۲۴ آذرماه در مسکو یکدیگر را ملاقات نمایند. شوروی ها با تمام وسائل خود کوشیدند تا آن تاریخ قضیه آذربایجان بکلی خاتمه یابد و وزراء خارجه انگلیس و امریکا در مقابل کار انجام شده قرار گیرند و بالتلیجه موضوع آذربایجان در جلسه مطرح نشود. با اینکه شورویها فشار و تلاش خود را از هرجهت بکار برده بودند معذک در ۲۴ آذر ۱۳۲۴ و پس از آن تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری در مقابل متجاسرین و ابادی

بیگانگان مقاومت می کردند. این موضوع ناراحتی و مسئولیت بزرگی برای فرمانده پادگان شوروی در رضائیه ایجاد کرده بود. به این سبب شب ۲۵ آذرماه از من و سرهنگ نوربخش فرمانده هنگ ژاندارمری رضائیه تقاضای ملاقات کرد. این ملاقات در نیمه شب در ستاد فرماندهی ژنرال اسلانوف صورت گرفت.»

ساعت ۲۴ به اتفاق سرهنگ نوربخش به ستاد ژنرال اسلانوف رفتیم. به محض ورود به دفتر فرمانده پادگان شوروی مشاهده شد وضع عادی به نظر نمی رسد. آرایش وضع سالن به یک دادگاه بیشتر شبیه بود تا یک جلسه ملاقات دوستانه.

در یک طرف ژنرال اسلانوف در ردیف جلو قرار گرفته بود و پشت سر او در چند ردیف رئیس ستاد کلنل پشانوف و افسران ستاد نشسته بودند. در طرف دیگر سالن یک ژنرال شوروی که تا آن تاریخ او را هرگز ندیده بودم و نام او را هم نمی دانستم قرار داشت و ظاهراً این ژنرال و همراهان او از تبریز به منظور بازرسی آمده بودند. در وسط سالن میزی با سه عدد صندلی (یکی برای هاشم اف کنسول شوروی و دو صندلی دیگر برای من و سرهنگ نوربخش) تخصیص داده شده بود.

ما در جای خود رو به جایگاه دو هیئت نامبرده قرار گرفتیم. در این جلسه هاشم اف کنسول شوروی در رضائیه سمت مترجمی داشت مذاکرات من با هاشم اف به زبان ترکی بود و هاشم اف به زبان روسی ترجمه می کرد. ژنرال اسلانوف اظهارات خود را از روی یادداشتی به زبان رسمی بیان می کرد و هاشم اف به ترکی ترجمه می نمود. اظهارات ژنرال اسلانوف از این قرار بود:

«مگر شما تابع لشکر تبریز نیستید؟ به چه علت به اقدامات خصمانه مبادرت کردید؟ هیچ می دانید چه اعمالی انجام داده اید؟ بر اثر عملیات شما چند گلوله توپ تانک به سربازخانه ما اصابت کرده و چند نفر از سربازان ما تلف و چندین نفر زخمی شده اند. مسئول و جوابگو شخص شما هستید؟ عملیات شما در روابط دوستانه دو کشور ایران و شوروی تأثیرات سوئی بخشیده چنانچه فوراً از روش خصمانه خود دست نکشید و بیش از این به قتل عام اقدام نکنید ناگزیر ارتش ما که دارای وظایفی است برای جلوگیری از اقدامات شما مداخله خواهد کرد. شما اعلامیه هایی به منازل اشخاص در شهر داده و به آنها گوشزده کرده اید که از آن خانه ها به خیابان و معابر تیراندازی شده عده ای مقتول و مجروح شده اند در صورتیکه آن منازل در اختیار افسران شوروی است.»

در جواب ژنرال اسلاتوف اظهار داشتم:

«از روزی که لشکر تبریز تسلیم شد من دستور داشتم که دیگر از لشکر تبریز متابعت نکنم. شما خوب می‌دانید ایران کشوری است مستقل و استقلال آن را جهانیان رسماً می‌شناسند و به آن احترام می‌گذارند. طبق قرارداد سه‌جانبه ایران رسماً در جرگه متفقین قرار گرفت. من یک مأمور رسمی دولت ایران هستم با سمت رسمی حاضر به ملاقات شما شده‌ام علاوه بر سمت فرماندهی نظامی استاندار این استان هستم و به حکم وظیفه و مسئولیتی که به عهده دارم فقط من صلاحیت دارم نظم و امنیت این منطقه را به هرنحوی که ممکن است برقرار و از هرگونه اخلاق در نظم و اغتشاش جلوگیری نمایم و رفاه و آسایش اهالی را به نحو احسن فراهم آورم. این بازخواست‌های شما از من دخالت مستقیم شما را در امور داخلی ایران تأیید و ثابت می‌کند. وظیفه دارم رسماً به شما اخطار کنم که حق دخالت در امور داخلی ایران و بازخواست از من را به هیچ‌وجه ندارید و چون یک سرباز هستم از تهدیدات شما هیچگونه ترس و وحشتی ندارم.»

از جای خود برخاستم و عازم حرکت و خروج از جلسه شدم. اعتراضات ژنرال اسلاتوف بعداً که بازداشت و در تبریز زندانی شدیم به صورت کیفرخواست دادستان در دادگاه تبریز مجدداً مطرح گردید.

بالاخره جلسه ملاقات در ساعت ۱/۳۰ پس از نیمه‌شب با عصبانیت و ناراحتی‌های زیاد خاتمه یافت. به محض خروج از ستاد پادگان شوروی مشاهده کردم عده‌ای از افسران و درجه‌داران تیپ جلوی ستاد شوروی منتظر مراجعت من و سرهنگ نوربخش از جلسه ملاقات هستند که مبادا در موقع خروج از ستاد حادثه‌ای برای من و سرهنگ نوربخش اتفاق بیفتد... تا روز ۲۷ آذرماه شورویها به انواع حیل و اعزام نیرو مرکب از متجاسرین و مهاجرین قفقازی از نقاط مختلف آذربایجان به رضائیه سعی کردند مقاومت و پایداری تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری را درهم شکنند و رضائیه را مانند سایر نقاط آذربایجان در اختیار خود گیرند و سائل همه‌گونه تقویت و تجدید قوا از قبیل ورود افراد تازه‌نفس و تأمین اسلحه و مهمات برای آنها کاملاً مقدور بود در صورتیکه برای تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری امکان تقویت نبود و بالعکس هرچه زمان به جلو می‌رفت به علت نرسیدن کمک و اسلحه و مهمات قدرت تیپ تحلیل می‌رفت علیرغم چنان شرایط دشواری با تأییدات خداوند قادرمتعال در تمام زدوخوردها تا تاریخ ۲۷

آذر متجاسرین با دادن تلفات سنگین شکست خورده متواری شده بودند.

چون شورویها مشاهده کردند که از طریق جمع آوری قوا از نقاط آذربایجان و اعزام آنها به جبهه رضائیه با تقویت و پشتیبانی نظامی خود به مقصود نهائی یعنی سقوط رضائیه نخواهند رسید لذا پاسگاههای مدافع اطراف شهر رضائیه از اول صبح روز ۲۸ آذرماه مستقیماً مورد حمله سواره نظام شوروی قرار گرفت.

از پاسگاهها مرتباً گزارش می‌رسید که مأمورین شوروی می‌خواهند پاسگاهها را تخلیه کرده و ترک مقاومت کنیم و اسلحه را به آنها تحویل دهیم. به پاسگاهها جواب داده می‌شد «شورویها باید اسلحه را از روی نعش‌های ما جمع آوری نمایند.» مقاومت پاسگاهها تا ظهر روز ۲۸ آذرماه ادامه داشت. چون در این موقع مشاهده شد که دیگر از دخالت متجاسرین خبری باقی نیست و افراد تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری مورد تعرض مستقیم واحدهای سواره نظام نیروی شوروی قرار گرفتند لذا دستور احضار فرماندهان را به دفتر ستاد عملیاتی صادر کردم. پس از حضور فرماندهان گفتم: «تا این تاریخ ما وظایف سربازی خود را تا آنجا که مقدور بود در مقابل حملات متجاسرین و پشتیبان خارجی آنها به نحو احسن انجام داده‌ایم در همه‌جا به حمدالله موفقیت با ما بوده و تا کنون متجاسرین و آبادی بیگانه به آرزوهای پلید خود نایل نشده و در همه‌جا با دادن تلفات متواری گشته‌اند ولی متأسفانه از امروز صبح... پاسگاههای ما مورد حمله مستقیم سواره نظام شوروی قرار گرفته... چون زد و خورد بین نیروهای نظامی و ارتش شوروی ممکن است بعدها مصائب و بدبختی‌های بزرگی برای کشور ما به بار آورد و شورویها ادعا کنند برخلاف قرارداد سه‌جانبه رفتار ارتش ایران خصمانه می‌باشد و نظر به اینکه محتمل است ما را در برابر سیاست دولت ایران یاغی و متمرّد معرفی نمایند. لذا باید افکار شوم آنها را خنثی کنیم. عقیده من این است مبارزه مستقیم تیپ رضائیه با نیروی شوروی که از امروز صبح شروع شده است علاوه بر اینکه نتیجه ندارد احتمالاً برای کشور ایران زیان آور خواهد بود و مسئله تخلیه ایران از قوای شوروی را مشکل خواهد ساخت. از طرف دیگر در نتیجه نبرد ۱۲ روزه یعنی از ۱۵ تا ۲۷ آذرماه مهمات و ذخایر موجود با توجه به اینکه هنگ ژاندارمری نیز در این مدت به وسیله تیپ تدارک، و تغذیه می‌شد به مصرف رسیده و امیدی برای وصول مهمات و تدارکات وجود ندارد... علاوه بر اینها بی‌سیم وسیله منحصر به فرد ارتباط مستقیم تیپ با تهران از کار افتاده و

ارتباط با تهران قطع شده است با چنین مشکلاتی ادامه مبارزه بی‌نتیجه است. مصلحت این است به مقامات شوروی اطلاع دهیم و اخطار کنیم که تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری هیچگونه نظر خصمانه‌ای با آنها ندارد.

پس از آنکه نظریه مرا افسران حاضر در جلسه به اتفاق آراء تصویب کردند با مقامات شوروی تماس گرفته تصمیم تیپ را به اطلاع آنها رساندم و متقابلاً از طرف مقامات شوروی برای افسران و درجه‌داران افراد تیپ و هنگ ژاندارمری تأمین خواستم آنها تعهد کردند هیچگونه خطری جهت مأمورین انتظامی وجود نخواهد داشت.»

متجاسرین نیز برای خارج ساختن افسران و درجه‌داران تیپ از این منطقه و شاید جهت تقلیل خشم اهالی نسبت به خود فوراً وسیله اعزام افسران را به تبریز فراهم کردند. ولی سرهنگ زنگنه فرمانده تیپ و سرهنگ نوربخش فرمانده ژاندارمری و سرگرد بهاروند رئیس ستاد تیپ را که مقصر اصلی تشخیص داده بودند با مراقبت سربازان شوروی زندانی نمودند و سپس آنان را ابتدا به مرند و بعداً به تبریز اعزام و شش ماه در آن شهر زندانی کردند. افسران مذکور در دادگاه ضحرائی به اعدام محکوم شدند ولی بر اثر تحولات سیاسی این مجازات یک درجه تخفیف یافت و عاقبت هم عملی نگردید.

تلفات متجاسرین در وقایع رضائیه بسیار زیاد و در حدود ۲۳۰۰ نفر و تلفات تیپ و ژاندارمری در حدود ۲۵۰ نفر قلمداد شده است که تعداد زیادی از رقم اخیر نتیجه خیانت و اغفال و وحشی‌گری متجاسرین بوده است.

سرلشگر زنگنه علل اقدام به شکافتن حلقه محاصره اطراف رضائیه را به منظور نجات تیپ و هنگ ژاندارمری به قرار زیر توضیح می‌دهد:»

«با فرض اینکه حلقه نخستین محاصره اطراف شهر رضائیه شکافته می‌شد بکجا می‌رفتیم؟ تمام خطه آذربایجان تحت نفوذ و اشغال نیروی شوروی قرار داشت.

با توجه به پشتیبانی صریح و روشن شورویها از متجاسرین و اسلحه فراوانی که به آنها داده شده بود تمام موجبات فراهم آمده بود. بنابراین اقدام به شکستن محاصره یک نوع خودکشی محسوب می‌شد و این اشتباه کافی بود کلیه نفرات تیپ و ژاندارمری را بیهوده در معرض مرگ و نابودی قطعی قرار دهد.

چون نجات تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری به هیچ وجه مقدور نبود و تسلیم به شوروی‌ها حتمی بود برای اینکه سازمان کامل و اسلحه و مهمات سالم به دست شوروی‌ها و عمال آنها نیفتد دستور داده شد از تاریکی شب جهت ترخیص افراد و تخریب اسلحه استفاده شود. برای اجرای این منظور قرار شد ژاندارمها (با اطمینان به تعهد تأمین شورویها) به پادگان‌های خود اعزام شوند و تیپ رضائیه و هنگ ژاندارمری هریک جداگانه این تصمیم را به موقع اجرا بگذارند.

با اینکه مقامات شوروی تأمین داده بودند و ژاندارمها با اطمینان به این قول و تعهد از پادگانها خارج شدند تا به مرکز هنگ و گردان‌های خود بروند متأسفانه از هر طرف مورد حمله و شلیک گلوله قرار گرفتند. عده‌ای شهید و عده‌ای مجروح و عده‌ای متواری گردیدند.

هدف این عمل غیرانسانی، یعنی نقض قول و کشتار ژاندارمها تهدید و تخریب روحیه کادر افسری و درجه‌داران تیپ رضائیه بود. منظور آنها گرفتن تعهد همکاری و قرارداد کتبی بود می‌خواستند کلیه عناصر تیپ رضائیه را با نیت خود موافق سازند ولی از این اقدام غیرانسانی و کشتار دسته‌جمعی ژاندارمها نتیجه معکوس گرفتند. انزجار افسران و درجه‌داران و افراد را بیشتر برانگیختند و در نتیجه افسران (به جز چند نفر) پیشنهاد همکاری با متجاسرین را نپذیرفتند.

فرماندهان واحدها از بعد از ظهر روز ۲۸ آذر تا جایی که مقدور بود وسایل جنگی را از کار انداختند و نفرات ابوالجمعی خود را با استفاده از تاریکی شب از معابر مخفی نفر به نفر مرخص کردند. وقتی متجاسرین متوجه اوضاع شدند فوراً برای تعقیب و بازگردانیدن سربازان در دروازه‌های شهر و معابر مأمورینی گماشتند ولی به علل زیر جمع‌آوری سربازان برای آنها میسر نشد:

۱- عدم رعایت احترام به تعهدات و کشتار ژاندارمها که حس نفرت و انزجار عمومی را به شدت تحریک نموده بود.

۲- بهم خوردن نظم داخلی به علت ورود اکراد.

۳- حمایت و پشتیبانی کامل مردم از سربازان.

پس از نیمه شب ۲۸ آذرماه شوروی‌ها برای آنکه وانمود کنند دخالت مستقیم آنها سبب سقوط رضائیه نشده و علت آن فشار متجاسرین بوده تعدادی از عمال و ایادی

خود را در خارج شهر جمع آوری کرده سپس آنها را در حالیکه هورا می کشیدند و تیراندازی می کردند وارد شهر نمودند. ولی بر هیچیک از اهالی رضائیه پوشیده نبود که هدف این عمل نوعی صحنه سازی برای کتمان مداخلات بیگانه با نقض اصول بین المللی و موازین اخلاقی و انسانی بود.»

پس از اینکه سراسر آذربایجان را با پشتیبانی ارتش استالین به زیر سلطه دولت خودمختار آذربایجان یعنی محصول خیانت جمعی خودخواه و جاه طلب به اتکاء افرادی که با وعده های فریبنده و یا از ترس زجر و شکنجه عمال فرقه به چنان ننگ ورسوائی تن دردادند، خود را یک دولت ملی مورد پشتیبانی و تأیید مردم آذربایجان قلمداد کرد و از دولت مرکزی خواست که بر آنچه که پیش آمده است صحنه بگذارد و خودمختاری و استقلال داخلی دولت متجاسرین را به رسمیت بشناسد. ولی دولت و ملت ایران و جهان آزاد یک صدا و هم آهنگ در برابر این عمل خیانت آمیز قد علم کرده در داخل و خارج از کشور برای برانداختن خائنان و رفع غائله قد علم کردند. مجلس شورای ملی از ابراهیم حکیمی خواست تا وقایع آذربایجان را آن چنان که اتفاق افتاده به اطلاع مجلس و ملت ایران برساند. نخست وزیر وقت هم در ۲۷ آذر ۱۳۲۴ در جلسه علنی مجلس شورای ملی حاضر شده ضمن بیاناتی به شرح زیر خبر حادثه شوم را به اطلاع مجلس و ملت ایران رساند: ۱۷

«ظهر امروز جلسه علنی مجلس شورای ملی به ریاست سید محمد صادق طباطبائی تشکیل گردید. از هیئت دولت آقایان نخست وزیر، وزیر بهداری، وزیر فرهنگ، وزیر جنگ، وزیر کشاورزی، وزیر کشور، وزیر دادگستری و وزیران مشاور حضور داشتند.

پس از انجام مراسم تشکیل جلسه آقای نخست وزیر پشت تریبون قرار گرفته بیاناتی به این شرح ایراد کرد: چون آقایان نمایندگان محترم اظهار داشتند که دولت اطلاعات بیشتری راجع به آذربایجان به عرض مجلس شورای ملی برساند و استحضار هم میهنان عزیز نیز از اوضاع این قسمت مهم کشور ما که به آن علاقمند هستیم ضرورت دارد اجازه می خواهم گزارشی در این باب عرض و تصمیم را نیز اعلام دارم.

از چندی به این طرف در آذربایجان از طرف عده معدودی نغمه‌هایی برخاست این اشخاص به عنوان اصلاحات دست به اقداماتی زدند که راه اصلاح را مسدود و برعکس باعث بی‌نظمی شدند و اظهاراتی نمودند که برخلاف قانون اساسی و سایر قوانین مملکتی بوده و ممکن نمی‌شد که دولت به این قبیل اظهارات ترتیب اثر بدهد و لهذا ابتدا در نظر گرفتیم بلکه با وسایل مسالمت آمیز و نصیحت از طرف مأمورین رسمی دولت این اشخاص را اگر ایرانی و علاقمند به مصالح کشور باشند از این خیالات خام و ناپخته منصرف نماییم که امنیت در مملکت مختل نگردد تا دولت بتواند به اصلاحات اساسی در تمام کشور اقدام نماید. متأسفانه این عده در اجرای مقاصد سوء و ناصواب خود اصرار ورزیدند و وقتی هم دولت استاندار تازه به تبریز فرستاد باز ایستادگی کردند و مشغول تعقیب نقشه‌های شوم خود به ضرر تمامیت کشور و آسایش عمومی شدند. تا آنجا که به قول خودشان و برخلاف صریح قانون اساسی مجلس ملی تشکیل داده و حتی اخیراً عده‌ای را به نام وزیر معرفی و ادارات دولتی را تصرف نموده تجاسر را به جایی رسانیدند که به قوای تأمینیه دولتی نیز تعرض و دست‌اندازی نموده‌اند حالا که استاندار به تهران آمده و گزارش خود را رسماً به اطلاع دولت رسانید و معلوم شد این اشخاص می‌خواهند به عملیات خود رسمیت بدهند این جانب مجلس شورای ملی را از کیفیت امر مستحضر می‌دارم. نظر به قلب قوای تأمینیه در استانهای ۳ و ۴ و برای جلوگیری از وقایع سوء و ناامنی و تجری اشخاص نادان و مغرضین و تأمین آسایش آزادی مردم تصمیم نمود پادگانهای موجوده در آن استانها را تقویت نماید و قوای امدادی از مرکز روانه دارد که فرمانده لشکر آنجا قادر به استقرار نظم و آرامش و امنیت در سراسر استانهای ۳ و ۴ بشود ولی به طوری که استحضار دارند دولت دوست مجاور ما برخلاف انتظار مانع این اقدام شد و قوای اعزامی از تهران مدتی در شریف آباد ماند تا آنکه اخیراً ناچار به بازگشت شد. نیروی جزئی و غیر کافی موجود در آن استانها نیز آزادی عمل نداشتند. در نتیجه مأمورین دولت و عده قلیل قوای تأمینیه این استانها در مقابل متجاوزین و متجاسرین دست بسته و محصور شدند و هیچ اقدامی از طرف مأمورین دولت میسر نگردید زیرا نه آزادی عمل داشتند و نه امید تقویت از مرکز. از طرف دیگر متجاسرین که اسلحه‌هم بدست آورده بودند و همه قسم تقویت می‌شدند و

اشخاص مجهول‌الهویه هم در میان آنها پیوسته زیاد می‌شد.^{۱۸} با وجود قلت عده و عدم موافقت مردم آذربایجان با اعمال آنها توانستند همه را مرعوب کرده با اجرای نقشه‌های خائنانه و ناروای خود آزادانه موفقیت حاصل و مجلس محلی تشکیل و وزیر معرفی نمایند.

دولت مخاصمه و منازعه و خون‌ریزی را به مناسبت حضور پادگان و پست‌های شوروی در آن استان مضر و بی‌نتیجه دانسته و دستور مقابله با این شناخت را که البته به وسایل عدیده تقویت می‌شدند صلاح تشخیص نداد. این جانب ناگزیر هستم صریحاً در مقابل مجلس شورای ملی اظهار دارم که این اقدامات که در آذربایجان به عمل آمده از

۱۸- با کمال تأسف ناگزیریم بگوئیم دولت شوروی باز خواب تازهای برای ایران دیده است. ما بدین نیستیم بی‌جهت هم نمی‌خواهیم با نگارشات خود موجبات تیرگی روابط صمیمانه دو کشور را فراهم آوریم و به دوستی دولت شوروی و ایران هم کمال علاقه را داریم و آن را وسیله سعادت کشور و میهن عزیز خود می‌دانیم. از خطری که با اعزام مهاجر گریبان‌گیر کشور می‌شود نیز نمی‌توانیم چشم‌پوشیم و این موضوع حیاتی را نادیده بگیریم. سکوت ما در این مورد خیانت به کشور است. ما زیان تشریف‌فرمائی مهاجرین را از خاک شوروی به ایران چشیده‌ایم. از برکت وجود همین مهاجرین که با نقشه‌مینی به ایران تشریف‌فرما شده بودند سه و بلکه چهارسال آنچه مصیبت امکان داشت بر مردم این کشور وارد آمد و نزدیک بود تجزیه قطعی گریبان‌گیر یک کشور چندین هزارساله شود.

حال هم باز تشریف‌فرمائی بی‌موقع و بی‌جهت این مهاجرین که با کشتی و اتومبیل و حتی هواپیما از خاک شوروی به ایران که مانند مور و ملخ گسیل می‌شوند ما را دچار وحشت می‌سازد و ناگزیریم با تجربه‌های گذشته سؤال کنیم آیا دولت شوروی چه خوابی برای کشور مظلوم ما دیده است و آیا چه نقشه جدیدی در کار است.

ما قطع داریم دولت شوروی بدون جهت و سبب قاضی این افراد را به ایران نمی‌فرستد زیرا هم عملیات مهاجرین سابق این نظر را تأیید می‌کند و هم این سؤال پیش می‌آید که دولت شوروی با آنکه بعد از جنگ و دادن تلفات بی‌شمار احتیاج مبرم به نفر دارد چرا از وجود این افراد بی‌شناسنامه و بی‌گذرنامه و بدون ورقه تابعیت صرف‌نظر می‌کند...

ما بیش از این قلم‌فرسایی در این مورد را زائد می‌دانیم و توجهموزارت خارجه و وزارت جنگ را به خطر بزرگی که از این راه وارد متوجه کشور می‌گردد یادآور می‌شویم که باید به هر ترتیب است از ورود این مهاجرین به خاک ایران جلوگیری نمود. (روزنامه تهران مصدر، مورخه

طرف هردسته و جماعت که باشد خلاف مصلحت کشور و برخلاف مصوبات قانون اساسی و سایر قوانین کشور است.

کلیه ایرانیان پاک و بی‌غرض که هواخواه تمامیت و عظمت کشورند با این قبیل اقدامات و اظهارات خانه خراب‌کن مخالفت دارند و مبارزه می‌نمایند و نخواهند گذارد این قبیل اظهارات خائنانه و جاهلانه ریشه دوانیده کشور را پاره‌ای آتش نماید.

این جانب هم به عنوان یک فرد ایرانی و هم به نام دولت با اینکه اساساً اهل صلح و مسالمت بوده و به هیچ قیمت راضی نیستم از بینی یک نفر هم‌وطن قطره‌ای خون جاری شود تصمیم جدی به مقاومت در مقابل این تعهد را گرفته و نخواهم گذارد یک عده قلیل مغرض نادان به عمد یا اشتباه مقاصد شوم و ناصواب خود را بر برادران آذربایجانی ما که هم‌وطن و ایران‌دوست هستند و بارها امتحانات فداکاری و از خودگذشتگی را داده‌اند با زور و ترور و آدم‌کشی و تجاسر و تحمیل کشوری‌رادچار زحمت و مرارت نماید. بدیهی است مجلس شورای ملی و همه مردم ایران پشتیبان دولتی که چنین تصمیمی را داشته باشد هستند و عملیات چنین دولتی را تقویت خواهند نمود و از دولتهای دوست و متحد خودمان هم چنانکه رسماً و علناً گفته و نوشته و خواسته‌ایم برای رفع این مشکلات که نتیجه ادامه توقف نیروی خارجی در ایران است در مقابل خسارات طاقت‌فرسا و فداکاریهایی که از شروع جنگ تاکنون تحمل نموده‌ایم توقع و انتظار داریم هرچه زودتر نیروی خودشان را از ایران ببرند و ما را آزاد بگذارند. در این فاصله هم طبق شرایط و اصول که بین میهمان و میزبان مقرر است آزادی عمل را که حق حاکمیت ما است برای نیروی ایران و مأمورین دولتی مانع نشوند و بگذارند به وظایف خود برسیم و به رفع مشکلات موفقیت حاصل نماییم.

اینجانب از این مقام رسمی با صدای بلند که به گوش تمام مردم جهان و مخصوصاً ملل دولت و متحد ما و همه ایرانیان برسد اعلام می‌دارم: نغمه‌های شوم معدودی نادان و مغرض در آذربایجان به هیچ‌وجه رسمیت ندارد باید حتماً این قبیل تظاهرات بی‌اساسی که بنام اصلاحات برخاسته و مانع اقدامات اساسی دولت برای تهیه موجبات آسایش و اصلاح حال مردم ایران منجمله برادران آذربایجانی ما شده و لطمه‌های بزرگ به کشور ما وارد خواهد نمود خاموش شود و این نغمه‌ها برخلاف تمام موازین قانون اساسی کشور و سایر قوانین مملکتی است از جمله مخالف اصل ۲ و ۳ و

۱۶ و ۲۱ و ۲۲ و ۳۳ قانون اساسی و همچنین اصل ۳ و ۹ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۱ و ۲۶ و ۲۷ و ۴۶ و ۴۸ و ۴۹ و ۷۵ و ۹۴ متمم قانون اساسی^۱ که به بهای خون

۱۹- اصول دیگر متمم قانون اساسی که در بیانات نخست‌وزیر ذکر شده برای مزید اطلاع در زیر درج می‌شود:

اصل نهم - افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متمرض احدی نمی‌توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می‌نماید.
اصل دوازدهم - حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی‌شود مگر به موجب قانون.

اصل سیزدهم - منزل و خانه هرکس در حفظ و امان است در هیچ مسکنی قهرآ نمی‌توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم - هیچیک از ایرانیان را نمی‌توان نفی بلد یا منع از اقامت در محل یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

اصل بیست و یکم - انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد.

اصل بیست و هفتم - قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می‌شود:

اول - قوه مقننه که مخصوص است به وضع تهذیب قوانین و این قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح به صحنه همایونی لکن وضع و تصویب قوانین راجعه به دخل و خرج مملکت مختصه مجلس شورای ملی است.

دوم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سوم - قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام به توسط وزراء و مأمورین دولت بنام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا می‌شود به ترتیبی که قانون معینی می‌کند.

اصل چهل و ششم - عزل و نصب وزراء به موجب فرمان همایون پادشاه است.

اصل چهل و هشتم - انتخاب مأمورین رؤیسه دوایر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

آزادی خواهان واقعی کشور گرفته شده و ضامن آسایش و عظمت ایران است می باشد.

اصل ۲ قانون اساسی می گوید «مجلس شورای ملی نماینده قاطبه اهالی مملکت ایران است». اصل ۳ قانون اساسی «مجلس شورای ملی مرکب است از اعضائی که از تهران و ایالات انتخاب می شوند و محل انعقاد آن در تهران است». اصل ۱۶ قانون اساسی «کلیه قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه ها لازم است باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد». اصل ۳ متمم قانون اساسی «حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر به موجب قانون». اصل ۲۶ متمم قانون اساسی «قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می نماید».

چنانکه همه می دانند اینجانب خود یکی از آزادی خواهان و از جمله کسانی هستم که برای برقراری این اصول مساعی زیاد بکار برده و فداکاری نموده ام. از طرف دیگر اینجانب یکی از فرزندان آذربایجان و پرورش یافته آن سامان هستم. با تمام طبقات و عناصر مختلفه آنجا در عمر خود تماس و آمیزش داشته ام و کاملاً بر احساسات وطن پرستی و ایران دوستی فرد فرد برادران آذربایجانی خود و همشهریهای عزیزم واقف بوده می دانم آنکه آذربایجانی است هرگز بر ضد قانون اساسی و برخلاف شئون و حیثیت کشور و تمامیت ایران قدم برنداشته و امکان ندارد این مردمان وطن پرست در این موقع باریک به این قبیل بی احتیاطی ها قیام و اقدام نمایند و خدا نخواستہ پنجه به روی

→

اصل چهل و نهم - صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نمایند در قوانین راجع به امور مالیه مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است چنانچه اعلیحضرت پادشاه تجدیدنظر را لازم بدانند برای رسیدگی به مجلس شورای ملی ارجاع می نمایند. در صورتیکه مجلس شورای ملی به اکثریت سه ریع از حاضرین در مرکز نظر سابق مجلس را تأیید نمود اعلیحضرت شاهنشاه قانون را توشیح خواهند فرمود.

اصل هفتاد و پنجم - در تمام مملکت فقط یک دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دائر خواهد بود آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتدا رسیدگی نمی کند مگر در محاکماتی که راجع به وزراء باشد.

اصل نود و چهارم - هیچ قسم مالیات برقرار نمی شود مگر به حکم قانون.

هموطنان خود بیاندازند.

اگر چند نفری معدود که سوابقی در آذربایجان ندارند و کسی آنها را شاید به خوبی و برجستگی نمی‌شناسد و هیچگاه در غم و شادی شریک برادران آذربایجانی نبوده‌اند. حالا بخواهند به سهو و یا به عمد اظهاراتی خلاف اصول میهن‌پرستی با زور و اجبار دیگران را هم شریک کردار و گفتار خود کنند باید مردم آذربایجان پاک را که طبق شواهد تاریخی همیشه در اعتلای نام ایران با سایر مردم این کشور شرکت داشته از شر این قبیل اشخاص نااهل و نادان و مغرض و یا خارجی‌ها که به لباس آذربایجانی درآمده‌اند نجات داد تا تمام دنیا بدانند احساسات واقعی اهالی آذربایجان مانند اهالی سایر استانهای ایران بر اساس غیرت و عفت و میهن‌پرستی بوده و آذربایجانی همواره برای آزادی و تمامیت استقلال و عظمت کشور جانبازی و فداکاری‌ها نموده است. آذربایجان همواره جزء لاینفک ایران بوده و خواهد بود. این جانب و دولت حاضر برای توجه به اظهارات اصلاح‌طلبانه قاطبه هموطنان عزیز منجمله اهالی آذربایجان از صمیم قلب مهیا هستیم و برادران آذربایجانی ما باید با سایر ایرانیان در اجرای برنامه و نقشه و اصلاحاتی که دولت در نظر دارد به واسطه توقف بی‌مورد نیروی خارجی که در این کشور معوق و معطل مانده کمک و مساعدت نمایند تا به منظور خودمان نایل شویم و تأسف می‌خوریم از اینکه عده زیادی از مردم اصلاح‌طلب و صلح‌جوی آذربایجان به واسطه اقدامات این عده معدود و ناامنی در آن سامان با خانواده‌های خود ناچار از مهاجرت به تهران و سایر نواحی ایران شده‌اند. در خاتمه عرایض خود لازم می‌دانم این نکته را به استحضار برسانم: چنانکه سابقاً در مجلس شورای ملی اعلام داشتیم به منظور توسعه و تشدید روابط دوستی و یک جهتی با دولت و ملت دوست و همسایه خودمان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی چندی پیش به وسیله سفیر کبیر ایران در مسکو پیشنهاد نمودم که به اتفاق آقای وزیر امور خارجه به مسکو بروم^{۲۰} و چون این تمایل ما به رفتن به مسکو با تشکیل کنفرانس وزیران خارجه سه دولت دوست و متحد

۲۰- دولت استالین هیچگاه به درخواست نخست‌وزیر ایران راجع به رفتن او به مسکو

در مسکو مصادف گردید پیشنهاد خودمان را تعقیب نمودیم و ضمناً به موجب یادداشت‌های رسمی که در تاریخ ۲۲ و ۲۳ آذر جاری ارسال شده به هر سه دولت دوست و متحد بزرگ خودمان اطلاع دادیم که تنها موضوع مهم و فوری که از سه دولت بزرگ انتظار داریم بین خود در کنفرانس وزیران خارجه در مسکو مطرح و تصمیم مساعد اتخاذ نمایند تخلیه فوری و کامل تمام ایران از قوای هر سه کشور می‌باشد و ضمناً تذکر دادیم هر گاه غیر از این موضوع مطلبی راجع به ایران مطرح گردید باید نظر به استقلال و حق حاکمیت ایران و در اجرای فصل ششم پیمان سه جانبه و اعلامیه سران سه دولت در تهران با استشاره و رضایت دولت ایران باشد.

اوضاع ناگوار و اسفانگیز آذربایجان در سراسر ایران اثرات به سزائی بخشید و همگی ملت ایران را یک‌پارچه علیه این اقدامات و عملیات خائنانه به هیجان درآورد. سیل تلگراف به پیشگاه شاهنشاه و به عنوان دولت و مجلس شورای ملی و سفارتخانه‌های متفقین روانه گردید و هر طبقه از هر صنفی و طبقه‌ای که بودند مراتب انزجار و کمک

→

از تهران به وزارت امور خارجه

رمز

آقای فرکوهر

۲۶ دسامبر ۱۹۴۵ / شماره ۱۴۸۰ آ رونوشت به مسکو - واشنگتن - حکومت هند - اداره خاورمیانه بریتانیا، قاهره، بغداد

در خلال چند روز گذشته شایعه‌های زیادی دربارهٔ پیشنادهای دولت شوروی به دولت ایران

منتشر شده است:

اول - آنکه باید با دولت «دموکراتیک» آذربایجان وارد مذاکره مستقیم شود.

دوم - در صورت حصول نتایج رضایتبخش نیروهای روسی فوراً عقب‌نشینی خواهد کرد.

سوم - در صورتیکه دولت ایران قادر به رسیدن در جهت موافقت نباشد دولت شوروی

داوری خواهد کرد.

در مورد مسائل روز با وزیر امور خارجه (ایران) مذاکره کردم، وی گفت وصول این

پیشنهادها حقیقت ندارد و تاکنون به هیچ‌وجه اقدامی از طرف دولت شوروی نشده حتی به پیشنهاد

نخست‌وزیر ایران برای رفتن به مسکو پاسخ مثبتی نداده‌اند... و راجع به آذربایجان و گیلان و

خراسان نگران بود...

و پشتیبانی خود را برای برانداختن این غائله و فتنه شوم اظهار کردند که برای مثال به دو فقره آن مبادرت می‌ورزیم:

۲۶ آذر ۱۳۲۴^{۱۱}

امروز قطعنامه زیر از طرف جامعه علما و روحانیون به امضای آیت‌اله آقای حاج امام جمعه تهران و آقای حاج میرسید محمد بهبهانی به سفارتخانه‌های شوروی و امریکا و انگلستان ارسال گردید که به استحضار سران سه دولت متفق برسد:

«به نمایندگی از طرف ملت ایران جامعه روحانیت وقایع نابهنگام آذربایجان و زمزمه‌های شومی که در این ناحیه از کشور آغاز گردید با نظر تعجب می‌نگرد.

از این جهت که ملت ایران از تاریخی که قوای سه کشور به ایران وارد شدند جز حسن نیت و حسن سلوک نسبت به متفقین محترم خود نظری تعقیب نکردند و تکالیف خود را از لحاظ همکاری با متفقین با حسن وجه انجام داده‌اند اکنون که جنگ پایان یافته و انتظار ملت ایران این است که پاداش فداکاریها و زحمات خویش را بگیرد با کمال تأسف با وقایع و جریانات نامساعدی مواجه گردید و تمامیت کشور ما که پیشوایان بزرگ سه دولت امریکا و شوروی و انگلستان منفرداً و مجتمعاً آن را تصدیق و تضمین نمودند مورد تهدید و خطر قرار گرفته و هر روز نفوس بیگناه کشور تلف می‌شوند.

جامعه روحانیت به نام ملت ایران در این موقع حساس پیشوایان کشورهای سه گانه را مخاطب قرار داده تقاضا داریم تظلمات و عرایض حقه ملت ایران را مورد توجه مخصوص قرار داده و ملت ایران را از این نگرانی و تشویش خاطر بیرون آورده عملاً با بیرون بردن فوری نیروی خودشان از ایران و آزاد گذاردن حکومت مرکزی در اجرای اصلاحات و تأمین امنیت عمومی ثابت کنند که با استقرار صلح و حفظ استقلال ملل ضعیف موافق و به امضاهائی خویش احترام می‌گذارند و انتظار ملت ایران است همان نحوی که سه دولت متفق تا بر طبق پیمان سه گانه و اعلامیه تهران متعهد شده‌اند عمل نمایند و مداخله در امور ایران مستقل نمایند.

«علاوه بر این ملت ایران منتظر بودند که علاوه بر احترام استقلال این کشور جبران خسارات وارده بر این آب و خاک را بنمایند که ظاهر شود چگونه نسبت به

متفقین و دوستان خود رفتار نمودند و ملت ایران از وضع حاضر نگران و تقاضا دارند که این ملت ستمدیده را از این وضع نجات دهند و با خارج کردن فوری قوای خارجی از کشور جواب عملی موافق به این تلگراف بدهند که موجب مسرت عموم ملت ایران خواهد شد.»

میرسید محمد بهبهانی - محمد امام جمعه تهران

فصل پنجم

غائله آذربایجان از نظر نمایندگان سیاسی ایالات متحده آمریکا^۱

برای توجیه و تفسیر بیشتر واقعه شوم آذربایجان و روشن کردن وقایعی که در این حادثه اسفناک به وقوع پیوست لازم و ضروری دیدیم که تنها به تشریح و ذکر حوادث از نظر مقامات رسمی ایران و نویسندگان ایرانی و ایرانیانی که خود ناظر و شاهد و بلکه دخیل در این ماجرا بوده‌اند اکتفا نکرده شواهدی دیگر برای تأیید گزارشهای مأمورین دولتی ایران از این وقایع از گزارشهای دو متفق دیگر اتحاد جماهیر شوروی یعنی کشورهای متحده آمریکا و انگلستان بیاوریم بنابراین به ذکر اسنادی که مأموران سیاسی به دولتهای متبوع خود داده و حقایقی را بر ما معلوم ساختند و نیز اثرات آن در سیاست جهانی مبادرت می‌ورزیم:

۱۴۴۵ - ۷ / ۰۰ - ۸۹۱

یادداشت رئیس اداره خاور نزدیک و امور افریقا (هندرسون)

واشنگتن: ۱۷ سپتامبر ۱۹۴۵

«متن این تلگرام به روشن کردن سیاست کنونی شوروی در ایران کمک

1- Foreign Relations Of The United States:

Diplomatic Papers 1945 Vol VIII. The Near East And Africa.

U.S. government Printing Office Washington 1969

می‌کند و به دخالت مشکلاتی که ایران با آن مواجه است تأکید ورزیده و سرانجام امکان دارد در روابط قدرتهای بزرگ در خاورمیانه تأثیر بگذارد. انتشار اعلامیه حزب دموکرات آذربایجان در مطبوعات مسکو اهمیت فراوان دارد زیرا دلیل آن است که مسکو هم‌اکنون آشکارا از غائله آذربایجان طرفداری و پشتیبانی را آغاز کرده است. تقویت روش ملی‌گرایی آذربایجانی در ایران شمالی در تضعیف نفوذ دولت مرکزی ایران بسیار موثر واقع شده و این شعار احتمالاً بیش از تبلیغات کمونیستی از پشتیبانی وسیع سیاست شوروی در مورد مردم شمال ایران برخوردار خواهد بود.

استنباط ما این است که مبلغان شوروی با روش ستایش از رفتار مسکو با آذربایجانی‌های قفقاز، که در جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی زندگی می‌کنند و پایتخت آن باکو می‌باشد، سرایت دادن این رفتار را با آذربایجانی‌های ایران سلاح حمله خود قرار خواهند داد.

فکر اینکه شورویها از تحریک احساسات ملی‌گرایی آذربایجان امید الحاق زودرس آذربایجان ایران به آذربایجان شوروی را در سر داشته باشند یا اینکه این احساسات را به عنوان وسیله تحکیم نفوذ خویش در تمام ایران به کار برند، مطالبی است که هنوز کاملاً روشن و معلوم نشده است.

اگر شورویها موفق شوند کنترل رهبری این جنبش را در دست بگیرند امکان دارد آن را به سایر گروههای سیاسی و نژادی به انضمام ارامنه و کردها و حزب شوروی‌گرای توده سرایت دهند و این تلاشی است برای تسلط بر روی حکومت مرکزی ایران.

تجزیه و تحلیل این وضع ما را در این عقیده استوار می‌سازد که به انجام هر اقدامی که ممکن باشد دست بزنیم حتی اگر دچار مشکلات و دردسرهای معینی بشویم و امکان دارد مجبور شویم تجهیزات و تأسیسات خود را در ایران به هر قیمت که شده اگرچه نازلتر به فروش برسانیم و تمام نیروهای خود را از ایران به سرعت فراخوانیم و نیز باید از بریتانیا و شوروی بخواهیم که آنها نیز نیروهای خود را از ایران بیرون ببرند. لوی. دبلیو. هندرسون.»

تلگرام: ۱۹۴۵ - ۹۱ / ۹ - ۷۶۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۱۹ سپتامبر ۱۹۴۵

« ۷۴۶ - شوآرتسکف از قول فرمانده ژاندارمری منطقه تبریز اظهار می‌دارد که فرمانده نظامی شوروی دائماً و به طور روزافزون به مداخله می‌پردازد و اصرار دارد بدون اجازه قبلی وی هیچ‌یک از افراد ژاندارمری نباید از جایی به جای دیگر منتقل شود. علاوه بر این فرمانده شوروی... به ژاندارمها دستور داده است سلاحهایی را که از طرف ارتش ایران در بین قریب به هزار و دویست نفر از مردم آذربایجان توزیع شده است جمع‌آوری نمایند و نیز از استخدام دسته دویست نفری ژاندارمهای کرد که از طرف گروه نه نفری سران کرد تقاضا شده بود، جلوگیری کرده است. این مداخله‌ها بنا به گزارش او چون سازمان اداری ایران را نادیده می‌انگارد وضع را بدتر می‌کند زیرا ژاندارمری موظف است که طبق دستور ارتش یا مقامات دولتی عمل نماید.

به نظر شوآرتسکف تنها تعبیر عمل شورویها برای مداخله در امور ژاندارمری اینست که ژاندارمها نتوانند از تظاهرات عمومی جلوگیری به عمل آورده و برای آنها دردسر فراهم آورند.

معاون رئیس ستاد کل ارتش ایران به بیکر اظهار داشته است که فرمانده نظامی ایران در مراغه وضع فوق‌العاده در شهر اعلام کرده است ولی از جانب فرمانده نظامی شوروی به او اطلاع داده شده که وی اختیار انجام چنین عملی را ندارد و اعلامیه او دارای اعتبار نیست و شورویها بلافاصله خود اعلامیه مبنی بر وضع فوق‌العاده منتشر کرده‌اند به وزارت امور خارجه و نیز به شماره ۶۲ به لندن و ۲۳۵ به مسکو و ۳۷ به تبریز مخابره گردید. موری.»

تلگرام: ۱۹۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از وزیر امور خارجه به سفیر در ایران (موری)

واشنگتن: ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۳۱ - برای اطلاع شما باید متذکر شوم که وضع ایران در مطبوعات اهمیت به‌سزائی یافته. یونایتدپرس (یوپی) گزارش می‌دهد که انقلابی پر دامنه به رهبری حزب

دموکراتیک در آذربایجان برپا شده است. کامیونهای شوروی در میان شورشیان اسلحه توزیع می‌کنند و شورشیان اهر، سراب، مراغه و میانه را به تصرف درآورده‌اند و پادگانهای تبریز، اردبیل، رضائیه و آستارا را محاصره کرده به سوی تهران پیش می‌روند.

این وزارت منتظر گزارش شماسست و از هرگونه اطلاع در مورد اقدامات دولت ایران یا درباره اقدامات مورد نظر آنها، متشکر خواهد بود بیرنس.»

تلگرام: ۱۹۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۵۹ - گزارشهای ارتش و ژاندارمری ایران حاکی است که اعضای حزب دموکرات آذربایجان کنترل اردبیل، سراب، میانه، مراغه و میاندوآب را که همه آنها در آذربایجان واقعند، به دست گرفته‌اند (اگر این گزارشها صحت داشته باشد، معنی آن کنترل تمام راههای اصلی ورودی به استان از طرف آنها خواهد بود).

گزارشها اضافه می‌کند که دسته بزرگی به سوی زنجان و دسته دیگری به طرف تهران در پیشروی‌اند. امروز مطبوعات از بازداشت دو تن از نمایندگان حزب در تهران خبر داده‌اند که گمان می‌رفت در دسیسه و توطئه چینی آشوبها در تهران، دست داشته‌اند. شایع شده که شورش در تهران در روز ۲۲ نوامبر اتفاق خواهد افتاد.

گزارشهای ژاندارمری و ارتش حاکی است که شورویها دستجات دموکراتیک آذربایجان را همراهی می‌کنند و به هرکسی که مخالفت کند تیراندازی می‌کنند. چند نفر ژاندارم و غیرنظامی در میانه یا مناطق دیگر کشته شده‌اند. ارتباطات تلگرافی شمال زنجان همچنان قطع است.

بعد از خاتمه شورای فرماندهان، شاهنشاه دیروز صبح فرمان داده‌اند تا ستونی در حدود هزار و پانصد نفر نظامی و ژاندارم فوراً از تهران به سوی آذربایجان حرکت کنند. وابسته نظامی شوروی قبلاً از این امر مطلع گردیده و مطبوعات می‌گویند که او ترتیب اجازه حرکت نیرو را با مرکز فرماندهی قزوین فراهم ساخته بوده است.

به سایر واحدهای ارتش دستور داده شده است پاسگاههای واقع در سر راه تهران و تأسیسات راه آهن را اشغال نمایند.

دیشب یک مقام رسمی وزارت امور خارجه (ایران) متن یادداشتی به من نشان داد که دیروز به کاردار سفارت شوروی، یعقوب اف، تسلیم شده بود که محتوی فهرستی از حوادث اخیر و نسبتاً نزدیکی بود که وزارت امور خارجه معتقد بود با ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم شورویها در آذربایجان به وقوع پیوسته است. یادداشت از شورش کردها و مداخله شورویها در امر نقل و انتقال نیروهای نظامی ایران و اجرای قوانین حکایت می کرد. در یادداشت صراحتاً تذکر داده شده بود که حزب دموکرات خطوط تلگرافی را قطع کرده ادارات دولتی را اشغال و ژاندارمها و پلیس راه آهن را در میانه خلع سلاح کرده است. همچنین گفته شده بود که شوروی اخیراً و رسماً کنترل محدودی به تمام کسانی که قصد مسافرت به مناطق شمالی ایران دارند ایجاد کرده است. (مقام وزارت امور خارجه اظهار داشت این کنترل شامل بازرسی لوازم سفر و روزنامهها هم می شود). یادداشت به اعتراض علیه این وضع و درخواست اجازه برای اعزام نیروهای مسلح ایرانی برای اعاده نظم، خاتمه می یافت. این مقام رسمی گفت امید می رفت امروز پاسخ این یادداشت داده شود ولی نیروهای مزبور ممکن است علیرغم پاسخ منفی آن حرکت نمایند.

وضع فعلی دیروز در مجلس مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و ریاضی وزیر جنگ اظهار داشته است که مقامات نظامی شوروی قول داده اند، برای خواباندن آشوبهای آذربایجان اقداماتی به عمل آورند.

وزارت امور خارجه (ایران) اظهار می دارد که با توجه به قطع خطوط تلگرافی و به علاوه کنترل راهها به وسیله شورویها و افراد حزب دموکرات، دولت از برقراری ارتباط با آذربایجان بازمانده است. چنانکه این سفارت نیز نتوانسته است تاکنون با کنسولگری تبریز در ارتباط باشد. بنابراین پیشنهاد می کنم که به اسرع اوقات یک نفر افسر با اتوموبیل به آنجا اعزام شود تا در صورت امکان جریان حوادث و وقایع را تحقیق نموده با ابلینگ، هم تماس حاصل کند.

به شماره ۹۵۹ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۷۳ به مسکو و به شماره ۷۸ به لندن ارسال گردید. موری»

تلگرام: ۱۹۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۶۱ - امروز ارفع (رئیس ستاد) به من اظهار داشت که سرتیپ درخشانی، فرمانده ایرانی پادگان تبریز بیانیه‌ای انتشار داده که در آن متذکر شده است که عناصری مشخص نظم عمومی را تهدید نموده و او (درخشانی) بنا به دستور مقامات ارتش تهران مأموریت دارد که از پایگاه خود و تأسیسات عمومی ارتشی تا آخرین نفس افراد خود دفاع نماید. مفاد بیانیه هر عنصر بیگانه را از مداخله برحذر داشته متذکر می‌شود که نیروهای مسلح ایرانی در صورت بروز خونریزی مسئول نخواهند بود.

همچنین ارفع اظهار داشت شش هزار نفر از نیروهای نظامی شوروی در لباس غیرنظامی در تبریز اقامت دارند و پادگان تبریز را (با عده‌ای در حدود یک هزار نفر) تهدید می‌کنند. او معتقد بود که همین وضع درباره اردبیل نیز صدق می‌کند.

شخصاً اظهارات او (ارفع) را در مورد بیانیه فوق‌الذکر می‌پذیرم ولی قضاوت درباره نظامیان شخصی‌پوش شوروی را، محفوظ می‌دارم.

گزارش ارفع ضمناً حاکی از این مطلب بود که حزب توده در گیلان و مازندران نیز خود را برای دسته‌بندی در عملیات ضد دولتی آماده می‌سازد. گزارشهای غیررسمی از قطع خط تلگرافی آذربایجان به سنندج حکایت می‌کند.

در دو روز گذشته سفارت شوروی به سفارت بریتانیا و وابسته نظامی ما اطلاع داد که در وضع نامساعد کنونی مسافرت بیگانگان از ایران شمالی نامناسب خواهد بود. دولت ایران آشکارا دست به کار تبلیغات دامنه‌داری درباره وقایع کنونی است. دیشب از خبرنگاران محلی آسوشیتدپرس و رویتر برای مطلع ساختن آنان از اطلاعاتی که به سفارت داده بود، دعوت به عمل آورده است.

به شماره ۹۶۱ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۷۴ به مسکو و به شماره ۷۹

به لندن ارسال گردید موری.»

تلگرام: ۲۰۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۰ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۶۵ - بر اثر بروز مشکلات ارتباطات و حتی به علت جود عدم اعتماد به گزارشهای مقامات ایرانی تأیید کامل صحت مفاد گزارشهای ۹۵۹ و ۹۶۱ مورخ ۱۹ نوامبر این سفارت را غیرممکن می‌سازد. معذک باید معتقد شد که وضع آذربایجان بدون چون و چرا، وخیم است و امکان دارد به شورش گسترده‌ای که مطبوعات تهران بدان اشاره می‌کنند، منجر شود. تردیدی در قطع ارتباط تلگرافی با تبریز نیست و در میانه نیز قطعاً شورش به وقوع پیوسته است که می‌تواند نشانه وقوع چنین حوادثی در سایر شهرها هم باشد.

گرچه کاردار و وابسته نظامی شوروی از وقوع چنین حوادثی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند ولی واضح است که کلید این وقایع را در دست دارد و به وسیله نیروهای مسلح خود و یا آزاد گذاشتن نقل و انتقالات نیروهای نظامی ایرانی به سهولت می‌تواند به تمام این شورشها پایان دهد. هنگامی که ستونی از نیروهای مسلح ایرانی از تهران به قزوین نزدیک بشود آن وقت می‌توان اثر این آزمایش را استنباط کرد. در اینجا نیز احدی انتظار کمک فوری شورویها را برای اعاده نظم ندارد برعکس عقیده عموم بر این است که شورویها مستقیماً مسئول عملیات حزب دموکرات آذربایجان هستند چنانکه علام آشکار حمایت از این نظر واضح و مبرهن است.

با وجودی که ما قبول کنیم که وجود نیروهای شوروی تأثیری در این امور ندارد و تقصیری هم متوجه آنها نیست معذک برای یکبار دیگر قویاً توجه وزارت امور خارجه را به وخامت خطری که از حضور نیروهای شوروی در ایران ناشی می‌شود، جلب می‌نمایم (مفاد تلگرام شماره ۷۶۸ مورخ ۲۵ سپتامبر من) حتی زمانی که آنها هیچگونه مداخله مستقیمی در امور داخلی ایران هم نداشته باشند. فقط صرف وجود آنها برای تمام عناصر ناراضی در استانهای شمالی وسیله یک نوع پشتیبانی روحی است که در عین حال هم مانع انجام وظیفه سازمانهای دولتی در این مناطق است.

مایلم برای بار دیگر توصیه فوری خود را مبنی بر خواستار شدن عقب‌نشینی نیروی شوروی (و همچنین نیروهای بریتانیا) را از ایران تجدید نمایم. اگر شورویها آن را

نپذیرفتند تصور می‌کنم با کمال وضوح باید علل باقی ماندن خود را از آنها خواستار گردید. و احیاناً اگر آنها ماندن خود را دلیلی برای حفظ صلح بدانند کاملاً بی‌اساس است زیرا از هم‌اکنون روشن است که وجود آنها علاوه بر اینکه از بی‌نظمی جلوگیری نمی‌کند آن را تشدید هم خواهند کرد. احساس می‌کنم که ما باید برای رد هر نوع مجادله‌ای از طرف شوروی خود را آماده نمائیم. زیرا شورویها استدلال خواهند کرد که برای مقابله با حکومت «فاشیست» تهران باید نیروهایشان را در ایران نگاه دارند. این حقیقت را باید پذیرفت که محافظه‌کاران ایرانی از آلمان نازی فاصله زیادی دارند و نارواست که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به اجبار درباره خط‌مشی‌های داخلی یک عضو مستقل سازمان ملل متحد، داوری نماید به خصوص که ایران نه دشمن بوده و نه خاکش صحنه عملیات دشمن بوده است در مرحله دوم، فکر می‌کنم باید از شورویها این سؤال بشود که چرا دائماً در عملیات نظامی و امنیتی ایران مداخله می‌کنند و حتی برای آزادی زندانیان قانون‌شکن پافشاری می‌نمایند. جای شبهه نیست که این مداخله‌ها دائمی و جدی است و حتی در بسیاری از موارد درگیرهای نیروهای شوروی در مسائل امنیتی ایران فاقد هرگونه توجیه نیز می‌باشد.

نظر من اینست که ما باید روشی را اتخاذ کنیم که با توجه به اشغال شوروی اوضاع و شرایط موجود در ایران ممکن است سبب و علت اختلافات بین‌المللی گردد و بخصوص به ملل متفق که اعلامیه تهران را امضا کرده‌اند. کشورهای متحده (امریکا) در این امر ذینفع‌اند. تفسیر پیمان سه‌جانبه و موافقتنامه مخصوص بین بوین و مولوتف در مورد تاریخ عقب کشیدن نیروها باید با توجه به ملاحظات دقیق منافع جهانی و توأم با منطق و عدالت صورت بگیرد.

به شماره ۹۶۵ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۷۶ به مسکو و به شماره ۸۲ به لندن ارسال گردید موری»

تلگرام: ۲۰۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۰ [۲۱] نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۷۴ - مطبوعات امروز درباره ادامه زد و خورد در میانه خبر می‌دهند و

نوشته‌اند که ژاندارمها در سراب، عجب شیر و بناب خلع سلاح شده‌اند. ولی برای تسلط به تبریز، رضائیه، اردبیل، آستارا و میاندوآب با پادگانهای ایرانی به جنگ ادامه می‌دهند.

دیروز نخست‌وزیر در مجلس شورای ملی اظهاراتی کرد و گفت که دولت به راه انداختن آشوب اجازه نخواهد داد و مسئولین ایجاد آشوب را مجازات خواهد کرد. ضمناً از جانب دولت ایران از تمام دولتهای امضاکننده پیمان سه‌جانبه تقاضا کرد که از هرگونه مداخله در امور داخلی ایران خودداری نمایند و به آزادی عمل نیروهای امنیتی ایران و به سازمانهای دولتی احترام بگذارند. به اعتماد به دوستی دولتهای همسایه و حسن نیت آنها و مراتب وطن‌پرستی مردم آذربایجان اشاره کرد و به آنها تأکید نمود. به شماره ۹۷۴ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۸۰ به مسکو و ۸۷ به لندن ارسال گردید موری.»

تلگرام: ۲۶۴۳ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۷۱ - دیروز عصر در خلال گفتگوی یک مقام سفارت، همایون‌جاء معاون وزارت امور خارجه (ایران) با حالتی مضطرب و نگران مطالب زیر را اظهار کرد.

۱- شورویها با اسلحه و پشتیبانی نظامی گروههای کوچک ناراضی آذربایجان را دلگرم کرده و همین امر به آشوبها و فتنه‌های کنونی منتج شده است.

۲- برای حصول این مقصود شورویها به نگاهداری نیروهایشان در ایران پس از پایان جنگ و برخلاف مفاد و تعهدات پیمان سه‌جانبه، اصرار می‌ورزند.

۳- مداخله شورویها در امور داخلی ایران نادرست بوده فداکاریهای ایران را در راه پیروزی متفقین به این نحو تلافی می‌کنند. شورویها حق ندارند از انتقال نیروهای مسلح ایران به منظور اعاده نظم جلوگیری نمایند.

۴- دولت ایران به پشتیبانی معنوی و مادی سایر متفقین خود امیدوار است.

۵- دولت ایران تصمیم دارد روابط دوستانه خود را با اتحاد شوروی حفظ نماید و تا زمانی که استقلال و یکپارچگی ایران خدشه نبیند، برای حصول این هدف از هیچ

کوششی فروگذار نخواهد کرد.

۶- اگر ایران با خصومت دولت شوروی روبرو شود کاری از دستش ساخته نیست، جز آنکه مشکل خود را به آگاهی جهانیان برساند و انتظار داشته باشد دنیا در این باره تصمیم بگیرد. با اینکه دولت ایران در هر لحظه آماده مذاکره درباره شکایات خود با دولت شوروی است ولی تلاش‌های ایران برای آغاز گفتگو تاکنون بی‌پاسخ مانده است. حتی تماس با سفارت شوروی نیز برای وزارت امور خارجه بسیار دشوار شده است.

۷- احدی در ایران به فکر تحریک تصادم با شوروی نیست و تصور اینکه نیروهای نظامی ایران تهدیدی علیه امنیت شوروی است، تعموری باطل است.

۸- بیات نخست‌وزیر سابق که اخیراً به سمت استانداری آذربایجان منصوب شده است در صورت مساعد بودن هوا آماده عزیمت به تبریز است ولی ملاقات او با روسها در این شهر تردید آمیز به نظر می‌رسد.

همایونجاء در باب جزئیات وقایعی که در آذربایجان در خلال چند روز گذشته اتفاق افتاده سکوت اختیار کرد و نظر مشخصی درباره شورشهای گزارش شده و اینکه این شورشها به انقلاب واقعی منجر خواهد شد یا هدفهای دیگر نظری ابراز نکرد ولی در خلال گفتگو تأکید کرد که صرفنظر از ماهیت آشوبها، دولت ایران را برای مقابله با آنها آزاد گذاشت.

ضمناً اظهار داشت که سفارت شوروی به یادداشتی که دولت ایران درباره حوادث اخیر و موارد مداخله شوروی تسلیم آن کرده است، جوابی نداده است. تلگرام من به شماره ۹۵۹ مورخ ۱۹ نوامبر حاکی بود که یادداشت عصر روز ۱۷ نوامبر تسلیم شده بود نه در ۱۸ نوامبر که اطلاع داده بودم.

به شماره ۹۷۱ به وزارت امور خارجه ارسال شد و به شماره ۲۷۹ به مسکو و به شماره ۸۳ به لندن رونوشت فرستاده شد. موری.»

تلگرام: ۲۲۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۲ نوامبر ۱۹۴۵

« ۹۷۸ - دیشب همایونجاه و ارفع هریک جداگانه به اطلاع سفارت رسانیدند که تا کنون نیروهای نظامی ایران توسط شورویها در جاده قزوین متوقف گردیده‌اند. ارفع اضافه کرده است ساویتسینکوف سرفرمانده شوروی به فرمانده ستون ایرانی گفته است که هر تلاش و اقدامی برای پیشروی به منزله حمله به اتحاد شوروی خواهد بود. همایونجاه اظهار داشت واحد نظامی کوچکی که در کرج متوقف بود اجازه یافته است به واحد اصلی خود به پیوند ولی در همان زمان به پاسگاه دائمی کرج دستور تخلیه داده شده است. بنابراین وزارت جنگ بیم آن را دارد که شورویها بخواهند ستون ایرانی را از مرکز جدا کنند.

همایونجاه گفت که در نظر داشته دیشب یا امروز صبح یادداشتی مبنی بر علت مداخله شوروی در امر انتقال نیروهای ایران به سفارت تسلیم بنماید. وی از گفتگوی عصر روز ۲۱ نوامبر خود با کاردار شوروی ناراضی بود زیرا کاردار گفته بود که عمل مقامات نظامی شوروی جنبه نظامی دارد و او از دلایل آن اطلاعی ندارد. کاردار به وی قول داده بود که با سرفرمانده‌ی تماس بگیرد ولی تا شب گذشته دولت ایران جوابی در این خصوص دریافت نکرده است.

همایونجاه گفت اگر علائمی در دست باشد که از معامله ارادی شورویها و توجه مخصوص آنها به امور حکایت کنند هیئت دولت ایران تصمیم خواهد گرفت هیئت مخصوصی به مسکو اعزام دارد...

اخبار امروز مطبوعات حاکی است که مجلس اعزام هیئت‌های پارلمانی را به واشنگتن و لندن و مسکو مورد توجه قرار داده است. همچنین مطبوعات اعلامیه آذربایجانیهای مقیم تهران را چاپ کردند و در آن مسئولین شورشها را تقبیح و وفاداری خود را نسبت به دولت مرکزی تصریح کرده‌اند. به همین منظور گروه بزرگی از آذربایجانیه‌ها در ۲۰ نوامبر در مقابل مجلس دست به تظاهرات زدند.

امروز خبری از جریانهای آذربایجان در دست نیست ولی ارفع اظهار داشت که دیروز ظهر پیغامی از فرمانده ایران در تبریز دریافت داشته است که در آن متذکر شده

بود در صورت عدم تقویت نیروهای نظامی همه چیز از دست خواهد رفت. ارفع جزئیات دیگری ذکر نکرده جز اینکه فرمانده تبریز گفته بود که شورویها ده هزار قبضه تفنگ در بین غیرنظامیان توزیع کرده‌اند. من در ارزیابی چنین گزارشهایی نمی‌توانم تصمیم بگیرم.

دیشب هنگام گفتگو با یاکوبوف، کاردار شوروی، او وقوع هرگونه شورش را در آذربایجان انکار کرد (انکاری که در خلاف جهت گزارشهای زیردستان او درباره آشفته‌گی اوضاع بود و مسافرت خارجیها به شمال صلاح دیده نمی‌شد) او رد تقاضای انتقال نیروهای نظامی ایران را به تبریز انکار کرد و گفت مقامات شوروی منتظر وصول دستورهایی برای اثبات قضیه هستند.

به شماره ۹۷۸ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۸۲ به مسکو و ۸۶ به لندن ارسال گردید. موری»

تلگرام: ۲۴۴۵ - ۱۱۰ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۹۸ - آقای لنگ، معاون کنسولگری بریتانیا دیروز با هواپیمای توریستی از تبریز به تهران وارد شد و از طرف ابلینگ یک بسته به انضمام تلگرام شماره ۹ ایشان به مقصد وزارت امور خارجه، با خود آورده بود که دیشب آن را ارسال داشتم. خلاصه مستخرج از گزارش کتبی ابلینگ و اظهارات شفاهی آقای لنگ به شرح زیر است.

«حزب دموکراتیک» کنترل بسیاری از شهرها و مناطق روستائی را که به شکل مثلثی از سراب و بوکان (جنوب میاندوآب) تشکیل می‌شود، در دست دارند. اکثر ادارات دولتی به کار خود مشغولند ولی با دستور حزب نگهبانان راه‌های اصلی را زیرنظر داشته مسافران را بازرسی و کامیونها را مصادره می‌کنند ولی کشتار و خونریزی نسبتاً کمتر دیده می‌شود. لنگ حدس می‌زند شاید حدود بیست نفر کشته شده باشند. دستور خصمانه‌ای از طرف حزب علیه ژاندارمها صادر شده است که بسیاری از آنها یا خلع سلاح و یا در نواحی زیر نظر متفرق شده‌اند. کنسول بریتانیا که در ۲۲ نوامبر از میانه دیدن کرده آنجا را آرام دیده است. از تبریز و نیز آذربایجان غربی وجود آشوبی

گزارش نشده است.

شورویها آشکارا در این شورش نقشی به عهده ندارند ولی گزارش شده که فرمانده نظامی ایرانی تبریز را از هر حرکت و اقدامی به منظور سرکوب کردن گروههای حزبی برحذر داشته است.

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک که خود را «کنگره ملی آذربایجان» می‌نامد و در تبریز مستقر گردیده، کم و بیش فعالیتهای مناطق دوردست را هدایت و رهبری می‌کند. اگرچه در خصوص عملیات افراطی از خود سلب مسئولیت می‌نماید در ۲۳ نوامبر این کنگره اعلامیه‌ای در باب خط مشی و هدفهای حزب به کنسولگریهای آمریکا و بریتانیا و شوروی تسلیم کرد. که نکات برجسته آن عبارت است از:

۱- با توجه به مفاد منشور آتلانتیک آذربایجان حق خودمختاری خود را اعلام داشته و تصمیم گرفته است دارای نظام دموکراتیک و خودمختاری کامل فرهنگی باشد.
۲- با توجه به این هدف مردم آذربایجان خواهان آنند که «دولت ملی» خود را در چهارچوب دولت ایران تشکیل دهند و همزمان با انتخابات مجلس شورای ملی تهران نمایندگان خود را برای آن مجلس انتخاب نمایند.

۳- خواسته خود مبنی بر جدائی از ایران را تکذیب می‌نمایند.

۴- کنگره ملی از بیست نفر تشکیل می‌شود که از طرف صد و پنجاه هزار نفر امضاکننده، پشتیبانی می‌شوند.

۵- کنگره هیئت حاکمه سی نفری را انتخاب کرده است که اختیار دارد اقداماتی برای تضمین «هدفهای ملی» نماید و اداره انتخاب دولت آذربایجان را عهده‌دار شده انتخابات مربوط به مجلس تهران را انجام دهد و با دولت مرکزی نیز برای ایجاد تفاهم مسالمت آمیز در خودمختاری اداری آذربایجان وارد مذاکره شود.

۶- کنگره به اجتناب از هرگونه تصادمی مایل است ولی اگر دولت مرکزی سعی نماید با توسل به زور از انجام هدفهای آن جلوگیری نماید کنگره و مردم آذربایجان تا آخرین مرحله به مبارزه خواهند پرداخت. هیئت حاکمه هیچگونه حقی مبنی بر به رسمیت نشناختن خودمختاری اداری آذربایجان را ندارد.

لنگ اظهار می‌دارد انتظار می‌رود کنگره در حوالی سوم دسامبر انتخابات را برگزار کند. متن کامل اعلامیه به وسیله پست ارسال گردید.

به شماره ۹۹۸ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۹۰ به مسکو و به شماره ۹۵ به لندن فرستاده شد موری.»

تلگرام: ۲۶۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۰۱ - گزارشهای رویترا درباره اینکه دولت شوروی انتظار اعزام هیئتی از جانب ایران به مسکو را دارد درک می‌کنم. طی دو روز گذشته همايونجاه و نبیل که هردو نفر از مقامات وزارت امور خارجه هستند اظهار داشته‌اند که دولت ایران حداقل تا پایان بحران کنونی از اعزام هیئت مخصوصی به مسکو منصرف شده است. دولت ایران معتقد است که در حال حاضر به علت عدم آمادگی برای اعطای امتیازات به شورویها و عدم امکان دادن اختیار به هیئت اعزامی در این قبیل موارد اعزام هیئت مزبور را بیپوده می‌داند. نبیل دیروز مواردی را که شورویها خواستار آنها هستند بطور خلاصه به قرار زیر بیان کرد:

۱- امتیاز نفت شمال ایران.

۲- داشتن حقوق حمل و نقل هوایی، نه تنها بین شوروی و تهران، بلکه بین تهران، تبریز و مشهد (او اظهار داشت که دولت ایران خود را آماده می‌کند همان امتیازی را که در این مورد به کشورهای متحده امریکا داده است به شورویها نیز بدهد به استثنای حق حمل و نقل هوایی داخلی).

۳- داشتن نوعی موقع مخصوص در بندر پهلوی، کنار دریای خزر، (نبیل معتقد است که آنها امیدوارند که بار دیگر مانند اوضاع قبل از پیمان ۱۹۲۱ کنترل کامل این بندر را دوباره بدست آورند).

۴- موافقت در باب در اختیار گرفتن شاهراه آستارا، رشت، قزوین...

وی اظهار داشت که دولت ایران در انتظار مراجعت فوری ما کسیموف سفیر شوروی است ولی سفیر ایران در مسکو اطلاع داده است که ما کسیموف دیگر مراجعت نخواهد کرد و وزارت امور خارجه شوروی وعده داده است که به زودی سفیر جدیدی

اعزام خواهد داشت.

به شماره ۱۰۰۱ به وزارت امور خارجه و به شماره ۲۹۱ به مسکو و به شماره ۹۶ به لندن ارسال گردید. موری»

تلگرام: ۲۶۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در بریتانیا (وینانت Vinant) به وزیر امور خارجه

لندن: ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۲۳۴۶ - متن تلگرام شماره ۱۰۲۰۹ به مقصد وزارت امور خارجه، به هو (Howe) معاون وزیر امور خارجه انگلیس تسلیم گردید...»

هو اظهار داشت نظر دولت بریتانیا بر این است که سفارت بریتانیا در مسکو دستور گرفته که به شورویها تذکر دهد که نظر این کشور (انگلیس) چنین است که با توجه به مفاد پیمان ایران، انگلیس و شوروی و اعلامیه تهران در موضوع برقراری نظم در ایران به وسیله حکومت آن نباید مانعی وجود داشته باشد. هو اضافه کرد که دولت بریتانیا تلاش می کند تا جایی که امکان دارد موضوع اختلاف را به مذاکره مستقیم بین ایران و شوروی واگذار کند و به این وسیله از مسئولیت مداخله ناروا در امور شورویها اجتناب ورزد.

به شماره ۱۲۳۴۶ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۳۶ به تهران رونوشت شد. وینانت.»

تلگرام: ۲۶۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از وزیر امور خارجه به سفیر در ایران (موری)

واشنگتن: ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵

« ۶۴۹ - لطفاً یک نسخه از یادداشت تسلیم شده به دولت شوروی را که حاکی از مفاد تلگرام شماره ۶۴۴ وزارت امور خارجه در تاریخ ۲۳ نوامبر است به دولت ایران تسلیم نمائید. متن آن امروز در مطبوعات اینجا منتشر خواهد شد. با کستر.»

تلگرام: ۲۶۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در اتحاد شوروی (هریمن) به وزیر امور خارجه

مسکو: ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵

« ۳۹۶۱ - [بازگشت به] عمل مقامات نظامی شوروی راجع به متوقف ساختن

نیروهای مسلح اعزامی ایران از تهران به آذربایجان.

در ۲۵ نوامبر سفیر بریتانیا طی یادداشتی به مولوتف اظهار داشت که دولت

بریتانیا خواسته دولت ایران را مبنی بر حفظ نظم در سرزمین خود و نیز حق مشروع این

دولت را در حفظ امنیت کشور خود توسط نیروهای امنیتی خویش کاملاً منطقی تلقی

می‌نماید. کلارک کر به مواد یک و چهار پیمان ایران و انگلیس و شوروی مورخ ۲۰

ژانویه ۱۹۴۲ و به اعلامیه تهران اشاره کرده است. ضمناً اظهار داشته است دولت متبوع

وی احساس می‌کند عمل انجام‌شده از طرف مقامات نظامی شوروی از قرار معلوم به

علت «سوءتفاهم در وضع» پیش آمده بوده است و اطمینان دارد که دولت شوروی بر این

عقیده است که فرماندهان شوروی در ایران را راهنمایی نماید که مانع نقل و انتقال

نیروهای نظامی ایران و مساعی آن دولت برای حفظ نظم داخلی نشوند.

به شماره ۳۹۶۱ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۱۵۸ به تهران و به

شماره ۶۰۰ به لندن رونوشت شد. هریمن.»

تلگرام: ۲۷۴۵ - ۱۱ / ۹۱ - ۱۲۴

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۷ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۰۸ - بازگشت به تلگرام این سفارت به شماره ۱۰۰۰ و به تاریخ ۲۶

نوامبر دیروز بعد از ظهر ضمن شرفیابی طولانی به حضور شاهنشاه، ایشان به من اطلاع

دادند که از آقای علاء شنیده‌اند که وزارت امور خارجه ما یادداشتی درباره وضع کنونی

ایران به دولت شوروی تسلیم داشته است. ظاهراً آقای علاء به دولت خویش اطلاع داده

است که امریکا در یادداشت خود از دولت شوروی خواسته است تا درباره وضع

«اطلاعاتی» به آن دولت بدهد...

ضمناً شاه ایران متذکر شدند که احاطه موضوع را به اعضای اصلی شورای امنیت

مورد توجه عمیق قرار داده‌اند. و از من در این باره مشورت خواستند که چگونه می‌توان قبل از وصول پاسخ شوروی به یادداشت امریکا اقدام نمایند. به ایشان اظهار داشتم به عقیده شخص من، بهتر است در این موقع با اظهار آنچه را که در فکر دارند وضع را پیچیده نسازند.

سپس شاهنشاه صمیمانه از من خواستند که به اسرع وقت ممکنه ایشان را از دریافت پاسخ دولت شوروی درباره این موضوع آگاه سازم. در اجرای درخواست شاه ایران اطمینان دارم وزارت امور خارجه به زودی به تلگرام مورد اشاره من پاسخ خواهد داد. موری.»

تلگرام: ۲۸۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران ۲۸ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۰۹ - شوراتسکف گزارش می‌دهد که زنجان کاملاً به تصرف شورشیان درآمده است و اینک در حال عبور از تاکستان به سوی قزوین هستند. در زنجان پلیس و ژاندارمری و سی نفر سرباز که از شهر دفاع می‌کردند از طرف شورویها به آنها دستور داده شده بود که مقاومت نکرده سلاح خود را بر زمین نهند و آنها نیز چنین کردند. شورای جنگی ایران انتظار دارد که پس از سقوط قزوین دوهزار نفر شورشی مسلح به طرف تهران حرکت کرده به ده‌هزار نفر از طرفداران آنها که در داخل شهر هستند ملحق شوند. این عده از مهاجرین شوروی که به داخل کشور نفوذ کرده‌اند همگی از اعضای حزب توده و ماجراجویان و اوباش تشکیل می‌شوند. از جابون نزدیک فیروزکوه گزارشهایی می‌رسد که عده‌ای از این منطقه و مازندران اجتماع کرده آماده پیشروی از این مسیر هستند.

ژنرال ارفع رئیس ستاد کل، مسئول تمام نیروهای مسلح ایران اعم از پلیس و ژاندارمری است و طرحهایی برای دفاع از شهر تهیه کرده است... دستور داده شده که راه تهران - قم باید به هر قیمتی باز و آزاد نگاه داشته شود زیرا ممکن است تقویت قوا از منطقه جنوب صورت بگیرد و در صورت لزوم پایتخت تخلیه و به اصفهان منتقل گردد. این موضوع از این نظر اهمیت دارد که در جنگ گذشته شورویها از راه کرج به قم

رفتند و به جای اینکه از طرف غرب به تهران بیایند راه جنوب را برای رسیدن به پایتخت انتخاب کردند. بنابراین نیروهای ذخیره در مناطق حسن آباد و علی آباد، به فاصله بیست کیلومتری تهران تجمع کرده‌اند.

شوروی‌ها با وجود تمام اقدامهای دفاعی ایران در شمال به مداخله خود ادامه می‌دهند و به ظاهر مدلل است که حقیقتاً عملیات نظامی را هدایت می‌کنند. عملیات و تاکتیک‌های کنونی از اقداماتی که به وسیله گروهی مردم صورت بگیرد گذشته است بیشتر از عملیات نظامی دقیق و طرح‌ریزی شده حکایت دارد، چنانکه دو خط اصلی پیشروی را مشخص می‌کند یکی از آستارا (که به تصرف درآمده است) به بندر پهلوی و دیگری از زنجان به سوی قزوین و تهران.

ارتش ایران مصمم است در صورتیکه آشوبگران به وسیله راه آهن حرکت کنند مسیر راه آهن را منفجر کنند. بدون تردید وضع وخیم است و آشفتگی و هراس در مقامات بالای ارتش ایران حکمفرماست. در این لحظه شهر آرام است فقط معدودی از ایرانیان هستند که به وخامت بحران پی برده آن را درک می‌کنند.

به شماره ۱۰۰۹ به وزارت امور خارجه ارسال شد و به شماره ۲۹۶ به مسکو و ۹۸ به لندن رونوشت گردید. موری»

تلگرام: ۲۸۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲۸ نوامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۱۱ - گارور و چرنیگان که دیروز به تبریز پرواز کرده بودند امروز به

تهران بازگشتند و چنین گزارش دادند:

انتخابات برای «مجمع ملی آذربایجان» که متشکل از پنجاه و نه نماینده است امروز برگزار می‌شود. تکمیل انتخابات و پایان آن مدت یک هفته یا بیشتر وقت لازم دارد. مقامات ایرانی در تبریز این انتخابات را کاملاً جعلی دانسته اظهار می‌دارند نامزدها قبلاً معلوم شده‌اند و از آنجائی که این انتخابات بدون تأخیر و مهلتی برای مبارزات انتخاباتی برگزار می‌شود فاقد اصول قانونی بوده فقط تحت تأثیر «مجمع ملی آذربایجان» تشکیل می‌گردد و تصور می‌کنم هیچ تردیدی در اساس جعلی بودن آن نیست.

مقامات ایرانی تبریز معتقدند که «حزب دموکراتیک» محبوبیت عامه ندارد و در صورت فقدان دلگرمی و تشویق شوروی یک شبه مضمحل و نابود می‌گردد. کنسول ما و کنسول بریتانیا در تبریز متفق‌القولند که اگر پشتیبانی شورویها قطع شود احتمالاً این جنبش از بین خواهد رفت...

درخشانی ژنرال ایرانی براین عقیده است که اگر قوای امنیتی تقویت شود و اگر روسها نیز اجازه دهند شورش را از طریق توسل به قوای نظامی می‌توان خاموش کرد. او معتقد است که با کمک نیروی متوقف در خارج از قزوین و یک گردان تانک اضافی می‌تواند وظیفه خود را به‌مورد عمل بگذارد. ضمناً اظهار می‌دارد با این قوا می‌تواند نظم را در منطقه بین زنجان و تبریز برقرار ساخته سپس آنرا از تبریز به طرف مراغه و میاندوآب گسیل دارد و پس از برقراری نظم در این منطقه سراب و اردبیل و آستارا در زیر پوشش قوای مزبور قرار دهد. درخشانی تخمین می‌زند که کل نیروی مسلح دموکراتها از چهارهزار نفر بیشتر نیست. ولی بدون تقویت قوای کمکی فقط می‌تواند از تبریز و رضائیه و شاید اردبیل دفاع نماید. ارتباط وی در حال حاضر با اردبیل قطع شده است.

ظاهراً دموکراتها کنترل مراغه، میانه، سراب و تمام مناطق بین این شهرها و تبریز را در دست دارند و شاید کنترل زنجان نیز در دست آنها باشد. امروز فرمانده ژاندارمری تبریز چرنیگان را مطلع ساخت که دوازده کامیون از افراد کرد میاندوآب را تهدید می‌کنند و فرمانده ژاندارمری آن شهر درخواست کرده است که به وی اجازه داده شود شهر را تخلیه و به طرف جنوب و ناحیه‌ای آرام عقب‌نشینی نماید. همچنین اظهار داشت حمله‌های دموکراتها شهر اهر (در شمال سراب) و مرز را تهدید می‌کنند. از تاریخ ۱۶ نوامبر شورویها به هیچ ژاندارمری اجازه ترک تبریز را نداده‌اند.

وضع مناطق خارج از تبریز همچنان آرام است و آشوبی در کار نیست. منابع نظامی ایران در تبریز اظهار می‌دارند که افزایش قابل توجهی در نیروهای شوروی مستقر در آذربایجان مشاهده نشده است.

به شماره ۶۰۱۱ به وزارت امور خارجه ارسال شد و به شماره ۲۹۷ به مسکو و به شماره ۹۹ به لندن رونوشت گردید. موری»

در ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ دولت کشورهای متحده آمریکا یادداشتی به دولت اتحاد

جماهیر سوسیالیستی شوروی تسلیم کرد که متن آن را در جلد اول متذکر شدیم. جواب این یادداشت به قرار زیر در تاریخ ۲۹ نوامبر به دولت کشورهای متحده امریکا از طرف مولوتف کمیسر امور خارجه شوروی واصل گردید که ترجمه متن آن به این شرح است.^۲

مسکو ۹ دسامبر ۱۹۴۵

آقای سفیر کبیر عزیز طبق خواش تلفنی اخیر شما اینک رونوشت متن پاسخی را که دولت شوروی در تاریخ ۲۹ نوامبر دولت من راجع به اوضاع ایران داده است برای استحضار شما به پیوست می‌فرستم. حدس می‌زنم که دولت شما مدتی است از مضمون این نامه اطلاع حاصل نموده است.

تصور می‌کنم دولت من قصد دارد متن پاسخ شوروی را در روزهای نزدیک منتشر سازد ولی تا این امر انجام گیرد خواهشمندم این موضوع را محرمانه تلقی فرمائید. دوست صمیمی شما هاریمان»

به جناب آقای مجید آهی سفیر کبیر ایران» ۱۹۴۵

ترجمه. رونوشت. مسکو ۲۹ نوامبر ۱۹۴۶

«آقای سفیر کبیر عزیز به مناسبت نامه ۲۴ نوامبر شما متضمن یادداشت دولت

اتازونی راجع به مسئله ایران مراتب زیر را به استحضار شما می‌رسانم.

اینکه در یادداشت نامبرده ذکر شده شورش مسلحانه در شمال ایران رخ داده طبق اطلاعاتی که حکومت شوروی دارد مطابق با واقع نمی‌باشد. وقایعی که روزهای اخیر در شمال ایران پیش آمده نه فقط یک شورش مسلحانه نیست بلکه به هیچ وجه بر علیه دولت شاهنشاهی ایران نمی‌باشد. اکنون که بیاننامه مجمع ملی شمال ایران انتشار یافته واضح و آشکار می‌شود که قضیه عبارتست از میل و تقاضای تثبیت حقوق دموکراسی از طرف اهالی آذربایجانی شمال ایران که خواهان اتونومی (خودمختاری) در داخل مرزهای ایران می‌باشند آنان دارای زبان مخصوصی هستند که با زبان فارسی

۲- آرشیو وزارت امور خارجه ایران

Foreign Relations Of The United States.

Diplomatic Papers 1945 Vol. VIII. P. 468 - 469

متفاوت است. از بیاننامه مجمع ملی نامبرده که در ۲۰ و ۲۱ نوامبر در تبریز منعقد گردید پیدا است که مجمع ملی مزبور تقاضاهای خود را به استحضار شاه و مجلس و دولت ایران رسانده تشکیل خود را متکی به قانون اساسی ایران می‌داند. حوادث ناگواری که به مناسبت وقایع اخیر در نقاط مختلفه شمال ایران اتفاق افتاده نتیجه اقدامات مرتجعینی است که مخالف با احقاق حق اهالی شمال ایران هستند و حال اینکه تقاضاهای اهالی محلی چیز غیرعادی برای یک کشور دموکراسی نمی‌باشد. اما راجع به فرماندهی قوای شوروی، فرماندهی نامبرده مانع عملیات نظامیان و ژاندارم و پلیس ایران که در نواحی شمال ایران توقف دارند نشده و نمی‌شود. طبق اطلاعاتی که دولت شوروی در دست دارد در این نواحی، ایران یک هنگ پیاده که بریگاد پیاده و دو هنگ ژاندارم و پلیس موجود بوده و می‌توانند نظم و آسایش این نواحی را تأمین نمایند. دولت شوروی با اعزام نیروی تازه ایرانی به نواحی شمال ایران مخالفت نموده و به دولت ایران اطلاع داد که فرستادن نیروی بیشتر ایرانی به شمال ایران نه اینکه ناامنی را رفع نخواهد نمود بلکه موجب تشدید هرج و مرج و خونریزی نیز خواهد شد و این مسئله دولت شوروی را مجبور خواهد ساخت که برای استقرار نظم و تأمین قوای شوروی نیروی تازه به آنجا گسیل دارد و چون دولت شوروی اعزام نیروی بیشتر شوروی را در ایران نامطلوب می‌داند معتقد است که فرستادن نیروی تازه ایرانی به ایالات شمالی ایران در حال حاضر اقدام مفیدی نیست. اما اینکه در یادداشت دولت اتازونی به اعلامیه سه دولت راجع به ایران مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳ اشاره شده است دولت شوروی تا حدی که مربوط به او می‌باشد باید اشعار دارد که بدون تردید اصول اعلامیه نامبرده را پذیرفته و بدان پیوسته است ولی اعلامیه نامبرده از موضوع عده نیروی شوروی در خاک ایران و هم‌چنین مدت توقف نیروی شوروی در ایران بحثی نمی‌کند. موضوع اخیر در سند دیگری یعنی پیمان سه گانه انگلیس و شوروی و ایران منعقد در ۱۹۴۲ تعیین شده و دولت شوروی راجع به اقامت قشون خود در ایران دقیقاً از روی ضرب‌الاجل مصرحه در پیمان نامبرده عمل می‌نماید هرچند که حق ورود قشون شوروی به ایران در عهدنامه شوروی و ایران مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ پیش‌بینی شده است. به علاوه چنانکه دولت اتازونی آگاه است موضوع تاریخ بیرون بردن نیروهای شوروی و انگلیس از ایران در شورای وزرای خارجه در لندن یعنی فقط دوماه پیش مورد مطالعه واقع گردید و به موجب نامه‌های متعاطیه میان

نمایندگان انگلیس و شوروی تصمیم مقتضی در این باب اتخاذ گردید و موضوع به استحضار شورای نامبرده وزیران رسید و از هیچ ناحیه مورد ایراد و اعتراض نشد.

در این موضوع هم چنین باید متذکر شد که دولت انگلیس در یادداشت خود در باب مسئله ایران که در ۲۵ نوامبر به دولت شوروی رسیده موضوع تخلیه نیروهای شوروی را از ایران اقامه ننموده است.

به استناد مندرجات بالا راجع به قوای شوروی دولت شوروی دلیلی برای تجدیدنظر در موضوع ضرب الاجل تخلیه قوای نامبرده از ایران نمی بیند.

آقای سفیر کبیر خواشمندم احترامات فائقه مرا قبول فرمائید. و. مولوتف»
اما انعکاس یادداشت کمیسر امور خارجه دولت استالین که از جهات مختلف سیاسی و حقوقی و اخلاقی برخلاف حق و حقیقت بود و تفسیر آن خود محتاج به تدوین کتابی جداگانه است، چنین بود:

تلگرام: ۲۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۳۹ - متن یادداشت ۲۶ نوامبر شوروی دیروز بعدازظهر برای انتشار در اینجا در اختیار مطبوعات قرار گرفت از آنجائی که تصور می کنم سفیر ایران در واشنگتن این متن را در اختیار دارد تمام متن یادداشت را تلگراف نکردم. متن یادداشت تمام ادعاهای دولت ایران را که طی یادداشت ۱۷ نوامبر به شوروی تسلیم شده بود و من نیز آن را در ۱۹ نوامبر به شماره ۱۵۱ ارسال داشته ام انکار می نماید. متن پاراگراف آخر به لحاظ دارا بودن اهمیت زیاد و برای اطمینان از اینکه وزارت امور خارجه صحیحاً آن را دریافت کند در تلگرام آتی من ارسال خواهد شد.

به شماره ۱۰۳۹ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۳۰۶ به مسکو و به شماره ۱۰۸ به لندن رونوشت گردید. موری»

تلگرام: ۳۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از وزیر امور خارجه به سفیر در ایران (موری)

واشنگتن: ۳ دسامبر ۱۹۴۵

« ۶۶۹ - بازگشت به تلگرام شماره ۱۶۵ مورخ ۳۰ نوامبر از مسکو به تهران
لطفاً با صلاحدید خود یکبار دیگر توجه دولت ایران را به متن پاسخ شوروی به یادداشت
۲۴ نوامبر هریمین سفیر ما در مسکو جلب نمایند. شما باید بر این حقیقت تأکید نمایید
که این یادداشت قبل از اینکه اجازه شوروی واصل شود در واشنگتن به اطلاع عموم
نخواهد رسید و برای این منظور هم از شوروی درخواست شده است و لذا تا هنگامی که
متن یادداشت در کشورهای متحده آمریکا یا در اتحاد شوروی منتشر نشده است نباید
انتشار یابد. ضمناً می‌توانید اضافه نمایید که دولت آمریکا از هر گونه تفسیر و تعبیری که
ممکن است دولت ایران در مورد یادداشتها و نکات مختلفی که در پاسخ به شوروی
گنجانده می‌شود، استقبال خواهد کرد.

در صورتیکه بتوانید درباره نکات زیر اطلاعاتی در اختیار ما بگذارید به نحوه
عمل ما کمک زیادی خواهید کرد:

۱- آیا فرماندهی نظامی شوروی به هر طریقی مانع نقل و انتقال نیروهای نظامی
و واحدهای ژاندارم ایران که در مناطق شمالی ایران مستقر هستند، شده است؟ اگر
چنین است، معرفی تعدادی از این موانع مفید خواهد بود.

۲- آیا به عقیده دولت ایران نیروهای نظامی و واحدهای ژاندارمری ایرانی که
قبلاً در شمال ایران مستقر شده‌اند شایستگی تضمین نظم و آرامش را در آن نواحی دارند؟
۳- آیا دولت ایران به این نیروها و واحدها دستورهایی در جهت تأمین و تضمین
نظم و آرامش داده است؟ اگر چنین است اقداماتی در این مورد به علم آمده است؟ اگر
این اقدامات صورت نگرفته علت آن چه بوده است؟

۴- آیا تشکیل مجمع ملی در تاریخ ۲۰ و ۲۱ نوامبر در تبریز قوانین اساسی
ایران را نقض کرده است؟ اگر نقض کرده است اقدامات دولت ایران برای جلوگیری
از تشکیل این مجمع در چه حدود بوده است؟

۵- آیا به جای مقامات ایرانی که قانوناً از طرف دولت ایران به مشاغل خود در
ایالات شمال ایران منصوب شده‌اند مقامات دیگری که فاقد مجوز قانونی دولت ایران

هستند گمارده شده‌اند؟ اگر چنین است فرماندهان شوروی با کدامیک از این مقامات در رابطه هستند؟

امید است که اعضای اعزامی سفارتخانه به شمال ایران قادر باشند اطلاعاتی کسب نمایند که از این راه ما را در ارزیابی نظرهائی که امکان دارد از طرف دولت ایران به ما ارائه شود، یاری کنند. در صورتیکه کسب این اطلاعات میسر نباشد علت آن را یا از نظر شدت عمل یا قطع وسایل ارتباطی اطلاع دهد. بیرنس»

تلگرام: ۳۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از وزیر امور خارجه به سفیر در بریتانیا (ونیانت)

واشنگتن: ۳ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۴۷۴ - بازگشت به تلگرام شماره ۶۱۰ صادره از مسکو به تاریخ ۳۰ نوامبر به مقصد لندن شما اختیار دارید بار دیگر توجه دولت بریتانیا را به متن پاسخ شوروی به یادداشت ۲۴ نوامبر سفیر ما، «هریمن» جلب نمائید. شما باید به این حقیقت اصرار ورزید که چون این یادداشت قبل از اجازه شوروی در واشنگتن منتشر نخواهد شد و ما نیز در مورد آن کسب اجازه نمودهایم لذا قبل از اینکه متن این یادداشت در ایالات متحده و اتحاد شوروی منتشر گردد باید از انتشار آن در لندن خودداری گردد. امکان دارد اضافه نمائید که دولت امریکا از ارائه هرگونه نظر دولت بریتانیا که ممکن است در متن پاسخ به شوروی منظور شود، استقبال خواهد کرد. بیرنس»

تلگرام: ۳۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۳ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۵۴ - شرح زیر ترجمه متن یادداشت وزارت امور خارجه به تاریخ اول دسامبر است که در پاسخ یادداشت ۲۶ نوامبر شوروی به سفارت شوروی تسلیم گردیده است (متن یادداشت دیشب در مطبوعات تهران درج گردید.)»
وزارت امور خارجه شاهنشاهی تعارفات خود را به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اظهار و در پاسخ یادداشت ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ پنجم آذرماه ۱۳۲۴،

شماره ۵۲۶ محترماً مراتب زیر را به استحضار می‌رساند.

از مندرجات یادداشت جوابیه که مرقوم فرموده‌اند دخالت مأمورین شوروی در امور داخلی ایران در استانهای شمالی حقیقت ندارد نظر به اینکه وزارت امور خارجه فعلاً نمی‌خواهد توضیحات بیشتری در این باره بدهد و سوابق امر را کاملاً روشن نماید و از آنچه اشعار داشته‌اند معلوم می‌شود من بعد اقدامات مزبور تکرار نخواهد شد اظهار خوشوقتی می‌نماید و از اینکه اشعار داشته‌اند که مأمورین شوروی مقررات پیمان سه گانه و اعلامیه سران سه کشور بزرگ متحد ایران را که در تهران امضا و انتشار یافته کاملاً محترم می‌دارند، اظهار مسرت می‌نماید.

وزارت امور خارجه امیدوار است با مساعدت آن سفارت کبری در ضمن تخلیه سریع و کامل خاک ایران از نظامیان شوروی که همین انتظار را از دولت دوست و متحد دیگر نیز داریم دیگر از اینگونه اقدامات از طرف مأمورین نظامی شوروی در استانهای شمالی صورت وقوع نیابد تا دوستی خلل ناپذیر ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روز به روز افزون شود و اینکه اشعار داشته‌اند دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مسئول عواقب وخیم نبودن مأمورین ایران در نقاط لازمه استانهای شمالی نیست لزوماً به استحضار آن سفارت کبری می‌رساند وجود مأمور در صورتی مفید و موثر است که قوای مزبور هم از محلی که مورد احتیاج نیست به نقطه مورد احتیاج میسر باشد. اگر مأمورین رسمی دولت دست بسته و محصور و آنها که در صدد ایجاد ناامنی هستند آزاد باشند و قوای تأمینیه کشور هم آزادی عمل و ارتباط با مرکز نداشته باشند طبعاً سلب امنیت از مردم شده و مأمورین دولت مانند سایر اهالی استانهای شمالی در معرض خطر تجاوز و تعدی و جرح و قتل خواهند بود. چنانکه بارها وقایع قابل تأسف در اثر همین وضعیات اتفاق افتاده است.

وزارت امور خارجه ایران امیدوار است چنانکه سفارت کبری مرقوم داشته‌اند مداخله در امور استانهای شمالی خاتمه یافته باشد و قوای تأمینیه کشور در نقل و انتقال آزاد باشند تا امنیت و انتظام در آن نواحی استقرار یابد. ضمناً به استحضار سفارت کبری می‌رساند که تقویت قوای تأمینیه کشور در استانها چنانکه اظهار نموده‌اند مورد نگرانی نیست و به هیچ وجه نباید وسیله آمدن قوای تازه از کشور اتحاد جماهیر شوروی به ایران شود. زیرا مورد درخواست دولت ایران این است که قوای سایر کشورهای متحد

ما هرچه زودتر ایران را تخلیه و به کشورهای خود برگردند تا دولت ایران بتواند موجبات آسایش و راحتی عموم ایرانیان را فراهم آورد. منظور قوای تأمینیه یا ارتش دولت ایران ستیزه با مردم نبوده و نیست بلکه مقصود از تقویت قوای تأمینیه در استانها فقط جلوگیری از بی‌نظمی و تعدی و تجاوز و مراقبت در تأمین آسایش مردم است و با این ترتیب به زودی موجبات آرامش نواحی شمالی کشور فراهم و مأمورین دولت نیز خواهند توانست به اظهارات حقه هر کس بر طبق قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه کشور رسیدگی نمایند. بنابراین خواهشمند است آن سفارت کبری از اقدامات سریع خودشان برای آزادی عمل مقامات کشوری و لشکری ایران که در استانهای شمالی به عمل می‌آورند دولت ایران را آگاه سازد و نیز اطلاع فوری آن سفارت درباره اقدامات عاجل جهت آزادی نقل و انتقال نیروهای امنیتی و قوای ارتش ایران که مخصوصاً در استانهای سوم و چهارم قصد عمل دارند و نیز آزادی حرکت نیروهای متوقف در شریف آباد مورد درخواست وزارت امور خارجه ایران است. موری.»

تلگرام: ۵۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۵ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۶۹ - دیشب متن یادداشت مولوتف به تاریخ ۲۹ نوامبر به نخست‌وزیری تسلیم گردید (اگرچه این یادداشت در ۳۰ نوامبر توسط مسکو ارسال شده بود با این حال دیروز آن را دریافت کردیم) و من هم یک نسخه از آن را هنگام صرف عصرانه به شاهنشاه تقدیم داشتم.

این سفارت کوشش خواهد کرد از منابع رسمی و یا سایر منابع اطلاعاتی را که وزارت خارجه ما طی تلگرام ۶۶۹ مورخ ۳ دسامبر درخواست کرده، کسب نماید. معذک پاسخهای آماده شده زیر تقدیم می‌شود.

۱- طبق اطلاعات رسیده از منابع ارتش و ژاندارمری ایران و مفاد تلگرامهای متعدد واصله از این منابع، تردیدی نیست که شورویها به دفعات مکرر در امر نقل و انتقال نیروهای امنیتی ایران که در استانهای شمالی مستقر هستند، دخالت نموده‌اند.

۲- فرمانده نیروهای نظامی ایران در آذربایجان تا هفته قبل به کارور (Carver) و

جرنیگان (gernegan) گفته بود که تعداد افراد نیروهایش برای اعاده نظم در این استان کافی نیست (به مفاد تلگرام من به شماره ۶۰۱۱ به تاریخ ۲۸ نوامبر توجه کنید) و بدون رسیدن قوای تازه نفس که لااقل چهار گردان باشد فقط می‌تواند از رضائیه و تبریز و اردبیل دفاع کند.

۳- تمام اطلاعات واصل از نیروهای امنیتی ایران و یا از سایر نقاط آذربایجان حاکی است که این نیروها منحصراً در حالت دفاعی به سر می‌برند. هر جا که گامهای مثبتی برداشته می‌شود شورویها اشکال‌تراشی می‌کنند و در بسیاری از موارد مقامات ایرانی تصدیق می‌کنند که به این مناسبت عمل مثبتی انجام نداده‌اند.

۴- یقین دارم که وزارت امور خارجه ما طالب تأیید رسمی این مطلب می‌باشد که دولت ایران عملیات «کنگره ملی آذربایجان» را به رسمیت نمی‌شناسد و آن را قانونی نمی‌داند. تا جایی که اطلاع دارم مقامات ایرانی تا کنون کوششی برای جلوگیری از برگزاری میتینگ «کنگره» به عمل نیاورده‌اند.

۵- سروان گاگارین (gagarine) اظهار می‌دارد که مقامات اداری ایران هنوز در مشاغل خود در مناطق زیر نفوذ آشوبگران باقی هستند منتهی به جای اینکه زیر کنترل حکومت مرکزی باشند از دموکراتها پیروی می‌کنند... به واسطه قطع خطوط تلگرافی و دخالت دموکراتها در تبریز این امر بدیهی است ولی در شهرهای کوچک که به اشغال آشوبگران درآمده ارتباط آنها با حکومت مرکزی الزاماً قطع شده است. موضوعی که حاکی از شدت عمل درباره مقامات رسمی اداری و جلوگیری آنها از ارسال گزارش باشد تا کنون نشنیده‌ام. موری»

تلگرام: ۵۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در انگلستان (وینانت Winant) به وزیر امور خارجه

لندن: ۵ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۲۷۴۱ - باکستر (Baxter) رئیس اداره شرق وزارت امور خارجه انگلیس در

گفتگوی امروز درباره وضع ایران اظهار داشت دولت بریتانیا متأسف است که دولت

شوروی در پاسخ یادداشت این دولت^۲ مبنی بر کم کردن مداخله‌های روزافزون مقامات شوروی در استانهای شمال ایران اظهارنظر نکرده است. هرچند یادداشت بریتانیا توأم با یادداشت ارسالی دولت امریکا حداقل به شورویها هشدار خواهد داد که عملیات و اقدامات آنها حقیقتاً مورد توجه بوده امکان دارد آنها را در آینده وادار به احتیاط بیشتری بنماید.

سوآلی که اکنون مطرح است اینست که حوادث بعدی چه خواهد بود. و دولت انگلستان جز در مورد تمرکز تبلیغات در باب این موضوع نظری دیگر ندارد و با کستر در ارتباط با این موضوع دوباره پیشنهاد کرد که اعزام یک خبرنگار امریکائی برای تهیه گزارش در مورد حقایق امکان دارد مفید واقع شود.

۳- وزیر امور خارجه انگلیس به سفیرکبیر این کشور در مسکو مأموریت می‌دهد در این زمینه یادداشتی به قرار زیر تسلیم مولوتف وزیر امور خارجه شوروی بکند:

«من از طرف دولت متبوعه خود مأمور شده‌ام به شما اطلاع بدهم که دولت انگلستان از اینکه مطلع شده است نیروهائی که دولت ایران می‌خواستند از تهران به آذربایجان بفرستد در بین راه از طرف مقامات نظامی شوروی متوقف شده‌اند.

بنظر دولت متبوعه من کاملاً به جاست که دولت ایران در خاک خود خواهان استقرار نظم باشد و کاملاً مشروع است که نیروهای تأمین خود را به این منظور در سراسر کشور حرکت دهد. طبق ماده یک عهدنامه بین دولت شوروی و انگلستان و ایران مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ دولت شوروی و انگلستان متعهد به محترم داشتن تمامیت ارضی و حق حاکمیت و استقلال سیاسی ایران شده‌اند و ماده چهارمین پیمان مشعراست بر اینکه حضور نیروهای متفقین در خاک ایران جنبه اشغال نظامی ندارد و از مداخله در اداره امور و نیز امور نیروهای تأمین ایران حذر خواهد شد. به علاوه در اعلامیه سه دولت بزرگ درباره ایران که در تهران در اول دسامبر ۱۹۴۳ صادر شده است اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و امریکا علاقه خود را در استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران ابراز داشته. لذا دولت متبوعه من احساس می‌کند که عمل مقامات نظامی شوروی در متوقف ساختن نیروهای ایرانی هنگامی که به سوی آذربایجان می‌رفته‌اند بر اثر سوء تفاهمی در محل بوده است. دولت متبوعه من اعتقاد دارد که دولت شوروی خود را قادر خواهد داشت که به فرماندهی خود در ایران دستور دهد آزادی عمل نیروهای ایران را سلب نکنند و مداخله‌ای در اعمال حق حاکمیت در استقرار نظم در خاک ایران ننمایند»

(رستاخیز. شماره ۰۴۹۴. پنجشنبه ۲۵ آذرماه ۲۵۳۵ ویژه‌نامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی

با کستر با توجه به جریان کنونی افکار در وزارت امور خارجه [امریکا] اظهار داشت که ممکن است این نظر اتخاذ گردد که «توسل هرچه بیشتر به متهم ساختن» مفید فایده نخواهد بود و تنها کاری که می‌توان انجام داد این است که استمرار اشغال شوروی را تا ماه مارس پذیرفت به این امید که دولت ایران بعداً قادر خواهد شد از طریق مذاکره‌ای مستقیم با عناصر مخالف وقایع آذربایجان قضیه را فیصله دهد. وزارت امور خارجه در باب چگونگی وسایل اعمال فشارهای دیپلماتیک به دولت شوروی موضوع را مطرح نموده دیروز طرحی به وزیر خارجه تسلیم کرده است که در آن تجدید تماس با شورویها بر مبنای استناد به گفته مولوتف طی نامه ۲۰ سپتامبر ۱۹۴۵ وی به بوین (Bevin) پیشنهاد شده است. زیرا مولوتف اظهار کرده است که در صورت لزوم امکان دارد طرحهای تخلیه نهائی مقارن با پایان دوره اشغال بین دولتن بریتانیا و شوروی مورد مذاکره قرار گیرد. با کستر اضافه کرد که حقیقتاً حداقل سه ماه به تاریخ تخلیه توافق شده باقی مانده است (همانطوری که حداقل بریتانیا آن را درک کرده و فرض می‌کند که شورویها نیز روی آن توافق نموده‌اند. اگرچه شوروی هنوز هم برای اظهار نظر قطعی درباره تاریخ صحیح تساهل می‌کند.) اما اگر در فراهم ساختن ترتیب تخلیه مشکل‌هایی ایجاد شود اعمال فشار دولت انگلیس در مورد پیشنهاد مذاکره‌های فوری شیوه‌ای ناروا خواهد بود.

با کستر اظهار داشت راههای دیگری در این مورد وجود دارد: احاله موضوع به سازمان ملل متحد و یا واگذاری آن بر عهده پنج قدرت بزرگ طبق مفاد ماده ۱۰۶ منشور ملل متحد....

با توجه به پیشنهاد ما مبنی بر انجام تخلیه تا تاریخ اول ژانویه با کستر اظهار داشت سابقه عمل شورویها در رد پیشنهاد بریتانیا در سپتامبر مبنی بر انجام تخلیه قوا تا اواسط دسامبر بسیار تعجب آور است. تا جایی که به دولت بریتانیا مربوط می‌شود وزارت امور خارجه آن کشور در صورتیکه شورویها هم پیشنهاد ما را بپذیرند آنها هم با این امر موافقت خواهند کرد در صورتیکه با مقامات نظامی بریتانیا مشورت نمایند ولی برای عملی شدن این پیشنهاد علاوه بر ایجاد زحمت باید خسارتهای مالی زیادی را تحمل کرد که به نوبه خود پذیرفتن مطلب از طرف خزانه‌داری را نیز لازم بنظر می‌آورد. با توجه به این عوامل بریتانیا از پاسخ شوروی مطلع بوده و به ارتش خود دستور داده است که

اجرای اقدامات بیشتر لزومی ندارد. پاسخ بریتانیا به پیشنهاد ما پیش‌نویس شده و صحه گذاشتن به آن قریب‌الوقوع است.

به شماره ۱۲۷۴۱ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۳۷ به تهران رونوشت گردید. وینانت.»

تلگرام: ۵۴۵ - ۱۲ / ۸۹۱ ۰۰

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۶ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۶۸ - امروز مطبوعات یادداشتهای متبادل بین سفارت شوروی و دولت ایران را منتشر می‌کنند. سفارت شوروی در یادداشت دوم دسامبر وصول دو یادداشت اخیر ایران را اعلام نمود. در این یادداشتها دولت ایران تقاضای خود را در باب دادن اجازه اقدام به نیروهای این کشور در آذربایجان تکرار کرده است و سفارت شوروی در این زمینه توجه دولت ایران را به متن یادداشت ۲۶ نوامبر احاله داده است. در ۴ دسامبر دولت ایران چنین پاسخ داده بود:»

«یادداشت شماره ۵۵۵۲ مورخ ۱۳۲۴/۱/۱ به سفارت شوروی

وزارت امور خارجه ایران با اظهار تعارفات خود به استحضار سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌رساند به طوری که در یادداشت مورخه ۲۶ آبان ماه شماره ۵۳۷۰ اطلاع داده شده است به مناسبت وقایع اخیر استانهای ۳ و ۴ و برای تقویت نیروی موجود در آذربایجان که به واسطه قلت عده و تفصیقات در نقل و انتقال آنها و سلب آزادی عمل قادر به استقرار امنیت در محل‌های مأموریت خود نیستند برحسب تصمیم دولت مقرر گردید دو گردان پیاده و یک گردان ژاندارم از مرکز به مقصد تبریز عازم شوند که در اختیار فرمانده لشکر آذربایجان قرار گیرند.

روز یکشنبه ۲۷ آبان ساعت ۵ بعدازظهر نیروی مزبور از تهران حرکت کرده و شنبه ۲۸ آبان چهار بعدازظهر از کرج عبور و ساعت ۹ عصر همان روز این نیرو به

۴- متن کامل یادداشت از روزنامه رستاخیز شماره ۴۹۴ پنجشنبه ۲۵ آذر ۲۵۳۵. صفحه

۱۴ اقتباس شد.

شریف آباد نزدیک قزوین رسیده است گروهان جلودار به حومه باغات شهر قزوین وارد و همان موقع عده‌ای از نظامیان شوروی با چند زره‌پوش و چند تانک جلوی عده اعزامی رسیده با تحکم، دستور توقف و حتی مراجعت به تهران را می‌دهد.

اخیراً گروهان هفت را که روز سه‌شنبه ۲۹ آبان در کرج متوقف نگاهداشته بودند پس از توضیحاتی که از طرف سفارت لشکر به فرمانده نیروی شوروی داده شده که این عده حامل چادر و ارزاق نیروی اعزامی می‌باشد به آنها اجازه داده شده است به نیروی متوقف در شریف آباد ملحق شوند ولی تاکنون حرکت نیروی اعزامی تهران از شریف آباد را مقامات نظامی شوروی مانع شده‌اند که به مقصد خود تبریز که مأموریت دارند برسند در صورتی که وقایع استانهای ۳ و ۴ ایجاب می‌نماید هرچه زودتر و قبل از اینکه اوضاع در استانهای نامبرده از حال حاضر وخیم‌تر شود این نیروی اعزامی به مقر مأموریت خود وارد شوند.

چنانکه فرمانده لشکر آذربایجان مخصوصاً خواسته است برای توانائی به استقرار امنیت قوای امدادی از تهران به فوریت برسند لهذا در تعقیب مذاکرات حضوری و تذکرات مکرری که به آقای کاردار سفارت کبرا داده شده خواهشمند است دستورات فوری و تلگرافی به مقامات نظامی شوروی صادر نمایند از حرکت نیروی اعزامی جلوگیری نکرده در این موقع ضروری و لازم، بگذارند نیروی اعزامی از مرکز به مقصد برسند و امنیت را در آذربایجان برقرار نمایند که اشکالات دولت مرتفع گردند.

بنا به مناسبات حسنه موجود و علاقهای که انتظار دارد مقامات دولت دوست و مجاور هم‌عهد امنیت کشور ایران داشته باشد خواستار است از نتیجه اقدامات وزارت امور خارجه را هرچه زودتر مستحضر دارند.»

سفارت شوروی در ۲ دسامبر ۱۹۴۵ مجدداً پاسخ زیر را داد:

«سفارت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران تعارفات خود را به وزارت امور خارجه تقدیم و در پاسخ یادداشت شماره ۵۵۵۳ مورخ ۲۳ نوامبر با کمال احترام اسناد می‌دارد که راجع به سوالات آن وزارتخانه پاسخ قطعی به شرح یادداشت نمره ۵۳۶ مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ این سفارت داده شده است. موری.»

گزارش سفیر کشورهای متحده آمریکا وخامت اوضاع را در آذربایجان برای بار دیگر تصریح می‌کند:

تلگرام: ۲۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۲ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۳۸ - کاپیتان گاگارین که دیروز با اتوموبیل از تبریز مراجعت کرد چنین گزارش می‌دهد. افراد «حزب دموکراتیک» کنترل کامل شهرها و راه‌های واقع در نقاطی که در چهل میلی جنوب شرقی تبریز واقع است را در دست دارند که شهر زنجان هم شامل آن می‌شود. بسیاری از دموکراتها را (که دارای نشان ارتشی مخصوصی هستند) شخصاً در قزوین مشاهده نموده و با بعضی از آنان صحبت کرده است آنها اظهار داشته بودند که شاید امروز شهر را به تصرف خویش درآورند...

گاگارین در تبریز و زنجان شاهد انجام انتخابات مجلس مقننه محلی بوده است که دخالت مقامات ایرانی در آن مشاهده نمی‌شد.

دموکراتها فعالانه سربازگیری می‌کنند. بسیاری از افرادی که گاگارین با آنان صحبت کرده بود که اعضای حزب هم شامل آنها می‌شد اظهار می‌کردند که بر اثر ترس به این حزب ملحق شده‌اند. شهردار میانه که آشکارا از جان خود بیمناک بود اظهار داشته است که از این الحاق متأسف است ولی راه چاره‌ای دیگر ندارد.

گاگارین هیچ گونه مداخله آشکار شوروی را استنباط نکرده است ولی به استناد مذاکره او با افراد شورویها اقدامات دموکراتها را تحسین و تشویق کرده دموکراتها هم روسها را دولت خود می‌پندارند. بسیاری از اعضای حزب روسی صحبت می‌کنند (برای اطلاع بیشتر از جزئیات سفر گاگارین به تلگرام شماره ۶۰۴۵۷ ام مورخ اول دسامبر وابسته نظامی که به سرویس اطلاعاتی نظامی فرستاده شده است بقیه تلگرام شماره ۸۵ (۱۰۳۸) تهران ۲۰ دسامبر ۱۹۴۵ مراجعه شود).

دیروز نیز ستون اعزامی ایران که در شرق قزوین متوقف شده است بر اثر امکان حمله دموکراتها به حال آماده‌باش بوده است.

به شماره ۱۰۳۸ به وزارت امور خارجه ارسال شد و به شماره ۳۰۵ به مسکو و

۱۰۷ به لندن رونوشت گردید. موری»

سفیر کشورهای ایالات متحده با ارسال گزارش زیر نگرانی خود را از تجزیه

ایران متذکر می‌شود:

تلگرام: ۶۴۵ - ۱۲ / ۲۴۵۹۱ - ۸۸۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۶ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۷۵ - بازگشت به تلگرام وزارت امور خارجه به شماره ۶۶۰ و به تاریخ ۲۹ نوامبر علاقمندم برای توجیه شخص خود دلائل تصمیم وزارت متبوع را بدانم که به جای اینکه انجام تخلیه را به عمل مشابه شوروی و بریتانیا در این مورد مشروط سازد تصمیم گرفته است تا اول ژانویه نیروهای امریکائی را از ایران تخلیه نماید. قائل شدن این تسهیل با توجه به ضررهای مالی حاصل از واگذاری مازاد تجهیزات و تأسیسات که برای ما بسیار گران تمام خواهد شد اخطاری است به ایرانیان که نخواسته‌اند تا عزیمت نیروهای سایر متفقین شاهد عزیمت نیروهای امریکائی باشند...»

روش بریتانیا در این موضوع با استناد به مطالب مندرج در مطبوعات و مقامات آن کشور بسیاری از ایرانیان را (و به همان قرار من را) از پیشرفت جریان تجزیه ایران به دو منطقه نفوذ، نگران و بیمناک کرده است «محافظت از منافع بریتانیا در ایران» مقدم‌تر از عمل کردن به تعهدات بریتانیا در ایران امکان دارد. تفسیر موافقتنامه ۱۹۰۷ در سال ۱۹۴۵، نه فقط با اجتماع در دور یک میز، بلکه به سادگی با تصمیم بریتانیا مبنی بر محکم ساختن منافع خود در جنوب ایران، صورت تحقق به خود می‌گیرد. ممکن است بریتانیا به این بهانه متوسل شود که حداکثر مساعی خود را برای حفظ ایران به کار برده است ولی عملی ساختن آن را غیرممکن می‌داند و بنابراین کشور باید هر عملی را که برای رهائی و حفظ منافع خویش لازم بداند انجام دهد.

به شماره ۱۰۷۵ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۱۱۷ به لندن رونوشت

گردید. موری.»

سفیر کشورهای متحده امریکا یادداشت مورخ ۲۹ سپتامبر مولوتف وزیر امور

خارجه اتحاد شوروی را به قرار زیر تفسیر کرده استنباط خود را متذکر می‌شود:

تلگرام: ۶۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزیر امور خارجه

تهران: ۶ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۸۲ - نکات زیر مجموعه برداشتها و استنباط های من از یادداشت ۲۹

سپتامبر مولوتف می‌باشد که طی آن یادداشت به یادداشت ۲۴ نوامبر امریکا پاسخ داده است:

۱- اظهاراتی که حوادث آذربایجان موجب شورش مسلحانه علیه دولت مرکزی ایران نیست گفته‌ای است باطل. گروههای مسلح، افراد پلیس و ژاندارمری و سربازان دولت ایران را خلع سلاح کرده کنترل تمام شهرها و وسایل ارتباطی را در دست گرفته‌اند و برای ورود مقامات دولتی برای تصدی مشاغل خود اجازه نمی‌هند. اعلامیه ۲۳ نوامبر «کنگره ملی آذربایجان» اعلام می‌دارد که در صورت عدم توجه به تقاضاهای آن به قوه قهریه علیه دولت مرکزی توسل خواهد شد.

۲- فرض شوروی در اینکه «مجمع ملی» مختار است که از طرف مردم آذربایجان صحبت کرده و اظهار عقیده نماید فرضی غیرقابل دفاع است. «کنگره ملی» اعلام می‌دارد که از پشتیبانی صد و پنجاه هزار نفر برخوردار است. این نکته بسیار شایان اهمیت است که در اینجا فقط یک دهم طرفداران موثر و طراز اول اطلاع دارند که وارد چه مرحله‌ای هستند. ولی اگر حتی ما هم رقم اعلام شده را بپذیریم ادعای حزب دموکرات در مورد داشتن نمایندگی اکثریت مردم چهار میلیون نفری این استان امری دور از حقیقت به نظر می‌آید. در کشوری مانند ایران تصوری بیپوده است اگر قبول کنیم حزبی که فقط سه ماه از موجودیت آن می‌گذرد سازمانی باشد که حقیقتاً از طرف چهار میلیون نفر انتخاب شده و موجودیت پیدا کرده باشد.

۳- جنبشی که آشکارا علیه حکومت مرکزی قانونی کشور دست به تحریک و جنگ می‌زند به سختی می‌تواند به قانون اساسی متکی باشد. گرچه حقیقت وجودی انجمن‌های ایالتی در قانون اساسی پیش‌بینی نشده است همین قانون نیز مخصوصاً پیش‌بینی می‌کند که اینگونه انجمن‌ها باید طبق قانون مخصوصی که به تصویب مجلس می‌رسد تشکیل گردد و انجمن‌ها مکلفند در چهارچوب قوه مقننه ملی عمل نمایند. قانون حاکم بر انتخابات و طرز عمل انجمن‌های ایالتی در اجلاس سال ۸ - ۱۹۰۷ مجلس از تصویب گذشت و در زمینه مقررات انتخاب اعضاء و وظائف و سایر امور انجمن‌ها جزئیات امور مشخص شده است. قانون مذکور بالصراحه اعلام می‌دارد که این انجمن‌ها به هیچ‌وجه اختیار قانونگذاری را نداشته و در هیچ حقی برای بحث در مسائل سیاسی را ندارد» این قانون شاه را برای انحلال انجمن‌ها با موافقت وزیر کشور مخیر

می‌سازد. علاوه بر این حقایق راجع به هر انتخابات قانونی فرمان شاه لازم است و انجام امر این انتخابات باید زیر نظر حکومت مرکزی صورت بگیرد. از بیان نکات مذکور نتیجه گرفته می‌شود که «کنگره ملی» به هیچ‌وجه طبق مفاد قانون اساسی یا قانون مصوب مجلس عمل نکرده است مفاد اعلامیه ۲۳ نوامبر به مراتب از مفاد قانون اساسی و قوانین متمم بعدی آن فراتر رفته است. در میان سایر نکات استعمال کلمه «ملی» به مراتب بیشتر از استعمال لغت «ایالتی» جلب نظر می‌کند و به همین ترتیب ادعای اینکه آذربایجان یک «ملت» است نیز قابل توجه می‌باشد.

۴- امکان دارد برای «دولتهای دموکراتیک» اعمال حق دولت خودمختار امری غیرعادی نباشد اما باید این نکته را در نظر گرفت که تمایل یک دولت برای جلوگیری از انتقال اجباری قسمتی از سرزمینش به خارج از قلمرو قدرت کشور امری غیرعادی نیست. «دولتهای دموکراتیک» مانند دولتی مثل کشورهای متحده آمریکا فرصت آن را داشتند که توسط نیروهای ارتشی، تجزیه‌طلبی را سرکوب نمایند.

۵- هرچند امکان آن هست که برای ایجاد آشوبهایی از طرف مالکان و مقامات دولتی تحریک‌هایی به عمل آمده باشد ولی مفاد تمام گزارشهای رسیده به ما حاکی است که در بسیاری از موارد «دموکراتها» متجاوز و در حمله مقدم بوده‌اند. در مواردی که تصادم غیرمسلحانه صورت می‌گیرد (که تعداد این نوع نسبتاً کم است) آنچه مهم است اینست که قدرت حکومت مرکزی نادیده انگاشته شده است.

۶- در یکی از موارد در یادداشتی دولت شوروی ادعا می‌کند نیروهایی که فعلاً در آذربایجان مستقر هستند قادرند که نظم را حفظ نمایند در حالیکه در جای دیگری از یادداشت گفته می‌شود ورود نیروهای اضافی و کمکی ایجاد دردسر گروه امنیت شوروی را به مخاطره می‌اندازد. من در فهم و استنباط این دو مطلب محطل مانده‌ام جز اینکه فرض کنیم که نیروهای اضافی سعی خواهند کرد برای اعاده مجدد قدرت حکومت وظایف خود را انجام دهند و به همین جهت با شورشیان تصادم پیدا خواهند کرد. در حالیکه واحدهای موجود کنونی به هیچ‌وجه قادر نیستند از مواضع خود بیرون آمده به اقدام یا عملی مبادرت ورزند. در هر صورت با توجه به اعلامیه شخص مولوتف مجموع نیروهای ایرانی به انضمام ستونی که در قزوین متوقف گردیده است از تعداد شش هزار و پانصد نفر تجاوز نمی‌کند در حالیکه نیروی شوروی در آذربایجان بسیار بیشتر از این تعداد

می‌باشد (طبق آمار دقیق ما نیروی شوروی مرکب از سه لشکر که تعداد هریک از لشکرها سی هزار نفر است) نیروهای مسلح در مقایسه با نیروهای شوروی از نظر اسلحه بسیار فقیرند و به صورت دسته‌هایی در اطراف استان پراکنده‌اند. حتی اگر بپذیریم که شورشیان نیز از طریق مقاومتی واقعی با نیروهای دولتی وارد جنگ شوند باز هم قابل درک نیست که تعداد خیلی از نیروهای ایرانی با چند هزار نفر غیرنظامی بی‌نظم و ترتیب، بتوانند نیروهای شوروی را مورد تهدید قرار دهند. (همچنین این مطلب قابل درک نیست که دولت ایران از نیروهای قلیل خود که درگیر هستند انتظار داشته باشد شورش را سرکوب کند که واقعاً نمایانگر جنبش همه مردم باشد). علاوه بر این باید برای شورویها مانند ما روشن و معلوم شده باشد که نه نیروهای ایرانی و نه «دموکراتها» کوچکترین فکری برای حمله به نیروهای شوروی را ندارند.

۷- اگر شورویها از صمیم قلب مایلند که از اعزام نیروهای بیشتری به داخل خاک ایران اجتناب ورزند در حال حاضر ساده‌ترین راه حل عقب کشیدن نیروهای خود از ایران است.

۸- رد اجازه نقل و انتقال آزاد نیروهای ایرانی از جانب شوروی تجاوز آشکار به حاکمیت ایران می‌باشد و بنابراین رعایت موضوع اصول اعلامیه تهران را مطرح می‌نماید. هرچند چنین تجاوزهایی در خلال جنگ و تحت مفاد پیمان سه‌جانبه توجیه‌پذیر بود (گرچه این توجیه نیز تردیدآمیز است) ولی در حال حاضر این تجاوزها نمی‌تواند با استناد به زمینه‌های اخلاقی یا نظامی موجه محسوب شود.

۹- پیمان سه‌جانبه به نیروهای متفقین تا پایان دوره پیمان اجازه اقامت در ایران را می‌دهد اما از آنها نمی‌خواهد تا پایان این دوره در این کشور بمانند. من نمی‌توانم درک کنم که شوروی با ادامه حضور نیروهای خود در ایران چه هدف مفیدی را تعقیب می‌کند.

۱۰- پیمان ۱۹۲۱ ایران و شوروی، به شوروی اجازه می‌دهد هنگامی نیروی نظامی وارد خاک ایران نماید که مداخله مسلحانه‌ای از طرف یک قدرت سوم در ایران به وقوع بپیوندد یا اینکه این خطر در بین باشد که ایران پایگاه عملیاتی علیه شوروی قرار گیرد. آیا شوروی توسط قدرتهای سومی که در ایران فعالیت نموده و به مخاطره‌اش انداخته وارد جنگ می‌شود؟

به وزارت امور خارجه پیشنهاد می‌کنم برای روشن کردن افکار عمومی در مورد مفاد بیانیه شوروی و اینکه اعزام نیروهای اضافی ایرانی امنیت نیروهای شوروی را دچار مخاطره می‌کند با احتیاط تمام و با توجه به نکات مذکور در بند ۶ این نامه اطلاعات مربوط به مقایسه تعداد و چگونگی وضع نیروهای ایران و شوروی را منتشر سازد. همچنین وزارت امور خارجه امکان دارد تعداد کل نیروها را به اطلاع عموم برساند به این ترتیب که مجموع نیروهای رزمی شوروی در استان شمالی ایران بطور تخمین بالغ بر هفتاد و پنج هزار نفر است که با تعداد در حدود پنجهزار نفر نیروی بریتانیا و تعداد کمتر از شش هزار نفر نیروی امریکائی در جنوب غربی ایران مقایسه شود. که از این طریق توجه عموم به این سوال جلب می‌شود که چرا شوروی هنوز در ایران به چنین نیروی عظیمی احتیاج دارد و چرا شوروی چنین نیروئی را تاکنون در ایران نگاهداشته است...»

به شماره ۱۰۸۲ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۳۱۸ به مسکو رونوشت گردید. موری.»

موری سفیر کشورهای متحده امریکا در گزارشهای روزانه خود راجع به اوضاع آذربایجان چنین ادامه می‌دهد:

تلگرام: ۷۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر در ایران (موری) به وزارت امور خارجه

تهران: ۷ دسامبر ۱۹۴۵

« ۱۰۹۰ - امروز متن اعلامیه تبریز مورخ ۳ دسامبر که توسط استاندار بیات به

چاپ رسیده ارسال می‌گردد. در این بیانیه چنین اعلام شده است...»

همچنین طبق گزارشهای واصله دو عضو حزب دموکرات یک نفر افسر پلیس را

به قتل رسانیدند و در همان روز گروههای دیگر اتومبیل حمل و نقل گروهان تبریز را به غارت بردند و در ضمن تیراندازی یکی از اعضای گروه فریاد می‌کشید باید کشت.

ضمناً گزارش می‌شود که در ۴ دسامبر شهر مرنند به اشغال یاغیان درآمده و

ارتباط آن شهر با تبریز قطع گردیده و فرمانده ژاندارمری نیز مجروح شده است و همچنین بیست و یک ژاندارم و دو افسر را که در سراب دستگیر شده بودند اعدام کرده‌اند.

به شماره ۱۰۹۰ به وزارت امور خارجه ارسال و به شماره ۳۲۰ به مسکو و به شماره ۱۱۸ به لندن رونوشت گردید. «موری»

تلگرام: ۱۲۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

سفیر در ایران (موری) به وزارت امور خارجه

تهران: ۱۲ دسامبر ۱۹۴۵ ساعت یک بعدازظهر

(واصل در تاریخ ۱۳ دسامبر ساعت ۷ صبح)

«۱۱۱۳ - بازگشت آقای یانگ (Yaung) وابسته سفارت امروز صبح پس از

پنج روز اقامت در تبریز به وسیله هواپیما تأیید می‌گردد. در طول مدت اقامت وی با تمام طبقات مردم: مأمورین دولت ایران، حزب دموکرات، کنسولگریهای خارجی، دستجات مذهبی و اتباع داخلی، گفتگو کرده است.

گزارش مقدماتی وی که مبنای آن مدارک مسلم و دست اول می‌باشد شامل

مطالب زیر است:

۱- تصور می‌رود امروز تبریز توسط دموکراتها اشغال شود (امروز صبح هنگامی

که آقای یانگ به فرودگاه می‌رفت خود دسته‌ای مسلح در حدود چهل نفر را دید که به طرف شهر پیش می‌روند.

۲- بیات استاندار و درخشانی فرمانده ایرانی پادگان تبریز نیز وقوع این موضوع

را تأیید کرده‌اند ولی آنها اظهار داشتند که قادر به دفاع از شهر نیستند ولی تمام کوشش خود را برای حفظ استانداری و سربازخانه‌ها به کار خواهند برد.

۳- «مجمع ملی آذربایجان» منتخب انتخابات جدید امروز در تبریز اولین جلسه

خود را تشکیل خواهد داد که در این جلسه اعضای ده نفری انتخاب خواهد شد. این مجمع به جز در مورد اعلان جنگ و مسائل سیاست خارجی خود را تابع حکومت مرکزی می‌داند.

۴- آقای بیات دو جلسه با سران حزب دموکرات به مذاکره پرداخته است و در

این مذاکرات پیشنهادهایی بر صلح و سازش داده است ولی دموکراتها آشکارا در مورد خودمختاری و استقلال سیاسی، بدون اینکه بخواهند در این مورد توضیح بدهند پافشاری کرده‌اند ولی آقای بیات در جواب گفته است که در انجام تقاضاهای آنان اختیاری ندارد.

۵- نیروهای شوروی بدون استثنا به هر کس که عضو حزب دموکرات است اسلحه می‌دهند و در انجام مقاصدشان کمک می‌کنند. این موضوع را خود دموکراتها نیز تأیید کرده‌اند و حتی مجالس سخنرانی و تظاهراتی که در تبریز انجام می‌شود به وسیله سربازان روسی محافظت می‌شوند.

۶- آقای یانگ شخصاً ناظر این واقعه بود که هر کس می‌خواهد از تبریز خارج شود به وسیله پادگانهای کنترل شوروی به شهر برگردانده می‌شود. همچنین طبق گزارش‌های ارتش ایرانی که از اردبیل واصل شده اطلاع داده می‌شود که نیروهای شوروی آن شهر را در محاصره گرفته از ورود ژاندارمها به شهر ممانعت می‌کنند و حتی فرمانده شوروی به فرمانده پادگان اردبیل دستور داده است که از هر گونه عملیات نظامی خودداری نماید.

۷- استاندار در تبریز گزارشی دریافت کرده است که اردبیل تحت کنترل دموکراتها قرار گرفته و فرماندار آنجا به تبریز آمده می‌گوید قادر به کنترل شهر نیست.

۸- مأمور ایرانی در تبریز می‌گوید حمله دموکراتها سریعتر از پیش‌بینی آنها بوده است.

.....

گزارش کامل به زودی فرستاده می‌شود.

به شماره ۱۱۱۳ به وزارت امور خارجه و رونوشت آن به شماره ۳۳۰ به مسکو و به شماره ۱۲۶ به لندن ارسال گردید. موری»

تلگرام: ۱۳۴۵ - ۱۲۰ / ۰۰ - ۸۹۱

سفیر در ایران (موری) به وزارت امور خارجه

تهران: ۱۳ دسامبر ۱۹۴۵ - ۵ بعدازظهر

(در ۱۳ دسامبر ساعت ۳/۲۹ بعدازظهر واصل شد)

«۱۱۲۳ - عطف به تلگرام شماره ۱۱۱۸ مورخ ۱۳ دسامبر...

آقای بیات استاندار امروز ظهر به تهران وارد شد و گزارش می‌دهد که نیروی مجهزی وارد تبریز شده، بانک ملی و ادارات مرکزی را اشغال کرده‌اند و به سرهنگ درخشانی اخطار کرده‌اند که پادگان تبریز را تسلیم نماید. مردم از خود سوال می‌کنند آیا ارتش ما قادر نیست از شهر دفاع کند؟ آشکار به نظر می‌رسد که استاندار با ناامیدی محل مأموریت خود را ترک گفته و از اینکه به چنین کاری مبادرت ورزیده بسیار متأسف است.

به شماره ۱۱۲۳ به وزارت امور خارجه و رونوشت آن به شماره ۳۳۵ به مسکو و به شماره ۱۳۰ به لندن ارسال گردید. موری.»

تلگرام: ۱۵۴۵ - ۱۲ / ۰۰ - ۸۹۱

سفیر در ایران (موری) به وزارت امور خارجه

تهران: (۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ ساعت یک بعدازظهر)

(۱۶ دسامبر ساعت ۱۶/۱۱ واصل شد)

« ۱۱۳۴ - به این وسیله به طور اختصار پایان یک ماه اوضاع پر آشوب نواحی

شمال را به استحضار می‌رساند:

۱- نیروهای مسلح «دموکرات» شدیداً راه‌ها و شهرهایی را که شامل تبریز و اردبیل است زیر نظر قرار داده‌اند. انتخابات به پایان رسید و مجلس تشکیل و هیئت دولت خود را تعیین کردند.

۲- دولت ایران نتوانست در برابر یاغیان اقدام کند و در فرو نشانیدن آشوب عاجز مانده است. فقط امیدوار است از راه مذاکره با روش سیاستمدارانهای با مقامات شوروی به گفتگو بنشینند. چهار گردان نیروی اعزامی در نزدیکی قزوین اردو زده متوقف شده است و انتظار دارد پس از اخذ نتیجه در مذاکرات به پیشروی خود ادامه دهد.

به نیروهای امنیتی ایران دستور داده شده که در مناطق آشوب زده در برابر نیروهای شوروی از خود مقاومتی به خرج ندهند. این دستور یا به واسطه تهدید شورویهاست و یا عدم توانائی ایستادگی در برابر آنها.

۳- تقاضای عمده شورشیان استقلال سیاسی و خودمختاری به جز اعلان جنگ و

روابط سیاست خارجی است در این موضوع شک و تردیدی نیست که دموکراتها در تعقیب نفوذ کمونیستها، زیرنظر و کنترل شوروی قرار گرفته و تابع دستورها و تبلیغات شورویها هستند.

۴- تا زمانی که پشتیبانی مردم شامل حال جنبش دموکراتیک است دولت نمی‌تواند قدرت و نفوذ خود را در مداخله مخالفین، اعمال نماید. مگر اینکه هرچه زودتر از این پشتیبانی که حتی شامل عشایر نیز می‌شود جلوگیری به عمل آورد.

۵- تردید نیست که نیروی شوروی در انتخاب این گونه افراد برای انجام مقاصد خویش دقت می‌کند مدارک زیادی راجع به مداخلات شورویها و مقابله با نیروی امنیتی ایران در مناطق آشوب‌زده در سفارتخانه موجود است.

۶- استاندار برای عقب کشیدن نیروهای شوروی و سایر بیگانگان که هنوز در ایران هستند به قدرت بیشتری احتیاج دارد و بعید به نظر می‌رسد که تا قبل از ۲ مارس بتوانند نیروهای مسلح شوروی را از خاک ایران خارج کنند.

۷- در میان ایرانیان این احساس قوت دارد که تنها کمک امریکائیه موثر خواهد بود. زیرا افکار عمومی بر این عقیده است که انگلیس‌ها توجیهی به اوضاع ندارند و حتی ممکن است راضی شوند که قرارداد ۱۹۰۷ نیز تجدید گردد.

مسئله دیگر این است که امریکائیه صراحتاً با وعده اینکه به این غائله خاتمه خواهند داد ایرانیان را دلخوش می‌کنند و این همان میل باطنی نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه (ایران است که در مذاکرات مسکو به این نتیجه مطلوب برسند. ولی تمام یادداشتهای آنها، که حتی به مطبوعات هم سرایت کرده است) و تماسهای مکرر با مقامات شوروی بی‌اثر مانده و آنها را مستأصل کرده است.

۸- در حقیقت مسئله بفرنج امنیت که شورشیان در برابر شکایت استاندار دلایلی دارند آنان مخالف اصول اداری آذربایجان هستند و می‌گویند که متمولین و مالکین عمده به وسیله این اصول حمایت می‌شوند...

۹- اگر راه‌حلی پیدا نشود امکان دارد هرچه زودتر جدا شدن شمالی‌ترین نواحی کشور و الحاق آن را به اتحاد جماهیر شوروی بپذیریم.

به شماره ۱۱۳۴ به وزارت امور خارجه و به شماره ۳۴۰ به مسکو و به شماره ۱۳۴ به لندن رونوشت گردید. موری»

در فصول گذشته از تشکیل فرقه دموکرات و طرز تشکیل مجلس به اصطلاح ملی و حکومت قلابی خودمختار آذربایجان به قلم نویسندگان ایرانی به تفصیل گفتگو شد. ولی چون در این فصل لازم دیده که بیان وقایع و حقایق را از زبان دو متفق دیگر یعنی کشورهای متحده امریکا و انگلیس مأموران رسمی که خود شاهد و ناظر وقایع بودند بشنویم جریان انتخابات و روی کار آمدن پیشه‌وری و هیئت دولت و تشکیلات او را با وجود اینکه در فصول پیش از منافع فارسی متذکر شدیم نیز به استناد همین اسناد باز متذکر می‌شویم:

شماره: ۲۵۰

کنسولگری امریکا

تبریز؛ ایران: ۱۹ فوریه ۱۹۴۶

سری

موضوع: سازمان و عضویت «حزب دموکراتیک» آذربایجان

عالیجناب وزیر امور خارجه

واشنگتن

عالیجناب:

افتخار دارم تجزیه حزب کمونیست توده در آذربایجان را در تاریخ سپتامبر ۱۹۴۵ گزارش دهم. حزب جدیدی با جذب تمام اعضای توده به عنوان «حزب دموکراتیک آذربایجان» به وجود آمده است. اولین هدف حزب جدید در اعلامیه خودمختاری منتشره در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۵ بیان شده که مفاد آن با محموله شماره ۲۴۰ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۵ کنسولگری ارسال شده است. اقدام بعدی طی مذاکرات کمیته مرکزی حزب در ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ اعلام گردید که در تلگرام شماره ۱۴ مورخ ۲ فوریه

۱۹۴۶ خلاصه آن به اطلاع رسید.

صدر یا رئیس حزب جعفر پیشه‌وری است که هم‌اکنون سمت نخست‌وزیری حکومت خودمختار را به عهده دارد. اداره حزب به عهده کمیته‌هاست. بالاترین قدرت حزبی «کمیته مرکزی» است که به طور اداری در تبریز تشکیل می‌شود. رئیس آن صادق پادگان یکی از افراد مورد اعتماد پیشه‌وری و آلت دست اوست. کمیته مرکزی به کمیته‌های فرعی عملیاتی از قبیل: امور دفاعی، تبلیغات، بازرسی و غیره تقسیم می‌شود. کمیته تبریز و کمیته‌های طرح‌ریزی منطقه‌ای زیر نظر کمیته مرکزی انجام وظیفه می‌کنند. کنترل منطقه‌ای و محلی، در حوزه مسئولیت این کمیته‌های فرعی بوده و بنا به مصوبات عمل می‌کنند. برای نمونه کمیته تبریز ۹ شعبه فرعی برای بخشهای مختلف شهر دارد. همچنین سازمان جوانان، سازمان زنان، صفوف مختلف مانند: خیاطان و کفاشان و غیره و اتحادیه کارگری زیرنظر مستقیم کمیته مرکزی اداره می‌شود.

پیشه‌وری رئیس حزب تنها فردی است که با مقامات محلی روسی ارتباط زیاد دارد و به وضوح به پشتیبانی و راهنمایی آنها متکی است. بنابراین در عمل قدرت و نظارت او بی‌چون و چراست و عملاً رهبر حزب بوده راه و روش و خط مشی و فعالیت‌های آن را تعیین می‌نماید.

هسته مرکزی جنبش و رهبران و سازمان‌دهندگان و اعضای آن تقریباً همگی قسمتی از زندگی خود را در اتحاد شوروی گذرانیده‌اند. به طور کلی این اشخاص فاقد تعلیم و تربیت و تجربه و حس مسئولیت بوده عموماً هم از طبقات پائین اجتماع بوده‌اند که با تعلیمات ابتدائی مارکسیستی که دیده‌اند فقط منافع شخصی و تحصیل ثروت (از راه نامشروع) و رسیدن به قدرت را در نظر دارند (رجوع شود به مکاتبه شماره ۲۴۹ مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۴۶ را که در آن اطلاعات شرح زندگی این افراد داده شده است). عده این هسته مرکزی حداکثر از دوهزار نفر که در تمام مناطق پراکنده هستند و تنها عناصر اصلی حزب را تشکیل می‌دهند، بیشتر نیست.

در اطراف این هسته مرکزی تعداد قابل ملاحظه‌ای از افراد جمع شده‌اند که هدف آنان یا منافع شخصی و یا از روی ترس است. چنانکه عده‌ای از بازرگانان و معلمان و معدودی افراد حرفه‌ای در میان آنها وجود دارند که از موقع و حیثیت اجتماعی برخوردار بوده‌اند و در حقیقت به علت ترس به حزب پیوسته‌اند. ولی بسیاری

دیگر برای بدست آوردن منافع و یا صرفاً برای اینکه در جرگه سیاست باشند، خود را به حزب منتسب کرده‌اند.

قسمت اعظم اعضای حزب را کشاورزان بی‌سواد و اوباشان شهر تشکیل داده‌اند که هدف آنان جز چپاول غارت و یا تصاحب قطعه زمینی چیزی نیست به این امید که اگر وضع هم تغییر یابد از وضع فعلی بدتر نخواهد شد.

دموکراتها مدعی هستند که تعداد اعضای حزب بالغ بر دویست هزار نفر است. به عقیده من این تعداد مبالغه‌آمیز است زیرا خود آنها اعلام کردند که در انتخابات ملی فقط یکصد هزار رأی از این استان به صندوق ریخته شده است با وجود این باید این نکته را پذیرفت که تنها هسته مرکزی است که عمیقاً جنبش را اداره می‌کند و مابقی سیاهی‌لشکر بوده‌اند و مابقی به هر طرف که باد می‌وزد در حرکتند.

با احترام

روبرت روسو (Robert Roßow. gr)

معاون کنسول امریکا

رونوشت به: تهران، مسکو، لندن، آنکارا.»

شماره: ۲۵۱

کنسولگری امریکا

تبریز، ایران: ۱۹ فوریه ۱۹۴۶

سری

موضوع انتخابات ملی، ناحیه‌ای و شهرداری در آذربایجان، تحت نظام

دموکراتیک

عالیجناب:

وزیر امور خارجه

واشنگتن

عالیجناب

«افتخار دارم گزارش دهم در زمانی که ماجراجوئی (طفیانگری) اخیر

آذربایجان به طور کل ضربت خود را وارد کرد و موفقیت شورش «دموکراتها» مسلم گردید و تمام مقاومت‌های مسلحانه در استان درهم شکست برای یک انتخابات «ملی» جهت انتخاب نمایندگان برای مجلس نوظهوری به نام «مجلس ملی آذربایجان» که مقر آن در تبریز است، دعوت به عمل آمد. دوره انجام انتخابات از ۲۷ نوامبر تا اول دسامبر ۱۹۴۵ تعیین شده است.

یکصد نفر نماینده باید انتخاب شود که بطور کلی بر اساس تعداد جمعیت برگزیده می‌شوند: برای مثال تبریز با دوازده نماینده خود نسبتی در حدود بیست هزار نفر به یک را دارد در صورتیکه رضائیه با پنج نماینده نسبتی در حدود هشت هزار به یک را دارد می‌باشد. انتخاب کننده در هر منطقه‌ای در سطح تمام منطقه رای می‌دهد: به این قرار هر انتخاب کننده به تمام دوازده نماینده تبریز رای می‌دهد و ابداً روش حفاظتی در منطقه وجود ندارد.

شرایط انتخاب شدن برای کاندیداها و انتخاب کنندگان یکسان است جز در مورد شرط سنی: نوزده سال برای انتخاب کنندگان و بین ۲۸ و ۷۵ سال برای انتخاب شوندگان. از شرایط دیگر آذربایجانی بودن است (این مورد به مسئله جغرافیائی بیشتر از شرط نژادی اشاره دارد). دشمن مردم آذربایجان نبوده کمی سواد داشته باشد. مجرمین و دیوانگان مستثنی شده‌اند. هیچ فردی به لحاظ جنس یا مذهب از رای دادن محروم نشده است و ضمناً لازم نیست که کاندیداها مقیم یا بومی حوزه انتخابی خود باشند.

کمیته انتخاباتی از طرف شورای ملی آذربایجان مأمور اجرای انتخابات شده است. در مرحله اول فهرست کاندیداها از طرف کمیته انتخاباتی منتشر گردید. در تبریز جمعاً چهل و نه نفر بودند که از این میان پنج یا شش نفر غیرحزبی در میان فهرست دیده می‌شد. با اینکه انتخابات قلابی بود ولی احدی جرأت ابراز مخالفت حتی به طور نجوا را هم نکرد.

در هر شهر چند حوزه مأمور رای گیری بود (در تبریز نه حوزه). رای‌دهنده در روی ورقه‌ای نام دوازده کاندیدا (یا تعداد کاندیداها در هر منطقه) را نوشته سپس امضا می‌کند. در این اوراق شماره شناسنامه و یا شماره اوراق هویت پلیس ذکر می‌شود. سپس با نشان دادن این ورقه به اعضای این حوزه رای خود را در صندوق می‌اندازد.

برای ارزیابی انتخابات تحت این شرایط باید تذکر دهم که تمام مقامات انتخاباتی از دموکراتها بوده آراء توسط آنان شمارش می‌شود. هیچگونه بازرسی در کار نیست و مبارزه انتخاباتی هم وجود ندارد. به علاوه تا زمانی که ملاک انتخاب کردن فقط شناسنامه است، جمع‌آوری شناسنامه با صرف مبلغ بسیار جزئی کار آسانی است و هیچ مانعی هم در کار نیست که یک نفر در چند حوزه رأی بدهد. کامیونهای مخصوص مانند کامیونهای ارتشی برای جمع‌آوری شناسنامه و اوباشان که برای یک یا دوتومان دست به هر کاری می‌زنند دائماً در نقاط مختلف شهر در گردش‌اند و رأی‌دهندگان را از یک حوزه به حوزه دیگر می‌برند. در هر حوزه مأمورانی از دموکراتها هستند که آرای بی‌سوادان را نوشته بدست آنان می‌دهند. این عمل توسط اشخاص قابل اعتماد صورت می‌گیرد.

اگر چنین انتخاباتی را در چنین شرایطی به اضافه تروریسم متداول را به عنوان نمایی مطلقاً مضحک قلمداد کنیم راه اغراق را نه‌پیموده‌ایم.

موضوع مسخره اینکه پیشه‌وری اعلام داشت که در تمام استان بالغ بر صد هزار نفر رأی داده‌اند. طبق اطلاع واصله خود او شخصاً بیست و سه هزار و پانصد و پنجاه رأی آورده است که اگر هر رأی‌دهنده یک رأی داده باشد امکان دارد این رقم در مجموع آراء اخذ شده در تبریز پذیرفتنی باشد.

در این انتخابات کاندیداهای غیرحزبی بیش از صد رأی نیاوردند. گفته می‌شود که شرکت این قبیل کاندیداها منحصراً برای موجه قلمداد کردن انتخابات بوده است و در غیر این صورت حتی یک رأی هم نمی‌آوردند.

انتخابات برای انجمن شهر تبریز از تاریخ ۱۵ تا ۲۰ ژانویه ۱۹۴۶ برگزار شد و انتخابات سایر نواحی و شهرهای خارج از تبریز از تاریخ ۹ تا ۱۴ فوریه انجام شد. تنها در حدود نصف تمام افراد شرکت کننده در انتخابات «ملی» رأی داده‌اند. انجام این انتخابات نمایانگر تغییر ناگهانی افکار عمومی در زمینه نظام دموکراتیک بود.

ارادتمند شما

رابرت روسو. جی. آر

معاون کنسول امریکا

نسخه‌هائی برای: سفارت آمریکا در تهران - سفارت آمریکا در مسکو - سفارت آمریکا در لندن - سفارت آمریکا در آنکارا.

شماره: ۲۵۲

کنسولگری آمریکا

تبریز - ایران. ۱۹ فوریه ۱۹۴۶

سری

موضوع سازمان «حکومت ملی آذربایجان»

عالیجناب:

وزیر امور خارجه

واشنگتن

عالیجناب

افتخار دارم متعاقب جریان انتخابات نمایندگان که در نامه شماره ۲۵۱ مورخ ۱۹ فوریه ۱۹۴۶ کنسولگری توضیح داده‌ام تشکیل «مجلس ملی آذربایجان» را گزارش دهم. این مجلس که در ۱۲ دسامبر ۱۹۴۵ در تبریز تشکیل گردید مبداء تاریخ موجودیت حکومت جدید از جانب استقلال خواهان اعلام گردیده بود. این سیستم پارلمانی یک مجلسی با صد نفر نماینده بر اساس تعداد جمعیت، با وضعی ناهنجار، قوه مقننه حکومت را تشکیل می‌دهد...

در همان روز جعفر پیشه‌وری، صدر حزب دموکراتیک و نماینده تبریز، با ابراز احساسات نمایندگان مجلس به عنوان «نخست‌وزیر حکومت ملی» انتخاب گردید. اعضای کابینه او در نامه شماره ۲۴۰ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۵ معرفی گردیدند و همگی به اتفاق آراء مورد قبول مجلس واقع شدند. علی شهبستی در همان روز به ریاست مجلس برگزیده شد.

اطلاعات مربوط به اعضای برجسته این حکومت، محتوای نامه شماره ۲۴۹ مورخ ۱۹ فوریه است که گزارش شد. بنابراین معلوم است که پیشه‌وری رهبر بلامنازع حزب دموکراتیک است و سایر اعضای «کابینه» مطیع او بوده و چون تجربه و توانائی شخص

پیشه‌وری را ندارند، چنانکه در این مورد بارها شکایت کرده است، ناچار تمام تصمیمها حتی جزئی‌ترین آنها بدون تصویب پیشه‌وری به مورد اجرا گذاشته نمی‌شود.

نخست‌وزیر از طریق وزیر داخله فرمانداران هیجده منطقه را به وسعت‌های مختلف منصوب می‌کند. هر فرمانداری نماینده ناحیه خویش در اداره ملی در تبریز است. در تمام امور، بخصوص در امور ملی، فرماندار ظاهراً زیر اطاعت انجمن ناحیه انجام وظیفه می‌کند. هر انجمن ناحیه از بیست و پنج نفر عضو که از طرف مردم انتخاب شده تشکیل می‌گردد. یازده نفر از آنان توسط خود انجمن به عنوان هیئت اجرایی یا هیئت رئیسه انتخاب می‌شوند. با در نظر گرفتن شرایط و وسعت هر ناحیه انجمن‌ها ممکن است انجمن شهر یا انجمن ده باشند. در تبریز فرماندار و انجمن ناحیه وجود ندارد و در عوض شهردار که توسط نخست‌وزیر منصوب می‌شود و با همکاری انجمن شهرداری که وظایف و روابط آن با وظایف فرمانداران ناحیه و انجمن‌ها مطابقت دارد، این وظیفه را به عهده دارد. انجمن شهرداری تبریز از شصت و پنج نفر عضو تشکیل می‌شود که هفده نفر آنها به عنوان هیئت اجرایی یا هیئت رئیسه انتخاب شده‌اند.

این انجمن‌ها انتخابی هستند اما اخیراً شنیده‌ام که هیچگونه اختیاری در عمل ندارند... در اواخر ژانویه کمیسیونی برای تهیه طرح قانون اساسی برای تصویب مجلس تشکیل شده است. از ماهیت تصمیمهای این کمیسیون تا کنون اطلاعی نرسیده ولی انتظار می‌رود همان خط مشی‌های فوق‌الذکر را درباره سازمان عملیاتی تعقیب نماید.

ارادتمند شما

رابرت روسو. جی. آر

معاون کنسول امریکا

رونوشت به: سفارت امریکا در تهران - سفارت امریکا در مکسو - سفارت

امریکا در لندن - سفارت امریکا در آنکارا

شماره: ۲۵۳

کنسولگری آمریکا

تبریز - ایران: ۲۰ فوریه ۱۹۴۵

موضوع: قدرت و تجهیزات «ارتش ملی آذربایجان»

عالیجناب

وزیر امور خارجه

واشنگتن

افتخار دارم پیرونامه شماره ۲۴۷ مورخ ۱۰ فوریه ۱۹۴۶ کنسولگری گزارش دهم که در هریک از نواحی سه گانه تبریز حدود ده نفر بین سنین بیست و بیست و نه در اولین مرحله احضار به خدمت وظیفه در «ارتش ملی آذربایجان» از میان نهصد و نود نفر مشمول، انتخاب و به خدمت سربازی احضار گردیده‌اند. بر مبنای این اصل تخمین زده می‌شود که تقریباً پنج هزار نفر، در هر نوبت، در تمام استان به خدمت گرفته می‌شوند. با احتساب به فرار و طفره رفتن احضار شده گان از طریق پنهان کردن خویش تعداد مشمولین انتظار می‌رود از بیست و پنج هزار نفر تجاوز نکند. این احضار اجباری به خدمت با عدم تمایل افراد و نداشتن آموزشی کافی و راهنمایی و فقر فرماندهی و نداشتن لباس متحدالشکل توأم بوده فرصت مناسبی برای ترک خدمت افراد در هر زمان که بخواهند، خواهد بود.

در مورد اسلحه و تجهیزات ارقام صحیح زیر توسط مطلقاً داده شده است: در حقیقت تمام اسلحه افراد، جز تفنگ، از ارتش و ژاندارمری ایران در خلال اغتشاش اخیر، جمع آوری شده است. پیشنهاد می‌شود که سفارت ما در تهران ارقام صحیح و توضیحات لازم را درباره نوع سلاحها از منابع تهران بدست آورد. طبق گزارش واصله دموکراتها سلاحهائی به قرار زیر به تصرف خویش در آورده‌اند:

چهار قبضه مسلسل سنگین (نوع آلمانی)، شش عرابه تانک که سه عدد آنها کوچک و شش عدد دیگر بزرگ است، (دو عرابه از تانکها در تبریز و بقیه در رضائیه مستقر هستند)، چهار عرابه توپ هفتاد میلیمتری کوهستانی (دو عرابه در تبریز و بقیه در رضائیه)، دویست قبضه مسلسل سبک (نوع آلمانی) و چهار هزار قبضه تفنگ برنو.

همان مطلع تخمین می‌زند که نیروهای دموکرات در خلال شورش و قبل از تصرف تجهیزات فوق‌الذکر تقریباً دارای پانزده هزار تفنگ برنو بودند. با اضافه کردن چهار هزار قبضه تصرف شده تعداد تفنگ‌های آنها به نوزده هزار قبضه بالغ می‌گردد. فدائیان (ارتش غیرمنظم دموکراتها) به ندرت با مسلسل‌های سبک روسی مسلح هستند.

این ارقام و تخمین‌ها شامل کردها، که اخیراً درصدد تشکیل ارتش داوطلبانه خود هستند، نمی‌شود. طبق گزارش واصله کردها به مراتب بیش از آذربایجانیها مسلح شده‌اند.

مشکل تعیین قلمرو نفوذ بین کردها و آذربایجانیها تا کنون حل نشده است. قدر مسلم این است که جریان امر مطابق دلخواه کردها می‌باشد و آذربایجانیهای مناطق اعلام شده در منطقه نفوذ کردها مجبور نیستند به خدمت نظام در منطقه آذربایجان داخل شوند. این موضوع شامل تمام منطقه مرزی محدود بین مهاباد و ماکو می‌باشد.

ارادتمند شما

رابرت روسو. جی. آر

معاون کنسول امریکا

نسخه‌هایی به: سفارت امریکا در تهران - سفارت امریکا در مسکو - سفارت

امریکا در لندن - سفارت امریکا در آنکارا

متفق دیگر یعنی دولت بریتانیا نیز ضمن گزارشهایی که سفیر و نمایندگان سیاسی آن دولت به وزارت امور خارجه متبوع خود داده‌اند حقایق وقایع آذربایجان را از بدو تأسیس فرقه دموکرات تا تشکیل حکومت قلابی خودمختار مشروحاً بیان کرده‌اند ولی چون اغلب مضامین گزارشهای سفیر و نمایندگان انگلیس در ایران با گزارشهای نمایندگان سیاسی کشورهای متحده امریکا مطابقت دارد، برای احتراز از اطاله کلام از ذکر تمام آنها خودداری کرده و فقط به ذکر چند فقره از آن مدارک مبادرت می‌ورزم:

دفتر وزارتی

از مسکو به واشنگتن

سر. ا. کلارک - کر (Sir A. Clark - Kerr) [سفیر انگلیس در مسکو]

شماره: ۷۶۵

۱۴ دسامبر ۱۹۴۵

رونوشت به وزارت امور خارجه به شماره ۵۳۶۳

رونوشت به تهران

بازگشت به تلگرام شماره ۶۵۵۰ وزارت امور خارجه خطاب به من

متن زیر ترجمه کامل متن پاسخ شوروی است

مسکو: ۳۰ نوامبر ۱۹۴۵

آقای سفیر عزیز

«پیرونامه ۲۵ نوامبر شما که به آقای وی. ان. مولوتف کمیسر امور خارجی

درباره ایران ارسال داشته بودید توجه شما را به مراتب زیر جلب می‌کنم:

طبق اطلاعاتی که در اختیار دولت شوروی است مجلس ملی که توسط مردم

آذربایجان و نواحی شمالی ایران انتخاب گردیده است اعلامیه خطاب به شاه، مجلس و

دولت ایران صادر کرده است که در آن تمایل مردم آذربایجان و ایران شمالی را مبنی بر

تضمین حقوق دموکراتیک برای خودمختاری در چهارچوب مرزهای دولت ایران تذکر

داده است. این مجلس که در روزهای ۲۰ و ۲۱ نوامبر در تبریز منعقد گردید از طرف

مردم محلی استقبال گردید. متصدیان امر هدفی جز صلح را ندارند و عمل آنان به

هیچ وجه آشوبی را در این نواحی به وجود نیاورده است و در حقیقت مفاد اعلامیه امری

است عادی برای تأسیس دولتی دموکراتیک. قوای محلی ژاندارمری با هدف ترور عناصر

دموکراتیک در ایران شمالی وسیله‌ای شده‌اند که در بعضی از نقاط آذربایجان یک سلسله

حوادث ناگوار را به وجود آورند. پس از وقوع این حوادث دولت ایران موضوع اعزام

واحدهای نظامی و ژاندارمری کمکی را به مناطق شمالی ایران پیش کشید. بر دولت

شوروی پوشیده نیست که در حال حاضر دو تیپ پیاده نظام، یک هنگ پیاده نظام و دو

هنگ ژاندارمری و واحدهای پلیس در این مناطق مستقر هستند و با این ترتیب دولت

ایران می‌تواند نظم و آرامش را در این نواحی تأمین نماید. در نقل و انتقال این واحدهای نظامی و ژاندارمری و پلیس در سراسر مناطق ایران شمالی هیچگاه از طرف فرماندهی نظامی شوروی، نه در گذشته و نه در حال حاضر، ممانعتی به عمل نیامده است. با توجه به موضوع اعزام نیروهای کمکی ایرانی به نقاط شمالی به عقیده دولت شوروی انجام چنین عملی امکان دارد وضع را وخیم کرده آشوب و اغتشاش را افزایش دهد و سبب کشتار و خونریزی شود و آنوقت دولت شوروی را وادار کند که نیروهائی به منظور برقراری نظم و تضمین سلامت پادگانهای شوروی وارد خاک ایران بنماید. با توجه به این حقیقت که دولت شوروی به هیچوجه مایل نیست با آوردن نیروهای اضافی اسباب زحمت فراهم کند بنابراین نظر اعزام نیروهای جدید ایرانی را به نواحی شمالی ایران با نظر منفی تلقی می‌نماید.

با توجه به مفاد نامه شما و اشاره به مفاد پیمان سه‌جانبه ۱۹۴۲ و اعلامیه سه دولت در مورد ایران خاطرنشان می‌نمایم که طبق مفاد این پیمان و اعلامیه دولت شوروی با کمال اطمینان می‌توانم اظهار کنم که دولت شوروی پیوسته سیاست احترام به یک‌پارچگی و استقلال ایران را مدنظر قرار داده است.

آقای سفیر لطفاً احترام عمیق را از من بپذیرید. وی. دکانوزف»

رمز

از تهران به وزارت امور خارجه
سر. آر. بولارد

شماره: ۱۴۳۷

۱۵ دسامبر ۱۹۴۵

رونوشت به مسکو، واشنگتن، حکومت هند، اداره خاورمیانه، بی.ا.آی.سی

فوری

«وابسته مطبوعاتی سفارت امریکا که مدت پنج روز از تبریز دیدن کرده و روز ۱۲ دسامبر به تهران بازگشته است اطلاعاتی برای ما و خبرگزاریهای خارجی داشت به این قرارها: پیشه‌وری که در رأس امور قرار گرفته است به وی اعتراف کرده که

دموکراتها از پشتیبانی روسها برخوردارند ولی اقداماتشان را دلیل به جدائی از ایران نمی‌دانند. وابسته مطبوعاتی اظهار می‌دارد که انتظار می‌رود مجلس جدید، کابینه جدیدی به زودی تشکیل شود که در آن تمام وزیران، به استثنای وزیر جنگ و وزیر امور خارجه، شرکت خواهند کرد. وابسته مطبوعاتی از مراجع غیردموکراتها اطلاع حاصل کرده است که ترور و وحشت در سراسر منطقه حکمفرماست. وی تأکید می‌کند که سرعت وقایع در این روزهای اخیر شاید به این علت است که در موقع تشکیل کنفرانس مسکو، کنفرانس را در مقابل امر انجام شده بگذارند.»

از وزارت امور خارجه به واشنگتن

شماره: ۱۱۷۱۱

۲۱ نوامبر ۱۹۴۵

رونوشت به تهران به شماره ۸۱۳

رونوشت به مسکو به شماره ۶۱۴۹

رونوشت به حکومت هندوستان

رونوشت به اداره خاورمیانه بریتانیا در قاهره به شماره ۵۵

رونوشت به بغداد به شماره ۸۹

فوری

« ۱- وضع وخیمی در ایران پیش آمده است. حزب دموکراتیک آذربایجان که برنامه خودمختاری داخلی آذربایجان را دارد، و شاخه‌ای از حزب توده آذربایجان با عنوان دیگری است پس از تقاضای انجام انتخابات برای انجمن ایالتی به ایستگاه راه آهن شهر میانه حمله کرده آنجا را تصرف نموده است. همچنین گزارش شده که شهر مراغه نیز سقوط کرده.

۲- دولت ایران در ۱۷ نوامبر راجع به تمایل خود مبنی بر اعزام دو گردان نظامی و یک گردان ژاندارم به آذربایجان، سفارت شوروی را آگاه کرده اجازه انجام امر را خواستار گردیده است.

۳- ظاهراً جوابی به این یادداشت داده نشده و سفیر دولت ما در تهران به وسیله

نخست‌وزیر ایران مطلع گردیده که نیروی اعزامی ایران به وسیله روسها در بین راه تهران و قزوین متوقف شده روسها اجازه پیشروی را به آنها نداده‌اند.

۴- به نظر می‌آید که این عمل کاملاً برخلاف مفاد پیمان سه گانه ایران و انگلیس و شوروی و به خصوص بند اول ماده چهار آن است و ضمناً مفاد اعلامیه دسامبر ۱۹۴۳ تهران نیز نادیده گرفته شده است. مضافاً به اینکه این حقیقت مسلم است که مطبوعات شوروی حزب دموکراتیک آذربایجان را تأیید و آن را برای جنبش خودمختاری تشجیع و تحریک می‌نمایند. فاصله بین خودمختاری داخلی و جدائی در این مسئله بسیار ناچیز است.

۵- اطمینان دارم که طرح این موضوع در جلسات مسائل خارجی مجلس نمایندگان که در تاریخ ۲۲ و ۲۳ نوامبر منعقد خواهد شد قابل ملاحظه باشد. اعلام این امر امکان دارد اثر خوبی در اقدام روسها بر جای گذارد.

۶- به نظر می‌آید که اعزام نمایندگان به شوروی ضروری باشد. لطفاً از آقای بیرنس (وزیر امور خارجه) انتقاد نمایند که اگر به استقلال و تمامیت ارضی ایران ذی‌علاقه هستند با توجه به این حقیقت که پرزیدان روزولت از امضاکنندگان اعلامیه مورخ دسامبر ۱۹۴۳ تهران می‌باشند باید در اعزام نمایندگان از طرف خود و به اتفاق ما موافقت نمایند.

۷- همچنین اگر چنانکه دولت امریکا صلاح می‌داند اعلامیه‌ای در این مورد منتشر سازد خود کمکی موثر به این امر است. و امکان دارد بعداً هم ما مفاد اعلامیه‌های خود به روسها را انتشار دهیم.»

از تهران به وزارت امور خارجه

هند، بغداد، بی.ا.آی.سی، مشهد، تبریز

سر. آر. بولارد

شماره: ۲۸ راهنمای بخشنامه‌ها

۲۳ نوامبر ۱۹۴۵

جنبش خودمختاری، مورد علاقه روسها در آذربایجان، صورت جدی به خود

گرفته است. اخبار صحیح در دست نیست ولی بنظر می آید میانه به اضافه یک یا دو شهر کوچک دیگر توسط حزب دموکراتیک تصرف شده باشد و پادگانهای ایرانی به علت قطع ارتباط از یکدیگر جدا مانده اند. دولت ایران دو گردان نظامی و یک گردان ژاندارم به منطقه اعزام داشت ولی روسها این نیرو را در چند میلی نزدیک قزوین متوقف ساخته اند و اجازه پیشروی آنها را رد کرده اند. در این ضمن مطبوعات و رادیوی شوروی اخبار رویترا را درباره این حوادث، در جهت منحرف کردن افکار و توجه مردم از جاوه و یونان و فلسطین جلوه گر ساخته اند.

۱- ارتباط تلگرافی با تبریز قطع شده و از تاریخ ۱۷ نوامبر هیچگونه خبری از سر کنسولگری انگلیس نرسیده است.

۲- بیات نخست وزیر سابق به عنوان استاندار آذربایجان منصوب شد ولی هنوز از تهران خارج نشده است.

۳- عده ای از ایرانیان از وقوع کودتائی ضد دولتی در تهران نگرانند. با وجود این در صورت عدم سستی دولت و جری تر شدن یاغیان به وسیله روسها، جنبش به زحمت می تواند به مقصود برسد و پیروز شود. ولی امکان دارد که تظاهراتی در جهت همدردی با «آزادیخواهی» عناصر آذربایجان به وجود آید.

۴- روسها برای نفت نه تنها در حوالی شاهی بلکه در اطراف تبریز ایجاد زحمت کرده اند.

۵- لایحه قانونی تأمین اعتبار برای ایجاد تشکیلات جدیدی در ارتش و تأمین تجهیزات جنگی و رفاه حال افسران از تصویب مجلس گذشته است.

۶- «وزیر امور خارجه هنوز از مسافرت مراجعت نکرده و نخست وزیر که عهده دار این شغل است مردی است سالخورده که با مواجهه با بحران کنونی ناتوان به نظر می آید.»

شماره بخش: ۲ E. ۹۴۲۲/۵۳۰/۳۴

شماره: ۱۲۳۲۴ از وزارت امور خارجه (انگلیس) به واشنگتن

۸ دسامبر ۱۹۴۵

رونوشت به مسکو به شماره ۴۶۲۸

تهران به شماره ۸۸۳ (مهم)

فوری / سری

امکانات. عملی پیشنهادی من در تلگرام شماره ۱۲۳۲۳ بر مبنای این فرض استوار است که دولت ایران تمایل شدید به حفظ استقلال و حق حاکمیت و تمامیت ارضی سرزمین خود دارد.

۱- به هر صورت ما باید با این امکان رویاروی شویم که قبل از عقب‌نشینی نهائی، شورویها ممکن است سعی نمایند دولتی را روی کار بیاورند که کاملاً مطیع آنها باشد که با این ترتیب یکی از این دو راه را اتخاذ خواهند کرد:

الف - کمک به حزب توده برای به وجود آوردن کودتائی ضد دولتی

ب - ادامه و گسترش جنگ اعصاب علیه رژیم فعلی و وادار ساختن شاه و پارلمان برای به روی کار آوردن دولتی که حافظ منافع آنان باشد.

۲- مورد موضوع بند الف چندان موجه به نظر نمی‌رسد زیرا تشکیل چنین دولتی در معرض خطر عدم شناسائی از جانب ما و کشورهای متحده قرار خواهد گرفت.

۳- مورد موضوع بند ب قابل پذیرش است و مقابله با آن دشوار خواهد بود. اگر دولتی قانوناً تشکیل شود و موافق روسها باشد. این امکان پیش خواهد آمد که در موضوع اقامت نیروهای شوزوی در ایران پس از پایان تاریخ پیمان درست هنگام عقب کشیدن نیروهای ما، دولت مربوط توافق داشته باشد. انجام این امر به معنای تسلط روسها به ایالات شمالی ایران و سپس به تمامی خاک ایران خواهد بود. به طور وضوح باید گفت چنانچه روسها به مدت نامحدودی در ایالات شمالی ایران باقی‌مانند دچار وضع مشکلی خواهیم شد.

۴- از هر گونه اطلاعی که درباره اظهار نظر وزارت امور خارجه به ما برسد ممنون خواهیم بود. لطفاً در این باره بسیار محرمانه با آنها مذاکره کنید و معلوم نمائید ما تا چه

حد باید این مخالفت را از طرف آنها تحمل نمائیم.»

بخش شماره ۲

از واشنگتن به وزارت امور خارجه (انگلیس)

لرد هالیفاکس (سفیر انگلیس در واشنگتن)

شماره: ۸۲۹۵

۱۲ دسامبر ۱۹۴۵

رونوشت به تهران

رونوشت به مسکو

فوری

بازگشت به تلگرامهای ۱۲۳۲۳ و ۱۲۳۲۴

در مذاکرات غیررسمی با آقای لوئی هندرسون رئیس و سایر مقامات بخش شرق نزدیک، همکاران من اتفاق نظر دارند که وزارت امور خارجه به قرار زیر اظهارنظر می‌کند:

«شورویها به ترغیب و تحریک توده برای انجام کودتائی ضد دولتی، که آنها را مسئول عواقب آشکار و خیمی خواهد کرد، تمایل ندارند. بنابراین اقدام به تهدید شاه و پارلمان برای وادار کردن آنها به قبول یک حکومت پوشالی و ضعیف بسیار مورد علاقه خواهد بود. در صورتیکه شورویها نتوانند به تشکیل چنین حکومتی اطمینان حاصل نمایند ممکن است شق دوم یعنی به وجود آوردن کودتائی ضد دولتی را انتخاب نمایند.

۱- چون هم‌اکنون در مذاکرات وزیران امور خارجه اشکالاتی به وجود آمده و نظریات چهارگانه مذکور در تلگرام شماره ۲۳۲۳ شما هم مورد بحث قرار نگرفته است هندرسون تصور می‌کند که علت این عدم موفقیت تماس مشترک شما با آقای مولوتف عاقلانه نبوده و عقیده دارد که بهتر است شما و بیرنس (وزیر امور خارجه آمریکا) هریک باید مستقلاً مسائل را مورد بحث قرار دهید.

۲- در حقیقت نظریات مقامات مورد مصاحبه درباره روش انگلیس و کشورهای ایالات متحده در هیچ مورد با یکدیگر مطابقت نداشت. مسئله این است که هر دو ملت

باید در اصل موضوع ایستادگی نمایند. نه تنها بریتانیا منافع مهمی در ایران دارد، که این موضوع نمی‌تواند مطرح نشود، بلکه منافع امنیتی کشورهای متحده، بر اثر حوادث و وقایع اخیر آذربایجان، نیز مستقیماً مورد تهدید قرار گرفته است مضافاً به اینکه دولت کشورهای متحده در حفظ نظم و صلح جهانی و موفقیت در سازمان ملل متحد کمتر از دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا دارای منافع حیاتی نیست به خصوص که بحران فعلی را آزمایشی قاطع برای سند وفاداری خود که دول معظم در سانفرانسیسکو در قبال دولتهای کوچک تعهد کرده‌اند، نوحیه می‌کنند.

۳- آنها آقای حسین علا را در مورد فعالیتهای تبلیغاتی تشویق نکردند، چنانکه وی نیازی هم به دلگرمی و پشتیبانی ندارد. این موضوع مورد تأیید من است زیرا هنگامی که تصادفاً او را در دهم سپتامبر در وزارت امور خارجه دیدم رونوشتی از بیانیه‌ای که عبارات و مفاد آن ساده و پرمعنا بود و پاسخ دولت شوروی به یادداشت مورخ ۲۴ نوامبر کشورهای ایالات متحده را نقض می‌کرد، به من تسلیم کرد.

۴-

۵- یک مقام وزارت امور خارجه پرسید اگر دولت ایران به شورویها امتیاز نفت را بدهد و این موضوع زمینه مجادله وسیعی را فراهم نماید، واکنش شما چه خواهد بود... اظهارنظر شما در این مورد به من این امکان را خواهد داد که وزارت امور خارجه (امریکا) را از جریان امر آگاه سازم.

۶- مراتبی که در فوق ذکر شد خلاصه‌ای از نظریات وزارت امور خارجه (امریکا) می‌باشد....

«.....»

در خلال این گزارشها نمایندگان سیاسی کشورهای متفق به تصور خود پیشنهادهای اصلاحی برای بهبود وضع ایران و جلوگیری از اقدامات سیاسی اتحاد جماهیر شوروی در این کشور به دولتهای متبوع خویش ارائه دادند که برای نمونه به ذکر فقراتی از آنها می‌پردازیم.^۸

شماره: ۱۳۱۰

۲۴ نوامبر ۱۹۴۵

رونوشت به مسکو، واشنگتن، حکومت هند، اداره خاورمیانه، بریتانیا، قاهره و بغداد

فوری

بازگشت به تلگرام قبلی و فوری من.

البته روسها تمام کارتهای برنده را در آذربایجان در دست دارند و از آنها حداکثر استفاده را کرده‌اند. اعلامیه حزب دموکرات حاکی از دموکراسی و توسل به قدرتهای دموکراتیک و منشور آتلانتیک عاقلانه و زیرکانه تهیه شده است. پیشنهاد می‌کنم که ما در قبال این اعلامیه روش زیر را اتخاذ نمایم:

۱- در این مورد توافق کنیم که بگوئیم حضور نیروهای خارجی را نقض برخلاف تعهدات فردی و جمعی پذیرفته شده از طرف بریتانیا و شوروی در پیمان ۱۹۴۲ دانسته و مبنائی است برای منظور نکردن خدمات متفق ما ایران در جنگ.

۲- تا زمانیکه نیروهای شوروی در آذربایجان حضور دارند و راهها در این استان بسته است انتخابات نمی‌تواند ملهم از اعتماد عمومی باشد.

۳- آذربایجان تنها استانی نیست که در آن انجمن ایالتی تشکیل نشده باشد. وجود انجمن‌های ایالتی که یکی از مظاهر حکومت دموکراسی در بسیاری از کشورهاست، در قانون اساسی ایران پیش‌بینی شده است ولی مراحل قانونی تشکیل آنها هنوز از تصویب نگذشته است.

۴- با ورود نیروهای نظامی بریتانیا و شوروی و کشورهای متحده امریکا به ایران با استفاده از وسایل ارتباطی و ایاد تورم پولی بر اثر هزینه‌های سنگین که اجباراً به آن تحمیل شد، هرج و مرج کنونی را سبب گردید بنابراین متفقین وظیفه دارند دولت ایران را برای استقرار نظم در داخله کشور یاری نمایند در انجام مراتب زیر مشترکاً و به اتفاق مساعدت نمایند.

الف - نظارت بر انتخابات مجلس که در صورت امکان هرچه زودتر، پس از خروج نیروهای خارجی، انجام بگیرد.

ب - تنظیم لایحه قانونی که در عرض سه‌ماه پس از خروج نیروهای خارجی

چگونگی مراحل انتخاباتی انجمن‌های ایالتی و مسائل مالی و سایر مسائل مربوط به آنها تعیین نماید.

۵- برای ترخیص خاطر اقلیت‌ها دولت ایران قانونی را تهیه نماید که اقلیت‌های ترک و عرب و کرد به ترتیب پیوسته از آزادی کامل برخوردار باشند که آنها بتوانند به زبان خود همراه با زبان فارسی مکالمه کرده بنویسند و تعلیم دهند و در مدارس ابتدائی منحصرأ به زبان خود و در مدارس متوسطه همراه با زبان فارسی تعلیم ببینند. ولی زبان فارسی باید زبان رسمی تمام کشور باشد.

۶- نظر منفی دادن به تقاضاهای آذربایجان بی‌فایده است. ما باید پیشنهادهای متقابل داشته یا آنچه که من پیشنهاد کرده‌ام به عنوان مبنا و اساس کار منظور نمایم. من فردا به نخست‌وزیر پیشنهاد خواهم کرد تا زمانیکه اعلامیه آذربایجان راه توسل به پنج قدرت دموکراتیک را در پیش دارد باید نظریه سه دولت امضاکننده اعلامیه تهران برای مقابله با آن نیز خواستار شود.

لطفاً تلگرامهای ۱۱۵ و ۳۸۳ من را به واشنگتن و حکومت هند ارسال دارید.
[رونوشت به شماره ۱۱۸۳ به واشنگتن و نسخه‌هایی به شعبه تلگرافی اداره هند برای مخابره به حکومت ارسال شد.]

از تهران به وزارت امور خارجه

سر آر. بولارد

شماره: ۱۳۲۷

۲۷ نوامبر ۱۹۴۵

رونوشت به مسکو

فوری

پیرو تلگرام شماره ۸۳۷ شما

نگرانم از اینکه دولت ایران بتواند به تنهایی در برابر این مشکل مقاومت کرده با آن مقابله نماید. ولی تردید ندارم که بحث درباره منطقه آذربایجان، به عنوان یک مسئله

بخصوص و مجزا، منحصرأ در اختیار شورویها می‌باشد. در کوشش برای عملی کردن یک برنامه افراطی، مانند مسئله آذربایجان، در سراسر کشور (بطوریکه شما در پایان تلگرام خود تذکر داده‌اید) جای تردید نیست. در برابر این امر پیشنهاد من این است که موضوع آذربایجان را به حد و ابعاد حقیقی خود محدود کنیم که مانند یک حکومت محلی و نه خودمختار جلوه بدهیم و از این راه شاید بتوانیم به نحو احسن در تمام مناطق روش حکومت محلی محدود را به تدریج به مرحله عمل در آوریم. ضمناً دولت ایران بلکه بتواند مخالفت‌های افکار عمومی را در مورد آذربایجان برای حصول استقلال و تمامیت ارضی خود بکار گرفته از آن استفاده نماید. دیگر اینکه تقاضای تشکیل انجمن‌های ایالتی بر اساس قانون اساسی امری است محقق و قابل قبول ولی برای رسیدن به این مقصود تا زمانی که طرز انتخابات و اختیارات و وظایف انجمن‌ها از طرف دولت به تصویب نرسیده انجام آن راهی است که به خطا پیموده می‌شود.

۱- تصور نمی‌کنم، کسانی که ایرانیان را از نزدیک می‌شناسند، موافق باشند طرحی را که پیشنهاد می‌کنم به تجزیه کشور گرایش داشته باشد. ایران به علت وجود تمرکز شدید که نتیجه آن رکود کامل امور استانهاست، در هر زمان نمی‌تواند تجزیه‌پذیر باشد.

به‌طور کلی باید گفت که گوش نهران تا زمانی که یکی از استانها دچار بی‌نظمی نشود به هیچ توصیه‌ای بدهکار نیست. آشوب در آذربایجان بدون تحریک شوروی‌ها و کمک آنان هرگز نمی‌توانست ابعاد کنونی را به خود بگیرد. اما این استان هم شکایاتی داشته که دیر یا زود و به نحوی موثر به شورشی علیه مقامات فاسد و ناواری که از تهران مأمور شده‌اند، منجر می‌گردد. تمام عوائد کشور در تهران به مصرف می‌رسد و آنچه باقی می‌ماند پس از پرداخت‌های مربوط به ارتش و ژاندارمری در وزارتخانه‌های خرج می‌شود که کار زیادی هم نمی‌کنند. تمام مسائل و امور مربوط به استانها اعم از بزرگ و کوچک به تهران احاله می‌شود و در بسیاری اوقات از طرف وزارتخانه‌های مربوط بی‌پاسخ می‌ماند. حتی شهرداران بخش‌های استانها نیز از تهران اعزام می‌شوند. تجربه شش ساله من در اینجا مرا متقاعد کرده است که در برابر آزمندی و کوتاه‌بینی بسیاری از ایرانیان، رجال و سرشناس‌های محلی با احساسات و افتخارات محلی خود میهن‌پرستی که دارند می‌توانند برای نمایندگی در انجمن‌های محلی مناسب باشند. اگر عوائد هر

استان به وسیله انجمن‌های ملی بتواند به مصرف آبادی و عمران آن استان مانند ایجاد جاده‌ها و مراکز بهداشتی و غیره برسد امکان این هست که ایران به طرف ترقی و تعالی سوق داده شود.

۲- ضمناً معتقدم که بهتر است موضوع زبان را در نظر گرفته افراد محلی را به مشاغل اداری هر محل، نه تنها در مورد آذربایجان، بلکه درباره تمام اقلیت‌ها به گمارند. صراحتاً متذکر می‌شوم با اینکه آذربایجان واحدی از ایران و جزء لاینفک آن است معذک تنها مرحله اقدام برای سیاست ضمیمه کردن روسها می‌باشد.

۳- در خلال سالهای گذشته، درباره تشکیل انجمن‌های ایالتی با وزیران کابینه و سایر مقامات ایرانی به تفصیل بحث کرده‌ام و جز در مواردی استثنائی، با عدم مخالفتی از جانب آنها مواجه نشدم. اعلیحضرت، تا جایی که من می‌دانم، تمایل بسیاری برای عملی شدن این موضوع دارند.

اجازه می‌خواهم که مراتب فوق را به عنوان نظرات پیشنهادی شخصی خود، به شاهنشاه و نخست‌وزیر ابراز دارم. وزارت امور خارجه لطفاً تلگرامهای شماره ۱۲۱ و ۳۸۸ من را به مقصد واشنگتن و حکومت ارسال دارند.»

دفتر وزارنی

از وزارت امور خارجه (انگلیس) به واشنگتن

شماره: ۱۲۳۲۳

۸ دسامبر ۱۹۴۵

رونوشت به مسکو به شماره ۶۴۲۷

رونوشت به تهران به شماره ۸۸۲ (مهم)

فوری

سری

«بازگشت به تلگرام شماره ۸۰۷۵ [۳ دسامبر: وضع ایران]

متن پاسخ شوروی به یادداشت امریکا توسط سفارت امریکا به ما ابلاغ گردید و

ضمناً خواستماند که وزارت امور خارجه (انگلیس) نظریات خود را ابراز دارد.

ممکن است شما به اطلاع آن سفارت برسانید که ما در مورد اثرات اقدامات شوروی در قبال ثبات داخلی ایران و همچنین درباره اثرات آن در تحکیم روابط حسنه بین انگلیس و کشورهای متحده نسبت به شوروی به شدت علاقمند باشیم. هرگونه سوءظن حاصل از عملیات و اقدامات شوروی در انگلیس و آمریکا اجباراً به روابط طرفین لطمه وارد خواهد ساخت.

۱- دولت شوروی از این فرصت سودی نمی برد که به مأموران خود در ایران دستور دهد که از مداخلات خویش در امور داخلی ایران صرف نظر کرده به ایالات متحده و هم به ما پاسخ دهند که از پشتیبانی در امور حزب استقلال آذربایجان خود را برکنار نگاهداشته اند. پیشنهاد امریکائیانها دائر بر تخلیه کامل ایران تا اول ژانویه ۱۹۴۶ از طرف شورویها درست به همان سرنوشت پیشنهاد ما مبنی بر تخلیه تدریجی ایران تا اواسط دسامبر که ما آن را در مذاکرات شورای وزیران امور خارجه مطرح نمودیم و از جانب وزیر امور خارجه شوروی رد شد: دچار خواهد شد و ما از این بابت متعجب نیستیم زیرا چنانکه مشاهده کردیم نمایندگان، دولت ما و ایالات متحده در مسکو با سعی و کوشش فراوان درصدد برآمدند که به دولت شوروی بقبولانند که ما با علاقه و عزم حزم به پیشرفت امور در ایران شمالی توجه خاص داریم و امید داشتیم که بفهمانیم امکان دارد عملیات و اقدامات دولت در شمال ایران انعکاس ناخوشایند و نامطلوب در روابط دولت شوروی با سایر قدرتها بر جای خواهد گذاشت.

۲- با توجه به مفاد یادداشت دولت شوروی مورخ ۲۰ سپتامبر به امضای آقای مولوتف اگر لازم باشد می توان طرح عقب کشیدن نهائی نیروهای بریتانیا و شوروی مستقر در ایران را بین دولتین، با در نظر گرفتن پایان دوره مقرر در پیمان، را مورد بحث قرار داد. این موضوع به سفارت امریکا نیز اطلاع داده شده است. گرچه ممکن است این پیشنهاد نیز رد شود ولی حداقل تحمیل فشار بر دولت شوروی را محفوظ خواهد داشت.

۳- حقیقت این است که ما در مورد وادار کردن روسها به ترک ایران، پیش از تاریخ مقرر در پیمان خوش بین نیستیم و تا هنگامی که نیروهای شوروی در شمال ایران مستقر هستند ترس آن را داریم که مانند گذشته، به مداخله در امور ایران ادامه دهد. در این صورت ایرانیان تا پس از عقب نشینی روسها برای مقابله با وضع در آذربایجان

آزادی عمل نخواهند داشت.

۴- برای جلوگیری از این پیش آمدها چهار امکان وجود دارد:

۱- مراجعه به سازمان ملل متحد یا به پنج قدرت بزرگ طبق مفاد ماده ۱۰۶ منشور سازمان ملل متحد.

۲- تبلیغات

۳- تماس مستقیم و مشترک سفیران بریتانیا و امریکا در مسکو با آقای مولوتف.

۴- امکان اعزام نمایندگان از طرف سفارتخانه‌های امریکا و بریتانیا و شوروی به

آذربایجان که بتوانند درباره شکایات مردم تحقیق کرده نظرات پیشنهادی خود را مبنی بر درمان آنها به دولت ایران بدهند.

۵- در اینکه اگر طی دوره بحرانی از هم اکنون و اول ماه مارس از طرف پنج قدرت یا سازمان ملل متحده کمک موثری به عمل آید، در تأثیر آن تردید دارم. شاید اقدام به چنین عملی در صورتیکه نیروهای شوروی تا دوم مارس عقب‌نشینی نکنند موثر واقع شود، مگر اینکه پاسخ شوروی حاوی اطمینان بیشتری مبنی بر قصد خود در عقب‌نشینی تا تاریخ مقرر در پیمان، باشد.

۶- تبلیغات شاید موثرترین سلاح باشد و ما تا جایی که در قدرت داریم در این خصوص اقدام خواهیم کرد. ممکن است وزارت امور خارجه ترغیب کند که آقای علاء ترتیبی دهند که جمعی از روزنامه‌نگاران مبرز امریکائی به ایران آمده درباره وضع آذربایجان مطالعه کرده مقالاتی بنویسند. این عمل مطمئناً اثرات به سزائی خواهد داشت.

۷- اگر تماس مشترک در مسکو مورد قبول و تمایل واقع شد در این صورت می‌توانیم استدلال نمائیم که طبق گزارشهای رسیده به دولت ما و دولت کشورهای متحده، نیروهای شوروی از کوششهای دولت ایران برای اعاده نظم در شمال ممانعت می‌کنند که در این صورت عمل آنها وسیله خواهد شد که اثرات سوء در روابط حسنه بین سه کشور ما باقی بگذارد و ضمناً می‌توانیم اظهار کنیم که دولت شوروی به وضوح از اعزام نیروهای کمکی ایران به مناطق شمالی جلوگیری کرده است. خوشحال خواهیم شد که بدانیم وزارت امور خارجه درباره فکر تماس مشترک چه نظری دارد و چه راهی برای انجام این امر امکان‌پذیر است.

۹- پیشنهاد اعزام هیئتی به آذربایجان برای تحقیق و تنظیم توصیه‌ها باید بنا به

درخواست صریح از طرف دولت ایران متکی باشد. تنها مانع موجود در عملی شدن این موضوع اینست که شورویها مطمئناً و بطور مسلم با مشارکت انگلیس و آمریکا برای هرگونه تحقیقی در امور و وضع موجود در آذربایجان، مخالفت خواهند کرد.»

اوضاع آذربایجان از زمان قیام علیه دولت مرکزی تا زمان تشکیل دولت قلابی خودمختار دموکراتهای آشوب طلب با ذکر اسناد دقیق و مستدل دو دولت متفق دیگر یعنی دولت بریتانیا و کشورهای ایالات متحده آمریکا که از نزدیک شاهد و ناظر وقایع بودند مشخص و آشکار گردید و ضمناً ثابت شد که تا چه اندازه وطن فروشان و خائنان به کشور با پشتیبانی بیگانگان و برای رسیدن به جاه و مال و منال حاضر شدند قسمتی از خاک نیاکان خود را از سرزمین مادری جدا کرده با این عمل شنیع آن را به دست بیگانگان بسپارند و با وقاحت تمام علناً و آشکارا آنچه که در اندیشه پلید خود دارند بر زبان آورند. به این سند توجه فرمائید:

تلگرام شماره ۲۹۴۵ / ۱۲ ۰۰ - ۸۹۱

از سرکنسول آمریکا در تبریز به وزارت امور خارجه

این تلگرام در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۵ ساعت ۲ بعدازظهر از تبریز مخابره گردید.

در مصاحبه امروز صبح با پیشه‌وری نخست‌وزیر استان آذربایجان، ایشان اظهار داشت که تمایل او بر این است که آذربایجان از ملت ایران جدا نباشد. ضمناً تذکر داد که به هیچ وجه اعتمادی به دولت مرکزی ایران ندارد و کوشش می‌کند برای جلوگیری از حمله ارتش ایران به تقویت قوای نظامی خود بپردازد. او می‌گوید با خودداری از تعیین وزیر امور خارجه علاقه خود را به ماندن آذربایجان جزء خاک ایران ثابت کرده است ولی در ضمن ترجیح می‌دهد که ضمانت‌نامه قطعی از حق خودمختاری آذربایجان در دست داشته باشد که دولت مرکزی نتواند مانند گذشته اعمال خود را تکرار نماید. او گفت که این ضمانت‌نامه از طرف شاه برای اصلاحات عمومی آینده کافی نخواهد بود زیرا شاه جوان و بی‌تجربه است و ممکن است هر شب افکارش را با شب بعد عوض کند و همچنین ضمانت‌نامه‌ای که توسط مجلس فعلی که بیشتر نمایندگان آن مالکین زمین و عمال شاه هستند نیز مورد اعتماد نیست. او گفت هر قرارداد قانونی که حقوق محلی را در سراسر ایران ضمانت کند با کمال میل پذیرفته و در عقد آن قرارداد

شرکت خواهد کرد.

از او پرسیدم، خواهان چه ضمانتی است در جواب گفت دو راه را برای مذاکرات باز نگاه داشته‌ام و این مطلب را چندین بار تکرار کرد. گفت تهران مأموری فرستاده است (احتمالاً ژنرال مقدم) که فاقد هرگونه اختیار قدرتی است و به او گفته‌ام که در اینجا نماند و برود و این در اختیار دولت مرکزی است که شخصی را نزد او بفرستد که دارای قدرت و اختیارات واقعی باشد. ضمناً اضافه کرد که تهران به جای اینکه در صدد چاره‌اندیشی و رسیدن به توافق باشد خواسته‌های آذربایجان را نادیده می‌انگارد. شایعه‌های دروغ درباره آذربایجان منتشر می‌کنند و می‌گویند که جنبش دموکرات‌ها از جانب مردم حمایت و پشتیبانی نمی‌شود به هر حال مجدداً تکرار کرد که صمیمانه حاضر است مذاکره کرده و قراردادی منعقد نماید. سپس قول شرافتمندانه داد که قبل از اخذ هرگونه تصمیم قاطعی با من [معاون کنسول امریکا] مشورت نماید. با این ترتیب تصور می‌کرد که من را تحت تأثیر صمیمیت و نیت خیر خود قرار دهد... رسو (Rossow)

سفارت حسین علاء در ایالات متحده امریکا

در این گیر و دار روح هر ایرانی وطن‌پرستی از بروز چنین وقایع و حوادث ننگین و شرم‌آوری متأثر و آزرده‌خاطر بود. دولت و ملت ایران چه در داخل و چه در خارج از کشور با قلبی آکنده از تأثر و تألم و چشمانی اشکبار به این وقایع نگریسته به وسایل مختلف در صدد چاره‌جویی بودند شاه نیز در این میان خود را از تکاپوی نیانداخته و به هر طریق صدای ملت رنج‌دیده ایران را به گوش جهانیان می‌رسانید. به این اسناد توجه کنید:

در همین گیر و دار بود که حسین علاء وزیر دربار که از مردان فهمیده و سیاستمدار آن زمان ایران بود به سمت سفیر ایران در ایالات متحده امریکا منصوب می‌شود، علاء در مدت مأموریت خود توانست در آن موقع حساس مدبرانه و عاقلانه نظر سازمان ملل متحد و مخصوصاً ایالات متحده امریکا و ترومن رئیس‌جمهوری آن کشور را به سود و منافع ایران جلب نماید. علاء از همان قدم اول و بعدها، چنانکه خواهیم دید، روش سیاسی و نحوه رفتار خود را در مدت مأموریت خود ثابت کرد، به این سند التفات

شود:۹

حسین علاء سفیر ایران در موقع تسلیم اعتبارنامه خود به ترومن ریاست جمهوری متحده امریکا در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۵ موقع را غنیمت شمرده تقاضاهائی به این شرح کرد:

... آقای پرزیدنت من از شما خواهش می‌کنم که برای احقاق حق ایران قیام نمائید و نگذارید استقلال و حق حاکمیت آن، که فعلاً، در مخاطره افتاده است پایمال اجانب شود. فقط کشور شما می‌تواند ما را از این ورطه هولناک رهائی بخشد زیرا همیشه شما مدافع افکار و اصول اخلاقی بوده و قدرت هم در دست و اختیار شماست من می‌دانم که شما از زیر بار مسئولیتی که در حفظ صلح و امنیت در سراسر جهان دارید شانه خالی نخواهید کرد.

تنها راه حل این مسئله این است که شما توصیه و حتی فشار آورید که دولترین انگلیس، اتحاد جماهیر شوروی قوای خود را در این زمان که جنگ به پایان رسیده است، طبق پیمان خود در کنفرانسهای متعدد، از جمله کنفرانس تهران، از خاک ایران بیرون ببرند تا ایران به آزادی خود رسیده سرزمینش را از قوای بیگانه و جیره‌خواران آنها پاک نماید.

راه حل دیگر این است که به نماینده ایران کمک نمائید که شورای امنیت را وادار نماید که از دو دولت انگلیس و شوروی بخواهد که در تخلیه ایران از قوای خود اقدام مجدانه و فوری بنمایند و آن را در راه حفظ استقلال و حق حاکمیت خود آزاد بگذارد...

سفیر ایران در خاتمه بیانات خود نامه‌ای را که محمدرضا شاه به ترومن نوشته بود، که مفاد آن به قرار ذیل است، تقدیم وی نمود:

شاهنشاه ایران (محمدرضا پهلوی) به پرزیدان ترومن

کاخ سعدآباد

۱۰ سپتامبر ۱۹۴۵

آقای رئیس جمهور عزیز

«در هنگام انتصاب اولین سفیر کبیر در کشور شما از این فرصت مناسب استفاده کرده گرمترین تهیات صمیمانه خود را به آن حضرت ابلاغ کرده احساسات احترام آمیز ملت ایران را ابراز می‌دارد.

انتخاب حسین علاء وزیر دربارمان به مقام عالی سفارت ایران در واشنگتن دلیل کافی خواهد بود از تمایل وافر من برای حسن تفاهم مبتنی بر اعتماد متقابل و همکاری با امریکا.

متجاوز از شصت سال از زمانی که روابط ممتد و منظم سیاسی میان کشور من و شما برقرار گشته، می‌گذرد. در حدود چهل سال قبل ابتدا ایران از کشورهای متحده تقاضای کارشناس و متخصص مور مالی نمود... از آن زمان تاکنون حسن تفاهم و روابط دوستانه‌ای که بین دو کشور وجود دارد روز به روز توسعه می‌یابد. ما در هر موقع نسبت به نماینده سیاسی شما در این کشور به عنوان مظهر و نشانه عدالت و خیرخواهی نگریسته‌ایم.

در صدر وقایع روابط ما دیدار تاریخی پرزیدان روزولت فقید قرار دارد که با اقامتشان در تاریخ ۱۹۴۳ پایتخت این کشور را قرین مباحثات کردند. سازمان ملل متحد نسبت به شخصیت برجسته و ژرف‌بین و دوراندیش ایشان مدیون است. درگذشت معظم له برای ما در این کشور ضربه روحی بزرگی و برای دنیا فقدان عظیمی بود. ناپیوسته خاطره ایامی را که در میان ما به خاطر کمک رساندن و یاری کردن به متفقین برای حصول پیروزی در اروپا، گذرانیدند فراموش نخواهیم کرد.

ما همچنین با احترام و امتنان سندی را که فداکاریها و جانبازیها و کمک‌های ایران در جنگ در آن متذکر شده، جنگی که با عنایات پروردگار به پیروزی کامل رسید و کسانی که به خاطر عدالت و آزادی ایستادگی کردند و نیز سیاست کشورهای متحده حفظ استقلال و تمامیت ایران را تضمین کرده و به امضای ایشان رسیده است،

پیوسته در خاطر خواهیم داشت.

بطوریکه آن حضرت استحضار دارند. در طول جنگ ایران با عقیده راسخ هرآنچه را که در امکان داشت به متفقین خود کمک کرد. دولت ایران برای به ثمر رساندن آرمان پیروزی علیه ظلم و بیدادگری تمام ناملایمات و سختیها را تحمل کرد. اکنون که فتح و پیروزی نصیب متفقین خود شده است ملت ایران انتظار دارد که فرصتی به آن داده شود که در داخل مرزهای خود بدون هیچگونه مزاحمتی بتواند به زندگی خود، زندگی که اساس آن بر پایه صلح و صفا باشد، ادامه دهد.

به خاطر نیل به این هدف، آقای پرزیدان، ایران انتظار دارد که رنجها و فداکاریها و ناملایماتش بیهوده به هدر نرود. مساعدتها و کمکهایی که برای نیل به هدف و انجام برنامه‌هایش بدان نیازمند است از جانب متفقین بزرگش، به ویژه کشورهای متحده آمریکا، به زودی دریافت دارد.

آقای پرزیدان اجازه دهید به شما اطمینان دهم که احساسات دوستی و مودت نسبت به شما و ملت آمریکا در ژرفای قلب شخص من و ملت ایران جای دارد. من مخصوصاً مایلیم که این حقیقت را تأکید نمایم که روشن‌بینی و سیاست خردمندانه آن حضرت که با شایستگی و قابلیت و موفقیت در این زمان کوتاه اداره امور کشورهای متحده به عهده داشته‌اید سرچشمه و منبع اطمینان و اعتمادی باشد که برای صلح آینده در دنیا موثر واقع خواهد شد.

آقای رئیس‌جمهور، فرصت را مغتنم شمرده بهترین آرزوهای قلبی خود را برای سلامت و سعادت شخص شما و رفاه و آسایش هرچه بیشتر برای ملت آزادیخواه کشورهای متحده، ابلاغ نمایم. با احترامات فائقه محمدرضا پهلوی.»

به بیانات حسین علاء سفیر ایران در واشنگتن در روزنامه دیلی نیوز توجه کنید: ۱۰

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه: روزنامه دلیلی نیوز بولتن

تاریخ ترجمه: ۲۴/۹/۱

تاریخ اصل: ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵

مترجم: مهندس صفوی

بیانات آقای حسین علاء راجع به آذربایجان

«دولت ایران موضوع اختلاف نظری را که با اتحاد جماهیر شوروی بر سر بی‌نظمی‌های شمال پیدا نموده به موقع به اطلاع دولتمندان امریکا و انگلستان رسانید. نظر به اینکه قوای شوروی از عزیمت نیروی ایران به شمال برای استقرار نظم آذربایجان جلوگیری به عمل آورده است آقای حسین علاء سفیر کبیر دولت ایران در واشنگتن به خبرنگاران مطبوعات اظهار داشت: رجاء واثق داریم که متفقین ما اقدامات موثر به عمل خواهند آورد. ما امیدواریم مسکو درک نماید که این وضعیت بایستی خاتمه یابد و از امریکا نیز توقع داریم که از اعمال نفوذ خود نسبت به این موضوع در مسکو خودداری ننماید زیرا ایران سنگ محک برای کلیه اصولی است که عالم برای حفظ آن دست به جنگ برد. آیا معاهدات ملل متفق پاره کاغذی می‌باشد؟ سپس سفیر کبیر ایران مفاد یادداشت دولت ایران را به روسیه که در تاریخ ۱۷ نوامبر صادر گردیده بود خاطرنشان نمود. در این یادداشت تذکر داده شده است که اگر دولت ایران به علت عدم آزادی حرکت قوای تأمینیه خود موفق به جلوگیری از حوادث شوم نگردد دولت خود را محق می‌داند که مسئولیت عدم توفیق را متوجه شورویها نماید.

وزارت امور خارجه ایران به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی در تهران اطلاع داده که دولت ایران تصمیم گرفته است که فعلاً دو گردان پیاده‌نظام و یک گردان موتوریزه و یک گردان ژاندارم با تسلیحات از تهران به میانه و تبریز از طریق قزوین و زنجان اعزام نماید. بنابراین تقاضا می‌شود تصمیم دولت ایران را به اسرع اوقات ممکنه به مقامات صلاحیت‌دار شوروی اطلاع دهند و طی یادداشت از دولت اتحاد جماهیر شوروی درخواست نمود که استقلال و حاکمیت ایران را محترم شمرده و به نیروهای خود دستور دهند که از مداخله نسبت به آزادی عمل ارتش ایران و مأمورین انتظامات امتناع ورزند و قبل از اینکه سفیر کبیر اطلاع حاصل نماید که نیروی ایران از طرف روسها متوقف

گردیده‌اند اشعار داشت که وزارت امور خارجه آمریکا بطوریکه اظهار داشته است موضوع را دقیقاً مورد مطالعه قرار خواهد داد. حقیقت امر وقتی معلوم خواهد شد که اطمینان حاصل شود که شورویها نسبت به عملیات قوای ایران مداخله نموده و از عبور آنها جلوگیری کرده‌اند و فقط وقتی اقدام خواهد شد که محقق شود در این باب اتفاقی رخ داده است. آقای تقی‌زاده سفیر کبیر ایران مقیم لندن، مستر بوین وزیر امور خارجه انگلستان را ملاقات نموده و شکایت کرده است که شورویها دائماً از عملیات نیروی ایران ممانعت نموده و از اجرای وظایف آنها جلوگیری به عمل آورده‌اند.»
سند دیگر^{۱۱}

تلگرام ۲۷۴۵ - ۱۱ / ۰۰ - ۸۹۱

از سفیر ایران (علاء) به وزیر امور خارجه (امریکا)

شماره: ۲۳۱۳

واشنگتن: ۲۷ نوامبر ۱۹۴۵

«عالیجناب دیروز صبح وزارت امور خارجه شما به اطلاع من رسانید که جنابعالی در تاریخ ۲۴ نوامبر یادداشتی درباره اوضاع ایران به دولت شوروی تسلیم داشته‌اید. امروز عصر نسخه‌هایی از این یادداشت را دریافت داشتم. وصول یادداشت سبب شد که تحت تأثیر قرار گرفته، اطلاعات بیشتری را راجع به اوضاع ایران در اختیار شما بگذارم.

آقای وزیر امور خارجه ضمن اظهار تشکر و همکاری با ارزش شما در این لحظات بحرانی سرنوشت کشورم افتخار دارم این عمل دوستانه شما را در مورد توجه عمیق شما به گزارش من که در تاریخ ۱۹ و ۲۱ نوامبر در خصوص بروز وضع وخیمی که در ایران از طرف شورش مسلحانه حزب به اصطلاح دموکراتیک به وجود آمده و از طرف عناصر افراطی تفرقه‌افکن تقویت و به علت حضور نیروهای نظامی بیگانه تحریک و پشتیبانی شده‌اند، ستایش نمایم. این حقیقت بر من معلوم شده که تمام ملل آزاد ر

صلح دوست از شما سپاسگزارند زیرا اقدامات و فعالیتهای مدبرانه شما معیاری است برای درک اصول عالی که به خاطر آن برای استقرار عدالت و حفظ صلح وارد جنگ شده‌اند. با توجه به مفاد بند اول یادداشت جنابعالی راجع به ردّ اجازه نیروهای دولتی از طرف فرماندهان نظامی شوروی برای انجام مسئولیتی که برای حفظ نظم و امنیت در سرزمین ایران به عهده دارند، یادداشت دیگری دریافت کرده‌ام که در آن به وسیله معاون وزارت امور خارجه در مورد این ممانعت، در تاریخ ۲۳ نوامبر، اعتراض شدید دیگری به سفارت شوروی شده است. در این یادداشت تذکر داده شده در همان زمانی که قوای مسلح ایران در نزدیکی قزوین متوقف شده‌اند موج آشوب و قانون شکنی هر روز در آذربایجان شدیدتر شده دامنۀ آن به سوی زنجان در حال گسترش است. در ۲۱ نوامبر افراد ناشناس مسلح آشوبهایی مشابه با ناآرامیهای میانه به وجود آورده‌اند. معاون وزیر امور خارجه صمیمانه از سفارت شوروی خواسته است که هرچه زودتر این موانع را از پیش پای قوای ایران برداشته اجازه دهد برای انجام مأموریت خود به مناطق محل مأموریت خود بروند. چندی قبل اطلاع حاصل کردیم که زنجان نیز اشغال و شورشیان در حال پیشروی به سوی تهران هستند. در صورت وقوع چنین امری اوضاع بسیار وخیم و بحرانی را باید پیش‌بینی کرد.

در نامه دیگری در همان تاریخ وزیر امور خارجه توجه سفارت شوروی را به این حقیقت معطوف داشت که علیرغم اعلام رسمی شوروی دائر بر تخلیه تهران، عناصر ارتش سرخ هنوز در این شهر در رفت و آمد هستند و در بعضی از مراکز تهران که محل استقرار نیروهای شوروی است مانند گذشته به فعالیت خود ادامه می‌دهند و علاوه بر این گاه به گاه افرادی در لباس شخصی که به وسیله کامیون از خارج وارد می‌شوند در تهران در حال رفت و آمد هستند. با اتکاء به قرارداد تخلیه کامل تمام ایران، از مقامات شوروی خواستار است که برای تخلیه فوری تهران از ارتش سرخ دستور فوری صادر نمایند.

حضور مداوم عناصر نظامی شوروی با توجه به پیشروی سریع دموکرات‌های مسلح و عدم توانائی و عکس‌العمل نیروهای دولتی در مقابله با آشوبگران به علت مخالفت ارتش سرخ وضع وخیمی در تهران به وجود آورده است. عمیقاً متقاعد هستم که جنابعالی از نزدیک مراقب وضع بوده از نفوذ خویش در

طریق دستیابی به آرامش و امنیت استفاده خواهد کرد و انجام این امر موکول است به اقدام جنابعالی در مورد عقب‌نشینی همزمان نیروهای شوروی و بریتانیا از ایران. افتخار دارم که مراتب احترام عمیق خود را تجدید نمایم. حسین. علاء»

در مجلس شورای ملی نیز وضع آذربایجان پیوسته مورد بحث شدید واقع شده بود و جمعی از نمایندگان از پشت تریبون صدای ملت ایران را به گوش جهانیان می‌رسانیدند به بیانات دکتر عبده در جلسه سه‌شنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۲۴ توجه فرمائید:

دکتر عبده - بنده اجازه می‌خواهم از آقایان که برخلاف پیشنهاد آقای طباطبائی یک کمی مفصل‌تر صحبت کنم. برای اینکه ما اینجا یک مسائلی در پیش داریم که لازم است کاملاً تشریح شود. اگر منظور فقط ابراز احساسات بود البته احساسات نشان می‌دادیم. منظور بنده این نیست بالعکس بنده معتقدم در مواقع سخت و مشکل یک ملتی که رشد سیاسی دارد می‌بایست خونسرد باشد و در عین حال پایداری و استقامت نشان بدهد. وقتی به حقوق آن ملت می‌خواهد تجاوز بشود این نظر بنده است و این کار هم خدمتتان عرض می‌کنم که من یک نظری دارم بطور کلی معتقدم ما نبایستی به هیچ‌وجه نه در مطبوعات و نه در مجلس متفقین گرامی خودمان را تحریک بکنیم و یک حرفهائی بزنیم که به شئون و حیثیت آنها بر بخورد. حتی من معتقدم طرحی تهیه بکنیم برای آن کسانی که تحریک می‌کنند و در نتیجه این تحریکات ممکن است رشته‌های دوستی بین دو ملت دوست پاره و متزلزل بشود. آن اشخاص باید سخت مجازات بشوند. ولی مانع از آن نیست که اگر یک وقتی به حقوق یک ملت زنده‌ای تجاوز شد با کمال متانت و بردباری حرفه‌ایان را بزنند. این نظر بنده است و من معتقد نیستم به سیاست استتار، همان سیاستی که یک‌مرتبه هم سوم شهریور را برای ما پیش آورد. برای اینکه اگر یک‌مرتبه ما تجربه تلخی پیدا کردیم لااقل می‌بایستی در نظر داشته باشیم که آن تجربه دومرتبه تکرار نشود و وقتی که ملت ایران از جریان کارها مستحضر بشود طبعاً احساس مسئولیت می‌کند و نمایندگان ملت هم که مرجع و مرکز ثقل مملکت هستند اینها هم احساس مسئولیت خواهد کرد چرا بنده امروز مصمم شدم صحبت بکنم؟ در ظرف این روزهای اخیر همه ما امیدوار بودیم که پاسخ یادداشت دولت ایران یک پاسخ موافقی باشد و دولت اتحاد جماهیر شوروی که برای بسط عدالت و مقابله و مبارزه با زورگوئی، با فاشیسم و هیتلریسم مبارزه کرد جواب دولت ضعیفی را مثل ما

یک جواب دنیا پسند و یک جواب منطقی بدهد. این انتظار را ما داشتیم متأسفانه جواب دولت ایران جواب قانع کننده‌ای نبود. نه تنها برای ما، بنده خیال می‌کنم اگرچند ژورنیست بین‌المللی بیایند و وضعیت را ببینند و این دو یادداشت را با هم مقایسه بکنند بطور حتم بالاتفاق رأی به نفع ما خواهند داد و من خوشوقتم که دولت در قبال این یادداشت که داده شد یادداشت دیگری هم داده است و قدر مسلم چون تا کنون دولت بطور صریح پشت تریبون اطلاعات صریحی به ما نداده و مبنای اطلاعات ما فقط یادداشتی است که دولت ایران به دولت شوروی فرستاده. قدر مسلم از مجموع اطلاعاتی که ما داریم و با توجه به این یادداشت که جنبه رسمی دارد می‌توانیم اینطور استنباط بکنیم که در آذربایجان دسته‌ای هستند که از این دسته به موجب اعلامیه‌ای که داده‌اند تقاضاهایی دارند. اول سؤالی که پیش می‌آید این است که این دسته چطور پیدا شده؟ آقایان اطلاع دارند برای اینکه یک حزبی بخواهد تشکیل و قوت پیدا کند یک مدتی وقت لازم دارد. دوماه یا سه ماه بیشتر نیست که فرقه‌ای بنام فرقه دموکرات در آذربایجان پیدا شده و این فرقه خلق‌الساعه در ظرف دو سه ماه به اندازه‌ای قدرت پیدا کرده که با دولت مرکزی مقاومت می‌کند. همین وضعیت همین خلق‌الساعه بودن این حزب، این دسته یک قدری ما را مشکوک می‌کند که چطور ممکن است در یک مملکتی حزبی در مدتی به این کوتاهی (سید محمد طباطبائی - طفل یکشبه است) و به قول آقای طباطبائی این طفل یکشبه ره صدساله می‌رود منتهی ره صدساله برخلاف مصالح کشور (صحیح است - صحیح است) خوب چه جور این حزب تشکیل شده؟ روایات مختلف است یک دسته می‌گویند همه اشخاصی هستند ناشناس، مجهول‌الهویه، یک دسته می‌گویند اینها عده‌ای آذربایجانی هم در میانشان هست. به نظر بنده اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در آن دسته وارد هستند مسلماً آذربایجانی نیستند (صحیح است) چرا؟ برای اینکه سرحدات ما متأسفانه از سوم شهریور به بعد سرحدات بازی بوده و ما نمی‌توانستیم آن حقی که راجع به کنترل مرز خودمان داشتیم اعمال بکنیم (صحیح است) وقتی مرز ما کنترل نشد و راه ورود و خروج کاملاً باز بود ممکن است این احتمال را دارد که یک دسته اشخاص مشکوک مجهول‌الهویه وارد کشور بشوند و دست به عملیاتی بزنند برخلاف مصالح کشور. البته عده معدودی هم آذربایجانی در اینجا شرکت دارند ولی این دسته به نظر من خیلی معدودند و یک اقلیت بسیار ضعیف که شاید از هزار نفر تجاوز نکنند،

تشکیل می‌دهند. حالا بنده نمی‌خواهم احصائیه بردارم بنده می‌خواهم روی جنبه تقریب صحبت بکنم. اینها چرا این‌ها را کردند؟ بعضی‌ها اغفال شدند بعضی‌ها شاید عدم رضایت داشته‌اند ولی اینقدر شخصیت نداشتند و اینقدر حس وطن‌پرستی و میهن‌دوستی در آنها تقویت نشده بود که در قبال مصالح مملکت زیر حمایت و دسته‌بندی که بطور حتم از یک سرچشمه اجنبی آب می‌خورد، نروند. بنده خیال می‌کنم برادران آذربایجانی ما هم اگر واقعاً یک جهاتی باشد و یک حرفهائی داشته باشند اینها آنقدر دارای شرافت، حیثیت، و وطن‌پرستی هستند که در موقعی که قوای اجانب در کشور ما هستند حاضر نیستند با دولت مرکزی مقاومت بکنند. (صحیح است) مثل اینکه بنده نشنیدم که این شاهسون به چند نفر ژاندارم گفته بودند که ما اینقدر از شما رضایت را نداریم ولی اینقدر وطن‌پرست و میهن‌دوست هستیم که امروز از شما حمایت می‌کنیم فردا که مملکت از قوای اجانب خالی شد آن وقت ممکن است با شما تصفیه حساب بکنیم (صحیح است) این احساسات آذربایجانی است. این احساسات ایرانی است. ما آزادی را برای چه می‌خواهیم؟ آزادی را برای ایران می‌خواهیم (صحیح است) اگر بنا باشد ایران نباشد این آزادی برای ما چه فایده‌ای دارد بنده خیال می‌کنم که احساس هر فرد ایرانی این است که تحمل سرنیزه خودی برایش قابل تحمل‌تر است تا حمایت اجانب (صحیح است) اینها آمدند اسم خودشان را گذاشتند دموکرات... برای اینکه در محافل بین‌المللی اینطور وانمود کنند که یک‌دسته‌ای هستند اینها آزادی می‌خواهند و به این وسیله ذهن محافل بین‌المللی را مشوش بکنند. برای ما این مطلب خیلی پیش پا افتاده است. خوشبختانه این راهی را که آقایان اتخاذ کرده‌اند تأثیر نکرد و ما خوشوقتیم که امروز محافل بین‌المللی به ماهیت و شخصیت دسته‌ای که بنام دموکرات خودشان را معرفی کرده‌اند، پی برده‌اند (صحیح است). اول صحبت بود که اینها خواهان تجزیه هستند بعداً اعلامیه‌ای صادر کردند و در آن اعلامیه متذکر شدند که ما خواهان تجزیه نیستیم ولی هر ذی‌شعوری که یک‌مرتبه این اعلامیه را نگاه کند به این حقیقت برمی‌خورد که این آقایان مسلماً خواهان تجزیه ایران هستند (صحیح است) چرا؟ در ایران همه یک ملت واحدند... در قبال ملت ایران ما ملت آذربایجان نداریم. اگر چند نفر ماجراجو پیدا شدند و عنوان کردند که در داخل ایران ملت دیگر هم هست بنام ملت آذربایجان که به قول خودشان دارای ملیت، زبان، آداب و رسوم و خصوصیات مخصوص به خودش است

هر قوی که بخواهد ادعای تجزیه کند ممکن است اول همین حرف را بزند ما یک ملت داریم و آن ملت ایران است سرنوشت آذربایجان با سرنوشت تمام نقاط مملکت مسلماً در طول تاریخ یکی بوده.

در طول سه هزار سال تاریخ مسلم ایران چه وقت آذربایجان تشکیل یک دولت مستقلی داده و چه وقت آذربایجانی تشکیل ملت مستقلی را داده است. آذربایجانی همیشه افتخار دارد که در سر آزادی، در سر قشون یا در سر زمامداران ما بوده است و امروز هم نخست‌وزیر ما یکنفر آذربایجانی است بنابراین ادعای ملت که آقایان صرفاً برای اغفال یک‌دسته میهن‌پرست آذربایجانی و برای اجتناب از معضلات بین‌المللی خواسته‌اند این عنوان را بکنند...

من به آن آذربایجانی‌هایی که دارای حس ملیتند خطاب می‌کنم. من به آنهایی که دارای حس ملیتند و گول خوردند خطاب می‌کنم که این عنوان برای اغفال شماست، برای اغفال محافل بین‌المللی است. شما گول نخورید... آقایان آمدند برخلاف نص صریح قانون اساسی ادارات دولتی را اشغال کردند و علیه حکومت مرکزی قیام کردند. این اقدامات علیه حکومت ملی است و به موجب قوانین ایران مستلزم اعدام است. دولت ایران وقتی این پیش‌آمد مثل هر دولت مستقل و هر دولتی که دارای حاکمیت است تصمیم گرفت قوایی برای سرکوبی آنها بفرستد و متأسفانه این قوا در شریف‌آباد متوقف شد از طرف شوروی. ما خیال می‌کردیم که نیروی شوروی دستوری از مسکو نداشت و روی سوءفهم جلوگیری از اعزام قوا کرده است. متأسفانه معلوم شد اینها برخلاف دستور کاری نکرده‌اند...

مسلماً این اقدام دولت شوروی برخلاف استقلال و تمامیت و حاکمیت ملت ایران است (صحیح است) ملت در داخل خاک خود باید حق داشته باشد به موجب قرارداد به موجب اعلامیه سه دولت، به موجب اصول بین‌المللی که ما چندماه پیش در سانفرانسیسکو تأیید کردیم. به موجب این اصول ما باید حق داشته باشیم در داخل خاک خودمان برای تنظیم و تأمین امنیت عمومی هر اقدامی که به صلاح کشور است انجام بدهیم (صحیح است) حالا اگر یک دولت به حقوق یک ملت ضعیفی تجاوز کرده است... به موجب قرارداد مخصوصاً ماده ۴ آن... دولت شوروی یا دولت انگلستان حق ندارند در قسمتی از ایران قوا داشته باشند مگر با موافقت ما (صحیح است)...

امروز به جای اینکه بر طبق قرارداد آنها از ما اجازه بخواهند ما در داخل خاک خودمان باید از آنها اجازه بخواهیم... به موجب ماده دیگر... مملکت ما اشغال نظامی نبود... اگر فرض کنیم که در موقع جنگ مصلحت استراتژیک بود حالا مدتی است جنگ تمام شده و هیچ منطقی ما برای اینکار نمی‌توانیم فرض کنیم.

متأسفانه در یادداشت اخیر دولت شوروی در قسمت آخرش مطالبی نوشته شده که قابل توجه است. می‌نویسد:

با در نظر گرفتن اینکه از هر گونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید احتراز کرد و این موضوع با ورود نیروی نظامی تازه ایرانی به استانهای شمالی ایران بستگی دارد دولت شوروی در این موقع انجام این امر را صلاح نمی‌داند... واقعاً منطق عجیبی است... اگر ما تشخیص دادیم که برای سرکوب کردن عده‌ای که علیه دولت مرکزی قیام کرده‌اند اعزام قوا لازم است. دولت ایران باید حق داشته باشد که این قوا را اعزام نکند. تنها چیزی که ممکن است شورویها را نگران بکند این است که ممکن است در اثر این تصادم به منافع آنها صدمه وارد بیاید... عدم موافقت با اعزام قوای ما یک اقدام غیرعادلانه بوده از صلح‌دوستی و عدالت‌خواهی دولت اتحاد جماهیر شوروی کاملاً دور است. همین اعلامیه تهران که آقای دکتر شفق متذکر شدند در این اعلامیه دو قسمت را متذکر شدند قسمتی راجع به زحماتی که ملت ایران در راه حصول پیروزی متحمل شده است. ما این زحمات را بالطوع و الرغبة وقتی متحمل می‌شویم که قوای هیتلری پشت قفقاز بود. ما این زحمات را وقتی متحمل شدیم که قوای آلمان آمده بود تا استالینگراد و ورود ولگا از خون جوانان دلاور شوروی رنگین شده بود. ما آن موقع این کار را کردیم و یک انتظار داشتیم. انتظار ما این بود ما را در اختلافات بین‌المللی خودشان وارد نکنند (صحیح است) ما را مستمسک قرار ندهند.

ما ملت ایران که با تمام قوا سعی کردیم، کوشش کردیم و در اثر این سعی و کوشش به ما لقب پل پیروزی داده‌اند و امروز که جنگ تمام شده منتظر بودیم بیش از اینها به حق سیادت و حاکمیت ما احترام بکنند. معتقدم با اختراعات جنگی تازه‌ای که در دنیا شده تنها امری که ممکن است صلح بین‌المللی را تأمین کند اعتماد متقابل است و این اعتماد متقابل وقتی پیدا می‌شود که کلیه دول اعم از بزرگ و کوچک به قراردادهای و تعهدات احترام بگذارند. ما علاوه بر این قرارداد سه‌گانه و علاوه بر اعلامیه پیشوایان سه

دولت معظم ما مقررات منشور ملل متحده را هم داریم. در قست دوم ماده یک می گوید: این منشور برای این درست شده که از هر اقدام تهاجمی یا هر اقدامی که مخل صلح بشود جلوگیری بکنند... وقتی در داخل یک کشوری یک دسته‌ای به حمایت یک دولت اجنبی علیه حکومت مرکزی قیام می کند این را در اصطلاح حقوق بین‌المللی می گویند تجاوز... این منشور در این حال که مصالح دول معظم را تأمین کرده برای حفظ مصالح و منافع ملل ضعیف هم خوشبختانه مقرراتی دارد و من خیلی خوشوقتم که امروز بنابر خبر رادیو لندن پاره‌ای از جراید مهم انگلستان پیشنهاد کرده‌اند مجمع اتفاق ملل در ایران تشکیل شود. این خبر موجب خوشوقتی است... و قطعاً از نظر حفظ صلح و امنیت عمومی کمال اهمیت را خواهد داشت. قدر مسلم این است که امروز بین ما و دولت شوروی یک سوءتفاهماتی هست. اعتقاد شخص من این است که با آن سوابق دوستی که بین ما و دولت شوروی بوده است... ما انتظار داریم روابط بین دولت ایران و دولت شوروی روز به روز با حسن وجه تأمین بشود. ما از دوستی دولت شوروی نمی‌توانیم صرف‌نظر بکنیم (نمایندگان - صحیح است) برای اینکه ما نمی‌توانیم یک ملت دوست ملیونی را در سرحد خودمان فراموش کنیم. بنده معتقدم برای اینکه این روابط کاملاً آنطوری که می‌بایستی تشدید بشود و برای اینکه هیچگونه سوءتفاهمی بین ما اتفاق نیفتد بهتر این است همانطوریکه در یادداشت دولت امریکا به دولت شوروی، که ملت ایران متشکر از آن یادداشت است (صحیح است) ذکر شده بود قوای متفقین قبل از ژانویه ۱۹۴۶ ایران را تخلیه کنند. اگر این پیشنهاد عملی شود هرگونه سوءتفاهمی منتفی خواهد شد و وقتی هرگونه سوءتفاهمی منتفی بشود طبیعتاً بر دوستی ما با ملت شوروی افزوده خواهد شد... بنده خیال می‌کنم هنوز نمی‌بایستی مایوس باشیم. اقدامی که دولت می‌بایستی بکند این است که یک محیط مساعدی برای اعزام یک میسیون به مسکو باید تهیه بکند و شاید با اعزام این میسیون ما بتوانیم رفع سوءتفاهمات حاصله را بکنیم. واقعاً ملت ایران که همسایه دولت شوروی است به هیچ‌وجه مایل نیست برای اولین مرتبه که سازمان ملل متحد تشکیل می‌شود از دوست خودش شوروی شکایت بکند. این را ما مایل نیستیم. ما میل داریم حتی‌الامکان کارمان روی اصلاح و روی دوستی حل بشود. این امیدواری ملت ایران است (نمایندگان - صحیح است)...

تا اینجا اقدامات و سخنان مقامات رسمی کشور را در بروز چنین فتنه غم‌انگیزی

دیدیم. به راستی در این زمان فرد فرد ملت ایران به خصوص آذربایجانیهای وطنپرست در ژرفای تأثر و تألم دست و پا می‌زدند و اشک خون از دیده جاری می‌کردند. به این صحنه التفات کنید:»

در مجلس شورای ملی

برای آذربایجان گریه کردند

سخنان چند جوان وطنپرست غیور آذربایجانی هم مجلس را به لرزه درآورد و اشک از چشمان همه از نخست‌وزیر تا نمایندگان و افراد دیگر جاری ساخت. این جوانان اجازه می‌خواستند برای کمک‌برادران و خواهران خود به آذربایجان عزیز رهسپار شوند و جمعیت آذربایجانیها که برای همین منظور و تعیین تکلیف به مجلس آمده و نزدیک به هزار نفر می‌شدند به صدای بلند نیز همین تقاضا را از نخست‌وزیر و رئیس مجلس داشتند.

یک ساعت به ظهر چند نفر به نمایندگی از آذربایجانیهای مقیم تهران به مجلس آمدند و از ریاست مجلس اجازه خواستند داخل مجلس شوند و مطالب خود را به نمایندگان مجلس و دولت اظهار دارند. مقام ریاست موافقت نمود و سپس آنها رفتند و رفقای خود را که در خارج از مجلس بودند با کمال آرامش و متانت وارد نمودند و در تالار سرسرای مجلس ازدحام کردند. رئیس مجلس را خواستند، آمد. رئیس دولت را خواستند حضور پیدا کرد. وکلای آذربایجان و عده‌ای از وکلای دیگر را طلبیدند همه آمدند و جمعیت حلقه‌وار ایستاد و آقای میرزا حسین واعظ تبریزی از جانب آذربایجانیهای مقیم تهران به صحبت مشغول شد و گفت ما آمده‌ایم بگوئیم که در سراسر آذربایجان یک نفر آذربایجانی پیدا نخواهد شد که بخواهد بر علیه استقلال کشور آباء و اجدادی خود قیام نماید. این زمزمه‌ها و این نغمه‌های شوم از حلقوم آذربایجانی نیست. آذربایجانی همان کسی است که در تاریخ این کشور وطنپرستی و غیرت و حمیت خود را به کرات ثابت نموده و افتخار دارد ایرانی است و ایران را دوست دارد. این نغمه‌ها چیست و از کجاست؟ آنها مثنی خیانت‌پیشه و بیگانه‌پرست هستند

که قلب آذربایجانی را جریحه‌دار ساخته و به تقلب نام آذربایجانی را به روی خود گذارده‌اند. ما آمده‌ایم امروز تکلیف خود را معین کنیم. قصد بازرگانان و کسبه آذربایجانی مقیم تهران این بوده که دکاکین خود را به‌بندند و در این جا اجتماع و ازدحام کنند و از دولت بخواهند که دست این رجاله‌ها و عناصر پست را که معلوم نیست از کجا به آذربایجان عزیز وارد شده‌اند کوتاه کند و خواهران و برادران ما را که با چشمان گریان انتظار کمک دولت را دارند نجات دهند: آقای نخست‌وزیر و آقای رئیس مجلس ما آمده‌ایم بگوئیم برای هر جانفشانی حاضریم و به شما الان می‌گوئیم اجازه بدهید ما از همین جا به سوی آذربایجان برویم و خائنین را به سزای خود برسانیم. امید ما، قلب ما، روح ما، ایران است. این نغمه‌ها به خدا آذربایجانی نیست. زنده و پاینده باد ایران، محو و نابود دست‌های خیانت کاری که بخواهد کوچکترین خلل به استقلال ما وارد سازد.

اشک از چشم‌های حضار جاری بود و در این موقع آقای حکیمی نخست‌وزیر اظهار نمودند:

«آقایان، برادران عزیز آذربایجانی من، شما تصور نکنید دولت و مجلس در این کار کوتاهی کرده‌اند. ما هم برادران شما هستیم و همین احساسات در همه ما وجود دارد. ما آرام نخواهیم گرفت تا وقتی که برادران و خواهران خود را از این مصیبت نجات دهیم و در حالی که اشک از چشم ایشان جاری بود گفتند من تا جان دارم و تا نفس دارم در این راه کوشش و مجاهدت خواهم کرد، مطمئن باشید.»

نوبت به آقای رئیس مجلس رسید ایشان نیز احساسات عموم نمایندگان را در این باره به اطلاع آذربایجانی‌ها رسانید و گفت مجلس شورای ملی پشتیبان دولت در استقرار امنیت و آرامش آذربایجان خواهد بود. تاریخ پرافتخار آذربایجانی و روح وطن‌پرستی و شهامت و شجاعت آذربایجانی را هیچکس منکر نیست و همه ما آن مهد استقلال ایران را خوب می‌شناسیم ما هم می‌دانیم و اطمینان داریم این نغمه‌های شوم مربوط به آذربایجانی نیست به این جهت با کمال قوت قلب به شما می‌گویم مجلس و دولت کوچکترین تعلل و غفلت را نخواهند داشت... رئیس مجلس به آقای واعظ گفتند پس از اطمینانی که داده شد خواهش می‌کنم آقایان متفرق شوند. ناگهان فریادی از جمعیت بلند شد و جوانانی دیوانه‌وار پیش آمدند و گفتند خیر نمی‌رویم، آقای نخست‌وزیر

نخواهیم رفت اینجا می‌مانیم. ما ایران را دوست داریم، ایران پرستشگاه ما بوده و هست و خواهد بود چرا نمی‌گذارید برویم جان خود را نثار آزادی و استقلال ایران کنیم ما خون داریم تا خون در عروق ما جریان دارد حاضر نیستیم بگذاریم یک وجب خاک ایران دستخوش آمال پست عناصر بی‌وطن و غیرایرانی گردد. چرا صفحه آذربایجان را از مردمان خائن که باعث ریختن خون مردم وطن‌پرستی که گناه آنها وطن‌پرستی و عرق ایرانیت است پاک نمی‌کنید. شما ما را گول می‌زنید، این حرفها درد ما را دوا نمی‌کند و قلوب مجروح ما را التیام نمی‌بخشد ما هستیم و از اینجا نمی‌رویم تا تکلیف ما را معین کنید. واعظ تبریزی پیش آمد و آنها را ساکت کرد و بالاخره با پند و اندرز مجلس را ترک گفتند.»

فصل ششم

پیشنهاد تشکیل کمیسیون سه دولت مأمور رسیدگی به وضع عمومی ایران

دولت ابراهیم حکیمی در برابر حوادث آذربایجان در این موقع یادداشت اعتراض آمیزی علیه اقدام ارتش سرخ دربارهٔ جلوگیری از حرکت نیروهای امدادی به آذربایجان به مسکو فرستاد و این یادداشت، چنانکه گذشت، با اعتراضاتی که کشورهای متحدهٔ امریکا و بریتانیا در همین زمینه به دولت استالین داده بودند در کنفرانس وزیران امور خارجه سه دولت متفق که از ۲۵ آذر تا ۶ دی ماه ۱۳۲۴ (۱۶ تا ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵) در مسکو تشکیل یافته بود، مطرح شد. جیمز.ف. بیرنس (J.F.Byrnes) وزیر امور خارجه امریکا اعتراض دولت ایران را وارد دانست و کوشش خود را برای جلب موافقت مولوتف وزیر خارجه شوروی در مورد رسیدگی به شکایت ایران بکار برد، اما کوشش وی به نتیجه نرسید. سرانجام ارتست بوین وزیر امور خارجه بریتانیا پیشنهاد کرد یک کمیته سه نفری از نمایندگان شوروی و انگلیس و امریکا مأمور رسیدگی به وضع عمومی ایران بشود و اوضاع آذربایجان را خصوصاً مورد بررسی قرار دهد. این پیشنهاد مورد موافقت واقع گردید و متن آن به قرار زیر به دولت ایران پیشنهاد گردید.

کمیسیون دول سه گانه مأمور رسیدگی به امور مربوط به ایران^۱
دول بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا با تشکیل

کمیسیون سه گانه برای رسیدگی به مسائل ایران موافقت حاصل کرده و این موافقت را به دولت ایران جهت موافقت نظر آن دولت ابلاغ می‌دارد:

۱- کمیسیون نامبرده برای شروع به امر باید این موضوع را مدتظر قرار دهد که طی مدت اقامت قشون متفقین در ایران تشکیلات اداری دولتی دچار اختلال گردیده و اشکالاتی فیما بین دولت مرکزی و اهالی بعضی از ایالات رخ داده است. سه دولت نامبرده تصدیق می‌نمایند که ممکن است مسئولیت این وضعیت تا حدی متوجه آنان باشد و بنابراین باید سعی نمایند که با دولت ایران در تجدید استقرار اوضاع عادی به نحوی که مورد رضایت کلیه عناصر مختلفه اهالی مملکت باشد و نیز در حفظ روابط دوستانه با سایر ممالک مساعدت کنند.

۲- از لحاظ رفع بیم و نگرانی دولت ایران و موجبات اصطکاک بین‌المللی، کمیسیون باید نسبت به این موضوع که در تخلیه قوای متفقین حتی‌الامکان تسریع شود، رسیدگی نماید و توصیه‌های مقتضیه به سه دولت بنماید.

۳- کمیسیون باید مراتب ذیل را در مدت نظر قرار دهد:

(الف) - تعهدی را که بریطانیای کبیر و روسیه سویت‌ضمن پیمان مورخه ژانویه ۱۹۴۲ دائر به رعایت استقلال سیاسی و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نموده‌اند و (ب) اعلامیه صادره طی کنفرانس صلح تهران راجع به ایران از طرف روزولت رئیس جمهوری و استالین ژنرال‌یسیم و چرچیل.

۴- از لحاظ حل و فصل اشکالات موجوده بین دولت مرکزی ایران و بعضی از ایالات کشور کمیسیون در تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی طبق مقررات قانون مشروطیت ایران به آن دولت مشورت داده کمک خواهد نمود.

۵- توصیه‌های کمیسیون (که قبل از پیشنهاد به دولت ایران باید مورد تصویب سه دولت واقع شود) باید شامل کلیه کشور ایران به انضمام آذربایجان بوده باشد.

۶- قوانین موجوده که مقررات مربوط به مشروطیت را (در باب انجمنهای ایالتی و ولایتی) تشریح و تفسیر می‌نماید باید مأخذ و مبدا قرار گیرد. لکن کمیسیون اصلاحاتی را که مخصوصاً در قسمت انتخابات انجمنهای محلی و اختیارات و وظایف انجمنهای مزبور و طریقه مربوط به تدارک وجوه جهت آن انجمنها به نظر لازم می‌رسد توصیه خواهد نمود.

- ۷- کمیسیون نیز توصیه‌هایی در باب استعمال زبانهای اقلیت از قبیل عربی و ترکی و کردی بطور آزاد جهت تعلیم و منظوره‌های دیگر خواهد نمود.
- ۸- کمیسیون با دولت ایران و نمایندگان کلیه عناصر مختلفه مهم اهالی در طریقه تنظیم توصیه‌های خود با تماس نزدیک مشاوره خواهد نمود.
- ۹- سه دولت نامبرده مساعی کار خود را بکار خواهند برد که دولت ایران را متقاعد سازند که توصیه‌هایی را که از طرف کمیسیون به عمل می‌آید بصورت قانونی درآورده آنها را به موقع اجرا گذارند.
- ۱۰- کمیسیون هیچ توصیه‌ای نخواهد نمود که باعث تضعیف وحدت اساسی دولت ایران گردد.

۱۱- اولین انتخابات ایالتی و ولایتی باید تحت نظر کمیسیون انجام گیرد.

وزارت امور خارجه ایران پیشنهاد کمیسیون سه گانه را برای اظهارنظر به لندن و واشنگتن اعلام داشت و از سفیران خود خواست تا با مطالعه متن پیشنهادی نظریات خود را اعلام دارند. سیدحسن تقی‌زاده سفیر ایران در لندن در کمال عقل و درایت و آشنائی به وضع مملکت در این خصوص چنین اظهارنظر کرد:

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از لندن به تاریخ ۱۶/۱۰/۱۳۲۴. نمره ۲۰۷۷

فوری

۱۷۴۵ - طرح پیشنهادی انگلیس و امریکا را برای اعزام کمیسیون از وزارت خارجه گرفته و خواندم آنچه در نتیجه مطالعه اجمالی به خاطر می‌رسد این است که در تدقیق موضوع باید مضرات قطعی و احتمالی این طرح را با اشکالات فعلی و مفاصد احتمالی که در صورت رد آن پیش تواند آمد درست سنجیده بدترین کل بلایای ارضی و سماوی مملکت ما فعلاً اختلاف کلمه و فقدان حس وطن‌دوستی در غالب مشتغلین به سیاست هیئت رئیس ادارات و شیوع خیانت و عدم تقوی و ایمان نیز در منافع شخصی و وجود بدترین مفاصد اخلاقی اجتماعی است و نیز سوءقصد شدید و صریح یک دولت

خارجی قوی پنجه نسبت به استقلال و حیات سیاسی ما و تحرکات در اکناف مملکت و اشغال نظامی و تجزیه قسمت مهم مملکت است و همچنین نداشتن یاور و پشتیبان استوار و علاقمندی دیگران فقط به منافع خود نه حفظ قول و شرف تعهدات و پابندی اخلاقی به آنها این گرفتاریها حاجت به شرح ندارد و در منطقه آنها این طرح که نقشه مداخلات کلی است و مثل آنکه مملکت را به مناطقی تقسیم کرده و هر کدام از دول خارجه در آن آینده با انجمن‌های ایالتی منطقه انحصاری خود کار داشته و از مداخله رقیب در آن ولایات جلوگیری نمایند مقاله بسیار بد روزنامه دیروز در غالب اذهان در این جا همان تأثیر تجزیه به مناطق نفوذ را کرده است. انجمن‌های ایالتی فی حد ذاته با اختیارات محدود و تبعیت مطلق از دولت مرکزی بر طبق قانون موجود و تفسیر صحیح آن عیبی ندارد لیکن نسبت به مسئله اختیارات آنها که در ماده ششم طرح منظور شده باید خیلی محتاط بوده و بطور کلی حق داده است به خارجی‌ها به داخل شدن بین دولت و اهالی ولایات و شرط کردن رضای عناصر مختلفه ملت اگر مداخله میان دولت و ملت است لیکن در آن صفحات مملکت که مردم آزادترند و به حقیقت آراء و آمال خود را بیان می‌کنند شاید قابل تحمل باشد لیکن در آن ولایاتی که همه حرفها عکس صدائی از مسکو بوده و استقلال و آزادی عقیده وجود ندارد جز تقاضای افراطی درسی روزانه نتیجه نخواهد داشت. ماده یازدهم در اوضاع فعلی قابل قبول بنظر می‌آید. سه نکته اساسی به عقیده این جانب باید در نظر گرفته شود نخست آنکه تعهد مطلق قبلی نسبت به قبول هر توصیه و پیشنهاد کمیسیون سه گانه خطرناک تواند شد.

دوم آنکه با کمال استقامت و استواری و پافشاری باید در حفظ نفوذ و حاکمیت و اختیارات دولت مرکزی در ولایات و جلوگیری از سستی این حاکمیت و پاشیدگی مملکت و تجزیه اصرار ورزید.

سوم قرار است که از لحاظ سیاسی مهمتر از هر چیز دیگر امتیاز آنکه باید نسبت به هر عملی که باعث تقسیم مملکت به مناطق سربسته خارجیان ولو در تحت لفافه و پرده و به صورت خوش ظاهر باشد مقاومت شود که نتیجه دست شستن انگلیس از ولایات شمال و بی‌علاقگی به آن نقاط و واگذاری به نفوذ روسها و مشرب مردم یا غیرمستقیم آنها با انجمن‌ها و استقرار نفوذ انگلیس که قسمت‌های دیگر مملکت و شاید ارتباط آنها با انجمن‌های آن نقاط نظیر بند و بست‌های غیرعلنی قدیم با خوانین و امراء محلی جنوبی

و مرکزی ایران تواند شد. البته مطابقت با ملاحظه تمام اطراف و سنجش مضرات قبول و رد هر ماده تصمیم نهائی که البته ناچار متضمن گذشت‌هائی خواهد بود اتخاذ خواهند فرمود و نیز البته در اصلاح مواد آزاد هستند و باید با مذاکرات اختیاری حل شود. ضمناً باید از بابت موافقت خودتان با عدم طرح موضوع در مجمع عمومی منتی به حضرات گذاشت و به حساب آورده و مساعدت ما شمرد ۱۴/۱۰/ نمره ۴۹۵. تقی‌زاده
سفیر کبیر.»

حسین علاء سفیر کبیر ایران در واشنگتن نیز عقیده خود و ایرادات و مضار تشکیل کمیسیون سه‌گانه را درباره مفاد طرح پیشنهادی متفقین چنین گزارش می‌دهد:^۲

سفارت کبرای شاهنشاهی

شماره: ۲۶۱۰

تاریخ: ۲۴/۱۰/۱۷

وزارت امور خارجه

پیرو گزارش شماره ۲۴۳۱ مورخ ۲۱/۹/۱۳۲۴ اینک دنباله اقدامات خود را درباره جریانات اخیر ایران به استحضار آن وزارت می‌رساند:

«پس از آنکه وزیر امور خارجه به واشنگتن مراجعت کرد با وجود اینکه مصادف با تعطیل اول سال بود و علاوه بر گرفتاریهای دیگر می‌بایستی گزارش مذاکرات خود را برای کاخ سفید تهیه کرده و سخنرانی در باب اقدامات خود را در مسکو جهت ایراد در رادیو حاضر نماید وقت ملاقات از او خواسته و روز یازدهم دی یعنی صبح اول سال ملاقات و کیفیت مذاکرات مسکو را از او استفسار کردم.

وزیر امور خارجه اظهار نمود همانطور که قبل از حرکت وعده کردم حتماً قضیه ایران را در برنامه خود قرار دهم چندین بار راجع به ایران مذاکره و در یکی از جلسات شب موضوع ایران را مجدداً به میان آوردم و با توضیحات لازمه اصرار زیاد در حل و تصفیه کار ایران نمودم و در همان جلسه نزدیک بود موافقت حاصل شود. کمیسیون سه

نفری متشکل از نمایندگان سه دولت با موافقت دولت ایران تشکیل و کمیسیون مزبور به ایران رفته مطالعاتی کرده و پیشنهاداتی برای حل و تصفیه اختلافات بنماید ولی در جلسه صبح بعد روسها بکلی وضع خود را تغییر داده به عنوان اینکه این قیام بکلی طبیعی و ناشی از تعدیات و مظالمی است که به ملت ایران وارد آمده و عدم رضایت عمومی در آن حکمفرماست و به این علت یک موضوع داخلی ایران به شمار می‌رود و به عذر اینکه با دولت فعلی ایران هرگونه مذاکره مثمرثمری نخواهد داشت از قبول پیشنهاد مزبور خودداری کردند و هرگونه مداخله شوروی را در جریانات ایران تکذیب نمودند. وزیر امور خارجه اظهار داشت دولت امریکا هنوز امیدوار است قضیه ایران را به وسیله مذاکرات سیاسی با روسیه حل نموده و با موافقت دولت ایران مذاکرات مزبور را ادامه داده راه‌حلی برای آن پیدا کند. ضمناً دارای این عقیده بود که صلاح دولت ایران این است که قبل از هرچیز یک سلسله اصلاحات اساسی را در کشور شروع نموده به مردم ایالات و ولایات آزادیهای مطابق قانون اساسی و قوانین موجوده انجمن‌های ایالتی و ولایتی بدهد و بدین‌وسیله جلوی توسعه این جنبش را در سایر ایالات گرفته و زیان مفسدین و محرکین آنها را ببندد.

پس از ملاقات وزیر امور خارجه اطلاع حاصل کردم به سفیر امریکا در طهران نیز از طرف وزارت امور خارجه دستور داده شده است کیفیت جریان مذاکرات مسکو را بطور تفصیل توسط آقای جرنگین نایب سفارت کبری که در مسکو حضور داشته است به اطلاع آن وزارت برسانند. این بود که خلاصه مذاکرات با وزیر امور خارجه را طی تلگراف شماره ۴۸۴ به آن وزارت اطلاع دادم. تا اینکه تلگراف آن وزارت شماره ۱۷۵۰ رسید و به طرحی اشاره نموده بودند که سفیر کبیر انگلیس در موضوع تشکیل کمیسیون سه نفری برای مطالعه در کار ایران به دولت ایران بطور محرمانه داده و تقاضا نموده است پس از مطالعه موافقت خود را اظهار دارند تا دولتین امریکا و انگلیس در آن واحد مطلب را در جراید امریکا و انگلیس و ممالک دیگر مطرح نموده و افکار عامه دنیا طرح مزبور را تقویت نموده و به این وسیله موضوع را به روسها بقبولانند. چون طی ملاقات، وزیر امور خارجه از طرح مزبور صحبتی نکرده بود و فقط خلاصه از قصد تشکیل کمیسیون را بیان کرده خیال نمی‌کردم طرحی هم در این باب تهیه کرده باشد. معیناً بلافاصله پس از وصول تلگراف فوق به وزارت امور خارجه مراجعه نموده طرح

مزبور را خواستم آنها ابتدا از وجود طرح مزبور اظهار بی‌اطلاعی کرده ولی بالاخره در نتیجه مراجعه به صورت مذاکرات مسکو طرح را پیدا کرده شفاهاً آن را برای این جانب قرائت نمودند که در ضمن مواد آن را یادداشت کرده‌ام.

خلاصه اعتراضات خود را به طرح مزبور طی تلگراف شماره ۴۹۶ به استحضار آن وزارت رسانده و تکرار آن را در اینجا زائد می‌دانم ولی بطور خلاصه یادآور می‌شوم که قبول تشکیل یک چنین کمیسیونی متشکل از نمایندگان روس و انگلیس و امریکا برای آمدن به ایران و مذاکره با یک عده هنگامه‌جو مخالف دولت ایران در ایالات مختلف و دادن نقشه‌های اصلاحی به ایران با استقلال ایران منافات دارد خاصه آنکه در طرح مزبور ابداً عمر این کمیسیون را تعیین نکرده‌اند یعنی معلوم نیست تا چه مدت در ایران خواهد ماند و چه وقت از کار خود فراغت حاصل نموده و در ظرف چه مدتی مکلف است نتیجه مطالعات خود را حاضر نموده و گزارش نهائی خود را تقدیم دارد. علاوه بر این کمیسیون که نمایندگان هر سه کشور در آن شرکت دارند مطابق این طرح بایستی پس از اتمام مطالعات نتیجه آن را به دول مزبور تقدیم کرده و آنها مجدداً مجال خواهند داشت در آن جرح و تعدیل به عمل آورند و تازه پس از جرح و تعدیل ثانوی تصویب کمیسیون را بطور سفارش برای دولت ایران بفرستند.

البته تصدیق می‌فرمایند که دولت روس آنچه بخواهد در کمیسیون به وسیله نماینده خود و در موقع تجدیدنظر مستقیماً در پیشنهادات اعمال غرضی به ضرر ایران خواهد نمود و در نتیجه نظریات خود را از مجرای این کمیسیون بطور سفارش برای ما خواهند فرستاد و نیز بایستی این موضوع را نصب‌العین داشت که دول سه‌گانه انتظار خواهند داشت تصمیمات کمیسیون علناً از طرف ما به موقع اجرا گذارده شود و کلمه سفارش در این مورد بکلی معنی حقیقی خود را از دست خواهد داد و هرگونه قصوری از طرف ما اسباب رنجش روسها شده و بهانه جدید بدست آنها خواهد داد و وضعیت ما را در مقابل دولتین امریکا و انگلیس و بالنتیجه در مقابل دنیا سخت‌تر و روسیه را حق به جانب‌تر نشان خواهد داد. پس تا فرصت از دست نرفته بایستی یکی از این دو کار بشود یا اینکه همانطور که در تلگراف شماره ۴۹۴ اظهارنظر کرده‌ام اقدامی بفرمائید که انگلیسها از تشکیل کمیسیون به وضع حاضر منصرف شده اگر میانجی‌گری به نفع ما می‌خواهند بکنند سفرای کبار انگلیس و امریکا و روس را که از همه کس بهتر به این

اوضاع آشنا می‌باشند، مأمور نمایند با دولت ایران مشورت‌هایی کرده و در حدود توانائی و مصلحت کشور و اجازه قانون اساسی ایران اصلاحات لازم را در نظر گرفته و موافقت هر چهار طرف را جلب و دولت ایران پیشنهادات مزبور را مبتکراً اجرا و رفع غائله را بنماید والا اگر واقعاً انگلیسها از کمیسیون مزبور نمی‌توانند صرف‌نظر کنند و معتقدند که روسها را نمی‌توان به غیر آن راضی کرد لااقل اقدامی کنند که این کمیسیون از طرف شورای امنیتی، جلسه عمومی سازمان بین‌المللی تعیین شود و مانند سایر اقدامات صلح‌آمیزی که شورای امنیت یا جلسه عمومی برای رفع اختلافات بین دول می‌تواند نماید این کمیسیون را هم تعیین نمایند که وضعیت ما را از حالت اقدام انفرادی و دخالت سه دولت مستقیماً در کار ایران خارج نموده بدست یک سازمان بزرگ بین‌المللی بدهند بلکه روسها بیشتر ملاحظه کرده و کار از مجرای طبیعی خود خارج نشده باشد.

اگر این جانب قبل از ملاقات وزیر امور خارجه از این طرح اطلاع می‌داشت یا در موقع ملاقات وزیر امور خارجه طرح را ارائه می‌داد و مجال بحث در آن می‌بود عقیده شخصی خود را به او از همین قرار اظهار و جداً موافقت او را برای تأیید این نظر می‌خواستم حالا نیز انتظار دارد آن وزارت مطالعات خود را در اطراف این طرح با در نظر گرفتن تلگراف ۴۹۶ این جانب تکمیل کرده نظر خود را قطعاً اظهار فرمایند که از همان قرار با وزارت امور خارجه امریکا مذاکره نماید.

عین تلگراف ۴۹۶ را به جناب آقای تقی‌زاده نیز مخابره کرده‌ام و البته ایشان هم نظر خود را به آن وزارت اطلاع داده‌اند. چون هنوز کار در لندن شروع نشده و وقتی که شروع می‌شود دو سه هفته طول خواهد داشت بایستی دولت تکلیف این موضوع را قبل از ختم دوره اول اجلاس معین کرده اگر کار یا مذاکرات سیاسی تمام نشود موضوع را در سازمان ملل متحده طرح فرمایند زیرا به طوری که تذکر داده‌ام راه تعقیب روسها همان سازمان است و دولتین امریکا و انگلیس برای حفظ آبروی آن سازمان ناگزیر از مساعدت با ما بوده و کلیه دول دنیا به استثنای چند دولتی که مستقیماً تحت نفوذ روسیه می‌باشند این موضوع را استقبال خواهند کرد. **سفیر کبیر حسین علام»**

دولت ایران با در نظر گرفتن نظریات و توصیه‌های سفیران خود در لندن و واشنگتن و رعایت قانون اساسی و حق حاکمیت و حفظ استقلال ایران پیشنهاد دولتهای

متفق را به قرار زیر اصلاح کرد:^۳

«نظر به اینکه طول توقف نیروی خارجی در ایران باعث بی‌نظمی امور و وقایع اسفناک در بعضی از نواحی این کشور شده و از اقدامات دولت که باید برای اصلاح کارهای مملکت پس از صدمات وارده از جنگ جهانی به عمل آید جلوگیری نموده و انتظار مساعدتهای شایانی داشتند دیگر هیچ موجبی برای ادامه توقف نیروی خارجی در ایران نیست و ششماه مندرج در عهدنامه سه‌جانبه حداکثری بوده که در نظر گرفته شده و با غلبه کامل بر دول محور در غرب و شرق دیگر استفاده از این مدت حداکثر موردی نداشته و نتیجه ادامه توقف نیروی خارجی بیش از بیش باعث مزید خرابی ایران که پل پیروزی نامیده شده می‌گردید لهذا دولت ایران هنگام تشکیل کنفرانس وزیران امور خارجه در مسکو در تعقیب درخواستهای پیش مصراً تقاضا نموده بود که هر سه دولت فوراً نیروی خودشان را از ایران بیرون ببرند و تا موقع بیرون رفتن آخرین سرباز خارجی از این کشور دولت ایران آزادی عمل کامل داشته باشد که بتواند نقشه‌هایی که برای اصلاح امور کشور تهیه نموده اجرا و نظم و آرامش را برقرار نماید. به علاوه تقاضای مزبور دولت ایران به هر سه دولت یادآوری کرده بود که هر تصمیم دیگر که در کنفرانس مسکو درباره اقدام ایران اتخاذ شود باید با موافقت دولت ایران باشد.

اخیراً دولت ایران استحضار حاصل نمود که تقاضا و تذکر مزبور مورد توجه و مذاکره هر سه دولت قرار گرفته و اینطور در نظر گرفته‌اند که موقتاً کمیسیونی مرکب از نمایندگان سه دولت بزرگ متحد به ایران بیایند منتهی قبول این تصمیم موکول به موافقت دولت ایران شده است. لهذا دولت ایران که قبلاً در نظر داشت برای اثبات این مطلب که تنها علت و سبب مشکلات اخیر ایران همان توقف بی‌مورد و غیر لازم نیروی خارجی در این کشور و نداشتن آزادی عمل دولت است موضوع را در مجمع ملل متفق طرح نماید. با توجه به مراتب مذکور در بالا و از لحاظ اینکه شاید توسل به این اقدام موجب رنجش متحدین معظم ما شود برای اثبات حسن‌نیت و تمایل خود به صلح و مسالمت عجالتاً از این نظر منصرف گردید. اکنون بدین وسیله اعلام می‌دارد که به منظور رفع مشکلات و محظورات فعلی کشور و رعایت روابط دوستانه با متفقین بزرگ خود و

اثبات حسن نیتی که در مناسبات خود با همسایگان همواره داشته و برای اینکه خللی هم به محیط آرام نخستین دور اجلاس به مجمع ملل متفق وارد نیاید موافقت دارد که به فوریت کمیسیونی مرکب از نمایندگان سه دولت بزرگ و متحد ایران به این کشور اعزام گردد تا به اتفاق دو نماینده که از طرف دولت ایران انتخاب و معرفی خواهند شد سریعاً به اوضاعی که در نتیجه توقف نیروی خارجی در این کشور پیش آمده و مشکلاتی که روی داده است رسیدگی دقیق نماید و وسایل تخلیه فوری این کشور از نیروی خارجی فراهم کنند و طریقه‌ای پیش گیرند که استقلال و حق حاکمیت و وحدت کامل سیاسی و اداری و اقتصادی ایران بر طبق قانون اساسی و قوانین مشروطیت این کشور از هر جهت فوراً تأمین شود.

حداکثر مدت مأموریت این کمیسیون ششماه یعنی تا ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۶ خواهد بود. وظایف و حدود اختیارات کمیسیون مزبور طبق موارد ذیل است:

۱- کمیسیون نامبرده برای شروع باید این موضوع را مدنظر قرار دهد که طی مدت اقامت قشون متفقین در ایران تشکیلات اقتصادی ایران و تشکیلات اداری و دولتی دچار اختلال گردیده و اشکالاتی برای دولت ایران در اداره امور بعضی از ایالات رخ داده است و دول بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کشورهای متحد امریکا تصدیق می‌نمایند که ممکن است مسئولیت این وضعیت تا حدی متوجه آنان باشد بنابراین باید سعی نمائید که با دولت ایران در تجدید استقرار اوضاع عادی مساعدت نمایند.

۲- از لحاظ رفع نگرانی دولت ایران و احتراز از اصطکاک بین‌المللی کمیسیون باید نسبت به این موضوع که در خروج قوای متفقین از ایران قبل از ۲ مارس ۱۹۴۶ تسریع شود رسیدگی و توصیه‌های مقتضیه به سه دولت بنماید.

۳- کمیسیون باید مراتب ذیل را کاملاً در مدنظر قرار داده رعایت نماید:

الف - تعهدی را که بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ضمن پیمان مورخه ژانویه ۱۹۴۲ دائر به احترام استقلال سیاسی و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نموده‌اند.

ب - اعلامیه صادره طی کنفرانس تهران راجع به ایران از طرف روزولت رئیس‌جمهوری و ژنرال‌سیم استالین و چرچیل.

۴- در تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی که اعلان آن از طرف دولت ایران داده شده است کمیسیون به دولت مساعدت خواهد نمود که حسن جریان انتخابات مزبور بر طبق قوانین مشروطیت ایران انجام پذیرد.

۵- توصیه‌هایی که کمیسیون در حین انجام وظایف خود در حدود قانون اساسی ایران به دولت ایران خواهد نمود شامل عموم ایالات و ولایات ایران یکسان و بلااستثنا خواهد بود.

۶- قوانین موجوده در باب انجمنهای ایالتی و ولایاتی که طبق قانون اساسی و قوانین مشروطیت است باید مآخذ و مبداء تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی قرار گیرد لکن اصلاحاتی درباره مقررات انجمن‌های ایالتی و ولایتی که مخالف قانون اساسی نباشد و به نظر کمیسیون لازم برسد توصیه خواهد نمود.

۷- کمیسیون به اتفاق نمایندگان که از طرف دولت ایران معین خواهند شد وظایف محوله را انجام و هر نوع اطلاعی که لازم داشته باشد از مراجع مربوطه بدست خواهد آورد.

۸- هریک از پیشنهادهای کمیسیون که مورد قبول دولت ایران قرار گیرد پس از تصویب مجلس شورای ملی به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

۹- کمیسیون هیچگونه پیشنهادی نخواهد کرد که به وحدت ملی ایران خلل وارد آورد و یا خلاف قانون اساسی ایران باشد.

۱۰- اولین انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی با مراقبت کمیسیون و در حدود مدتی که در این اعلامیه ذکر شده انجام خواهد گرفت.»

ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر پیشنهاد کنفرانس وزیران امور خارجه را که قبلاً به وسیله سفیران امریکا و بریتانیا در تهران به دولت ایران تسلیم شده بود با متن اصلاحیه دولت به اطلاع مجلس شورای ملی رسانید ولی مجلس آن را رد کرد و با تشکیل چنین کمیسیونی مخالفت ورزید که ما در اینجا برای نمونه به ذکر دلایل یکی از مخالفین مبادرت می‌ورزیم:

۴- از مذاکرات مجلس شورای ملی. ۲۰ دی ماه ۱۳۲۴. روزنامه رسمی کشور ایران. سال

اول. شماره ۲۶۷

ثقة الاسلامی - چنانچه آقایان فرمودند بعضی صحبت‌ها هست که اگر قبل از دستور به موقع گفته نشود فوت می‌شود و آن عمل خنثی می‌شود و دیگر فایده ندارد... عرض بنده امروز دو قسمت است: یکی اصول تجارتی و دیگر سیاست خارجی...

در قسمت سیاست خارجی چند روز است شنیده می‌شود دولت مشغول مطالعه است که یک کمیسیون سه‌جانبه امریکا و شوروی و انگلیس تشکیل شود و اوضاع ایران را بررسی نماید. بنده برای اینکه حقایق اوضاع آذربایجان... که بر همه دنیا معلوم است نه با یک کمیسیون بلکه با صد کمیسیون، هزار کمیسیون که برای کشف حقایق اوضاع آذربایجان و دیدن وضع رقت‌بار و اسف‌انگیز برادران آذربایجانی من که در چنگال یک مشت ناشناس و مسلح شده که بر جان و مال و ناموس و ارض آذربایجانی قناعت نمی‌کنند، موافقت دارم. زیرا هر کس در آذربایجان با اندک توجهی وضع مردم آنجا و حالات اجتماعی آنجا را مشاهده کند فوراً تشخیص خواهد داد که جریان فعلی آذربایجان یک جریان مصنوعی است و ساختگی است و روح تمام توده آذربایجانی چهار یا پنج ملیون از این عمل متنفر و در عذاب است. اما متأسفانه می‌شنویم بعضیها متذکر می‌شوند که این کمیسیون سه‌جانبه به مسائل دیگری هم می‌خواهد توجه کند. قبلاً به قضیه زبانهای که در ایران به آن تکلم می‌کنند سردهسته این زبانها را می‌گویند ترکی است که آن لهجه‌ای است عارضی که بر اثر هجوم چندین صدسال قبل به آذربایجان عارض شده و آذربایجانی فکرش فارسی است، نوشتنش فارسی است، خواندش فارسی است... یک روزنامه آذربایجان که امروز در تبریز چاپ می‌شود بگذارید جلوی‌شان تصور نمی‌کنیم که همه آنها بتوانند این روزنامه را بخوانند اگر هم بخوانند خیلی با دشواری... تمام مدارس همه فارسی زبان بوده فارسی حرف می‌زنند و می‌نویسند، فارسی زبان ایران است و تمام ایران هم فارسی حرف می‌زنند... هیچ مقام داخلی یا خارجی حق ندارد در ایران فرض بودن چند زبان را بکند... شنیدم در این کمیسیون در باب اصلاح وضع سیاست خارجی ایران توجه خواهد کرد بنده می‌خواهم عرض کنم که سیاست خارجی ایران از اول مشروطیت تا حال مبنی بر داشتن روابط دوستانه و صمیمانه با تمام دول خارجی بخصوص همسایگان خود بوده است و در راه دوستی و صمیمیت از هیچ اقدام موثری خودداری نکرده است. حالا اگر بعضی از دول

نخواستند این احساسات ما را حسن استقبال کنند. مثلاً برای عزیمت رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه ما به پایتخت خود هنوز جوابی نداده‌اند این قصوری از ناحیه سیاست خارجی ایران حساب نمی‌شود. ما میل داریم با تمام دول خارجی بخصوص همسایگان خود با حقوق مساوی و احترام متقابل دوست باشیم و همیشه این نیت خود را ابراز و اثبات کرده‌ایم. بنده به دولت تذکر می‌دهم که در این اظهاری که برای کمیسیون سه‌جانبه شده است از این قبیل مسائل و قضایا وجود دارد. ما و تمام ایرانیان به هیچ‌وجه حاضر به قبول اینگونه مسائل نبوده و نیستیم (صحیح است) زیرا اساساً اختلاف نژادی عمده‌ای در ایران وجود ندارد که محتاج به این طول و تفصیل باشد. فقط در قسمت آذربایجان بر اثر توقف ممتد قشون خارجی و سلب آزادی عمل از دولت و عده معدودی جاه‌طلب و استفاده‌چی در صدد تهیه مقامات و سرمایه برای خود برآمده‌اند. این نه مربوط به زبان است نه در سایر ایالات و ولایات اظهاراتی شده است و نخواهد بود... بنابراین امیدواریم دولت از روی کمال وقت و بصیرت موضوع کمیسیون سه‌جانبه را مطالعه کرده و قسمتی را که با وحدت ملی ایران و حق حاکمیت ایران تماس دارد نپذیرد و در غیر این صورت هرگونه تصمیمی گرفته شود ما قبول نخواهیم کرد (صحیح است)...

فصل هفتم

ارجاع مسئله آذربایجان به شورای امنیت سازمان ملل متحد و مسافرت احمد قوام نخست‌وزیر به مسکو

دولت ایران پس از مشورتها و دقتهای لازم سرانجام با موافقت شاهنشاه مسئله آذربایجان را به سازمان ملل متحد ارجاع و تقاضا کرد که موضوع را در سازمان ملل مطرح و طبق اساسنامه این سازمان درخواست لازم را به شورای امنیت تسلیم نماید. حکیمی ضمن نطقی که به قرار زیر در جلسه ۲۵ دیماه ۱۳۲۴ (۱۵ ژانویه ۱۹۴۶) ایراد کرد موضوع ارجاع مسئله آذربایجان را به سازمان ملل متحد به اطلاع مجلس شورای ملی رسانید:^۱

«آقایان محترم چنانکه استحضار دارند محرک این جانب در قبول این مسئولیت عشق به مسند نبوده بلکه به این نیت که شاید بتوانم در این دوره پر آشوب با کمک و تقویت عموم نمایندگان محترم مصدر خدمتی بشوم خواب راحت را بر خود حرام و بر حسب تمایل همه آقایان امر اعلیحضرت همایون شاهنشاه را اطاعت و در تمام این مدت کوتاه جز در راه خیر و صلاح جامعه قدمی برنداشتم.

در سیاست داخلی با این همه آشفتگی‌های مملکت آیا ممکن بود در این مدت بیش از آن چه شده است کاری کرد؟ چون آقایان خود همه چیز را می‌دانید و می‌بینید

حاجت به بسط مقال نیست و اگر مساعی این جانب ارزش نداشته است عذر تقصیر را فقط در این می‌دانم که از آن چه در قوه داشته‌ام فره‌ای دریغ نکردم و تمام همت دولت مصروف آن بوده که ریشه نفاق و خصومت از میان افراد ملت برافتد و به وحدت ملت و مملکت از هیچ جهت سگته وارد نشود و درین راه به هیچ مشکلی نیاندیشیده‌ام چنان که مجلس شورای ملی هم از این سیاست دولت پشتیبانی نموده‌اند.

درینجا لازم است این جمله را تکرار کنم که آسایش خیال و رفاه ملت ایران موقوف به یک رشته اصلاحات اساسی است و هر قدر در اجراء آن تعجیل کنیم باز دیر شده است و به این جهت مجلس و دولت شب و روز باید به فکر انجام و تکمیل این اصلاحات باشند و عموم برادران و هموطنان ما در هر کجا مسکن دارند باید در هر دقیقه و آن متوجه این نکته اساسی و مهم باشند که وظیفه عموم ایرانیان از هر شهر و ناحیه یا طایفه و قبیله‌ای که هستند این است که با هم دست یگانگی و هماهنگی داده و با حفظ وحدت و تمامیت و استقلال ایران، نقائص و معایب موجود و مخاطرات را به قسمتی از آنها نتیجه جنگ و آشوب جهانگیر اخیر و حضور نیروهای خارجی در این کشور است با ارتباط دائم و تبادل نظر صمیمانه و برادرانه با همدیگر و از راه اتفاق با یکدیگر رفع کنند نه به وسیله بی‌مهری و نفاق و شقاق و ایراد و خرده‌گیری و بدگونی و عیبجویی.

اما در سیاست خارجی نصب‌العین دولت همواره این بوده است که با صیانت و احترام اساسی به استقلال تام و تمام مملکت و حفظ حدود و ثغور کشور مناسبات دولت ایران با عموم دول صلح‌دوست عالم و همسایگان خودمان، مخصوصاً با سه دولت بزرگ دنیا، در نهایت دوستی باشد و نسبت به دو همسایه عظیم‌الشان روابط ما کاملاً متساوی و یکسان و بر پایه مودت و صداقت استوار گردد.

برای انجام این منظور دولت کمال تلاش خود را بکار برد که شالوده چنین مناسباتی با دولت اتحاد جماهیر شوروی بر پایه متین برقرار شود و البته روابط دو دولت را از هر گونه غباری که بر وهم و تصور بیاید پاک و صاف کرد ولیکن با کمال تأسف باید بگویم که در این راه چنانکه امیدوار بودیم تاکنون مقصود حاصل نگردیده و مساعی و مجاهدت ما در تهران و مسکو هنوز به جایی نرسیده است...

در خاتمه لازم می‌دانم به بعضی نکات مهم دیگر که در این اواخر در مجلس شورای ملی و مطبوعات از آنها ذکر رفته اشاره نمایم:

یک - چنانکه استحضار دارند در تعقیب و تکمیل مذاکراتی که در تهران و مسکو برای روشن شدن بعضی مسائل و تشیید روابط حسنه با دولت اتحاد جماهیر شوروی داشتیم پیشنهاد نمودیم به مسکو برویم و از نزدیک کارهایی را که داریم انجام دهیم چون جوابی نرسید و کنفرانس وزیران خارجه سه دولت در مسکو تشکیل شد تقاضا نمودیم کنفرانس، تصمیم فوری در بیرون بردن نیروی خارجی از ایران اتخاذ و جلوی آزادی عمل دولت را بیش از این نگیرد و ضمناً یادآوری نمودیم بدون مشورت با خود ما در اموری که مربوط به ما است نمیتوانند تصمیمی اتخاذ نمایند. پیشنهاد رفتن به مسکو را در مدتی که کنفرانس دائر بود پس از خاتمه کنفرانس نیز یادآور شدیم. درین ضمن دولتین امریکا و انگلستان شفاهاً اطلاع دادند که هر سه دولت در مسکو مذاکره نموده‌اند که هرگاه دولت ایران رضایت داشته باشد کمیسیونی از طرف آنها به ایران بیاید.

شرایط و وظایف کمیسیون را هم به ما گفتند با پیشنهاد مزبور به صورتی که آنها در نظر گرفته بودند بدون تأمل و فوری جواب رد دادیم. سپس از ما پرسیدند که اگر اساساً با آمدن نمایندگان امریکا و شوروی و انگلستان برای مدت خیلی کوتاه مخالفتی نداریم نظر خودمان را درباره شرایط و وظایف آنها اظهار داریم ما شفاهاً جواب دادیم که هرگاه فقط برای مدت چندماه هیئتی مرکب از نمایندگان سه کشور بزرگ متحد ما به ایران بیایند که به اتفاق نمایندگان خودمان مقررات عهدنامه سه جانبه و اعلامیه معروف سران سه دولت را کاملاً در مدنظر بگیرند و موجبات تسریع خارج شدن نیروی بیگانه را پیش از دوم مارس ۱۹۴۶، که رسماً تعهد کرده‌اند، از ایران فراهم آورند موافق هستیم و باید هر سه دولت در مدت بسیار کوتاه مزبور سعی نمایند که به دولت ایران در تجدید اوضاع عادی درین کشور کمک شود و اوضاع غیرعادی که فقط نتیجه حضور نیروی خود آنها در ایران است برطرف گردد.

دو - پس از تشکیل مجمع عمومی ملل متفق دولت در نظر داشت حل مشکلات را از مجمع مزبور بخواهد و عرضحالی که لازم است با اسناد و مدارک به مجمع ملل متفق تقدیم دارد و وضع اسف آور خود را در پیشگاه مجمع تشریح نماید. زیرا پس از محنت و رنج فراوانی که ملت ایران در تمام دوره جنگ تحمل کرده است و مساعدتهای شایانی که به متفقین خود نموده یقین داشت پس از خاتمه جنگ بلافاصله نیروی آنها

ایران را ترک خواهد نمود.

متأسفانه ماهیاست جنگ تمام شده و با وجود تقاضای متوالی دولت ایران در خارج کردن قوای خودشان پیش از دوم ماری ۱۹۴۶ تأمل دارند و در کارهای ایران مداخله می‌نمایند. ولی چون هنوز مذاکرات مستقیم در تهران و مسکو در میان بود امیدوار به انجام مقصود بودیم و استنباط نمودیم که شاید مراجعه ما در آن موقع به مجمع ملل متفق و گذاردن موضوع ایران در دستور مجمع مخالف انتظار متفقین ما باشد لهذا از این اقدام خودداری نمودیم ولی بعد همین که معلوم شد در مذاکرات مستقیم به منظور نمی‌رسیم ناچار به ریاست هیئت نمایندگی ایران در مجمع ملل متفق دستور دادیم که موضوع ایران را در مجمع ملل متفق طرح و مطابق اساسنامه سازمان ملل متفق درخواستی که لازم است به شورای امنیت بدهد.

.....

چون دولت تشخیص داد که آقای تقی‌زاده کمال شایستگی و لیافت را برای ریاست هیئت نمایندگی ایران دارد لذا وی را بدین سمت انتخاب نمود.»

ابراهیم حکیمی پس از بیانات خود در مجلس شورای ملی در مصاحبه‌ای که با گودوین مخبر آسوشیتدپرس و هرمان مخبر رویتر کرد چنین اظهار داشت:^۲

سوال اول - انعکاس کنفرانس مسکو جناب آقای نخست‌وزیر و آقای وزیر امور

خارج چیست؟

پاسخ - درباره مذاکرات کنفرانس مسکو هنوز اطلاع رسمی به دولت ایران نرسیده ولی از آنچه که به وسیله رادیوها و آژانس‌ها منتشر شده دانسته می‌شود ظاهراً در باب تخلیه فوری ایران که مورد تقاضا و درخواست دولت شاهنشاهی بوده تصمیمی اتخاذ نشده و به همان نظر سابق خودشان که تا دوم مارس که نیروهای متفقین ایران را تخلیه می‌نمایند، باقی مانده‌اند و نیز از اینکه ایران با همه فداکاریها که برای پیشرفت و غلبه متفقین خود در سالهای جنگ نموده نامش در زمره مللی که در کنفرانس عمومی صلح شرکت جسته است، ذکر نشده بسیار متأسف است و یقین دارد که دول متفق و دوست که در مدت جنگ از وسایل و مردم این کشور مساعدت و کمک‌های شایان دیدند و

بارها علناً و چه کتباً و چه شفاهاً اعتراف و قدردانی نموده‌اند در این موضوع تجدیدنظر نخواهند نمود.

بطوری که ذکر شد خبر عدم تخلیه فوری ایران مایه تأسف دولت و ملت ایران می‌باشد زیرا هیچگونه موجباتی وجود ندارد که پادگان‌های متفقین در شهرهای ایران بماند خاصه اینکه طبق بند یک فصل چهارم عهدنامه اتحاد سه گانه متفقین برای نگاهداری عده‌ای نیرو در نقاطی که مقتضیات استراتژیکی اجازه دهد بایستی موافقت دولت ایران را جلب نمایند و تاکنون نه این موافقت تحصیل شده و نه اینکه پس از خاتمه جنگ نقاط استراتژیکی در ایران موضوع دارد.

سوال دوم - آیا به نظر دولت ایران سه دولت بزرگ می‌توانند تصمیمی راجع به ایران بگیرند.

پاسخ - این سوال به نظر قدری مبهم می‌آید اگر مقصود این است که آنها خودشان با استقلال درباره ایران مذاکراتی نموده تصمیماتی اتخاذ نمایند جواب منفی است. زیرا ایران کشوری است مستقل دارای رژیم دموکراسی و پارلمانی و متفق با دول بزرگ و دولتین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طبق فصل ششم پیمان سه گانه تعهد کرده‌اند که در روابط خود با کشورهای دیگر روشی اختیار نمایند که برای تمامیت و حاکمیت و یا استقلال ایران مضر باشد و پیمانهای نبندند که با مقررات پیمان اتفاق منافات داشته باشد و نیز تعهد کرده‌اند با دولت ایران در هر امری که مستقیماً با منافع ایران مرتبط باشد مشاوره نمایند.

سوال سوم - آیا مذاکرات درباره ایران در کنفرانسها بدون حضور نماینده ایران با منشور آتلانتیک و یا سایر اعلامیه‌ها منافات ندارد؟

پاسخ - دول متفق طبق فصل ششم عهدنامه سه جانبه و نامه‌های متبادله و منضمه به آن که همه آنها مبتنی بر اصل منشور آتلانتیک است تعهد کرده‌اند که در کنفرانسهای بین‌المللی مخالف تمامیت و استقلال و حاکمیت ایران روشی اختیار نکنند و در مسائل مربوط به ایران با دولت ایران مشورت نمایند و نماینده دولت ایران در کنفرانس صلح در مسائل مربوط به ایران حاضر باشد.

مقارن با وقایعی که در ایران می‌گذشت زمامداران بعضی از دولتهای متفق هم‌آهنگ با دولت ایران به اقداماتی متوسل شدند تا شاید استالین و دولت او را بر سر

عقل بیاورند. به این سند توجه کنید:

۱۳۲۴/۹/۴

لندن - به قرار اظهار خبرگزاری انگلیس در جلسه روز پنج‌شنبه مجلس عوام انگلستان مستر ایدن وزیر امور خارجه سابق انگلیس نطقی ایراد کرد. نامبرده نخست از ضرورت روابط حسنه انگلستان و روسیه و امریکا سخن گفت سپس توجه خود را به وقایع اخیر ایران معطوف داشت.

ایدن گفت ما با اندک نگرانی در جراید اخباری ملاحظه می‌کنیم مشعر بر اینکه شورش و بی‌نظمی در بخش شمال باختری ایران پیش آمده و دولت ایران بر اعزام قوا بدان سامان برای رفع غائله و تأمین آرامش مبادرت نموده است. بالاخره ما اطلاع یافتیم که مقامات شوروی از حرکت این قوا جلوگیری کرده است و آنها را مجبور به بازگشت نموده‌اند.

من ناگزیرم به اطلاع آقایان برسانم که به نظر این جانب چنین اقدامی با روح پیمان سه‌جانبه انگلیس و شوروی و ایران مورخ سال ۱۹۴۲ و با اعلامیه تهران مورخ ۱۹۴۳ سازگار نیست. زیرا مفاد اعلامیه انجمن تهران چنین می‌گوید که دولت‌های شوروی و امریکا و انگلستان متفقاً مایلند که عنان استقرار نظم کشور ایران بدست دولت ایران سپرده شود. ایدن گفت به نظر این جانب این دفعه اولین بار نیست که مقامات شوروی از حرکت نیرو و ژاندارمری دولت ایران به نواحی تحت اشغال خود جلوگیری نموده و به آنها اجازه حرکت بدان سامان نداده‌اند. بالتجیه هر آینه اختلافاتی به ظهور رسیده باشد چندان شگفت‌انگیز نمی‌باشد. دولتهای متفق برای آن به خاک ایران قدم نهاده که مسئله ارسال خواربار و مهمات به خاک اتحاد جماهیر شوروی تأمین گردد و هرگز مایل نیستند دوباره در ایران به سیاست منفور گذشته که به نام مناطق نفوذ سیاسی نامیده می‌شود، بازگشت نماید.

در این هنگام ایدن چنین گفت که دولت اتحاد جماهیر شوروی برای رفع سوزن و بدگمانی می‌تواند دو تصمیم زیر را اتخاذ کند که با حرکت آزاده قوای ایران در نواحی مورد بحث مخالفتی ندارد و اضافه کند که حاضر است میدان عمل را برای

فعالیت‌های این نیروها در مناطق مرزباز کند و بدانها کمک و مساعدت نماید.

«من می‌توانم بگویم که دولت اتحاد جماهیر شوروی خبرنگاران جرأید دنیا را دعوت کند که بدان سامان رفته و از نزدیک اوضاع آنجا را مشاهده نمایند و به آنها اجازه دهد که مشاهدات خود را آزادانه منتشر سازند تا به این ترتیب از خود رفع سوءظن نموده موقع خود را بیش از پیش مستحکم سازد.»

قبل از اینکه وارد بحث در مسئله طرح ایران در شورای امنیت شویم بنظر رسید که نظریات وزارت امور خارجه و سفیران ایران را در لندن و در واشنگتن درباره این موضوع مورد مطالعه قرار دهیم. به اسناد زیر توجه شود:^۲

وزارت امور خارجه

از واشنگتن به تاریخ ۱۵/۱۰/۱۳۲۴ نمره ۲۰۵۷

امروز صبح ضمن ملاقات طولانی وزیر امور خارجه راجع به کنفرانس مسکو توضیحات مفصلی بیان و اطمینان داد تا سرحد امکان در حل مشکل اصرار و نزدیک بود در اعزام هیئت سه گانه برای رفع بحران موافقت شود که با تصویب دولت ایران انجام گیرد. شوروی‌ها در جلسه شب تقریباً قبول نمودند اما صبح بعد رد کردند حالاً هم دولت امریکا نهایت کوشش را دارد با توافق نظر ایران موضوع را تعقیب نماید چون شورویها منکر مداخله در امور ایران هستند و این قیام را طبیعی و ناشی از ظلم و تعدی و سلب آزادی ملت می‌دانند. به عقیده وزیر امور خارجه اجرای فوری اصلاحات و تشکیل انجمنهای ولایتی طبق قوانین اساسی در تمام کشور موجب تقویت دعوی دولت شاهنشاهی و رد اظهارات طرف و شاید جلوگیری از انقلاب در سایر شهرستانهای شمالی خواهد بود. از اظهارات وزیر امور خارجه استنباط کردم که در صورت طرح موضوع ایران در مجمع عمومی از کمک و دوستی امریکا می‌توانم استفاده نمایم. چون تفصیل ملاقات مسکو را به وسیله سفیر امریکا به دولت ایران اطلاع داده‌اند در اختصار کوشش می‌کنم. همین قدر عرض می‌کنم لازم است با امیدواری و شجاعت پایداری نموده میدان را از دست ندهند.

نمره ۴۸۴. علا

وزارت امور خارجه

عنوان پاكُنویس: تلگراف رمز به جناب آقای تقی‌زاده - لندن

« ۴۵۴ - اولاً سفیر انگلیس به این جانب هم گفت که مطلب محرمانه باشد تا موافقت حاصل شود ولی خود انگلیسها بلافاصله موضوع را در جراید و رادیو منتشر کردند و اطراف آن هیاهو راه انداخته تا اینجا هم در جراید انتشار یافت و مشغول هیاهو شده‌اند. به سفیر انگلیس گفتم چرا این کار را کردید جوابی ندارد بدهد. ثانیاً مصمم بودیم با مطالعه کامل تمام اطراف کار موضوع ایران را در مجمع ملل متفق طرح نمائیم و قرار بود قبل از وقت از نظر دولتين امریکا و انگلیس مستحضر و جنابعالی هم با مشاور حقوقی مشورت و در موقع مقرر درخواست ایران را به ثبت برسانید. در آخر وقت معلوم شد که دولت انگلیس با طرح مسئله موافق نیست ظاهراً به عنوان اینکه توجهی در مجمع به آن نخواهد شد و برای پیشنهاد تازه که درباره کمیسیون سه دولت داده‌اند و به نظر دولت انگلیس به حال ایران نافع است مضر واقع خواهد شد ولی باطناً شاید برای آنکه طرح موضوع به نفع خودشان نیست و شاید اسباب زحمت خودشان شده و مانع نقشه‌ای که شاید باطناً دارند از مندرجات روزنامه‌های انگلیس استنباط می‌گردد ولی طرحی هم که برای اعزام کمیسیون سه دولت داده‌اند و عجله و اصرار در موافقت آن را دارند مواد غیرقابل قبول دارد و با اصلاحاتی که ما پیشنهاد می‌کنیم به عذر اینکه آن طرح بدو مورد تصویب شوروی واقع و بعد معوق مانده و اگر تغییرات اساسی در آن داده شود شوروی نخواهد پذیرفت سفیر انگلیس موافقت نمی‌کند و می‌خواهند دولت به زبانهای ترکی، کردی و عربی که نام آنها را اقلیت گذارده‌اند رسمیت دهد و به کمیسیونی که می‌آید اجازه بدهد درباره اصلاح قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی پیشنهادهایی بدهد گرچه آن پیشنهادها مطابق قانون اساسی هم نباشد و ماده‌ای هم در طرح هست که از آن استشمام می‌شود شاید می‌خواهند نیروی خودشان را حتی بعد از دوم مارس هم در ایران نگاهدارند. تازه با تمام این مسائل غیرقابل قبول فعلاً دولت شوروی با انگلیس و امریکا در پیشنهادات طرح در تهران شرکت ندارند و روزنامه‌های فارسی تهران که با شورویها بی‌ارتباط نیستند جداً با آن طرح مخالفت دارند و آن را پیشنهاد انگلیس می‌دانند و می‌گویند این طرح پیشنهاد انگلیس است که امریکا هم از آن تقویت می‌کند نه از طرف هر سه دولت. روزنامه‌های انگلیسی هم بطوریکه

ملاحظه می‌فرمائید به کمک روس از دولت و ملت ایران بدگونی و سعی در تزلزل حکومت فعلی می‌نمایند و بنظر می‌آید که عجله دارند موافقت دولت را به هر نحو شده با این پیشنهاد بگیرند بعد هم این کابینه ساقط شود و دنباله کارهای خود را با کابینه بعد تکمیل نمایند. در این ضمن در مجمع ملل متفق هم اسمی از ایران و محنت‌های او و بدی‌ها که به عوض نیکی‌های این کشور در مدت جنگ بر این ملت و کشور می‌کنند برده نشود مبدا به شوروی و خودشان برخورد. موضوع خیلی غامض و مورد توجه است و بیم آن می‌رود که سکوت ما در مجمع ملل متفق باعث ندامت و ملامت شود و ممکن هم هست با وجود عدم موافقت صریحی که انگلیس با طرح آن نموده اگر نتوانیم طرح کنیم ضررهای دیگر از طرف روس و انگلیس هردو به ما برسد. جنابعالی و هیئت ایرانی در مجمع ملل متفق خیلی بهتر از ما می‌توانید مضار و منافع طرح موضوع را و همچنین طریق و رویه‌ای که باید در طرح آن اختیار شود و سایر نکات لازمه مربوط به آن را مطالعه و تصمیمی اتخاذ فرمائید.

این جانب تصور می‌کنم اگر بکلی سکوت نمائیم بعد پشیمان می‌شویم. بنابراین پس از مطالعه دقیق و مشورت با هریک از نمایندگان خودشان و نمایندگان سایر دولتها که صلاح بدانید نسبت به طرح موضوع در مجمع ملل متفق هر رویه‌ای اتخاذ فرمائید کاملاً این جانب موافقت دارم. فوری اقدام فرمائید. ۱۷ دیماه حکیمی نخست‌وزیر»

امضا. ابراهیم حکیمی

اینک به ذکر پاسخهایی که سفیر ایران در لندن به تذکرات ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر می‌دهد مبادرت می‌ورزیم:

وزارت امور خارجه

از لندن به تاریخ ۱۳۲۴/۱۰/۱۹ نمره ۲۰۹۳

فوری

«تعقیب ۴۵۹ هرچه روز می‌گذرد و مطلب فوری روشن‌تر می‌شود و اظهارات جسته‌جسته جراید و بعضی رجال حقیقت خیالات حضرات را تا حدی نشان می‌دهد،

دیده می‌شود که پیشنهاد کمیسیون و اصلاح به‌شکلی که تنظیم شده و در صورتیکه معانی که از آن استنباط می‌شود همان باشد که در نظر اول پیدا است اگر بدون اصلاح و تعدیل عمل شود از استقلال ایران چیز زیادی باقی نمی‌ماند و ما خود دستی به چنان ترتیبی نمی‌توانیم رضا بدهیم. افغانستان استقلال کامل دارد و بلغارستان که دشمن بوده علاوه بر خاک خود مدعی قسمتی از خاک یونان است و ما که تمام منابع مملکت را به اختیار متفقین گذاشتیم و انتظار پاداشی داشتیم حالا باید در مقابل تقاضای تجزیه مملکت و زوال استقلال واقع شویم. چرا که این‌جا از گذاشتن میزبانی محدود (۴) برای ایران صحبت می‌کنند و یکی از ارکان وزارت امور خارجه در ضمن صحبت به من می‌گفت که در هر حال دولت مرکزی حق تعیین حاکم برای ولایات که خواهد داشت. نه مدت برای کمیسیون پیشنهادی معلوم است و نه حدودی برای مداخلات و توصیه آنها. تصور می‌کنم نباید دولت شجاعت لازم را از دست نداده و استوار و متین و محکم باشد و زیر بار مواد خیلی مضری نرود که با اسناد قوی مانند عهدنامه و اعلامیه تهران و عضویت ملل متحد و منشور آتلانتیک که در دست داریم مردن بی سروصدا و قبول اختیاری سلب استقلال جایز نیست و اقلأ باید در مقابل افکار عامه دنیا فریادی بکنیم. مهمترین تمام مطالب در حکومت امروز منوط به هیاو دولت وطن‌دوست و از میدان در نرفتن او است. با همه آنچه عرض شد البته اگر در مذاکره و مشاوره رفع معایب پیشنهادهای حضرات ممکن باشد و با مشاوره با دولت و قبول اختیاری ما به رضا و رغبت راهی برای موافقت پیدا شود از سعی در نشان دادن روح موافقت (۴) نباید خودداری کرد. ۱۷ دی نمره ۴۶۴. تقی‌زاده سفیر کبیر»

وزارت امور خارجه

از لندن به تاریخ ۲۳/۱۰/۱۳۲۴ نمره: ۲۱۱۸

« ۱۷۷۱ - جناب آقای رئیس‌الوزراء چنانکه سابقاً عرض کرده‌ام به عقیده بنده

یافتن طریقه حلی را که رخنه اساسی بر استقلال و تمامیت و حاکمیت و منافع حیاتی وارد نیاورد بر طرح موضوع در مجمع ملل متحد یا شورای امنیت مقدم شمرده و در موضوع طرحی که انگلیس و امریکا پیشنهاد کرده‌اند نباید از آنها بیش از حد لازم بدبین و مأیوس شد، زیرا که همان قدر که سستی و غفلت از دقایق و خوش‌باوری خوب

نیست و موجب فریب خوردن تواند شد همانطور هم افراط در سوءظن و تصور اینکه هر امر باطنی دارد که بر ما مجهول است و شبهه بی‌حدود نیز بکار اصلاح امور مشکل صدمه می‌زند باید در موضوع کمیسیون و غیره که پیشنهاد شده با حضرات بحث و صحبت کرد و البته با مهیا شدن به برخی گذشت‌های قابل تحمل در صورت امکان راه‌حلی پیدا کرد و آن راه را در مقابل حالت فعلی و از دست دادن آذربایجان و غیره گذاشت و سنجید. بردن موضوع به مجمع ملل برای جلب همدردی و افکار عالیه ملل دیگر مفید تواند شد لیکن به نتیجه قطعی و اقدام عمل جبری نمی‌توان مطمئن بود و در این صورت فقط شکایت و فریادی بیش نخواهد بود. گذشته از اینکه فعلاً که موضوع کمیسیون در تهران تحت مذاکره است تا یأس حاصل نشده و نتیجه از رد و قبول نداده طرح در مجمع مورد ندارد و باز موجب مخالفت انگلیس و امریکا تواند شد. ما تصمیم داریم در مجمع عمومی نطفی در موضوع گرفتاری خودمان کرده نظر ملل عالم را به این ملجاء جلب کنیم و بگوئیم چون امید حل قضیه به طریق دیگر بکلی زایل نشده بود، محض اینکه مجمع را از روز اول بکار خود مشغول بکنیم فعلاً از گذاشتن مسئله در دستور پیش از وقت خودداری نمودیم ولی حقوق خود را حفظ می‌کنیم در اینکه اگر اقدامات ما و دیگران برای حل قضیه به نتیجه نرسید از مجمع تقاضا کنیم که آن را در دستور بیاورد و بعد منتظر نتیجه مشاورات تهران و اقدامات انگلیس و امریکا در اصلاح کار شویم و تصور می‌کنم باید برای رسیدن به موافقتی هر اندازه سعی و مجاهدت که ممکن باشد با هر مقدار گذشتی که ممکن است با اصول اساسی و حقوق حیاتی مملکت منافاتی نداشته باشد به عمل بیاید و اگر توافق غیرممکن باشد و تحمیلات طوری بود که دنیا هم حقانیت ما را در رد آنها تصدیق نماید و نسبت ایستادگی خارج از اعتدال به ما ندهند آن وقت هرچه بادا باید موضوع را در مجمع طرح کرد.

۲۰/۱۰. نمره ۴۷۱ تقی‌زاده سفیر کبیر.»

ابراهیم حکیمی نخست‌وزیر به امر شاه پس از مشورت‌های طولانی و با در نظر گرفتن اینکه هیچ چاره‌ای جز شکایت به سازمان ملل متفق ندارد سید حسن تقی‌زاده سفیر ایران در لندن را به عنوان ریاست هیئت نمایندگی در سازمان مزبور مأمور کرد که طبق نظری که اظهار کرده است موضوع را در مجمع ملل متفق مطرح نماید. تقی‌زاده هم در ۲۵ دیماه ۱۳۲۴ (۱۵ ژانویه ۱۹۴۶) نطفی به قرار زیر در مجمع ملل متفق ایراد

کرد:

نمره: ۱۶۹۲ سفارت شاهنشاهی ایران

تاریخ: ۱۳۲۴/۱۰/۲۷ لندن

ضمیمه: دارد وزارت امور خارجه

یک نسخه از متن نطقی که در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۲۴ هجری شمسی (۱۵ ژانویه ۱۹۴۶ میلادی) در مجمع عمومی ملل متفق منعقد در لندن به زبان انگلیسی ایراد نمودام به ضمیمه ترجمه فارسی آن لفضاً ارسال می‌دارد.

سفیرکبیر

حسن تقی‌زاده

آقای رئیس - خانم‌ها - آقایان

کشور ایران از بدو تشکیل حوزه ملل متفق از اعضای آن بوده با وفاداری کامل برای انجام منظور اصلی آن که فتح و ظفر باشد کار کرده است. به وسیله گذاشتن کلیه منابع خود تحت اختیار متفقین برای پیشرفت جنگ و با تشریک مساعی صادفانه و مساعدت به حداکثر استطاعتش برای منظور مشترک ایران چنان خدمت بزرگی به مقصد متفقین ایفا نموده که عنوان «پل فیروزی» به آن اطلاق گردید. این خدمات از طرف رؤسای سه کشور معظمه (مرحوم رئیس‌جمهور روزولت - مستر چرچیل - مارشال استالین) در بیانیه معروف طهران تصدیق شده و علناً مورد تحسین و تمجید قرار گرفت. در سان فرانسیسکو برای ساختن این بنای ملل متفق ما تشریک مساعی کردیم و افتخار آن را داشتیم که با سیزده ملت دیگر برای تشکیل کمیته اجراییه کمیسیون مقدماتی انتخاب شدیم. در این کمیته نیز با مشقت کار کرده و بنای این سازمان را که اکنون به انجام وظایف خود می‌پردازد تهیه نمودیم. در کمیسیون مقدماتی این تشریک مساعی را ادامه داده و به سهم خاضعانه خونمان در تهیه گزارشی که اکنون در مقابل آقایان

نمایندگان است کمک کردیم. اکنون عزم راسخ ما است که با جان و دل برای توفیق این آزمایش بزرگ برای حفاظت بشر ضد تجاوز و اخلاف صلح و پریشانی اقتصادی کار کنیم.

بنابراین تصور می‌کنم که به عنوان یک عضو صلح‌جو و با وفای این سازمان جهانی ما ذیحق هستیم که امیدها و بیم‌های خودمان را در مقابل این جرگه فامیلی ملل ابراز نمائیم و در این موقع که این سازمان وظایف خود را شروع نموده است و چشمهای جهانیان با مراقبت هرچه تمامتر راهی را که این سازمان در پیروی بر نامه خود می‌پیماید ممکن است به ما اجازه داده شود که چند کلمه در باب وضع کنونی ایران ایراد کنم. وضعی که بدون تردید با اصل مسلمی که این بنای عظیم بر آن قرار گرفته و در شرف ساختمان است ارتباط دارد.

در الحاق به نمایندگان ملل صلح‌طلب جهان در اظهار مراتب امیدواری برای حیات صلح‌جویانه و فرخنده برای کلیه ملل در کشور خودشان خالی از بیم و هراس تجاوز و دخالت خارجی و یا پشتیبانی در حقوق حقه خودشان از طرف این سازمان ملل متفق اینجانب مایل است اظهار دارد که کشور ما دلیل زیاد دارد که ایجاد این مؤسسه را به عنوان یک منبع امید و بخصوص حافظ حقوق ملل کوچک با خوشوقتی تلقی کند.

آرزوی ما این است که مانند بسیاری از سایر اعضای این مؤسسه ما هم در مجمع عمومی با فراغ‌بال از نگرانی‌های اساسی حضور می‌افتیم و می‌توانستیم سهم خودمان را در غور و بررسی‌های فعلی به اظهار امیدواری و اعتماد و اطمینان و به بیان نظریات غائی در نکاتی که در باب امور جاری به نظرشان می‌رسد محدود سازیم. ولیکن برای خودداری از مراجعه به وضع بسیار نگرانی‌بخش که اکنون در ایران حکمفرماست دشوار می‌باشد. چنانکه همه نمایندگان آگاهند ایران اکنون با بعضی اشکالات بزرگی که دارای وجهه بین‌المللی است مواجه شده و ایام بس پرانديشهای را می‌گذرانند. وضع ایران در حقیقت تابع ماده ۱۴ منشور گردیده و بطور قطع می‌توان آن را نزد مجمع عمومی مطرح کرد که در جلسه فعلی به عنوان وضعی که «ممکن است» به روابط دوستانه ملل خلل وارد آورد» مورد اقدام قرار گیرد. ولی چون از حل قضیه به نحوی که به حقوق حیاتی ما آسیب وارد نیامده و مخالف با تمامیت ارضی استقلال و حاکمیت کشور باستانی و صلح‌جوی ما نباشد مایوس نبودیم. در دقایق آخر با بی‌میلی از این خواهرش که قضیه

ایران در دستور مجمع عمومی قبل از پنجم ژانویه مورد مذاکره قرار گیرد خودداری کردیم. در آنوقت با این امید که کلیه طرق و وسایل رسیدن به قضیه رضایت بخش هنوز پیموده نشده و اهتماماتی که در پیش بود امکان ایجاد حل صلح جویانه‌ای را به نظر می‌آورد ما مصمم شدیم که این مجمع بزرگ را که وظایف بی‌شمار اساسی و تشکیلاتی در پیش دارد از زحمت مواجه در شروع کار با این مسئله بین‌المللی خلاص کنیم. گرچه محققاً این موضوع در زمره مقاصد و اساسنامه‌ایست که به منظور آن این سازمان ایجاد شده است. معذک اینجانب وظیفه خود می‌داند توجه مجمع را به این حقیقت معطوف دارد که ما باید حق خودمان را نسبت به طرح مشکلاتی که کشورمان از آن در زحمت است در نزد مجمع عمومی محفوظ داریم و خواهش کنیم که موضوع از طرف نمایندگان مورد نظر قرار گیرد. اگر که قضیه به زودی نشود. چنانچه این قضیه نزد مجمع مطرح شود بدون تردید یک موضوع صریح و روشن آزمایشی را تشکیل می‌دهد که این سازمان روح منصفانه خود را در معامله با آن و در حفاظت حقوق حیاتی اعضای خودش به منصبه ظهور برساند. قدر مسلم آنست که این یک موضوع اصلی و یک قضیه اساسی برای ملل کوچک است که اعتماد خودشان را در این مؤسسه که مرکز امید بشر برای آتی و در هیئت مشاورین که از طرف آن انتخاب شده‌اند، بگذارند. مطلب را بهتر از این نمی‌توانم بیان کنم مگر نقل از کلمات پیشوایان مؤسسه در موارد گذشته و بخصوص در ضمن مذاکرات حق طرد (وتو) دول معظمه در سانفرانسیسکو مانند سناتور وان دبزگ که اظهار نمود ما می‌توانیم اعتماد کامل بدون معظم داشته باشیم و اینکه دول مزبور از قدرت و قوت بزرگ خودشان سوءاستفاده ننموده و آن را برخلاف مصالح ملل کوچک مصرف نخواهند نمود. همچنین در نطق افتتاحیه مجمع که رئیس جامعه وعده کرد دول کوچک همواره قادر خواهند بود صدای خودشان را در یک محیط آزاد و دموکراسی به سمع سایرین برسانند. این نکات نیز بطور بارزی از طرف عضو محترم و برجسته این مجمع یعنی وزیر خارجه دول متحده امریکا تأیید شد. هنگامی که در ۲۴ نوامبر گذشته چنین نگاهشت «مللی مانند ایران در کنفرانس دول متفق در سانفرانسیسکو تشویق شدند که اطمینان و اعتماد خودشان را در مقاصد دوستانه و حسن‌نیت اعضای دائمی شورای امنیت بگذارند». مستر برنز اضافه نمود که دولت متحده امریکای شمالی اطمینان دارد که دول معظمه دیگر «اشتیاقشان از دولت متحد

امریکا و معامله با ملل مانند ایران کمتر نیست بعلاوه خط مشی رفتاری را تعقیب خواهند نمود که روشن خواهد ساخت اعتماد این ملل در اعضای دائمی شورای امنیت بی‌مورد نبوده است.»

در مقابل کلیه خدمات صادقانه که ایران به منظور عادلانه دول متفق ایفا کرده ما هیچگونه اجر و مزدی نمی‌خواهیم. ما فقط از لحاظ حقوق مسلمه خودمان و بنام عدالت بین‌المللی که اساس منشور بر آن قرار گرفته انتظار داریم اصولی که در مواد ۱ و ۲ منشور و بخصوص در بند ۳ و ۴ ماده دوم متضمن گردیده اکیداً و با حسن‌نیت در مورد ایران محترم شمرده شود.»

تقی‌زاده در تاریخ ۲۶ دیماه ۱۳۲۴ به شماره ۲۱ از دفتر سازمان ملل متحد گزارش نطق خود را به قرار زیر به اطلاع وزارت امور خارجه ایران رسانید:

وزارت امور خارجه

دیروز سه‌شنبه ۲۵ دیماه ساعت سه بعدازظهر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد نطقی به زبان انگلیسی ایراد نمودم. یک نسخه از اصل نطق و یک نسخه از ترجمه فارسی آن را جهت استحضار به پیوست ارسال می‌دارد. به طوری که ملاحظه خواهند فرمود اوضاع ایران و اشکالاتی که با آن مواجه شده‌ایم گوشزده گردیده و ضمناً این حق را برای دولت ایران محفوظ داشته‌ایم که چنانچه اقدامات فعلی دولت به نتیجه مثبت و رضایت‌بخش منتهی نگردید این موضوع طبق مواد منشور در سازمان ملل مطرح گردد.

نطق دیروز اثر خوبی داشت و پس از جلسه مورد تحسین نمایندگان سایر کشورها و اغلب مخبرین و مفسرین جراید جهان قرار گرفت بخصوص که قبلاً دفترچه آن که به پیوست است بین نمایندگان تقسیم شده بود. روزنامه‌های امروز نیز بیانات هیئت نمایندگی ایران را مورد تفسیر قرار داده و در اطراف آن قلم فرسایی کرده‌اند. قطعات جرائد بعداً ارسال خواهد گردید. سفیر کبیر حسن تقی‌زاده.»

ابراهیم حکیمی که خود می‌دانست دولت وی چندان دوامی نخواهد داشت و به زودی باید از کار کناره‌گیری نماید چنانکه خود می‌گوید: «... ضمناً به استحضار مجلس شورای ملی می‌رسانم که برای جواب استیضاح آقای تهرانچی نماینده محترم

حاضر و هر موقعی را که معین بفرمایند برای جواب آماده هستم و به نتیجه آن کاری ندارم و از هم اکنون برای کناره گیری مهیا هستم و هرنوع کمکی برای جلوگیری از بحران از دستم برآید خودداری نخواهم کرد.» معذک بنا به امر شاهنشاه به رئیس هیئت نمایندگی ایران دستور داد که مسئله ایران را در سازمان ملل مطرح نماید. رئیس هیئت هم در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۲۴ (۱۹ ژانویه ۱۹۴۶) نامه‌ای به دبیر کل سازمان نوشت و طبق اصل ۳۵ منشور ملل متحد تقاضا کرد که شورای امنیت به مسئله ایران رسیدگی نماید. متن این نامه به این قرار است:

هیئت نمایندگی ایران در نخستین مجمع عمومی ملل متفق

مورخه ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶

«جناب آقای «گلاوین جب» دبیر کل موقتی سازمان ملل متفق در نتیجه دخالت دولت اتحاد جماهیر شوروی به وسیله مأمورین و قوای مسلحش در امور داخلی ایران وضعیتی ایجاد شده که ممکن است باعث یک اختلاف بین المللی شود. دولت ایران طبق ماده ۳۳ منشور ملل متفق چندین بار سعی نمود با دولت اتحاد جماهیر شوروی مذاکره نماید ولی نتیجه‌ای نداشت. در نتیجه هیئت نمایندگی ایران در مجمع عمومی ملل متفق مفتخر است که به نام دولت ایران طبق بند یک ماده ۲۵ منشور ملل تقاضا نماید که توجه شورای امنیت را به این موضوع جلب فرمایند تا شورای مزبور موضوع را بررسی و راه تصفیه خاصی را توصیه نماید. هیئت نمایندگی ایران حاضر است که در شورای امنیت حضور بهم رسانده جریان کامل وقایعی را که به وضعیت کنونی منتهی گردیده در دسترس گذاشته و متن پیمانی را که در این مورد میان طرفین حکمفرماست تقدیم کند.

با تقدیم احترامات

سیدحسن نفی زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران»

ویشنیسکی رئیس هیئت نمایندگی شوروی در تعقیب نامه هیئت نمایندگی ایران

ضمن نامه‌ای به این پاسخ مبادرت ورزید:

هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی

۲۴ ژانویه ۱۹۴۶

«آقای رئیس

هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی به نمایندگی از طرف دولت شوروی لازم می‌داند که در خصوص دادخواست هیئت نمایندگی ایران به شورای امنیت مطالب زیر را اعلام می‌دارد:

«۱- اظهارات هیئت نمایندگی ایران دایر به دخالت اتحاد جماهیر شوروی به وسیله مأمورین و قوای مسلحش در امور داخلی ایران برخلاف حقیقت بوده و اساسی ندارد. در این مورد هیئت نمایندگی ایران یادداشتی را که دولت ایران در نوامبر سال ۱۹۴۵ به دولت داده تکرار می‌کند. سفارت شوروی در ایران این یادداشت را صریحاً در یادداشت مورخه ۲۶ نوامبر خود رد نمود و مخصوصاً شایان توجه است که دولت ایران در پاسخ مورخه یکم دسامبر ۱۹۴۵ خود نه تنها موفق به تضعیف نکات اشعار شده در یادداشت ۲۶ نوامبر شوروی نگردید «بلکه همانطوری که پاسخ سفارت شوروی تأیید می‌کند که دخالت مأمورین شوروی در امور داخلی نواحی شمال ایران مطابق با حقیقت نیست» رضایت خود را اظهار می‌دارد. به علاوه در همین یادداشت وزارت امور خارجه ایران از این که مأمورین شوروی به قراری که گفته شد کاملاً پیمان سه گانه و اعلامیه سه دولت بزرگ متفق ایران، منتشر در تهران را احترام می‌گذارند، ابراز خرسندی می‌نماید. قضایای مذکور در فوق نادرستی و بی‌اساسی اظهارات هیئت نمایندگی ایران را در خصوص دخالت اتحاد جماهیر شوروی در امور داخلی ایران را بطور قطع و یقین ثابت می‌کند.

۲- اظهارات هیئت نمایندگی ایران در خصوص اینکه دولت ایران در فکر آغاز مذاکره راجع به مسئله با دولت شوروی بوده و هرگز توفیق نیافت همچنان مخالف با حقیقت است. نکات مزبور این اظهارات هیئت نمایندگی ایران را رد می‌کند. زیرا دولت ایران نه فقط در فکر مذاکره بوده بلکه هم چنانکه از یادداشت اول دسامبر مذکور در بالا نتیجه گرفته می‌شود با دولت شوروی مذاکره کرده است.

۳- هیئت نمایندگی شوروی لازم می‌داند خاطرنشان کند که دولت ایران می‌خواهد از حضور قوای بیگانه در ایران نتیجه بگیرد که به حاکمیت ایران تخطی شده

و ادعا کند که حضور قوای بیگانه در ایران موجب حوادثی است که در آذربایجان ایران رخ داده است. در حقیقت حضور سربازان شوروی در خاک ایران کاملاً قانونی است و نتیجه حقی است که دولت شوروی در اثر پیمان ایران و انگلیس و شوروی مورخ سال ۱۹۴۲ یافته است.

حوادث آذربایجان ایران همچنانکه گزارشهای غیرقابل انگاری که رسیده نشان می‌دهد ارتباطی با حضور قوای شوروی در این ناحیه ندارد. این حوادث منحصرأ جنبه ایرانی داشته و داخلی است. به طوری که می‌دانید حوادثی که در شمال ایران جریان دارد نشانه آرمانهای سکنه این نواحی به طرف یک حکومت خودمختاری ملی تحت قوای دولت ایران بوده و اجرای آرزوهای سکنه محلی در یک کشور دموکراتیک چیز فوق‌العاده‌ای نیست.

از طرف دیگر هیئت نمایندگی ناچار است توجه شورا را به این موضوع جلب کند که تبلیغات ضد شوروی در ایران رو به توسعه است و بعید است که دولت ایران بتواند از توسعه این تبلیغات بکاهد.

این تبلیغات به هیچ‌وجه با تبلیغاتی که در زمان رضاشاه علیه اتحاد جماهیر شوروی می‌شد، فرقی ندارد. فعالیت ضد دموکراسی و عملیات عناصر ارتجاعی ایران در مخالفت با اتحاد جماهیر شوروی که به وسیله محافل متنفذ و زمامداران ایران و همچنین به وسیله شهربانی پشتیبانی می‌شود برای آذربایجان و باکو مخاطرات عملیات خصمانه منظم و غافلگیری و غیره را دربردارد و این وضعیتی است که قابل تحمل نمی‌باشد.

در هر حال دولت شوروی معتقد است که این قبیل مسائل که مربوط به روابط دو کشور بوده و در این مورد مربوط به اتحاد جماهیر شوروی و ایران می‌باشد ممکن است و بایستی با مذاکرات دوجانبه میان دولت شوروی و دولت ایران حل شود. دولت شوروی از این طریق حل اختلافات میان همسایه‌ها امتناعی نداشته و ندارد.

۵- با توجه به مطالب مذکوره و نظر به اینکه شرایط پیش‌بینی شده در مواد ۳۴ و ۳۵ منشور ملل متفق در این مورد بخصوص اجرا شده است. هیئت نمایندگی شوروی عقیده دارد که دادخواست تقدیمی هیئت نمایندگی ایران به شورای امنیت بی‌اساس بوده با بررسی آن در شورای مذکور جداً مخالفت دارد. ویشنیسکی رئیس هیئت نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی.»

دولت حکیمی با تمام مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها آنقدر بر سر کار باقی ماند تا خبر ارجاع مسئله آذربایجان به اولین جلسه شورای امنیت به ایران رسید ولی در نتیجه استیضاح غیرمنصفانه تهرانچی نماینده مجلس شورای ملی و عدم رأی اعتماد مجلس به کابینه در تاریخ ۳۰ دیماه ۱۳۲۴ مجبور به کناره‌گیری شد و روز اول بهمن ماه نزد شاه رفته و استعفای خود را تقدیم کرد پس از استعفای وی احمد قوام به موجب فرمان شاه به جای حکیمی به نخست‌وزیری منصوب گردید. جریان این امر بطور خلاصه به این قرار بود:

استیضاح محمدرضا تهرانچی از دولت حکیمی

در تاریخ ۹ دی محمدرضا تهرانچی استیضاحی به قرار زیر از دولت حکیمی کرد:

«ریاست محترم مجلس شورای ملی پیش آمده‌های اخیر آذربایجان و اغتشاشات روزافزون در قسمتهای دیگر کشور که بکلی حاکمیت و اقتدار مأمورین را در آن نقاط از بین برده و عدم توانائی دولت در جلوگیری از آن و اصلاح اوضاع اسفناک اداری دوایر دولتی و قوای مملکتی و رفع مشکلات سیاست خارجی و ندادن استعفا با تذاکراتی که مکرر داده شده‌این جانب را ناچار به استیضاح نمودن دولت جناب آقای حکیمی می‌نماید. بلکه نتیجه سیاست فعلی ایشان که عبارت از دست روی دست گذاشتن و نظاره کردن اوضاع اسف‌آور کشور است، خاتمه داده شود.

چون تاخیر در تعیین وقت استیضاح و تلف نمودن وقت ممکن است کار را به جانی رساند که هیچگونه اقدام و علاجی مفید واقع نگردد متمنی است مقرر فرمایند هرچه زودتر تعیین وقت گردیده اعلام فرمایند تا استیضاح به عمل آید.» در روز ۶ بهمن ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی با اکثریت ۵۲ رأی از ۱۰۴ نفر عده حاضر به احمد قوام رأی داد:

«پس از جمع‌آوری و شمردن آراء نتیجه به شرح زیر اعلام گردید. عده حاضر در مجلس ۱۰۴ نفر. آقای قوام ۵۲ رأی آقای پیرنیا - (موثمن‌الملک) ۵۱ رأی، آقای حکیم‌الملک ۱ رأی. بنابراین آقای قوام‌السلطنه که یک رأی بیش از آقای پیرنیا دارند حائز اکثریت گردیدند.»

در این زمان حساس بود که دولتی زمام امور را بدست دولتی دیگر می‌سپارد. تغییر دولت در جراید داخلی و خارجی انعکاس فراوان داشت و هریک طبق تمایل سیاسی خود در اطراف این موضوع به بحث و تفسیر پرداخت. نمونه‌ای از یکی آنها:

۷ بهمن ۱۳۲۴

«دیروز همانطوری که در گزارش روز ملاحظه نمودید مجلس رأی تمایل مبنی بر نخست‌وزیری آقای قوام صادر کرد.

ما طبق رویه خود نسبت به زمامداری شخص ایشان که اکنون جمعی از نمایندگان مجلس معتقد شده‌اند قادر به حل مشکلات کشور می‌باشد هیچگونه نظر مخالفی نداریم بلکه اگر ایشان موفق به حل مشکلات بشود و بر وفق آرزوی میهن‌پرستان و علاقمندان به سعادت کشور موفق گردند که این ابرهای تیره را از افق سیاسی کشور دور نمایند و قدمهای موثری در راه تعلیم عدالت و تأمین رفاه و آسایش مردم بردارند از ایشان تقویت خواهیم نمود.

در حال حاضر همانطور که ما مکرر گفتیم اگر راه نجاتی برای کشور باشد این است که عموم ابناء وطن اغراض خصوصی و شخصی را کنار گذاشته در راه هدف واحدی که سعادت درستکاری میهن می‌باشد بذل سعی و مجاهدت نمایند و ما امیدواریم اکنون عموم کسانی که علاقمند به بقا و دوام و استقلال وطن خود می‌باشند این نکته را نصب‌العین خود قرار دهند. البته حاجت به توضیح نیست در این موقع مردم از هر کس که زمام حکومت را در دست می‌گیرد در درجه اول دوچیز را می‌خواهد یکی اینکه این تیره‌گی و آشفته‌گی را که در روابط سیاسی ایران و شوروی پدید آمده و اسباب تأسف و اندوه عموم ایرانیان وطن‌پرست و علاقمند به شوروی می‌باشد را برطرف نماید و علاقمندی فناناپذیر ملت ایران به دوستی و صمیمیت با اتحاد جماهیر شوروی را خاطر نشان زمامداران آن کشور بنمایند و براساس دوستی و احترام متقابل و حفظ استقلال و تمامیت کشور موجبات دوستی و صمیمیت کشور همسایه را فراهم سازد.

دومین موضوعی که مردم از زمامدار جدید و دولت می‌خواهند این است که مسئله ابالات شمالی مخصوصاً آذربایجان را حل نماید ما درباره وضع غم‌انگیز

آذربایجان مکرر از زبان مردم آن دیار و وطن پرستان آن دیار مقالات متعددی در روزنامه اطلاعات نوشته‌ایم: ولی آنچه مسلم و قطعی است و آقای نخست‌وزیر باید بدانند این است حادثه‌ای که اکنون در آذربایجان پیش آمده با تمایلات مردم وطن پرست آذربایجان و عموم ایرانیان سازگار نیست.

آذربایجانی که در عشق به میهن بی‌تردید است دشمن زبان فارسی نیست بلکه زبان و ادبیات فارسی را که بزرگترین رکن ملیت او می‌باشد از زبان عاریتی ترکی بیشتر دوست دارد و حافظ و سعدی به همان اندازه که در نزد مردم شیراز عزیز و گرانبهاست در نظر مردم آذربایجان نیز عزیز و گرامی است. امروز این مردم وطن پرست وقتی می‌بینند تابلوهای دکانهای آنان را که به زبان فارسی نوشته شده به زیر می‌آورند ولی تابلوهایی که به زبان ارمنی یا سایر زبانهای بیگانه نوشته شده باقی می‌گذارند به همان اندازه رنج می‌برند که هر ایرانی با حس و غیرتی در سایر اقطار ایران از شنیدن این خبرها رنج می‌برد.

آقای نخست‌وزیر برای اینکه شما خوب از چگونگی روحیه مردم آذربایجان آگاه گردید و بدانید غیرتمندان ایران پرست اکنون در چه رنجی بسر می‌برند بد نیست ساعتی از وقت خود را تخصیص به ملاقات با این مردم بدهید و از میزان تأثر و اندوه آنان آگاه گردید. همانطور که برای شما و برای ما و برای هر کس که خون پاک ایرانی در رگهای او در جریان است، تصور جدائی آذربایجان از ایران هم ممکن نیست و آنها که اکنون می‌بینند از خویشان و عزیزان و یاران خود جدا شده‌اند غرق ماتم و اندوهند.

راجع به وضع زندگی و رکود معاملات و تجارت و بی‌پولی مردم آذربایجان نیز اکنون داستان‌های غم‌انگیزی بر سر زبانهاست و اگر این مردم اکنون بار این همه مصیبت و محنت را تحمل می‌کنند تنها به این امید است که دولت ایران و مرکز حکومت بالاخره آنان را از این زندگی طاقت فرسا نجات خواهد داد. کما اینکه جمعی از میهن پرستان آن سامان نیز منتظر اقدام حکومت نشده خودشان علیه کسانی که حقوق آنان را غصب نموده‌اند پیکار می‌کنند... در هر حال آقای نخست‌وزیر مردم آذربایجان... اکنون در انتظار اقدام مجدانه دولت برای قضیه آذربایجان و از بین بردن این وضع مصنوعی می‌باشند...»

تشکیل کابینه قوام السلطنه:

در تاریخ ۲۷ بهمن ۱۳۲۴ احمد قوام کابینه خود را به شرح زیر در کاخ مرمر به شاه معرفی نمود:

مرتضی قلی بیات (سهام السلطان)، وزیر دارائی - متین دفتری، وزیر مشاور - سپهبد امیراحمدی، وزیر جنگ - سرلشکر فیروز، وزیر راه - انوشیروان سپهبدی، وزیر دادگستری - مورخ الدوله سپهر، وزیر پیشه و هنر و بازرگانی - دکتر منوچهر اقبال، وزیر بهداری - ملک الشعرا بهار، وزیر فرهنگ - ذکاءالدوله غفاری، وزیر پست و تلگراف - شمس الدین امیر علائی، کفیل وزارت کشاورزی - مظفر فیروز، معاون پارلمانی نخست وزیر

وزارت کشور و امور خارجه را خود نخست وزیر به عهده گرفت.

و در روز ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ احمد قوام کابینه خود را به مجلس شورای ملی معرفی نمود و نطق زیرا را ایراد کرد:

«در این موقع که بر حسب تمایل اکثریت مجلس شورای ملی و امر اعلیحضرت اداره امور کشور به عهده این جانب محول گشته خاطر نمایندگان محترم را به این نکته متوجه می سازم که قبول چنین مسئولیت سنگینی از طرف من با وضع آشفته کشور و با دشواریهای بین المللی که تاریخ نظیر آن را کمتر نشان داده است صرفاً برای خدمتگزاری به میهن مقدس و رهانیدن هموطنان گرامی از طوفان خطرات و مشکلات است. نمایندگان انشاءالله امیدواری این جانب در توفیق به خدمت بعد از یاری خداوند به توجه اعلیحضرت شهرباری و تقویت مجلس شورای ملی و مخصوصاً پشتیبانی عموم ملت ایران می باشد. به طوری که خاطر نمایندگان محترم مستحضر است رسم بر این بوده که پس از تشکیل دولت برنامه تهیه و به مجلس شورای ملی تقدیم شود و از بدو مشروطیت تا حال که شاید در حدود پنجاه دولت تشکیل یافته متأسفانه کمتر دیده شده است که برنامه های تقدیمی عملی شده باشد و حال آنکه ملت ایران از تکرار الفاظ و عبارات به تنگ آمده و نشنه عمل و کار است. به جای آنکه بگوئیم در آتیه چه خواهیم کرد بهتر است در اسرع وقت نشان دهیم چه کرده و چه خدماتی به انجام رسانیده ایم.

این جانب حتی قبل از تشکیل کابینه تمنیات فوری ملت ایران را از قبیل آزادی اجتماعات و عزل مأمورین متجاوز و تأدیب محتکرین و تنزل نرخ اجناس مورد نظر قرار داده و تصمیماتی گرفته و احکامی صادر کرده‌ام و در آتیه با کمال شدت و بی‌رحمی مرتکبین اختلاس و ارتشاء را تعقیب و در هر مقام و در هر کسوت باشند مجازات کرده به احدی اجازه شفاعت نخواهم داد.

فعلاً چون توجه نمایندگان معظم قبل از هرچیز معطوف به حل مسائل خارجی و رفع پریشانی و نگرانی خاطر عامه است و اجزاء هر برنامه و آغاز اصلاحات داخلی موقوف به حل مشکلات خارجی و استقرار امنیت و رفع اضطراب مردم می‌باشد لذا به منظور وصول به مقصود اساسی قبل از ۲۰ ساعت دیگر به مسکو عزیمت خواهم کرد. البته از مطالعه مندرجات تلگرافات متبادله بین این جانب و رؤسای سه دولت دوست و متفق ایران نمایندگان محترم به خوبی استحضار حاصل فرموده‌اند که سیاست خارجی این جانب روی اساس موازنه و مودت و احترام متقابل با سه دولت بزرگ و متفق ایران استوار می‌باشد و در این موقع که بر اثر تلگراف پرمهر و محبت ژنرال‌یسیم استالین و ابراز مودت کامل از طرف اتحاد جماهیر شوروی با اعتماد به حسن‌نیت و توجه همسایه نیرومند شمالی عازم مسکو می‌باشم امیدوارم به یاری خداوند و پشتیبانی ملت ایران موفق شوم. دوستی و مودت تزلزل‌ناپذیری را که بین ملت ایران و ملل اتحاد جماهیر شوروی موجود است روی پایه شرافت و احترام متقابل تثبیت نموده موجبات مزید نزدیکی و یگانگی دو ملت دوست و متحد را فراهم سازم تا با رفع هرگونه سوءفهام و تثبیت مناسبات مودت‌آمیز بین دو ملت، صفحه جدیدی در مناسبات دو کشور آغاز گردیده و در سایه این دوستی و مودت روزافزون ملت ایران موفق به آسایش و اصلاحات و ترقیات مهمه گردد.»

احمد قوام نخست‌وزیر تازه ایران قبل از تشکیل کابینه خود و معرفی آن به شاه ایران و مجلس شورای ملی درصدد برآمد همگام با اقدامات دولت ایران در سازمان ملل متحد وسیله‌ای فراهم آورد که با مذاکرات مستقیم و حتی اعزام هیئتی که خود ریاس آن را به عهده داشته باشد به مسکو رفته حضوراً با مارشال استالین بلکه بتواند موضوع ایران را حل و فصل نماید. جریان امر را به اسناد زیر، یعنی نامه‌هایی که بین احمد قوام و سید حسن تقی‌زاده سفیر ایران در لندن و رئیس هیئت نمایندگی ایران و حسین علاء

سفیر ایران در واشنگتن مبادله شده است و در ضمن روشنگر خط مشی سیاست قوام است، واگذار می‌کنیم:»

نمره: ۱۸۷۸

مورخ: ۱۳۲۴/۱۱/۹

وزارت امور خارجه

عنوان پاکنویس: تلگراف رمز به سفارت کبرای لندن

جناب آقای تقی‌زاده Central Hill London

۲۰- نسبت به دخول در مذاکره مستقیم و سعی برای حل موضوع بین طرفین چنانکه خودتان هم عقیده دارید از طرف ما تمایل بوده و هست. در تلگراف شماره ۱۸۷۶ هم خواسته‌ام در آنجا با مسیو ویشینسکی نماینده شوروی تماس حاصل و راه مذاکره را مفتوح فرمائید ولی با این شرط که مذاکره با توجه و تحت نظر شورای امنیت به عمل آید. شاید لزومی نداشته و برای دولت شوروی هم ناگوار به نظر آید. اما اینکه تقاضا منافی استقلال و تمامیت و حاکمیت ایران نباشد البته آرزوی ما است و وقتی مذاکره را در حین نگاهداری وضعیت طرح مطلب در شورای امنیت دنبال کنیم هروقت جریان را خلاف استقلال و تمامیت و حاکمیت ایران ملاحظه نمودیم البته موافقت نخواهیم کرد و اگر بخواهیم مذاکرات را با شرط تعطیل مداخلات آنها شروع کنیم چون خودشان منکر مداخلات شده‌اند ممکن است مشکلات و سوءتفاهم بیشتری ایجاد کنند. موضوع هیئت تحقیق در صورتی که مذاکرات مستقیم فی مابین منتهی به نتیجه نشود البته اتخاذ تصمیم با خود شوروی خواهد بود. اظهارات رادیوی لندن نسبت به طرح قضیه ایران در شورای امنیت که ممکن است با مأموریت این جانب به نخست‌وزیری صورت دیگر پیدا کرده در جریان امر وقفه و تأخیر حاصل را انتشارات بی‌اساس است. البته توجه لازم خواهند فرمود سوءتفاهم حاصل نشود. احمد قوام.»

وزارت امور خارجه

از لندن به تاریخ ۱۰/۱۱/۱۳۲۴. نمره ۲۲۲۵

فوری

«جناب آقای رئیس‌الوزراء تعقیب تلگراف امروز صبح شماره ۴۹۰ با اینکه وقت بسیار تنگ بود معیناً اقدام کردم قبل از انعقاد جلسه شورای امنیت با رئیس هیئت نمایندگی روس تماس پیدا کنم و فوراً تلفونی به او شده قرار ملاقاتی با جناب آقای سهیلی داده شد که ابتدا بطور خصوصی با او در ترتیب کار و پیدا کردن راه موافقتی با توافق نظر هم در شورا، طرفین حاضر شده و مطالب خود را بگویم و هم اقدام بشود که کار به مذاکره مستقیم با آنها ارجاع شود پس از مذاکراتی موافقت حاصل شد آنوقت فوراً اقدامات به عمل آوردیم که یکی از اعضاء شورا پس از نطق‌های طرفین پیشنهاد مذاکره مستقیم بین ایران و روس به‌نماید. البته نظر به این بود که با این رویه کار از شورا بکل نشده به حکم توصیه خود شورا به مذاکرات مستقیم پرداخته نتیجه به شورا راپرت شود. نماینده روس با ترتیب فوق همراه بود به جز آنکه نسبت به تعقیب کار از طرف شورا تأمل داشته و چندان مساعد نبود بلکه میل داشت پس از پیشنهاد مذاکره مستقیم کار بکلی از دست شورا خارج گردد. معیناً همان ترتیب بحث در شورا و پیشنهاد شورا برای مذاکره مستقیم را تعقیب کردیم و اقدام نمودیم که یکی از اعضاء شورا را دیده واداریم پیشنهاد توصیه مذاکرات مستقیم را پس از مباحث مناقشه بنماید و چون از تلگراف شریف مستفاد می‌شود که با خارج شدن کار از دست شورا موافق نیستید لذا قصد داشتم که در مقابل پیشنهاد یکی از اعضاء شورا بگویم که ما به مذاکرات مستقیم حاضریم مشروط به اینکه کار در شورا مانده و نتیجه مذاکرات آنجا برگردد ولی پس از نطق این جانب در جلسه شورا و جواب نماینده روس و ترجمه هر کدام از نطق‌ها به یک یا دو زبان دیگر وقت منقضی شده و رئیس شورا فوراً پیشنهاد تعطیل جلسه و موکول کردن به جلسه آینده نمود و حتی چند کلمه که مجدداً می‌خواستم بگویم موقع نرسید و بقیه مذاکرات به جلسه روز چهارشنبه ماند. عضوی هم که وعده کرده بود فوراً پیشنهاد مذاکره مستقیم بکند ظاهراً نظر به ختم جلسه موقع اظهار نیافت.

برای اینکه مطلب کاملاً روشن شود تردید و ابهام باقی نماند باید عرض کنم که

ترتیب مذاکره مستقیم با روسها دو طریق بکلی متباین دارد و باید فقط یکی از آن دو راه انتخاب شود. اگر نظر به آنکه روسها اظهار می کنند که به مذاکره مستقیم حاضرند ما هم قبول کنیم بدون اینکه شورای امنیت در این باب توصیه نموده و نتیجه کار را بعد بخواهد کار قهراً و به موجب نظامات شورا بکلی از شورا خارج می شود و مانند آن خواهد بود که اصلاً به شورا رجوع نکرده باشیم.

طریقه دوم آنست که شورا توصیه مذاکرات مستقیم نموده و رشته کار را در دست خود نگاهدارد که طرفین پس از مذاکرات مجدداً نتیجه را به شورا عرضه بدارند. در این صورت قضیه بر طبق مقتضای منشور از دست شورا خارج نمی شود و البته روسها هم بیشتر در مذاکرات مقید خواهند بود زیاد تحکم ننمایند ولی این شق را شاید روسها به آسانی قبول نکنند. چون جلسه شورا به چهارشنبه محول شده است اگر در اختیار دو شق نظر جدیدی دارید زودتر تصریح بفرمائید و مادامی که دستور مجددی برخلاف تلگراف ۱۸۷۶ نرسد به حکم همان تلگراف موضوع در شورا تعقیب و در واقع شق دوم دنبال خواهد شد. ۸ بهمن. نمره ۴۹۱. تقی زاده سفیر کبیر.»

نمره: ۱۸۸۶

به تاریخ: ۱۳۲۴/۱۱/۱۰ وزارت امور خارجه

تلگراف رمز Central Hall London

جناب آقای تقی زاده

« ۴۹۰ - اینکه می فرمائید سعی خواهید کرد ترتیبی داده شود که در خود شورای امنیت کار به مذاکره مستقیم منتهی و نتیجه بعداً به شورای امنیت اعلام شود البته خوب ترتیبی است ولی ممکن است منظور اساسی حاصل نشود زیرا مقصود اصلی این است که نظر به مصالح کشور به دولت و ملت همجوار خودمان شوروی که بعدها هر روز با آن سروکار خواهیم داشت دوستی و صمیمیت خود را نشان داده راه مسالمتی برای آتیه پیش بینی شده باشد. در صورتی که اگر مذاکره مستقیم را در نتیجه تصمیم و توصیه شورا شروع کنیم شاید اینطور وانمود شود که شورا رأی خود را داده و در اثر رأی بوده که طرفین به مذاکره مستقیم پرداخته اند و به این ترتیب ممکن است منظور اساسی

ما به طوری که شرح داده شده با استقبالی که رئیس نمایندگی شوروی به مذاکره مستقیم نموده حاصل نشود. در عین حال چون می‌فرمائید اگر خودمان قبل از رفتن مطلب به شورا به روسها مراجعه کنیم ممکن است کار از دست شورا خارج شده و موضوع را کنار بگذارند. در این خصوص اساس مطلب و طرز عمل را به نظر خودتان واگذار می‌کنم و البته خودتان طوری اقدام خواهید نمود که منظور این جانب هم که جز مصلحت حال و مآل کشور نیست، تأمین شود و ما بتوانیم با این طرز رفتار خودمان در نتیجه از همسایه شمالی نسبت به رفع مشکلات جلب مساعدت واقعی آنها را بنمائیم و آنها هم مأخوذ و مجبور به همراهی با ایران بشوند. از جنابعالی انتظار مراقبت و دقت مخصوصی را در این باره دارم. تلگراف ۶ و ۷ بهمن جناب آقای سهیلی را دیدم خواهش دارم از اظهار مودتی که نموده‌اند به ایشان بفرمائید با جلب نظر خود جنابعالی ترتیب افتتاح مذاکرات را بدهند و این جانب را به جریان بگذارند. آنها که خودشان مذاکره مستقیم را ترجیح می‌دهند امیدواریم رعایت حقوق دولت کوچکتر را بنماید تا حسن نیت خودشان را به دنیا روشن نموده باشند از اینکه چشم داشت به خاک ایران ندارند از دولت دوست انتظاری غیر از این نداریم ولی در وقایع آذربایجان که می‌گویند امر داخلی است توقع مساعدت جدی و معنوی را داریم که رفع غائله بشود و هیاهوها بخوابد. جناب آقای سهیلی روح مسائل بالا را با آقای ویشینسکی تذکر داده با نظر خودتان مذاکره را شروع خواهند نمود. احمد قوام.»

چنانکه در نامه فوق ذکر شد احمد قوام تلگرافی به سهیلی، عضو هیئت نمایندگی ایران دستور داد هر چه زودتر با ویشینسکی تماس بگیرد و درباره شروع مذاکرات مستقیم بین ایران و شوروی با او گفتگو کند. سهیلی قبل از اینکه موضوع به شورای امنیت احاله شود این گزارش را به شاه از لندن مخابره کرد:^۱

از لندن دفتر مخصوص شاهنشاهی
تلگراف جناب آقای سهیلی است خواهشمند است به عرض پیشگاه مبارک
همایونی برسانید.

«منظور دولت از اعزام بنده به لندن به موجب تلگرافاتی که از تهران کردند این بود که با شورویها ارتباط بگیرم و درباره کارهای ایران با آنها مذاکره و ضمناً وسایل مسافرت خود را به مسکو فراهم سازم با اینکه در ابتدا عذر خواستم ولی بعداً از لحاظ تأکیدی که شد و به احتمال اینکه شاید در آن موقع مهم خدمتی هم از بنده برآید عازم لندن شدم. ویشینسکی رئیس هیئت نمایندگی شوروی که شخصاً با او آشنائی داشتم خیلی دیرتر از موقع و وقت به لندن رسید که هیئت نمایندگی ایران برحسب دستور دولت تقاضانامه خود را به شورای امنیت داده بود. بنابراین در ملاقات با او عجله نکردم ولی خود او دیروز تقاضای ملاقات با بنده نموده و پس از مشورت با جناب آقای تقی‌زاده به ملاقات او رفتم. در مذاکرات احتیاط را از دست ندادم که مبادا صحبت به جایی برسد که به کار ما و شکایتی که شده سخته وارد آید لذا کمتر حرف زدم و بیشتر گوش دادم. بیانات او این است: دولت شوروی در حسن روابط با ایران علاقه‌مند و اگر سوءفاهمی پیش آید ترجیح می‌دهد با حکومت ایران مستقیماً داخل مذاکره و حل کند. از دو سال پیش در روابط ایران با ما روشی اتخاذ شد که با حسن نیت منافات داشت. در این جنگ دولت شوروی بیش از هزار شهر آباد از دست داده و تلفات سنگین را تحمل کرده مایل به جنگ دیگری نیست. ایران هم نباید راه دیگری (؟) به شوروی واقع شود. دولت شوروی نه چشم‌داشت به خاک ایران دارد و نه موافقت خواهد کرد که دیگران از خاک ایران چیزی ببرند. مسئله خودمختاری آذربایجان کاملاً امر داخلی ایران است. دستجات و اشخاصی هستند که تقاضای تجزیه آذربایجان را دارند ولی ما کمک نکرده و از چنین فکری هم نفیوت نخواهیم کرد. یک دفعه دولت ایران نامه نوشت و مواردی راجع به مداخلات ما در امور ایران ذکر کرد پاسخ را دادیم حکومت ایران به موجب نامه اول دسامبر خود اظهار تشکر کرد و قانع شد. موضوع تقاضای مسافرت نخست‌وزیر به مسکو مصادف با کنفرانس مسکو شد. چون دولت ایران گفته بود اگر راجع به ایران مذاکراتی در مسکو بشود باید با حضور نماینده ایران باشد. این بود که مسافرت نخست‌وزیر موجب پیدا نکرده مسئله ایران را انگلیسی‌ها یک روز به آخرین کنفرانس مانده عنوان کردند و اعزام کمیسیون مختلط را پیش کشیدند ما گفتیم چون با دولت شاهنشاهی ایران فعلاً مذاکره نشده موافقت نخواهیم کرد. این از طرف ما قابل قبول نبود. می‌دانستیم که ایران هم قبول نخواهد کرد. همانطور که ملاحظه کردید مجلس

رد کرد. فراموش نکنید در ایران عناصری وجود دارند که دائماً در اختلال روابط بین دولتين کوشش می کنند. با این همه احوال مخالفتی با مذاکرات مستقیم ندارند. اگر چنین نظری ایران داشته باشد حاضرم تعلیمات از مسکو بگیرم و در اینجا یا در مسکو با شما داخل در مذاکره شده قضیه معلوم گردد. تأکید داشت این مذاکرات کاملاً خصوصی و رسمی تلقی نشود. بنده هم چون به طوری که عرض شد احتیاط کامل داشتم مبدا به اقدامات هیئت نمایندگی ایران سکت وارد شود از هر نوع پاسخی خودداری کردم و موکول به مذاکرات بعد نمودم. بنابراین بدون قبول پاسخ نوع مسئولیت قبلی در مقابل اظهار او و بدون اینکه اطلاعاتی از پیشنهادهای روسها داشته باشم و یا اینکه بتوانم اظهارنظری بکنم که مذاکرات مستقیم ترجیح دارد یا اینکه شورای امنیت چون لازم بود مراتب را به عرض برساند جسارت ورزید ۶ بهمن سهیلی - تقی زاده سفیر کبیر»

سهیلی پس از ارسال این گزارش طبق دستور دولت با ویشنیسکی تماس گرفته با او برای مذاکرات مستقیم به توافق رسید. یک روز پس از این توافق موضوع در شورای امنیت مطرح مذاکره قرار گرفت: جریان مذاکرات به قراری است که تقی زاده ذیلاً متذکر می شود:

در جلسه شورای امنیت در تعقیب عرض حال تقدیمی خود چنین گفت:

«مفتخراً عرض حالی شامل نظریات دولت ایران درباره اختلافی که میان دولت ما و شوروی ایجاد شده به شورای امنیت تقدیم می دارم.

دولت ایران در اجرای ماده ۳۵ منشور ملل متفق طی یادداشتی به تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ و خطاب به آقای جب دبیر کل موقتی سازمان توجه شورای امنیت را جلب کرده است.

مقدمه این نکته را خاطرنشان می سازم که دولت ایران هم مثل سایر اعضای ملل متفق متأسف است که شورا در آغاز کار خود با مسئله ایران روبرو شده و باید اختلافی را که میان دو عضو از اعضایش ایجاد گردیده بررسی نماید. دولت ایران به سهم خود از بروز این اختلاف با کشوری که نه فقط مدت های مدید است که با او روابط حسنه دارد بلکه طبق عهدنامه اتحاد سه جانبه ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ با او متفق می باشد، بسی متأسف است.

ایران برای پیروزی شوروی به وضع قابل ملاحظه ای کمک نموده کلیه منابع خود را برای ادامه جنگ در اختیار متفقین گذاشته است. از راه ایران که در آن وقت

تنها راه بلامانع بشمار می‌رفت مقادیر زیادی مهمات جنگی به خاک شوروی فرستاده شده است. راه آهن، جاده‌ها و کلیه وسایل ارتباطی ایران برای این منظور مورد استفاده قرار گرفته‌اند اگرچه در نتیجه اشکالاتی برای تدارکات سکنه ایجاد می‌کردند.

اجازه می‌خواهم که به شورای امنیت یادآوری کنم که متفقین به وسیله اعلامیه‌ای که در یکم دسامبر سال ۱۹۴۳ در تهران به امضای مستر چرچیل، ژنرال استالین و مستر روزولت رسیده کمک ایران را برای ادامه جنگ بر ضد دشمن مشترک تصدیق کرده‌اند.

ایران روابط سیاسی خود را با آلمان و ایتالیا در سپتامبر سال ۱۹۴۱ قطع کرد و در نهم سپتامبر سال ۱۹۴۳ به آلمان و در اواخر فوریه سال ۱۹۴۵ اعلان جنگ داد. عرض‌حالی که تقدیم می‌کنم حوادثی را که باعث این اختلاف بسیار ناسف‌آور شده است نشان می‌دهد. با قرائت این عرض‌حال فهمیده می‌شود که دولت ایران ساعی بوده است این اختلاف را به وسیله مذاکرات مستقیم طبق ماده ۳۵ منشور ملل متفق حل کند. طبق یادداشتی که ضمیمه عرض‌حال تقدیمی است ملاحظه می‌شود که دولت ایران طی یادداشت‌های متعددی مداخلات مقامات شوروی اعلام نموده و توجه او را به این نکته جلب کرده که مداخلات مزبور نقض استقلال و حاکمیت ایران بوده از دولت شوروی تقاضا گردید که مسئله را مورد بررسی قرار داده راه حلی برای آن بیابند.

دولت شوروی به این یادداشتها جواب نداد و یا نخواست که اعتراضات دولت ایران را قبول کند. به علاوه نخست‌وزیر ایران در ماه دسامبر ۱۹۴۵ پیشنهاد کرد برای جلب موافقت دولت شوروی به اتفاق وزیر امور خارجه ایران به مسکو برود. به این پیشنهاد هم توجهی نشد. بالاخره با امتناع و مخالفت دولت شوروی چه برای بررسی این مسائل و چه برای خودداری از مداخلات خود در امور داخلی ایران فقط این راه حل باقی می‌ماند که دولت ایران به استناد اینکه وضعیتی در ایران ایجاد شده که ممکن است منجر به اختلافات بین‌المللی گردد مسئله را به پیشگاه شورای امنیت تقدیم کند.

حوادث مفصلی که باعث ایجاد این وضعیت شده است در عرض‌حال تشریح گردیده و ملاحظه خواهد شد که مقامات شوروی در چندین مرتبه برخلاف حقوق بین‌المللی و پیمان سه‌جانبه شوروی و انگلیس و ایران مورخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ و برخلاف اعلامیه سه دولت امریکا و انگلیس و شوروی در کنفرانس تهران مورخ دسامبر ۱۹۴۳ و

برخلاف اصول مندرج در مقدمه منشور ملل متفق در امور داخلی ایران مداخله کرده‌اند. با آنکه پیمان سه‌جانبی مقرر می‌دارد که حضور سربازان متفقین در خاک ایران اشغال نظامی نیست و باید در حداقل امکان اداره و امنیت ایران و همچنین زندگانی اقتصادی کشور و رفت و آمد سکنه و اجرای قوانین و نظامات ایران مختل نشود در ناحیه‌ای که سربازان شوروی مستقرند این‌طور نبوده است.

در آذربایجان از این سیاست به قدری انحراف شده که دولت ایران نتوانسته هرطوری باشد اختیارات خود را اجرا کند. نیروهای تأمینیه ایران نتوانسته‌اند وظایف خود را انجام داده بی‌نظمی را برطرف سازند.

از طرف دیگر مقامات شوروی با ایجاد سدهائی در مرزهای منطقه‌ای که «منطقه شوروی» نامیده شده از آنها جز با اجازه مقامات شوروی نه اشخاص و نه کالا حق عبور نداشت و زندگانی اقتصادی کشور را سخت مختل ساختند. هیچ نیروی مسلح ایرانی نتوانسته از این حدود عبور کند. مقامات شوروی مانع شده‌اند که مقامات ایرانی قوانین و نظامات ایرانی را در این نواحی اجرا کنند. در بعضی از حالات آنها طبق تصمیمات خود رفتار کرده در حالات دیگر مانع می‌شدند که مقامات محلی قوانین ایرانی را اجرا نمایند.

دولت ایران هنگام جنگ تا اندازمائی این نقض پیمانها و حقوق بین‌المللی را صرف‌نظر و اغماض می‌نمود معذک معتقد است که چون جنگ پایان یافته باید به این تجاوزات علیه استقلال و حاکمیت ایران خاتمه داده شود. از موقع پایان جنگ بعضی از عناصر بی‌احتیاط آذربایجان ساعی شده‌اند که موجبات بی‌نظمی و اغتشاش را فراهم سازند. اگر دولت ایران نتوانسته بود نیروی تأمینیه به نقاط مغشوش گسیل دارد برقراری نظم برایش کار آسانی می‌بود. مقامات شوروی مانع دخول این نیروها به این مناطق شده‌اند. به عقیده دولت ایران این عمل مداخله واضحی در امور داخلی ایران است.

طبق عرض‌حال تقدیمی ملاحظه می‌شود که این عمل نمونه‌ای از چندین عمل مداخله می‌باشد. نتیجه این وضعیت آن است که نواحی کاملی از کشور دیگر تحت کنترل دولت مرکزی نیست زیرا نمی‌تواند به این نواحی نیرو و مأمورین خود را گسیل دارد. لهذا اعمالی از این قبیل از طرف مقامات شوروی نقض مواد پیمان سه‌گانه می‌باشد و در نتیجه دولت ایران با اصرار تقاضا دارد شورای امنیت مراعات کامل مقررات این

پیمان را توصیه نماید به این معنی که تا زمان تخلیه خاک ایران از نیروهای شوروی، مقامات شوروی اقدامی نکنند که با این پیمان یا با اعلامیه تهران منافات داشته باشد و سربازان و مأمورین ایرانی بتوانند وظایف عادی خود را انجام دهند و اختیارات دولت مرکزی موضوع هیچ مداخله‌ای از طرف مأمورین و سربازان نیروی شوروی در ایران واقع نشود و همچنین دولت ایران تقاضا دارد شورای امنیت توصیه کند که مقامات شوروی از هرگونه پشتیبانی روحی و مادی که به متجاسرین آذربایجان و سایر عناصر ماجراجو که در نواحی دیگر هستند می‌شود خودداری کنند.

دو عضو از اعضای شورای امنیت، امریکا و انگلیس، به خاطر دارند که دولت مزبور پس از اطلاع از منع حرکت نیروی تأمینیه ایران به صوب آذربایجان استعلامیه‌هایی در این خصوص نزد دولت شوروی فرستادند و اظهار داشتند دولت ایران کاملاً آزاد است که نیروهای مسلح خود را به تمام نقاط کشور به منظور برقراری نظم اعزام دارد استعلامیه‌های دولت امریکا در یادداشت مندرج ۲۴ نوامبر ۱۹۴۵ که سفیر کبیر امریکا در مسکو به دولت شوروی تقدیم داشت مندرج است. این یادداشت و پس از اشاره به پیمان اتحاد و اعلامیه تهران مقرر می‌داشت که دولت ایران طبق تعهداتی که در تهران گرفته شده باید آزادی کامل داشته و هیچگونه مداخله نظامی با کشوری انگلیس، شوروی و امریکا به او تحمیل نشود. دولت ایران باید در نقل مکان دادن نیروهای مسلح خود در تمامی خاک کشور مختار باشد بطوری که بتواند امنیت خویش را تأمین سازد. از طرف دیگر استعلامیه دولت انگلیس در یادداشت مورخ ۲۷ نوامبر ۱۹۴۵ که سفیر کبیر انگلیس به مسیو مولوتف کمیسر امور خارجه شوروی تقدیم نمود مندرج است. این یادداشت هم اشاره به اعلامیه تهران می‌کرد و اشعار می‌داشت به نظر دولت متبوعه من کاملاً عاقلانه است که دولت ایران در خاک خود خواهان برقراری نظم باشد و برای این منظور باید بتواند نیروهای تأمینیه خود را در سراسر کشور نقل مکان دهد. به علاوه دولت انگلیس اظهار می‌داشت که دولت متبوعه من یقین دارد که دولت شوروی دستوراتی در این خصوص به نیروهای خود مقیم در ایران خواهد داد تا به اقداماتی که دولت ایران برای اعمال حق حاکمیت و برقراری نظم در خاک خود اجرا می‌دارد لطمه وارد نسازند.

در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۵ دولت شوروی به یادداشت مورخ ۲۴ نوامبر دولت

امریکا پاسخ داد و اشعار داشت حوادثی که در ایران شمالی اتفاق افتاده قیام مسلحانه علیه دولت ایران نبوده بلکه این حوادث از جانب عناصر ارتجاعی که با توسعه حقوق ملی ساکنین ایران شمالی مخالف بودند برانگیخته شده است. دولت شوروی در خصوص نیروهای تأمینیه ایران اشعار داشت: دولت شوروی از حرکت نیروهای ایران که در نواحی شمالی ایران مستقر هستند ممانعتی ننموده ولی با اعزام دستجات جدید سرباز ایرانی به این نواحی مخالفت کرده به این دلیل که ورود آنها فقط موجب افزایش بی‌نظمی گردیده دولت شوروی را مجبور می‌سازد که به منظور برقراری نظم و تأمین امنیت پادگان‌های شوروی مقیم در نواحی شمالی سربازان بیشتری به ایران بیاورد چون دولت شوروی مایل به آوردن نیروهای جدیدی به ایران نبود اعزام نیروهای ایرانی اضافی را مناسب تلقی ننمود.

از این یادداشت به خوبی مستفاد می‌شود که رفتار دولت شوروی با پیمان اتحاد و اعلامیه سه کشور متفق ایران منتشره در تهران مغایر است. دولت ایران باید اهمیت و نوع آشوبهایی را که ممکن است در ایران بروز کند بسنجد زیرا دولت شوروی طبق پیمان ملتزم گردیده است در امور داخلی ایران مداخله ننماید در نتیجه دولت شوروی با اظهار این مطلب که اعزام نیروهای ایرانی اضافی را به ایران شمالی لازم نمی‌داند پیمان اتفاقی را که به موجب آن متعهد شده هیچگونه مداخله‌ای در امور داخلی ایران ننماید، نقض می‌کند.

دولت ایران در مورد اعزام نیرو با دولت شوروی داخل مذاکره مستقیم شده است. دولت ایران ضمن یادداشت مورخ ۱۷ نوامبر به اطلاع دولت شوروی رسانید که دستورات لازم داده شده تا استاندار آذربایجان و فرمانداران این استان پستهای خود را اشغال نمایند و به علاوه اطلاع داده شد که او امر لازم به منظور اعزام نیرو برای برقراری نظم صادر گردیده است. دولت ایران از دولت شوروی تقاضا نمود که به مقامات نظامی شوروی دستور دهند آزادی عمل ارتش و شهربانی ایران را مختل نسازند همچنین دولت ایران اطلاع داد که اگر به این مسائل توجه فوری نشود وضع طوری خواهد شد که عواقب وخیم در بر خواهد داشت. ضمناً اگر به علت اینکه ارتش نتواند آزادانه نقل مکان کند و حوادث اسف‌آوری رخ دهد دولت ایران حق دارد مسئولیت آن را متوجه مقامات نظامی شوروی بداند. پس از آنکه از حرکت نیروی ایران به وسیله نیروی شوروی در

تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۴۵ ممانعت به عمل آمد دولت ایران دو یادداشت به ترتیب در تاریخ ۲۲ و ۲۳ نوامبر به دولت شوروی فرستاد و تقاضا نمود دستورات تلگرافی به مقامات نظامی شوروی در ایران داده شود تا مانع حرکت نیروی ایران نگردند. دولت شوروی در تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۵ پاسخ داد بطوری که قبلاً اطلاع داده شد اگر دولت ایران نیروهای جدیدی به آذربایجان گسیل دارد نتیجه‌اش بی‌نظمی بوده خونریزی بیشتری خواهد شد بنابراین نمی‌تواند اجازه دهد نیروهای تکمیلی به این ناحیه اعزام گردند. دولت شوروی در بقیه یادداشت خود صراحتاً موارد متعدد دخالت در اقدامات دولت ایران را که در یادداشت مورخ ۱۷ نوامبر خود ذکر کرده بود، تکذیب نمود. اظهارات دولت شوروی در یادداشت‌های مورخ ۲۶ نوامبر عنوان دولت ایران و مورخ ۲۹ نوامبر عنوان دولت امریکا اکنون این جانب را ناچار می‌نماید که موارد دیگری از دخالت مقامات کشوری و نظامی شوروی را شرح دهم:

این موارد دخالت همانهایی هستند که به تفصیل در دادخواستی که امروز تقدیم نمودم مندرج است.

دولت ایران در تاریخ یکم دسامبر یادداشتی به دولت شوروی تسلیم نمود و در آن از اینکه در یادداشت شوروی اطمینان ضمنی داده شده بود که این حوادث تکرار نخواهد شد و از هرگونه دخالت شوروی در امور ایالات شمالی ایران خودداری خواهد گردید و نیروهای تأمینیه ایران مجاز خواهند بود آزادانه نقل مکان دهند اظهار خوشوقتی کرد. به علاوه دولت ایران تقاضا نمود نتیجه اقدامات فوری که سفارت شوروی در خصوص تأمین آزادی عبور و مرور مقامات کشوری و نظامی ایران در ایالات شمالی به عمل می‌آورد به اطلاع دولت ایران رسانیده شود. دولت ایران اظهارات دائر بر این که «نبودن مأمورین ایرانی در استانهای شمالی مسئولیتی متوجه دولت شوروی نمی‌کند» را رد کرده زیرا حضور این مأمورین موقعی مضر خواهد بود که نیروی تأمینیه هم در اختیار آنها باشد. بطوریکه در نامه مورخ ۲۶ ژانویه عنوان شورای امنیت متذکر گردیده هم یادداشت مورخ یکم دسامبر نشان نمی‌دهد که موافقتی حاصل شده است بلکه برعکس تقاضای دولت ایران دائر بر صدور اجازه حرکت بطرف استانهای شمالی را تأیید و تکرار می‌کرد.

در تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۵ دولت ایران یادداشتی به دولت‌های انگلیس و امریکا

و شوروی تسلیم و ضمن آن تخلیه کامل و فوری خاک ایران را از نیروهای متفقین خواستار شد و در انتظار انجام این امر تقاضا نمود که نیروهای نظامی بیگانه مقیم ایران مانع آزادی رفت و آمد نیروهای تأمینیه ایران نشوند تا دولت ایران بتواند نظم و برقراری امنیت را در کشور تأمین نماید. با این تفصیل تقاضای فعلی دولت ایران آن است که مقامات شوروی مداخله در امور داخلی ایران را متروک دانسته نیروهای نظامی و مأمورین دولت ایران بدون مانع بتوانند در نقاطی که نیروهای شوروی مقیم است آزادانه رفت و آمد نموده وظایف خود را بلامانع انجام دهند. مخصوصاً نیروهای تأمینیه‌اش بدون هیچگونه ممانعتی به آذربایجان یا هر نقطه دیگر ایران برای برقراری نظم و قانون بروند. به علاوه دولت ایران تقاضا دارد که دولت شوروی کلیه دستورات لازم را به منظور بازگشت کامل نیروها و مأمورینش تا تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ از ایران صادر نماید.

این جانب اطمینان دارد که شورای امنیت با روح عدالت و انصافی که در سازمان جدید جهانی حکمفرماست و طبق بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متفق رضایت‌خاطر دولت ایران را نسبت به دادخواست تقدیمی که عبارت از تأمین آزادی عمل کامل در خاک خود به انتظار روز تخلیه خاکش از نیروی شوروی می‌باشد، فراهم خواهد ساخت. هیئت نمایندگی ایران با جلب توجه شورا به این موضوع تمایل خود را به نگاهداری روابط حسنه با اتحاد جماهیر شوروی ابراز می‌دارد. این جانب سعی نمودم که با نزاکت و بی‌طرفی این وضع اسف‌آور را تشریح نمایم و هیئت نمایندگی ایران صمیمانه امیدوار است قضیه طوری روشن شود که احساسات دوستی موجود میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران که با توصیه شورای امنیت فقط تقویت خواهد شد بیشتر بهبودی یابد.

پس از بیانات تقی‌زاده و رئیس هیئت نمایندگی ایران، رئیس جلسه شورای امنیت اظهار داشت: اکنون نماینده اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی می‌توانند هرگونه توضیحات شفاهی را که لازم می‌دانند برای روشن ساختن و یا تکمیل اظهارات کتبی خود به عرض شورا برسانند.

آقای ویشنيسکی - این جانب لازم می‌دانم اظهارات زیر را به عرض شورا برسانم. همانطوری که عرض کردم من بحث در ماهیت دادخواست تقدیمی هیئت نمایندگی ایران را کنار می‌گذارم و فقط به آئین رسیدگی موضوع می‌پردازم. این جانب سعی خواهم کرد دلائلی به منظور رد اظهارات دولتی که اکنون دیگر

سرکار نیست و ادعاهایش کاملاً بی‌اساس می‌باشد اقامه کنم.

مسائل مطروحه دولت ایران که دو قسمت بیان شده ولی قابل بحث و رسیدگی در شورای امنیت نیست زیرا شرایط پیش‌بینی شده در منشور ملل متفق در خصوص آنها رعایت نگردیده است و همچنین درباره چند نکته که هیئت نمایندگی ایران به وضع نادرست و منحرفی تقدیم شورا کرده بحث خواهم نمود.

لازم است فوراً تصمیم گرفته شود که آیا شورای امنیت باید عرضحال تقدیمی دولت سابق ایران یعنی دولت آقای حکیمی را که در کمال روشنی سعی داشت روابط ایران و شوروی را وخیم نماید رسیدگی نماید یا خیر؟

اما آئین رسیدگی موضوع شامل دو نکته اصلی است: اولاً باید معین شود آیا مذاکراتی میان دولت ایران و دولت شوروی واقع شده است یا خیر؟ ثانیاً باید نتایج این مذاکرات را بررسی کرد. هیئت نمایندگی ایران در نخستین نامه‌ای که در تاریخ ۱۹ ژانویه به شورای امنیت فرستاده گفته است که دولت ایران چندین بار سعی نموده با دولت شوروی مذاکره نماید ولی نتیجه نداشت. اما حالا و در دومین نامه خود اقرار می‌کند که دولت ایران نه فقط در فکر مذاکره با دولت شوروی بوده بلکه عملاً مذاکراتی هم به وقوع پیوسته است. فقط مسئله دوم می‌سازد که معلوم شود آیا مذاکرات به نتیجه‌ای هم رسیده است یا خیر؟ هیئت نمایندگی شوروی در بیانیه مورخه ۲۴ ژانویه عنوان شورای امنیت خاطرنشان می‌سازد که دولت ایران طی یادداشت مورخ یکم دسامبر خوشوقتی خود را اظهارات شوروی موضوع یادداشت ۲۶ نوامبر اعلام نموده. هیئت نمایندگی ایران معترض است که ترجمه یادداشت ایران نادرست بوده و سعی دارد وانمود کند که گویی از نتیجه مبادله یادداشت‌های میان دولت ایران و دولت شوروی در نوامبر سال گذشته ناراضی بوده است. این جانب در نظر ندارم وارد یک بحث زبان‌شناسی شوم و بطور کلی تحقیق نخواهم کرد ترجمه کلماتی که هیئت نمایندگی به آن اشاره می‌کند صحیح است یا خیر بلکه متن یادداشت مورخه یکم دسامبر دولت ایران را که هیئت نمایندگی گیش برای اعضای شورای امنیت فرستاده مورد استفاده قرار خواهم داد. این متن با هرفایده‌ای هم که هیئت نمایندگی ایران با تکذیب آن بتواند بگیرد نشان می‌دهد که دولت ایران به وسیله وزیر امور خارجه‌اش از مضمون اظهارات مذکور در یادداشت مورخه ۲۶ نوامبر شوروی ابراز خوشوقتی نموده است. اگر به این یادداشت مراجعه گردد واضح می‌شود

که بیانیه شوروی می‌گوید که دخالت مأمورین شوروی در امور داخلی ایران در ناحیه شمال با حقیقت وفق نمی‌دهد و به علاوه به قراری که هیئت نمایندگی ایران حالا مدعی است گفته نشد «نظایر حوادث تکرار نخواهد شد». واقعاً یادداشت مورخه یکم دسامبر دولت ایران چگونه می‌تواند موضوع اظهار دولت از شوروی دائر به اینکه «نظایر حوادث تکرار نخواهد شد» ابراز خوشوقتی نماید درحالی که در یادداشت شوروی که دولت ایران نسبت به آن ابراز خوشوقتی نموده شامل این اظهار که «نظایر حوادث تکرار نخواهد شد» نبوده است. به علاوه قسمتهای دیگر یادداشت مورخه یکم دسامبر ایران ثابت می‌کند که دولت ایران در آنوقت از نتایج مذاکرات خوشوقت بوده است.

در این یادداشت اظهارات زیر که از متن یادداشت تقویمی آقای تقی‌زاده اقتباس شده ملاحظه می‌شود «و از اینکه اشعار داشته‌اند (یعنی در یادداشت مورخه ۲۶ نوامبر دولت شوروی) که مأمورین شوروی مقررات پیمان سه‌گانه و اعلامیه سران سه کشور بزرگ و متحد ایران را که در تهران امضا و انتشار یافته کاملاً محترم می‌دارند اظهار مسرت می‌نماید» از این قرار کاملاً واضح است که دولت ایران از نتیجه مذاکرات نوامبر سال ۱۹۴۵ دولت شوروی و دولت ایران در خصوص مسئله‌ای که اکنون دولت اخیر سعی دارد تحت بررسی شورای امنیت قرار دهد، خوشوقت بوده است. باز هم ناچار به خاطرنشان کردن این نکته‌ام که دولت ایران در آن وقت، یعنی در ماه دسامبر ۱۹۴۵، تمایلی به تعقیب مذاکرات در این خصوص نشان نمی‌داد و برای اطمینان خاطر کافی است که قسمتی از یادداشت مورخه یکم دسامبر دولت ایران خوانده شود:

«از مندرجات یادداشت جوابیه که مرقوم فرموده‌اند دخالت مأمورین شوروی در امور داخلی ایران در استانهای شمالی حقیقت ندارد. نظر به اینکه وزارت امور خارجه فعلاً نمی‌خواهد توضیحات بیشتری در این باره بدهد و سوابق امر را کاملاً روشن نماید و...» اکنون هیئت نمایندگی ایران چگونه می‌تواند ثابت نماید که اقدامات دولت ایران به منظور انجام مذاکرات با دولت شوروی به نتیجه نرسیده است؟

از آنچه که معروض داشتم به خوبی واضح می‌شود که این نتیجه حاصل گردیده و همچنین مشاهده می‌شود که مذاکرات از ماه دسامبر، ۱۹۴۵ دیگر تعقیب نشده برای

اینکه دولت ایران نخواسته و بطور وضوح آن را لازم نمی‌دیده است^{۱۰}، همینطور بنابر نکاتی که به عرض رسانیدم چطور می‌توان گفت که مذاکرات میان دولت شوروی و دولت ایران به نتیجه نرسیده است؟

دولت شوروی در برابر این پرسش پاسخ می‌دهد: «جواب مثبت به این سؤال غیرممکن است.» زیرا مذاکرات نتایجی داشته و این نتایج به اندازه‌ای بوده که دولت ایران ادامه مذاکرات را لازم ندانسته است. هیئت نمایندگی ایران باز هم یادداشت‌هایی که تاریخهای نزدیکتر ۱۳ و ۱۵ دسامبر را دارند عطف کرده و به این وسیله می‌خواسته ثابت کند که دولت ایران حتی در تاریخهای بعد از یکم دسامبر هم به دولت شوروی مراجعه نموده و نظایر تقاضاهائی را که جوابی به آنها داده نمی‌شد تسلیم داشته است. در هر حال اگر به این یادداشتها مراجعه شود معلوم می‌گردد که این تقاضاها با درخواست‌هایی که قبلاً از دولت شوروی شده بود ارتباطی ندارد بلکه مسائل کاملاً تازه‌ای را مطرح می‌ساخت به این معنی که کنفرانس وزیران امور خارجه سه کشور در مسکو باید درخواست دولت ایران را درباره بازگشت نیروهای بیگانه از این کشور مورد بحث قرار دهد و نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ایران باید به مناسبت کنفرانسی که در مسکو منعقد می‌گردد به این شهر دعوت شوند و هیچگونه تصمیمی نباید بدون مشورت قبلی دولت ایران اتخاذ گردد. از این قرار می‌توان گفت که دولت ایران بعد از تاریخ یکم دسامبر تقاضای خود را در نزد دولت شوروی تکرار ننموده و استناد به یادداشت‌های مورخ ۱۳ و ۱۵ دسامبر با مسئله‌ای که دولت ایران پیشگاه شورای امنیت تقدیم نموده ارتباطی ندارد. اما آنچه که پایه و اساس یادداشت‌های ماه دسامبر را تشکیل می‌دهد مسئله بازگشت نیروهای بیگانه از ایران است که آنهم در پیمان سال ۱۹۴۲ پیش‌بینی شده و بطوری که می‌دانیم برای این بازگشت تاریخ معین محدودی تعیین شده است. همچنین می‌دانیم که کنفرانس سه وزیر امور خارجه در مسکو مسئله ایران را مورد بحث قرار نداده و در نتیجه ادعاهای آن موقع حکیمی دائر به اینکه به کنفرانس مسکو دعوت نشده بی‌موضوع بوده است.

۱۰- برای رد اظهارات ویشنیکسکی به بیانات حکیمی نخست‌وزیر وقت در مجلس شورای

ملی (۲۷ آذر ۱۳۲۴) مراجعه شود.

اکنون این قسمت بیانات خود را خلاصه می‌کنم: به عقیده من در خصوص ادعاهای ایران مذاکراتی در ماه نوامبر ۱۹۴۵ میان دولت شوروی و دولت ایران به عمل آمده و به نتایج رضایت‌بخشی رسیده است.

اکنون هیئت نمایندگی ایران، مأمور از طرف دولتی که به قرار اطلاع همگی ما دیگر سرکار نیست، اعلام می‌دارد که این مذاکرات را رضایت‌بخش تلقی نمی‌کند و در این صورت هیئت نمایندگی ایران کاملاً آزاد است برای روشن کردن مسائل مورد توجه خود مجدداً به دولت شوروی مراجعه نماید.

هیئت نمایندگی شوروی طی نامه خود عنوان شورای امنیت معروض داشت که دولت شوروی ناچار به اعلام این مطلب است که اخیراً در ایران تبلیغات ضد شوروی برخاسته بود و دولت آقای حکیمی هم واضحاً با آن مخالفتی نمی‌نمود. هیئت نمایندگی شوروی به عرض شورا رسانید که تبلیغات مزبور به هیچ‌وجه با تبلیغات فاشیستی که در زمان رضاشاه علیه اتحاد جماهیر شوروی می‌شد فرقی نداشت و بالاخره نامه مزبور شامل این مطالب بود: «فعالیت ضد دموکراسی و اقدامات عناصر ارتجاعی ایران در مخالفت با اتحاد جماهیر شوروی که به وسیله بعضی محافل متنفذ از زمامداران ایران و همچنین به وسیله شهربانی پشتیبانی می‌شود برای آذربایجان و باکو مخاطرات عملیات خصمانه منظم و غافلگیری و غیره را دربردارد و این وضعیتی است که قابل تحمل نمی‌باشد. در هرحال دولت شوروی معتقد است این قبیل مسائل که مربوط به روابط دو کشور همسایه بوده و در این مورد مربوط به اتحاد جماهیر شوروی و ایران می‌باشد ممکن است و بایستی با مذاکرات دوجانبی میان دولت شوروی و دولت ایران حل شود. دولت شوروی از این طریق حل اختلافات میان همسایه‌ها امتناعی نداشته و ندارد.»

اکنون از شورای امنیت می‌پرسم آیا کوچکترین دلیلی برای رسیدگی به عرضحال تقدیمی دولت حکیمی و هیئت نمایندگی ایران دارد؟ این جانب پاسخ می‌دهم خیر، هیچ‌گونه دلیلی ندارد.

این بود حقایق قضایا و حالا به این قسمت می‌پردازم که عرضحال دولت ایران به شورای امنیت تا چه اندازه از نظر قضائی و از نظر تطبیق با منشور ملل متفق صحیح است: برای این منظور لازم است عوامل مسئله را نسبت به مواد ۳۳ و ۳۴ و ۳۶ و ۳۷ منشور ملل متفق تجزیه کنیم.

بند ۱ ماده ۳۳ مقرر می‌دارد: «طرفین هر اختلاف که دوام آن ممکن است باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی گردد باید قبل از هر چیز حل آن را از مجرای مذاکرات، بازرسی، میانجیگری، آشتی، داوری، تصفیه قضائی و غیره... جستجو نمایند.»

از این قرار شورای امنیت اعضای سازمان را مجبور می‌کند که اختلافات خود را به وسیله مذاکرات و غیره تصفیه نمایند و حتی در بند ۲ این ماده تصریح شده که شورا می‌تواند از طرفین دعوت نماید اختلافات خود را به وسائلی که در ماده ۳۳ پیش‌بینی شده حل کنند و اگر مقررات ماده ۳۳ را با کلیه اوضاعی که هیئت نمایندگی ایران به آن استناد نمود تطبیق نمایم بطور واضح مشاهده می‌شود که شورای امنیت در موضوع مورد بحث نمی‌تواند اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۳۳ را بکار بندد.

ماده دیگری که به این موضوع ارتباط دارد ماده ۳۴ است: «شورای امنیت می‌تواند بهر اختلاف با هر وضعیتی که ممکن است بین ملتها باعث یک اختلاف گشته و یا تولید اختلاف کند بازرسی نماید تا معین سازد که آیا دوام این اختلاف با این وضعیت به نظر او برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تهدید آمیز می‌باشد یا نه؟» کافی است اوضاعی را که هیئت نمایندگی ایران در اینجا شرح داده با عبارات ماده ۳۴ مقایسه نمود تا مطمئن شد که این ماده هم هرگز نمی‌تواند با مسئله مورد بحث مطابقت نماید زیرا ماده مزبور ناظر به اختلاف و یا وضعیت غیر از این موضوع می‌باشد. و باز هم ماده ۳۵ منشور را ذکر می‌کنم: «شورای امنیت می‌تواند در هر موقع از جریان اختلافی که از سنخ مذکور در ماده ۳۳ باشد با هر وضعی شبیه به آن طریق عمل یا طریق تصفیه‌ای را که مناسب آن باشد توصیه نماید.» این ماده هم می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد زیرا در مورد این موضوع بخصوص نمی‌توان طریق توصیه مشروح در ماده ۳۳ را بکار برد. دولت شوروی صراحتاً اعلام داشته که تنها وسیله تصفیه این مسائل میان دولتها که به نظرش قابل قبول است مذاکرات دو جانبه است.

بالاخره ماده ۳۷ مقرر می‌دارد: «هرگاه طرفین یک اختلاف که از سنخ مذکور در ماده ۳۳ می‌باشد نتوانند آن را به وسایل مندرج در آن ماده حل نمایند باید آن را به شورای امنیت رجوع نمایند.» این ماده هم ناظر به وضعیتی است که طرفین حصول موافقت را میان خود غیرممکن بیابند و مطمئناً فعلاً چنین وضعیتی میان اتحاد جماهیر

شوروی و ایران وجود ندارد و در نتیجه هیچگونه دلیلی برای اجرای ماده ۳۷ منشور ملل متفق موجود نیست.

تجزیه و تحلیل مواد مذکوره منشور ملل متفق ثابت می‌کند (و این امر بدون شک امکان‌پذیر است) که شورای امنیت برای رسیدگی به ماهیت اظهارات هیئت نمایندگی ایران صلاحیت ندارد. هیئت نمایندگی شوروی به شورای امنیت پیشنهاد می‌کند که به دولتین ایران و شوروی فرصت تصفیه این مسئله داده شود. هیئت نمایندگی با تقدیم این پیشنهاد جداً به نگاهداری روابط حسنه همجواری میان اعضای سازمان و همچنین در تقویت همکاری بین‌المللی بر اساس اعتماد متقابل و حسن توافق بر پایه توسعه یگانگی و دوستی در سازمان ملل متفق کوشش می‌نماید.»

رئیس هیئت نمایندگی ایران در چهارمین جلسه شورای امنیت که در ساعت سه بعدازظهر روز چهارشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ مطابق با ۱۰ بهمن ۱۳۲۴ در تالار جرج هاس منعقد شد به اظهارات ویشنیسکی رئیس هیئت نمایندگی شوروی چنین پاسخ می‌دهد:

«این جانب در خصوص اظهارات نماینده اتحاد جماهیر شوروی در جلسه گذشته به عرض دو تذکر اکتفا می‌کنم و می‌خواهم به دو قسمت که با اصل موضوع تماس دارد پاسخ دهم. این جانب وارد بحث در سایر نکات و یا سایر اشارات نطق نماینده شوروی بخصوص در قسمتی که به تغییر دولت ایران و سایر مسائل مشابه بود، وارد نمی‌شوم. اساس اظهارات نماینده اتحاد شوروی اصولاً روی دو قسمت مبتنی بود: اولاً متذکر گردید میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی مذاکرات مستقیمی که در قبال آن ایران از نتایج آنها اظهار خوشوقتی کرده وجود داشته و ثانیاً مدلل نمی‌نمود که چنین مذاکراتی وجود داشته قضیه را طبق آئین کار منشور ملل متفق نمی‌شود به پیشگاه شورای امنیت تقدیم داشت. هیئت نمایندگی ایران نمی‌تواند هیچیک از این اظهارات را قبول کند به نظر هیئت نمایندگی ایران دلایل هیئت نمایندگی شوروی بر اساس محکمی قرار نگرفته. در مورد قسمت اول موضوع کاملاً در عرضحال تقدیمی هیئت نمایندگی به پیشگاه شورای امنیت توضیح گردیده. این عرضحال تاریخچه مبادله یادداشت‌های میان اتحاد جماهیر شوروی و ایران راجع به حوادث اخیر را به تفصیل نشان می‌دهد. دولت ایران پس از شورش آذربایجان در تاریخ ۱۸ نوامبر تصمیم گرفت نیروهای تأمینیه برای تقویت نیروهائی که در محل بودند اعزام دارد و چون اطلاع یافت

که دولت شوروی در امور داخلی ایران مداخله کرده و با پشتیبانی از شورشیان موافقت نموده است یادداشتی به آن دولت تسلیم و هرگونه آزادی عمل و نقل و انتقال نیروهائی که به آذربایجان اعزام می‌شدند و اینکه آزادی عمل این نیروها به وسیله مقامات شوروی مختل نگردد، از دولت مزبور تقاضا داشت. معذک از حرکت نیروهای اعزامی دولت ایران در هشتاد میلی تهران به وسیله مقامات نظامی شوروی ممانعت به عمل آمد. دولت ایران در ۲۲ و ۲۳ نوامبر برای دولت شوروی یادداشتهای دیگری فرستاد که ضمن آنها مصرأ تقاضا نمود فورأ دستورات لازمی به مقامات شوروی محلی به منظور خودداری از مداخله و صدور اجازه عبور نیروهای ایران صادر گردد. دولت شوروی در یادداشت جوابیه ۲۶ نوامبر ضمن تکذیب هرگونه مداخله در امور ایران اطمینان داد که این مداخله دیگر صورت عمل نخواهد یافت معذک از صدور اجازه عبور نیروهای تأمینیه به محل امتناع ورزید. دولت ایران در جواب این یادداشت اشعار داشت (زیرا منظور اصلی این اقدامات تحصیل اجازه عبور ترک هرگونه مداخله‌ای بود) که لازم نمی‌بیند در حوادث گذشته‌ای که دولت شوروی آن را تکذیب می‌کند وارد بحث گردد ولی چون دولت شوروی قول می‌دهد که دیگر در امور ایران مداخله ننماید دولت ایران با اظهار خوشوقتی از این اطمینان اتخاذ سند می‌کند و اضافه نمود که باید اجازه عبور نیروهای تأمینیه‌ای که می‌خواهد به آذربایجان اعزام دارد، داده شود. متن این یادداشت‌ها به زبان فارسی است و اکنون اصل آنها را در جلوی چشمهای خود دارم و این زبان را آنقدرها می‌دانم که بتوانم عرض کنم در آنها هیچ اثری دیده نمی‌شود که دولت ایران خواه از اینکه دولت شوروی اعمال هرگونه مداخله‌ای را در امور داخلی ایران تکذیب کرده و خواه از اینکه دولت شوروی از صدور اجازه عبور نیروهائی که دولت ایران می‌خواسته به محل بفرستد خودداری نموده، اظهار خوشوقتی نموده باشد. ممکن است این متن اصلی تحت رسیدگی کارشناسان بی‌طرفی گذاشته شود تا آنها هدف و مقصد آن را قضاوت نمایند. آقایان هم ترجمه‌ای از آن را که دولت ایران تهیه کرده است ملاحظه فرموده‌اند.

اما گذشته از تفسیر و تعبیر این متن می‌خواهم از عقل سلیم اعضای شورای امنیت استمداد بطلبم. وقتی کشور بیگانه‌ای به دولت کشور دیگری از طرفی بنویسد «اظهارات شما درست نیست» و از طرف دیگر اضافه کند «ما از عبور نیروهائی که می‌خواهید برای برقراری نظم اعزام دارید ممانعت می‌کنیم» آنوقت ممکن است قابل

قبول باشد که در جواب نوشته شود «تشکر می‌کنیم».

دولت شوروی ادعا نموده که این مبادله یادداشت مذاکرات ترقی می‌شود و به‌علاوه رد تقاضای دولت ایران و تعهد اینکه در آینده مداخله‌ای نخواهد شد نتیجه رضایت‌بخش این مذاکرات ادعائی است و این جانب برای رد این ادعا هم چاره‌ای جز توسل به عقل سلیم آقایان اعضای شورای امنیت ندارم.

هیئت نمایندگی شوروی در قسمت دوم بیانات خود مسئله‌ای مربوط به آئین رسیدگی قضیه را پیش کشید و اظهار داشت که چون مذاکراتی به وقوع پیوسته طبق ماده ۳۳ منشور ملل متفق نمی‌توان قضیه را به پیشگاه شورای امنیت عرضه داشت. برعکس این جانب در ماده ۳۳ ملاحظه می‌کنم که «طرفین هر اختلاف که دوام آن باعث تهدید نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی گردد باید قبل از هر چیز حل آن را از مجرای مذاکرات... جستجو نمایند...» و برای تعقیب و انجام این مذاکرات بود که نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ایران پیشنهاد کردند به مسکو بروند. این پیشنهاد نه فقط هنگام اجتماع سه وزیر امور خارجه سه کشور بزرگ به عمل آمد بلکه پیش از این اجتماع و مخصوصاً ضمن یادداشتی که به سفارت شوروی تسلیم گردید و همچنین ضمن نطق ۱۸ دسامبر نخست‌وزیر ایران در مجلس شورای ملی که متن آن نیز در تاریخ ۲۱ دسامبر به سفارت شوروی تسلیم شد، این تقاضا به عمل آمد.

دولت ایران حتی پیش از اطلاع از اجتماع سه وزیر امور خارجه در مسکو ضمن یادداشت مورخه ۱۴ دسامبر عنوان سفارت شوروی می‌نویسد که نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه ایران به وسیله سفیر کبیر خود در مسکو از دولت شوروی تقاضا نموده‌اند که به منظور تماس با زمامداران شوروی به آن کشور عزیمت نمایند. اما نه فقط این اقدامات به جایی نرسید بلکه به پیشنهاد ما هم جوابی داده نشد. از این قرار هیچگونه مذاکراتی به منظور توصیه این اختلافات صورت نگرفته است. یادداشت دولت ایران دائر به تقاضای عبور نیروهایش به شمال و پاسخ شوروی مشعر بر امتناع از دادن این اجازه، مذاکراتی که منتج به نتیجه‌ای گردیده باشد، ترقی نمی‌شود. بالنتیجه اگر هیئت نمایندگی شوروی مدعی باشد که ما در فکر توصیه قضیه از راه مذاکرات مستقیم نبوده‌ایم ادعای صحیحی نیست زیرا ما در این فکر بوده‌ایم منتهی به نتیجه‌ای نرسیده‌ایم و اگر برعکس هیئت نمایندگی شوروی ادعا کند که این مذاکرات آغاز شده و یادداشت‌های متبادله

مذاکرات تلفی می‌شوند این ادعایی بیش نیست زیرا تا امروز نتیجه‌ای به دست نیامده. بنابراین قضیه را از هر جهتی که مورد بررسی قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم که شرایط ارجاع آن به پیشگاه شورای امنیت موجود و رعایت گردیده است. اکنون این اختلاف در پیشگاه شورای امنیت مطرح و در دستور قرار گرفته و بنابراین نمی‌توان و نمی‌بایستی آن را از دستور خارج کرد. شورای امنیت به هیچ‌وجه نباید از رسیدگی قضیه صرف‌نظر کند بلکه باید همچنان به رسیدگی خود ادامه دهد. اما از آنجائی که هیئت نمایندگی شوروی در پایان اظهارات خویش اشعار داشت که دولت شوروی حاضر است مذاکرات مستقیم را برای تصفیه قضیه آغاز نماید ما هم به سهم خود حاضریم چنین مذاکرانی را شروع کنیم مشروط بر اینکه این مذاکرات مستقیم بنابر توصیه شورای امنیت آغاز شود و شورای امنیت تصویب کند که ما این مذاکرات را شروع کنیم. ما همیشه در این راه کوشا بوده و پیوسته خواسته‌ایم این راه مذاکرات مستقیم را در پیش گیریم. اما حالا باید این راه حل بنابر توصیه شورای امنیت و طبق مقررات منشور ملل متفق تصویب شود. شورای امنیت باید صلاحیت خود را برای رسیدگی این قضیه اعلام کند مذاکرات باید زیر نظر شورا انجام گرفته و گاه به گاه گزارشی در خصوص پیشرفت مذاکرات به شورا تقدیم گردد و بالاخره نتیجه نهائی این مذاکرات در موعد عاقلانه‌ای به شورا اعلام شود. با این شرایط ما حاضریم مذاکرات مستقیم را شروع کنیم ولی در هر حال به هیچ‌وجه شورای امنیت نباید توجه خود را از مسئله‌ای که در دستور خود قرار داده منحرف سازد.»

پس از بیانات تقی‌زاده رئیس هیئت نمایندگی ایران ویشنیسکی در تکمیل اظهارات جلسه قبل خود چنین اظهار داشت:

من مجبورم به مذاکرات روز دوشنبه خود اشاره نمایم. من در آن روز دو نظر داشتم:

- ۱- اینکه مذاکرات مستقیم بین دولتين شروع شده بوده است.
- ۲- با وجود آغاز مذاکرات مستقیم مراجعه به شورا مجوزی نداشته است. راجع به قسمت اول نماینده دولت ایران آغاز مذاکرات را تأیید کرد و البته این مذاکرات مستقیم بوده است زیرا دو نوع مذاکره می‌توان نمود یکی مستقیم که با مبادله یادداشت دو دولت آغاز می‌شود و یکی غیرمستقیم که با واسطه دیگری شروع می‌شود.

در مذاکرات بین دولت ایران و شوروی چه دولتی واسطه بوده است؟
 من از شما سؤال می‌کنم؟ اسناد متبادله بین دولتین نشان بارزی است از اینکه مذاکرات مستقیم بین دولتین شروع شده بوده است.
 راجع به قسمت دوم به موجب یادداشت اول دسامبر که در پرونده ۴ صفحه ۱۳۷ اسناد دولت شوروی که به شورای امنیت تقدیم شده است یادداشتهای متبادله بین دو دولت به نتیجه رسیده است و دولت ایران به موجب یادداشت خود از عدم دخالت دولت شوروی در امور ایران و اینکه دولت شوروی وفاداری خود را نسبت به پیمانهای منعقد بین دولتین و مفاد اعلامیه تهران ابراز نموده تشکر و اظهار امتنان کرده است.^{۱۱}
 راست است که دولت ایران در یادداشت خود تقاضا کرده که نیروهای نظامی به شمال اعزام نماید و دولت شوروی نپذیرفته است ولی باید وضع شمال ایران را در آنوقت در نظر آورد.

دولت شوروی اوضاع شمال را مربوط به حضور نیروهای خود در آن نواحی نمی‌داند و آن را مربوط به تمایلات مردم آن سامان دانسته و معتقد است که این وقایع در یک رژیم دموکراتیک پیدامی‌شود و کاملاً جنبه داخلی دارد. و اما چرا دولت شوروی از اعزام نیروی اضافی ایران به آن نواحی جلوگیری کرده است. دولت ایران در آذربایجان نیروی کافی داشته است در آنجا یک لشکر پیاده و یک هنگ بوده است و این نیرو کافی بوده است که امنیت را در آن نواحی حفظ کند و باید دانست که اعزام نیروی اضافی به نظر دولت شوروی موجب خونریزی در آن نواحی می‌شد و نیروی شوروی نمی‌توانست در آن نواحی شاهد این بی‌نظمی باشد و این مراتب طی یادداشتهایی به دولتین انگلیس و آمریکا نیز اطلاع داده شده است. پس طی یادداشتهایی دولت ایران که در آن از حسن نیت دولت شوروی تشکر نموده است مذاکرات بدون نتیجه نبوده است. در همچنین مواقع انجمن وزیران خارجه در مسکو تشکیل گردید و نخست‌وزیر و

۱۱ - برای مزید اطلاع خوانندگان متن یادداشت وزارت امور خارجه را که در تاریخ اول دسامبر ۱۹۴۵ (۱۰ آذر ۱۳۲۴) برای سفارت شوروی فرستاد و ویشنسکی به آن استناد کرد در همین کتاب ملاحظه شود. در این یادداشت نماینده دولت استالین فقط یک جمله آن را که به نفع اوست به رخ شورای امنیت می‌کشد و از ذکر سایر مطالب حقه آن خودداری می‌کند.

وزیر خارجه ایران تقاضا کرده بودند که در مسکو حاضر شوند. ولی به موجب یادداشت ۲۶ دسامبر دولت ایران نخواست که موضوع ایران در انجمن وزیران خارجه مطرح شود بنابراین حضور نخست‌وزیر و وزیر خارجه ایران نتیجه نداشت.

دولت آن وقت ایران به اقداماتی علیه دولت شوروی آغاز نمود. در هر حال بیائید و به این مزخرفات خاتمه دهیم و طومار آنچه گذشته است درهم بیچیم و سوءتفاهمات گذشته را کنار گذاشته به آینده چشم دوخته سعی کنیم آنها را با مذاکرات مستقیم رفع نمائیم.

ولی اینکه نماینده دولت ایران پیشنهاد می‌کند مذاکرات مستقیم با توصیه شورا و تحت نظر شورا انجام گیرد قابل قبول نیست زیرا این امر برای دولت شوروی موهن است. این امر برای دولت ایران موهن است. این امر برای نماینده دولت شوروی نیز موهن است. این امر برای شورای امنیت نیز موهن است. از شما آقایان نمایندگان سوال می‌کنم چگونه به این طرز ممکن است مذاکرات مستقیم را شروع نمود.

پس از نطق آقای ویشنیسکی نماینده دولت ایران اظهار کرد در ترجمه مطالب من به زبان انگلیسی و اظهارات آقای ویشنیسکی اشتباهی رخ داده است و تقاضا دارم اجازه فرمایند تصحیح کنیم و سپس شروع کردند.

آقای تقی‌زاده چنین اظهار داشتند: «که آقای ویشنیسکی اظهار داشتند اینجانب تأیید کرده‌ام که مذاکرات مستقیم بین دولت ایران و دولت شوروی شروع شده و به نتیجه بن‌بست رسیده است من چنین نگفتم و اظهار داشتم چون مبادله یادداشت بین دو دولت به نتیجه نرسیده موجبات ارجاع امر به شورای امنیت پیدا گردید...»

مشروح مذاکرات شورای امنیت دربارهٔ اخذ تصمیم راجع به مذاکره مستقیم بین دو دولت ایران و شوروی را تقی‌زاده در گزارش زیر به وزارت امور خارجه چنین تذکر می‌دهد:

نمره: ۴۴

وزارت خارجه

۱۵ بهمن ۱۳۲۴

پیرو گزارش شماره ۳۸ مورخ ۱۲ بهمن معروض می‌دارد:

۱- در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ نامه به دبیرکل سازمان ملل متحده نگاشته و

اظهار نمودم چون مأمورین نظامی و غیرنظامی در امور داخلی ایران دخالت‌هایی نموده‌اند و

وضعیتی ایجاد شده که ممکن است در روابط بین‌المللی تولید اشکالاتی بنماید و چون دولت ایران طبق ماده ۳۳ میثاق ملل متحده چندین بار سعی کرد با دولت شوروی وارد مذاکره شود ولی نتیجه‌نگرفت علیهذا هیئت نمایندگی ایران طبق دستور دولت ایران به استناد ماده ۳۵ (قسمت ۱) میثاق توجه شورای امنیت را به این موضوع معطوف می‌دارد تا پس از مطالعه وضعیت راه‌حل آن را توصیه نمایند.

این نامه در شماره ۲ مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ ژورنال شورای امنیت (صفحه اول) درج گردید و جهت اطلاع و بایگانی در پرونده وزارت امور خارجه بدین‌وسیله ارسال می‌گردد (پیوست شماره ۱).

۲- روز ۲۵ ژانویه ۱۹۴۶ رئیس شورای امنیت آقای می‌کین Makin (نماینده استرالیا) اظهار داشت که از نمایندگی ایران نامه‌ای رسیده است و نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی نیز رد اظهارات نامه مزبور در تاریخ ۲۴ ژانویه به شورا نگاشته که اگر آقایان نمایندگان ایرادی نداشته باشند این موضوع برای رسیدگی در برنامه شورای امنیت درج گردد. آقای ویشنیسکی معاون وزارت امور خارجه و نماینده اتحاد جماهیر شوروی سعی نمود شورای امنیت را متقاعد سازد که شورا نبایستی وارد بحث راجع به مندرجات ادعای ایران بشود بلکه باید فقط آن را بخواند و بعداً رای بگیرد که آیا صلاح است در اطراف آن بحث بشود یا خیر؟ ولی آقای بوین وزیر امور خارجه انگلیس اظهار داشت که ایران و بطور کلی هریک از اعضاء سازمان ملل متحده حق دارد درد خود را آشکارا در این شورا اظهار دارد و ما ببینیم و قضاوت کنیم که شکایات او بجاست یا خیر؟ بالاخره پس از مذاکرات زیاد شورا تصمیم گرفت که موضوع ادعای ایران در برنامه روز دوشنبه ۲۸ ژانویه ۱۹۴۶ گذارده شود. تفصیل مذاکرات جلسه روز ۲۵ ژانویه ۱۹۴۶ از صفحه ۲۲ به بعد در شماره ۳ مورخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ ژورنال شورای امنیت درج شده است و جهت اطلاع به پیوست تقدیم می‌گردد (پیوست شماره ۳).

در همین روز ۲۵ ژانویه ۱۹۴۶ هیئت نمایندگی شوروی نامه‌ای را که در رد اظهارات هیئت نمایندگی ایران نوشته بود به چاپ رسانیده و در راهروهای عمارت (چرچ هاوس Church House) به اشخاص می‌دادند. نامه مزبور در صفحه ۱ شماره ۳ مورخ ۲۶ ژانویه ژورنال شورای امنیت درج گردید. به پیوست جهت اطلاع و بایگانی در پرونده وزارت امور خارجه ارسال می‌گردد (پیوست شماره ۲). چیزی که در آن نامه

قابل توجه هست اینکه هیئت نمایندگی شوروی اظهار می‌دارد:

الف - وقایع آذربایجان با بودن نیروی نظامی شوروی در آن صفحات ارتباطی ندارد.
ب - حضور نیروی شوروی در شمال ایران تنها متکی به پیمان اتحاد سه‌گانه نبوده بلکه در پیمان مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ نیز پیش‌بینی شده است.

ج - در یادداشت مورخ اول دسامبر ۱۹۴۵ (۱۰ آذر ۱۳۲۴) وزارت امور خارجه ایران به سفارت کبرای شوروی در تهران دولت ایران از دولت شوروی اظهار تشکر نموده است (این یادداشت را طوری ترجمه نموده‌اند که معنی آن درست به عکس مفهوم آنکه وزارت امور خارجه گفته است می‌باشد).

د - دولت شوروی حضور نیروی ایران را در آذربایجان یک نوع تهدید بر علیه امنیت خود در منطقه نفت خیز بادکوبه می‌شمارد.

ه - در نتیجه هیئت نمایندگی شوروی اظهار می‌دارد که چون شرایط لازم برای استناد به مواد ۳۴ و ۳۵ میثاق ملل متحده جمع نیست ادعای ایران وارد نمی‌باشد. در رد این اظهارات در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۴۶ نامه‌ای به ریاست شورای امنیت نگاشتم که در صفحه ۳۲ ژورنال شورای امنیت شماره ۴ مورخ ۲۸ ژانویه ۱۹۴۶ درج گردیده و جهت اطلاع وزارت امور خارجه به پیوست ارسال می‌گردد (پیوست شماره ۵).

۳- روز دوشنبه ۲۸ ژانویه ۱۹۴۶ ساعت سه بعد از ظهر جلسه شورای امنیت تشکیل و ادعای ما که شامل قسمتهای زیر است خوانده شد:

۱- توضیحات شفاهی راجع به خلاصه جریانات (صفحه ۴۷ ژورنال شورای

امنیت شماره ۵ مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶. پیوست شماره ۶).

۲- نوشتجات کتبی شامل دو قسمت و دو ضمیمه:

قسمت ۱- تاریخ سیاسی وقایع.

قسمت ۲- موارد مداخله مأمورین شوروی در امور داخلی ایران.

ضمیمه ۱- یادداشتهای متبادله مربوط به قسمت ۱

ضمیمه ۲- یادداشتهای مربوط به قسمت ۲

(یک نسخه از ادعای ایران جهت استحضار بایگانی در پرونده وزارت امور

خارج به پیوست تقدیم می‌گردد. پیوست شماره ۶).

آقای ویشنیسکی نماینده اتحاد جماهیر شوروی در جواب اظهارات این جانب

نطق مفصلی نمود که در صفحه ۵۳ ژورنال شورای امنیت شماره ۵ مورخ و ۳ ژانویه ۱۹۴۶ درج گردیده و جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد. (پیوست شماره ۷).

چیزی که در نطق مشارالیه قابل توجه است اینکه اظهارات بنده را متکی به دستورات دولتی که از کار برکنار شده است دانسته و از این لحاظ غیروارد می‌داند و به علاوه باز متکی به ترجمه غلط یادداشت مورخ اول دسامبر وزارت امور خارجه می‌شود و اظهار می‌دارد که دولت ایران طبق میثاق ملل متحده می‌بایستی قبل از هر راه‌حلی راه حل اختلافات از طریق مذاکرات دوطرفه بپردازد و دولت ایران هیچگاه به وسیله مذاکرات دوطرفه نخواست است اختلافی را که اظهار می‌دارد و وجود ندارد، حل نماید. به هر حال دولت اتحاد جماهیر شوروی بطوریکه سابقاً هم اظهار داشته حاضر است با دولت ایران وارد مذاکرات دوطرفه شده و اختلافی اگر باشد حل نماید.

پس از اظهارات آقای ویشنیسکی برای ادامه مذاکرات و یا موکول کردن آن به جلسه آینده رای گرفته و تصویب شد که ادامه مذاکرات به جلسه روز چهارشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ موکول گردد.

۴- روز چهارشنبه ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ ساعت سه بعدازظهر جلسه شورای امنیت تشکیل گردید و ابتدا این‌جانب در جواب اظهارات روز دوشنبه آقای ویشنیسکی توضیحاتی دادم که شرح آن در صفحه ۶۲ ژورنال شورای امنیت شماره ۶ مورخ اول فوریه ۱۹۴۶ درج گردیده و برای استحضار تقدیم می‌گردد (پیوست شماره ۸).

ضمناً اظهار داشتم اینکه می‌گویند دولت ایران نه بطور مستقیم و نه بطور غیرمستقیم هیچگاه با دولت شوروی وارد مذاکره نشده است البته مذاکراتی را که دولت ایران برای اعزام نفرات خودش در قسمتی از خاک خودش با دولت شوروی نمی‌شود Negotiations نامید. در خاتمه نیز اظهار داشتم دولت ایران هم همانطور که آقای ویشنیسکی از طرف دولت شوروی اظهار نموده‌اند مایل است این موضوع را به وسیله مذاکرات دوطرفه حل نماید مشروط بر آنکه شورای امنیت این راه حل را توصیه نموده به پیشرفت مذاکرات و نتیجه آن نظارت داشته باشد. آقای ویشنیسکی جواب داد حیثیت دولت شوروی نمی‌تواند قبول کند که تحت نظر شورای امنیت مذاکرات دوطرفه باشد.

سپس آقای بوین بعد از آنکه اظهار نمود دولت انگلیس هم (چون امضاکننده

پیمان اتحاد سه گانه است که استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران را تضمین نموده) در این مذاکرات مستقیماً ذینفع می‌باشد. بیان تعجب از گفته‌های آقای ویشنیسکی نمود که دولت شوروی چرا باید نسبت به امور داخلی ایران دخالت نموده و در اینکه صلاح است به قسمتی از خاک ایران سرباز ایرانی فرستاده شود یا خیر مداخله نماید. بعداً آقای بوین ضمن قدردانی از کمکهای ایران به متفقین در ایام سخت جنگ اضافه نمود که شایسته نیست دولت کوچکی که در خاک او هزاران نفر سرباز خارجی است برای مذاکرات دوطرفه تنها گذارده شود و سرپرستی شورای امنیت در این قبیل مذاکرات نباید به حیثیت هیچ کشوری بر بخورد و حتی گفت من به عنوان وزیر امور خارجه انگلیس اظهار می‌نمایم که اگر دولت انگلستان در چنین دعوائی طرف بود هیچ باکی نداشتم که سرپرستی شورای امنیت را در مورد مذاکرات دوطرف قبول نمایم و این امر را برای حیثیت انگلستان بر خورنده نمی‌دانستم (ژورنال شورای امنیت شماره ۶ مورخ اول فوریه ۱۹۴۶ از صفحه ۶۹ تا ۷۲).

سپس نمایندگان امریکا و چین و فرانسه اظهارات موافقی نسبت به راه حل اختلاف به وسیله مذاکرات دوطرفه با سرپرستی شورای امنیت نمودند و نمایندگان لهستان و هلند از نظریه دولت شوروی دائر بر اینکه سرپرستی شورا بر خورنده و حتی بی‌فایده است پشتیبانی نمودند تا بالاخره به اتفاق آراء تصمیم زیر گرفته شد:

«شورا پس از استماع اظهارات نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ایران در جلسات ۲۸ و ۳۰ ژانویه و استحضار از مدارکی که نمایندگان گیهای شوروی و ایران طی مباحثه در جلسات فوق به آن اشاره نمودند و نظر به اینکه طرفین هردو اظهار داشته‌اند که حاضرند از طریق مذاکرات سیاسی (neotiation) در آتیه نزدیکی راه‌حلی جستجو نمایند.

«از طرفین درخواست دارد شورا را از جریان نتایج حاصله در طی مذاکرات سیاسی (Negotiation) مستحضر دارند.

«شورا این حق را برای خود محفوظ می‌دارد که بتواند همه وقت اطلاعاتی راجع به جریان مذاکرات سیاسی Negotiation از طرفین بخواهد.»

(صفحه ۸۲ ژورنال شورای امنیت شماره ۶ مورخ اول فوریه ۱۹۴۶ پیوست

شماره ۹).

مذاکراتی که به تصمیم فوق منتهی گردید به تفصیل از صفحه ۶۲ به بعد ژورنال شورای امنیت شماره ۶ مورخ اول فوریه ۱۹۴۶ درج گردیده که جهت استحضار به پیوست تقدیم می‌گردد (پیوست شماره ۱۰)

۵- در اینجا توجه وزارت امور خارجه را به این نکته معطوف می‌دارد که نتیجه بدست آمده بهتر از آن است که به وسیله مذاکرات دوطرفه بلاشرط و بدون نظارت شورای امنیت بدست می‌آید. زیرا در عین حالیکه راه برای مذاکرات دوطرفه و دوستانه باز است دولت شوروی تا اندازه‌ای نخواهد توانست از حضور قوای مسلح خود در ایران استفاده نموده و تمام شرایط خود را به ما تحمیل نماید. چون افکار عمومی دنیا متوجه رفتار او است و شورای امنیت هم که گاه‌گاهی جریان پیشرفت مذاکرات سؤال خواهد نمود خواهد توانست هروقت دولت ایران از جریان ناراضی باشد موضوع را باز در معرض قضاوت افکار عمومی دنیا گذارده از این راه کمک شایانی به ایران بنماید. برای اطمینان بیشتر از اینکه تا نتیجه از مذاکرات سیاسی نشود شورا خواهد توانست در این موضوع باز اقدام بنماید. آقای استهتی نیوس نماینده کشورهای متحده امریکا مخصوصاً در آخر جلسه اظهار نمود «... با پیشنهاد آقای بوین موافقت می‌نمایم مشروط بر اینکه روشن باشد که طبق اصول و مفاد میثاق تا وقتی که این موضوع حل شود شورا پیوسته نسبت به آن علاقه خواهد داشت.» (صفحه ۸۳ ژورنال شورای امنیت. شماره ۶ مورخ اول فوریه ۱۹۴۶).

۶- در خاتمه لازم می‌داند یادآوری نماید اکنون که جریان پیشرفت این کار صورت مساعدی به خود گرفته صلاح است وزارت امور خارجه به هر ترتیب و در هر محل که صلاح بدانند ولی بدون ائتلاف وقت با دولت شوروی وارد مذاکره شده و این سفارت کبری را از جریان مذاکرات مطلع فرمایند تا هروقت لازم شود با صلاح دید وزارت امور خارجه توجه شورای امنیت را نسبت به پیشرفت مذاکرات و نتایج آن معطوف دارد.

سفیرکبیر - رئیس هیئت نمایندگی

حسن تقی‌زاده»

احمد قوام نخست‌وزیر پس از اطلاع از تصمیم شورای امنیت تلگراف زیر را برای

تقی‌زاده ارسال داشت:

نمره: ۱۸۹۰

تاریخ: ۱۳۲۴/۱۱/۱۲

وزارت امور خارجه

Central Hall London

جناب آقای تقی‌زاده

« ۴۹۱ - از جریان عمل در جلسه ۱۰ بهمن در شورای امنیت استحضار حاصل شد که به حمدالله موضوع به همان ترتیب که ما می‌خواستیم و مصلحت عالی کشور هم البته همان بود، بالاخره تصمیم گردید. از حسن مراقبت جنابعالی و دقتی که به صلاح کشور در امور دارید امتنان دارم. حالا باید حسن تدبیر بکار برد که در مذاکرات مستقیم نظر مقامات شوروی را به مساعدت و همراهی با ایران جلب نمود و طوری کرد که روابط مودت تحکیم و حسن تفاهم فراهم شود. زیرا می‌دانید با همجواری و احتیاج نمی‌شود از حسن روابط صرف‌نظر نمود. به همین نظر بود که در ۸ بهمن به استالین و نخست‌وزیر انگلیس و وزیر امور خارجه امریکا تلگراف دوستانه کرده درصدد هستم کمیسیون مخصوصی به مسکو روانه دارم. البته آقای سهیلی هم که باید قبول این زحمت را بفرمایند. جنابعالی را از جریان مسبوق خواهم نمود. احمد قوام.»

جناب آقای ژنرال‌سیم ژوزف استالین

رئیس شورای کمپس‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی - مسکو

«در این موقع که مسئولیت امور کشور ایران به عهده این جانب محول گشته است لازم می‌دانم احساسات دوستی صمیمانه ملت و دولت ایران را نسبت به دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و ملت بزرگ و دولت متفق و همجوار به آن جناب اعلام و همچنین اطمینان دهم که اینجانب جداً مصمم هستم تمام مساعی خود را برای همکاری صمیمانه و مودت‌آمیز که متناسب حسن روابط همجواری بین دو ملت می‌باشد بکار برم. همانطور که ایران در مدت جنگ هم برای پیشرفت هدف مشترک مساعی لازم را بکار

برده است.

با اطمینان به احساسات دوستی صمیمانه که همواره از طرف ملت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ابراز شده و منویات شخص این جانب در تحکیم روابط حسنه ملتین یقین دارم که جناب ژنرال‌السیم از مساعی ذیقیمت و کمک گرانبهای خود برای کمک به ملت ایران در حصول آرزوهای مشروع و حقه‌اش دریغ نخواهند فرمود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را نسبت به جنابعالی تقدیم می‌دارم. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر.»

جناب آقای اتلی نخست‌وزیر دولت اعلیحضرت

پادشاه انگلستان - لندن

«در این موقع که مسئولیت امور کشور ایران به عهده این جانب محول گشته است لازم می‌دانم احساسات دوستی صمیمانه ملت و دولت ایران را نسبت به ملت و دولت بریطانیای کبیر به آن جناب اعلام و همچنین اطمینان دهم که این جانب مصمم هستم تمام مساعی خود را برای همکاری صمیمانه و مودت آمیز با دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در حدود مقررات منشور ملل متفق و اعلامیه طهران بکار برم. همانطور که ایران در مدت جنگ هم برای پیشرفت مقصد مشترک مساعی لازم را بجا آورده است با اطمینان به احساسات دوستانه و بی‌آلایش ملت ایران نسبت به آن دولت و حسن‌نیت این جانب یقین دارم آن جانب از بذل مساعی ذیقیمت خود دریغ نخواهند فرمود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را به آن جناب تقدیم می‌دارم. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر.»

جناب آقای برنر وزیر امور خارجه

کشورهای متحده امریکا - واشنگتن

«در این موقع که مسئولیت کشور ایران به عهده این جانب محول گشته است لازم می‌دانم احساسات دوستی صمیمانه ملت و دولت ایران را نسبت به ملت و دولت کشورهای متحده امریکا به آن جناب اعلام و همچنین اطمینان دهم که این جانب مصمم هستم تمام مساعی خود را برای همکاری صمیمانه و مودت آمیز با دولت متحده امریکا

در حدود مقررات منشور ملل متفق و اعلامیه طهران بکار برم همانطور که ایران در مدت جنگ هم برای پیشرفت مقصد مشترک مساعی لازم را بجا آورده است. با اطمینان به احساسات دوستانه و بی‌آلایش ملت ایران نسبت به امریکا و حسن‌نیت این‌جانب یقین دارم آن جناب از بذل مساعی ذیقیمت خود دریغ نخواهد فرمود. موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را به آن جناب تقدیم می‌دارم. قوام‌السلطنه نخست‌وزیر.»

اینک دو فقره از اسناد انعکاس تصمیم شورای امنیت را در رادیوهای خارجی برای مزید اطلاع متذکر می‌شود:

رادیو آنکارا در این خصوص چنین نوشت:^{۱۲}

«دولت شوروی از تصمیم شورای امنیت راجع به قضیه ایران و اینکه بین دولتین ایران و شوروی مذاکرات مستقیم انجام گیرد اظهار خرسندی نموده است.

علاوه بر تلگراف دوستانه ژنرال‌یسیم استالین در پاسخ تلگراف آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران آقای ویشنیسکی رئیس هیئت نمایندگان شوروی در سازمان ملل متفق هنگام مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری چنیکا راجع به تصمیم شورای امنیت ملل متفق در مسئله ایران اظهار داشته که تصمیم شورای امنیت راجع به ایران توافق‌نظری بوده است که از نظر دولت شوروی از دو لحاظ شایان قبول است.»

رادیو لندن نیز دربارهٔ جریانات و مذاکرات بین هیئت‌های نمایندگی ایران و شوروی در سازمان ملل متفق به این قرار اظهارنظر کرد:^{۱۳}

«رادیو لندن. خبرنگار دیپلوماسی روزنامه «سندی تایمز» چاپ لندن که معمولاً اطلاعات او موثق است راجع به مطرح نمودن قضیه ایران در شورای امنیت در اساس موضوع تقاضای دولت ایران از شورای مزبور تجدیدنظر به عمل آمد و این تجدیدنظر در نتیجه انتخاب آقای قوام‌السلطنه به نخست‌وزیری ایران حاصل شده است. زیرا قوام‌السلطنه همین که به نخست‌وزیری انتخاب شد در اولین اظهارات خود تصریح نمود به اینکه تقاضای ایران را از شورای امنیت ملل متفق پس نخواهد گرفت ولی در نظر دارد که با دولت شوروی مذاکرات مستقیم به عمل آورد و مخفی‌نماند که قوام‌السلطنه از جمله

۱۲- روزنامه رستاخیز، شماره ۲۳۵.

۱۳- ۲۸ هزار روز ناریح ایران و جهان، روزنامه اطلاعات، شماره ۷۲۰.

رجال ایران است که دولت شوروی میل دارد با او وارد مذاکره بشود لذا می‌توان گفت که تا پایان مذاکرات مستقیم دولت ایران با دولت شوروی تقاضای دولت ایران در شورای امنیت ملل متفق مطرح نخواهد شد و به تعویق خواهد افتاد.»

احمد قوام نخست‌وزیر ضمن نامه‌هایی حسین علا سفیر ایران در واشنگتن را در جریان امر گذاشت. به نامه‌های متبادل بین این دو توجه فرمائید:۱۲

نمره: ۱۸۸۷ وزارت امور خارجه

به تاریخ: ۱۳۲۴/۱۱/۱۲

سفارت کبرای شاهنشاهی در واشنگتن

جناب آقای علاء

۵۵۶ واصل از ابراز محبت و صمیمیت جنابعالی کمال امتنان را دارم. امید موفقیت این جانب به خداست و رفع نگرانیها که اشاره فرموده‌اید بیشتر با حسن همکاری امثال جنابعالی است. از تصمیم جلسه ده بهمن شورای امنیت راجع به ایران البته به تفصیل مستحضر شده‌اید که بحمدالله ترتیبی اتخاذ شد که هم راه مذاکره باز شده و هم موضوع از شورای امنیت منحرف نگردیده است. در این صورت هم جای نگرانی نیست. از اولین دقیقه که مسئولیت را در این موقع خطیر قبول کردم از طرفی دستور تعقیب امر را در شورای امنیت داده و از طرفی هم ترتیب کار طوری مراقبت شده که شورای امنیت خود توصیه نمود که دوطرف داخل مذاکره شوند. به آقای سهیلی هم دستور دادم با جلب نظر آقای تقی‌زاده مذاکرات را شروع نمایند. ضمناً به استالین و نخست‌وزیر انگلیس و وزیر امور خارجه امریکا هم در ۸ بهمن تلگراف دوستانه کرده درصدد هم هستم میسیون مخصوصی به مسکو روانه دارم و البته جنابعالی را از جریان مسبوق خواهم نمود. نظر این جانب این است در نتیجه این اقدامات هم منظور اساس خودمان را حاصل کنیم که حفظ حقوق و شئون ایران باشد و هم با مقامات شوروی برای احتیاجات همجواری که داریم رابطه روشن و حسن تفاهم داشته باشیم که رعایت

حال و قال مصالح عالیہ کشور ملحوظ شدہ باشد. موضوع مذاکرہ با حکومت آذربایجان ہم صحت ندارد. احمد قوام.»

پاسخ حسین علاء: وزارت امور خارجه

از واشنگتن. به تاریخ ۱۶/۱۱/۱۳۲۴. نمره ۲۲۵۵

«جناب آقای نخست‌وزیر نظریات عالی برای تصفیہ اینکار بسیار پسندیدہ و امیدوار است در انجام آن کمال موفقیت را حاصل فرمائید. نکته‌ای کہ لازم بود بہ استحضر عالی برسانم این است کہ تاکنون هیچ وقتی افکار عامہ دنیا بہ این تفصیل پشتیبان ایران نبودہ و چون موضوع ما اول آزمایش در مجمع عمومی ملل متحدہ است تمام دنیا متوجہ کار ما می‌باشد باید از این فرصت و از پشتیبانی اخلاقی عمومی استفادہ کنیم، جریانات مذاکرات مستقیم را مرتباً بہ عرض شورا برسانیم کہ علاقہ شورا با کار ایران گسیختہ نشود و بہ مجرد اینکه احساس فرمائید روسہا قصد طفرہ در مذاکرات مستقیم دارند و می‌خواهند کار ما را عملاً یک کار فراموش نشان بدهند باز قضیہ باید در شورا تعقیب گردد و البتہ اگر از طرف ما سستی مشاہدہ شود و خودمان در تعقیب قضیہ سردی نشان بدهیم نمی‌توانیم مانند حالا از افکار عامہ دنیا تقویت اخلاقی انتظار داشتہ باشیم و این فرصت را از دست خواهیم داد. گرچہ یقین است در انتخاب اعضاء ہیئت اعزامی نہایت سلیقہ را اعمال خواهید فرمود و اشخاص وطن‌پرست را در نظر خواهید گرفت و می‌خواستیم تذکر دہم کہ بہ عقیدہ این جانب از وجود آقایان بہاءالملک و ابوالحسن ابتہاج و ابراہیم زند و خود آقای تقی‌زادہ و آقای انتظام بہ خوبی می‌توان در این ہیئت استفادہ کرد. ۱۳ بہمن نمرہ: ۵۷۰. علاء»

پاسخ قوام بہ علاء:

وزارت امور خارجه

تلگراف رمز بہ سفارت کبرای واشنگتن

«پیرو ۱۸۸۷ و با اشعار بہ وصول ۵۶۴ و ۵۷۰ پاسخ تلگرافها از استالین و اتلی

و وزیر امور خارجه امریکا مودت آمیز و امیدبخش بودہ است. در مذاکرات مستقیم کہ در لندن تحت نظر آقایان تقی‌زادہ و سہیلی شروع شدہ دستور مراقبت دادہ و با آنها در

ارتباط تلگرافی هستیم و البته فرصت را از دست نخواهیم داد. برای اعزام میسیون شورویها از قبول میسیوننی که از طرف دولت این جانب شد اظهار خوشوقتی نموده‌اند و ضمناً اظهار داشته‌اند اگر خود این جانب در رأس میسیون باشم بیشتر به احترام و خشنودی میسیون ایران را خواهند پذیرفت و چون به این ترتیب در واقع از این جانب دعوت کرده‌اند ممکن است چند روزی خودم در رأس میسیون اعزامی به مسکو بروم و بعد از یکی دو ملاقات برگردم و کارها را به عهده میسیون بگذارم. احمد قوام»

تصمیم شورای امنیت در رادیو و روزنامه‌های ترکیه انعکاس یافت و مطالبی به قرار زیر از رادیو آنکارا پخش گردید و در روزنامه‌ها نوشته شد:

رادیو آنکارا (دیشب) آقای قوام‌السلطنه در مصاحبه‌ای که با مخبر دیلی اکسپرس نموده گفتند که تلگرافهایی به ژنرال‌سیسم استالین و مستر اتلی و مستر برنس مخابره کرده و از هر سه تقاضا کرده است که به تشریک مساعی که در جنگ با ملت ایران نموده و مفید واقع شده ادامه دهند.

آقای قوام‌السلطنه در مورد آذربایجان گفتند در این باره مقدماتی فراهم شده و مذاکرات مستقیم با مسکو به زودی شروع خواهد شد و اضافه کردند من وارث وضع نامطلوبی هستم که در ایجاد آن به هیچ‌وجه مسئولیتی نداشته‌ام ولی ملت ایران به من اطمینان دارد که با مبادرت به اقدامات اساسی زمینه حل مشکلات فعلی را فراهم سازد: درباره پرسشی که از ایشان شده مبنی بر اینکه آیا پس از جریان شورای امنیت و تصمیم متخذه امیدوار هستند قضایا به وسیله مذاکرات مستقیم حل شود به کلمه «انشاءالله» اکتفا کردند.

سپس آقای قوام‌السلطنه اضافه نمود که سیاست خارجی حکومت من بر دو اصل دوستی و بی‌طرفی با تمام دول و مخصوصاً با دولتین شوروی و انگلستان استوار شده است.

و در مورد سیاست داخلی گفتند اولین کار برنامه دولت من اصلاحات اجتماعی است به خصوص تأمین رفاه زندگانی زارعین و اصلاح وضع زارعین به وسیله استفاده از اصول جدید فنی و غیره که متأسفانه از طرف دولتهای سابق به هیچ‌وجه مورد توجه قرار نگرفته است.

کلیه روزنامه‌های امروز ترکیه در مورد قضیه ایران و حل و فصل آن به طریق

مذاکرات مستقیم مقالات مفصلی نوشته‌اند منجمله روزنامه «وفد» می‌نویسد مسئله ایران و قضیه آذربایجان انتظار می‌رود با مقدماتی که فراهم شده و موفقیت‌های شخص رئیس دولت جدید به وسیله قرارداد اصلاح شود.

رادیو آنکارا - در این دو روزه جراید ترکیه درباره قضیه آن در شورای امنیت ملل متفق و تصمیم مذاکرات مستقیم بین ایران و شوروی مقاله‌هایی انتشار دادند و کلیه این جراید این قضیه را به این شکل دلیل بر امکان بهبود وضع بین‌المللی و خوشبینی کامل در اوضاع در آینده می‌دانند. مثلاً روزنامه «وقت» می‌نویسد که رویه شورای امنیت بهترین رویه‌ای بوده که می‌تواند پیش گیرد و این رویه را می‌توان سابقه خوبی برای حل مشکلات در آینده قرار داد.

فالج رفقی (آقای) در روزنامه مهم «اولوس» می‌نویسد که در حقیقت اغلب دول به این قضیه اهمیت دارند تا نتوانستند راه‌حلی برای آن پیدا کنند. به علاوه این قضیه دلالت بر درجه پختگی ملت ایران و علاقه این ملت به آزادی دارد.

رادیو آنکارا - محیط مجمع عمومی سازمان ملل متفق در این دو روزه فوق‌العاده مسرت‌آمیز بوده است. علت این خشنودی ناشی از تضمینی است که از طرف شورای امنیت ملل متفق درباره حل مسئله ایران اتخاذ شده است. قدمی که در راه حل این موضوع برداشته شد در حقیقت پیروزی مهمی برای سازمان ملل متفق محسوب می‌شود. به علاوه ایران را به آرزوهای ملی خود نزدیک می‌نماید و تمایل ایران را در چگونگی حل این قضیه نمودار می‌سازد.

موقعی که یکی از خبرنگاران از آقای تقی‌زاده رئیس هیئت نمایندگان ایران دیروز سوال کرد: آیا ملت ایران از اتخاذ این تصمیم از طرف شورای امنیت ملل متفق راجع به چگونگی حل قضیه ایران و شوروی راضی است یا خیر؟ آقای تقی‌زاده از دادن پاسخ امتناع ورزید.

جراید و انتشارات داخلی نیز تصویب مذاکرات مستقیم بین ایران و شوروی را با حسن قبول تلقی کرده در اطراف آن قلمفرسایی کردند. از جمله روزنامه اطلاعات در شماره ۵۹۷۴ مورخ ۱۳ بهمن ۱۳۲۴ خود چنین نوشت:

«در درجه اول ما باید ابراز خرسندی نمایم که شورای امنیت بر وفق اصول حق و عدالت رسیدگی به مسئله ایران را وجهه همت خود قرار داد.

البته شورای امنیت و اعضای محترم آن به این حقیقت توجه داشتند که استحکام بنیاد و اساس سازمان ملل متفق که هدف آن برقراری صلح و آسایش در سراسر گیتی است منوط به این است که شورای امنیت در تمام موارد حتی در جریان اختلاف یک دولت کوچک با یک دولت بزرگ روح حق‌گزاری و انصاف را از دست ندهد تا تمام جهانیان و همه ملل صلحجوی گیتی امیدوار شوند که در دنیا از این‌پس حق و عدالت حکمفرماست و تجاوز و تعدی برای همیشه از گیتی رخت بر بسته است.

به هر حال ما وظیفه خود می‌دانیم که بنام ملت ایران از شورای امنیت و روح حق‌گزاری و انصاف نمایندگان آن سپاسگزاری نماییم.

موضوع دیگری که در نتیجه طرح مسئله ایران در شورای امنیت باعث خرسندی ما گردیده مسئله افتتاح باب مذاکرات مستقیم بین دولت ایران و شوروی است که خوشبختانه مسیو ویشنیسکی نماینده محترم دولت شوروی نیز به نام دولت متبوع خود نسبت به آن ابراز علاقه نموده بود.

البته ما در اینجا خود می‌دانیم که از مساعی و کوشش هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متفق مخصوصاً شخص آقای تقی‌زاده که با نهایت درایت و حسن سیاست وظیفه خود را با کمال وطن‌پرستی و مهارت انجام دادند نیز سپاسگزاری کنیم. ضمناً در اینجا وظیفه خود می‌دانیم که کوشش و اهتمام شخص آقای نخست‌وزیر که برای رفع هرگونه سوءتفاهمات بین دو کشور همسایه ایران و شوروی نهایت بذل مجاهدت را نمودند قدردانی نماییم...

ما در اینجا نمی‌خواهیم آنچه را که سابقاً و مکرر نوشته بودیم تکرار کنیم ولی از تذکر این مطلب خودداری نمی‌کنیم که ملت ایران در هر حال خود را از دوستی و صمیمیت ملت و دولت شوروی بی‌نیاز نمی‌داند. ملت ایران میل دارد که همواره در منتهای صمیمیت با ملت شوروی بسر برده و کوچکترین غبار کدورتی در مناسبات دوستی و سیاسی دو کشور نباشد. ولی در مقابل این تمایلات و علاقه قلبی تنها توقمی که از ملت و دولت شوروی دارد اینست که استقلال و تمامیت ارضی کشور ما را محترم شمارند و از هرگونه دخالت در امور داخلی کشور ما خودداری نمایند. نیروی خود را که هیچگونه موجب وسببی ندارد بیش از این در خاک این کشور متوقف ننمایند و از این سرزمین بیرون ببرند و بالاخره بدون در نظر گرفتن اینکه ایران یک کشور کوچک

و ناتوان است با ما همان رفتاری را که نسبت به یک دولت مستقل سزاوار است بنمایند. ما در این توقعات خود رعایت اصولی را از دولت شوروی خواستهایم که آن دولت طبق پیمان و اعلامیه سه دولت متعهد شده‌اند آنها را محترم شمارد و اجرا کند و بنابراین ما تقاضاهائی از دولت شوروی نداشته‌ایم که برای آن دولت انجام آنها دشوار باشد و ما تصور می‌کنیم این سخن هم که در شورای امنیت ویشنیسکی بر زبان رانده و از خطری که در ایران متوجه باکو و منابع نفت آن کشور است سخن رانده قطعاً ناشی از عصبانیت بوده و گرنه ما یقین داریم هرگز اولیای دولت شوروی چنین تصویری به خود راه نداده و چنین اندیشه‌ای نکرده‌اند و چنین بیمی هم ندارند مگر آنکه فکر کنند بیم آنها از دولت دیگری باشد که معقول نیست و در این مورد هم سزاوار نیست ما را از حقوق محروم کنند.

به هر حال چون ما تصور می‌کنیم در مذاکراتی که بین ایران و شوروی آغاز می‌گردد هیچگونه ابهام و اشکالی وجود ندارد و آنچه مورد تقاضای نمایندگان ایران قرار می‌گیرد خیلی روشن و مسلم است. از این رو ما تصور می‌کنیم و امیدواریم صفا و حسن‌نیت از طرف نمایندگان شوروی هم در این مذاکرات وجود داشته باشد و در اندک مدتی به نتیجه خواهد رسید و این نگرانی و اضطرابی که اکنون در ملت ایران حکمفرماست برطرف خواهد شد.

اکنون ملت ایران از روی کمال بی‌صبوری در انتظار پیشرفت و نتیجه این مذاکرات است و ما امیدواریم بتوانیم خیلی زودتر از آنچه اکنون تصور می‌شود خاتمه موفقیت‌آمیز این مذاکرات را به اطلاع خوانندگان محترم برسانیم.»

فصل هشتم

مسافرت هیئت اعزامی به مسکو به ریاست احمد قوام نخست‌وزیر

پس از اعلام تصمیم شورای امنیت مبنی به مذاکره مستقیم بین ایران و شوروی احمد قوام از طرف شاه مأموریت یافت در رأس هیئتی برای انجام مذاکرات مستقیم با استالین و دولت او، برای حل مسئله ایران، عازم مسکو شود. بنابراین در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ پس از معرفی هیئت دولت اعضای هیئت اعزامی به مسکو، آقایان حمید سیاح وزیر سابق راه، جواد عامری وزیر سابق دادگستری و کشور و کفیل سابق وزارت امور خارجه، دکتر رضازاده شفق و دری نمایندگان مجلس شورای ملی، پیرنظر مدیر کل وزارت امور خارجه، نیکپور رئیس اطاق بازرگانی تهران، سلمان اسدی و عمیدی نوری مدیر روزنامه داد و جهانگیر تفضلی مدیر روزنامه ایران ما و قاسم مسعودی نماینده روزنامه اطلاعات و حمید رضوی نماینده رادیو تهران را در کاخ سلطنتی به حضور شاه معرفی کرد. شاه خطاب به اعضای هیئت چنین خطاب نمود:

«من می‌خواهم آرزوهای قلبی خود را در موفقیت هیئت به شما تبلیغ کنم. افکار عامه متوجه شماست و عموم ملت انتظار دارند هیئت اعزامی در راه رفع مشکلات و ایجاد حسن تفاهم کامل با کشور دوست و همسایه موفقیت تامی حاصل نماید. ضمناً در تحکیم رشته‌های تجارتی مساعی آنان به نتیجه مطلوب منتهی گردد. امیدوارم تحت ریاست نخست‌وزیر و اطمینان به کفایت ایشان این مأموریت به بهترین وجه صورت پذیرد و انتظار ما و ملت از حسن اهتمام شما کاملاً برآورده شود و شما نیز کامیابی حاصل نمایید.»

نخست‌وزیر در پاسخ چنین اظهار نمود: «افراد این میسیون همگی ایران‌دوست و وطن‌پرست و مصدر خدمات مهم نسبت به کشور بوده‌اند امید است تحت توجهات اعلیحضرت همایونی خدمات شایانی در این مأموریت انجام دهند.»

قوام پس از انتخاب بیات (سهام‌السلطان) به نیابت خود در رأس هیئت دولت و برکنار کردن سرلشکر ارفع از ریاست ستاد ارتش و گماردن سرلشکر آق‌اولی به جای او در روز ۲۹ بهمن ۱۳۲۴ با یک هواپیمای روسی رهسپار اتحاد جماهیر شوروی شد. سفر قوام به پایتخت شوروی مقارن زمانی بود که شکایت ایران از دولت استالین مبتنی بر مداخله در امور ایران در دستور مذاکرات شورای امنیت سازمان ملل متفق قرار گرفته و بیش از چند روز به پایان عمر دوره چهاردهم مجلس شورای ملی باقی نمانده بود و آخرین روز مهلت خروج نیروهای شوروی از ایران یعنی روز ۱۱ اسفند ۱۳۲۴ (۲ مارس ۱۹۴۶) فرامی‌رسید. سفر این هیئت از ۳۰ بهمن تا ۱۷ اسفند ۱۳۲۴ (۱۹ فوریه تا ۸ مارس ۱۹۴۶) در مسکو ادامه یافت. در این مدت دوبار با استالین دیدار کرد و چهاربار با مولوتف کمیسر امور خارجه به گفتگو نشست.

شرح مسافرت قوام و هیئت اعزامی به مسکو در کتابها و روزنامه‌های مختلف به چاپ رسیده است ولی ما مناسب‌تر دیدیم که شرح این مأموریت را از قلم خود قوام بخوانیم:^۱

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از مسکو (جناب آقای نخست‌وزیر). به تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۲. نمره: ۲۳۴۶

روز دوشنبه ساعت هفت و نیم صبح وارد بادکوبه شدیم در فرودگاه کمیسر خارجه دولت آذربایجان قفقاز و اعضاء سرکنسولی به استقبال آمده بودند و از هیئت اعزامی پذیرائی نمودند و قرار بود پس از نیم ساعت توقف به طرف مسکو رهسپار شویم چون به وسیله بی‌سیم از مسکو اطلاع دادند بین راه هوا سخت طوفانی است شب را در بادکوبه متوقف و از طرف کمیساریای خارجه پذیرائی کامل به عمل آمد. چنین بنظر

می‌رسید چون ممکن است هواپیما شب به مسکو برسد احترامات و تشریفات که در نظر گرفته بودند هنگام شب کامل جلوه‌گر نشود کاملاً ما را در باد کوبه پذیرائی نمودند که هواپیما طوری وارد مسکو بشود در هوا کاملاً روشن و احترامات و تشریفات مجلل به خوبی آشکار باشد.

صبح سه‌شنبه سیام بهمن ساعت هفت و نیم تهران از فرودگاه بادکوبه در حالی که در سر درب میدان فرودگاه پرچم ایران در اهتزاز بود به مسکو حرکت کردیم و دو و نیم بعد از ظهر به ساعت مسکو وارد فرودگاه مسکو شدیم. در فرودگاه آقای مولوتف قائم مقام کمیسر ملی و کمیسر خارجه شخص آقای دکانوزف جانشین کمیسر خارجه رؤسای عالی‌رتبه مربوط کمیساریای خارجه سفرا و وزراء مختار مقیم مسکو آقای میکونف جانشین کمیسر تجارت و فرمانده پادگان مسکو و اعضاء سفارت ایران حاضر شده بودند و گارد احترام نیز در میدان فرودگاه منتظر ورود بود. پس از پیاده شدن از هواپیما بلافاصله مولوتف شخصاً نزدیک آمد، خیرمقدم گفتند و رؤسای عالی‌رتبه کمیساریای خارجه، سفرا و وزراء مختار معرفی شده سپس فرمانده گارد احترام پیش آمد به نوبه خود سر بالا تبریک ورود گفت. در این موقع سرود ملی ایران بعد از آن سرود شوروی زده شد و گارد احترام در مقابل هیئت اعزامی رژه رفت.

حقیقتاً نهایت محبت و احتراماتی را که مطابق اظهار عموم تاکنون نظیر آن کمتر معمول بوده نسبت به هیئت اعزامی ایران به جای آوردند.

در این موقع این جانب در مقابل بلندگو از محبت و احترامات فوق‌العاده‌ای که چه در عرض راه و چه در ورود به مسکو به جای آورده بودند اظهار تشکر و امتنان نمودم. اقامتگاه مخصوصی که سابقاً آقای چرچیل رئیس‌الوزراء انگلستان و آقای بنش رئیس جمهوری چکوسلواکی را در آن پذیرائی نموده بودند برای بنده و محل بسیار مناسب دیگر جهت اعضاء هیئت اعزامی تخصیص دادند.

فوراً توسط دفتر مخصوص شاهنشاهی مراتب را به عرض رسانید و از طرف بنده از شاهنشاه استدعا شد چون جشن نیروی سرخ بیست و سوم فوریه مطابق با چهارم اسفند به عمل خواهد آمد امر فرمایند تلگراف تبریک را طوری مخابره فرمایند که به موقع برسد. صدور تلگراف مزبور را فوری به بنده اطلاع دهند. اول اسفند.

قوام‌السلطنه.»

قوام پس از ورود به مسکو و انجام تشریفات لازمه با استالین و وزیر خارجه او مولوتف وارد مذاکره شد ولی برخلاف انتظارش با جوابهای سخت و غیرمنتظره آنان مواجه گردید. خود در این موضوع چنین نوشت:

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از مسکو (جناب آقای نخست‌وزیر). به تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۹

خیلی خیلی محرمانه است آقای محجوبی در حضور جناب آقای همایونجاه استخراج نماید.

جناب آقای بیات

با تمام احترامات و محبت‌ها و پذیرائیهای گرمی که از من و همراهانم نموده و می‌نمایند حل مشکلات در نتیجه رنجش و کدورت‌های سابقه و نگرانیهایی که دارند به سهولتی که در تهران تصور می‌رفت میسر نیست.

نتیجه چهار جلسه ملاقات طولانی که باژنرال‌یسیم استالین و آقای مولوتف واقع شد این است که راجع به آذربایجان می‌گویند امر داخلی است و مربوط به خودتان است.

تخلیه ایران را هم در دوم مارس به بهانه نگرانیهایی که طبق ماده ۶ معاهده ۱۹۲۱ دارند غیرعملی می‌دانند. امتیاز نفت را نیز جداً مطالبه می‌نمایند. البته پاسخ‌های لازم را در رد اظهارات آنها داده شده است و در مقابل تقاضاها به هیچ‌وجه موافقت نکرده‌ایم.

شب سه‌شنبه هفتم اسفند آقای مولوتف در نتیجه تقاضای مکرر من سفیر کبیر خودشان را برای تعقیب و بهبودی روابط حضوراً به من معرفی نمودند و ضمن مذاکرات حضوری تمام مسائل مجدداً عنوان و نسبت به امتیاز نفت فوق‌العاده جدیت داشتند مکرر توضیح داده شد که... از مجلس گذشته و مرا منع مذاکرات می‌نمایند ورود در مذاکرات برای من غیرمقدور است. برای رفع محذور حاضر شده‌اند از تقاضای امتیاز نفت صرف‌نظر کنند و به همان تشکیل شرکت مختلط ایران و شوروی که سابقاً آقای

آمی سفیر کبیر ایران در تاریخ هشتم اسفند ۱۳۲۳ برحسب دستور دولت با آنها مذاکره کرده بودند و بعداً رد نموده بودند موافقت نمایند لیکن اکثریت سهام شرکت را جهت خود مطالبه دارند.

در موضوع آذربایجان به همان عناوین سابق که امری است داخلی از ورود در مذاکره مصراً امتناع می نمودند لیکن در نتیجه جدیت این جانب برای کمک حاضر شدند تغییری در وضعیت فعلی آنجا داده شود و شاید در نتیجه مساعی بیشتری بتوانم سر و صورتی بهتر به این کار بدهم.

راجع به تخلیه ایران حاضر شده‌اند قسمتی از ارتش را در دوم مارس به خاک شوروی عقب بکشند قسمت دیگر را در بعضی از نواحی نگاهدارند و می گویند منتهای موافقت که می‌توانند بکنند همین است. این جانب با حال کسالتی که دارم مذاکرات را تعقیب می‌کنم. لازم است مراتب را به عرض اعلیحضرت برسانید و غیر از خودتان و اعلیحضرت و آقای موتمن‌الملک احدی از مضمون این تلگراف مطلع نشوند تا باز نتیجه مذاکرات را اطلاع بدهم ۸ اسفند. نمره ۲۲ قوام‌السلطنه. قوام از این تاریخ به بعد دیگر خبری به تهران نمی‌دهد به طوری که بیات نایب نخست‌وزیر ناچار به ارسال این تلگرام مبادرت می‌ورزد.

نخست‌وزیر

نمره: ۲۰۲۲

به تاریخ: ۱۳۲۴/۱۲/۱۲

جناب آقای نخست‌وزیر افکار عمومی و مجلس شورای ملی عموماً منتظر دوم مارس و حرکت قشون و تلگراف حضرتعالی بوده چون خبری نرسیده و رادیوی مسکو و رادیوهای لندن و دهلی نقل از آن رادیو خبر داده‌اند که به آقای نخست‌وزیر دوشنبه اطلاع داده شده که قشون روس از دوم مارس قسمت شرقی تهران که سمنان و شاهرود و مشهد باشد تخلیه و بقیه چون امنیت نیست توقف خواهند نمود خیلی نگران و درصدد اظهاراتی بوده اینجانب اقدامات جدی برای جلوگیری از تظاهرات خارج تا حال نموده و مراقبت می‌شود. امروز صبح هم مجلس علنی نبود ولی نمایندگان جمع و تقاضا داشتند که حضور مبارک تلگرافی شود که چرا هیچ خبری نداده و این اظهارات رادیوها چیست

در صورتیکه تخلیه واقع نشود چطور می‌شود ساکت بود باید اعتراض شود و مشغول تبادل نظر بودند و بنده اصرار کردم که تأمل فرمائید تا خبر از طرف نخست‌وزیر برسد. اظهار می‌داشتند در صورتیکه موفقیتی حاصل نشده چطور اطلاع ندادماند و از حرکت‌شان چرا اطلاعی نیست و در این موقع چه اقدامی خواهید کرد. مذاکره از این بود که باید به سایر دول و شورای امنیت از طرف دولت مراجعه شود بنده اظهار کردم موکول است به دستور آقای نخست‌وزیر. متمنی است هر نوع مقتضی است دستور بفرمائید مذاکره شود.»

با وصول این نامه نخست‌وزیر چنین پاسخ می‌دهد:

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از مسکو (جناب آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر). به تاریخ ۱۴/۱۲/۱۳۲۴. نمره: ۲۴۱۹

جناب آقای بیات

۲۰۰۸ و ۲۰۲۲ واصل قبل از وصول تلگراف جنابعالی به آقای مولوتف کتباً پرتست کرده امروز سیزدهم اسفند هم ژنرال‌یسیم استالین را شخصاً ملاقات به خودشان نیز عدم تخلیه کامل ایران پرتست نموده‌ام.

بطوریکه در تلگراف شماره ۳۲ به وزارت امور خارجه اطلاع دادم در نظر داشتم فردا سه‌شنبه به طرف ایران حرکت کنم برحسب تمایل ژنرال‌یسیم که میل داشته شام فرداشب به افتخار من بدهند ناگزیر فردا و پس فردا باید در این جا توقف نمایم سعی می‌کنم در مهمانی فرداشب هم مذاکرات تعقیب شود به آقایان اطمینان بدهید که نسبت به خیر و صلاح کشور از آنچه در قوه دارم خودداری نخواهم کرد.

مراتب به عرض اعلیحضرت برسانید و مجلس را نیز بطور خصوصی مستحضر سازید. مقتضی است تا مذاکرات در محیط دوستانه ادامه دارد از تظاهراتی که ممکن است موجب سوءتفاهم زیاده‌تری بشود احتراز شود. نمره ۱۳۰۳۹ اسفند قوام‌السلطنه.»

همایون‌جاء کفیل وزارت امور خارجه که در خلال این مدت با نایب سفارت

شوروی ملاقات می‌کند مذاکرات خود را با وی ضمن اطلاع مفاد تلگرافهای علاء سفیر ایران در واشنگتن چنین گزارش می‌دهد:

وزارت امور خارجه تلگراف رمز به سفارت کبرای مسکو

جناب آقای قوام السلطنه نخست‌وزیر

گزارش روز ۱۴ اسفند اول / تلگراف شماره ۲۹ بعد از ظهر ساعت پنج مندرجات آن را به عرض اعلیحضرت و اطلاع جناب آقای بیات رسید در رادیو و جراید منتشر شد که فردا به این علت که سه‌شنبه ژنرال‌یسیم شام به افتخار جناب آقای قوام السلطنه خواهند داد برای چهارشنبه نتوانستند عازم تهران شوند قرار هم شد فردا صبح هیئت وزیران تشکیل و تلگراف مبارک در هیئت قرائت و بعد ترتیب مذاکره آن در مجلس خصوصی در همان روز ۱۵ اسفند داده شود که آقایان نمایندگان از وضعیت مستحضر و آسوده‌خاطر کردند. بدیهی است مقرر خواهند فرمود موقع ورود به تهران را به چاکر اطلاع دهند / دوم امروز نایب سفارت شوروی از بنده ملاقات و ضمن مذاکره در کارها مخصوصاً اظهار داشت شنیده می‌شود در شهر دستجاتی علیه شوروی مشغول اقدامات هستند و این اقدامات ممکن است به تظاهراتی منتهی گردد که امنیت سفارت و اتباع شوروی را به خطر بیندازد گفتم البته مردم از تأخیر تخلیه که دوم مارس انجام نشده ناراضی هستند و شاید یک اشخاصی هم بخواهند از این عدم رضایت استفاده کرده هیاهو برپا کنند ولی دولت کاملاً مراقب وضعیت و امنیت هست و مطمئن باشید که هیچ حادثه‌ای رخ نخواهد کرد و مردم عاقل و خیرخواه کشور به خوبی می‌دانند وقتی رئیس دولت با سمت ریاست عالی هیئت نمایندگی ایران در مسکو است مادام که معزیه‌ایه مراجعت نفرموده و نتیجه مذاکرات معلوم نشود اظهار عدم رضایت شدید صورتی ندارد ولی مردم بیطرف حق دارند از مشاهده تأخیر تخلیه ناراضی باشند ولی البته اقدامی نخواهد شد بعد هم بنده مطلب را فوراً به جناب آقای بیات اطلاع دادم ایشان تأکید کردند بنده به سفارت اطمینان نسبت به امنیت بدهم این بود بعد از ظهر به سفارت با تلفن نظر آقای بیات را به سفارت آگهی و اطمینان لازم دادم که وسایل امنیت کامل

پیش‌بینی شده جای نگرانی نیست. سوم / سفیر کبیر شاهنشاهی در واشنگتن در ده اسفند تلگرافاً گزارش داده که عدم رضایت از طرز سلوک روسها در محافل سیاسی امریکا روز بروز زیاد می‌شود تاکنون فقط جرائد موضوع را دنبال اخیراً رجال بزرگ کشور نیز علناً نظریات خود را راجع به روسیه اظهار می‌دارند. سه روز قبل سناتور واندربیرگ نماینده امریکا در کنفرانس ملل متحده نطق مفصلی راجع به نتیجه کنفرانس مزبور در مجلس (۲) و در اطراف سلوک بین‌المللی روسها شرح مفصلی ایراد نموده و لزوم سیاست مثبت خارجی را برای امریکا پیشنهاد نمود. دیروز هم وزیر امور خارجه نطق مفصلی در نیویورک در حضور نویسندگان جرائد خارجه ایراد کرده که به وسیله رادیو منتشر گردید. همه می‌دانند که روی سخن در تجاوز به ملل کوچک و اشغال خاک آنها و جنگ اعصاب به دولت روسیه بوده می‌گوید تمام دول منشور را امضا کرده چطور می‌توانیم ناظر باشیم که دولتی با اعمال زور و تهدید متوسل گردد. هیچ دولتی حق ندارد نیروی خود را در خاک کشورهای دیگر بدون رضایت صریح آن دولت نگاهدارد.

امریکا با کمال اشتیاقی که در مسئله خلع سلاح دارد اگر به تنهایی وارد مرحله خلع سلاح شود به خود و تعهدات بین‌المللی خود ایمان نخواهد داشت با اینکه رویه دیرینه ما نگاهداشتن زیر پرچم زیاد نبوده است معیناً ناگزیم همیشه نیروی کافی در اختیار داشته باشیم. روزنامه‌ها آن قسمت از اظهارات وزیر امور خارجه را دایره بر اظهار عدم رضایت امریکا از اشغال کشورهای کوچک بدون رضایت آنها مربوط به ایران دانسته راجع به تخلیه ایران یک فعالیت بین واشنگتن و لندن برقرار است. در وزارت امور خارجه که مذاکره می‌کردم یکی از رؤسا اولین قدم را در این می‌دانست که دولت ایران با متحدین دیگر خود داخل مذاکره شود و از آنها استمداد نماید. روز اول فروردین که شورای امنیت تشکیل می‌شود عرضحال داده و روسیه را به ایفای تعهد خود مجبور کنیم. ممکن است روسها از دوم مارس برای افکار دنیا تظاهرات در شروع تخلیه نماید ولی باید به آنها گفته شود مطابق پیمان در دوم مارس حتی یک نفر از ارتش خارجی نباید در ایران مانده باشد که در مقابل تخلیه از ما امتیازات و حقوق تازه بخواهد هیچگونه تعهدی در مقابل این تقاضا نباید کرد دنیا با ما است و فقط شورای امنیت روسیه را وادار به اجرای تعهد خود خواهد کرد. چهارم سفیر کبیر شاهنشاهی در

واشنگتن در ۱۱ اسفند گزارش تلگرافی داده خبر رادیو مسکو راجع به تأخیر تخلیه کلی در جراند و محافل رسمی و غیررسمی امریکا به قدری سواثر بخشیده و به اندازه ای موجب نگرانی شده که قابل شرح نیست. مقاله های اعتراض آمیز به وسیله روسها برای نقض قرارداد در کلیه جراند منتشر است مخصوصاً تصادف موضوع با نطق وزیر خارجه بر شدت روزنامه ها افزوده الان افکار عامه به استظهار سیاست روشن دولت خود به قدری با ایران مساعد است که تا به حال نظیر آن برای هیچ ملتی در امریکا پیش نیامده بوده است. روزنامه ها می گویند اگر اظهارات پریروز وزیر خارجه معنی دارد موقع امتحان رسیده انتظار دارم به زودی از طرف دولت امریکا اعتراض شدیدی به روسیه به عمل آید. تمام ترس مأمورین عالی مقام امریکا این است که مبدا روسها اعلامیه راجع به تأخیر تخلیه را به اتکا موافقت دولت شاهنشاهی صادر کرده باشد. افکار عامه و تمام دستگاه های دولتی و جراند امریکا متفق القول پشتیبان ایران هستند باید به خود ترس و هراس راه ندهیم. کوچکترین موافقت با روسیه راجع به توقف ارتش روس و یا دادن مواعید برای تخلیه کامل ایران خطای محض و ما را در مقابل نسلهای آینده الی الابد مسئول و سرشکسته خواهد داشت. اوضاع سیاسی دنیا و عدم رضایت از روسیه به جانی رسیده که تحمل آن برای دول معظم غیر ممکن و اگر در این موقع پاسخ صریح به روسیه بدهیم می توانیم ایران را نجات بدهیم باید در مقابل صدور این اعلامیه از طرف شوروی بدو از متفقین خود استمداد کرده و خود را برای جلسه اول فروردین شورای امنیت آماده نماییم و روسیه را وادار نماییم خاک ایران را بدون شرط تخلیه نماید. پنجم / سفیر کبیر شاهنشاهی در ۱۲ اسفند تلگراف کرده به موجب پیمان روسها در مقابل انگلیسها و امریکا تعهد کرده ایران را در دوم مارس تخلیه کند انگلیسها به خود حق داده اند اعتراضی تهید کنند ولی امریکا چون در پیمان داخل نیست نمی تواند رأساً اقدامی بکند انتظار آنها این است از طرف یک مقام رسمی در این خصوص به سفیر امریکا مراجعه شود یقیناً اقدام موثری خواهند کرد هیچ وقت برای ما چنین موقعیت مناسبی دست نداده بود که انگلیس و امریکا این طور در مقابل روسها جبهه متحد تشکیل دهند اگر از این موقع استفاده نکنیم در آینده پشیمان خواهیم شد. ششم / سفیر کبیر شاهنشاهی در لندن در گزارش ۱۳ اسفند می گوید وزیر خارجه را ملاقات کرده می گفت راجع به عدم تخلیه و تقاضاهای شوروی هیچ خبری از تهران ندارد. از دولت شوروی توضیحات خواسته

پس از وصول جواب می‌تواند تصمیم به اقدام لازم بگیرد و می‌گفت تصور نمی‌کرد روسها سر موعد تخلیه نکنند. یادآوری کردم که ویشنیسکی در شورای امنیت گفت ضمانت قطعی می‌کند که مطالب با مذاکرات مستقیم به آسانی حل و فصل خواهد شد علاوه کردم به دولت انگلیس نصیحت می‌دهم اگر در موضوع تجاوزات در همان مورد اول ایستادگی گردد همه کارها درست می‌شود والا تجاوز بعد از تجاوز خواهد آمد و نهایت ندارد این حرف در او بی‌اثر به نظر نیامد ۱۳۲۴/۱۲/۱۴ محمدعلی همایونجاه».

تقی‌زاده سفیر شاه در لندن هم در خلال مدتی که قوام در مسکو سرگرم مذاکره بود با شنیدن اخبار ناگوار و عدم توفیق نخست‌وزیر ایران به ارسال تلگرافهایی که در آن نگرانی خود را علناً ظاهر کرده بود مبادرت ورزید که ذیلاً به ذکر آنها می‌پردازیم:

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از لندن به تاریخ ۱۳۲۴/۱۲/۱۴ نمره: ۲۴۲۴

«البته اولیای دولت توجه دارند که در مقابل نقض عهدنامه از طرف روسها و امتناع از تخلیه ایران بر طبق تعهد خود اعتراض رسمی کتبی دولت ایران فوراً و بدون تأخیر و فوت وقت لازم و حتمی است ورنه انتظار کمک از خارج نمی‌توان داشت در جرائد این جا اظهار شک نسبت به سیاست خود ایران می‌شود و بعضیها بیم آن دارند که مبدا خود دولت موافقت با اقامت قوای روس در ایران نموده باشد و سند کتبی یا تصدیق شفاهی داده باشد این جانب نمی‌توانم تصویری بکنم لیکن قبل از رسیدن خبر قطعی از تهران نمی‌توانم به قوت، اظهار در جراید بکنم این جا افکار عامه خیلی برآشفته است و جراید ستونهایی در این باب نشر می‌کنند. دولت انگلیس حتماً اقدام در مسکو خواهد کرد شک نیست که حادثه اخیر بدترین واقعه تاریخی ما است و ما در یک موقع تاریخی فوق‌العاده هستیم سرنوشت ایران پیش خدا و ملت و اعقاب خودمان با ما است و اندکی مسامحه و فروگذاری یا غفلت موجب لطمه عظیم به استقلال و موجودیت ملی ما خواهد بود باید با تمام قوا و نهایت درجه مقاومت کرده استوار باشیم. مهمترین عامل حفظ کشور ثبات و استواری و اتخاذ خود ایرانیان خواهد بود رویه مدارا و سعی در توافق

دوستانه با روس که بعضی روی حسن نیت ترویج و طرفداری می کردند عاقبت امتحان شد و نتیجه نداد پس مردن هم با مردانگی بهتر است تا با ذلت و تسلیم و یا خدای نخواستہ تصدیق و امضای خودمان باید از حقوق مملکت با شجاعت دفاع نموده ننگ مردن به ذلت را قبول ننموده و پیش اخلاف خود و نزد ملل دیگر سرافکنده نباشیم. ۱۲ اسفند. نمره: ۵۳۵ تقی‌زاده سفیر کبیر.»

تقی‌زاده یک روز پس از ارسال فوق یعنی در تاریخ ۱۵ اسفند ۱۳۲۴ این تلگرام را مخابره کرد:

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از لندن... به تاریخ ۱۵/۱۲/۱۳۲۴ نمره ۲۴۲۳

«تعقیب تلگراف ۵۳۴، ۵۳۲، ۵۳۱ امروز جراید انگلیس مفصلاً از موضوع کنسول قول روس در تخلیه ایران بحث نموده و یقین دارم دولت انگلیس اقداماتی برای خواستن توضیحات خواهد کرد. جز اعتراض اجتماعی همه و کلا در مجلس بدون یک نفر مخالف از نود و شش وکیل حاضر تأثیر بسیار خوبی بخشید و این اتحاد کلیه و کلا در این موضوع حیاتی باعث روسفیدی است. در جراید اینجا خیلی اظهار نگرانی نسبت به موافقت و تصدیق احتمالی دولت ایران در مسکو یا قبول بعضی مدعیان افراطی روس و مخصوصاً سستی در مقابل کنسول قول روس در امر تخلیه می‌شود لکن چنین تصور بسیار بعید و بلکه غیرمحمول است معیناً تاخیر قطعی صریح از تهران نرسد نمی‌توان به جرأت تکذیب نمود یا اطمینان بدهیم البته هرچه تظاهرات جدی و مقاومت در ایران بیشتر مشهود گردد برای استحکام موقعیت بین‌المللی مفید است. امروز از وزیر امور خارجه وقت خواسته‌ام او را ملاقات کنم نتیجه را بعداً تلگراف می‌کنم ۱۳ اسفند. نمره ۶۳۸. تقی‌زاده سفیر کبیر.»

پس از اینکه گزارش مذاکرات قوام و استالین را شاه مشاهده و بررسی نمود دستور داد تلگراف زیر برای نخست‌وزیر که حاوی دستورات لازم برای پاسخ به استالین و وزیر امور خارجه او بود مخابره شود:

دربار شاهنشاهی

یادداشت

تلگراف رمز به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو. جناب آقای قوام السلطنه
نخست وزیر ایران

«تلگراف شماره ۲۲ را به عرض اعلیحضرت همایونی رسانیده البته همانطور که حضرت عالی خودتان مطالب آنها را رد فرموده اید مورد توجه و تصدیق واقع شد به آقای موتمن الملک هم تلگراف ارائه شد. نسبت به ماده ۶ پیمان ۱۹۲۱ نظر ایشان این بود که اساساً اصل ماده شرایط خاصی دارد و علاوه بر آن در همان موقع که قرارداد در مجلس مطرح بود نسبت به آن ماده اشکالاتی شده بعداً برای تفسیر آن ماده و ماده پنج مراسلاتی بین وزارت خارجه و سفیر کبیر شوروی رونشتن مبادله شده که باید آن مراسله را زیر نظر داشته باشید و با وضعیت موجود تطبیق شود. راجع به رفتن قشون در دوم مارس هم چون در کنفرانسهای پتسدام و مسکو و لندن قول و صریحاً وعده داده اند که خارج شوند و انتظار عموم اشخاصی بیطرف مملکت هم این بوده البته چنانچه بخواهند از آن خلف وعده نمایند سکوت دولت خیلی مشکل بنظر می رسد. قضیه آذربایجان را هم که دستخط فرموده بودید اخیراً حاضر شده اند تغییری در وضعیت بدهند لازم است در این دو مورد توجه و اقدامات جدی بفرمائید و در صورتیکه در این دو موضوع موفقیت حاصل شود ممکن است در اساس شرکت برای نفت راه حل هایی در نظر گرفته شود.»

روز ۱۱ اسفند ۱۳۲۴ (۲ مارس ۱۹۴۶) فرا رسید و در حالی که مردم ایران خاصه شخص شاه با بی صبری منتظر وفای به عهد و پیمان استالین بودند، استالین به قوام که هنوز در مسکو بسر می برد اطلاع داد که ارتش سرخ از نواحی خراسان و سمنان خارج خواهند شد ولی در سایر نقاط اشغال شده باقی خواهند ماند. عصر روز پانزدهم اسفند نیروهای شوروی از تبریز خارج شدند اما بجای اینکه مرز روسیه را پیش گیرند در سه ستون به سوی تهران و مرز عراق و سرحدات ترکیه حرکت کردند و هفته های بعد چند واحد تانک و پیاده از مرز ایران وارد آذربایجان و به دنبال ستونهای دیگر روانه شدند. ضمناً استالین برای تکمیل مانورهای جنگی خود واحدهای مجهزی در طول مرزهای اروپائی ترکیه، یعنی در مرز ترکیه با بلغارستان که آن زمان زیر نفوذ مستقیم و اشغال نظامی شوروی رفته بود، متمرکز ساخت و به منظور تهدید دولت ترکیه دست به

اقدامات سیاسی و تبلیغات دامنه‌داری زد.

واشنگتن و لندن با هیجان و ناراحتی روزافزون مراقب نزدیک شدن روز دوم مارس بودند زیرا خودداری شوروی از تخلیه ایران به منزله نقض عهد یک قرارداد بین‌المللی بود و به این ترتیب قضیه ایران مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌گردید. قوام چون از کوششهای خود نتیجه نگرفت پس از ارسال این تلگرام به تهران باز گشت.

وزارت امور خارجه

از مسکو (جناب آقای نخست‌وزیر). به تاریخ ۱۶/۱۲/۱۳۲۴

جناب آقای بیات

«تلگراف ۲۰۲۲ واصل از بدو ورود در تمام ملاقات‌ها و مکاتبات لزوم تخلیه ایران از قوای شوروی در کمال مساعدت معنوی شوروی را در تصفیه وضعیت فعلی آذربایجان به تأکید گفتم و نوشتم در جواب با توسل به بهانه‌های بی‌اساس که حضوراً می‌گویم درخواستهای مرا رد کردند. فردای دوم مارس کتباً و شفاهاً اعتراض کردم و مراتب را به کاردارهای سفارت امریکا و انگلیس که در غیاب سفیرهایشان از من ملاقات کردند توضیح دادم. دیروز سه‌شنبه بنا بود بطرف تهران حرکت کنم ولی برحسب تمایل استالین به شام قرار شد پنجشنبه حرکت نمایم. تفصیل را در تهران می‌گویم. صبح پنجشنبه ساعت هفت حرکت کرده و شب را در بادکوبه مانده جمعه هفده اسفند عازم تهران خواهم شد. نمره: ۲۹. پانزده اسفند. قوام‌السلطنه.»

لازم دید در اینجا عین شرح ملاقات و اقدامات قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران را با مارشال استالین و مولوتف کمیسر امور خارجه اتحاد شوروی و مذاکراتی که حضوراً بین آنان ردوبدل شده از نظر اهمیت موضوع از زبان خود او بشنویم. هنگامی که قوام‌السلطنه عازم مسکو شد. بیش از ۲۲ روز به پایان عمر مجلس چهاردهم باقی نمانده بود. توقف او در شوروی بیش از سه هفته به طول انجامید و روزی که به تهران بازگشت قرار بود مجلس جلسه اختتامیه خود را برگزار کند. قوام‌السلطنه بعد از تشکیل این جلسه نمایندگان را به تشکیل یک جلسه خصوصی دعوت کرد و گزارش مفصلی از جریان مذاکرات خود در

مسکو قرائت کرد.^۲

گزارش آقای نخست‌وزیر راجع به مسافرت به مسکو^۳

آقای قوام‌السلطنه در گزارش بیست و نهم مهرماه ۱۳۲۶ خود به مجلس شورای ملی، بعد از شرح مقدمه‌ای به این عبارات:

«همینقدر می‌گویم که در بیست و نهم بهمن ماه سال ۱۳۲۴ به نظر نمایندگان مجلس و رجال سیاست و اکثریت ملت ایران چنین رسید که دولت باید با تمام قوا بکوشد و هرگونه سوءتفاهم را با دولت دوست و همسایه و متفق بزرگ ما روسیه شوروی برطرف سازد. آرزوی قلبی هر ایرانی این بود در نظر رجال سیاسی و پیشوایان شوروی کاملاً روشن گردد که ملت و دولت ایران بدون تأمل و تردید خواهان حسن تفاهم و دوستی خالصانه با شوروی هستند و در این هدف خود به هیچ‌وجه قصد تعارف ظاهری و سیاست بافی ندارند... پس بی‌درنگ با کسب اجازه از حضور ملوکانه درصدد برآمد به همراهی هیئت شخصی به مرکز ممالک شوروی عزیمت کنم.»

راجع به مسافرت خود به مسکو گفتند: «... در روز ۲۹ بهمن ماه ۱۳۲۴ به همراهی همکاران خود حرکت کرده روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن وارد کشور بزرگ همسایه شدیم.

در حین ورود به مسکو جناب مولوتف با هیئت کمیسرهای ملی و سفرای خارجه برای استقبال آمده بودند و ما را با کمال احترام و مهربانی پذیرفتند و گارد احترام مراسم تجلیل به عمل آورد و موزیک نظامی سلام شاهنشاهی و سلام شوروی را نواخت، بعد از رژه گارد احترام و تعارف با پیشوازکنندگان این جانب را در عمارتی که پیش از من آقایان چرچیل و ژنرال دوگل و بنش در آنجا اقامت نموده بودند، جا دادند و قسمتی از مهمانخانه عالی ناسیونال مسکو را در اختیار ما گذاشتند و تمام وسایل

۲ - قوام‌السلطنه، به قلم مهدی داودی، جلد اول صفحات ۷۶ تا ۱۰۹.

۳ - «بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست» جلد اول تألیف محمود طلوعی، صفحات

۳۱۱ تا ۳۳۸. چاپ اول ۱۳۷۲ (در این کتاب بطور تفصیل گزارش قوام ذکر شده است).

مهمان‌نوازی را برای ما فراهم آوردند.

فردای آن روز در باب تعیین وقت به همراهی هیئت اعزامی به دیدن جناب مولوتف در کاخ کرم‌لین رفتیم و افراد هیئت به ایشان معرفی شدند و در مدت کوتاهی که در پیش ایشان بودیم کلماتی مربوط به لزوم دوستی فیما بین صحبت شد و در موقع خداحافظی آقای مولوتف در باب تعیین وقت ملاقات با جناب ژنرال‌یسیم استالین تذکر دادند و برای روز پنجشنبه دوم اسفندماه ۱۳۲۴ تعیین وقت شد و در موعد مقرر در کاخ کرم‌لین به دیدار استالین پیشوای بزرگ دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نایل آمد.

ملاقات با ژنرال‌یسیم استالین

البته دیدن شخصی که مظهر رفورم‌های کشور همسایه بزرگ ما و فرمانده عالی سپاهیان دلاور شوروی بود که جنگ خطرناک بزرگ عالمگیر را با پیروزی شگفت‌آوری به پایان رسانیدند برای من بسیار مغتنم بود.

در این مجلس جناب مولوتف هم با یک مترجم حضور داشتند. پس از آنکه جناب ژنرال‌یسیم استالین با کمال مهربانی از این جانب راجع به جریان مسافرت هیئت اعزامی و خودم پرسش کردند بلافاصله مذاکره آغاز شد و چنین گفت:

من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات که هریک به جای خود هست نیامدم بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمده که از شما خواهش کنم مقدمه و شرط اصلی شروع روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی را که تخلیه فوری ایران از نیروی شوروی است با یک اراده فراهم کنید و در باب مسئله اصلاح آذربایجان که با این وضع خلاف قوانین و حق حاکمیت ایران است کمک معنوی به ما ابراز دارید و اضافه کردم که ما در حل قضیه آذربایجان سیاست مخاصمت آمیزی نداریم و مردم آذربایجان را برادران خود می‌پنداریم و تا آنجا که با قوانین کشور متبانیست نداشته باشد حاضریم ارفاق‌هایی از قبیل اینکه در تعیین برخی از رؤساء ادارات نظیر شهربانی و شهرداری حتی خود استاندار پیشنهاد انجمن ایالتی مورد توجه دولت مرکزی واقع گردد، بنمائیم و اصلاحات اساسی برای ترفیه حال مردم در آنجا و سایر ایالات کشور به جای آوریم.

باید با کمال تأسف بگویم که این دو پیشنهاد، چنانکه منظور نظر من بود، جلب توجه ژنرال‌یسیم استالین را ننموده و در جواب اظهار داشت: آنچه موضوع تخلیه است عجالتاً نمی‌توانم تخلیه نمائیم و به موجب ماده ششم معاهده ۱۹۲۱ حق داریم قوانین را در ایران نگاهداریم. اما در موضوع آذربایجان یک امر داخلی است که ما مداخله نداریم ولی خودمختاری در آنجا چه ضرری دارد و مغایر با استقلال ایران نیست. اساساً ما نظر ارضی نسبت به ایران نداریم.

بعد از این بیانات ژنرال‌یسیم از مسئله نفت پرسش کرد، در جواب اظهار داشتم من در این باب به حکم قانون اساسی و قانونی که اخیراً از مجلس شورای ملی گذشته است نمی‌توانم وارد مذاکره بشوم زیرا مسئول خواهم شد. مگر اینکه مجلس شورای ملی ایران قانون مزبور را الفا نماید.

آن‌گاه ژنرال‌یسیم به کتابی که در برابرش بود گفت بعد از جنگ اول بین‌المللی هیئت اعزامی ایران در پاریس تقاضاهائی بر ضد منافع شوروی کرد و نشان داد که سیاست دولت ایران در آن وقت نسبت به ما خصمانه بود. در جواب گفتم این عمل در نتیجه تشنجی بود که از اقدامات شدید دولت تزاری روسیه در ایران حاصل شده بود که از جمله آن اقدامات خونریزی و به دار آویختن آزادیخواهان من جمله ثقة‌الاسلام روحانی بزرگ آزادیخواه ایران در روز مقدس عاشورا بود پس این عمل آنی نمی‌تواند نمونه سیاست اساسی ایران نسبت به شوروی ملحوظ گردد. چنانکه تا رژیم تزاری رفت و آزادیخواهان روسیه شوروی بر سر کار آمدند دولت و ملت ایران فوراً دست دوستی به سوی دولت شوروی دراز کرد و آن دولت را بیش از دیگران شناخت و معاهده ۱۹۲۱ در تحت لوای لنین پیشوای بزرگ بین دو کشور منعقد گشت.

اما آنچه راجع به ماده ششم این معاهده فرمودید حکم ماده مزبور و مراسله متمم سفیر شوروی در ایران در همان زمان با کمال صراحت حق اقامت به قوای شوروی را موقعی می‌دهد که مرزهای دولت شوروی به واسطه دولت ثالثی از طریق ایران مورد تهدید واقع شود و پس از اخطار دولت شوروی دولت ایران باید از آن جلوگیری کند. در صورتیکه در حال حاضر چنین تهدیدی وجود ندارد.

مذاکرات به همین شکل جریان یافت ولی نتیجه‌ای گرفته نشد. در ضمن این مذاکرات نیز از لزوم تعیین سفیر کبیر شوروی در ایران نیز بحث گردید.

حاجتی نیست ذکر کنم با انتظاری که ملت ایران و تمام سران آزادیخواه کشور ما داشتند و با شوقی که خود من با وجود کسالتی که داشتم با همراهِ به مسکو شتافته بودیم این [۹] تا چه پایه تأثر آور بود.

ملاقات با مولوتف

فردای آن روز یعنی جمعه سوم اسفند (۲۲ فوریه) به موجب دعوت به عصرانه که از طرف جناب مولوتف برپا شده بود به عمارت وزارت امور خارجه رفتم. کمیسرهای ملی شوروی و سفرای خارجه نیز حضور داشتند.

در اول ملاقات نأثر خودم را از جریان مذاکره با ژنرال یسیم استالین به آقای مولوتف اظهار داشتم و ایشان با کمال ملایمت گفتند روابط ما درست خواهد شد و شرحی در این زمینه مذاکره کردند. و بعد به مذاکره با مهمانان دیگر پرداختیم.

جناب مولوتف تمام وقت را که در حدود دوساعت امتداد داشت با اعضاء هیئت اعزامی صحبت داشتند و در تمام این صحبت‌ها با کمال خوشروئی و صمیمیت از امکان دوستی صادقانه بین دو کشور به شرط تأمین منافع طرفین صحبت می‌کردند و اظهار امیدواری می‌نمودند. آقای ویشنیسکی و آقای اسمیرنف سفیر کبیر سابق شوروی در ایران در شمار دعوت‌شده گان بودند.

ضمن صحبت‌هایی در این ضیافت که نخست‌وزیر آن را می‌دهد مطالب زیر بین مولوتف و نخست‌وزیر ایران رد و بدل شد. آقای مولوتف به آقای قوام‌السلطنه گفت: ما در ۲۵ سال قبل از همه حقوق و دعاوی خودمان در ایران صرفنظر کردیم.

آقای قوام جواب داد: متشکرم که این مردانگی و سخاوت را داشته‌اید و باید هم نسبت به همسایه خود ایران داشته باشید.

مولوتف گفت: حسن تفاهم باید از دوطرف باشد. تنها سخاوت کافی نیست. ما در این جنگ خیلی صدمه دیده‌ایم. ما باید کار کنیم و آنچه را که پیش داشتیم و از دست داده‌ایم دوباره بدست آوریم. عده زیادی از مردم کشور ما تلف شدند ولی روحیه ما قوی است و همه چیز را تجدید می‌نمائیم و کار می‌کنیم و پیش می‌رویم. و البته در این میان میل داریم که همسایه ما ایران هم پیش برود و ترقی کند و در راه ترقی و تکامل متوقف نگردد. آقای کینگ (نخست‌وزیر کانادا) شاید موافقت نداشته باشد.

قوام جواب داد: ما با کینگ کاری نداریم و هرگز به کسی اجازه نخواهیم داد که در امور مملکت ما مداخله نماید.

مولوتف گفت: روزنامه‌های ما می‌نویسند که کینگ به کمک بوین (وزیر امور خارجه انگلیس) رفته است. بعد از جنگ دوم بین‌المللی وضع دنیا و مردم دنیا چنین شده است که ملل عالم می‌خواهند استقلال داشته باشند و وسائل و طرزهای سابق را دیگر نمی‌توان امروز نگاهداشت. اتحاد جماهیر شوروی این قضایا را بهتر می‌فهمد و بهتر درک می‌کند نه آقای کینگ و رفقایش... ما به سن بلوغ رسیده‌ایم و خوب تشخیص می‌دهیم و در غیر این صورت می‌توانیم از خود دفاع کنیم.

دومین ملاقات با مولوتف

روز شنبه چهارم اسفند ۱۳۲۴ باز از آقای مولوتف خواستم و مذاکره جدی و ممتدی جریان یافت و موضوع تخلیه قوا و قضیه آذربایجان از سرنو مطرح گردید. آقای مولوتف نقشه ایران را مقابل من نهادند و صحبت از نفت به میان آوردند و سیاست ما را در این باب سیاست یک‌جانبه و تبعیض نامیدند: اظهار داشتیم که امتیاز نفت جنوب در ۱۹۰۱ یعنی قبل از مشروطیت ایران داده شده است و دولت مشروطه ایران مشمول آن نیست و آنوقت هم با شرایط آن زمان سیاست تبعیض نسبت به دولت روسیه در کار نبوده و اکنون نیز این موضوع بطور مسلم مبتنی به سیاست تبعیض نمی‌تواند بشود.

و در باب امتیازی که حالا صحبتش می‌شود البته من به موجب قانون اساسی ایران و قانونی که اخیراً در منع مذاکره مربوط به امتیاز نفت از مجلس شورای ملی گذشته نمی‌خواهم وارد مذاکره بشوم و اگر راه برای مذاکرات اقتصادی به واسطه سیاست دوستانه شوروی که از آن جمله تخلیه ایران است، باز گردد. البته اقداماتی برای وارد شدن به مذاکرات اقتصادی (به واسطه سیاست دوستانه شوروی که از آن جمله تخلیه ایران است باز گردد. البته اقداماتی برای وارد شدن به مذاکرات اقتصادی) بین دو کشور به عمل خواهد آمد.

نخست‌وزیر ایران که از ملاقاتها و مذاکرات با سران اتحاد شوروی نتیجه‌ای نگرفت به ارسال تذکری کتبی مبادرت ورزید:

اولین تذکاریه

چنانچه در موقع مذاکرات روز ۲۳ فوریه خاطرنشان نمودم حل مشکلاتی که فعلاً در ایران پیش آمد نمود و مهمترین آنها مربوط به انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی و جریان حوادث آذربایجان ایران است ارتباط کامل با موضوع تخلیه ایران از قوای شوروی و سایر متفقین دارد زیرا برای انجام هرگونه اصلاحات در زمینه روابط سیاسی و اقتصادی فیما بین دو کشور باید طرح‌های مربوطه تنظیم و به تصویب مجلس شورای ملی برسد و تا زمانی که قوای متفقین خاک ایران را تخلیه ننمایند به موجب قانون منع انتخابات که در مجلس چهارده گذشته انتخابات دوره پانزدهم مجلس صورت نخواهد گرفت.

بنابراین اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی واقعاً متمایل باشد که با دولت فعلی از طریق دوستانه همکاری کند و در راه رفع محظورات و مشکلات موجوده کمک نماید و اصلاح روابط ایران و شوروی را با رعایت قانون اساسی کشور ایران عملی سازد ناگزیر باید با دولت من در حل مشکلات معاضدت نماید و با تخلیه خاک ایران موجبات انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی فراهم و در انجام مقاصدی که در نظر است تسهیلات لازمه مهیا گردد و این جانب یقین دارم که با این اقدام دوستانه دولت شوروی، مقدمه یک دوره نوین و درخشانی در روابط فیما بین فراهم خواهد گردید که قطعاً به صلاح و سود هر دو کشور خواهد بود.

۲- موضوع آذربایجان: آذربایجان از بدو تاریخ یعنی حداقل از ۲۵ قرن به این طرف جزء لاینفک ایران و از لحاظ تنوگرافی ایدئولوژی [نژادی و مکانیسم سیاسی] و کلیه عادات و رسوم ملی طی این مدت کاملاً ایرانی بوده...

آذربایجان به حکم سوابق تاریخی و قانون اساسی جزء لاینفک ایران است و هیچگونه مجوز تاریخی یا قانونی برای نهضت خودمختاری و اقدامات خلاف قانونی که در آنجا به عمل آمده و موجب وارد شدن لطمه به تمامیت ارضی ایران گردیده وجود ندارد. عملیاتی که از چندی به این طرف بدون مقدمه و سابقه در آذربایجان به عمل آمده از قبیل اعلان حکومت خودمختاری و تشکیل دولت محلی برخلاف نص صریح قانون اساسی و خلع سلاح و اخراج قوای دولتی تأمینیه از قبیل ژاندارمری و پلیس، ادعای ملیت و زبان مخصوص ملی برای آذربایجان، تصرف ادارات دولتی و بانک ملی و

عملیات تجاوزکارانه دیگر، تغییر و اخراج با توقیف کارمندان مسئول و امثال این قبیل عملیات کاملاً برخلاف قانون اساسی و کلیه مقررات کشور ایران بوده است و اگر همین روش ادامه یابد عملاً منجر به تجزیه خواهد گردید. بدیهی است همچو نهضتی از هیچ راهی قابل تألیف اصول استقلال و تمامیت ارضی و قانون اساسی ایران نیست.

۳- در یک همچو موقعی که مشکلات عظیم از هرسو به کشور ایران روآور گردیده است میهن پرستان ایران که دوستی صمیمانه با دولت شوروی را شرط اول حل مشکلات سیاسی ایران می دانستند تمایل کردند به اینکه این جانب زمام امور کشور را بدست گیرم و دولتی برای انجام مرام این دوستی تشکیل دهم و آنچه شخصاً از تماس با مأمورین محترم شوروی و آثار و قراین استنباط نمودم این بود که می توان راه حل دوستانه ای برای مسائل مذکور در بالا پیدا کرد.

از این رو با امیدی وافر به پایتخت کشور بزرگ شما آمدم و اکنون یکبار دیگر به صراحت می گویم که مرام من تأمین دوستی پایدار و تحکیم روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور است. ولی شرط اساسی برای حصول موفقیت کامل در این منظور که منتها آرزوی ملت ایران است اینست که قوای شوروی خاک ایران را تخلیه نمایند و مسئله آذربایجان نیز بطوریکه کوچکترین لطمه ای به حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی ایران وارد نگردد، حل شود. آنچه بنظر اینجانب می رسد موضوع آذربایجان با رعایت شرط اصلی مربوط به حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران با اجرای یک رشته اصلاحات به شرح زیر قابل حل است:

۱- اعلان عفو عمومی برای کلیه اشخاصی که در نهضت خودمختاری آنجا شرکت داشته اند.

۲- انتخاب فوری انجمن ایالتی با داشتن اختیارات زیر:

الف - حق نظارت در تنظیم بودجه مجلس و در خرج و دخل مالیاتی.

ب - وضع مالیات محلی برای مصارف محلی از قبیل: راه سازی و امور فرهنگی و بهداری و غیره.

ج - حق نظارت در فروش و تغییر و نقل و انتقال املاک عمومی دولتی در استان آذربایجان با رعایت قوانین و مقررات موجوده در این باب.

د - اظهارنظر در تعیین رؤسای پاره ای از ادارات دولتی از قبیل شهرداری و رئیس

فرهنگ و رئیس شهربانی و رئیس بهداری حتی استاندار.

بطور کلی دولت من خواهد کوشید احتیاجات محلی و تقاضاهای قانونی انجمن ایالتی را برای هر گونه اصلاحات مورد توجه قرار دهد و فوراً به آن ترتیب اثر دهد. در هر صورت آنچه فکر می‌کنم برای عملی کردن یک رشته اصلاحات اساسی در کشور و تهیه مقدمات برای دوستی واقعی بین دولت و توسعه و انجام مسائل اقتصادی تخلیه ایران ضرورت فوری خواهد داشت و ملت ایران کاملاً با چنین سیاستی موافق و همراه خواهد بود.

یادداشت ایران به شوروی در مسکو

از گزارش آقای نخست‌وزیر: در این بین که ما مشغول مذاکرات و مراسلات بودیم با کمال تأسف اخبار ناگوار در باب توسعه هرج و مرج و تجاوز و حملات دسته‌های مزبور موسوم به دموکرات تحت حمایت قوای شوروی به حدود گیلانات رسید و در نتیجه در ضمن مذاکرات این موضوع را به رجال شوروی اظهار نموده یادداشت ذیل را هم فرستادم:

تعقیب مذاکرات شفاهی و تذکریه‌های اینجانب برای آنکه هیچگونه تردیدی در صحت اظهارات و مطالبی که تاکنون تذکر داده‌ام، باقی نماند خاطر آن جناب را به نکات زیر جلب می‌نمایم:

۱- اوضاع کنونی آذربایجان جز هرج و مرج و اغتشاش و تهیه زمینه مساعد برای ایجاد اوضاع مشابه آن در سایر ایالات و ولایات ایران نتیجه دیگری ندارد و برای هیچ دولتی مقدور نخواهد بود با این ترتیب نظم و آرامش را در کشور بر عهده گیرد و چند روز قبل از حرکت من به سمت مسکو پیشه‌وری ضمن اعلان سربازگیری به اهالی آذربایجان اعلام می‌دارد که باید خود را برای حرکت به تهران و واژگون کردن حکومت مرکزی آماده و مهیا سازید.

۲- در موقعی که این جانب در مسکو با مقامات عالی‌رتبه اتحاد جماهیر شوروی برای بهبود و تحکیم روابط و مناسبات بین دو کشور مشغول بحث و مذاکره هستم مطابق تلگرافی که اخیراً رسیده است دستجات مسلح آذربایجان مهاجمات خود را به سمت

گیلان شروع نموده ابتدا هشت‌پیر را تصرف کرده و با دو کامیون افراد مسلح به گرگان‌رود حمله برده آنجا را نیز متصرف می‌شوند.

چون در تمام گیلان به واسطه وجود قوای شوروی بیش از دو‌گرددان ژاندارم وجود ندارد و باز به واسطه وجود نیروی شوروی این‌دو گردان هم آزادی عمل ندارند و مقامات محلی شوروی هم از موافقت با دولت مرکزی در اعزام قوای امدادی مضایقه می‌نمایند، هیچگونه وسیله برای دولت در جلوگیری از حمله و مهاجمات متمردين در دست نیست و اهالی گیلان در نهایت تشویق و اضطراب بسر می‌برند.

مراتب فوق را به اطلاع آن جناب می‌رسانم و خواهشمندم دستور لازم صادر نمایند که مأمورین نظامی شوروی در گیلان اولاً از آزادی عمل ژاندارمهای ایران جلوگیری نمایند. ثانیاً موافقت نمایند قوای شوروی از مرکز برای ایجاد امنیت به گیلان اعزام شود.

جواب دولت شوروی

به تذکاریه اول ایران

فردای آن روز یعنی در تاریخ ششم فروردین تذکاریه زیر از طرف جناب آقای مولوتف واصل شد:

اول - راجع به اوضاع آذربایجان ایران: نظر به وضعیت مشکلی که برای دولت ایران پیش آمده است راجع به موضوع آذربایجان پیشنهاد زیر را بطور تفاهم و ارتفاق می‌نماید:

۱- در استان آذربایجان حکومت خودمختار برقرار می‌گردد. این حکومت در استان عبارت خواهد بود از: انجمن ایالتی آذربایجان دولت ایالتی آذربایجان که از طرف انجمن انتخاب خواهد گردید و در ولایات انجمن‌های ولایتی و کمیته‌های اجرایی آنها انتخابات انجمن‌ها بر طبق مقرراتی به عمل خواهد آمد که فعلاً در آذربایجان وضع شده است.

دولت ایالتی آذربایجان تشکیل می‌شود از نخست‌وزیر و وزارت‌خانه‌های کشاورزی، پیشه و هنر، بازرگانی، کشور (با یک عده معینی قوای ملی که برای حفظ امنیت عمومی ضرورت داشته باشد) دارائی، کار، فرهنگ، بهداشت و همچنین ادارات

حمل و نقل و شهربانی و دوایر دادگستری و دادستانی.

۲- اهالی آذربایجان حق خواهند داشت در امور اداری محلی و تدریس در مدارس و محاکمات و غیره از زبان محلی خود استفاده نمایند.

۳- نخست‌وزیر دولت ایالتی آذربایجان در عین حال سمت استانداری استان آذربایجان را خواهد داشت که با تصویب دولت ایران خواهد بود.

فرمانده پادگان نظامی ایالتی آذربایجان از طرف دولت ایران با موافقت دولت ایالتی آذربایجان تعیین می‌گردد. در قسمت نفرات واحدهای نظامی اصول دستجات ملی محلی معمول خواهد گردید.

ارتباط دولت ایالتی آذربایجان با مرکز به زبان فارسی خواهد بود.

۴- در مورد تعیین فوائد مالیاتی و درآمدهای بودجه آذربایجان ایران ۷۰ درصد عواید آذربایجان تخصیص داده خواهد شد.

۵- دولت ایران آزادی عمل تشکیلات دموکراسی را از قبیل حزب دموکرات آذربایجان ایران و اتحاد پیشه‌وران و غیره را در آذربایجان ایران تأیید می‌نماید.

۶- در موقع انتخاب مجلس شورای ملی به تعداد نمایندگان آذربایجان به نسبت جمعیت واقعی استان مزبور افزوده خواهد شد.

دوم - راجع به امتیاز نفت: دولت شوروی برای حسن استقبال از تمایل دولت ایران حاضر است از پیشنهاد واگذاری امتیاز نفت در نواحی شمال ایران صرفنظر نماید و در عوض پیشنهاد می‌کند شرکت مختلط ایران و شوروی برای اکتشافات و استخراج و مشتقات نفت شمال ایران تشکیل شود و به این ترتیب که ۵۱ درصد سهام متعلق بطرف شوروی و ۴۹ درصد متعلق بطرف ایران خواهد بود.

سوم - راجع به توقف قوای نظامی شوروی در ایران: دولت شوروی در نظر دارد از تاریخ دوم مارس سال جاری به خروج قوای خود از بعضی نواحی ایران شروع نماید و اما راجع به بقیه قوای شوروی، این قوا موقتاً طبق عهدنامه ایران و شوروی مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در ایران خواهد ماند. قوای شوروی موقعی خاک ایران را بکلی تخلیه خواهند نمود که دولت ایران کلیه اقدامات خصمانه و تبعیض (دیسکرمیناسیون) (Discremination) را نسبت به دولت شوروی از ایران ببرد و شمال ایران آرامش برقرار نماید و سیاست دوستانه نسبت به دولت شوروی ایجاد بنماید.

تذکار به دوم ایران به شوروی در مسکو

در پاسخ این تذکار به که در این موقع لزومی برای تحلیل و توضیح آن نمی‌بینیم در تاریخ ۷ اسفند (۲۶ فوریه) تذکار به جناب مولوتف فرستاده شد:
مقدمتاً باید با کمال وضوح و صداقت و از روی عقیده بگویم که برخلاف بعضی شایعات زمینه دوستی ایران و شوروی در تمام ایران کاملاً فراهم است و آن زمینه را با اندک تدبیر و از بین برداشتن علل سوءتفاهم‌های بی‌لزوم می‌شود فوراً در تمام ایران بسط داد و برعکس متدهای دیگر مانند ادامه توقف قوای شوروی با ایجاد خودمختاری در داخله ایران بطور قطع دوستی و محبتی را که باید در قلوب مردم ایران جایگیر شود و ریشه دوانده، افسرده و خاموش و طرفداران آن را نگران و مأیوس خواهد نمود.

شک نیست که اکثریت ملت ایران به محض حصول اعتماد کامل نسبت به اینکه هیچگونه تهدید از ناحیه اتحاد جماهیر شوروی متوجه تمامیت و استقلال ایران نیست بدون تأمل خواهان دوستی و همکاری صمیمی ملت شوروی خواهد گردید و این مقصود را دولت من با بودن شرایط مساعد می‌تواند کاملاً اطمینان بدهد و عملی کند.

در موضوع آذربایجان بار دیگر توجه مخصوص آن جناب را به این نکته جلب می‌نماید که اعلان خودمختاری و تشکیل دولت آذربایجان که از قدیم‌الایام جزء لاینفک ایران بوده علاوه بر آنکه چنانکه سابقاً گفته شده مخالف صریح قانون اساسی است مشکلات فراوانی به وجود خواهد آورد که هیچ دولتی در ایران نمی‌تواند بر آن مشکلات فائق آید.

قانون اساسی ایران در نتیجه انقلابات و فداکاریهای ملت ایران به وجود آمد و تنها سند ملی دوره مشروط جوان ملت ایران است و اگر خلاف آن در یک قسمت از کشور ظاهر شود هیچ ضامنی باقی نخواهد بود که در ایالات دیگر تحریکاتی برای گرفتن نتایج مشابه به وجود نیاید.

باید در نظر داشت هرگونه تغییری در قانون اساسی به حکم قانون مزبور باید با دعوت و تأسیس مجلس مؤسسان و مراجعه به افکار عمومی ایرانیان به عمل آید.

بنابراین چون تشکیل دولت محلی و تعیین وزراء مخالف صریح قانون اساسی ایران است دولت مرکزی می‌تواند موافقت نماید فقط رؤسای بعضی ادارات و حتی

استاندار با موافقت انجمن ایالتی تعیین شوند.

اما در باب نسبت به مالیات و امور فرهنگی و غیره البته پس از تشکیل انجمن ایالتی با اختیاراتی که انجمن دارد ترتیب مقتضی با موافقت انجمن داده خواهد شد. و اما راجع به تخلیه ایران اینکه هنوز مقامات محترم شوروی با خروج کامل قوای خود از ایران تا دوم مارس موافقت ندارند، مورد نهایت تأسف است.

این جانب در بدو مذاکرات با ژنرال‌سیم استالین مخصوصاً خاطرنشان ساختم که قصد من حل دوستانه مسائل و جلب توافق دولت بزرگ شوروی نسبت به منافع حیاتی ایران است و گمان کردم احتیاجی به استناد به مواد مقررات و معاهدات نیست. ولی چون با این حال در یادداشت اخیر اشاره به عهدنامه ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ فرموده‌اید لازم می‌دانم اظهار دارم که ماده مزبور فقط در موقعی به دولت شوروی حق می‌دهد قوای خود را به خاک ایران اعزام نماید که دولت ثالثی عملاً به‌خواهد ایران را وسیله تجاوز به ممالک اتحاد جماهیر شوروی قرار دهد و اقدام عملی برای این مقصود بنماید و دولت ایران هم از عهده جلوگیری از آن نیاید. با اینکه مفهوم این ماده آشکار بود باز دولت شوروی در تهران به موجب مراسله رسمی خود از تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۳۲۱ شماره ۱۶۰۰ که جزء لاینفک عهدنامه ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ محسوب می‌شود این موضوع را یکبار دیگر تأکید نموده است.

با این سابقه هرگز بنظر نمی‌رسد ماده مزبور بتواند مستند ادامه توقف قوای شوروی در ایران قرار گیرد. در خاتمه ناگزیر باید اظهار بدارم که برای من موجب نهایت تأسف است که چنین بنظر می‌رسد که مواعید و صلاح‌اندیشی‌ها و مطالب این جانب که حقاً نماینده کلیه وطن‌پرستان و آزادیخواهان و تمام طبقات بی‌طرف ملت ایران هستم کمتر جلب اعتماد مقامات شوروی را می‌کند تا دعاوی عده معدودی که برخلاف قانون مدعی حکومت تازه آذربایجان می‌باشند.

و اما در موضوع نفت و تشکیل شرکت ایران و شوروی امیدوارم با حل مسئله آذربایجان و تخلیه ایران از قوای شوروی بلافاصله این قضیه به‌ترتیبی که مورد توافق نظر طرفین باشد انجام یابد.

در خاتمه پیشنهاد می‌کنم با «سونیس» خاصی که از صفحات سیاستمداران دوراندیش شوروی است موافقت خودشان را در باب آذربایجان و تخلیه کامل ایران از

قوای شوروی اظهار دارند تا اصول همکاری درباره روابط اقتصادی و موضوع نفت تعیین شود.

تردیدی نیست که اگر بر فرض احساسات غیردوستانه‌ای در میان دستجاتی در [۹] نسبت به اتحاد جماهیر شوروی وجود داشته باشد کاملاً برطرف خواهد شد و جای آن را وداد و اعتماد کامل پر خواهد نمود.

بعد از وصول موافقت شما در این باب این جانب به تهران عودت می‌نمایم و بعد از تبادل نظر با دولت، مذاکرات توسط سفیر کبیر شوروی در تهران ادامه داده خواهد و اطمینان کامل دارم که به نتیجه قطعی نایل گردم.

جواب شوروی به تذکاریه دوم ایران

بعد از این یادداشت که انتظار بهبود در جریان مذاکرات و نزدیک شدن به حل اشکالات می‌رفت با کمال تأسف در تاریخ ۹ اسفند (۲۸ فوریه) یادداشت سخت‌تری از جانب مولوتف به مضمون زیر رسید:

امتیاز نفت - در سال ۱۹۴۴ دولت اتحاد جماهیر شوروی به دولت ایران پیشنهاد نمود که امتیاز نفت نواحی شمال ایران را به دولت شوروی واگذار نماید. حق اتحاد شوروی در مورد تحصیل این امتیاز به هیچ‌وجه قابل بحث نیست، خاصه اگر در نظر گرفته شود که در جنوب ایران از مدتها پیش امتیاز نفت به انگلیسها داده شده است. با وصف این طرف شوروی را رد نمود.

دولت شوروی برای حسن استقبال از طرف ایران و به زیان منافع خود در تاریخ ۲۵ فوریه سال جاری ممکن دانست پیشنهاد «امتیاز نفت» را به پیشنهاد «تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی» تبدیل نماید. به این ترتیب که ۵۱ درصد اسهام متعلق به طرف شوروی و ۴۹ درصد آن متعلق به طرف ایرانی باشد. ولی طرف در تذکاریه ۲۶ فوریه با این پیشنهاد «سازش Compromise» موافقت ننمود.

نظر به اینکه طرف ایرانی چنانکه حالا معلوم می‌شود میل ندارد منافع شوروی را در این باب مورد توجه قرار دهد و برای حصول موافقت با اتحاد شوروی کوشش نمی‌نماید و با این ترتیب علناً در مورد شوروی قائل به تبعیض شده است. کمیسرهای

خارجۀ اتحاد جماهیر شوروی بدین وسیله اعلام می‌دارد که پس از گزارش امر به آقای نخست‌وزیر استالین تصمیم گرفته شده است. پیشنهاد «سازش» شوروی مسترد گردد و همان پیشنهاد رسمی سال ۱۹۴۴ دائر به واگذاری امتیاز نفت در شمال ایران طبق امتیاز نفت انگلیس در جنوب را تجدید نماید.

مسئله آذربایجان: طرف شوروی مسئله آذربایجان را یک موضوع داخلی ایرانی دانسته و می‌داند با این حال نظر به مذاکره نخست‌وزیر ایران دائر بر اینکه طرف شوروی در تنظیم شرایط موافقت بین دولت ایزان و آذربایجان ایران قبول وساطت نماید طرف شوروی با تقاضای طرف ایرانی موافقت نمود و شرایط مربوط را پیشنهاد نمود.

بطوریکه از تذکاریه طرف ایرانی مورخ ۲۶ فوریه معلوم می‌شود طرف ایرانی شرایط پیشنهادی را رد می‌کند. در عین حال طبق اطلاعات واصله نمایندگان آذربایجان ایران نیز شرایط پیشنهادی را رد کرده آن را رضایت‌بخش ندانسته‌اند. بنابراین [؟] دولت شوروی در این مورد منفی می‌گردد.

قوای شوروی در ایران: نظر دولت شوروی این است که در بین محافل حاکمه ایران رجال نسبتاً برجسته دولتی وجود دارند که پایه سیاست خود را بر روی مجاهدت در تولید مشکلات بین جماهیر شوروی و دول معظم دیگر قرار داده‌اند برای اینکه از اختلافات ممکنه بین آنها استفاده نموده آذربایجان شوروی و بادکوبه و ترکمنستان شوروی را تصرف نمایند.

چنانکه در سال ۱۹۱۹ در کنفرانس پاریس یادداشتی از طرف دولت ایران به زمامداری صمصام‌السلطنه به امضای مشاورالممالک وزیر امور خارجه وقت تسلیم گردید و تقاضا شده بود که آذربایجان شوروی با شهرهای بادکوبه و ترکمنستان شوروی با شهرهای عشق‌آباد و مرو و ایروان و غیره به ایران واگذار گردد.

با وجود این سیاست، غاصبانه دولت ایران، دولت شوروی از بدو تشکیل خود همواره رفتار دوستانه خود را نسبت به ایران خاطرنشان می‌نمود و در ماه فوریه ۱۹۲۱ عهدنامه‌ای منعقد نمود که طبق آن برای ابراز مودت، راه آهن متعلق به روسیه و راههای شوسه و بنادر و اسکله‌ها و کشتیها و کرجیها و باراندازها و بانکها و خطوط تلگرافی و تلفونی و جزایر متعلق به روسیه را با طیب خاطر و بلاعوض به ایران تسلیم نمود.

دولت شوروی انتظار داشت که محافل حاکمه ایران به اهمیت این رفتار دوستانه

اتحاد جماهیر شوروی که در تاریخ روابط بین دو دولت نظیر نداشته است پی برده و ارزش آن را خواهد فهمید.

ولی چندماه پس از عقد این عهدنامه دولت ایران در همان سال امتیاز نفت شمال ایران را در نزدیکترین نقاط مرز شوروی به شرکت خارجی موسوم به استاندارد اوئل واگذار نمود تا به این وسیله لطمه‌ای به منافع شوروی وارد سازد.

راست است که این قرارداد در سال بعد به واسطه اعتراض اتحاد شوروی لغو گردید.

در سال ۱۹۳۷ مجدداً دولت ایران امتیاز نفت نواحی واقع در مرز اتحاد شوروی در قسمت خاوری بحر خزر را به شرکت نفت امریکائی واگذار نمود. باز به خیال اینکه به این وسیله لطمه‌ای به منافع شوروی وارد آورده موجبات تصادم بین اتحاد شوروی و دول متحده امریکا را فراهم سازد.

این قرارداد نیز در سال بعد به واسطه اعتراض اتحاد شوروی ملغی گردید. تمام این سوابق دولت ایران در سال ۱۹۳۹ مجدداً امتیاز نفت نواحی واقع در جنوب بادکوبه را به شرکت نفت انگلیس و زلاند واگذار نمود باز به خیال اینکه لطمه به منافع اتحاد شوروی وارد آورده باعث تصادم اتحاد شوروی و انگلستان گردد. این امتیاز فقط پس از مدت پنج سال به واسطه اعتراض اتحاد شوروی لغو گردید.

ضمناً باید این نکته را تذکر دهد که دولت ایران که امتیازات مشروحه بالا را به دول دیگر واگذار می‌نموده همواره از دادن حق امتیاز به اتحاد شوروی در شمال ایران امتناع ورزیده و می‌ورزد.

تمام این قضایا دلالت بر این می‌نماید که محافل حاکمه ایران نسبت به اتحاد شوروی سوء قصد دارند و منتظر فرصت هستند که نسبت به منافع شوروی لطمه وارد آورند و نواحی نفت خیز آذربایجان شوروی و ترکستان را مورد تهدید قرار دهد.

این قضیه را نمی‌توان برحسب تصادف و اتفاق دانست که همین اواخر نیز در سال ۱۹۴۵ محافل حاکمه ایرانی آقای حکیمی را که احساسات خصمانه وی نسبت به اتحاد شوروی معروف است به سمت نخست‌وزیری ایران انتخاب نمودند و آقای حکیمی همان شخصی است که در کابینه مصمصام السلطنه نامبرده که یادداشت غاصبانهای راجع به دعاوی ایران نسبت به بادکوبه و آذربایجان شوروی و ترکمنستان شوروی به کنفرانس

پاریس تقدیم نموده بود یکی از وزرای برجسته بشمار می‌رفت. بطوریکه همه می‌دانند دولت حکیمی تا ماه فوریه ۱۹۴۶ بر روی کار باقی ماند و با عملیات خود محیط روابط ایران و شوروی را مسموم ساخت. بنابراین ملاحظات اتحاد شوروی مجبور است نسبت به محافل حاکمه ایران احتیاط را از دست ندهد و به همین جهت ناگزیر است خروج قوای خود را از شمال ایران به عهده تأخیر اندازد.

پاسخ ایران به یادداشت شوروی در مسکو

وصول این یادداشت بی‌نهایت اسباب نکدر خاطر گردید. زیرا این پاسخ ما را از مقصود دور می‌ساخت. در این یادداشت دولت شوروی یکی دو پیشنهاد نسبتاً مساعد خود را پس گرفته بود. در موضوع نفت هم که قبل از ما یعنی درست یک سال پیش در اسفند ۱۳۲۳ مذاکرات مقدماتی توسط مرحوم مجید آهی سفیر ایران در خصوص شرکت مختلط ایران و شوروی در مسکو به عمل آمده بود من نمی‌توانستم مذاکراتی که منتهی به تصمیم قانونی گردد، به عمل آورم. در باب آذربایجان هم به حکم متن تذکاریه هیئت شنیدید ما از وساطت دولت شوروی سخن به میان نیاورده بلکه فقط کمک معنوی از آنان خواسته بودیم و بی‌پرده بگویم خواهش ما این بود دولت شوروی از مساعدت نسبت به سران دموکرات خودداری نماید. افسوس در این موضوع جواب یأس آوری داده بودند بطوریکه ملاحظه فرمودید. ضمن مذاکرات و پیشنهادهائی را که در سابق در خصوص نفت بین دولت و کمپانیهای خارجی به عمل آمده هیچوقت صورت خارجی پیدا نکرده بود. و این خصومت و سوغیت ایران نسبت به شوروی شمرده بودند. بعد از مشاوره پاسخ زیر فرستاده شد:

بار دیگر لازم می‌دانم تذکر دهم که هدف دولت من با نهایت صداقت تحکیم مناسبات دوستی بین اتحاد شوروی و ایران است و تاکنون در این راه کوشیده‌ام و در آتیه نیز خواهم کوشید.

شک نیست که اگر دولت اتحاد شوروی با من در این موضوع کمک نماید به منظور اصلی که ایجاد یک دوستی محکم و خلل‌ناپذیر دولت باشد موفق خواهم شد.

۱- راجع به نفت: در خصوص تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی که تصور کرده‌اند با آن موافقت نشده است چنین نیست و باید مخصوصاً تذکر دهم که چنانکه سابقاً مذاکره شده است اگر در تخلیه فوری ایران از قوای شوروی و حل قضیه آذربایجان با من کمک نمایند فرصت خوبی خواهد بود که بعد از مراجعت به تهران و با حصول توافق در شرایط تشکیل شرکت طرح لازم به مجلس شورای ملی ایران پیشنهاد گردد و این قضیه بلافاصله به نوعی که مورد توافق طرفین باشد حل شود.

مقصود آن است که تشکیل این قبیل شرکتها ولو آنکه طرف از اتباع ایران باشد باید طبق قانون اساسی ایران به تصویب مجلس شورای ملی ایران برسد. ضمناً این نکته را خاطرنشان می‌سازم که اعطاء امتیاز از حقوق مربوط به حق حاکمیت و استقلال کشور است که به تصویب مجلس شورای ملی برسد، و اگر در نیم قرن قبل یعنی پیش از مشروطیت ایران با شرایط آن زمان امتیازی داده شده است این امر را نمی‌توان فعلاً تبعیض نسبت به دولت شوروی دانست.

۲- موضوع آذربایجان: چنانکه سابقاً گفته‌ام وضع فعلی که در آذربایجان ایجاد شده مخالف صریح قوانین کشور و مخالف با حق حاکمیت و استقلال ایران است که دولت اتحاد شوروی سوسیالیستی از انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ تا قرارداد سه گانه و کنفرانس و اعلامیه تهران همیشه آن را محترم شمرده است.

۳- راجع به قوای شوروی در ایران: در باب تخلیه ایران از قوای متفقین باید این نکته را متذکر شوم که مطابق اصل (۱۰۶) قانون اساسی ایران و توقف و عبور قوای بیگانه در خاک ایران منوط به اجازه مجلس است و قرارداد سه گانه هم که توقف قوای متفقین در خاک ایران را در موقع جنگ اجازه داده به تصویب مجلس رسیده چون طبق ماده ۵ از این قرارداد قوای مزبور منتها تا دوم مارس ۱۹۴۶ باید خاک ایران را تخلیه نمایند و در اعلامیه تهران که به امضای جناب ژنرال‌سیسم استالین رسیده و همچنین در نتیجه اعلامات مکرر دیگری که مقامات صلاحیتدار شوروی در محافل بین‌المللی و در ایران نمودماند همیشه وعده داده‌اند که طبق تعهد صریح خود کلیه قوای خود را از خاک ایران ببرند، ادامه توقف بعد از تاریخ مزبور برخلاف تعهدات مذکوره و برخلاف اصل ۱۰۶ قانون اساسی ایران است. و اینکه اشاره به بعضی از اظهارات در کابینه صمصام‌السلطنه و یادداشت بعضی از زمامداران ایران در ۲۷ سال پیش که در نتیجه مظالم

دولت تزاری روسیه و در حین انقلاب کبیر ۱۹۱۷ و پیش از انعقاد پیمان دوستی با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوده است نمی‌تواند مستند شود که دولت شوروی به این عناوین از انجام تعهدات صریح خود که طبق پیمان سه گانه [روزولت، چرچیل، استالین] مورخ ژانویه ۱۹۴۲ بر خروج کلیه قوای خویش از خاک ایران نموده است، خودداری و یا تعلل نماید.

متن اعتراض دولت ایران راجع به عدم تخلیه ایران به دولت شوروی در مسکو

اما عمل و اقدامات نخست‌وزیر درباره عدم تخلیه در مسکو چه بود؟ آقای قوام‌السلطنه در گزارش ۳۰ مهر ۱۳۲۶ خود در مجلس شورای ملی در این باب چنین گفت: در تلو این مذاکرات با وجود اشکالات و موانع امید خود را نسبت به تخلیه ایران از دست نمی‌دادیم و هنوز منتظر بودیم قوای شوروی در تاریخ ۶ مارس ۱۹۴۶ مطابق ۱۱ اسفند ۱۳۲۴ طبق پیمان سه گانه خاک ایران را تخلیه کنند. ولی با نهایت حیرت و تأثر اعلامیه‌ای از طرف آژانس تاس در روزنامه ایزوستیا انتشار یافت که امر تخلیه تنها قسمتی تحقق پیدا نمود و اخبار ایران هم مؤید همین اعلامیه بود. در نتیجه این جانب شخصاً در نزد ژنرال‌السیم استالین از این تخلف نص صریح پیمان اعتراض کردم و بعداً اعتراض کتبی به مضمون زیر فرستادم.

آقای کمیسر ملی

در روزنامه ایزوستیا شماره ۵۳/۸۹۶۹ تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ اعلامیه‌ای از طرف آژانس تاس انتشار یافته است دائر بر اینکه دولت شوروی تصمیم گرفته است از تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ شروع به تخلیه قوای خود از نواحی خراسان و شاهرود و سمنان بنمایند. ضمناً خاطرنشان نموده است که قوای شوروی در سایر نواحی شمال ایران تا روشن شدن وضعیت باقی بماند.

با استناد به خبر رسمی مذکور لازم می‌داند مراتب زیر را به اطلاع شما برساند:
طبق پیمان سه گانه منعقد در تهران بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی و بریتانیای کبیر در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ تخلیه ایران از طرف قوای متفقین در تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ حتمی و غیرقابل بحث می باشد چنانکه قوای انگلیس در تاریخ مزبور کلیه خاک ایران را تخلیه نموده اند. بنابراین باقی ماندن قسمتی از قوای شوروی در پاره ای نواحی شمال ایران به هیچ وجه با پیمان مزبور مطابقت ندارد و برخلاف اظهارات مکرر دولت شوروی دایر به موافقت کامل دولت شوروی با مقررات پیمان مزبور در این باب است.

به علاوه تصمیم اخیر دولت شوروی با قانون اساسی ایران و با قراردادهای ایران و شوروی نیز مباینت کامل دارد. بنا به مراتب مذکوره ناگزیر است با کمال تأسف بنام دولت ایران نسبت به این تصمیم دولت شوروی اعتراض نمایم و تقاضا کنم دستور اکید صادر فرمایند که قوای شوروی هرچه زودتر کلیه خاک ایران را تخلیه نمایند. خواهشمند است احترامات فائقه این جانب را نسبت به خود قبول فرمائید.

ارسال یادداشت دوم

راجع به عدم تخلیه ایران

به دولت شوروی

بعد از اعتراض با رسیدن اخبار از ایران و تأیید تجاوز متجاسرین به شهرستانهای شمالی دوباره یادداشتی به مضمون ذیل ارسال داشتم:

آقای کمیسر ملی

تذکار به مورخه ۲۷ فوریه (۸ اسفند) شرحی راجع به حدوث وقایع ناگوار جدید در حدود گیلان به اطلاع جنابعالی رسانده بودم که با کمال تأسف پاسخی در این باب نگرفتم. اخبار اخیر که از ایران رسیده معلوم می دارد دستجات جدید مسلح با اسلحه جدید مانند تفنگ خودکار و بمب و نارنجک دستی و کامیونهای متعدد مملو از اسلحه و افراد به نواحی گیلان هجوم می آورند و فرمانداران و مأموران دولت را دستگیر کرده فوق العاده اسباب وحشت و اضطراب آن حدود را فراهم و امنیت کشور را مختل نموده اند. از طرفی پشتیبانی آنان به وجود قوای شوروی در ایران است و از طرفی هم مقامات شوروی در تهران با فرستادن نیروی تأمینیه دولت موافقت نکرده اند.

محتاج به تذکر نمی‌دانم که دوام این وقایع بکلی برخلاف انتظارات ملت ایران از دوستی اتحاد جماهیر شوروی می‌باشد و چنانچه اقدام شوروی در جلوگیری این وقایع به عمل نیاید اوضاع ایران بکلی پریشان و تمام مناطق کشور دچار ناامنی خواهد گردید و هیچ نتیجه‌ای جز هرج و مرج و طغیان و عصیان حاصل نخواهد شد و بزرگترین لطمه به دوستی دولت و ملت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی وارد خواهد ساخت.

از این لحاظ برحسب لزوم بار دیگر از آن جناب تقاضا دارم دستور فوری برای تخلیه قوای شوروی از ایران صادر فرمایند تا مأموران دولت با آزادی عمل بتوانند انتظامات را در کشور برقرار کنند و اصلاحات لازمه که دولت در نظر دارد عملی گردد.

ارسال یادداشت سوّم در خصوص تخلیه ایران و وقایع شمال ایران به دولت شوروی

بلافاصله با وصول اخبار ناگوار جدید از ایران یادداشت زیر را فرستادم:

آقای کمیسر ملی

در تعقیب مراسله مورخه ۵ مارس شماره ۴۳ راجع به وقایع اخیر در حدود گیلان ایران با کمال تأسف اطلاعات اخیری را که از ایران رسیده با کمال احترام به استحضار عالی می‌رساند.

یک عده مسلح با هفده کامیون با اسلحه خود کار و بمب و نارنجک دستی از طریق دنیاچال وارد شقارود شده فرماندار طوالش را دستگیر کردند. عده دیگر از راه فروآباد به اسالم در حرکتند. عده دیگر به دوازده کیلومتری ماسوله رسیده آنجا را تهدید می‌کنند و یک گروه پانصد نفری از طارم چند کیلومتری منجیل رسیده‌اند و قصد اشغال آنجا را دارند قوای ژاندارم دولتی از هرگونه آزادی عمل محروم و پراکنده است مقامات شوروی در تهران با فرستادن نیروی کمکی به نواحی مزبور موافقت نکرده‌اند.

به موجب گزارش دیگر مهاجمین به بیست و چهار کیلومتری بندر پهلوی رسیده‌اند. علاوه بر همه اینها در این موقع که انتظار تخلیه قوای شوروی

می‌رود طبق اطلاع واصله یک کشتی حامل قوا از سواحل بادکوبه رو به ایران به بندر شاه رهنسار شده است.

جای تردید نیست که وقوع تمام این قضایا مربوط به بقای نیروی جماهیر شوروی و عدم تخلیه ایران است و با این ترتیب هیچ دولتی قادر نخواهد بود وظایف خود را در حفظ نظم و آرامش کشور انجام دهد و مسئولیت خود را در مقابل ملت ایران و حفظ مناسبات حسنه بین دو کشور ایفا نماید. بدیهی است بهبود اوضاع و مخصوصاً تشبیه روابط دوستی و اقتصادی بین ایران و شوروی در این اصل که دولت مرکزی ایران بتواند آسایش و امنیت را در نواحی کشور برقرار سازد و با فراقت خاطر به یک رشته اصلاحات اساسی دست بزند.

بنابراین باز هم لزوم تخلیه ایران از قوای شوروی تقاضا دارم. مقامات شوروی با این عمل جلب اعتماد و دوستی ملت ایران را خواهند نمود و مانع هرج و مرج و خونریزی بیهوده خواهند شد و فرصتی برای دولت خواهند داد تا اصلاحاتی را که دولت در نظر دارد عملی سازد. در پایان خواهشمندم احترامات فائقه این جانب نسبت به خود به‌پذیرید.

جریان مذاکرات شفاهی دومین ملاقات قوام‌السلطنه از ژنرال‌سیم استالین و سومین ملاقات از مولوتف

نخست‌وزیر از ملاقاتها و مذاکرات حضوری که در جریان مبادله تذکاربها با پیشوایان شوروی می‌کرده در گزارش خود چنین گفت:

روز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۲۴ (۵ مارس ۱۹۴۶) یک ملاقات سوم از جناب مولوتف و یک بار دیگر برای حل مشکلات فیما بین اهتمام کرده کمک ایشان را تقاضا نمودم.

ولی بدبختانه با کمال حسن‌نیت و مهربانی که داشتند در عمل موافقت خاصی که به نتیجه برسد ابراز نکردید. آنگاه قصد عزیمت هیئت اعزامی را به ایران اطلاع داده بنامد وقتی برای ملاقات تودیع از استالین تعیین گردد.

پس از مذاکرات مقدماتی راجع به وخامت اوضاع ایران و تجاوزات دموکراتها با پشتیبانی قوای نظامی شوروی به ایالات شمالی ایران و اظهار تعجب استالین و مولوتف از این اخبار. موقعی که صحبت بودیع به میان آمد آقای استالین گفتند در نظر است یک مهمانی به افتخار هیئت اعزامی ایران داده شود و خواهش کردند مسافرت به تأخیر افتد. این جانب بنا به دعوت دوستانه ایشان، قرار به تأخیر مسافرت داده و سه شنبه چهاردهم اسفند در معیت تمام اعضای هیئت اعزامی در مهمانی باشکوهی که در کاخ کرملین فراهم شده بود. سر شام آقای مولوتف به نام تمام افراد هیئت نظامی صحبت‌های بسیار گرم و دوستانه کردند. بخصوص اشاره ژنرال‌سیسم استالین به سلامتی اعلیحضرت همایونی صحبت نمودند و آرزوی دوستی و تفاهم بین دو کشور را اظهار داشتند.

این جانب به نام هیئت اعزامی تشکرات صمیمانه کردم و در ضمن چنین گفتم با اینکه آقای مولوتف این بیانات پر از مهر و محبت را فرمودند افسوس در باب حل مشکلات مساعدت نشان ندادند...

بعد از صرف شام در تالار دیگر صحبت‌های دوستانه بین اعضای هیئت و مقامات شوروی به عمل آمد و از آن جمله خود استالین بیانات بسیار دقیق و حکیمانه که نمونه وسعت نظر و علو افکار سیاسی ایشان بود در باب لزوم اصلاحات و رفورمها در ایران نمودند.

در پاسخ ایشان اظهار داشتم تاکنون تأثیرات جنگ و تغییر آنی رژیم سابق و اختلال امور کشور به علت فقر و نظایر آن مجال برای اصلاحات اساسی به دولت ایران نبخشید و اکنون که دولت من مہیای رفورمهای اساسی و تأمین زندگی مرفه و عادلانه برای مردم ایران است به واسطه عدم مساعدت دولت شوروی با تخلیه نکردن ایران از نیروی خود و مشکلات دیگر کار اصلاحات بسیار سخت و دشوار است و دولت شوروی با حسن نیت و یک اقدام می‌تواند مشکلات را از پیش راه ما بردارد و در این صورت البته اصلاحات اساسی در داخله ایران وقوع خواهد یافت و سیاست خارجه ایران روی اصل موازنه و دوستی صادقانه با دولت شوروی خواهد بود.

ژنرال‌سیسم استالین این نظر اصلاحی دولت را تأیید و تصدیق کردند ولی راجع به تخلیه ایران جواب مساعدی ندادند. با این سخنان ایشان را وداع گفتم.

صدور اعلامیه مشترک درباره خاتمه مذاکرات مسکو

پس از آنکه جریان مذاکرات مسکو تا به آن حد رسید و چنانکه ملاحظه شد دیگر برای ادامه مذاکرات و گرفتن نتیجه از آن بنظر نمی‌رسید لذا آقای قوام‌السلطنه از طریق استالینگراد و دیدن آن شهر به ایران بازگشت.

ضمناً در خاتمه مذاکرات علی‌الرسم اعلامیه مشترکی از نتیجه مذاکرات دولتی ایران و شوروی صادر شد به این مضمون:

«مقارن تودیع از طرف مقامات شوروی به ما تکلیف شد اعلامیه مشترکی به این مضمون انتشار یافت: نخست‌وزیر ایران آقای قوام‌السلطنه در مدت توقف خود در مسکو از تاریخ ۲۹ فوریه تا مارس سال جاری [۱۹۴۶] چندین مرتبه با استالین رئیس شورای کمیساران و مولوتف کمیسر ملی امور خارجه ملاقات و مذاکره نمودند. در طی این مذاکرات که در محیط دوستی و حسن تفاهم جریان داشت مسائلی که مورد علاقه طرفین بود مورد بحث قرار گرفت. این مذاکرات بین دولت ایران و سفیر کبیر شوروی در تهران ادامه خواهد داشت.»

قوام‌السلطنه ضمن گزارش خود در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی روز ۲۱ اسفند گفت که «ما این نظر را پذیرفتیم. الا اینکه چون هنوز نتیجه مثبتی نگرفته و قراری اتخاذ نکرده بودیم پیشنهاد نمودیم اعلامیه به شکل ذیل صادر شود و نظر ما مورد موافقت واقع گردید و اعلامیه در جراید مسکو به این مضمون انتشار یافت»:

«نخست‌وزیر ایران آقای قوام‌السلطنه در مدت توقف خود در مسکو از تاریخ ۱۹ فوریه تا ۶ مارس سال جاری چندین مرتبه با استالین کمیساران و مولوتف کمیسر ملی امور خارجه ملاقات و مذاکره نمودند. طی این مذاکرات که در محیط دوستانه جریان داشت مسائلی که مورد علاقه طرفین بود مورد بحث قرار گرفت. هر دو دولت سعی خواهند بود که با تعیین سفیر کبیر جدید شوروی در ایران موجبات تحکیم روابط دوستانه بیش از پیش بین دو کشور برقرار گردد.»

روز پنجشنبه ۱۶ اسفند از مسکو به باد کوبه حرکت کردیم. موقع حرکت باز جناب آقای مولوتف با رؤسای کمیساریای خارجه برای بدرقه در فرودگاه که به

بیرقهای طرفین مزین بود حاضر بودند و گارد احترام با موزیک سلام را مانند روز ورود به عمل آورد و آخرین سخنان مولوتف این بود که گفتند:

«امیدوارم روابط بین شوروی و ایران رفته رفته بهتر خواهد شد.»

و این جمله برای همه ماها بهترین بدرقه خواهد بود. زیرا آرزوی قلبی ما همان بوده و هست.

مذاکرات اقتصادی مطالبات مالی و پولی ایران از دولت شوروی

هیئتی که تحت ریاست آقای قوام السلطنه رفته بود. بین آن یک هیئت اقتصادی نیز وجود داشت. که وظیفه آن انجام مذاکرات اقتصادی و تصفیه امور مالی با دولت شوروی بوده است. لذا آقای نخست وزیر درباره انجام کارهای این هیئت نیز در گزارش خود چنین می گوید:

«باید بگویم در عین جریان مذاکرات و مراسلات سیاسی که گزارش آن بنظر آقایان محترم رسید. مذاکرات و مراسلاتی برای تصفیه حساب امور اقتصادی فیما بین آغاز شد و هیئت اقتصادی ما گفتگوهائی با وزارت تجارت خارجی دولت شوروی به عمل آورد و در نتیجه مذاکرات یادداشت ذیل به تاریخ اسفندماه (۲۰ فوریه) فرستاده شد:

فهرست مسائل جاری که باید آقای میکوف لطفاً مطالعه نمایند.

مسئله مالی - ۱: قرارداد مالی که پایه و اساس مبادله پولی در مملکت است در دوم مارس ۱۹۴۵ خاتمه می یابد و وضع نهائی حاصله از قرارداد مزبور در روز ۳ مارس به اطلاع خواهد رسید.

تکلیف ارز سپرده حاصله و دلار طلب بانک ملی باید روشن و طرز پرداخت آن معین شود. آنچه که به زر طلب بانک ملی ایران می شود چون قانوناً جزو پشتوانه اسکناس قرار گرفته است تکلیف آن قانوناً معین است و باید به خزانه بانک ملی (قسمت ناشر اسکناس) منتقل شود و راجع به طلب دلاری و پرداخت آن هم باید مذاکره به عمل آید.

مسئله گمرکی و مطالبات گمرکی:

قسمت اول - موضوع پروتکل:

پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ نمایندگی بازرگانی شوروی بدون رعایت مقررات گمرکی و انجام آئین نامه مربوط به ورود و صدور کالا در ایران اقدام به وارد نمودن و صادر کردن کالا و فروش مال التجاره روسی در بازار ایران نمود.

پس از هشت ماه مذاکره حاضر شدند که حقوق و عوارض گمرکی را بپردازند مشروط بر اینکه اجازه داده شود که کالاهای خود را در انبارهای مخصوص خودشان انباشته و تحویل آن به خریداران موکول به ارائه پروانه ورودی گمرک از روی سیاهه پروانه ورودی بدون رعایت کامل جنس صادر می نمود.

مدت این قرارداد محدود پایان جنگ و بازگشت به زمان عادی بوده است. با وجود اینکه جنگ خاتمه یافته هنوز به انکاء آن قرارداد مقررات گمرکی رعایت نمی شود و بنظر وزارت دارائی ادامه این وضع مخالف استقلال گمرکی ایران است و لغو آن را تقاضا دارد و علاوه چون مقررات همین پروتکل هم از طرف نمایندگی تجاری شوروی رعایت نمی گردید، در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۲۴ وزارت دارائی از نمایندگی تجاری شوروی تقاضا نمود پس از شصت روز از تاریخ این نامه پروتکل را خاتمه یافته تلقی نمایند.

قسمت دوم - مطالبات گمرکی

- ۱ - هنگامهای بازرگانی شوروی بابت یک درصد و شش درصد تمبر واردات مواد نفتی از تاریخ یکم اکتبر تا ۳۱ دسامبر ۱۹۴۵ مقروضند: ۱۳۶۹۷۶۹/۳۰ ریال
- ۲ - بابت حقوق و عوارض گمرکی کالاهائی که از شهریور ۱۳۲۰ تا خرداد ۱۳۲۱ از مرزها و به طرف مختلفه وارد نموده اند مقروضند: ۷۱،۲۱۶،۶۴۳/۰۰ ریال.
- ۳ - کالاهای دولتی که در گمرک ضبط شده ۳۷۴،۸۳۹/۰۰ ریال
- ۴ - کالاهای متعلق به تجار که ضبط شده ۱۰۱،۷۷۱،۷۰۷/۰۰ ریال.
- ۵ - خسارات وارده بر ابنیه و اموال گمرکی ۳،۶۰۸،۵۱۱/۰۰ ریال
- ۶ - کرایه اماکن گمرکی در شمال که در تصرف شورویها می باشد ۵۶،۵۱۴،۹۳۰/۰۰ ریال

۷- خسارات وارده به خزانه دولت از حیث حقوق و عوارض گمرکی کالای موجوده در انبارهای گمرک که به وسیله نیروی شوروی مصادره شده ۱۸۵،۵۸۳،۷۷۳/۰۰ ریال.

۸- کالاهای صادراتی که در گمرک‌خانه‌های شمال از بین رفته ۸،۷۰۲،۰۰۰/۰۰ ریال

۹- حقوق و عوارض تقریبی کالا و مواد خوارباری که بدون انجام آئین گمرک از مرز خارج نموده‌اند ۵۰۹،۶۸۱/۰۰ ریال

۱۰- خساراتی که به کارمندان گمرک وارد شده است ۵۳۳،۷۲۴/۰۰ ریال.

۱۱- کالاهای پایاپای آلمانی که در خاک شوروی ترانزیتی بوده و نرسیده است تقریباً ۲۲،۳۰۱،۴۰۰/۰۰ ریال. چند قلم دیگر هست که ارقام آن بعداً در صورت لزوم داده خواهد شد.

مسائل مربوط به راه آهن

۱- واگذاری تأسیساتی که در راه آهن نموده‌اند.

مقامات شوروی تأسیساتی در طول خط آهن نمودند که به شرح زیر است: در بندر شاه سه اسلکه بزرگ ساخته‌اند. در تمام طول راه عماراتی ساخته‌اند. کارخانجات تعمیر موجوده را توسعه داده‌اند و کلیه تأسیساتی که از لحاظ توسعه ضرورت داشته به وجود آورده‌اند.

نحوه واگذاری این تأسیسات باید معین شود. ملاک عمل واگذاری هم باید مقوله نامه‌ای که برای تنظیم امنیت راه آهن تدوین شده قرار گیرد و با امریکائیها هم راجع به واگذاری آنها یک سابقه عملی انجام شده است.

۲- خریداری وسایط نقلیه که به ایران آورده‌اند و این وسایل عبارت از ده لکوموتیو و مقداری واگون است.

۳- از بابت کرایه محمولات ارتشی هم در حدود ۲۶ میلیون ریال به راه آهن بدهکارند که باید تصفیه شود.

۴- راه آهن تبریز، جلفا و از صوفیان به شرفخانه را با تمام لوازم تصرف کرده‌اند و هیچگونه مداخله‌ای به مأمورین دولتی ایران از اول نداده‌اند و ترتیب واگذاری آن باید

داده شود و همچنین موضوع واگذاری خطوط آهن شمال از گرمسار به بالا از یک طرف و از کرج به بالا از طرف دیگر باید عملی شود.

کارخانجات اسلحه‌سازی:

در مقدار تفنگ و مسلسل سبک و فشنگی که بابت قرارداد اسلحه‌سازی ساخته شده است مبلغ ۱۲۸،۱۰۷،۹۸۳ ریال ضرر خزانه دولت ایران شده است که تفاوت بین قیمت تمام شده برای کارخانه و قیمتی که پرداخت آن تعهد شده می‌باشد و از بابت قیمت تعهد شده هم هنوز مبلغ ۳۰،۹۳۸،۸۵۶ ریال نمایندگان تجارتنی شوروی به کارخانجات اسلحه‌سازی مقروض است.

جمع کلیه اقلام در حدود ۸۳۸ میلیون و ۲۸۳،۶۱۰ ریال می‌باشد. موضوع واگذاری بقیه فلز موجود که در حدود ۶۹۰ تن می‌باشد به قیمت بین‌المللی امروز تأسیس فشنگ کافی برای مسلسل‌های سبکی که در کارخانه برای خود ایران ساخته شده و وعده آن هم داده شده بدهکار است. و همچنین واگذاری چند ماشین و ابزار چدنی که به کارخانه داده‌اند و حقوق متخصصین فنی باید تصفیه شود.

بقایای حساب معاملات برنج:

اداره غله و نان وزارت نارائی انتظار دارد که بقایای حساب معاملات برنج را در تهران تصفیه نمایند. با کمال تأسف در مذاکرات اقتصادی و جواب به تذکرات ما رجال شوروی بیشتر از امور سیاسی هم کوتاه آمدند تا اینکه مجبور شدیم در تاریخ ۱۵ اسفندماه تذکری دیگری به مضمون زیر بفرستیم.

آقای مولوتف کمیسر ملی امور خارجه

بطوری که خاطر آن جناب مستحضر است قرارداد مالی که پایه و اساس مبادله پولی بین دو مملکت است در دوم مارس ۱۹۴۶ خاتمه یافته است و طبق مقررات این قرارداد در روز سوم مارس باید تصفیه نهایی و طرز پرداخت آن به عمل آید. در تاریخ ۲۰ و ۲۲ فوریه ۱۹۴۶ در نتیجه مذاکرات حضوری با آقای میکوف اینطور مقرر شد که مقدمه فهرستی از مسائل معوقه اقتصادی و مالی بین دو کشور تنظیم

شده به ایشان تسلیم شود که مذاکرات اقتصادی نیز شروع گردد و در ۲۳ فوریه این فهرست بین ایشان تسلیم گردید و تا امروز هیچگونه اطلاعی از ایشان در این شروع مذاکرات اقتصادی و مطالبات دولت ایران نرسیده است.

اینک چون پایان قرارداد مالی فرا رسیده است لازم می‌دانم وضع نهائی این حساب را به طوری که بانک ملی ایران تلگرافاً اطلاع می‌دهد به استحضار عالی برسانم. طلب بانک ملی ایران از بانک دولت شوروی تا آخر دوم مارس به شرح زیر است:

- ۱- طلب به طلا که مقدار آن ۰/۱۳/۶۰۷/۱۱۹/۱ گره خالص است و ارزش آن به شرح رسمی بانک ملی ایران معادل است با ۱/۲۵۹/۸۶۶/۲۹۸ دلار.
- این طلا طبق قانون زر امانت بانک ملی (قسمت نشر اسکناس است) در بانک دولتی شوروی است و پشتوانه قانون اسکناس ایران محسوب می‌شود. باید عین آن به خزانه ملی ایران (قسمت نشر اسکناس) منتقل شود و پرداخت طلب دلاری بانک ملی ایران هم هرچه زودتر به عمل آید.
- در این موقع لازم می‌دانم که خاطر آن جناب را به طور کلی از مساعدتهای اقتصادی که دولت ایران به دولت دوست و همجوار شوروی نموده و خسارات هنگفتی را که در این راه تحمل نموده است یادآور شود.
- در زمستان ۱۹۴۲ که ملت ایران دچار کمبود محصول و قحطی شدید بود قراردادهائی راجع به تهیه و تسلیم بیش از شصت هزار تن مواد خوارباری با نمایندگی تجارتنی شوروی در ایران منعقد نموده که بیش از ۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰ میلیون ریال خزانه دولتی ایران از بابت آن متضرر گردید.
- در ۱۹۴۳ قرارداد ۳۶ هزار تن برنج منعقد کرد که در حدود سیصد میلیون ریال ضرر و خسارت انجام آن قرارداد شد.
- در اجرای قرارداد اسلحه‌سازی دولت ایران در حدود صد و سی میلیون ریال خسارت دیده است و هنوز هم از بابت قیمتی که خود نمایندگی تجارتنی شوروی تعیین و تحمیل نموده مبلغ سی میلیون ریال بدهکار است.
- نمایندگی تجارتنی شوروی از بعد از وقایع شهریور استقلال گمرکی ایران را نقض کرده و برای مدت هشت ماه تمام از پرداخت کلیه حقوق گمرکی خودداری نمود

و بعداً هم وزارت دارائی را تا خاتمه جنگ مجبور به انعقاد و اجرای پروتکلی نمود که اجناس وارداتی شوروی تحت حفاظت خود نمایندگی تجارتنی شوروی در انبارهای خودشان قرار گیرد و در ضمن عمل حتی به مقررات همان پروتکل هم عمل ننمود و با وجود اینکه امروز جنگ تمام شده است باز هم به مقررات تعرفه گمرکی ایران تمکین نکرده به همان نقض استقلال گمرکی ایران کماکان ادامه می‌دهد.

در تمام طول مدت جنگ نمایندگی تجارتنی شوروی کلیه واردات خود را به حد اعلا قیمت بازار سیاه به فروش رسانده از کمک به دولت ایران در تنزل قیمتها از راه فروش اجناس انحصاری از قبیل قند و شکر و قماش و سایر کالاها خودداری نمود در عین حالی که سایر متفقین ایران به مقررات انحصاری تجارت ایران احترام گذاشته و قند و قماش و سایر کالاهای خود را به قیمتهای بین‌المللی به دولت ایران عرضه می‌داشتند و خریدهای خود را هم از بازار سیاه می‌نمودند. نمایندگی تجارتنی شوروی قند و شکر را تا کیلوئی صد و چهل ریال و قماش تا متری هفتاد الی هشتاد ریال به فروش می‌رساند و از این رو اقدامات دولت ایران در جلوگیری از بازار سیاه و اجرای تثبیت قیمتها همیشه بی‌نتیجه می‌گردید.

علاوه ضبط اموال دولتی و تجار ایران چه در بنادر و گمرکات و چه اجناسی که ترانزیتی بوده یکی از اقلام مهم مطالبات دولت و ملت ایران است که در موقع مقتضی باید مورد بحث واقع شود.

دولت ایران نظر به لزوم حفظ مراتب دوستی صمیمی و همجواری انتظار داشت از تعقیب این نقض قوانین و مقررات خودداری شود و امیدوار بود که بعد از خاتمه جنگ از جبران خسارات و فداکاری مضایقه نگردد و نمایندگی تجارتنی شوروی تغییر رویه داده نه تنها اوضاع را به صورت عادی برگرداند بلکه کلیه خسارت وارده را نیز جبران نماید و نیز باید گفته شود که نسبت به هر گونه تذکر رسمی هم که در این موارد داده می‌شد توجه‌ای معطوف نمی‌گردید.

ذکر مختصر فوق از جریان اوضاع اقتصادی برای این است که خاطر آن جناب را کاملاً متوجه سازند که دولت و ملت ایران در طول مدت جنگ، صمیمانه در راه دوستی با دوست همجوار اتحاد جماهیر شوروی از هر گونه کمک و فداکاری که تحمل کرده است فوق استطاعت بنیه مالی و اقتصادی ملت ایران بوده است و تحمیل این

فداکاریهای طاقت‌فرسا در ملت ایران انتظارات زیادی را برای آتیه از کمک اقتصادی متقابل دولت دوست و همجوار شوروی ایجاد کرده است. به جرأت می‌توان گفت نظیر این کمک‌های اقتصادی ملت ایران و فداکاری‌هایی که در راه دوستی صمیمی با اتحاد جماهیر شوروی متحمل شده است با مقایسه وضع اقتصادی ایران با سایر ملل در این جنگ جهانی بی‌نظیر و بی‌سابقه می‌باشد.

این فداکاریها و خسارات هنگفت است که مرا وادار می‌نماید که تقاضا بنمایم مقرر دارید به تذکریه ۲۲ فوریه که متضمن فهرست مسائل معوقه اقتصادی و مالی بین مملکت است و به آقای میکویف تسلیم شده ترتیب اثر داده در حل این مسائل مهم و اساسی اقدام فرمائید.

و همچنین بانک دولت شوروی در پرداخت طلب بانک ملی ایران طبق مقررات پیمان مالی عمل نموده تعهدات خود را محترم شمرده اجرا نماید.

توجه موثر و اساسی آن جناب در مسائل معوقه اقتصادی چگونگی اهمیت اقتصادی و مالی ایران را به دولت اتحاد جماهیر شوروی بر جناب‌عالی روشن خواهد ساخت و یقین دارم که به بسیاری از توهّمات مربوط به وجود احساسات غیردوستانه در ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی هم خاتمه خواهد داد.

در پایان خواهشمندم احترامات فائقه این جانب را نسبت به خود قبول فرمائید.

نخست‌وزیر در دنباله گزارش خود اضافه کرد.

«احتیاج به ذکر نیست اینگونه مطالبات از بابت حداقل وجوهی بود که در دفاتر ما ضبط و ثبت شده بود و ما می‌دانیم این خسارات کسری است از کسور زیانهای بی‌کرانی که از حیث نقل مواد خواربار و اغنام و احشام و میوه و ماهی و محصولات دیگر و اثرات تخریبات و استعمال خطوط راه‌آهن و سایر وسائل نقلیه و بریدن جنگلها و استفاده از کارخانه‌ها و انواع زیانهای دیگر در تمام نواحی اشغال شده که از کنترل دولت کاملاً خارج شده بود عاید کشور ما گردید.

امید واثق دارم به تدریج منابع ثروت عالم در نتیجه تأمین یک صلح پایدار بین‌المللی توسعه یابد و حسن تفاهم و همکاری واقعی در جهان جای سوءظن و بدگمانی و سوءاستفاده را بگیرد تا کشور ما نیز به حق مسلم خود برسد و خساراتش جبران گردد و مردم ما به آسایش خیال به همکاری با متفقین محترم خود بخصوص همسایگان قیام

نماید.»^۲

قوام السلطنه زمانی که به تهران رسید با بحران جدیدی روبرو شد. دوره چهاردهم مجلس شورای ملی خاتمه می‌یافت و مطابق قانون مادامی که قوای خارجی در کشور حضور داشت انتخابات نمی‌بایست صورت بگیرد. فقدان پارلمان هم نخست‌وزیر را بصورت یک دیکتاتور درمی‌آورد و ممکن بود که در نتیجه از دست دادن پشتیبانی مجلس بیشتر تحت‌تأثیر فشار شوروی قرار بگیرد. از این‌رو اکثریت اعضای مجلس تصمیم گرفتند برای اینکه کشور دچار فترت نشود دوره مجلس چهاردهم را تمدید کنند ولی حزب توده نگذاشت که این تصمیم نمایندگان اکثریت صورت عمل به خود بگیرد زیرا کمونیستها در میدان مجلس شورای ملی دست به تظاهرات پر دامنه و خشونت‌آمیز زدند و چند روز متوالی نگذاشتند نمایندگان به مجلس راه یابند. بنابراین زمانی رسید که دیگر جز انتخابات هیچ وسیله قانونی برای تشکیل مجلس باقی نماند.

در خلال این مدت وضع نظامی کشور روز بروز خراب‌تر می‌شد. دولت شوروی به جای تخلیه ایران قوای جدید وارد ایران کرد و در امتداد سرحدات ترکیه و عراق تا تهران متمرکز ساخت به طوری که انتظار می‌رفت حزب توده و عمال شوروی یک کودتای نظامی در پایتخت برپا کنند.

نامه‌های سفیران ایران واشنگتن و لندن شاهد بر این اضطراب و نگرانی و اصرار در طرح مسئله ایران در شورای امنیت است:

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۲۴/۱۲/۱۳۲۴. نمره ۲۴۵۸

جناب آقای نخست‌وزیر

«موضوع وارد شدن ارتش جدید روس به ایران با توپ و تانک و مهمات و حرکت قوای جدید به طرف تهران و سرحدات طرابوزان و عراق این دو روزه مورد بحث

۴- مشروح خسارات وارده از طرف متفقین در حین اشغال ایران به کتاب «پهل پیروزی -

ایران در جنگ جهانی دوم» مراجعه شود.

تمام جرائد دنیا واقع شده و وزارت خارجهٔ امریکا را سخت عصبانی کرده یادداشت جدیدی در این خصوص به دولت شوروی تسلیم و دادن توضیحات فوری را خواسته‌اند که البته استحضار حاصل فرموده‌اید. به طوری که دیروز هم تذکر دادم تصفیهٔ ایران دیگر موضوع بین‌المللی مستقیم و دول بزرگ را کاملاً ذینفع کرده است دولت شاهنشاهی ایران بایستی از این موقعیت استفاده کرده به هیچ وجه زیر بار روسپانروند و با کمال جرأت و شهامت ایستاده و کار را در شورای امنیت تعقیب فرمایند. تمام مقدمات تسلیم عرضحال ایران به شورای امنیت از قبیل تهیهٔ لایحه و مشورت با مشاورین حقوق و غیره از طرف این جانب کامل شده و به محض تشکیل شورا حاضر برای اقدام است. فرصت را نباید از دست داد و تا دولت امریکا و انگلیس جداً به این کار علاقمندی دارند باید اقدام شود امروز مقررات ایران به دست جنابعالی است با مقاومت و ایستادگی و استفاده از این فرصت یعنی علاقمندی دول بزرگ به کار ایران یقیناً در نجات ایران موفقیت حاصل گردد و نام خود را در تاریخ ایران ابدی خواهید کرد. ۲۲ اسفند. نمره ۶۶۱. علاء»

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۲۴. نمره ۲۴۷۴

جناب آقای نخست‌وزیر

چند روز است محافل اینجا معتقدند دولت شاهنشاهی ایران مصمم شده قضیهٔ نقض پیمان اتحاد سه گانه را به شورای امنیت مراجعه کند و چون در بدو امر قرار بود شورا در بیست و یکم مارس تشکیل شود و موعد مقرر برای تسلیم عرضحال می‌گذشت لذا محض استفادهٔ کامل از موقعیت مساعد بی‌نظیری که در اثر جریانات اخیر به نفع ایران پیش آمد و افکار دنیا با ایران همراه گردیده به اتکاء اعتراض جنابعالی اقدام در تنظیم و ترتیب تقدیم لایحه کردم حتی حالا هم که تشکیل شورا به بیست و پنجم مارس موکول شده چون لااقل پنج روز قبل از تشکیل شورا باید عرضحال تسلیم شود هرگاه تأخیری روی بدهد موقع خواهد گذاشت.

به محض وصول تلگراف شماره ۲۰۷۳ موقتاً در تسلیم عرضحال خودداری شد

تا وصول تلگراف که وعده فرموده‌اید برسد استدعا دارد مقرر فرمایند دستور تسلیم عرضحال را فوراً مخابره نمایند که این موقع مناسب و بسیار مساعد از دست نرود. ۲۵ اسفند. نمره ۶۷۵. علاء»

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۲۷/۱۲/۱۳۲۴ نمره ۲۴۸۱

جناب آقای نخست‌وزیر

تعقیب تلگراف ۲۰۷۳ مورخه ۲۴ اسفند امروز ارباب جراید اطلاع دادند که دولت شوروی تهدید کرده است هرگاه ایران شکایت خود را به شورا مراجعه کند این اقدام را دولت شوروی یک عمل غیردوستانه تلقی خواهد کرد. وزارت امور خارجه از افشاء این طلب خیلی دلتنگ شده مخصوصاً اظهار نمودند از طرف دولت امریکا انتشار پیدا نکرده و عقیده داشتند که نایستی اساساً افشاء می‌شد. از این تهدید معلوم است که دولت شوروی سعی دارد عرضحال از طرف ایران به شورا داده نشود به علت اینکه می‌داند در شورا محکوم و در مقابل دنیا رسوا خواهند شد این است که بار دیگر به احساسات وطن‌پرستانه جنابعالی متوسل شده استدعا دارد دستور فوری صادر فرمایند که تا فرصت از دست نرفته عرضحال را به شورا تسلیم کنم اطمینان دارم که امریکا و انگلیس ما را پشتیبانی و تقویت کرده و موفقیت کامل نصیب ایران خواهد شد. اکنون تمام انظار دنیا متوجه ایران و اقدام جنابعالی است و تنها اقدامی را که افکار عامه دنیا در این موقع انتظار دارد و آن را تنها راه نجات ایران تشخیص می‌دهند مراجعه مستقیم ایران است به شورای امنیت. چون دولت ایران هم بطوریکه در تلگراف شماره ۲۰۷۳ فرموده‌اید همین تصمیم را دارد مجدداً استدعا می‌کند در مخابره دستور تأخیر نفرمائید که فرصت از دست خواهد رفت. البته به جناب انتظام هم دستور تلگرافی صادر فرموده‌اید که فوراً خود را به امریکا برسانند. ۲۶ اسفند. نمره ۶۷۶. علاء»

تقی‌زاده هم از لندن پی در پی در همین مورد تلگرافهایی مخابره می‌کرد از آن جمله تلگراف زیر بود:

وزارت امور خارجه

از لندن... به تاریخ ۲۹/۱۲/۱۳۲۴ نمره ۲۳۷۲

رادیوی مسکو و جراید روسیه حملات سختی بر ضد ایران شروع کرده و در ضمن ایران را متهم به مقاصد تجاوز بر ضد خاک روسیه و تسخیر قفقاز و ماورای خزر و عشق آباد و غیره می نمایند و از آن جمله مدعیات ایران در انجمن صلح ورسای و تقاضای ارضی او یاد می کنند. و البته می خواهد این حرفها را بهانه نگاهداری ارتش در ایران برای حفظ قفقاز و مخصوصاً بادکوبه قرار بدهند و از جمله در آن میان اسم جناب آقای حکیم الملک را ذکر می کنند که در آن موقع یعنی در خاتمه جنگ سابق دخالت در اداره امور سیاست ایران داشته و می گویند هم اکنون نفوذ و تسلط کلی در سیاست خارجی ایران دارد. تصور می کنم به جای رد این مفتریات باید عیناً اظهار نمود که نه در زمان صلح ورسای ایشان عضو هیئت دولت بوده است و نه اکنون مداخله ای در سیاست خارجی فعلی مملکت دارد. ۲۴ اسفند. نمره ۵۵۵. تقی زاده سفیر کبیر.»

اخبار و شایعاتی که در رادیوهای جهان راجع به مسافرت احمد قوام به مسکو انتشار یافت به قرار زیر تذکر می دهیم:

رادیو خاور نزدیک (دیشب ۱۰ اسفند) - اخباری که از لندن رسیده حاکی است که محافل پایتخت انگلیس معتقدند که مسافرت آقای قوام السلطنه نخست وزیر ایران به مسکو به نتیجه مطلوب نرسیده است. انتظار می رود که شورای امنیت ملل متفق در جلسه آینده خود که در هفته آتی در شهر نیویورک منعقد می شود گزارش راجع به مذاکرات مسکو بخواهد.

رادیو لندن (ساعت ۲۱/۳۰ دیشب) - خبرنگار دیپلوماسی رادیو لندن نسبت به اوضاع ایران چنین اظهار عقیده می کند: یادداشت دولت امریکا به شوروی درباره خروج نیروهای شوروی از ایران و صدور بیانیه رسمی مشترک در مسکو راجع به مذاکرات ایران و شوروی دال بر این نیست که مذاکرات آقای قوام نخست وزیر ایران و ژنرال یسیم استالین با موفقیت پایان یافته است زیرا هنوز مشکلات زیادی که برای حل قضایای سیاسی وجود دارد، برطرف نشده است. انتظار می رود که پس از ورود سفیر کبیر جدید

شوروی به طهران مذاکرات بین دولتین شوروی و ایران از راه دیپلوماسی در طهران ادامه یابد و همچنین بنظر می‌رسد مادام که مجلس شورای ملی ایران تعطیل نشده است آقای قوام‌السلطنه به کلیه پیشنهادات دولت شوروی تن در نخواهد داد. چنانچه حل قضایا بین ایران و شوروی بطول انجامد ممکن است که این قضیه از نو در شورای امنیت ملل متفق مطرح گردد. زیرا شورای امنیت حق دارد در خصوص پیشرفت مذاکرات بین طرفین اطلاع حاصل کند.

دولت شوروی هنوز جواب خود را به یادداشت دولت امریکا راجع به ایران نفرستاده است و انتظار نمی‌رود که ارسال این جواب زیاد به طول انجامد.

رادیو خاور نزدیک (دیشب) - دیروز آقای قوام‌السلطنه از مسکو به طرف طهران رهسپار شد تا هرچه زودتر گزارش مذاکرات خود را در مسکو به اطلاع مجلس شورای ملی برساند.

دیرز یکی از وزراء در طهران اظهار داشت خبر دائر بر اینکه بعضی نقاط شمال ایران از نیروهای شوروی تخلیه شده تکذیب می‌گردد. مشارالیه سپس اضافه کرد که نیروهای ایرانی که از طهران برای توقف در مشهد، سمنان و شاهرود اعزام شده بودند در گرمسار از طرف سربازان شوروی متوقف شدند.

رادیو آنکارا (دیشب) - اوضاع طهران باز هم بحران آمیز شد. دلائل زیادی حاکی است که احزاب دست راست از نو فعالیت خواهند نمود. اغلب دکانها دیروز در طهران بسته شده بود زیرا اوضاع بحران آمیز بود.

رادیو خاور نزدیک (دیشب ۲۴ اسفند) - آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران موضوع مسافرت خود را در اظهاراتی که کرده چنین خلاصه نموده است:

«من به هدفی که می‌خواستم در مسکو به آن برسم نرسیدم و متأسفانه موفق نشدم با زمامداران شوروی در مسکو به توافق نظر کامل نائل شوم و مذاکرات در مسکو منتج به هیچ نتیجه‌ای نشد.»

رادیو دهلی (دیشب) - آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران پس از مراجعت از مسکو به طهران برای اولین مرتبه بطور علنی بیاناتی در خصوص مسافرت خود نموده گفت:

«موضوع عمده مذاکرات من در مسکو دربارهٔ تخلیه ایران از سربازان شوروی

بوده است ولی در این باره موافقتی حاصل نشد و من شخصاً به ژنرال یسیم استالین در این باره اعتراض نمودم و یک یادداشت اعتراض آمیز کتبی هم به دولت شوروی تسلیم کردم.»

رادیو لندن (ساعت ۲۳ و ۴۵ دقیقه) - آقای قوام السلطنه در اظهارات خود به نمایندگان خبرگزاریها امروز اظهار داشت که در مسکو دولت شوروی تقاضای او را در مورد تخلیه ایران از نیروهای شوروی قبول ننموده خود من هم با چندین پیشنهاد دولت شوروی موافقت نکردم به علاوه دولت شوروی اظهار داشته که نیروهای خود را تا موقع روشن شدن اوضاع در خاک ایران متوقف خواهد نمود ولی من نمی دانم که منظور از جمله (روشن شدن اوضاع) چیست. آیا روشن شدن اوضاع ایران است و یا روشن شدن اوضاع بین المللی دنیا؟...»

موضوع استنکاف ژنرال یسیم استالین و دولت او در موضوع عدم تخلیه خاک ایران، ملت ایران و دولتی آمریکا و انگلیس را سخت برآشفته چنانکه هریک از آنها به نوبه به ارسال یادداشتها و نشر مقالات در جراید و رادیوهای علیه این پیمان شکنی مبادرت ورزیدند:

رادیو آنکارا - در جلسه پریروز مجلس عوام انگلستان که موضوع سیاست خارجی مطرح بود. مستر ایدن وزیر امور خارجه سابق انگلستان قبل از اینکه مستر بوین وزیر امور خارجه کنونی انگلستان نطق خود را درباره سیاست خارجی ایراد کند در ضمن نطقی که به نمایندگی حزب محافظه کار، مخالف دولت، در مجلس ایراد نمود اظهار داشت که «مداخله دولت شوروی در امور داخلی ایران مخالف عهدنامه ای است که درباره ایران منعقد شده است.»

رادیو لندن (قبل از ظهر امروز، دوشنبه ۱۳ اسفند) - خبرنگار دیپلوماسی روزنامه تایمز لندن در شماره امروز بامداد خود مقاله ای راجع به اوضاع اخیر ایران انتشار داده و طی آن متذکر شده که قضیه ایران فعلاً مورد توجه و دقت کامل وزارت امور خارجه انگلستان قرار گرفته است. این وزارتخانه از اواخر هفته گذشته پیوسته این موضوع را بررسی می نماید. وزارت خارجه انگلیس اهمیت این قضیه را انکار نمی کند زیرا دولت انگلستان از تصمیم اخیر دولت شوروی راجع به عدم تخلیه قسمتی از ایران به وسیله مندرجات روزنامه ها اطلاع حاصل نمود و نمایندگان دیپلوماسی انگلستان در طهران و

مسکو به هیچ وجه از طرف دولت شوروی این موضوع را به آنها ابلاغ نکردمانند و از آن اطلاع قبلی نداشتند. این رویه یک نوع تأثر و تکدوری در لندن ایجاد کرده است، زیرا دولت شوروی به دولت انگلستان این تصمیم خود را اطلاع نداده نظر آن دولت را هم در این باره نخواسته است.

مستر بوین وزیر امور خارجه انگلستان امروز در عمارت وزارت خارجه انگلیس حضور یافت و قبل از هر کاری شروع به رسیدگی به قضیه ایران نمود.

رادیو لندن (دیشب ساعت ۲۳/۴۵ - محافل لندن معتقدند قضیه ایران که در نتیجه توقف نیروهای شوروی در ایران حاصل شده به منتهی درجه شدت و بحران و سخت ترین مرحله خود رسیده است. اگر چنانچه این قضیه در همین دو روزه تصفیه شود کلیه مسائل ایران یک مرتبه در شورای امنیت ملل متفق که جلسه آن در نیویورک منعقد بشود مطرح خواهد شد. به علاوه مستر برنس وزیر خارجه امریکا اظهار داشته که اگر ایران قضیه خود را در شورا مطرح ننماید دولت امریکا خود مبادرت به طرح قضیه در شورا خواهد نمود.

دولت کشورهای متحده امریکا ضمن ارسال این یادداشت چنین اعتراض کرد: واشنگتن ۱۶ اسفندماه - متن یادداشتی که دولت امریکا توسط کاردار سفارت خود در مسکو بنا به دستورهای برنس وزیر امور خارجه آن کشور در تاریخ ۱۵ اسفندماه (۱۱ مارس ۱۹۴۶) به دولت اتحاد جماهیر شوروی تسلیم نموده است:

«مفتخراً خاطر آن جناب را مستحضر می‌دارد که از جانب دولت متبوع خود مأمورم که پیغام زیر را به دولت جماهیر شوروی تقدیم دارم.

«به دولت امریکا اطلاع رسیده است که دولت جماهیر شوروی مصمم شده است که سربازان روسی را بعد از تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ در ایران همچنان نگاه بدارد و این تصمیم بدون رضای دولت ایران اتخاذ شده و سربازان شوروی با وجود اعتراض حکومت ایران در خاک آن کشور باقی مانده است.

«باید در نظر داشت که در جواب یادداشت دولت امریکا به دولت جماهیر شوروی در بیست و چهارم نوامبر ۱۹۴۵ دائر بر اینکه کلیه سربازان خارجی باید فوراً از ایران خارج شوند، حکومت شوروی در تاریخ ۲۹ نوامبر اظهار داشت که دوره اقامت سربازان روسی در ایران مشمول پیمانی که در ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ میان انگلیس و شوروی

و ایران بسته شده می‌گردد. دولت امریکا از این اظهار این‌طور استنباط کرد که اراده دولت اتحاد جماهیر شوروی این است که تا روز دوم ماه مارس ۱۹۴۶ یعنی شش ماه پس از امضای قرارداد تسلیم ژاپن، در دوم سپتامبر ۱۹۴۶، کلیه سربازان شوروی خاک ایران را تخلیه خواهند کرد و این مطلب از ماده پنجم پیمان سه‌جانبه که به آن اشاره شد، استنباط گردید که می‌گوید:

«پس از اینکه کلیه مخاصمه مابین دول متحده با دولت آلمان و شرکای آن به موجب یک یا چند قرارداد متار که جنگ متوقف شد دول متفق در مدتی که زیاده از شش ماه نباشد قوای خود را از خاک ایران بیرون خواهند برد و اگر پیمان صلح میان آنها بسته شد ولو اینکه قبل از شش ماه بعد از متار که باشد، بلافاصله قوای خود را بیرون خواهند برد.»

«تا آنجا که دولت امریکا اطلاع دارد در مجلس ملاقات اخیر شورای امنیت در لندن موافقت شد اتحاد جماهیر شوروی و دولت ایران با مذاکرات مستقیم راه‌حلی برای رفع مشکلات بین خود پیدا کنند در این خصوص صحبتی به میان نیامد.

«تصمیم دولت شوروی بر ابقای سربازان شوروی در ایران پس از انقضای مدتی که در پیمان سه‌جانبه ذکر شده وضعی را ایجاد کرده که دولت امریکا چون یکی از اعضای سازمان ملل متفق است و در صدور اعلامیه اول دسامبر ۱۹۴۳ درباره ایران شرکت داشته است، نمی‌تواند به آن بی‌علاقه بماند.

«اعلامیه مزبور به جهانیان اعلام داشت که دولت امریکا و دولت سوسیالیستی اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان متفق‌القولند با دولت ایران که استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی آن را محترم شمارند.

«به عقیده دولت امریکا ابقای سربازان هریک از دولتهای امضاکننده اعلامیه مزبور، در خاک ایران بدون رضایت و تمایل دولت ایران برخلاف تعهداتی است که در آن اعلامیه ذکر شده است. به علاوه ضمن مذاکرات متواتری که در جلسات ملاقات شورای امنیت در لندن به عمل آمد، مورد پذیرش عموم شد که ابقای نیروی نظامی هریک از اعضای سازمان ملل متفق در خاک کشوری که آنهم عضو سازمان مزبور باشد، بدون رضایت دولت آن کشور، مخالف با اصول سیاسی سازمان ملل متفق است و تخلیه آن اراضی از نیروها نباید با امور دیگر ارتباط داشته باشد.

«دولت امریکا با روحی صمیمانه و با در نظر گرفتن روابط دوستانه‌ای که فیما بین دولتین امریکا و شوروی برای سرکوب کردن دشمن مشترک موجود بود و از آنجا که امریکا یکی از اعضای سازمان ملل متفق است، امیدواری کامل دارد که دولت اتحاد جماهیر شوروی وظیفه خود را انجام خواهد داد و کلیه نیروهای خود را فوراً از خاک ایران بیرون خواهد برد تا مزید بر اطمینان‌های بین‌المللی که برای پیشرفت حصول صلح و دوستی بین تمام ملل جهان لازم است، گردد.

«دولت امریکا اعتقاد راسخ دارد به این که دولت اتحاد جماهیر شوروی به مسئولیت‌های سنگین که بنا بر مفاد منشور ملل متفق بر عهده دولتهای بزرگ است، توجه کرده وظایف خود را رعایت نماید و حقوق حاکمیت کشورهای دیگر را محترم شمارد.

«دولت امریکا خواهان آن است که دولت اتحاد جماهیر شوروی تصمیمات فوری در این مورد اتخاذ نماید که با مفاد این یادداشت وفق داشته باشد.»

دولت انگلیس در ارسال یادداشت تا مدتی در تردید و منتظر تحولات وقایع بود: رادیو لندن (دیشب ساعت ۲۳ و ۴۵ دقیقه، ۱۴ اسفند ۱۳۲۴) - بحران فعلی ایران که در نتیجه نقض عهدنامه ۱۹۴۲ از طرف دولت شوروی به عمل آمده در لندن به منزله دشوارترین تحولی تلقی شده است که در اوضاع سیاسی بین‌المللی پس از خاتمه جنگ تاکنون رخ داده است و مهمترین دلیل این موضوع این است که لندن با توجه فوق‌العاده زیاد به این قضیه می‌نگرد. زیرا دولت شوروی علاوه بر اینکه با دولت انگلستان درباره تصمیم اخیر خود مشورت ننموده این تصمیم را به آن دولت هم اطلاع نداده است. مسیو مولوتف هم در ماههای سپتامبر و نوامبر گذشته تأکید نموده بود که دولت شوروی مایل است روح حقیقی عهدنامه ۱۹۴۲ را حفظ کند. لذا این اقدام اخیر شوروی تأثر و تأسف زیادی در لندن ایجاد کرده است و اگر هم فرض شود که دولت شوروی علت معقولی برای نگاهداشتن نیروهای خود در ایران در نظر گرفته بود قوانین و مقررات بین‌المللی و منطق ایجاب می‌کرد که این تصمیم خود را به آن دولت انگلیس اطلاع داده باشد. در هر صورت دولت انگلیس تا زمانی که گزارش قطعی از کاردار سفارت کبرای انگلیس در مسکو دریافت ندارد رأی قطعی خود را در این باره اظهار نخواهد داشت و شاید هم مستر بوین وزیر امور خارجه پس از وصول این گزارش نطقی ایراد کند و نظر

دولت انگلیس را اعلام دارد.

از آخرین اخبار چنین مستفاد می‌شود که آقای قوام السلطنه نخست‌وزیر ایران همین که در مسکو تصمیم اخیر شوروی به او اطلاع داده شد فوراً یادداشت کتبی اعتراض آمیزی علیه تصمیم مزبور به مسکو موقوف تسلیم نمود. ولی محافل مطلع لندن معتقدند که نمی‌توان یک راه حل سریعی برای مسئله ایران پیدا نمود زیرا اعتراض آقای قوام السلطنه به دولت شوروی هرگونه امیدواری برای حل قضیه ایران را با سرعت از بین برده است و بی‌شک اگر آقای قوام السلطنه در مسکو امید به اصلاح روابط با شوروی را داشت اقدام به این اعتراض نمی‌کرد.

ولی بعد از مدتی دولت انگلیس پس از اطمینان از تصمیم دولت شوروی به نوبه خود تصمیم گرفت او هم یادداشتی مشابه با یادداشت دولت امریکا تسلیم وزارت امور خارجه شوروی نماید ولی متن آن را منتشر نکرد. چنانکه رادیو لندن در این خصوص چنین اظهار داشت:

رادیو لندن دیشب ۲۱ و ۳۰ دقیقه [۲۰ اسفند ۱۳۲۴] - دولت شوروی تاکنون جواب یادداشت‌های دولتین انگلستان و امریکا را درباره ایران نفرستاده است. یکی از خبرنگاران دیپلوماسی در لندن امشب اظهار داشت که عده‌ای در لندن مایلند بدانند چرا انگلستان تاکنون متن یادداشت خود را که راجع به ایران است و برای دولت شوروی فرستاده، انتشار نداده است در صورتیکه امریکا به مجرد رسیدن یادداشت خود به مسکو آن را منتشر ساخت. مخبر مزبور سپس اضافه کرد که به دو علت بین یادداشت‌های دولتین تفاوت است:

- ۱- این که یادداشت نباید در یک موقع به مسکو فرستاده شده باشد.
 - ۲- دولت امریکا موقعی یادداشت خود را برای شوروی فرستاد که آقای قوام السلطنه در مسکو راجع به تصمیم دولت شوروی مبنی بر عدم تخلیه ایران از نیروهای خود به دولت شوروی اعتراض کرده بوده است.
- دولت امریکا این اقدام دولت شوروی را علاوه بر اینکه برخلاف عهدنامه سه گانه ۱۹۴۲ دانسته به منزله نقض اعلامیه تهران مورخ سال ۱۹۴۳ نیز تلقی کرده است. در صورتیکه دولت انگلستان چند روز قبل از دولت امریکا یادداشت خود را برای دولت شوروی فرستاده بود، یعنی زمانی که اطلاع حاصل کرد که دولت شوروی به عدم تخلیه

ایران از نیروهای خود تصمیم گرفته است و در آن موقع هنوز مذاکرات آقای قوم السلطنه با دولت شوروی ادامه داشته و معلوم نبود که آیا بین طرفین موافقت حاصل خواهد شد یا خیر؟

به هر صورت دولتین امریکا و انگلیس هردو در انتظار بودند که استالین به یادداشتهای آنها پاسخ بدهد.

رادیو لندن - دیشب در لندن اعلام شد که دولت انگلستان به مستر روبرت کاردار سفارت کبرای انگلستان در مسکو دستور داده که از دولت شوروی جواب یادداشت دولت متبوع خود را درباره توقف نیروهای شوروی در بعضی نقاط ایران مطالبه کند.

دولت امریکا هم منتظر جواب دولت شوروی به یادداشت خود می باشد. تصمیم غیرعادلانه دولت استالین مبنی بر عدم تخلیه خاک ایران ملت ایران را دچار شگفتی و در ضمن نگران ساخت. جراید آن روز کشور، به استثنای جراید مزدور، بالاتفاق احساسات ملت را در روزنامه های خود منعکس کردند که یکی از آنها را که در روزنامه اطلاعات منتشر شد، به عنوان نمونه ذکر می کنیم:

«مجلس شورای ملی در جلسه دیروز با ابراز احساسات مراتب تأسف و تأثر عمومی ملت ایران درباره خلف عهدی که از طرف دولت دوست و مجاور ما نسبت به تخلیه ایران شده است، آشکار ساخت...»

ناطقین محترم در ضمن بیانات خود از اینکه نیروی شوروی به موقع خود کشور ما را تخلیه نکرده است ابراز تأسف و تأثر نمودند و در این تأسف و تأثر قاطبه ملت ایران با آنان شریک می باشد. زیرا توقع ملت ایران از دولت اتحاد جماهیر شوروی این بود که عهد و پیمان خود را محترم شمارد و طبق فصل پنجم پیمان اتحاد و وعده ها و مواعیدی که مکرر سران آن کشور به دولت و ملت ایران داده بود، رفتار نماید و پس از چهارسال فداکاری بسیار صمیمانه ای که ملت ایران در راه پیروزی دولت شوروی کرد، آن دولت نیز به نوبه خود حقوق ما را محترم شمارد...

ضمناً انتظار داریم اولیای محترم دولت شوروی نیز این اضطراب و نگرانی و اندوه عمومی ملت ایران را در نظر گرفته مزده تخلیه ایران را بدهند و موجبات برطرف ساختن نکتد خاطر ملت ایران را فراهم سازند...

ما باز هم تکرار می‌کنیم برای ما غیرقابل تصور است که فکر کنیم نیروی شوروی در ایران اقامت نماید و دولتی که خود را قهرمان مبارزه تخلیه کشورها از نیروهای بیگانه قلمداد نموده درباره ملت و دولت دوست و متفق خود ایران برخلاف این اصل رفتار کند. شکی نیست در برابر این پیش‌آمد ما نمی‌توانیم تأثر و اندوه خود را پنهان کنیم و طبیعی است هر کس که ذره‌ای مهر وطن در دل دارد و حمیت و شور ملی بسردارد از این پیش‌آمد غمگین و متأثر است ولی در عین تأثر و اندوه، ما دوستدار دولت و ملت شوروی هستیم. ما به این کشور همسایه بزرگ و برومند خود علاقمندیم. ما صلاح کشور خود را در استحکام دوستی و جلب مودت اتحاد جماهیر شوروی می‌دانیم. ما به اهمیت مذاکرات مسکو و برطرف شدن این مشکلات هنوز امیدواریم.»

موضوع پیشروی نیروهای نظامی روسیه، در سه ستون به سوی تهران و مرزهای عراق و ترکیه در محافل بین‌المللی، بخصوص در کشورهای متحده امریکا و انگلیس، با اهمیت فوق‌العاده‌ای تلقی گردید. چنانکه رادیوهای سراسر جهان موضوع را با آب و تاب فراوان ضمن اخبار مهم پخش می‌کردند:

واشنگتن ۱۲ مارس - امروز عصر وزارت خارجه امریکا خبر زیر را منتشر کرده

است:

«وزارت امور خارجه امریکا اطلاع حاصل نموده است که در عرض هفته گذشته نیروهای مسلح بیشتری با ساز و برگ سنگین جنگی از مرز شوروی گذشته وارد تبریز و از آنجا به طرف جنوب یعنی تهران و مرزهای غربی ایران متوجه شده‌اند. دولت امریکا از دولت شوروی بازخواست نموده که آیا این گزارش صحیح است و در صورت صحت آن، دولت شوروی به چه علت به چنین اقدامی مبادرت کرده است.»

رادیو لندن - با اینکه محافل رسمی لندن درباره پیشرفت نیروهای شوروی به طرف تهران هنوز هیچگونه خبری دریافت نداشته‌اند و نمی‌دانند که گزارشات واصله به امریکا صحت دارد یا خیر؟ ولی محافل لندن اظهار می‌دارند که اخبار مزبور در لندن با تعجب تلقی نشده است. زیرا آنچه تا به حال از اخبار رسیده مستفاد گردید دال بر این بود که پیشروی نیروهای شوروی بطرف داخل ایران بیشتر از پیشروی این نیروها بطرف خارج ایران بوده است. و اگر گزارشات واصله به امریکا صحت داشته باشد بطور حتم این اقدام نیروهای شوروی تأثیر شایانی در بحران سیاسی که فعلاً در ایران پدید آمده

است، خواهد داشت.

رادیو لندن - به موجب خبری که از واشنگتن رسیده، آقای حسین علاء سفیر کبیر ایران در امریکا بامداد دیروز به وزارت امور خارجه امریکا رفت و مدتی با آقای برنس به مذاکره پرداخت.

آقای علاء در این ملاقات اظهار داشت که دولت شوروی از حدود جنگ اعصاب تجاوز کرده نیروهای کمکی به ایران فرستاده و می‌خواهد به وسیله این نیروها فشار نظامی مستقیم خود را بر علیه ایران وارد آورد.

آقای علاء سپس گفت: باید از شورای امنیت ملل متفق تقاضا نمود که فوراً به قضیه ایران و اختلاف شوروی و ایران رسیدگی کند.

رادیو دهلی - از لندن خبر می‌رسد که درباره حرکت نیروهای شوروی در ایران که در هفته اخیر اطلاعاتی درباره آن به واشنگتن رسیده بود این اطلاعات به لندن هم رسیده است:

گفته می‌شود که مستر بوین وزیر امور خارجه انگلیس پیوسته با مستر برنس وزیر امور خارجه امریکا در این خصوص ارتباط دارند.

امروز بعدازظهر در مجلس عوام انگلیس مستر بوین در جواب سوالی اظهار داشت که جواب یادداشت خود را که ده روز پیش برای دولت شوروی درباره ایران فرستاده بود هنوز دریافت نداشته است. لذا به کاردار سفارت کبرای انگلیس در مسکو دستور داده شد که از مسیو مولوتف کمیتر امور خارجه شوروی در این باره هرچه زودتر درخواست جواب بنماید.

رادیو لندن - امروز در لندن اعلام شد که بوین با برنس درباره موضوع ایران به مذاکره پرداخت.

دولت انگلیس هم گزارشاتی نظیر گزارشاتی که دولت امریکا درباره نقل و انتقال نیروهای شوروی در ایران دریافت نموده بود، دریافت داشته است... محافل لندن معتقدند که علت اصلی اوضاع دلخراش و تأسف آور فعلی ایران همانا توقف نیروهای شوروی در ایران می‌باشد و اگر هم نیروهای کمکی جدیدی به ایران برسد یقیناً اوضاع ایران بدتر خواهد شد و این اوضاع چنانچه ادامه یابد در آن وقت ثابت می‌شود که دولت شوروی عهدنامه سه‌جانبه ۱۹۴۲ را نقض کرده است.

واشنگتن ۱۴ مارس - مستر میکائیل مک درموت رئیس اداره مطبوعات وزارت خارجه امريکا ضمن مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشته است که وزارت امور خارجه امريکا گزارش جدیدی راجع به حرکت ارتش شوروی در ايران وصول نموده است. مک درموت همچنين متذکر شد که اين گزارش، اعلاميه دو روز قبل دولت امريکا را مبنی بر اینکه نيروهای مسلح روسی جدیدی با تجهيزات سنگين و ساز و برگ کامل جنگ از مرز شوروی گذشته وارد خاک ايران شده‌اند و اینکه بعد از عبور از تبريز به طرف تهران و مرزهای غربی ايران متوجه شده‌اند، تأييد می‌نماید.

مستر مک درموت همچنين اظهار کرد که دولت امريکا فعلاً در نظر ندارد اعلاميه دیگری راجع به گزارش اخير صادر نماید ولی اخبار واصله اعلاميه سابق دولت را تکذيب ننموده مفاد آن را تغيير نمی‌دهد.

رادیو لندن (بامداد امروز، ۲۶ اسفند ۱۳۲۴) - مستر برنس وزير امور خارجه امريکا ديشب نطقی در یکی از جشن‌هایی که در واشنگتن منعقد بود، ایراد نمود و ضمناً چنین گفت:

«اگر ضرورت ايجاب کند که دولت امريکا از هدفها و مبادی پيمان ملل متفق دفاع کند دولت امريکا نيروهای خود را برای اين منظور بکار خواهد برد. ما نمی‌خواهيم برای حفظ امنيت و سلامت خود به وسيله اتحاد با شوروی بر عليه انگلستان اقدام نمائيم و يا با اتحاد با انگلستان عليه شوروی اقدامی کنيم. بلکه ما ميل داريم که کليه کوشش‌های خود را در راه ضمانت و امنيت کليه ملل مبذول داريم بدون اینکه برای یکی از آنها امتیازی قائل شويم.

سپس برنس اظهار اميدواری نمود که مشکلات فعلی اگر با روح حسن‌نيت و صميميت مورد بررسی قرار گیرد، حل می‌شود و گفت بايد همت کنيم و صبور باشيم و حوصله داشته باشيم و تحت‌تأثير احساسات نرويم. سپس تکرار کرد که دولت امريکا خواهان صلح و سلم است و اضافه نمود در موقعی که کليه ملل غرق تقويت و تسليح خود می‌باشند آیا ممکن است امريکا در راه حفظ امنيت خود خلع سلاح شود! به علاوه، موضوع صلح و خلع سلاح بين دو جنگ عالمگیر اخير به دولت امريکا اين درس را داد که ضعف دولت امريکا در اين مدت سه دولت آلمان، ایتالیا و ژاپن را جسور نمود، آنها را تشويق کرد که به عملیات تجاوزکارانه خود ادامه داده ديگران را مورد حمله قرار

دهند. تجربه به امریکا یاد داده که ضعف و ناتوانی همیشه موجبات تجاوز و تعدی را فراهم می‌نماید.»

هرچه بود، مسافرت قوام به مسکو و بازگشت او به تهران با شور و هیجان همراه شد و رادیو دولتی و روزنامه‌های طرفدار دولت عموماً کوشیدند که مسافرت مسکو را یک مسافرت موفقیت آمیز با نتایج درخشان برای ایران قلمداد کنند ولی شاهنشاه از همان ابتدا به نتایج مسافرت مسکو خوشبین نبودند و حقاً نگران بودند که مذاکرات نخست‌وزیر با مقامات شوروی اوضاع را از آنچه که قبلاً بود وخیم‌تر ساخته است. والاس موری سفیر امریکا در تهران طی تلگرافی که یک روز پس از بازگشت قوام به واشنگتن مخابره کرد با اشاره به این موضوع چنین نوشت:

«دیروز کاخ شاهنشاه را به موقع ترک کردم تا در مراسم استقبال از قوام هنگام ورودش به فرودگاه در ساعت ۱۲ و ۴۵ دقیقه شرکت نمایم. استقبال پرشوری از طرف جمعیت بسیاری به عمل آمد و او بلافاصله به کاخ سلطنتی رفت تا گزارش خود را به شاه ایران معروض دارد.

سفیر امریکا به ملاقات خود با قوام اشاره و اضافه کرده بود:

«چون از وضع قوام به نظر می‌رسید که کاملاً راجع به سازمان ملل متفق وارد و روشن نباشد من ترتیب شرفیابی حضور شاهنشاه را امروز دادم و به عرض ایشان رسانیدم که هیچگونه تفوه عدم توانائی در نخست‌وزیر را ندارم ولی مایلم که شاهنشاه اطمینان حاصل فرمایند که قوام از اهمیت حیاتی وضع و موقع ایران مطلع گردد. من مطمئن هستم که شاهنشاه در این مورد کاملاً روشن و مطلع هستند. شاهنشاه نگرانی خود را در مورد شایعه امکان تسلط بر پایتخت به وسیله شوروی در اختیار گرفتن کنترل دولت را ابراز داشتند خاطرنشان ساختند چنانچه این عمل واقع شود شورویها دستورهای به علاء دیکته خواهند کرد که ایران را از توسل به سازمان ملل متحد بازخواهند داشت. شاهنشاه پیشنهاد کردند که در یک چنین وضعی کشورهای متحده امریکا و انگلستان لاقفل می‌توانند به ابتکار خود بر اساس تعهدات خویش عمل کرده صدای حق و احساسات

۶- تلگراف شماره ۱۱۴۶ مورخ ۱۱ مارس ۱۹۴۶. سفارت امریکا در تهران به وزارت

امور خارجه امریکا.

ملت ایران را منعکس سازند...»

خاطره آموزنده و میهن پرستانه استاد دانشمند فقید دکتر رضازاده شفق از
مسافرت به مسکو

گفتگوی من با استالین، مولوتف و میکویان در مسکو^۷

چنانکه می دانیم موقعی که آقای احمد قوام (قوام السلطنه) در بهمن ماه ۱۳۲۴ به ریاست دولت رسید. روابط ما با روسیه شوروی بسیار تیره بود، شهرهای شمالی ما تحت اشغال سربازان شوروی درآمد و تحریکاتی مطابق نقشه به راه انداخته و یک نهضت خودمختاری در آذربایجان ساخته بودند که در واقع نه خودی بود و نه مختاری یعنی جریانات بی خودی و یک نهضت خودمختاری در آذربایجان ساخته بودند که در واقع نه خودی بود و نه مختاری یعنی جریانات بی خودی و بدون اختیار به وقوع می پیوست. آذربایجان در خطر تجزیه واقع شده بود. و دولت شوروی برای اخذ امتیاز نفت شمال حدهای فشار را به ایران وارد می آورد.

آقای قوام که در چنین زمان آشفته پی چاره جویی افتاد اینطور تشخیص داد که رفتن هیئتی به مسکو برای مذاکرات مستقیم با سران شوروی ممکن است در راه روشن کردن روابط بین دو کشور تأثیری داشته باشد و با این نظر بعد از مشاوره با اشخاص هیئتی را تحت ریاست خودش انتخاب و تعیین نمود. این هیئت دو شعبه داشت، سیاسی و اقتصادی. اعضای شعبه سیاسی عبارت بودند از: آقایان جواد عامری و حمید سیاح و این جانب و اعضای شعبه اقتصادی عبارت بودند از: آقایان سلمان اسدی و عبدالحسین نیکپور، چند نفر هم از نخبه نمایندگان مطبوعات برای همراهی با هیئت دعوت شدند. بعداً آقای قوام آقای درو نماینده مجلس را هم به واسطه تحصیلات روسی که داشت به هیئت اضافه کرد و در ۲۹ بهمن ماه به مسکو عزیمت نمودیم.

قسمت عمده مذاکرات در مسکو که بیست روز ادامه داشت به استثنای یکی دو مجلس به واسطه مراسله و مخابره انجام یافت و در این مورد منظور من بحث از آن

مذاکرات رسمی نیست بلکه گفتگوهائی با چهارتن از سران شوروی یعنی استالین نخست‌وزیر، مولوتف کمیساریای خارجی و ویشنیسکی که در آن زمان معاون خارجه و میکویان که در آن زمان کمیسار تجارت بود بطور غیررسمی و خصوصی به عمل آوردم، به اطلاع خوانندگان سالنامه دنیا می‌رسانم و چون با کمال تأسف نه تنها تاریخ گذشته ما از اکاذیب مصون نیست بلکه در زمان خود ما که زنده‌ایم مطالب تحریف می‌شود سعی می‌کنم آنچه را گفته شده بی‌کم و زیاد نقل کنم. البته فقط خداست که از نقص و نسیان منزه است.

اول صحبتی که با آقای مولوتف به عمل آمد در ورود به فرودگاه مسکو بود و قبل از آن با اینکه یکسال پیش ایشان را در سانفرانسیسکو در جلسات سازمان ملل که منم مانند آقایان انتظام، صالح، کاظمی و دکتر سیاسی نمایندگی ایران را داشتیم، دیده بودم و مذاکره‌ای نهیب نشده بود.

تا در فرودگاه مسکو به راه افتادیم آقای مولوتف که پهلوی من می‌رفت گفت شما نسبت به سرمای روسیه لباس تنگ پوشیده‌اید؟ گفتم من آذربایجانی هستم به سرما بیشتر تاب دارم وانگهی قلب من گرم است، گفت روسی را کجا یاد گرفتید؟ گفتم در ایران ولی افسوس که روسی من به قدری کم مایه است که صد یک مطالبی را که دوست دارم به دوستان روسی بگویم نمی‌توانم.

دفعه دوم در جلسه مشترکی که با حضور کلیه اعضای هیئت در کمیساریای خارجه [وزارت امور خارجه] تشکیل شده بود و مولوتف مقدماتی در باب لزوم تفاهم و حفظ صلح می‌گفت تا مترجم ترجمه کند وسط حرف او دویدم و گفتم به خاطر دارم در تالار مجمع عمومی ملل متحد هم چنین مطالب مفیدی می‌فرمودید. به اصطلاح تازه یک جمله پارازیت راه انداختم.

اما مفصلترین صحبت من با ایشان در مجلس ضیافت چای بود که ایشان به افتخار هیئت نمایندگی ایران دادند و از سفراء خارجه و اعضای دولت شوروی هم حضور داشتند و تنها موقعی بود که مولوتف را با صورت متبسم دیدم. چون در ضمن گفتگو با اشخاص مختلف به ایشان رسیدم از دانشگاه و کار من پرسید و صحبت به ادبیات و زبان ایران و ارتباط آن با زبان و ادبیات روسی به میان آمد. گفتم به عقیده زبان‌شناسان، زبان روسی به فارسی نزدیکتر از زبانهای اروپاییست هر دو زبان از یک شاخه از شعب

هندواروپائی مشتق است پس راه تفاهم بین دو ملت از هر حیث فراهم است. کمی سکوت کرد یکباره با صدای بلند که تو گوئی توبیخ آمیز بود گفت اما شما کلمات زیاد عربی در فارسی دارید گفتم صحیح است از وقتی که ایرانیان دین اسلام را پذیرفتند زبان و ادبیات عرب بالطبع در ایران نفوذ یافت ولی شما هم در زبان روسی کلمات زیاد لاتینی دارید. گفت اینهم درست است. در این موقع یک بزنگاه پیدا کردم و گفتم ولی کاش یکی از آن لغت‌های لاتینی به زبان روسی داخل نشده بود که در این مذاکرات اسباب زحمت باشد. گفت کدام است «دیسکریمیناتسیا».

(چنانچه می‌دانیم این کلمه در زبان فرانسوی «دیسکریمیناسیون Discremination» تلفظ می‌شود که اصلاً لاتینی است و به معنی تبعیض می‌آید و در مذاکراتی که می‌کردیم روسها غالباً به ما گفتند شما در قبال دولتهای مغرب زمینی همیشه نسبت به روسیه تبعیض روا داشته‌اید و می‌دارید مثلاً به آنها امتیازات مانند امتیاز نفت داده‌اید به ما که می‌رسد اعتراض می‌کنید و «دیسکریمیناتسیا» بکار می‌برید. هرچه کوشیدیم آنها را طی مذاکرات قانع کنیم که امتیازات گذشته به خصوص امتیاز نفت را ملت ایران نداده بلکه دول مغرب زمینی که خود روسیه هم داخل آنها بود با اعمال نفوذ و زور آنها را گرفته‌اند و ملت ایران تصمیم دارد آن اشتباهات گذشته را ترمیم کند و برای آینده هم به موجب قانون مجلس قصد ندارد اختیاری به یک فرد یا دولت خارجی بدهد این توضیحات ماقععی در نزد حضرات نداشت و کلمه دیسکریمیناتسیا را هی تکرار می‌کردند)....

گفتگوئی هم با میکویان بر سر سفره شامی که استالین به افتخار هیئت داده بود کردم و در میان مختصر شوخی صحبت را به تنگی معیشت در ایران کشاندم و یکباره دو کف دست را به سوی او دراز کردم و گفتم آقا این همراهان من دیپلومات هستند ولی من معلم ساده‌ای هستم و حرفم را آشکارا می‌گویم چرا طلب ما را نمی‌دهید شما کمیسر (وزیر) اقتصادیات هستید پول ما را بدهید. در ایران هزاران مردم مانند من با حقوق ماهانه زندگی می‌کنند شما در سنوات جنگ نیروی خود را به کشور ما آوردید و اندوخته ما را گرفتید و خرج کردید الان خواهشمندم پس . . . هید. و ادامه دادم: برای روسیه که میلیاردها خرج می‌کند این چند میلیون مطالبه ما فرقی نمی‌کند ولی برای ما حیاتی است. شما که می‌گوئید طرفدار آزادی ملت‌های کوچک هستید چرا ما را در تنگنای

اقتصادی می‌گذارید... در جواب آنها لقمه‌ای به دهان نهاد و جامی تازه پر کرد و «به یاد دوستی ایران و شوروی» به کام کشید و موضوع را مسکوت گذاشت.»

بعد از صرف شام و نطقهای سر سفره آقای مولوتف و جواب آقای قوام پاشدیم و به تالار مجاور رفتیم و دور میزهای گرد که نهاده شده بود نشستیم. آقای قوام و استالین و آقای عامری و آقای سیاح و مولوتف بر سر یک میز و من با ویشنیسکی و چندتن دیگر بر سر میز مجاور آن نشستیم و این دفعه سر صحبت با ویشنیسکی باز شد و حالا که او در آن دنیا است شاید در ضمن یاد مناظر خیلی رنگین عمر خود درین دنیا مصاحبه کوتاه مرا هم بخاطر می‌آورد و متذکر می‌گردد که چطور دانسته و فهمیده از جواب حسابی دادن به سؤال من و ترتیب اثر دادن من طفره می‌زد. سخن از آذربایجان به میان آمد گفت شما آذربایجانی هستید. الحق جای خوش آب و هوا و حاصلخیزی است و آن ایالت در تاریخ انقلاب ایران سهمی بزرگ دارد. گفتم افسوس یک قسمت انقلاب خونین و فجایع بزرگ آذربایجان در نتیجه مداخله نظامی روسیه تزاری در آن زمان به عمل آمد و عده‌ای زیاد از آزادیخواهان و میهن‌پرستان بزرگ ایران مانند ثقل‌الاسلام (شهید) قربانی سرنیزه نیروی روسیه شد زیرا روسیه با نهضت مشروطیت ایران مخالف بود و من هروقت یاد اوایل جوانی خود را می‌کنم آن نمایش خون‌آلود زادگاهم در آفاق خیالم مجسم می‌شود.

گفت بلی همین فجایع سبب شد که روسیه انقلاب اکبر راه انداخت و رژیم تزاری را واژگون ساخت و آنگاه تابلوی نقاشی را که عکس آن در این مقاله چاپ شده و در تالار پذیرائی قصر کرملین بر دیوار نصب بود به من نشان داده برای تأیید جواب خود توضیح داد لنین و استالین بزرگ برای واژگون نمودن بساط تزار در مخفی‌گاه‌ها آنقدر تلاش کردند تا موفق شدند. گفتم اگر اجازه بدهید با شما آزادانه صحبت کنم. انقلاب روسیه برای خود روسها چه نتیجه داشت من نمی‌دانم ولی برای ما مثل اینکه بدتر شد. گفت چرا؟ گفتم اگر آنوقت بیم نبود، استبداد بود امروز بیم تجزیه آذربایجان در میان است و تکیه و استناد تجزیه‌طلبان به نیروی نظامی روسیه شورویست که در ایران مانده است. با یک خنده مصنوعی گفت: شما که از آذربایجان هستید چرا از این نهضت بدتان می‌آید. آذربایجانیها خودمختاری می‌خواهند مگر خودمختاری عیبی دارد؟ گفتم عیب کار در این است که از مفهوم خودمختاری سوءاستفاده می‌شود. اگر

منظور این است که آذربایجان در امور داخلی خود نظیر امور شهرداری و راهسازی و فرهنگ و بهداشت و غیره انجمنهای محلی داشته باشد این ترتیب شاید برای تمام ایالات لازم است و اختصاص به آذربایجان ندارد و برای این چنین مقصود قیام بر ضد دولت و انتخاب مجلس شورای محلی و تشکیل حکومت و عزل و نصب مأمورین و نظایر آن که برخلاف قانون اساسی ایران است چه محملی دارد؟

ویشنیسکی باز یک خنده مصنوعی کرد و شروع نمود به ماست مالی و گفت شاید در بعضی کارها عاقلانه رفتار نکرده باشند اینها اهمیت ندارد و عمده این است که ملت آذربایجان به آمال ملی برسد. گفتم مثل این می‌فرمائید که گویا یک ملت آذربایجان غیر از ملت ایران هست. گفت چطور مگر زبان و اخلاق و تاریخ آذربایجان، غیر از ایران نیست؟ گفتم: اخلاق و عادات و دین و تاریخ آذربایجان از بدو تاریخ تا کنون اخلاق و عادات و دین و تاریخ ایران بوده است و ظرف سه هزار سال تاریخ ایران با اینکه صدها سلاله آمده حکومت کرده و رفته‌اند. یک دوره پیدا نمی‌کند که آذربایجان فرق خاصی از سایر ایالات ایران داشته و بیرق ملیت خاص غیرایرانی بلند کرده باشد. عقاید و عادات و اخلاق و داستانها و ادبیات و دین ما هم در تمام این مدت ایرانی بوده عیدما نوروز، داستان ملی ما شاهنامه، دین ما در قدیم زرتشتی و حالا اسلام، شعرای ما فردوسی و خیام و سعدی و حافظ و خاقانی و نظامی و نظایر آن بوده‌اند.

گفت: مگر از عادات و آرزوها و تصانیف بومی آذربایجان خبر ندارید؟ گفتم آوازا و تصانیف محلی به این معنی که شما می‌فرمائید در مازندران و شیراز و کردستان هم هست. منظور وحدت اساسی و وجود روابط مشترک اصولی و قدیمی و تاریخی ملی است که سرتاسر ایران یکی است.

گفت: آذربایجان غیر از ایالات دیگر است بلکه مانند قفقاز یک زبان غیرایرانی مستقل دارد. در جواب نخواستم یعنی نتوانستم بگویم قفقاز هم از آن ایرانی و ایرانی بود و فقط حدود صد و سی سال است در آن ایالت را از چنگ ما درآورد ولی گفتم درست است زبان آذربایجانی ترکی است ولی زبان و ملیت یکی نیست ما زبانمان در آذربایجان هیچوقت زبان یک دولت و ملت جداگانه و مستقل غیرایرانی نبوده به علاوه در تمام طول سه هزار سال تاریخ ایران یک دوره حتی یکسال پیدا نتوان کرد که در آن زبان رسمی و علمی و ادبی و دینی در آذربایجان ترکی باشد. کلیه تألیفات و مراسلات و تدریسات و

تعلیمات در تمام این مدت متمادی به فارسی و گاهی هم به عربی بوده و ادبیات و اشعار گویندگان آذربایجان هم مانند خاقانی و نظامی و قطران و شبستری و صدها دیگر به فارسی بوده...

صحبت به طول انجامید ویشنیسکی با اینکه خوب گوش می‌کرد جوابهایش طفرهای بود. گفت: هموطنان آذربایجانی شما که این نهضت را برپا داشته‌اند مثل شما فکر نمی‌کنند. گفتم: آن را هم خدا می‌داند اگر از من بپرسید یکنفر در آذربایجان پیدا نمی‌شود که بخواهد از ایران جدا شود و آنانکه این سروصدا را بلند کرده‌اند یا نمی‌دانند چه می‌خواهند یا از خارج آمده‌اند و مقاصد سیاسی دارند و من که یک آذربایجانی هستم از صمیم قلب به شما می‌گویم ما آذربایجانیها ایرانی هستیم و ما ایرانی‌ها با نهایت خلوص نیت می‌خواهیم بین ایران و دولت جماهیر شوروی روابط خالصانه فرهنگی و اقتصادی و صنعتی برقرار باشد به شرطی که تحریکات سیاسی و فشار جای خود را به روح همکاری و همجواری بدهد آنوقت خواهید دید که دوستان شما در ایران منحصر به افراد یک حزب نمی‌ماند بلکه قاطبه ملت ایران دوست و خیرخواه شما خواهد شود.

آقای ویشنیسکی این نهضت خودمختاری آذربایجان ابداً رنگ ایرانی ندارد و دلیل آن اونیفورم لباس افسران و سربازان فرقه دموکرات است که کاملاً شبیه اونیفورم خارجی است.

ویشنیسکی در شنیدن این قسمتهای اخیر تبسمی رضایت‌بخش نمود و برای خاتمه دادن به صحبت یا شاید به عزم ماست‌مالی، مانند میکویان دست به جام شراب برد و او نیز «به یاد دوستی ایران و شوروی» سر کشید. چندی نگذشت معلوم شد می‌رویم به سالن دیگر برای دیدن یک فیلم. جای من به تصادف صندلی پشت سر آقای قوام و استالین واقع شد فضا را یکباره تاریک کردند و فیلمی که باید تماشا کنیم نمایش تخریب و تصرف و بمباران و آتش‌سوزان شهر زیبای برلن از طرف سپاهیان شوروی و شاید چنین شبی را که برای من به عجایب و فجایع زیادی درین عمر کوتاه بی‌وفا دیده‌ام طالع تهیه کرده بود، تا پشت سر استالین بنشینم و تا ویران شدن و سوختن شهری را که چندسال از بهترین سالهای عمر جوانی من در دانشگاه آنجا گذشته بود به چشم ببینم.

فردای چنان شب هولناکی بود که به سوی ایران میهن عزیزمان رخت بربستیم و

از فرودگاه مسکورو به جنوب به پرواز درآمدیم.
متأسفانه از این سفر نتیجه‌ای نگرفتیم و کار ما فقط به ارسال جواب نامه‌های
دولت شوروی گذشت و قرار بر این شد سمیر کبیر جدید شوروی به نام رفیق ایوان
سادچیکف به تهران آمده دنباله مذاکرات را از سر بگیرد....» (شفق)

فصل نهم

وقایع سالهای ۱۳۲۵ - ۱۳۲۶

سال ۱۳۲۵ سال پیروزی بزرگ و درخشان تاریخی ایران یعنی رهائی آذربایجان و شکست فاحش و قطعی بیگانه‌پرستان و در عین حال یکی از بحرانی‌ترین دوران تاریخی ایران است. این سال با موافقتنامه قوام - سادچیکوف، تخلیه ایران از نیروهای نظامی اتحاد شوروی عملی شد. قوام‌السلطنه از این موفقیت و دوران فترت برای تحکیم حکومت خود استفاده کرد. سیاستمداران مخالف خود مانند سیدضیاءالدین طباطبائی، جمال امامی و میرزا کریم خان رشتی را به نام «حشرات موذی» بازداشت کرد. اعلامیه‌های پی در پی صادر کرد، اصلاحاتی که مورد درخواست ملت ایران بود مانند: اصلاحات ارضی، قانون کار و مبارزه با فساد را به مردم وعده داد. در عین حال درصدد مذاکره با تجزیه‌طلبان آذربایجان برآمد.

هیئت‌هایی از فرقه دموکرات به تهران آمدند و هیئت‌هایی از تهران به تبریز رفتند. موافقتنامه مذکور منجر به موافقتنامه‌هایی میان مظفر فیروز و پیشه‌وری شد که طبق آن «مجلس ملی» قلابی فرقه دموکرات به عنوان انجمن ایالتی به رسمیت شناخته شد. به احزاب دست‌چپی حق داده شد در انتخاب استاندار شرکت کنند و ۷۵ درصد درآمد آذربایجان را تصاحب نمایند و نیز در مدارس متوسطه و عالی به دو زبان فارسی و ترکی تدریس شود و فدائیان فرقه نقش ژاندارم را بر عهده بگیرند.

حزب توده و طرفداران فرقه در تهران جشن گرفتند و کوشیدند در سراسر ایران با ایجاد آشوب و بلوا و به راه انداختن اعتصاب‌ها و تظاهرات مردم را مرعوب و تحت

سلطه خویش درآورند. احمد قوام نخست‌وزیر دست ائتلاف به سوی آنها دراز کرد. کابینه ائتلافی تشکیل شد که حزب توده و متحدان آن در کابینه پنج وزیر داشتند. اما مهره‌های حساس همچنان در دست قوام باقی ماند. قوام السلطنه با استفاده از فرصت، حزب دموکرات ایران را تشکیل داد و تمام مخالفان فرقه دموکرات و حزب توده در آن جمع شدند و خود را برای پیکار نهائی آماده ساختند.

شرکت حزب توده در کابینه چهره حقیقی بیگانه‌پرستان را به بهترین وجهی آشکار کرد. وزیران توده کارمندان و کارگران میهن‌پرست را بیکار می‌کردند و کارها را به دست افراد حزبی می‌سپردند. موج اعتراض در سراسر ایران برمی‌خیزد.

موافقتنامه قوام و سادچیکوف (بازیهای سیاسی قوام السلطنه)

احمد قوام نخست‌وزیر پس از مراجعت از مسکو دست به یک سلسله اقداماتی زد که سرآغاز آن توقیف مخالفین خود از جمله سیدضیاءالدین طباطبائی بود «شب پنجشنبه اول فروردین ماه (۱۳۲۵) رادیو تهران خبر بازداشت آقای سیدضیاءالدین طباطبائی را به شرح زیر منتشر نمود.

«نظر به مصالح مملکت و سوعظنی که نسبت به عملیات آقای سیدضیاءالدین می‌رفت برحسب امر رئیس دولت طبق ماده ۵ قانون حکومت نظامی ایشان امروز بعدازظهر به وسیله ژاندارمری دستگیر و تحویل شهربانی گردیدند و مقرر شده که در شهربانی به ایشان اطاق مخصوصی داده شود تا تحقیقاتی که مورد نظر است آغاز گردد.»

سپس در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۲۵ در یک کنفرانس مطبوعاتی با خبرنگاران مطالبی به این قرار بیان نمود:

«در جواب سؤال اینکه سیدضیاءالدین را به چه علت بازداشت نموده‌اند نخست‌وزیر جواب داد که چون گزارشهایی مبنی بر تحریکات و اقدامات او علیه امنیت عمومی واصل شده بود به این اقدام مبادرت شده است... در پاسخ سؤالی که آیا توقیفهایی در نظر هست اظهار داشت که اگر معلوم شود دیگران هم علیه امنیت عمومی تحریکاتی کرده باشند بلادرنگ دستگیر خواهند شد و برای من راست و چپ تفاوت

ندارد. هر کس دارای هر مسلک سیاسی باشد که برخلاف مصالح مملکت و آسایش مردم و امنیت عمومی اقدام کند طبق مقررات قانون بازداشت خواهد شد. دولت نیز مصمم است قدرت و حیانت قانون را مستقر نموده کوچکترین تحریک و تجاوز به حقوق افراد را از هر ناحیه که باشد تحمل ننماید... آن گاه اشاره به سیاست خارجی نموده متذکر شد در این قسمت توضیحات مفصلی نمی‌دهم برای اینکه آقایان تا اندازه‌ای از جریان اطلاع دارند و اشخاصی که با من در مسافرت بودند و از نزدیک ناظر جریان مذاکرات بودند، اطلاع دارند که من در تمام موارد منافع مملکت را مقدم بر هر چیز در نظر داشته‌ام...

دربارهٔ آذربایجان سؤال شد چه تصمیمی اتخاذ کرده‌اید. نخست‌وزیر جواب داد دولت نسبت به مردم آذربایجان با نظر مسالمت و رأفت رفتار خواهد کرد و نسبت به مستدعیات و تقاضای حقه مردم آذربایجان نیز در حدود قوانین فعلی عمل خواهد کرد و تا آنجا موافقت خواهد کرد که مغایرت با قوانین کشور نداشته باشد و سپس اظهار داشت دولت هیتی از نمایندگان آذربایجان را دعوت خواهد کرد که به تهران بیایند. سؤال شد این هیتی که دولت از آذربایجان دعوت خواهد کرد از دولت فعلی آذربایجان خواهد بود؟ نخست‌وزیر جواب داد ما با اهالی آذربایجان کار داریم البته آنها هم اهالی آذربایجان هستند....»

احمد قوام پس از اینکه از طرف مخالفین آسوده‌خاطر گشت به اجرای سیاست خود پرداخت.

مجلس دورهٔ چهاردهم روز ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ (۱۲ مارس ۱۹۴۶) پایان پذیرفت و دوره فترت قوهٔ مقننه آغاز گردید و تا روز ۲۵ تیر ۱۳۲۶ (۱۶ ژوئیه ۱۹۴۷) ادامه یافت. احمد قوام که رویه خاصی در سیاست داخلی و خارجی دولت در پیش گرفته بود، از شاه خواست که در غیاب قوه مقننه او را در ادارهٔ امور کشور کاملاً آزاد بگذارد و شاه هم تا حدودی که مصالح کشور ایجاب می‌نمود به نخست‌وزیر خود آزادی عمل دادند. محمدرضا شاه خود در این باره چنین می‌گوید «قوام پس از بازگشت خود اصرار ورزید که باید به او اختیارات کافی داده شود تا تمام تصمیمات را خودش بگیرد. برای پرهیز از اصطکاک و هرج و مرج بیپه‌وده من به او آزادی عمل دادم.»

قوام که در حل و عقد امور داخلی و خارجی کشور خود را آزاد می‌پنداشت در

تاریخ ۵ فروردین ۱۳۲۵ (۴ آوریل ۱۹۴۶) در تعقیب مذاکراتی که در مسکو با استالین و اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی آغاز شده بود پس از ورود سادچیکوف سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی به تهران با او وارد مذاکره شده سرانجام موافقتنامه‌ای به قرار زیر به امضای طرفین رسید:

«مذاکراتی که از طرف نخست‌وزیر ایران در مسکو با اولیاء دولت جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و در تهران پس از ورود سفیر کبیر شوروی ادامه یافت در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۵ مطابق با چهارم آوریل ۱۹۴۶ به نتیجه ذیل رسید و در کلیه مسائل موافقت حاصل گردید:

۱- قسمت‌های ارتش سرخ از ۲۴ مارس ۱۹۴۶ یعنی یکشنبه چهارم فروردین ۱۳۲۵ در ظرف یک ماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه می‌نمایند.

۲- قرارداد ایجاد شرکت مختلط ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ۲۴ مارس تا انقضا و هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد.

۳- راجع به آذربایجان چون امر داخلی ایران است ترتیب مسالمت‌آمیزی برای اجرای اصلاحات طبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد.»

پس از اعلام موافقتنامه، نخست‌وزیر ایران نامه‌ای به سفیر کبیر شوروی به این مضمون نوشت:

«آقای سفیر کبیر پیرو مذاکرات شفاهی که بین ما به عمل آمده است احتراماً به استحضار آن جناب می‌رساند که دولت ایران موافقت می‌نماید که دولتین ایران و شوروی شرکت مختلط ایران و شوروی را برای تجسسات و بهره‌برداری اراضی نفت خیز در شمال ایران با شرایط اساسی ذیل ایجاد می‌نماید:

۱- در مدت ۲۵ سال اول عملیات شرکت ۴۹ درصد سهام بطرف ایران و ۵۱

درصد سهام به طرف دولت شوروی متعلق خواهد بود و در مدت ۲۵ سال دوم ۵۰ درصد سهام به طرف ایران و ۵۰ درصد به طرف شوروی خواهد بود.

۲- منافعی که به شرکت عاید می‌گردد به تناسب مقدار سهام هریک از طرفین تقسیم خواهد شد.

۳- حدود اراضی اولی که برای تجسسات اختصاص داده می‌شود همان است که

در نقشه‌ای که جنابعالی ضمن مذاکرات در روز ۲۴ مارس به این جانب واگذار فرموده‌اید، به استثنای قسمت خاک آذربایجان غربی که در باختر خطی که از نقطه تقاطع حدود اتحاد جماهیر شوروی و ترکیه و ایران آغاز و بعد از سواحل شرقی دریاچه رضائیه گذشته تا شهر میاندوآب می‌رسد، واقع است همانطوریکه در نقشه مزبور روز چهارم آوریل سال ۱۹۴۶ اضافه تعیین گردیده است. ضمناً دولت ایران متعهد می‌گردد: خاکی را که در طرف غرب خط سابق‌الذکر واقع است به امتیاز کمپانی خارجی یا شرکتهای ایرانی با اشتراک خارجیها یا با استفاده سرمایه خارجی واگذار ننماید.

۴- سرمایه طرف ایران عبارت خواهد بود از اراضی نفت خیز مذکور در ماده ۳ که پس از عملیات فنی دارای چاه‌های نفت و محصول آن قابل استفاده شرکت خواهد گردید و سرمایه طرف شوروی عبارت خواهد بود از هر قبیل مخارج و آلات و ادوات و حقوق متخصصین و کارگران که برای استخراج نفت و تصفیه آن مورد احتیاج خواهد بود.

۵- مدت عملیات شرکت پنجاه سال است.

۶- پس از انقضای مدت عملیات شرکت، دولت ایران حق خواهد داشت سهام شرکت متعلق به طرف شوروی را خریداری نماید و یا مدت عملیات شرکت را تمدید کند.

۷- حفاظت اراضی مورد تجسسات و چاههای نفت و کلیه تأسیسات شرکت منحصرأ به وسیله قوای تأمینیه ایران خواهد بود. قرارداد ایجاد شرکت نفت مختلط شوروی و ایران که بعداً مطابق متن این نامه عقد می‌شود به مجردي که مجلس شورای ملی ایران تازه انتخاب شود و به عملیات قانونگزاری خود شروع نماید، در هر حال نه دیرتر از هفت ماه از تاریخ بیست و چهارم مارس سال جاری، برای تصویب پیشنهاد خواهد شد.

موقع را مفتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نماید. احمد قوام»^۱

احمد قوام جریان مذاکرات و عقد قرارداد با سفیر اتحاد شوروی را به این قرار به

اطلاع مجید آهی سفیر ایران در مسکو رسانید:^۲

سفارت کبرای ایران

مسکو

نمره: ۲۲

تاریخ: ۱۷ فروردین ۱۳۲۵

بخشنامه

روز شانزدهم فروردین ساعت چهار صبح در عمارت وزارت امور خارجه ابلاغیه زیر درباره مذاکرات شوروی و ایران امضا و انتشار یافت:

«مذاکراتی که از طرف نخست‌وزیر ایران در مسکو با اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آغاز و در تهران پس از ورود سفیر کبیر شوروی ادامه یافت در تاریخ پانزدهم فروردین هزار و سیصد و بیست و پنج مطابق با چهارم آوریل هزار و نهصد و چهل و شش به نتیجه ذیل رسید و در کلیه مسائل موافقت کامل حاصل گردید. اول قسمت‌های ارتش سرخ از تاریخ بیست و چهارم مارس هزار و نهصد و چهل و شش یعنی یکشنبه چهارم فروردین هزار و سیصد و بیست و پنج در ظرف یکماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه می‌نمایند. دوم قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ بیست و چهارم مارس تا انقضای مدت هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد. سوم راجع به آذربایجان چون امر داخلی ایران است ترتیب مسالمت‌آمیزی برای اجرای اصلاحات بر طبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان بین دولت و اهالی آذربایجان داده خواهد شد. نخست‌وزیر دولت شاهنشاهی ایران احمد قوام. سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مقیم تهران سادچیکف.» ۱۶ فروردین. ۶۰ همایونجاه

مراتب طی تلگراف شماره ۲۳ مورخ ۲۷/۱/۲۵ به سرکنسولی بادکوبه اطلاع داده شد.

فصل دهم

مسئله ایران در شورای امنیت

در خلال مدتی که از مراجعت قوام از مسکو گذشت تا زمان انعقاد موافقتنامه با سفیر شوروی حسین علاء سفیر شاه در واشنگتن و رئیس هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت به اقداماتی متوسل گردید که شرح آن به این قرار است:^۱

وزارت امور خارجه

از نیویورک. به تاریخ ۱۳۲۵/۱/۱۱. نمره ۴۷

جناب آقای نخست‌وزیر

تعقیب شماره ۱۱ بالاخره تلاش روسها برای قابل توجه شدن دعوای ایران و خروج آن از دستور به جانی نکشید. شورا به اکثریت نه رأی در مقابل دو رأی روسیه و لهستان، پیشنهاد روسها را رد کرده روسها به عنوان اعتراض از جلسه خارج شدند و بطوریکه پیش‌بینی می‌شد شورا این جانب را دعوت نمود دعوای خود را بیان و فوریت آن را به عرض شورا برسانم.

این جانب قبل از ورود به اصل موضوع درست نکاتی را که جنابعالی سفارش فرموده بودید بیان نمودم که از طرف نخست‌وزیر ایران دستور داشتم این نکته را به اطلاع شورا برسانم که اقامه این دعا در شورا نباید حمل به عمل خلاف دوستی شود و لاعلاج جنابعالی را در لزوم طرح این دعا بیان نمودم.

موضوعی که کار ما را در شورا سست می‌کند و مکرر نمایندگان روس و

لهستان به آن متوسل می‌شوند اظهارات جنابعالی به نمایندگان مطبوعات شوروی و امریکا است و از آن می‌خواهند استفاده کنند. بین جنابعالی و نمایندگان ایران در شورای امنیت موافقتی نیست و اساساً طرح دعوی از طرف این جانب برخلاف دستور جنابعالی بوده است.

کار دعوی ما به مرحله‌ای رسیده است که پشتیبانی کامل از طرف جنابعالی لازم دارد. روسها بی‌اندازه از تعقیب دعوی که شورای امنیت برای حفظ آبروی خود نگرانند و میل ندارند بالاخره اینکار در شورا منجر به محکومیت آنها بشود. اگر جنابعالی یک قدری دیگر ایستادگی بفرمائید و به آنها بفهمانید که جداً از نمایندگی خود در شورا تقویت خواهید فرمود یقین است هم قوای خود را از ایران خواهند برد و هم شرایطی برای آن به دولت ایران تحمیل نخواهند کرد.

این جانب در آخر بیان خود دیروز اظهار کردم تا موقعی که دولت شوروی در این شورا رسماً تعهد نکند قوای خود را در ظرف مدت کوتاه معینی بدون هیچ قید و شرطی و بدون تعلیق به حوادث غیرمنتظره و مترقبه ایران را ترک خواهد کرد این موضوع را دولت ایران در این شورا تعقیب کرده و احقاق حق خود را خواهد خواست. این مسئله بسیار جالب توجه شده است.

امیدوار است برای صلاح ایران و برای پیشرفت کار خود جداً از این جانب تقویب فرموده و روسها را وادار فرموده بدون قید و عهد خاک ایران را تخلیه و تمامیت استقلال ایران را مرهون حسن سیاست و شهامت خود بفرمایند. این نکته را نیز علاوه می‌نماید که سفیر روس در شورا مکرر به وجود یک قرارداد جدیدی با دولت ایران برای خروج قوای روس از ایران با قید اینکه اگر حوادث غیرمترقبه پیش نیامده در ظرف شش هفته ایران را تخلیه خواهند کرد، بیان کرده که بکلی مخالف فرمایشات جنابعالی به مطبوعات است. این جانب در شورا از وجود چنین قراردادی اظهار عدم اطلاع کردم. ۸ فروردین. نمره: ۱۴. علاء.»

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از نیویورک... به تاریخ ۱۳۲۵/۱/۱۱ نمره ۴۸

جناب آقای نخست‌وزیر

«جلسه شورای امنیت تشکیل در جایگاه مخصوص قرار گرفته فوراً پاسخ سه فقره سؤال نماینده لهستان را که در آخر جلسه قبل کرده بود دادم بلافاصله برای دفعه دوم به اطلاع شورا رساندم که دولت شاهنشاهی ایران از شورای امنیت جداً تقاضا دارد نماینده روسیه را بخواهد که در این جا حاضر شده رسماً اظهار نماید که خروج قوای روس از ایران مشروط به هیچ قید و شرایط قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی نیست و ارتش مزبور در ظرف مدت کوتاه معینی بدون شرط ایران را تخلیه خواهد کرد.

بلافاصله وزیر امور خارجه امریکا بیانیه‌ای که قبلاً تهیه کرده بود برای شورا قرائت نمود که نکات برجسته آن را برای اینکه در ترجمه و رمز تغییر حاصل نکند عیناً ضمن تلگراف ۲۰ به زبان انگلیسی مخابره کردم.

پس از ختم بیانات وزیر امور خارجه امریکا، نماینده انگلیس شرحی در تأیید اظهارات او بیان کرد و سایر اعضای شورای امنیت بدون استثناء اظهارات وزیر امور خارجه را تأیید و تصویب نمودند.

بالاخره شورای امنیت به اتفاق آراء تصمیم گرفت منشی کل شورا را مأمور کند نامه‌ای به این جانب و سفیر شوروی نوشت و چند فقره سؤال در اطراف وجود مذاکرات مستقیم و نتیجه آن و مخصوصاً مشروط بودن یا مشروط نبودن خروج قوای روس از ایران از دولت ایران و روس بکند و پاسخ آن را حتماً تا سه‌شنبه دوم آوریل بخواهد که در جلسه صبح سوم مطرح شود. این بود که نامه مزبور را هم برای رفع هرگونه سوءتعبیر و ترجمه عیناً به زبان انگلیسی مخابره کردم. این است که تصدیق می‌فرمایند که ارسال این تلگراف برای روس و ایران موفقیت بزرگی برای ما است و روسها را مجبور می‌کند در هر حال پاسخی به این سوالات بدهد. اگر در پاسخ مزبور اقرار کند که خروج قوای روس از ایران بدون شرط است که متهای مطلوب ما بوده و خود را در مقابل دنیا و شورای امنیت رسماً مبتذل کرده است و در صورتیکه جواب بدهد که خروج قوا مشروط به

تعهدات دیگر دولت ایران است آن وقت خود را محکوم کرده و به زودی باید انتظار صدور قطعنامه شورا را به محکومیت خود داشته باشد.

اما در قسمت جواب دولت شاهنشاهی ایران به عقیده این جانب در آن قسمت که سوال می‌کنند آیا مذاکرات مستقیم بین دولتین جریان دارد اگر جواب بدهیم که مذاکرات در جریان است فوراً شورای امنیت برحسب تقاضای روس یا یکی از اعضای دیگر قطعنامه صادر و قرار عدم صلاحیت خود را در تعقیب دعوا صادر خواهد کرد و ما را دستخوش توقعات روسها خواهد کرد. این موضوع بسیار قابل دقت است.

در خصوص مذاکرات جاری به نتیجه مثبت قطعی به نفع ایران تا این تاریخ نرسیده باشد و کاملاً فکر جنابعالی از حیث تخلیه بلاعوض آسوده نشده باشد بهتر است که در جواب تلگراف به بنده بفرمائید که مذاکرات به معنی حقیقی کلمه در بین نبوده و با بودن قوای خارجی در کشور ایران مذاکرات معنی نداشته زیرا طرفین مذاکرات دارای آزادی متساوی نبوده‌اند. در قسمت تعلیق خروج قوای روس از ایران به شرایط دیگر اگر روسها باز این مسئله را معلق به تعهدات دیگر از طرف ما می‌کنند و بدون حل قضیه نفت و آذربایجان حاضر به تخلیه بلاشرط ایران به شرح تلگراف جنابعالی نیستند بهترین موقع آن رسیده که مطالب را آشکار کنیم و افکار عامه دنیا و شورای امنیت را حاکم بین خود و روس قرار بدهیم. اگر واقعاً روسها ایران را بلاشرط و بدون تعلیق با این مسائل قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی حاضرند تخلیه کنند باید خود آنها در شورا این مطالب را اظهار کنند. اظهار ما برای آنها الزام‌آور نیست.

در خاتمه تذکر می‌دهد که بهترین موقع برای آنکه روسها واقعاً قوای خودشان را بلاشرط از ایران بیرون ببرند وسایل ممکنه فرا رسیده و این بهترین فرصت است که برای ما دست داده و اگر از آن استفاده کنیم می‌توانیم کشور خودمان را از قوای روس رهایی داده و به آنها کوچکترین عرضی ندهیم. روسها برای حفظ آبروی خود در مقابل دنیا و افکار عامه و شورای امنیت مجبورند اگر ما ایستادگی کنیم قوای خودشان را بدون شرط خارج کنند. در این ساعت تمام دنیا بدون استثناء منتظر است ببینند جنابعالی چه اقدامی می‌فرمائید، چشم تمام دنیا بسته به ایستادگی و شهامت جنابعالی است. آینده ایران و سرنوشت خروج قوای روس از ایران بسته به پایداری جنابعالی است. امیدوارم همانطور که تا به حال قد مردانه برای حفظ حقوق ایران علم کرده‌اید در این ساعت نیز همان رویه را

تعقیب و پاسخ تلگراف را قبل از حلول مدت شب فوق صادر فرمائید. ۹ فروردین. نمره ۲۱. علاء»

در تمام مدتی که قوام سرگرم مذاکره با روسها بود حسین علاء در نیویورک با روحی خستگی‌ناپذیر درصدد بود که دنباله اقدامات خود را در شورای امنیت قطع نکرده مسئله ایران را همچنان در دستور کار شورا نگاهدارد و نخست‌وزیر ایران را به این کار معتقد نماید. به این گزارش مراجعه شود:۲

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

واشنگتن

قابل توجه جناب آقای نخست‌وزیر

تاریخ: ۲۵/۱/۲۹

شماره: ۱۶۲

وزارت امور خارجه

در موضوع شکایت دولت شاهنشاهی ایران علیه دولت اتحاد جماهیر شوروی که در تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۴۶ برحسب دستور تلگرافی شماره ۲۰۸۵ به نمایندگی دولت شاهنشاهی به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشتم که جزء دستور قرار دهند. گزارش ذیل را تقدیم می‌نماید:

در تاریخ دوم مارس که ارتش شوروی مطابق قرارداد سه گانه قرار بود خاک ایران را بکلی تخلیه کرده باشد و نکرد این جانب وظیفه خود می‌دانم از طرفی به وسیله تلگرافات شماره ۶۲۳ - ۶۳۸ - ۶۳۱ - ۶۵۲ - ۶۵۸ به جناب آقای نخست‌وزیر لزوم طرح این شکایت را در شورای امنیت تذکر داده و از طرف دیگر زمینه پیشرفت کار را نزد وزارت امور خارجه امریکا حاضر و جلب مساعدت کامل اولیای دولت مزبور را در پشتیبانی ایران در شورای نامبرده، بنمایم.

بطوریکه استحضار دارند در جلسه سی‌ام ژانویه شورای امنیت که در لندن تشکیل گردیده بود از طرف شورای مزبور در موضوع دعوی اولیه بین دولتین ایران و روسیه

قطعنامه صادر گردیده و دعوی را به مذاکرات مستقیم طرفین احاله داده بود و ضمناً شورای امنیت این حق را برای خود نگاهداشته بود در هر موقع جریان مذاکرات را از آنها استفسار کند.

دولت امریکا برای حفظ اصول و مبانی منشور ملل متفقہ جداً مصمم بود در صورتیکه دولت ایران دعوی جدید خود یعنی تقاضای تخلیه ایران از قشون روس را در شورا مطرح نکند به استناد قطعنامه ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ از شورای امنیت بخواهد دولترین روس و ایران را دعوت کرده نتیجه مذاکرات مستقیم خود را به اطلاع شورا برسانند و به این وسیله دعوی جدید ایران را به شورا بکشاند. از طرف دیگر دولت انگلیس نیز تصمیم داشت اگر دولت ایران دعوی جدید خود را طرح نکند دولت مزبور به نام آنکه یکی از امضا کنندگان پیمان سه گانه بوده و دولت روسیه در مقابل ایران و انگلیس هردو تعهد تخلیه ایران را کرده بنام امضا کننده و طرف قرارداد سه گانه داخل دعوی شده از دولت شوروی ایفای تعهد خود را خواستار گردد.

چون در انظار دنیا دخالت دیگران در مسئله حیاتی ایران بدون مداخله ما بسیار سوءتاثیر داشت و افکار عامه دنیا ما را به بی علاقه گی به سرنوشت خود محکوم می کرد این جانب ضمن تلگرافات عدیده تصمیم فوری دولت شاهنشاهی را در تقدیم عرضحال به شورای امنیت جداً خواستار گردیدم و چون یقین داشتم از طرف جناب آقای نخست وزیر اجازه تقدیم عرضحال داده خواهد شد قبل از وقت مقدمات کار دعوی را فراهم کرده که پس از وصول اجازه دیگر اشکالی در اصل کار نبوده بتوانم عرضحال را تقدیم دفتر شوری کرده فرصت قانونی را از دست نداده باشم. این بود که قبل از وقت تمام اسناد و مدارک لازم را جمع آوری نموده با یک مؤسسه بزرگ حقوقی موسوم به:

Couington Burling Rullee Aeheron &

Shozl Union Trust Building Wahington 5.D.c.

مذاکره کردم و آنها را برای مشاوره قضائی در این دعوی دعوت نمودم و به تهیه لوایح لازم پرداختم تا اینکه روز هیجدهم مارس تلگراف جناب آقای نخست وزیر شماره ۲۰۸۵ دایر به دستور تقدیم عرضحال به شوری رسید و فوراً به شرح نامه مورخه هیجدهم مارس مراتب را به عرض شورای امنیت رسانده نامه مزبور را به انضمام نامه ای که برای دبیر کل ملل متحد نوشته بودم برای نامبرده فرستادم و تقاضا نمودم دعوی ایران را مطابق قسمت

اول ماده ۳۵ منشور ملل متحده قبول و به جریان بیندازد (روزنامه شورای امنیت شماره ۱۷ - صفحه ۳۵۲). در خلال تمام این احوال مرتباً تماس خود را با وزارت امور خارجه امریکا داشته آنها را از جریان کار مستحضر نگاهداشته و دائماً لزوم پشتیبانی کامل امریکا را متذکر و خواستار می گردیدم.

در تاریخ بیستم مارس سه ساعت بعد از ظهر یکی از اعضاء دفتر شورای امنیت به سفارت کبرا آمده این جانب را ملاقات و رونوشت نامه سفیر کبیر شوروی را که به دبیر کل متحده نوشته بود به این جانب ابلاغ کرد (روزنامه شورای امنیت شماره ۱۷ - صفحه ۳۵۳). سفیر کبیر شوروی در نامه خود به دبیر کل مزبور در تاریخ نوزدهم مارس می نویسد که بر حسب دستور دولت خود تقاضا دارد جلسه شورای امنیت را که قرار است در تاریخ ۱۵ مارس در نیویورک تشکیل شود موقوف و به دهم آوریل موکول دارند. زیرا مذاکرات فیما بین دولت ایران و روسیه در جریان و طرح این دعوی از طرف دولت ایران بکلی غیر مترقبه بوده است و به این لحاظ دولت روسیه خود را مهیای شرکت در مذاکرات در این موضوع ندانسته و برای مهیا ساختن خود مدتی وقت لازم خواهد داشت و از این جهت تمدید وقت مزبور را تقاضا می نماید.

علاوه بر نامه فوق دبیر کل ملل متحده رونوشت نامه دیگری برای این جانب فرستاد که بکلی مضمون آن مخالف با نامه نماینده شوروی بود.

نامه مزبور از عرف آقای استینیوس Stettinius رئیس هیئت نمایندگی امریکا در شورای امنیت بود به این مضمون:

آقای دبیر کل نامه مورخه نوزدهم مارس شما دایر به ثبت عرض حال مورخ هجدهم دولت ایران واصل و به استحضار شما می رساند بر حسب دستور دولت خود در اولین جلسه شوری تقاضا خواهم نمود:

اولاً رسیدگی به نامه های ایران در صدر دستور شوری قرار داده شود.

ثانیاً با رسیدگی دعوای مزبور از دولتی ایران و روسیه تقاضا شود گزارش مذاکرات خود را طبق قطعنامه سیام ژانویه ۱۹۴۶ شورای امنیت به استحضار شوری برسانند.

از نامه سفیر کبیر روس معلوم بود مقصود دولت شوروی از تعویق انداختن تشکیل شوری حاضر کردن خود برای جواب دعوی نبوده بلکه تمام مقصود طفره و

دفع الوقت بود برای اینکه فرصت بیشتری بدست آورده مقاصد و نیات سوء خود را در ظرف این مدت به ما تحمیل نماید.

این بود که در همان روز با مشورت مشاورین حقوقی بنابر دستور کلی تلگرافی شماره ۲۰۵۸ که مقرر داشته بودند قضیه را در شوری مطرح و تعقیب نمایم به شرح نامه مورخ بیستم مارس (روزنامه شوری شماره ۱۷ صفحه ۳۵۴) تقاضای روسیه را راجع به لزوم تعویق تشکیل شوری رد کرده تذکر دادم مذاکراتی که در تعقیب قطعنامه شورای امنیت شروع شده بود بدون نتیجه مانده و در خلال این مذاکرات دوم مارس نیز فرا رسیده و دولت شوروی ارتش خود را از خاک ایران خارج نکرده است و مسئله خروج روسیه از ایران تعهد بلاشرط دولت مزبور بوده و قابل هیچگونه مذاکره نمی باشد و چون هر قدر از توقف قشون روس در خاک ایران می گذرد بر وخامت اوضاع ایران می افزاید از شورای امنیت رسیدگی فوری این کار را خواستارم.

روز بیست و سوم مارس به نیویورک آمده آقای دکتر دفتری رایزن سفارت و آقایان آرام و مهید دبیران اول سفارت و وکلای مشاور همراه این جانب هستند.

در فاصله بین بیست و سوم و روز جلسه یعنی بیست و پنجم مارس فرصتی داشتم عده ای از نمایندگان دول عضو شوری را که در واشنگتن ندیده بودم و به نیویورک آمدند ملاقات و در مذاکرات خصوصی ذهن آنها را راجع به موضوع ایران حاضر و موضوع دعوی قدیم و جدید ایران را با آنها به میان گذاردم و اغلب آنها وعده مساعدت دادند.

روز تشکیل جلسه یعنی بیست و پنجم مارس با هیئت خود بطرف مقر شورای امنیت (در هانتر کالج) که چهل و پنج دقیقه با اتوموبیل از مرکز نیویورک دور است و در محله برنکس brnox که یکی از پرجمعیت ترین محله های نیویورک می باشد، رهسپار گردیدم.

در این جلسه هیئت ایران در ردیف جلوی مخصوص تماشاچیان قرار داشت. جلسه مزبور دوساعت و نیم بعدازظهر در محل نامبرده که مقر موقتی شورای امنیت است تشکیل و تمام آن صرف امور تشریفات مقدماتی از قبیل بیانیه رئیس جمهور راجع به علاقه امریکا به این سازمان و نطق های افتتاحیه حاکم نیویورک و شهردار شهر و غیره گردید که جریان آن را در روزنامه شوری شماره ۱۸ ملاحظه خواهید فرمود.

جلسه دوم شوری در تاریخ ۲۶ مارس ساعت یازده صبح تشکیل و دستور شوری به ترتیب اقدام از قرار ذیل قرائت شد:

- ۱- راپورت کمیته متخصصین در موضوع تغییرات در اصول مذاکرات شوری.
- ۲- راپورت کمیته نظامی.
- ۳- کار ایران.

چون در دوموضوع اول هنوز کمیته‌های مربوط کار خود را انجام نداده بودند قرار شد موضوعات مزبور در جزء دستور مانده و هروقت گزارش کمیته‌ها رسید مورد مذاکره قرار گیرد و در این وقت کار ایران مطرح شد. در این موقع آقای گرومیکو Gromyko سفیر کبیر شوروی مقیم واشنگتن و رئیس هیئت نمایندگی دولت مزبور در شورای امنیت اجازه نطق خواسته و قبل از هرچیز علاقه کامل دولت خود را به سازمان ملل متحده بیان نموده و اشاره به نطق اخیر مارشال استالین دایر به تقویت از سازمان مزبور و تساوی مثل نمود بالاخره اظهار داشت موضوع نبایستی در برنامه قرار گیرد و اظهار نمود که می‌خواهم رسماً اعلامیه از طرف دولت شوروی ایراد کنم و چنین اظهار داشت که در اثر مذاکرات بین دولت شوروی و دولت ایران راجع به تخلیه ایران موافقتی حاصل و این تخلیه چندی است یعنی از دوم مارس شروع شده است. راجع به تخلیه بقیه قوای شوروی طبق قراردادی که بین دولت شوروی و دولت ایران منعقد گردیده دو روز پیش یعنی ۲۴ مارس آغاز و محتمل است در ظرف پنج الی شش هفته خاتمه یابد. مگر آنکه حوادث غیرمترقبه پیش آید. سپس بعد از یک سلسله اظهارات دیگر در رد نامه اینجانب شوری شماره ۱۹ صفحه ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ - ۳۶۹ - ملاحظه خواهند فرمود. تقاضا کرد موضوع بکلی از دستور خارج گردد.

بلافاصله برنس Byrnes وزیر امور خارجه امریکا که در تمام دوره مذاکرات راجع به ایران ریاست هیئت نمایندگی امریکا را شخصاً به عهده گرفته بود و در تمام جلسات حاضر می‌شد اجازه نطقی خواست.

خلاصه اظهارات او این است که شورای امنیت عرضحال رسمی از یکی از اعضای سازمان در دست دارد که دولت روسیه به تعهد خود ایفا نکرده و مطابق قرارداد قوای خود را در موعد مقرر از خاک ایران خارج نکرده است و حال آنکه نماینده روسیه می‌گوید قراردادی بسته شده و قضیه ختم شده بنابراین باید شوروی لااقل به نماینده ایران

اجازه صحبت بدهد و از او هم استفسار کند آیا وجود قرارداد را تصدیق دارد یا خیر. در هر حال نمی‌شود موضوع را بدون استماع اظهارات نمایندگان ایران رسیدگی کرد و تصمیم گرفت (روزنامه شوری شماره ۱۹ صفحه ۳۶۹).

نماینده انگلیس سر آلكساندر کادوگان Sir Alexander Cadogan معاون سابق وزارت امور خارجه انگلیس و نماینده دائمی کشور مزبور در شوری در همین زمینه بیاناتی نمود و به این نکته نیز اشاره کرد که در موضوع دعوی جدید ایران دولت انگلیس هم یکی از امضاکنندگان پیمان سه گانه است کاملاً علاقه‌مند می‌باشد زیرا یکی از طرفین از ایران خارج نشده و حال آنکه قرارداد مزبور بدون هیچ شرطی دولت شوروی را ملزم ساخته است قشون خود را از ایران خارج سازد (روزنامه شوری شماره ۱۹ صفحه ۳۷۰).

نماینده استرالیا نیز ضمن بیانات مختصری موافقت خود را به باقی بودن موضوع در دستور اظهار داشت. وزیر مختار مصر آقای حسن پاشا شرح مختصری بیان و اظهار نمود باید شورای امنیت لاقلاً فرصت اظهاراتی به نماینده ایران داده پس از استماع اظهارات طرفین نظر قطعی خود را راجع به بودن یا نبودن موضوع در دستور اظهار دارد (روزنامه شوری. شماره ۱۹ صفحه ۳۷۲).

در این موقع سفیر کبیر لهستان، که دست‌نشانده روسها است و تمام اظهارات او تلقین از طرف دولت مزبور می‌باشد، شرحی در تأیید بیانات نماینده شوروی اظهار داشت و او هم اشاره به قرارداد منعقدہ بین ایران و شوروی راجع به تخلیه قوای شوروی از ایران کرده و رسیدگی این کار را زائد دانست و پیشنهاد نمود موضوع ایران از دستور حذف گردد (روزنامه شوری شماره ۱۹ صفحه ۳۷۳).

پس از نماینده لهستان نمایندگان هلند و بلژیک هریک شرحی میان و خلاصه عقیده داشتند که موضوع باید در دستور مانده و مورد بحث قرار گیرد و به نماینده ایران اجازه داده شود اظهارات خود را بنماید (روزنامه شوری شماره ۱۹ صفحه ۳۷۴ - ۴۷۵) آقای گرومیکو مجدداً ضمن بیانات مفصلی استدلالات نمایندگان امریکا و انگلیس را رد کرده با ماندن موضوع در دستور جداً مخالفت نمود (روزنامه شوری شماره ۱۹ صفحه ۳۷۵ تا صفحه ۳۷۸).

جلسه برای صرف ناهار تعطیل و دوباره ساعت سه بعدازظهر تشکیل گردید.

ابتدا وزیرمختار مصر آقای حسن پاشا شرح بالنسبه مفصلی بیان نموده اظهار داشت که این شوری به منزله یک دادگاهی است که باید اظهارات طرفین را استماع بنماید و تقاضا نمود فوراً رأی گرفته شود آیا تقاضای شوری دایر به اینکه موضوع ایران از دستور حذف شود قابل پذیرش هست یا نه؟ نماینده امریکا موافقت کرد که رأی گرفته شود و پس از آنکه نمایندگان فرانسه و مکزیک هم باز صحبت کردند رأی گرفته شد و با نه رأی مخالف تقاضای شوری دایر به حذف موضوع ایران از دستور رد شد. پس از آن مذاکرات در این باب به عمل آمد که آیا نماینده ایران برای اظهارات به میز شوری دعوت شود یا نه و سه پیشنهاد در این باب رسید:

۱- شوری اساساً پیشنهاد کرد که مذاکرات تا دهم آوریل به تعویق افتد.

۲- مصر پیشنهادش این بود که نماینده ایران طبق ماده ۳۱ منشور به میز شوری

دعوت شود.

۳- پیشنهاد استرالیا دایر بر این بود که از دولت ایران تقاضا شود کتباً اطلاعاتی به شوری بدهد. از طرف نماینده هلند وان کلفن Van kleeffen و نماینده مکزیک ناجرا Najera شرحی بر رد پیشنهادات لهستان و روس و استرالیا ایراد داشته استدلال به عمل آمد که تا اظهارات طرف دیگر این دعوا، یعنی ایران، استماع نشود و ادله او مبنی بر فوریت کار به عرض شوری نرسد شوری به هیچ وجه نمی تواند تصمیم دائر به تعویق رسیدگی اتخاذ کند.

در این بین گرومیکو نماینده شوری شرحی راجع به تأیید اظهارات سابق خود و لزوم اخذ رأی در باب پیشنهادات لهستان و استرالیا بیان کرد و بالاخره اظهار نمود که دولت روسیه قبل از دهم آوریل در جلسه ای که نماینده ایران حاضر بوده و موضوع ایران مطرح شود شرکت نخواهد کرد. وزیر امور خارجه امریکا هم بطور تناوب در اطراف تقویت از پیشنهاد نماینده مصر و رد پیشنهاد نماینده لهستان و روسیه و استرالیا بیاناتی کرد که تمام اظهارات اینها در صورت مذاکرات شوری شماره ۲۰ از صفحه ۳۸۲ به بعد مندرج است.

در این موقع نماینده لهستان تقاضا کرد جلسه ختم و بقیه مذاکرات به جلسه بعد موکول گردد.

آقای بونه Bonnet سفیر کبیر فرانسه که ریاست نمایندگی دولت مزبور را در

شوری دارد خواست میانجی‌گری کرده شورای را از وضعیت ناگوار حاضر رهائی دهد اظهار داشت که چون پیشنهادات مختلفی به شوری تقدیم شده که متناقض هم می‌باشند بهتر این است که کمیسیون فرعی از طرف شوری تشکیل شود و کمیسیون مزبور در خارج پیشنهادات واصله را رسیدگی کرده بلکه بتواند راه‌حلی به اتفاق آراء جلسه بعد پیدا کند و راه‌حل مزبور را در جلسه بعد تقدیم شوری بنماید. این پیشنهاد مورد تصویب واقع شد و قرار شد کمیسیون فرعی به عضویت نمایندگان روسیه و امریکا و فرانسه تشکیل شده برای فردا سه ساعت بعد از ظهر راه‌حل خود را به عرض شوری برساند. در این موقع باز فعالیت‌های زیاد شروع شد و تمام نمایندگان در خارج مشغول مذاکرات گردیدند و خیال می‌کردند بتوانند در این کمیسیون فرعی واقعاً راه‌حلی پیدا کرده و رفع این بحران را بنمایند. در اواخر شب به این جانب اطلاع رسید که کمیسیون از پیدا کردن راه‌حل عاجز شده فردا قضا در شوری مطرح می‌شود و حل آن به رأی اکثریت شوری واگذار خواهد گردید.

وزیر امور خارجه امریکا در این بین تجهیزات خود را کامل کرده از نمایندگان مصر و هلند و برزیل و چین و فرانسه اطمینان حاصل کرد که فردا به نفع پیشنهاد مصر یعنی اصغاء اظهارات این جانب رأی خواهند داد.

جلسه بعد در ساعت سه بعد از ظهر ۲۷ مارس تشکیل و گزارش کمیته فرعی دائر بر عدم موفقیت در پیدا کردن راه‌حل قرائت و قرار شد نسبت به پیشنهادات رأی گرفته شود و کار به این جا رسید که نسبت به کدام یک از پیشنهادات می‌بایستی اول رأی بگیرند. نماینده لهستان تقاضا کرد اول پیشنهاد روسیه بعد به پیشنهاد نماینده استرالیا و آخر به پیشنهاد نماینده مصر رأی گرفته شود.

باز نماینده شوروی اجازه صحبت خواست و اظهارات خود را در اطراف اینکه موافقت کامل بین ایران و روسیه حاصل گردیده و اگر حوادث غیرمترقبه رخ ندهد ایران را در ظرف شش هفته تخلیه خواهد کرد بیان نمود و ضمناً اظهار داشت به موجب اخبار خبرنگار رسمی شوروی (آژانس تاس) آقای نخست‌وزیر ایران گفته‌اند موضوع اینکه کار ایران پانزده روز دیرتر یا زودتر مطرح شود برای ایشان چندان اهمیت نمی‌خواهد داشت و می‌خواست بفهماند این جانب بدون دستور دولت کار را تعقیب کرده و دولت ایران با هر گونه تعویق و تأخیری موافق است و علاوه بر آن مذاکرات در اطراف خروج

قشون تمام شده و جای صحبت دیگری باقی نگذاشته است و باز تهدید کرد که اگر قبل از دهم آوریل شوری به کار ایران رسیدگی کنند نماینده شوروی در این جلسات حضور پیدا نخواهد کرد.

در این موقع رئیس مذاکرات را ختم و به پیشنهاد دولت شوروی راجع به اینکه بحث در قضیه ایران تا دهم آوریل به تعویق بیافتد رأی گرفت. از یازده نفر عده اعضای شوری فقط نماینده روسیه و لهستان به این پیشنهاد رأی دادند و پیشنهاد مزبور به این طریق رد گردید.

نماینده شوروی پس از رد شدن این پیشنهاد اظهار نمود چون مکرر به اطلاع شوری رساندم در صورتیکه در این موضوع تا قبل از دهم آوریل در شوری مذاکره به عمل آید از طرف دولت شوروی در مذاکرات شرکت نخواهد شد و چون پیشنهاد این جانب مردود گردیده است از حضور در جلسه شوری معذور و با هیئت خود اطاق شوری را ترک گفتم.

بالاخره پس از مذاکرات زیاد به پیشنهاد نماینده مصر رأی گرفتند. از عده حاضر یعنی ده نفر (روسیه بیرون رفته بود) هشت نفر به پیشنهاد مزبور رأی دادند و پیشنهاد تصویب شد. در اطراف لزوم پیشنهاد نماینده استرالیا بحث گردید و بالاخره نماینده مزبور پیشنهاد خود را مسترد داشت.

در این موقع رئیس می خواست جلسه را ختم کند ولی برحسب پیشنهاد وزیر امور خارجه امریکا از آن صرف نظر نمود و این جانب را برای شرکت در شوری دعوت نمودند و به این جانب اجازه دادند اظهارات خود را مبنی بر لزوم بحث فوری در تصفیه ایران و روا نبودن تعویق آن اظهار بدارم.

این جانب نیز که تمام لوايح خود را قبلاً تهیه کرده بودم و برای هر مطلبی که ممکن بود در شوری پیش بیاید بیانیه مخصوص از پیش حاضر داشتم و در مقابل هر سوالی مقداری جواب تهیه کرده بودم در کنار میز شوری حاضر شده لایحه مربوط به لزوم رسیدگی فوری به کار ایران را برای شوری بیان نمودم که عین آن در صفحه ۴۲۴ روزنامه شوری شماره ۲۱ درج است.

در ضمن این اظهارات شرحی از عدم موفقیت جناب آقای نخست وزیر در مذاکرات مسکو و شرح تقاضاهای غیرقابل قبول دولت روسیه از ایشان و رسیدن دوم

مارس و اعتراض کتبی و شفاهی ایشان به دولت روسیه بیان داشتم که تکرار آن زائد و در صورت مجلس فوق درج گردیده است.

پس از اتمام اظهارات این جانب نماینده لهستان به خیال اینکه به شوری ثابت کند این جانب خودسرانه دعوی را در شوری طرح کرده‌ام و دولت ایران مایل به تعقیب آن نیست سوآلی از این جانب کرد که چون وقت گذشته بود رئیس جلسه را تعطیل و دادن جواب سوآلات او را به جلسه بعد محول نمود.

جلسه بعد در تاریخ ۲۹ مارس سه ساعت بعد از ظهر تشکیل و این جانب در کنار میز شوری حضور به هم‌رسانده و پاسخ سوآلات نماینده لهستان را آنطور که باید و شاید دادم که در صورت مجلس شوری شماره ۲۲ از صفحه اول به بعد ملاحظه می‌فرمائید:

ضمناً راجع به تعویق مذاکرات در باب کار ایران اظهار نمودم که در جواب اظهار نماینده روسیه مجبورم به عرض شوری برسانم که مذاکرات به معنی حقیقی کلمه در جریان نیست و تا قشون خارجی در ایران باشد مذاکرات قابل ادامه نخواهد بود. دولت روسیه مطابق عهدنامه ۱۹۴۲ متعهد شده است که قوای خود را تا دوم مارس از ایران خارج کند و تا نماینده روسیه در حضور این شوری صریحاً بدون قید و شرط رسماً اعلام ننماید که قشون روس تمام ایالات ایران یعنی خراسان، گرگان، مازندران، گیلان، آذربایجان و سایر قطعات ایران بدون شرط در ظرف مدت معین تخلیه خواهد کرد، شوری نمی‌باید مذاکرات در باب ایران را به تعویق بیاندازد و مطابق دستوراتی که اخیراً به این جانب رسیده نظر قطعی دولت ایران همین است و این را علاوه نمودم که وجود قشون روس در ایران موجب اختلال امور زندگی کشور شده و هر روز بیشتر از عمر توقف قشون روس در ایران بگذرد بر وخامت اوضاع علاوه می‌شود و همین موضوع لزوم طرح فوری قضیه را در شوری ایجاب می‌نماید.

بعد از ختم اظهارات این جانب و بیانات چندی از طرف اعضای دیگر شوری، وزیر امور خارجه امریکا اجازه خواست بیانیه را که قبلاً تهیه کرده بود به عرض شوری برساند. خلاصه آن اینکه چون از یک طرف نماینده روسیه اطمیناناتی به شوری راجع به خروج قشون روس از ایران در جلسات قبل داده ولی این اطمینانات کاملاً بدون قید و شرط نبوده بلکه خروج قشون روس از ایران با قید پیش نیامدن حوادث غیرمترقبه اظهار شده از طرف دیگر نماینده ایران از شوری تقاضا دارد که چون برخلاف قرارداد ۲۹

ژانویه ۱۹۴۲ قشون روسیه بیش از موعد مقرر در خاک ایران مانده شوری خروج فوری و بلاشرط قوای شوروی را توصیه نماید و در مقابل نماینده روسیه اظهار کرده است که در خصوص تخلیه موافقتی بین روسیه و ایران حاصل شده و نماینده ایران از وجود موافقت نامه مزبور اظهار بی اطلاعی می کند و چون اطمیناناتی که نماینده روسیه به شوری داده کاملاً بلاشرط نیست و ظاهراً مذاکراتی هم بین طرفین در جریان است و چون نمایندگان شوروی میل دارند که در اثر وجود قشون روسیه در ایران دولت ایران در مذاکرات با روسیه مورد فشار واقع نشود و چون شورای امنیت باید اطلاعات بیشتری راجع به مذاکرات فیما بین بدست آورد و در نتیجه آن اطلاعات ممکن است شورای امنیت از اطمینان دولت روسیه اطمینان بیشتری حاصل کند و خروج قشون روسیه را بلاشرط بیابد و در ضمن حق خود را برای مداخله در کار تا ختم کامل قضیه محفوظ بدارد پیشنهاد می کند:

دبیر کل ملل متحده از دولتین روس و ایران بخواهد که وضعیت مذاکرات جاری خود را تا روز سه شنبه دوم آوریل به استحضار شوری برساند و مخصوصاً از طرفین سؤال شود که آیا خروج قشون روس از ایران بلاشرط بوده یا اینکه مشروط به این است که طرفین در باب سایر مسائل موافقت نمایند (روزنامه شوری، شماره ۲۲ صفحه ۴۳۷). دنبال این پیشنهاد از طرف کلیه نمایندگان عضو شوری شرحی بر تمجید از وزیر امور خارجه امریکا راجع به پیشقدمی در تدوین این پیشنهاد بیان گردید و حتی نمایندگان لهستان و استرالیا نیز بالنتیجه با پیشنهاد مزبور موافقت نمودند. و قرار شد دبیر کل در ضمن دوفقره نامه یکی خطاب به سفیر شوروی و دیگری خطاب به این جانب همان روز مراتب بالا را از دولتین روس و ایران سؤال و تقاضا کند پاسخ آن را طوری بدهند که به جلسه بعد برسد. این بود که غروب همان روز عین نامه دبیر کل شوری را به زبان انگلیسی با تلگراف کشف به جناب آقای نخست وزیر مخابره و در ضمن تلگراف رمز توضیحاتی در این باب داده تقاضا کردم جواب لازم را زودتر مخابره کنند که قبل از وقت برسد و در رأی موعد به دبیر کل جواب داده شود.

تا اینکه جناب آقای نخست وزیر شماره ۳۷ رسید و این جانب جواب نامه دبیر کل ملل متحده را از روی تلگراف مزبور و تلگرافاتی که از طرف ایشان راجع به مذاکرات طهران و تقاضاهای روسها راجع به نفت و آذربایجان رسیده بود تهیه کردم و

برای اینکه مبادا دستور دیگری برسد و اطلاعات دیگری لازم شود که به نامه جوابیه اضافه نمایم نامه مزبور را تا صبح روز چهاردهم فروردین (سوم آوریل) نگاهداشتم و بالاخره آن را ساعت ۹ و ربع صبح روز مزبور به دبیر کل تسلیم نمودم.

بعد از نصف شب سیزدهم فروردین تلگراف شماره ۴۶ آقای نخست‌وزیر و پیغام ایشان به دبیر کل در خصوص اینکه اگر روسها در شورای امنیت رسماً اظهار بدارند که خروج قشون آنها بدون قید و شرط است فعلاً مطلب در شوری مسکوت بماند، رسید و مراتب را در همان صبح سوم آوریل به ایشان ابلاغ نمودم تا اینکه در ساعت یازده صبح جلسه شوری تشکیل و رئیس شوری نامه‌های جوابیه سفیر روس و این جانب را قرائت کرد (متن هر دو نامه در روزنامه شوری شماره ۲۳ درج است).

پس از قرائت نامه‌های فوق وزیر امور خارجه امریکا از این جانب رسماً سؤال کرد که آیا تقاضائی از شوری دارید یا خیر در جواب مدلول تلگراف شماره ۴۶ جناب آقای نخست‌وزیر را بیان کرده اظهار نمودم در صورتیکه دولت روسیه به شوری اطمینان کامل بدهد که قشون خود را بدون شرط در ظرف مدت حداکثر تا ششم مه از ایران خارج می‌کند دولت ایران این دعوی و دعوی سابق را فعلاً تعقیب نمی‌نماید به شرط اینکه هر دو در دستور مانده تا اینکه عندالزوم مورد تعقیب واقع گردد. این جلسه نیز برای اینکه اعضای شوری نامه‌های این جانب و سفیر روس را مطالعه نمایند تعطیل و جلسه آتی به فردای آن روز یعنی چهارم آوریل موکول گشت. در موقع مقرر جلسه تشکیل، وزیر امور خارجه امریکا طرح قطعنامه را تقدیم شوری نمود و تقاضای تصویب آن را کرد (قطعنامه مزبور را همان روز به زبان انگلیسی آشکارا به طهران تلگراف کردم).

خلاصه قطعنامه این است که در موضوع دعوی دولت ایران مبنی بر شکایت از ادامه توقف قشون روس در خاک ایران برخلاف صریح عهدنامه سه گانه و با توجه به نامه جوابیه سفیر کبیر روسیه به دبیر کل ملل متحده حاکی از اینکه خروج قشون روس از ایران شروع شده و در ظرف شش هفته تمام خاک ایران تخلیه خواهد شد و اینکه پیشنهادات تقدیم شده از طرف دولت روس به ایران که مورد مذاکره بین دولتین است ارتباطی به خارج کردن قشون روس از ایران ندارد. شورای امنیت به موجب این قطعنامه مقرر می‌دارد که مذاکرات راجع به دعوی ایران را تا ششم مه موقوف گذارده و از

دولتین روس و ایران تقاضا می‌نماید در آن تاریخ به شورای امنیت گزارش دهند که آیا کلیه قشون روس از تمام خاک ایران خارج شده است یا خیر و در آن موقع ملاحظه خواهد کرد در صورت احتیاج چه اقدام دیگری درموضوع درخواست ایران لازم است به عمل آید و هرگاه در ظرف این مدت از طرف دولت روس یا دولت ایران یا یکی از دول عضو شوری گزارش به شوری تقدیم شود که جریاناتی که موجب تأخیر در تخلیه کامل ایران است ایجاد گردیده دبیرکل موظف است گزارش مزبور را به استحضار شوری رسانده و در اینصورت گزارش مزبور در صدر برنامه شوری قرار خواهد گرفت (روزنامه شوری شماره ۲۴ صفحه ۴۵۸).

در اطراف این پیشنهاد وزیر امور خارجه امریکا عده‌ای از اعضای شوری اظهارات موافق نموده و بالاخره رأی به آن گرفته شد از نه نفر عده حاضر (روسیه نبود) هشت نفر بر این قطعنامه رأی داده تصویب گردید. فقط دولت استرالیا از دادن رأی استنکاف کرد. قبل از ختم جلسه این جانب نیز اجازه خواسته اظهار داشتیم نظر به اینکه این محکمه عالی که از آن دادخواهی کرده‌ایم معتقد است اطمینانی که دولت شوروی در نامه دیروز خود به دبیرکل ملل متحده داده تعهدی است که تمام قوای شوروی بدون هیچ قید و شرطی در ظرف پنج الی شش هفته منتهی تا ششم مه ۱۹۴۶ ایران را تخلیه خواهد کرد ملت ایران هم به همان نحو این تعهد را اطمینان بلاقید و شرط تلقی می‌کند. به مجرد اینکه قوای شوروی و مهمات آنها از ایران خارج و مملکت ما به حال عادی خود برگردد این جانب اطمینان دارم که دولت من مہیای این خواهد بود که در موضوع کلیه مسائلی که مشروحاً مورد علاقه بوده و با مناسبات با همسایه شمالی ارتباط دارد با یک روح و حسن تفاهمی وارد مذاکره شود. آرزوی دیرینه و عزم راسخ ما این است که با همسایگان خود و اعضای دیگر ملل متحده با یگانگی و اعتماد متقابل و وداد زیست کرده و تا حدی که مقدورمان است موجبات استقرار صلح و امنیت را در خاورمیانه که در مناسبات بین‌المللی از نقاط حساس است فراهم نمائیم و آزادانه و بدون هیچ ترس یا مداخله کلیه نیروی خودمان را در راه سعادت و ترقی ملت ایران صرف کنیم... سفیر کبیر حسین علاء»

چنانکه سابقاً گذشت احمد قوام نخست‌وزیر در خلال مدتی که شکایت ایران علیه عدم تخلیه و مداخلات شورویها با همت و کوشش حسین علاء در جریان بود و

موفقیت‌هایی در این زمینه نصیب دولت ایران شده بود قراردادی با سفیر کبیر شوروی امضا کرد و تمام مساعی و مجاهدت‌های سفیر ایران را نقش بر آب نمود. از حسین علاء بشنود: ۳

٢٥/٢/٩

12.



فارس و رستم و بابک و گنجه

وزارت امور خارجه

Omair

تعمیم گزارش نامه ۱۶۲ مورخ ۲۵/۱۱/۲۹ به هیئت جنایت بعد از رای مثبت
در روضع در این تا دوازده شعبه ۲۳ کد می رسد تا حاضر شودی و در پی به خرج روضع در این از دستور
از طرف شورای رده شده به کمیته رسید :

مذخر چه دم آید در صیقل برای نیست قطعاً نه بشناسم آقای برونز دوز در فرجه در یکی را نصیب کرد
و سرگرد میرا نشنم ماه به در این ایران و زردی گلستر تحفه با عدم تحفه ایران را بزرای به نه
و آن تاریخ مذاکره است مربوط به ایران قبولی شد عموماً تصور میکنم نه روضه تاریخ نزد بکات

۳- آرشیو وزارت امور خارجه ایران. (متأسفانه نتوانستم به تمام گزارشهای آقای علاء

دسترسی پیدا کنم).

نخستین گنج در تاریخ ششم اردیبهشت ۱۳۰۲ میلادی در شیراز یافت شد و با آن رو به باد
 نفوذاتی خود دلار بنگه مریضه ایران نیز بهر درگیری علاج میگردید و در آن وقت چون بحسب
 مشترک ایران در ردی در قیاس نزدیک به تمام سترهای آن فنی نظر میگردید و در آن وقت
 مقدار دست از قطع به چهارم اردیبهشت برپا قطع شد و در آن وقت مریضه که از غنای
 مخالف نیز هرگز مدینه عهدا دست مریضه که اضافی دارد در مریضه ایران از دست
 نری خارج شود.

نار باید در یک جبهه قرار گیرد و یک ردی که از طرف شیرازی را بر این جانب از آن
 این جانب نیز بهر در آن طرف تازه ۶۶ جانب آن وقت در این ۱۹ فروردین برابر ۸ اردیبهشت
 در آن طرف آن فروردین « راجع به یک چهارم در این جانب بنامه خبر از آن در آن گفته ام مانند
 مریضه ایران در دستور برای این است از این نخم دست ندارد اما نظر در خود خدای دستور داده
 به آن نظر باین هم تغییر در نظرات حاضر نیست « و بعد از آن دن نامه اگر گویند شیرازی
 دریافت شد در تاریخ ۱۳۰۲ اردیبهشت در برابر دیگر مدت وقت در این بنگه در نظر کس است
 تغییر در این است و این قطع به ۳۴ اردیبهشت مریضه ایران در دستور باز در آن

غیر مکرر شده ۷۲ بهیچ جانب آن غمت در زیره -

عین نامه ای آگر گرو و صیکو و لغت جانب را در روزنامه نوری شماره ۲۵ صفحه ۴۸۹ و ۴۹۰
 به خط منتهی بهت نامه آگر گرو و صیکو در جواب مکتوباً بهیچ اران را در مکتوب و این نامه
 قرار داده در طرف آن اظهار نظر می کند - عقیده برخی بر این بود که سبب این
 لغت نامه از طرف دولت سودی نیست که آنکه چون دولت نوری دید دنیا توجه به وضع اران
 گردیده در همه مسلم نیست که دولت نوری در ادعای دولت علیه به عهد پایان خود وفا نموده
 و به تعهدات بین المللی است شایسته میهم در لغت برود و طرف ادیب که در کج در بیان
 خود را مختصر دانست و در این باره آن مدینه معینه که در اجابت و اتمام غمت در این باره
 خود را تبرئه سازد و نیز هر چه بود دولت اران را در تفریق بین بر وفق کرده و خود را وفق
 در لغت نامه را برابر برای نیست بر بنیه محنت احوال عذر انابت نیز در این گونه چون در این باره
 نوری در این باره اران این باره این عهده کرده و در مکتوب آن که بر یافت بر این باره
 در قیاس و نظارت نوری را نسبت بهیچ موضع را بر عود و این در این باره

خواست مهر نوری را از پهلوانان آفرینا شروع و غلط و مخالف نمرود سرشک معرّفی کند
لیکن در است نرودی در یکمقام از لایحه در نظر موفّق نشد و مبداء و سبب است علیه در جنگ را

در با و صدمه برده و از عیال و طرز رویه ادب ابرار آن است شدیه بنماندیه -
در اند اگر بکنیم در لایحه با بنایه گان در ال شلفه در نرودی بهر یک در وطن قبل نظر آتی در در لایحه
کامه سوم بوزنه فقط در لایحه و تفسیر باقی حاضر نرودی مبداء مخالفت خوانند در علیه بنایه گان در لایحه
گر لایحه نظر است نرودی را غرضه و از در طیفه متعذر در برای خود معنی کرده اند معنی تا من صفا
دست دنیا در تمام هیچ است بر نرودی تسلیم نمیباشد و همه نظر نرودی در بنایه لایحه شروع
در باره در صدمه نرودی سطح و تقاضا نرودی رد شو

جواب این جانب به اندازده در کلبه لایحه حسن از بنشیند و خوفت شمر در دست ایران
در یافت در خود دست بر به عدالت و تعصّب بمان از طرف یک میاید و در نرودنده مانده نرودی
در تسلیم نمی نمود و از حق خود به طور در اند و با قوت قلب دفاع میکند لیکن تا سخنان در لایحه انا ابرو
نزد تسکیر صدمه نرودی در برابر ۱۵ که در حقین شده نزدیک تر است حجتیه لایحه انا
همانری است دریافت در جاب گران در دست نرودی و در جاب و در لایحه انا ابرو

تبریزی یافت تا آنکه در تاریخ ۲۱ فروردین در جلایر خوارزمشاهی یافت در چون بمی ^{ایران} ^{درست}
 دولت شدی در قفقاز و هندوستان و گریه است ایران مهرار نخواهد داشت در موضع ایران
 در دستوری بنابر و ملک است مرقعاً که موضع از دستور خارج شود چون در دست است لایق قضا
 چه صدای جیب و اعتبار نیز و عباد دنیا از ما سب میگرد و را بباره ۱۴ مهر فیس ؛
 جانب بخشت در زیر عرض کرده و زمان لایق قضا است راسته که گیدم در خانه بعد معلوم
 لایق خیار خالی از دست نموده و با آنکه سروری قطعه چهارم که در را اگر رانده و ایران و سروری را
 مکلف یافت در تاریخ ششم که گذشت تحفه یا عدم تحفه را بر من معتمد است شش ماهی صحت و دره و در
 در بدست سروری رایج بکنه ایران و سایر نیز در قضا نامه ای به خاندان .
 در این جا بهتر نمیکنم را عرض کنم و تا بحال لایق قضایت به نه است مگر در برابر ایران و سر
 و اخیر منظوم است آن حب افغانی و در رازده بهوش بر لایق که در پیش خاندان و در
 در آیه لا یسر یأمر به جلایر تعالیه میزنند و طور از ما شیب از و از رفی که در سروری
 اتفاقاً میگردند در کلنجاری بین آنها و میگردند از ایران و نه میگردند قضا است ایران باشد
 قضا و نه میگردند -

با خبره روز ششم خرداد یک روز قبل از آن مهر فکشی زبان فارسی ^{۲۵۸}
 دایره پنجم رخنه نماند، با رت شدی بخت و رت ایران دایره آن تردید ندارد در ^{۵۵}
 حق ندارد را بنوری تصحیح کند و جانب آن رخنه در زیر دستور داده بخت برای است
 اینجاست که یک روز قبل از مهر فکشی فوق برسد و باید خبر نگاران لازم آن مطلع و قرار
 وضع می‌گردد ۸ روز بعد نیز روز ۱۵ که در رسید دایره پنجم رخنه لازم بود و
 خبر نگاران سبق و در گذشته کن رت زکریا در آن تا آنکه صبح روز ۱۵ که در مهر فکشی فارسی
 باره ۴۰۰ رسید و رخنه لازم بود است برگرفته شود - با آنکه تمام وضع کار را برای
 این جانب در آن روز با رخت زیاد رخنه را برابر گاه در موضع ایران در دست نه کرده ^{۵۵}
 دنیا را را بر می‌رفت کار رت حاضر کرده بودم خیر گران بود و این جانب را در دنیا عموم ^{۵۵}
 معنه را را بر پنجم دست به سر ضعیف و دشمنی ایران منم و نتواند بگویند این جانب خود را نه
 در این جانب لایحه آمده و در جانب آن رخنه در زیر رو به حمله نه است ام در ^{۵۵}
 میر و دست رت بی عمر می‌گردد ام لهذا با افکار در دستور داده بخت و رت جانب ^{۵۵}

نخست وزیر را روز ۱۵ اردیبهشت برای نخستین بار گرامی اینج طوری که هنوز در وقت در
روز ۱۵ کوه خندانیه سردی در پس از بازده روز غیبت بر سر نوری ظاهر گردید
و نماند که آن دنانیه فرشته ای که ام از آنجا که باقی در سردی وقت بود و مهم با
بیانات مختلف از موضع رادرسه و با نوبت رفته چون روز پانزدهم صرف نطقه
نماندگان گردید و نماند فرشته ای که ام از آنجا که باقی در سردی وقت بود و مهم با
لذا صبه ختم و روز بعد سر عا اردیبهشت گردید (روزنامه رسمی شورای عالی نظامی)
همروز رسیده است و در تمام کتب فقهی مدیریت بر مقرر شورای در مصلحت بر آن است
به یوست ارسال میگردد -

روز ششم اردیبهشت که در این روز است صبح عدم گردید و شریعی از این است پس
در یکم سالان بهر متبع در یکم در باب فرائد و غیره اجماع بر وضع ایران با داده و
بلای شری بخواند (در یکم در یکم است).

فصله در یکم است و چون از یک طرف است و در طرف دیگر از این است
از دست کرده و از طرف غیر خود ایران است و در این است و از این است

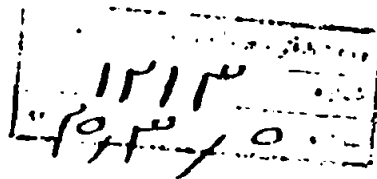
مريض ما ختم یافته تلقی کرده و در دستور نگاه ندارد - قرئت لکیم و یکبار همه را تسبیح حق
 و سوره یوسف کسر خط رنج مریض را ببرد - چون بحث در طواف لکیم و یکبار در صبح
 لکیم و در شب سه وعده ده رنج و صغیر و بزرگ مخصوصین حق و اگر از مصلحه نموده و نظرات
 خود را درباره آن بپوشد اینها ستر گردید لکیم و از مخصوصین حق و تسبیح و لکیم و در را
 مصلحه کرده و عجز و برای گزارش دهند - بعضی عقیقه داشته و چون یکبار در
 تقاضای شوری در عواری قطعاً رد و ختم شد و اگر بپوشد و رنج و حق نسبت به دست و شوری
 در دستهای او همراه کرده و بپوشد کرده باشد این لکیم و لکیم و شوری داد این شوری
 خود را در نه نصیحت گزار داشته و لکیم و یکبار تا در نه نصیم شوری کرد -
 لکیم و مخصوصین حق پس از در روز مصلحه گزارش شوری و در واقع نظر در هر
 رد کرده و شوری را در نه نصیم تمام داشته و عین گزارش لکیم و مخصوصین حق و شوری
 عجز شوری را بر سر گنج گزارش و تعجب و اگر است راجع به موضع ارایه را بر روز شنبه ۲۲ لکیم

تعیین گردید -

روز ۲۳ اواخر جمیع ساعت سه از ظهر کعبه و در پنج مغذی خربزه گان سرودی دلت
 و فیه یکمدهام رافق به فیه برضیع ایرانی از دستور نموده و با دینه بطریقه خرمه فیه شماره ۹۸
 جانی را عرض کردم با ۸ رأی مخالف متذکره فیه برضیع ایرانی از دستور زدند و دستور گریه
 برضیع تا ششم سه در دستور بنابر وطن قطع سه چهارم کعبه در تاریخ مذکور در ایران و سرودی
 گزیده خود را در یکمدهام ایرانی از دستور سرودی تحفه است یا خیر تعلیم شورای نانه
 (چون روزنامه رسم شورای مادر پنج ماک است رسیده قطعه روزنامه بر طبق برپست (ایالت گیه)
 بطریقه خرمه فیه ۱۰۲ عرض کردم برادری است وطن ماده ۲۵ مندرجه است
 در حبس آن حضار است کرده اند تصدیق شورای را بر طبق او اگر گذر به تهیه است خردان
 عمر کرد و دینه ششم سه گزیده سرودیم را به شورای بهم هم هرگاه بجای از دادن لیست گذر کرد
 کتای نموده پنج تصدیق شورای در اثر همراه و طبق آید سه نانه گان در لیست بزرگ و کوچک
 بر له گرفته شده و هستند با نرسیده پیشینه خورشیدان نسبت به این ثابت کنند
 از صحنه نهم همه اند و در سر نه و دیگر شهر است در یک موقع با یکی در برابر دران پیش
 پنج عدد قد و در است را از روزه دلند

درخته کینه از دیکه راجع به موضوع کتابت ایران تهیه شده بود در دست
در شورای بیان کنم در مقرر برای ایران بشناید بهریت را بر طبع اول مدارد علی
تبع کمر در دستفاده قرار گیرد -

نیز کینه از مجریه صادر بهر قرار در دنیا در راجع نامه ای مربوط به تریبی است
در این دولت روی است و در این جات تهیه شده است و در وقت نهی -



سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

واشنگتن

تاریخ: ۲۵/۲/۹

قابل توجه جناب آقای نخست وزیر

شماره: ۱۷۰

وزارت امور خارجه

تعقیب گزارش شماره ۱۶۲ مورخ ۲۵/۱/۲۹ اینک جریانات بعدی شورای
امنیت در موضوع ایران تا روز سه شنبه ۲۳ آوریل که تقاضای شوروی دایر به خروج
موضوع ایران از دستور از طرف شوروی رد شد به استحضار عالی می رسد:
روز چهارم آوریل که شورای امنیت قطعنامه پیشنهادی آقای برنس وزیر امور
خارجه امریکا را تصویب کرد و مقرر گردید تا ششم ماه مه دولتین ایران و شوروی

گزارش تخلیه یا عدم تخلیه ایران را به شوری بدهند و تا آن تاریخ مذاکرات مربوطه به ایران دستور گردید تعویق افتد، عموماً تصور می‌کردند این موضوع تا تاریخ مزبور مسکوت خواهد ماند لیکن در تاریخ ششم آوریل آقای گرومیکو نامه به رئیس شورای امنیت نوشته و با اشاره به استدلال‌ات سابق خود دایر به اینکه موضوع ایران نمی‌بایستی در شوری طرح می‌گردید اظهار داشت چون به موجب اعلامیه مشترک ایران و شوروی دولتین مزبور در تمام مسائل فیما بین توافق نظر حاصل کرده‌اند و برای دولت شوروی مقدور نیست از قطعنامه چهارم آوریل چشم‌پوشد، قطعنامه که دولت شوروی آن را غلط و نامشروع و مخالف منشور ملل متحده می‌داند. علیهذا دولت شوروی مصرأ تقاضا دارد که موضوع ایران از دستور شوری خارج شود.

نامه بالا در کلیه جراید نشر گردید و یک رونوشت آنهم از طرف رئیس شوری برای این جانب ارسال گردید. این جانب نیز به اعتبار و اتکای تلگراف شماره ۶۶ جناب آقای نخست‌وزیر مورخ ۱۹ فروردین برابر ۸ آوریل که در آخر فرموده‌اند «راجع به اینکه اظهار می‌دارید این جانب به نمایندگی خبرگزاری امریکا گفته‌ام ماندن موضوع ایران در دستور شورای امنیت لزومی نخواهد داشت، صحت ندارد. همانطور که به خود جنابعالی دستور داده‌ام به همان نظر باقی هستم و تغییری در نظریات حاصل نشده است» و بعد از فرستادن نامه آقای گرومیکو به رئیس شورای دریافت شد. در تاریخ نهم آوریل پاسخی تهیه و برای دبیر کل ملل متحده فرستادم دایر به اینکه در نظر دولت ایران تغییری حاصل نشده و مایل است طبق قطعنامه ۴ آوریل موضوع ایران در دستور بماند و مراتب ضمن تلگراف شماره ۷۲ به استحضار جناب آقای نخست‌وزیر رسید.

عین نامه آقای گرومیکو و این جانب را در روزنامه شوری شماره ۲۵ صفحه ۴۸۹ و ۴۹۰ ملاحظه می‌فرمایند. انتشار نامه آقای گرومیکو در جراید مجدداً موضوع ایران را مورد بحث جراید و محافل سیاسی قرار داده در اطراف آن نظریاتی می‌شد. عقیده برخی بر این بود که عامل سبب ارسال این نامه از طرف دولت شوروی شده است یکی اینکه چون دولت شوروی دید دنیا متوجه موضوع ایران گردیده و بر همه مسلم شده است که دولت شوروی که ادعا داشت همیشه بر عهد و پیمان خود وفا می‌کند و به تعهدات بین‌المللی اهمیت شایانی می‌دهد در این مورد که طرف او یک کشور کوچکی بود پیمان خود را نقض و آشکارا در امور داخلی آن مداخله می‌کند لذا موجباتی فراهم

ساخت که در مقابل افکار عامه دنیا خود را تبرئه سازد یعنی به هر نحو بود دولت ایران را در مسائل فیما بین موافق کرده و خود را موفق ساخت که این نامه را برای شورای امنیت بنویسد و صحت اقوال خود را ثابت نماید. دیگر آنکه چون دولت جماهیر شوروی دید شوری در امور ایران اینطور اظهار علاقه کرده و در تخلیه آن کشور پافشاری می‌نماید این توجه و مراقبت و نظارت شوری را نسبت به این موضوع برای خود وهمی دانست و با این ترتیب خواست عمل شوری را از ابتدا تا آخر نامشروع و غلط و مخالف منشور ملل متحده معرفی کند: لیکن دولت شوروی در هیچکدام از این دو منظور موفق نشده و مجدداً وسیله بدست جراید و خبرنگاران داد که به او حمله برده از اعمال و طرز رویه او با ایران انتقادات شدیدی بنماید.

در مذاکراتی که در این جا با نمایندگان دول مختلفه در شوری به عمل می‌آید و طبق اظهار نظریاتی که در جراید می‌شد کاملاً معلوم بود نه فقط امریکا و انگلیس با تقاضای شوروی جداً مخالفت خواهند کرد بلکه تمام نمایندگان دیگر هم گول این تظاهرات شوروی را نخورده و از وظیفه مقدس که برای خود معین کرده‌اند یعنی تأمین صلح و امنیت دنیا در مقابل هیچ دولت پر زوری تسلیم نخواهد شد و همه منتظر روزی بودند که این موضوع دوباره در جلسه شوری مطرح و تقاضای شوروی رد شود.

جواب این جانب بی‌اندازه در کلیه محافل حسن‌اثر بخشید و خوشوقت شدند که دولت ایران هم در پافشاری خود در مقابل بی‌عدالتی‌ها و نقص پیمان از طرف یک همسایه قوی و زورمندی مانند شوروی سر تسلیم خم نکرده و از حق خود اینطور دلیرانه و با قوت قلب دفاع می‌کند. لیکن متأسفانه در این اثنا هرچه روز تشکیل جلسه شوروی که برای ۱۵ آوریل تعیین شده بود نزدیک‌تر می‌شد جسته‌جسته از تهران اخباری انتشار می‌یافت که موجب نگرانی دوستان ما گردیده و بتدریج دلگرمی آنها به یأس و دلسردی تبدیل می‌یافت تا اینکه در تاریخ ۲۱ فروردین در جراید اخباری انتشار یافت که چون بین دولت ایران و دولت شوروی موافقت‌هایی حاصل شده است دیگر دولت ایران اصرار نخواهد داشت که موضوع ایران در دستور شوری بماند و ممکن است حتی تقاضا کند موضوع از دستور خارج شود. چون دیدم انتشار این قبیل اخبار چه صدماتی به حیثیت و اعتبار ما می‌زند و اعتماد دنیا از ما سلب می‌گردد فوراً به شماره ۸۴ تلگرافی به جناب آقای نخست‌وزیر عرض کرده زیان این قبیل انتشارات را متذکر گردیدم متأسفانه

بعد معلوم شد این اخبار خالی از صحت نبوده و با آنکه شوری قطعنامه چهارم آوریل را گذرانده و ایران و شوروی را مکلف ساخت در تاریخ ششم مه گزارش تخلیه یا عدم تخلیه را بدهند معیناً دولت شاهنشاهی مصلحت دیده بودند که با دولت شوروی راجع به تخلیه ایران و مسائل دیگر موافقت‌نامه‌هایی امضا نمایند.

در این جا بایستی این نکته را عرض کنم که تا به حال این موقعیت بی‌نهایت مساعدی که برای ایران پیش آمده و اینطور مظلومیت آن جلب افکار عامه دنیا را کرده بود شاید برای هیچ کشور دیگر پیش نیامده و مشکل است در آتیه هم پیش بیاید جراید مقالاتی می‌نوشتند و طوری از ما پشتیبانی و از رفتار دولت شوروی انتقاد می‌کردند که ممکن نبود بین آنها و یک روزنامه ایرانی که نماینده حقیقی افکار ملت ایران باشد، تفاوتی قائل شد.

بالاخره روز تشکیل جلسه فرا رسید لیکن یک روز قبل از آن تلگراف کشفی به زبان فارسی و انگلیسی به شماره ۳۵۸ رسید دایر بر اینکه موافقت‌نامه با دولت شوروی امضا شده و دولت ایران در اجرای آن تردید ندارد و در عین حال هم حق ندارد برای شوری تکلیف معین کند و جناب آقای نخست‌وزیر دستور داده بودند عیناً به شورای امنیت ابلاغ شود. لیکن قبل از اینکه تلگراف کشف فوق برسد جراید و خبرنگاران از متن آن مطلع و حتی موضوع تلگرافی هم که روز بعد یعنی روز ۱۵ آوریل رسید دایر بر اینکه شکایت از شوری مسترد شود خبرنگاران مسبوق و در گوشه و کنار تذکری می‌دادند تا آنکه صبح روز ۱۵ آوریل تلگراف کشف فارسی و انگلیسی به شماره ۴۰۳ رسید که عرض حال از شورای امنیت پس گرفته شود. با آنکه انجام چنین کاری برای این جانب که شبانه‌روز با زحمات زیاد زمینه را برای نگاهداری موضوع ایران در دستور تهیه کرده افکار عامه دنیا را برای پیشرفت کار دولت حاضر کرده بودم خیلی گران بود و این جانب را در انظار عموم خفیف می‌کرد. معیناً برای آنکه وسیله بدست مغرضین و دشمنان ایران ندهد و نتوانند بگویند این جانب خودسرانه در این جا میل و دستور ایشان عمل می‌کرده‌ام لهذا همانطور که دستور داده بودند عین دستورات جناب آقای نخست‌وزیر را می‌کرده‌ام لهذا همانطور که دستور داده بودند عین دستورات جناب آقای نخست‌وزیر را روز ۱۵ آوریل به شورای امنیت ابلاغ کردم. لیکن بطوریکه انتظار می‌رفت در جلسه روز ۱۵ آوریل جز نماینده شوروی که پس از پانزده روز غیبت بر سر میز شوری حاضر

گردید و نماینده لهستان و نماینده فرانسه هیچکدام از اعضای دیگر با تقاضای شوروی موافقت نکرده همه با بیانات مختلف لزوم بقای موضوع را در دستور خواستار شدند. چون روز پانزدهم صرف نطقهای نمایندگان گردید و نماینده فرانسه هم پیشنهادی داد که معنای آن لزوم حذف موضوع از دستور بود لهذا جلسه ختم و به روز بعد یعنی ۱۶ آوریل موکول گردید. (روزنامه رسمی شوری حاوی این مذاکرات هنوز نرسیده است که تقدیم شود فعلاً صورت مجلس موقتی شوری که فقط به زبان انگلیسی است به پیوست ارسال می گردد).

روز شانزدهم آوریل به محض اینکه رسمیت جلسه اعلام گردید رئیس شوری اظهار داشت همین الساعه دبیر کل سازمان ملل متحده لایحه در باب نظریات خود راجع به موضوع ایران به او داده است که مایل است برای شوری بخواند (لایحه دبیر کل پیوست است).

خلاصه لایحه این است که «چون از یک طرف دولت شوروی تقاضای خروج موضوع ایران را از دستور کرده و از طرف دیگر خود ایران هم شکایت خود را پس گرفته است لهذا دیگر شوری باید موضوع را خاتمه یافته تلقی کرده در دستور نگاه ندارد. قرائت لایحه دبیر کل همه را متعجب ساخت و معلوم بود هیچ کس انتظار این مداخله را نداشت. چون بحث در اطراف لایحه دبیر کل در جلسه به طول می انجامید و علاوه براین موضوعی بود که باید متخصصین حقوقی آن را مطالعه نموده نظریات خود را درباره آن بدهند لهذا مقرر گردید کمیسیونی از متخصصین تشکیل و لایحه مزبور را مطالعه کرده نتیجه را به شوری گزارش دهند. بعضی ها عقیده داشتند که چون دبیر کل دید تقاضای شوروی در شوری قطعاً رد خواهد شد برای اینکه در این موقع نسبت به دولت شوروی که در انتخاب او همراهی کرده بود خدمتی کرده باشد این لایحه را تهیه دید و به شوری داد. لیکن شوری خود را در اخذ تصمیمات آزاد دانسته و لایحه دبیر کل تأثیری در اخذ تصمیم شوری نکرد.

کمیسیون متخصصین حقوقی پس از دو روز مطالعه گزارشی به شوری داد که در واقع نظر دبیر کل را رد کرده و شوری را در اخذ تصمیم مختار دانستند (عین گزارش متخصصین پیوست است). جلسه شوری برای رسیدگی به این گزارش و تعقیب مذاکرات راجع به موضوع ایران برای روز سه شنبه ۲۳ آوریل تعیین گردید.

روز ۲۳ آوریل جلسه ساعت سه بعدازظهر تشکیل و در این روز هم جز نمایندگان شوروی و لهستان و فرانسه هیچکدام موافق به حذف موضوع ایران از دستور نبوده و بالاخره بطوریکه ضمن تلگراف شماره ۹۸ جریان را عرض کردم باهشت‌رای مخالف پیشنهاد حذف موضوع ایران از دستور رد شد و مقرر گردید موضوع تا ششم مه در دستور بماند و طبق قطعنامه چهارم آوریل در تاریخ مذکور ایران و شوروی گزارش خود را دایر به اینکه آیا تمام ایران از قوای شوروی تخلیه شده است یا خیر تقدیم شوری نماید.

بطوریکه ضمن تلگراف شماره ۱۰۲ عرض کردم بر ما واجب است که طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحده که به موجب آن اعضا موافقت کرده‌اند تصمیمات شوری را به موقع اجرا گذارند به تعهدات خودمان عمل کرده و روز ششم مه گزارش لازم را به شوری بدهیم. هرگاه به جهاتی از دادن این گزارش کوتاهی نموده و بین تصمیم شوری که در اثر همراهی و نطق‌های مساعد نمایندگان دول بزرگ و کوچک برای ما گرفته شد و خواستند به این وسیله پشتیبانی خودشان را نسبت به ایران ثابت کنند. توجهمی نکنیم همه از ما دلسرد شده و دیگر مشکل است در یک موقع باریکی که برای ایران پیش آید این علاقه و حرارت را ابراز دارند... سفیر کبیر حسین علاء» (ورود به دفتر محرمانه وزارت امور خارجه شماره ۱۲۱۳ مورخ ۲۵/۳/۵).

به تلگراف دیگر حسین علاء که سراسر حاکی از تأثر و تألم و اظهار نگرانی است توجه شود:۱

سفارت کبرای شاهنشاهی

قابل توجه جناب آقای نخست‌وزیر

شماره: ۱۷۴

تاریخ: ۲۵/۲/۱۰

وزارت امور خارجه

تعقیب گزارشات شماره ۱۶۲ مورخ ۲۵/۱/۲۹ و شماره ۱۷۰ مورخ ۲۰/۲/۹ گرچه در تلگرافات رمزی که در ظرف یکی دوماه اخیر مخابره شده خاطر

شریف را از موقعیت ایران در اینجا و عطف توجهی که عامه مردم به مسئله ایران و شوروی کرده‌اند، مستحضر داشتیم معیناً لازم دانست مجدداً نیز با گزارشات بالا اطلاعات بیشتری در باب موقعیت ایران به عرض برسانیم. اینکه ملاحظه می‌فرمائید موضوع ایران در اینجا بر کشورهای دیگر اینطور جلب توجه مردم را کرده و نسبت به ما تا این درجه اظهار همدردی و همراهی می‌کند اولاً برای اینست که می‌خواهند پس از پنج سال خونریزی اکنون با تشکیلات ملل متحده اصل عدالت و تساوی و امنیت بین ملل برقرار گردیده و یک دولت بزرگی نتواند به نفع خود به عناوین مختلف استقلال کشورهای کوچک را به مخاطره انداخته و در اثر آن رفته رفته آتش جنگ دیگری شعله‌ور گردد. ثانیاً بر همه ثابت شده است که کشور ایران در ظرف چهار سال مرارت و شدائد بسیاری را تحمل کرده و فداکاریهای بزرگی در راه پیروزی ملل متفق نموده و اکنون که جنگ مدتی است خاتمه یافته و باید به این کشور فرصتی داده شود که آزادانه به اوضاع داخلی خود توجه نموده و موجبات رفاه اهالی را فراهم سازد و برای اصلاحات اجتماعی خود بدون هیچ قید و مانعی قدمهایی بردارد و در مقابل یک دولت زورمندی قرار گرفته که قوای نظامی خود را حتی پس از انقضای مدت قرارداد نیز از خاک ایران بیرون نمی‌برد. این مسئله برای عموم روشن و به این جهت است که حس آزادی‌خواهی این کشور پهناور در اثر نقض عهد شوروی و اعمال زور او درباره ایران به جوش آمده و بدون اینکه به این مسئله توجه کنند که در موقع جنگ با هم متحد بودند شدیداً از اعمال خلاف رویه و بی‌عدالتی و حق‌شکنی‌های او انتقاد می‌کنند بطوریکه در یکی از گزارشات عرض شد مقالاتی که در اینجا درباره ایران نوشته و به طریقی که از مظلومیت ایران در اینجا دفاع کردند هیچ تفاوتی با مقالات یک‌نفر ایرانی وطن‌پرست نداشت لیکن متأسفانه باید عرض کنم که ما آنطوریکه باید از این موقعیت استفاده نکردیم.

در عین حال که اینجانب برحسب دستور جنابعالی بیاناتی در شوری نموده و از وجود مذاکرات بین دولت ایران و دولت شوروی اظهار بی‌اطلاعی می‌کردم و در همان موقع که در اثر تلگرافات واصله به شوری می‌گفتم موافقتی در مسکو حاصل نگردیده و در طهران هم دنباله مذاکرات تعقیب نشده و در اینجا مقامات مربوطه می‌دانستند که مطلب آنطورها نیست که در اینجا وانمود می‌شود.

در نیویورک کلیه نمایندگان البته به جز شوروی و لهستان طرفدار ما بودند و در

مواقع ملاقات دلداری می‌داند و حق را به جانب ایران دانسته اظهار می‌داشتند برای حفظ اصل عدالت و برابری از ایران دفاع خواهیم کرد و بیانات آنها در شورای امنیت بطوریکه در روزنامه‌های شوروی ملاحظه می‌فرمائید شاهد و مدعای آنها است. جراید هم چنانکه عرض کردم منتهای همدردی را با ما داشته و روزی نبود که مقالات متعدد درباره ایران و وضع ناگوار او ننویسند. این جانب که افکار عامه را به این شدت با ایران همراه دیدم برای اطمینان خاطر شریف مراتب را تلگراف و خواهش می‌کردم در مقابل تقاضاهای شوروی ایستادگی فرمائید. مخصوصاً یک‌مرتبه آقای برنس این مطلب را به بنده خاطرنشان ساخت که در ضمن تلگراف شماره ۵۲ به عرض رساندم، البته در طهران هم مشکلاتی وجود داشته و جنابعالی دچار محظوراتی بوده‌اید. لیکن پس از آنکه قطع‌نامه شوروی در چهارم آوریل گذشت تصور می‌رفت برای دولت ایران میسر بود در مقابل فشار شوروی ایستادگی نموده و کلیه مسائل و مذاکرات را به بعد از تاریخ ششم مه موکول فرمائید و واقعاً هیچکس در اینجا انتظار نداشت که فوری متعاقب اخذ تصمیم مزبور دولت ایران با اولیای شوروی در باب مسائل فیما بین موافقت‌نامه امضا نماید. خبر امضای قرارداد بی‌اندازه اذهان مردم را از ما برگرانید و دوستان ما را سخت رنجیده و مأیوس ساخت و مدعی هستند که ایران آنها را اغفال کرد و در عین حال که با دولت شوروی مذاکراتی به عمل می‌آورد شورای امنیت را برای پیشرفت مقاصد خود وسیله قرار داده بود.

بدیهی است جریانات مزبور لطمه بزرگی به موقعیت بسیار خوب ما وارد آورده و آن موقعیت بی‌نظیر سابق را فعلاً از دست داده‌ایم. لیکن هنوز هم یک فرصت دیگر باقی است و آن اینست که روز ششم مه ایران طبق تعهد به موجب منشور ملل متحد عمل کرده و دولت ایران جوابی را که برای شوروی لازم است تهیه و تلگراف فرمایند که طبق تصمیم شوروی عمل شده باشد و امید است تا آن موقع هم قوای شوروی و مهمات آنها از تمام خاک ایران خارج شده باشد که اطمینان ما که در مورد اقوال شوروی اظهار شده است معلوم گردد بجا بوده و تا اندازه جبران مافات بشود. سفیر کبیر. حسین

علاء»

واشنگتن: ۲۹ خرداد ۱۳۲۵

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

شماره: ۶۷۶

پیوست دو نسخه روزنامه شورای امنیت

شماره: ۳۴ و ۳۶

قابل توجه جناب آقای نخست‌وزیر

وزارت امور خارجه

گزارش موضوع ایران در شورای امنیت تا جلسه هشتم طی شماره ۴۲۹ مورخ ۲۶ اردیبهشت تقدیم گردیده است موضوع جالب توجهی که در جلسه هشتم به میان آمد اظهارات نماینده استرالیا بود که گفت باید بدانم منظور دولت شوروی از این رفتار بعین غیبت از جلسات شورای امنیت چیست. یک مرتبه از حضور در جلسه امتناع ورزید کسی اظهاری نکرد ولی وقتی که این عمل تکرار گردید یک سابقه خطرناکی را برای شوروی ایجاد می‌کند که عواقب وخیمی را برای این تشکیلات دربر خواهد داشت باید دید عضوی که به میل و رغبت خود موقتاً از جلسات غیب می‌کند آیا حق دارد از اختیاراتی که به عنوان عضویت شوری به او داده شده است استفاده کند یا خیر.

به نظر نماینده استرالیا وقتی که یکی از اعضای به میل خود در جلسات حاضر نشد در واقع از مزایای خود به عنوان عضو شوروی صرف‌نظر کرده است و نباید برای او اختیاراتی بیش از آنچه به یک عضو ملل متحده تعلق می‌گیرد قائل شد. نماینده انگلیس در عین حال که بیانات نماینده استرالیا را تصدیق کرد اظهار داشت زیاد هم نباید این موضوع را سخت گرفته و راه مبالغه پیمائیم زیرا اساساً غیبت یکی از اعضا جریان امور شوروی را متوقف نمی‌سازد و بطور کلی چنین غیبتی با امتناع از دادن رأی چندان تفاوتی ندارد و در جریانات شوروی تأثیری نمی‌بخشد.

نماینده هلند هم در این زمینه بیاناتی نموده گفت مسلم است در منشور ملل متحده نیز همین ماده این است که به عضوی از اعضا اختیار بدهد که با غیبت کردن از جلسات شوروی مانع تصویب پیشنهاد یا گذشتن قطعنامه گردد. تفصیل این مذاکرات که در آئین‌نامه و نظامات شورای امنیت تأثیر عمیقی خواهد بخشید در روزنامه شوروی به شماره ۳۳ خواهند فرمود.

بطوریکه ملاحظه می‌فرمایند در قطعنامه مصوب شورای امنیت در جلسه هشتم اسمی از شوروی برده نشده است امتناع نماینده شوروی از شرکت در مذاکرات شوروی

راجع به ایران و بی‌اعتنائی او به تصمیمات متخذه آن شوری را از روش شوروی ناراضی ساخته حتی فرانسه و لهستان هم که در جلسات سابق به پیشنهاد نماینده شوروی دایر به تقاضای حذف موضوع ایران از دستور موافقت کرده بودند در جلسه هشتم نسبت به پیشنهاد نماینده امریکا ابراز مخالفتی نکردند و با پیشنهاد امریکا به اتفاق آراء تصویب گردید.

البته در اثر مشاهده این جریانات و مراقبت و توجه کامل و علاقه شورای امنیت نسبت به ایران و طرفداران و همراهی آشکار مطبوعات امریکا بود که در تلگرافات متوالی خود لزوم اجرای قطعنامه شوروی را متذکر گردیده و مناسب نمی‌دیدم که دولت شاهنشاهی در ارسال گزارش خود در روز بیستم مه بطوریکه شوروی خواسته است مضایقه یا تأخیری روا دارد. ابراز علاقه و توجه شوروی به وضع ایران که بدیهی است به واسطه نفوذ امریکا در محافل مربوطه به شوروی و در اثر علاقه‌ایست که امریکا در کار ایران پیدا کرده است سبب این شده است که ایران یک مقام ارجمندی را در مطبوعات امریکا احراز و مظلومیت ایران بر همه ثابت و نقض پیمان و تجاوز و زورگویی همسایه نیرومند شمالی ما کاملاً روشن و آشکار گردد. احساساتی که نسبت به کشور ما ابراز می‌گردد و محبوبيتی را که در اینجا حائز شده است کمتر برای یک مملکت کوچکی که هزارها فرسنگ از این دیار دور است پیش آمده یا خواهد آمد و ما می‌توانستیم از چنین موقعیت بی‌نظیری استفاده‌های کلی برده موجباتی فراهم سازیم که با امداد و مساعدت امریکا و پشتیبانی شورای امنیت، ایران را از این وضع نامعلوم و خطر آتیه‌رھائی داده لطمه‌ها و جراحاتی را که در اثر اقامت قشون خارجی به پیکر او وارد آمده است التیام دهیم.

در این قسمت با مراجعه به تلگرافهایی که در ظرف این مدت مخابره شده است می‌بینیم هیچ نکته را ناگفته نگذارد و با مشاهده اوضاع و احوال مساعد اینجا آنچه به صلاح سیاست دولت شاهنشاهی و صرفه مملکت و بهبود اوضاع داخلی دیده‌ام مراتب را روشن و بعضی اوقات مکرر عرض کرده‌ام خوشبختانه جناب آقای نخست‌وزیر هم متوجه کمکهای شورای امنیت و نتیجه اقدامات اینجا بوده و چند روز بعد از جلسه هشتم بیاناتی مبنی بر تقدیر از شورای امنیت در حضور خبرنگاران خارجی فرمودند که اثرات آن در مطبوعات امریکا منعکس و اسباب دلگرمی ما گردید.

در این بین روز بیستم مه نزدیک می‌گشت و با کیفیاتی که شرح داده شد و انتظاراتی که از ما می‌رفت واجب می‌دیدیم که گزارشی که از ما خواسته شده است تا تاریخ مقرر یعنی بیستم مه به شوری بدهم و هر روز منتظر تلگرافی بودم که از اعزام هیئت اعزامی به آذربایجان و نتیجه تحقیقات آنها اینجانب را مطلع فرمائید که گزارش خودمان را برای روز بیستم حاضر داشته باشم در شانزدهم مه ضمن تلگراف شماره ۱۴۹ اطلاع دادم که چون دادن گزارش حتماً لازم است بنابراین شرحی نوشته و شوری را از کیفیات یعنی حاضر نبودن نتیجه مطالعات هیئت اعزامی به آذربایجان مستحضر و تقاضا خواهم کرد که موضوع مداخله مقامات شوروی و تخلیه ایران از قوای شوروی را تا معلوم شدن نتیجه تحقیقات در دستور نگاهدارند. مطلب دیگر که در اینجا باید عرض کنم این است که گزارشی که به شوری داده شده در اثر مطالعه کامل و توجه به حقیقت امر و در نتیجه مذاکراتی بود که با نمایندگان شوری به عمل آورده و عقاید و نظریات آنها را بدست آوردم. نمایندگان گان مزبور برای اینکه بتوانند بهتر به ایران کمک کنند و با نگاهداشتن موضوع ایران در دستور تدبیری بیندیشند که مداخلات شوروی در امور ایران رفع و قوای آنها کاملاً از ایران خارج شود انتظار داشتند از طرف ما هم تقاضائی یا اظهار وجودی بشود.

در اینجا همه از جزئیات امور ایران واقف و نکته‌ای نیست که بر کس پوشیده باشد و اگر آنها را مخفی نگاه می‌داشتیم اولاً وسیله بدست اداره تبلیغات شوروی داده که سکوت ما را دلیل صحت گفتار خودشان جلوه بدهند ثانیاً ما را که در این موقع باریک با این حرارت و دلسوزی و علاقه با همراهی کردند مورد طعنه و استهزاء قرار دهند و آنها را به نیت امپریالیسم ارتجاع و خفه کردن مرام دموکراسی متهم سازند. قطع نظر از اینها اگر ما خودمان هم حقایقی را که بر همه روشن بود کتمان می‌کردیم دیگر هیچ دولتی با مشاهده این کیفیات در آتیه حاضر نمی‌شد در موارد لزوم نسبت به ما همراهی و مساعدت کند.

مقصود این است که تهیه گزارش با در نظر گرفتن این کیفیات صورت گرفت و چون منتهای کوشش به عمل آمد که حقیقت مسئله به شوری گفته شود و اعضای شوری ملاحظه کردند که با صداقت و راستی و فقط برای رفع تعدی یک دولت زورمندی از آنها استعانت می‌کنم این بود که باز هم موضوع را از دستور خارج نکرده و خروج

آن را موکول به وقتی کردند که دولت شاهنشاهی ایران رسماً اعلام کند که قشون شوروی از ایران خارج شده است.

گزارش مذکور در فوق روز بیستم مه برای دبیر کل ملل متحده فرستاده شد و تا ساعت ۵ بعدازظهر روز مزبور هم تأمل کردم بلکه تلگرافی راجع به نتیجه تحقیقات هیئت اعزامی برسد چون اطلاعی نرسید بعد از ساعت ۵ گزارش فرستاده شد. روز بعد یعنی ۳۱ اردیبهشت برابر ۲۱ مه تلگراف کشفی دایر به نتیجه تحقیقات از جناب آقای نخست‌وزیر رسید که عیناً در تعقیب نامه روز قبل برای شوری فرستاده شد. در این تلگراف هم اظهار عقیده از طرف جناب آقای نخست‌وزیر نشده بود و فقط گزارش هیئت اعزامی را نقل فرموده بودند و به همین جهت بود که در جلسه شوری نماینده امریکا مطلب را قانع کننده ندانست و بطوریکه در تلگراف شماره ۱۶۷ مورخ ۲۵/۳/۱ عرض شد ختم مسئله را موکول به این کردند که از طرف دولت شاهنشاهی رسماً اعلام گردد که قشون شوروی کاملاً خاک ایران را تخلیه کرده است. صورت مشروح مذاکرات را نیز در روزنامه شماره ۳۶ که تلواً تقدیم می‌شود ملاحظه خواهند فرمود.

در خاتمه این نکته را نیز علاوه می‌کند که مسئله ایران در شورای امنیت و حقانیت شکایت ما و طرز رویه ایران در شورای امنیت به درجه مقبول عامه واقع گردیده بود که علاوه بر مقالات یومیه جراید روزی نبود که چندین نامه و کارت پستال دایر به دلداری ما و اظهار حسن همدردی از اشخاص متفرقه به سفارت نرسد. بطور قطع هرگاه صدها هزار دلار به مصرف تبلیغات رسانیده بودیم این مقامی را که در اثبات حقانیت شکایت خودمان در قلوب مردم آزادیخواه و عدالت‌پرور امریکا حاصل کرده‌ایم بدست نمی‌آوردیم. متأسفانه این را هم باید عرض کنم نه فقط از چنین موفقیت بی‌نظیر استفاده کامل نکردیم بلکه در اثر سکتوتی که اختیار نموده‌ایم و اخبار متناقضی که از ناحیه اداره تبلیغات طهران انتشار یافت که اقدامات اینجا را خنثی سازد لطمه بزرگی به موقعیت و محبوبیت ایران در این مملکت وارد آمده است.

چند فقره از مقالاتی که در فوق به آنها اشاره شد تلواً تقدیم می‌شود که مقرر فرمایند به دقت ترجمه و از نظر جناب آقای نخست‌وزیر بگذرانند. سفیر کبیر حسین علاء.

قوام‌السلطنه نخست‌وزیر هم از جانب خود با ارسال دستورها و تلگرافهایی به علاء

موضوع باکتنویس پیوست مسئول باکتنویس	<h2 style="margin: 0;">وزارت امور خارجه</h2> <hr style="border: 1px solid black; width: 50%; margin: 5px auto;"/> اداره	شماره بایگانی شماره پرونده
---	---	--

تاریخ تحریر تاریخ پاکنویس ترجمہ سولہ پاکنویس

عنوان پاکنویس گہرا فرزند پیر عہدہ سرور کشا
فیضانِ آفاق علیہ

گه از سال ۱۰۴۵ هجری قمری - چهره ای که شکت وزیر رسانده فرموده با مرصع
گه از سال ۱۰۵۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ و ۱۰۶۹ مصلوب بر ضلع مصلوب
و در آن دره دار - در یک سال این شهر بود این شهر بود اگر شرح وقایع و احوال
سید این شهر را در مصلوب ۱۰۵۵ هجری قمری در یک سال مصلوب بر ضلع مصلوب
در روز و نیمه مصلوب را در یک سال مصلوب بر ضلع مصلوب
باز به این اگر نه که در یک سال مصلوب بر ضلع مصلوب
تعمیر شده و در یک سال مصلوب بر ضلع مصلوب
از مدینه به در خواسته اند مانع از آمدن علمای مصلوب بر ضلع مصلوب

در اجلاس امروزی با هیئت اقدام، پنج روزهای هم از من در تهران نیز صحبت کرده
 که بستانه لازم برای هر دو عنصر کرده و اثر آفریننده اقدام رسمی و عمل کننده ما و طبعاً
 بستانه انجام داده قسطنطنیه و در آذربایجان خرابی کشف کنیم و بر حقیقت و
 اظهار آن در این باب که آن در نوعی از تحریف بود و لذا به شورای امنیت
 از جویان ملهم داریم به هر حال در هر قدم در شورریها در محکمات و صوابیها
 ما در راجع به عقیده کردن صدای خود را در شورای امنیت صلب و قهرمان
 خراب می شد. رزس و اهر قراغ

نمره ۱۰۸۴ / ۲۵/۹/۱۹ وزارت امور خارجه

عنوان پاکت نویسی: تلگراف رمز به سفارت کبرای واشنگتن

جناب آقای علاء

تلگراف شماره ۵۴۴ به عرض جناب اشرف آقای نخست وزیر رساندم فرمودند
 با مراجعه تلگرافات ۱۰۵۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ و ۱۰۶۹ مطلب بر جنابعالی معلوم است
 و ظاهراً در نامهای که به دبیر کل برای رئیس شورای امنیت می نویسد اگر شرح وقایع و
 اظهارات سفیر کبیر شوروی را مختصراً هم که باشد ذکر نکنید مقصود حاصل نمی شود
 یعنی معلوم نخواهد شد که از چه نقطه نظر ما مطلب را به شورای امنیت ارجاع کرده ایم

چون که برای اعزام قوا به آذربایجان اگر تنها اشکال مقاومت و تجاسر مصادر امور بود موضوع اشکال داخلی تشخیص شده و خودمان هم در حل آن قادر بودیم ولی اظهارات سفیر شوروی نحوی از مداخله بوده که خواسته‌اند مانع آزادی عمل دولت شوند و همین بود که مرا وادار کرد در اجرای امر به شورای امنیت اقدام کنم. روسها هم اگر مساعدتهای زیرجلی و پس‌پرده کرده باشند کار ظاهر و علنی نکرده و اگر تا آخر کار هم اقدام رسمی و عملی نکنند ما وظیفه خود را به آسانی انجام داده قشون وارد آذربایجان خواهیم کرد. لیکن برای احتیاط چون اظهاراتی در این‌باره کرده‌اند که نوعی از تحریف بوده لازم بود شورای امنیت را از خودمان منحصر داریم بدیهی است در هر قدم که شورویها در اقدامات خود جلو برونند ما هم در مراجعه و بلند کردن صدای خود در شورای امنیت جلو رفته جدی‌تر خواهیم شد. احمد قوام.

فصل یازدهم

پیشه‌وری و سران حکومت آذربایجان در تهران

قوام‌السلطنه نه تنها به نصایح میهن پرستانه حسین علاء سفیر کبیر ایران در ایالات متحده و رئیس هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت، بنا به مصالحی که خود تشخیص داده بود، توجهی نکرد بلکه تعقیب مذاکرات خود با سادچیکوف سفیر کبیر اتحاد شوروی در تهران و موافقتنامه‌ای که با وی امضا کرد، با آزادی مطلق که از طرف شاه داشت، در صدد برآمد با زعمای حکومت قلابی خودمختار آذربایجان مستقیماً وارد مذاکره شود. بنابراین ضمن دعوتی که در تاریخ ۸ اردیبهشت ۱۳۲۵ از پیشه‌وری و سران حکومت او در تهران به عمل آورد مذاکرات بین طرفین رد و بدل شد و تصمیماتی اتخاذ گردید که شرح آن به این قرار است:

در تاریخ هشتم اردیبهشت ۱۳۲۵ هیئتی به ریاست سید جعفر پیشه‌وری با هواپیما به تهران وارد شد و در جوادیه (۴ کیلومتری تهران) اقامت نمود و بلافاصله مذاکرات شروع گردید. طی مذاکرات مفصل و طولانی که نسبت به تقاضاهای هیئت به عمل آمد دولت اعلامیه زیر را در تاریخ ۱۲ اردیبهشت صادر کرد:^۱

«از بدو تشکیل دولت فعلی که امور آذربایجان محل اعتنا و توجه مخصوص قرار گرفت و اصلاحات آن سامان جلب نظر نمود پس از غور و مطالعه در منویات آن هموطنان گرامی هیئت وزیران تصمیم گرفت تا حدی که قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه به قوه مجریه اجازه می‌دهد آمال ساکنین آن استان برآورده شده با آغوش باز

آن هموطنان عزیز را پذیرفته و به وحدت و اخوت دعوت نماید. این است که تصویب نامه هیئت دولت که در این موضوع صادر شده برای اطلاع عامه ذیلاً نشر می شود:

اختیاراتی که در قانون مصوب ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری به موجب اصل ۲۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و متمم قانون اساسی برای انجمن های ایالتی و ولایتی تصویب شده در آذربایجان به طریق ذیل تصریح و تأیید می گردد:

۱- رؤسای کشاورزی و بازرگانی و پیشه و هنر و حمل و نقل محلی و فرهنگ و بهداری و شهربانی و دوائر دادرسی و دادستانی و ناظر دارائی به وسیله انجمن های ایالتی و ولایتی انتخاب و مطابق مقررات احکام رسمی آنها از طرف دولت در تهران صادر خواهد شد.

۲- تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی با دولت خواهد بود و نصب فرماندهان نظامی و ژاندارمری از طرف دولت به عمل خواهد آمد.

۳- زبان رسمی آذربایجان مانند سایر نواحی کشور ایران فارسی می باشد و کارهای دوائر دادگستری به زبانهای فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت می گیرد اما تدریس در پنج کلاس ابتدائی در مدارس به زبان آذربایجانی صورت می گیرد.

۴- هنگام تعیین عایدات مالیاتی و اعتبارات بودجه کشور، دولت درباره آذربایجان ضرورت بهبود آبادی و عمران شهرها و اصلاح کارهای فرهنگی و بهداری و غیره را در نظر خواهد گرفت.

۵- فعالیت سازمانهای دموکراتیک در آذربایجان و اتحادیه ها و غیره مانند سایر نقاط کشور آزاد است.

۶- نسبت به اهالی و کارکنان دموکراسی آذربایجان برای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشته تسهیقات به عمل نخواهد آمد.

۷- یا افزایش عده نمایندگان آذربایجان به تناسب جمعیت حقیقی آن ایالت موافقت حاصل است و در بدو تشکیل دوره پانزدهم پیشنهاد لازم در این باب به مجلس تقدیم خواهد شد که پس از تصویب کسری عده برای همان دوره انتخاب شود. نخست وزیر - قوام السلطنه»

ضمناً پیشنهاداتی هم نمایندگان فرقه دموکرات راجع به وضع ارتش در هیئت دولت مورد مذاکره واقع شده و با آنکه به علت عدم تطبیق آن با موازین قانونی رد شده است، تشریح نموده مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مواد پیشنهادی کمیسیون نظامی انجمن ایالتی آذربایجان.

۱- سازمان لشکری آذربایجان.

الف - یک لشکر مرکب از سه تیپ به اضافه یک گردان هواپیمائی و سایر عناصر لشکری (موافقت گردید)

ب - در سازمان واحدهای نظامی آذربایجان با در نظر گرفتن وضع جغرافیایی و سایر عوامل محلی تجدیدنظر کامل به عمل آید (موافقت گردید).

ج - مدارس نظامی (دبستان - دبیرستان - دانشکده - آموزشگاه) که در تبریز تشکیل یافته باید بماند و مقررات قبول داوطلبان این مدارس همان است که فعلاً در آذربایجان مقرر شده و عمل می‌شود (مدارس نظامی دبستان - دبیرستان - آموزشگاه و گروهبانی که در تبریز تشکیل یافته باقی خواهد ماند و مقررات عمومی آن مطابق مقررات مرکز خواهد بود)

۲- افراد:

الف - افراد وظیفه آذربایجان طبق ماده ۳۷ قانون نظام وظیفه در لشکر آذربایجان خدمت خواهند کرد و اعمال ماده ۴۵ همان قانون موکول به تصویب انجمن ایالتی آذربایجان می‌باشد (راجع به ماده ۳۷ موافقت می‌شود. راجع به ماده ۴۵ اصولاً موافقت هست ولی ذکر آن لزومی ندارد).

ب - تعلیمات سربازان به زبان آذربایجانی خواهد بود. (موافقت می‌شود).

ج - افراد آذربایجانی که فعلاً در واحدهای ارتش مشغول خدمت‌اند آنهایی که خدمتشان منقضی است مرخص و آنهایی که هنوز خدمتشان خاتمه نیافته تحویل لشکر آذربایجان شوند (کلیه افراد خدمت منقضی مرخص می‌شوند و آنهایی که خدمتشان خاتمه نیافته است در واحدهای فعلی خاتمه خواهند داد).

۳- لشکر آذربایجان برای همیشه به اسم لشکر آذربایجان موسوم خواهد بود

(لشکر آذربایجان به اسم لشکر ۳ آذربایجان موسوم خواهد بود).

۴- افسران:

الف - افسران لشکر آذربایجان آذربایجانی خواهند بود و افسران آذربایجانی‌الاصل که اکنون در واحدهای ارتش مشغول خدمت‌اند و با افسران غیر آذربایجانی که تقاضای انتقال به لشکر آذربایجان را می‌نمایند نقل و انتقال عملی نخواهد شد مگر با تصویب انجمن ایالتی آذربایجان که از طریق فرمانده لشکر از انجمن ایالتی نظریه خواسته خواهد شد (نقل و انتقال افسران از لشکر آذربایجان یا به لشکر آذربایجان با جلب نظر فرمانده لشکر خواهد بود).

ب - افسرانی که در آذربایجان خدمت می‌کنند در صورتیکه تقاضای انتقال به یکی از واحدهای دیگر را بنمایند پس از تصویب انجمن ایالتی آذربایجان وزارت جنگ موافقت با انتقال آنان خواهند فرمود (مشمول ماده بالا است).

ج - چون نهضت آذربایجان از طرف دولت مرکزی بطور رسمی دموکراتیک شناخته شده افسرانی از ارتش که در نهضت آذربایجان شرکت مستقیم داشته یا به نحوی از انحاء نسبت به آن اظهار علاقه و حسن نیت نموده‌اند در تحت هیچ عنوان نباید مورد تعقیب قرار گیرند (افسرانی از ارتش که در نهضت آذربایجان شرکت مستقیم داشته یا به نحوی از انحاء نسبت به آنان اظهار علاقه و حسن نیت نموده‌اند مشمول ماده ۶ اعلامیه دولت می‌باشند).

د - افسران فعلی لشکر آذربایجان که در خدمت نظامی هستند وعده آنها بالغ بر ۷۹۲ نفر می‌باشند با درجات فعلی که از طرف حکومت ملی آذربایجان به آنها اعطاء شده است، در خدمت نظامی باقی خواهند ماند. ارشدیت و ترفیعات آنها طبق پرونده‌های مربوطه‌شان مورد قبول وزارت جنگ شده و فرامین و احکام رسمی صادر گردد (افسران فعلی لشکر آذربایجان افسرانی هستند که یا سابقه خدمت در ارتش داشته و یا طبق صورتهای مدونه از دانشکده افسری تبریز (دوره قبل) خارج شده‌اند. در مورد درجات افسرانی که سابقه خدمت در ارتش دارند حقوق درجات پرداخته می‌شود ولی صدور فرمان موکول به طی حداقل مدت قانونی درجات مربوطه است. در مورد درجات افسرانی که از دانشکده خارج شده‌اند نیز حقوق پرداخته می‌شود و صدور احکام موکول به طی یا موفقیت در دوره تکمیلی مخصوصی است که برنامه آن از طرف ستاد ارتش تنظیم می‌گردد. گروه‌بانی و استوارانی که به درجه ستوان سومی نایل شده‌اند در صورتیکه سابقه خدمت در ارتش داشته باشند حقوق پرداخته می‌شود و صدور احکام

موکول به طی یا موفقیت دوره مخصوصی است که برنامه از طرف ستاد ارتش تنظیم می‌گردد.)

۴- فرمانده لشکر با موافقت انجمن ایالتی از تهران، رئیس ستاد لشکر و فرماندهان تیپ‌ها مطابق نظریه انجمن ایالتی از افسران آذربایجانی مقیم آذربایجان انتخاب و منصوب خواهند شد. (راجع به فرمانده لشکر دولت با انجمن ایالتی مشورت خواهد کرد ولی با درج در این مواد موافقت ندارد. رئیس ستاد و فرماندهان تیپ با نظر فرمانده لشکر خواهد بود.)

۵- شرکت واحدهای لشکر آذربایجان در عملیات جنگی منحصرأ علیه قوای خارجی خواهد بود. (با درج آن در مواد موافقت نمی‌شود.)

۶- افسران و درجه‌داران و افراد لشکر آذربایجان تا حدودی که قانون اساسی و سایر قوانین موجوده اجازه می‌دهد از حقوق سیاسی برخوردار خواهند بود. (آنچه مطابق قوانین باشد ذکر آن لزوم ندارد.)

۷- وسایل سازمانی لشکر از لحاظ اسلحه - مهمات - تجهیزات - دواب و وسایل حمل و نقل موتوری و غیرموتوری در ظرف یک‌ماه از طرف وزارت جنگ تحویل لشکر گردد (موافقت می‌شود.)

۸- سربازخانه‌ها که اخیراً تحویل لشکر گردیده اگر اقدام به تعمیر نشود مخروبه و غیرقابل استفاده خواهد شد. در صورتیکه وزارت جنگ اعتبار برای تعمیرات ندهد، لشکر مسئول نخواهد بود (با تعمیرات موافقت می‌شود.)

۹- پادگانهای استان‌های ۱ و ۵ از لحاظ محل پادگان به وضعیت قبل از شهریور ۲۰ برگردد. (این موضوع مربوط به دولت است و با درج آن موافقت نمی‌شود.)

۱۰- مدالها و نشانهایی که از طرف حکومت ملی در جریان نهضت به افسران و اشخاص داده شده در ارتش به رسمیت شناخته شود (موافقت می‌شود.)

۱۱- مایحتاج لشکر آذربایجان از لحاظ پوشاک، خواربار، تجهیزات در صورت امکان در آذربایجان از محصولات محلی کارخانجات تهیه و تأمین خواهد شد (با شرایط تساوی قیمت موافقت می‌شود.)

۱۲- صد و بیست نفر محصلین اعزامی به خارجه پس از مراجعت و خاتمه تحصیلات در لشکر آذربایجان به خدمت مشغول و جزو کادر افسری لشکری خواهند

بود (صورت و پایه تحصیلات و شرایط انتخاب و مدت تحصیلات را گزارش دهند).

۱۳- لشکر آذربایجان تقاضا دارد در قوانین دادرسی ارتش و قانون نظام وظیفه با موافقت لشکر آذربایجان تجدیدنظر به عمل آورند. قوانین مصوبه مجلس ملی آذربایجان در مورد ارتش لازم‌الاجرا و آئین‌نامه‌های انضباطی و پادگانی و داخله که اکنون در لشکر آذربایجان اجرا می‌شود به قوت خود باقی خواهد ماند (تجدیدنظر در قوانین از وظایف وزارت جنگ است راجع به قوانین مصوبه مجلس ملی آذربایجان موکول به مجلس پانزدهم می‌شود. آئین‌نامه‌های فعلی را نیز به ستاد ارتش بفرستند و آنچه مفید باشد در تمام ارتش قبول خواهد شد).

۱۴- دیپلمه‌ها و لیسانس‌ها و دکترهای آذربایجانی خدمت وظیفه خود را طبق مقررات جاری لشکر در شعبه احتیاط دانشکده افسری تبریز انجام و جزو کادر احتیاطی افسری لشکر آذربایجان خواهند بود (چون با ایجاد دانشکده افسری در تبریز موافقت نشده است این اشخاص تابع قوانین و مقررات عمومی ارتش خواهند بود).

ضمناً برای اطلاع اذهان عمومی مواد هفتگانه بالا به استثناء ۱۴ ماده مربوط به ارتش به وسیله رادیو و جراید به اطلاع عموم رسید. ولی چون اجرای کلیه تقاضاهای آنها از حدود اختیارات قانونی دولت خارج بود، مذاکرات خاتمه یافته و تقریباً بدون اخذ نتیجه نمایندگان مزبور در تاریخ ۲۳ اردیبهشت به تبریز مراجعت نمودند.

پس از مراجعت نمایندگان اعلامیه زیر از طرف نخست‌وزیر صادر گردید:

«در این موقع که افکار عمومی منتظر و متوجه جریان مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان می‌باشد، لازم می‌دانم نتیجه مذاکرات پانزده روزه را به استحضار عامه رسانیده تا اذهان عموم را به وسیله تشریح حقایق روشن سازم.

بر خود آقایان نمایندگان اهالی آذربایجان که به تهران آمدند پوشیده نیست که این جانب با کمال حسن‌نیت و رویه مسالمت به منظور حمل مسائل مورد بحث مساعی لازمه را مبذول داشته و کوشش نمودم که در حدود قوانین موضوعه مملکت تقاضاهای آقایان نمایندگان آذربایجان را تأمین نمایم بطوریکه پس از صدور ابلاغیه مورخ ۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ و انتشار مواد هفت‌گانه دولت از طرف بعضی محافل مورد ایراد واقع شدم که تصور نمودند رو به این جانب حتی از حدود قوانین موضوعه نیز تجاوز نموده است.

در نتیجه مذاکرات پانزده روز اخیر با آنکه از حسن‌نیت آقایان نمایندگان آذربایجان اعتماد داشته و دارم متأسفم که بعضی از تقاضاهای آنان از حدود اختیارات قانونی و مواد هفت‌گانه دولت خارج بود و به این جهت تا پیدا شدن راه‌حل، جریان مذاکرات ناچار به تعویق افتاد و آقایان نمایندگان به تبریز مراجعت نمودند. مواردی که تقاضاهای نمایندگان اهالی آذربایجان با اختیارات قانونی و مواد هفت‌گانه دولت مغایرت داشته به قرار ذیل می‌باشد:

۱- طبق ماده ۲ ابلاغیه مورخ ۱ اردیبهشت ۱۳۲۵ مقرر شده بود که نصب فرماندهان قوای نظامی و ژاندارمری از طرف دولت به عمل آید و حال آنکه نمایندگان آذربایجان معتقد بودند که تعیین فرماندهان مزبور باید با پیشنهاد انجمن ایالتی و تصویب دولت صورت گیرد.

موضوع تقسیم اراضی دولتی و انتقالی میان زارعین که در تحولات اخیر آذربایجان صورت گرفته طبق قوانین موضوعه باید از طرف مجلس شورای ملی تنفیذ گردد و اتخاذ تصمیم راجع به آن از حدود اختیارات قانونی دولت خارج می‌باشد. موارد فوق و بعضی مسائل دیگر مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و چون نسبت به اکثر مواد مزبور می‌بایست از طرف مجلس شورای ملی تعیین تکلیف شود. لذا بدون اینکه تصمیمی فعلاً اتخاذ گردد آقایان نمایندگان اهالی آذربایجان برای دادن گزارش و کسب تکلیف به تبریز مراجعت نمودند.

نظر به اینکه اینجانب با کمال حسن‌نیت و مسالمت مایل به حل مسائل مورد بحث می‌باشم بدیهی است برای ادامه مذاکرات و حل این مشکل به وسیله اتخاذ تدابیری که با قوانین کشور مغایرت نداشته باشد، حاضر خواهم بود و چون موافق مقررات قانون و با در نظر گرفتن تعهد دولت طبق موافقت‌نامه‌های متبادله با دولت اتحاد جماهیر شوروی راجع به نفت شمال که مجلس پانزدهم را در مدت هفت‌ماه از تاریخ امضاء موافقت‌نامه‌های مزبور تشکیل دهد، باید هرچه زودتر انتخابات عمومی را در تمام کشور اعلام نمود.

انتظار دارم آقایان نمایندگان آذربایجان تسهیلات لازمه را فراهم نمایند تا دولت طبق مقررات قانونی بتواند انتخابات عمومی را اعلام نموده و اهالی آذربایجان نمایندگان خود را آزادانه انتخاب و به مرکز اعزام دارند.

امیدوارم با حسن نیت و وطن پرستی که در نمایندگان اهالی آذربایجان احساس نموده‌ام موجباتی فراهم شود که نگرانی عمومی برطرف و با در نظر گرفتن وظایف قانونی دولت مشکلات فعلی از هر جهت مرتفع گردد. قوام السلطنه.»

پس از بازگشت هیئت نمایندگی آذربایجان از تهران به تبریز رادیو لندن این خبر را منتشر ساخت:^۲

رادیو لندن (ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه دیشب) - امروز سیدجعفر پیشه‌وری (هیئت نمایندگان آذربایجان با یک هواپیمای شوروی به طرف تبریز رهسپار شدند...) خبرنگار خبرگزاری مزبور در تلگراف خود می‌نگارد که محافل دولتی تهران اظهار می‌دارند که سیدجعفر پیشه‌وری نظریات خوبی راجع به آقای قوام السلطنه با خود از تهران به تبریز برده است ولی پیشوای (؟) آذربایجان معتقد است که محافل مرتجع تهران سعی دارند نگذارند مذاکرات به نتیجه مطلوبی برسد. مشارالیه به علاوه آمادگی خود را به منظور ادامه مذاکرات اعلام داشته است. بنابراین پیشه‌وری پیشنهاداتی همراه خود برای آذربایجان‌ها برده است. گفته می‌شود که در مورد اختلاف نظر بین آقای قوام السلطنه و سیدجعفر پیشه‌وری در آذربایجان با اهالی آذربایجان مشورت‌های لازم را به عمل خواهد آمد.

رادیو بیروت (دیشب ساعت ۲۴) - روزنامه اطلاعات که اغلب اخبار آن از منابع موثق دولتی بدست می‌آید امروز اطلاع داده که راه حل قضیه آذربایجان هنوز باز است و لذا انتظار می‌رود که مذاکرات بین دولت ایران و نمایندگان آذربایجان در همین نزدیکی از نو شروع شود.

پیشه‌وری پس از مراجعت از تهران به اقدام خائنانه دیگری دست زد و آن امضای عهدنامه‌ای بود که با حکومت به اصطلاح ملی کردستان منعقد نمود. رادیو لندن مواد این عهدنامه را چنین نقل کرد:^۳

- ۱- مبادله نمایندگان دیپلماتی بین حکومتین.
- ۲- اجازه دادن به هریک از اتباع دو حکومت برای کار کردن در ادارات

۲- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، روزنامه اطلاعات، شماره ۷۳۴.

۳- ایضاً.

حکومت دیگر.

۳- عقد عهدنامه بازرگانی بین دو حکومت.

۴- مبادله کمکهای نظامی بین دو حکومت در صورت تجاوز یک حکومت ثالثی بر هریک از آنها.

۵- شرکت حکومتین مزبور در مذاکرات با دولت ایران در صورت تجاوز بر حقوق هریک از آنها.

۶- کمک هریک از دو حکومت در تعقیب هریک از افراد به اتباع حکومت دیگر که در کشورهای آنها اقامت دارند.

۷- شرکت دو حکومت در تعقیب هریک از افراد اتباعشان که بر علیه حکومت دیگر اقدام می‌نماید.

این عهدنامه را سیدجعفر پیشهوری از طرف حکومت آذربایجان و قاضی محمد از طرف حکومت ملی کردستان امضاء کرده‌اند.

این عهدنامه در تاریخ ۱۳ آوریل گذشته منعقد شده است.

رادیو تبریز هم به نوبه خود راجع به شکست مذاکرات تهران به رجزخوانی پرداخته چنین گفت:

رادیولندن (ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه دیشب) - رادیو تبریز در برنامه امشب خود اظهار داشته که مذاکرات بین دولت ایران و نمایندگان آذربایجان به عدم موفقیت منجر شده است. لیکن این خبر از منابع دیگر هنوز تأیید نشده است. رادیو تبریز ضمناً تصریح نموده که نمایندگان آذربایجان اکنون در راه بازگشت به تبریز می‌باشند و آذربایجان برای روبرو شدن با هر پیش‌آمدی آماده است.

ما به کلیه جهانیان اطلاع می‌دهیم که آماده نبرد و جنگ می‌باشیم و به سربازان آذربایجان و اعضای دموکرات دستور داده شده است که از ورود سربازان دولت مرکزی ایران به آذربایجان جلوگیری کنند. ما در هر صورت از حقوق خود به نفع حکومت ملی خود صرف‌نظر نخواهیم کرد.

در خلال این جریانات در رادیوهای خارجی گفته شده که قوام‌السلطنه به علت به بن‌بست رسیدن مذاکرات بین تهران و تبریز به خیال استعفا افتاده است «خبرگزاریهای یونایتدپرس و رویتر از منابع رسمی در واشنگتن اطلاع می‌دهند که در همان موقع که

خبر ممانعت آقای سادچیکف سفیر کبیر دولت شوروی از اعزام هیئت بازرسی به آذربایجان منتشر شد خبر مهم دیگری در میان بود به این ترتیب که در همانوقت آقای قوام السلطنه می‌خواستند استعفا بدهند ولی به علت دخالت و اصرار سادچیکف از این کار منصرف شدند.

این دو خبرگزاری اضافه می‌کنند که منافع رسمی و موثق اطلاع می‌دهند که خود آقای قوام السلطنه اظهار داشته‌اند که علت تصمیم به استعفا این بوده است که مذاکرات بین تهران و تبریز به بن‌بست رسیده است و به هیچ‌وجه راهی برای حل قضیه آذربایجان بطور مسالمت آمیز در بین نیست...» ولی قوام السلطنه با انتشار اعلامیه‌ای که در بعدازظهر روز ۲۸ اردیبهشت منتشر کرد به این شایعات خاتمه داد.

نقل بیانیه مزبور از این جهت شایان اهمیت است که از خلال مطالب آن روحیه و مقاصد و روش سیاسی احمدقوام به خوبی واضح و روشن می‌شود و محققان می‌توانند آن را سندی برای تشریح و تعبیر نحوه سیاست وی مورد استفاده قرار دهند قضاوت نمایند.

۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۵

«در این موقع تغییر فصل و شروع تابستان و گرما مشاهده می‌شود که از یک طرف گلها و ریاحین در حال روئیدن و شکفتن است و از طرف دیگر انواع حشرات از رخنه‌ها سر درآورده آزادانه در جنب و جوش و فعالیت و خروش می‌باشند بدیهی است در چنین موقع وظیفه هر باغبان ماهر و علاقمند به زینت و طراوت باغ و بستان جز این نیست که گلهای زیبا را شاداب داشته حشرات موزی را دفن نماید و از میان بردارد.

باید تذکر داد که امروز وظیفه زمامداری با در نظر گرفتن مصالح وقت و مقتضیات روز ایجاب می‌کند که در حین ترویج افراد صالح و وطن پرست از اقدامات ارتجاعی و سوعنیات مغرضین و مفسدین نیز با کمال قدرت جلوگیری شود تا آسایش مردم از هر حیث تأمین یافته و تحکیم پذیرد.

بطوریکه هموطنان من اطلاع دارند این جانب موقعی قبول مسئولیت نموده زمام امور کشور را در دست گرفتم که وضع مملکت بر اثر هوس‌های پی در پی و خیانت‌های نمایان دچار تشنج و تشت گردیده بود و چه از لحاظ سیاست خارجی و چه

از حیث سیاست داخلی و ترقی هزینه زندگی، افکار عمومی دچار منتهای نگرانی و تشویق بوده و روزی که قبول مسئولیت کردم به تصدیق عموم وارث وضع نامطلوبی شدم که در ایجاد آن کوچکترین مداخله و مسئولیتی را نداشتم. در نتیجه زحمات شبانه‌روز که در این مدت تحمل نمودم نگرانی و تشویشی که در افکار عمومی بود تا حدی تسکین یافت و سوءتفاهماتی که در نتیجه افکار و اعمال سیاستمداران بلبوس و نمایندگان تحمیلی در روابط بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی حاصل شده بود تبدیل به حسن تفاهم و تشیید مناسبات حسنه گردید و اتخاذ چنین سیاست تأثیر مهمی در تسکین افکار و رفع نگرانی مردم به وجود آورد. در نتیجه اقدامات جدی و تدابیری که به عمل آمد هزینه زندگی نیز تنزل محسوس نمود و از این جهت نیز کمک موثری در رفاه و آسایش مردم حاصل گردید.

مقدمات اصلاحات مهم و اساسی به وسیله تشکیل شوراهای مختلف تهیه شده که به مجرد حل مسئله آذربایجان که یکی از اصول سیاست این جانب است، در سرتاسر کشور آغاز خواهد گردید. با نمایندگان آذربایجان تماس حاصل شد و مذاکرات لازم به عمل آمد به قسمی که از عقاید و افکار یکدیگر کاملاً آگاه و مستحضر شدیم و اگرچه هنوز توافق کامل حاصل نشده ولی روش مسالمت آمیز این جانب و اطمینان به حسن نیت نمایندگان آذربایجان حل این مشکل را که مورد علاقه عموم ایرانیان و وطن پرست می باشد البته فراهم خواهد نمود.

با وصف این اقدامات بعضی اشخاص تصور می کنند کثرت مشغله این جانب مانع از آن است که از امور کشور و اعمال خیانت کارانه اشخاص مطلع باشم یا عملیات آنها را به سکوت و اغماض بگذرانم و تحت تأثیر همین اشتباه است که شروع به دسایس و تحریکات نموده اند تا مگر بتوانند به این تشبثات خائنانه موقعیت این جانب را متزلزل سازند و به مقاصد سوء خویش نائل گردند. می گویند این جانب استعفا داده و یا قصد استعفا دارم. می گویند در سیاست کشور دچار اشتباهات بزرگ شده ام. می گویند چرا با نمایندگان آذربایجان حاضر به مذاکره و مسالمت گردیدم. می گویند چرا به مسکو رفته و با دولت اتحاد جماهیر شوروی حسن تفاهم پیدا کرده ام.

بر هموطنان عزیز پوشیده نیست روزی که قبول مسئولیت نموده و زمام امور کشور را در دست گرفتم نه از راه احتیاج بود و نه به علت جاه طلبی و اگر به مجرد امر

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بدون تردید حاضر به قبول مسئولیت شدم برای این بود که احساس نمودم افکار عمومی متمایل و متوجه این جانب گردیده و در این موقع بحران مملکت ملت ایران از خدمتگزار قدیم خود یاد نموده انتظار فداکاری داشته است. اینجاست که روی سخن من به عناصر ارتجاع و نمایندگان تحمیلی و منفور معطوف می‌شود. اگر این آقایان به قدر ذرهای وجدان و انصاف داشته باشند باید تصدیق کنند که تمام مصائب و مشکلاتی که امروز دچار آن هستیم حاصل اعمال جنایت آمیز پی در پی آنها می‌باشد. اینها هستند که روابط ایران را با اتحاد جماهیر شوروی به وسیله اعمال جنون آمیز از روی عمد و سوءنیت تیره و تار نمودند. اینها هستند که بدون هیچ مدرک و دلیل صرفاً روی نیات پلید خود اعتبارنامه آقای پیشموری و دیگران را رد نمودند و با این اقدام مغرضانه تخم کینه و نفاق را در این کشور کاشتند. اینها هستند که در نیمه مجلس سیزدهم و تمام مجلس دوره چهاردهم یک قدم برای آسایش مردم برنداشتند و جز حفظ مقام و جمع مال از طریق نامشروع هدفی برای خود اختیار نکردند. اینها هستند که به منظور فساد دائماً به سفارت‌خانه‌ها رفته به دسیسه و تحریک پرداختند. غافل از اینکه هیچ دولت خارجی در امور داخلی ایران به هیچ وجه نباید مداخله نماید و البته مداخله نخواهد کرد. اینها هستند که امروز در مقابل تاریخ و ملت ایران مسئول شناخته می‌شوند و باید نتایج تلخ این مسئولیت سنگین را تحمل کنند. اینها هستند که دولتهائی ناصالح و فرومایه را روی کار آورده و وضع مملکت را دچار تشنج فعلی نمودند امروز همین عناصر مردود چون مایوس از حمایت دولت می‌باشند به منظور اینکه بتوانند خود را در انتخابات آینده بار دیگر بر مردم تحمیل کنند می‌خواهند مملکتی را که دچار این همه بدبختی و اختلافات و هرج و مرج نموده‌اند باز با حيله و دسیسه در دست آلوده خود گرفته و آن را ملعبه اغراض و آمال خود سازند غافل از اینکه من از کلیه اغراض و مطامع آنها مستحضرم و اگر نمی‌خواهم حتی الامکان نسبت به هموطنان خود اعمال شدت نمایم نباید ارفاق من حمل بر ضعف گردد و تصور شود که اجازه خواهم داد این قسم تحریکات و دسایس علیه مصالح مملکت ادامه پیدا کنند. باید بدانند که من تنها در چنین موقع حاضر به استعفا نیستم بلکه ترجیح راحت شخصی و کناره گیری از کار را گناه می‌دانم و بر خود فرض می‌شمارم که به اتکای افکار عمومی و پشتیبانی ملت ایران اصلاحات ضروری را که مملکت و مردم تشنه آن هستند آغاز کنم و به انجام

برسانم این عناصر بدخواه که عمر خود را مصروف هوسهای پست نموده و ایران عزیز را دچار وضع نامطلوب فعلی نموده‌اند باید بترسند از روزی که دست انتقام از آستین عدالت و ایران‌دوستی بیرون آید و مغز خیانتکاران و بدخواهان را متلاشی کند و به همین جهت است به آنها تذکر می‌دهم اگر دست از دسیسه و تحریک نکشند باید بدون هیچ گله عواقب وخیم اعمال خود را تحمل نمایند زیرا ارفاق من تا وقتی است که به ضرر و زیان کشور نبوده و با حفظ مصالح ایران منافی نباشد.

هموطنان!

با استحضار از سیاست خارجی این جانب که عبارت از حفظ تعادل و موازنه و تحکیم مناسبات مودت و دوستی با کلیه دول بزرگ خصوصاً اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر و ممالک متحده امریکا و تأمین استقلال و عظمت و تمامیت ارضی ایران می‌باشد و با توجه به لزوم اصلاحات اساسی و ضروری در سرتاسر کشور وعده می‌دهم به مجرد حل مسئله آذربایجان اصلاحات ضروری به منظور آبادی کشور و تأمین رفاه و آسایش مردم خصوصاً طبقه کارگر و زارع که مقدمات آن تهیه شده فوراً شروع گردد و برای پیشرفت این هدف در نظر دارم از عناصر مترقی کشور حداکثر استفاده را بنمایم و مخصوصاً تأکید می‌کنم که به هیچ‌وجه اجازه نخواهم داد عناصر ارتجاعی و خیانت‌کار با دسیسه و حيله سدی را در راه اصلاحات مملکت ایجاد نمایند و مانع شوند که ملت ایران به آرزوهای حقه خود برسد و از سایر ممالک راقیه عقب بماند و برای حفظ مصالح کشور با نهایت قدرت افراد بدخواه را مانند حشرات موذی دفع خواهم کرد و از هر نوع دسیسه و عملی که مانع موفقیت این جانب گردد با نهایت شدت جلوگیری خواهم کرد و بدیهی است برای حصول موفقیت در انجام وظایف خود همانطور که در گذشته متکی به افکار هموطنان عزیز بودهام در آینده نیز پشتیبان ملت ایران را برای تحمیل وحدت ملی و سلامت کشور انتظار دارم و البته از این موهبت برخوردار خواهم بود.

قوام‌السلطنه.»

پس از انتشار این اعلامیه غلاظ و شداد و دیکتاتور مابانه نخست‌وزیر جمعی از رجال را بنام اینکه «علیه حکومت مشروطه و امنیت عمومی عمل می‌کنند طبق ماده ۵ حکومت نظامی دستگیر و تحویل شهربانی داد تا بازداشت شوند.»

احمد قوام پس از امضای موافقتنامه با سفیر شوروی و مذاکره با نمایندگان

حکومت آذربایجان و مراجعت هیئت مزبور به تبریز گزارش اقدامات و مذاکرات خود را به این قرار به اطلاع حسین علاء سفیر ایران در واشنگتن و مجید آهی سفیر ایران در مسکو رسانید:۵

تلگراف رمز به سفارت کبرای واشنگتن

نمره: ۱۷۵

به تاریخ: ۲۵/۲/۱۶

جناب آقای علاء ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۳۰ از مذاکرات و تصمیماتی که با مقامات شوروی اتخاذ شده اطلاع دارید در نتیجه این تصمیمات، نیروی شوروی باید در ششم مه سراسر ایران را تخلیه کرده باشد اطلاعاتی که از مأمورین ایران می‌رسد حاکی از تخلیه نیروی شوروی در نقاط مختلفه است. در آذربایجان چون هنوز مأموری از مرکز نداریم مذاکرات ما با آذربایجان خاتمه نیافته اطلاعات رسمی نمی‌توانیم در دست داشته باشیم ولی آنچه که تا حال خود شورویها گفته‌اند تخلیه در ششم مه در آذربایجان هم قطعی است و به موجب تلگرافاتی که از تبریز به نمایندگان آذربایجان (که برای حل مسئله آذربایجان به تهران آمده‌اند) می‌رسد و از تلگرافخانه به این جانب صورت می‌دهند در تاریخ دیروز پنجم مه تمام قشون روس آذربایجان را تخلیه نموده و مرزها را بسته‌اند و به غیر از این اطلاعات ما اطلاع دیگری نداریم راجع به تسلیحات البته باید آنچه اسلحه دارند همراه ببرند و همینطور هم تعهد نموده‌اند. در عین حال انتشاراتی که اشاره نموده‌اید بعداً که مأمورین ما به آذربایجان می‌روند معلوم خواهد شد و می‌توانیم بطور قطع بگوئیم. این قسمت‌ها صحت ندارد یا عاری از حقیقت است. موضوع کردها هم مثل همیشه یک عملیات متجاسر آمیزی دارند ولی همینکه موضوع آذربایجان حل شود البته موضوع کردستان هم بیش از پیش مورد نظر واقع و حل و تسویه خواهد شد. نمایندگان آذربایجان که تهران آمده‌اند بر اساس مواد هفتگانه که از مندرجات آنها البته اطلاع دارید، مشغول مذاکره با آنها شده‌ایم ولی آنها توقعاتی بیش از مواد مذکوره دارند. یک مرتبه هم نزدیک بود مذاکرات فیما بین قطع شود چونکه این جانب بیش از مواد

سابق‌الذکر که راه قانونی دارد نمی‌توانم با تقاضای آنها موافقت کنم. احمد قوام.»

نمره: ۵۲

به تاریخ: ۱۳۲۵/۲/۱۸

سفارت کبرای ایران - جناب آقای آهی

« ۱۵ اینکه اطلاع مرتب نداده‌ام بیشتر از این جهت بود که نخواست‌ام در حال کسالتی که دارید زحمتی داده باشم در مسکو از جریان مذاکرات اطلاع دارید. چون از مسکو نتیجه مثبت نگرفته بودیم به شورای امنیت مراجعه شد سفیر کبیر جدید وقتی رسید که به شورای امنیت مراجعه شده بود در عین حال وی با ما داخل مذاکره شد و اظهار داشت دستور دارد مذاکرات را دنبال کند. بین طرفین هم موافقت‌هایی حاصل گردید و نتیجه این موافقت‌ها یکی راجع به موضوع نفت بود. تأسیس شرکت گذشت و از مواد موافقت‌نامه مربوط به آن اطلاع دارید. دیگر هم موضوع تخلیه بود. سوم هم موضوع آذربایجان که در این قسمت ما گفتیم مطلب وابسته به امور داخلی است از شما کمک‌های معنوی می‌خواهیم و آخرین موافقت که طبق قوانین می‌توانیم بجا آوریم ضمن هفت ماده اعلام شد که اگر از مندرجات آن اطلاع ندارید تلگراف خواهد شد چون در جریان مذاکرات راجع به موافقت بین طرفین سفیر کبیر شوروی تلگرافی از مسکو ارائه داد که ارتش سرخ در ظرف یکماه و نیم خواهند رفت اگر اتفاق غیرمترقبه رخ ندهد ما باین شرط موافقت نداشتیم سفیر هم توضیحاتی نداده که قانع‌کننده باشد لهذا دولت عرضحال خود را از شورا پس نگرفت بعد از چند روز که تقاضا کردند پس بگیریم گفتیم چون شما عدم حدوث واقعه غیرمترقبه را شرط قرار داده‌اید ما نمی‌توانیم عرضحال خود را از شورا پس بگیریم. در جواب این اظهار بعد از چند روزی تلگراف از مسکو ارائه داد که شرط حادثه غیرمترقبه برای این بود که موافقت‌نامه بین طرفین امضا نشده بود اما حالا که موافقت حاصل شده است این شرط دیگر موردی نخواهد داشت. اینجانب گفتم مدلول تلگراف مسکو را به شورای امنیت اطلاع خواهم داد چون قول قطعی می‌دهد که بدون هیچ قید و شرط قوای شوروی در شش ماه ایران را تخلیه خواهند کرد من هم قبول می‌کنم عرضحال خودمان را از شورای امنیت پس بگیریم. این فرمول را بدون مراجعه از مسکو قبول نمی‌کرد ولی پس از استجازه از مسکو قبولی خود

را اعلام داشت ما هم به همین ترتیب به نماینده خودمان دستور دادیم اظهار دارد که چون ارتش شوروی در ششم مه بدون قید و شرط می‌روند و در این باره اطمینان داده‌اند، عرضحال خودمان را پس می‌گیریم به این ترتیب مشکلاتی که با دولت شوروی داشتیم حل شد و عرضحال را پس گرفتیم لیکن شورای امنیت حاضر نشد موضوع را از دستور خارج کنند و از این بابت دولت شوروی نسبت به ما دیگر ایراد و اعتراضی نداشته و ندارد. تصمیمات متخذه همه در هیئت وزیران به تصویب رسید و با طرز مسالمت آمیز موضوع حل شد و در جراید و رادیو هم مطالب اعلام گردید قرار هم شد هیئتی از آذربایجان بخواهیم و عمل آنجا را هم خاتمه بدهیم نمایندگان آذربایجان به ریاست آقای پیشه‌وری آمدند و چندین مجلس مذاکره شد ولی آنها حدود مواد هفت گانه را کافی ندانسته دولت هم بیش از این نمی‌تواند مساعدت کند. فعلاً مذاکرات در جریان است و نتیجه قطعی حاصل نشده است. روز چهارده اردیبهشت سفیر کبیر شوروی آمد و با حضور پیشه‌وری مباحثه طولانی شد نظریه درخواست‌های زیادی که داشتند نتیجه به اوقات تلخی وعدم موافقت اینجانب منتهی گردید و چون ناهار را در سفارت شوروی مهمان بودم قرار شد باز در جلسه دیگر مذاکرات تعقیب شود. با مراتب بالا توجه خواهید داشت که اینجانب و دولت ایران در حداً علی امکان برای تصفیه امور بر اساس ایجاد حسن تفاهم با دولت مجاور از بذل هر نوع مساعی کوتاهی نکردم. حالا انتظار دارم مقامات شوروی اول بطوریکه وعده داده‌اند افراد نیروی خود را در ششم مه از سراسر خاک ایران خارج کرده باشند. دوم در تصفیه امور آذربایجان نظرهای مساعد داشته نگذارند با توقعات بی‌مورد حل و تسویه امور به تعویق افتد. ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۷ قوام‌السلطنه.»

عکس‌العمل مذاکرات

قوام با پیشه‌وری

در شورای امنیت:

حسین علاء سفیر ایران در پیرو اطلاعاتی که نخست‌وزیر از جریان امور داده به ارسال تلگرافهایی به قرار زیر مبادرت ورزید که در آنها پیشنهاد توصیه‌هایی عاقلانه به نخست‌وزیر شده بود:

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۱۳۲۵/۲/۲۰ نمره ۲۳۲

جناب آقای نخست‌وزیر

قطعنامه امروز شورا ضمن تلگراف کشف مخابره شد.

اعضاء شورا از اینکه دولت ایران روز ششم مه به احترام قطعنامه چهارم آوریل گزارش خود را به (؟) که گزارش مقدماتی بود، و اظهار مسرت و قدردانی نمود بعضی از آنها هم دولت شوروی را از ندادن گزارش انتقاد کردند.

اکنون که باز شورا مهلتی داده که گزارش کامل از طرف ایران داده شود و همه اعضاء شورا می‌دانند جنابعالی اصرار دارید که به وسیله مأمورین معتمد از اوضاع حقیقی آذربایجان مستحضر شوید به نظر این جانب خوبست مقرر فرمائید مأمورین صالح فوراً به آذربایجان اعزام و با دقت تمام اوضاع آنجا را بازرسی دقیق نموده مخصوصاً کیفیت تخلیه آذربایجان، خروج مهمات، بودن یا نبودن افسران و سربازان شوروی در لباس مبدل، ارتباط بین عمال شوروی و مأمورین آذربایجان هرچه زودتر بررسی کرده راجع به دوائر آنجا بازجویی و گزارش دهند.

با در نظر گرفتن محیط شورا هرگاه فوراً اعلامیه راجع به این موضوع صادر فرمائید حسن اعتماد و حسن نظر شورا را درباره ایران محکمتر خواهید فرمود.

در این جا اطمینان ندارند شوروی مداخلات خود را در امور آذربایجان تخفیف داده باشد. زیرا به قرار اطلاع حاصل از تهران مقامات شوروی از اجازه مسافرت به یکی از خبرنگاران خارجی که می‌خواسته است به آذربایجان برود، خودداری کرده‌اند و روشن است که شوروی با خروج قوای خود از مداخله در امور آذربایجان دست نکشیده بلکه بطوریکه شنیده می‌شود تحریک را به جانی خواهند کشانید که جنگ خانگی در ایران برپا شود.

فقط راه نجات ایران از این مخاطره توسل به دولت امریکا و شورای امنیت است حالا که سفیر کبیر جدید امریکا طرف اعتماد کامل وزیر امور خارجه امریکا است، وارد شده و شخصی است باهوش و متین و صاحب حسن تشخیص، عقیده دارم با کمال صراحت و بطور محرمانه تمام دردهای خودمان را به او بفرمائید تا وزارت امور خارجه

امریکا را در جریان گذاشته بلکه تا وقت از دست نرفته است ایران از این ورطه خلاص شود.

خواهشمند است مقرر فرمائید این جانب را متصل از جریانات مخصوصاً از نتیجهٔ بازجوئی آذربایجان مطلع نمائید. نمره: ۱۸۰۱۳۵ اردیبهشت «علاء»

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۲۳/۲/۱۳۲۵. نمره: ۲۵۷

جناب آقای نخست‌وزیر

«با اظهار امتنان از بیاناتی که راجع به کمک‌های موثر و قابل تقاضای شورای امنیت در موضوع ایران به خبرنگاران خارجی فرموده‌اید لزوماً توجه جنابعالی را به نکات ذیل معطوف می‌دارد:

از قرار معلوم روسها برای اغفال افکار عامه دنیا درصدد هستند راجع به تخلیهٔ کامل ایران اعلامیهٔ صادر نمایند. تصدیق می‌فرمائید که نه فقط صدور چنین اعلامیه‌ای حسب ظاهر مناسب نمی‌باشد بلکه موقعیت دشوار و خطرناکی را برای دولت ایجاد خواهد کرد زیرا روسها به اتکاء این اعلامیه به دنیا وانمود خواهد کرد دیگر قوای آنها در ایران نیست و اگر قیامی در ایران است قیام ملی و در اثر تمایلات خود اهالی است و اگر اغتشاش وجود دارد از ضعف و ناتوانی دولت است. از طرف دیگر با وسایل مختلفه‌ای که در دست دارند به آسانی تحریکات خودشان را باطناً شدیدتر خواهند ساخت لذا بنظر این جانب تنها راه علاج موثر این است که شکایت اصلی خودمان را که مداخله شوروی در امور داخلی ایران بود بار دیگر در شورا مطرح کنیم و این جانب در ضمن نامهٔ ششم به شورای امنیت در واقع مقدمهٔ تأمین این منظور را چیده‌ام.

چون امید نیست که با روسها بتوان در این مسائل کنار آمد مقتضی است جنابعالی هم صریحاً تلگراف فرمائید که در دستور قرار گیرد و به سفیر کبیر شوروی بفرمائید ما مطلب خومان را به شورای امنیت احاله کرده‌ایم شما هم که در آنجا نماینده دارید، میل داریم موضوع ایران فقط در آنجا حل شود با این ترتیب اتهام دورنی هم که به ایران نسبت داده و می‌گفتند در آن واحد هم با روسها مشغول مذاکره و هم به شورای

امنیت توسل یافته بودیم، رفع خواهد شد.

ماده یک قرارداد ۱۹۴۲ راجع به استقلال ایران و عدم مداخله هردو طرف در امور داخلی یکدیگر شایان توجه است. عدم رعایت این مواد و مداخله شوروی در امور ایران امروز در دنیا زبان‌زد شده و همه می‌دانند در اثر تقویت و تحریکات شوروی است که یک مشت اشخاص متمرّد جسارت آن را پیدا کرده‌اند که سرکرده خودشان را نخست‌وزیر خوانده و با نخست‌وزیر ایران در یک مجلس نشسته وارد مذاکره و از عقد قرارداد گفتگو کنند. اگر این عملیات مداخله شوروی نیست پس مداخله چیست و کدام قوه به این اشخاص جرأت مبادرت به چنین کارهایی می‌دهد.

کمیسیونی که برای بازجوئی به آذربایجان اعزام می‌فرمائید بهتر است که مرکب از هفت نفر باشد که چهارنفر آنها از افسران عالی‌رتبه ارتش باشند که بتوانند در کلیه شئونات و اوضاع آذربایجان بازرسی کامل به عمل بیاورند. ممکن است مواعی هم پیش آید که کمیسیون نتواند به آذربایجان برود. در اینصورت آیا تصور می‌فرمائید مناسب باشد که از شورای امنیت تقاضای اعزام هیئت بشود؟

می‌گویند رؤسای شهربانی و ارتش و شهرداری و متصدی رادیو تبریز همه از قفقاز هستند. بازجوئی کامل از هیئت رئیسه و صورت اسامی آنها دلیل بیشتری بدست ما می‌دهد که به شورا بگوئیم چون هنوز عمال و دست‌نشانده‌گان شوروی از مداخله در امور ایران دست نکشیده‌اند، شکایت اول ما که مداخله در امور ایران است هنوز به جای خود باقی است.

در خاتمه متذکر می‌شود بطوریکه خود جنابعالی هم توجه فرموده‌اید قوای متمرّدین آذربایجان که تربیت یافته عمال شوروی است تحت هیچ عنوانی نباید برقرار بماند. چه پادگان آذربایجان و چه پادگان فارسی همه باید واحد ارتش ایران را تشکیل داده و تحت فرماندهی ستاد ارتش مرکز باشند.

باز هم عرض می‌کنم امید ما دولت امریکا و شورای امنیت است و باید با کمال حقیقت و صفا حل مشکل خودمان را از آنها بخواهیم. به مواعید شوروی چشم امید بستن چنانکه ملاحظه می‌فرمائید نتیجه نداشت و ندارد. تعهد کرده بودند دوم مارس بروند، نرفتند بعداً اعلام کردند بیستم مه ایران را تخلیه می‌کنند معلوم نیست کاملاً تخلیه کرده باشند و با وجود این همه ابراز دوستی و علاقه به سعادت ایران فتنه و فساد

آذربایجان را برای ایران به پا نموده و برای تکمیل بدبختی ایران دنباله آن را هم خواهند گرفت تا جنگ خانمان سوز داخلی شعله‌ور و از ثمره آن بهره‌مند شوند.

جلوگیری از این پیش آمدها فقط و فقط از راه توسل به شورای امنیت و استمداد از

امریکا است ۲۱ اردیبهشت نمره ۱۴ علاء»

حسین علاء سفیر کبیر ایران و رئیس هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت با وجود دستورات پی در پی نخست‌وزیر ایران، به فشار خود در تعقیب امر ایران در شورای امنیت شدت می‌دهد «و زمانی که احمد قوام از حسین علاء سفیر کبیر ایران در واشنگتن و نماینده ایران در شورای امنیت می‌خواهد تا بی‌درنگ شکایت ایران را بازستاند او سرپیچی می‌کند. علاء را از دربار شاهنشاهی آگاه ساخته‌اند که قوام تحت‌تأثیر فشار روسها چنین تقاضائی کرده است و شاهنشاه با بازستاندن شکایت از شورای امنیت موافقت ندارد و یک چنین خطائی را هرگز نخواهند بخشید. در آن زمان شاه ایران تلاش برای احقاق حق ایران را در سه جبهه پیگیری می‌کرد:

اول - گفت و گوی مستقیم با دولت شوروی.

دوم - سود بردن از برخورد قدرت‌های بزرگ جهانی و در فشار گذاشتن امریکا

و انگلیس.

سوم - شکایت به شورای امنیت...

حال اگر علاء از خواست قوام چشم نمی‌پوشید و شکایت ایران را از شورای

امنیت باز می‌گرفت، ایران یکی از سه جبهه و در واقع مهمترین جبهه، خود را برای

بیرون راندن ارتش سرخ از دست می‌داد.»

به گزارشهای علاء از شورای امنیت توجه فرمائید:

شماره: ۴۲۹

تاریخ: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۵

پیوست: روزنامه شورای امنیت سفارت کبرای ایران

جناب آقای نخست‌وزیر - وزارت امور خارجه

تعقیب گزارش شماره ۱۰۷ مورخ ۹ اردیبهشت ۱۳۲۵ اینک جریان جلسه شورای امنیت را که روز هشتم مه مطابق ۱۸ اردیبهشت برای استماع گزارش ایران و شوروی دایر به تخلیه ایران تشکیل گردید به استحضار می‌رساند:

چنانکه بطور کلی در گزارشات و تلگرافات عرض شده است مداخلات شوروی در امور آذربایجان به حدی روشن و آشکار گردیده بود که با آنکه ایران شکایت خود را پس گرفت شوری در جلسه تاریخ فوق قطعنامه چهارم آوریل خود را تأیید کرده و به این ترتیب مجدداً به ایران و شوروی مجال داد که تا ششم مه از تخلیه کامل ایران گزارش خودشان را بدهند.

اعضاء شورا همه می‌دانستند که دولت ایران زیر فشار واقع و در اثر همین فشار بود که شکایت خود را از شورای پس گرفت لذا با اخذ تصمیم فوق خواستند این مطلب را برسانند که موضوع ایران یا نظیر آن که یک دولت کوچکی دچار تجاوز و زورگویی یکی از دول بزرگ و نیرومند قرار می‌گیرد و در اثر آن ممکن است صلح و امنیت دنیا به مخاطره افتد موضوعی است که جمیع ملل متحده نسبت به حل آن علاقه‌مند و تا موجبات رفع شکایت فراهم نگردیده و اطمینان به یک تصفیه عادلانه حاصل نشود شوری نباید از توجه و رسیدگی به آن منصرف شود. علاوه بر این چون در مورد ایران نقض عهد و مداخلات استقلال‌شکنی روسها در ایران بر همه اعضای شوری مسلم بود و توجه و علاقه خاصی نسبت به شکایت ما ابراز می‌داشتند و طبق ماده ۲۵ منشور بر ما واجب بود که تصمیم شورا را اجرا کنیم لهذا ضمن تلگرافات عدیده تقاضا شد اطلاعاتی را که شورا خواسته است پس از تحقیقات و تحصیل آنها تلگراف فرمائید که در ششم مه گزارش خودمان را به شورا بدهیم.

با وصول تلگرافات شماره ۵۹ و شماره ۱۵۴ جناب آقای نخست‌وزیر راجع به تخلیه چهار ایالت و مطالب دیگر زمینه تهیه گزارش بدست آمد و روز ۵ مه مطابق ۱۵

اردیبهشت به نیویورک رفتم که گزارش را به شورا داده و موقع تشکیل جلسه شورا هم آنجا باشم. گزارشی که تهیه و به شورا داده شد در صفحه ۴۲ شماره ۳۳ روزنامه شورا نشر یافته است که ملاحظه می‌فرمائید.

تهیه گزارش را تا ساعت پنج از ظهر روز ششم به تأخیر انداختم که اگر تا دقیقه آخر تلگرافی برسد در گزارش درج و آن را تکمیل نمایم لیکن چون تا آن ساعت تلگرافی نرسید گزارش نوشته شد و ساعت ۹/۳۰ بعدازظهر به دبیرکل ملل متحده تسلیم و مراتب ضمن تلگراف ۱۲۷ به اطلاع جناب آقای نخست‌وزیر رسید.

اجرای تصمیم شورا از طرف ایران یعنی تقدیم گزارش روزششم مه اثر خوبی را بخشیده و همه جراید اقدام ایران را در رعایت تصمیمات شورا ستوده و از رویه روسیه که حاکی از بی‌اعتنائی به شورا بود اظهار دلتنگی و بعضی هم سخت انتقاد کردند. در خود شورا هم که روز هشتم مه تشکیل گردید نماینده استرالیا غیبت نمایندگان شوروی را بی‌اعتنائی به شورا تلقی کرده و با لحن تندی راجع به سبک و روش شوروی بیاناتی نمود که عین آنها را در همان روزنامه شماره ۳۳ ملاحظه خواهند فرمود.

جلسه در حدود چهل دقیقه بیشتر طول نکشید و چون فقط از طرف ایران گزارشی رسیده بود شورا اطمینان نداشت که تخلیه کامل ایران صورت یافته باشد لهذا به پیشنهاد نماینده امریکا قطعنامه به اتفاق آراء گذشت که تا بیستم مه دولت ایران تخلیه تمام خاک ایران را از قوای شوروی به وسیله مأمورین خود بدست آورده بود و به شورا گزارش دهد، عین قطع‌نامه تلگرافاً در همان روز هشتم مه مخابره و جریان جلسه هم ضمن تلگراف شماره ۱۳۵ به استحضار عالی رسید. روز نهم مه مطابق ۱۹ اردیبهشت به واشنگتن برگشتم.

بطوریکه در تلگرافات شماره ۱۴۰ و شماره ۱۴۹ اشاره شده است گزارش شورا طوری تدوین گردید که به تقاضای تجدید موضوع، مداخله در دستور تعبیر شود. جراید هم همینطور تعبیر کردند. بنظر اینجانب شورویها با تمام وعده‌ها و اطمینانهای که به جنابعالی داده بودند نه از مداخله در امور آذربایجان دست برداشته و نه معلوم نیست کاملاً آذربایجان را تخلیه کرده باشند. لذا بطوریکه در تلگراف شماره ۱۴۹ امروز عرض شده هیچ چاره‌ای جز این نداریم که شکایات خود را در شورا تجدید و لااقل افکار عامه دنیا را در این آفتی که به آن دچار شده‌ایم پشتیبان خود قرار دهیم.

چون روز بیستم مه نزدیک است و باید در روز مزبور اطلاعی که توانسته‌ایم بدست آوریم به شورا بدهیم لهذا مشغول تهیه گزارش هستم که برای آن تاریخ حاضر باشد. ضمناً منتظر دستور تجدید امر در موضوع در شورا با اطلاعات بیشتری که ممکن است تا بحال از طرف مأمورین دولت به جنابعالی تقدیم شده باشد برای این جانب مخابره شود. سفیر کبیر حسین علاء.»

تخلیه ایران از قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی

بطوریکه دولت اتحاد شوروی وعده کرده بود سرانجام در روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۵ (ششم مه ۱۹۴۶) قوای نظامی خود را از خاک ایران فراخواند. «امروز روزی است که باید آخرین سرباز شوروی از ایران بیرون رفته باشد. دولتین ایران و شوروی هردو در این امر متفقند و به قرار اظهار رادیوهای خارجی همین امروز آقای علاء به نیویورک خواهد رفت که تخلیه کامل ایران از نیروهای شوروی را به شورای ملل متفق گزارش دهد.

این خبری است که تمام جهانیان را خرسند می‌کند. برای اینکه مسئله تخلیه ایران دیگر جنبه محلی خود را از دست داده و جنبه بین‌المللی به خود گرفته بود. هرکس وضع جغرافیائی ایران و منافع دول بزرگ را در نظر بگیرد تردید نخواهد کرد که امنیت ایران در امنیت تمام دنیا تأثیر دارد.

ما تردیدی نداریم که دولت شوروی شرافت قول و پیمان خود را از همه چیز بالاتر می‌داند. این صفتی است که حریف او چرچیل برای او تصدیق کرده است. ولی این نکته را نیز باید به خاطر داشت که فعلاً دولت هیچ وسیله کنترلی در دست ندارد که بداند آذربایجان تخلیه شده است یا خیر؟ ما به قول شوروی اعتماد کامل داریم ولی دولت هم وظیفه‌ای دارد. هرکس باید وظیفه خود را انجام دهد.

شوروی وظیفه خود را انجام می‌دهد و مطابق عهد و پیمان خود آذربایجان را تخلیه می‌کند ولی دولت ایران که سفیر کبیر خود را مأمور گزارش به شورای ملل متفق می‌کند و فردا نیز باید اعلامیه بدهد به اعتماد چه چیز گزارش یا اعلامیه می‌دهد که

آذربایجان تخلیه شده است. وسیله کنترل او چیست؟»^۷
 احمد قوام با شک و تردید خبر تخلیه ایران را از نیروی شوروی به سفرای خود
 در لندن و واشنگتن چنین گزارش می‌دهد:^۸

وزارت امور خارجه

تلگراف نمره ۱۸۲ به سفارت کبرای لندن

«برای تخلیه که وعده صریح شورویها به ششم مه بود ظاهراً عمل کرده از
 آنجاها که تحت نظر مأمورین ایران است گزارشهای مکرر رسیده و تمام نقاط را تخلیه
 کرده‌اند و به جای آنها قشون ایران وارد شده است. از آذربایجان هم تا حدی که
 می‌توانیم مطلع باشیم قشون روس خاک ایران را ترک نموده و تلگرافاتی که از تبریز و
 سایر نقاط آذربایجان به نمایندگان آذربایجان مقیم تهران می‌رسد حاکی از این است که
 روز پنجم مه تمام قشون روس از آذربایجان رفته و سرحدات را بسته‌اند ولی چون هنوز
 مأموری در آنجا نداریم نمی‌توانم گزارش صریح‌تر و قطعی‌تر از آنجا داشته باشیم.
 احمد قوام.»

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه نامه سفیر کبیر شوروی در ایران تاریخ ترجمه ۲۵/۳/۴
 تاریخ اصل ۲۳ مه ۱۹۴۶ مترجم دریایی
 جناب آقای قوام السلطنه نخست‌وزیر ایران

شهر تهران

جناب آقای نخست‌وزیر

«در تکمیل اظهارات شفاهی این جانب که در تاریخ ۲۲ مه سال جاری طبق

۷- رستاخیز، شماره ۵۱۲، شعبه ۱۸ دیماه ۲۵۳۵ نقل از روزنامه کیهان مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۵.

۸- آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

دستور دولت شوروی نموده‌ام با کمال احترام به این وسیله تأیید می‌نمایم که تخلیه کامل ایران از نیروی شوروی بر طبق تعلیمات و نقشه‌ای که از طرف ستاد نیروی نواحی ماوراء قفقاز در اواخر مارس سال جاری اعلام شده در تاریخ ۹ ماه مه خاتمه یافته است.
جناب آقای نخست‌وزیر خواهشمندم احترامات فائده من را قبول فرمائید.

ای. سادچیکف.»

Républiques

Тегеран, 23 мая 1946 года.

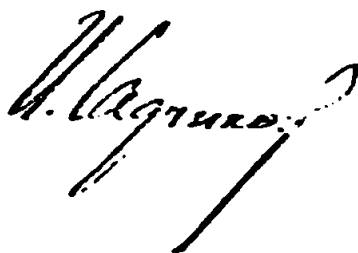
itiques Socialistes

en Iran

Уважаемый Господин Премьер-Министр,

В дополнение к моему устному заявлению, сделанному по поручению Советского Правительства 22 мая с.г., настоящим имею честь подтвердить, что эвакуация советских войск из Ирана полностью закончена 9 мая, согласно плану эвакуации, объявленному Штабом Закавказского Военного Округа в конце марта с.г.

Примите, Господин Премьер-Министр, уверения в самом глубоком к Вам уважении



Его Превосходительству
Г-ну КАМИЛЬ-ос-САДЖИКОВ,
Премьер-Министру Ирана,
г. Тегеран.

ترجمه نامه بهر نيزدني ايران



وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

تاريخ اصل ۴۲۰۰۰۰ ۱۹۴۹

تاريخ ترجمه ۲۵/۳/۴۵

مترجم

جناب آي و ام اسفند مست ندي ايران

مير تهران

جناب آي مست وزير

به نظر اوقات فضايل اينجانب که در تاریخ ۱۲/۱/۴۵ جاری بر طبق دستور دولت
موردی غیرمعمول با اطلاع قوام به بنده رسید تا بعد از نیم ساعت تحلیله نامه ایران که نيزدني موردی
بر طبق قیدیت زنده است که از طرف ستاد نيزدني خواهی بادره "تغییر" در "اداره" مارکس
جاری اعلام شده در تاریخ ۹/۱/۴۵ نامه منجمله بانه است -
جناب آي مست وزير فرايستم اقرار است تا نقد بر قبول مکنه -
ان شاء الله ای - سارده صلف

.....

.....

۱۲۲۵۰۰۰۰۰۰

پس از ابلاغ تذکاریه سفیر ایران در واشنگتن نظریات و توصیه‌هایی از راه دلسوزی برای نحوه کار و اتحاد روشمائی جهت حسن انجام وظایف دولت پس از تخلیه به نخست‌وزیر می‌دهد به گزارشات زیر توجه شود:

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۱۳۲۵/۲/۲۸ نمره ۲۷۷

جناب آقای نخست‌وزیر

« ۲۱۰ - خلاصه نظریات این جانب راجع به اقداماتی که مقتضی است دولت به عمل آورد این است:

۱- فوراً کمیسیون تحقیق به آذربایجان اعزام شود که از اوضاع نظامی و غیرنظامی آنجا گزارش جامعی بدهد.

۲- در صورت جلوگیری از کمیسیون دولت و ادامه مداخله و تشویق متمردين از طرف شورویها از شورای امنیت تقاضا شود کمیسیونی برای بازجوئی به آذربایجان اعزام دارند. اینکه می‌فرمائید اگر چنین کمیسیونی برود مدارکی راجع به کمک شوروی به آذربایجانها بدست نخواهد آمد بهترین مدرک قوای محلی است که در آذربایجان در مدت قلیل به وجود آمده و مهمات زیادی است که روسها به مأمورین مربوط داده‌اند. اضافه بر اینکه مقداری هم در نقاط مختلفه از قبیل مراغه، ابهر، میاندوآب مخفی کرده که در چنین موقع مورد استفاده آنها قرار گیرد.

۳- قوا و مأمورین دولت به آنجا اعزام گردد. وظیفه دولت است که با اعمال زور هم که باشد نگذارند لطمه به استقلال ایران وارد آید. منتها با مطالعه و رعایت احتیاطهای لازم والا بیم آن می‌رود که اگر این وضع ادامه یابد رفته رفته به این اشتها، تمام دنیا آن قطعه از خاک ایران را مجزا خواهند ساخت.

۴- باید به روسها صریحاً گفت که تا از مداخله خود دست برنداشته و اوضاع آذربایجان به همین حال ادامه یابد شروع به انتخابات برای دولت مقدور نیست.

در خاتمه از ذکر این نکته ناگزیر است که جنابعالی در تلگراف خودتان این عده آذربایجانها را نهضت‌طلبان و آزادی‌خواهان ذکر فرموده‌اید در صورتیکه تصور

می‌کنم یک مشت اشخاص خائن و متمردي هستند که منظور آنها تجزیه خاک ایران و لطمه به استقلال کشور است. آزادیخواه یعنی جنابعالی و بنده و امثال ما که اینطور با مشقت و رنج و نگرانی شب و روز زحمت می‌کشیم که استقلال ایران را حفظ کنیم. اطلاع می‌دهم که هنوز نتیجه مطالعات کمیسیون بدست نیامده بنابراین موضوع اولیه مربوط به مداخله روسها در امور ایران و موضوع دوم راجع به تخلیه کامل هردو در دستور شورا خواهد ماند تا نتیجه بازجوئی و مطالعات دولت معلوم گردد. خواهشمند است هر اطلاع تازه باشد مخابره فرمائید ۲۶ اردیبهشت. نمره ۱۴۹. «علاء».

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۱۳۲۵/۲/۳۰. نمره ۲۹۳

جناب آقای نخست‌وزیر

«تعقیب ۱۴۹ - کار ایران به مرحله خطرناکی رسیده به عقیده این جانب باید از دو راه یکی را انتخاب نمود یا آنکه سیاست مسالمت را ادامه داده از مداخلات شوروی و تحریکات آنها چشم‌پوشی نمود و بگذاریم آنچه را که هدفشان است به چنگ بیاورند و ما را قدم به قدم به پرتگاه نیستی ببرند و ایران استقلال خود را از دست بدهد یا اینکه به افکار عامه دنیا و کمک شورای امنیت و دوستی امریکا اتکا نمود. ولو اینکه آشکار کمک موثری از آنها نبینیم و تا مدتی گرفتار رنج و زحمت باشیم. بالاخره چون حقیقت و عدالت غلبه می‌کند مانند یونان و بلژیک و هلند و کشورهای مظلوم دیگر دوباره به حق خود برسیم.

اگر سر تسلیم در مقابل زور فرود بیاوریم و خودمان هیچ قدمی برنداریم و تقاضائی نکنیم دوستان ما در شورا مایوس شده نخواهند توانست بیش از این به ما کمک کنند. برای ابقای موضوع ما در دستور شورا خودمان باید مستقیماً تقاضا کنیم والا دولت امریکا به ملاحظه افکار عامه خودشان و تبلیغات مخالفینی که امریکا را در کارهای شوروی به تحریکات متهم می‌کنند در این باب ایستادگی نخواهند کرد.

در باب اعزام کمیسیون دولتی امید است اشخاص بی‌غرض و قابل اعتماد تعیین شده باشند و بتوانند سراسر آذربایجان را بازرسی کرد. از کیفیت مداخله روسها گزارش

جامعی به جنابعالی بدهند. در جراید می‌نویسند کمیسیون مذاکرات تهران را با پیشموری و همدستان او ادامه خواهند داد و دولت حاضر شده با تقاضای آنها کنار آید گرچه این کار خیلی بعید بنظر می‌رسد ولی می‌خواهم مجدداً عرض کنم بیش از این موافقت با پیشموری با شناختن استقلال آذربایجان توأم خواهد بود. ۲۸ اردیبهشت. نمره ۱۵۶. علاء»

احمد قوام در تعقیب توصیه‌های سفیر ایران در واشنگتن برای اطمینان خاطر وی به صدور بخشنامه‌هایی به عنوان سفارت ایران در واشنگتن و سایر نمایندگان گیهای ایران مبادرت ورزید.^۱

نخست‌وزیر

جناب آقای علاء سفیر کبیر ایران در امریکا

برای اینکه از کیفیت تخلیه تمام نقاط آذربایجان اطلاع حاصل شده باشد هیتی را برای بازرسی از تهران روانه کردم و در مدت یک هفته حدود آذربایجان را مانند تبریز و اطراف مرند و جلفا و خوی و سلماس و ماکو و رضائیه و میاندوآب که عبارت از نقاط حساس آذربایجان است به دقت تفتیش نموده و طبق گزارشات تلگرافی که داده‌اند به هیچ وجه اثری از قوای شوروی و مهمات و وسایل نقلیه آنها یافت نشده بطوری که در کلیه نقاط از معتمدین محل تحقیق نمودماند در ششم ماه مه آذربایجان از قوای شوروی تخلیه شده است.

نمره ۱۱۳۱ قوام السلطنه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۲۵

عین این تلگراف دیروز به نمایندگان گیهای ایران در خارجه بطور بخشنامه تلگراف شد.

نخست‌وزیر برای تأیید بخشنامه فوق‌الذکر در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۲۵ بخشنامه دیگری به عنوان نمایندگان گیهای ایران به قرار زیر ارسال داشت.^{۱۰}

۹- آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

۱۰- ایضاً.



جناب آقای علاء سفیر کبیر ایران در آمریکا

شده است. { ۱۱۳۱ } قوام محله ۳۱ روری ۱۳۲۵

سفارت کبرای ایران...

نمره: ۶۴

به تاریخ: ۱۳۲۵/۳/۴

بخشنامه

«ابلاغیه را که در روز سوم خرداد صادر و منتشر نموده‌ام ذیلاً برای آگهی درج می‌نمایم. ابلاغیه در نتیجه بازجویی‌هایی که به وسیله مأمورین اعزامی به آذربایجان به عمل آمده است و تخلیه آذربایجان را از ارتش سرخ تصدیق نموده‌اند و گزارشی که طبق بازجویی‌های مزبور تلگرافاً به سفارت کبرای دولت ایران در واشنگتن داده شده که به استحضار شورای امنیت برساند. اینک نامه‌ای هم از سفارت کبرای شوروی به این جانب رسیده است عین آن را برای مزید اطلاع عامه ذیلاً نقل می‌نمایم. (نامه در سابق ذکر شده است)... قوام السلطنه ۴ خرداد ۱۳۲۵.»

حسین علاء سفیر ایران با وجود تخلیه ایران از ارتش سرخ معذک نگران اوضاع آذربایجان است و این نگرانی را ضمن ارسال تلگراف زیر چنین اظهار می‌کند: ۱۱

وزارت امور خارجه

از واشنگتن... به تاریخ ۱۳۲۵/۳/۵. نمره ۳۳۶

جناب آقای نخست‌وزیر

« ۲۴۳ - چون می‌دانم جنابعالی باطناً با اقدامات این جانب که کاملاً منطبق با اطلاعاتی است که به این جانب مخابره فرموده‌اید موافق هستید و نیز می‌دانم هردو برای هدف واحدی یعنی حفظ استقلال ایران تلاش می‌کنیم باید آنچه را به نظر می‌رسد و به صلاح کشور می‌دانم بی‌پرده و صریح عرض کنم که بعدها ندامت نبریم. نامه‌ای که به‌شورا نوشتم عین حقیقت و طبق اطلاعاتی است که تلگراف فرموده‌اید علاوه بر این در تلگراف ۱۴۹ نیز اطلاع دادم که خیال فرستادن چنین نامه‌ای دارم و

ایراد نگردید و هرگاه در تهران اداره تبلیغات اعلام نکرده بود که قوای شوروی روز ششم مه ایران را تخلیه کرده‌اند که بعداً خود روسها با اعلامیه خود در واقع تاریخ آن را تکذیب کرده‌اند و اداره مزبور با انتشارات خود، مطلب نامه این جانب را مست نکرده بود شورا قطعاً تصمیم می‌گرفت که هیئتی برای بازرسی به آذربایجان اعزام دارد و هنوز هم با وجود اظهاراتی که از تهران نشر گردیده شورای امنیت و دوستان ما از فکر فرستادن چنین هیئتی منصرف نشده‌اند.

نامه بیستم مه در جلسه بیست و دوم مورد بحث قرار گرفت و راجع به مطالب آن اعضاء شورا از این جانب سوالاتی کردند. طبق اطلاعاتی که در دست داشت جواب گفتم و حقایق را به اطلاع آنها رساندم. بنده به جنابعالی اطمینان می‌دهم که اعضاء شورای امنیت منابع مستقیمی دارند که از جزئیات جریان اوضاع کنونی آذربایجان آنها را واقف می‌سازند و به همین جهت است که همه می‌دانند مطالبی را که بیان کردم مبتنی بر حقیقت بوده و فقط شمه‌ای از وقایع ایران را گفتم. حالا اگر این نامه را پس بگیرم مجبورم صریحاً تذکر بدهم که انعکاس آن برای آینده ایران زیان خواهد داشت که جبران آن به این آسانیا قابل حصول نخواهد بود. ما نمی‌توانیم حقیقت را کتمان کنیم روسها در آذربایجان مقدماتی روی کار آورده‌اند یک دولت دست‌نشانده را فراهم و درصدد آن هستند که بنیان آن را محکم و با تجزیه ایران متدرجاً سراسر کشور را تحت نفوذ خود درآورند. بر تهران مسلط و به خلیج فارس دست یابند. هم‌اکنون پیشموری خود را رئیس‌الوزراء خوانده از اعزام هیئت به تهران و پذیرفتن نمایندگان تهران دم می‌زند. غرور و گستاخی را به جانی رسانده که به حال جنابعالی ترحم نمی‌نمایند. از دفاع آذربایجان گفتگو می‌کند که تا آخرین قطره خون خودشان با قوای دولتی مقاومت خواهد نمود. از حدود و مرزهای خاک آذربایجان حرف می‌زند و به کمک‌های معنوی شوروی اقرار می‌کند و به خود حق می‌دهد که به خیال خود مرکز ایران را از عناصر نامطلوب پاک کند. در این جا برکس پوشیده نیست که امروز اکثر رؤسا و متخصصین دوائر آذربایجان از بادکوبه و قفقاز آمده‌اند و حال آنکه هفت ماده که جنابعالی پیشنهاد فرموده‌اید هیچ اجازه چنین اختیارات را نمی‌دهد. با وصل این احوالات چطور می‌شود ساکت نشست و لااقل اطلاعاتی را که جنابعالی به این جانب مخابره فرمودید کتمان کنم. اگر غیر از این می‌کردم از وظیفه خود قصور و شرایط وطن‌پرستی را به‌جا نیاورده

بودم.

امروز نمی‌شود به انکاء دنیا اعتنا نکرد. فشار همین انکاء بود که شوروی را وادار به تخلیه ایران کرد و همین انکاء پشتیبان جنابعالی خواهد بود تا غائله آذربایجان را بخوابانید. اطمینان دارم جنابعالی از این اوضاع ایران سخت مکدر و عقب چاره می‌گردید که ایران را از این بلای عظیم نجات دهید. راه نجات آن را مکرر گفته و اکنون هم تکرار و تأکید می‌کنم که با اوضاع حاضر جهان راه دیگری جز طلب کمک از شورای امنیت و دوستان خودمان نداریم ولو اینکه ایام سختی را بگذرانیم و تا آذربایجان از وجود متمردين بکلی پاک نشده و سراسر آن قطعه خوب در قلمرو کامل دولت درنیامده است مفتضی است موضوع مداخله که اساس شکایت آن در شورای امنیت مطرح گردید در دستور بماند. ۳ خرداد. نمره ۱۷۱. علاء».

احمد قوام نخست‌وزیر به جای اینکه به نصایح و توصیه‌های سفیر ایران در واشنگتن و یا به ندای رجال و سیاستمدارانی که بنظر او «خیانتکار و فرومایه بودند» توجهی کند درصدد برآمد دنباله مذاکرات خود را با سران حکومت خودمختار آذربایجان ادامه دهد و برای انجام این مقصود هیئتی را زیر سرپرستی مظفر فیروز که عهده‌دار وزارت کار و تبلیغات بود و در ضمن نیز سمت معاونت سیاسی نخست‌وزیر را داشت با همراهی سرلشکر هدایت معاون وزارت جنگ، سرتیپ محمدعلی علوی مقدم، موسوی‌زاده، مهندس خسرو هدایت، نماینده اداره تبلیغات و دونفر منشی با هواپیما به تبریز فرستاد. این هیئت در ساعت ۸ صبح روز ۲۱ خرداد ۱۳۲۵ به سمت تبریز پرواز کردند.

مظفر فیروز و پیشه‌وری:

در فرودگاه تبریز از هیئت مزبور استقبال شایانی به عمل آمد و مراسم احترامات نظامی معمول گردید و به وسیله دکتر سلام‌الله جاوید استاندار (؟) آذربایجان خیرمقدم گفته شد و با اتوبوسهائی که قبلاً حاضر کرده بودند به شهر عزیمت کردند. از فرودگاه تا شهر در معبر هیئت به وسیله سربازانی که پیاده و سواره با فواصل معین ایستاده بودند احترامات نظامی به عمل آمد. هیئت در خانه متعلق به جوادی نام بازرگان اقامت نموده ژنرال پناهیان مأمور پذیرائی هیئت گردید. نیمساعت پس از ورود هیئت پیشه‌وری صدر

فرقه دموکرات و شبستری رئیس مجلس ملی و سپس رؤساء مختلف محلی تدریجاً به دیدن هیئت آمدند و پس از دید و بازدید مذاکرات میان هیئت و سران حزب دموکرات شروع شد. مذاکرات غالباً تا نیمه شب ادامه می یافت تا آنکه سرانجام در ساعت ۲۲ روز ۲۳ خرداد ۱۳۲۵ موافقتنامه زیر به عنوان توضیح و تکمیل مواد هفتگانه ابلاغیه مورخ دوم اردیبهشت ماه ۱۳۲۵ بین طرفین امضا و مبادله گردید:

شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۲۵

موافقتنامه هیئت اعرامی مرکز و نمایندگان آذربایجان

در نتیجه مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان و با توجه به مواد هفتگانه ابلاغیه مورخه دوم اردیبهشت ۱۳۲۵ دولت که مورد قبول نمایندگان مزبور واقع گردیده و در نتیجه تبادل افکار توافق نظر حاصل شده که مواد زیر به عنوان توضیح و مکمل آن تنظیم گردیده به موقع اجرا گذارده شود:

ماده ۱- نسبت به مفاد ماده اول ابلاغیه صادره دولت موافقت حاصل شد که جمله زیر به آن اضافه گردد: (رئیس دارائی نیز بنابر پیشنهاد انجمن ایالتی و تصویب دولت تعیین شود.)

ماده ۲- چون در ماده ۲ ابلاغیه دولت مقرر گردیده که تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی یا دولت خواهد بود به منظور اجرای اصل مزبور موافقت حاصل شد که وزارت کشور استاندار را از میان چند نفر که انجمن ایالتی تعیین خواهد نمود برای تصویب به دولت پیشنهاد نماید.

ماده ۳- نظر به تحولات اخیر در آذربایجان، دولت سازمان فعلی را که به عنوان مجلس ملی آذربایجان انتخاب و تشکیل شده است به منزله انجمن ایالتی آذربایجان خواهد شناخت و پس از تشکیل مجلس پانزدهم و تصویب قانون جدید انجمن ایالتی و ولایتی که از طرف دولت پیشنهاد خواهد شد انتخاب انجمن ایالتی آذربایجان طبق قانون مصوبه شروع خواهد شد.

ماده ۴- برای تعیین تکلیف قوای محلی و فرماندهان آن که در نتیجه تحول و نهضت آذربایجان نفرات آن از افراد نظام وظیفه احضار گردیده اند و با امضای این قرارداد جزء ارتش ایران محسوب می شوند، موافقت حاصل شد کمیسیونی از نمایندگان دولت

جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل تشکیل و راه حل آن را هر چه زودتر جهت تصویب پیشنهاد نماید.

ماده ۵- نسبت به وضع مالی آذربایجان موافقت حاصل گردید ۷۵ درصد از عواید آذربایجان جهت مخارج محلی اختصاص و ۲۵ درصد جهت مخارج عمومی کلیه کشور ایران به مرکز فرستاده شود.

تبصره ۱- مخارج و عوائد ادارات پست و تلگراف و گمرک و راه آهن و کشتی رانی دریاچه ارومیه مستثنی بوده و مخارج و عوائد آن کاملاً بر عهده و منحصر به دولت خواهد بود. توضیح آنکه تلگرافات انجمن های ایالتی و ولایتی و دوائر دولتی آذربایجان مجاناً مخابره خواهد شد.

تبصره ۲- ساختمان و تعمیر راههای شوسه اساسی بر عهده دولت و احداث و تعمیر راههای فرعی و محلی بر عهده انجمن ایالتی آذربایجان است.

تبصره ۳- دولت برای قدردانی از خدمات برجسته آذربایجان به مشروطیت ایران و به منظور حق شناسی از فداکاریهایی که مردم غیور آذربایجان در راه استقرار دموکراسی و آزادی نموده اند قبول نمود که ۲۵ درصد از عوائد گمرکی آذربایجان را جهت تأمین مصارف دانشگاه آذربایجان اختصاص داده شود.

ماده ۶- دولت قبول می کند که امتداد راه آهن میانه تا تبریز را هر چه زودتر شروع و در اسرع اوقات انجام دهد. بدیهی است که جهت انجام این امر کارگران و متخصصین آذربایجانی حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۷- قوای داوطلبی که غیر از نظام وظیفه بنام فدائی در آذربایجان تشکیل شده به ژاندارمری تبدیل می گردد و برای تعیین تکلیف قوای انتظامی مزبور همچنین تعیین فرماندهان موافقت حاصل شد که کمیسیونی از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و انجمن ایالتی آذربایجان در محل، تشکیل و هر چه زودتر راه حل آن را جهت تصویب پیشنهاد نماید.

تبصره - نظر به اینکه در سنوات اخیر بر اثر بعضی اعمال نام امنیه و ژاندارمری در پیشگاه افکار عمومی ایران خصوصاً آذربایجان احساسات مخالف و نامناسبی نموده است و نظر به اینکه رئیس دولت شخصاً فرماندهی این سازمان را اخیراً عهده دار گردیده و انتظار آغاز اصلاحات و تصفیه این اداره از عناصر ناصالح می رود. موافقت شد

که احساسات عمومی و مخصوصاً اهالی آذربایجان نسبت به ژاندارمری به استحضار رئیس دولت برسد تا برای تغییر اسم آن و انتخاب نام مناسب جهت سازمان مزبور تصمیمات مقتضی را اتخاذ فرمایند.

ماده ۸- نسبت به اراضی که در نتیجه نهضت دموکراتیک آذربایجان میان دهقانان و زارعین تقسیم گردیده آنچه مربوط به خالصجات دولتی است چون دولت با تقسیم خالصجات میان دهقانان و زارعین در تمام کشور اصولاً موافق است اجرای آن را بلامانع دانسته و لایحه مربوطه آن را در اولین فرصت برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود و آنچه از اراضی غیر در نتیجه تحولات اخیر آذربایجان بین رعایا تقسیم شده موافقت حاصل شد که جهت جبران خسارات مالکین یا تعویض املاک آنها کمیسیون از نمایندگان دولت جناب آقای قوام السلطنه و نمایندگان انجمن ایالتی تشکیل و راه حل را جهت تصویب پیشنهاد نماید.

ماده ۹- دولت موافقت می کند با افتتاح مجلس پانزدهم لایحه قانونی انتخابات را که روی اصل آزادی و دموکراسی یعنی با تأمین رأی عمومی مخفی و مستقیم متناسب و متساوی که شامل نسوان هم باشد تنظیم و قبول آن را به قید فوریت خواستار شود. دولت همچنین قبول می نماید به منظور ازدیاد نمایندگان آذربایجان و سایر نقاط کشور به تناسب اهالی نقاط مختلف به مجرد افتتاح مجلس پانزدهم لایحه قانونی را پیشنهاد و به قید دو فوریت تقاضای آن را بنماید تا پس از تصویب به وسیله انتخابات کسری نمایندگان نقاط مزبور تعیین و به مجلس اعزام گردند.

ماده ۱۰- ایالت آذربایجان عبارت از استانهای ۳ و ۴ خواهد بود.

ماده ۱۱- دولت موافقت دارد که جهت تأمین حسن جریان امور آذربایجان شورای اداری از استاندار و رؤسای دارات و هیئت رئیسه انجمن ایالتی تشکیل و انجام وظیفه نماید.

ماده ۱۲- به ماده ۳ ابلاغیه مورخه ۲ اردیبهشت ۱۳۲۵ که از لحاظ تعیین تکلیف مدارس متوسطه و عالی دارای ابهام می باشد جمله زیر اضافه می گردد:

در مدارس متوسطه و عالی تدریس به دو زبان فارسی و آذربایجانی طبق برنامه وزارت فرهنگ که با در نظر گرفتن شرایط زبان و مکان، اصلاح و موافق موازین دموکراتیک و اصول مترقی جدید تنظیم گردیده تدریس خواهد شد.

ماده ۱۳- دولت موافقت دارد که اگراد مقیم آذربایجان از مزایای این موافقت‌نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۳ ابلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدائی به زبان خودشان تدریس نمایند.

اقلیت‌های مقیم آذربایجان از قبیل آسوری و ارمنی حق خواهند داشت تا کلاس پنجم ابتدائی را به زبان خودشان تدریس نمایند.

ماده ۱۴- چون دولت در نظر دارد قانون انتخابات جدید شهرداری‌ها را جهت تمام ایران روی اصول دموکراسی یعنی رای عمومی و مخفی و مستقیم و متساوی به مجلس پانزدهم پیشنهاد نماید به مجرد تصویب قانون مزبور انتخابات و انتخاب جدید انجمن شهرداری‌ها در آذربایجان و تمام نقاط ایران شروع خواهد شد و تا تصویب قانون مزبور و انتخاب جدید انجمن‌های شهرداری فعلی آذربایجان وظایف خود را انجام خواهند داد.

ماده ۱۵- این موافقت‌نامه در دو نسخه تنظیم و مبادله گردید و پس از تصویب هیئت دولت و انجمن ابالتی آذربایجان به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

تبریز به تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۲۵

مظفر فیروز پشهوری

مفاد قرارداد در همان شب انعقاد از رادیو تبریز به وسیله مظفر فیروز با آب و تاب زیاد ضمن ابراز خوشوقتی از این موفقیت که نصیب کمیسیون شده است، پخش گردید و ناطق ضمن بیانات خود اظهار داشت که «جا دارد کلیه ملت ایران به پاس این موفقیت جشن بزرگی برپا سازد.»^{۱۲}

۱۲- مظفر فیروز علاوه بر این مذاکرات در خفا با پشهوری قراردادی امضا کرد که در آن یکباره تیشه به ریشه استقلال آن می‌زد: «... گرچه دربار با زمامداری آقای قوام موافقت کرد ولی بدگمانی فیمابین دربار و نخست‌وزیر باقی ماند و خصوصاً بعد از این که اسناد و مدارکی که در آذربایجان (راجع به مظفر فیروز) بدست آمد این بدگمانی را زیادتر کرد. طبق این اسناد به موجب اظهارات بعضی از رؤسای آذربایجان که از طرف ارتش دستگیر شدند قرارداد ذیل فیمابین مظفر فیروز و پشهوری منعقد گردیده است: در آذربایجان ارتش نیرومندی تشکیل شده بود و سپس به پادشاه جوان ایران فشار آورده و او را وادار به استعفا کنند و کشور ایران مبدل به جمهوری گردد.»

مظفر فیروز پس از این پیروزی درخشان که بنیان آن بر روی خیانت و جنایت استوار شده بود، به تهران مراجعت کرد و قرار شد نمایندگان نظامی به مذاکرات خود ادامه داده پس از اخذ نتیجه نهائی به تهران مراجعت نمایند.

رادیو لندن در خصوص اعزام هیئت نمایندگی تهران به تبریز گفته‌های پیشه‌وری را درباره نتیجه مذاکرات تهران و تبریز چنین پخش کرد:۱۳

رادیو لندن - طبق خبری که روز ۲۳ ماه از تبریز رسیده است پیشه‌وری اظهار داشته هیئتی که به آقای قوام‌السلطنه گزارش داد که آذربایجان تخلیه شده است برای بازدید تمام آذربایجان آزاد بود به جز تأسیسات نظامی ارتش دموکرات. این هیئت طبق اظهارات رئیس فرقه دموکرات می‌توانست با افراد دموکرات یا بدون آنها تمام آذربایجان را ببیند ولی پیشه‌وری نیز گفته است «البته ما نمی‌توانستیم بگذاریم پادگانهای نظامی را تا موقعی که مذاکرات از نو شروع نشده است مورد بازرسی قرار دهند».

پیشه‌وری نیز اظهار داشته است که مذاکرات بین حکومت مرکزی و آذربایجان به زودی در تبریز آغاز خواهد شد و آقای قوام‌السلطنه میسبونی به اینجا خواهد فرستاد که انتظار ورود آنان را داریم...

پیشه‌وری گفته است «که اختلافات بین پیشنهادات تبریز و حکومت مرکزی خیلی کم و ناچیز است و من اطمینان دارم که این اختلاف نیز بطور رضایتمندانه حل گردد. هدف ما حل کردن موضوع از طریق مسالمت است با وجود آنچه می‌گویند نود و نه درصد امید موفقیت در حل موضوع از طریق مسالمت می‌رود».

پیش‌بینی پیشه‌وری به حقیقت مقرون بود زیرا می‌دانست که نخست‌وزیر و معاون او تصمیم دارند با اتخاذ سیاست به اصطلاح مسالمت‌آمیز تا چه اندازه در بدست آوردن دل زمامداران قلابی حکومت قلابی خودمختار آذربایجان و اربابان آنان کوشا و سعی هستند. چنانکه عقد موافقتنامه فوق‌الذکر این پیش‌بینی را ثابت و به حقیقت نزدیک کرد. ولی طرفین به این نکته متوجه نبودند که قدرتهای دیگری در این میانه وجود دارد که ممکن است مردانه چون کوهی آهین در برابر امیال خیانتکارانه آنان ایستادگی نماید. تفصیل آنکه چون نمایندگان نظامی که برای ادامه مذاکرات مسائل مربوط به

ارتش در تبریز مانده بودند با پیشنهادات فرقه موافقت نمی کردند و اقدامات خود را بدون نتیجه می دیدند پس از امتناع از امضای موافقتنامه راجع به امور ارتشی به تهران مراجعت نمودند و مقرر شد مجدداً هیئتی از سران فرقه دموکرات به تهران آمده پیشنهادهای خود را در هیئت دولت مطرح نمایند. به این منظور هیئتی مرکب از اشخاص زیر: شبستری صدر فرقه دموکرات، دکتر سلام الله جاوید به اصطلاح استاندار آذربایجان، صادق پادگان رئیس سابق حزب توده، ژنرال پناهیان رئیس ستاد قوای دموکرات، سرهنگ مرتضوی افسر فرقه دموکرات در تاریخ ۳۰ مرداد ماه ۱۳۲۵ به تهران وارد شده در جوادیه که برای اقامت آنان معین گردیده بود، سکونت کردند.^{۱۴}

با ورود این هیئت به تهران هیاهو و تظاهرات بسیار به عمل آمد و روزنامه‌های موافق دولت و مخالفین که عموماً منتسب به نهضت دموکرات آذربایجان یا احزاب دست‌چپ بودند و همیشه منتظر و مترصد بودند تا وسیله‌ای بدست آورند و تظاهر و هیاهویی بنمایند ورود این هیئت را مفتنم شمردند و به نشر مقالات بسیاری مبادرت ورزیدند.

بلافاصله پس از ورود هیئت به تهران آقای نخست‌وزیر کمیسیونی با حضور آنها تشکیل داد و شروع به رسیدگی به تقاضاهای این هیئت نمود. وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش و معاون وزارت جنگ نیز در کمیسیونهای مربوط به امور نظامی شرکت نمودند. برای آنکه نوع این مذاکرات کاملاً روشن شود و خواننده به موضوع آن پی برد یادآور می‌شود که هیئت اعزامی به آذربایجان که به ریاست مظفر فیروز و عضویت معاون وزارت جنگ و سرتیپ علوی مقدم بود در تبریز مذاکراتی در باب امور نظامی آذربایجان نموده بودند که خلاصه آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- به رسمیت شناختن افسران ارتش آذربایجان به شرح زیر:

۱۶۰ تن از افسران فراری ارتش مرکزی هریک با دو درجه بالاتر از درجه‌ای که

در ارتش ایران داشتند.

۳۵۰ تن از مهاجرین که هریک درجاتی زده بودند و ۴ نفر از آنها دارای رتبه

سرتیپی بودند، از جمله غلام یحیی و کبیری و سیف قاضی.

۳۰۰ تن از گروه‌بانان که آموزشگاه یا دانشکده تبریز را در مدت چندماه طی کرده ستوان ۲ شناخته شده بودند و من حیث‌المجموع ۸۱۰ تن افسران فرقه از طرف ارتش به رسمیت شناخته شوند.

۲- حکومت تهران بودجه کامل لشکر آذربایجان را طبق نظر حکومت آذربایجان بپذیرد و در سال ۱۵ میلیون ریال اعتبار کامل آن قوا را بپردازد.

۳- فرمانده لشکر و تیپ باید با نظر انجمن ایالتی آذربایجان تعیین شوند.

۴- افراد وظیفه آذربایجان باید فقط در آذربایجان به خدمت گمارده شوند و به جای دیگر اعزام نگردند.

۵- در صورتیکه عملیاتی در ایران پیش آمد نماید در صورت تصویب انجمن ایالتی ممکن است قوای آذربایجان در آن شرکت نمایند.

۶- افسران آذربایجان به هیچ‌جا منتقل نشوند و احدی از افسران ارتش هم بدون نظر انجمن ایالتی به آذربایجان منتقل نگردند.

بطور خلاصه نظر حکومت آذربایجان بر این بود که ارتشی از عناصر مورد نظر و توجه خود تشکیل دهد که حکومت مرکزی به هیچ‌وجه در آن مداخله نکند و حتی حق کوچکترین استفاده و صدور دستوری را به آن نداشته باشد و فقط ۱۵ میلیون اعتبار سالیانه آن را بپردازد و کلیه احتیاجات آن قوا را از لحاظ ساز و برگ، اسلحه و مهمات و غیره مطابق نظر و تقاضای حکومت آذربایجان مهیا سازد.

بطوریکه اسناد مقامات رسمی نشان می‌دهد اولین جلسه مذاکره با حضور آقای نخست‌وزیر و در منزل ایشان تشکیل شد و کلیه پیشنهادها قرائت گردید.

رئیس ستاد ارتش سرلشکر رزم‌آرا اظهار داشت که:

«این پیشنهادها بنابر آنچه توجه و ملاحظه می‌شود متضمن حکم قطعی انحلال

ارتش ایران است. زیرا افسرانی که اسم برده شد جز پناهیان که حاضر می‌باشد، عموماً افسرانی هستند که از ارتش ایران فرار و بر ضد حکومت مرکزی قیام کرده‌اند و تمام افسران از سوء اعمال و رفتار آنها باخبر می‌باشند. پذیرفتن چنین عناصری به اسم افسر بزرگترین لطمه را به ارتش وارد خواهد ساخت. از طرف دیگر درجه‌دادن به بعضی اشخاص از لحاظ احتیاج و فنی بودن برخلاف مقررات ارتش است و به هیچ‌وجه نمی‌توان آنها را با آن درجات پذیرفت. راجع به گروه‌بانانی که افسر شده یا دانشکده

افسری را دیده‌اند بایستی دید اولاً حائز شرایط هستند یا خیر و بعد هم باید امتحانات لازمه از آنها بشود و در غیر این صورت به هیچ‌وجه پذیرفتن این پیشنهادها برای ارتش ایران مقدور نیست و قبول چنین پیشنهادهایی به منزله خیانت رسمی به کشور و تاریخ ایران خواهد بود.» این گفتار برای هیئت اعزامی بسیار سنگین و نامطلوب بود و در پاسخ گفتند که افسران فراری نهضت واقعی را به وجود آورده‌اند و در صورتیکه نهضت از طرف نخست‌وزیر وقت به رسمیت شناخته شده است پس آنها هم عموماً حائز رسمیت می‌باشند. مظفر فیروز در این جلسات طرفداری بسیار مناسبی از نمایندگان آذربایجان کرد و هر روز فشار شدیدی برای قبول این پیشنهادهای غیرقابل قبول وارد می‌نمود و برای اینکه نظریات تکمیل شود بیش از ده جلسه در منزل نخست‌وزیر و در وزارت کار تشکیل گردید ولی مقامات ارتش جداً و با تمام قوا پیشنهادها را رد و اظهار نمودند که این تقاضاها به هیچ‌وجه عملی نیست. حتی در یکی دو جلسه این مذاکرات به مباحثه سخت و شدید خاتمه یافت.

«پس از آنکه با ایستادگی مقامات نظامی از مجموع این مذاکرات نتیجه‌ای اخذ نشد مظفر فیروز پیشنهاد کرد که تصویب‌نامه‌ای از هیئت دولت بگذرد و به درجات این افسران رسمیت داده شود و اگرچه غالب اعضاء هیئت اعزامی با این پیشنهاد موافق بودند ولی پناهیان چون می‌دانست این تصویب‌نامه‌ها ارزشی ندارد برای گذراندن تصویب‌نامه مذکور از شاه ایران پافشاری کرد و به همین جهت روزی مظفر فیروز با نمایندگان آذربایجان به ملاقات شاه ایران رفته و پس از معرفی افراد مذکور رسماً تصویب درجات منظور را از وی تقاضا نمود. در مقابل این تقاضا شاه ایران گفت: «به هیچ قدرت من با دادن چنین اجازه‌ای که برخلاف مقررات ارتش می‌باشد نمی‌توانم موافقت نمایم و حتی بلافاصله وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش را احضار کردند و اظهار نمود: «به ما چنین پیشنهادهایی داده شده ولی باید بدانید که این پیشنهادها متضمن خیانت مسلم به کشور و میهن است و من به هیچ‌وجه آنها را نمی‌پذیرم و با تمام قوا رد خواهم کرد چه به میهن و ارتش علاقمندم و حاضرم از سلطنت در صورت اجبار کناره‌گیری کنم (؟) ولی اقدامی که به ضرر کشور و ارتش باشد مرتکب نشوم.» توقف این هیئت مدت چندماه در تهران به طول انجامید. مظفر فیروز آنچه در قدرت داشت برای عملی کردن تقاضاهای نامشروعش سعی و جدیت نمود و حتی معاون نخست‌وزیر التماس و تضرع

کرد تا درخواستهای پیشنهادی پذیرفته شود ولی شاه گفت: «دست من بریده می‌شود ولی چنین فرمان جنایت آمیزی را امضاء نمی‌کنم (؟)». معاون نخست‌وزیر اجازه خواست به مسئولیت خود این کار را انجام دهد ولی شاه با تشدد و تعصب مخالفت نمود.

«پس از آنکه هیئت اعزامی با تمام فشار به هیچگونه موفقیتی دست نیافت و تمام تقاضاهای نظامی آن با یأس و ناامیدی مواجه شد. این‌طور به خاطر اعضاء هیئت رسید که با حضور مقامات خارجی این موضوع را مطرح نمایند. در نتیجه روزی مقامات رسمی خارجی با حضور نخست‌وزیر و رئیس ستاد جداً قبول پیشنهادهای نظامی هیئت را خواستار شدند. ولی رئیس ستاد ارتش عدم امکان اجرای این تقاضاها را تشریح و گوشزد نمود که قبول این پیشنهادها متضمن تخریب قطعی ارتش است و به هیچ صورت نمی‌توان آنها را قبول کرد و برای اثبات ادعای خود ذکر کرد که طبق قوانین و مقررات موجود هر افسری از ارتش خارج شود اگر بخواهد مجدداً استخدام گردد می‌توان او را با یک درجه مادون قبول کرد و بنابراین اگر فرض کنیم که این عناصر طبق فرمان نخست‌وزیر بخشوده شده‌اند و نهضت آنها به رسمیت شناخته شده است قبول آنان با یک درجه مادون مقدور است. مقامات خارجی اظهار نمودند این افسران اخراج نشده‌اند زیرا بی‌خبر بودند که در ماه قبل همه آنها در احکام اخراج شده‌اند. ولی رئیس ستاد ارتش جریان اخراج و حتی احکام آن را ارائه داد ولی باز آنها در تقاضای خود اصرار می‌ورزیدند. پناهیان با کمک افراد حزب توده و همفکران خود در این مدت بیکار ننشسته و لاینقطع مشغول تبلیغ برای جلب افسران بود. وزرای موافق با این پیش‌آمدها نیز کار را به جایی رسانیدند که شبی در هیئت وزیران ضمن مذاکرات به ذکر خرابی‌های ارتش مشغول شدند و پیشنهاد نمودند که اگر دولت بخواهد ارتش از این صورت خارج شود و بصورت منظمی درآید باید افسران حاضر را بکلی برکنار کرد و ریاست ستاد را به پناهیان واگذار کند. این پیشنهاد نظر وزیران توده و مورد موافقت بعضی دیگر از وزیران بود.»

پناهیان هر شب و یا هرچند روز یک‌مرتبه بعضی از افسران موافق و یا بی‌اطلاع را جمع می‌کرد و از پیشرفتهای برق‌آسای آذربایجان و ترقیات آن سازمان سخن می‌گفت و حتی اظهارات وزراء را برای بهبود وضع ارتش و ستاد و وزارت جنگ میان می‌نمود و آن اظهارات تدریجاً اثراتی در افسران جوان نمود. چنانکه با تبلیغات بعضی از

روزنامه‌ها و رادیو تبریز تصور می‌کردند واقعاً سازمان اساسی و با پایه‌ای وجود دارد. خاصه وقتی که یکی از افسران فراری بنام مرتضوی که در ارتش ایران سروان بود با درجه سرهنگی در تهران رفت و آمد می‌کرد و با نصب مدال ۲۱ آذر خود را عنصری موثر در فرقه دموکرات معرفی می‌نمود.

«اسناد موجود نشان می‌دهد که ستاد ارتش در این مدت با دقت و مراقبت تام ناظر تمام این تظاهرات و اعمال بود و اوامر شاه دائماً برای مراقبت بیشتر و دقت کامل‌تری صادر می‌شد ولی منظور این هیئت و مذاکرات دائمی آن با مقامات نظامی بطور کلی مکتوم و بطوری محرمانه بود که احدی از این جریانات تا خاتمه آن اطلاع حاصل نکرد. اطلاعاتی که در دست است نشان می‌دهد که رئیس ستاد و معاون وزارت جنگ در یکی دو جلسه خصوصی پناهیان را خواسته و تمام جریانات بدو نامطلوب و وضع این عده از افسران فراری را برای او تشریح کرده بودند تا شاید به نتیجه مثبتی برسد ولی بر آنها ثابت شد که این عده در راهی که پیش گرفته‌اند به قدری مصر و پابرجا شده‌اند که دیگر این نصایح و تبلیغات مفید واقع نخواهد شد.

این مرتبه نیز نمایندگان آذربایجان بدون گرفتن هیچگونه نتیجه‌ای به تبریز مراجعت کردند و تقریباً از این تاریخ به بعد دیگر مذاکره و یا اقدام سیاسی برای حل اختلافات فیما بین به عمل نیامد.»

در این زمان ایران در بن‌بست سیاسی عجیبی گرفتار شده بود و نخست‌وزیر آن ترجیح داد آهنگ سیاسی خود را هرچه بیشتر بطرف نزدیکی با سیاست اتحاد شوروی تندتر نماید «توانائی ایران در ایستادگی و تحمل فشار شوروی نسبت مستقیم با شدت عمل بین‌المللی در حفظ و دفاع از حقوق ملل کوچک داشت. پس از اینکه اقدامات شورای امنیت نسبت به شکایت ایران خاتمه یافت مسئله ایران از صفحات اول مطبوعات متفقین خارج شد و علاقه افکار عمومی در کشورهای باختری نسبت به این موضوع تدریجاً تقلیل پیدا کرد.

ایران که بار دیگر به حال خود واگذار شده بود می‌درفت که تدریجاً در دامن شوروی بیفتد. انعقاد قرارداد آذربایجان در واقع مفتاحی بود برای کسب امتیازات بعدی.»

در همین گیرودار بود که احمد قوام به فکر افتاد حزبی طرفدار افکار خود

تشکیل دهد. این حزب که بنام حزب «دموکرات ایران» نامیده شد ضمن اعلامیه‌ای به مضمون ذیل که از طرف وی در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۲۵ منتشر شد رسمیت خود را اعلام کرد:^{۱۵}

«هموطنان عزیز بطوریکه استحضار دارید اینجانب از بدو زمامداری پیوسته ساعی بودم که با اتکاء به مردم و افکار عمومی موجبات اتحاد و اتفاق را میان دولت و ملت از هر حیث فراهم نمایم و برای همین منظور است که واجب می‌دانم گاهی به وسیلهٔ رادیو مستقیماً با عموم افراد کشور تماس گرفته و آنان را از اوضاع و احوال مملکت و منویات خود مستحضر سازم. بر هیچ‌یک از هموطنان عزیز پوشیده نیست که غفلت دولتهای گذشته و خط‌های پی در پی نمایندگان تحمیلی و عمال و عناصر ارتجاع چه مخاطرات عظیم را از لحاظ سیاست خارجی و داخلی برای ایران تهیه کرده بود و موقعی که اینجانب برحسب امر اعلیحضرت همایونی قبول مسئولیت نموده زمام امور را در دست گرفتم وارث وضع اسفناک و آشفته‌ای گردیدم که شاید در تاریخ ایران کمتر نظیر داشته است. باید اعتراف کنم که فقط علاقه اینجانب به خدمتگزاری و استظهار به اعتماد و حسن‌نیتی بود که از طرف عموم طبقات کشور در موارد مختلف بحرانی پیوسته به اینجانب ابراز می‌گردید و همین اطمینان سبب شد که با وصف اوضاع آشفته و یأس‌آمیز پنج ماه قبل... حاضر شدم زمام امور کشور را در دست گرفته و قبول مسئولیت نمایم.

بطوریکه هموطنان عزیز استحضار دارند ششماه قبل بر اثر سوء سیاست متصدیان امور و غفلت زمامداران مسئول با اقامت قوای خارجی در ایران و تحریکات پی در پی بر علیه آزادیخواهان و خصوصاً برادران آذربایجانی و تیرگی روابط با همسایه شمالی افکار عمومی دچار چنان یأس و نومیدی شده بود که هر آن انتظار می‌رفت بر اثر برادر کشی و جنگ داخلی و پیش‌آمد و حوادث غیرمترقبه موجبات مزید اضطراب و پریشانی ملت ایران فراهم گردد.

البته کیفیت اقداماتی که در این مدت کوتاه به عمل آمده بر هیچ‌یک از هموطنان عزیز پوشیده نیست و بدیهی است تخلیه ایران از قوای خارجی زمینه مساعد و

آزادی عمل برای آغاز اصلاحات مهم و اساسی بدست آمده است. پوشیده نماند که تخلیه ایران از قوای خارجی در نتیجهٔ ایجاد حسن تفاهم با اتحاد جماهیر شوروی میسر گردید و بدیهی است که رفع سوءتفاهمات گذشته در نتیجهٔ فسادات اینجانب به مسکو مذاکراتی که با ژنرال‌سیم استالین و سایر رجال مهم شوروی در مسکو نموده و بعد در تهران با سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در ایران ادامه داده و منجر به عقد موافقت‌نامه شده انجام گردید.

جبران غفلت‌های گذشته و استقرار روابط حسنه و مودت آمیز روی پایه صمیمیت و احترام متقابل با اتحاد جماهیر شوروی در کلیهٔ شئون کشور تاثیر نموده و در واقع ختم این مسئله مهم انجام یکی از بزرگترین آرزوهای ملت ایران بشمار می‌رود و یقین است تأثیرات مطلوب آن در زندگی سیاسی و اجتماعی و اقتصادی دو کشور دوست و همسایه در آینده مشهود و محسوس خواهد گردید.

در مسائل داخلی مشکل آذربایجان در رأس امور بوده باعث نهایت مسرت است که مذاکرات مربوط به آن با وصف مشکلات فراوان بالاخره در نتیجه حسن‌نیت طرفین حسن پایان یافته این موضوع که مولود خیانت‌ها و غفلت‌های گذشته بود بالاخره به نفع آزادی و وحدت ملی ایران حل و تصفیه گردیده است...

با کمال تأسف باید اعتراف نمود که عناصر کهنه‌پرست با وصف این حقایق روشن و غیرقابل انکار و عملیات مثبتی که به نفع کشور در این مدت کوتاه به عمل آمده معذلت ساکت نشسته و برای این که مردم مملکت را از نتیجه زحمات و اقدامات این مدت مرحوم ساخته و بار دیگر آزادی را از ملت ایران سلب نموده و مسلط بر اوضاع شوند به انواع و اقسام دسایس و تحریکات دست زده موفقیت خود را ایجاد اختلافات میان آزادیخواهان می‌دانند.

اینجانب که مسئول حفظ مصالح و منافع ایران بوده مصمم به تقویت افکار مترقی و اصول دموکراسی در سرناسر کشور می‌باشم و به اتکای پشتیبانی عموم آزادیخواهان ایران مسئولیت سنگین زمامداری را عهده‌دار گردیدم هیچگاه در مقابل دسایس و تحریکات عمال نالایق و عناصر مشکوک که در نتیجه غفلت‌های پی در پی آنها مملکت بسوی پرتگاه خطرناک سوق داده شده بود ساکت نشسته و اجازه نخواهم داد که این قبیل عناصر بر علیه آزادی ملت ایران به عملیات خصمانه خود ادامه دهند.

از طرفی لازم می‌دانم عموم آزادیخواهان ایران را مخاطب قرار داده و از آنها درخواست کنم که با حفظ نظم و ترتیب در صفوف آزادیخواهان و دفع هر نوع تحریکات ارتجاعی در میان خود اهتمام نموده موفقیت را در آینده تأمین نمایند و بر اثر همت و مساعی خود ایران آزاد و آباد و دموکراتیک را به وجود آورند. برای اینکه در آینده تحت برنامه و نظم معینی بتوانیم موفقیت‌های بیشتری را بدست آوریم و نظر به اینکه اصول دموکراسی ایجاب می‌کند که در سایه تشکیلات اجتماعی و برنامه مشخص دموکراتیک بسوی اصلاحات پیش برویم مصمم شدم با پشتیبانی عناصر فعال و آزادیخواه حزبی را بنام «دموکرات ایران» تشکیل دهم.

برنامه حزب دموکرات ایران تنظیم و امشب منتشر می‌شود تا عموم آزادیخواهان از کیفیت آن استحضار حاصل نمایند و عملیات و فعالیت حزبی بعد از پانزده روز دیگر در تمام کشور شروع خواهد شد و در این مدت برای عموم آزادیخواهان فرصت خواهد بود که برنامه منتشره را مورد مطالعه قرار دهند و برای پیشرفت اصلاحات تشریک مساعی نمایند. این جانب یقین دارم که تشکیل حزب دموکرات ایران موجب خواهد شد که میان عموم آزادیخواهان و احزاب آزادیخواه اتحاد و یگانگی حقیقی ایجاد بشود تا در سایه این اتحاد بتوانیم در آینده به وسیله اجرای سریع اصلاحات و انجام اقدامات اساسی رفاه و آسایش ملت ایران را که افتخار خدمتگزاری آن را داریم تأمین نمائیم و باید صریحاً گفته شود که بنام حفظ مصالح کشور و تأمین آزادی و آسایش ملت ایران هر دسیسه و مانعی که در راه پیشرفت برنامه اصلاحات و حصول موفقیت ظاهر شود با نهایت قدرت دفع خواهم نمود...

نصیحت من به عموم آزادیخواهان ایران امشب اینست که با رعایت ترتیب و نظم صفوف خود را محکم و متحد سازند و بدانند که عوامل بدخواه و نفع‌پرست که هویت آنها برای ملت ایران محرز و مسلم می‌باشد با نهایت فعالیت کوشش خواهند کرد اجرای اصلاحات را به تأخیر انداخته و میان آزادیخواهان تولید نفاق نمایند تا در انتخابات آینده که مقدمات شروع آن در شرف تهیه می‌باشد ایجاد اختلاف کند، غافل از اینکه کشور ایران مانند کلیه ملل جهان دیگر رو به ارتجاع نمی‌رود و آینده ایران بدست جوانان متمدنی سپرده خواهد شد که در مکتب رجال یعنی احزاب وطن‌پرست

تربیت یافته و خود را سربازان آزادی و خدمتگزاران حقیقی ملت ایران بدانند...»^{۱۶}

۱۶- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، شماره ۷۳۹، روزنامه اطلاعات
در مجله خواندنیا شماره ۷۹ سال هفتم شعبه ۲ خردادماه ۱۳۲۶ به قلم ارسلان خلعت‌بری
راجع به حزب دموکرات قوام‌السلطنه نظری داده شده که برای روشن شدن ماهیت این حزب تذکر
آن خالی از فایده نیست:

اختیار حزب دموکرات دست چه کسانی است

آن روزهایی که حزب دموکرات با توده در مبارزه و هنوز دولت به آذربایجان قشون
نفرستاده بود با یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب دموکرات که در حزب رل بزرگی را در
انتخابات به عهده داشت راجع به انتخابات صحبت کردم و گفتم بگذارید انتخابات قدری به تأخیر
بیفتد تا اشخاصی که موافق اوضاع آذربایجان و تجزیه‌طلب هستند موثق در خیالات خود نشوند. آن
شخص گفت نظر شما بسیار غلط است باید کاری کرد که اقلاً چهل نفر وکیل شمالی و چهل نفر
جنوبی در مجلس داشت تا هر دو راضی باشند و بقیه از اشخاصی بی‌طرف انتخاب شوند تا تعادل را
حفظ کنند از آن روز دانستم اختیار حزب دموکرات بدست کسانی است که با اینکه در زندگی
اجتماعی مردم صحیحی هستند در امر سیاست ورزیده نیستند و اشتباه خواهند کرد و دیدیم که اشتباه
هم کردند.

مدیران حزب دموکرات تصور کردند که شرط دوام حزب آن است که در مجلس اکثریت
داشته باشند و بنابراین خواستند به هرنحوی هست این اکثریت را بدست بیاورند... خلاصه حزب
دموکرات برای بدست آوردن این اکثریت اعمالی مرتکب شد که اکثریت قریب با اتفاق مردم آن را
نمی‌پسندیدند و در نتیجه برای یک اکثریت هفتاد و چند نفری در مجلس اکثریت مردم ایران را از
دست داد... و با محروم کردن مردم از انتخاب اشخاصی که مورد علاقه عموم طبقات بودند
مخالفت طبقه فهمیده را بدست آوردند زیرا طبقه فهمیده با حزب توده از آن جهت بد بود که
آزادی را از مردم می‌گرفت و دیکتاتوری حزبی ایجاد می‌کرد و هرکس همین عمل را می‌کرد بنظر
مردم بد می‌آمد مخصوصاً آنکه حق مردم از مردم گرفته شود برای خاطر اشخاصی که عده‌ای از
آنها مورد خشم مردم بودند... این بود برای موفقیت خود رعایت احساسات و افکار مردم را در
مورد انتخابات نکردند... نتیجه آن شد که حزب دموکرات به هرکس توجه داشت برای موفقیت
آن شخص تمام قوای خود را در اختیار او گذاشت و برای رسیدن به این مقصود اشخاصی توقیف و
تبعید شدند، جرائدی توقیف گردید، عزل و نصب‌هایی صورت گرفت، مأموریت‌هایی به اشخاص داده
شد و کارهای دیگری صورت گرفت که تماماً برخلاف مصلحت بود... و این کارها در داخله خود
حزب نیز عکس‌العمل شده‌ی داشت بطوری که عده زیادی از جوانان و اشخاص تحصیل کرده در
پیوستن به حزب دلسرد شدند.

احمد قوام نخست‌وزیر با وجود سخنرانیها و صدور اعلامیه‌های پی در پی که سراسر آن حاکی از وطن‌پرستی و آزادیخواهی و پای‌بند شدن به اصول دموکراسی و بیرون آمدن از یوغ اسارت بیگانگان بود معذک روش سیاسی خود را بر همان پایه نزدیک شدن و همگامی با خارجیان قرار داد و این بار مصمم شد که چندتن از سران حزب توده را در هیئت دولت داخل کند به این منظور استعفای خود را به شاه تقدیم داشت و چون مجدداً فرمان نخست‌وزیری را گرفت دولت خود را به قرار زیر تشکیل داد:۱۷

عصر روز پنجشنبه دهم مرداد ماه آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر، کابینه جدید را به این شرح در کاخ سعدآباد به حضور شاه معرفی نمود:

تیسمار سپهبد امیراحمدی: وزیر جنگ، آقای عبدالحسین هژیر: وزیر دارائی، آقای الهیار صالح: وزیر دادگستری، آقای سرلشکر فیروز: وزیر راه، آقای انوشیروان سپهبدی: وزیر مشاور، آقای دکتر اقبال: وزیر پست و تلگراف، آقای مظفر فیروز: وزیر کار و تبلیغات (با حفظ سمت معاونت سیاسی و پارلمانی نخست‌وزیر)، آقای شمس‌الدین امیرعلائی: وزیر کشاورزی، آقای دکتر مرتضی یزدی: وزیر بهداری، آقای ایرج اسکندری: وزیر بازرگانی و پیشه و هنر، آقای دکتر فریدون کشاورز: وزیر فرهنگ،

وزرات امور خارجه را آقای نخست‌وزیر عهده‌دار خواهند بود.

پس از تشکیل و معرفی کابینه، نخست‌وزیر اعلامیه‌ای به قرار زیر صادر کرد که در آن علت روی کار آوردن سران حزب توده را به عنوان وزیر و دخالت در امور مملکتی چنین توصیف و توجیه نمود:

«بر عموم هموطنان عزیز پوشیده نیست که نیت اصلی این جانب در قبول مسئولیت و خدمتگزاری به مملکت حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و تثبیت و تحکیم اقتدارات حکومت مرکز با ترویج اصول دموکراسی در سرتاسر کشور و تأمین رفاه و آسایش مردم به وسیله انجام اصلاحات اساسی و ضروری در کلیه شئون اجتماعی می‌باشد....»

اگرچه در مسائل سیاست خارجی و بعضی مشکلات داخلی، شروع و انجام قسمتی از برنامه‌های اصلاحی پیشرفته و موفقیت‌های قابل توجهی در این مدت بدست آمده معینا برای تسریع انجام اصلاحات مقتضی دیدم که با ایجاد وحدت معنوی میان عموم آزادی‌خواهان و احزاب دموکراتیک محیط مساعد و آرامی را در سرتاسر کشور ایجاد نموده اجرای برنامه‌های اصلاحی را تسهیل و تسریع نمایم. به همین جهت لازم دیدم در ترکیب و تشکیل هیئت دولت تجدیدنظر نموده نمایندگان بعضی از احزاب مترقی و آزادیخواه را دعوت به شرکت در قبول مسئولیت نمایم تا برای آنها نیز با استحضار بیشتر از اوضاع و احوال عمومی و سیاسی و اداری کشور تجربه کافی حاصل شده تشخیص مسئولیت مهم مملکت‌داری را عملاً احراز نمایند و امیدوارم با تشکیل دولت جدید از عناصر و احزاب آزادیخواه صفحه جدیدی در تاریخ ایران مترقی دموکراتیک آغاز گردد و با همکاری آنان اصلاحات اساسی که آرزوی ایرانیان وطن‌پرست است به نحو مطلوب انجام پذیرد...»

«کابینه‌ای که قوام‌السلطنه به این ترتیب تشکیل داد بسیاری از مشخصات طرق نفوذ کمونیستها را در دستگاه دولت‌های کشورهای غیر کمونیست دارا بود. چه معمولاً رخنه و نفوذ کمونیستها در کشورهای غیر کمونیست با اعطای پست وزارت صنایع، کار، فرهنگ و تبلیغات به عناصر کمونیست شروع می‌شد و با دادن پست‌های حساس و مهم وزارت کشور، دفاع و امور خارجه به آنها خاتمه می‌یافت. در هر صورت قدر مسلم این است که از سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) تا سال ۱۹۴۸ در اروپای شرقی چنین فرمولی بکار رفت و به دلایلی چند انتظار می‌رفت که در ایران نیز جریان وقایع همان مسیری را که در کشورهای اروپای شرقی پیمود، طی کند.»^{۱۸}

اولین اقدام سیاست آزادیخواهانه و دموکراتیک (؟) نخست‌وزیر ایران دستگیری و توقیف چند نفر و ادامه حکومت نظامی بود:

طبق ماده ۵ حکومت نظامی هفت نفر بازداشت گردیدند.

نظر به اینکه این اواخر عده‌ای که هویت آنان در پیشگاه افکار عمومی محرز و

مسلم است مشغول تحریک و توطئه بر علیه دولت و حکومت مشروطه گردیده‌اند و نظر به اینکه مصالح کشور اقتضا نداشت بیش از این به آنها اجازه خرابکاری و دسیسه داده شود. از طرف رئیس دولت طبق ماده ۵ قانون حکومت نظامی به قوای حفظ انتظامات مقرر گردید اشخاص مفصله‌الاسامی زیر دستگیر و بازداشت شوند:

آقایان دکتر طاهری، حسام دولت آبادی، شیخ حسن لنکرانی، احمد لنکرانی، مصطفی لنکرانی. اوامر رئیس دولت از طرف قوای انتظامات به موقع اجراء گذاشته شد و آقایان نامبرده دستگیر و بازداشت و زندانی شدند.

اعلامیه فرمانداری نظامی

بدین وسیله به استحضار اهالی پایتخت می‌رساند نظر به مقتضیات فصل از شب پنجشنبه ۳۱ مرداد ماه ۲۵ عبور و مرور در شهر تا ساعت ۱۲ آزاد و از ساعت ۱۲ الی ۵ صبح ایاب و ذهاب در شهر ممنوع و اشخاصی که رعایت مقررات فوق را ننمایند به وسیله مأمورین انتظامی به فرمانداری نظامی جلب خواهند شد...

نخست‌وزیر ایران از این مرحله پا فراتر نهاد و تشکیل و ترکیب هیئت دولت خود و حزبی را که به وجود آورده با حزب توده ضمن مصاحبه‌ای با خبرنگار رویتر مقایسه کرد و چنین گفت:

دیروز صبح آقای لئوپلدهرمان خبرنگار خبرگزاری رویتر در تهران از آقای قوام‌السلطنه ملاقات و مصاحبه‌ای نمودند که متن آن به شرح زیر می‌باشد:

۱-

۲- در جواب سؤال راجع به روابط حزب دموکرات ایران و حزب توده آقای قوام‌السلطنه چنین اظهار داشت هدف حزب دموکرات ایران با حزب توده از لحاظ آزادیخواهی اختلافی ندارد ولی در طرز عمل و اجرای مرام بنظر می‌رسد که روش عملی دو حزب متفاوت است...

سپس در تشریح مرام حزب دموکرات ایران: و علت روی کار آوردن سران حزب توده ادامه می‌دهد:

... وطن‌پرستی و ایران‌دوستی و آزادیخواهی در قاموس حزب دموکرات ایران انحصار به هیچ طبقه ندارد و عناصر وطن‌پرست و آزادیخواه اعم از کارگر و کارفرما

فقیر یا ثروتمند که هدف انجام خدمت به ایران داشته و سوابق ارتجاعی ندارند زیر پرچم وحدت ملی تحت شرایط متساوی در حزب دموکرات ایران پذیرفته خواهند شد؛ زیرا نیت اصلی ایجاد وحدت میان عموم ایرانیان آزادیخواه و وطن پرست می باشد و البته کارگران هم کاملاً آزاد هستند عضویت هر اتحادیه‌ای را که بخواهند قبول کنند.

آنچه من احساس کردم در طرز عمل و اجرای برنامه اصلاحات روش حزب توده با حزب دموکرات ایران متفاوت است برای اینکه رؤسای آنها از نزدیک به افکار اینجانب و مسئولیت امور بیشتر و بهتر آشنا شوند چند نفر از آنها را به عضویت در کابینه دعوت نمودم بلکه در عمل با حس مسئولیت مملکت داری بتوانند نحوه عمل و فعالیت اجتماعی خود را با نظرات اینجانب وفق دهند. این امر البته تجربه است که از لحاظ مصالح مملکت لازم و ضروری بوده است...

اعمال سیاست سازشکارانه نخست وزیر ایران درست برخلاف آنچه را که تصور می کرد که می تواند به این وسیله از قدرت مخالفین استقلال و حق حاکمیت ایران و ایرانی بکاهد، نتیجه داد. زیرا به دنبال خروج نیروهای شوروی از ایران حکومت دست نشانده استالین در آذربایجان و عوامل و عناصر حزب توده در سراسر ایران دست به فعالیت زدند رادیو تبریز کانون تبلیغات علیه تمامیت ارضی ایران شد و زمام امور مردم آزاده و شریف آذربایجان در دست فرقه دموکرات و حکومت پوشالی آن فرقه بدانجا کشیده بود که گاریچی ریاست شهربانی زنجان را در دست داشت.

تحریکات حزب توده به منظور تقویت فرقه دموکرات و حکومت پیشه‌وری ایجاد تشنج و هرج و مرج در مناطق کارگری ایران مانند مازندران و گیلان و اصفهان و آبادان اوج گرفته حوادثی نظیر کشتار هولناک خوزستان را که نتیجه تصادم فریب خوردگان حزب توده با عناصر خائن دیگر بنام تجزیه طلبان بود، به وجود آورد. فعالیت های حزب توده که به استظهار وجود سه تن وزیر توده‌ای در هیئت دولت با کمال جسارت و بی پروایی صورت گرفت بعضی عوامل مشکوک دیگر را نیز برای تضعیف دولت مرکزی و قانونی ایران برانگیخت. دامنه زد و خورد و کشت و کشتار و اعتصابات توسعه یافت و زمزمه شوم تجزیه طلبی و خودمختاری از فارسی نیز شنیده شد. بعضی از طوایف فارس سر به عصیان برداشتند و بر شیراز مسلط و طرد وزیران توده‌ای را از هیئت دولت خواستار شدند.

در اعتصابی که در خوزستان به تحریک حزب توده صورت گرفت قریب به صدهزار نفر کارگر اعتصاب کردند. اعتصاب کنندگان به رهبری رضا روستا یکی از رهبران حزب توده که در اتحادیه‌های اصناف تهران مقام برجسته‌ای داشت در چندین محل مبادرت به خرابکاری کردند و عمل استخراج و تهیه نفت را بکلی دچار مخاطره کردند و خامت اوضاع به حدی رسید که روزنامه فرانسوی لوموند درباره ایران چنین نوشت:^{۱۱}

خدا نکند به جای منطقه نفوذ قرارداد ۱۹۰۷ منطقه متصرفی در ایران به وجود آید.

بطوریکه خبرگزاری فرانسه از پاریس خبر می‌دهد شب گذشته روزنامه لوموند در سرمقاله خود اوضاع ایران را پس از خاتمه اغتشاشات جنوب تشریح کرده بود. مقاله مزبور تحت عنوان «ایران به کجا می‌رود» در لوموند ارگان نظریات وزارت امور خارجه فرانسه است. در این مقاله زیر عنوان فوق می‌نویسد:

امروز ایران در یک وضع بغرنجی زندگی می‌کند و ساعات پراضطرابی را می‌گذراند. امروز چشمان ساکنین جهان به وضع کشوری که در بین دو امپراتوری و دو قدرت بزرگ قرار دارد، دوخته شده است. دولت ایران از قدیم، یعنی از زمانی که رقابت بین دولتین روسیه و انگلستان در جهان به وجود آمد، سیاست توازن را در پیش گرفته بود. سیاست توازن در ایران غیر از سیاست توازن در سایر کشورهاست. در کشورهای دیگر سیاست توازن به تعادل و موازنه معنی و تفسیر می‌شود به این ترتیب که نفوذ دو کشور قوی یا دو سمت دو جبهه باید در کشور ثالث به یک میزان و قدرت قرار گیرند. در صورتی که توازن در ایران در زمان مختلف صورت می‌گیرد نه در زمان واحد و ثابت و موقع مخصوص. به این ترتیب که مدتی سیاست ایران به طرف یک کشور و یک همسایه و مدتی بعد به سمت همسایه دیگر متمایل می‌گردد و به این ترتیب توازن را حفظ می‌کند.

در ماه ژوئیه گذشته یعنی تقریباً چهار ماه قبل در مقابل فشار شورویها و دموکراتهای آذربایجان و برای اینکه زمینه را برای حل مسئله آذربایجان فراهم کند

قوام‌السلطنه به طرف اتحاد جماهیر شوروی یعنی همسایه نیرومند شمال ایران متمایل گردید و چندی بعد به عمر کابینه اولش خاتمه داد و در کابینه دوم وزیرانی را که نماینده و عضو حزب توده بودند، پذیرفت. اما بعد از آنکه به این ترتیب تسلیم این موضوع شد نخست‌وزیر ایران متوجه آینده شد. یعنی دید که بالاخره یک روزی فرا می‌رسد که ناچار می‌شود تمایل را نسبت به طرف دیگر ظاهر سازد و به همین دلیل بود که نخواست در مقابل تقاضاهای حزب دموکرات آذربایجان زیاد تسلیم شود به طوریکه امکان برگرداندن سیاست خود را از دست بدهد...

باید دید آیا قوام‌السلطنه قدرت کافی برای آنکه موازنه بین نفوذ دو غول بزرگ انگلستان و شوروی را حفظ نماید دارا می‌باشد یا نه؟ جواب این سوال معلوم نیست و ممکن است همچنانکه تا بحال نیز این رفتار را می‌کرد ناچار شود به این پایه آن تسلیم شود ولی تاریخ ایران نشان می‌دهد که این سیاست موازنه ایرانی برای کشور ایران خطرناک است و بهترین نمونه آن قرارداد سال ۱۹۰۷ است که بین انگلیس و روسیه منعقد شد.

خدا نکند امروز به جای منطقه نفوذی که در سال ۱۹۰۷ در ایران برای این دو کشور به وجود آمد منطقه تصرفی به وجود آید. در هر حال بنظر می‌آید که برای جلوگیری از چنین پیش‌آمدی شخص قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران باید از روش تسلیم در مقابل دولتی انگلیس و شوروی دست بردارد.»

در این گیر و دار بود که دولت انگلیس بیکار ننشسته در برابر تمام این حوادث و اوضاع وخیم و ناگوار از خود واکنش شدید نشان داد. تفصیل آنکه: چنانکه سابقاً گذشت سیاست انگلیس بر روی اصل تخلیه ایران از قوای خارجی و حفظ استقلال این کشور مبتنی بود و چون نیل به این هدف مقدور نشد لذا انگلیس‌ها حاضر شدند با روسها سازش نمایند، مشروط بر اینکه نفوذ شوروی از حدود منطقه شمالی تجاوز نکند. این نکته به خوبی از خلال پیشنهاد بوین وزیر امور خارجه انگلیس در کنفرانس مسکو مشهود و معلوم شد. منتهی نفوذ و قدرت شوروی از حدود منطقه شمال تجاوز کرد و به داخل ایران و مناطق جنوبی سرایت نمود و این موضوع دیگر برای انگلیسها

قابل تحمل و پذیرش نبود و به عکس العمل شدید احتیاج داشت. در اوایل سال ۱۹۴۶ به تهران خبر رسید که شیخ خزعل تحت الحمایه انگلیس، که در آن زمان در عراق به حال تبعید بسر می برد عده ای از جنگجویان عرب را به دور خود جمع کرده به خوزستان تجاوز کرده است. تجاوز شیخ خزعل ظاهراً یک نهضت تجزیه طلبی بود که انگلیس ها در جنوب برپا کردند و می توان آن را عکس العملی در مقابل نهضت تجزیه طلبی شمال که به تحریک روسها شروع شده و صورت گرفته بود، دانست.

علاوه بر این فردای روزی که تشکیل کابینه جدید در تهران اعلام گردید به قوای انگلیس در هندوستان دستور داده شد که به بصره بروند و روز بعد هم برای احتراز از هر گونه ایراد و اشکال قانونی دولت عراق ضمن صدور اعلامیه ای پیاده شدن قوای انگلیس را در بصره قانونی و مطابق با پیمان ۱۹۳۰ انگلیس و عراق توجیه نمود. مقارن همان زمان چندتن از رؤسای ایلات جنوب نسبت به حزب توده و نفوذ زیاد کمونیستها اظهار خصومت و انزجار کردند...

اوضاع ایران روز به روز وخیم تر و متشنج تر می گردید. قوام السلطنه نسبت به پیاده شدن قوای انگلیس در بصره به دولت بریتانیا اعتراض کرد و اظهارات خود را هم مبتنی بر اظهارات دولت هندوستان نمود که گفته بود آن قوا برای حفظ منافع انگلیس در ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگرچه وزارت امور خارجه این موضوع را تکذیب نمود معیناً روز ششم ماه اوت علناً اعلام نمود که برای حفظ جریان نفت و امنیت امپراتوری قوای انگلیس وارد بصره شده است. از طرف دیگر خبر رسید که در شمال و در مرز آذربایجان هم دولت شوروی به نقل و انتقالات نظامی پرداخته قوای جدیدی در آن حدود متمرکز ساخته است در هفته اول ماه سپتامبر توطئه ای در اصفهان کشف شد که بدست بختیارپها و به منظور سرنگون کردن دولت ترتیب داده شده بود روز بیست و سوم سپتامبر عده ای از ایلات جنوب علناً در فارس شورش کردند. شورشیان عبارت بودند از قشقائی ها و بختیارپها و چندین ایل کوچکتر فارس و خوزستان و سواحل خلیج فارس هم با هم ائتلاف و تحت رهبری ناصر خان قشقائی قیام نمودند و از دولت اخراج وزیران تودمائی را از کابینه خواستار شده حکومت خودمختار محلی بدست خود اهالی برای استانهای جنوب تأسیس کردند و هم چنین ازدیاد نمایندگان آن منطقه را در مجلس خواستار شدند. شورشیان تقاضاهای خود را برای

ارسال به تهران به استاندار فارس تسلیم کردند. بوشهر و آباده و کازرون و بندامیر به تصرف شورشیان درآمد و شیراز هم در محاصره قرار گرفت. دامنه شورش ایلات به کرمانشاه هم سرایت کرد و در آنجا یکی از سران محلی بنام قبادیان که سابقاً نماینده مجلس بود به یاغیان پیوست.

رادیو مسکو و مطبوعات شوروی مرتباً به انگلیس‌ها حمله کرده علناً آنها را به تحریک یاغیان جنوب متهم می‌کردند. دولت شوروی که نگران بود مبدا امتیازاتی را که در تهران بدست آورده است از دست بدهد رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه شوروی را به ایران فرستاد. وی در تهران دولت را زیر فشار گذاشت که هرچه زودتر قرارداد نفت را به تصویب مجلس برساند و از قرار معلوم به منظور خروج ایران از پیمان سعدآباد پیشنهاد اتحاد با دولت ایران را نیز داد.

مسافرت رئیس اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه شوروی و فشارهای او بی‌اثر نماند زیرا روز اول اکتبر دولت ایران رسماً از دولت انگلیس خواست که ترات کینسول انگلیس در اهواز را احضار کند. یک روز جلوتر ناصرخان قشقائی بنام ایلات شورشی اولتیماتوم بیست و چهار ساعته تسلیم هیئتی که از طرف دولت برای مذاکره به فارس اعزام شده بود، نمود دولت چون با یک چنین روش ناسازشکارانه‌ای روبرو شد نظریات خود را تعدیل کرد و دو هفته بعد بین فرمانده پادگان شیراز و ناصرخان قشقائی توافق نظر حاصل شد و دولت قسمت اعظم خواسته‌های ایلات را رسماً پذیرفت. از نظر انگلیس‌ها شورشیان جنوب به مقصود خود دست یافتند. چون توسعه حزب توده در جنوب متوقف شد و رخنه و نفوذ کمونیستها در مرکز اعتصاب کشور و در تهران خاتمه یافت.

در چنین وضعی بود که احمد قوام چون مشاهده کرد که وجود وزیران تودهای در هیئت دولت موجب هرج و مرج و از هم گسیختگی اوضاع شده و منظوری را که در اعلامیه خود مورخ ۱۲ امرداد ۱۳۲۵ پس از تشکیل کابینه دوم خود راجع به داخل کردن سران حزب توده در هیئت دولت به این قرار مطرح کرده بود «... به همین جهت لازم دیدم در ترکیب و تشکیل هیئت دولت تجدیدنظر نموده نمایندگان بعضی از احزاب مترقی و آزادیخواه را دعوت به شرکت در قبول مسئولیت نمایم تا برای آنها نیز با استحضار بیشتر از اوضاع و احوال عمومی و سیاسی و اداری کشور تجربه کافی حاصل

شده تشخیص مسئولیت مهم مملکت‌داری را عملاً احراز نمایند...» نه تنها عملی نشد بلکه وسیله‌ای برای به وجود آوردن آشوب و فتنه در سراسر کشور گردید و ضمناً چون حزب توده و نهضت دموکرات آذربایجان سعی می‌کردند که قوام را مجبور کنند که عناصر دست راست را سرکوب کرده دست آنان را کوتاه نماید ولی چون قوام در برابر این نقشه مقاومت ورزید ناچار اختلاف بین وزیران توده‌ای و او رو به شدت می‌رفت. سرانجام قوام ناچار شد کابینه خود را در ۲۴ مهرماه ۱۳۲۵ منحل نماید و روز ۲۷ مهرماه آن سال دولت جدید را بدون شرکت وزیران توده‌ای تشکیل دهد:

روز پنجشنبه آقای نخست‌وزیر در کاخ سعدآباد به حضور شاه رسید و استعفای کابینه را تقدیم نمود و بلافاصله مجدداً مأمور تشکیل کابینه جدید شد. در روز ۲۷ مهر در ساعت ده و نیم صبح اعضای کابینه خود را به شرح زیر معرفی نمود:

قوام‌السلطنه نخست‌وزیر و وزیر کشور و وزیر امور خارجه.

سپهبد امیراحمدی: وزیر جنگ، عبدالحسین هژیر: وزیر دارائی، حمید سیاح: وزیر بازرگانی و پیشه و هنر، دکتر اقبال: وزیر بهداری، امیر علائی: وزیر کشاورزی، دکتر شایگان: وزیر فرهنگ، انوار نیک‌پی: وزیر پست و تلگراف با حفظ مقام نخست‌وزیری، موسی‌زاده: وزیر دادگستری، محمدولی میرزا فرمانفرمایان: وزیر کار و تبلیغات، ابوالحسن صادقی: وزیر راه

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۷ مهر ۱۳۲۵ استعفا و تغییر کابینه را چنین توجیه کرد:

«خبر استعفا و تغییر کابینه در محافل تهران دیروز تأثیر فوق‌العاده کرد و درباره آن گفتگوها و حسدهای مختلف جریان داشت. از قراری که گفته می‌شد علت تصمیم آقای نخست‌وزیر به استعفا و تشکیل دولت جدید اختلاف‌نظری بود که بین آقای نخست‌وزیر و وزرای توده درباره قضیه فارس و تغییر استاندار تهران بروز کرده بوده است.

امروز بیانیه‌ای هم از طرف کمیته مرکزی حزب توده انتشار یافت که در آن بیانیه تقریباً علل مزبور را تأیید نموده ضمناً یکی از موارد اعتراض خود را نیز تشکیل کمیسیون نظارت انتخابات بصورت فعلی قلمداد نموده بودند.

ولی از طرف آقای نخست‌وزیر تاکنون در این باره توضیحات رسمی داده نشده و آنچه می‌توان حدس زد هدف آقای نخست‌وزیر از تغییر وزرا ایجاد تجانس و هم‌آهنگی کامل بین هیئت دولت بوده که در این موقع خطیر بتوانند با وحدت نظر کامل وظایف خود را انجام دهند و نفاق و اختلاف نظر در هیئت دولت که در حال حاضر مرکز حل و عقد کلیه امور کشور است راه نداشته باشد.»

در همان اوقات فرمان انتخابات دوره پانزدهم مجلس شورای ملی صادر شد و آن فرمان برای سراسر کشور و طبعاً شامل آذربایجان نیز می‌شد.

در اینجا لازم دید نظر روزنامه پراودا و تغییر لحن سیاست دولت استالین را نسبت به احمد قوام نخست‌وزیر ایران درباره تغییر کابینه و کنار گذاشتن اعضای حزب توده را از نظر خوانندگان محترم بگذرانند: ۲۱

ک ۲۱۱/۸۸
۲۵/۸/۶

تبریز

مذاکره خارج

روزنامه پراودا در بیت دینامیک که تحت عنوان راجع به وضع ایران مدتی
نظریه نسبت به کابینه جدید است که تحت عنوان در یک شش ماه نظر به
ترجمه آن معنی به منزله: بنا بر اخبار فشرده در مورد ایران و نام
شماره ۱۹ که کابینه جدید را تشکیل داد هر چند که کابینه پیشین را
غیر کرده و حزب ایران در آن شرکت ندارند تحت عنوان به عبارت دیگر

[illegible]

آذربایجان در این کشور، به بزرگترین و ناموفقترین کشور تبدیل شد. و همین برای آنکه از این کشور به
 مردم منتظر، انجام بدهد و منتظر است که هم بهر آنکه در یک سده است که هم در این
 و نیز به سده ۱۸ و ۱۹ در آن قرون کار و بجهت بهر در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۱۴ و ۱۵ در این کار و بجهت به سده ۱۶ و ۱۷ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۱۸ و ۱۹ در این کار و بجهت به سده ۲۰ و ۲۱ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۲۲ و ۲۳ در این کار و بجهت به سده ۲۴ و ۲۵ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۲۶ و ۲۷ در این کار و بجهت به سده ۲۸ و ۲۹ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۳۰ و ۳۱ در این کار و بجهت به سده ۳۲ و ۳۳ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۳۴ و ۳۵ در این کار و بجهت به سده ۳۶ و ۳۷ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۳۸ و ۳۹ در این کار و بجهت به سده ۴۰ و ۴۱ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۴۲ و ۴۳ در این کار و بجهت به سده ۴۴ و ۴۵ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۴۶ و ۴۷ در این کار و بجهت به سده ۴۸ و ۴۹ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۵۰ و ۵۱ در این کار و بجهت به سده ۵۲ و ۵۳ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۵۴ و ۵۵ در این کار و بجهت به سده ۵۶ و ۵۷ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۵۸ و ۵۹ در این کار و بجهت به سده ۶۰ و ۶۱ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۶۲ و ۶۳ در این کار و بجهت به سده ۶۴ و ۶۵ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۶۶ و ۶۷ در این کار و بجهت به سده ۶۸ و ۶۹ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۷۰ و ۷۱ در این کار و بجهت به سده ۷۲ و ۷۳ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۷۴ و ۷۵ در این کار و بجهت به سده ۷۶ و ۷۷ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۷۸ و ۷۹ در این کار و بجهت به سده ۸۰ و ۸۱ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۸۲ و ۸۳ در این کار و بجهت به سده ۸۴ و ۸۵ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۸۶ و ۸۷ در این کار و بجهت به سده ۸۸ و ۸۹ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۹۰ و ۹۱ در این کار و بجهت به سده ۹۲ و ۹۳ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۹۴ و ۹۵ در این کار و بجهت به سده ۹۶ و ۹۷ در این کار و بجهت
 در این کار و بجهت به سده ۹۸ و ۹۹ در این کار و بجهت به سده ۱۰۰ و ۱۰۱ در این کار و بجهت

نایجان و غراب در کراکت ایران جزایه‌ای نیدار انگلیس را از ایران
 حرات و مرکز آنهار در مجاورت ایران در صوره بدر حفظ نام انگلیس
 در مجرب ایران مشرف است. بلخ آنهار است در اندر اسقف تهران
 و در اینجای صوره زحف بدر قلع رقیع جنبه کارگران در مجرب ایران و کلاه در این
 صنع کار آنهار در عمودیت زفت انگلیس به کبه در نظر داشته هر دوام و دوم نایجان
 در کراکت را در کابینه راه داد. بوقت فشار و آوردن. اعتراضات هم در این
 ماموریت میخواند ایران و حرات و هندوستان بر علیه این اقدام انگلیس به نیت و نایجان
 انگلیس کاغذات بن در صوره همونه. میرد مرکز و اسرار اینجی در روز ایران و قاع
 نیز رخ در در غیر جنبه تجزیه بلخی و در تجا و شیخ اعراب و خزان و نایجان
 حرات و حرات و خزان بدو قاع شده است که آله خاها بختی و وقت و در
 بر علیه هر دو بدو خا و در سر حراتی قاع و بنا بر جزایه و اسرار و نایجان
 مظهر و در در ایران که در تجزیه و بر ب مدرک و به در دست هم در
 در صبه و به در کاف و در دست هم آله و در صبه و به در دست هم و نایجان
 به در دست به و نایجان و در دست هم آله و در دست هم و نایجان

یزدان بر سر تخت نشست و در میان دم برد. دزدان را در دزدانستان
 انگیزش نهاد و بر سر تخت نشست. لیکن گفت: «اکنون در وقت عزای حسین است»
 محسن خوانین قنات را بگریز نهاد و محسن در ظرف قنات را در میان نهاد
 در زیر زبانه دلازدان در تیر و نیزه در تنه میزد. دزدان را غصه میزد
 شتر بود روزی که در میان زنیه را طعمه امینان و دزدان خوانین قنات
 در میان انگیزش است یک زد و کرکال انگیزش در دزدان و دزدان کرکال انگیزش
 در میان تنه سر بود دزدان معلوم کرد ایران بهر نایب مختار نهاد

دزدان انگیزش خوانست و لیکن نیز اقدام کرد ایران بهر نایب مختار
 دزدان انگیزش در صبر بهر آنکه نیت نهی ندارد. بنا به خبر روزی که در میان
 نیز بهر آنکه نیت نهی به ایران راست است. امینان را که در میان در آورد. امینان را
 در میان نیت نهی در میان دزدان نیت نهی است و نیت نهی در میان
 بر دزدان نیت نهی است یک نیت نهی است و نیت نهی است و نیت نهی است
 نیت نهی است و نیت نهی است و نیت نهی است و نیت نهی است و نیت نهی است

[illegible]

نمره: ۲۱۱/۸۸ تهران

به تاریخ: ۲۵/۸/۶

وزارت امور خارجه

روزنامه پراودا بیست و پنجم اکتبر مقاله تحت عنوان راجع به اوضاع ایران حاوی نظریاتی نسبت به کابینه جدید جناب آقای اشرف آقای نخست‌وزیر نگاشته که نظر به اهمیت مندرجات ترجمه آن عیناً به عرض می‌رسد:

«بنابر اخبار منتشره در جراید ایران قوام‌السلطنه برحسب فرمان شاه در ۱۹ اکتبر کابینه جدیدی تشکیل داد که برخلاف کابینه پیش نمایندگان احزاب دموکراتیک حزب نوده و حزب ایران در آن شرکت ندارند. قسمت ترقیخواه مطبوعات تهران این تغییر کابینه را به منزله گذشت نسبت به قوای ارتجاعی دانسته و در خصوص سیاست داخلی و خارجی کابینه جدید اظهار نگرانی می‌نمایند. اظهارات روزنامه‌های تهران درباره گذشت دولت نسبت به قوای ارتجاعی ایران بدون شک تا اندازه‌ای پایه و اساس دارد بطوریکه معلوم است روی کار آمدن قوام در فوریه ۱۹۴۶ منجر به تغییر جدی در سیاست ارتجاعی که ساعد و صدر و حکیمی داشتند گردید. دولت قوام در سیاست داخلی دست به بعضی اقدامات ترقیخواهانه زد و در سیاست خارجی درصدد برقراری روابط عادی و دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی برآمد. قوام در اعلامیه ۶ ژوئن امسال خود اظهار نمود اگر تاکنون آغاز به اصلاحات به علت مشکلات موجوده در سیاست خارجی که نتیجه سیاست غلط و مغرضانه کابینه‌های نالایق و وکلای خائن تحمیلی منتشر نبود و اوقات من صرف حل مشکلات سیاست خارجی می‌گردید از این پس که سوءتفاهمات گذشته منتفی و به ویژه روابط بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی به صورت روابط حسنه و حسن تفاهم کامل درآمده است و خاک ایران از نیروهای بیگانه کاملاً تخلیه شده است برای بهبود حال کشور و تأمین آسایش ملت می‌توانیم به اصلاحات شروع نماییم. دولت قوام با اتخاذ این خط مشی جدید سیاسی می‌دانست که ناچار با قوای ارتجاعی باید مبارزه و به طبقات ترقیخواه و روشنفکر جامعه ایرانی تکیه نماید و در همان اعلامیه قوام اظهار داشت لازم به توضیح نیست که بنام نیل به هدف مقدس و تأمین آزادی حقیقی در این کشور من به نیروی تمام عناصر ترقیخواه و میهن‌پرست کشور تکیه خواهم کرد. دولت قوام به منظور انجام برنامه خود بعضی اصلاحات مهم به عمل آورد و یک سلسله اقدامات

مهم دیگری نیز پیش‌بینی شده بود. در ۱۸ مه امسال قانون کار که موجب بهبودی زیادی در شرایط کارگران ایرانی می‌گردد، تصویب شد. ۱۳ ژوئن موافقت‌نامه‌ای با نمایندگان آذربایجان ایران منعقد گردید که ضمن تأیید بعضی از پیشرفت‌های ملی و دموکراتیک آذربایجانها اصلاحاتی نیز در زمینه قانون انتخابات پیش‌بینی شده است. ۶ ژوئیه دولت قانون تقسیم اراضی خالصه را بین زارعین تصویب نمود و غیره بالاخره در اول اوت امسال قوام به منظور همکاری نزدیکتری با محافل دموکراتیک کابینه‌ای با شرکت نمایندگان حزب توده و حزب ایران تشکیل داد. اصلاحات قوام و علی‌الخصوص همکاری نزدیک او با محافل دموکراتیک آزادیخواه کشور و همچنین برقراری روابط عادی و دوستانه با اتحاد جماهیر شوروی موجب شد که بعضی از محافل ایران و خارجه با خشم و کینه شدیدی درصدد مبارزه با کابینه قوام برآیند. از طرف دیپلماسی انگلیس در این مورد فعالیت مخصوص به عمل آمد. مایکل فوت نماینده مجلس شورای انگلیس در یکی از مقالات خود نوشت که سیاست انگلیس نمی‌خواهد قبول کند که دنیا جلو می‌رود و تصور می‌کند که ایران می‌تواند تا ابد در حال فقر و ملوک‌الطوایفی کنونی خود بماند. رادیوی لندن سوم اوت یعنی یک روز پس از تشکیل کابینه ایران با شرکت نمایندگان احزاب دموکراتیک ایران خبر انتقال نیروهای انگلیس را از هندوستان به عراق و تمرکز آنها را رد جوار مرز ایران در بصره برای حفظ منافع انگلیس و هندوستان در جنوب ایران منتشر ساخت. طبق اظهارات روزنامه‌های مختلف تهران اعزام قوای انگلیسی به بصره نه فقط برای قلع و قمع جنبش کارگران در جنوب ایران و نگاهداری وضع فعلی کار آنها در قلمرو امتیاز نفت انگلیس بود بلکه در نظر داشتند دولت قوام را که نمایندگان احزاب دموکراتیک را در کابینه راه داده بود تحت فشار قرار دهند. اعتراضات دولت ایران و محافل ترقیخواه ایران و عراق و هندوستان بر علیه این اقدام انگلیس بی‌نتیجه مانده نیروهای انگلیس کما فی‌السابق در بصره هستند. پس از تمرکز قوای انگلیسی در مرز ایران وقایع دیگری نیز رخ داد از قبیل جنبش‌های تجزیه‌طلبی و ارتجاعی شیخ‌های عرب خوزستان که ناگهان خواستار الحاق خوزستان به عراق شدند، کشف توطئه خانهای بختیاری و قشقایی در اصفهان علیه دولت و بالاخره شورش خوانین قشقایی، بنابر خبر آژانس پارس از تهران، مظفر فیروز وزیر سابق کار و تبلیغات به موجب مدارک موجوده در دست دولت ۱۳ سپتامبر در جلسه مطبوعات

اظهار داشت که توطئه ضد دولت در اصفهان جهت تأمین منافع خارجی تهیه‌شده شده بود و ضمناً عده‌ای از آنهایی را که در توطئه مزبور شرکت داشتند از قبیل رشیدیان، شیروانی، مرتضی قلیخان و دیگران اسم برد. افراد مذکور از لحاظ مناسبات خود با انگلیسها مشهور می‌باشند. لکن کشف توطئه اصفهان و توقیف عده‌ای از مسببین آن از عصیان خوانین قشقائی جلوگیری ننمود و چون از طرف قوای ایران مقاومت لازم را ندیدند بوشهر و کازرون را تسخیر و شیراز را تهدید می‌نمودند. از قرار اطلاعات بعدی منتشره در روزنامه‌های ایران زمینه توطئه اصفهان و شورش خوانین قشقائی توسط عمال انگلیسی تحت ریاست تروت سرکنسول انگلیس در اهواز و گولد کنسول انگلیس در اصفهان تهیه شده بود. از قرار معلوم دولت ایران به این مناسبت احضار آنها را از دولت انگلیسی خواست و لکن این اقدام دولت ایران هم مانند اقدامی که در خصوص تمرکز قوای انگلیسی در بصره به عمل آمد نتیجه مثبتی نداد. بنا به اخبار روزنامه‌های ایران منظور از این توطئه این بود که استانهای جنوبی ایران را تحت اختیار کامل خوانین درآورده اصول ملوک‌الطوایفی را در آن منطقه مستقر و دولتی روی کار آوردند که نهضت و سازمانهای دموکراتیک را در ایران برانداخته از تعقیب سیاست دوستانه با دولت شوروی صرف‌نظر نماید. خانهای قشقائی که تنها و بدون کمک متحدین خود بختیاریها قیام نمودند نتوانستند تمام تقاضاهائی را که در اصفهان در نظر گرفته شده بود به دولت عرضه دارند ولی در اخراج نمایندگان احزاب دموکراتیک از کابینه و داخل کردن دو وزیر نماینده خوانین جنوب اصرار می‌ورزیدند. از موافقت‌نامه ۱۵ اکتبر منعقد میان دولت ایران و خانهای قشقائی منتشره روزنامه‌های تهران اینطور استنباط می‌شود که مسببین وقایع جنوب ایران نتوانستند تمام نقشه‌های خود را عملی کنند لکن موفق شدند قوام را مجبور کنند در حدود معینی از همکاری با سازمانهای دموکراتیک صرف‌نظر نموده خط مشی قبلی را تا اندازه‌ای تغییر دهد. این قضیه نه فقط از عدم شرکت نمایندگان حزب توده و حزب ایران در دولت تازه قوام مشهود است بلکه اخبار مسلسلی که در روزنامه‌های ایران راجع به تعقیب سازمانهای دموکراتیک از طرف عناصر ارتجاعی با کمک مأمورین محلی مخصوصاً در نواحی جنوب کشور می‌نویسند این موضوع را می‌رساند. آینده نزدیک نشان خواهد داد آیا دولت تازه قوام از برنامه ترقیخواهانه که قوام قبلاً اعلام نموده بود عقب‌نشینی بیشتری خواهد کرد یا اینکه در

مقابل حملات ارنجاء مقاومت خواهد ورزید.

ولادیمیرف.

نمره: ۸۸ مورخ ۸/۶ اعتصامی.»

فصل دوازدهم

رهائی آذربایجان^۱

پس از مسافرت قوام به مسکو و مذاکره با روسها و دادن چند امتیاز به آنان پیشه‌وری و همفکران وی پی بردند ممکن است روزی از حمایت اربابان خود محروم گردند. مخصوصاً وقتی که ارتش سرخ ایران را تخلیه نمود این گروه به عاقبت وخیم اقدام خود هراسناک گردیده حاضر شدند با دولت مرکزی به مذاکره بپردازند و به نحوی قیام خود را به دولت مرکزی بقبولانند و وضع موجود را حفظ کنند. که می‌دانستند که قوام‌السلطنه به روسها وعده داده است مسئله آذربایجان را به نحو مسالمت آمیز حل کند. پس از اینکه مدتی وقت خود را صرف فرستادن دو هیئت به تهران و پذیرفتن هیئت اعزامی از تهران و مذاکرات با نمایندگان دولت نمودند عاقبت فهمیدند امکان ندارد بتوانند وضع موجود خود را، که منافی با تمامیت و استقلال کشور است، حفظ کنند و دیر یا زود تصادم آنها با قوای دولتی اجباری و قهری خواهد بود. این مسئله پس از بازگشت هیئت اعزامی تحت ریاست میرزاعلی شبستری به اولیای دموکراتها روشن شد و فهمیدند وضع بین‌المللی ایجاب می‌کند که بیگانگان با دولت ایران روابط حسنه خود را حفظ نمایند و با جریاناتی که در شورای امنیت ملل متفق می‌گذشت، دیگر امکان ندارد برای موضوع آذربایجان بار دیگر ارتش‌های بیگانه به خاک ایران بیایند و کمک بیگانگان به حکومت قلابی پیشه‌وری از طریق توصیه به دولت ایران و خواهش دوستانه تجاوز نخواهد کرد.

هنگامی که مقدمات اعزام ارتش ایران^۲ به آذربایجان فراهم می‌شد جراید ارگان حزب توده در تهران با الهام از فرقه دموکرات و حکومت پوشالی پیشه‌وری دولت را به باد انتقاد گرفتند و نوشتند که اگر نیروی دولت قانونی ایران به آذربایجان حمله کند نه تنها از نیروی فرقه دموکرات شکست خواهد خورد بلکه نیروی فرقه به تهران و سایر شهرستانهای مرکزی و شمالی پیشروی خواهد کرد. همان اوقات رادیو فرقه دموکرات در تبریز ضمن رجزخوانیهای خود جمله معروف «مرگ هست ولی برگشت نیست»^۳ «اولماخ وار دونماخ یوخدور»^۴ را از زبان پیشه‌وری تکرار می‌نمود. اما سران مغرور و خودباخته فرقه از این نکته غافل بودند که استالین و یارانش به مقتضای سیاست روز، دیگر از فرقه‌سازان و متجاسرین و حکومت دست‌نشانده خود پشتیبانی جدی نخواهند کرد زیرا با امتیازاتی که تعهد اجرای آنها را در قرارداد قوام - سادچیکوف^۵ بر نخست‌وزیر ایران تحمیل نموده بودند می‌توانستند به هدفهای خود برسند و به هرصورت در آن موقع جلب دوستی و رضایت ایران بر حمایت از حکومت پوشالی فرقه دموکرات برای استالین سودمندتر بود. زیرا اگر دولت اتحاد شوروی قصد کمک به آشوبگران را داشت معلوم نبود وضع آذربایجان چه بود؟

نقشه و طرح حمله به آذربایجان

در اواخر سال ۱۳۲۴ در ستاد ارتش دستورها و طرحهایی برای اعزام نیرو به آذربایجان و کردستان شمالی، که قرار بود پس از خاتمه جنگ جهانی از طرف نیروی شوروی تخلیه شود موجود بود که به علل سیاسی عملی نشد و نه تنها اعزام نیروی به سمت نواحی اشغالی مقدور نگردید بلکه یک رشته وقایع و تحولات غیرمنتظره‌ای از آن تاریخ به بعد روی داد، که چنانکه دیدیم، هریک به منزله ضربه مهلکی بود که بر پیکر استقلال و تمامیت ارضی این کشور وارد شد.

۲- ایران در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی، نوشته علی اصغر شمیم.

۳- مرگ بود بازگشت هم بود نوشته نجفی پسیان.

۴- منامه ارتش.

۵- آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران.

در تاریخ ۲۴ فروردین از طرف نخست‌وزیر اجازه داده شد که نظر به تخلیه شهر قزوین از نیروی شوروی قوایی به قزوین اعزام گردد و بالنتیجه ستون نیرومندی مرکب از سه گردان پیاده و توپخانه و ارباب جنگی و خمپاره‌انداز و هواپیما به قزوین اعزام و روز بعد در آن شهر مستقر گردیدند. پس از استقرار ستون اطلاع رسید که متجاسرین دموکرات در کلیه نقاط حساس جاده قزوین - تبریز مشغول استحکام مواضع مهم هستند و مخصوصاً به خط تافلانکوه و مستحکم نمودن آن توجه مخصوصی دارند. به علاوه در نزدیکی یوزباشی چای، در روی جاده قزوین - رشت عناصری گمارده‌اند. در چنین وضعی ستون اعزامی به قزوین با مراعات کامل دستورهای صادره مبنی بر عدم تجاوز از مواضع اشغالی در قزوین مستقر گشت و وظایف عادی و تأمین و انتظامی خود را انجام می‌داد تا در تاریخ ۱ تیرماه ۱۳۲۵ به منظور تکمیل اقدامات مربوط به تعقیب روش مسالمت‌آمیز از طرف دولت و جهت نشان دادن حسن‌نیت کامل زمامداران دولت و ارتش، دستور داده شد عده‌ای از واحدهای پادگان قزوین به تهران آمده نیروی این پادگان تقلیل یابد. لیکن در همین روزها و پس از مراجعت پیشه‌وری از تهران به تبریز شایع گردید که در زنجان فرمان بسیج داده شده و متجاسرین در کلیه نقاط اشغالی تقویت می‌شوند. معیناً اعزام واحدهای قزوین به مرکز و تقلیل پادگان مزبور از تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۲۵ آغاز شد و تا تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۲۵ خاتمه پیدا کرد ولی بعداً چون کوچکترین اثری از حسن‌نیت دموکراتها مشهود نشد و اطلاعات واصله حاکی از سوءنیت دموکراتها علیه نیروهای ارتش بود و تعداد فدائیان که در برابر ارتش متمرکز شده بودند به ۱۷۰۰ نفر می‌رسید لذا ستاد ارتش امر داد که پادگان قزوین مجدداً با اعزام واحدهای نظامی تقویت شوند و چون اطلاعات دیگری مبنی بر افزایش پیاپی تهدیدهای متجاسرین در این قسمت و دست زدن آنان به غارت و بدرفتاری و تعدی و قتل می‌رسید لذا ارتش به منظور رفع این تهدیدها و در ضمن پی بردن به وضع حقیقی و ارزش نظامی دموکراتها به اعزام ستون کوچکی تصمیم گرفت.

طبق نقشه فوراً ستون کوچکی از واحدهای پیاده که با توپ کوهستانی ۷۵ و خمپاره‌انداز تقویت می‌شد تشکیل یافت و در ساعت بیست شب دهم شهریور ۱۳۲۵ به طرف یوزباشی چای، واقع در جاده قزوین - رشت، حرکت کرد و در قهوه‌خانه کربلاغ واقع در روی همان جاده ستون مذکور به دو گروه جزء تقسیم شد. این دو گروه طی

عملیات بیست و چهار ساعته زاجگان علیا و نیکویه را اشغال کردند. طی این زد و خورد سه نفر از فدائیان مقتول و پای یک افسر جزء مجروح شد.

روز دوازدهم شهریور پس از استقرار یک واحد پیاده در نیکویه برای حفظ انتظامات و امنیت این منطقه عملیات مزبور پایان یافت ولی چون اصولاً وضع ایجاب مراقبت و هوشیاری بیشتری در آن سمت را می‌نمود، دستور داده شد که یکی واحد پیاده در نیکویه و واحد دیگری در یوزباشی چای و یک واحد در تاکستان به عنوان رده مقدم مستقر گردد و مأموریت تأمین و مراقبت را عهده‌دار شود و از این عملیات جزئی به خوبی استنباط شد که قوای فدائی و قزلباش دموکراتها دارای ارزش نظامی و استعداد واقعی نبوده در مقابل حملات مرتب تاب مقاومت نخواهد داشت.

در تاریخ دوم مهرماه سرهنگ هاشمی به فرماندهی لشکر ۳ پادگان قزوین منصوب شد و دستورهای کامل در مورد مأموریت او و پادگان قزوین و نحوه عمل این پادگان و احتیاطهای لازمی که باید رعایت شود داده و ضمناً به منظور تقویت پادگان قزوین واحدهای جدیدی فرستاده شد.

در این زمان گرچه مانند همیشه و بدون اخذ نتیجه مثبت و قاطعی مذاکرات برای حل قضیه زنجان و آذربایجان در جریان بود، معیناً ستاد ارتش با پیش‌بینی و فرض آنکه ممکن است در این مرحله نیز مانند سایر مراحل قبلی نتیجه‌ای حاصل نشود، لذا احتیاط‌ها و پیش‌بینی‌های لازم برای تهیه عملیات دامن‌دار و منظمی را به سمت شمال نمود و دستورهای محرمانه و مفصل مقدماتی مانند حاضر کردن فرودگاهها، حفظ جناحین عملیات احتمالی مخصوصاً در جناح چپ جاده قزوین - زنجان - تبریز، توسط عشایر دولخواه محلی، کسب اطلاعات در منطقه جلو و جناحین، تهیه تدارکات و تجهیزات و غیره برای عموم مقامات ذینفع صادر کرد و سه نفر مأمور مخصوص نیز از ستاد ارتش جهت بررسی اوضاع منطقه از نزدیک، اعزام شدند. ولی چون دولت و ارتش هنوز به حل قضایا از طریق مسالمت و ارفاق امیدوار بودند از این تاریخ تا آذرماه که عملیات جدی نظامی شروع شد هیچگاه کوچکترین تجاوز یا ابراز سوءنیتی از طرف، واحدهای ارتش و مأمورین مربوط به عمل نیامد.

جلسه محرمانه فرمان شاه

در فصول سابق دیدیم که دولت قوام و مخصوصاً بعضی از همکاران او (مخصوصاً مظفر فیروز) برای آنکه حتی الامکان با متجاسرین آذربایجان راه مسالمت پیش گرفته باشند، تا چه حد در برابر امیال و آرزوهای آنان تسلیم شده بودند، معیناً تجربه نشان داد که هوا و هوس و اغراض دموکراتها را پایانی نیست و پس از رسیدن به مقصود موضوع تازه و جدیدی را پیش می کشیدند.

هیئت اعزامی دموکراتهای آذربایجان در مدت اقامت خویش در تهران از طریق سازش با عناصر افراطی دست چپ و با صرف مبالغ گزاف و هیاهو و تبلیغات چنان وحشت و اضطرابی در طبقات مختلف ایجاد کردند که اغلب تصور می کردند فرقه مذکور به زودی از آذربایجان تجاوز خواهد نمود و سایر نقاط ایران را نیز زیر نفوذ خویش درخواهد آورد و بعضی از اعمال دولت مرکزی از قبیل اظهار ضعف، اعزام هیئت از تهران به آذربایجان و یا دعوت هیئت اعزامی از آذربایجان به تهران، دموکراتیک شناختن نهضت آذربایجان و جریانات دیگری مانند ائتلاف حزب توده و فرقه دموکرات آذربایجان، تبلیغات شدید روزنامه های دست چپ و نظایر این امور بر روی هم بر وحشت و هراس مردم افزود، چنانکه اغلب افراد نسبت به آینده بیمناک و از آن مأیوس بودند.

ستاد ارتش مأموریت یافت، تحقیقات کاملی در باب وضع متجاسرین آذربایجان کند و از طریق ارتباط با عده ای از میهن پرستان آذربایجانی و اعزام مأموران مخفی قابل اطمینان تحقیقات کاملی را درباره وضع متجاسرین آغاز نماید و موفق شد در عرض یک ماه اطلاعات مفیدی راجع به جزئیات اوضاع آذربایجان بدست آورد و گزارشی به شرح زیر تهیه نمود:

«در تشکیلات کنونی آذربایجان جز وحشت و اضطراب چیزی نیست. آنچه در تهران نقل می شود عموماً دروغ و بی اساس و تنها منظور از آن تولید وحشت و ترس است. تا این تاریخ هنوز متجاسرین در آذربایجان و کردستان عمل خاصی ننموده اند. چه با آنکه ۷۰۰ افسر آماده کرده و کادری به وجود آورده اند ولی چون این افسران و متصدیان امروز آذربایجان از ناصالح ترین عناصر کشور هستند (خاصه افسران فراری که عهده دار مشاغل عمده اند اغلب افراد ناصالح و استفاده طلب می باشند) لذا سازمانی که

بدست آنان ایجاد شده است کوچکترین ارزشی ندارد.

این سازمان فعلاً در حدود ده هزار نفر افراد در اختیار دارد که ترتیب استقرار آنها به شرح نقشه ضمیمه است. ولی علائم و آثار بسیاری در دست است که پس از مدتی ممکن است این سازمان وضع بهتری پیدا کند و خطرات عظیمی را به شرح زیر برای کشور ایجاد نماید.

۱- ورود مهاجرین که روز به روز رو به ازدیاد می گذارد و قطعاً با این روش در آینده همه امور بدست آنها خواهد افتاد و کلیه شئون حیاتی و سیاسی این منطقه را در دست خواهند گرفت.

۲- تهیه کادر افسران و درجه داران به سرعت ادامه دارد و تاکنون در نظر است ۶۰۰ نفر نیز برای تحصیل در رشته های نظامی خاصه هواپیمائی به خارج فرستاده می شوند.

۳- حمل سلاح و لوازم مختلف به آذربایجان رو به فزونی است و طبق گزارشهای واسله ۵ هزار مسلسل و سلاحهای خودار و صد هزار تفنگ و مهمات بسیار به آن منطقه وارد شده است.

با توجه به مقتضیات مذکور قطعی است که اگر افراد مدبر و فعال تری در این منطقه گرد آیند و کادر قابل اعتمادی ایجاد نمایند و وسائل و سلاحهای مذکور را بکار اندازند مشکلات بزرگ و مخاطرات عظیمی به وجود خواهد آمد. چه صراحتاً باید گفت منظور از اقدامات متجاسرین تنها تحصیل خودمختاری آذربایجان نیست بلکه مراد نهائی آنان اشغال کلیه ایران و رسوخ در سراسر کشور می باشد و مسلماً این نهضت ساختگی در حال کنونی خود متوقف نمی ماند و به محض آنکه موفق به تهیه سازمان کامل و پیش بردن نقشه خود شود، شروع به تهدید ایران خواهد کرد.^۶

۶- برای اثبات این موضوع به این گزارش که در روزنامه ارتش منتشر شد توجه شود:

از فرستاده مخصوص ما به آذربایجان

اسرار سیاسی تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان

اولین نقشه تغییر رژیم ایران، تصرف تهران و قتل عام ر رجال و روزنامه نگاران به وسیله افراد حزب نوده و دموکرات چگونه خشی شد.

امروز از بین بردن این سازمان آسان است و به سرعت می‌توان در این باب اقدام کرد ولی در سال آینده این عمل غیرمقدور و با هزاران اشکال مصادف خواهد بود. لذا ارتش وظیفه خود می‌داند به عرض برساند که موقع عمل فرا رسیده است و هر لحظه قصور و سستی و یا عدم توجه و سهل‌نگاری لطمه شدید به کشور و استقلال میهن وارد خواهد ساخت و بزرگترین مسئولیت را برای زمامداران عالی‌مقام کشور در تاریخ ایجاد خواهد کرد.»

اما نقشه دوم...

... پس از مراجعت آقای قوام‌السلطنه از مسکو چون در بعضی مسائل جاری کشور توافق نظر حاصل نشده بود و به علاوه مجلس شورای ملی هم در شرف خاتمه و روی هم‌رفته اوضاع عمومی متشنج بود دموکرات‌ها تصمیم می‌گیرند از موقعیت استفاده نموده تهران را متصرف و رژیم سلطنتی را به جمهوری تبدیل و جعفر پیشه‌وری رئیس‌جمهوری کل ممالک محروسه ایران شود.

روی این اصل در اواخر بهمن از چند نفر از سران توده دعوتی به عمل آمده به آذربایجان می‌روند. در اولین جلسه‌ای که تشکیل شد پیشه‌وری نظریات حزب دموکرات را به حضار اعلام و دستور داد برای اجرای جزئیات امر موضوع بلافاصله مورد شور و مطالعه قرار گیرد.

کبیری می‌گفت پس از چندین جلسه شبانه‌روزی تصمیم گرفته شد که حمله را به شب عید نوروز موکول و از خرم‌دره شروع کنم. ابتدا قبل از شروع حمله قرار بوده است ۵ هزار نفر مهاجر مسلح که باید ۲ هزار نفر آنها تروریست و بقیه بیکار و باشند به کمک توده‌ایها به تهران حرکت دهند. در تهران می‌بایستی حزب توده ساعت شش صبح روز اول فروردین ۱۸ نقطه شهر را به وسیله مواد منفجره ویران و آتش بزنند. اکثر آنها پایگاههای نظامی، شهربانی، پست و تلگراف، بی‌سیم و بازار بوده است. بعد از حمله و تصرف شهر دموکراتها اداره امور شهربانی و سایر وزارتخانه‌ها را در دست گرفته و مشغول ترور کلیه نمایندگان مجلس چهاردهم مدیران جراید یطرف دوست راست، نخست‌وزیران، وزراء و متنفذین و رجال و مجتهدین و خلاصه هرکس با سیاست آنها موافق نباشد، ترور شود.

از سوی دیگر قرار شد شب آخر سال ۱۳۲۴ ساعت ۲۴ تعداد پنج هزار نفر فدائی و مهاجر مسلح با مسلسل و تفنگ و خمپاره‌انداز به وسیله راه آهن و راه شوسه از خرم‌دره به فرماندهی غلام یحیی حرکت و صبح قبل از طلوع آفتاب افسران و سربازان پادگان مرکز را قتل‌عام و کلیه لشکرهای تهران و نقاط سوق‌الیشی را متصرف و بقیه امور را بدست توده‌ایها بدهند. این نقشه را که با دقت و زحمت فوق‌العاده تنظیم کرده بودند فقط موفق می‌شوند یک قسمت آن را عمل کنند و آن اعزام مهاجرین مسلح و گماردن آنان در راه آهن و کارخانه‌های دولتی بوده است...

بر اثر این گزارش به فرمان شاه کمیسیونی در کاخ سلطنتی از نخست‌وزیر و وزیر جنگ و رئیس ستاد ارتش با حضور شاه تشکیل شد و رئیس ستاد ارتش مراتب را به عرض رسانید و پس از اتمام گزارش شاه اظهار داشت:

«بنابر آنچه بر من مسلم است دسته‌ای از ماجراجویان با ایجاد وحشت و اضطراب می‌خواهند یکی از نواحی حاصلخیز و ثروتمند ایران را تصاحب کنند و با تهدید و فشار بر حکومت مرکزی تمام متصدیان امور را به قبول درخواست‌های خود وادار نمایند و اگر این روش ادامه یابد و از آن جلوگیری نشود قطعاً مسبب آثار سوئی در سراسر کشور خواهد گشت و رشته نظم را از هم خواهد گسیخت و استقلال کشور را متزلزل خواهد ساخت.

لذا بنابر وظیفه مهمی که بر عهده من است با تصویب و تصدیق گزارش ستاد دستور می‌دهم که بلافاصله اقدامات اساسی و فوری برای نجات آذربایجان و سراسر مناطق شمالی شروع و ریشه‌فساد کننده شود.»

بر اثر این فرمان صریح شاه احمد قوام نخست‌وزیر که تا این زمان روش مسالمت‌آمیزی را با متجاسرین تعقب می‌کرد بکلی تغییر روش داد و آمادگی خود را برای اجرای اوامر شاهانه به عرض رسانید.

این جلسه تاریخی به فرمان شاه برای تهیه مقدمات نجات آذربایجان تشکیل یافته بود، جلسه‌های سری و دور از هر گونه تظاهر بود.

در خلال این جریانات گزارش‌هایی از سرکنسولگری ایران در بادکوبه از جمله آقای خ. خسروپرویز کنسولیاری کنسولگری ایران در بادکوبه مبنی بر تزلزل اساسی سیاست و بی‌مایه بودن اصول حکومت زمامداران خودمختار آذربایجان رسید که حاکی از اقدام دولت و ارتش برای رهائی آذربایجان به این قرار بود:

وزارت امور خارجه

تاریخ ۱۳۲۵/۷/۸

خیلی محرمانه است

وزارت خارجه

تعقیب گزارشهای سرکنسولگری شاهنشاهی در بادکوبه و موضوعی که شفاهاً به

عرض جناب آقای معاون کل رسید. معروض می‌دارد. گرچه پیش آمده‌های جنوب در توجه دولت نسبت به آذربایجان تأثیر داشته و شاید هم موضوعی که در زیر به عرض خواهد رسید فعلاً تصدیق آن در مقامات عالی‌ه مشکوک باشد چون نتیجه‌ای که بنده از افکار عمومی در مرکز در این چند روزه گرفته و تصور اینکه در مورد قدرت دموکراتهای آذربایجان می‌شود از حقیقت خیلی دور می‌باشد که می‌توان آن را نتیجه رعب تصور کرد بنابراین ناگزیر جسارت به عرض این گزارش می‌نماید:

اینکه دولت برای احتراز از خونریزی و برادرکشی نسبت به وقایع آذربایجان از حدود عدل هم تجاوز کرده و اغماض بی‌نهایتی را می‌فرماید گمان نمی‌رود منتهی به نتیجه‌ای بشود زیرا شبستری و بیریا و غلام یحیی و امثال اینها که تا چندسال پیش حتی جزو افراد عادی هم در هیچ‌جائی محسوب نمی‌شدند و امروز در نتیجه این وقایع هر کدام از آنها کباده وزارت و ریاست دولت را می‌کشند چگونه حاضر می‌شوند از این مقام صرف‌نظر کنند مخصوصاً که می‌دانند به محض اصلاح اوضاع حاضر ابناء هزاران آذربایجانی که در زیر شکنجه‌های اینها جان داده و به خاک و خون آغشته شده‌اند سخت‌ترین انتقام را از اینها خواهند کشید بنابراین بی‌پرده عرض می‌کنم که اصلاح قضیه آذربایجان بدون خونریزی میسر نخواهد بود و دیر یا زود یا باید دولت از آذربایجان چشم‌پوشد و یا باید به این خونریزی تن در دهد منتهی چیزیکه هست موضوع قوای لشکری و معنوی دموکراتهای آذربایجان غیر از این است که در مرکز تصور می‌شود و همانطوری که از طرف سرکنسولگری نیز به عرض رسیده است جز یک عده مهاجر و یا خائن وطن که به طمع جاه و جلال سلاح در دست گرفته‌اند افراد دیگر که آذربایجانی هستند به هیچ‌وجه حاضر نخواهند شد به روی هم میهنان خود تیر خالی کنند و بنابراین اصل مسلم هر روزی که از روی این وقت می‌گذرد بیشتر به ضرر دولت تمام می‌شود.

موضوع دیگری که در این مورد کاملاً موثر است و دور هم نیست که افکار دولت را هم مشوب کرده باشد اینست که بنده از چند نفر شنیدم که می‌گفتند آذربایجانیها مخصوصاً برزگران و سکنه دهات تمایل کامل به این رژیم دارند و استدلالشان هم اینست که چون قطعات بین رعیت تقسیم گردیده و خود آنها صاحب ملک و حاکم بر مقدرات خود شده‌اند بنابراین با تغییر این رژیم کاملاً مخالف خواهند

بود در صورتیکه حقیقت امر برخلاف اینست و مردم از این رژیم کاملاً ناراضی و حتی آرزو می‌کنند در تحت فشار چندین مالک قرار بگیرند ولی از این رژیم متخلص شوند زیرا علاوه بر اینکه جز یک مالکیت موهوم چیزی به رعیت داده نشده آنها را از هستی هم فاقد کرده‌اند به این معنی که برزگر نه تنها دیگر از گاو و گوسفند و حتی مرغ خود بهره نداشته و نود درصد آنها به زور و جبر ضبط و به روسیه حمل می‌شود هر روز هم به یک عنوانی باید مبلغی به متجاسرین و یغماگران بپردازند و بنابراین تصدیق خواهند فرمود که نظر منظور هم به هیچ‌وجه وارد نبوده و افراد آذربایجانی به ویژه ایلات و عشایر تشنه انتقام از دموکراتها می‌باشند. منتهی چون تا کنون از طرف دولت اقدام اساسی ندیده مایوس و مرعوب شده‌اند نمی‌توانند صدائی بلند کنند و هر قدر هم این رویه تعقیب بشود بر یأس آنها خواهد افزود و چنانچه توضیحات بیشتری در این باب لازم باشد و امر فرمایند به عرض خواهد رسانید.

کنسولیاری سرکنسولگری شاهنشاهی در بادکوبه

خ. خسروپرویز (محل امضا).

انعقاد این جلسه یکی از بزرگترین اقدامات تاریخی و قدم اصلی برای ایجاد تحول در قسمت بزرگی از سرزمین ایران بود. در نتیجه همین جلسه سری و دور از نظاهر بود که اقدامات برای نجات آذربایجان با ترتیب و نظم تمام و فعالیت بسیار شروع گردید.

در اواخر آبانماه اقدامات و احتیاطهای لازم برای تصرف احتمالی زنجان به وسیله واحدهای نظامی از طرف ستاد ارتش به عمل آمد ولی چون افشاء مقصود ممکن بود اجرای نقشه را مختل نماید و اشغال زنجان را که مبدء اصلی برای عملیات بعدی به سمت شمال بود، دچار اشکال و یا لااقل به تأخیر بیندازد بنابراین کلیه دستورها به صورت کاملاً محرمانه صادر نمی‌شد و اقدامات در نهایت اختفا و استتار صورت می‌گرفت. بطوریکه تاریخ شروع عملیات و طرز اجرای آن برای عموم حتی فرمانده لشکر ۳ نیز مخفی نگاهداشته شده بود و واحدهائی که برای اجرای این مأموریت باید از مرکز به قزوین اعزام شوند اصولاً از مأموریت خود بی‌اطلاع بودند و دستورهای حضوری که از طرف رئیس ستاد ارتش به فرمانده لشکر یک داده می‌شد فقط دایره به آماده

ساختن ستونی جهت حرکت به طرف ساری بود.

ستونی که به این ترتیب و اسماً جهت اعزام به ساری در نظر گرفته شده بود تا آخرین لحظه حرکت هیچ‌یک از فرماندهان حتی فرمانده لشکر و فرمانده ستون نیز از مقصد و طرز عمل آن اطلاعاتی نداشتند. منظور اصلی ستاد ارتش از اعزام این ستون تقویت پادگان قزوین برای اشغال زنجان و بلافاصله شروع این عمل بود. پادگان قزوین نیز تا لحظه آخر از مأموریت خود اطلاعی نداشت و فقط در روز اول آذرماه اقدامات زیر صورت گرفت.

۱- ستون تقویتی اعزامی از مرکز در صبح روز جمعه اول آذر ۱۳۲۵ از باغشاه خارج گردید و در لحظه حرکت ستون مقصد و طرز عمل ستون مستقیماً و حضوراً توسط شخص رئیس ستاد ارتش به فرمانده ستون اطلاع داده شد.

۲- در همین روز به یکی از فرماندهان نظامی دستور داده شد که برای حفظ عقبه ستون‌های مأمور تصرف زنجان و خط قزوین با یک هنگ سوار با راه آهن بطرف قزوین حرکت نماید.

۳- دستورهای مربوط به طرز عمل و طریقه اشغال زنجان فقط در صبح روز اول آذر توسط افسر رابط ستاد ارتش در قزوین به فرمانده لشکر ۳ تسلیم گردید.

۴- گرچه آماده نمودن قطار و واگنها و لوکوموتیوهای لازم برای حمل و نقل قسمتی از نیروهای مأمور تصرف زنجان مستلزم اطلاع مقدماتی و تهیه قبلی بود، به منظور اختفاء عملیات به هیچ‌وجه قبلاً در این مورد اقدامی صورت نگرفت و فقط در روز یکم به تهیه این حمل و نقل پرداخته شد و با وجود اشکالات زیاد این عمل با موفقیت انجام گرفت.

۵- به منظور اختفا و استتار عملیات تصرف زنجان، طبق دستور مقامات ارتش کلیه ارتباطات تلفنی و تلگرافی جاده‌های قزوین با خارج در روز اول آذر قطع شد و کلیه مراکز مزبور و ایستگاههای راه آهن در همان روز توسط عناصر مخصوصی از پادگان قزوین اشغال گردید و به این ترتیب تا حدی که مقدور و میسر و قابل پیش‌بینی بود از سرایت اطلاع به خارج جلوگیری به عمل آمد.

۶- کلیه احتیاطها و اقدامات مربوط به فرستادن وسایل حمل و نقل و مراعات اختفا و استتار فقط در روز اول آذر عملی گردید.

طرح اشغال زنجان که کلیه احتیاطهای لازم از لحاظ تأمین اصول غافلگیری و سرعت اختفاء در آن آماده شده بود به این ترتیب انجام یافت.

کلیه نیروهای مأمور تصرف و اشغال زنجان باید در دو رده یا سه گروه و از روی دو محور به سمت زنجان پیشروی نمایند.

طبق دستورهای صادره ستون جلودار در ساعت ۲۳ روز اول آذر ۱۳۲۵ و ستون اتومبیلی رده دوم در ساعت ۲ روز دوم آذرماه و ستون روی راه آهن در ساعت ۳/۳۰ دقیقه روز اول آذر حرکت کردند.

پس از حرکت ستونها، چون فاصله ستون جلودار و ستون اتومبیلی رده دوم زیاد شد دستور رسید که ستون جلودار در خرم دره متوقف گردد.

خیز دوم یعنی حرکت جدید واحدها از خرم دره در ساعت ۳ روز دوم آذر آغاز گردید و ستون در حوالی ساعت ۵ صبح روز دوم به قره بلاغ در ساعت ۷ صبح به دیزج واقع در ۶ کیلومتری مشرف بر زنجان رسید. در مسیر حرکت تا این ناحیه تصادمی رخ نداد و فقط سرما و باد شدید افراد ستون را دچار زحمت می کرد.

جهش سوم به ترتیب زیر از دیزج شروع گردید.

در دیزج اراکه های جلودار از کامیونها پیاده شد و جلودار با یک آرایش تقریبی نیمه باز بطرف زنجان نزدیک شد و در حالیکه متجاسرین و اهالی شهر بکلی از جریان امر بی اطلاع بودند وارد زنجان شدند. این بی اطلاعی و غافلگیری به حدی بود که حتی تا عبور تمام ستون جلودار از زنجان دموکرات ها و اهالی از ورود ستون و عبور آن از زنجان اطلاع نیافتند. ولی پس از اطلاع اهالی شهر در ظرف مدت خیلی از منازل خارج شدند و با ابراز احساسات غیرقابل وصفی ستون را استقبال کردند. ستون جلودار هنگام عبور از شهر کلیه مراکز حساس مانند مرکز راه آهن و مخابرات و غیره را اشغال کرد و سپس بطرف هدف نهائی خود حرکت نمود و در ساعت ۱۱ به آن رسید و مستقر گردید.

پس از رسیدن ستون موتوریزه رده دوم به شهر وظیفه این ستون به برقرار کردن نظم و آرامش و جلوگیری از قتل عام دموکراتها توسط اهالی تبدیل شد و به این ترتیب ستون مذکور عملاً و اجباراً از وظیفه اصلی و نظامی خود منحرف گشت و در روزهای دوم و سوم تمام سعی آن مصروف انتظامات شهر گردید.

ستون روی خط آهن نیز در ساعت ده به ایستگاه زنجان وارد شد و انتظامات قسمتی از شهر مخصوصاً ایستگاه راه آهن و مؤسسات آن را بر عهده گرفت و پس از انجام دادن این وظیفه چون تقویت ستون اعزامی به نظر مقامات نظامی لازم به نظر می‌رسید یک واحد پیاده تقویتی از واحدهای اعزامی اصفهان به زنجان فرستاده شد و این واحد در شب پنجم به زنجان وارد شد و پادگان آنجا را تقویت نمود.

نیروی اعزامی تا روز سوم آذر با بی‌سیم با کلیه مراکز مهم مانند سنندج و رشت و فرمانده نیروی چریک خمسه تماس و ارتباط پیدا کرد.

زمانیکه برنامه اشغال زنجان در شرف اجرا بود، قسمت بزرگی از محال خمسه و چهار اویمان در غرب زنجان در تصرف متجاسرین بود و استعداد پادگانها و نقاط اشغالی آنها به ترتیب زیر بود:

در منطقه خمسه:

قیدار ۱۰۰ نفر پیاده با ۱۰ قبضه مسلسل سبک. کرسف و قره‌قوش ۲۵۰ سوار و پیاده، ینگگی کند ۱۰۰ سوار و پیاده با ۴ قبضه مسلسل سبک، پیرمربان ۵۰ نفر پیاده و ۵ قبضه مسلسل سبک، محمد خلیج ۵۵ پیاده و ۵ قبضه مسلسل سبک، حلب ۵۰ پیاده و ۴ قبضه مسلسل سبک، دوزکند ۱۵۰ پیاده و سوار و ۵ قبضه مسلسل، انگوران ۴۰ سوار و ۴ قبضه مسلسل.

در منطقه تکاب و چهار اویماق:

قزلچه ۸۰ پیاده و ۷۰ سوار، وزاوش ۱۰۰ سوار، ایوانک ۵۰ سوار، چشین ۲۰ سوار سانجود یک گروهان دموکرات کاملاً مجهز، هلاسویک گروهان دموکرات، ده جلال ۱۰ پیاده یک قبضه مسلسل سبک، اطراف نائین بلاغ ۳۵ سوار، چنک الماسی ۲۵ سوار، ملاپیری ۲۵ سوار، عربشاه آریاچای، چکنو، معدن هریک ۴۰ سوار و پیاده.

شاهین دژ مرکز اصلی عناصر تعلیم‌دیده و احتیاط متجاسرین.

در تاریخ دوم آذر از ستاد ارتش به فرماندهان عناصر چریک منطقه خمسه دستور داده شد که با تمام افراد خود و ضمن حفظ تماس و پیوستگی با یکدیگر و داشتن ارتباط دائمی با تهران به وسیله بی‌سیم بطرف زنجان پیشروی کرده نقاط اشغالی متجاسرین را از وجود آنها پاک نمایند. در همین حال دستورهای اکید و دقیقی راجع به خوش رفتاری با مردم و ممانعت از احجاف و تعدی چریک‌ها نسبت به اهالی حتی نسبت به متجاسرین

صادر و مخصوصاً تأکید شد تا از طرف دموکراتهای متجاسر تیراندازی یا تهدید و یا مقاومتی نشود از مبادرت به استعمال اسلحه خودداری نمایند. در اجرای این دستور نیروی چریک در دو قسمت از جبهه یکی از سمت نیکی کند و حلب (نیروی چریک ذوالفقاری) و قسمت دیگر از منطقه قیدار و کرسف (عناصر چریک یمینی و امیر افشار و اسلحه‌دارباشی) به سمت کوسه‌لر و پاپائی حرکت کنند.

در روز ۵ آذر سواران محلی به آغول بیگ ۲۴ کیلومتری زنجان وارد شدند و فرمانده چریکها افراد محلی را در آنجا متمرکز ساخت و برای تماس حضوری و مذاکره با فرمانده ستون زنجان به این شهر رفت و در همین ضمن واحدهای پادگان بیجار که طبق دستور مقامات ارتشی تهران از راه ینکی کند به سمت زنجان حرکت کرده بودند به نیروی چریک ملحق شدند و در همین موقع تیپ رشت مأموریت یافت عملیات عده‌ای از عناصر محلی میهن‌پرست را هدایت کند و با نیروی زنجان ارتباط برقرار نماید و از لحاظ تسریع و تسهیل این نقشه امیر فتحی آرانلو و هاشم و کیلی و علی درامی با تقویت کافی از حیث اسلحه و مهمات مأمور جناح راست ستون اعزامی در منطقه شرقی زنجان شدند و از روز ۶ آذر نیز عملیات تهاجمی شاهسون‌ها که طبق نقشه و اقدامات مخصوصی از طرف ستاد ارتش تنظیم شده بود، آغاز گردید و چند نقطه مهم خلخال مانند خمص در اطراف هروآباد اشغال و فعالیت در این سمت نیز آغاز شد. ولی متجاسرین در این قسمت درصدد تقویت و مقاومت خود برآمده تصمیم گرفتند به آسانی مواضع خود را از دست ندهند.

بلافاصله پس از استقرار نیرو در زنجان و برقرار شدن آرامش و نظم در این منطقه طبق دستور ستاد ارتش به فرمانده لشکر ۳ و نیروهای آذربایجان، پادگانی از واحدهای نگهبانی بطرف سرچم اعزام و آن ناحیه نیز در تاریخ سوم اشغال گردید و ضمناً دستور داده شد که اشغال جمال‌آباد و نوروز‌آباد نیز توسط واحدهای نگهبانی مورد نظر گرفته شود. در همین موقع واحدهای سواره‌نظام نیز در روزهای ۲ و ۳ آذر در قزوین متمرکز شد و رده دوم آرایش عمومی را تشکیل داد و آماده گردید که در هر لحظه زنجان را تقویت نماید. این اقدامات ستاد ارتش مستند بر اطلاعات جامعی بود که طبق آنها غلام یحیی فرمانده متجاسرین مسلح در میانه و پل‌دختر و کلیه ارتفاعات و نقاط اطراف به تمرکز نیرو و تجهیزات پرداخته ارتفاعات اطراف قاقلانکوه را اشغال کرده واحدهای

تقویتی را از تبریز احضار نموده پل‌های مهم را مین‌گذاری می‌نمود. تعداد واحدهای متجاسرین در این مناطق به این قرار بود: ۲۰۰۰ نفر در گردنه قافلانکوه آ ۳۰۰ نفر در رجین و نوروزآباد، ۳۰۰ نفر در آق‌کند، ۲۰۰ نفر در سلیمان‌کندی و ۲۰۰ نفر در کاغذ‌کنان.

اعزام نیرو به زنجان و عملیات بعدی به طرف تبریز و جزئیات اجرای نقشه جنگی طبق فرمان شاه به ستاد ارتش ابلاغ گردید و حتی خود شاه هم در تاریخ پانزدهم آذرماه شخصاً با طیاره به زنجان رفته و در اطاقی در فرودگاه زنجان با سرلشکر رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش مذاکرات به‌عمل آورد. مذاکرات این‌دو به صدور این فرمان منجر گردید.

افسران، درجهداران ارتش

«شما که امروز در کردستان، زنجان و نواحی گیلان برای آزادی میهن گرامی و عزیز گرد آمده و گوش به فرمان منتظر اطلاع از ساعت عمل می‌باشید. باید بدانید ایران عزیز قرون متمادی است که با عظمت و سربلندی در دنیای قدیم و جدید شناخته شده است و با آنکه ملل و کشورهای بسیار در طول این مدت بر اثر سیر اوضاع جهان از بین رفته و از صحنه تاریخ حذف شده‌اند ولی نام ایران، میهن عزیز ما، که کهن‌ترین کشورهای جهان است همیشه پابرجا و همیشه با قدرت و اهمیت باقی مانده است. تصور نکنید که این کشور دچار حملات و تجاوزات نشده، سراسر تاریخ پرافتخار ما از تجاوزات اقوام خارجی یا عناصری که تحت فریب خارجی برای نقض استقلال آن عمل کرده‌اند، حکایت می‌کند. ولی تصور می‌کنم در تمام طول تاریخ هیچگاه چنین پیش‌آمد شومی که در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ دامن‌گیر میهن عزیز شده و در نتیجه مشتی ماجراجوی بی‌وطن منطقه مهم و سرسبزی چون آذربایجان یعنی روح ایران را، از مام میهن جدا ساخته‌اند رخ نداده است و روی افکار پلید و نظریات شومی که جز از بین رفتن استقلال و عظمت باستانی چیز دیگری نیست به آن عمل و اقدام مبادرت نموده‌اند. وظیفه جوانان کشور و فرد فرد ملت و خاصه قوای تأمینیه کشور است که این لکه بدنامی را از دامان کشور بزدایند و این بدبختی را با طرزی مطلوب و اسلوبی پسندیده از تاریخ پرافتخار کشور خود پاک نمایند. شما و همه افراد ملت ایران باید بدانید که اگر ما فوراً

و با تمام قوا برای نجات کشور اقدام نکنیم و این لکه بدنامی را از دامان میهن نزدائیم با کارهائی که در جریان است و با طرح و نقشه‌یی که مشتی وطن فروش برای ایران عزیز تهیه و آماده کرده‌اند در آتیه عمل بسیار دشوار و تقریباً غیرممکن خواهد بود. پس بر ما است که بدون اتلاف وقت و پیش از آنکه نقشه‌های شوم در آن منطقه کاملاً صورت عمل به خود گیرد این منطقه زرخیز را از چنگ اهریمنان ماجراجو نجات دهیم و وظیفه میهنی خود را انجام دهیم.

برای همین منظور مقرر می‌داریم که قوای تأمینیه بطرف آذربایجان عزیز حرکت، هرنوع مقاومت و ایستادگی را بکلی درهم شکند و هم‌میهنان عزیز را از یوغ استبداد خلاصی بخشند و ماجراجویان را محو و نابود سازند و پرچم شیر و خورشید را در تمام نقاط این سرزمین در اهتزاز درآورند و گرد غم و بیچارگی را از ناصیه هم‌میهنان عزیز که در مدت یک‌سال اخیر منتهای بدبختی و مذلت را دارا بوده‌اند، پاک نمایند.

نیل به این مقصود و اجرای این وظیفه مهم جز با فداکاری شما امکان‌پذیر نیست و نام کسانی که در این اردو کشی و برای نجات میهن عمل خواهند کرد همیشه در تاریخ پرافتخار کشور باقی خواهد ماند.

من دائماً مراقب اعمال شما هستم و از نزدیک شجاعت و شهامت شما و افراد تحت امر شما را ملاحظه خواهم کرد و اشخاص فداکار مورد توجه خاص و نوازش مخصوص خواهند بود.»

شاه پس از صدور اوامر و دستورهای لازمه به تهران مراجعت نمود و در تمام مدت عملیات و حرکات قوا شخصاً با هواپیما پروازهای انجام داده کاملاً مراقب اعمال ستونهای مختلف و خاصه قسمت اعزامی از زنجان بود. جریان عملیات و گزارشهای فرماندهان و کلیه اتفاقات و سوانح مرتباً تا ساعت ۲ یا ۳ بعد از نصف شب به اطلاع شاه می‌رسید.

در خلال این جریانات از طرف میهن پرستان اوراقی چاپ و به تعداد کثیر با هواپیما در میان شهرها و روستاهای آذربایجان فرو می‌ریخت که برای نمونه یکی از آنها را متذکر می‌شویم:

بشارت بزرگ باذربایجان عزیز

زنجان بدست افراد فداکار نیروی بزرگ ارتش شاهنشاهی ایران فتح گردید روزی که قوای تأمینیه به نزدیکی زنجان رسید يك مرتبه تمام زن و مرد ناحیه خمسه باچوب وچماق و غیره بقصد قصاص مردمانی که خود را حامی طبقه سوم معرفی میکردند حرکت کردند پس از جلوگیری از خشم و غضب ملت دیده شد حق با ملت میباشد زیرا در تمام منطقه خمسه کسی نیست که از بی ناموسی و بی عفتی و غارتگری و قتل شوهران و پسران جوان دور مانده باشد .

همانطور که در سراسر آذربایجان مرتکب فجایع و رذالت بی حساب و آمار شده اند . ارتش . ارتش شاهنشاهی بسوی شما حرکت کرده است اکنون روز انتقام فرا رسیده است باید سراسر آذربایجان از شکنجه یوغ اسارت این اجنبی پرستان بزدل غاصب او باش کلاش نجات یابد.

بشارت بزرگ به آذربایجان عزیز

«زنجان بدمست افراد فداکار نیروی بزرگ ارتش شاهنشاهی ایران فتح گردید روزی که قوای تأمینیه به نزدیکی زنجان رسید یک مرتبه تمام زن و مرد ناحیه خمسه با چوب و چماق و غیره به قصد قصاص مردمانی که خود را حامی طبقه سوم معرفی می‌کردند حرکت کردند پس از جلوگیری از خشم و غضب ملت دیده شد حق با ملت می‌باشد زیرا در تمام منطقه خمسه کسی نیست که از بی‌ناموسی و بی‌عفتی و غارتگری و قتل شوهران و پسران جوان دور مانده باشد.

همانطور که در سراسر آذربایجان مرتکب فجایع و رذالت بی‌حساب و آمار شده‌اند. ارتش شاهنشاهی به سوی شما حرکت کرده است. اکنون روز انتقام فرا رسیده است باید سراسر آذربایجان از شکنجه یوغ اسارت این اجنبی‌پرستان بزدل غاصب کلاش نجات یابد.»

اقدام شاه برای نجات آذربایجان و اعزام نیرو به این سرزمین استالین و زمامداران متجاسرین را در آذربایجان سخت نگران و بیمناک کرد. چنانکه محمدرضا شاه در این خصوص در خاطرات خود چنین می‌آورد:

«قضیه‌ای را که در آن ایام حادثه‌خیز رخ داد هرگز فراموش نمی‌کنم. روزی سفیر کبیر شوروی در تهران تقاضای شرفیابی فوری نمود و من به او بار دادم. هنگامی که باریافت نسبت به اعزام نیروی نظامی به آذربایجان با لحن تهدید آمیزی اعتراض نمود و اظهار داشت که ما با این عمل صلح جهان را به خطر انداخته‌ایم و به نام دولت متبوع خود از من که شاهنشاه و فرمانده کل نیروهای ایران بودم، تقاضا داشت نیروی خود را فراخوانم.»

«من به او گفتم مسئله برعکس است و اوضاعی که تا حال در آذربایجان حکمفرما بود صلح جهان را به خطر انداخته است. آنگاه از قبول تقاضای او امتناع کردم و تلگرافی را که همان ساعت از طرف استاندار حکومت پوشالی آذربایجان رسیده و حاضر بودن شورشیان را برای تسلیم بلاشرط اطلاع می‌داد به او ارائه دادم. سفیر کبیر که دیگر نمی‌دانست مطلبی عنوان کند و مبهوت گشته بود اجازه مرخصی خواست.»

سفیر کبیر شوروی همین موضوع را نیز با احمدقوام نخست‌وزیر مطرح کرده

بود. به این سند توجه شود:۷

وزارت امور خارجه

اداره دفتر محرمانه

تاریخ تحریر ۲۵/۹/۱۲

عنوان پاکتویس تلگراف رمز به سفارت کبرای شاهنشاهی در واشنگتن

جناب آقای علاء

« ۵۳۶ واصل تصمیم دولت بر این است انتخاب دوره پانزدهم قانون گزاری را در ۱۶ آذر مطابق ۷ دسامبر در تمام نقاط کشور شروع نماید و چون شروع انتخاب در آذربایجان موقوف به اعزام قوای تأمینیه از مرکز است انتخابات آنها را تا رسیدن قوای اعزامی از مرکز معوق خواهیم گذاشت و در این باب اعلامیه‌ای به تاریخ ۱۲ آذر منتشر نمودم که اگر لازم بدانید صورت آن را برای جنابعالی خواهم فرستاد. موضوعی که اهمیت دارد و قبلاً به جنابعالی اطلاع داده‌ام مخالفت متصدیان امور آذربایجان با حرکت فشون اعزامی از مرکز است و در این باب تصمیم این جانب لایتغیر و حرکت قوای مرکز از زنجان به آذربایجان تا چند روز دیگر انجام خواهد گردید. در این باب به طوری که قبلاً اطلاع داده‌ام روز پنجشنبه ۲۸ نوامبر سفیر شوروی به ملاقات این جانب آمد و از طرف دولت شوروی به عنوان نصیحت دوستانه اظهار داشت که اعزام قوا از تهران چه در داخله آذربایجان و چه از سرحدات مجاور با روسیه باشد ممکن است تولید اشکالات بنماید. با وجود این اظهار سفیر شوروی تصمیم دولت در اعزام قوا تغییر ننموده و قریباً قوای کافی به تبریز فرستاده خواهد شد و چون متصدیان امور آذربایجان با این تصمیم جداً مخالفند ناچار مبارزه و زد و خورد پیش خواهد آمد. بدیهی است تا قوای مورد اطمینان به آذربایجان نرسد انتخابات آنجا بصورت قانونی انجام نخواهد شد و دولت برای برقراری اقتدار خود در آذربایجان در اجرای این تصمیم مقاومت خواهد کرد و چنانچه از طرف سفیر کبیر شوروی نصیحت دوستانه به تهدید و فشار نیز تبدیل شود دولت تصمیم خود را اجرا خواهد کرد و نظر به اینکه دولت ایران با مخالفت دولت

شوروی مواجه شود یا اینکه اشکالاتی در سرحدات آذربایجان پیش بیاید بهانه‌ای برای مداخله بدست مأمورین شوروی بدهد لازم است نامه‌ای از طرف نماینده ایران به دبیرکل شورای امنیت نوشته شود و تقاضا شود مدلول نامه را به اطلاع رئیس شورای امنیت برساند به این مضمون که نظر به اینکه مسئله ایران در برنامه شورای امنیت باقی مانده است این جانب امیدوارم شورای امنیت مراقبت خود را ادامه داده از جریان امر فعلاً مطلع شوند و در صورتیکه اشکالات ایران به شورای امنیت مراجعه داده شود از سابقه امر قبلاً مستحضر باشند این نکته نیز خاطرنشان شود که با وجود مذاکرات طولانی که در این چندماه با متصدیان آذربایجان در میان بوده هنوز دولت ایران نتوانسته است اقتدار خود را به وسایل صلح‌جویانه در آن‌ایالات مستقر سازد. جنابعالی نامه دبیرکل را تهیه نموده زودتر ارسال دارید و متن نامه را نیز به اطلاع این جانب برسانید و عین این تلگراف را به آقای انتظام نیز ابلاغ فرمائید مقصود این است نامه دبیرکل که باید به استحضار رئیس شورای امنیت برسانید با رعایت تمام نکات لازمه بر اساس مصالح کشور تهیه و به دبیرکل تسلیم دارید. مندرجات آن را به استحضار رئیس شورای امنیت برساند که موضوع در شورای امنیت مهیا و آماده باشد و همینکه دستور داده شد رسماً در شوری به جریان افتد زیرا تا دولت شوروی رسماً یا در پرده مداخله واضح و موثر نکند شاید مقتضی باشد در طرح مطلب در شورا عجله نشود. فعلاً اگر مقتضی بدانید مطلب بین خود جنابعالی و دبیرکل و رئیس شورا محرمانه بماند و هیاهویی در اطراف آن نشود تا ببینیم بعد از حرکت قوا به تبریز چه اقداماتی از طرف متصدیان امور آذربایجان و چه تظاهرات و مداخلاتی از طرف مأمورین شوروی به ظهور خواهد رسید و نیز چنانچه مقتضی بدانید ممکن است ترتیب طرح مسئله را در شورای امنیت با مقامات رسمی امریکا مشورت نموده به طوریکه صلاح و مقتضی بدانند اقدام نموده نتیجه کار هرچه زودتر به اطلاع این جانب برسانید.»

موضوع باکنویس ...

پیوست ...

مسئول باکنویس ...

وزارت امور خارجه

اداره (وزارت امور)

شماره بایگانی

مسئول باکنویس ...

تاریخ تحریر ۱۲ / ۹ / ۲۵ تاریخ باکنویس

عنوان باکنویس: ...
در دسترس

جناب آقای ...
 ۵۴۶ در خصوص درخواست برای استعفاء از سمت ...
 در ۱۶ آذر ۱۳۴۲ ...
 شروع استعفاء در ۱۶ آذر ۱۳۴۲ ...
 استعفاءات آنها را تا رسیدن قوای اعزامی از مرکز معوق خواهیم گذاشت
 و در این باب بعد از تاریخ ۱۲ آذر ۱۳۴۲ ...
 صورت آنرا بار خالص خواهد بود ...
 بنابر این اطلاع دادیم و منتظر تصدیق امر آذربایجان با وکالت

تون احرام از درخت است و در این باب نصیم نیز باب لا یتعدون
 قوار مرکز از زبان باز با یکان تا چند روز دیگر انجام خواهد گراید در این باب
 بطوریکه جد طمع دادام روز پنجم ۲۸ نوامبر نیز تومر بعد از
 این باب آمد و از طرف حرت تومر بعنوان نصیت حرت ظاهر
 دشت در اخام قوال از تهر آن بود و داند آذر با یکان و چو از سر
 مجاور باروسه کن است تویه الگات بنای باد جوی نیز ظاهر
 تومر نصیم حرت در احرام قوال نیز نمود و قریباً قوار کاغذ بگریز
 دستهای خواهد شد و چمن سقاییان بود آذر با یکان باین نصیم جدا
 منگفت میانه ناچار بارزه در زد و حرد و پسر خواهد آمد
 بهیر است تا قوار سودا طینان باز با یکان زسه انگبات
 آنها بصورت تا نزد انجام نخواهد شد و حرت بار قوار قهتر

خود را در آذربایجان در اجرائی تقسیم قدرت خواهد کرد و چنانکه
از طرف سایر کشورها نصیحت می‌شود به تهدید و فشار نیز به ایران
در تقسیم خود را اجراء خواهد کرد و نظر باید که این است که ایران
با مخالفت در کشور موجود می‌باشد و اینک اینک در سرحدات آذربایجان
و سایر بلاد ایران را در غلبه است تأسیس کشور به هر نام است
نام از طرف نمایندگان به هر کشور قرار نیست نوشته می‌تواند
تو به دول نامه را باطل و دیگر قرار نیست رسیده باشد مضمون که
نظر باید که سید ایران در بنام قرار نیست باقی بماند است نیز قابل
است و این قرار نیست مراقبت خود را ادامه داده از جریان امر
فصل مطلع می‌شود و در صورتیکه اینک است ایران به قرار نیست به هر چه
داد خود از ساعه امر قد مستقر باشند لیکن نکته نیز باید ملاحظه شود

نوحه باد جو مذاکره است طوفان در دلخ چاه با صندیان آذربایجان
 در میان بد خیز است این ترانه است بخت در خوار و بر
 صلح جویانه در آن ایالت مستر سازد خالجا ناره و بر کمر را نهید
 ز قوت ایال دار به رستن ناره را نیز با طمع لیز جانب برسانید
 دین لیز تیرت را با تار نظام نیز اوج فائیه مستود لیز است
 نامه و بر کمر و بایر با کف و ریشتر تار نیست برسانید با رعایت
 تمام کفالت ناز به بر سر مصالح کور نهید و بر کمر قیلم دارید
 به رعایت از امان کف و ریشتر تار نیست رسانید به موقع در تار
 انیت لیا داده باشد و نه دستور دادند رها در کور بکشان
 افه زیرا تا حلت شود رها یا در پرد در فند واضح و کور
 نکه تیر مستر باشد در طرح مطلب در تار مجد نوحه فند اگر

معتزله این مطلب می خوایند و در کمال درویشی خود را میخوانند
 و میگویند در اطراف آن نگو تا به پیغمبر بداند و کت و تاب و تبر
 به اقدام از طرف نصیبان امور آذربایجان در چه نقطه هر یک در
 از طرف ناسرخ گویند ظهور خواهد بود و نیز چنانچه معتزله این
 مکن بت بزرگ طرح مسند را در کمال رفیت با عتبات دیگر
 امریکای شورت خود بطوریکه صلاح و معتزله دارند اقدام خود را
 هر چه زودتر باطلع لایح جانب برسانند

وزارت امور خارجه

عنوان پاكٲوٲس تلگراف رمز به سفارت كبرای واشنگتن

نمره: ۱۰۸۴

مورخ ۲۵/۹/۱۹

جناب آقای علامه

«تلگراف شماره ۵۴۴ به عرض جناب اشرف آقای نخست‌وزیر رسانیدم فرمودند با مراجعه تلگرافات شماره ۱۰۵۵ و ۱۰۶۶ و ۱۰۶۷ و ۱۰۶۹ مطلب بر جنابعالی معلوم است و ظاهراً در نامه‌ای که به دبیر کل برای رئیس شورای امنیت می‌نویسید اگر شرح وقایع و اظهارات سفیر کبیر شوروی را مختصراً هم که باشد ذکر نکنید مقصود حاصل نمی‌شود یعنی معلوم نخواهد شد که از چه نقطه نظر ما مطلب را به شورای امنیت ارجاع کرده‌ایم چونکه برای اعزام قوا به آذربایجان اگر تنها اشکال مقاومت و تجاسر مصادر امور بود موضوع اشکال داخلی تشخیص شده و خودمان در حل آن قادر بودیم ولی اظهارات سفیر شوروی نحوی از مداخله بوده که خواستماند مانع آزادی عمل دولت شوند و همین بود که مرا وادار کرد در اجرای امر به شورای امنیت اقدام کنم. روسها هم که اگر مساعدتهای زیرجلی و پس پرده کرده باشند کار ظاهر و علنی نکرده و اگر تا آخر کار هم اقدام رسمی و عملی نکنند ما وظیفه خود را به آسانی انجام داده قشون وارد آذربایجان خواهیم کرد لیکن برای احتیاط چون اظهاراتی در این باره کرده‌اند که نوعی از تحریف بوده لازم بود شورای امنیت را از جریان مستحضر داریم. بدیهی است در هر قدم که شورویها در اقدامات خود جلو برونند ما هم در مراجعه و بلند کردن صدای خود در شورای امنیت جلو رفته جدی‌تر خواهیم شد. رمز شود.

احمد قوام»

به سیرت زنده بایب اندیش که بعد از چنان دمام در سیرت ایران در هر کجا با حاکمات نمودی خیر نکرد
 لیکن وضع آذربایجان و خزانه مقهوران آنجا قابل صراحت نیست نه است علم و نبود بدین را بگویند
 کرده ام و این سخن به سبب شد به در زیرین طاعت کور نموده به سبب آن آنجا و دیگر مملکت را
 با فرط کورده و بیشتر از این بردباری دیگر نخواهد بود که نموده صلح را در راه کجاست و قیام
 مردم وضع از مشورت لیکنی و به تمام موضع آزاد می باشد است و تکلیف مملکت را به سبب
 در کار عمومی تبیین کند و به از این جهت هر چه بخواهد مملکتها و مامورین نمودم در نظر
 این است به سبب نسبت به آذربایجان چه قصد بازده و معذور نمودم که این قدر قریب و راحت
 از خوف آنها شروع شود به سبب وضع طولانی در رخا که گفت جواب سکوت و به سبب
 گفتم جواب زنده است به سببی که اگر تمام دلیل بر سبب نیست نسبت به دولت شود نیست و در هر
 و حسن قیام که لا اله الا الله و زیارت هم گفته از تقیم خود در وقت و در قوا با در با سبب
 عطفه که زیرا امروز در کس و میرفت قوا را داده ام و تصویب آذربایجان عدم طاعت و نسبت
 حاکم را با هر کس به راه را جواب و در راهها با سبب از راه که نه معذور در هر قطعی داده ام مدام

از طرف آنکه تصرف در احمی نشده است از طرف قوای محلی تصرف نشود لکن در
 مزاحمت آیه قواس در از خود دفاع نموده و با انجام مأموریت بیشتر خواهد بود
 اینها موجب غارت صحت و بقایم رکود از این صدمات از این گمراهی و غفلت را بر آلود
 مزاجه نموده در این حوادث غنیمت بهتر بشیر گوی و دستور بگزاران خواهد داد

شیر گمراه را به آن که سعی نفی در راه بنابر وجه و بهین طور مکتوب بدین نامه

نمره ۱۰۹۰

به تاریخ ۲۵/۹/۲۰

وزارت امور خارجه

عنوان پاکت نویسی تلگراف رمز به سفارت کبرای واشنگتن

جناب آقای علاء سفیر کبیر ایران سفیر کبیر شوروی در ملاقاتی که سه شنبه دهم
 دسامبر از این جانب نمود از مراجعه این جانب به شورای امنیت اظهار تکتد نمود و
 توضیح خواست گفتم برای اطلاع نمایندگان ایران در خارجه موضوع اعزام قوا را به
 آذربایجان و سایر نقاط کشور به تمام مأمورین از جمله واشنگتن تلگراف کردم و در
 ملاقات ثانوی شما که نصایح خود را تجدید کردید و منتهی به یک نوع تهدید شد به
 سفیر ایران در واشنگتن تلگراف کردم که سفیر شوروی از طرف دولت خود نصیحت

دوستانه نموده است که قوا به آذربایجان نرود و نظر به اینکه موضوع ایران در شورای امنیت باقی است و ایران عضو جامعه ملل است دستور دادم نامه‌ای به دبیرکل بنویسد و او را از قضیه مطلع کند. گفت از نامه‌ای که آقای علاء نوشته است اطلاع دارید گفتم انتظار داشتم متن نامه را به من تلگراف کند لیکن هنوز نرسیده است سفیر کبیر مضمون نامه را می‌دانست و برای من بیان کرد گفتم با دستور این جانب مخالف نبوده است. بیانات سفیر با قیافه عبوس و لحن تکدر ادا می‌شد و اعزام قوا را موجب عواقب نامطلوب و حدوث مشکلات در داخله و سرحدات آذربایجان و نسبت به سیاست این جانب اندیشناک بود. اطمینان دادم که سیاست ایران در دوستی با دولت شوروی تغییر نکرده لیکن وضع فعلی آذربایجان و نافرمانی متصدیان آنجا قابل دوام نیست نهایت حلم و بردباری را تاکنون کرده‌ام و همین تحمل من سبب شده است که از سایر نقاط کشور نغمه‌های شبیه آن آغاز و اهل مملکت را با من طرف کرده و بیش از این بردباری و تحمل نخواهند کرد. تنها راه حلی که برای اسکات و اقناع مردم و رفع این مسئولیت سنگین داشته‌ام موضوع آزادی انتخابات است که تکلیف مملکت را مجلس و آراء عمومی تعیین کنند و به این جهت است که همه جا قوای انتظامی و مأمورین می‌فرستم که ناظر انتخابات باشند. نسبت به آذربایجان هم قصد مبارزه و مصادمه ندارم. مگر اینکه تعرض و مزاحمت از طرف آنها شروع شود. باری صحبت خیلی طولانی شد و در خاتمه گفت جواب مسکو را چه بگویم. گفتم جواب این است هر تصمیمی که گرفته‌ام دلیل بر سوغیت نسبت به دولت شوروی نیست و در دوستی و حسن تفاهم کاملاً معتقد و پایدار هستم لکن از تصمیم خود در فرستادن قوا به آذربایجان نمی‌توانم صرفنظر کنم زیرا امروز دستور پیشرفت قوا را داده‌ایم و متصدیان آذربایجان عدم اطاعت و مخالفت خود را ظاهر کرده پلها را خراب و در راهها مین‌گذاری کرده‌اند، معبدا دستور قطعی داده‌ام مادام که از طرف آنها تعرض و مزاحمتی نشده است از طرف قوای انتظامی تعرض نشود. لیکن در صورت مزاحمت البته قوای مرکز از خود دفاع نموده و برای انجام مأموریت پیش خواهد رفت. این بود خاتمه صحبت و با قیافه رنجور از من جدا شد. این تلگراف فقط برای اطلاع مخابره می‌شود. در انتظار حوادث چنانچه مهمی پیش بیاید دستور تلگرافی خواهم داد.

عین تلگراف را به آقای تقی‌زاده و از آنجا به سپهبدی و همین‌طور به مسکو

ابلاغ نمائید.

حسین علاء سفیر کبیر ایران در واشنگتن در تعقیب تقاضای نخست وزیر نامه‌ای که مفاد آن به قرار زیر است و از طرف خبرگزاری رویتر منتشر شد به آقای تریکولی دبیر کل سازمان ملل متحد نوشت:

وزارت امور خارجه

شکایت علاء به سازمان ملل متحد راجع به ادامه مداخله شوروی در آذربایجان
«آقای حسین علاء سفیر کبیر ایران در واشنگتن نامه‌ای به دبیر کل سازمان ملل متحد آقای تریکولی ارسال داشته که در آن از ادامه مداخله روسیه در آذربایجان شکایت نموده است. نامه مزبور حاوی اطلاعاتی است که تا بعد از ظهر دیروز در دسترس سفیر کبیر بوده است. در نامه چنین نوشته شده است: «پاره‌ای اطلاعاتی که تا ساعت پنج بعد از ظهر امروز به اینجانب رسیده حاکی از این است که در نتیجه مداخلاتی که قبلاً راجع به آن شکایت شده بود. دولت ایران هنوز قادر به اعمال قدرت موثری در استان آذربایجان نمی‌باشد و مداخله شوروی در امور داخلی ایران متروک نگردیده است. بنابراین تاکنون میسر نگردیده که تحقیقاتی در باب گزارش‌هایی که سربازان شوروی با لباس غیرنظامی در آذربایجان مانده و ساز و برگ نظامی در اختیار اشخاصی که علیه استقلال و حاکمیت ایران مبارزه می‌نمایند گذاشته شده به عمل آید.
جای تردید است اگر دولت ایران بتواند تحقیقات کافی به عمل آورده و گزارش رضایت بخش تهیه نمایند مگر موقعی که قادر به اعمال قدرت کامل خود در سراسر آذربایجان گردد.»

«ضمن اشاره به گزارش ششم ماه مه خود به شورای امنیت آقای علاء به نامه خود چنین ادامه می‌دهد: «متأسفانه از آنوقت تاکنون جریان امور چنین نشان داده است که تهدید حاکمیت ایران و صلح بین‌المللی جدی‌تر و خطرناک‌تر شده است. تاکنون اطلاع رسمی راجع به زد و خوردهای بین قشون ایران و قوای نظامی آذربایجان یعنی قوایی که هنگام اشغال آذربایجان از طرف روسها تشکیل گردید به دست نیاورده‌ام. هرگاه گزارش واصله راجع به وقوع زد و خورد در این منطقه استراتژیکی حساس مقرون به حقیقت باشد بدیهی است که خطری که متوجه صلح و امنیت بین‌المللی است هم

جدی و هم قریب الوقوع می باشد.»

(رویتر)

پس از اقدام دولت و ارتش برای اعزام نیرو به آذربایجان این بخشنامه از طرف وزارت امور خارجه به عنوان نمایندگیهای ایران در خارج از کشور صادر گردید:

وزرات امور خارجه

برای درج در بخشنامه اداره اطلاعات و مطبوعات وزرات امور خارجه
به منظور آگهی نمایندگیهای شاهنشاهی در خارجه

بطوریکه از مندرجات اعلامیه های صادره از طرف جناب اشرف آقای نخست وزیر مطلع شده اید دولت برای تأمین انتظامات و نظارت در امر انتخابات مقرر داشت به تمام نقاط کشور قوای تأمینیه و بازرسان مخصوص اعزام گردد و چون مصادر امور آذربایجان از پذیرفتن نیروی دولت مرکزی امتناع نمودند و سفیر کبیر شوروی نیز در طی ملاقات و مذاکرات با جناب اشرف آقای نخست وزیر به عنوان توصیه دوستانه و بالاخره به عبارت تهدید آمیز سبب به این تصمیم دولت درباره آذربایجان ایراد اشکال می نمود که یک نوع مداخله به امور داخلی ایران محسوب می شود و از طرفی شکایتی که سال گذشته دولت ایران نسبت به مداخلات و عملیات دولت شوروی به شورای امنیت کرده بود هنوز در شورای مزبور باقی است و از طرف دیگر از یک سال به این طرف آنچه دولت سعی کرده است که قضیه آذربایجان به صورت مسالمت آمیز حل شود و وحدت کشور ایران و سلطه حکومت مرکزی در آن استان برقرار گردد به واسطه امتناع مصادر فعلی امور آذربایجان موفق نشده است لهذا با استواری دولت در تصمیم خود به اعزام قوا به آذربایجان به سفیر کبیر ایران در واشنگتن دستور داده شد مراتب را به شورای امنیت نیز مراجعه نماید.»

وزارت امور خارجه

تاریخ ماه تاریخ باکوبس ماه تاریخ ثبت ماه
تاریخ خروج ماه سال ۱۳

باسرور برج در کبک - اداره اطلاعات و اطلاعات وزارت امور خارجه
بطلان آلمانیه یا شناخت هر دو

بطوریکه از نه رجعت بعد از صدور از طرف خراب اثرات آثار گشت و در
مطلع شده است بر اثر این اطلاعات و نظارت در امر امنیت
متردد است به نام شاه کور و از این طریق و باز رسان منتهی اعلام کرد
و چنین صادر بود آذربایجان از پذیرش زیر در حاکم از اوضاع
مؤثر و سایر گشت و در اوضاع و احوال با خراب اثرات آثار گشت و در
بنویسند در حاکم و در اوضاع و احوال به نام و از این جهت به نام
حاکم و در اوضاع و احوال به نام و از این جهت به نام

دغا ايران محوب میجو، داز طرفه ^{مال دند} کجا نیر کجاست تانت مر
 نیت بد اخلاص و عیسه کجاست تانت بو ارا نیت کور بو
 هنوز در تزار نریه بانه است و از طرفه کجا نیر کجاست تانت
 آنجه کجاست سر کور است در قفیه آذربایجان بصورت کجاست تانت
 صریح و دعت کجاست تانت در وسط حکومت کجاست تانت
 برقرار گردد بواسطه اتقان صدر فضا و آذربایجان کجاست تانت
 لهذا با استوار کجاست در نصیم خو باغرام قوا با آذربایجان کجاست تانت
 در دشت کجاست و سور دادیده راب را بوز ارا نیت نیز مر جبهه نای

پیش از اینکه وارد بحث عملیات نظامی شویم بی مناسبت نیست گزارش
 سرکنسول ایران در بادکوبه را که با مطالعه و دقت کافی تنظیم و گزارش شده است در
 اینجا بیاوریم:



CONSULAT GÉNÉRAL
DE L'IRAN

۲۰۹
۲۵,۹۱۸

خیلی فوری محرمانه و مستقیم

وزارت امور خارجه

در این موضع که مطابق اظهار رادپوهای خارجی معلوم میشود دولت تصمیم گرفته است قضیه
آذربایجان را یکسره نموده و چهار ملیون نفوس این نقطه حساس کشور را که همواره برای حفظ استقلال
وحاکمیت ایران پیشقدم و سرمشق دیگران بوده اند از شکجه های بیرحمانه یکمده مهاجر ویا وطن فروش
تحصیل کرده در مکتب اشتراکی مستخلم سازند این سرکسولنری یک مرتبه دیگر توجه دولت را به
نکاتیکه قسمت عمده آنها در گزارشهای پیشین بعرض رسیده است معطوف میدارد .
موضوع سرحدات آذربایجان در گزارش شماره ۹۹ مورخ ۲۵/۶/۳۵ بعرض رسیده است والته
مقامات مربوطه با اهمیت این امر کاملاً پی میبرند که برای خاموش کردن کانون فتنه آذربایجان بدست
آوردن مرزهای آذربایجان مخصوصاً مرز آستارا اهمیت زیادی دارد و با اینکه مرکز فرماندهی نیروی
مقتضای بطوریکه ضمن گزارش جداگانه بعرض رسیده از یاد کوبه بتفلیس منتقل شده است معذلت هر کمکی
که از طرف نیروها بهاجرا جوین بشود بیشتر از آستارا خواهد شد زیرا رساندن اسلحه بآذربایجان
از راه جلفا که مسافت بمعیدی است آنهم بوسیله رامآهن وقت زیادی میخواهد بعلاوه در صورتیکه آنها
را بخواهند در مقابل نیروی دولت ایستادگی نمایند در نقاط جنوبی آذربایجان خواهند کرد که این قسمت
هم با جلفا فاصله زیادی دارد مخصوصاً که رساندن اسلحه و مهمات از تبریز بنقاط سوق الجیشی بسواسته
نبودن وسیله کافی دردست باغیان کارآسانی نیست از طرف دیگر این کانون فساد از یاد کوبه تعلیمات
گرفته و اتکا آنها بتشکیلات یاد کوبه است و چون رساندن کمک بآنها مخصوصاً بنقاط سوق الجیشی از
راه آستارا که علاوه بر خط آهن مستقیمی دارای راه نموده اسفالت هم میباشد نسبت بجلفا خیلی سهلتر
است بنابراین تصرف این نقطه چندین جهات برای دولت اهمیت زیادی خواهد داشت و تصور میشود

در این موضع که مطابق اظهار رادپوهای خارجی معلوم میشود دولت تصمیم گرفته است قضیه آذربایجان را یکسره نموده و چهار ملیون نفوس این نقطه حساس کشور را که همواره برای حفظ استقلال و حاکمیت ایران پیشقدم و سرمشق دیگران بوده اند از شکجه های بیرحمانه یکمده مهاجر ویا وطن فروش تحصیل کرده در مکتب اشتراکی مستخلم سازند این سرکسولنری یک مرتبه دیگر توجه دولت را به نکاتیکه قسمت عمده آنها در گزارشهای پیشین بعرض رسیده است معطوف میدارد .

با بودن قوای دولتی در رشت و بندر بهلوی بدست آوردن آستاراچندان اشکالی نداشته باشد و در صورتیکه این منظور عملی گردد علاوه بر اینکه جلو قسمت عمده کتکهای شوروی بسته خواهد شد مزایای دیگری رانیز حائز است که اولاً با تصرف آستارا قوای دولتی می تواند بزودی با شاهسونها ارتباط پیدا نموده و با این وسیله هم بار دبیل مسلط شود لایه مقامات مربوطه اطلاع کافی از وضع جغرافیائی اردبیل دارند این نقطه که بوسیله گردنه های مرتفع و پستی و خم با تبریز ارتباط دارد با شروع برف و سرما اکسرا این ارتباط گاهی میشود یکپخته و بلکه بیشتر قطع شده و وسائط نقلیه با اشکال فوق العاده می توانند عبور و مرور کنند ثانیاً بیشتر اشخاصیکه بنام آذربایجانی در این قانون فساد شرکت کرده اند از اهالی اردبیل و مراب میباشد که مدت ها در روسیه بوده آداب و اخلاق شورویها در آنها تاثیر کرده است . عملی کردن مراتب معروفی تر دید ضربه مهلکی بیافغان وارد خواهد ساخت بنا بر این هر قدر زود تر دولت بتواند برویه مذکور را عملی سازد بهمان اندازه بمقصد اصلی نزدیک خواهد شد و بطوریکه از لحن رادبوی تبریز

افسران و سربازان دولتی را برای احتراز از برادر کشی بمخالفت با او امر وزارت جنگ دعوت مینمود اینطور استنباط میشود که ماجراجویان کاملاً مرعوب شده اند .

علاوه بر مراتب بالا مندرجات تلگراف شماره ۱۰۰ مورخ ۲۵ رانیز که در آن موقع شاید بعملی دولت مقتضی ندانست مورد توجه قرار دهد با وضعیت امروزه بی مورد نمیداند تکرار نماید زیرا همانطوریکه در گزارش بالا بعرض رسید است اطلاق نام نمایندگان اهالی آذربایجان بمران ماجراجو علاوه بر اینکه در روحیات مردم آذربایجان تاثیر بدی بخشیده است بطوریکه استحضار دارند زبان یکمده از آنارشیستهای مرکز را هم برای حمایت از ماجراجویان باز نموده است بنا بر این تصور میرود حالا دیگر موقع آن رسیده است که دولت اجازه دهد و حتی تحریت نماید چندین هزار نفر از مردم فلک کرده آذربایجان که همه از طبقه روشن فکر آنجا میباشد و پنهان پناه آورده اند صدای خود را بلند کرده و پاذاکر مظلوم و فجایعی که در این مدت یکسال از این تشکیلات فاسد و موکرات نام در آذربایجان بروز کرده است داد خواهی نمایند .

سرکسول شاهنشاهی - ۱۰ مجدی

Consulat General

De L' Iran

شماره: ۲۰۹

مورخ: ۲۵/۹/۱۸

خیلی فوری محرمانه و مستقیم

وزارت امور خارجه

«در این موقع که مطابق اظهار رادیوهای خارجی معلوم می شود دولت تصمیم گرفته است قضیه آذربایجان را یکسره نموده و چهار ملیون نفوس این نقطه حساس کشور را که همواره برای حفظ استقلال و حاکمیت ایران پیشقدم و سرمشق دیگران بوده اند از شکنجه های بیرحمانه یک عده مهاجر و یا وطن فروش تحصیل کرده در مکتب اشتراکی متخلص سازند این سرکنسولگری یک مرتبه دیگر توجه دولت را به نکاتی که قسمت عمده آنها در گزارشهای پیشین به عرض رسیده است معطوف می دارد:

موضوع سرحدات آذربایجان در گزارش تلگرافی شماره ۹۹ مورخ ۲۵/۶/۳ به عرض رسیده است و البته مقامات مربوطه به اهمیت این امر کاملاً پی می برند که برای خاموش کردن کانون فتنه آذربایجان بدست آوردن مرزهای آذربایجان مخصوصاً آستارا اهمیت زیادی دارد و با اینکه مرکز فرماندهی نیروی قفقاز بطوریکه ضمن گزارش جداگانه به عرض رسیده از باد کوبه به تفلیس منتقل شده است معذک هر کمکی که از طرف شورویها به ماجراجویان بشود بیشتر از راه آستارا خواهد شد زیرا رساندن اسلحه به آذربایجان از راه جلفا که مسافت بعیدی است آنهم به وسیله راه آهن وقت زیادی می خواهد به علاوه در صورتیکه آنها بخواهند در مقابل نیروی دولت ایستادگی نمایند در نقاط جنوبی آذربایجان خواهند کرد که این قسمت هم با جلفا فاصله زیادی دارد مخصوصاً که رساندن اسلحه و مهمات از تبریز به نقاط سوق الجیشی از راه آستارا که علاوه بر خط آهن مستقیمی دارای راه شوسه اسفالت هم می باشد نسبت به جلفا خیلی سهلتر است بنابراین تصرف این نقطه به چندین جهت برای دولت اهمیت زیادی خواهد داشت و تصور می رود با بودن قوای دولتی در رشت و بندر پهلوی بدست آوردن آستارا چندان اشکالی نداشته باشد و در صورتیکه این منظور عملی گردد علاوه بر اینکه جلو قسمت

عمده کمکهای شوروی بسته خواهد شد مزایای دیگری را نیز حائز است که اولاً با تصرف آستارا قوای دولتی می‌تواند به زودی با شاهسونها ارتباط پیدا نموده با این وسیله هم به اردبیل مسلط شود. لابد مقامات مربوطه اطلاع کافی از وضع جغرافیائی اردبیل دارند. این نقطه که بوسیله گردنه‌های مرتفع و پیچ و خم با تبریز ارتباط دارد با شروع برف و سرما اکثراً این ارتباط گاهی می‌شود یک‌هفته و بلکه بیشتر قطع شده وسائط نقلیه با اشکال فوق‌العاده می‌توانند عبور و مرور کنند. ثانیاً بیشتر اشخاصی که بنام آذربایجانی در این کانون فساد شرکت کرده‌اند از اهالی اردبیل و سراب می‌باشند که مدت‌ها در روسیه بوده آداب و اخلاق شورویها در آنها تأثیر کرده است. عملی کردن مراتب معروض بی‌تردید ضربه مهلکی به یاغیان وارد خواهد ساخت. بنابراین هر قدر زودتر دولت بتواند رویه مذکور را عملی سازد به همان اندازه به مقصود اصلی نزدیک خواهد شد و بطوریکه از لحن رادیوی تبریز افسران و سربازان دولتی را برای احتراز از برادرکشی به مخالفت با اوامر وزارت جنگ دعوت می‌نمود اینطور استنباط می‌شود که ماجراجویان کاملاً مرعوب شده‌اند.

علاوه بر مراتب بالا مندرجات تلگراف شماره ۱۰۰ مورخ ۲۵/۶/۴ را نیز که در آن موقع شاید به عللی دولت مقتضی نداشت مورد توجه قرار دهد با وضعیت امروزه بی‌مورد نمی‌داند تکرار نماید زیرا همان‌طوری که در گزارش بالا به عرض رسیده است اطلاق نام نمایندگان اهالی آذربایجان به سران ماجراجو علاوه بر اینکه در روحیات مردم آذربایجان تأثیر بدی بخشیده است به طوری که استحضار دارند زبان یک‌عده از آنارشیستهای مرکز را هم برای حمایت از ماجراجویان باز نموده است. بنابراین تصور می‌رود حالا دیگر موقع آن رسیده است که دولت اجازه دهد و حتی تحریک نماید چندین هزار نفر از مردم فلک‌زده آذربایجان که همه از طبقه روشنفکر آنجا می‌باشند و به تهران پناه آورده‌اند صدای خود را بلند کرده با ذکر مظالم و فجایعی که در این مدت یکسال از این تشکیلات فاسد دموکرات‌نام در آذربایجان بروز کرده است دادخواهی نمایند.

سرکنسول شاهنشاهی - ا. مجدی.»

اشغال زنجان و جمع‌آوری اطلاعات کافی و طرح نقشه‌های لازم از طرف ستاد

ارتش برای پیشروی به سوی تبریز و سرکوبی مزدوران اجنبی پیشه‌وری رهبر مزدوران را به فکر چاره‌اندیشی انداخت که چاره‌درد را قبل از وقوع واقعه بنماید.

در روزنامه آتش شماره ۱۲۴ مورخ جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۲۵ زیرعنوان «افشای یک سلسله اسرار و مذاکرات مهم سیاسی راجع به ایران» نقل از مطبوعات بیگانه چنین می‌نویسد:

«ایران کشور اسرارآمیزی است و البته این وضع در کشورهای شرقی‌ایر غیرعادی و غیرطبیعی نیست. از مدتی پیش در ایران به وضع عجیبی یک بازی سیاسی شروع شده بود. دائماً به وسیله کلیه آژانس‌هاو خبرنگاران سیل تلگراف جاری بود. ایرانیها می‌گفتند «کشور ما لب پرتگاه است، جنگهای داخلی در آستانه‌ماست». لیکن هنگامی که قدرت‌های خارجی هراسان به کمک آنها می‌شتافتند ایرانیها دست بدست مالیده با حال تعجب می‌گفتند (کشور ما آرام است حالا ببینیم چه می‌شود...؟) و به این ترتیب کارشناسان سیاست بین‌المللی کمی مطمئن می‌شدند و عقب‌نشینی می‌کردند و به انتظار بحران جدیدی می‌نشستند. این صحنه‌سازی که دارای هدفهای مشخصی بود دو هنرپیشه داشت یکی قوام‌السلطنه رئیس حکومت تهران دیگری پیشه‌وری که در تبریز حکومت دموکراتهای آذربایجان را اداره می‌کرد. این دو مرد به عنوان دو قطب تضاد سیاست ایران محسوب می‌شدند.

انبار باروت خطرناک - ایران دارای دو انبار باروت خطرناک است که در سرونه آن کشور قرار دارد و هرآن خطر آن هست که تمام کشور را آتش بزند. در آن هنگام قوام مایل بود هر دو آنها را حفظ کند و به این جهت می‌خواست با آتش را خاموش کند و یا با زور آن را از میان بردارد. در جانب دیگر کشور، پیشه‌وری با کمال قدرت قیام کرده بود و چشمان مضطرب خود را به سوی جاده تهران - تبریز دوخته بود تا اینکه کسی به آن سو تجاوز نکند.

در هنگامی که دموکراتهای آذربایجان با سایر ایرانیها درافتاده بودند هر روز در انتظار بودند که دولت به آذربایجان قوایی بفرستد. پیشه‌وری برای اینکه در برابر این وضع چاره بیندیشد فکری به خاطرش رسیده بود. به این جهت یک‌دسته قوای اعزامی اختراع کرده بود و هر لحظه نزد خود خیال می‌کرد که دولت قوا به آذربایجان فرستاده جنگ شروع شده است و دائماً این خیال خود را تکرار می‌کرد تا به این ترتیب از طرف

افکار عمومی عکس‌العملی ایجاد شود.

جنگ عجیب: این واقعه اواخر شب روز شنبه روی داد. پیشه‌وری چند روز بود از تهران مراجعت کرده بود و بسیار دلسرد بنظر می‌رسید... همکاران خود را احضار کرد و آنها را در جریان مسافرت خود گذاشت و نتیجه را به اطلاع آقایان رسانید و پیش‌بینی کرد که شاید به زودی نیروهای نظامی دولت مرکزی به آذربایجان بیایند. سپس چنین گفت:

«آقایان یک راه‌حل بیشتر وجود ندارد و آن آزمایش عقیده خارجیها یعنی روسها است زیرا ما خودمان شخصاً به‌قدر کافی وسایلی نداریم که بتوانیم مقاومت کنیم. سپس نقشه و فکر خود را به این قرار تفسیر نمود: «باید بعضی امور را بزرگ کرد، باید از عبور و مرور نیروهای گشتی ایران در اطراف سرزمین خودمان استفاده کنیم و این واقعه را به طرز اغراق آمیزی جلوه دهیم و فریاد بزنیم به کمک ما بیایید. فوراً خواهیم دید که آنها به ندای ما پاسخ خواهند داد. اتفاقاً همینطور هم عمل شد. روز بعد در تبریز اعلامیه‌ای منتشر شد. فوراً چند نفر روزنامه‌نگار خارجی که در آن مناطق حاضر بودند به وسیله پیشه‌وری احضار شدند و بلافاصله چند نفر ژنده‌پوش را به آنها نشان دادند و گفتند اینها سربازان ایرانی هستند که در نبردهای با ما اسیر شده‌اند. در اطراف تبریز هم پیچوده به تیراندازی توپخانه پرداخته ولی این سروصداها اثری نبخشید زیرا آذربایجانیها از خود عکس‌العملی که خاطر خواه پیشه‌وری بود نشان ندادند.

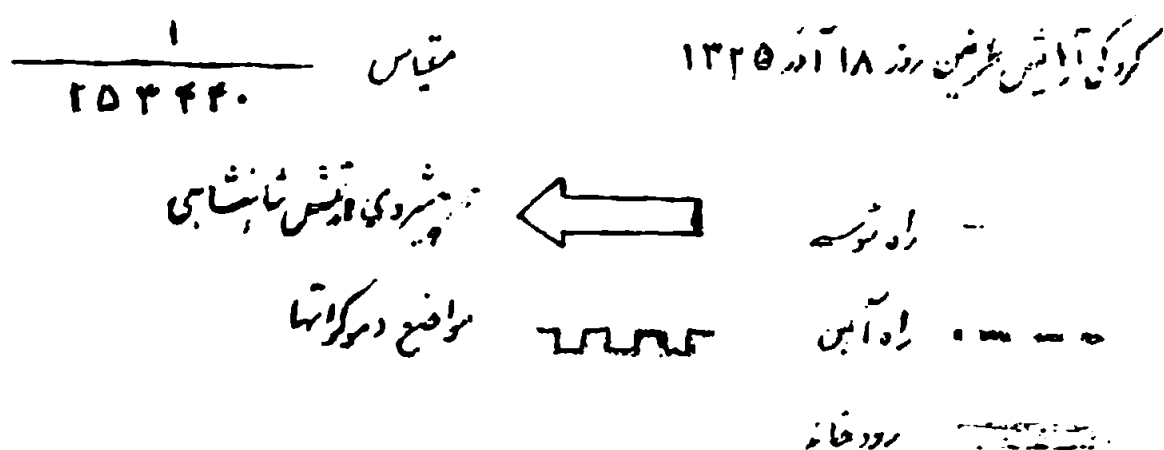
در این موقع پیشه‌وری قسمت دوم نقشه خود را توسعه می‌داد. برای اطلاع گفته می‌شود که در نظر داشت در عین حالی که آذربایجانیها را تهیج می‌کند قوای خارجی را هم علاقمند نشان دهد به همین جهت دیوارهای تبریز و سایر دهات با آگهی‌ها و پوسترهای رنگین و مهیج پوشانیده شد که متن آنها این عبارت بود «آذربایجانیها مسلح شوید. جنگ برای استقلال، شرافت و زندگی شما آغاز شده است. حکومت تهران به ما حمله می‌کند و ما تا دم مرگ پایداری خواهیم کرد. ضمناً گروهی از دموکراتها را مأمور کرد تا به دهات و قراء و قصبات رفته حس میهن‌پرستی آذربایجانیها را تحریک نمایند.»

ولی این خیالات خام چنانکه خواهیم دید جز نکبت و ادبار برای او و همدستانش چیزی به بار نیاورد.

طرح کلی عملیات نظامی

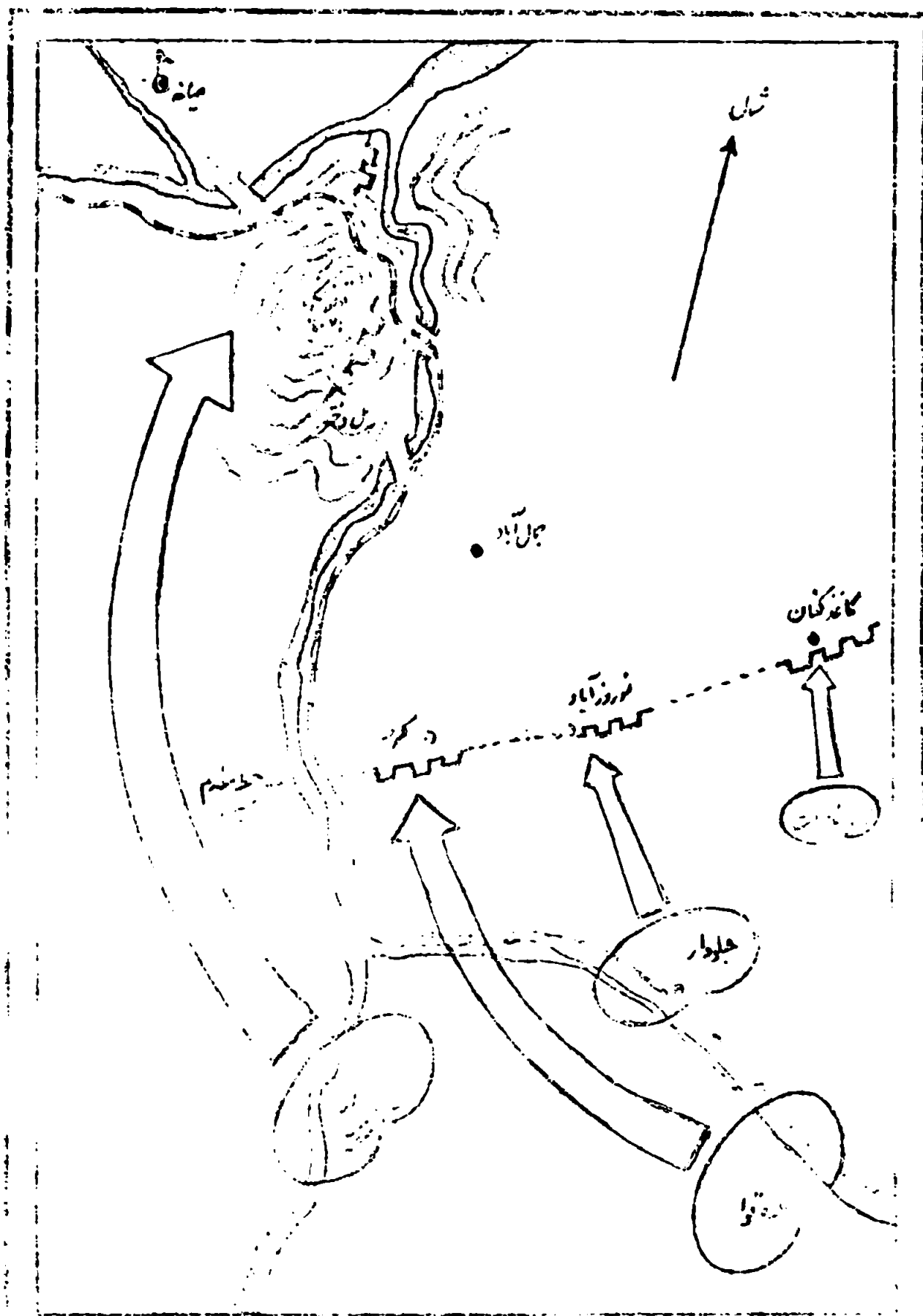
عملیات سرکوبی آذربایجان که طبق دستور باید انجام می‌شد به وسیله سه ستون اصلی قوام به عملیات عشایری^۱ به این شرح انجام شود: یک ستون در محور زنجان - تبریز که مهمترین ستونها بود و با رده‌بندیهای عمقی که برای آن پیش‌بینی شده بود مأموریت داشت در تمام نقاط مهم قزوین - زنجان - میانه و مراغه پادگانهای کافی برقرار کرده تبریز را تصرف نماید.

یک ستون از کردستان که مأموریت داشت از محور تکاب - شاهین دژ و میاندوآب حرکت کند. علت عمده این تصمیم این بود که اطلاع حاصل شده بود که بارزانیها به تصور اینکه ارتش در محور سرای بوکان - قهرآباد عمل خواهد کرد در این



۸- پس از تسلیم پادگانهای آذربایجان، در فاصله یک‌سالی که از آذر ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ ادامه داشت عده‌ای از اهالی محلی و خوانین میانه، زنجان، مراغه، میاندوآب، تبریز، ارومیه و سایر نقاط آذربایجان با قوای مسلح فرقه دموکرات به نیروهای خونین پرداخته بودند. از جمله آنها محمود ذوالفقاری با برادران خود، خان‌باباخان اوریادی، عزت بیگ اوریادی، فتح‌الله اوریادی و علی یارخان سعیدی و عده دیگر از خوانین خمسه و خرقان مانند محمدحسن خان امیر افشار و هدایت‌الله بزمینی و یدالله بیگ‌دلو اسلحه‌دارباشی و نصرالله مقدم، بودند.

(مرگ بود باز گشت هم بود. تألیف نجفقلی پسیان)



محور تمرکز یافته بودند. منظور از این مانور این بود که ستون به سرعت از تکاب - شاهین دژ میاندوآب حرکت کند تا اولاً آذربایجان را از کردستان جدا کرده امکان کمک بارزانیها را غیرممکن سازد. ثانیاً با عبور از بین خانوارهای بارزانی و جدا ساختن آنها از یکدیگر مقاومت بارزانیها را خنثی کرده در ضمن کار کردستان را نیز فیصله دهد. ثالثاً با یک ستون از رشت به آستارا برای بستن راه مرز شمالی و خاتمه دادن از آمد و رفت دائمی مهاجرین ماجراجو جلوگیری به عمل آید. رابعاً دموکراتهای منطقه اردبیل، اهر و خلخال را گرفتار نمایند. در این جبهه به میهن پرستی عشایر این منطقه اطمینان کامل بود زیرا از پنج ماه پیش با تمام تذکرات و فشارها این عشایر به وسیله پسران و کیلی اردبیلی و عده‌ای از افسران فداکار مسلح شده با رسانیدن تجهیزات و اسلحه لازم این بی‌نظمی و جلب توجه کامل را تهیه دیده بودند.

نظر کلی شاه بر این بود که تمام ستونهای اعزامی روز ۱۸ آذر حمله خود را آغاز نمایند و همزمان با این حمله دستجات عشایری هم هروآباد مرکز خلخال را تصرف کرده به طرف اردبیل حرکت نمایند تا در تمام مناطق قوای متجاسرین یکباره گرفتار نهاجم شده از این طریق به مقاومت آنان خاتمه داده شود:

پس از استقرار نیرو از زنجان و نقاط حساس اطراف آن منطقه ستاد ارتش به تهیه عملیات در سمت میانه و تبریز پرداخت و اقدامات لازم را برای تکمیل عملیات قبلی جهت پیشروی شاهسونها در خلخال و تقویت آنان با مقدار کافی سلاح و تجهیزات معمول گردید.

از تاریخ سوم تا چهاردهم آذرماه ستاد ارتش طرح و نقشه مفصلی برای تمرکز لوازم و مهمات و وسایل این واحدها در منطقه قزوین و زنجان انجام داد. این برنامه مفصل حمل و نقل و تمرکز که در عین حال با فقدان وسایل همراه بود، با زحمات مداوم و پی گیر ستاد ارتش و مسئولین مربوط در ستادها و دوائر ارتشی به صورت منظم و دقیقی انجام یافت و برای این حمل و نقل و تمرکز که در تاریخ اخیر ارتش ایران بی سابقه بود از کلیه طرق و سائط حمل و نقل استفاده شد و اجرای طرح مذکور تا تاریخ ۱۴ آذر ادامه یافت.

واحدهائی که تاریخ مذکور در دو سمت زنجان و منطقه عملیات کردستان متمرکز شدند عبارت بود از:

۱- ۲۲ گردان پیاده با تمام تجهیزات. ۲- ۴ هنگ سوار. ۳- ۲ آتشبار توپخانه ۷۵ کوهستانی. ۴- دو آتشبار توپخانه ۱۰۵ بلند. ۵- یک آتشبار ضد هوایی. ۶- یک گروهان مسلسل ضد هوایی. ۷- ۴ گروهان خمپاره‌انداز. ۸- ۳ گروهان ارابه جنگی. ۹- دو گروهان مهندسی با وسایل بی‌سیم و باسیم و بصری. ۱۰- ۴ گروهان توپ ۱۱. ۳۷- کلیه دواتر مانند سر رشته‌داری، باربری، بهداری، دامپزشکی، تدارکات مهمات توپخانه و پیاده و غیره برای اداره این واحدها. ۱۲- واحدهای چندی از نیروهای غیرنظامی چریک مانند ذوالفقاری‌ها، یمینی‌ها، امیر افشاری‌ها، سواران و افراد مسلح اسلحه‌دارباشی و سواران افشار که هریک از آنها در حدود امکان از طرف ارتش مسلح و مجهز شده بودند.

حرکات و نقل و انتقالات اولیه برای آغاز عملیات و طرح آنها به قرار زیر بود:

الف - در قسمت مرکزی در محور جاده زنجان - میانه:

برای پوشش تمرکز واحدهائی که فو تا به آن اشاره شد در روز ۱۲ آذر گروهان نگهبان تازه کند به سرچم منتقل گردید و گردان پادگان گردنه سارمیساخلو با یک آتشبار توپخانه ۷۵ و یک دسته خمپاره‌انداز و یک دسته توپ ضد ارابه با یک جهش به جلو اعزام شد و در تازه کند مستقر گردید و در روز ۱۳ آذر قسمت عمده نیروی ستون مرکزی با کامیون و راه آهن به تازه کند و سرچم، که مبداء عملیات در نظر گرفته شده بود، انتقال یافت.

ب - در جناح راست: ستونی مرکب از عده‌ای از افراد ذوالفقاری و یک گروهان نگهبانی در بین روسها در شرق تازه کند موضع گرفت. این ستون در هنگام تمرکز در روز ۱۱ آذر از طرف متجاسرین مورد تیراندازی قرار گرفت و برای دفع این مقاومت نیروئی مرکب از یک دسته نگهبانی و سواران ذوالفقاری با حمله ارتفاعات قریه زنگی را اشغال کردند. در این واقعه یک نفر فدائی دستگیر و یک نفر دیگر مجروح گردید و ستون بدون تلفات به حرکت خود ادامه داد و در حوالی ساعت ۱۸ همان‌روز کلیه ارتفاعات مشرف به مسیر حرکت ستون به تصرف درآمد. در روز ۱۳ آذر پس از شناسائی معلوم شد که متجاسرین خود را به ارتفاعات و نقاط اطراف ورمزیارعلیا و رمزیارسفلی و حاجی مهران و سلیمان‌باغی متکی نموده در سنگرهای عمیق مستقر شدند و واحد احتیاط خود را در سلیمان‌بلاغ متمرکز ساختند.

در صبح روز ۱۵ آذر ستون که با آرایش دفاعی دموکراتها روبرو بود به پیشروی خود ادامه داد و پاسگاههای مقدم دشمن را پس از مختصر زد و خورد به موضع اصلی آن عقب زد و روستاهای زنگی، قبه‌بلاغ، داش‌بلاغ، احمدبلاغ، و مهرگین را اشغال و واحدهای پاسدار ستون در شب ۱۶ در قتل سرد و مستور از برف ارتفاعات اشغالی به نگهبانی و مراقبت گذرانیدند. در صبح روز ۱۶ مجدداً عملیات از سر گرفته شد و تا ساعت ۲۰ آن روز پس از زد و خورد خونینی ورمزیارعلیا و سفلی و حاج مهران و ارتفاعات شمالی آن به تصرف ستون درآمد و دموکراتها با دادن تلفات از این خط نیز عقب‌نشینی کردند. ولی در شب ۱۷ آذر به حمله متقابل پرداختند و حتی عده‌ای موفق شدند به ورمزیارعلیا نفوذ کنند و حاج مهران مورد تهدید حمله متقابل واقع گشت ولی ستون با عکس‌العمل فوری حملات را دفع کرد. در صبح روز ۱۸ حمله مجددی از طرف دموکراتها به ارتفاعاتی که در دست واحدهای ارتش بود شروع شد و این زد و خورد تا صبح روز ۱۹ که عملیات اصلی آغاز گردید ادامه یافت و در این موقع ستون که بر اثر زد و خوردهای پی در پی تا اندازه‌ای خسته و فرسوده شده بود، از طرف نیروی اصلی تقویت گردید.

ج - در جناح چپ: برای پوشش جناح چپ در روز ۱۲ آذر قسمتی از واحدی که به نام ستون غربی موسوم بود در جناح چپ ستون مرکزی از خط مهرآباد عبور کرد. در روز ۱۳ آذر عده‌ای از سواران چریک ذوالفقاری برای تأمین و مراقبت‌گذاری که بین آبادیهای قره‌بوته، قیتول واقع است به قیتول اعزام شدند و در عین حال دستور داده شد که ایستگاه رجین نیز توسط عده‌ای دیگر از این ستون اشغال گردد. در اجرای این دستور زد و خوردی بین افراد اعزامی و واحدهای متجاسر مأمور این نقطه در گرفت که در جریان آن سیزده نفر از متجاسرین کشته شدند و مقداری اسلحه و مهمات به غنیمت گرفته شد.

د - طرح کلی مانور: در روز ۱۳ آذر نظریات و نتیجه بررسی فرماندهی نیروی اعزامی به آذربایجان راجع به اشغال میانه به ستاد ارتش گزارش شد و تقاضای ابلاغ تصمیم و نظر ستاد ارتش در انتخاب طرز عمل شد. هدف اصلی عبارت بود از مانور در سمت جاده زنجان - میانه که با مانور دو ستون یکی در جناح راست و دیگری در جناح چپ توأم شده‌اند فرمانده نیروی اعزامی به آذربایجان برای مانور ستون غربی که در

حقیقت مأمور عملیات موثر جناحی بود، چهار خط سیر را برای انتخاب یکی از آنها به ستاد ارتش گزارش کرد.

پس از بررسی امکانات و تطبیق و رسیدگی به اطلاعات واصله و با درنظر گرفتن اینکه موضع مهم تا قافلانکوه با ۹ کیلومتر عمق و اتکاء به مسیر قزلاوزن و بریده بودن مسیر و سنگی بودن ارتفاعات خود سد محکم و استواری را در برابر ستون تشکیل داده و دفاع از آن آسان ولی به عکس رخنه کردن از جبهه بسیار دشوار و در صورت مقاومت جدی مدافعین مستلزم تلفات و خسارات زیادی را متصور بود.

در روز ۱۴ آذر طبق فرامین و دستورهای که محمدرضا شاه در فرودگاه زنجان صادر کرده بود ستاد ارتش به فرماندهی نیروی اعزامی به وسیله تلگرافهای رمز مفصل و متعددی دستورهای لازم را صادر نمود.

قبل از تشریح عملیات نظامی و پیشروی به سوی میانه، یعنی جبهه اصلی جنگ، بی‌مناسبت نیست استعداد متجاسرین را در برابر نیروهای دولتی تذکر دهیم:

طبق مدارکی که به دست آمده در آذرماه استعداد عددی متجاسرین ۱۸ هزار نفر بوده که ۸ هزار نفر فدائی و ۱۰ هزار نفر سرباز (قزلباش) این استعداد را با این سازمان تشکیل می‌داد:

گردانهای پیاده مرکب از چهار گروهان، هر گروهان دو دسته هر دسته سه گروه. گردانهای مسلسل سنگین، گردانهای که دارای طپانچه خودکار موسوم به آفتومات بودند.

یک هنگ توپخانه که دارای چهار توپ بوده است.

واحدهای سوار که غالباً از فدائیان بودند و تشکیل گردانهای سوار را می‌دادند و ۶ ارابه جنگی، ۴ قبضه خمپارمانداز از این واحدها استعداد نیروی جبهه قافلانکوه که زیر فرماندهی غلام یحیی قرار داشت به شرح زیر بود:

الف - در ناحیه کاغذکنان سه گروهان سوار، دو گروهان پیاده که در نقاط آق‌کندی، سلیمان بولاغی، حاجی سلیمان و قزلز متمرکز بودند.

ب - مقابل جاده شوسه و راه آهن به عنوان موضع مقدم در گلوچه، نوروزآباد و تپه‌های مشرف به رودخانه قزلاوزن یک گروهان و نیم سوار، ۳ گروهان پیاده و یک دسته مسلسل سنگین.

ج - جناح راست قافلانکوه. در بولاتلیق، بولاسوسو کلو یک گروهان و نیم سوار و یک گروهان پیاده. در جناح راست منطقه در ناو دو گروهان سوار که با تیپ مراغه در قره آقاج ارتباط داشت.

د - جناح چپ قافلانکوه یک گروهان و یک گروهان پیاده، دو دسته مسلسل سنگین و یک دسته خمپاره انداز و دو توپ.

ه - احتیاط ۵ گروهان میانه.

به این ترتیب جمع واحدهای موجود در این قسمت از جبهه عبارت بود از ۱۱ گروهان پیاده، ۸ گروهان سوار، ۲ توپ کوهستانی، یک دسته خمپاره انداز و چند دسته مسلسل سنگین.

مرحله سوم عملیات نیرو و اشغال میانه

الف - ستون شرقی - به طوری که گذشت تا صبح روز ۱۹ یعنی آغاز عملیات اصلی، این ستون در رزمهای پی در پی شرکت داشت و چون از قرار اطلاع دموکراتها به جبهه کاغذ کنان، که نقطه الحاق خلخال است اهمیت زیادی می دادند، مقاومت دشمن در این جبهه زیاد بود و حتی با آنکه از منطقه حاج مهران به عقب رانده شده بودند، در شب ۱۹ برای پس گرفتن ناحیه مزبور به حمله متقابل پرداخت و بالنتیجه تمام شب زد و خورد ادامه داشت و پس از تلفاتی از طرفین دشمن به سلیمان بلاغ عقب نشینی کرد. در روز ۱۹ این ستون پس از جنگ شدیدی سلیمان بلاغی و بورونلی و خیرآباد را تصرف کرد و خود را به دو کیلومتری آق کندی رسانید.

ب - ستون باختری: ستون باختری که مأموریت داشت در منطقه صعب العبور و کوهستانی پیشروی نماید به دو گروه تقسیم شد:

گروه اول در ساعت ۲۰ از رجین حرکت کرد، از قزل اوزن گذشت و در دامنه ارتفاعات شروع به پیشروی نمود و در ساعت ۱/۵ صبح روز ۱۹ آذر ارتفاع قره زیادت را که مرتفع ترین قله قافلانکوه است اشغال نمود.

گروه دوم در ساعت ۴ صبح در ارتفاع مزبور به گروه اول ملحق شد و به این ترتیب مهمترین هدف و مبداء مناسبی برای تصرف هدف ۲ یعنی قیز قلعه سی به تصرف درآمد.

از ساعت ۷/۵ صبح روز ۱۹ آذر پیشروی این ستون بطرف قله ۴۹۸۲ متری شروع شد و پس از زد و خوردهای سخت و به پشتیبانی توپخانه و خمپارمانداز و هواپیمائی در متلاشی کردن دسته‌ها و مراکز مقاومت متجاسرین را درهم کوبید و پس از یک حمله قله مزبور را اشغال کرد و با این ترتیب جناح راست و عقب‌دار دشمن مورد تهدید واقع شد. تصرف ارتفاعات مهم قافلانکوه درست با شروع پیشروی ستون مرکزی و تماس آن با عوامل مقدم دموکراتها مطابقت داشت. بالاخره تا ساعت ۱۴ روز ۱۹ آذر تمام ارتفاعات موسوم به قیزقلعه سی که به رودخانه قزل‌اوزن مشرف و در باختر معبر قافلانکوه واقع است به وسیله این ستون اشغال گردید.

در ساعت ۱/۵ بامداد روز ۲۰ متجاسرین به قسمتی از ستون باختری که در روی ارتفاعات مستقر شده بود، حمله متقابل کرد ولی این حمله بر اثر خونسردی فرمانده آن قسمت دفع شد و پس از عقب زدن متجاسرین یک رشته دیگر از ارتفاعات به تصرف ستون درآمد. بطوریکه در صبح روز ۲۰ آذر تمام ارتفاعاتی که به شهر و ایستگاه میانه مشرف بود در تصرف نیروهای دولتی درآمد. ساعت ۱۴ روز ۲۰ آذر از طرف فرماندهی ستون باختری به سرپرست عشایر دستور داده شد که به سمت میانه حرکت کند و پاسگاههای لازم و انتظامات را برقرار نماید.

به این ترتیب اولین واحد ارتش ساعت ۱۶ روز ۲۰ آذر به میانه وارد شد و در ضمن این پیشروی مقدار زیادی اسلحه و مهمات به دست ستون افتاد.

ج - ستون مرکزی: در ساعت ۶ صبح روز ۱۹ آذر پیشروی ستون مرکزی ناحیه سرچم و تازه‌کند زیر حفاظت نیروی هوائی آغاز شد. ستون جلودار با پشتیبانی تعدادی تانک در دو رده در ساعت ۷ صبح به نوروزآباد رسید و پس از نیم ساعت زد و خورد با متجاسرین که تعداد نفرات آنها در حدود ۱۵۰ نفر بود، نوروزآباد اشغال و متجاسرین به حالت فرار متواری شدند و مقداری اسلحه و مهمات و خواربار بر جای گذاشتند.

پس از اشغال این نقطه پیشروی تمام ستون جلودار به حال پیاده و آرایش نفری به طرف هدف دوم یعنی جمال‌آباد شروع شد. در حوالی ساعت ۱۶ روز ۱۹ آذر جلودار به جمال‌آباد که آخرین آبادی و نقطه اتکاء تا مدخل قافلانکوه بود و متجاسرین پل آن را خراب کرده بودند، رسید و پس از زد و خورد مختصری آن را به تصرف درآورد و

پس از یک سلسله عملیات خود را به نزدیکی پلهای قزل‌اوزن رسانید ولی چون جناحهای راست و چپ عقب افتاده بود و برقراری ارتباط با آنها لازم بود و از طرف دیگر افراد نیز خسته بودند، جلودار با رعایت احتیاطهای لازم در محل مستقر شد و قسمت مهندسی به تعمیر پل جمال پرداخت. اطلاعاتی که در این موقع کسب شد حاکی بود که در اطراف معبر نقاط انکاء مستحکمی از طرف دشمن اشغال شده است.

قسمت عمده نیروی مرکزی بنام گروه ۲ تحت فرماندهی سرهنگ دوم سردادور در ساعت ۶ روز ۱۹ آذر از تازه کند حرکت کرد. در ساعت ۸/۵ دستور رسید که قسمت محمول به حرکت خود ادامه دهد و در اجرای این دستور قسمت محمول گروه دوم با فرمانده گروه خود به نوروزآباد رسید و در این موقع به این گروه مأموریت داده شد که یکی از واحدهای پیاده را جهت انجام یک حرکت فرعی در سمت گلیجه و گردآلان اعزام دارد و هرچه زودتر گلیجه را که یکی از پادگانهای موضع مقدم دموکراتها بود تصرف نماید و سپس در امتداد گردآلان که تپه مناسبی جهت حمله در سمت ایستگاه پل دختر و رودخانه قزل‌اوزن دارد، حرکت کند و در ضمن جناح چپ گروه یک را نیز محافظت نماید. به محض نزدیک شدن این ستون به آبادی آتش متجاسرین باز شد و پس از یک رزم یک ساعته متجاسرین از نوروزآباد متواری شدند و واحد اعزامی آبادی را اشغال کرد و بلافاصله در سمت گردآلان حرکت نموده در ساعت ۱۵ به آن نقطه رسید و ارتفاعات آنجا را اشغال کرد و همانجا متوقف ماند. در نتیجه این عملیات مقداری مهمات و اسلحه و لوازم بدست ستون افتاد و در ضمن قسمتی از متجاسرین مأمور این ناحیه که پس از حمله واحد مزبور با کامیون فراری شده از طرف آق‌کندی به سمت جاده نزدیک شده بودند بین واحدهای ستون مرکزی محصور و تسلیم شدند.

بقیه نیروی عمده پیاده بصورت راه‌پیمائی به حرکت خود ادامه داده در نوروزآباد متوقف شدند و در شب ۱۹ تا ۲۰ آذر آرامش برقرار بود ولی چندین صدای انفجار شدید که بعداً معلوم شد مربوط به تخریب پلها بود، شنیده شد.

در ساعت ۶ صبح روز ۲۰ در حالی که ستونهای غربی و شرقی نیز پیشروی خود را شروع کرده بودند، حرکت ستون مرکزی آغاز شد و این ستون در ساعت ۸/۵ صبح به نزدیکی پلهای شوسه که هردو آنها را متجاسرین خراب کرده بودند، رسید. در

نتیجه تخریب پلها عبور وسائط سنگین ستون از روخانه غیرممکن بود ولی یک واحد پیاده از رودخانه عبور کرد و ارتفاعات شمالی پلها را اشغال نمود.

گروهان مهندس ستون نیز بلافاصله به مرمت پل ستونی پرداخت و واحدهای متحرک مرکب از چهار گردان پیاده به سمت میانه پیشروی نمود و در عرض مدت کمی قسمت عمده پیاده ستون از روی پل و آتشبارهای کوهستانی و خمپاره اندازها و مسلسل ها از رودخانه گذشتند و در حدود ساعت ۱۶ فرمانده ستون با قسمت های مقدم ستون به میانه وارد شدند و فوراً نقاط حساس اشغال گردید. در موقع ورود ستون به میانه دموکراتها بدون مقاومت و با استفاده از کامیونتهائی که قبلاً جهت فرار آماده کرده بودند بطرف تبریز عقب نشینی کردند. در ساعت ۷ تمام واحدهای این ستون نیز وارد میانه شدند.

در روز ۲۰ آذر کوشش ستون شرقی مصروف اشغال ارتفاعات آق کنده و تعاقب دشمن بود و در روز ۲۱ آذر زد و خورد و جنگ گریزی که در قوشه بلاغ شد عده ای از دموکراتها کشته و اسیر گردیدند و سپس ستون بدون برخورد به مقاومت جدی در سمت سلیمانلو و مامانلو حرکت کرد. ولی چون این ستون در رسیدن به میانه تأخیر کرده بود از واحدهای موجود در میانه عده ای سوار جهت هدایت ستون اعزام گردید و از طرف دیگر چون اطلاع رسید که عده ای از دموکراتها در آبادیهای صومعه و ترکمن واقع در سرراه تبریز - میانه متمرکز شده اند یک واحد پیاده محمول با چهارده ارابه جنگی برای اشغال آن دو نقطه به جلو فرستاده شد.

در شب ۲۰ تا ۲۱ آذر پس از اینکه پل موقتاً توسط قسمت مهندس ستون مرمت شده بود، قسمت های سنگین مانند توپخانه و تانک نیز از آن عبور کرده وارد میانه شدند و به جمع آوری سلاحها و تجهیزات باقی مانده و برقراری نظم و آرامش در این منطقه پرداختند.

در جریان مجموعه این عملیات وضع روحی و طرز اداره عملیات توسط دموکراتها از مدرکی که از متجاسرین بدست آمده و ترجمه آن در زیر درج می گردد به خوبی مشاهده می شود:

گزارش غلام یحیی از میانه

«آقای پیشه‌وری، در نتیجه زد و خورد شدیدی که از ساعت ۶/۳۰ امروز صبح

تا غروب ادامه داشته، عدمای از نوروزآباد کلیچه و آبادی افشار که در دامنه قافلانکوه هست عقب نشسته، فدائیان از طیاره و تانک و توپ می ترسند و روحیه خود را باخته سنگرهایشان را ترک می کنند. دشمن نیز از جناحین تجاوز می کنند. برای اجتناب از محاصره مجبور شدیم اطراف قزلاوزن را تخلیه نموده و پل های شوسه و راه آهن واقع روی قزلاوزن را خراب و جبهه خود را کوتاه کنیم.» غلام یحیی.

جواب پیشه‌وری و پناهیان از تبریز:

« ۱- همین امشب باید به وسیله افراد زبده به دشمن در نقاط مختلف حمله شود که دشمن شب را کاملاً ناراحت و فردا صبح از حمله عاجز باشد.

۲- عملیات امروز جبهه میانه رضایت بخش نیست. جداً به افراد اجازه ندهید عقب نشینی نمایند، هر درجه دار و سرباز فدائی که عقب نشینی کند باید بدون اجازه تیرباران گردد.

۳- استفاده افراد از بطریهای ضد تانک ضروری است، آنها را بطور قطع وادار کنید تانکها را از کار بیاندازند.

۴- تخریبات باید بین امشب عملی شود و نتیجه را گزارش دهید.

۵- نتیجه عملیات امروز و تلفات و ضایعات را گزارش دهید. پیشه‌وری، پناهیان.»^۱

بطوری که ملاحظه شد ماده یک این دستور فقط در مقابل جبهه ستون غربی آن هم بدون موفقیت انجام یافت و ماده ۴ نیز که تهیه آن از مدتها قبل عملی گردیده بود و جلوگیری از عقب نشینی افراد هم با آنکه غلام یحیی در اجرای دستورهای صادره شخصاً چند نفر را کشته بود، نتیجه ای نبخشید و افراد با ترک مواضع خود به عقب فرار می کردند و مخصوصاً افراد جبهه کاغذکنان در موقع عبور از خط قافلانکوه مدافعین این موضع را تشویق به عقب نشینی و فرار می نمودند.

مرحله چهارم - حرکت ستونها برای اشغال نقاط مهم آذربایجان:

پس از اشغال میانه بلافاصله دستورها و نقشه های اشغال نقاط مختلف آذربایجان

۱- خاطراتی از مأموریت های من در آذربایجان، از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا دی ماه ۱۳۲۵ ،

سرلشگر احمد زنگنه، صفحات ۱۷۳ - ۱۷۶

طی تلگرافهای متعددی از ستاد ارتش صادر و واحدهای ستونهای مختلف و فرماندهان آنها و وسایل حمل و نقل و تجهیزات مستقیم از طرف ستاد ارتش معین شد.

در مرکز اقدامات چندی برای آماده ساختن و اعزام وسایل جنگی انجام گرفت و در نقاط بین راه مانند قزوین و زنجان نیز به تهیه وسایل حمل و نقل که کلیه واحدهای نیروی اعزامی باید به نقاط مختلف بفرستد، اقدام شد و چون راه آهن که تا این زمان برای حمل و نقل نظامی از تهران به قزوین و زنجان و نقاط شمالی تر کمک موثری بود از پل دختر تا تبریز ادامه نداشت بنابراین تمام حمل و نقل ها منحصرأ باید به وسیله کامیون انجام بگیرد. از طرف دیگر به علت اینکه اصولاً در مرکز تعداد کامیون لازم و کافی به آسانی میسر نبود و از راه مصادره هم تعداد کافی باز فراهم نمی شد لذا اعزام این واحدها یکی از وظایف مشکل ستاد ارتش شد و چون پیش بینی می شد که در صورت حاضر نشدن وسائل باز هم موضوع تنظیم حرکات مستلزم نظارت و مراقبت نماینده مخصوص ستاد ارتش در میانه می باشد لذا یکی از افسران ستاد شخصاً مأمور تنظیم و اجرای امر حمل و نقل به میانه اعزام گردید و با تشکیل مرکزی در میانه سرانجام واحدهای مختلف توانستند به اسرع اوقات به سمت مأموریت های خود عزیمت نمایند.

ستون های اصلی که مأمور تصرف نقاط مهم آذربایجان بودند به ترتیب زیر از طرف ستاد ارتش تعیین شدند:

۱- یک ستون مرکب از واحدهای سوار و پیاده و مسلسل و توپ و بی سیم مأمور حرکت از میانه به سمت مراغه.

۲- یک ستوان عمده مرکب از چند واحد پیاده و توپخانه و تانک و مسلسل ضد هوایی و توپخانه سنگین و تعداد بیش از ۱۰۰ کامیون و چند واحد نگهبانی مأمور حرکت به سمت تبریز و بلافاصله اشغال نقاط مرزی.

۳- ستونی مرکب از چند واحد پیاده و توپخانه و خمپاره انداز مأمور حرکت در سمت بستان آباد، سراب، اردبیل برای اشغال این نقاط

۴- استقرار پادگانی در زنجان و پادگانی دیگر در قزوین و حفظ میانه در ارتباط با سایر قسمت ها.

۵- اعزام یک ستون از طریق رشت به آستارا.

۶- اعزام سه ستون مهم از منطقه کردستان به سمت آذربایجان غربی.

در اجرای این طرح ستون مراغه با وجود خسته بودن دواب و کافی نبودن وسایل حمل و نقل در روز ۲۲ آذر برای حرکت به سمت مراغه حاضر شدند و در همان روز حرکت خود را آغاز نمودند.

چون وضع تبریز و کلیه نقاط آذربایجان مغشوش و دستخوش بی‌نظمی و از هم‌گیسختگی بود، اولین واحد ستون مأمور حرکت به سمت تبریز در شب ۲۲ آذر برای عزیمت حاضر شدند و در همان شب با سی کامیون به بستان آباد و بعداً به سوی تبریز حرکت کردند و بقیه واحدهای این ستون نیز با ۶۰ کامیون در ساعت ۱۰ روز ۲۲ آذر از میانه به سمت تبریز اعزام گردیدند و بالنتیجه اولین واحدهای این ستون در روز ۲۲ آذر به تبریز وارد شده آن شهر را در دست گرفتند. وخامت اوضاع فرقه دموکرات به جایی رسید که سران آن به التماس و التجا افتاده با بیانات و اعلامیه‌نی خواستند که موقع و وضع خطرناک خود را ترمیم نمایند. قبل از ورود ارتش به تبریز شبستری رئیس انجمن ایالتی آذربایجان اظهاراتی در برابر رادیو تبریز کرد چنین اظهار داشت: ۱۰:

مدنی بود که بعضی از عناصر مرتجع و مفسده‌جو قصد داشتند که در نتیجه ایجاد اختلاف بین عناصر دموکراسی آذربایجان و سربازان ایرانی جنگهای برادرکشی برپا کنند ولی انجمن ایالتی آذربایجان با حسن‌نیت و حس وطن‌پرستی خود تمام نقشه‌های شوم این عناصر را نقش بر آب نمود و همچنین در نتیجه حسن‌نیت و وطن‌پرستی جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه که دیروز تلگراف دیگری به جناب آقای جاوید استاندار آذربایجان مخابره و تأیید فرمودند که منظور از اعزام قوای نظامی برادرکشی نبوده و فقط به قصد نظارت در حسن جریان انتخابات می‌باشد لذا انجمن ایالتی آذربایجان به کلیه وطن‌پرستان این ایالت که استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز را خواستار بوده و در کلیه مواقع احساسات میهن‌پرستانه خود را آشکار ساخته‌اند اعلان می‌نماید که به مجرد وصول این تلگراف، انجمن ایالتی جلسه فوق‌العاده تشکیل داده و به اکثریت آراء تصویب نمود که به قوای فدائیان و قزلباش دستور صادر شود که اسلحه را به زمین گذارده و ورود قوای دولتی را تسهیل نمایند.

این اقدام در نتیجه حسن نیت خیرخواهانه جناب اشرف و مساعی این جانب

شبستری و جناب آقای دکتر جاوید استاندار آذربایجان انجام گرفت. اینک با صدور تصویب نامه انجمن ایالتی آذربایجان منظور اصلاح طلبانه جناب اشرف کاملاً عملی و اوامر حکومت جلیل مرکزی با حسن نیت و صمیمیت به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. متن تلگراف شبستری به محمدرضا شاه درماندگی حزب دموکرات را به وضوح نشان می دهد:

تهران

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنافداه

در این موقع که قوای دولتی به منظور نظارت در حسن جریان به طرف آذربایجان حرکت کرده است فدوی بنا به پیشنهاد جناب دکتر جاوید استاندار آذربایجان فوراً جلسه فوق العاده انجمن ایالتی را تشکیل و در نتیجه حسن نیت اینجانب و جناب دکتر جاوید و بعضی از عناصر خیرخواه تصویب شد که به اولیای امور استانداری دستور صادر شود که از هر گونه تصادم بین قوای دولتی با قوای تأمینیه محلی جداً جلوگیری به عمل آید تا استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز از هر گونه خللی مصون گردد و سایر وطن خواهان آذربایجان نیز در کلیه موارد وفاداری خود را نسبت به تاج و تخت شاهنشاهی ابراز داشته اند منظور عالی اعلیحضرت همایونی را تقدیس و در اجرای اوامر ملوکانه حاضر به هر گونه فداکاری می باشند.

رئیس انجمن ایالتی آذربایجان

شبستری

متن تلگرافی که به جناب آقای نخست وزیر مخابره شده است:

تهران - جناب اشرف آقای قوام السلطنه تلگرافی که به جناب آقای دکتر جاوید استاندار آذربایجان مخابره فرموده بودید امروز واصل و زیارت شد و اینجانب جلسه فوق العاده انجمن ایالتی را تشکیل داده و در نتیجه علاقمندی اینجانب و آقای دکتر جاوید و بعضی از عناصر وطن پرست و آزادی خواه حسن نظری که جناب اشرف به اصلاح امور و تسریع در امر انتخابات ابراز فرموده اید به اتفاق آراء مورد حسن تلقی واقع و به اولیای امور استانداری دستور داده شد که از هر گونه تصادمی که منجر به برادر کشی

می‌شود جلوگیری و برای ورود قوای دولتی تسهیلات لازم به عمل آید تا وحدت و استقلال و تمامیت ارضی ایران عزیز تأمین گردد.
انتظار می‌رود که از طرف جناب اشرف نیز اوامر لازم به قوای دولتی صادر شود که منظور نظر عالی جناب اشرف را به موقع اجرا گذارده خلاف آن رفتاری ننمایند.

رئیس انجمن ایالتی آذربایجان

شبستری

احمد قوام نخست‌وزیر در پاسخ این تلگراف‌ها را به شبستری و دکتر جاوید
مخابره کرد:

تبریز

جناب آقای شبستری و جناب آقای دکتر جاوید استاندار. تلگرافی که به
پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی عرص کرده بودید از نظر مبارک گذشته ابلاغاً
اشعار می‌دارد از تصمیم عاقلانه‌ای که در ترک هرگونه مقاومت در مقابل ورود و استقرار
ارتش ایران و قوای دولتی در آذربایجان گرفتاید خرمندی حاصل است. باید بدانید که
ارتش ایران و قوای تأمینیه جز حفظ نظم و آرامش و تهیه موجبات رفاه و آزادی مردم
وظیفه‌ای ندارند. تمام اهالی آذربایجان باید خود را در پناه ارتش ایران مصون دانسته،
بدانند که آزادی و آسایش آنها مطابق قوانین مملکتی در امان است و اشخاص
خیرخواه که برای نیل به این مقصود جدیت نمایند خدمات آنها منظور نظر خواهد
بود.»

نخست‌وزیر - احمد قوام

تبریز

«جناب آقای شبستری و جناب آقای دکتر جاوید استاندار. تلگراف جنابعالی
واصل و اقدامات جنابعالی در ترک هرگونه مقاومت موجب مسرت گردید. باید بر
قاطبه اهالی آذربایجان معلوم باشد که در اعزام ارتش و قوای دولتی جز رفاه و آسایش

اهالی و حسن جریان امور مملکت و مخصوصاً آزادی انتخابات منظوری نبوده عموم اهالی را به مهر و شفقت دولت امیدوار و وظیفه وطن پرستی و مسئولیت خود را در اجرای مقررات دولت انجام نمایند.»

نخست وزیر - احمد قوام

ستاد ارتش هم به نوبه خود در پاسخ اظهارات رادیو تبریز شرحی به مضمون زیر از رادیو تهران پخش کرد:

«هم میهنان عزیز. الساعه ارتش ایران به طرف شهر شما در حرکت است. ارتش برای ایجاد امنیت و جلوگیری از بدبختیهایی که شما در این مدت یکسال دیده اید به شهر شما وارد می شود. ارتش ایران مرکب از افرادی از برادران شما هستند و در تأثرات شما شرکت دارند. ورود ارتش به سرزمین آذربایجان و مخصوصاً به تبریز باعث خوشوقتی فرد فرد شما است. هم میهنان این روز تاریخی را هیچگاه فراموش نکنید.»

در موقع ورود ستون اعزامی به تبریز وضع خاص و مبهمی در شهر حکمفرما بود. از هر طرف صدای تیراندازی شنیده می شد و مراکزی که احتمال مقاومت از طرف آنها می رفت، کشف گردید.

اولین عناصر ستون با عده ای از متجاسرین که در چند خانه و محله های مناسب سنگر گرفته بودند، مواجه شدند و در اولین زد و خورد عده ای از آنان مقتول و در حدود ۳۰۰ نفر با اسلحه خود را تسلیم کردند. هیجان و ابراز احساسات خصمانه مردم نسبت به دموکراتها از طرفی و تظاهرات میهن پرستانه آنها از طرف دیگر به حدی بود که مشکل دیگری در راه ایجاد امنیت و نظم و آرامش توسط ارتش فراهم نموده بود.

«ورود ارتش به شهر تبریز افق زندگی مردم آذربایجان را روشن نمود. همه مردم از زنان و مردان سالخورده و جوانان جشن گرفتند و از اینکه احساس می کردند پس از یک سال از قید اسارت بیگانه پرستان رهائی یافته اند، پابکوبی می کردند بطور کلی احساسات مردم آذربایجان نسبت به ارتش در آن روز چنان هیجان انگیز بود که شاید در تاریخ ایران کمتر نظیر داشته باشد. در آن روز هیچ قدرتی نمی توانست در برابر سیل خروشان و احساسات عظیم ملی مردم و ارتش ایستادگی کند. به همین جهت خیلی

زودتر از آنچه تصور می‌رفت دشمنان ایران قلع و قمع گردیدند و ساحت آذربایجان از وجود متجاسرین و بیگانه‌پرستان پاک گردید.»

حرکت ستون اردبیل که باید از داخل دهلیز پوشیده از برف واقع بین رشته بزغوش و رشته سبلان و بعداً گردنه صائین صورت بگیرد با زحمت زیاد انجام شد و با وجود سرمای شدید و برف سنگین و خرابی و مسدود بودن راه، ستون پس از برخورد و زد و خورد مختصری در گردنه نیر با متجاسرین، بالاخره در تاریخ ۲۷ آذر در اردبیل مستقر گردید. ضمناً حرکت این ستون از میانه به سمت اردبیل در سقوط آستارا تأثیر مهمی کرد و به علاوه اشغال نقاط حساس مانند سراب و اردبیل که مراکز عمده متجاسرین را در آذربایجان شرقی تشکیل می‌داد، کمک بزرگی به ریشه کن کردن سازمان دموکرات‌ها کرد.

ستون مراغه نیز در تاریخ ۲۶ آذر وارد مراغه شد و آن را اشغال کرد. در موقعی که عملیات اعزام ستونها توسط نماینده ستاد ارتش در شرف اجرا بود، اتفاقاتی در این حدود رخ می‌داد که به قرار معلوم با جریانات آستارا و جنگ‌هایی که در این شهر بین ستون رشت و متجاسرین صورت می‌گرفت، بستگی داشته است. تفصیل آنکه پس از سقوط و تخلیه میانه عده‌های معتناهایی از متجاسرین به سمت دامنه‌های جنوبی بزغوش متوجه شده پس از عبور از این رشته به طرف سراب و اردا و اسب‌فروشان و کورکند سرازیر شدند. در این موقع بر اثر اختلافاتی که بین آنان پیدا شده بود به دو قسمت تقسیم شدند و عده اصلی آنها در حدود چهارصد نفر با دو مسلسل سنگین و ۱۱ مسلسل سبک تحت امر سرگرد غلام حسین اصانلو به طرف آستارا رفته و عده دیگری در حدود ۱۵۰ نفر تحت امر سرگرد انصاری مجدداً از دامنه‌های شمالی بزغوش مراجعت نمودند و به ترکمان و رنکش برگشتند: نماینده ستاد ارتش درمیانه از مراجعت این دسته مطلع شد و پس از کسب دستور فوری از ستاد ارتش قسمتی از پادگان میانه را جهت سرکوبی و تسلیم این عده اعزام داشت.

بالاخره پس از اشغال تبریز فوراً دستورهای مؤکد و صریحی برای اشغال نقاط حساس شمالی و پاسگاههای مرزی از ستاد ارتش به فرمانده نیرو داده شد. در اجرای آن فوراً واحدهائی به طرف مرنند، ماکو، جلفا، شاهپور، سراب، خوی و رضائیة اعزام شدند و در تاریخهای ۲۴، ۲۵ و ۲۶ آذر پادگانهای نظامی در مرنند، جلفا، ماکو، خوی،

شاهپور و سراب مستقر شدند و به برقراری نظم و آرامش و جمع آوری اسلحه پرداختند. ستونی نیز که از تبریز به سمت رضائیه اعزام گردید در روز ۲۵ آذر به شرفخانه رسید و پس از عبور از دریاچه رضائیه در شب ۲۶ در بین احساسات غیرقابل توصیف اهالی به رضائیه وارد شد.

در تاریخ ۲۷ از ستاد ارتش به ستون مراغه دستور داده شد که در خط سیر میاندوآب، مهاباد، رضائیه و شاهپور به حرکت خود ادامه دهد ولی چون بر اثر اتفاقات بعدی ادامه حرکت این ستون در خط سیر مذکور به نظر ستاد ارتش لازم به نظر نرسید طبق دستور دیگری این ستون در مراغه به دو قسمت تقسیم هنگ سوار فوزیه متوجه مهاباد شده واحدهای دیگر آن به تبریز برگشتند.

خلاصه آنکه تا آخر آذرماه کلیه نقاط حساس و مراکز مهم توسط ستونهای اعزامی اشغال شد و قسمت‌های ارتش در نقاط مختلف آذربایجان استقرار یافتند.

ابراز احساسات مردم آذربایجان

و ملت ایران و انعکاس ورود

ارتش ایران به آذربایجان در خارج از کشور

پس از ورود ارتش به تبریز مردم این شهر غرق در شادی و مسرت بودند «سه روز شهر تبریز غرق شادی و فریادهای مرگ بر خائنین و وطن فروشان است همه به یکدیگر تبریک می گویند.

امروز هنگامی که ژنرال کبیری، سرهنگ جاویدان و تقی‌زاده معاون پیشه‌وری را از شهرداری به زندان می‌بردند اهالی مانند سیل هجوم کرده می‌خواستند آنها را بکشند. با وجودی که شدیداً حکومت نظامی اعلام شده معذک هجوم مردم به مهاجرین و خانه‌های وطن فروشان ادامه دارد...»

و امثال این سخنان از رادیو تبریز به گوش می‌رسید:

«هموطنان عزیز اگر خطه آذربایجان مدت یک‌سال تمام زیر چکمه یک عده

مهاجر قفقازی جنایتکار بود و ما جرأت نفس کشیدن آزاد را نداشتیم ولی ملل ما امیدوار به نجات بود. درست مدت یک‌سال رژیم دیکتاتوری با قیافه مهیب و منحوس خود بر مردم آذربایجان حکومت می‌کرد واحدی جرأت بردن نام ایران را نداشت.

هرکس صحبت از وطن می کرد جانش در خطر بود و توسط عده‌ای تروریست به قتل می‌رسید. فرقه قلابی دموکرات کاری جز ترور افکار و قتل و غارت نداشتند. گمان نمی‌کنم که حتی مغولها و تاتارها و اقوام وحشی دنیا در تاریخ تا این اندازه نسبت به مردم بی‌سلاح آزار رسانیده و آزادی را از آنها سلب کرده باشند. مردم آذربایجان در برابر سربازان ایرانی که آزادی حقیقی را همراه آورده‌اند از صمیم قلب ابراز احساسات کردند...»

سرور و شادمانی مردم آذربایجان تا مدتها ادامه داشت «امروز (۵ دیماه) کلیه بازارها تعطیل و خیابانها با پرچم سه رنگ و تالی چراغانی از صبح با وجود سرمای شدید و نزول برف سرتاسر خیابانهای شهر مملو از دهها هزار نفر زن و مرد بود. ساعت ۱۴/۵ تیمسار سرتیپ هاشمی از لشکر ۳ آذربایجان در خیابان شاهپور سان دید، از ساعت ۱۴ و سه ربع رژه عمومی نیروی پیاده، سواره، موتوریزه، نیروی هوایی شروع جمعیت انبوه مردم بی‌اندازه خود را به سربازان نزدیک و دست و صورت آنها را می‌بوسیدند که ناچار نیروی موتوریزه یک ساعت در خیابانهای پهلوی، فردوسی و شاهد متوقف شد. صدها گاو گوسفند قربانی، بسته‌های گل پولهای نقره و شیرینهای رنگین به سر و صورت سربازان می‌بارید. امروز شهر تبریز از شدت احساسات مردم می‌لرزید. شاگردان مدارس پیشاپیش سربازان با پرچم‌های سه رنگ سرود ای ایران را می‌خواندند. به کوری چشم دشمنان ایران امروز مردم از ارتش چنان استقبال کردند که نظیر نداشت.

امروز صبح در مسجد جامع پنجاه هزار نفر در مجلس یادبود شهدای آذربایجان و سربازان و افسران شرکت کردند...»

اما انعکاس نجات آذربایجان در رادیوها و خبرگزاریهای سراسر جهان: رادیو لندن - البته تا به حال اطلاع حاصل نموده‌اید که دیروز شبستری رئیس انجمن ایالتی آذربایجان تلگرافی به حضور شاه ایران و آقای قوام مخابره و تصمیم اعضای انجمن مزبور را مبنی بر ترک محاصره و پذیرفتن قوای دولتی اعلام نمود... رویتر از تهران گزارش می‌دهد با خاتمه غائله آذربایجان وحدت ایران تأمین گردید اکنون در شمال ایران عائق و مانعی در راه انتخابات عمومی موجود نیست.

سه نفر از خبرنگاران خبرگزاری آسوشیتدپرس و روزنامه نیویورک تایمز و دلی

میل که پیش از ورود ارتش به تبریز رفته بودند مشاهدات خود را به زبان انگلیسی از رادیو تبریز به این قرار بیان کردند.

«جمفربیشه‌وری و غلام یحیی و عده زیادی از سران فرقه دموکرات از امروز در تبریز ناپدید شده‌اند. مردم تبریز منتظر ورود نیروی ایرانی هستند.

سازمان دموکراتیک آذربایجان درهم ریخته و نیروهای آنها دسته‌دسته مراجعت می‌کنند و در حال فرار هستند فعلاً دکتر سلام‌الله جاوید زمام امور را در دست دارد. برای فرقه دموکرات هیچگونه نیروی مقاومتی باقی نمانده است هنگام ورود خبرنگاران خارجی به تبریز عده زیادی از مردم در کوچه و خیابان هورا می‌کشیدند و به افتخار رسیدن خبرنگاران خارجی شادمانی می‌کردند. گوسفند در جلوی خبرنگاران خارجی قربانی شد. مردم با اشتیاق وافر در انتظار رسیدن خبر از تهران می‌باشند و به قدری احساسات آنها شدید است که خبرنگاران متأثر شده‌اند. با اینکه اوضاع شهر مغشوش و آشوب است مردم جشن گرفته‌اند و فریاد می‌زنند زنده باد آزادی آذربایجان و زنده باد ایران.

در تمام قراء و قصبات که ارتش ایران پیش می‌آید مردم خارج از حد احساسات به خرج می‌دهند و با چشمان گریان سر و صورت سربازان را می‌بوسیدند. وضع اسرائی که بدست نظامیان افتاده فوق‌العاده رقت‌بار است و اگر نظامیان جلو مردم را نگیرند آنها را هلاک خواهند ساخت.

دموکراتها شهر تبریز را تخلیه می‌کنند و با کامیون‌هایی که به زور از مردم گرفته‌اند فرار می‌نمایند. پریشب در تبریز حکومت نظامی اعلام شد اما مردم زیربار نرفتند تا نزدیکی صبح صدای گلوله شنیده می‌شد. در موقع طلوع آفتاب دموکراتها تبریز را تخلیه کرده بودند. اشخاصی که به زور وارد فرقه شده بودند اکنون به سرعت لباس و تفنگ خود را به زمین انداخته فرار می‌کنند. هنوز مردم آذربایجان خبر ورود نیروها را ندارند و عجیب‌تر آنکه از قرارداد بین تهران و مسکو راجع به آذربایجان بی‌خبر می‌باشند. بطوریکه شنیده می‌شود بی‌ریا از طرف فرمانداری توقیف شده است.»

پس از سرکوب شدن متجاسرین و استقرار نیروهای ارتش در سراسر آذربایجان احمد قوام نخست‌وزیر جریان امر را ضمن بخشنامه‌هایی به کلیه نمایندگان گیهای ایران در خارج از کشور مخابره کرد و ضمناً شرح وقایع را به واشنگتن و لندن و مسکو اعلام

نمود.

اینک متن بخشنامه‌ها و نامه‌های متبادل بین نخست‌وزیر و سفیران شاهنشاهی و اظهار شادمانی و مسرت آنان و مخصوصاً توصیه‌های حسین علاء به ترتیب تاریخ صدور و وصول آنها:

نخستین - "مهر نجیب‌الدین" پسر شاهنشاهی

تردد در اغیار از مرکز پیر از تصرف زبمان در آنجا و صفت
خود را مکلم کرد و دست یازد حرکت کرد و در گذرده تا فلان

ترتیب مانند تا با اطلاع از وضعیت به پیش در اداره

سورسجه مرز ده سوگما. از جایی در راه همگی به طرف میانه

جورده چارنجه بهستم یازده را گرفته نخستین ۲۱ نام و نه
تبریز دوازده حبه ۲۲ بن چار و دسرس به از ظلمت و جاد و درگز

کتابخانه آذربایجان
تاسیسات و تجهیزات
دفتر اداری و خدمات

فرستاده شده است
۲۵ / ۱ / ۲۵

وزارت امور خارجه

بخشنامه تلگرافی به نمایندگیهای شاهنشاهی در خارجه

نیروی اعزامی از مرکز پس از تصرف زنجان وضعیت خود را محکم کرده به سمت میانه حرکت کرد ولی در گردنه قافلانکوه متوقف ماند تا با اطلاع از وضعیت به پیشروی ادامه دهد. سه شنبه نوزدهم سحرگاه از جناحین و راه معمولی به طرف میانه جلو رفته چهارشنبه بیستم میانه را گرفته پنجشنبه ۲۱ عازم تبریز و روز جمعه ۲۲ بین ساعت چهار و شش بعدازظهر متدرجاً وارد تبریز شدند. نیروی اعزامی متجاسرین مغلوب و فعلاً مشغول استقرار امنیت و انتظامات در خطه آذربایجان می باشد.

۲۵/۱/۲۵

نمره: ۱۱۰۲

به تاریخ: ۲۱ آذر ۱۳۲۵

وزارت امور خارجه

۱۱۰۲

اداره

۲۸/۹/۴۱

تاریخ تحریر تاریخ باکندیس

مختومه باکندیس

عنوان باکندیس

به روز و ده قواس خراسی زبانه غنودری در در فرستادن قواس آذربایجان
 بخیر شد بزبانه قواس لمانه زبان کرکزی و ویرانه آن بافتن صحیح حکم
 دشتیست لطف آذربایجان داده شود با لفظا که در قواس خراسی لطف آذربایجان
 دشتیست در روز آذربایجان و لفظ آذربایجان واقع و لفظ آذربایجان دارد و
 مقدار هم و لفظ آذربایجان و قواس که به پسران خود داده اند و لفظ آذربایجان
 هم که در زبان قافله کوه و لفظ آذربایجان راه معمول به و لفظ آذربایجان قواس
 آذربایجان در قافله کوه هم به لفظ آذربایجان راه معمول به و لفظ آذربایجان قواس
 قاسم و لفظ آذربایجان قواس و لفظ آذربایجان قواس و لفظ آذربایجان قواس
 تمام این موانع قواس که لفظ آذربایجان قواس و لفظ آذربایجان قواس و لفظ آذربایجان قواس

و دود بخیز را گزاش داد و در دین سلامت توانی در میان بگذردم
 در آنجا که سکون بر رشتنی برافه تفسیر و یک سکون هر روز یک بر بفرستی بنیاد
 در پدید شده اند پس در دو توانی از خلق همه فدا شدن ^{بگرفتند} گشتند از سستی و سیر
 انجمن ایستاد و کتر جادیه است نه از آرد بهمان به این جانب رسید و جمع خود را
 در مقام توانی هر چه عیال نمودند در خط کتاب به شایسته در زیر همه جادیه
 در توانی نظافت آرد به آن وقت زهر بعبان هر چه یتم شده وقت زهر بریز
 اسد خود را زینتی ریخته فراس شدند تمام در حرم هر چه در این خطا نیست
 کتب و دستک و دهک و زره و پش و کایون فوج ایستاد زهر به بطوریکه بدین
 است از میان زهر به این جانب خبر رسید در برز ما حوا جوی آنجا بازیت داند
 ایستاد و درخت زهریم فروخ زهریم و غارت خود ندارد بکنند با این راه که برز خواست
 و دولت زهریم برعت غیر بدتر است منهدا رکنه دادم هر قسم شده است

و به هر عده ممکنه شو یک سرن در ظرف آب و فودا جمع ببرند برسانند
و ای که از رزق خدای ماحوا جوید و خدای کند عبادت و نصیب قنوا و
صبر داد و خبر نام و اطلاع به هر

ساعت ۷ صبح از ظهر ۱۲ آذر

باز در این ساعت خبر رسید در امروز تمام ایالت تبریز در بزرگ و کوچک
در دین و ثقیل اجتماع در کمر گردانیده و شالی بخت و عکس از جانب دیگر
ایستاد و بعضی را نیز گزیده و نسبت به فرار فرد دیگر گردانید و از این
و این فرد در کمر است و از این خانه در میانه مهر و نفیس و هر چه است
من آورده و با میوه و خرمند و روز و آیه در رادیو تبریز گفته شده است
بلند روی فرار کنید و این خبر آب در رادیو تبریز گفته شده و این
تبریز بهر دو تا سه ساعت در قوا و محل را در خدمت نموده اند
بهذا امر اکید به هر چه زودتر قوا و محل خود را با این امر ایالت تبریز
برسانند

وزارت امور خارجه

تلگراف رمز به واشنگتن - لندن - مسکو

بعد از ورود قوای اعزامی به زنجان چند روزی که در فرستادن قوا به آذربایجان تأخیر شد برای این بود که قوای کافی در زنجان تمرکز یافته و پس از آن با نقشه صحیح حکم پیشرفت به طرف آذربایجان داده شود بالاخره دو روز قبل قوای اعزامی به طرف آذربایجان پیش رفته در نوروزآباد و جمالآباد تصادمی واقع و تلفاتی به قوای آذربایجان وارد و مقداری اسلحه و مهمات بدست آمده و قوای دولت به پیشروی خود ادامه دادند. پس از آن دو ستون از جناحین قافلانکوه و یک ستون از راه معمول جلو رفتند. نظر به اینکه قوای آذربایجان در قافلان کوه همه جا سنگربندی کرده راه معمول را به قسمی زیاد خراب و غیرقابل عبور نموده پلها را خراب کرده بودند حرکت قوای دولتی ناچار به کندی پیش می‌رفت. با تمام این موانع قوای دولتی غلبه نموده متجاسرین را مغلوب و اسلحه زیادی از آنها گرفته و ورود به میانه را گزارش داده و در این ساعت قوای دولتی در میانه تمرکز یافته از آنجا یک ستون برای رفتن به مراغه تخصیص و یک ستون هم از تکاب به طرف شاهین‌دژ رهسپار شده‌اند، پس از ورود قوا به میانه خلع سلاح فدائیان، تلگرافاتی از شبستری رئیس انجمن ایالتی و دکتر جاوید استاندار آذربایجان به این جانب رسید که تسلیم خود را در مقابل قوای دولت اعلام نمودند. در خط تکاب به شاهین‌دژ همه جا فدائیان و قوای نظامی آذربایجان قسمت زیادی به قوای دولت تسلیم شده و قسمت زیادی نیز اسلحه خود را به زمین ریخته فراری شدند. غنائم اردوی دولت در این خط از حیث توپ، تفنگ، مهمات، زره‌پوش و کامیون فوق‌العاده زیاد بوده است بطوریکه در این ساعت از میانه به این جانب خبر رسید ماجراجویان آنجا به اذیت و آزار اهالی پرداخته از هیچ نوع مزاحمت و غارت فروگذار نمی‌کنند. با اینکه راه تا تبریز خراب و حرکت اردو به سرعت غیرممکن است معیناً دستور اکید وارد شده هر قسم شده است و با هر عده ممکن شود یک ستون در ظرف امشب و فردا صبح به تبریز برسانند و اهالی را از چنگ ماجراجویان خلاص کنند. عجلتاً وضعیت به قراری است که شرح داده شده و بعد هم خبر تازه را اطلاع می‌دهم.

ساعت ۷ بعد از ظهر ۲۱ آذرماه

باز در این ساعت خبر رسید که امرز تمام اهالی شهر تبریز از بزرگ و کوچک

و زن و مرد به هیئت اجتماع در شهر گردش نموده تمثال اعلیحضرت و عکس این جانب و پرچم ایران را به معرض نمایش گذارده و نسبت به افراد فرقه دموکرات آذربایجان تعرض و سران فرقه دموکرات هم از هر خانه که می‌توانستند مبل و نفایس و هرچه بدست می‌آورند با کامیونها حمل نموده و از قراری که در رادیوی تبریز گفته شده است بطرف روسیه فرار می‌کرده‌اند. این خبر امشب در رادیوی تبریز گفته شده و اهالی تبریز به اصرار و التماس سرعت ورود قوای دولت را درخواست نموده‌اند. لهذا امر اکید شد هرچه زودتر قوای دولت خود را برای آسایش اهالی به تبریز برسانند.

احمد قوام

وزارت امور خارجه

از واشنگتن به تاریخ ۱۳۲۵/۹/۲۱ شماره ۱۳۹۹

جناب آقای قوام‌السلطنه

الان این‌جا شهرت دارد که رؤسای متمرّدین تسلیم شده‌اند. اگر این تسلیم پیشنهاد شبستری باشد مژده بزرگی است و جا دارد به جناب اشرف عالی که با شجاعت پافشاری کرده‌اید تبریک گفته شود.

نهایت اهمیت را دارد که دولت از قبول هر موافقت و مسامحه و شرطی با یاغیان و دولت شوروی جداً احتراز نماید.

به واسطه اوضاع مساعد بین‌المللی و سیاستمداری و حسن تدبیر جناب اشرف موقعیت فعلی ایران فوق‌العاده قوی و مخصوصاً دولت و ملت امریکا محکم پشت ایران ایستاده‌اند. اقتدار مرکز باید بطور کامل و دائم در تمام آذربایجان مانند سایر شهرستانها مجدداً برقرار و از قبول هر شرطی خودداری نمائیم والا باز در آینده دچار اشکالات و تقاضاهای بی‌مورد خواهیم بود و شاید تا آن وقت توجه عالم کمتر به سوی ایران معطوف و موقیت بین‌المللی ما تغییر یافته باشد.

۲۰ آذر. نمره ۵۶۴

علاء

وزارت امور خارجه

اداره رمز

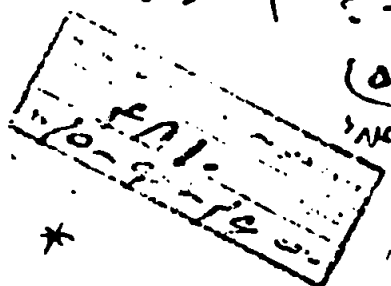
از دبستی بتاريخ ۲۴/۹/۱۳۲۵ شماره ۱۲۹۹

جناب آقای قوام معطله

الآن اینجاست که سهرت دارد که رؤسای سهرت نیز قسیم شده اند اگر این قسیم
چنینا تبعیری باشد شده بزرگ است و ما در دلباب سهرت
که با شرف و بافت را کرده به بزرگ گفته کرد
نهایت اینست را در در که در از قبول هر رفت در کم و شرطی بایده
در در شود و بعداً هر در نماید

در ربط ادیان و معین مع و است در در حسن و سیر جناب سهرت و قسیم
ایران فوق اعلا قور و کهنه در وقت ارید کم پشت ایران بپایده

اقتدر مرکز باید بطور مستقیم در تمام آذربایجان مانند سایر شهرات
مبدءاً برقرار و در قبول هر شرطی خود را در خیم داله باز در آینده ده
و تقاضا؟ رسمپرد و این بود و شایسته آنوقت ترقی عالم کمتر بجوی ایران
در تقویت بین مع ما تغییر یافته باشد ۲۶ / آذر ۱۳۵۴



با ارسال تلگرام زیر معلوم می شود که تقی زاده سفیر ایران در لندن نیز اظهار نظر
و پیشنهادهای حسین علاء سفیر ایران در واشنگتن را به نخست وزیر مخابره کرده است
که قوام تلگرامی به مضمون زیر برای وی ارسال داشت:

نمره: ۱۱۱۴

به تاریخ: ۱۳۲۵/۹/۲۶

وزارت امور خارجه

تلگراف رمز به سفارت کبرای لندن

جناب آقای تقی زاده هیچ قید و شرطی در کار نیست. قوای دولتی روز جمعه
۲۲ آذر چهار بعد از ظهر وارد تبریز شدند و استقبال شایانی از آنها به عمل آمده
ستونهای مختلف بسیار نقاط نیز وارد مرزهای شوروی به وسیله قوای نگهبانی محافظت
در رضائیه نیز متجاسرین به وسیله اهالی توقیف و قوای نظامی به آنجا اعزام. مهاباد نیز به
مأمورین دولت تسلیم گردید.

احمد قوام

وزارت امور خارجه

اداره

مسئول ياكئويس

تاريخ ياكئويس

تاريخ تحرير

عنوان ياكئويس گوراني نيز ليفرست برا لندون

خدا بآنان قعي نعمت هم چ قير و چرقي در لارني قواي مكرنا
 روز جمعه ٢٢ آذر چو رسيد نيز ظهر وارد تبريز شيد و در منزل شايان
 از آنرا هدايت سويي خلك بارخط نيز وارد فرماي سوادس
 بويي قواي گنجها مناطق در رضائي نيز تبارين بستم بآيا ترقيف
 وقراي نظري بآيا انواعها آذر نيز بآين مصلحتي گرده

از سجا
 اعد مقام

مظفر فیروز که در این زمان سفارت ایران را در مسکو به عهده داشت^{۱۱} پس از

۱۱- بی‌مناسبت نیست که تعیین مظفر فیروز را به سمت سفارت ایران در مسکو با نقل از کتاب «الیگارش‌ی یا خاندانهای حکومتگر ایران» تألیف ابوالفضل قاسمی در اینجا بی‌لوریم (صفحات ۱۲۲ - ۱۲۳):

«... قوام کاملاً درک می‌کرد دیگر وجود او (مظفر فیروز) در دولت به عنوان معلون نخست‌وزیر خطر بزرگ برای او دارد به او گفته شد اگر این عنصر مودی در ایران باشد باز برای تخریب و فساد بیکار نخواهد نشست باید از تهران برود. قوام با همه دلخوری که از پسر نصرت‌الدوله داشت نبوغ پلیتکی او را برای حفظ خود لازم می‌دید، حاضر شد با ترمیم کابینه جای او را عوض کند به وزارت اقتصاد بگمارد. ولی فشار از همه‌سو او را مجبور کرد حکم سفارت کبرای ایران در مسکو برای او صادر گردد.

فیروز وزارت خارجه را واداشت به نامزدی او برای سفارت اعتراض کند ولی قوام به اجبار در حاشیه‌نامه اعتراضیه نوشت (اعتراضات وارد نیست ایشان حتماً و باید به مسکو عزیمت نمایند زیرا در حال حاضر می‌بایست نماینده قابل اعتمادی در مسکو داشته باشیم و از ایشان بهتر کسی نیست). فیروز قول داده بود که اگر در تهران بماند مقاله‌نامه نفت را از مجلس خواهد گذرانید، آذربایجان را برای روسها حفظ خواهد کرد.

علیرغم این قرار و مدار، فشارهای خارجی برای بیرون کردن فیروز این اقدامات برای موقعیت جدید او لازم بود تا مسکو مظفر را به عنوان یک رهبر انقلابی و کمونیست تبعید شده با آغوش باز پذیرد.

فیروز بعد از صدور حکم تمارض کرد و حرکت خود را از تهران عقب انداخت. اینجا بود که برای حفظ استقلال ایران لازم بود سیاست شدیدتری پیش گرفته شود. قوام‌السلطنه ناگزیر از فرماندار نظامی تهران خواست معاون سابق و سفیر فعلی دولت او را بازداشت کند. ولی در قاموس سیاست اینکار بسیار زننده و بی‌سابقه بود از اینرو وقتی قوام به اجبار تهران را به قصد لاهیجان ترک می‌کند بطور خصوصی به فیروز می‌نویسد «توقف شما لطمه به حیثیت شما خواهد زد بهتر است فوراً ایران را ترک کنید.»

این‌چنین مظفر راه مأموریت جدید را پیش می‌گیرد ایران را ترک می‌کند. با بیرون رفتن فیروز و زمینه‌سازی لازم. ارتش ایران راه آذربایجان را پیش می‌گیرد ولی فیروز در مسکو نیز دست از تحریک برنمی‌دارد (فریاد می‌کشد حمله به فرقه دموکرات و بازگشت ایالت آذربایجان به ایران به مثابه انتحار برای ارتش و هیئات حاکمه و ملت ایران است).

بنا به اعتراف فریدون ابراهیمی و دادستان حکومت پیشه‌وری (فیروز لحظات آخر جدائی آذربایجان با تلگرافات محرمانه پیشه‌وری را به ایستادگی در برابر ارتش تشویق می‌کرد و قرار بود در جلفا با پیشه‌وری ملاقات کند).

وصول تلگرام نخست‌وزیر در پاسخ چنین اظهار داشت که مفاد آن از نظر تشخیص ماهیت او و شبستری و دکتر جاوید شایان توجه است:

وزارت امور خارجه

از مسکو به تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۲۵ شماره ۱۳۹۸

جناب اشرف آقای قوام السلطنه

اعزام قوا به آذربایجان بدون خونریزی و پیشرفت نظریات عناصر معتدل-مانند دکتر جاوید و شبستری در مقابل عناصر ماجراجو و هرج و مرج طلب موجب کمال مسرت گردید. ورق دیگری را در خدمات گرانبهای ناب اشرف به کشور اضافه می‌نماید. بطوریکه خاطر مبارک مستحضر است همانطور که میهن‌پرستی و صداقت جاوید و شبستری را حضور مبارک متذکر شده است و به تقویت این عناصر در مقابل افراطیون معتقد بودم در کلیه مذاکرات با مقامات مسئول در این باب مخصوصاً این ایام اخیر مضرات عناصر افراطی را در تهران و آذربایجان با ارائه دلائل گوشزد نموده مصر بودم از تقویت آنها هم خودداری نمایند. خوشبختانه این تذکرات در حضرات مؤثر واقع شد. و عملاً از تقویت عناصر ماجراجو و هرج و مرج طلب خودداری نمودند. به نظر این جانب مقتضی است با این موفقیت امثال جاوید و شبستری بیش از پیش مورد مرحمت جناب اشرف واقع شوند والبته یقین است با روش مهر و محبت که از طرف جناب اشرف تعقب خواهد شد اهالی آذربایجان و آزادی‌خواهان که مانع خونریزی شدند بیش از پیش در راه خدمت به کشور تشویق خواهند شد. البته برای جلوگیری از هر نوع بهانه حضرات مقرر خواهند فرمود که نظامیان به نحو مناسب و متعینی نسبتاً رفتار نمایند.

۲۰ آذر. نمره: ۱۱۴ فیروز

وزارت امور خارجه

از لندن به تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۲۵ شماره ۱۴۰۲

جناب اشرف آقای رئیس‌الوزرا

از موفقیت حاصله در امر استرداد آذربایجان و احیای مملکت قدیمی و جلوگیری

از تجزیه وطن از صمیم قلب تبریک گفته و هزاران هزار تشکر داریم. خداوند به جناب اشرف عالی جزای خیر بدهد و کامکار گرداند که هیچ پاداشی دنیوی اجر این خدمت نتواند شد. روح پیغمبر اکرم و روح کورس و داریوش به شما دعا می فرستند. کافه ملت ایران و مسلمانان عالم پشتیبانان می باشند. انتشار خبر تسلیم متمرّدین ظهر چهارشنبه در لندن ایرانیان را به وجد آورد و خبر فتح به ناگهان در یک ساعت مثل برق منتشر شد و جمله با دلی پر از اعجاب و قدردانی به دعای خیر عالی و عظمت ایران و بلندی بخت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی رطب اللسان شدند. ارادت خالصانه بی ریا و تهنیت قلبی این جانب را هم بپذیرد. ۲۰ آذر. نمره ۱۸۱ تقی زاده.»

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از لندن بتاريخ ۲۲/۶/۱۳۲۵ شماره ۱۴۹۱

عزیزترین آقای رئیس الوزرا

درودت چو در بار برتر داد آذربایجان و جابر ملت قدر و مهر گزین
 از تجزیه وطن از صمیم قلب تبریک گفته و هزاران هزار تشکر داریم خداوند
 بنی بپسندد جزای خیر بدهد و کامکار گرداند که هیچ پاداشی دنیوی
 این خدمت نتواند شد روح پیغمبر اکرم و روح کورس و داریوش به شما دعا
 می فرستند کافه ملت ایران و مسلمانان عالم پشتیبانان می باشند
 متمرّدین ظهر چهارشنبه در لندن ایرانیان را به وجد آورد و خبر فتح به ناگهان

دریغ است سر بر حق نشسته و دل به دل به اندام و در دانه بد و بد
 به و غایت ایوان و جنب بخت آن روز و روز و روز و روز و روز و روز
 و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز
 و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز و روز

وزارت امور خارجه

از واشنگتن. به تاریخ ۲۶ آذر ۱۳۲۵ شماره ۱۴۲۶

جناب اشرف آقاي قوام السلطنه

۱۱۰۲ - خبر ورود قوای دولتی به تبریز و استقبال شایان اهالی موجب نهایت مسرت و امتنان عموم ایرانیان و دوستان ایران مقیم امریکا گردید. مجدداً تریکات خود را تقدیم نموده از حسن تدبیر و مقاومت جناب اشرف عالی تشکر می‌کنم. البته بهتر از هر کس به نکات ذیل واقف و حتماً در نظر گرفته‌اید. محض یادآوری عرض می‌شود که اقتضا دارد قوای اعزامی با کمال سرعت تا انتهای خاک ایران و مرزهای شوروی برود والا ممکن است مانند شمال یونان دستجات متمردين پناهگاه و مأمنی برای خود قرار داده با کمک اهل قفقاز جنگ و گریز بپردازند. دوم مجدداً مأمورین گمرک برقرار و نظر در صادرات و واردات داشته سرحد کاملاً در دست خودمان باشد. سوم استاندارد ترکی‌دان حسابی با حیثیت و اصلاح طلب مانند آقای حکیمی، جم یا ابراهیم‌زند مأمور و اعتماد مردم را جلب و موجبات آبادی و عمران آذربایجان را فراهم فرمایند. حزب دموکرات مصنوعی موقوف و دخالت خارجه در این باب قبول نشود چهارم در جراید دیروز نوشته بودند سفیر ایران در مسکو گفته دولت شوروی ممکن است به عهدنامه ۱۹۲۱ متوسل و به عذر خطر انقلاب در سرحد قشون وارد خاک ایران کند. عقیده

قطعی دولت و مشاوران حقوق امریکا این است که اول در این مورد مواد عهدنامه صدق نمی‌کند. دوم منشور ملل متحده جای عهدنامه مزبور را در آن قسمت گرفته. هرگاه دولت شوروی بیمی از ایران دارد باید اول به دولت ایران مراجعه و در صورت عدم وصول نتیجه به شورای امنیت متوسل شود نه اینکه رأساً اقدام به اعزام قوا نماید. خود جناب اشرف عالی تصدیق خواهد فرمود که در این موقع وجود مظفر فیروز در منسکو خطرناک و به زیان سیاست دولت است. ۲۴ آذر. نمره ۵۷۳ علاء

وزارت امور خارجه

اداره رمز

از دسترس بنابرین ۹/۳/۱۳۶۵ شماره ۱۴۲۶

جناب اشرف انوشیروانی

۱۱۰۶، خبر درجی قرار در کسب خبر زیر استقبل شد و این که
مرحله نیت سرست و به نیت هم ایران و به نیت ایران هم ایران
گروه بعد از تریه ت هزار تقدیم نموده از حسن به برداشت
جناب اشرف به مرکز سیستم رفته به تریه ت در وقت و

[illegible]

اینی است که اول در این روز مراد عهدنامه صدیقی بنکرته (۱۳۰۲) مندر
 سر سینه جابر عهدنامه زبیر را در آفتاب گزیده هر گاه که در روز
 سیزدهم ایران دارد باید اول به پیش ایران در وجه در صورتی مردم روز
 پنجم به روز اولی منتهی شود نه اینکه رأی اقدام با غرام قوا باشد
 محو غیب هر روزی رسیدگی می باشد فرمود که در این جمع و محو منتهی هر روز
 در کمر خیزان که در این روز است و است ۲۴، ۲۵ و ۲۶ [۵۷۴]
 ۱۳۰۲

به این ترتیب بود که عمر دولت خود مختار و روزگار فرمانروائی فرقه دموکرات
 پایان یافت و سران فراموشکار فرقه که شعار فریبنده «مرگ هست ولی باز گشت
 نیست» را از یاد برده پیش از ورود واحدهای ارتش با غنایمی که از راه غارت و چپاول
 بدست آورده بودند راه مرزهای شوروی را در پیش گرفتند.

محمدرضا شاه در کتاب «مأموریت برای وطنم» درباره اهمیت حوادث

آذربایجان چنین می آورد:

«اهمیت وقایع مزبور بقدری آشکار است که ملت ایران روزی را که مصادف با

ختم این غائله عظیم است بنام روز آذربایجان عید ملی اعلام نموده و از سال ۱۳۲۵ به

این طرف همه ساله در آن روز به یاد نجات آذربایجان و اعاده حق حاکمیت ما بر آن

خطه جشن می‌گیرد و به عقیده من نه تنها ایرانیان باید پیوسته به یاد این روز باشند بلکه تمام ملل جهان نیز بایستی این واقعه تاریخی را بخاطر سپرده و فراموش ننمایند.»

سپهبد امیراحمدی وزیر جنگ پس از اشغال تمامی آذربایجان از طرف قوای مرکز این گزارش را به نخست‌وزیر فرستاد:

وزارت جنگ

مستقیم فوری

شماره ۲۰۳۲۸

به تاریخ ۱۳۲۵/۹/۳۰

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر

محترماً به عرض می‌رساند طبق گزارشات واصله کلیه خطوط مرز ایران از ماکو تا آستارا توسط قوای نظامی اشغال گردید ولی برای آنکه مراقبت و دقت این خط مرز و حفظ استقلال مرزی ایران کاملاً مراعات گردد توجه به نکات زیر بسیار ضروری و لازم است.

۱- اعزام افراد نگهبانی - چه تاکنون فقط ۷۰ نفر در آستارا، ۱۵۰ نفر در اردبیل، ۳۰۰ نفر نگهبان در تبریز بیش نیست که با این قسمت به هیچ وجه برقراری پاسگاههای مرزی مقدور نبوده و اقل بایستی یک هنگ کامل نگهبانی برای این منظور اعزام گردد تا افراد نظامی را که در پاسگاههای مرزی هستند تعویض و پاسگاههای نگهبانی برقرار شود.

۲- کلانتر مرزبان لازم برای تمام نقاط مرزی بایستی اعزام شود که تاکنون اقدامی نشده است.

۳- راجع به مسائل مرزی نکته بسیار حساس وضعیت ماجراجویان است که آزاد از مرز ایران عبور و به خاک شوروی رفته و حتی تمام اموال و هستی مردم را غارت و با خود برده‌اند. مثلاً در آستارا پس از غارت کامل همه اهالی به خاک آستارای شوروی رفته در آنجا می‌باشند.

با بودن این اشخاص در مجاورت مرز همیشه تهدید مرز ایران باقی و بایستی فوری معمول شود که کلیه این اشخاص را از مجاورت مرز دور و طبق مقررات بین‌المللی با آنها معامله کرده چه در غیر این حال همه این نقاط مرزی یک کانون تحریک و تجمع اشرار بر ضد دولت و حکومت ایران بوده و ممکن است پیش‌آمدهای سوئی و اتفاقات ناگواری روی دهد. وزیر جنگ - سپهبد امیراحمدی (امضا) در حاشیه این مطالب نوشته شده:

«قرائت شد و مقرر گردید آقای همایون جواب تهیه فرمائید (امضا) منشی هیئت [وزیران] ۲/۱۰/۲۵»

«اداره دفتر محرمانه، دایره دوم سیاسی. در این مسائل اقدام شده پرونده را ملاحظه اگر [...] داشته باشد تکمیل و از جریان اقدام در پاسخ این نامه وزارت جنگ را مستحضر دارید. ۴/۱۰/۲۵.»

«در اداره دوم سیاسی دیده شد راجع به فراریان و اموال منهبه اقدام شده است. راجع به جاده یک و دو باید اقدام شود. اداره امور مرزی ملاحظه و به وزارت کشور مرقوم خواهند فرمود. ۵/۱۰/۲۵»

فصل سیزدهم

یک سال تسلط دموکراتها بر آذربایجان

در دوران حکومت یک ساله پیشه‌وری و فرقه دموکرات آذربایجان که از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ ادامه داشت امری که بیش از هر چیز آذربایجانیان حساس و میهن پرست را رنج می‌داد مشاهده چهره‌های بیگانگان در تمام شئون زندگی آذربایجان بود. در کوچه و بازار فدائیان و سربازان به لباس سربازان بیگانه ملبس بودند و اکثر افسران آنها را مهاجرین و افسران فراری تشکیل می‌دادند. در ادارات دولتی فرماندهان اغلب ناشناس بودند... مردم آذربایجان آشکارا می‌دیدند که مشتی مزدور بیگانه و ماجراجو بنام وی پرچم آزادی برافراشته هر آن به مقدسات ملی و سنن و آداب و حتی دین و آئین وی اهانت می‌کنند. هستی و نیستی و دارائی و عرض و ناموسش را به باد غارت داده دستخوش هوا و هوس خود می‌کنند. از کشتن و زجر و تبعید و توقیف و مصادره اموال ابائی نداشتند و بیرحمانه هر مخالفی را که در سر راه خود می‌دیدند به قتل می‌رسانیدند. برای نمونه این کشتار وحشیانه به این سند توجه شود:

وزارت کشور

اداره انتظامات

جناب اشرف آقای نخست‌وزیر

«رونوشت تلگرام شماره ۱۲۳ مورخ ۴/۶/۲۶ شعبه تلگراف راه آهن در میانه

دائر به کشف غاری در یک کیلومتری میانه که مملو از اجساد افسران و سربازان و

ژاندارمهایی می‌باشد که به وسیله عمال فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ اعدام شده‌اند برای استحضار عالی تقدیم می‌دارد وزیر کشور
متن تلگرام به این قرار است:

ریاست محترم قسمت ارتباط بنگاه. رونوشت ریاست ارتباط ناحیه شمال غرب. گزارش روز ۲۶/۶/۳ در چند کیلومتری ایستگاه میانه کنار رودخانه غاری کشف شد که پر از اجساد افسران و سربازان و ژاندارمها و اشخاص متفرقه حتی بچه نیز می‌باشد که به وسیله عمال فرقه دموکرات در سال ۱۳۲۴ در ایستگاه میانه بودند اعدام شده و در این محل ریخته شده‌اند. با اینکه اکثر آنها را آب برده معینا موضوع به قدری رقت آور می‌باشد که توجه مقامات مربوطه دولتی را به خود جلب کرده است. برای استحضار خاطر عالی گزارشاً معروض گردید. ۱۳۳ - ۲۶/۶/۴ - تل میانه - مشکین خط»

در نتیجه فعالیت دموکراتها و قیام مسلحانه علیه دولت مرکزی، همچنین اقدامات دولت برای بسط قدرت خود در آذربایجان طبق آماری که در دست است قریب ۱۲۵۰۰ نفر مقتول و مفقود و یا نابود شده‌اند. چنانکه دولت و ملت ایران در حادثه شهریور ماه ۱۳۲۰ شاید یک دهم این تعداد را تلفات نداد.

در خصوص نحوه رفتار وحشیانه ماجراجویان کسانی که خود ناظر و شاهد بوده‌اند حکایت‌های وحشتناک نوشته‌اند که قلم از شرح آن عاجز است که ما در اینجا برای نمونه یکی از آنها را که در شماره ۲۰ مورخ پنجشنبه ۹ آبان ۱۳۲۵ در روزنامه آتش درج شده است می‌آوریم:

در آذربایجان قبرستان آزادی چه می‌گذرد از یک نامه جانگداز خصوصی

«... من هیچ امید ندارم که این نامه بدست تو برسد زیرا که سانسور شدیدی در اینجا حکمفرماست کلیه نامه‌ها را به شدت سانسور و بازدید می‌کنند تا مبادا کوچکترین خبر و اطلاعی از ناراضایتی و زجر و شکنجه مردم به خارج پراکنده گردد. خدا نکند که این نامه را مأمورین مربوطه بدست آورند آنوقت است که نویسنده بخت برگشته نگویند بخت را توسط دژخیمان به دادگاه محلی جلب و تحت بازجوئی و بازپرسی قاضی محل یا واضحتر بگویم دژخیم دادگاه قرار می‌گیرد و خدا داند چه سرنوشت

شومی را برای صاحب آن تدارک خواهند دید ولی بی پروا بدون هیچگونه بیم و هراسی این نامه را برای تو می فرستم تا از جنایات و خونریزی این موجودات شقی و خونخوار که آثار سبعیت و خونخواری از وجنات آنها مشهود و هویداست آگاه شوی. تصور می کنی که پس از مرگ «ممل» [اسم مستعار پسر نویسنده نامه] زندگی برای من ارزشی ندارد. خیر! به فرض اینکه مرا هم دستگیر نمودند چه خواهد شد؟ بگذار این آدم کشان قسی القلب یکی دیگر بر تعداد جنایات خویش بیفزایند راستی اسم «ممل» را بردم آخرین روزی که تو وی را دیدی موقعی بود که هنوز این درندگان به سرزمین ما پای ننهاده بودند ولی از چندی پیش به این طرف زمزمه شورش در افواه پیچیده بود و همه می دانستند که این شورش و تحریک از کجا سرچشمه گرفته است و بدست چه اشخاصی مجهول الهویه اجرا خواهد شد. آن روز را به خاطر داری که چگونه «ممل» روی خامی و سادگی نسبت به این عده اظهار خوشبینی می نمود و می گفت که اینها به هیچ وجه خیال سونی ندارند تنها می خواهند نهال آزادی را که چندیست بر اثر عدم مراقبت هیئت حاکمه خشکیده مجدداً از نو آبیاری و بارور سازند. بیچاره «ممل» چه اندیشه خام و چه تصور باطلی راستی تو تا چه اندازه ساده و خوشبین بودی و تصور نمی کردی که خودت هم قربانی سیاست ترور و رعب انگیز این آدم کشان خواهی شد. ممل راستی نفهمیدم تو را به جرم چی کشتند. مگر تو به راستی گناهی مرتکب شده بودی که خطایت را آن گونه با گلوله های گرم پاداش گفته. مگر گناه تو جز این بود که با اندیشه و افکار پلید و ننگین آنها مخالفت می کردی و از همکاری با آنان احتراز و اجتناب می جستی؟ آیا مگر اینها جز تعمیم آزادی و بسط و توسعه دموکراسی منظور دیگری نیز داشتند که ترا آن گونه به جرم آزادی عقیده محو و نابود ساختند.

راستی ای آزادی چه خونها که این جانیان قسی القلب به نام تو ریختند و چه جنایتها که به اسم تو مرتکب نشدند؟

تو می خواهی بدانی که تبریز عزیز که آن هنگام فارغ البال و آزاد قدم زنان در خیابانهایش به تفرج مشغول بودیم چگونه است. گوش کن اینک به جای آن آرامش و آسایش وحشت و رعب و دهشت حکومت می کند.

نمی دانم آیا کتاب رنگین کمان را که یکنفر روسی درباره جنایات و

تبهکاری‌های آلمانهای نازی در اوکراین نگاشته است خوانده‌ای یا خیر؟ در هر حال بدان که عین آن جنایات و همان ماجراها و وضعیت در اینجا مصداق پیدا کرده است. تنها با این تفاوت که در اینجا تمام خونریزی‌ها در تحت لوای پرچم مقدس آزادی صورت می‌گیرد. راستی ای آزادی!..

ای کاش می‌دانستی که این جانیان برای اجرای مقاصد و عقاید و افکار خود از هیچ جنابیتی روگردان نیستند و جواب مخالفین خود را چگونه با گلوله و سرنیزه می‌دهند. گویا منطق و استدلال در قاموس این‌ها جز گلوله مفهوم دیگری ندارد، تو تصور می‌کنی که این مردم صبور و بردبار و غیور و زحمت کش اینجا که اینک زیر سلطه قدرت و سرنیزه و چکمه این آدمکشان دوران زجر و شکنجه طاقت فرسا را طی می‌کنند انتقام خویش را فراموش کرده‌اند؟ خیر!

آن روز که ما انتقام خون کسان و خویشان خود را از این جنایتکاران بازخواهیم ستاند چندان دور نیست. به امید آن روز... خدا حافظ...»

دموکراتها نه تنها در تمام شئون زندگی آذربایجان دخالت کرده سعی و کوشش داشتند طبق مرام و مسلک و مأموریت سیاسی که داشتند مردم آذربایجان را به رنگ خود درآورند نسبت به دین و ایمان آنان بی تفاوت نمانده درصدد برآمدند به دین مقدس اسلام تجاوز کرده تیشه به ریشه آن بزنند. اسماعیل رائین فرستاده مخصوص روزنامه آتش در مصاحبه‌ای که با یکی از روحانیان آذربایجان می‌کند این نکته را نیز روشن می‌کند:

مصاحبه با حاج میرزا حبیب آقا مجتهد

از روحانیون مشهور آذربایجان - مبارزه دموکراتها با علماء

در کلیه نقاط آذربایجان از جمله کسانی که علناً بدون ترس و واهمه بر علیه متجاسرین قیام و مردم را تهییج می‌نمودند آقایان علماء و وعاظ بودند. مثلاً در مراغه آقای

۱- رنگین کمان تألیف واند اواسیلوسکایا، ترجمه از روسی علی قنبراف، در چه سالی و در کجا چاپ شده است معلوم نیست این کتاب در اختیار نگارنده است. مضامین و تدوین آن به شکل داستان است و جنبه تاریخی ندارد.

فرمان جهاد مقدس

این اشخاص کثیف دیوسیرت که بنام فرقه دموکرات از پشت کوه قاف دستور میگیرند و اکنون بر آذربایجان عزیز حکومت میکنند و عربده میکشند غارتگران و آدمکشان رذل و کلاش و اوباش و قلاش بی سرو پا و بی دینی هستند که منکر وجود خداوند بزرگ عزوجل هستند و دین نمی شناسند و ناموس نمیفهمند.

تمام علماء بزرگ شیعه و مراجع تقلید فرمان جهاد علیه آنان داده اند این فرمان خداوند بزرگ است جهاد است و جانشینان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم شما مردم شرافتمند مسلمان را بدان امر میدهند که وطن خود را از بی دینی و کفر نجات دهید.

حاج میرحبيب آقا مجتهد رسماً در بالای منبر و در اجتماعات عمومی مردم را به عدم دخول در فرقه دموکرات دعوت می‌نموده حکایت می‌کند وقتی رعیتی از ایشان اجازه دخول در فرقه می‌نماید به او در حضور اهالی مراغه گفته اگر وارد فرقه شوی مثل اینست که با دختر خود در خانه کعبه... کرده باشی و روز عید فطر امسال یکتفر از اعضاء فرقه را که رؤیت هلال را به ایشان اطلاع داده بود با کتک از نزد خود راندند.

اینک مصاحبای را که با معظم‌له نموده‌ام عیناً درج می‌شود:

س - دموکرات‌ها چه اشخاصی بودند؟

ج - اینها از یک مشت اراذل و اوباش و جمعی گرسنه و بیکاره تشکیل می‌شدند و عده‌ای هم شرور و نماشاجی به دورشان جمع شده بودند و در تمام اوقات عمر منحوسشان کوچکترین عمل مفیدی از آنها سر نزده بود.

س - نسبت به مذهب اسلام چه نظری داشتند؟

ج - یگانه نظر و هدف آنها مبارزه با دین اسلام بود منتها چون نمی‌خواستند یکباره علناً نظریه خود را ابراز کنند تصمیم گرفته بودند به تدریج بر علیه خداپرستی و دین مقدس اسلام مبارزه و اساساً آنها منکر وجود خدا بوده و جمله (الله نه دمک) هدف عالی آنها بود... اینها همیشه سعی می‌کردند طبقه روشنفکران را از خود دور نموده و نسبت به من که یکی از علماء مذهبی بودم دشمنی خاصی داشتند...

به همین دلایل بود که پیشه‌وری و دوستان وفادار وی هرچه تلاش و کوشش کردند در مدت یک‌سال حکومت خود نتوانستند برای خود جایی در دل آذربایجانی‌ها باز کنند و از حمایت و اکثریت آذربایجانیان برخوردار گردند.

نمی‌توان کتمان کرد که آذربایجانیان حساس در آن موقع بحرانی و اشغال کشور به وسیله ارتش‌های اجنبی و گرانی اوراق و کم‌یابی خواربار از عدم توجه دولتهای وقت گله داشتند و بحق یا ناحق معتقد بودند دولت مرکزی به آنان توجه ندارند. ولی آنها هرگز حاضر نبودند به خاطر این گله‌ها و شکایات کوچک تن به پستی داده به جدا شدن آذربایجان از ایران صحنه بگذارند. آنها اگر از دولت مرکزی گله داشتند می‌خواستند امور تمام کشور اصلاح شود نه اینکه حساب خود را از سایر برادران جدا کرده یوغ بندگی اجنبی‌پرستان را به گردن بگذارند. آذربایجانی هرگز حاضر نبوده زیر بار سنگین و شکننده این خیانت بزرگ برود و با افرادی که خیال جدا کردن

آذربایجان را از ایران دارند باطناً و قلباً همکاری و اعمال آنها را صحنه گذارد. کما اینکه در شهریور ۱۳۲۵ قبل از رسیدن ارتش خود آذربایجانیها به حساب خائنین رسیده عده زیادی از آنها را دستگیر و محاکمه و اعدام کردند و لکه این ننگ را از صفحه تاریخ آذربایجان شستند.

فرقه دموکرات آذربایجان از روز اول تشکیل و انتشار بیانیه معروف خود دو موضوع مهم را اساس نهضت خود قرار داده بود:

خودمختاری استان آذربایجان رسمیت دادن زبان ترکی در این استان

هدف اول یعنی خودمختاری آذربایجان مقدمه‌ای بود بر اینکه آذربایجان را از سایر نقاط کشور جدا نموده به تدریج تحت نفوذ دیگران قرار دهند.

موضوع دوم یعنی طرد زبان فارسی از آذربایجان وارد کردن لطمه شدیدی به ملیت آذربایجانی و جدا کردن آن از سایر نقاط کشور بود که جهت وصول به هدف اول طبق یک نقشه حساب شده در مرامنامه حزب گنجانیده شده بود.

موضوع تغییرزبان از جمله مسائل مهمی است که ضروری بنظر می‌رسد بیشتر در اطراف آن بحث شود. دانشمند فقید اقبال آشتیانی که از فضلای زمان خود بود در مجله یادگار در زیرعنوان «زبان ترکی در آذربایجان بحث مفصلی کرده که لازم دانستیم عین آن را در اینجا نقل نماییم:

«قلیل مدتی است که باز نغمه ناسازی به بهانه تقویت روز رسمیت دادن زبان ترکی در آذربایجان توسط عده معدودی ماجراجو شروع شده و در گوش هر ایرانی ایران‌پرستی تولید انزجار و اشمئزاز کرده است.

این جنبش مصنوعی که سلسله جنابان آن خوشبختانه از چندتن مغرض تجاوز نمی‌کند و روح عامه مردم از ایشان و از نهضت دروغیشان بیزار است مانند کلیه جنبشهایی که برای خیانت به ایران یا تجزیه یا تضعیف مرکزیت آن تاکنون به ظهور رسیده ریشه و اساسش در خارج از کشور ماست و تخمی نیست که ایرانی پاکزاد آن را کاشته باشد چه خاک پاک ایران به شهادت سوابق تاریخی خود نمی‌تواند منبت این گونه تخمهای فاسد و محل رشد این شجره خبیثه باشد...

قومی که شب و روز ذکر و فکرش با نقل داستانهای پهلوانی رستم و فتوحات پادشاهان هخامنشی و ساسانی و کشورگشائی‌های سلطان محمود و شاه‌عباس و نادر تقویت شده‌ومی‌شود و یاد امثال شاه سلطان حسین صفوی و فتحعلیشاه قاجار را با نفرت و انزجار در خاطر دارد چگونه العیاذبالله به خاطرش می‌گذرد که یک قطعه عزیز از پیکر وطنش به بهانه استقلال زبان از سایر اجزاء آن بریده شود و خود او در کار این مثله کردن عامل باشد و روحاً و جسماً احساس هیچ درد و المی نکند.

تصور این حالت برای هیچ موجود زنده‌ی حی حس و غیرتمندی ممکن نیست مگر اینکه از هرگونه نجابت و اصالت و شرافت عاری باشد و در این صورت این چنین بد زندگی مرده به!

باری پیش‌ماو. پیش هرکسی که ذهنش آلوده به اغراض خاص نباشد بدیهی و مسلم است که مایه اصلی این نغمه شوم همان خواب و خیال‌پردازیهای چهل سال پیش مبلغین اتحاد ترکی جوانان ترک عثمانی و گشادبازیهای سی سال قبل مساواتچیان باکو است که امروز به شکلی دیگر و به منظوری خطرناکتر ظاهر شده و شعبه دیگری از آن به اسم استقلال کرد در یک گوشه دیگر ایران سروصدائی برپا کرده است.

از برادران آذربایجانی و کرد ما کسانی که مطلعند البته فریفته این نواها که کوک کنندگان سازهای آن در بیرون از مرزهای ایران نشسته‌اند، نمی‌شوند و از ایشان کسانی که ساده‌دل و بیخبرند باید بدانند که این قصه عین همان قصه سید و ملا و عامی مثنوی است.

توطئه کنندگان اول رشته اتحاد بین طوایف مختلف ایرانی را به نیرنگ و افسون از هم می‌گسلند سپس یک یک را در کام حرص و آز خود فرو می‌برند ما وقتی ممکن است به این نیرنگ و افسون پی ببریم که کار از کار گذشته باشد و تدارک مافات امکان‌پذیر نگردد.

اگرچه صاحبان این گونه آراء ملعونه که مسبوق به سوابق غرض آلودند پای‌بند هیچگونه حساب و دلیل نیستند لیکن برای رفع سوءتفاهم از ساده‌لوحانی که ممکن است فریفته تبلیغات این جماعت شوند می‌پرسیم که غرض از علم کردن عنوان زبان ترکی در آذربایجان ایران و ادعای استقلال برای آن در این اوقات چیست؟

آیا مقصود این است که چون امروز بیشتر مردم آذربایجان در محاوره به زبان

ترکی خاصی تکلم می‌کنند از نژاد ایرانی نیستند و هر کس که به ترکی آذربایجانی تکلم می‌کند از نژاد اغوز و از نبیرگان تپانک خان و اوغل غایمیش خاتون است و مستقیماً از شجره مغولان و اتراک پشت دیوارچین و سواحل انهار سلنگاوار خون، متفرع گردیده؟ یا اینکه غرض جماعت مذکور اینست که سرزمین آذربایجان همیشه خاک ترک‌نشین بوده و تیره‌های مختلف نژاد آریائی اگر بر آنجا استیلا و حکومت داشته و در آن کشور سکونت کرده‌اند عارضی و غاصبانه بوده؟

قبل از آنکه به جواب این دو سوال که هر کدام عنوان شود جز سفسطه چیز دیگری نخواهد بود، بپردازیم بر سبیل مقدمه می‌گوئیم که ما بین زبان تکلم یک قوم و نژاد انسانی غالباً هیچ گونه مناسبت و ارتباطی وجود ندارد. چه اقوامی که از نژادهای مختلف هستند یا تیره‌های چند از یک نژاد ممکن است بر اثر اتفاقات تاریخی چندبار تغییرزبان دهند. به همین علت نه می‌توان کلیه اقوامی را که به یک زبان تکلم می‌کنند از یک نژاد واحد دانست نه چند قومی را که به چند زبان جدا از یکدیگر متکلمند هریک را با سیر متکلمین به آن زبانها را از یک نژاد منشعب دانست...

امری که امروز دو قوم را در مرحله تنازع برای بقا و دفاع از هستیهای مادی و معنوی از یکدیگر ممیز و مشخص می‌سازد و هر جا که پای معارضه و تصادم منافع پیش آید آن دو را بدون ملاحظه زبان و نژاد و مذهب به جنگ و جدال و خونریزی و کشتار وامی‌دارد عنوان مبهم نژاد یا بستگیهای لغوی و مذهبی نیست بلکه چیزی است که به آن «ملیت» می‌گویند.

جماعتی از سکنه یک قسمت از زمین را یک ملت مخصوص می‌خوانند که صرفنظر از اختلافات نژادی و زبانی و دینی و در یک تاریخ مشترک و یک سلسله عادات و اخلاق پای‌بند باشند و منافع مادی و معنوی ایشان یکی باشد. برای این قبیل ملتها دشمن کسی است که بخواهد عادات و اخلاق مشترکه این مردم را از میان بردارد. و به منافع مادی و معنوی ایشان لطمه بزند و از استقلال و آزادی آن جماعت در تعقیب و آمال و آرزوهای ملی ایشان جلوگیری نماید ولو اینکه این دشمن در دین یا در اصل نژاد با آنان مشترک باشد یا به همان زبان ایشان تکلم کند...

همانطور که در مطالعه هریک از مؤسسات انسانی و شئون زندگانی حالیه اقوام باید قبلاً سابقه دور و دراز آن را تحت نظر گرفت و بدون این تحقیق هیچ وقت از مشاهده

حال حاضر در هیچ باب حکمی قطعی نداد علمای السنه و معرفت نژادها نیز در تحقیق علایق نژادی دو قوم با اقوام چند با یکدیگر این کار را از قدیمترین ازمینه تاریخی شروع می کنند و فریب وضع کنونی زبان متکلمین را که معلول عللی تاریخی و بر اثر تفرق و مهاجرت اقوام و استیلاهای بیگانگان و غیره هرچند مدت معروض تغییر و تبدیل است، نمی خورند. بلکه می گویند که در ازمینه قدیمه یعنی ایامی که اختلاف زبانها به این اندازه نرسیده بود و اقوام کمتر از جایی به جایی به شکل مهاجرت یا استیلای نظامی یا تمدنی منتقل شده بودند زبانهای سکنه یک ناحیه جغرافیائی به قدری به یکدیگر شباهت داشته که در حقیقت یکی بوده و مظهر تجسم یک نوع اداره و یک قسم تمدن به شمار می رفتند. در حفظ آثار این اتحاد زبانی و لغوی اعلام جغرافیائی یک سرزمین، یعنی اسامی شهرها و کوهها و رودخانهها و دره های آن بیشتر اهمیت دارد تا ساکنین آن سرزمین. چه انسان به سهولت ممکن است تحت تاثیر عامل تفنن یا مقتضیات تاریخی یا مهاجرت تغییر زبان دهد. در صورتیکه وضع اعلام جغرافیائی چنین نیست بلکه در حفظ آثار مذکوره حال تصلب و ثباتی در آنها مشاهده می شود که در هیچیک از عوامل دیگر بنظر نرسیده است. امروز یک مقدار از روی همین اصول است که دانشمندان به کشف بعضی از حقایق تاریخی و وقایعی که درباره آنها اسناد کتبی در دست نیست، مثل کشف سکنه اولیه فلان نقطه و خط سیر فلان تمدن از محلی به محل دیگر موفق آمده اند.

با این مقدمات که ذکر کردیم اگر باز هم بعضی از سفسطه کاران بخواهند بگویند که آذربایجان از قدیم ترک نشین بوده و نژاد آریائی یعنی متکلمین به زبانهای ایرانی موقتاً و تصادفاً بر آنجا استیلا یافته اند، اگرچه این طرز بیان ادعائی مغرضانه بیش نخواهد بود و باز می پرسیم که در اسامی نواحی و شهرها و کوهها و انهار آذربایجان (جز معدودی که طی قرون اخیر تغییر نام یافته و بحث ما در باب اکثر آنهاست و حکم به اغلبیت است) کدامیک منشاء و اصلی ترکی که قدیمی نیز باشد، دارند...

اما موضوع مهمی که مقصود ما در اینجا بحث در آن است و غرض و سفسطه چندتن هرزه درایان نیز ظاهراً به آن موضوع توجه خاصی دارند، مسئله زبان ترکی است که امروز زبان محاوره قسمت اعظم از ایرانیان آذربایجان است و همان را هم همین جماعت نشانه ترک نژاد بودن این مردم قلمداد می کنند.

اگر بنا باشد که هر کس را که در آذربایجان امروزی به ترکی تکلم می کند بنا

به منطق غلط جوانان ترک یا مقلدین ایشان ترک نژاد محسوب داریم، نمی‌دانم با این همه سادات طباطبائی و علوی و حسنی و حسینی و رضوی که در آذربایجان ساکنند و به ترکی تکلم می‌کنند و در صحت سیادت واصل و نسب آنان نیز شبهه‌ای نمی‌رود، چه معامله‌ای باید کرد؟ آیا سفسطه‌کاران این جماعت را هم ترک‌نژاد و العیاذبالله از بازماندگان و چنگیز و هولاکو می‌دانند؟ یا اخلاف میرزاها و مستوفیان آشتیانی و فراهانی و تفرشی و کرکانی را که در دوره وزارت میرزا بزرگ قائم مقام اول و میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی و امارت میرزاتقی خان امیر به آذربایجان مهاجرت کرده و امروز در شهرهای مختلفه این ناحیه ساکن و به ترکی متکلمند با علم به احوال اصل و نسب ایشان باید ترک محسوب داشت؟ همین حال وجود دارد برای ساکنین اصلی آذربایجان که اکثر ایشان از بقایای خانواده‌های بسیار قدیمی ایرانند و به جرأت می‌توان گفت که ذره‌ای خون غری و مغولی یا ترکمنی در آنان نیست. اگر نظر به یک مشت بازماندگان اتباع مهاجمین غز و مغول و تیموری و ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلوست باید متوجه بود که این جماعت معدود همیشه در میان عنصر غالب ایرانی مستحیل بوده و هروقت هم به دولت و دستگاهی رسیده‌اند مروج ادبیات و زبان فارسی و مشوق خطوط خوش و صنایع مستظرفه ایرانی شده و استادان و هنرمندان این قوم و شعرا و نویسندگان این زبان را با احترام به دور خود گرد آورده‌اند و هیچکدام از آنان از ترک و ترکی صحبتی نکرده و این ادعائی را که امروز جمع معدودی به نام ایشان ظاهر می‌سازند هیچوقت نداشته‌اند...

در زیر پای خود درهم فرو خواهد مالید و هرگز نخواهد گذاشت که همزبانان قطران و شیخ شبستری لعبت شیرین خود را از دست بدهند و با شکسته‌بسته‌های ترکمانان اظهار ذوق و عرض هنر کنند. تمام امید ما در جلوگیری از این مفسده به مردم با فوق و وطن‌دوست آذربایجانی است و یقین داریم که ایشان بهتر از هر کس سوعنیت مبلغین این افکار شوم را دریافته‌اند... این امید در ما قوی است و اطمینان داریم که روزگار هم که همیشه حق را بر باطل غالب می‌خواهد قدرت خود را در این مرحله ظاهر خواهد ساخت. به صبر کوش تو ای دل که حق رها نکند چنین عزیز بنگینی به دست اهرمنی نصایح این محقق دانشمند و استاد فرزانه که با سوز دل توأم و با احساسات میهن‌پرستانه آمیخته شده بود ناچار نباید در دل سنگ مشتی اجانب و اوباش بی‌وطن اثر

کند و چون طوطی باید نغمه شوم اربابان خود را سر داده مجری سیاست آنان باشند بنابراین با جدّه هرچه تمامتر در ریشه کن کردن زبان فارسی در آذربایجان دامن همت به کمر بستند و چنانکه دیدیم یکی از شرایطی که در تهران به دولت پیشنهاد کردند تغییر زبان فارسی به ترکی و به رسمیت شناختن آن بود. به همین مناسبت ترویج زبان ترکی در آذربایجان شروع شد. از آغاز حکومت پیشه‌وری دستور داده شد مکاتبات ادارات زبان شعر و ادب در آذربایجان همیشه فارسی دری یعنی همان زبان رودکی و فردوسی و حافظ و سعدی و زبان تکلم مردم فارسی آذری یعنی لهجه‌ای قریب به لهجه تانی (لهجه مردم طالش و اران) و شبیه به گیلکی بوده و سخن‌سرایان بزرگ آذربایجان مثل قطران و شیخ محمود شبستری و خواجه همام‌الدین و شیخ صفی‌الدین اردبیلی و سیدقاسم انوار همه به زبان شیرین دری شعر گفته‌اند... و اگر هم میان خود تکلم می‌کرده‌اند به فارسی آذری بوده است... مضحک و عجیب نیست که جمعی مغرض یا بی‌خبر آن را زبان مادری مردم آذربایجان بگویند و عامه را به آن دعوت کنند که آن را به جای فارسی رسمی نمایند. اگر کسی از عقل و ذوق نصیبی داشته باشد در معامله و مبادله هیچوقت در و گهر را به خر مهره و خرف برابر نمی‌سازد... و در پی لغت ناقصی که وسیله تکلم ترکمانان غارتگر و بیابانگرد بوده و شعر و ادبیاتی که دنیا بی‌پسندد ندارد، نمی‌رود. به خصوص که این زبان ثانوی زبانی خارجی است و به اجداد و نژاد او تعلق نداشته و بر او تحمیل شده است.

مردم ایران دوست و غیرتمند آذربایجان البته این حقایق را می‌دانند و یقین است که هیچوقت دم سرد مشتی نیره‌دل که یا در پی هوی و هوسی. کود گانه برخاسته یا به ساز دیگران به رقص آمده‌اند در خاطر پرجوش و خروش ایشان اثر نخواهد کرد. ایرانی مدبر و هنرمند و با ذوق به طول زمان سخت‌ترین و صلب‌ترین وحشیان و بدویانی را که به زور کثرت عدد و قوت اسلحه بر این سرزمین استیلا یافته‌اند در تمدن و آداب و زبان و شعر صنایع ظریفه خود مستحیل کرده‌اند... حال اگر جماعتی پیدا شده‌اند که ابلهانه می‌خواهند سیر تاریخ را معکوس کنند همان سیر تاریخ ایشان و حرکت مذلوح ایشان را دولتی و دفاتر آنها باید به زبان ترکی باشد، همچنین در ادارات و مدارس به زبان ترکی حرف می‌زدند. در این یک‌سال زبان و ادبیات قفقازی، بر اثر مهاجرت بدون حساب افراد قفقازی به آذربایجان، رواج بیشتر یافته تقریباً جانشین زبان فارسی گردید.

اولین کاری که اولیای وزارت معارف دموکراتها آغاز کردند تهیه متون کتابهای درسی به زبان ترکی بود و این اقدام به سرعت زیاد به وسیله کمیسیونی که یک نفر از طرف وکس (خانه فرهنگی) در آن عضویت داشت، انجام گرفت:

در کتابهایی که از طرف دموکراتها چاپ و منتشر گردید دانش آموزان را با فرهنگ خارجی، حتی در کلاسهای اولیه ابتدائی، آشنا می نمودند. مثلاً در کتابی که برای دانش آموزان کلاس چهارم دبستان نوشته اند در صفحه ۱۴ آن عکس و شرح حال و منتخباتی از اشعار سیدعظیم شیروانی شاعر قفقازی و در صفحه ۱۷ عکس و شرح حال و اشعار علی اکبر صابر طاهرزاده متولد شهر شماخمی و در صفحه ۲۹ عکس و شرح حال و منتخباتی از تولستوی شاعر روسی و در صفحه ۲۴ عکس و شرح حال و نمونه هایی از نوشته های ماکسیم گورکی نوشته شده است و یا در صفحه ۱۲۲ پس از آشنا نمودن نوآموزان کلاس چهارم با اوضاع آذربایجان بلافاصله آذربایجان شوروی (سویت آذربایجانی) را مطرح نموده دو صفحه کتاب را به این موضوع تخصیص دادند.

از شهریور سال ۱۳۲۰ و ورود نیروی بیگانه به ایران دو نوع روزنامه به زبان ترکی در آذربایجان منتشر می شد: روزنامه های یومیه یا هفتگی که از طرف افسران و افراد نیروی سرخ و با وسایل خود آنها در ظاهر برای استفاده سربازان اشغالگر به زبان ترکی چاپ و بین مردم آذربایجان منتشر می گردید. مثل روزنامه «وطن یولوندا» (در راه وطن) که در تبریز منتشر می شد و تمام شهرها و دهات آذربایجان به وسیله ارتش سرخ فرستاده می شد. پادگانهای شوروی در سایر شهرها مثل رضائیه نشریاتی نظیر «وطن یولوندا» چاپ و منتشر می کردند. این روزنامه به قطع کوچک روی کاغذ کاهی خیلی ساده چاپ می شد و صفحات آن پر از مطالب تبلیغاتی بود.

نوع دیگر جرایدی بود که در مدت پنجسال (از شهریور ۱۳۲۰ تا آذر ۱۳۲۵)

یومیه یا هفتگی از طرف آذربایجانیهها در استان به شرح زیر منتشر گردید:

۱- روزنامه (نامه آذربایجان) به مدیریت میرزا علی شبستری که از سال ۱۳۲۰

به مدت چهارسال ابتدا هفتگی بعد یومیه به زبانهای فارسی و ترکی منتشر شد.

۲- روزنامه «ستاره آذربایجان» به مدیریت هلال ناصری چندماه به دو زبان

فارسی و ترکی منتشر شد.

۳- مجله «شفق» از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی (وُکُس) در

- تبریز از سال ۱۳۲۳ به مدت دو سال به زبانهای فارسی و ترکی انتشار یافت.
- ۴- روزنامه «جوانلار» به مدیریت محمد بیریا که بعد وزیر فرهنگ پیشه‌وری گردید در سال ۱۳۲۲ به مدت یک سال به زبان ترکی در تبریز منتشر گردید.
- ۵- نشریه «ادبیات صحیفه سی» (صفحه ادبیات) که در تبریز به تاریخ ۱۳۲۳ به مدت یک سال به زبان ترکی انتشار یافت که اشعار و مقالات شعرای آذربایجان قفقاز در آن چاپ و نشر می‌شد.
- ۶- روزنامه «آزاد ملت» که از طرف میرزاعلی شبستری در سال ۱۳۲۴ یک سال در تبریز به زبان ترکی انتشار یافت.
- ۷- روزنامه «کوشش» که در سال ۱۳۲۵ از طرف مجلس شعرای تبریز فقط دو شماره منتشر گردید.
- ۸- روزنامه «معارف» از طرف اداره فرهنگ آذربایجان در سال ۱۳۲۵ دو شماره چاپ شد.
- ۹- روزنامه «ارومیه» از طرف فرقه دموکرات رضائیه در سال ۱۳۲۴ به مدت یک سال در این شهرستان انتشار یافت.
- ۱۰- روزنامه «جودت» که آن را جودت در اردبیل در سال ۱۳۲۵ تبرکی منتشر می‌کرد.

علاوه بر این جراید و مجلات که به زبان ترکی در مدت اشغال آذربایجان به وسیله بیگانگان منتشر می‌شد، مقامات خارجی نیز تعداد زیادی از کتب و مجلات و مطبوعات ترکی چاپ قفقاز را وارد آذربایجان نموده بین مردم توزیع می‌کردند. بطوریکه در این مدت کوتاه زبان ترکی به لهجه ترکی قفقازی در سرتاسر آذربایجان رواج کامل یافته بود. در این مدت فقط روزنامه «اختر شمال» به مدیریت سیدباقر کتوبی که مردی میهن‌پرست و اصولی بود و روزنامه «فردا» به مدیریت حسینقلی کاتبی وکیل دادگستری گاهگاهی به زبان فارسی در تبریز طبع و نشر می‌شد.

متجاسرین علاوه بر این اقدامات برای تبلیغ جوانان عده‌ای از جوانان آذربایجان متمایل به سیاست دموکراتها را به قفقازیه و بادکوبه فرستادند و نظر داشتند این عده با آشنائی که به زبان ترکی دارند تعلیمات لازمه را فرا گرفته برای انجام مقاصد حزب دموکرات به آذربایجان مراجعت نمایند. عده‌ای از این جوانان را برای فرا گرفتن

تعلیمات نظامی و تشکیل کادر افسری قشون متجاسرین فرستاده بودند. که تعداد آنها را تا ۶۰۰ نفر نوشته‌اند. موضوع دانشجویان اعزامی یکی از مسائل بخرنج و پیچیده وزارت امور خارجه شد که بعداً به استناد اسنادی که از کنسولهای ایران در بادکوبه فرستاده شده مفصلاً بحث خواهیم کرد.^۲

۲- سرزمین زردشت: تألیف علی دهقان، صفحات ۷۴۸ - ۷۵۲ و مصاحبه خصوصی نماینده مرکز پژوهش و نشر فرهنگی سیاسی دوران پهلوی با آقای حسین پاشا امیراحمدی که خود شاهد و ناظر اعمال دموکراتها بوده است.

فصل چهاردهم

سازمان جمهوری آذربایجان نیروهای مسلح - دوائر سیاسی - ادارات^۱ دموکراتها

هنوز هم طرز کار دستگامی که بر آذربایجان ایران از آذر ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ حکومت می کرد و دستورهای فرقه دموکرات را اجرا می نمود جز داستانهای افسانه مانند و رویاهای عجیب و غریب، چیزی از جزئیات آن دستگاه نمی دانند و الفاظه قزلباش، فدائی، آختاریش، وطنداش برای آنان کم و بیش حیرت آور و وهم آور است. برای بالا زدن پرده از این اوهام سازمان یکساله فرقه دموکرات آذربایجان را از جهات قانونی، سیاسی، نظامی از ابتدای شروع بکار در اینجا تشریح می کنیم:

دولت جمهوری آذربایجان - روز چهارشنبه ۲۱ آذر مجلس با کمال سکوت و آرامی به ریاست رفیعی (نظام الدوله) افتتاح یافت و هیئت رئیسه خود را انتخاب کرد و شبستری به ریاست مجلس ملی انتخاب گردید. ضمناً نمایندگان پیشنهاد نمودند که بعد از ظهر هیئت دولت تعیین گردد. در آن روز پیشموری به ریاست دولت معرفی شد و بعد از ظهر کابینه خود را به ترتیب زیر به مجلس ملی معرفی نمود:

- | | |
|----------------|----------------------|
| ۱ - نخست وزیر | سید جعفر پیشموری |
| ۲ - وزیر داخله | دکتر سلام الله جاوید |
| ۳ - وزیر جنگ | جعفر کاویان |

۱ - کتاب مرگ بود و بازگشت هم بود. نجفقلی پسیان، صفحات ۱۲۴ - ۱۴۸

- ۴- وزیر کشاورزی
دکتر مهتاش
- ۵- وزیر فرهنگ
محمد بی‌دیا
- ۶- وزیر بهداری
دکتر اورنگی
- ۷- وزیر دارائی
غلامرضا الهامی
- ۸- وزیر دادگستری
یوسف عظیمیا
- ۹- وزیر پست و تلگراف و تلفون
کبیری
- ۱۰- وزیر تجارت و اقتصاد
رضا رسولی

۱۱- امور وزارت کار را تا تعیین وزیر خود پیشموری عهده‌دار شد.

پس از معرفی کابینه بنابر پیشنهاد مجلس و تصویب و کلاً، زین‌العابدین قیامی به ریاست دیوان تمیز و فریدون ابراهیمی به سمت دادستان آذربایجان منصوب گردیدند.

سازمان حزب دموکرات آذربایجان - فرقه دموکرات آذربایجان دارای تشکیلاتی به نام «کمیته مرکزی فرقه دموکرات» در شهر تبریز و به نام کمیته‌های ولایتی در تمام شهرستانهای آذربایجان و غیره بود. کمیته‌های ولایتی نیز هریک به چندین کمیته محلی تقسیم و هریک از اینها نیز به چندین کمیته حومه تقسیم می‌شد. در قسمتهای نظامی نیز جلسه‌های حزبی دایر بود و افراد و افسران هم در جلسه‌ها حاضر می‌شدند و سخنرانیهائی می‌کردند. در سازمان ارتش به غیر از فرمانده صف یک معاون سیاسی فرمانده هم وجود داشت که بیشتر کارها به دست معاون سیاسی حل می‌شد. بطور کلی افسران سیاسی عموماً اشخاصی بودند که از خارج استخدام شده و غیرعادی بودند.

علاوه بر این سازمانها فرقه دموکرات دارای دبستان و دبیرستان نظام و همچنین دانشکده افسری و آموزشگاه شهربانی نیز بود و اولین فارغ‌التحصیلان دوره اول دانشکده افسری متجاوز از ۲۲۸ نفر بودند که با درجه ستوان دومی و ستوان سومی دانشکده را به اتمام رسانیدند.

آموزشگاهی نیز بنام «کور سیاسی» دایر شد و کسانی که سابقه فعالیت در حزب را داشتند در آنجا پذیرفته می‌شدند کادر اصلی و معنوی ارتش فرقه دموکرات آذربایجان از فدائیان تشکیل می‌شد. فدائیان افراد حزبی بودند که داوطلبانه قبل از سقوط تبریز با فرقه دموکرات آذربایجان همکاری کرده مسلحانه بر ضد نیروهای تأمینیه دولت مرکزی قیام کرده بودند. اگرچه سازمان فدائیان دموکرات به هیچ‌وجه مرتب نبوده نظم

و ترتیب صحیحی نداشت ولی در رأس کار این گروه اغلب مهاجرین تازه وارد حتی مأمورین خارجی دیده می شدند. افراد نیز اغلب از عناصر تبهکار و قسی القلب بودند. فدائیان لباس مخصوص نداشتند و چون در قیام مسلحانه علیه نیروهای دولتی شرکت کرده بودند بیش از سایرین مورد توجه بودند. گروه مسلح مزبور زیر فرمان شخص پیشه‌وری و کمیته‌ای بنام «کمیته فدائی» که به ریاست پیشه‌وری تشکیل می گردید، انجام وظیفه می نمود. ولی بعدها پیشه‌وری از مداخله در کار آنها خودداری کرد. برای رهبری فدائیان از مبرزترین افراد فرقه مانند ژنرال کاویان، ژنرال کبیری و ژنرال دانشیان انتخاب شده بودند. قشون ملی بنام قزلباش که از افراد وظیفه مرکب می شد، تشکیل گردید.

سازمان کلی ارتش متجاسرین - در روز ۲۲ آذر قشون ملی در آذربایجان تشکیل شد و شروع به سربازگیری کرد ولی تا مدت چندماه اداره امور آن در دست فدائیان بود که به طرز چریک خدمت می کردند. افراد روستائی که به طمع غارت جزء فدائیان درآمده بودند از خدمت مرخص شدند و توده اصلی فدائیان نیز از مهاجرین و اشخاص بدسابقه تشکیل می شد. با رسیدن افسران متواری احتیاج به افسران بیگانه کمتر محسوس می شد ولی تا موقعی که ارتش شوروی در ایران بود افسران آن در مواقع لزوم همه گونه کمک فکری و عملی می نمودند.

دموکراتها برای ارتش خود لباس متحدالشکل ارتش شوروی را انتخاب کردند و اصطلاحات واحدها و سربازخانه‌ها را از ارتش ترکیه اقتباس نمودند. مثلاً به گردان «طابور» می گفتند. ارتش دموکراتها تا موقع حضور ارتش شوروی در ایران نظم صحیحی نداشت و دموکراتها امیدوار بودند که شورویها موقع رفتن وسایل زیادی برای آنها خواهند گذاشت. لیکن ارتش شوروی با اینکه در بادی امر وسایل زیادی در اختیار دموکراتها گذاشت ولی از تحویل سلاحهای سنگین خودداری نمود و دموکراتها اجباراً با اسلحه غارتی از لشکر ۳ و اسلحه موجود خود، ارتش خود را سازمان دادند.

ارتش متجاسرین در روزهای آخر ماه آبان و آذر ۱۳۲۵ از واحدهای زیر تشکیل

می شد:

عده‌ای گردان (طابور) پیاده مرکب از ۴ یا ۵ گروهان بدون مسلسل سنگین.

سازمان آنها اصول منظمی نداشت و اساساً قسمتهای مختلف به یکدیگر شبیه نبودند. در

سازمان ارتش متجاسرین هنگ وجودداشت و در محل‌هایی که تیپ بود گردانها تابع تیپ و بقیه گردانها مستقل بودند. در قسمت توپخانه با اینکه متجاسرین بیش از ۴ توپ نداشتند معذک یک هنگ به علاوه یک گردان توپخانه و ۷ آتشبار جداگانه نیز داشتند. مسلسل‌های سنگین در ابتدا بطور کلی یک گردان به اسم گردان مسلسل تشکیل دادند ولی در اواخر که مسلسل‌ها تقسیم شد این گردان منحل گردید. در قسمت سواره‌نظام به غیر از دسته‌های سوار فدائیان یک گردان سوار در تبریز تأسیس شد و جواب آن غالباً از طریق مصادره بدست می‌آمد.

رسته هوایی فرقه دموکرات از سه هواپیما تشکیل می‌شد. این هواپیماها بدون وسایل و مهمات و بدون استفاده بود. ارتش متجاسرین دارای ۶ ارابه جنگی بود که از تیپ رضائیه در آذر ۱۳۲۴ به غنیمت گرفته بودند.

بطور کلی سازمان واحدهای صفی متجاسرین عبارت بود از: گردان سوار، گردان نصرات، گردان باربری، گردان ارتباط و مخابرات، گروهان پاسداری، گردانهای مستقل پیاده ۴ و ۵ و ۷ و ۸، تیپ مراغه، تیپ ارومیه، قسمت هواپیمائی، هنگ توپخانه، گردان مستقل توپخانه، آتشبارهای هفتگانه توپخانه و دژبان شهر تبریز.

تا ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ کادر ارتش متجاسرین عبارت بود از عده‌ای مهاجر که سابقه فنون نظامی داشتند و همچنین سی نفر از افسران متواری و همچنین عده‌ای از درجه‌داران سابق ارتش که با آنها همکاری می‌کردند. فرماندهی صفی واحدها به تدریج به افسران فراری واگذار می‌گردید.

چند هفته پس از نهضت، دانشکده افسری تشکیل شد و دانشجویان پس از چهارماه به درجه ستوان دوم نائل شده به واحدهای مختلف اعزام شدند. بطوریکه از پرونده متجاسرین مستفاد می‌شود سران ارتش دموکرات پس از مدتی به ضعف این کادر و بی‌مصرفی آن پی بردند و درصدد برآمدند کور تکمیلی افتتاح نمایند و این افسران را جداً تحت تعلیم قرار دهند ولی موفق نشدند. مدارس متوسطه و ابتدائی نظام در اوایل آذرماه ۱۳۲۵ تشکیل شد ولی دانش‌آموزان آنها بیش از چند روز فرصت تحصیل نیافتند زیرا با نجات آذربایجان آموزشگاهها به خودی خود منحل شد.

علاوه بر استخدام افسران فراری و درجه‌داران سابق لشکر ۳ و فارغ‌التحصیلان دوره چهارماهه دانشکده افسری ارتش متجاسرین عده دیگری از افسران وظیفه سابق و

بعضی عناصر مشکوک را استخدام نمودند. دموکراتها به افراد غیرنظامی که با ارتش کار می کردند وطنداش می گفتند.

اسلحه ارتش متجاسرین - اسلحه ارتش متجاسرین از چند قسمت ترکیب می شد. قسمتی از آن بطور رسمی و غیررسمی توسط دولت شوروی داده شده بود که شامل چندین هزار قبضه تفنگ برنو با چندین میلیون فشنگ، اتومات های روسی و فشنگ کافی به تعداد قریب به دوهزار قبضه. چندین هزار نارنجک دستی و چندین صد قبضه مسلسل آلمانی.

بطوریکه شایع بود شورویها دوهزار قبضه اسلحه کمری کلت به دموکراتها داده بودند به علاوه تعداد زیادی بطریهائی از مایع مخصوص احتراقی و بطریه های بنزین برای از کار انداختن اربابه های جنگی در اختیار دموکراتها گذاشته شده بود.

بطور کلی ارتش متجاسرین از نظر سلاح انفرادی فوق العاده قوی بود و می توانست ۸۰ الی ۱۰۰ هزار نفر را بسیج نماید و مسلسل سبک و سنگین مأخوذه از لشکر ۳ نیز به حد کافی در اختیار آن بود و وسایل ارتباط و مخابرات را هم به حد مکفی داشتند ولی از لحاظ سلاحهای سنگین ارتش دموکراتها غیر از یک آتشبار توپخانه که از لشکر ۳ باقیمانده بود، چیزی نداشت و از قرار معلوم درصدد بودند که وسایل سنگین و اقلاً دو هنگ توپخانه برای خود فراهم نمایند و مقدمات امر را نیز تهیه دیده بودند. دموکراتها چون کارخانه اسلحه سازی در اختیار نداشتند به همین مناسبت با نهایت عجله درصدد فراهم کردن مقدار زیادی اسلحه از کشورهای خارجی مخصوصاً روسیه و چک اسلواکی بودند که به تهیه قسمتی موفق شدند ولی برای مابقی فرصت نیافتند.

روحیه و طرز فکر افسران و افراد ارتش متجاسرین - چون سران فرقه دموکرات قبل از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ دائماً وعده بهبود زندگانی و ازدیاد درآمد به کلیه کارگران و کارمندان می دادند و قسمتی را هم قبل از نهضت خود به زور عملی کرده بودند، عده زیادی از مردم که دچار فقر و استیصال بودند به این جماعت که پرده خیراندیشی و آزادی خواهی بر روی کارهایشان کشیده بودند، گرویده به این جهت عاملین اصلی امیدوار شده روحیه نسبتاً قوی داشتند. سربازان که خود از طبقه کارگر و کشاورز بودند نیز تحت تأثیر این مواعید قرار گرفته و نسبت به قشون به اصطلاح ملی باوفا بودند. افسران فراری در ابتدا با روحیه ای قوی شروع بکار نموده در ضمن از هیچگونه تبلیغاتی فروگذار نمی کردند. باید

صراحتاً گفت که روحیه ارتش متجاسرین در اواخر سال ۱۳۲۴ و اوایل سال ۱۳۲۵ خیلی خوب بود بطوریکه توانائی آن را داشتند که حتی به بعضی عملیات تعرض دست بزنند. دموکرات‌ها با تدابیر زیر روحیه ارتش را برای اطاعت از منویات خود حاضر نموده بودند:

۱- به آنها تلقین کرده بودند که ارتش ایران یک ارتش غیرملی است و برای مقاصد عده خاصی از آن استفاده می‌شود.

۲- بدرفتاری بعضی از افسران را در گذشته نسبت به واحدها و افراد یادآوری کرده وعده می‌دادند که در ارتش جدید مطابق اصول بسیار برادرانه با آنان رفتار خواهد شد.

۳- در قشون ملی ترقی خیلی سریع خواهد بود (حقیقتاً هم همینطور بود زیرا مثلاً ستوانی در مدت سه ماه دو درجه می‌گرفت).

۴- قشون ملی ایران را فتح خواهد کرد و بر تمام کشور مسلط خواهد شد. علاوه بر این سخنرانیهایی که به وسیله افسران سیاسی ایراد می‌شد افراد را دائماً تحت تأثیر تبلیغ قرار می‌دادند. این وضع تا موقعی که آذربایجان در اشغال ارتش سرخ بود و به هیچ وجه تصور نمی‌رفت ارتش ایران به آنجا راه یابد روز به روز قوی‌تر می‌شد ولی به محض اینکه ارتش شوروی ایران را ترک گفت وضع روحی و طرز فکر افراد عوض شد. البته افسران ارتش متجاسرین اعم از فراریان و محلی‌ها چون از وضع خود راضی بودند و برخلاف انتظار به ترفیعاتی نایل شده بودند به هیچ وجه مایل نبودند سازمان موجود درهم بریزد. ولی بقیه افراد چون از تمام مزایای بی‌بهره مانده بودند به خود حق می‌دادند که راجع به آینده فکر کنند و از طرفی دیگر عده زیادی از اهالی که از دموکراتها مایوس و از طرز عمل آنان و ترور وحشتی ایجاد کردند، بیمناک بودند سربازان را از سستی و پوچی و بی‌اساسی خدمت خود آگاه کرده به آنان گوشزد می‌کردند که در موقع حمله نیروی ارتش ایران آنها قادر به دفاع نخواهند بود و اگر هم فرضاً دفاع کنند و کشته شوند خدمتی به میهن نکرده در راه خیانت کشته شده‌اند. سربازان نیز از وضع نامطلوب موجود به تدریج ناراضی شده ایمان و عقیده خود را بکلی از دست داده بودند و چون افسران این وضع را مشاهده می‌کردند دچار واهمه و اضطراب شده روحیه خود را بیشتر می‌باختند و به سرنوشت خود نگران بودند.

وقتی ارتش شوروی خاک ایران را ترک گفت دموکرات‌ها تصور کردند که بلافاصله ارتش ایران به آذربایجان حمله خواهد کرد. به همین جهت با عده خود که در حدود ۱۰ هزار سرباز قزلباش و ۸ هزار فدائی از آستارا تا سقز خط دفاعی تشکیل دادند. بنابراین مدت قریب به شش ماه ارتش متجاسرین در مواضع خود در حال انتظار بسر بردند و این موضوع بیش از پیش به تخریب روحیه قزلباشها و فدائیان کمک کرد.

عده‌ای از افسران که برای استفاده‌های مادی و آرزوهای پوچ و توخالی در آذربایجان مانده با دموکراتها همکاری کرده بودند با توجه به حقایق مذکور از کرده پشیمان شده به ضعیف ساختن روحیه سربازان شروع کردند. به این ترتیب روحیه سربازان روز به روز خرابتر می‌گردید زیرا بیشتر سربازان که کشاورز بودند می‌دیدند که از تقسیم زمین‌ها و املاک خبری نیست و در عوض حق مالک (اگر آن مالک دشمن دستگاه باشد) دموکراتها به عناوین مختلف مالیاتهایی می‌گیرند و به جیب خود می‌ریزند.

سربازان قزلباش در اواسط سال ۱۳۲۵ بکلی نسبت به دموکراتها بدبین شده آرزو می‌کردند وضع مجدداً به حال اولیه برگردد. نکته‌ای که از همه مهمتر است این است که آذربایجانی تمصب خاصی نسبت به مافوق و رئیس خود دارد. مبلغان حزب دموکرات و افسران سیاسی تصور می‌کردند که اگر از طبقه کشاورز یک نفر را افسر کرده عده‌ای از هم‌طرازان سابق او را به او بسپارند افراد کاملاً راضی خواهند شد. ولی وقتی دیدند که سربازان روحاً از فرماندهان خود که غالباً آنها را افسران قلابی می‌دانستند، متنفرند به اشتباه خود پی برند. کلیه این جریانات روحیه سربازان را از سابق هم خرابتر کرد.

سران ارتش فرقه دموکرات در اواخر کار متوجه ضعف روحیه سربازان شده تصمیم گرفتند با حداکثر امکان از وجود فدائیان استفاده نمایند. ولی فدائیان هم که غالباً از مهاجرین بودند از آینده خود ترسیده بیشتر از سربازان هر لحظه منتظر فرار بودند.

مقررات انضباطی و محاکماتی تا حدی مطابق مقررات ارتش ایران بود ولی موضوع ترور در ارتش متجاسرین نیز وجود داشت چنانکه مخالفین و یا افراد بی‌انضباطی بدون محاکمه ترور و یا تیرباران می‌شدند. جریانات سیاسی بطور کامل در ارتش دخالت داشت. چنانچه اداره اختیاریش (کسب اطلاعات) اگر به افسری یا سربازی مظنون

می‌شد فوراً فرمان دستگیری او داده می‌شد که گاهی هم به اعدام منجر می‌گردید.
ارتش متجاسرین در اواخر کار قریب ۳۰ نفر افسر سیاسی داشت که از سازمان
ارتش شوروی اقتباس شده بود. این افسران دو وظیفه به عهده داشتند.

۱- مراقبت در ادای وظایف داخلی و سیاسی فرمانده و راهنمایی او و کسب
اطلاعات لازم برای اداره اطلاعات و آگاه ساختن فرمانده از جریان امور.

۲- تبلیغات سیاسی افسران و افراد.

این افسران وظیفه داشتند بطور کلی افراد و افسران را نسبت به اصول ملیت
بی‌اعتنا نموده آنها را برای اخذ هرگونه تعلیمات دید آماده نمایند.

امور مالی ارتش متجاسرین بطور کلی در اداره مالیه متمرکز بود، چه امور نقدی
و چه امور مربوط به سرشته‌داری در آن اداره رسیدگی می‌شد. اداره مالیه در کلیه
پادگانها نمایندگی داشت و امور مالی را خود پادگانها اداره می‌کردند. از قرائن چنین
استنباط می‌شود که جریان تهیه و تحویل وسایل خوب بوده و احتیاجات واحدها از
جہات جیره و علیق و مواجب و غیره به خوبی می‌رسیده است.

دموکراتها به امور فنی و باربری فوق‌العاده اهمیت می‌دادند. به همین دلیل برای
خود اداره باربری تشکیل داده وسایل باربری زیادی گرد آورده بودند. در ارتش
متجاسرین بطور قریب ۲۶۰ کامیون و ۳۰ اتومبیل سواری و جیپ سازمانی وجود داشت
و بطور دقیق تعداد ۵۵ دستگاه گاری چهاراسبه و ۳۴ دستگاه گاری دوااسبه و ۴۰ بشکه
آب موجود بود. برای اداره این وسایل یک گردان باربری داشتند که کارگاههای
تعمیراتی مجهز در اختیار آن بود.

نتیجه‌ای که از بررسی سازمان ارتش متجاسرین بدست می‌آید به شرح زیر
خلاصه می‌گردد:

ارتش متجاسرین مرکب از ۶ گردان مستقل و دو تیپ و یک گردان سوار و
قریب یک هنگ واحدهای متفرقه و یک گردان باربری و یک گروهان مخابرات بود و
عده آن طبق آخرین آمار ۱۰۹۳۱ نفر بوده است. اسلحه و ساز و برگ ارتش قابل توجه
بود و بخصوص از حیث تفنگ و نارنجک و خودکارها می‌توانستند ۷۰ هزار نفر را
تجهیز نمایند.

وضع اقتصادی دموکراتها^۲

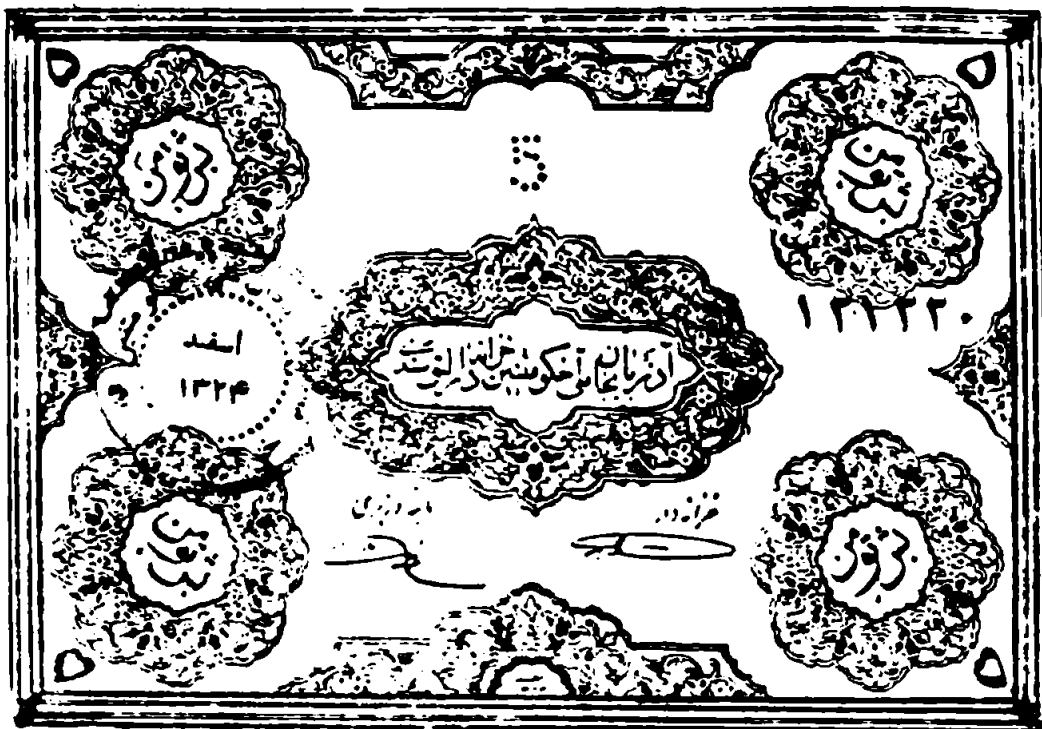
حکومت پیشه‌وری از لحاظ مالی وضع خوبی نداشت. اگرچه تا آن روز ایادی متجاسرین ضمن تبلیغات خود به مردم ساده‌لوح و عوام تلقین کرده بودند که دولت مرکزی عوائد آذربایجان را در استانهای دیگر و تهران به مصرف می‌رسانند و حتی نصف آنچه را که از آذربایجان به عناوین مالیات و غیره بدست می‌آورند صرف عمران و آبادی این استان نمی‌کنند و یکی از تقاضاهای دموکراتها این بود که عوائد آذربایجان باید به مصرف این استان برسد. ولی پس از آنکه با تهران قطع رابطه نموده ادارات مالی و اقتصادی و بانک‌ها را تحویل گرفته به تدریج معلوم شد که عوائد آذربایجان در آن موقع برای رفع نیازمندیهای درجه اول استان و پرداختهای ضروری ادارات دولتی کافی نیست لذا به تدریج از لحاظ مالی و اقتصادی وضع آشفته و بغرنجی در تمام استان پیش آمد. دموکراتها که در ابتدا تصور نمی‌کردند از این لحاظ به زحمت بیفتند برای اصلاح وضع مالی خود هرچه تلاش کردند نتیجه‌ای عایدشان نگردید.

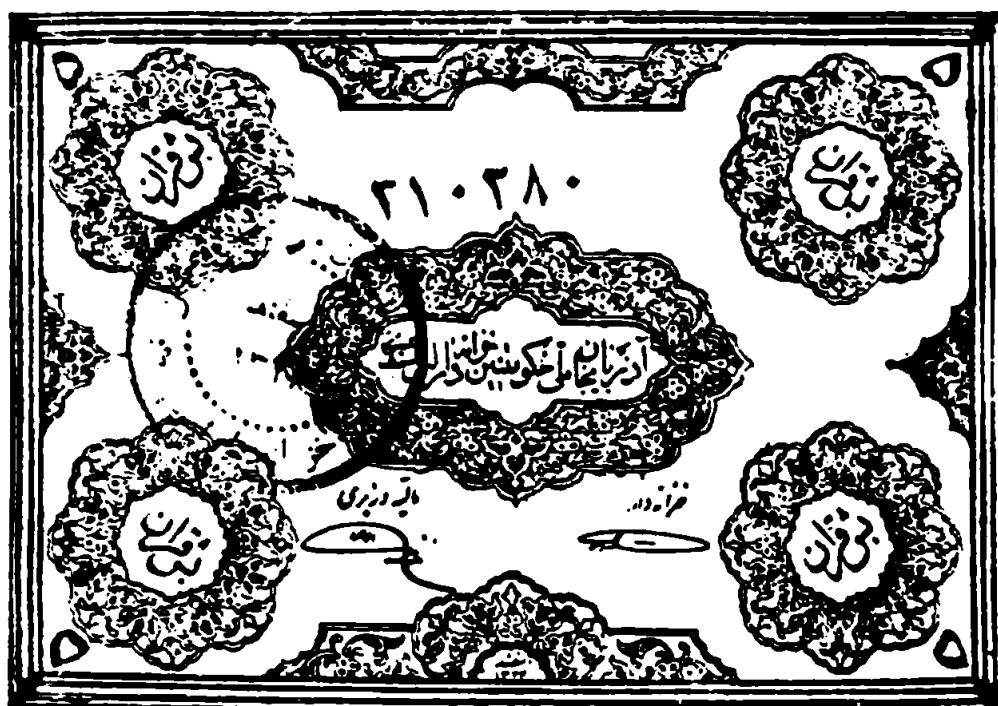
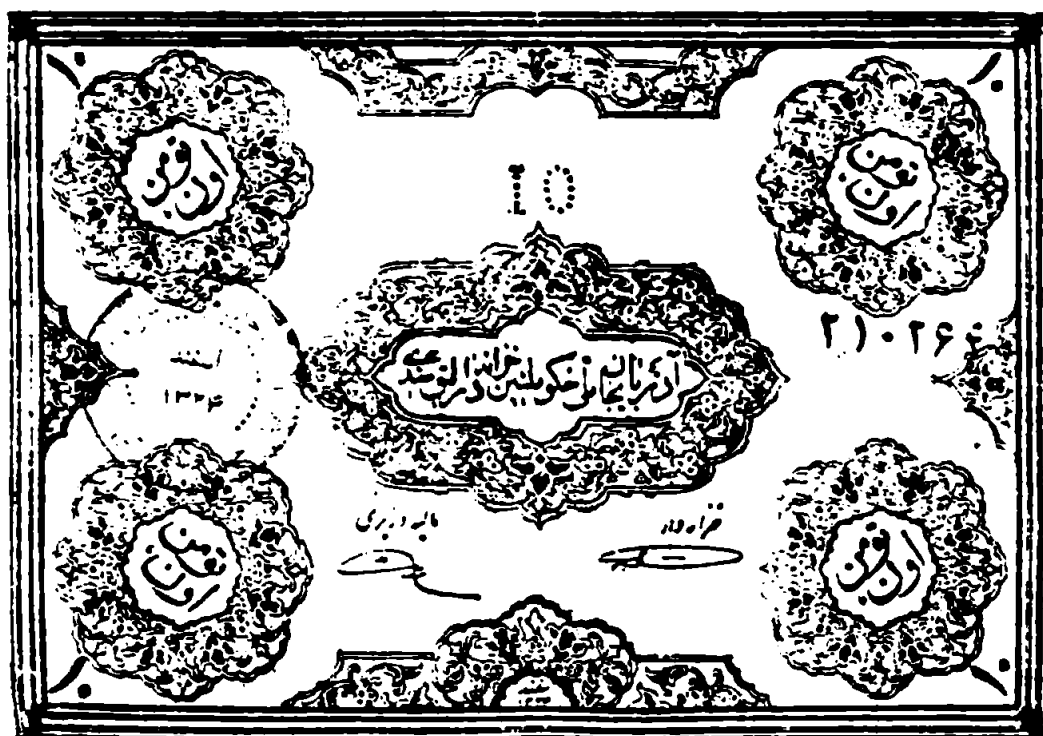
به علت قطع ارتباط با تهران و سایر شهرهای دیگر کشور که در روزهای اول حکومت متجاسرین پیش آمد و پس از باز شدن راهها نیز به علت سختگیریهای شدید دموکراتها به مسافرتین مبادلات اقتصادی با سایر استانها قطع و روز به روز اوضاع اقتصادی بدتر می‌شد. به علاوه در آن یک‌سال اغلب سرمایه‌داران و تجار و مالکین بزرگ هر کدام به نحوی از آذربایجان خارج شده بودند. این موضوع نیز در تشدید آشفته‌گی وضع اقتصادی متجاسرین تأثیر زیادی داشت.

الهامی وزیر دارائی و مغز متفکر اقتصادی حکومت پیشه‌وری بود شب و روز تلاش می‌کرد که بتواند وضع آشفته مالی را سر و سامانی بدهد. اغلب رؤسای بانک‌های تبریز به محض آغاز فتنه به تهران رفته بودند و بعضی از آنان تا حدی که مقدورشان بود موجودی بانکهای خود را به مرکز انتقال داده بودند. پس از تشکیل حکومت پیشه‌وری و اشغال شعبات بانکهای دولتی در آذربایجان، بانک آذربایجان به ریاست کیکاوسی رئیس بانک کشاورزی تبریز تأسیس گردید و تمام امور مالی و اقتصادی دولت آذربایجان در این بانک و شعبات آن در سایر شهرهای آن متمرکز شد.

موجودی بانک آذربایجان برای پرداخت‌های روزانه متجاسرین کافی نبود. پس از قطع رابطه با تهران نیز از مرکز پولی فرستاده نمی‌شد. دموکراتها به فکر چاپ و نشر اسکناس و اوراق مخصوص بهادر افتادند. الهامی وزیر دارائی این فکر را به مرحله عمل و اجرا درآورد و قرار شد که حقوق کارمندان دولتی تا مصارف ادارات دولتی به پول رایج تمام کشور و قسمتی اسکناس آذربایجان داده شود. اگرچه اغلب کارمندان ادارات دولتی با این عمل موافق نبودند ولی جرأت ابراز این مخالفت را نداشتند. لذا مجبور بودند قسمتی از حقوق خود و یا بهای اجناسی را که به دولت می‌فروختند اسکناس آذربایجان قبول کنند.

الهامی اسم اوراق منتشره را «اوراق خزانه» گذاشت و آنها را در چهار نوع منتشر نمود: ده تومانی، پنج تومان، یک تومانی و پنج قرانی در وسط اسکناسها این عبارت چاپ شده بود «آذربایجان ملی حکومتی خزانه دارلیق سندی» (سند خزانه‌داری حکومت ملی آذربایجان) وزیر آن امضای خزانه‌دار و الهامی (مالیه‌وزیری) دیده می‌شد. این اوراق تاریخ اسفند ۱۳۲۴ را داشت و در پشت آنها عبارات زیر به ترکی چاپ شده بود:





مطالبی که پشت اوراق خزانه چاپ شده بود:

۱. آذربایجان ملی حکومتین خزانہ داریتی بوسئین ضامنیدر .

۲. بوسئین در کری تعالینده عموم دولتی مخازنه ردن مال بامین آنیر .

۳. بوسئین جیل ایدر صحرانی محکومه محاکمه و اولوم خزانسه محکوم اولاجاقلار .

اسکناس‌های پنج تومانی ازده تومانی قدری کوچکتر و رنگه کرم بود. عبارات روی آنها بقرار مذکور در فوق با مرکب سبز نوشته شده بود. اسکناس‌های يك تومانی برنگه و پنج ریالی برنگه زرد و بامضاء کوچکتر چاپ شده بود. چون این اوراق خزانه را مردم و کارمندان دولت مجبور بودند در مقابل قسمتی از مطالبات خود بپذیرند بدین ترتیب حکومت آذربایجان بانشر آنها تاحدی از مضيقه مالی خلاص گردید.

۱- خزانه‌داری حکومت ملی آذربایجان ضامن این سند است.

۲- در مقابل ارزش این سند از تمام مغازه‌های دولتی جنس خریداری می‌شود.

۳- اشخاصی که این سند را جعل نمایند در محکمه صحرانی محاکمه و به جزای مرگ محکوم خواهند شد. چون این اوراق خزانه را مردم و اعضای دولت مجبور بودند در مقابل قسمتی از مطالبات خود بپذیرند به این ترتیب حکومت آذربایجان با نشر آنها تاحدی از مضيقه مالی خلاص گردید.

حکومت پیشه‌وری برای جبران مضيقه مالی و اقتصادی خود و برای اینکه از مهاجرت بازرگانان و سرمایه‌داران آذربایجانی جلوگیری نماید اعلام داشت هر کس آذربایجان را ترک گوید اموال و دارائی او به نفع حکومت ملی مصادره خواهد شد. با این حيله املاک و خانه‌های چند نفر از ثروتمندان مصادره و تصاحب شد. در ضمن سرمایه‌داران معروف را که در آذربایجان مانده بودند مجبور کرد کمک‌های مالی قابل ملاحظه‌ای به دولت آذربایجان بنمایند.

دولت متجاسرین برای ثابت نگهداشتن قیمت‌ها و کمک به اقتصاد از هم پاشیده

خود یک مغازه بزرگ شرکت تعاونی (کسوپراتیف) در خیابان پهلوی تبریز تأسیس کرد. این شرکت اجناس را از دست اول تهیه و به قیمت مناسب در اختیار خریداران می گذاشت.

با تمام این اقدامات وضع اقتصادی متجاسرین در مدت یک سال رضایت بخش نبود و مردم از گرانی اجناس و کمیابی آنها در مضیقه و زحمت بودند. اداره سیاسی فرقه دموکرات^۲ - اداره سیاسی فرقه دموکرات آذربایجان جزء تشکیلات شهربانی به شمار می رفت و سازمان اداری نیز جزء سازمان اداری شهربانی آذربایجان بود. ولی در عمل بیشتر با کمیته مرکزی رابطه داشت تا وزارت کشور. شهربانی فرقه دموکرات آذربایجان دوایر چندی است که مهم ترین آنها دایره بازرسی بود و بنام «تفتیش شعبه سی» نامیده می شد. این اداره همیشه با اداره سیاسی شهربانی و اداره مستقل آگاهی «آختاریش اداره سی» مربوط بود و اعضاء آنها با یکدیگر در کلیه امور مربوط همکاری می کردند. منتها ظاهراً دایره بازرسی کمیته مرکزی خود را در کارها کنار می کشید و بنام اینکه سازمان فرقه دخالتی در ادارات دولتی ندارد اغلب رسیدگی به جرایم اشخاص مظنون را به عهده اداره سیاسی و اداره آگاهی محول می داشت و اگر مأمورین بازرسی فرقه نیز تحقیقاتی از اشخاص می کردند محرمانه دستور جلب و رسیدگی مجدد به جرم آنها را در خور صلاحیت هریک به ادارات مزبور صادر می نمود.

اداره سیاسی شهربانی هم به ظاهر جزء شهربانی ولی در عمل همیشه با کمیته مرکزی اشتراک مساعی داشت. ریاست این اداره به عهده یکی از اهالی ماکو بنام عباس پناهی بود. پناهی تا اندازه ای جسور بود و بعضی کارها را تا حد امکان شخصاً انجام می داد. گزارشات اداره سیاسی مستقیماً به امضای شخص وی بدون این که رئیس شهربانی اطلاعی از آن داشته باشد به وزارت کشور فرستاده می شد.

اهالی تبریز از عباس پناهی بی نهایت واهمه داشتند و هر کس به دستور او تحت تعقیب قرار می گرفت می توان گفت که کلیه کسان شخص مورد تعقیب دست از او برمی داشتند و به هیچ وجه به استخلاصش امیدوار نمی شدند. پناهی با یک اتومبیل که در

اختیار داشت اغلب به همراهی یکی از مأمورین درجه‌دار به سراغ اشخاص مظنون می‌رفت و شخصاً او را دستگیر و به زندان تحویل می‌داد. کسانی که به دستور پناهی توقیف بودند و یا در زندان بسر می‌بردند مدت توقیف و حبس آنان نامعلوم بود. دادگستری و غیره هم در قاموس او نبود و هر کس مورد سوءظن واقع می‌شد بدون صدور رأی محکمه و اثبات محکومیت و بدون هرگونه موازین قانونی به میل شخصی پناهی در سیاه‌چال زندان می‌افتاد.

تعداد مأمورین اداره سیاسی معلوم نبود ولی همینقدر می‌توان گفت مأمورین اداره سیاسی در بازار و خیابانها و مساجد و کافه‌ها و رستورانها و مسافرخانه‌ها، خلاصه در همه جا با لباسهای مختلف ظاهر می‌شدند و از حرکات زشت و غرور آنها معلوم بود که مأمورین اداره سیاسی هستند.

مقصود از تشکیل این اداره جلوگیری از اعمال مخالفین فرقه دموکرات و مخالفین شخص پیشه‌وری بود. هر کس علیه فرقه یا پیشه‌وری حرفی بر زبان می‌راند فوری دستگیر و به اتهام مخالفت با حکومت ملی! زندانی می‌گردید.

در اوایل کار یعنی در آن زمانی که هنوز کابینه پیشه‌وری وجود داشت اداره سیاسی در نهایت قدرت به دستگیری مخالفین اقدام می‌کرد و پس از اعمال زجر و شکنجه بسیار پرونده برای آنها تشکیل و به محکمه صحرانی فرستاده می‌شدند.

محکمه صحرانی هم بی‌چون و چرا و بی‌آنکه کسی از جریان محاکمه آگاه شود حکم اعدام متهمین را صادر می‌نمود این احکام بلافاصله به مورد اجرا گذاشته می‌شد. باید گفت که مخالفین کسانی بودند که قبل از تشکیل حکومت پیشه‌وری از امضا بعضی دستورهای فرقه استنکاف کرده بودند. در صورتیکه پس از تشکیل حکومت کسی یارای مخالفت علنی را نداشت. همچنین اغلب از متنفذین محلی با اینکه کاری با فرقه بازی نداشتند به مناسبت نفوذ محلی خود در قاموس دموکراتها جزء مخالفین فرقه به شمار می‌رفتند و کوچکترین رفتار آنها از طرف مأمورین اداره سیاسی تحت نظر و تفتیش قرار می‌گرفت. بخصوص افسرانی که از تهران به آذربایجان رفته بودند لحظه‌ای از تعقیب این مأمورین آسوده نبودند. در هر صورت مأمورین این اداره نیز به انجام وظایف خود در راه ملیت! آذربایجان و نجات ملت! آذربایجان از فقر و فلاکت و بدبختی همت گماشته و به این ترتیب با اذیت و آزار یک مشت بی‌گناه و همچنین

دستگیری یک عده از کسانی که حتی معنای سیاست را نیز درک نکرده بودند، به خدمت خود در راه آزادی! ادامه می‌دادند.

در وقایع آذربایجان طی یک‌ساله که از ۲۱ آذر ۱۳۲۴ تا آذر ۱۳۲۵ ادامه داشت تنها یادگار آن فاجعه برجای ماند خانواده‌های داغدار بی‌سرپرست که عزیزانشان گرفتار پنجه‌های دژخیمان بیرحم شده بود، غارت و چپاول اموال و دارائی مردم، از کارافتادن چرخهای اقتصادی سرزمین زرخیز آذربایجان و شیوع هرج و مرج و ناامنی و فقر و فلاکت مردم آن و گرفتاریهای دولت مرکزی که به جای اینکه بر جراحات زخمهایی که طی دوران جنگ دیده بود، مرهم بگذارد و به نابسامانیها سامان داده بکار مردم رنج‌دیده ایران سر و صورتی بدهد با مشتی ماجراجو و خائن به آب و خاک و مقدسات خود سر و کار پیدا کرده برای از میان برداشتن غائله و سرکوب کردن متجاسرین در داخل و خارج وقت خود را صرف نماید.^۴

۴- قسمتی از فجایع یکساله متجاسرین در آذربایجان

آنچه که در قسمت سیاسی و مالی و طرز حکومت و سازمانهای اداری دموکراتهای آذربایجان در منابع چاپی و اسناد آرشیوی در دسترس و در اختیار بود در سابق متذکر شدیم و راجع به فجایع متجاسرین هم جسته گریخته و بطور اجمال و تذکر مطالبی گفته شد ولی با نام و نشان و محل جنایت کمتر سخن گفته شد. زمانیکه این جانب در تبریز بودم و ریاست دانشگاه را به عهده داشتم (۱۳۲۶ - ۱۳۲۹) روزنامه‌هایی که در آنها از دانشگاه تبریز صحبتی به میان آمده بود به دستم می‌رسید که در آنها مطلبی تحت عنوان «قسمتی از فجایع یکساله متجاسرین در آذربایجان» به میان آمده بود. اینک که به تدوین مسائل آذربایجان در آن زمان پرداخته‌ام برای تکمیل روایات جنایات متجاسرین موقع را غنیمت شمرده به ذکر بعضی از آنها می‌پردازم:

روزنامه تبریز:

شعبه ۲۲ اسفندماه ۱۳۲۶. سال سی و نهم. شماره ۲۰۵

در مراسم اجرای یادبود شهدا در باشگاه افسران لشکر ۳. سرهنگ دولو معاون لشکر ضمن سخنرانی مفصل افسرانی که بدست متجاسرین به قتل رسیده‌اند به این قرار متذکر شد:

سروان شهربانی علی‌اکبر وکیلی.

ستوان ۱ پیاده غیض علی شعی.

ستوان ۱ پیاده امامقلی ضیائی مهر.



سرگرد ظهیر نیا



ستوان دوم علی خادمی



سروان اسدالله امینی



ستوان دوم مجتهدی



سروان خسروی



ستوان یکم مرتضوی

ژاندارم

افسران ارتش ایران که در راه عشق ایران سر دادند

و اسرار به نامحرمان ندادند

موضوع دیگر اینکه دولت و ملت ایران که پیوسته با همسایه شمالی خود اتحاد

→

ستوان ۱ ژاندارم محمد شیخ سلیمی.

ستوان ۱ ژاندارم حسن سرمدی.

ستوان ۱ ژاندارم اصغر داوری.

ستوان ۱ ژاندارم نصرالله اردبیلی.

ستوان ۱ ژاندارم سیدعلی فاطمی.

همردیف ستوان ۱ ژاندارم جواد منجمزاده.

اینک فهرست و اسامی غیرنظامیان در شماره‌های مختلف همین روزنامه «تبریز» زیرعنوان:

«قسمتی از فجایع یکساله متجاسرین در آذربایجان» (بطور خلاصه):

شنبه ۲۲ اسفندماه ۱۳۲۶. سال ۳۹. شماره: ۲۰۵.

در شاهپور:

خلیل فرزند محمدعلی شغل کفایش و مختار بابائی شغل بزاز و چند نفر دهاتی را به بهانه‌هایی دستگیر و پس از شکنجه زیاد زندانی کردند.

عاکف نام چندین مرتبه دستگیر و زندانی و به تبریز اعزام و ااثیه منزل او را غارت کردند.

سر و صورت قاسم نام بقال و محمود نام چوپان و چند نفر دیگر از اهالی شاهپور را سیاه

کرده با آویختن نامه به سینه‌شان در کوچه و بازار گردشی دادند.

گورگین نام مسیحی و یکنفر اهل نازه شهر بوسیله متجاسرین در دیلمقان کهنه زنده بگور

شدند ولی بعد از گور درآوردند و سرانجام معلوم نشد با این دونفر چه کردند.

در نتیجه آزار و اذیت متجاسرین عده‌ای از سکنه شاهپور و اطراف به نقاط دیگر متواری و

از حیث جان و مال و ناموس دچار خساراتی گردیدند و در مدت یکسال تسلط متجاسرین آنچه

توانستند بطور مستقیم و غیرمستقیم شرف و جان و مال مردم را در معرض امیال و هوی و هوس خود

قرار دادند.

تبریز: یک‌شنبه ۲۲ فروردین ماه ۱۳۲۷. سال سی و نهم شماره (۳۲۵)

خمسه:

- صمد مشگینی شکایت دارد غلام یحیی سرده متجاسرین اصغر نام را به قتل رسانیده و

در کلیه جنایاتی که در خمسه به وقوع پیوسته عامل اصلی و آمر بوده است.

- یدالله میرزازاده از متجاسرین در قتل سید اشبل و محمدعلی و علی‌اکبر و شاهرخی و

حسینقلی و ادواردزاساز شرکت داشته است.

- التفات نام از متجاسرین در قتل علی‌اکبر و حسینقلی و شاهرخی شرکت داشته.

- ابوالفضل رئوفی از متجاسرین در اغلب فجایع و قتل و غارت‌ها شرکت نموده.

←

جماهیر شوروی در مناسبات دوستی بسر می‌برد از آن رنجش پیدا کرده آسمان این دوستی را تیره و تار نماید. استالین و زمامداران آن زمان اتحاد جماهیر شوروی آن‌چنان در مناسبات خود با دولت و ملت همسایه دولت بدرفتاری کرده و در رفتار خود دچار اشتباه شدند که نه تنها حسن نیت ملت ایران را نسبت به خود تبدیل به کدورت و رنجش کردند بلکه انتظار جهانیان را به خود معطوف داشته زبان جهانیان را به انتقاد گشودند. به این قضاوت توجه شود.

→

میان: (۲ شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۲۷. سال سی و نهم (شماره ۳۳۹))

- احمد رهنما را در منزلش به قتل رسانده و دارائیش را در حدود ۶۰۰،۰۰۰ ریال غارت کرده‌اند.

- سعید انصاری و احمد آقا یاری را به گناه میهن پرستی به طرز فجیمی کشته و اموالشان را به غارت بردند.

- ستوان یکم انصاری و یک ستوان سوم دیگر از افسران پلیس راه آهن را به جرم انجام وظیفه کشته‌اند.

- در قره فاضلوی کاغذکنان ۳۰ کیلومتری میانه ۹ نفر دیگر از کسانش به گناه مدافعه در مقابل خائنین و بی‌وطنان را تیرباران نمودند (اسامی مقتولین در روزنامه ذکر شده است). عده زیادی دیگر در میانه از اهالی به قتل رسیده‌اند.

گرمرو: (چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۲۷. سال ۳۹ شماره: ۳۴۰)

- پسر مالک قره کوکنچی گرمرو را به همراهی نوکرش رسول صمدی مقتول ساخته‌اند.
- یکنفر واعظ طهرانی را نصرالله پاکدل از عاملین اصلی متجاسرین به طمع اموالش کشته است.

- در حدود ۱۰۰ نفر از اهالی نقاط مختلفه آذربایجان مورد زجر و آزار یک عده خائن بی‌وطن فرار گرفته و بعضی از آنان را نیز کشته و اموال آنها را به یغما برده‌اند.

- پس از قتل سالار مظفر شقاقی و فرزند ۱۶ ساله‌اش در نزدیکی میانه اموالش را بکلی غارت و خانواده‌اش را از هستی ساقط کردند.

جمال‌آباد: (۴ شنبه ۱۲ مرداد ۱۳۲۷ (سال سی و نهم). شماره: ۴۰۲)

اشخاص پائین که کلیتاً مهاجر بودند در زمان متجاسرین نسبت به اهالی قره جمال‌آباد از هیچ نوع تعدی و آزار و شکنجه مضایقه ننموده‌اند الیاس عمران و فرزاندن... و عده دیگر.

خواندنی‌ها

ترجمه نوذری

روزنامه آتش

از استوارت الپ

اشتباهات شورویها در ایران

.....

اولین اشتباه بزرگ و خبط عظیمی که روسیه در موقع توقف خود در ایران ابراز داشت و شاید می‌توان گفت اولین و آخرین بود، زیرا دیگر آنطور که باید نتوانست حیثیت خود را حفظ کند، این بود که در موقع معین طبق قراردادی که خودش امضاء کرده بود، از ایران نیروهایش را بیرون نبرد؛ همین عمل باعث آن شد که عموم از آن دولت روی برگردانند و گذشته از آن شخصیت جهانی آن بطور دیگری تفسیر شود، مخصوصاً در نظر ایرانیها تأثیر بسیار بدی کرده بود.

پس از مدتی مباحثه و مشاجره بالاخره ارتش خود را از ایران به عناوینی بیرون برد ولی در منطقه آذربایجان که اولین هدف تصرفی آنها محسوب می‌شد دست به یک سلسله اقداماتی زدند و به وسیله نمایندگان خود در آنجا مبادرت به عملیات جدیدی کردند. عملیات و تبلیغاتی که در آن منطقه نمودند از حیث کمیت ارزش داشت نه از لحاظ کیفیت زیرا بزرگترین خبط آنها این بود که در آذربایجان در حدود دوهزار نفر ولگرد و طبقه پست بی‌تربیت و بی‌سواد و نادان و خشن را به آن ناحیه سرازیر کردند آن عده هم بدون انضباط و خودسرانه مانند سیل به هر طرف روی آوردند و هر عملی را که خواستند و بدون توجه به عواقب آن، اعمال نمودند و بدون پرده‌پوشی و اختفاء کارهائی کردند که اصولاً نه در آن موقع و نه در مواقع بعد مضمهرثمری نگردید و ساکنین آن نواحی هم دل‌آزرده و از آنها رمیده شدند.

برای اثبات این مدعا بهترین دلیل این که در بین تمام افراد مزبور یک نفر شخص دانا و لایق وجود نداشت که زمام امور آنجا را بدست بگیرد و در بین کلیه آنها فقط یکی دونفر بودند که اصولاً برای این کار تربیت شده بودند که یکی جعفر پیشه‌وری بود که خود را نخست‌وزیر حکومت خیمه‌شب بازی و پوشالی معرفی کرده بود و دیگر دانشیان (غلام یحیی) که فرمانده کل قوای آذربایجان بود.

پیشه‌وری مدت‌های مدید در روسیه زندگانی می‌کرده بود و شوروی او را برای یک‌چنین روزی تربیت کرده بودند. ولی بالاخره او مدعی بود که من ایرانی هستم و در آذربایجان تولد شده‌ام. ولی روسها هنوز بطور قطع و محقق از زادگاه پیشه‌وری اطلاعاتی ندارند و لازم هم نمی‌دانند که به این مطلب پی ببرند. فقط چیزی که از او می‌خواستند این بود که اوامرشان را در آذربایجان به موقع اجرا بگذارد.

روی همین اصل آنها که ناظر جریان فرقه دموکرات بودند اظهار می‌داشتند که هر روز ساعت ۹ صبح اتومبیل نخست‌وزیر آذربایجان (پیشه‌وری) به کنسولگری شوروی در تبریز می‌رفت و پس از کسب دستورهای لازم مجدداً مراجعت و به دارالحکومه خود می‌رفت. همه می‌دانستند که رفتن نخست‌وزیر به کنسولگری شوروی فقط و فقط برای کسب دستورهای جدید می‌باشد. و در کلیه محافل و مجالس فرقه و در تمام متینگ‌هایی که آنها می‌دادند اولین کسی که حضور داشت کنسول شوروی در تبریز بود که با قیافه جدی در صدر مجلس می‌نشست و البته معلوم بود که مأمور چه کاری است.

یک امر قابل توجه این که در آن موقع دستگاه تبلیغاتی پیشه‌وری بسیار بچه‌گانه شروع به کار نموده بود. شاید مطابق مقتضیات محیط اجرا می‌کرد و تقریر حوادث و اوضاع را به آن نحو می‌خواستند به گوش مردم فرو برند. و شاید می‌خواستند قبایل کرد و سران آن طایفه را بطرف خود بکشانند.

در آن موقع عده‌ای از متخصصین سیاست و آنهایی که در امور تبلیغات دست داشتند تصمیم گرفتند که نفوذ روسیه را گذشته از تبلیغات زبانی و روزنامه‌ای به‌وسیله نشان دادن فیلمهای سینمایی توسعه داده روح افراد را تهیج نمایند. و نیز چنین تصمیم گرفته شده بود که آن فیلم‌هایی را باید به‌منصبه تماشای عامه گذاشته شود که مربوط به روزهای اولیه انقلاب بلشویکی و تغییر رژیم روسیه در جنوب آن کشور بوده است...

از نظر تبلیغات روسها راه بسیار خوب و مناسبی رفته بودند. زیرا منظور از همه عروسک‌بازها روی اصل کلی‌تری بود که آنها می‌خواستند به آن مقصود نایل شوند. لیکن در همین مواقع هم دچار اشتباهات و قصوری شدند که بعدها ضررش را دیدند. آنها پیشه‌وری و اتباعش را با اسلحه‌های خود مسلح و مجهز نمودند ولی به یک شرط و آن شرط هم این بود که در مقابل بهای مهمات و اسلحه‌هایی که داده بودند پول نخواست و فقط غله مخصوصاً گندم می‌گرفتند.

آنها گذشته از مهمات و سلاح، کاغذ و ماشین و چاپخانه برای تهیه روزنامه به فرقه دموکرات آذربایجان می‌دادند ولی در مقابل پول نمی‌گرفتند و به جای آن قند و شکر و چای و قماش افراد آذربایجانی را تحویل می‌گرفتند و به شوروی می‌بردند.

روی همین اصول در سراسر آذربایجان مشکل عجیبی که روی اصل بیچاره‌گی، فقر، برهنگی، گرسنگی، نداشتن خوراک و پوشاک به وجود آمده بود... نتیجه آن شد که پس از مدتها زحمت و اعمال سیاست‌ها و کوشش برای نگاهداری منطقه‌ای که بدست آورده بودند و مانند منطقه تسخیر شده کاملاً با خشونت در آن رفتار نموده مردم را گرسنه و برهنه نگاهداشتند بالاخره با یک روز فقط یک روز جنگ رژیم پوشالی و تمام زحمات جمهوری جدیدالتاسیس در ایران از هم پاشیده شد و روسیه حیثیت خود را در دنیا و ایران از دست داد.

در آن موقع... شاه و نخست‌وزیر ایران و تمام دیپلماتها و ناظرین امور سیاسی می‌دانستند آن‌طور که تبلیغ می‌شود فرقه دموکرات آذربایجان چندان قوی نیست ولی بعداً باعث تعجبشان شد که حضور چنین دستگاهی حتی برای مدت چند روز قادر به پایداری نگردید و یکباره از هم پاشیده شد. لازم به تذکر است که تعجب و شگفتی هیچکس به اندازه ایوان سادچیکف سفیر کبیر شوروی در ایران نگردید در آن روزی که از طرف شاه دستور حمله به آذربایجان به ارتش ایران صادر گردید سادچیکف تقاضای ملاقات و تشریف حضور شاه را نمود و به او اطلاع دادند که عصر همانروز شاه ایران اجازه شرفیابی صادر کرده است. پس از آنکه به حضور ملوکانه شرفیاب شد با حرارت و شدت هرچه تمامتر عواقب وخیم اعزام قوای نظامی را به عرض شاه رسانید و تقاضا نمود که هرچه زودتر دستور توقف قوا و مراجعت آنها داده شود. در پاسخ اظهارات سفیر کبیر شوروی شاه تلگرافی از جیب خود درآورده به سادچیکف نشان داد که در آن نوشته شده بود: تبریز انقلاب شده و افراد فرقه دموکرات آذربایجان و حکومت پوشالی آنجا و عروسکهای خیمه‌شب بازی که در دستگاه جمهوری جدیدالتاسیس مشغول خوش رقصی بودند همه از شهرها فرار و به سمت مرز روسیه شوروی روی آور شده‌اند.

در اینجا اولین قسمت نمایش سیاسی که بازیگران آن روسی و ایرانی بودند به پایان رسید و اکنون قسمت دوم نمایش در حال نشان دادن می‌باشد و اگر این مرتبه هم ایرانی بتوانند از خود لیاقت به خرج داده در موقعی که مجلس شورای ملی ایران افتتاح شود با

طرح لایحه اعطاء امتیاز نفت به روسیه شوروی مخالفت کنند و نگذارند دو مرتبه شورویها در قسمت‌های شمالی ایران مبادرت به اقدامات سیاسی و غیره کنند در این صورت موقع وضع سیاسی حکومت ممالک متحده امریکای شمالی همانطور که در قسمت اول نمایش آن‌طور که باید و شاید عرض‌اندام نمود این مرتبه خیلی مهتر و عالی‌تر شده و به مراتب بر منزلت و قدرت آن دولت افزون می‌گردد. گرچه اگر در سال گذشته رهبران حکومت ایران از خود ضعف نفس و سستی به خرج داده بودند امروز دارای استقلال نبودند ولی این هم درست است که اگر در همان موقع پشتیبانی و حمایت حکومت امریکا نبود بطور حتم قادر به اجرای چنین عملی نبودند زیرا سفیر کبیر جوان امریکا ژرژ آلن رل بسیار مهمی در مقابل پیشرفت و توسعه روسیه در ایران بازی کرد.

همانطور که آلن سفیر کبیر امریکا در ایران بارها ابراز داشته است هیچکس مخالف این نیست که روسیه شوروی طبق قراردادی بازرگانی، مناطق نفت‌خیز شمالی ایران را استخراج کنند ولی به یک شرط که جز منظور تجارتی اعمال نظر دیگری نکنند و در این صورت اگر فقط به منظور بهره‌برداری از نفت مبادرت به تقاضای امتیاز کنند به هیچ‌وجه از طرف امریکا مخالفتی ابراز نخواهد شد. ولی به مراتب ثابت شده است که این قبیل کسب امتیازات فقط به منظورهای تجارتی عمل نگردیده و بلکه در زیر نام امتیاز هزاران بازی سیاستی دیگر و اقدامات مخالف پنهان گردیده است و این امتیاز وسیله‌ای برای اجرای آن سیاست‌ها قرار خواهد گرفت و همین رفتار آنها باعث آن خواهد شد که امریکا مجدداً در گوشه دیگری از ایران سر بیرون آورد و در مقابل خلافاکاری‌های طرف خودنمایی نموده بلکه مبادرت به جهت رفع معایب مقاومت‌هایی هم می‌کند. واضح و آشکار است که آن روز عوض نفوذ انگلیس در خاورمیانه امریکا مشغول توسعه نفوذ است زیرا انگلستان قادر به مقاومت در برابر شوروی نیست و روی

۶- به تلگرام محرمانه شماره: ۱۱۴۷ - ۱ / ۶۳۶۳ - ۸۹۱ آلن سفیر کبیر کشورهای متحده امریکا به وزارت امور خارجه این کشور در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۴۷ ساعت ۳ بعدازظهر مراجعه شود به:

همین اصل موافقت شده است که امریکا نقش اول را به عهده بگیرد و تنها مدافع سرزمین وسیع خاورمیانه از نفوذ امپریالیستی و کشورگشائی حریف باشد. و لازم به تذکر است که روسیه با این اصول و روشی که در پیش گرفته و عملیاتی که اخیراً از خود بروز داده است چنین بنظر می‌رسد که قصد دارد حتی‌القوه دامنه کشورگشائی خود را توسعه دهد و روی همین اصول همه متوجه شده‌اند که سیاست شوروی در حال تکوین بوده و باید حتی‌المقدور از توسعه آن جلوگیری کرد.»

بهترین و موثرترین توصیفی را که می‌توان درباره یک‌سال دوران غائله آذربایجان و اثرات شوم آن به قلم آورد باید از زبان شاه ایران در کتاب «مأموریت برای وطنم» شنید:

«قصیه آذربایجان واقعاً یکی از سوانح و اتفاقات تاریخی خاورمیانه دوران معاصر است. زیرا مقاصد روسیه استالین بعد از جنگ اولین بار در آذربایجان ظاهر و برملا شد. آنچه روسیه شوروی در آذربایجان کرد و جزئیات آن در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گرفت دنیای آزاد را تکان داد و نخستین بار مردم مختلف گیتی را به امپریالیسم کمونیستها بیدار و هوشیار ساخت.»

توطئه خودمختار کردن گیلان به وسیله پیشه‌وری

روسها و دست‌نشانده آنها پیشه‌وری به اقدام خائنه و نافرجام خود در آذربایجان اکتفا نکرده درصدد برآمدن گیلان و مازندران را به همین سرنوشت دچار سازد. شرح این واقعه را در روزنامه اطلاعات مورخ شنبه ۱۹ آذر ۱۳۷۳، رجب ۱۴۱۵ - ۱۰ دسامبر ۱۹۹۴ به شماره: ۲۰۳۶۵۰ تحت عنوان «به مناسبت ماه آذر ماه رهائی آذربایجان از قوای بیگانه: توطئه خودمختار کردن گیلان به وسیله پیشه‌وری از طریق نمایندگان احزاب ملی خنثی گردید» به قلم «ناصر نجمی» چنین می‌خوانیم:

«... پیشه‌وری که جای پایش در سال ۱۳۲۴ محکم شده بود بنا به پیشنهاد روسها می‌خواستند یک نهضت انقلابی که به خودمختاری منتهی می‌گردید در گیلان به وجود آورند به همین مناسبت چند واحد از نیروهای خود را در طالش و بندر آستارا متمرکز کردند که از آن دو منطقه به گیلان بتازند. قبلاً زمینه این تاخت و تاز در مازندران و قسمتی از سرزمین گیلان فراهم شده بود و حزب توده که با دموکراتهای

پیشه‌وری از یک آبشخور آب می‌نوشیدند علاوه بر اینکه در اکثر کارخانجات صنعتی تسلط خویش را از طریق اتحادیه‌های کارگری برقرار کرده و مدیران آن مؤسسات را که با نظریاتشان مخالف بودند از قطب‌های صنعتی بیرون انداخته بودند نفوذ و سلطه خود را تا آنجا پیش بردند که با بی‌اعتنایی به مسئولان محلی با گرفتن عوارض و باج از محموله‌های برنج به داخل کشور عملاً بردستگاههای ناتوان نیمه‌دولتی نظارت و گاهی فرمانروائی داشتند. ولی گیلان هنوز از تجاوزات هرج و مرج طلبانه آنان در امان بود و حالا این پیشه‌وری بود که می‌خواست با اعزام قوا به آن خطه دلاورخیز که مردانی نظیر میرزا کوچک‌خان جنگلی را در دامان خود پرورانده بود بنام خودمختاری و نهضت آزادی طلبانه پیش بتازد. این قضیه شوم تجربه خواهانه ناقوس خطر را در تهران به صدا درآورد و چون دولت مرکزی که صدرا لاشراف در رأس آن قرار داشت از عکس‌العمل در برابر چنین نقشه‌ای اظهار ضعف می‌کرد و یکبار هم ستاد ارتش که در رأس آن سرلشکر ارفع قرار داشت قوای کافی برای درهم شکستن قیام تجزیه طلبانه پیشه‌وری پیش فرستاد ولی در شریف آباد قزوین قوای روس جلوی آنها را گرفته بود لذا این بار احزاب ملی از نقشه شوم پیشه‌وری ناگهان تکان سختی خوردند و تصمیم گرفتند که با اعزام نمایندگان خود به رشت و تشکیل جلسات فوری و اقدامات ضروری در برابر توسعه طلبی‌های پیشه‌وری ایستادگی نمایند (این قضیه در اواسط سال ۱۳۲۴ اتفاق افتاد) قابل ذکر است که دولت مرکزی که ستاد ارتش به جای صدرا لاشراف وارد عرصه مبارزه با جناحها و اقدامات پیشه‌وری شده بود ولی نفوذ و حیطة اقتدار آن نقطه تا سه فرسنگی جاده کرج و در محلی بنام کاروانسرا سنگی بود که نظامیان ارفع به دستور او تحت پوشش چند گردان سرباز بر سر راه کرج سدی به وجود آورده بودند تا به کنترل مسافرانی که به شمال می‌رفتند و احتمال آن می‌رفت عوامل حزب توده و یا پیشه‌وری در میان‌شان باشد دست یازیدند.

به هر تقدیر احزاب ملی که عبارت بودند از حزب میهن، حزب آزادیخواه گیلان، حزب جنگل به رهبری اسماعیل جنگلی و صالح مظفرزاده نماینده مجلس از گیلان و دوست و هم‌رزم میرزا کوچک‌خان جنگلی و ابراهیم فخرائی، نویسنده کتاب «سردار جنگل» متفقاً در رشت گرد هم آمدند. از حزب میهن که از ائتلاف حزب استقلال عبدالقدیر آزاد و حزب پیکار به وجود آمده بود. نگارنده این سطور [ناصر

نجمی] و آقای دکتر دانش و ناصرالدین موسوی دبیر حزب میهن در گیلان در جلساتی که در رشت بخاطر اتخاذ تصمیمهایی به منظور عقب راندن قوای پیشه‌وری در مرزهای گیلان تشکیل شده بود، شرکت داشتند. جلسات در یک مکان مخفی که دور از چشم مأموران ستاد ارتش ارفع بود، برگزار گردید که صالح مظفرزاده آن را اداره می‌کرد، مظفرزاده که در رشت نفوذ فراوان داشت به اتفاق میرزا اسماعیل جنگلی خواهرزاده کوچک خان و ابراهیم فخرائی قبلاً مقامات محلی دولتی را زیر نفوذ خود داشتند و انجمن‌های ایالتی و ولایتی را که یکی از خواسته‌های پیشه‌وری بود، عملی کرده و از بقایای عناصر مبارز جنگلی در آن انجمن افرادی را که مورد اعتمادشان بود، وارد کرده بودند..

جلسات نمایندگان احزاب مدت یک‌ماه هر شب تشکیل می‌شد و از طرف نمایندگان پیشنهادهایی برای وادار کردن پیشه‌وری به منظور صدور دستور عقب‌نشینی قوای او ارائه می‌کردند تا اینکه پس از توافقی که در مورد تنظیم قطع‌نامه حاصل شد، قطع‌نامه هیئت نمایندگان مبنی بر عملی شدن نهضت آزادی خطه گیلان و طرد عناصر نامطلوب دولتی از آن استان تنظیم و به امضای کلیه نمایندگان برای پیشه‌وری به تبریز مخابره شد. پیشه‌وری وقتی در پای قطع‌نامه امضای افراد شاخصی چون مرحوم صالح مظفرزاده که از اعتبارنامه در مجلس چهاردهم دفاع حادی کرده بود و نیز ابراهیم فخرائی و اسماعیل جنگلی و مدنی رهبر حزب آزادی‌خواهان را مشاهده کرد که با همه آنها در نهضت و قیام کوچک جنگلی دوست بود. از آن استقبال کرده پس از ارسال تلگراف تبریکی به نمایندگان احزاب که بالاخره توفیق یافتند نهضت آزادی گیلان را عملی نمایند نیروهای خود را از طالش و صدر آستارا وادار به عقب‌نشینی نمود، به این ترتیب خطری که از طرف فرقه دموکرات به پشتیبانی قوای شوروی در مرزهای گیلان برای حمله استقرار یافته بود مرتفع گردید.

فصل پانزدهم

فرار پیشه‌وری و سران فرقه دموکرات و سرانجام آنان^۱

با ورود پیشتازان ارتش ایران به خطه آذربایجان و با قیام دلیرانه مردان شجاع آذربایجان پیشه‌وری و سران فرقه دموکرات چون چاره را ناچار می‌بینند تازه درک می‌کنند شعاری را که سرلوحه فدائیان خود کرده به آنان تلقین کرده بودند که «مرگ هست باز گشت نیست» در برابر برق سرنیزه‌های افراد ارتش ایران و چشمهای آتشین مردمانی که مدت یک‌سال در زیر چکمه‌های آنان دست و پا می‌زدند، معنای خود را تغییر داده است با خود گفتند «مرگ هست باز گشت هم هست» و با همین شعار چون موجوداتی ناتوان و درمانده شبانه راه گریز را پیش گرفته برای بدست آوردن پناهی بسوی خانه امید خود، یعنی آن طرف مرز ایران رهسپار شدند. شرح فرار این دسته خائن را از گزارش منوچهر نیک‌پی مدیر کل گمرک و سایر افراد ناظر و شاهد وقایع وقت بشنویم:

وزارت دارانی
اداره کل گمرک

تاریخ: ۱۳۲۹/۲/۲۹

شماره: ۵۹۶۸

وزارت امور خارجه

پاسخ نامه شماره ۵۶۴۷ مورخ ۲۵/۱۱/۱۰ محرمانه به قراری که اداره گمرک

جلفا گزارش داده است روز ۹/۲۰ [آذر] ۲۴ ساعت ۱۴ معاون کنسولگری شوروی وارد جلفا شده و پس از ملاقات با مأمورین مرزی شوروی به سمت تبریز مراجعت می‌نماید. ساعت ۱۸ همان روز در حدود ۱۰۰ کامیون ااثیه و قالیه‌های پرقیمت و مقدار زیادی خواربار و ۴ اتومبیل سواری و ۳۵ جیب و ۸ اتوبوس حامل سران دموکرات از قبیل ژنرال کاویان - میلاتیان - ملافتحعلی - مهندس آذری و افسران فراری از مشهد و خانواده‌شان به جلفا می‌رسند و روی پل جمع می‌شوند. ساعت ۲۲ و نیم پیشه‌وری رهبر کل دموکراتها با خانواده‌اش رسیده و یکسره با همراهانش که در حدود صد نفر می‌شوند از پل می‌گذرند. ساعت ۱۱ صبح روز ۲۱ آذر غلام یحیی با قیامی و الهامی وارد جلفا شده و پس از مدتی معطلی در جلفای ایران که روسها مانع عبورشان بودند توسط تلفن به وسیله سرهنگ مرتضوی کنسولگری شوروی را خواسته و تقاضا می‌نمایند که فوراً اجازه عبور داده شود. ساعت ۲۱/۱۵ پل از طرف شورویها باز و اجازه عبور کلیه اشخاصی که روی پل جمع شده بودند داده می‌شود و جمع کثیری افسر و مهاجرین فراری با خانواده‌شان به خاک شوروی می‌روند. پل تا ورود ارتش ایران به جلفا یعنی تا ساعت ۴ صبح دوشنبه ۲۵ آذر باز بوده و هرکس از فراریان می‌رسیده است بدون ممانعت از طرف شورویها به خاک شوروی عبور می‌نموده است.

نظر به اینکه در آن روزها هنوز قوای دولتی به جلفا ورود نموده بود و متجاسرین در آنجا تسلط داشته‌اند و کسی را قدرت نزدیک شدن به کامیونهای آنها نبوده است برای مأمورین گمرک تهیه فهرست مورد نظر آن وزارتخانه مقدور نمی‌باشد.

مدیرکل گمرک - منوچهر نیکپی

وزارت جنگ. از طریق ستاد ارتش (رکن ۲) گزارش فرار سران فرقه دموکرات از سیزده نفر از رانندگان سران متجاسرین و ۳ نفر محصل اعزامی به روسیه را که به ایران مراجعت نموده خود شاهد و ناظر فرار و رفتار متجاسرین در حین فرار و اسکان در خاک شوروی بوده‌اند به وزارت امور خارجه گزارش می‌دهد که از جهات مختلف حائز اهمیت است که ذیلاً به ذکر آن می‌پردازیم^۲

ز چاهي که خوردی از او آب پاک
نشد در او افکنی سنک و خاک



قاسمیان مائور هوانی



ستوان سوم انصاری
(باش لئات)

افسران
فراری
و سران

فوقه



سروان جواد ارتیشار



ستوان دوم رحیم پور

دمکرات
آذربایجان

مدعی خواست که آید بتماشا گه راز
دست غیب آمد و بر سینه نامحرم زد



حمید دیامی
(باش لافانت)



ژنرال پناهیان



سروان حبیب خاکزاد
مأمور کماندانی فرقه ده و کرات



علی هنری
(باش لافانت)



ژنرال کاویان وزیر جنک



محمد آگاهی مأزور هوایی

وزارت جنگ

اداره ستاد ارتش

دائرة رکن ۲

۲۶/۱۶۲۵۸/۲۰۲۵۵

به تاریخ ۲۶/۳/۳

پیوست ۹ برگ

وزارت امور خارجه

نه برگ نتیجه تحقیقات معموله از سیزده نفر رهانندگان سران متجاسرین و سه نفر محصلین اعزامی به روسیه که اخیراً مراجعت نموده‌اند به پیوست ایفاد می‌گردد خواهشمند است مقرر فرمایند از نتیجه اقدامات معموله وزارت جنگ را مستحضر سازند.

امضا (ناخوانا)

اینک متن گزارش: [خلاصه آن]

ورود به دفتر محرمانه وزارت امور خارجه

وزارت جنگ

شماره ۱۵۲۰

تاریخ ۲۶/۳/۶

محترماً به عرض می‌رساند

نتیجه تحقیقات معموله از سیزده نفر رانندگان سران متجاسرین و سه نفر محصلین که اخیراً از بادکوبه مراجعت نموده‌اند حاکی است.

۱- الف - اظهارات رانندگان: سیزده نفر رانندگان در اظهارات یکنواخت خود

چنین بیان می‌کنند:

شب ۲۱ آذرماه ۲۵ [۱۳] سران متجاسرین پس از اعلان حکومت نظامی از ساعت ۱۲ شب اقدام به فرار نمودند در حوالی ساعت ۴ بعد از نصف شب به جلفا وارد به محض ورود ماشین‌ها به مرز جلفا مأمورین شوروی در حدود دو ساعت به منظور کسب تکلیف از مقامات مربوطه آنان را با وسایل همراه آنها در مرز نگاهداشته پس اجازه ورود داده ولی پیشه‌وری و ژنرال کاویان و ژنرال پناهیان و چند نفر دیگر از متجاسرین قبلاً به خاک روسیه عزیمت نموده بودند که اجازه ورود سابرین را تسهیل نمایند پس از صدور اجازه عبور کلیه وسایل و فراریان متجاسرین به خاک شوروی وارد

در نزدیکی مرز از خاک شوروی کلیه ماشینها را توقیف آنچه اسلحه متعلق به فدائیان و سربازان متجاسرین در ماشینها و کامیونها موجود بود به وسیله مأمورین شوروی جمع آوری صبح روز ۲۱ آذر ماه ۲۵ غلام یحیی به خاک روسیه وارد کلیه رانندگان را جمع آوری و چون رانندگان اجازه مراجعت به خاک ایران خواسته و اصرار و التماس و داد و فریاد می کردند غلام یحیی در همان محل چهارنفر از رانندگان را که از شناسائی هویت آنان سیزده نفر معروضه اظهار بی اطلاع می نمایند اعدام نموده و بقیه را سوار ماشینها کرده به طرف نخجوان حرکت می دهد و در همان موقع یک تانک ارتش ایران نیز به کاروان فراریان ملحق می شود تانک را در همان محل متوقف نموده رانندگان و محمولات به نخجوان سوق داده می شود پس از ورود به نخجوان رانندگان را در یک محل مجتمعاً سکونت داده چند نفر از مأمورین شوروی آنها را بازدید تذکر می دهند هر کدام حاضر به مراجعت ایران می باشند اسم نویسی نمایند کلیه رانندگان اظهار تمایل به مراجعت نموده در نتیجه همه را زندانی و تهدید می نمایند پس از چند روز پیشه‌وری و سران متجاسرین به باد کوبه اعزام و افسران جزء متجاسرین و عده‌ای از فدائیان را نیز به باد کوبه حرکت می دهند سپس ۲۰ نفر از رانندگان را در نخجوان نگهداشته بقیه را به وسیله کامیون ۲۸ کیلومتر به طرف داخله برده در همان جا پیاده کرده افسران و فدائیان متجاسرین نیز قبلاً در همان محل تمرکز داده شده بودند و به آنها تکلیف می نمایند در هر نقطه و به هر کاری که مایل هستید واگذار شود در همان روزها صادق پادگان معاون پیشه‌وری و ژنرال میلانیان به محل سکونت آنها آمده به آنها تاکید می کنند از ارسال تلگراف و نامه به خانواده‌های خود خودداری و در همان روزها مأمورین شوروی برای انجام کار در (معاون نفت - شهرداری - خط آهن) را در ثانی به آنها تاکید و مجدداً اسامی آنها را ثبت می کنند.

اظهارات رانندگان مزبور حاکی است که نامبردگان مبادرت به فرار نموده به وسیله شنا از رود ارس عبور و خود را به پایگاه ژاندارمری معرفی و به اردبیل اعزام و به تیپ تحویل شده‌اند. ضمناً از مجموع بازجوییهای معموله از رانندگان مطالب زیر استنباط شد.

- ۱- فراریان به خاک شوروی در وهله اول ۱- پیشه‌وری ۲- صادق پادگان ۳-
- الهامی ۴- ژنرال میلانیان ۵- ژنرال پناهیان ۶- سروان جدی ۷- سرهنگ حاتمی ۸-

سروان کارگر ۹- لیوتنان ملک پایور شهربانی متجاسرین ۱۰- ژنرال کاویان و در مرحله دوم ژنرال غلام یحیی ۲- قیامی ۳- ژنرال آذر ۴- سرهنگ محمدی و ۵- [؟] پورفرپور (سروان فراری فرپور) ۶- سروان مجیری (ستوان ۱ فراری مجیری) ۷- سروان توفیقی بوده‌اند.

۲- عده زیادی از فدائیان به علاوه از افسران جزء متجاسرین نیز به خاک شوروی رفته‌اند که از هویت آنان ۱۳ نفر رانندگان بی‌اطلاع هستند.

۳- مقرری روزانه فراریان که اکثراً در حوالی داش برون سکونت داده شده بودند عبارت از روزانه ۵۰۰ گرم نان و مقداری آش می‌باشد با افسران جزء متجاسرین متمکن در داش برون نیز از حیث منزل و خوراک همین معامله می‌شود.

۴- فراریان متجاسرین در دهات شوروی تحت نظر کدخدایان دهات مراقبت می‌شوند.

۵- عده از افسران فراری که زن و بچه و اثاثیه خود را نیز همراه برده بودند بدون اینکه مأمورین شوروی مزاحم اثاثیه آنان باشند در دهات منزل کرده‌اند ولی محل سکونت آنان از سایر متواریان مجزا است.

۶- بنا به اظهار رانندگان به اشخاص عادی فراری در نظر دارند در ادارات (نفت - شهرداری - خط آهن) شغلی ارجاع و افسران را برای تحصیل به دانشکده اعزام فدائیان را تحت تعلیمات نظامی قرار دهند.

۷- دستگاه فرستنده سری بنا به اظهار رانندگان در مردکان نزدیک باکوبه می‌باشد حتی سران متجاسرین به آنها وعده داده بودند به وسیله دستگاه فرستنده سلامتی‌شان را به خانواده‌های آنها اطلاع دهند.

۲- ب - اظهارات سه نفر محصلین اعزام به بادکوبه (قاسم سلطانی - احمد محمدزاده اسکوثی - حسین قناحسینی): سه نفر محصلین مزبور هر کدام پس از ایراد مقدمه مبنی بر اعزام اجباری به بادکوبه چنین بیان می‌نمایند: در ۲۵ فروردین ماه ۲۵ در حدود ۲۷۲ نفر محصل برای اعزام به روسیه به وسیله متجاسرین جمع‌آوری به وسیله ترن باری آنان را به مرز شوروی اعزام در مرز شوروی یک نفر سروان شوروی مأمور بدرقه آنان گردیده پس از سه روز توقف بین راه در نزدیکی بادکوبه محصلین را پیاده نموده با کامیون به دانشکده افسری بادکوبه سوق داده‌اند ضمناً افسران و افراد و اشخاص فراری

زیر در معیت عده فوق اعزام شده‌اند.

۱- ستوان یک هواپیمائی موسوی از افسران فراری ۲- محمد سیف‌الدینی که از تهران با طیاره باشگاه هواپیما فرار کرده بود.

۲- استوار هواپیمائی محمدعلی پیدا که با طیاره از طهران فرار کرده بود ۴- طاهری نام از افراد فراری هواپیمائی ۵- یوسفی نام که با غلام یحیی در زنجان همکاری می‌کرده.

ضمناً قبل از عزیمت تحصیل به نامبردگان تذکر داده بودند در هر رشته که مایل باشند در روسیه به تحصیل گمارده خواهند شد ولی پس از ورود به بادکوبه کلیه آنها را به دانشکده افسری معرفی می‌نمایند.

بنا به اظهارات سه نفر فوق تهیه مقدمات حرکت و انجام کارهای مسافرت محصلین را در تبریز دو نفر افسران شوروی موسوم به سرهنگ اکنجه و سرگرد مرمذی که در ارتش متجاسرین همکاری داشتند عهده‌دار بودند.

پس از ورود محصلین به بادکوبه ۲۶ نفر از آنان را به گنجه اعزام دو نفر از محصلین فوق (محمدزاده اسکونی و سلطانی) نیز جزو این عده بودند در گنجه لباس آنها را با البسه نظامی مبدل پس از ۶ روز شروع به تعلیمات پرواز هواپیمائی نموده محصلین مزبور را ابتدا با طیاره مشقی به تعلیمات وادار سپس به تعلیم دو هواپیمای جنگی موسوم به (ازب - هندوا) پرداخته.

همچنین محصلین باقیمانده دانشکده افسری بادکوبه را به دستجات مختلف تقسیم هر دسته را برای فراگرفتن تعلیمات به یکی از صفوف مختلفه معرفی و تحت تعلیم قرار داده‌اند.

تا اینکه ورود نیروهای ایران به آذربایجان و فرار سران متجاسرین در بادکوبه انعکاس یافته عده‌ای از محصلین ایرانی تقاضای معاودت نموده مورد تهدید مقامات شوروی واقع و چون اصرار در مراجعت داشته وزیر فرهنگ بادکوبه (میرزا ابراهیم اف) و ژنرال آف‌اکیشی رئیس دانشکده آنها را امیدوار ولی در اثر اصرار محصلین کرد اجباراً ۴ نفر محصلین کرد را پس از تهدید زیاد معاودت دادماند و از عده باقیمانده در حدود صدنفر مهاجر و پسران سران متجاسرین چون تمایل به ادامه تحصیل داشتند فعلاً نیز در دانشکده مشغول ضمناً صدنفر دیگر از محصلین ایرانی که اصرار مراجعت داشتند

به نقاط نامعلومی سوق داده شده و تا مراجعت سه نفر محصلین فوق تقریباً مفقودالثر بودند (بنا به اظهار محمدزاده اسکوئی صدنفر محصلین مزبور را در سه نقطه یکی از آن نقاط شاید زادانوف باشد) در حوالی بادکوبه سکونت داده شده‌اند مع‌الوصف معلوم نیست با این عده چه معامله می‌شود به بیگاری و کارگری واداشته‌اند و یا به شکل زندانی تحت مراقبت قرار داده‌اند.

محمدزاده اسکوئی و خلخالی جریان معاودت خودشان را چنین بیان می‌کنند، قبل از اینکه به تعلیمات پرواز دو طیاره جنگی بپردازیم از گنج به بادکوبه آمده جداً مراجعت خود را به خاک ایران خواستار شدیم و با محصلین دیگر که خیال معاودت به ایران را داشتند هم‌آواز شده اصرار زیادی در مراجعت داشتند ولی علیرغم تهدیدات ژنرال آف‌اکیشی اف و افسران روسی به سرکنسولگری دولت شاهنشاهی در بادکوبه متوسل جریان قضیه را مشروحاً بیان نموده تقاضای معاودت می‌نمایند آقای مجد سرکنسول دولت شاهنشاهی با کمال مهربانی آنان را پذیرفته ولی ژنرال آف‌اکیشی اف رئیس دانشکده از جریان امر مطلع پس از تهدید و فحاشی اظهار می‌نماید مراجعت شما به ایران مانعی ندارد ولی مسئول جان شما نخواهیم بود زیرا به محض رسیدن شما را اعدام خواهند کرد معامله‌ای که با محصلین اکراد در ایران شده یعنی آنها را معدوم کرده‌اند با شما نیز خواهد شد چون ما مجدداً اصرار به مراجعت نمودیم بدون پرداخت وجه و هزینه راه اجازه معاودت به ما دادند سرکنسولگری ایران وسیله مراجعت ما را فراهم به وسیله ترن به خاک ایران عودت دادند.

ضمناً... اظهارات سه نفر محصلین فوق در مورد سران فراری متجاسرین حاکی است از سران متجاسرین پیشه‌وری - کاویان - غلام یحیی - الهامی - ژنرال پناهیان - آذر - حاتمی - بیات - سروان جدی - پناهی (رئیس اداره سیاسی متجاسرین) - سرگرد سلیمی و سرگرد اسحقی در بادکوبه دیده شده‌اند. سران و ژنرالهای متجاسرین مورد همه‌گونه محبت و مساعدت مقامات شوروی بوده وسایل راحتی آنان را از حیث منزل و غیره فراهم و اتوموبیلهای شیک که حامل سران متجاسرین بود هنوز تحت اختیار آنان بوده آنچه اثاثیه همراه برده بودند در تحویل و مورد استفاده ژنرالها و سران متجاسرین می‌باشد. تعداد کثیری از فرشهای شرکت فرش که پیشه‌وری و سایرین با خود برده بودند کماکان مورد استفاده آنها بوده و الهامی وزیر دارائی متجاسرین حین فرار مقدار

معتنابهی روغن از ایران برده بود افسران و سران متجاسرین بدون هیچگونه دخالت مقامات شوروی مصرف می‌نمایند.

محل پیشه‌وری را سه نفر محصلین فوق مردکان شمالی چهار کیلومتری بادکوبه اظهار می‌دارند و بنا به اطلاع واصله از محصلین رادیوی سرکی متجاسرین نیز در محل اقامت پیشه‌وری است و رادیوی سرکی متجاسرین در همان محل دایر شده است... طبق اظهار محصلین بی‌ریا وزیر فرهنگ متجاسرین و چشم آذر رئیس تبلیغات و رحیم ولاتی معاون صدر کمیته مرکزی دوماه قبل به خاک شوروی وارد فعلاً محمد بی‌ریا در بادکوبه با تشکیل اداره مشغول رسیدگی به ارجاعات و کارهای فراریان متجاسرین می‌باشد. در مورد فدائیان و سایر متواریان متجاسرین اظهارات محصلین حاکی است که نامبردگان را در نقاط مختلفه بیشتر در دو نقطه (دش برون و میکه چوآور) سکونت داده‌اند ضمناً طبق اظهار قاسم سلطانی در حدود یک‌ماه قبل سی نفر از فدائیان فراری که قصد فرار به خاک ایران را داشتند در نقطه مرزی مورد شلیک سربازان روسی واقع عده‌ای از آنان مقتول و عده‌ای نیز خود را به رودخانه ارس زده غرق شده‌اند (از محل وقوع واقعه مشارالیه اطلاعی ندارد)...

۲۱- بطور کلی غیر از سران و عناصر فعال متجاسرین و ژنرالهای آنها و محصلین مهاجر و محصلین مدرسه پارتیا اشنول که مورد همه گونه محبت و نوازش مقامات شوروی هستند سایرین از وضعیت زندگانی و طرز خوراک خود در خاک روسیه رضایت نداشته و راهی برای مراجعت نیز چون تحت کنترل و مراقبت کامل هستند، ندارند. رئیس رکن ۱ - سرگرد وخشوری.

گزارش‌های دیگری از مجد کنسول ایران در بادکوبه به سفارت کبرای ایران در مسکو:

نمره: ۲۸۹
از بادکوبه
به تاریخ: ۲۵/۱۰/۲

سفارت کبرای ایران

تلگرافی که به وزارت امور خارجه مخابره شده ذیلاً به عرض می‌رساند: در نتیجه

یک سال و نیم فداکاری و جدیت نسبت به وقایع آذربایجان جای آن را داشت در این موقع که مهاجرین و غارتگران از ایران به این طرفها روانه می‌شوند جزئیات به عرض برسد متأسفانه در چنین موقعی دست و بال سرکنسولی بکلی بسته شده است زیرا نزدیک سه ماه است اتوموبیل شکسته از کار افتاده و به هیچ وجه هم قابل مرمت نیست وسیله دیگری هم برای رفت و آمد و دوندگی نیست به هر حال دو روز قبل اطلاع بدست آورد کامیونتهائی مملو از اثاثیه و اشیاء از راه آستارا به بادکوبه وارد و پس از یک توقف در خارج شهر به جانب ایستگاه بالاجاری روانه فوراً یک نفر را به آنجا اعزام معلوم شد جمعاً هشت هزار نفر عده وارد بقیه بین راه هستند بیشتر آنها قفقازی بقیه مهاجرین ایرانی از اهالی آستارا، اردبیل، سراب که سالهای گذشته به ایران روانه شده‌اند به قرار اظهار یکی دونه‌فر از آنها قرار است که عده را به شهر شماخی شیروان بقیه را به روسیه بفرستند، اسلحه آنها در مرز تحویل مأمورین شوروی گردیده است. اول دی ۲۱۹. مجدی»

نمره: ۲۹۷

از بادکوبه

به تاریخ: ۲۵/۱۰/۱۰

سفارت کبرای ایران

تعقیب ۲۱۷ پیشه‌وری و همراهان چند روز است وارد بادکوبه در باغ بیلاقی باقراف با نداشتن اتوموبیل بازجوئی در اطراف رفتار و مراوده آنها برای بنده غیرمقدور است هرگاه اطلاعی از نام همراهان او بدست آورد مجدداً به عرض خواهد رسانید. ۸ دی ۲۲۶. مجدی»

پس از پاک شدن آذربایجان از متجاسرین و عناصر مفسده‌جو از طرف مقامات دولتی شوروی و جراید و رادیوهای مجهول‌الهویه منتسب به فراریان اعتراضاتی مبنی بر عدم تعهدات و سوءرفتار دولت ایران نسبت به دولت و اتباع شوروی و بازگشت متجاسرین به آذربایجان به عمل آمد که نخست‌وزیر به وسیله سفیر ایران در مسکو در رد این اعتراضات دستورهای داد که در زیر متذکر می‌شود:

وزارت امور خارجه

نمره: ۲۹۴

به تاریخ: ۲۵/۱۰/۹

سفارت کبرای ایران

۱۱۷ - چطور آقای سیچف که ایران را می شناسد در این جا کار کرده گفته است ایران دارای نظریات سوء نسبت به اتحاد جماهیر شوروی است و یا نقض وعده طبق تعهدات خود عمل نمی کند. مذاکرات آقای بیات که منتهی به عهد و پیمانی نشده بود و بعداً هم کتباً تکذیب کرد. آقای هزیر از راه کارشکنی اظهار و اقدامی نکرده وقتی مذاکرات به نتیجه مثبت نرسیده باشد البته وزیر نمی تواند در حفظ حقوق مسلم دولت بی قید بماند. پاسخهای شما هم درست بوده است باید سعی کرد در این طور مسائل که بی جهت سوء تفاهات را ضمن مذاکرات مرتفع کرد. در آذربایجان هم رفتار سوئی با اتباع شوروی نشده در این جا هم در این باره مذاکره کردند و پاسخهای لازم داده شده فعلاً کمیسیون اعزامی به تبریز با اطلاع مأمورین شوروی مشغول کشف و حل قضایا و معلوم خواهد شد که نسبت هائی که داده شده است بی اساس است. در وضعیت فعلی آذربایجان سه موضوع قابل توجه واقع شده که در این جا هم مذاکره و مکاتبه کرده بود. در مسکو بایست اقدام جدی بنمائید به نتیجه برسیم اول اشخاصی که مشمول وقایع آذربایجان بوده اند با مقداری اسلحه و اموال و اثاثیه که از دولت و مردم غارت نموده اند از مرزهای جلفا و آستارا که پیشهوری و غلام یحیی نیز جزء آنها بوده اند به خاک شوروی رفته اند اکنون مقامات شوروی به رعایت دوستی و حسن همجواری اموال برده شده را هرچه زودتر به مأمورین انتظامی ایران در مرز تحویل نمایند و فراریان را نیز تحت مراقبت کامل قرار دهند و از مجاورت مرزهای ایران برکنار سازند تا تشریفات استرداد پایان یابد. نکته قابل توجه اینست که مأمورین شوروی که تا روز بیست و چهارم آذرماه پل آستارا را آزاد گذارده و ممانعتی از ورود فراریان به خاک شوروی به عمل نیاورده اند. روز بیست و پنجم آذر پل را مسدود و فراریان را خلع سلاح کرده اند در صورتیکه اجازه ورود آنان به خاک شوروی و توقفشان در ناحیه مرزی از طرف مأمورین دولت دوست همجوار موجب تصدیع مأمورین انتظامی دولت ایران بوده و ممکن است

موجب اختلال انتظامات مرزی گردد. دوم ساعت هفت و نیم بعدازظهر روز شنبه ۳۰ آذرماه از دستگاه فرستنده مجهول روی موج متوسط سیصد و نود و هفت متر به دولت و نیروی اعزامی به تبریز فحاشی و گفته شده است این اوضاع موقتی و ما بازخواهیم گشت. دموکراتهای آذربایجان باید خود را حاضر کنند تا دستور بدهیم و فرستنده مجهول مزبور وعده داده بود ساعت هفت و نیم بعدازظهر اول دی ماه روی همان موج صحبت کند و صحبت هم کرد که در تهران نیز شنیده شد و صدای گوینده به صدای سیدجعفر پیشه‌وری که به خاک شوروی فرار کرده شباهت داشته است. وقتی پیشه‌وری با عده‌ای از همکاران خود به خاک شوروی فرار کرده و فعلاً در آنجا اقامت دارد با یک دستگاه فرستنده این قبیل اظهارات را انتشار داده تبلیغات ضد جریانات داخلی کشور ایران می‌کند با دوستی موجود فی مابین دو کشور وضعیت به دولت ایران حق می‌دهد درخواست کند که مقامات مربوطه دولت شوروی با مراقبت بیشتری نسبت به او و همراهانش نگذارند این قبیل تبلیغات مخالف تکرار گردد تا ترتیب استرداد آنان داده شود. راجع به مطالب مندرجه در قسمت اول و دوم در اینجا هم مذاکره کرده یادداشت فرستاده و هم نامه نوشته‌ایم شما در مسکو اقدام نمائید. سوم تلگراف رسیده از تبریز حاکی است ساعت شانزده روز بیستم آذر کنسول‌یار شوروی به جلفا عزیمت و دستوراتی به پاسگاه مرزی شوروی می‌دهد سپس سر ساعت بیست همان روز پیشه‌وری، کاویان، پادگان، الهامی و مهندس آذر رسیده و بدون ممانعت عبور می‌نمایند بعد مجدداً راه مسدود و تا ساعت دوازده روز بیست و یکم آذر بر اثر اقدامات غلام یحیی مجدداً راه باز می‌شود و هشتاد و پنج کامیون و بیست و پنج سواری، هشت اتوبوس و بیست و پنج جیب و یک ارابه جنگی با اثاثیه‌اش و مهمات و عده قریب به هزارنفر در ظرف دو روز عبور می‌نمایند. پناهیان، میلانیان، رصدی، اعتمادی از این عده بوده‌اند. لازم است اقدامات را در برکناری فراریان از مرز و مذاکرات لازم در جلب موافقت دولت شوروی برای استرداد آنان و اموالی که به غارت بردماند تعقیب نمائید. برای بهانه ندادن به شورویها نه‌تنها در آذربایجان بلکه در همه جا مراقبت‌های لازمه می‌شود آنهم تنها برای بهانه بدست دادن نیست بلکه این جانب اساساً معتقد به حفظ دوستی با اتحاد جماهیر شوروی بوده در اجرای این منظور همیشه (؟) می‌باشد. تلگراف صد و هیجده مورد مطالعه قرار داده شده پراودا یا خیلی بی‌اطلاع مانده است. و یا قضاوت بی‌مورد نموده

است. در وقایع آذربایجان تصمیم قطعی این جانب به مدارا و مسالمت بوده است هر نوع عمل انتقامی ممنوع و هر کس برخلاف انتظامات رفتار ننموده باشد مصون محفوظ خواهد بود در این صورت معلوم نیست چطور پراودا می نویسد صدها نفر دستگیر و جابجا تیرباران شده اند. چپاول و غارتی که از ادارات و موزه شده به دست متجاسرین بوده که کامیون ها را پر کرده از جلفا و آستارا عبور داده اند. مؤسسات شوروی در تبریز هم کاملاً حفاظت شده است غارت و تجاوز به آن مؤسسات بکلی دروغ بوده است. پس از مراجعه سفیر کبیر شوروی در تهران مطالب جزء به جزء از مأمورین انتظامی توضیح خواسته شده صحت آن را تکذیب و شرح توضیحات را برای آقای سفیر کبیر شوروی فرستاد. هیئتی از مأمورین طرف اعتماد به تبریز اعزام داشته ام که وضعیت را تحت نظر گرفته و نسبت به مسائل مورد نظر مقامات شوروی هم رسیدگی نمایند و ضمناً دستور دادم از کنسول شوروی برای گرفتن اطلاعات و کشف حقایق توضیح بخواهند این مطلب را به سفیر کبیر شوروی هم نوشتم که دستور دهند کنسول شوروی در تبریز هر اطلاعی نسبت به جریان وقایع دارد به هیئت اعزامی بدهد که بنابراین تصور هر نوع بی نظمی و بی ترتیبی در آذربایجان بی مورد خواهد بود. ۶ دی ۱۱۶۸. قوام السلطنه».

سرکنسول ایران در بادکوبه وجود فرستنده ای را در بادکوبه بنام رادیوی فرقه دموکرات آذربایجان تأیید کرد:

نمره: ۳۰۹

مورخ: ۲۵/۱۰/۱۸

از بادکوبه

سفارت کبرای ایران

«تلگرافی که به وزارت امور خارجه مخابره شده ذیلاً درج می شود. البته تاکنون از گفتار فرستنده ای بنام رادیوی فرقه دموکرات آذربایجان که در موج متوسط تقریباً سیصد و هشتاد فقره ساعت هفت بعد از ظهر تهران پخش نبود استحضار حاصل فرموده اند این دستگاه را نباید رادیوی سری ماجراجویان در تبریز تصور کرد بلکه در بادکوبه و اقامتگاه پیشموری نصب شده است. سخن گوی ترکی همانست که در تبریز هم اخبار

پخش می‌نمود. گویندگان فارسی از دانشجویان ایرانی باد کوبه متن گفتار به دستور عمل محلی و به قلم خود پیشه‌وری است. هرچند مزخرفات آنها در انظار عالم هیچگونه ارزشی نداشته و اولیای امور هر اقدامی برای از بین بردن کانون فساد که فعلاً به این جا منتقل شده است خواهند فرمود. معیناً شاید به موقع باشد در رادیو تبریز همه روزه آذریابجانیهای میهن‌پرست یعنی کسانی که مدت یک سال مصائب و فشار ماجراجویان را تحمل و به چشم خود انواع فجایع را دیده‌اند گفتار موثری در طرز رفتار آنها منتشر و پاسخهای دندان‌شکن به آنچه مزدوران اجنبی می‌گویند بدهند. ۱۶ دی ۲۵۱۰
مجدی»

مظفر فیروز سفیر ایران در مسکو پس از وصول دستورهای نخست‌وزیر اقدامات خود را در اجرای دستورها چنین گزارش می‌دهد:

نمره: ۳۲۵/۱۲۴

به تاریخ: ۲۵/۱۰/۲۷

جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه - نخست‌وزیر

« ۱۱۶۸ - به منظور اجرای اوامر مبارک مخصوصاً راجع به استرداد اموال غارت شده که متجاسرین همراه خود از ایران به خاک شوروی بردند و همچنین جلوگیری از تبلیغات مخالف دولت به وسیله فرستنده از خاک اتحاد جماهیر شوروی با مقامات مربوطه اینجا سلسله ملاقات و مذاکرات به عمل آمده و استرداد اموال و جلوگیری جدی از تبلیغات مخالف به استناد فصل چهارم قرارداد تأمینیه و بی‌طرفی مورخه اکتبر ۱۹۲۷ خواهان شدم. پس از اینکه متذکر شدم که دولت ایران انتظار مساعدتهائی بیشتر از اتحاد جماهیر شوروی دارد بحث راجع به استقلال و حق حاکمیت ایران به میان آمد متذکر شدم که گاهی دیده می‌شود از ناحیه بیگانگان موضوع استقلال و حق حاکمیت ایران مورد تفسیر است مختلف واقع می‌شود و حال آنکه ملت ایران که هزاران سال سابقه باستانی و استقلال دارد ترجیح می‌دهد موضوع استقلال و حق حاکمیت خود را طبق تشخیص و مصالح خود تفسیر نموده و حفظ نماید و در این موضوع محتاج تفسیرات دیگران نمی‌باشد.

هرقدر تبلیغات عناصر ارتجاعی به منظور اخلاص مناسبات حسنه بین ایران و

شوروی مورد نفرت حضرت اشرف و عموم ایرانیان آزادیخواه می‌باشد دولت و ملت ایران هیچگاه نظری به نقاط خارج از ایران نداشته و ندارد. علاقه و تصمیم راسخ حضرت اشرف و ملت ایران این است که از هر حیث حاکم بر مقدرات خود بوده و در حدود سرحدات قانونی ایران سلطه و اقتدارات دولت و اجرای قانون و نظم و امنیت را تثبیت و حفظ نماید و به همین جهت است که هر نوع تحریکات بر علیه استقلال کشور قابل تحمل نبوده و شرط دوستی مخصوصاً با در نظر گرفتن فصل چهارم قرارداد تأمینیه و بی‌طرفی مورخه ۱۹۲۷ ایجاب می‌کند که دولت اتحاد جماهیر شوروی هم اجازه ندهد خاک خود مرکز اقدامات و تبلیغات بر علیه استقلال ایران گردد و خصوصاً طبق دستور صادره جناب اشرف تصریح کردم که حضرات هشتاد و پنج کامیون، بیست و پنج سواری و هشت اتوبوس، بیست و پنج جیپ و یک اراکه جنگی با اثاثیه و مهمات از اموال غارت شده دولت و مردم همراه خود به اتحاد جماهیر شوروی بردند. اگرچه با ایجاد اشکال که از کجا معلوم است این اموال مال خود آنها نبوده و اینکه دولت ضمن یادداشت‌های خود اشاره به میزان اموال فوق‌العاده نکرده و اینکه باید به مأمورین محلی برای کسب اطلاع از صحت و سقم این جریانات مراجعه نمایند عدم تمایل خود را به استرداد اموال نشان دادند این جانب کلیه اظهارات آنها را رد نموده و استرداد اموال را با جدیت زیاد خواهان گردیدم فقط قبول کردم که چند روز فرصت داده شود تا به مأمورین محلی خود برای کسب اطلاع بیشتر مراجعه نمایند و بالاخره پس از فشار و اصرار زیاد مولوتف وزیر امور خارجه ضمن مذاکرات مفصل با این جانب راجع به کلیه امور مربوطه به روابط مملکتی که در محیط بسیار صمیمانه صورت گرفت قبول تقاضاهای این جانب را اعلام و چند روز است که به سفارت شوروی در تهران دستور داده شد که به اطلاع دولت برساند که اموال فوق‌تحويل و تسلیم دولت ایران خواهد گردید. راجع به رادیو فرستنده به این جانب اطمینان داده شده که از خاک شوروی این اقدامات نمی‌شود ولی در این قسمت این جانب برای حصول نتیجه قطعی به اقدامات خود ادامه خواهم داد.

شرح مذاکرات مهمی که با مولوتف نمودم به وسیله پیک مخصوص و در صورت مساعد بودن هوا حضور مبارک گزارش خواهد شد. فیروز»

اینک جریان مذاکرات مظفر فیروز با مولوتف:

سفارت کبرای ایران

محرمانه

نمره: ۲۸۳۰ مسکو

به تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۴۷

۲۷ دی ۱۳۲۵

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - نخست‌وزیر

نظر به جریانات اخیر آذربایجان و دستور صادره جناب اشرف طی تلگراف شماره ۱۱۶۸ مبنی بر اینکه راجع به استرداد اموال غارت شده که فراریان همراه خود به خاک شوروی بردند و جلوگیری از تبلیغاتی که به وسیله فرستنده از خاک شوروی می‌نمایند اقدامات لازم را به عمل آوردم چنانچه طی تلگراف شماره ۱۳۴ خاطر مبارک را مسبوق نمودم اقدامات لازم به عمل آمده و پس از پافشاری زیاد راجع به استرداد اموال غارت شده به دولت ایران نتیجه مثبت بدست آمد و دستورات لازم به سفارت کبرای شوروی در طهران صادر و ابلاغ گردید که موافقت دولت شوروی را جهت استرداد اموال به دولت ایران ابلاغ نمایند. پس از این اقدامات و چون تصمیم به موافقت به استرداد اموال به مجرد استحضار از پافشاری اینجانب از طرف شخص مولوتف وزیر امور خارجه اتخاذ گردید لازم دانستم مشارالیه را ملاقات و بطور کلی مسائل مربوط به روابط دو کشور را به میان آورده مورد مذاکره قرار دهم بدین جهت به تاریخ ۱۵ ژانویه از وزیر امور خارجه تقاضای وقت ملاقات نموده و برای روز ۱۶ ژانویه ساعت چهار بعدازظهر تعیین وقت شد که به کرملن رفته آقای مولوتف را ملاقات نمایم. ساعت مقرر به کرملن رفته پس از انجام احترامات و تشریفات فوراً از طرف مولوتف با کمال احترام و گرمی پذیرفته شدم و با حضور مترجم به زبان انگلیسی مذاکرات به شرح زیر آغاز گردید.

قبلاً متذکر شدم که موقعی به اتحاد جماهیر شوروی آمدم که ایشان از مسکو غایب و در امریکا بودند و اگرچه در این مدت از ملاقات ایشان در مسکو محروم ماندم ولی همیشه مساعی خستگی‌ناپذیری که به منظور استقرار صلح جهانی در سازمان ملل متفق در امریکا بکار می‌بردند با نهایت توجه و مسرت تعقیب می‌کردم زیرا علمداری ایشان از صلح جهانی به ملل کوچک و ستم‌دیده مثل ایران نوید می‌دهد که می‌توانند به دوره صلح که متضمن حفظ آزادی و استقلال آنها باشد امیدوار باشند تا به تحکیم اصول

دموکراتیک و انجام اصلاحات در سایه صلح و صفا و استفاده از آزادی و استقلال بهره‌مند گردند.

مولوتف جواباً اظهار داشت که بعد از مصائب جنگ کلیه ملل باید به صلح عمومی علاقمند باشند و اظهار داشت که توضیح اینجانب را که ایران علاقمند به استقرار صلح می‌باشد با نهایت مسرت تلقی می‌کند ولی البته باید دولت ایران بداند که تعقیب روش دوستی و صمیمیت نسبت به اتحاد جماهیر شوروی که منطق با اصول همجواری و مقتضیات فعلی دنیا باشد خود یکی از سیاستهای صلح عمومی است:

در جواب گفتم که علاقه ملت ایران به استقرار بهترین روابط حسنه و مودت آمیز با اتحاد جماهیر شوروی محتاج به تشریح و توصیف این جانب نمی‌باشد و اگر در گذشته گاهی تحریکات عمال ارتجاعی مناسبات دو کشور را تیره نموده خوشبختانه از تاریخ تصدی جناب اشرف موجبات تشدید روابط از هر حیث فراهم شده و مخصوصاً تذکر دادم که هیچکس مثل اینجانب شاهد زحمات و مساعی جناب اشرف در راه تحکیم دوستی فیما بین دو کشور نمی‌باشد. منتها هر قدر که دولت و ملت ایران خواهان دوستی و صمیمیت با اتحاد جماهیر شوروی است به همان درجه از دولت و ملت اتحاد جماهیر شوروی توقع مساعدت و احترام به استقلال کشور دارد و اطمینانی که تحریکات عناصر افراطی بنام نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی که میان آنها اکثر عمال ارتجاعی رخنه کرده بودند به دوستی فیما بین دو کشور و انجام اصلاحات داخلی در ایران وارد ساخته توضیح دادم و راجع به نفت [نفت] مجدداً بنام جناب اشرف اطمینان دارم که کلیه تعهدات اجرا خواهد شد و از اینکه در نتیجه تذکرات پی در پی که در این مدت دادم از تقویت عناصر افراطی در انتظار انجام وعده‌ها و اطمینانهای اینجانب خودداری شده تشکر نمودم و راجع به تسریع در استرداد اموال غارت شده و جلوگیری از تبلیغات بر علیه ایران از خاک شوروی تقاضای مساعدت نمودم.

مولوتف در جواب اظهار داشت که سیاست شوروی نسبت به ایران تابع روشی است که دولت ایران نسبت به شوروی تعقیب نماید. بدیهی است که دولت اتحاد جماهیر شوروی کمال دوستی و مساعدت را نسبت به ایران مبذول خواهد داشت و در غیر این صورت نباید توقع دوستی از دولت شوروی داشت. راجع به نفت [نفت] اظهار داشت که دولت شوروی موضوع مزبور را طبق قراردادی که با دولت ایران منعقد نموده

انجام شده می‌داند و اظهار داشت بطوریکه مستحضر هستید در نتیجه تقاضائی که کردید دستور دادم اموال به دولت ایران مسترد گردد. سپس اظهار داشت گلستان سبزی برای روابط آینده میان دو کشور برای من ترسیم نمودید و عبارتی گفت که به روسی که مترجم به این ترتیب ترجمه کرد «که خدا کند که این‌طور باشد که اظهار می‌دارید». در اینجا متذکر شدم که ما در فارسی هم عبارتی داریم که می‌گوئیم «انشاءالله» یعنی اگر خدا بخواهد و مخصوصاً گفتم به مسیو مولوتف انشاءالله را گوشزد نماید. سپس مولوتف اظهار داشت «انشاءالله» و قدری شوخی کردیم و خندیدیم. سپس در جواب اظهارات مولوتف متذکر شدم که سیاست دولت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی روی کمال دوستی و حسن‌نیت استوار می‌باشد و در آینده نیز همین روش دوستی و همکاری تعقیب خواهد شد و البته دوستی باید متقابل باشد و دولت شوروی هم باید مساعی عنصر ملی و وطن‌پرست ایران را به منظور تثبیت استقلال کشور و تحکیم دوستی با شوروی با تقویت کامل و مساعدت لازمه پشتیبانی کند تا فرصت ایراد به عمال ارتجاعی به منظور اخلال روابط بین دو کشور داده نشود. در اینجا موقع را مغتنم شمرده گله‌های لازمه را نمودم راجع به طلای بانک ملی و عدم اجرای تعهد خود طبق پیمان منعقد و تحویل طلاها که پشتوانه اسکناس مملکت است به بانک ملی ایران تذکراتی دادم. سپس موضوع فروش قند از طرف نماینده تجارتي شوروی در بازار سیاه به قیمت گزاف که گاهی از کیلوئی چهل ریال تجاوز می‌کند پیش آورده توضیح دادم که همین قند را دول آنگلو ساکسن با رعایت مقررات کشور در بنادر جنوب ایران از قرار کیلوئی چهار ریال تحویل دولت ایران می‌دهند. راجع به عدم رعایت استقلال گمرکی ایران نیز از طرف مأمورین تجارتي شوروی تذکرات جدی دادم و متذکر شدم که این قبیل جریانات نسبت به دولتی که دوست صمیمی شوروی می‌باشد شایسته نبوده فرصت می‌دهد بدست عناصر ارتجاعی که تجاوزات مزبور را به نحو برجسته تبلیغ و عنوان نمایند و افکار عمومی را نسبت به حسن‌نیت شوروی مشکوک سازند و کار دولت را مشکل نمایند. به مولوتف متذکر شدم که میل دارم روابط تجارتي فیما بین دو کشور روی اساس محکم و پایه متین مستقر شود و برای حصول این مقصود که برای تشدید روابط ضروری می‌باشد آماده همه قسم مذاکره می‌باشم و تقاضای مداخله و مساعدت شخص مولوتف را برای حل این مسائل خواهان گردیدم. در موضوع نفت متذکر شدم که

اظهارات مولوتف که تعیین تکلیف آن طبق قرارداد با دولت ایران تعیین شده البته صحیح است منتها قطعیت قرارداد موکول به تصویب مجلس شورای ملی است و باز بنام جناب اشرف وعده دادم که تعهدات منعقدہ انجام خواهد شد و متذکر شدم که غیر از این جناب اشرف با توجه به جریانات و دسایس ارتجاعی احدی نمیتواند این کار را انجام دهد.

در جواب اظهارات اینجانب مولوتف راجع به موضوع طلا و تاخیر در حل این موضوع اظهار تأسف نمود و وعده داد که جهت تسریع در حل این مسئله اقدام نماید. راجع به مسائل تجارتی و تخلف از مقررات کشور و فروش قند در بازار سیاه و غیره اظهار داشت که اطلاعات کافی ندارد و وعده داد که آن را مورد تحقیق و رسیدگی قرار دهد و بطور کلی جهت حل مسائل معوقه تجارتی وعده مساعدت داد.

سپس این جانب از مولوتف تشکر نموده متذکر شدم که جهت موفقیت در انجام مأموریت و تشیید روابط دوستی بین دو کشور متکی به حسن نیت و مساعدت شخص ایشان می‌باشم و در جواب مولوتف اظهار داشت که در کلیه امور با این جانب مساعدت خواهد شد و دستورات مقتضی هم در این باب صادر گردیده است.

مذاکرات اینجانب با مولوتف که متجاوز از یک ساعت طول کشید و نکات برجسته آن به شرح فوق به عرض رسید با نهایت صمیمیت و گرمی پایان یافت. سفیر کبیر دولت ایران مظفر فیروز.»

دولت استالین با وجود اعتراض دولت ایران و مذاکرات دوستانه سفیر آن در مسکو با مولوتف وزیر امور خارجه شوروی و وعده‌هایی که برای استرداد اموال غارت شده داده بود به این جواب مبادرت ورزید که احمد قوام نخست‌وزیر آن را به سفارت ایران در مسکو منعکس نموده تقاضای تعقیب موضوع را کرد:

نمره: ۳۴۰

به تاریخ: ۲۵/۱۱/۶

سفارت کبرای ایران

۱۲۴- اینکه اشعار داشته‌اید مولوتف قبول تقاضاهای اینجانب را اعلام و چند روز

است به سفارت شوروی در تهران دستور داده شده به اطلاع دولت ایران برسانند که اموال فوق تحویل و تسلیم دولت ایران شود. یادداشتی که از سفارت شوروی به تاریخ شانزدهم ژانویه مطابق بیست و ششم دی به وزارت امور خارجه رسیده در این باره نوشته‌اند مهاجرین هیچ گونه اموالی به غیر از اموال شخصی در نزد خود نداشتند فقط اضافه کرده‌اند که کلیه اتوموبیل‌های سواری و بارکش و همچنین اتوبوس‌هایی که حامل اشخاص مذکور بوده و از مرز شوروی گذشته‌اند به مقامات مرزی ایران مسترد خواهند شد و در این صورت مقامات شوروی اموال غارتی را که متجاسرین از مردم و دولت به مقادیر زیادی برده‌اند اموال شخصی تلقی کرده‌اند در ضمن توضیح دهید و در تعقیب مذاکرات سابق برسانید که این اشخاص آنقدر اموال شخصی و اشیاء ذی‌قیمتی نداشته‌اند که در عده زیادی اتوموبیل و کامیون حمل کرده به آن طرف برده‌اند. اتوموبیل‌های سواری و بارکش و اتوبوسها را هم که حاضر شده‌اند تحویل دهند فوراً مذاکره و معلوم کنید در کدام مرز و چه روز تحویل می‌دهند که نمایندگان ایران در آنجا حاضر شده صورت مجلس منعقد و تحویل بگیرند. مقصرین را در یادداشت سفارت مهاجرین سیاسی قلمداد کرده‌اند. نسبت به تشکیلات ضد حکومت مرکزی هم که در خاک دولت دوست مجاور ممنوع و مرتکبین باید مجازات و تبعید شوند در این مسائل هم باید اقدام شود. مطابق قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۲۷ عمل نمایند. در اینجا هم با سفارت شوروی مذاکره و مکاتبه در این مسائل می‌شود.

۵ بهمن. شماره ۱۳۲۰

قوام‌السلطنه

فراریان علاوه بر غارت اموال و اثاثیه مقدار معتناهی اسلحه و مهمات با خود همراه بردند که دولت در استرداد آنها نیز پافشاری می‌کرد. تنها از مرز آستارا طبق سند زیر مقداری اسلحه و مهمات به خاک شوروی برده شد:

نمره: ۳۰۵

به تاریخ: ۲۵/۱۰/۱۶

سفارت کبرای ایران

به قرار تحقیقات مقامات مربوطه در آستارا اسلحه و مهماتی که فراریان در مرز شوروی تحویل داده‌اند در حدود پانصد تفنگ برنو، شش مسلسل سنگین، چهل مسلسل سبک و پنجاه قبضه طپانچه مسلسل، پانصد بمب دستی بوده است به علاوه در حدود پانصد تفنگ و اسب و تعدادی اسلحه کمری در آستارای شوروی تحویل مأمورین شوروی شده با مقامات مربوطه برای تحویل کلیه اسلحه و مهمات و اموال دولت و مردم به مأمورین مرزی ایران مذاکره نتیجه تلگراف فرمائید. ۱۴ دی. شماره ۱۲۱۲ همایونجاه.»

دولت ضمن اقدامات دیپلوماسی بلافاصله پس از طرد متجاسرین با دو تصویب‌نامه به توقیف و ضبط وجوه و دارائی آنها مبادرت ورزید که عین دو تصویب‌نامه به قراری است که ذیلاً متذکر می‌شود:

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۲۵/۹/۲۶

شماره: ۳۵۹۰۲/۱۳۲۵

وزارت دارائی

«هیئت وزیران در جلسه ۱۳۲۵/۹/۲۵ بنا به پیشنهاد وزارت دارائی که به موافقت وزارت دادگستری نیز رسیده است تصویب نمودند چون وجوهی که در دوره یکسال اخیر به عنوان سرمایه یا به هر عنوان دیگر به بانک آذربایجان داده شده است متعلق به مملکت و دولت و ملت ایران بوده است به وزارت دارائی اجازه داده می‌شود که کل موجودی بانک و کلیه دارائی بانک مزبور اعم از نقد و آنچه در مؤسسات یا بانکهای دیگر گذاشته شده باشند و همچنین مطالبات بانک مزبور را از افراد یا مؤسسات بنام دارائی دولت ضبط و مطالبه و وصول نمایند. ضمناً به وزارت دارائی اجازه

داده می‌شود که به عموم بانکهای داخلی و خارجی که در ایران شعبه دارند اخطار نمایند که هرگونه وجوه و دارائی که به عناوین ذیل بانک آذربایجان - مالیه (دارائی) آذربایجان یا تبریز یا شعب دیگر آن در سایر شهرهای آذربایجان - فرقه دموکرات آذربایجان - پیشه‌وری و متصدیان امور آذربایجان یا هریک از اعوان و همدستان آنها در هریک از شعب آنها موجود باشد در توقیف نگاهدارند تا ترتیب انتقال آن به دولت داده شود. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است. از طرف نخست‌وزیر.» (بایگانی دفتر نخست‌وزیر. شماره: ۱۱۸)

به تاریخ ۱۳۲۵/۱۰/۱۷

شماره ۳۹۲۴۴/۱۴۴۳

نخست‌وزیر

هیئت وزیران در جلسه ۱۴ دیماه / ۱۳۲۵ بنا به پیشنهاد وزارت دارائی و موافقت وزارت دادگستری در تکمیل تصویب‌نامه شماره ۳۵۹۰۲ مورخ ۱۳۲۵/۹/۲۶ تصویب نمودند:

کلیه دارائی نقدی جنسی فرقه دموکرات آذربایجان و پیشه‌وری و متصدیان امور آذربایجان یا هریک از اعوان آنها که در آذربایجان و زنجان به تصرف دولت درآمده و مقرر شده نزد بانکها در توقیف بماند به عنوان دارائی دولت محسوب و در اختیار خزانه‌داری کل گذارده شود تا طبق دستور اداره نامبرده نسبت به آنها رفتار شود. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.» از طرف نخست‌وزیر (بایگانی دفتر نخست‌وزیر. شماره: ۱۲۱)

امضا

فرخ فراز

برای اینکه خوانندگان گرامی نمونه‌ای از غارت و چپاول سران دموکرات آذربایجان در هنگام فرار در دست داشته باشند به ذکر چند سند که تماماً حاکی از بردن میلیونها پول و اموال و اثاثیه به خاک بیگانه‌ای که بقایش مرهون فداکاریها و رنجهای ملت ایران طی جنگ بود می‌پردازد:

نخست وزیر

تاریخ ۲۵/۹/۱۳۲۵

شماره ۳۵۹۰۲/۱۳۲۵

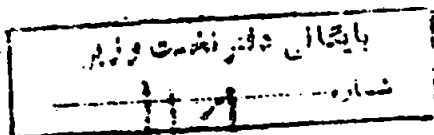
پیوست

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۲۵/۹/۲۵ بنابه پیشنهاد وزارت دارائی ک
 بموافقت وزارت دادگستری نیز رسید. است تعویب نمودند چون وجوهی شده
 در دوره یکسال اخیر بعنوان سرمایه یا بهر عنوان دیگر بابت آذربایجان داده
 شده است متعلق بمملکت و دولت و ملت ایران بوده است بوزارت دارائیسر
 اجازه داده میشود که کل موجودی بابت وکلیه دارائی بابت منیر اعم از نقد
 و آنچه در موسسات یا بانکهای دیگر گذاشته شده باشد و همچنین صنایع
 بابت منیر را از افراد یا موسسات بنام دارائی دولت ضبط و متاعه و وصول نماید
 ضمناً بوزارت دارائی اجازه داده میشود که بحکم بانکهای داخلی و خارجی که
 در ایران شعبه دارند اخطار نمایند که هرگونه وجوه و دارائی که بمتاعه
 بابت آذربایجان - مالیه (دارائی) آذربایجان یا تبریز یا شعب دیگر آن در
 سایر شهرهای آذربایجان - فرقه دمکرات آذربایجان - پیشه روی و متحدان
 امور آذربایجان یا هر یک از اعوان و همدمان آنها در صورت از شعب آنها موجود
 باشد در توقیف نگاهدارند تا ترتیب انتقال آن بدولت داده شود.

تسوینامه در دفتر نخست وزیر است. از درج نخست وزیر

چاپ
 روز



نخست وزیر

تاریخ: ۱۳۲۵
شماره: ۳۹۳۴
پیوست: ۱/۱۴۴۰

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۱۴ دی ماه ۱۳۲۵ بنابه پیشنهاد وزارت دارائی و موافقت

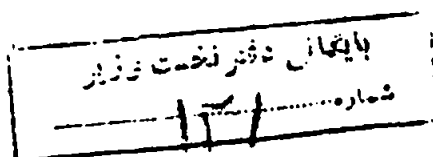
وزارت دادگستری در تکمیل تصویب‌نامه شماره ۲۵۹۰۲ مورخ ۲۶ / ۱ / ۱۳۲۵ تصویب

نمودند :

کلیه دارائی نقدی و جنسی فرقه دموکرات آذربایجان و پیشه‌وری و متحدیان امور آذربایجان
یا هر یک از اعوان آنها که در آذربایجان و زنجان به تصرف دولت درآمد و متروک شده و سرزد
یا تنگها در توقیف بماند بعنوان دارائی دولت محسوب و در اختیار خزانه دارین گذارده
شود تا طبق دستور اداره نامبرده نسبت بآنها رفتار نمود

تصویب‌نامه در دفتر نخست وزیر است

نظر نخست وزیر
الحاج میرزا



از وزارت امور خارجه
به
سفارت کبرای ایران (مسکو)

نمره: ۳۴۱

به تاریخ: ۲۵/۱۱/۶

از وزارت دارائی می نویسند در نتیجه رسیدگی هائی که به عمل آمده معلوم شده است پیشه‌وری مبالغ ذیل را از وجوه دولتی برداشت نموده است: یکی در تاریخ هیجدهم فروردین هزار و سیصد و بیست و پنج از بانک کشاورزی تبریز مبلغ شش میلیون ریال و دیگری در تاریخ بیستم آذر هزار و سیصد و بیست و پنج روز فرار از تبریز چکی به مبلغ شش میلیون و چهارصد و هیجده هزار ریال عهده حساب شماره شصت و دو بانک آذربایجان امضا و صادر نموده است و به موجب آن چک به بانک آذربایجان دستور داده است که مبلغ آن را بانک آذربایجان در وجه حامل پردازد و شخصی به نام تقی طالبین در ظهر چک مزبور دستور داده است که بانک آذربایجان وجه چک مزبور را در وجه بانک شوروی کارسازی دارد بانک شوروی آن وجه را از بانک آذربایجان دریافت داشته و به این ترتیب جمع دو مبلغ ۱۲،۴۱۸،۰۰۰ ریال عاید پیشه‌وری گردیده است. مقتضی است اقدام فرمائید که زودتر ترتیب استرداد دو فقره وجه مزبور داده شده به خزانه دولت عاید گردد و نظر به اینکه وجه دوم که در تاریخ بیستم آذر توسط بانک شوروی در تبریز از بانک آذربایجان دریافت شده است ظاهراً باید بانک شوروی وجه مزبور را در صندوق خود هنوز نگاهداشته و به کسی نپرداخته باشد. مراتب به سفارت شوروی در تهران نیز نوشته شده است. ۵ بهمن ۱۳۲۵ همایونجاه.»

به تاریخ ۱۳۲۶/۲/۲۱

شماره ۲/۳۶۰

وزارت دارائی

وزارت امور خارجه

عطف به یادداشت شماره ۲۲۳ - ۲۶/۱/۱۹ آن وزارت جلیله به عنوان سفارت

کبرای اتحاد جماهیر شوروی اشعار می‌دارد. برای رسیدگی به مندرجات یادداشت شماره ۲۷ - ۱۲ فوریه ۱۹۴۷ سفارت نامبرده راجع به وجوه برداشتی پیشه‌وری که به ضمیمه مرقومه شماره ۶۲۱۶ - ۲۵/۱۲/۶ ارسال فرموده بودید به اداره دارائی آذربایجان دستور داده شده بود تحقیقاتی به عمل آورد به قراری که اداره نامبرده توضیح داده در تاریخ ۲۵/۱/۱۸ چکی به شماره ۲۷۱۷۳۲ از دارائی از حساب ۷۲ به امضای پیشه‌وری و الهامی در وجه پیشه‌وری به بانک کشاورزی کشیده شده و در همان تاریخ چک به شماره ۶۰۶۲۰۳ از حساب ۱۵۰ بانک کشاورزی تبریز به بانک روس صادر شده است. راجع به جریان بعدی و بقیه مندرجات نامه سفارت نیز [به] اداره دارائی آذربایجان از بانک ملی شعبه تبریز استعلام نموده و شعبه مزبور توضیحاتی داده که رونوشت آن با رونوشت نامه‌ای که نتیجه مزبور مستقیماً به بانک ملی فرستاده و بانک نامبرده به وزارت دارائی ارسال نموده‌اند لطفاً برای استحضار آن وزارت جلیله ارسال می‌شود. متمنی است در باب ۶۰۰۰۰۰۰ ریال که در یادداشت سفارت کبرای شوری اظهار شده مبلغ ۵۸۰۰۰۰۰ ریال آن بر طبق چک شماره ۶۱۲۱۰۳ از شعبه بانک روس و ایران در تبریز در حساب شماره ۱۵۲۴ بانک آذربایجان منظور گردیده و تمته پیکر در تاریخ ۱۴ نوامبر ۱۹۴۶ به موجب چک شماره ۶۱۲۱۰۴ بانک آذربایجان منتقل شده است با توجه به توضیحات شعبه تبریز بانک ملی دایر بر اینکه در ۱۹۴۶/۲۲ دو برابر با اول خرداد ۱۳۲۵ بوده بانک آذربایجان هنوز تأسیس نشده بود و نیز از پیکر مزبور و چک ۶۱۲۱۰۳ اثری در دفاتر بانک آذربایجان موجود نیست از سفارت کبرای شوروی تقاضا فرمائید توضیحات لازم با ذکر مدارک بدهند که تکلیف مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰ ریال مورد بحث معلوم شود. ضمناً برای استرداد مبلغ ۶۴۱۸۰۰۰ ریال از پیشه‌وری مقرر فرمائید که به هر ترتیب مقتضی می‌داند اقدام فرمایند. خواهشمند است از نتیجه اقدامات وزارت دارائی را مستحضر فرمائید. وزیر دارائی عبدالحسین هژیر»

شماره ۲۰۶۱/۵ تاریخ ۲۶/۱۰/۱۶ اداره دارائی آذربایجان که اصل آن به

شماره ۲۳/۱۰/۲۶ ۳۰۴۶۶ م ثبت شده.

خیلی محرمانه

وزارت دارائی

ضمائم مرقومه ۲۸۵۴ / م مورخه ۷ دیماه مورد بررسی واقع و با آقای رئیس بانک ملی ایران شعبه تبریز نیز مشورت و نظریه اداری در این باب به قراری است که به عرض می‌رسد.

۱- دو برگ معرفی امضا - این دو برگ در تاریخ ۲۴ دیماه ۱۳۲۴ برای باز کردن حساب جاری در بانک ملی تبریز تهیه شده و دارای امضاهای پیشموری - شبستری و پادگان و الهامی می‌باشد در متن آن یادداشت شده است نامبردگان با یک امضاء حق استفاده دارند.

بنظر آقای رئیس بانک مشارالیه پس از تهیه اوراق مزبور از باز کردن حساب (کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان) در بانک ملی منصرف شده و اوراق مزبور را به بانک ملی نفرستاده‌اند.

۲- دفترچه حساب جاری در بانک روس و ایران - در این دفترچه تنها دو فقره پرداختی متجاسرین به بانک روس و ایران به شرح آتی ثبت شده است.

۱- به تاریخ ۸ آوریل ۱۹۴۶ معادل ۶۰۰۰۰۰۰ ریال

۲- به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۴۶ معادل ۴۰۰۰۰۰۰ ریال

ولی آنچه مسلم است پرداختی متجاسرین به این حساب تنها منحصر به این دو قلم نبوده و معلوم می‌شود دفترچه را برای ثبت مابقی جمع و خرج حساب به بانک روس و ایران سپرده‌اند.

۳- ورقه تشخیص موجودی حساب - آنچه معلوم است متجاسرین از اوایل اردیبهشت ماه ۲۵ در بانک روس و ایران حساب باز کرده و وجوه جمع آوری شده خود را به آن حساب ریخته‌اند در این ورقه موجودی حساب در تاریخ ۱۰ تیرماه ۲۵ معادل هیجده میلیون و نهصد و شصت و یک هزار و دویست و پنجاه ریال ۱۸۹۶۱۲۵۰ ریال بوده است. بدیهی است به این حساب از تیرماه به بعد هم وجوهی ریخته‌اند بنظر این جانب این ورقه سند بسیار مهمی است و از روی عین سند در صورت اقتضا می‌شود از جریان تماس حساب متجاسرین در بانک روس و ایران استحضار حاصل نمود و شاید در ضمن اقلام حساب به موارد مهمی هم برخورد گردد.

بنابراین با رعایت مقتضیات بایستی صورت جزو حساب فوق‌الذکر که شماره حساب مندرجه در روی دفترچه ۱۵۰۳ بود و شماره مندرجه در روی ورقه تشخیص موجودی ۱۵۲۴ است از بانک روس و ایران تبریز خواسته شود برای اقدام دو راه بنظر می‌رسد:

اول اینکه وزارت دارائی از طریق وزارت دادگستری اقدام فرموده و وزارت دادگستری دادستان تبریز را مأمور فرمایند شخصاً در بانک روس و ایران حاضر شده و صورت ریزحسابهای شماره ۱۵۰۳ و ۱۵۲۴ را شخصاً از بانک روس و ایران دریافت و به مرکز ارسال دارند.

دوم - این عمل با دخالت دارائی آذربایجان به وسیله دادستان تبریز صورت بگیرد که در هر صورت در اتخاذ تصمیم باید مطالعات شده و در صورت اقتضا دستور مقتضی صادر گردد. عین دفتر و سه فقره ضمام هم تلواً اعاده گردید پیشکار دارائی و اقتصاد آذربایجان. مهران.»

نمونه‌ای از قسمتی از اموال غارت شده:

به تاریخ: ۱۳۲۶/۳/۷

شماره: ۴۷۰ / م وزارت دارائی

پیوست: دارد

محرمانه

وزارت امور خارجه

طبق گزارش اداره دارائی آذربایجان قسمتی از اثاثیه اداره نامبرده را که صورت آن ضمیمه است متجاسرین موقع فرار از ایران خارج کرده‌اند متضمن است مقرر فرمائید از سفارت شوروی تقاضا نمایند اثاثیه مورد بحث را از متجاسرین گرفته و تحویل دولت ایران نمایند.

وزیر دارائی

عبدالحسین هزیر

وزارت امور خارجه

شرح	تعداد	بهای خریداری	مشخصات
قالی اطراف هریس اعلا	۱ قطعه	۶۰۰۰/۰۰ ریال	طول ۷/۵ عرض ۴/۵ خواب رفته
قالی اطراف هریس	۱ "	۱۴۹۵/۸۰	طول ۲/۸۲ x ۳/۹۳
" "	۱ "	۱۵۸۲/۲۰	۲/۹۹ x ۳/۹۲
" "	۱ "	۱۲۰۱/۵۰	۳/۵۲ x ۲/۵۲ زمینه قرمز حاشیه سرمه
کناره قلندری	۲	۱۳۰۰/۰۰	۱ x ۶ متر
قالی اطراف هریس	۱ "	۱۵۰۰/۰۰	۳/۶۰ x ۴/۹۰ خواب رفته مستعمل
قالی بافت تبریز	۱ "	۱۷۵۰/۰۰	۲/۷۰ x ۴ حاشیه و وسط گل سرمه متن آبی
" "	۱ "	۱۴۳۵/۰۰	۲/۶۵ x ۳/۵
قالی اعلا بافت هریس	۱ "	۴۶۶۱/۷۰	۳/۵ x ۴/۵۵ حاشیه سرمه متن قرمز
کناره قراجه	۱ "	۵۵۰/۰۰	۱ x ۵/۲۰ متر
قالی اطراف هریس	۱ "		۲/۹۰ x ۳/۸۵
قالی کروان	۱ "	۵۶۷۰/۰۰	۴/۷۵ x ۳/۵ حاشیه سرمه متن قرمز
" "			۳ x ۳/۷۵
قالی بافت تبریز اعلا	۲	۲۰۳۰/۰۰	۲/۵ x ۳/۵ حاشیه قرمز و سرمه متن
قالی اطراف هریس	۲	۲۱۶۰/۰۰	۲/۵ x ۶ مستعمل خواب رفته
کناره قراجه	۱ "	۷۵۰/۰۰	۰/۸۵ x ۵
کناره اطراف هریس	۱ "	۵۵۰/۰۰	۱ x ۶ متن قرمز حاشیه سرمه
قالی اطراف هریس	۱ "		۲/۸۶ x ۴ حاشیه سرمه متن قرمز
" "	۱ "	۷۳۴۵/۲۰	۴ x ۵/۵
" "	۱ "	۱۴۳۲/۰۰	۲/۵ x ۳/۳۰
قالی اطراف	۱		۲/۵۰ x ۳/۴۰

"	"	۲/۲۸x۳/۹۵	"	۲۶۰۰/۰۰	"	۱	قالی اطراف هریس
زمینه لاکي حاشیه سرمه	"	"	"	۱۰۰۰/۰۰	جفت	۱	قالیچه بافت تبریز
یکی نو - یکی مستعمل	"	"	"	۳۰۰/۰۰	"	۱	قالیچه ذرع چارک
	"	"	"	۴۷۷۳/۶۰	قطعه	۱	قالی اطراف هریس
	"	"	"	"	"	۱	"
	"	"	"	"	"	۱	"
خواب رفته ۲/۵x۳	"	"	"	"	"	۱	"
گردوئی	"	"	"	۶۴۰/۰۰	عدد	۱۲	صندلی رو مشمع
"	"	"	"	۳۰۰/۰۰	"	۳	میز گرد و جلوی
از چوب سفید	"	"	"	۱۹۵/۰۰	"	۳	تختخواب
کتینانتال بزرگ	"	"	"	۲۹۵۰/۰۰	دستگاه	۱	ماشین تحریر
دو خانه گردوئی	"	"	"	۳۷۰/۰۰	عدد	۱	میز
خارجه	"	"	"	۶۴۰/۰۰	"	۱۲	صندلی
	"	"	"	۱۲۰/۰۰	"	۲	دوات بلوری
	"	"	"	۴۰/۰۰۰	"	۱	کازیه
خارجه	"	"	"	۴۰۰/۰۰	پارچه	۲۲	ظروف غذا
خارجه	"	"	"	۴۰/۰۰	عدد	۱	ملاغه ورشو
غذاخوری آلپاکا	"	"	"	۴۲۰/۰۰	پارچه	۳۰	کارد - چنگال - قاشق
میوه خوری	"	"	"	۲۸۰/۰۰	دست	۲	کارد - چنگال
نقره	"	"	"	۶۰۵/۰۰	پارچه	۱۲	پایه - قاشق
	"	"	"	۱۸۰۰/۰۰	عدد	۱	کیف دستی اعلا
	"	"	"	۱۸۰/۰۰	"	۱	کیف دستی کهنه
	"	"	"	۲۴/۰۰	"	۴	زیر سیگار چینی
ساخت آمریکا	"	"	"	۱۰۵/۰۰	دست	۱	فنجان بلور
	"	"	"	۳۰۰/۰۰	"	۳	مجموعه ورشوی

قاشق چای خوری	۲	"	۷۰/۰۰	"	خارجہ آلیا کا
استکان بلوری	۲	"	۶۶/۰۰	"	
سماور شاہی	۱ عدد	"	۷۰۰/۰۰	"	
سماور خارجہ	۲	"	۱۲۵۰/۰۰	"	ساخت روسیہ
قدان بلور	۱	"	۲۵/۰۰	"	
رخت آمیز ۱۲ میلہ	۱	"	۵۰/۰۰	"	
پردہ اصفہان	۳ درگاہ	"	۶۰/۰۰	"	
قاشق چای خوری	۲ دست	"	۳۰/۰۰	"	
پتوی پشمی	۱ عدد	"	۱۵۰/۰۰	"	
ماشین گوشت	۱	"	۹۰/۰۰	"	۸ نمرہ
اتومیل سواری ادارہ	۱ دستگاہ		معلوم نیست		
میز سہ خوابہ	۴ عدد	"	۶۰۰/۰۰	"	از چوب گردو
چایدان	۱	"	۲۶۰/۰۰	"	
استکان بلوری	۶	"	۲۶/۰۰	"	ساخت روسیہ
چایدان چینی	۱	"	۶۰/۰۰۰	"	
کاسہ چینی	۴	"	۱۲۰/۰۰	"	بزرگ و کوچک ساخت آلمان
تنگ بلوری	۱	"	۲۵/۰۰	"	

فصل شانزدهم

وضع فراریان پس از ورود به قفقازیه و رفتاری که با آنان شد

سران فرقه دموکرات و فراریان پس از اینکه خاک میهن را از لوث وجود خود پاک کردند به تصور اینکه به بهشت موعود آمده به اتکاء حامیان خود می‌توانند به اقدامات و عملیات خائنانه خود ادامه دهند بیکار ننشسته و با وسایل مختلف از قبیل دادن تشکیلات منظم و تأسیس ایستگاه رادیو و نشر روزنامه‌هایی تصور کردند که می‌توانند روزی به آذربایجان مراجعت کرده برای بار دیگر زمام امور را در دست بگیرند. ولی طولی نکشید که تمام این آرزوها و امیدها بر باد رفته آن‌چنان دچار فلاکت و ادبار شدند که بیشتر آنان چاره را جز مراجعت به ایران ندیدند. ولی تلاش این مزدوران به جایی نرسید یا از گرسنگی و فقر و فلاکت جان خود را فدا کرده و یا تن به قضا و قدر دادند و از روی استیصال نوکری اجانب را پذیرفتند.

سرکنسولهای ایران در بادکوبه که خود ناظر و شاهد وقایع بودند در گزارشات پی در پی و متعدد پرده از اسرار خائنان مزدور و وضع اسفناک فراریانی که یا به دلخواه و یا به اجبار خانه و کاشانه خود را ترک کرده بودند برداشتند که ما در اینجا تا آنجائی که از این قبیل اسناد در دست داریم به ذکر مآوقع می‌پردازیم:^۱

نمره: ۲۶۲

به تاریخ: ۲۵/۹/۱۳

سفارت کبرای ایران [مسکو]

تعقیب گزارش ۱۹۳ وضعیت دانشجویان روز به روز سخت تر و فشار به آنهایی که احساسات میهن پرستی دارند شدید می گردد. چند روز پیش دانشجوی معلوم الحالی یکی از دانشجویانی را که به سرکنسولی آمده است به اطاق خودشان برده است و مورد حمله و تهدید به قتل نموده اند. مدیر آسایشگاه این پیش آمد را با خونسردی تلقی این جریانات تولید نگرانی در سایر دانشجویان نموده به طوری که عده ای دست از تحصیل برداشته و از سرکنسولی کسب تکلیف برای مراجعت به ایران می نمایند. تذکر ضمنی سرکنسولی هم به وزارت خارجه محل بی نتیجه مستدعی است از تصمیمات متخذه و هرگونه اقدامی که بایست معمول داشت سرکنسولی را تلگرافاً مستحضر فرمایند. ۱۰ آذر . شماره ۲۰۲ . مجدی.

نمره: ۳۱۶

به تاریخ: ۲۵/۱۰/۲۱

از باد کوبه

سفارت کبرای ایران

نصف شب هیجده دی دو نفر از دانشجویان اخراج شده سراسیمه منزل بنده آمده اظهار داشتند موقعی که با رفقای خود در رستوران مشغول صرف غذا بوده سه نفر دانشجویان نظامی سیف قاضی، فتاحی، سلطانی به جانب ما آمده در حالی که گیلان مشروب در دست داشتند گفتند زنده باد پیشه وری و به سلامتی او نوشیدند بدون اینکه از طرف ما ابراز مخالفتی شود احساس نمودیم سوءقصدی به ما دارند با عجله روانه اطاق خود شدیم که آنها هم ما را با (-) دنبال چون درب را بستیم شروع به فحاشی، شیشه های بالای درب را شکسته مجبوراً همه ما را از پنجره پرت چهارنفر در پشت بام مخفی (-) خودشان را به سرکنسولی رسانده اند. همان وقت به وزیر امور خارجه و رئیس تشریفات تلفن هیچکس در منزل و اداره نبود. مدیر اینتوریست هم در این موقع پیدا نشد اجباراً به شهربانی مراجعه با اینکه وعده دادند فوراً مأمورین با اتوموبیل روانه تا به اتفاق

بنده و دانشجویان عازم بازجوئی شوم بیش از نیم ساعت منتظر پس از یأس از اقدامات شهربانی به جانب اینتوریست روانه مخصوصاً از بیانات مدیر اینتوریست کاملاً روشن بود که توطئه قبلاً بوده است. صبح روز بعد به وزارت امور خارجه مراجعه چون وزیر گویا کسالت داشت با رئیس تشریفات مذاکره تذکر دادم با این ترتیب برای ما هم تأمین جانی نیست و این قبیل اشخاص روی اصل طرفداری از پاره عناصر ممکن است به ما نمایندگان ایران هم سوءقصدی نمایند این وضعیت نه قابل تحمل است و نه قابل دوام دانشجویان را خودتان اخراج برای روادید معطل نموده‌اید به علاوه به این سه نفر تحت چه عنوان اجازه حمل اسلحه داده شده است مخصوصاً متذکر شدم چون معلوم می‌شود این اشخاص که خودشان را ایرانی قلمداد و می‌خواهند با عملیات جنایت آمیز موجبات اختلال روابط بین دو کشور را فراهم نمایند به نام دولت متبوعه از شما می‌خواهم آنها را با نماینده سرکنسولی به مرز برده تسلیم مأمورین ایران کنند. نامبرده با تصدیق مسامحه شهربانی و تأسف از این رویه قول داد مراتب را به وزیر امور خارجه گزارش نتیجه را اطلاع دهد. چون با این اوضاع به هیچ وجه تأمین جانی نیست و تسلیم این سه نفر هم باید از لحاظ حفظ حیثیات دولت ایران صورت بگیرد مستدعی است امروز مقرر فرمایند نتیجه اقدام خیلی فوری را تلگرافاً به سرکنسولی ابلاغ مراتب عیناً به وزارت امور خارجه نیز تلگراف شود. ۲۰ دی شماره ۲۵۸ مجدی.

نمره: ۳۳۳

از باد کوبه

به تاریخ: ۲۵/۱۱/۴

سفارت کبرای ایران

تلگرافی که به وزارت امور خارجه مخابره شده ذیل درج می‌شود:

تعقیب ۲۷۶ مجدداً دو نفر از افسران آتشبار کوهستانی ستوان دوم عبدالله فاضلی و ستوان سوم بدالله ظهیر با دادخواستی مراجعه با تشریح عملیات پزشگیان و اینکه هفتصد و پنجاه نفر با وضع فلاکت آمیزی سر برده و همواره در گریه و زاری هستند استدعای بذل توجه عاجل دارند. ضمناً می‌گویند قریب دوهزار نفر از فدائیان نیز که جبراً به این صفحات آورده شده‌اند نمایندگانی تعیین و برای استدعای اعدام خود به

سرکنسولی خواهند فرستاد باز هم آنها را امیدورا به توجهات دولت نموده مخصوصاً تأکید شد از آمد و رفت دیگران به سرکنسولی ممانعت و خودشان تا ده روز دیگر برای اخذ پاسخ به بادکوبه بیایند. بنابراین مستدعی است امروز مقرر فرمایند با توجه به تلگرافات سرکنسولی هر پاسخی که اولیای امور دارند زودتر ابلاغ فرمائید. به قرار اظهار این اشخاص ستوان یکم فهدی کیهان... تقریباً ۲۵۰ هزار ریال از وجوه بانک ملی اردبیل را همراه آورده‌اند. ۳۰ دی. شماره ۲۸۲. مجدی.

وزارت امور خارجه در پاسخ تقاضای سرکنسول شاهنشاهی در بادکوبه این تلگرام را به سفارت کبرای ایران در مسکو ارسال داشت:

نمره: ۳۳۷

به تاریخ: ۲۵/۱۱/۱

سفارت کبرای ایران

از سرکنسولی بادکوبه اطلاع رسیده است سربازانی که موقع عقب‌نشینی ماجراجویان وسیله فرمانده هنگ اردبیل به ضرب مسلسل آنها را از سمت آستارا به خاک شوروی برده‌اند چون از عائله و کسان خود بی‌خبر و وضعیت‌شان سخت می‌باشد مایل بازگشت به ایران هستند مقتضی است نزد مقامات مربوطه شوروی اقدام در اعاده آنها بفرمائید موقع ورود به مرز و اینک از چه مرزی وارد می‌شوند اطلاع بدهید البته به ورود ایران مشمول عفو عمومی خواهند بود به سرکنسولی دستور داده شد به آن سفارت مراجعه نماید ۲ بهمن شماره ۱۲۹۹ همایونجاه.

وزارت امور خارجه

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران در بادکوبه

رونوشت گزارش شماره ۳۴۵ به تاریخ ۲۶/۱۰/۹

محرمانه

وزارت امور خارجه

پس از آنکه فرقه قلابی دموکرات آذربایجان تشکیلات خود را تجدید و جلسات

خود را مرتباً در هر ماه دو مرتبه تشکیل می‌دهد. در یکی از جلسات آن تصمیم گرفته بودند که می‌بایست اشخاص طرف اطمینان را به کارمندی به فرقه انتخاب کرده و کسانی را که مورد اعتماد نمی‌باشند از تصمیمات فرقه آگاه نشده و چنانچه حقیقتاً وجود آنها مضر تشخیص داده شود به ایران بازگشت داده و یا اینکه به نقاط دیگر آذربایجان قفقاز روانه شوند و در نتیجه همین نظریات یک عده از دانشجویان را که نتوانسته با فکر و خیالات خود همراه سازند به تدریج به ایران بازگشت داده‌اند و اکنون هم مشغول مطالعه و بازجوئی در حالات سایرین می‌باشند تا آنکه فقط اشخاص طرف اطمینان و اعتمادی باقی مانده و از وجود آنان استفاده کنند و چون می‌بایست به کلیه ایرانیان فراری و کسانی که برای پیشرفت منظور فرقه اقدامات مسلحانه در آذربایجان ایران کرده‌اند بر گهای کارمندی فرقه داده شود و تعهداتی از آنها در مقابل بگیرند. غلام یحیی به محل اقامت ایرانیان مزبور که در کیراف آباد و سایر نواحی گنجه است عزیمت کرده و بین ایرانیان متواری بر گهای کارمندی فرقه را توزیع کرده و به آنها امیدواری داده است که قریباً وارد آذربایجان شده و به خانواده‌های خودشان ملحق خواهند شد و در پیشرفت منظور ماجراجویان دیگر هم کمک و مساعدت نموده و حتی زمامداران آذربایجان قفقاز هم در این باب از بذل ساعی دریغ نکرده و نمی‌نمایند و یکی از تصمیمات فرقه مزبور این است که کلیه ایرانیان مزبور باید از مراجعه به سر کنسولگری ایران خودداری کرده و از گرفتن گذرنامه صرف‌نظر نمایند و کسانی که قبلاً گذرنامه گرفته‌اند باید به سر کنسولگری اعاده دهند و به همین مناسبت دانشجویانی که با گذرنامه از ایران آمده و یا از سر کنسولگری گرفته‌اند مورد تهدید قرار داده‌اند که گذرنامه‌های خودشان را مسترد دارند. در نتیجه یک عده هفت نفری از دانشجویان و پسران جاوید و شبستری گذرنامه‌های خود را در ظاهر به وسیله پست و باطناً به وسیله وزارت خارجه آذربایجان قفقاز به سر کنسولگری فرستاده‌اند.

وزارت خارجه آذربایجان قفقاز هم به هیچ‌وجه حاضر نیست که مراجعات سر کنسولگری نسبت به دانشجویان و ایرانیان مزبور که به دستگیری و تحرکات ماجراجویان وارد باد کوبه شده‌اند ترتیب اثر بدهد و صریحاً به دفعات رئیس تشریفات وزارت خارجه اظهار نموده که به نام دولت آذربایجان قفقاز اعلام می‌دارد که وزارت خارجه نمی‌تواند مراجعات سر کنسولگری را درباره این اشخاص قبول نماید و باید

هریک از ایرانیان مزبور که مایل به اقامت در خاک شوروی نمی‌باشند مستقیماً به وزارت خارجه و سایر مقامات مزبور آذربایجان قفقاز مراجعه کند البته اقدامات مقتضی خواهد شد و نسبت به اساس قضیه می‌بایست موضوع به وسیله سفارت کبرای مسکو به دولت شوروی مراجعه گردد.

بنابراین منظور معلوم است از طرفی می‌خواهند که به ایرانیان مزبور مدلل نمایند که سرکنسولگری صلاحیت مداخله در کار آنها را ندارد و از طرف دیگر برای اینکه پاسخی به سرکنسولگری داده باشند می‌گویند می‌بایست از مجرای سفارت کبرای مسکو این کار حل و تسویه گردد و چنانچه هر یک از ایرانیان مزبور بخواهند به سرکنسولگری مراجعه کنند دنبال کرده و مورد تهدید قرار می‌دهند بدین جهت حتی ۱۴ نفر دانشجوی اعزامی که در بادکوبه مانده‌اند نمی‌توانند به سرکنسولگری آمد و رفت کنند.

این وضعیت و طرز معاملات نشان می‌دهد که اساساً مشغول یک رشته اقداماتی هستند که نمی‌خواهد سرکنسولگری از آن اقدامات آگاه گردد و به اضافه چنین معلوم می‌شود ایرانیانی که به وسیله ماجراجویان به خاک شوروی روانه شده‌اند از اتباع ایرانی محسوب می‌شوند و تابع حکومت ماجراجویان هستند که عنوان «مهاجر» به این اشخاص داده و برگهای مجهول‌الهویه بین آنان توزیع کرده‌اند. با این ترتیب چنانچه از طرف دولت شاهنشاهی اقدامات موثری به عمل نیاید ایرانیان مزبور که غالباً جبراً به خاک شوروی اعزام گردیده‌اند مایوس شده و ناچار هستند که مطابق میل و آمار ماجراجویان و محرکین آنها رفتار و عمل نمایند. رونوشت این گزارش به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو نیز تقدیم گردیده است.

سرکنسول شاهنشاهی - نصرالله بهنام

محل امضاء

این دستور از طرف پیرنظر مقام مسئول وزارت امور خارجه در بالای گزارش داده شده است «رمز، محرمانه - اداره دوم سیاسی. رونوشت به نخست‌وزیری فرستاده و علاوه به سفارت کبرای ایران در مسکو تأکید در این باب به عمل آید و به سفارت (؟) هم دستور اقدام جدی داده شود. ۲۶/۴/۱۱ پیرنظر»

شماره: ۱۱۰

تاریخ: ۱۳/۴/۱۳۲۶

محرمانه

سر کنسولگری شاهنشاهی ایران
باد کوبه

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران - مسکو

تعقیب آخرین تلگراف ۲۶/۳/۱۹ شماره ۷۴ راجع به نظامیان و ایرانیانی که ماجراجویان موقع عقب‌نشینی با خود باین طرفها آورده‌اند علاوه بر اینکه وزارت امور خارجه ضمن ارسال صورت نام و نشان آنها و مکاتبات زیادی که در اثر مراجعه مقامات ایران و همچنین خانواده و کسان این فلک‌زده گان به سر کنسولگری داده و مراجعت آنان را خواستار می‌شوند اخیراً دادخواستی از زندان چورنی گورود به امضای سیدعالم کفائی برای این جانب رسیده که مندرجات آن بی‌اندازه رقت آور است.

رونوشت این دادخواست به پیوست تقدیم و توجه عالی را به این نکته جلب می‌نماید که البته چون سفارت کبری از محلی و مکانی که این بدبختها زندگانی می‌نمایند دور بوده و آنطور که لازم است واقف به وضعیت ملالت‌بار و اسف آور آنها نیستند نمی‌توانند آنچه را که بنده به چشم خود می‌بینم درک فرمایند.

این بیچاره گان در هوای گرم تابستان در نقاطی مانند شماخی - گنجه - شامخور - خاچمز بسر برده و روزی نیست که عده‌ای از گرسنگی و بی‌آذوقه گی تلف نشوند و معلوم نیست مال کار آنها به کجا خواهد انجامید.

حکومت محل به مراجعات سر کنسولگری در این خصوص وقعی نگذاشته و موضوع را مربوط به مسکو می‌داند. سفارت کبرای شاهنشاهی به تلگرافات و گزارشهای عدیده سر کنسولگری توجهی نمی‌فرمایند وزارت متبوعه همواره مبادرت آنها را خواستار هستند. خود این اشخاص فلک‌زده به تدریج از بین می‌روند. جا و مکان آنها در زیر آسمان و خوراک آنها غم و غصه و اندوه می‌باشد. روزی نیست که هزاران پیغام به بنده نرسد که هر دفعه روحم در عذاب می‌افتد. بنظر می‌رسد بالاخره باید منفی یا مثبت پاسخی به این اشخاص داد و چنانچه باید هم چشم‌پوشی از آنها نمود یک‌مرتبه به‌طور

قطع موضوع را بیان و از همین قرار هم مراتب به وزارت امور خارجه معروض بیفتد. برای بنده بیش از این قوه تحمل به بردباری باقی نمانده است. مترصد اقدامات عاجل سفارت کبرای شاهنشاهی می‌باشد.

سرکنسول شاهنشاهی ا. مجدی

رونوشت گزارش بالا برای استحضار و بذل توجه به وزارت امور خارجه تقدیم می‌گردد.

سرکنسول شاهنشاهی ا. مجدی

پی‌نوشت وزیر امور خارجه

در اینجا نتیجه ندارد باید منتظر اقدامات سفارت کبرای ایران شود. بایگانی شود. ۲۶/۵/۲۴

وزارت امور خارجه علاوه بر چشم‌امیدی که به مظفر فیروز سفیر ایران در مسکو درباره حل موضوع داشت در تهران هم با مذاکره با سفارت اتحاد شوروی به اقداماتی متوسل گردیده بود ولی با پی‌نوشت مقام مسئول وزارت امور خارجه معلوم می‌شود که اقدامات آن در تهران بی‌نتیجه مانده در انتظار این بود که مگر سفیر ایران برای حل موضوع به نتیجه‌ای برسد.

«در اینجا مذاکره نتیجه ندارد باید منتظر اقدامات سفارت کبرای شاهنشاهی بود ۲۶/۵/۲۴» که آنهم با گزارشی که سرکنسول بادکوبه می‌دهد از طرف سفیر با وجدان ایران که روزی حامی و پشتیبان این عده بود قطع امید می‌نماید:

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

تاریخ: ۱۳۲۶/۱/۲۱

وزارت امور خارجه

شماره: ۱۰

بادکوبه - محرمانه

پس تعقیب تلگرافات سال گذشته راجع به سربازان وظیفه و ایرانیانی که پس از بهم خوردن وضعیت متجاسرین در آذربایجان به این طرفها کوچانده شده‌اند به عرض

وزارت متبوع می‌رساند.

سرکنسولگری بعد از اطلاع از این قضیه و مراجعاتی که اشخاص ذی‌علاقه می‌نمودند متوالیاً تلگرافاتی به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو مخابره و وضعیت اسف‌آور آنان و همچنین لزوم اقدامات بایسته در تسریع اعزام آنها را متذکر گردیده است.

متأسفانه سفارت کبری یکی دو پاسخ بیشتر به سرکنسولگری نداده و از آنها هم نتیجه‌ای که مطلوب باشد بدست نیامده است. مفاد این پاسخها از این قرار می‌باشد که مذاکره شد وعده اقدامات و مساعدت دادماند.

اصرار سرکنسولگری در این امر بیشتر از این لحاظ بوده است که قطع نظر از اینکه این اشخاص هر کدام در ایران دارای علاقه و خانواده می‌باشند اساساً وضعیت آنها به قدری تأثرآور است که حد و وصف ندارد زیرا این بدبختها آنچه داشته‌اند به فروش رسانده و هرچند در شهر بادکوبه اقامت ندارند ولی بنا به اطلاعات واصله در نقاطی که مانند گنجه و یا خاچمز و یا دهات دیگر اقامت گزیده‌اند در کاروانسراها و خرابه‌ها بیتوته می‌نمایند.

از طرف دیگر همین خونسردی سفارت کبری موجب شده است که اخیراً رؤسای قوم مانند پیشه‌وری و دیگران دست به تشبثاتی زده و اقداماتی نموده‌اند که دولت شوروی اصولاً از معاودت آنها به ایران جلوگیری به عمل آورده و به تدریج سلب تابعیت ایرانی هم از آنها بشود.

بطوریکه وزارت متبوعه از ملاحظه تلگرافات بنده استحضار حاصل فرموده‌اند اقدامات سرکنسولگری در اینجا بی‌نتیجه و مثمرتر نخواهد بود و حکومت محل در هر حله که مذاکره در این باب به عمل آمد موضوع را مربوط به مسکو دانسته‌اند.

بنابراین چنانچه دولت شاهنشاهی از یک مشت ایرانی به تمام معنی با قلت نفوس کشور دست برداشته و مایل هستند یک عده بینوائی که دستخوش هوا و هوس یک مشت خائن و مزدور اجنبی گردیده و با فشار و زور و ضرب مسلسل جلای وطن کرده‌اند از حقوق حقه خود یعنی تابعیت ایران و بازگشت به میهن خودشان محروم گردند البته مقرر خواهند فرمود تلگرافاً موضوع به سرکنسولگری ابلاغ شود تا در

صورت مراجعه آنها پاسخ رد داده شود. والا امر و مقرر فرمایند سفارت کبرای شاهنشاهی قدری جدیت به خرج داده و نگذارد اجازه معاودت آنها بیش از این به طول انجامد.

سرکنسول شاهنشاهی ۱. مجدی

ارتش ایران نیز به نوبه خود برای معاودت مهاجرین دست به اقداماتی زد و از دولت خواست که در این مورد از بذل مجاهدت دریغ ننماید به این دو سند مراجعه شود:

وزارت جنگ

رونویس: گزارش رئیس بازرسی ناحیه ۲.

مورخه ۲۶/۲/۱۳

وزارت جنگ در اردبیل عدمای از اهالی شکایت می کردند متجاسرین فرزندان آنها را به خدمت سربازی احضار کرده بودند در موقع قرار جبراً به خاک شوروی برده اند تحقیق شد عده آنها در حدود سه هزار نفر می گفتند متضمن است برای معاودت آنها اقدام و از نتیجه اینجانب را مستحضر دارند که به عرض حال کنندگان جواب مقتضی داده شود.

سپهد شاهبختی

وزارت جنگ

به تاریخ ۱۳۲۶/۲/۱۶

دائرة مرموزات محرمانه

شماره: ۳۲۲

وزارت امور خارجه

با ارسال رونوشت گزارش رئیس بازرسی ناحیه ۲ راجع به تقاضای اهالی اردبیل مبنی بر معاودت سه هزار نفر اتباع ایران مداخله کشور متضمن است قدغن فرمائید برای معاودت آنها اقدامات مقتضی به عمل آمده از نتیجه وزارت جنگ مستحضر دارند.

وزیر جنگ. امضا

پی نوشت مقام مسئول وزارت امور خارجه: «مراتب به باد کوبه و مسکو تلگراف شده است پس از وصول جواب نتیجه به وزارت جنگ اشعار خواهد شد...»

وزارت جنگ

محرمات

اعاره

مرموزات

شماره ۴۴۴

وزارت امور خارجه

با ارسال رونوشت گزارش رئیس بازرسی ناحیه ۲ راجع به -
تقاضای اهالی ارمنییل مبنی بر معاودت سه هزار نفر
انباغ ایران بداخله کشور متنی است قدغن فرمائید برای
معاودت آنها اقدامات مقتضی بعمل آمده و از نتیجه -
وزارت جنگ را مستحضر دارند -

فهر جنگ
۸۸

سر
ر
م
م
م

۱۳۰۱
۱۳۰۱
۱۳۰۱

۱۹۲۲

رئیس مأموریت
سر از مسئول
مستند در دست
مستند در دست

در اواخر تیرماه سال ۱۳۲۶ شایع شد که پیشه‌وری رئیس قلابی خودمختار آذربایجان در سانحه اتومبیل کشته شده است ولی در گزارشهایی که در زیر ملاحظه می‌شود سرکنسول ایران مرگ او را با تردید تلقی می‌کند. اینک متن گزارشها:

شماره: ۱۳۵

تاریخ: ۱۳۲۶/۵/۱۶

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

بادکوبه

وزارت امور خارجه

محرمانه مستقیم

پیرو تلگراف شماره ۱۲۱ به عرض می‌رساند بالاخره میرجعفر مهاجر خیانت‌پیشه موسوم به پیشه‌وری که چندی با اتکاء به اربابان اصلی خود را ایرانی قلمداد و آتش انقلاب و نهیب و غارت اموال مردم بیچاره را در آذربایجان مشتعل ساخته بود در اواخر تیرماه سال جاری به کیفر اعمال خود رسید و در اثر حادثه اتومبیل مقتول گردید. این شخص در اوان انقلابات کبیر روسیه چندی در تفلیس به روزنامه‌نویسی اشتغال و در آنجا روزنامه‌ای بنام یاتان مشرق (شرق سوزان) منتشر و پس از تغییر رژیم و حکومت در بادکوبه به ریاست کمیته اجرائیه (فرماندار یکی از نواحی این صفحات) تعیین و سرانجام برای اجرای مقاصد پلید و نیات شوم بنام ایرانی مأمور ایران گردید.

در این اواخر چون فدائیان و مهاجرین ایرانی که به شهر گنجه انتقال داده شده‌اند علم طغیان و نارضایتی را برافراشته و جداً شکایت و اعتراض از طول مدت اقامت و سختی وضعیت خود می‌کردند نامبرده به همراهی غلام یحیی و استاد خود ژنرال آقاکیشی اف معاون وزارت امنیت دولتی و برادر او حسن اف نماینده کمیته مرکزی حزب کمونیست برای بررسی و اسکات آنها به جانب گنجه روانه در مراجعت نزدیکی دهستان یولاخ اتومبیل حامل پیشه‌وری و غلام یحیی و برادر آقاکیشی اف که راننده‌اش یکنفر ارمنی و به قرار معلوم همانروز به خدمت گمارده شده بود به دره افتاده و غلام یحیی و شخص سومی خود را از اتومبیل به خارج پرت ولی پیشه‌وری که در آن موقع

در حال خواب بوده نتوانسته بود خود را نجات بدهد و در نتیجه لاشه او را از قمر دره با وضع فجیمی بدست آورده و می‌گویند که در بزونه که بیلاقی است کنار دریا و درپنجاه کیلومتری بادکوبه واقع می‌باشد به خاک سپرده‌اند.

به قرار معلوم در تشییع جنازه علاوه بر محلیها و ایرانیان مهاجر و ماجراجو رحیم سیف قاضی و چندتن از دانشجویان ایرانی نیز شرکت داشته‌اند.

از قرار اطلاعات دیگری که اخیراً بدست آمده برادر آفاکیشی اف بر اثر صدمه وارده دو پایش را مقطوع و غلام یحیی نیز فعلاً در بیمارستان بستری و راننده به هیچ‌وجه آسیبی ندیده است و روی همین اصل گویا حکومت محل موضوع را عمدی تلقی و در نظر دارند به مجرد بهبودی غلام یحیی موضوع را به محکمه ارجاع نمایند.

مراتب بالا جریاناتی است که سرکنسولگری توانسته از این طرف و آنطرف بازجوئی و بدست بیاورد ولی چون در چند روز اخیر یکی دونفر از اشخاص عادی که تماسی هم با مهاجرین ندارند اظهار نظر می‌کردند که ممکن است پیشه‌وری به این ترتیب که شایع شده به قتل نرسیده باشد و این اظهار نظر بنده را وادار به تملق در این امر می‌نمود. پس از بازجوئی و مطالعه دقیق به این نتیجه رسیدم که اولاً پیشه‌وری به نحوی که معروض افتاد از بین نرفته است. ثانیاً دولت شوروی چون به این اشتباه پی برده است که روشن کردن آتش فتنه و فساد در آذربایجان با دست پیشه‌وری لطیفه بزرگی به سیاست شوروی در ایران وارد ساخته و دیگر وجود پیشه‌وری برای دولت شوروی قابل استفاده نبوده و کم و بیش سپردن اسراری مخصوصاً که پس از فرار از ایران در این اواخر در کمیته مرکزی حزب کمونیست بادکوبه هم شغل نسبتاً مهمی را به وی سپرده بودند مخالف مصالح دولت شوروی است بنابراین در صورتی که هم در قتل پیشه‌وری عمال دولت شوروی دست نداشته باشند محققاً از بین رفتن او مطلوب دولت شوروی می‌باشد.

سرکنسول شاهنشاهی ۱. مجدی

نصیرالله بهنام سرکنسول ایران در بادکوبه که به جای مجد منصوب شد در هنگام ورود به محل مأموریت درصدد برآمد که از اسرار کشته شدن پیشه‌وری پرده بردارد و به همین منظور پس از بازجوئیهای کافی به ارسال این گزارش مبادرت ورزید که

در آن مرگ او را مردود می‌داند:

شماره ۳۳۸

تاریخ ۲۹/۱۰/۹

سر کنسولگری شاهنشاهی ایران

بادکوبه

وزارت امور خارجه

محرمانه

پس از ورود به محل مأموریت راجع به کشته شدن جعفر پیشه‌وری سردسته ماجراجویان موضوع گزارش محرمانه شماره ۱۳۵ مورخ ۲۶/۵/۱۶ سر کنسولگری در مقام بازجوئی برآمد که حقیقت امر روشن گردد. در اطراف این واقعه روایتهای زیادی وجود دارد. بعضی اشخاص عقیده دارند که کشته شدن پیشه‌وری به نحوی که شهرت داده شده مقرون به حقیقت است. برخی معتقدند که از بین رفتن پیشه‌وری مطابق با واقع نمی‌باشد و او را در محل دیگر با تغییر نام نگاهداری کرده‌اند که در موقع ضرورت از او استفاده کنند. اشخاص مزبور می‌گویند هیچوقت پیشه‌وری شبانه به جانی حرکت نمی‌کرد و در هیچ موقعی هم در جلوی اتومبیل قرار نمی‌گرفت و به اضافه چطور ممکن است تصور نمود که در جلوی اتومبیل که راننده و او جای گرفته بودند در نتیجه تصادم فقط پیشه‌وری کشته شده باشد و راننده سالم مانده است و کسانی هم که مدعی هستند در موقع دفن و تشییع جنازه حاضر شده‌اند هیچیک موفق نگردیده‌اند که بفهمند حقیقتاً پیشه‌وری است که دفن می‌شود یا شخص دیگری را به جای او دفن کرده‌اند و قبر او که در نزدیکی بیژونا از توابع بادکوبه موجود است هیچگونه علائم و آثاری بر آن قرار نداده‌اند تا معلوم گردد که در قبر پیشه‌وری مدفون است. ظاهراً هم مجلس ختم در یکی از مساجد برقرار کرده ولی هیچیک از روزنامه‌های محلی خبر فوت او را درج نکرده‌اند و با اینکه او را از سران متجاسرین دانسته و در ردیف ستارخان و شیخ محمد خیابانی اسم او را ذکر می‌نمایند تا این درجه بی‌اعتنائی و اهمیت ندادن به فوت او اسباب یأس و افسردگی سایر ماجراجویان را فراهم می‌نماید و البته برای احتراز

از این قضیه می‌بایست احتراماتی را برای پیشه‌وری در موقع فوت قائل می‌شدند که اسباب دلگرمی سایر متجاسرین را فراهم سازند. همین مسئله هم اسباب شک و تردید در کشته شدن پیشه‌وری را تولید می‌نماید. به وسایلی وضعیت خانواده و فرزند او را در باد کوبه مورد نظر قرار داده در نتیجه استنباط شده است که اندوه و افسردگی نیز در خانواده او وجود ندارد و وضعیت زندگانی آنها از سایرین بهتر و اتومبیل مخصوص پیشه‌وری در اختیار پسرش گذارده شده و بشاش می‌باشند. بدیهی است در صورتیکه رئیس خانواده فوت نماید می‌بایست آثار آن ظاهر باشد و تعجب در اینست که فوت پیشه‌وری را هم محرمانه نگاهداشته‌اند و در موقع ملاقات با آقای علی‌زاده معاون وزارت خارجه که به مناسبتی صحبت از پیشه‌وری به میان آمد و اخبار رادیو برازویل که فوت پیشه‌وری را اطلاع داده بودند مذاکره نمود نامبرده از کشته شدن پیشه‌وری و تصادف اتومبیل او اظهار بی‌اطلاعی نمود. به هر حال این فرضیات و تغییراتی که در اطراف کشته شدن پیشه‌وری می‌شود جای آن دارد که تصور شود شاید حیلۀ سیاسی در این باب بکار برده باشند و جنازه دیگری را به جای پیشه‌وری دفن کرده و خود او را در نقطه‌ای به اسم دیگر نگاهداری کرده‌اند و یا آنکه با شکل و قیافه مبدل در یکی از نقاط مرزی ایران و یا بین عشایر کرد و غیره مأمور شده است که به تبلیغات و تحریکات مبادرت ورزد.

با عرض مراتب بالا نمی‌توان اطمینان کامل حاصل نمود که فعلاً پیشه‌وری کشته شده و سکوت و یا عدم تکذیب از طرف مقامات شوروی را نیز نمی‌توان دلیل بر صحت وقوع امر تلقی کرد.^۲

سرکنسول شاهنشاهی: نصرالله بهنام

۲- راجع به پیشه‌وری در مجله خواندنیها، شماره ۷۶ سال هفتم، سه‌شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۶ نقل از تهران مصور عقیده‌ای اظهار شده که بی‌مناسبت نیست در اینجا متذکر شویم:

پیشه‌وری کجاست؟

موضوع پیشه‌وری هنوز پایان نیافته است و این پرونده روی میز دفتر محرمانه وزارت خارجه است و روی آن اقدام می‌شود. در هفته گذشته نیز چند ورق کاغذ دیگری هم به این پرونده اضافه شده و این اوراق شرح مذاکراتی است که بین یکی از اعضای وزارت خارجه ایران و یکی از

گزارشهایی که از این تاریخ به بعد از کنسولگری ایران در بادکوبه به وزارت امور خارجه می‌رسید سراسر حاکی از عدم رضایت و بدبختی و وضع فلاکت‌بار و پشیمانی فراریان و مهاجرین است که از نظر عبرت برای کسانی که به خاک میهن و خانه و کاشانه خود کورکورانه خیانت می‌کنند درسی انکارناپذیر است و به همین منظور به ذکر آنها می‌پردازیم:

شماره: ۳۰۴

تاریخ: ۲۶/۹/۲۵

سرکنسولگری ایران بادکوبه

محرمانه

«پیرو گزارش محرمانه شماره ۲۱۳ مورخ ۲۶/۸/۲۷ و تلگراف شماره ۲۲۱ راجع به موضوع اقدام در صدور گذرنامه برای دانشجویانی که متجاسرین جبراً به خاک

→ دبیران سفارت شوروی به عمل آمده است. در این مذاکرات نماینده وزارت خارجه همچنان پافشاری دولت را در پس گرفتن پیشموری و دوستان او اظهار داشته ولی نماینده سفارت شوروی در پاسخ گفته بود که «ما با مسکو مشغول مذاکره هستیم و هنوز جوابی در خصوص قضیه پیشموری به ما نرسیده و شاید پیشموری یا ترسیده و شاید پیشموری اصلاً در روسیه هم نباشد. خوب است با دولت ترکیه هم در این خصوص مشغول مذاکره شوید زیرا محتمل است که پیشموری به ترکیه فرار کرده باشد هیچ دلیلی در دست نیست که او در روسیه باشد در این ملاقات نماینده سفارت شوروی تمام اخباری را که در خصوص فعالیت پنهانی پیشموری به وزارت امور خارجه می‌رسیده تکذیب کرده و گفته بود که چون پیشموری باعث بی‌نظمی و عدم آرامش در آذربایجان یعنی در مرزهای جنوبی شوروی بوده طبعاً مورد بی‌مهری مقامات شوروی بوده است.

(به شهادت یکی از ایرانیان موجه و دانشمند که خود با حکومت قلابی دموکرات آذربایجان همکاری می‌کرده و مدتهاست از این عمل خود نادم و پشیمان شده و فعلاً در تهران است نگارنده کتاب اظهار داشت که خود شاهد بوده است که پیشموری را با اینکه در تصادف اتوموبیل چندان به وی آسیب نرسیده بود به بیمارستان منتقل کردند و او به احوال‌پرسی وی رفته و پیشموری را تقریباً سلامت دیده است. ولی فردای آن روز خبر مرگ او را در بیمارستان شنیده است)

شوروی روانه نمودماند معروض می‌دارد.

دانشجویان مزبور را مدت شش ماه به تحصیل فن خلبانی به باد کوبه اعزام داشته و سپس نظر بعدم اطمینان دیگر آنها را داخل خدمات خلبانی نکرده و به تحصیل سایر فنون گماشته‌اند و به جای مدت شش ماه مدت دوسال و کسری در باد کوبه اقامت دارند و کسان و پدران و مادران آنها هم متوالیاً به مقامات وابسته دولت ایران مراجعه و درخواست بازگشت فرزندان خود را می‌نمایند و به خود آنها هم نوشته‌اند که هرچه زودتر عازم ایران شوند. نظر به اینکه مأمورین آذربایجان قفقاز آنها را ایرانی ندانسته و در ردیف اشخاص مجهول‌الهویه قلمداد کرده بودند. و فهمیدند که می‌خواهند بدین ترتیب آنها را برای مدت غیرمعینی بلاتکلیف در خاک شوروی نگاهدارند و به اضافه تبلیغات مضره بین آنها مبادرت کرده‌اند احساسات میهن‌پرستی آنها به جوش آمده صریحاً به سران ماجراجویان گفته‌اند که می‌خواهند به ایران بازگشت نمایند و با آنکه همگی در وحشت و اضطراب بودند که اگر به سرکنسولگری مراجعه کنند مورد تعقیب واقع خواهند شد فشار از طرف ماجراجویان را به اقامت در این صفحات ترجیح داده و بدون واهمه و وحشت ابتدا چهارنفر آنان به سرکنسولگری مراجعه و در ضمن ابراز احساسات و اظهار اینکه آنها را جبراً از آذربایجان در یک کامیون در بسته جای داده و به خاک شوروی آورده‌اند تقاضا کردند که برای آنها گذرنامه صادر شود تا مأمورین آذربایجان قفقاز و ماجراجویان بدانند که تبلیغات آنها بیشتر اسباب تحریکات و احساسات نسبت به میهن عزیز ما ایران شده و بدون ملاحظه به دریافت گذرنامه اقدام نموده‌ایم و برای هرگونه تضییقات ماجراجویان حاضر و آماده می‌باشیم که هرطور است از این ذلت نجات و رهائی یابیم چون در ایرانیت آنها تردیدی نبود برای امیدواری آنها و تشویق سایرین گذرنامه محصلی برای آنها صادر کرده به آنها خاطرنشان نمود که دولت ایران کاملاً واقف و آگاه است که این عده جبراً به خاک شوروی اعزام گردیده و همگی مشمول مرحام دولت ایران می‌باشند و سپس به تدریج پنج‌نفر دیگر نیز مبادرت به دریافت گذرنامه نمودند و پس از آن آقایان کاظم شبستری پسرعلی شبستری و آزاد جاوید فرزند دکتر سلام‌الله جاوید معروف به سرکنسولگری آمده و اظهار داشتند پدران ما برای اینکه مورد اتهام متجاسرین واقع نشوند ما دونفر را هم جزو دانشجویان به باد کوبه روانه نمودند ولی در این مدت همیشه مترصد موقع بوده که به میهن خود بازگشت

نمائیم و پدران ما نوشتانند که فقط نگرانی از ما دونفر دارند و مخصوصاً دستور دادمانند با سرکنسولگری در تماس بوده و مطالب خود را اظهار نمائیم و کتباً مثل سایرین درخواست صدور گذرنامه کردند. مطابق معمول برای آنها هم گذرنامه محصلی صادر شده پس از انتشار این خبر که پسران شبستری و دکتر سلام‌الله جاوید که اهمیت زیادی در نظر مقامات مربوطه آذربایجان قفقاز و ماجراجویان دارند اقدام به دریافت گذرنامه نمودند دچار بیم و هراس گردیده که مبدا سایرین هم به گرفتن گذرنامه اقدام نمایند بدین جهت الماسی و سرهنگ آذر آنها را تهدید کرده و گفته بودند که این اقدام خیانت به فرقه دموکرات و پدران خودتان می‌باشد و باید گذرنامه‌های مزبور را به سرکنسولگری مسترد دارید و در نتیجه این تحریکات و تهدیدات آنها شرحی به سرکنسولگری نوشته و گذرنامه‌های خودشان را به سرکنسولگری فرستادمانند و در عین حال به وسیله دونفر از دانشجویان پیغام داده بودند که رد کردن گذرنامه‌ها از روی اجبار و فشار بوده است و چارهای جز اینکار نبوده والا ماها را بطرف غیرمعلوم تبعید می‌کردند و این اقدام فقط درباره این دونفر به عمل آمده و نسبت به سنفرد دیگر که گذرنامه دریافت کرده‌اند تعرض نکرده و سنفرد آنها را جزو ۱۹ نفر دانشجویان به ایران اعزام داشتند و بقیه هم مستقیماً شرحی به وزارت خارجه و وزارت فرهنگ آذربایجان قفقاز نوشته و تقاضای مراجعت برای بازگشت به ایران کرده‌اند و در همان درخواستها قید کرده‌اند که رونوشت به سرکنسولگری ایران فرستاده شده است.

وزیر خارجه ضمن ملاقات به این نکته نیز اشاره نموده و وعده داد که نسبت به پیشرفت تقاضای این عده کمک و مساعدت نماید. منظور ماجراجویان از این قبیل اقدامات و مخالفت ایرانیان در گرفتن گذرنامه برای اینست که مبدا بین عده اختلافات بیشتری تولید و همگی متوجه سرکنسولگری برای گرفتن گذرنامه بشوند و به اضافه مانند اینست که می‌خواهند پسران شبستری و جاوید را به عنوان گروگان نزد خود داشته باشند که پدران آنها به ملاحظه اطفال خود اقدام مخالفی در ایران ننمایند. با این ترتیب اگر دیگران تقاضای صدور گذرنامه بنمایند باز مورد تهدید واقع می‌شوند و سرکنسولگری نمی‌داند با این وضعیت به چه قسم باید معامله نماید اگر گذرنامه برای ایرانیان که از عناصر مطلوب باشند صادر نمایند آنها گرفتار تهدید و فشار ماجراجویان و دیگران واقع می‌شوند و چنانچه در انجام درخواست آنان خودداری نماید سبب خواهد

شد که ایرانیان مزبور موفق نشوند به ایران بازگشت کنند و یا اینکه ماجراجویان و مأمورین آذربایجان قفقاز عده‌ای که ماجراجویان جبراً به خاک شوروی فرستاده‌اند منع کرده‌اند که از مراجعه به سرکنسولگری خودداری کنند. با اینحال این اشخاص به‌طور مختلفه خودشان را به سرکنسولگری رسانیده مطالب خود را اظهار می‌دارند. مستدعی است بفرمائید تکلیف سرکنسولگری را در این باب معین فرمایند که از همان قرار اقدام شود.

سرکنسول ایران - نصرالله بهنام.»

پی‌نوشت مسئول وزارت امور خارجه: «دفتر محرمانه - اداره دوم سیاسی - اداره گذرنامه - به پرونده دانشجویانی که به خاک شوروی پس از غائله آذربایجان رفته‌اند به دقت مراجعه و پیرو اقداماتی که در این باب به عمل آمده است مراتب به جاهای لازم توضیح داده شود و ضمناً طبق دستورها (۴) به کنسولگری بادکوبه در پاسخ این نامه نوشته شود باید مطابق همان دستورها عمل نمایند. به نخست‌وزیر هم باید توضیح داد. ۹ دی ۲۶. پیرنظر».

گزارش دیگر از نصرالله بهنام:

شماره: ۳۰۵

تاریخ: ۲۶/۹/۲۶

سرکنسولگری شاهنشاهی ایران

بادکوبه

وزارت امور خارجه

محرمانه

بطوریکه استحضار دارند ماجراجویان در دوره خودسری در آذربایجان و کردستان عده زیادی از ایرانیان را جبراً به خاک شوروی آورده و عده هم به ملاحظه شرکت در عملیات ماجراجویان فرار اختیار کرده‌اند. از بدو ورود این عده به خاک شوروی به آنها دستور داده شده که از مراجعه و

تماس با سرکنسولگری ایران خودداری کنند و چنانچه هریک به سرکنسولگری مراجعه کنند مورد تعقیب و تهدید واقع می‌شوند و حتی دستور داده شده که نباید گذرنامه ایران را هم دریافت دارند.

مقامات وابسته آذربایجان قفقاز هم آنها را در عداد مهاجر تلقی کرده از اظهارات و بیانات آنها چنین استنباط می‌شود که این عده چون از دولت شاهنشاهی راضی نبوده علیه دولت قیام کرده‌اند فعلاً مشمول تابعیت ایران نمی‌شوند و حتی میل ندارند که سرکنسولگری در کارهای آنها مداخله کند و سران ماجراجویان به آنها گفته‌اند که عده مزبور از طرف حکومت خودمختاری آذربایجان به خاک شوروی آمده ارتباطی با دولت شاهنشاهی ندارند و با آنکه اکثر این عده ناراضی و غالباً در ایران دارای عیال و اطفال و کسانی می‌باشند و همواره تقاضای بازگشت به ایران را نمودماند آنها را به عناوین مختلفه از بازگشت منع کرده و وعده می‌دهند که قریباً با وضعیت مطلوبی داخل آذربایجان خواهند شد ولی دیگر کاسه صبر ایرانیان مزبور لبریز گردیده کاملاً فهمیده‌اند که ماجراجویان برای اجرای مقاصد خاصی آنها را در خاک شوروی نگاهداشته‌اند و با وضع رقت‌باری ایام را می‌گذرانند چنانچه چند نفر خودکشی کرده‌اند نظر به مراتب معروضه بالا مقامات وابسته آذربایجان قفقاز آنها را ایرانی تشخیص نداده چون مدارکی در دست ندارند شروع به توزیع برگهای معروف به مجهول‌الهویه بین ایرانیان مزبور نمودماند که ترجمه آن به پیوست تقدیم می‌گردد و نظر به اینکه [بعضی] از آنها از گرفتن برگهای مزبور خودداری کرده گفته‌اند دارای تابعیت ایران می‌باشیم دادن این برگها تابعیت ماها را متزلزل خواهد کرد در پاسخ اظهار نمودند که چون این عده جزو فرقه دموکرات و به خاک شوروی پناهنده شده‌ایم می‌بایست این برگها در دست باشد که مورد تعرض مأمورین شوروی واقع نشود. و چنانچه هریک از گرفتن آن امتناع نماید جیره او را قطع کرده محلی هم برای اقامت نمی‌دهند. به این ملاحظات ایرانیان مزبور مجبور به قبول برگهای مجهول‌الهویه شده‌اند. بدیهی است برگهای مجهول‌الهویه تابعیت ایران آنها را متزلزل کرده ممکن است در آتیه برای آنها گذرنامه تابعیت شوروی صادر نمایند و حال آنکه غالب این عده همواره در تلاش می‌باشند که به میهن خود بازگشت نمایند.

اکثر این عده اشخاص ساده و زارع و بی‌سواد می‌باشند و منظور را درک

نمی‌کنند و با این ترتیب یقین است که آنها از مراجعه به سرکنسولگری و گرفتن گذرنامه منع شده‌اند و چنانچه فرضاً هم سرکنسولگری مبادرت به صدور گذرنامه برای این عده بنماید زحماتی را ایجاد خواهد کرد بنابراین به موقع است که در تهران با سفارت کبرای شوروی در این باب داخل مذاکره و اقدامات برخلاف ترتیب مأمورین آذربایجان را در باب صدور برگهای مجهول‌الهویه برای ایرانیان مزبور خاطرنشان و اقدامات اساسی بشود که برگهای مزبور را جمع‌آوری کرده تابعیت ایرانیان را متزلزل نمایند تا موضوع بین دولتين حل و تسویه گردد.

رونوشت این گزارش به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو ارسال گردید.

سرکنسول شاهنشاهی - نصرالله بهنام

(امضا)

گزارش دیگر از آقای نصرالله بهنام:

شماره: ۳۱۵

تاریخ: ۲۶/۱۰/۱

سرکنسول شاهنشاهی ایران

بادکوبه

وزارت امور خارجه

محرمانه

پیرو گزارش محرمانه شماره ۳۰۴ مورخ ۲۶/۹/۲۵ راجع به اینکه ۱۱ نفر از دانشجویانی که متجاسرین جبراً به عنوان تحصیل به بادکوبه اعزام داشته‌اند و از سرکنسولگری گذرنامه محصلی دریافت نموده‌اند معروض می‌دارد

چون منظور اشخاص نامبرده برای بازگشت به ایران می‌باشد نظر به پیشنهاد وزارت خارجه آذربایجان قفقاز که می‌بایست هریک از دانشجویان مورد بحث مایل به عزیمت ایران باشند مستقیماً به مقامات وابسته مراجعه و درخواست مزبور را بنمایند به دانشجویان خاطرنشان ساخت که قبلاً مراتب را به وزارت فرهنگ و وزارت خارجه

آذربایجان قفقاز تذکر داده و رونوشت درخواستها را نیز به سرکنسولگری ارسال دارید که در موقع لزوم اقدامات لازم بشود دانشجویان مزبور هم به همین ترتیب عمل کردند ولی در نتیجه مورد تهدید غلام یحیی و پادکان و سایر سران ماجراجویان واقع گردیده با تحریکات آنها مأمورین سری آذربایجان قفقاز آنها را دنبال و دستور داده‌اند که می‌بایست در آتیه از مراجعه به مقامات وابسته آذربایجان قفقاز و سرکنسولگری ایران خودداری نمایند و حتی یک نفر آنها موسوم به صفوی موقعی که از وزارت خارجه آذربایجان قفقاز خارج شده او را تحت نظر به آسایشگاه دانشکده روانه کرده‌اند بنابراین واضح است که منظور از این اقدام برای جلوگیری از مراجعه دیگران برای دریافت گذرنامه و تقاضای بازگشت به ایران است.

چند روز قبل غلام یحیی عده مزبور را احضار کرده و به آنها گفته است برای چه مقصودی می‌خواهید به ایران عزیمت نمائید در پاسخ گفته‌اند همگی دارای پدر و مادر و عیال و اطفال هستیم و جبراً برای شش ماه دانشجویان را به باد کوبه روانه کرده‌اند و اکنون قریب دو سال است که در باد کوبه اقامت داریم دیگر طاقت و تحمل از دست رفته و به هر قیمت که تمام شود می‌خواهیم بازگشت نمائیم غلام یحیی با تغییر و تشدد آنها را از اطاق خارج کرده و گفته است به ایران مراجعت کنید تا در آنجا تلافی این حرکات را بنمائیم. سران ماجراجویان برای جلوگیری از مراجعه دانشجویان مزبور و سایر ایرانیان که جبراً به باد کوبه آورده‌اند به سرکنسولگری اقدامات جدی نموده و کاملاً مراقبت می‌نمایند ولی همین عمل و اقدام در دادن گذرنامه به دانشجویان مورد بحث و اعزام ۱۹ نفر از دانشجویان به ایران اختلاف را تولید کرده و سران متجاسرین بیم دارند که تدریجاً سایرین هم تقاضای بازگشت به ایران را بنمایند بدیهی است این عملیات هم دوام نکرده و بیشتر اسباب تحریک ایرانیان مزبور را برای بازگشت به ایران فراهم خواهد کرد و چنانچه موفقیت حاصل شود که سایرین هم گذرنامه دریافت نمایند سیاست متجاسرین در تشکیل فرقه دموکرات تا اندازه‌ای خنثی گردیده و نتیجه مطلوب حاصل خواهد شد البته در پیشرفت این منظور همانطوری که تا حال به یک رشته اقدامات مبادرت کرده ادامه خواهد داد که شاید مقصود تأمین گردد نتیجه را به عرض می‌رساند.

اقدامات و فعالیتهای سران متجاسرین برای دادن سازمان جدید و دستگاههای تبلیغاتی آنان در بادکوبه

سران متجاسرین فراری چون وضع همکاران متواری خود را اعم از اینکه به میل و یا به زور و جبر به بادکوبه آمده بودند، مشاهده کردند به فکر افتادند با دادن سازمان جدید و تمرکز قوا افکار پلید و سیاست خائنانه خود را پیوسته تعقیب نمایند و شاید با کمک و پشتیبانی حامیان خویش برای بار دیگر به مرکب آرزو سوار شوند. برای انجام مقصود علاوه بر اینکه به دور یکدیگر گرد آمده تشکیل مجامعی می‌دادند با تأسیس ایستگاه رادیو و انتشار روزنامه‌ای کوشش می‌کردند در افکار فراریان نفوذ کرده آنان را از مراجعت به ایران بازدارند و صدای منحوس خود را به این طرف مرز برای مشوب کردن اذهان آذربایجانیهای وطن‌پرست، برسانند.

به گزارشهای سرکنسول ایران در بادکوبه توجه شود:

سرکنسولگری ایران

بادکوبه

وزارت امور خارجه

محرمانه

پیرو تلگراف شماره ۲۹۵ راجع به موضوع تمرکز سران متجاسرین در بادکوبه و جلسه که در ۲۱ آذر ۱۳۲۶ تشکیل داده‌اند معروض می‌دارند. سران متجاسرین و یک عده از مهاجرین و افسران فراری و عده‌ای از دانشجویانی که جبراً برای تحصیل آورده‌اند از موقع فرار در بادکوبه متمرکز شده‌اند و بقیه متواریان را در اطراف گنجه اقامت داده‌اند که مشروحاً گزارش آن قبلاً به عرض رسیده است.

پس از عدم تصویب شرکت نفت در مجلس شورای ملی متجاسرین را تقویت و به تشکیل فرقه دموکرات اقدام کرده و به چاپ روزنامه آذربایجان و تأسیس استاسیون رادیو و سایر عملیات تبلیغاتی مبادرت ورزیده‌اند و مطابق دستوری که دیگران به آنها می‌دهند تشکیلات خود را تکمیل کرده در هرماه دومرتبه هم جلسه فرقه مزبور تشکیل می‌شود. به هر حال روز ۲۱ آذر ماه که متجاسرین مجبور به فرار گردیدند در باشگاه

موسوم به روشنفکران مجلس را برپا کرده کلیه سران متجاسرین و ایرانیان کارمند فرقه مزبور و کلیه زمامداران آذربایجان قفقاز (غیر از جمفر باقراف دبیر حزب کمونیست) و ملامصطفی بارزانی در مجلس مزبور حضور داشته و به یاد شهدای فرقه دموکرات هریک خطابه‌ای با حرارت ایراد کرده و سپس در میان حرارتهائی که به خرج می‌دادند مذاکراتی برای تاریخ حمله به آذربایجان به میان آمده و بالاخره سران ماجراجویان و اعضای فرقه در حضور زمامداران آذربایجان قفقاز به اتفاق رأی دادند که می‌بایست تا سه ماه دیگر به آذربایجان حمله نمایند. روزنامه شماره ۴ بنام آذربایجان را که مربوط به روز مزبور و به زحمت بدست آورده به پیوست تقدیم می‌دارد. اکثر این عناوین بیشتر برای اطمینان و امیدواری متواریان ایرانی است که متفرق نشده و تقاضای بازگشت به ایران را ننمایند. چنانچه قبل از ۲۱ آذر گفته بودند که روز مزبور در آذربایجان خواهند بود. حالیه موضوع را در فرقه مطرح کرده و قرار اخیر را اتخاذ کرده‌اند. یقین است بعد از سه‌ماه ترتیب دیگری وعده مزبور را تمدید خواهند کرد یکی از مقاصد آنها هم اینست که این قبیل مسائل شهرت پیدا کرده و روحیات اهالی آذربایجان را دچار تشویش و اضطراب نموده و بدین ترتیب تهدیداتی به دولت ایران بنمایند. به هر حال مراقب عملیات و حرکات متجاسرین می‌باشد و هر اطلاع دیگری بدست آید گزارش خواهد شد. ۳۲۱ مورخ ۲۶/۱۰/۱ سر کنسول ایران - نصرالله بهنام

سر کنسولگری شاهنشاهی ایران بادکوبه

وزارت امور خارجه

چون منظور اساسی ماجراجویان و محرکین آنها اینست که بین ساکنین مرزی و آذربایجان تحریکات و تبلیغات نمایند و از قراری که محرمانه خبر رسیده غالباً بعضی از ایرانیان متواری طرف اطمینان خودشان را با لباس مبدل به پاره نقاط مرزی اعزام می‌دارند و به اضافه به وسیله پست پاره‌ای [مطالب را برای کسان خود در آذربایجان اطلاع داده و البته آنها هم به همین ترتیب بعضی اخبار را برای اشخاص مزبور اشعار می‌دارند. بطوریکه از منبع محرمانه خبر رسیده غالباً به وسیله مأمورین کنسولی شوروی

در ایران و پیک سیاسی آنها کالاهائی رد و بدل می‌شود.

رادیو سری به جای رادیو مسکو و بادکوبه به تبلیغات و تهدیدات و توهین به مقامات عالیه دولت شاهنشاهی و تحریک بین جوانان و افسران جوان ارتش خودداری ندارند چنانکه گفته‌های رادیو مزبور در شب جمعه ۲۵ دیماه تنقید عملیات اعلیحضرت فقید و ارتش ایران و تحریکات بین افسران جوان برای مبارزه بوده است البته در تهران مرتباً گفته‌های رادیو سری را استماع و مطالب آن یادداشت می‌شود که تکرار آن اسباب تصدیع است.

بنابراین با تشکیلاتی که ماجراجویان برای تهیه جبهه مخالف دولت شاهنشاهی داده و در اینکار سعی بلیغ می‌نمایند و محرکین آنها هم نقشه کار را تهیه و در دسترس آنها می‌گذارند موضوع قابل اهمیت و توجه مخصوص است و احتمال قوی می‌رود که دستجات مخالف را تدریجاً به نزدیکی مرز ایران روانه نموده و یک کانون فساد را در آن نقاط تهیه نمایند و وضعیتی را مانند یونان ایجاد نموده مشکلاتی را فراهم نمایند و نظر به اینکه آذربایجان ایران را آذربایجان جنوبی نامیده به اهالی آذربایجان قفقاز نیز وعده‌هایی در این باب داده‌اند. زمامداران این کشور هم از هیچگونه کمک و مساعدت به ماجراجویان و تقویت آنها دریغ ندارند. کانون تهیه نقشه شوم در مرکز حزب کمونیست بادکوبه است که منشی آن جعفر باقراف می‌باشد و کلیه دستورات و تصمیمات از مرکز مزبور صادر می‌شود. جعفر باقراف طرف اعتماد و اطمینان کامل مسکو است و همانطوریکه در وقایع گذشته آذربایجان این شخص و اعوان او به نشر روزنامه و تبلیغات و غیره در آذربایجان مبادرت و کلیه دستورهای ماجراجویان در آذربایجان از طرف این مرکز که رئیس آن جعفر باقراف است صادر می‌شد اکنون هم برای پیشرفت مقاصد مزبور شروع به فعالیت کرده گرچه در آذربایجان رئیس جمهوری و نخست‌وزیری و هیئت وزیران وجود دارد ولی هیچیک دارای قدرت و نفوذی نمی‌باشند و کلیه قدرت در دست شخص باقراف متمرکز گردیده است. بنابراین به عقیده بنده نظر به اهمیت قضایا در صورتیکه تصویب فرمایند مقرر گردد اول اینکه کلیه نامه‌هایاصله از بادکوبه و یا نقاط مرزی ایران به آذربایجان تحت سانسور قرار گیرد. دوم همانطوری که مأمورین آذربایجان قفقاز کلیه عملیات سرکنسولگری ایران را تحت نظر گرفته و مانع از ملاقات و آمد و رفت اهالی آذربایجان قفقاز با سرکنسولگری شده‌اند و

حتی به ایرانیان متواری اجازه مراجعه به سرکنسولگری را نمی‌دهند کلیه عملیات مأمورین کنسول دولت شوروی در ایران مخصوصاً در صفحات آذربایجان و نقاط شمالی ایران تحت نظر مراقبت قرار گرفته و از ملاقات اهالی با مأمورین کنسولی دولت نامبرده جداً جلوگیری کنند و بتوان روی اصل معامله متقابله نیز اینکار را انجام داد که فرضاً گله نمایند طرز معاملات با سرکنسولگری را عنوان قرار داد. سوم بطوریکه تلگرافاً عرض شد می‌بایست اقداماتی به عمل آورد تا ایرانیانی که جبراً ماجراجویان آنها را به خاک شوروی روانه نمودمانند مشمول عفو قرار داده و ترتیبی اتخاذ نمود که این عده از اطراف آنها متفرق گردیده و ایادی آنها را به دین ترتیب قطع نمود. چهارم از دولت شوروی جداً استرداد سران ماجراجویان و همدستان آنها دنبال گردد. در صورتیکه فرضاً آنها را در عداد مجرمین سیاسی قلمداد نماید خواسته شود که اقل این عده را از سکونت در نقاط مجاور ایران ممانعت نموده به نقاط دوردست خاک شوروی روانه نمایند. مراتب را به عرض رساند که از جریان امور مزبور استحضار حاصل فرموده هر قسم که مقتضی نباشد برای بر هم زدن کانون فساد مزبور در نقاط مجاور ایران قبل از وقوع حادثه اقدامات موثری مبنول فرمایند. سرکنسول شاهنشاهی - نصرالله بهنام.

رونوشت گزارش بالا برای آگاهی سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو تقدیم می‌گردد.

نصرالله بهنام

علاوه بر اقدامات فوق دستگاههای بادکوبه پیوسته در تحریک اعصاب و نفوذ در اذهان بیکار نشسته با وسایل مختلف در انجام مقصود می‌کوشند. به این گزارشها توجه شود:

شماره: ۳۳۵

تاریخ: ۲۶/۱۰/۹

سرکنسولگری ایران

بادکوبه

سفارت کبرای ایران - مسکو

روزنامه باکینسکی رابوچی چاپ بادکوبه در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۴۷ راجع به

مراجعه دموکراتها به ملت ایران نقل از روزنامه تاس تهران گفته‌های استاسیون رادیو سری را درج کرده که ترجمه و عین قطعه روزنامه به پیوست تقدیم می‌گردد.

روزنامه تاس خواسته است بدین ترتیب ظاهر سازد که از محل استاسیون رادیو سری اطلاعی ندارد و در تهران خبر رادیوی مزبور گرفته شده است. به هر حال بطوریکه ملاحظه می‌فرمائید تاکنون فرقه قلابی دموکرات دلسوزی برای اهالی آذربایجان می‌نمود چون مشاهده نمودند که اهالی آذربایجان پاسخهای داندان‌شکنی به وسیله رادیو و روزنامه‌ها داده‌اند حالیه برای کلیه اهالی کشور ایران دلسوزی نموده و ضمناً تهدید کرده‌اند در موقع خود دستورهای لازم را برای مبارزه بر علیه این وضعیت صادر خواهند کرد.

تمام منظور از این تبلیغات تهدید و مشوب نمودن افهان مردمان کشور ایران است که بدین ترتیب در انجام منظور موفقیت حاصل نمایند. سر کنسول شاهنشاهی - نصرالله بهنام.

عین مطالب روزنامه با کینسکی رابوچی به این قرار است:

روزنامه با کینسکی رابوچی مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۲۷. شماره ۲۴۹ (۸۲۱۵)

روزنامه با کینسکی رابوچی مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۲۷. شماره ۲۴۹ (۷۶۹۰)

مراجعه دموکراتها به ملت ایران

تهران (تاس) مراجعه حزب دموکرات آذربایجان ایران

به ملت ایران که توسط دستگاه رادیو دموکراتها پراکنده شده بود در اینجا گرفته شده است. در این مراجعات ایران را دعوت می‌نماید که به زیر پرچم حزب توده متفق شده با ارتجاع در راه آزادی و استقلال ایران و امپریالیسمی مبارزه نمایند.

در همین مراجعه ذکر شده است که حزب دموکرات آذربایجان نمی‌تواند خود را از جریانات فعلی کشور به کنار بکشد و بدین جهت برای مبارزه بر علیه وضعیت موجود در موقع خود دستورات لازم را خواهد داد.»

فرقه دموکرات فراری نه تنها از دستگاههای رادیو برای تبلیغات شوم خود استفاده می‌کردند بلکه با نصب بلندگوئیهای در نقاط مرزی صدای منحوس خود را به گوش اهالی مرزی می‌رساندند.

وزارت امور خارجه

شماره: ۸۳۵۴

سفارت کبرای ایران - مسکو

رونوشت گزارش استانداری آذربایجان راجع به نصب بلندگو در آستارای شوروی و پخش اخبار رادیوی سری که از وزارت کشور رسیده است برای آگاهی و اقدام مقتضی به پیوست ارسال می گردد. به جای وزیر امور خارجه.

وزارت کشور - رونوشت گزارش بخشدار آستارا راجع به نصب بلندگو در آستارا شوروی و پخش اخبار رادیوی متجاسرین و اقداماتی که برای رفع نگرانی اهالی به عمل آمد تلوأ ایفاء می گردد. استاندار آذربایجان - علی منصور.

محترماً در پاسخ مرقومه ۱۲۰۳ - ۲۶/۹/۲۵ خاطر شریف را مستحضر می دارد چند روز قبل از رسیدن صدای منحوس فرقه دموکرات آذربایجان از دستگاه دهنده و مجهولی به گوش مردم. شورویها یک دستگاه بلندگو خیلی قوی نزدیک آستارا روی برج دیده بانی خودشان گذاشته بودند که در ساعت ۷ ترکی و فارسی صدای آنها را دستگاه گیرنده خودشان گرفته و با بلندگو پخش می نمودند. چون تبلیغات آنها را مسموم تشخیص داده و دیده شد بعضی از تجار از ترس صدا کوچ داده اند کمیسیونی در تاریخ ۲۶/۹/۱۶ نموده و مردم را دلگرم و امیدوار کردیم که با قوت قلب مأمورین به انجام وظیفه اهالی به کسب خود مشغول بشوند. بخشدار و شهردار آستارا. خورشیدی ۱۲۷۹ - ۲۶/۱۰/۱۵. رونوشت جهت استحضار به مقام معظم استانداری آذربایجان تقدیم می شود.

فرماندار اردبیل - بهار

وزارت امور خارجه ضمن دو فقره یادداشت در تاریخهای ۹ دیماه و ۲۶ آذر ۱۳۲۶ به دستگاه فرستنده و تبلیغات متجاسرین فراری توسط سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی به آن دولت اعتراض کرده تقاضا نمود که اقدامات لازم را در جلوگیری از این انتشارات و تبلیغات غیردوستانه به عمل آورد. اینک متن دو یادداشت و پاسخ سفارت شوروی:

شماره: ۷۳۵۳

تاریخ: ۲۶/۱۰/۹

وزارت امور خارجه

یادداشت

وزارت امور خارجه ایران با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیرو یادداشت شماره ۶۵۳۲ مورخه ۸ آذرماه ۱۳۲۶ توفیراً زحمت‌افزا می‌گردد.

به موجب اطلاعات واصله اخیراً پست فرستنده روی طول موج متوسط ۳۷۹ متر به قوه ده کیلووات به زبان فارسی و ترکی در ساعت ۱۹ و ۲۱/۵ به وقت تهران شروع به سخن‌پراکنی نموده خود را رادیو فرقه دموکرات آذربایجان معرفی می‌نماید و گفتارهای آن شامل همان تبلیغات سوء بر علیه دولت و سخنان تحریک‌آمیز و تهمت‌های ناروا نسبت به مقامات عالیه کشور ایران می‌باشد.

این دستگاه فرستنده طبق تحقیقاتی که به عمل آمده پس از ورود ارتش ایران به تبریز در ایستگاه راه‌آهن در واگن نصب بوده و آنتن آن هم به طول شصت متر و قابل تحرک و نصب مجدد بوده و به وسیله واگن راه‌آهن حمل می‌شده در سال ۱۳۲۴ در اختیار نیروی شوروی بوده پس از تخلیه نیرو به وسیله دونفر مهندس تبعه شوروی اداره می‌شده و در زمان متجاسرین عین برنامه رادیو تبریز را برای منطقه آذربایجان روی موج متوسط ۳۷۹ متر پخش می‌نموده زیرا رادیو تبریز فاقد موج متوسط و فقط روی موجهای ۲۵ و ۲۷ و ۴۹ متر پخش می‌شده است و پس از موافقت بین وزارت امور خارجه و آن سفارت کبری ضمن سایر مؤسسات بی‌سیم به خاک شوروی برده شده و فعلاً معلوم می‌شود در بادکوبه نصب و در اختیار متجاسرین فراری از آذربایجان ایران گذارده شده است.

به طوریکه در یادداشت سابق هم متذکر گردید نظر به اینکه این قبیل انتشارات و حملات بر علیه دولت دوست همجوار برخلاف نص صریح قرار داد و شهود موجوده و متباین روابط دوستی و همسایگی می‌باشد خواهشمند است دستور فرمائید مراتب بالا به اطلاع مقامات دولت شوروی برسانند که اقدامات لازم در جلوگیری از این انتشارات

غیردوستانه و تأسف آور به عمل آورند. رونوشت بالا عطف به تلگراف رمز شماره ۳۳۹ سفارت کبرای مسکو و تلگراف رمز ۱۲۱۶ وزارت امور خارجه به آن سفارت کبرای ارسال می گردد تا در آنجا هم یادداشت مفصل و موثری به وزارت امور خارجه شوروی در جلوگیری از این تبلیغات و انتشارات موهن و زننده رادیوها نوشته شود. بجای وزیر امور خارجه. نمره ۷۳۵۵ مورخ ۲۶/۱۰/۹.

سفارت شوروی با وجود تمام این مراتب در پاسخ یادداشت وزارت امور خارجه وجود چنین رادیوئی را بکلی انکار کرد و در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۴۸ چنین نوشت:

یادداشت

«سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران تعارفات خود را به وزارت امور خارجه ایران تقدیم و در پاسخ یادداشت مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۴۷ شماره ۷۳۵۳ احتراماً اشعار می دارد که به موجب اطلاعاتی که از مقامات صلاحیتدار شوروی رسیده است در خاک اتحاد جماهیر شوروی به هیچ وجه ایستگاه رادیو متعلق به حزب دموکرات آذربایجان وجود ندارد».

وزارت امور خارجه یادداشت دیگری در پاسخ یادداشت سفارت شوروی به این مضمون ارسال داشت:

نمره: ۸۴۴۶

تاریخ: ۲۶/۱۱/۲۶

وزارت امور خارجه

یادداشت

«وزارت امور خارجه ایران با اظهار تعارفات خود به سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی در پاسخ یادداشت شماره ۸ مورخه ۸ ژانویه ۱۹۴۸ احتراماً زحمت افزا می گردد».

با استحضار از مندرجات یادداشت بالا که وجود رادیو سری متعلق به متجاسرین فراری ایران را تأیید ننموده و تکذیب شده است متأسفانه مشاهده می شود که این رادیو

کمافی السابق در موقع خود به سخن پراکنی و انتشارات و تبلیغات بر ضد ملت و کشور ایران را ادامه می دهد.

مطابق اطلاعات واصله اخیراً استاسیون رادیوی مزبور به مردکان شخصت کیلومتری بادکوبه انتقال داده شده و از هیچ قسم تحریکات و اتهامات نسبت به مقامات کشور و اغوا کردن جوانان ایران خودداری ندارد.

البته تصدیق می فرمائید اینگونه تبلیغات و تحریکات در خاک اتحاد جماهیر شوروی بر علیه دولت دوست و همجوار خود مخالف با هرگونه اصول و مباین مقررات و شهود منعقد بین دولتین می باشد. به این لحاظ وزارت امور خارجه از آن سفارت کبری خواهشمند است با متوجه ساختن اولیای محترم دولت شوروی به مراتب بالا و محل استاسیون رادیو سری اقدامات موثر و فوری در جلوگیری از این انتشارات و تبلیغات مضره به عمل آورده و نتیجه را هرچه زودتر اشعار فرمایند.

رونوشت بالا با رونوشت یادداشت سفارت کبرای شوروی برای اقدام به سفارت کبرای ایران ارسال می گردد.

نمره: ۸۴۴۷ به تاریخ ۲۶/۱۱/۲۶ از طرف وزیر امور خارجه.»

وزارت امور خارجه نتیجه اقدام خود را ضمن نامه شماره ۸۳۴۳ مورخ ۲۱ آذر ۱۳۲۶ به نخست وزیر و ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی و وزارت جنگ و ستاد ارتش اطلاع داد.

با تمام این تفصیل رادیوی متجاسرین خاموش نشد و همچنان به کار خود ادامه می داد. دستگاه تبلیغاتی خائنانش تنها به نشر اکاذیب به وسیله دستگاه فرستنده اکتفا نکرد بلکه به نشر روزنامه ای به نام «آذربایجان» مبادرت ورزید که گزارش به این قرار از طرف سرکنسول ایران در بادکوبه به اطلاع وزارت امور خارجه رسید:

نمره: ۳۴۴ تاریخ: ۲۷/۴/۲۸

سرکنسولگری ایران

بادکوبه

وزارت امور خارجه

طی گزارش محرمانه پیشین عرض نمود که ماجراجویان با دستور محرکین

روزنامه‌ای بنام «آذربایجان» در بادکوبه منتشر نموده‌اند و برای اینکه محل چاپ آن معلوم نشود و شاید مدعی شوند که در ایران منتشر می‌شود تاریخ و بهای اشتراک را به فارسی چاپ نموده‌اند و حال آنکه جای تردید نیست که این روزنامه در بادکوبه و چاپخانه قدیم به زبان ترکی منتشر می‌شود و تقریباً مندرجات روزنامه مزبور را بلکه با عبارات زننده در رادیو سری پخش می‌نمایند و رادیو سری کما فی‌السابق در مردکان برقرار می‌باشد. به هر حال یک نسخه دیگر از روزنامه آذربایجان که مقالاتی علیه زمامداران دولت ایران درج نموده به پیوست تقدیم می‌دارد. ضمناً به عرض می‌رساند برای اینکه ثابت نمایند که این روزنامه در بادکوبه چاپ نمی‌شود از نشر آن بطور آزاد خودداری کرده و فقط بین ماجراجویان و ایرانیان متواری توزیع کرده و به غالب ایرانیان مزبور هم خاطرنشان کرده‌اند که این روزنامه در آذربایجان ایران چاپ می‌شود به وسایلی بدست افتاده است. البته رؤسای ماجراجویان از حقیقت امر مطلع و خود آنها روزنامه مزبور را به اطلاع می‌رسانند ولی ایرانیان متواری که در نقاط مختلف خاک شوروی مخصوصاً در گنجه و نقاط مجاور مرز ایران اقامت دارند از چگونگی امر بی‌اطلاع می‌باشند و به وسیله تبلیغات به آنها اعلام داشته‌اند که روزنامه مزبور در آذربایجان ایران چاپ می‌شود و می‌خواهند بدین ترتیب آنها را متقاعد سازند که در آذربایجان هنوز از طرفداران فرقه قلابی دموکرات وجود دارد که مشغول تهیه مقدمات ورود آنان به آذربایجان می‌باشند ولی با اینگونه تبلیغات ایرانیان متواری به عدم صحت این قضایا آگاه گردیده و بنده هم به وسایل مخصوص به آنها خاطرنشان نموده که تمام این اظهارات و تبلیغات برخلاف واقع است و اهالی آذربایجان از این دسته ماجراجوی خائن متنفر می‌باشند و به این جهت هیچوقت امکان ندارد که اهالی غیور آذربایجان به اینگونه عناصر فاسد مهلت و فرصت دهند که مشغول تحریکات شوند. کلیه ایرانیان متواری که ماجراجویان آنها را فریب داده و به بادکوبه آوردند از عمل خود پشیمان گردیده درصدد چاره‌جویی و علاج هستند که خود را نجات دهند. سرکنسول ایران - نصرالله بهنام

یاس و ناامیدی متجاسرین فراری از وعده‌های پوچ و بی‌اساس رهبران خائن خود و مخصوصاً با از میان رفتن و یا مرگ پیشه‌وری رهبر کل سبب شد که بین سران ماجراجویان اختلافاتی بروز کند و هر کدام برای احراز مقام رهبری و جلب بیشتر عده‌ای

فراری به سوی خود به اقداماتی متوسل گردند. شرح این قضیه را سرکنسول ایران در گزارش خود به وزارت امور خارجه چنین توصیف می‌کند:

شماره: ۳۰۷

تاریخ: ۲۶/۹/۲۶

سرکنسولگری ایران
بادکوبه

وزارت امور خارجه

«تلگرافاً به عرض رسید که بین سران ماجراجویان اختلافاتی رخ داده و به اضافه برای اینکه متواریان از ایران که همواره می‌خواهند به ایران بازگشت نمایند امیدواری می‌دهند که قریباً به آذربایجان حرکت و مقصود حاصل خواهد شد. مطابق بازجوئی که به عمل آمده پادگان - کاویان - غلام یحیی و سرهنگ آذر افسر فراری که از سران ماجراجویان محسوب می‌شوند هریک عده‌ای را جمع کرده با خیالات خود همراه نمودماند و در جلسات فرقه دموکرات هریک اظهارات مخالف یکدیگر می‌نمایند و هریک به عقیده خود عملیات سایرین را برخلاف ترتیب داده حملاتی می‌نمایند. چون برای جانشینی پیشه‌وری یک نفر را انتخاب کنند اختلاف نظر زیادی به وجود آمده و بالاخره با مداخله دیگران پادگان ریاست فرقه و دکتر جهانشاحلو به سمت معاونت و اداره کردن امور سیاسی فرقه انتخاب شده‌اند. با اینحال اختلافات باقی است. در ظرف مدت یک سال که ماجراجویان به آذربایجان قفقاز متواری گردیدند در بدو امر نسبت به آنها مهربانی زیاد شده و معاش آنها را تأمین می‌کردند ولی نظر به اینکه مطابق قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی باید هر کس دارای شغلی باشد که بتواند اعاشه شود اوضاع و احوال ماجراجویان مطابق میل صورت نگرفته و نسبت به فراریان مخصوصاً افسران فراری از ایران روی خوش نشان نداده و وضعیت خیلی سختی می‌گذرانند و بکلی از عمل خود پشیمان شده‌اند ولی چاره جز تحمل ندارند. فقط پادگان - غلام یحیی - کاویان - بیریا مورد اطمینان هستند و نسبت به بقیه اطمینان کامل ندارند.

پس از پیش آمد اخیر و عدم تصویب شرکت نفت در مجلس شورای ملی از

ماجرای جوانان تقویت کرده و هر قسم تشویق می‌شود که آنها وضعیت خود را مرتب و از متواریان سرپرستی و کمک و مساعدت نمایند که اسباب امیدواری آنان فراهم گردد و مقدمات حرکت به آذربایجان به متواریان تبلیغ می‌گردد که خود را آماده نمایند و به این جهت غلام یحیی برای سرپرستی به امور زندگانی و تقسیم خواربار تعیین گردیده و اداره مخصوص تشکیل داده است و برای اینکه تشکیلات فرقه دموکرات مرتب گردد شروع به توزیع برگ کارمندی فرقه دموکرات کرده‌اند یعنی بدو برگهائی را که هویت و تعهد آنها را در مقابل فرقه دموکرات دارند به امضای آنها رسانیده و برای هریک برگه‌ای قبول کارمندی را می‌دهند و این عمل را در بادکوبه و کیروآباد (گنجه) و سایر نقاط که متواریان اقامت دارند شروع کرده‌اند و مطابق آن برگه‌ها برای هریک خواربار و لباس و غیره تعیین و تقسیم می‌نمایند.

کرده‌ای بارزان و ملا مصطفی رئیس آنها را در اطراف گنجه اقامت داده‌اند و به آنها کمکهای لازم می‌نمایند و این عده را مخصوصاً در نقاط مجاور مرز ایران سکونت داده‌اند که اهالی آذربایجان را دچار تشویش و اضطراب نمایند و به افراد کرده‌ای بارزانی بیش از متواریان مساعدت می‌شود و اطمینان نسبت به آنها به مراتب بیش از سایر متواریان ایرانی است. متواریان از ایران به استثناء عده‌ای از مهاجرین که فعلاً در آذربایجان قفقاز اقامت داشته و سپس به ایران رفته و با ماجراجویان فرار نموده‌اند بقیه همه در انتظار بازگشت به ایران می‌باشند و برای انجام این جدت‌های زیادی کرده و حتی خودشان را به مخاطره انداخته‌اند ولی موفقیت حاصل نکرده‌اند و مرزهای شوروی مجاور ایران را طوری مسدود کرده‌اند که هیچکس نمی‌تواند بطور قاچاق وارد یا خارج گردد بنابراین متواریان ایرانی با میل و رغبتی که دارند موفق به بازگشت به ایران نمی‌شوند.

خبر آگهی عفو عمومی اهالی آذربایجان و کردستان و زنجان که یک عده از متواریان از مدلول آن آگاه شده و بنده هم به نوبه خود به وسایلی عده‌ای از آنها را مستحضر نموده حسن اثر بخشیده و بیشتر همین مسئله مشوق جدی برای بازگشت آنان گردیده و اختلافات حاصله را تقویت کرده است ولی در مقابل ماجراجویان تبلیغ نموده‌اند که دولت ایران کلیه مهاجرین در آذربایجان و خراسان را دستگیر و تبعید کرده است و اگر شماها هم به ایران مراجعت کنید همین معامله را خواهند نمود. به بعضی از آنها که این خبر را داده بودند خاطرنشان نمود آنها از مهاجرینی بوده که تمام

مدت عمر در خاک شوروی بوده و در مدت اقامت در ایران مرتکب قتل و غارت و سرقت و غیره شده برخلاف امنیت اقداماتی کرده بودند که دولت ایران آنها را جمع آوری و در نقاط خوش آب و هوا سکونت داده و به امر رعیتی و کشاورز مبادرت ورزیده‌اند و حال آنکه متواریان از ایرانیانی هستند که در ایران دارای خانواده می‌باشند و جبراً ماجراجویان آنها را آورده‌اند این عده در عداد مهاجرین محسوب نمی‌شوند و این تبلیغات ماجراجویان برای جلوگیری از بازگشت متواریان می‌باشد. به هر حال ماجراجویان و دیگران از اقدامات ممکنه برای عدم بازگشت آنان فروگذار نمی‌نمایند و بدیهی است اگر این عده موفق به بازگشت شوند بکلی سیاست تحریک و تهدید آنها خنثی خواهد شد بنابراین چنانچه در صورت امکان بتوان از آذربایجان اشخاصی را به کیروآباد گنجه روانه کرد که آنها را از عفو عمومی آگاه نمایند و تبلیغ نمایند که کلیه آنها از مقامات مربوطه شوروی درخواست بازگشت کرده و مقاومت نمایند سبب خواهد شد که مأمورین شوروی هم وجود آنها را بی‌ثمر دانسته و با عزیمت آنان موافقت نمایند. به هر حال مراتب را به عرض رسانید و هرگونه اخباری بدست آورد گزارش خواهد کرد. سرکنسول ایران - نصرالله بهنام.»

پس از اینکه قانون عفو عمومی از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و به توشیح ملوکانه رسید چون مفاد آن شامل حال فراریان نمی‌شد بیش از پیش آنان را مایوس و ناامید کرده در بن‌بست قرار داد. به این گزارش توجه شود:

نمره: ۱۶۴

وزارت امور خارجه

به تاریخ: ۲۷/۶/۱۴

محرمانه

پس از انتشار مواد قانون عفو عمومی غائله آذربایجان به وسیله رادیو تأثرات عمیقی در روحیات ماجراجویان و ایرانیانی که در غائله مزبور جبراً و یا به میل به خاک شوروی آمده‌اند بخشیده.

بطوریکه استحضار دارند همواره محرکین قضایای آذربایجان به ماجراجویان و ایرانیان مزبور وعده می‌دادند که قریباً به آذربایجان اعزام خواهند شد که مبارزه را ادامه

دهند. در این باب تبلیغات نموده و در فیلم موسوم به «آن طرف ارس» این قبیل پاره‌سراکیها زیاد شده بود و ماجراجویان و ایرانیان مورد بحث امیدوار بودند که با وضعیت بهتری وارد آذربایجان خواهند شد و دولت شوروی مجدداً از آنها تقویت خواهد کرد. اگرچه در طول زمان اثری از آن وعده‌ها مشاهده نشده که در نتیجه اسباب یأس آنها را فراهم کرده و بکلی از عملیات خود پشیمان شده‌اند ولی قانون مزبور از طرفی آنها را از بازگشت به ایران مأیوس کرده و از طرف دیگر امیدواری به کمک و مساعدت دولت شوروی هم چون اطمینان حاصل کرده‌اند که عده مزبور قادر به بازگشت به ایران نخواهند شد بیشتر سعی و جدیت می‌نمایند که آنها را به طرف خود جلب کرده استفاده‌های لازم را از آنان بنمایند ولی یقین است در عین حال حسن ظن دیگری به دولت شوروی نداشته و به خوبی فهمیده‌اند مرتکب عملیاتی شده‌اند که هیچگونه راه نجاتی موجود نیست. البته به غیر از ماجراجویان و مسببین وقایع گذشته آذربایجان سایرین که جبراً به خاک شوروی آمده‌اند باز امیدواری دارند که شاید بر طبق تصویب‌نامه مورد عفو واقع شوند ولی چون در مقابل دولت شوروی به آنها اجازه خروج نخواهد داد بی‌اندازه نگران می‌باشند. مطابق اطلاعاتی که کسب نموده پس از تصویب قانون مزبور دولت شوروی دیگر توجه زیادی به آنها ندارند و حتی می‌گویند حقوقی را هم که در هر ماه دانشجویان می‌پرداخته مورد تجدیدنظر قرار داده و احتمال می‌رود که حقوق مزبور را هم تقلیل دهند. سرکنسول ایران - بهنام.»

به‌این ترتیب ماجرای مثنی خائن وطن‌فروش و یا فریب‌خورده از بیگانگان که سرانجام آنان جز بدبختی و نکبت و سرگردانی و یا نوکری اجانب و دوری از خانواده و کاشانه برای همیشه بود نتیجه‌ای عاید نشد.

فصل هفدهم

نتایج سیاسی خاتمه غائله آذربایجان و مسئله نفت

به هر تقدیر باید به این نکته توجه داشت که برای آغاز هر جنگی باید دو طرف متخاصم وجود داشته باشد. بنابراین به نظر من (توماس. ویلسون)^۱ جنگ سرد از تاریخ مارس ۱۹۴۶ آغاز می‌شود. زیرا در این تاریخ بود که کشورهای متحده امریکا نیروی خود را در برابر توسعه‌طلبی شوروی قرار داد و در نتیجه این اقدام امریکائیان از قطب شمال و نروژ تا ژاپن با شورویها روبرو گردیدند. از این جهت این قضیه خود دلیل قاطعی است که جنگ سرد در ماه مارس ۱۹۴۶ یعنی شش ماه پس از پایان جنگ دوم جهانی در اقیانوس کبیر آغاز گردیده است.

علت آغاز کشمکش این بود که هنری ترومن رئیس‌جمهوری امریکا مصمم شد به نقشه آشکار شوروی برای اشغال ایران اعتراض کند و این نخستین مرحله از یک سلسله «عملیات ابتکاری» و «ابتکارات متقابل» بود که از علائم مشخصه آغاز جنگ سرد به شمار می‌رود و مرحله اول این ابتکار عملیات از ۱۹۴۴ تا تقریباً ۱۹۵۳ بطول انجامید.

بنظر ترومن وضع ایران در ماه مارس ۱۹۴۶ طوری نبود که بتوان در آن‌باره سازش کرد. زیرا بطوریکه می‌دانیم به بهانه پیدا کردن راهی برای رسانیدن مهمات به ارتش سرخ، روسها شمال ایران و انگلیسها و امریکائیان جنوب ایران را اشغال کرده بودند و در کنفرانس تهران که در ۱۹۴۳ تشکیل گردید سه متفق مزبور موافقت کردند

1- Thomas W. Wilson - Cold War in Common Sense Newyork 1952. p.g

شش ماه پس از پایان جنگ در اروپا نیروهای خود را از ایران خارج کنند. امریکا و انگلیس پیش از تاریخ معین ششم مارس ۱۹۴۶ ارتش خود را از ایران خارج کردند ولی روسها نه تنها به تعهد خود عمل نکردند بلکه حزب توده ایران و حکومت خودمختار آذربایجان را به سرپرستی یک نفر کمونیست بنام جعفر پیشووری در شمال ایران به وجود آوردند. دستگاههای تبلیغاتی شوروی علیه دولت ایران آغاز به فعالیت کردند و همین که ارتش ایران به قسمت شمالی کشور فرستاده شد تانکهای روسی راه آن را سد کردند و جلوی پیشروی ارتش را گرفتند.

البته تمام این اقدامات مورد توجه واقع شده به موقع به آنها اعتراض شد. دولت ایران مستقیماً با دولت شوروی تماس گرفت و از اعمال آن شکایت کرد ولی نتیجه مطلوب به دست نیامد. امریکا و انگلیس به حمایت از ایران یادداشت‌هایی به مسکو فرستادند ولی از آن هم نتیجه گرفته نشد. قضیه چنانکه در آغاز کتاب دیدیم به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع گردید ولی بی‌اثر ماند. بیرنس وزیر امور خارجه امریکا نطق شدیدالحنی ایراد کرد و اظهار داشت: «چنانچه برخلاف منظور و اصول منشور سازمان ملل متحد کسانی به زور متشبث شوند یا آن را وسیله تهدید قرار دهند امریکا تماشایی و بی‌اعتنا نخواهد بود.» باز هم مثل این بود که استالین گوش شنوا ندارد.

سپس در آغاز ماه مارس یک ستون از ارتش شوروی از آذربایجان به سوی پایتخت ایران حرکت کرد و ستون دیگر به سوی مغرب روی آورد و به جانب مرزهای ترکیه و عراق رهسپار گردید و یکی از وابسته‌های نظامی امریکا گزارش داد یک تانک شوروی را در ۲۵ میلی تهران دیده است.

ترومن در یادداشت‌های خود راجع به این موضوع می‌نویسد که «پیشروی گازانبری روسها به طرف مرزهای شرقی ترکیه برای او ناراحتی ایجاد کرده ولی از اینکه روسها بدون کوچکترین شفقت و عاطفه‌ای به حقوق کشور کوچکی اعتنا نکرده به تعهدات خود اهمیتی نمی‌دهند بیشتر دچار وحشت و نگرانی شده است و احساس می‌کند که روسها تصمیم گرفته‌اند نقشه خود را عملی کرده توجهی به امریکا و سازمان ملل متحد نکنند.»

ترومن با توجه به اصول منشور آتلانتیک و تعهد امریکا در کنفرانس سه جانبه تهران به استالین اعتراض کرد و هشدار داد که چنانچه شوروی به تعهدات خود در مورد

خروج ارتش سرخ از ایران عمل نکند «سازمان ملل متحد» را نادیده بگیرد نیروی دریائی و زمینی امریکا در خلیج فارس صف آرائی کرده آماده خواهند شد.»
به این منظور بود که رئیس جمهوری امریکا با عجله هریمن را به سمت سفارت کبرای امریکا در لندن منصوب نمود. ترومن به سفیر خود اظهار داشت با روسها وارد کشمکش شدیدی شده است، گرچه به عقیده او استالین در ایران عقب نشینی خواهد کرد ولی نمی تواند به این موضوع کاملاً اطمینان داشته باشد. زیرا ممکن است اعتراض او منجر به جنگ شود و برای کشورهای انگلیس و امریکا بسیار مهم است که در کلیه مسائل با یکدیگر توافق نظر داشته باشند.

آندره گرومیکو کوشش کرد طرح شکایت ایران را در شورای امنیت که قرار بود در تاریخ ۲۵ مارس تشکیل شود به تأخیر اندازد لکن با تدابیری که از طرف دولت ایران اتخاذ گردید و لیاقت حسین علاء سفیر دولت ایران در واشنگتن توفیقی حاصل نکرد. در تاریخ ۲۶ مارس آندره گرومیکو اظهار داشت که «ارتش سرخ در ظرف پنج یا شش هفته ایران را تخلیه خواهد کرد مگر اینکه پیش آمد غیرمترقبه ای رخ دهد». در تاریخ ۲۵ آوریل دولت شوروی اعلام داشت که در ظرف یک ماه ارتش خود را از ایران خارج می کند. گرچه در آن تاریخ کسی از این اتفاقات اطلاعی نداشت. ولی باید گفت طرح شکایت دولت ایران در شورای امنیت بالاخره منجر به خروج نیروهای ارتش شوروی از ایران گردید. موضوعی را که در آن زمان هیچکس حتی استالین و ترومن هم نمی توانستند پیش بینی بکنند این بود که این اقدامات آغاز جنگ سردی که اعلام نشد، به شمار می رفت و همین عمل برای مدت هفده سال و شاید بیشتر جریان دنیا را زیر تأثیر خود قرار می داد. یادداشتی که ترومن برای استالین فرستاد مقدمه اقدامات امریکا بود که بعداً به عنوان «جلوگیری از توسعه نفوذ» معروف گردید. زمانی که استالین ارتش خود را از ایران فراخواند انتظار داشت که سلطه خود را به طرز سهلتر و کم سرو صداتری عملی سازد و تا مدتی هم چنین می پنداشت که در این قسمت توفیق حاصل خواهد کرد.^۲

۲- کتاب جنگ سرد در سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷ تألیف سرلشکر دکتر ابوالحسن

سمادتمند. صفحات ۶۱ تا ۶۴.

ولی حوادث بعدی نشان داد که عکس این اندیشه و طرح به عدم توفیق منجر گردید. هنگامی که مجلس پانزدهم برای کار آماده شد عموماً عقیده داشتند که بی‌درنگ قرارداد نفت را که یکی از آرزوهای استالین بود، تصویب خواهد کرد. سادچیکف سفیر شوروی برای تسریع در تصویب قرارداد نفت به قوام نخست‌وزیر فشار می‌آورد.^۳ با این حال روسها با مقاومت شدید و غیرمنتظره‌ای روبرو شدند.

۳- راجع به فشار و ترساندن دولت ایران از عدم تصویب امتیاز نفت از طرف مجلس شورای ملی به این سند توجه شود:

تلگرام: ۲۴۷ - ۱۰/۹۱/۷۹۱۰

از سفیر امریکا در ایران (آلن) به وزارت امور خارجه

تهران: ۱۲ اکتبر ۱۹۴۷ ساعت ۹ بعدازظهر
محرمانه - فوری

۹۴۹ - دیروز قوام گزارشی را که از مقامات نظامی ایران رسیده بود قرائت کرد. در این گزارش گفته شده که در مرزهای ایران در نقاط سرحدی پلدشت - جلفا و آستارا در آذربایجان و در عشق‌آباد در سرحد ترکستان از چند روز پیش فعالیت و نقل و انتقال واحدهای ارتش مشاهده می‌شود. تصور می‌کنم که این اقدامات و فعالیتهای نظامی برای ترسانیدن ایران است که در صورت عدم تصویب قانون نفت دولت شوروی ایران را به تجاوز به خاکش تهدید می‌کند. قوام گفت که وضع بیش از آنچه که تصور می‌شود وخیم است. زیرا اگر مجلس شورای ملی سرانجام پیشنهاد شوروی را نپذیرد و آن را رد کند در این صورت شورویها بلافاصله شروع خواهند کرد که دستجات نظامی غیرمنظمی را به خاک ایران وارد نمایند که با درگیری با این دستجات بهانه‌ای دبست آنها بیفتد که قوای نظامی خود را به استناد ماده ۶ عهدنامه سال ۱۹۲۱ به ایران بیاورند: به وی متذکر شدم که این ماده ناظر بر آن است که اگر ایران مورد تجاوز قدرت ثالثی بر ضد شوروی بشود آن وقت است که شورویها به چنین اقدامی متوسل گردند، قوام اظهار داشت که شورویها به هیچ‌وجه حاضر نیستند ماده ۶ را به نحوی که در عهدنامه متذکر شده تعبیر و تفسیر نمایند چنانکه در چند نوبت شورویها در موقع ملاقاتهای من در مسکو با این ماده من را تهدید کرده‌اند. ضمناً اظهار داشت که این موضوع را چندین بار به سفیر شوروی در تهران تذکر دادم ولی او این نقل و انتقالات را بکلی انکار کرد. به وی گفتم که یکبار دیگر مراتب را به سفیر شوروی تذکر دهید و بگوئید که طبق گزارشهای پی در پی مقامات مربوط این موضوع صحت دارد و ضمناً مراتب را هم به وسیله سفیر خود در مسکو به اطلاع مقامات مسکو برسانید... قوام گفت این اقدام بیهوده است زیرا مدت چهل روز است که برای سفیر جدید ایران در مسکو درخواست پذیرش شده ولی مسکو هنوز جواب

نمایندگان مخالف ضمن سخنرانیهای موثر و قوی در پیشگاه مجلس به قرارداد نفت حمله کردند و آن را مضر و غیرقانونی اعلام نمودند. در یکی از جلسات مجلس، نمایندگان مخالف با چنان شدت و حدتی از سیاست دولت انتقاد کردند که نخست‌وزیر و اکثریت اعضای مجلس که طرفدار او بودند اعتراض کنان جلسه را ترک کردند. مطبوعات ملی نیز از روش اقلیت طرفداری می‌کردند و مرتباً به دولت حمله می‌نمودند. از طرف دیگر حتی در میان طرفداران قوام‌السلطنه هم آثار مخالفت با تصویب قرارداد نفت نمایان می‌گردید.

در این اثنا جرج آلن سفیر امریکا در انجمن روابط فرهنگی ایران و امریکا نطق بسیار مهمی ایراد نمود و اظهار داشت که «بنظر دولت امریکا ایران کاملاً آزاد است که پیشنهاد شوروی را بپذیرد یا رد کند و در صورتیکه تصمیم گرفت آن را رد نماید می‌تواند به کمک و پشتیبانی امریکا در مقابل تهدیدها و فشارهای شوروی امیدوار و متکی باشد.» سخنرانی سفیر امریکا بدون شک از لحاظ سیاست دولت و مجلس شورای ملی ایران اهمیت فوق‌العاده داشت و علاوه بر این بسیار هم به موقع بود. زیرا برخلاف انتظار دولت انگلیس در آخرین لحظه در پشتیبانی از ایران تردید و دودلی به خود راه داد. سفارت انگلیس ضمن یادداشتی که سفیر انگلیس به نخست‌وزیر تسلیم نمود به دولت ایران توصیه کرد که راه را برای مذاکرات بعدی با روسیه در موضوع نفت بازنگاهدارد. روز ۱۲ سپتامبر هم سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس در لندن اظهار داشت که انگلیس اصولاً مخالف اعطای امتیاز نفت از طرف ایران به اتحاد شوروی نیست.»

در دوم آوریل سفارت (امریکا) در لندن از مجرای وزارت امور خارجه پیرو مذاکره ۲۴ مارس میان بوین (وزیر امور خارجه انگلیس) و ژنرال‌سیسم استالین در مسکو راجع به ایران اطلاع حاصل کرد که «شایعات مربوط به اینکه بریتانیا با دادن امتیاز نفت به روسیه مخالفت دارد بی‌اساس است. دولت انگلیس به هیچ‌وجه نظری راجع به اعطای امتیاز نفت به شوروی تا زمانی که به استقلال ایران لطمه وارد نیاید، ندارد (تلگرام

→

نداده است. قوام گفت که این موضوع به سفیر ایران در واشنگتن اطلاع داده است....»

رونوشت به شماره ۱۲۳ به لندن و ۱۰۹ به مسکو ارسال شد آلن. « (963 - P.963)

(Foreign Relation Of United State. Vol - VII. 1947.

شماره ۲۰۲۰ - ۲۴۷ - ۴ / ۷۴۱۰۶۱ آرشیو انگلیس راجع به مذاکره ۲۴ مارس. مجلد دوم. صفحه ۲۷۸)^۴

کسانی که در تهران و در لندن ناظر اوضاع بودند عقیده داشتند که روش غیرمنتظره انگلیس‌ها ناشی از آن است که می‌ترسند رد قرارداد از طرف ایران، شورویها را زیاده از حد تحریک کند و سرانجام باعث شود که امتیاز نفت جنوب هم ملغی گردد.

اظهار نظر آمریکا بیشتر از تردید و تأمل انگلیسها در ایرانیان تأثیر کرد. باید به این نکته توجه داشت که اظهارات جرج آلن ناشی از خیرخواهی خصوصی آمریکا نسبت به ایران نبود بلکه نتیجه منطقی سیاستی بود که در سال ۱۹۴۶ طی کشمکش ایران و شوروی بر سر آذربایجان تدریجاً نزع می‌گرفت و در تاریخ ۱۳ ماه آوریل ۱۹۴۷ به صورت نطق مشهور رئیس‌جمهوری آمریکا که بنام «اصول عقاید ترومن» معروف گردید. متجلی شده.

ختم غائله آذربایجان و کوتاه شدن دست متجاسرین از این خطه زرخیز و بخصوص عدم تصویب امتیاز نفت از طرف مجلس شورای ملی استالین و دولت او را که آذربایجان را وسیله‌ای برای اجرای نیات خود قرار داده بودند سخت خشمناک کرده برآشفته. زیرا در نظر گرفته شده بود. اولاً آذربایجان یک عده کافی نماینده به مجلس شورای ملی بفرستند که این امر خود عملاً در مسئله تصویب شرکت تأثیر فراوان داشت. و ثانیاً چنانچه برخلاف این نقشه از آذربایجان در مجلس کاری ساخته نشد و یا اصولاً دولت ایران در تصویب قرارداد به جهاتی سرباز زد آن وقت آذربایجان نقش بزرگ تهدید و جدائی و یا اغتشاش خود را در امور ایران بطور مشخص بازی کرده به این وسیله حربه موثر خود را وارد آورد تا نتیجه و مقصود نهائی بطور رضایت‌بخش انجام پذیرد. ولی چون این نقشه در برابر سیاست عاقلانه ملت مبارز و دولت اثر خود را از دست داد زمامداران کرم‌لین را به شدت خشمناک کرد بطوریکه روابط بین دو دولت روز بروز به

4- Foreign Relation Of United State T.V. P.900

۵- رقابت روسیه و غرب در ایران. جورج لنزوسکی، ترجمه اسماعیل راثین صفحات ۳۴۰

نیرگی گذاشت و حتی کار به تهدید و ارعاب کشید.

پس از رد شدن موافقتنامه قوام - سادچیکوف از طرف مجلس شورای ملی نامه‌ها و یادداشت‌های اعتراض آمیز رد و بدل شد. در شورای امنیت سازمان ملل متحد و در روزنامه‌ها و نشریات شوروی انتقادات یکی پس از دیگری به منصبه ظهور رسید و حتی کار به جانی رسید که زمامداران دولت استالین که تا این تاریخ سفیران ایران را با آغوش باز می‌پذیرفتند از ملاقات با آنان یا استنکاف کرده یا وعده ملاقات را به اکراه می‌پذیرفتند.

برای روشن شدن ماهیت سیاست دولت ایران در ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی و سیاست ژنرال‌بسیم استالین پس از خاتمه غائله آذربایجان که اهم آن موضوع نفت بود لازم دید بیانات احمد قوام نخست‌وزیر را در جلسه چهارشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ در مجلس شورای ملی و خلاصه مذاکرات نمایندگان را درباره نفت متذکر شویم:

روز چهارشنبه بیست و نهم مهرماه ۱۳۲۶ نزدیک به یک‌سال پس از نجات آذربایجان مجلس شورای ملی یکی از جلسات خود را برپا می‌دارد. در این جلسه احمد قوام نخست‌وزیر پیرامون وقایع آذربایجان به تفصیل سخن می‌گوید در همین جلسه است که مسئله موافقتنامه قوام - سادچیکوف نیز به میان می‌آید و نمایندگان مجلس، شورای ملی درباره امتیاز مهم نفت شمال ایران تصمیم می‌گیرند.

احمد قوام در سخنرانی خود از نکته‌های بسیار یاد می‌کند، نکته‌هایی که گوشه‌های مهمی از تاریخ معاصر ایران را جان می‌بخشد و چگونگی بالا گرفتن آتش غائله آذربایجان و فرو بردن آن را از دریچه نگاه قوام‌السلطنه می‌نمایاند. احمد قوام می‌گوید:

«نصورتی که در این موقع که می‌خواهم یک گزارش کافی از عملیات دولت نسبت به روابط ایران و شوروی به عرض برسانم هرگز ضرورت و لزومی نباشد به این که حوادث ناگوار و دردناک سال ۱۳۲۴ را ولو بطور خلاصه به خاطر بیاورم و اشتعال آتشی را که در این سرزمین بمذاکره نفت آغاز کرده و منجر به مخاطره عظیم سیاسی و فاجعه بزرگ یکی از قسمت‌های حیاتی کشور، یعنی آذربایجان، گردیده بود در مدت نظرها مجسم دارم زیرا این وقایع به اندازمای دل‌گداز و خانمانسوز بوده که ناکنون بلکه قرن‌ها از خاطر ایرانی محو نخواهد شد.

«همین که در تاریخ بهمن ماه ۱۳۲۴ به حکم تمایل مجلس از طرف قرین اشرف همایونی افتخار تشکیل دولت را پیدا کردم در اولین وهله عزم نمودم این منظور اساسی را تعقیب کنم پس بی‌درنگ با کسب اجازه از حضور ملوکانه درصدد برآمدن به همراهی هیئتی به مرکز ممالک شوروی عزیمت کنم.

«پس از آنکه جناب ژنرال‌یسیم استالین با کمال مهربانی از اینجانب راجع به جریان مسافرت هیئت اعزامی و خودم پرسش کردند بلافاصله مذاکره آغاز شد و چنین گفتم که من برای مباحثه حقوقی و استناد به معاهدات، که هریک به جای خود هست، نیامده‌ام بلکه با یک نیت صادقانه و دوستانه آمده‌ام که از شما خواهش کنم مقدمه و شرط اصلی شروع روابط دوستی و حل مشکلات بین ایران و شوروی را که تخلیه فوری ایران از نیروی شوروی است با یک اراده فراهم کنید و در باب اصلاح مسئله آذربایجان، که با این وضع خلاف قوانین و حق حاکمیت ایران است، کمک معنوی به ما ابراز دارید و اضافه کردم که ما در حل قضیه آذربایجان سیاست مخاصمت آمیزی نداریم و مردم آذربایجان را برادران خود می‌پنداریم و تا آنجا که با قوانین کشور مبنایت نداشته باشد حاضریم ارفاق‌هایی از قبیل این که در تعیین برخی از رؤساء ادارات، نظیر شهربانی و شهرداری و حتی استانداری، پیشنهاد انجمن ایالتی مورد توجه دولت مرکزی واقع گردد، بنمائیم و اصلاحات اساسی برای ترفیه حال مردم در آنجا و سایر ایالات کشور به جای آوریم.

«باید بگویم با کمال تأسف که این دو پیشنهاد چنان که منظور نظر من بود جلب توجه ژنرال‌یسیم استالین را ننمود. بعد از این بیانات ژنرال‌یسیم (استالین) از مسئله نفت پرسش کردند. در جواب اظهار داشتم من در این باب به حکم قانون اساسی و قانونی که اخیراً از مجلس شورای ملی گذشته است نمی‌توانم وارد مذاکره شوم زیرا مسئول خواهم شد مگر این که مجلس شورای ملی ایران قانون مزبور را لغو نماید.

قوام با یادآوری ناکامی خود در اولین دور گفت و گوهایش با مولوتف و استالین چنین افزود:

«روز شنبه چهارم اسفند ۱۳۲۴ باز با آقای مولوتف ملاقات خواستم و مذاکره ممتد و جدی جریان یافت و موضوع تخلیه قوا و قضیه آذربایجان از سر نو مطرح گشت.

«آقای مولوتف نقشه ایران را مقابل من نهادند و صحبت از نفت به میان آوردند و پیشنهاد تشکیل شرکت نفت ایران و شوروی را داد. در جواب گفتم... اما در موضوع نفت و تشکیل شرکت ایران و شوروی امیدوارم با حل مسئله آذربایجان و تخلیه ایران از قوای شوروی بلافاصله قضیه به ترتیبی که مورد توافق نظر طرفین باشد، انجام یابد. در خاتمه پیشنهاد می‌کنم با سوپلس (نرمی و سازگاری) خاصی که از صفحات سیاستمداران دوراندیش شوروی است موافقت خودشان را در باب آذربایجان و تخلیه کامل ایران از قوای شوروی اظهار دارند تا اصول همکاری درباره روابط اقتصادی و موضوع نفت، تعیین شود.

«بعد از این مذاکره در تاریخ نهم اسفند یادداشت سخت‌تری از جناب مولوتف به این شرح رسید: «در سال ۱۹۴۴ دولت اتحاد جماهیر شوروی به دولت ایران پیشنهاد نمود که امتیاز نفت نواحی شمال ایران را به دولت شوروی واگذار نماید. حق اتحاد جماهیر شوروی در مورد تحصیل این امتیاز به هیچ‌وجه قابل بحث نیست، خاصه اگر در نظر گرفته شود که در جنوب ایران از مدت‌ها پیش امتیاز نفت به انگلیسها داده شده است و با وصف این طرف شوروی را رد نمود. دولت شوروی برای حسن استقبال از طرف ایران و به زیان منافع خود:

۱- در تاریخ ۲۵ فوریه سال جاری ممکن دانست پیشنهاد امتیاز نفت را به پیشنهاد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی تبدیل نماید، به این ترتیب که ۵۱ درصد سهام متعلق بطرف شوروی و ۴۹ درصد آن متعلق به طرف ایران باشد ولی طرف ایران در تذکاره ۲۶ فوریه با این پیشنهاد کومپرومی (سازش) موافقت ننمود. نظر به اینکه طرف ایران، چنانکه حالا معلوم می‌شود، میل ندارد منافع شوروی را در این باب مورد توجه قرار دهد و برای حصول موافقت با اتحاد شوروی کوشش نمی‌نماید و با این ترتیب علناً در مورد شوروی قائل به تبعیض شده است. کمیسریای خارجه اتحاد جماهیر شوروی به این وسیله اعلام می‌دارد که پس از گزارش امر به آقای نخست‌وزیر استالین، تصمیم گرفته شده است پیشنهاد کومپرومی شوروی مسترد گردد و همان پیشنهاد رسمی سال ۱۹۴۴ دائر بر واگذاری امتیاز نفت شمال در ایران، طبق امتیاز نفت انگلیس در جنوب تجدید نماید.»

وصول این یادداشت بی‌نهایت اسباب نکدر خاطر گردید. زیرا این پاسخ ما را

از مقصد دور می‌ساخت. در این یادداشت دولت شوروی یکی دو پیشنهاد نسبتاً مساعد خود را پس گرفته بود. بعد از مشاوره این پاسخ فرستاده شد:

۱- راجع به نفت: در خصوص تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی که تصور کردماند با آن موافقت نشده است چنین نیست و باید مخصوصاً تذکر بدیم که چنانکه سابقاً هم مذاکره شده است، اگر در تخلیه ایران از قوای شوروی و حل قضیه آذربایجان با من کمک نمایند فرصت خوبی خواهد بود که بعد از مراجعت به تهران و با حصول توافق در شرایط تشکیل شرکت، طرح لازم به مجلس شورای ملی ایران پیشنهاد گردد و این قضیه بلافاصله به نوعی که مورد توافق طرفین باشد، حل شود. مقصود آن است که تشکیل این قبیل شرکتها، ولو آن که طرف از اتباع ایران باشد، باید طبق قانون اساسی ایران به تصویب مجلس شورای ملی ایران برسد. ضمناً این نکته را خاطر نشان می‌سازم که اعطاء امتیاز از حقوق مربوط به حق حاکمیت و استقلال کشور است که باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد و اگر در نیم قرن قبل با شرایط آن زمان امتیازی داده شده باشد این امر را نمی‌توان فعلاً تبعیض نسبت به دولت شوروی دانست.» در تلو این مذاکرات با وجود اشکالات و موانع ناامید خود را نسبت به تخلیه ایران از دست نمی‌دادیم...

ولی با نهایت حیرت و تأثر اعلامیه‌ای از طرف آژانس تاس در روزنامه ایزوشتیا انتشار یافت که امر تخلیه تنها قسماً تحقق پیدا نمود و اخبار ایران هم مؤید همین اعلامیه بود. در نتیجه اینجانب بلافاصله شخصاً در نزد ژنرال‌یسیم از این نقض صریح پیمان اعتراض کردم. بعد از این اعتراض با رسیدن اخبار از ایران و تأیید تجاوز متجاسرین به شهرستانهای شمالی ایران یادداشتی به مضمون ذیل ارسال داشتم:

«آقای کمیسر ملی... اخبار اخیر که از ایران رسیده معلوم می‌دارد دستجات جدید مسلح با اسلحه جدید مانند تفنگ خودکار و بمب و نارنجک دستی و کامیون متعدد مملو از اسلحه و افراد به نواحی گیلان هجوم می‌آورند و فرمانداران و مأموران دولت را دستگیر کرده فوق‌العاده اسباب وحشت و اضطراب آن حدود را فراهم و امنیت کشور را مختل نمودماند و از طرفی پشتیبانی آنان به وجود قوای شوروی در ایران و از طرفی هم مقامات شوروی در تهران با فرستادن نیروی تأمینیه دولت موافقت نکردماند...»

«بلافاصله با وصول اخبار ناگوار جدید از ایران یادداشت ذیل را فرستادیم:

«آقای کمیسر ملی در تعقیب مراسله مورخ ۵ مارس شماره ۴۳ راجع به وقایع اخیر در حدود گیلان اینک با کمال تأسف اطلاعات اخیری را که از ایران رسیده با کمال احترام به استحضار عالی می‌رساند: یک عده مسلح با هفده کامیون با اسلحه خودکار و بمب و نارنجک دستی از طریق دنیاچال واردشمارود شده فرماندار طوالش را دستگیر کرده‌اند و عده‌ای دیگر از راه هروآباد به اسالم در حرکتند...»

«در نتیجه مذاکرات و مباحثات زیادی که از تفصیل آنها درمی‌گذرم موافقت‌نامه در باب شرکت نفت ایران و شوروی در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۲۵ به ترتیب زیر تنظیم گردید که عین آن را برای اخذ تصمیم و تصویب قرائت می‌کنم.

قوام موافقت‌نامه خود را با سادچیکوف می‌خواند و متن قراردادی را که بر اساس این موافقت‌نامه به تصویب طرفین رسیده قرائت می‌کنند و از نمایندگان مجلس می‌خواهد که درباره آن تصمیم بگیرند.

در پایان گزارش دوساعته نخست‌وزیر، دکتر صادق رضازاده شفق با ایراد این مقدمه طرحی را که آماده شده بود تقدیم می‌کند.

«من آشکارا می‌گویم که مجلس و دولت ایران طرفدار طرح دوستی پایدار با اتحاد جماهیر شوروی هستند ما همسایه دیوار به دیواریم، بهترین خریدار کالای ما روسیه است ما نیز به کالای روسیه احتیاج وافر داریم و ارتباط اقتصادی بین دو کشور به حکم طبیعت و لازمه مجاورت است و قابل تزلزل نیست.

«بنظر من اگر در این موقع دولت معظم شوروی واقعاً به حکم ضرورت و احتیاج اقتصادی از ما نفت می‌خواهد ما با کمال خوشوقتی به شرطی که در کشور خودمان آزادی عمل و امنیت کامل سیاسی داشته باشیم، بعد از استخراج آن محصول خود را مطابق نرخ عادلانه بازار به آن دولت بفروشیم زیرا به مبادله و روابط بازرگانی روسیه احتیاج شدید داریم. اگر نظر دولت شوروی تأمین منظور دیگری است از قبیل این که دولتهای رقیب دیگری در ایران، بخصوص در قسمتهای مجاور شوروی، دارای حقوق و امتیازات راجع به استخراج نفت نگردند، به عقیده من هم مجلس و هم دولت و هم ملت ایران حاضر خواهند بود این نگرانی همسایه شمالی را عملاً رفع کنند و سیاست حفظ موازنه و تأمین قطعی منظوره‌های مشروع همسایگان خود را به طرز صحیحی روش

سیاسی خود قرار دهند.

«در خاتمه اینک از مقام ریاست مجلس [رضا حکمت - سردار فاخر] می‌خواهم طرحی را که شماره زیادی از نمایندگان محترم بعد از چندین روز و شب شور و مباحثه تهیه و امضاء کرده‌اند تقدیم و درخواست می‌کنم این طرح قرائت شود.»

ماده واحد:

الف - نظر به این که آقای نخست‌وزیر با حسن نیت و در نتیجه استنباط از ماده دوم قانون یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ اقدام به مذاکره و تنظیم موافقت‌نامه مورخ پانزدهم فروردین ماه ۱۳۲۵ در باب ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی نموده‌اند و نظر به اینکه مجلس شورای ملی ایران استنباط مزبور را منطبق با مدلول و مفهوم واقعی قانون سابق‌الذکر تشخیص نمی‌دهد. مذاکرات و موافقت‌نامه فوق را بلا اثر و کان لم یکن می‌داند.

ب - دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را به منظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورد و در ظرف مدت پنج سال نقشه‌های کامل فنی و علمی مناطق نفت‌خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی به استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت به مقدار کافی بتواند ترتیب بهره‌برداری بازرگانی از این ثروت ملی را به وسیله تصویب قوانین تعیین کند.

ج - واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت کشور و مشتقات آن به خارجیا و ایجاد هر نوع شرکت برای این منظور که خارجیا در آن به وجهی از وجوه سهام باشند مطلقاً ممنوع است.

د - در صورتیکه بعد از تفحصات فنی مذکور در بند (ب) وجود نفت به مقدار قابل استفاده بازرگانی در نواحی شمال ایران مسلم گردد دولت مجاز است دریاب فروش محصولات آن به اتحاد جماهیر شوروی با آن دولت وارد مذاکره شود و نتیجه را به اطلاع مجلس شورای ملی برساند.

ه - دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران نسبت به منافع ثروت کشور اعم از منابع زیرزمینی و غیر آن مورد تضییع واقع شده است، بخصوص راجع به نفت جنوب، به منظور استیفای حقوق ملی، مذاکرات و اقدامات لازمه را به

عمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد.»
رئیس مجلس از نخست‌وزیر خواست تا نظریه خود را درباره این پیشنهاد ابراز دارد:

احمد قوام پس از ایراد مقدمه‌ای طولانی چنین گفت:
«اعتقاد من این بود که امضاء موافقت‌نامه مربوط به شرکت نفت در آن موقع به صلاح مملکت بوده و در آن روز هر وطن‌پرست دیگری که به جای من می‌نشست خود را ناگزیر از موافقت با چنان پیشنهادی می‌دید. امروز هم صراحتاً می‌گویم رد موافقت‌نامه به طریقی که راه مجدد مذاکره با دولت شوروی را مسدود کند به صلاح کشور نیست.
«من در پیشگاه ملت ایران و تاریخ خود را موظف می‌دانم که عقیده خود را به سمع آقایان برسانم و امیدوارم تصمیمی را که اتخاذ می‌کنند توأم با صبر و حوصله و خونسردی باشد و عجله و شتابزدگی نشود و این مخالف با این دو فوریت است که خواستماند.»

مجلس پس از گفتگوهای زیاد سرانجام با تصویب دو فوریت به اصل طرح رای می‌گیرد و به تصویب می‌رساند.

طرح تصویبی مجلس شورای ملی ایران پس از توشیح ملوکانه در روز ۱۳ آبان ماه ۱۳۲۶ طی نامه‌ای به سفارت کبرای شوروی در تهران ابلاغ شد.
فردای این جلسه تاریخی خبر گزاریهای مهم دنیا خبر تصمیم مجلس شورای ملی ایران را به گوش جهانیان می‌رسانند:

لندن - ساعت ۱۲ شب گذشته پارلمان ایران مقاوله‌نامه نفت شمال ایران را که در سال ۱۹۴۶ از طرف آقای قوام‌السلطنه و مسیو ایوان واسیلیویچ سادچیکوف به امضاء رسیده بود با اکثریت آراء رد کرد.

با آن که نخست‌وزیر ایران اعلام داشته بود که ایران مایل به ایجاد حسن تفاهم با شوروی است و سفیر شوروی در تصویب مقاوله‌نامه اصرار دارد و مجلس در رد مقاوله‌نامه نباید عجله کند و نمایندگان را بر حذر ساخته بود که جانب هزم و احتیاط را رعایت کنند در همان جلسه دیشب طرح پیشنهادی نماینده آذربایجان مبنی بر بطلان مقاوله‌نامه مزبور با اکثریت ۱۰۲ رای موافق و ۲ رای مخالف تصویب گردید.

لندن - نمایندگان مجلس طرح خود را به تصویب مجلس رساندند و در مدت

نیم ساعت در سراسر شهر خبر رد شدن تقاضای شوروی‌ها منتشر شد. در میدان پارلمان ایران و در خیابانهای اطراف پس از پایان جلسه پارلمان در ساعت دیرشب مردمی دیده می‌شدند که همدیگر را خبر می‌کردند و می‌گفتند: نفت به شوروی ندادیم.

مجلس شورای ملی ایران با رد موافقت‌نامه قوام - سادچیکوف دنیا را به شگفتی وامی‌دارد و پرونده به خون آغشته نفت شمال را می‌بندد. این یک پیروزی بزرگ برای ایران است. اما مفسرین بزرگ می‌نویسند «واکنش استالین چگونه خواهد بود؟ آیا واکنش استالین دنیا را در لبه پرتگاه جنگی دیگر قرار نخواهد داد؟ بر این پرسشها پاسخی در دست نیست زیرا کرملین لب فرو بسته است و هیچ نمی‌گوید اما ناخرسندی شوروی را از تیره‌گی روابط با ایران به خوبی می‌توان دریافت.

پس از این تصمیم زمامداران و جراید و مجلات شوروی زیان به انتقاد گشوده بخصوص حربه تیز خود را متوجه احمد قوام نخست‌وزیر ایران می‌نمایند. اینک نمونه‌هایی چند از آنها:

در ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷ (۲۸ آبان ۱۳۲۶) ایوان و اسیلیویچ سادچیکوف سفیر کبیر شوروی در پاسخ به ابلاغیه دولت راجع به رد پیشنهاد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی نامه اعتراض آمیزی به این قرار نوشت:

تهران ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷

شماره ۱۹۱

آقای نخست‌وزیر

نامه پنجم نوامبر شما را راجع به تصمیم مجلس دائر به بی‌اثر بودن موافقت‌نامه چهارم آوریل در باب تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به استحضار دولت شوروی رسانده بودم. استنادی که در نامه شما به قانون دوم دسامبر ۱۹۴۴ دایر به منع امتیاز شده بود مفرون به حقیقت نیست زیرا تا حدی معلوم است شرکت مختلط ایران و

شوروی برای امتیاز نفت شمال ایران نیست بلکه مؤسسه مشترک ایران و شوروی است. دولت شوروی من را مأمور کرد که مراتب زیر را به اطلاع دولت ایران برسانم: در موافقت‌نامه ایران و شوروی که چهارم آوریل ۱۹۴۶ قوام نخست‌وزیر از طرف ایران و ایوان سادچیکوف از طرف شوروی امضاء نمودند دولت ایران موافقت خود را با تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی به منظور تفحص و استخراج نفت شمال ایران اظهار کرد. موافقت دولت ایران با تأسیس شرکت نامبرده از طرف اعلیحضرت پادشاه ایران نیز در تاریخ هشتم آوریل ۱۹۴۶ مخصوصاً به ایوان سادچیکوف تأیید گردید.

در موافقت‌نامه چهارم آوریل ۱۹۴۶ پیش‌بینی گردید که قرارداد تشکیل شرکت نفت ایران و شوروی که طبق مدلول این نامه منعقد خواهد شد به محض این که مجلس جدید ایران فعالیت قانونگذاری خود را آغاز نمود و در هر صورت در مدت هفت ماه از تاریخ ۲۴ مارس یعنی نه دیرتر از ۲۴ اکتبر ۱۹۴۶ برای تصویب به مجلس تقدیم خواهد شد.

بنابراین دولت ایران در موافقت‌نامه تعهد نموده است که قرارداد تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی را در مدت معینی برای تصویب مجلس پیشنهاد نماید. با اینکه عقد چنین قراردادی در موافقت‌نامه پیش‌بینی شده بود دولت ایران با امتناع از انعقاد قرارداد تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی موافقت‌نامه را نقض کرد. نقض عهد دیگر دولت ایران این بود که موضوع شرکت نفت ایران و شوروی یک‌سال بعد از تاریخی که در موافقت‌نامه چهارم آوریل ۱۹۴۶ معین شده بود مورد شور مجلس قرار گرفت.

سومین نقض عهد این بود که دولت ایران نه تنها قراردادی را که در باب تأسیس شرکت مختلط نفت ایران و شوروی پیش‌بینی شده بود برای تصویب مجلس پیشنهاد نکرد بلکه در مجلس علیه عقد چنین قراردادی اقدام نمود و به این طریق آنچه را که بر عهده گرفته بود عهدشکنانه نقض نمود و نیز دولت شوروی نمی‌تواند متذکر شود که تصمیم مجلس راجع به بی‌اثر بودن قرارداد تشکیل شرکت مختلط نفت ایران و شوروی برای شمال ایران با وجود بقای امتیاز نفت ایران و انگلیس در جنوب ایران تبعیض فاحشی نسبت به اتحاد جماهیر شوروی است.

نظر به مراتب فوق دولت شوروی علیه عملیات خصمانه مزبور. دولت ایران نسبت به اتحاد جماهیر شوروی که با روابط عادی بین دو کشور مبانیت دارد جداً اعتراض نموده مسئولیت عواقب این امر را به عهده دولت ایران می‌گذارد. احترامات فائقه را تجدید می‌نماید. سادچیکوف.»

با اینکه احمد قوام نخست‌وزیر پاسخ دندان‌شکنی به یادداشت اعتراض آمیز و تهدید سفیر شوروی به قرار زیر می‌دهد معذلتک چنانکه بعداً خواهیم دید زمامداران کرملین و جراید و مجلات شوروی نسبت به دولت ایران و نخست‌وزیر و سفیر آن رویه غیرمعقول و تهدید آمیزی به خود می‌گیرند. اینک پاسخ نخست‌وزیر به سفیر اتحاد شوروی:

جناب آقای ایوان واسیلیویچ سادچیکوف سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.

با اعلام وصول نامه مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷ شما خواهشمندم مراتب زیر را به استحضار دولت شوروی برسانید:

۱- اینکه اشعار داشته‌اند استنادی که در نامه شماره ۱۵۵۳۱ مورخه ۱۲ آبان ۱۳۲۶ اینجانب به قانون یازدهم آذرماه ۱۳۲۳ دایر به منع اعطاء امتیاز شده بود مقرون به حقیقت نیست لازم است توضیح داده شود که اولاً موضوع امتیاز در مذاکرات فیما بین مطلقاً مورد بحث نبوده زیرا طبق ماده اول قانون مذکور در فوق مذاکره راجع به اعطاء امتیاز اساساً برای دولت ممنوع و مستوجب مجازاتی است که در قانون تصریح شده است و ثانیاً نظر دولت بر این بوده است که طبق ماده دوم قانون مزبور دولت مجاز بوده است راجع به تأسیس شرکت برای استخراج و فروش نفت وارد مذاکره شده نتیجه را به مجلس شورای ملی گزارش دهد. لکن مجلس شورای ملی که تنها متقاضی است که صلاحیت تفسیر قوانین را دارد، این نظر دولت را مخالف مدلول قانون مزبور دانسته و به این جهت موافقت‌نامه راجع به تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی را تأیید ننموده و بلا اثر دانسته است.

۲- بدیهی است که موافقت اینجانب با تأسیس شرکت نفت ایران و شوروی مشروط به تصویب مجلس شورای ملی بوده زیرا طبق قانون اساسی ایران هیچ تعهد و قراردادی مادام که به تصویب مجلس شورای ملی و نه امضاء اعلیحضرت همایون

شاهنشاهی نرسیده باشد، قوت و اثر قانونی نخواهد داشت.

۳- راجع به تأخیر پیشنهاد قرارداد تشکیل شرکت مختلط که طبق موافقت‌نامه معهود بود به مجلس شورای ملی تقدیم شود. البته بر اولیای دولت اتحاد جماهیر شوروی پوشیده نیست که علل و موجبات این تأخیر از اختیارات دولت ایران خارج بوده است. مسلم است که بدون حصول امنیت و آرامش، اجراء انتخابات در هیچ کشوری میسر نیست و دولت شوروی خوب می‌داند که دولت ایران از اعاده اوضاع مملکت به حالت عادی و استقرار حاکمیت دولت در تمام کشور نمی‌توانست به انتخابات مبادرت نماید تا این که مجلس شورای ملی تشکیل و گزارش موافقت‌نامه به اطلاع نمایندگان برسد...»

قوام پس از ارائه دلایل دیگر و یادآوری این نکته که در گزارش خود نمایندگان مجلس شورای ملی را به پذیرفتن پیشنهاد شوروی تشویق کرده است به نامه خود پایان می‌دهد.

اما طرز پذیرائی از سفیر ایران در مسکو که تازه به این سمت منصوب شده بود به گزارش حمید سیاح سفیر ایران توجه شود:

نمره: ۴۲۸

به تاریخ: ۲۶/۱۰/۱۹

وزارت امور خارجه

محرمانه

با این که روزهای اول ورود اینجانب به مسکو با رد موافقت‌نامه ایران و شوروی در موضوع نفت و بی‌اعتنائی که دولت شوروی در تعیین وقت ملاقاتهای اولیه و تسلیم اعتبارنامه می‌کرد به خوبی واضح و مبرهن بود تا چه اندازه روابط دو کشور تیره گردیده است. معذک همواره مترصد بودم که فرصتی بدست آورده با آقای مولوتف یا ویشنيسکی ملاقات و در اطراف روابط سیاسی دو کشور مذاکره شاید راه‌حلی در بهبودی آن پیدا بنماید.

بطوریکه استحضار دارند قبل از ورود این جانب آقای ویشنيسکی به جانب

نیویورک برای شرکت در سازمان ملل متفق روانه و در اوان ورود هم آقای مولوتف جهت شرکت در کنفرانس وزیران خارجه به لندن رهسپار و جانشینان وزیر خارجه هم اشخاصی نبودند که بتوان مذاکراتی در اطراف امر با آنان به عمل آورد.

بالاخره پس از اختتام دوره اجلاسیه سازمان ملل متفق و بازگشت‌های ویشنیسکی که از سابق نیز با وی آشنائی داشتم از نامبرده وقت خواسته روز چهارم دیماه ایشان را ملاقات و مذاکراتی به عمل آورد.

در اینجا لازم است به این نکته توجه شود که شخص ویشنیسکی بطوریکه هیئت نمایندگان سیاسی نیز تصدیق دارند تنها کسی است که برخلاف سایرین که فقط اظهارات را اصفاء و پاسخ و یا نتیجه را موکول به مذاکره یا مشورت با مقامات بالاتر می‌نمایند در مذاکرات بدون اشاره به بعد به دادن پاسخ نیز مبادرت می‌ورزد.

نکته دیگری هم که باید متذکر گردد این است که پس از جریانات اخیر و پیش‌آمدهائی که در خلال موضوع نفت رخ داد در ملاقاتهائی که اینجانب از آقایان گوسیوف معاون وزیر خارجه و سیلین مدیرکل خاورمیانه به عمل آورده و شرح آنها هم تلگراف شده است بی‌اندازه سردی به خرج داده و مانند این بود که به هیچ‌وجه مایل به مذاکره هم نمی‌باشند.

آقای ویشنیسکی هم پس از اینکه با سردی هرچه تمامتر بنده را پذیرفت در اطراف آنچه که مایل به مذاکره هستم پرسش نمود. اظهار داشتم که غرض از ملاقات اول دیدار رسمی شخص او بوده و در ثانی با اطلاعاتی که نه‌تنها اولیای دولت شوروی بلکه شخص شما دارید بر اینکه اینجانب از سال ۱۹۲۰ به این طرف در کارهای مربوط به ایران و اتحاد جماهیر شوروی مداخله داشته و در خلال این مدت هم همیشه سعی بوده است چنانچه سوءتفاهمی فیما بین بروز نماید در رفع آن نهایت اهتمام را به عمل آوردم انتظارم این است شخص شما که در تمام این مدت حسن‌نیت در تشیید روابط دو کشور به خرج داده‌اید در این‌موقع نیز از بذل کمک و مساعدت دریغ ننمائید. پاسخ داد آنچه که درباره خودتان اظهار داشتید مقرون به حقیقت و ما هم به خوبی از سوابق شما اطلاع داریم ولی چه سوءتفاهماتی؟ بلکه باید متعجب بود که پس از آنهمه جریانات قبلی بالاخره در سال ۱۹۴۶ نخست‌وزیر ایران با هیئتی که شما هم جزء آنها بودید به مسکو آمده با ژنرال‌یسیم استالین و آقای مولوتف مذاکره سپس دولت ایران در تهران

مقاوله‌نامه با اتحاد جماهیر شوروی منعقد و تعهد می‌نماید آن را به تصویب مجلس شورای ملی برساند و شاه مملکت همین مقاوله‌نامه را قبول می‌نماید و بعداً دولت ایران علی‌رغم تمام این تعهدات خود عهدشکنی و حالا هم می‌خواهد دولت اتحاد جماهیر شوروی با ایران حسن روابط داشته باشد در صورتیکه ما حسن رابطه خود را در موقع به خرج داده و اکنون هم راه معین و یکی است و باید دولت ایران آنچه را تعهد نموده انجام دهد تا روابط اصلاح و مستقر گردد.

اظهار داشتیم در این خصوص نباید گله از دولت ایران داشته باشید زیرا در مقاوله‌نامه صریحاً قید شده بود که موضوع به مجلس شورای ملی پیشنهاد و رد یا قبول آن منوط به نظر مجلس شورای ملی می‌باشد و اما آنچه اظهار داشتید که اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز مقاوله‌نامه را تصویب فرموده‌اند البته آنچه که از مجلس بگذرد مورد تصویب اعلیحضرت همایونی واقع می‌گردد و چون در مقاوله‌نامه هم ذکر از این شده بود آن را به مجلس خواهند برد اعلیحضرت همایون شاهنشاهی موافقت فرمودند و پس از تقدیم مقاوله‌نامه به مجلس شورای ملی مجلس مخالفت نموده پس نباید گفت که دولت عهدشکنی کرده است.

آقای ویشنیسکی اظهار داشت کدام مجلس؟ ما از کیفیت انتخابات این دوره اطلاع کامل داریم و به خوبی می‌دانیم که دولت امضاءکننده این مقاوله‌نامه انتخابات را به این شکل انجام داد تا نمایندگان انتخاب شوند که مقاوله‌نامه را رد بکنند و خود همین دولت در پس پرده اظهار ندارد که قضیه مربوط به مجلس و تقصیری متوجه دولت نیست. در اینجا اظهار شد شما متأسفانه صورت ظاهر کار را در نظر گرفته و به باطن امر پی نبرده‌اید. دولت و ملت ایران متجاوز از دویست سال است که بین سیاست دو دولت امپراطوری روسیه و انگلیس واقع و دخالت در منافع اقتصادی ایران از جانب این دو دولت به اسم امتیازات، بانک و غیره ایران را به این حال انداخته و همین مسئله موجب شده است که ملت ایران از هر گونه دخالت خارجی متوحش باشد. آقای ویشنیسکی پاسخ داد ما که طالب امتیاز نبودیم و خواهان شرکتی بودیم. گفته شد متأسفانه قبل از این قضیه شما امتیاز می‌خواستید و اشاره به آمدن کافتارازره به ایران و وقایع بعدی و قضیه آذربایجان نمود فوراً اظهار داشت قضیه آذربایجان ارتباطی به ما نداشته و جریانات داخلی مملکت بوده است. گفتم متأسفانه شما در آن وقت مانع از اعزام نیروی دولتی

برای خاموش کردن آتش فتنه شدید. گفت در شورای امنیت قضیه را مفصلاً تشریح کرده گفتیم علت جلوگیری از اعزام نیروی دولتی به آن صفحات این بوده است که در مرزهای شوروی و ایران خونریزی به وقوع نپیوندد کما اینکه پس از بیرون رفتن قوای شوروی از آنجا پیش گوئی دولت شوروی مصداق پیدا کرد و جریانات سال گذشته به وقوع پیوست و این خود بهترین دلیل است که ما نمی‌خواستیم در امور داخلی ایران مداخله کنیم و حال آنکه ما وسایل هم در دست داشتیم که جلوگیری از این خونریزیها کرده و نگذاریم نیروی دولتی به آنجا روانه شود.

گفته شد از اینکه شما قوا نفرستادماید ما خیلی ممنون شدیم و کمک از متجاسرین و پیش آمد پیدایش آنها در موقع بودن قوای شما و پشتیبانی سفارت شوروی از آنها افکار مردم ایران را مشوب کرده بود که منظور دولت شوروی فقط موضوع اقتصادی و نفت نیست. اظهار داشت این عقیده ملت ایران و روشنفکران آن کشور نیست دولت و هیئت حاکمه ایران که در تحت نفوذ امریکائیا قرار گرفته و هرچه آنها بگویند می‌کنند چنانکه رد موافقت‌نامه نفت هم به اشاره امریکا بوده است. اینطور قضایا را وانمود می‌کنند.

پاسخ داده شد در این قسمت خیلی در اشتباه هستید زیرا یگانه چیزی که دولت و ملت ایران مایل و خواهانند این است که هیچ اجنبی در امور ایران مداخله نکرده و سیاست ملی که دوستی و لاغیر است با همسایه‌های ایران برقرار باشد و ممکن است اطلاع کامل داشته باشید همانطور که قبلاً هم متذکر شدم شاهنشاه ایران هم دولت و هم ملت ایران مایل به دوستی با اتحاد جماهیر شوروی هستند. در قسمت مداخله امریکائیا نیز با رد موضوع گفته شد در اینجا هم تقصیر متوجه سوءسیاست شما است که سیاست دوستانه نسبت به ایران را تبدیل به سیاست خصمانه کرده دولت و ملت را از خود ترساندید. وقتی سفیر کبیر شما به اعلیحضرت همایونی و نخست‌وزیر صراحتاً بگویند که اگر شما این تعهد را انجام ندهید دولت شوروی ایران را دشمن خونین خواهد پنداشت البته این موضوع افشاء و نمایندگان ترسیدند که پشت سر این اظهارات ممکن است عملیاتی انجام بگیرد. این بود که همگی متوحش و در آنوقت از طرف دولت امریکا گفته شد ایران در امور داخلی خود آزادی کامل داشته و چنانچه فشاری به او وارد شود دولت امریکا کمک خواهد کرد. بنابراین اینها نتایج سیاست خصمانه شما است که

ملت ایران را مجبور می‌کند برای نجات خود و به پاس ترس از شما کمکی بخواهد آن وقت شما آن را دخالت در کار ایران می‌پندارید و چنانچه سیاست دوستی پیش بگیرید خواهید دید که به هیچ‌وجه ایرانی به خارجی متوسل نشده و نخواهد گذاشت نفوذ هیچ دولت خارجی در کشورش رخنه پیدا نماید.

ویشنیسکی گفت اظهارات سادچیکوف این معنا را نداشت که پشت سر آن عملیات نظامی انجام خواهیم داد بلکه باید از این عمل نتیجه بگیرید که ما ایران را در عداد دشمنهای خود خواهیم شمرد. اما در سایر قسمت‌ها متأسفانه عمل اینطور نشان نمی‌دهد و دلایلی در دست داریم که از چند سال قبل به این طرف دولت ایران از عهدنامه ۱۹۲۱ که ثمره سیاست لنین و استالین بوده و این همه به ایران فایده رسانده منحرف می‌گردد. اظهار شد ایران اجرای همان عهدنامه ۱۹۲۱ را آرزومند است و بیش از آن خواهان چیز دیگری نیست و در اینکه آن عهدنامه هم به ایران فایده رسانده کسی نیست منکر آن باشد ولی اگر با دیده انصاف بنگرید خواهید دید ایران نیست که از عهدنامه منحرف شده باشد. او گفت ما منحرف نشده‌ایم. اظهار شد افسوس می‌خورم اولین روز ملاقات است و مباحثه نباید کرد والا ثابت می‌کردم که تقصیر با ایران نیست. من انتظار داشتم که شخص شما در حل مسائل معضله بین ایران و شوروی به من کمک خواهد کرد. ویشنیسکی گفت من حافظ حقوق شوروی هستم. گفتم وقتی که بین دو طرف مذاکراتی به‌موقع پیوندد و هر طرف بخواهد منافع خودش را در نظر بگیرد هیچوقت کار به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و شخص من که خیلی دوست‌دار مباحثه و مجادله هستم و وزارت خارجه شما اطلاع دارد که تمام کارها را به نتیجه رسانده‌ام برای اینکه طرف هم از منافع ایران مطلع و من هم از منافع طرف با اطلاع باشم از مباحثه طرف شوروی احتراز نمی‌جستم و آنوقت طوری عمل را خاتمه می‌دادیم که به ضرر دو طرف نباشد. گفت ما هم منافع ایران را در نظر گرفتیم که از امتیاز صرف‌نظر و شرکت خواستیم. دولت ایران روی خوش نشان داد ولی مقصودش فریب ما بود. گفتم دولت ایران هیچوقت خیال فریب دادن نداشت مجلس موافقتنامه را رد کرد و قانونی گذراند که نفت نه بطور شرکت و نه به نحو امتیاز به هیچ دولت و تبعه خارجی داده نشود. پاسخ داد شما با سوابق زیادی که در کارهای سیاسی دارید چرا باید این را بگوئید و از شما بعید است چنین اظهاری بکنید. مگر خود آقای قوام این نمایندگان را به آن ترتیباتی

که خودتان می‌دانید انتخاب نکرد؟ قبلاً قضیه بین آنها حل شده بود که نمایندگان موافقت‌نامه را رد و آن قانون را بگذرانند. دولت قوام و اشاره اعلیحضرت همایونی خود را بی‌تقصیر بیندارند. تقصیر این عهدشکنی عمدی با هیئت حاکمه ایران است و مسئولیت آن را هم باید به عهده گرفته و جواب بدهد. خود شما که اطلاع کامل از اوضاع دولت شوروی دارید باید بدانید که دولت شوروی نمی‌تواند تحمل بنماید که با او این‌طور رفتار کنند. گفته شد هیچ مسئله معضلی نبوده که وقتی دو طرف مایل باشند نشود آن را به خوبی حل کرد و حسن‌نیت دو طرف لازم است. من به شما برای پیدا نمودن حسن روابط و حل سوءتفاهمات حسن‌نیت دولت ایران را وعده می‌دهم. گفت کدام دولت؟ دولت حقیقت؟ همان کسی که در سال ۱۹۱۹ می‌خواست قفقاز ما را بگیرد؟ فوراً جواب دادم همین مسئله را می‌خواستم الان متذکر شوم تا چه اندازه مخبرین به شما اطلاعات عاری از حقیقت می‌دهند. آقای حکیم‌الملک ابدأ داخل آن کابینه که نمایندگانی برای کنفرانس صلح به پاریس فرستاد نبود و عضویت آن کابینه را نداشت. گفت ما اسناد داریم. اظهار شد همان اشخاصی که این اسناد را به شما داده‌اند تقلب کرده‌اند.

کابینه وقت کابینه آقای وثوق‌الدوله (برادر بزرگ آقای قوام‌السلطنه) وزیر خارجه هم مرحوم مشاورالممالک که رئیس هیئت اعزامی به پاریس بود هما مشاورالممالکی است که در اینجا عهدنامه ۱۹۲۱ را امضا کرد.

گفت راجع به اقدامات ایشان در سال ۱۹۴۶ چه می‌گوئید؟ و نمی‌توانید از عداوت نسبت به ما در آن سال منکر شوید گفتم اگر قوای شما مانع از رفتن نیروی ما به تبریز نشده بود و مسئله آذربایجان بدون خونریزی حل شده بود هم دولت ایران به شورای امنیت شکایت نمی‌کرد و هم امروز آقای حکیم‌الملک را جزو دشمنان شوروی محسوب نمی‌داشتید. تمام پیش‌آمدها بر سر آذربایجان است که موجبات این سوءتفاهمات را فراهم کرده است و مخصوصاً متذکر شدم دولت شوروی دولتی است بزرگ و نمی‌بایستی در کارها اینقدر خورده‌گیری کرد و باید گذشت داشته باشد. پاسخ داد متأسفانه در اصلاح روابط ما هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم دولت ایران بدقولی و عهدشکنی کرده و ما را فریب داده است و سر قول خود بایستد تمام این قضایا مرتفع خواهد شد. گفتم با وجود تمام اینها باز هم امیدوارم که کدورت بین دو همسایه به این

نزدیکی نمی‌تواند به طول انجامد و راه حل به زودی پیدا خواهد شد. گفت امید چیز بدی نیست ولی بسته به دولت ایران است و تکرار می‌کنم که ما در پیدا کردن راه دخالتی نداریم و با خود دولت ایران است. سفیر کبیر - حمید سیاح.

تیره‌گی روابط بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی در این زمان که استالین زمام امور حکومت آن را در دست داشت منحصر به اظهار عقیده و تذکرات زمامداران وقت شوروی نبود بلکه دستگاههای تبلیغاتی و نشریات این کشور به انحاء مختلف در انتقاد از دولت و زمامداران ایران از بذل هیچگونه مجاهدتی دریغ نمی‌کردند. برای نمونه خوانندگان را به این دو سند جلب می‌نماید:

از روزنامه پراودا چاپ مسکو به قلم ب ایزاکف

۳۱ اوت ۱۹۴۷

تاریخ ترجمه ۲۹/۶/۲۶

معمای سیاسی و حل آن

اکنون به رأی‌العین مشاهده می‌گردد که دستجات بخصوصی در شورای امنیت نسبت به مسائلی که بستگی به صلح جهانی داشته و نیازمند اقدامات جدی شورای نامبرده می‌باشد صرفاً جنبه نظارت و حتی موقعیت منفی اتخاذ می‌نمایند ولیکن موقعی که مقاصدی توأم با بازی تاریک سیاسی آنها در کار باشد فعالیت پرحرارتی از خود نشان می‌دهند.

یکی از بندهای صورت جلسه شورای امنیت معمائی را تشکیل می‌دهد که در آن نوشته شده است: «مسئله ایران»

حال ببینیم منظور از مسئله ایران و صورت ظاهر آن چیست و به چه دلیل این مسئله بایستی دائماً زینت‌بخش صورت جلسه شورای امنیت باشد.

این معمای سیاسی راه‌حل مخصوصی به خود دارد به این معنی که دستجات معینی ضد شوروی تحت رهبری سیاستمداران انگلیسی و امریکائی به موقع خود سعی و کوشش فراوان مبذول می‌داشتند که مسئله موهومی موسوم به مسئله ایران را ایجاد کنند. آنها برای نیل به منظور خود از وجود برخی مسائل لاینحل که در آن زمان از مناسبات

ایران و شوروی پدیدار شده و برای حل و فصل آنها بین مسکو و تهران مذاکرات جریان بوده استفاده کرده‌اند. بطوریکه همه می‌دانند این مذاکرات منجر به سازش کامل بین طرفین گردیده و اعلامیه رسمی صادر در این باب و همچنین نامه نخست‌وزیر ایران به سفیر کبیر شوروی در تهران راجع به موضوع تشکیل شرکت نفت ایران و شوروی بهترین گواه این مدعی است. اتحاد جماهیر شوروی تعهداتی را که طی مذاکرات با دولت ایران قبول نموده بود انجام داده و به نوبه خود انتظار دارد دولت ایران نیز از انجام آن فروگذار ننماید. بر هر کس واضح و آشکار است که در این زمینه هیچگونه مسئله نبوده و نیست که محتاج به حل از طرف سازمانها و تشکیلات بین‌المللی باشد.

نماینده شوروی در شورای امنیت خاطرنشان نمود که در چنین شرایطی ابقاء مسئله ایران در صورت جلسه یک امر غیرقانونی است که با اساسنامه سازمان ملل متفق منافات دارد. خود دولت ایران نیز به شورای امنیت مراجعه و تقاضا نموده بود مسئله ایران را که وجود خارجی ندارد از صورت جلسه خارج سازند. اگر مسئله ایران کماکان در صورت جلسه شورا باقی است این نتیجه سیاستهای آن عده آقایانی است که می‌خواهند شورای امنیت را به نفع خود استثمار نمایند و بدهی است این گونه منافع ارتباط با مسائلی که اساسنامه سازمان ملل متفق در برابر شورای امنیت قرار داده ندارد.

این بود حل معمای سیاسی که کمافی‌السابق صورت جلسه شورای امنیت را زینت می‌دهد.»

سیرگیف در مجله «عصر جدید» شماره ۴۸ مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۴۷ نیش قلم را در سراسر مقاله خود متوجه احمد قوام نخست‌وزیر ایران کرده و در مقاله مفصلی که نوشته است وی را به باد انتقاد شدید گرفته است:

در راه ماجراجوییهای ارتجاعی

در حیات سیاسی ایران طی سال اخیر تغییرات بزرگی رخ داده است. در بهار و تابستان ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) می‌شد تصور نمود که ضربه جدی و محکمی به ارتجاع ایران وارد آمده و تعقیب قوای دموکراتیک پایان یافته است و نیز چنین بنظر می‌آمد که دولت تهران سیاست خصومت‌آمیزی را که کابینه‌های ارتجاعی ساعد و منصور و حکیمی بنا به فرمایش امپریالیستهای خارجی نسبت به اتحاد شوروی تعقیب می‌کردند صرف‌نظر نموده

است.

دولت قوام السلطنه که در آغاز سال ۱۹۴۶ تشکیل شد در بادی امر سخت گیریهای دولت سابق را نسبت به سازمانهای دموکراتیک تقبیح نموده تعقیب سازمانهای مذکور را موقوف نمود. چنین بنظر می آمد که نهضت دموکراتیک در ایران فرصت پیشرفت و تکامل قانونی یافته بود. نکته قابل توجه اینکه دولت قوام در آغاز هر نهضت دموکراتیک و ملی را در آذربایجان ایران به رسمیت شناخته بود. قوام بارها اظهار داشته است که این نهضت به نظر او ملی و مترقی و دموکراتیک و آزادیخواهانه است. قوام در ژوئن ۱۹۴۶ با آذربایجان دموکراتیک قراردادی منعقد نمود. دولت بنابر قرارداد مذکور یک سلسله موفقیتهای دموکراتیک را که ملت آذربایجان تحصیل نموده بود از قبیل تقسیم خالصجات و بعضی از اراضی ملاکین بین رعایا و تلمذ به زبان ملی در مدارس و غیره برای آن محفوظ داشت. از این گذشته مقامات تعهد نمودند طرح قانون دید انتخابات عمومی سری و مستقیم و متساوی را تهیه نموده برای تصویب به مجلس پیشنهاد نمایند. انجام این قرارداد مسلماً به منزله قدم بزرگی در راه توسعه دموکراسی تمام در کشور بود. در عین حال دولت خبز تقسیم خالصجات را بین کشاورزان منتشر کرد و اظهار داشت که هنگام تقسیم محصول سهم کشاورزان از این پس ۱۵ درصد بیشتر از سابق بوده و مقدار اضافی از سهم ارباب برداشت خواهد شد.

قوام السلطنه اظهار می داشت قصد دارد با مرتجعین و عمال امپریالیسم خارجی مبارزه کند. او وعده داد سیاست خارجی یک طرفه را که کابینه های سابق پیروی می کردند موقوف نموده روابط با اتحاد شوروی را بهبود بخشد و قرارداد ایران و شوروی مورخ ۴ آوریل ۱۹۴۶ راجع به تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی به منوط اکتشاف و استخراج معادن نفت شمال ایران می بایستی اساس و زمینه بهبودی روابط ایران و شوروی گردد.

توده های مردم ایران تصور می کردند دولت قوام برنامه مترقی را که اعلام نموده بود در زمینه سیاست داخلی و خارجی عملی خواهد کرد. حزب توده و اتحادیه های کارگران و سازمانهای دموکراتیک دیگر از دولت پشتیبانی کامل به عمل می آورند.

ولیکن این آرزوهای ملت ایران عملی نشد. تردهای نفت انگلیسی و امریکائی ز جمیع طرق و وسایل برای تجهیز قوای ارتجاعی ایران و استقرار تمام و کمال نفوذ

دسته‌های سیاسی ورشکسته استفاده نمودند.

در دسائس و دسته‌بندیها بر علیه دموکراسی ایران شرکت نفت انگلیس و ایران نقش بسیار مهمی را ایفا نمود. کارمندان دایره سیاسی این شرکت در میان قبایل خوزستان و فارس شدیداً فعالیت می‌کردند. این کارمندان اتحاد قبایل خوزستان را که مدعی انفصال خوزستان از ایران و الحاق آن به عراق بود به وجود آوردند. خانهای مرتجع و دسته‌های اشرار آنها تسلیحاتشان را از ناحیه انگلیس‌ها تأمین می‌کردند، عمال انگلیسی در تهران و نقاط دیگر تحریکات و تصادماتی را بر علیه سازمانهای دموکراتیک به وجود می‌آوردند. در ژوئیه ۱۹۴۶ کشتی‌های جنگی انگلیس داخل خلیج فارس و بنادر آبادان و خرمشهر شدند. لشکرهای انگلیسی که اوایل اوت به بصره (عراق) وارد شده بودند در مرز عراق و ایران مستقر شدند.

دیپلماسی امریکا به نوبه خود ارتجاع ایران را به مبارزه با ملت تحریک می‌کرد. آلن سفیر کبیر امریکا در تهران طی بیاناتش ایرانیها را بر ضد اتحاد شوروی می‌شورانید. تحریکات و تشبثات متمرثر واقع شد. قوام‌السلطنه که به نیات و تمایلات ارتجاعی و هم‌چنین به روابط خود با امپریالیستهای انگلیسی و علی‌الخصوص امریکائی مشهور می‌باشد دست به فریب محافل دموکراتیک زده به تثبیت و استقرار موقعیت دستهای ارتجاعی در ایران مبادرت ورزید.

قوام ۲۹ ژوئن ۱۹۴۶ تأسیس حزب به اصطلاح دموکراتیک را اعلام نمود. برنامه این حزب ایرانیها را به تأمین استقلال کامل و تمامیت ارضی کشور و بهبود وضع دهقانها و کارگران و اصلاحات اساسی در زمینه بهداشت و فرهنگ و تشکیلات قضایی و سیستم مالیات و تجدیدنظر در قوانین و تطبیق آنها با اصول سازمان ملل متفق امیدوار ساخت.

هیچ‌یک از مواد این برنامه اصلاحات دموکراتیک عملی نگردید. هیچ قدمی در این راه برداشته نشد. برعکس تمام سیاست دولت در جهتی کاملاً مخالف سیر می‌کرد. در حزب دموکرات در درجه اول کارمندان عالیرتبه دولت، ملاکین و تجار وارد شدند. در سازمانهای محلی و مرکزی این حزب هواخواهان سید (سیدضیاءالدین) و اعضاء دسته‌های ارتجاعی سابق نقش بارزی را ایفا می‌کردند. بعضی از افراد سازمانهای دموکراتیک نیز به عقاید اولیه خود پشت‌پا زده به منظور تحصیل مقامات پردرآمد در

دستگاه دولتی به حزب دموکرات ملحق گردیدند.

حزب دموکراتیک به صورت نقطه تمرکز تمام قوای ارتجاعی درآمد. بنا به دستور مرکز سازمانهای محلی این حزب بلافاصله بر علیه حزب توده، اتحادیه‌های صنفی، سازمانهای دهقانها و سایر تشکیلات دموکراتیک شروع به اقدام جدی نمودند. از همان ژوئیه ۱۹۴۶ حمله به اعضای برجسته و فعال این سازمانها و تخریب آنها از طرف حزب دموکرات با شرکت ژاندارمری و شهربانی آغاز گردید.

قوام برای اینکه وقت کافی برای تحکیم قوای ارتجاعی داشته باشد اول اوت ۱۹۴۶ کابینه را ترمیم و سه نفر عضو حزب توده را به عنوان وزیر پیشه و هنر، بازرگانی، فرهنگ و بهداری وارد دولت نمود. منظور از شرکت دادن حزب توده در دولت این بود که دست حزب مذکور را ببندد و آن را در اقدامات ضد دموکراتیک دولت نیز شریک سازد. در دوره زمامداری کابینه جدید تعقیب سازمانهای دموکراتیک و من جمله حزب توده کماکان ادامه داشت.

در سپتامبر ۱۹۴۶ ارتجاع علناً تمام قوای دموکراتیک و علی‌الخصوص آذربایجان را مورد حمله قرار داد.

در اواسط سپتامبر قشقائیا و خوانین دیگر جنوب ایران به تحریک امپریالیستهای خارجی و مرنجعیین تهران از در تعرض درآمدند. ستونهای مسلح آنها پستها و قرارگاههای ژاندارمها را خلع سلاح نموده به شیراز رسیدند. کازرون، بوشهر و سایر شهرهای فارس را اشغال نمودند. این دسته‌های اشرار اعضاء حزب توده و اتحادیه‌های صنفی را قلع و قمع نموده سکنه صلح‌جو را قتل و غارت می‌کردند. ناصرخان قشقائی و سایر رهبران طغیان اخراج اعضاء حزب توده را از دولت و قطع رابطه را با آذربایجان دموکرات جداً خواستار شده بودند و هم‌چنین برای سکنه فارس به عبارت دیگر در درجه اول برای قبایل تقاضای خودمختاری نموده بودند.

دولت با داشتن ارش منظم تانک و هواپیما کاملاً می‌توانست غائله مرنجعه‌ان خوانین جنوب ایران را فرو نشاند لیکن دولت به هیچ‌وجه در این فکر نبود... روزنامه‌های دموکراتیک نوشته بودند که تعرض خوانین جنوب ایران نه تنها از امپریالیستهای خارجی بلکه از طرف زمامداران دولت ایران به منظور تولید بهانه برای تعویق انتخابات مجلس و انهدام سازمانهای دموکراتیک در کشور الهام می‌گرفت. بعدها ناصرخان قشقائی و

حیات داودی این نظریه را تأیید نمودند.

حیات داودی در مصاحبه با مخبر روزنامه «کشور» چنین اظهار نمود:

«این تظاهر به هیچ وجه مخالف دولت قوام نبود بلکه مانوری بود که به منظور تأمین استقلال و تمامیت ارضی کشور و تصفیه قدرت حزب دموکرات آذربایجان به عمل آمد. ما با این مانور خواستیم دست دولت را باز بگذاریم تا در برابر مشکلات بتواند بگوید که ایران تنها آذربایجان نیست و در صورتیکه دولت متجاسر آذربایجان منحل نگردد فارس هم تقاضاهائی از این قبیل خواهد کرد. این وضع مخالف با اصل تمرکز کشور می باشد و از این رو مسئله آذربایجان باید حل شود و شمال و جنوب کشور هردو باید از دولت مرکزی اطاعت نماید.»

این اعتراف آشکار را وقایع انکارناپذیری تأیید می نماید. ۱۷ اکتبر ۱۹۴۶ قرارداد دولت با خوانین جنوب ایران انتشار یافت. عصیان فارس به منزله نهضت ملی و ناشی از «میهن پرستی و اندیشه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران» اعلام گردید. قوام نمایندگان حزب توده را از دولت خارج کرد. مذاکرات بین دولت و نمایندگان آذربایجان قطع گردید. هیئت نمایندگان آذربایجان تهران را ترک کرد.

محافل انگلیسی و امریکائی قوام را به نقض تعهدات و سرکوبی نهضت ملی در آذربایجان تحریک می کردند. دیپلماسی امریکا و علی الخصوص آلن سفیر کبیر امریکا در این زمینه فعالیت مخصوصی به خرج می داد. روزنامه «رهبر» ارگان حزب توده در ۲۸ نوامبر ۱۹۴۶ چنین نوشته بود:

«امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی که قوام به آنها تسلیم شده است می خواهند اکنون در ایران کودتای ۱۹۲۱ را تکرار نمایند. اکنون سیاست اختناق ملت و آزادی و استقرار دیکتاتوری و تبدیل کشور به مستعمره به منظور استثمار تمام عیار ملت و ثروت آن خلاصه سیاست الحاق ایران به سیستم تکیه گاههای امپریالیست تعقیب می گردد.»

قوام ۴ دسامبر ۱۹۴۶ نیروهای ایران را به سوی آذربایجان گسیل داشت. سرکوبی و قلع و قمع رهبران حزب دموکرات آذربایجان و تمام آتیهائی که در نهضت ملی شرکت جسته بودند آغاز گردید. صدها نفر به دار آویخته و تیرباران شدند. هزارها نفر مورد سختگیری و تعقیب و انتقام جوئی قرار گرفتند... مقامات مربوط الغای اصلاحات دموکراتیک را که در آذربایجان عملی شده بود رسماً اعلام داشتند.

جنگ علیه دموکراسی به سرتاسر کشور توسعه داده شد. روزنامه‌های حزب توده و اتحادیه‌های کارگران توقیف و کمیته‌های آنها منهدم گردید. دسته‌های ژاندارم کارخانه‌ها و بنگاه‌های صنعتی را اشغال نمودند. عده کثیری از رهبران و اعضاء سازمانهای دموکراتیک دستگیر شدند. کارگرانی که نسبت به نهضت دموکراتیک ابراز همدردی می‌نمودند از کار برکنار گردیدند.

۱۳ فوریه ۱۹۴۷ محل شورای متحده اتحادیه کارگران ایران اشغال شد. روستامنشی شورای متحده و عضو کمیته اجرایی اتحادیه بین‌المللی کارگران و هم‌چنین کارکنان برجسته اتحادیه‌های کارگران زندانی شدند.

انتخابات مجلس در نیمه اول نوامبر ۱۹۴۷ با لجام گسیختگی ارتجاع و ترور سخت صورت گرفت. حزب دولتی و مقامات رسمی صورت کاندیداهای وکالت را تنظیم می‌کردند. روزنامه‌ها پیش از آغاز انتخابات اسامی اشخاصی را که می‌بایستی بنا به دستور دولت از نواحی مختلف انتخاب شوند انتشار می‌دارند. همه‌جا در مورد انتخابات فشار خشونت آمیز اجرا می‌شد. فشار مذکور عبارت بود از اخراج و توقیف کارگران، توقیف قسمتی از مزد به جرم ندادن رأی به کاندیداهای دولت و هم‌چنین یک سلسله حقه‌بازی و پشت هم‌اندازی از قبیل جعل شناسنامه، رأی دادن با شناسنامه‌های غیر و با شناسنامه‌های اموات دو و سه بار بیشتر رأی دادن با یک شناسنامه. در دوره انتخابات شناسنامه‌های بسیاری از کارگران و کارکنان را ضبط می‌کردند و سپس افراد دیگری با این شناسنامه‌ها رأی می‌دادند.

از آنجائی که هیچیک از اصول انتخابات آزاد در این انتخابات رعایت نمی‌شد حزب توده و اتحادیه‌های دموکراتیک کارگران از شرکت در این بازی خودداری کردند. عده معدودی رأی دادند. مثلاً در تهران و حومه که بالغ بر ۸۰۰ هزار نفر سکونت دارند و لااقل ۲۰۰ هزار نفر حق رأی دارند فقط ۷۸ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند.

جای تعجب نیست که انتخاب‌شده‌گان مرتجعین دوآتشه و وابسته به محافل امریکا و انگلیس هستند. میان وکلای جدید یک‌نفر از نمایندگان سازمانهای دموکراتیک وجود ندارد. در صورتیکه حتی میان وکلای مجلس سابق هم هشت نفر عضو حزب توده و چند نفر وکیل دموکرات منش موجود بود.

دولت قوام هر اندازه بیشتر به مشتی ارتجاعی نزدیک و دنبال سیاست امریکا روانه می‌شد به همان اندازه در مشی غیردوستانه نسبت به اتحاد شوروی ثابت و راسخ‌تر می‌گردید. محافل دولتی مطبوعات ارتجاعی را که از طرف عمال امریکائی تحریک می‌شوند به تظاهراتی علیه اتحاد شوروی تحریص نمودند.

دولت قوام در عین حال با تمام وسایل نفوذ امریکا را در ایران تسهیل می‌کند. در اواخر اکتبر ۱۹۴۶ بود که خبرگزاری پارس از نیویورک خبری منتشر نمود مبنی بر اینکه دولت تهران از بانک بین‌المللی عمران و آبادی که متجاوز از چهل درصد سهام آن متعلق به امریکا می‌باشد، تقاضای قرضه بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار نموده است. بنا به خبر روزنامه پارس مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۷ دولت امریکا شرایط ذیل را پیشنهاد کرده است:

دولت ایران باید حزب توده و سازمانهای چپ کارگری را منحل نماید.
دولت باید سعی کند اکثریت مجلس را کسانی تشکیل دهند که مورد اطمینان امریکا باشند.

استفاده از قرضه باید با موافقت هیئت امریکا صورت بگیرد.
در ژانویه ۱۹۴۷ یازده نفر متخصص امریکائی به ایران آمدند و در مدت سدها برنامه‌هایی را که دولت برای پیشرفت اقتصادیات کشور تهیه نموده بود، مطالعه کردند. متخصصین در ماه مه به امریکا بازگشتند و از آنجا باید نظریات قطعی خود را ارسال دارند. دولت ایران با اتکاء به این نظریات امید دریافت قرضه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیون دلار از بانک بین‌المللی عمران و آبادی می‌باشد.

در ژوئن ۱۹۴۷ در واشنگتن بدون تصویب مجلس به عبارت دیگر با نقض قانون اساسی قرارداد امریکا و ایران راجع به دریافت قرضه‌ای بالغ بر ۲۵ میلیون دلار به منظور خرید اسلحه و مهمات جنگی منعقد گردید. از طرف دولت ایران مذاکرات را ژنرال شوآرتسکوف مستشار ژاندارمری ایران به عمل آورد. امریکا به وسیله هیئت‌های ژاندارمری و نظامی خود ژاندارمری ایران را کاملاً تحت کنترل گرفته است. میزان نظارت امریکا در ارتش ایران نیز قابل ملاحظه است.

طبق اطلاع مطبوعات واشنگتن سعی می‌کنند از دولت قوام حق ایجاد فرودگاههای امریکائی را در خلیج فارس تحصیل نمایند.

در مه ۱۹۴۷ سه کشتی جنگی امریکائی برای آشنا شدن با بنادر ایران و عراق به خلیج فارس آمدند. یکی از کشتیهای مذکور در بندر آبادان لنگر انداخت. فرمانده نیروی دریائی امریکا در قسمت خاوری اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه دریا سالار کونلی به اتفاق افسران عالیرتبه به سوی تهران عزیمت نمود و در آنجا از طرف نخست‌وزیر و وزیر جنگ پذیرفته شد. به طوری که در محافل سیاسی تهران اظهار می‌شود نمایندگان امریکا در مذاکره با وزیر جنگ موضوع ایجاد نیروی دریائی ایران را در بحر خزر مطرح نمودند.

ولیکن تلاش اصلی نمایندگان امریکا در ایران که قوام خورده فرمایشهای آنها را انجام می‌دهد، متوجه این نکته بود که قرارداد ایران و شوروی مورخ ۴ آوریل ۱۹۴۶ که متضمن طرح قراردادی راجع به تأسیس شرکت مختلط ایران و شوروی به منظور اکتشاف و استخراج معادن نفت شمال ایران می‌باشد، لغو نمایند. امریکائیه‌ها در حالی که به قوام و ارتجاع ایران قوت قلب می‌دادند آنها را به نقض قرارداد مذکور که در صورت تحقق مانع از اجرای نقشه‌های امریکا به منظور انقیاد ایران می‌شد علناً تحریک می‌کردند. ۱۱ سپتامبر آلن سفیر کبیر امریکا در ایران طی بیاناتی که در انجمن روابط فرهنگی ایران و امریکا ایراد نمود با لحنی تحریک آمیز زمامداران ایران را مطمئن نمود از اینکه امریکا در این مورد از آنها کاملاً پشتیبانی خواهد نمود. به علاوه مارشال وزیر امور خارجه امریکا طبق اطلاع مخبر دبلی تلگراف و مورنینگ پست در تهران در نامهای که به علاء سفیر کبیر ایران در واشنگتن نوشت دوباره تکرار کرد که ایران از حمایت امریکا «در صورتی که امتناع ایران از تفویض امتیاز نفت به روسیه منجر به عواقب ناگواری گردد» برخوردار خواهد شد.

قوام ۲۲ اکتبر در مجلس بیاناتی در اطراف مسئله قرارداد ایران و شوروی مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۴۶ ایراد نمود. منظور علنی او از این بیانات عدم تصویب قراردادی بود که خودش امضا کرده بود. بطوری که رادیو تهران ۲۳ اکتبر خبر داد قوام اظهار داشت:

«در آن ساعت که من این قرارداد را می‌بستم معتقد بودم که این قرارداد به نفع کشور است حالا معتقدم که این قرارداد به ضرر کشور می‌باشد.»

مجلس که اکثریت قریب به اتفاق آن از وکلای تشکیل می‌شود که به دستور قوام انتخاب شده‌اند قرارداد ایران و شوروی را باطل دانست. قوام و طرفدارانش که قدم

در راه قربانی منافع ایران برای خاطر امپریالیستهای امریکائی و فریب اتحاد جماهیر شوروی گذاشتند دستور اربابان امپریالیست و حامیان خود را انجام دادند. روزنامه‌های تهران اطلاع می‌دهند که اربابان هم تشکراتشان را به مستخدمین خود ابراز می‌دارند.

روزنامه قیام ایران این‌طور می‌نویسد:

«دولت امریکا به عمالش در ایران دستور داده است از دولت ایران تشکر به عمل آورند.» در عین حال امپریالیستهای امریکا عجله می‌کنند فرصت را از دست ندهند. آنها مجدداً سعی می‌کنند نقشه‌های خود را عملی نموده نفت شمال ایران را تصاحب کنند. برای اینکه بتوانند تکیه گاه جنگی در مرزهای اتحاد جماهیر شوروی به وجود بیاورند. روزنامه قیام ایران خبر می‌دهد که هیئتی امریکائی برای بررسی طرق و وسایل استفاده از نفت شمال عازم ایران می‌باشند به هر نحوی که کمپانیهای نفتی امریکا در صدد استفاده از نفت شمال ایران بر آیند خواه به وسیله ایجاد شرکت ایرانی که در حقیقت تحت اداره امریکائیها خواهد بود و یا به نحو دیگر در هر صورت تغییری در ماهیت امر داده نخواهد شد.

نکته مهم اینست که سیاست قوام اخیراً زمینه را برای اینگونه تشبثات که علناً ناقض شرایط قرارداد ایران و شوروی مورخ ۱۹۲۱ می‌باشد تهیه می‌کند. این دفعه اول نیست که قوام قدم در این راه می‌گذارد. در ۱۹۲۱ هم که نخست‌وزیر بود سعی می‌کرد نفت شمال ایران را به کمپانیهای نفتی امریکا واگذار نماید. ولی او گویا فراموش کرده است که این سیاست ماجراجویانه آن وقت برای ابقاء او در رأس دولت مفید نیفتاد.

تشدید فاحش فعالیت امریکا در این اواخر اسباب نگرانی انگلیس را که از تحکیم خارج از حد نفوذ همبازی بزرگترش امر آسان است، فراهم نموده است در ۱۹۴۵ محافل طرفداران انگلیس در ایران وسایل اخراج میلیسپو را فراهم کردند، اختلاف میان منافع امریکا و انگلیس در صفحات مطبوعات نیز منعکس می‌گردد. روزنامه‌های طرفدار انگلیس پرده از روی تشبثات امریکائیها برمی‌دارند. روزنامه آتش و کشور که با محافل انگلیسی بستگی دارند، مقالات مسلسلی بر علیه استقراض از امریکا منتشر نمودند.

ولیکن دسته‌بندی مختلف طبقه مرتجعین ایرانی و اربابان انگلیسی و امریکائی آنها در مواردی که سخن از سرکوبی نهضت دموکراتیک و صحبت از اخلاص روابط

عادی شوروی و ایران به میان می‌آید خط مشی واحدی را تعقیب می‌کنند. اینکه تمام اختلافات آنها فقط پس از سرکوبی آذربایجان دموکرات و انحلال سازمانهای ملی در سایر نقاط ایران ظهور کرد امری اتفاقی نیست.

از این قرار طی دوره اخیر در حیات سیاسی ایران تغییرات بسیار مهمی رخ داده است. تغییرات مذکور شامل نکات زیر است:

تشدید نفوذ امریکا و برقراری ارتباط نزدیک بین محافل امپریالیستی امریکا با محافل ذی نفوذ ارتجاعی ایران تحت ریاست قوام که به دستور امریکائیان رفتار می‌کند، حمله ارتجاع ایران که از طرف دیپلماسی امریکا و انگلیس تحریک و حمایت می‌شود علیه کلیه قوای دموکراتیک با استفاده از اسلوب مبارزه فاشیستی، بازگشت محافل زمامداران ایران به آن سیاست علنی خصمانه بر ضد اتحاد شوروی که در آخرین سالهای زمامداری رضاشاه اعمال می‌گردید.

در یادداشت دولت شوروی مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۴۷ عهدشکنی دولت قوام و نقض تعهدات ناشی از قرارداد با شوروی مورخ ۴ آوریل ۱۹۴۶ و کیفیت این پیمان شکنی و باطل شمردن قرارداد مذکور از طرف مجلس جملگی به منزله تهمت و افترا و تحریک خشونت آمیزی نسبت به اتحاد شوروی تلقی شده است. دولت شوروی به عملیات خصمانه دولت ایران که با روابط عادی میان دو دولت مغایرت دارد اعتراض عادلانه و جدی نموده و دولت ایران را مسئول عواقب آن دانسته است.

بدون شک مشی ماجراجویانه‌ای را که محافل زمامدار ایران پیش گرفته‌اند با موفقیت توأم نخواهد بود به علاوه مشی مزبور خطرات مهمی را دربر خواهد داشت، مرتجعین ایران و هم‌چنین محرکین خارجی آنها قادر هستند مسائل فوری و فونی را به نحو رضایت‌بخشی حل نمایند. قوای ملی در ایران و هم‌چنین در کشورهای دیگر طی سالهای جنگ و بعد از جنگ به نکات زیادی پی برده‌اند. نقشه‌های ارتجاع ایران و ارتجاع بین‌المللی به منظور انقیاد ایران و تبدیل آن به مستعمره مونیلهای امریکائی با مقاومت جدی مواجه خواهد شد.

به این ترتیب بود که موضوع نفت که ارتباط مستقیم به غائله آذربایجان داشت، وسیله شد که روابط بین دو دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی تیره شده مناسبات بین دولتين را در مرحله جدیدی داخل کند.

به طوری که ملاحظه شد سیاست خارجی قوام السلطنه در طول زمامداری و به خصوص پس از مراجعت از مسکو مورد تفسیر و تعبیر سیاستمداران داخلی و خارجی قرار گرفته برخی به طرفداری او و بسیاری به مخالفت او سربرداشتند. به خصوص که تمایل او به سیاست همکاری و موافقت با امریکا دو دولت انگلیس و مخصوصاً اتحاد شوروی را به دست و پا انداخت و چنانکه دیدیم به انحاء مختلف در براندازی او دست بکار شدند. «سیاست مرموز و مستتری که افق آنروز دنیا را راجع به ایران احاطه کرده بود عمل معنی‌دار و پرمغز قوام السلطنه این بود که این مرد سائی هم همان سیاست مستتر و همان روش پیچ و خم دار و چند پهلوی را به بهترین وجهی طلیعه روش سیاسی خود قرار داده مغز محافل سیاسی دنیا را وادار کرد که با سنگینی و انکسار بر روی رویه سیاسی وی خم شده متجسسانه در آن به فکر و تأمل فرو روند. از جمله:

مفسر سیاسی رویتر نوشت «... از تهران به لندن در این دو سه روزه اخیر خبری نرسیده و مثل اینکه یک پرده اسرارآمیز روی تهران افتاده است. معلوم نیست سیاست دولت قوام درباره شورای امنیت چه خواهد بود. محیط نخست‌وزیری ایران خیلی اسرارآمیز است. حتی از نظریات نخست‌وزیر مطبوعات داخلی تهران هم بی‌خبرند.»
خبرگزاری فرانسه از پاریس خبر داد که «... منظور دولتین انگلیس و امریکا اینست که از چگونگی سیاست آینده دولت قوام آگاه شوند.»

ولی نخست‌وزیر ایران با دقت مخصوصی متوجه است که آهنگ هر گفتار و اثر هر رفتار را با مصلحت و بهبود وضع ایران تلفیق کرده از زیر و بم وقایع راه خلاصی و صواب برای ایران جستجو کند.^۷

بازی سیاسی قوام السلطنه در ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی برای تخلیه ایران و براندازی حکومت دموکرات آذربایجان و تضعیف حزب توده در ایران، با وجود شرکت دادن بعضی از سران آن حزب در هیئت دولت خود و انتخاب چند نفر از آنان در مجلس شورای ملی به عنوان وکیل، وسیله شد که طرفدارانی در ایران پیدا کرده به طرق مختلف از جمله درج مقالات در روزنامه‌ها به دفاع از او بپردازند. از جمله روزنامه «امواج» مورخه ۸ اسفند ۱۳۲۵ در دفاع از سیاست خارجی قوام السلطنه چنین نوشت:

دفاع از سیاست خارجی قوام السلطنه^۸

«چند سال است که ملت ستمدیده ایران، به حکم موقعیت جغرافیائی خود در میان فشار دو قوه مختلف الجبهت روس و انگلیس قرار گرفته و ضربت‌های پیاپی و متوالی است که از ناحیه این دو رقیب بر پیکر ناتوان آن وارد می‌گردد.

علاقه‌مندان به سعادت و استقلال مملکت مدتهاست که در تطبیق منافع ایران با مصالح یکی از این دو قوه و استفاده از همکاری آن برای ایجاد یک محیط آرام و فارغ از تشنج و برای اصلاح خرابی‌ها و آشفته‌گی‌های کشور، عاجز و سرگردانند. زیرا هریک از این دو همسایه نیرومند و موثر، در عین آنکه صفات ممتاز و مخصوصی دارند که می‌توانند رکنی از ارکان همکاری با ایران باشد، لهذا نقاط مفارقت و قابل تصادمی هم با ما دارند که این همکاری را مشکل و حتی ممتنع می‌سازد. انگلیس‌ها در عین حال مردمی آزادی‌خواه و دموکرات هستند و اساس سیاست آنها بر بی‌دخالتی در شئون ملی دیگران قرار دارد. متأسفانه به علت محدودیت سرزمین اصلی خود و عدم کفاف منابع اقتصادی جزایر بریتانیا جهت تأمین معیشت احتیاجات جمعیت انبوه و انباشته آن ناگزیر از چشم داشتن به منافع و مصالح دیگران هستند. و بنابراین همکاری ملت ضعیف و بی‌وسيله ایران با این کشور حکم همکاری موش و گربه را دارد و بدون شک و تردید نفع ما را متضمن خواهد بود.

اما روس‌ها با تمام سوابق تاریخی و علائق همجواری که با آنها داریم، چون رژیم مستقر در این کشور بدبختانه بر ابطال ملیت و مذهب و مبارزه با آزادی فردی و ترور فکر و عقیده قرارداد و سنن مذهبی و عادات ملی ما درست در نقطه مقابل آن قرار دارد. لاجرم که باب همکاری صمیمانه ما نیز با ایشان نیز بسته خواهد بود.

با این مقدمات و اینکه ملت ایران نه حاضر به ترک ملیت و استقلال خود گشته و نه از سنن ملی و مذهبی خود دست‌بردار است. پس به ناچار باید در عین حفظ روابط

۸- این نکته مهم را باید خاطرنشان خوانندگان محترم بنمایم که نظر این جانب از ذکر این مطالب به هیچ وجه از شخص بخصوصی نیست فقط منظورم ذکر حوادث و وقایع و آنچه را که تاریخ آن زمان در صفحات خود آورده است، می‌باشد. قضاوت را به «تاریخ‌شناسان» واگذار می‌کنم. (بیانی)

صمیمانه خویش با روس و انگلیس به دنبال ملت دیگری که هیچگونه سوءنظری به استقلال و ملیت ما نداشته باشد، برود و هم قدمی و هم آهنگی در اصلاح کشور خود را با وی انجام دهد.

امریکائی‌ها از پرتو لطف طبیعت ثروتمندترین ملل عالم هستند و همین بی‌نیازی مادی است که آنان را مردمی بشردوست بار آورد...

قوام‌السلطنه‌ای پیدا می‌شد و به رویه معمول سیاستمداران این مملکت که نوکری روس و یا بندگی انگلیس است پشت‌پا می‌زدند و با کمال جرأت و جسارت شانه از زیر بار تحمیلات شمال و جنوب خالی می‌کنند و با حسن سیاست خود اعتماد و همکاری امریکا را به نفع مملکت جلب می‌کنند.

دستگاههای وابسته به سیاست‌های استعماری، که منافع ایشان در ذلت و زبونی ایران و رنگینی سفره آنان در شام تیره و توأم با بدبختی مردم بیچاره این مملکت است، وقتی منافع خود را با زوال خیانت و وطن‌فروشی در شرف انقراض می‌بینند یک‌باره به فعالیت بر ضد قوام‌السلطنه برمی‌خیزند و نواهای گوناگونی را نسبت به این مرد خدمتگذار ساز می‌نمایند.

بطوریکه ما از منابع موثق و مورد اعتماد کسب اطلاع کرده‌ایم عدم افشای ماهیت مذاکراتی که آقای قوام‌السلطنه در مسافرت اخیر مسکو با رفیق استالین نمودماند و افزونی روابط صمیمانه ایران با کنسور امریکا، انگلیس‌ها را دچار نگرانی و وحشت کرده و ادار به اتخاذ تصمیمات مخالفی نموده است.

چون شوروی‌ها هم خود بهتر اطلاع دارند که قوام‌السلطنه نسبت به هیچ‌یک از تقاضاهای خارج از عدالت آنان روی خوش نشان نداده آنها هم عملیات این مرد را منطبق بر مصالح خود ندیده به نوبه خود از تحریک و دسیسه‌سازی علیه ایشان روگردانی و امتناع ندارند.

قوام‌السلطنه با سیاست مدبرانه و میهن‌پرستانه خود یعنی نزدیکی به امریکا و محدود ساختن روابط ایران با روس و انگلیس بر امور عادی و همجواری و احترام متقابل که صددرصد به سود و صلاح ماست متأسفانه مورد مخالفت تمام دستگاههای وابسته به همسایه‌های شمالی و جنوبی قرار گرفته است.

تمام عمال روس و انگلیس و کسانی که رخت برپستن نفوذ بیگانگان از

دستگاه کشوری ما به زیان منافع آنان است علیه این عنصر خدمتگذار شروع به مخالفت و کارشکنی نموده هر روز نوای ناموزونی را ساز می‌نمایند.

تمام این سر و صداهائی که به عناوین مختلف و تحت لغافه‌های گوناگون از قبیل اعتراض علماء، نهضت‌های ایلاتی، دسته‌بندیهای انتخاباتی و مهاجرت مردم بعضی از ولایات به تهران بلند است، همگی زائیده تحریک دستهای خارجی چندساله اخیر ملت ایران، یعنی پارتیزانهای روس و انگلیس است که به دستور اربابان خود و در نتیجه ترس از منافع خویش به این نغمه‌ها دست زده‌اند...

«ما عقیده داریم که معظم‌له (قوام‌السلطنه) و مقدمات سیاسی و همکاران ایشان نیز با استظهار به توده وطن‌پرست مملکت که همواره خدمات ایشان را مدنظر دارد همچنان به انجام خدمات خالصانه خود ادامه داده کمترین توجهی به این نواهای مخالف و نغمه‌های ناموزن ننمایند.»

روزنامه دیگر به نام‌های نهضت (خورشید ایران) مورخه ۹ اسفند ۱۳۲۵ و روزنامه «صدای وطن» مورخه ۱۱ اسفند ۱۳۲۵ راجع به اوضاع سیاسی ایران و روابط بین‌المللی آن و دفاع از سیاست قوام‌السلطنه مقالاتی درج کرده‌اند. چون در آن زمان تا اندازه‌ای اظهار عقیده آزاد بود و روش سیاسی ایران از پرده اختفا و معما بیرون آمده هر کس به قدر وسع فهم و درک خود به این معنی آشنایی پیدا کرده پیچ و خمهای سیاست را به انحاء مختلف از جمله روزنامه در معرض افکار عامه می‌گذاشت. بنابراین بی‌مناسبت نیست مندرجات سه روزنامه فوق را که در آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ضبط است برای مزید اطلاع و شاید روشن کردن وقایع آن زمان، عیناً درج نموده و قضاوت مطالب آنها را با در نظر گرفتن مباحث و مطالب مفصل گذشته به عهده خوانندگان گرامی گذاریم.

روزنامه نهفت (خورشید ایران) مورخه ۹ اسفند ۱۳۲۵

شاه... یا نخست‌وزیر؟ پرده‌های استتار بالا می‌رود آذربایجان و سیاست‌های خارجی؟! مانور سیاسی شوروی

در اثر سیاست استتاری ملت ایران بهت‌زده و متحیر به سیاست‌های جاری نظاره کرده و از گذشته مبهم و آینده تاریک سرگیجه گرفته است!

این مردم حیران و بیخبر از همه‌جا تا بهم می‌رسند درددل‌ها کرده و از هم می‌پرسند؟

آیا مسئله بغرنج آذربایجان چگونه و بدست چه سیاستی حل گردید.

آیا سیاست‌های خارجی تا چه حدود در این مورد دخالت داشته است؟

و از نظر سیاست داخلی کدام شخصیت نقش موثری به عهده داشته است؟

و همینکه از تحقیق و پرچانگی درباره آن آباها به نتیجه‌ای نمی‌رسند مسئله مرموز آذربایجان را کنار گذاشته از آینده مبهم کشور خودشان بحث می‌کنند.

باز هم آباها شروع می‌شود؟

آیا فردا چه خواهد شد، رقابت‌ها و کشمکش‌های خارجی چه صورتی خواهد گرفت؟ و برای ما چه مقدر خواهند کرد؟

آیا در کنفرانس مسکو سرنوشت تازه‌ای نصیب ما خواهد شد؟

آیا امتیاز استخراج نفت شمال به شوروی‌ها داده خواهد شد یا نه؟

و اگر در مجلس پانزدهم این امتیاز تصویب بشود به حق

حاکمیت و استقلال سیاسی ما چه صدمه‌ای خواهد رسید؟

و در غیر این صورت یعنی اگر نفت به روسها واگذار نشود بار دیگر سروکله پیشه‌وریه‌ها و غلام بچی‌ها و اعوان و انصار آنها سبز خواهد گردید؟

و صرف‌نظر از این سیاست‌های بزرگ خارجی که ما را پیوسته ملعبه منافع خودشان قرار دادماند امروز در امور داخلی ما تا چه اندازه‌ای مداخله می‌کنند و مداخله و نفوذ کدام‌یک بیشتر است؟

• • •

من از نظر وظیفه روزنامه‌نگاری می‌خواهم فی‌حد مقدور و تا آنجائی که اطلاعات و قدرت قلمی من اجازه بدهد [در] باره این معماهای لاینحل با خوانندگان نهضت بی‌پرده و عریان حرف بزنم. و اینک در این شماره از موضوع چگونگی حل مسئله آذربایجان از نظر سیاست‌های داخلی و خارجی بحث کرده و موضوع دوم را که آیا فردا چه خواهد شد و سرنوشت ما چگونه خواهد بود؟ به فردا یعنی شماره آینده وامی‌گذارم.

درست از همان روز ۲۲ آذرماه که شب دی‌جور فراق آذربایجان را بامداد وصال در پی شد افکار عمومی متوجه این ابهام گردید که مسئله به چه صورت و بدست چه سیاستی حل شد.

بعضی نکته‌بینان می‌گویند مسئله آذربایجان در خارج محیط ایران و بدست از ما بهتران! حل شده است و بعضی‌ها نیز اظهار عقیده می‌کنند که مسافرت آقای قوام‌السلطنه به مسکو و وعده دادن امتیاز نفت و عقد قراردادی در این مورد شوروی‌ها را حاضر کرد به اینکه موقتاً از آذربایجان دست بردارند و در مقابل منافع بزرگ نفت برای مدتی رفقا و دوستان خود را در ایران بی‌یار و پناه بگذارند البته معتقدین این نظریه استدلال‌هایی هم می‌کند که من حیث‌المجموع با منطق و عقل سلیم وفق می‌دهد اینها می‌گویند:

اگرچه موقعیت و مکانیت آذربایجان و در دست داشتن آن سرزمین برای شورویها از نقطه‌نظر سوق‌الجیشی و سیاست تسلط بر

خاورمیانه و حتی آفریقای شمالی که چندیست مسطوط توجه سیاستمداران قرار گرفته حائز اهمیت فوق العاده ای است ولیکن در مقابل اعطاء نفت شمال به آنها نیز همین اهمیت را دارد و به علاوه از نظر اکونوم پولونیک برای شورویها یک مسئله حیاتی است:

طرفداران این تفسیر و قضاوت استناد می کنند که:

اگر شورویها موفق به گرفتن امتیاز نفت [بشوند] یک موفقیت بی سابقه ای از نظر دیپلماسی و اقتصادی بدست می آورند و همین آرزوی نفت است که شورویها را حاضر کرد دست از پشتیبانی متجاسرین بردارند و دولت هم توانست حق حاکمیت خود را در آن استان مستقر نماید.

کشور اتحاد جماهیر شوروی از لحاظ مواد سوختنی کاملاً در مضیقه می باشد زیرا شورویها از سال ۱۹۴۵ در داخله کشورشان احتیاج به ۳۵ میلیون تن نفت داشتند و امروز نیز احتیاج آنها هرگز از این مقدار کمتر نیست و پیش از آن یعنی از سال ۱۹۴۳ تا سال ۱۹۴۴ وضعیت شوروی از لحاظ نفت فوق العاده بد بود و محصولات آنها متجاوز از ۱۸ میلیون تن نمی شد.

و اکنون که جنگ به آخر رسیده دولت شوروی از معادن نفت هنگری ایتالیا و اطیش بهره برداری می کند معینا در مقابل نفت استحصال نفتی آنگلسا کسونها خیلی کم می باشد زیرا صرف نظر از اینکه ۷۸ درصد نفت دنیا در دست انگلسا کسونها است شوروی امروز در داخله کشورشان در اثر عملی کردن نقشه های پنج ساله اقتصادی به تولید ۷۰ میلیون تن نفت نیازمندند!

و عده ای که آنها را ابجدخوان مکتب سیاست باید گفت اولاً چون سطح اندیشه و فکرشان پائین است و ثانیاً چون همه چیز و همه کار را از راه مدافنه گوئی و مدیحه سرائی پرورش می دهند لذا مسئله آذربایجان را فقط و فقط یک امر داخلی! قلمداد کرده و مدعی هستند که آنها [بدون] مشارکت هیچ مقام غیر مسئول و شخصیت های بارز سیاسی و

بدون دخالت سیاست خارجی فیصل پیدا کرده است در صورتی که صرف نظر از سیاست خارجی شخص اعلیحضرت همایونی (با اعتراف آقای قوام السلطنه که گفته بودند بروید از شاهنشاه تشکر بکنید!) سهم بزرگی در نجات آذربایجان دارند...

از توجهات اعلیحضرت شاهنشاهی که بگذریم مسئله مداخله سیاستهای خارجی و نتیجه رقابتها بین آنها قابل بحث است.

هنگامی که سیاستمداران تازه کار شوروی در مذاکرات با کهنه سیاستمداران انگلستان که هفتصد سال است افکار خودشان را با اصول پارلمنتر و سیاسی ورزیده کردهاند و دیپلماتهای امریکائی که رشد سیاسی فوق العادهای دارند مواجه میشوند در مسائل جاری اصولاً از مرگ می گیرند تا طرف را به تب راضی کنند!

و به اصطلاح با ورزیدگی تمام بلوف می زنند ولی متأسفانه طرف در بیشتر موارد هم این بلوفها را نمی گیرند!

و همین که نمایندگان کوملین در بلوفهایی که می زنند موفقیت پیدا نمی کنند جبراً در ادعای خودشان تجدیدنظر کرده و عقب نشینی می نمایند.

مسئله آذربایجان که یکی از مسائل بغرنج بین المللی شده بود با آنکه برای شورویها از چندین لحاظ اهمیت حیاتی داشت ولی چون در مقابل تشدید فشار رقبای خود در این باره مواجه شد. و حس نمودند که انگلیسها به هیچ قیمتی حاضر نخواهند بود آذربایجان را در قبضه اختیار رقیب باقی بگذارند و دولت اتازونی هم با در نظر گرفتن سیاستی که در خاورمیانه تعقیب می کند هرگز مایل به ادامه گرفتاری آذربایجان نمی شد. و همین پیچیدگیها احتمال می داد که برای صلح و امنیت دنیا مخاطرمای تولید کند لذا شورویها خواه [ناخواه] در مورد آذربایجان تجدیدنظر کرده و مانور سیاسی خودشان را کاملاً عوض نمودند و از طرف دیگر فلسفه تغییر سیاست شوروی درباره آذربایجان و دیگر ادعاها با این شرایط صدق می کرد.

از آغاز سال ۱۹۴۶ سیاست شوروی‌ها اقتضا می‌کرد بر کشورهای که در امتداد خطوط دریای مدیترانه از بندر تریست تا تبریز فشارهای سیاسی و نظامی وارد کنند و منظور این بود علاوه بر دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس بتوانند در آفریقای شمالی و بخصوص پخش تریپولی پایه‌گاههای اتکائی برای خود دست و پا بکنند اما اصول تاکتیکی اجازه نمی‌داد که هرگز این آرزوها به صورت عمل درآید و دولت شوروی که همیشه می‌خواهد با کمترین خطر بزرگترین موفقیت سیاسی را احراز کند. حاضر نشد یک چنین سیاست خطرناکی را که بی‌شک [منجر] به جنگ می‌شد تعقیب کند... و به همین علل در سیاست خارجی خود کاملاً تغییر جهت داد البته این تغییر شامل آذربایجان هم شد.

به علاوه چندی است که شوروی‌ها مواجه با مسئله خواربار شده‌اند و قبلاً پیش‌بینی نمی‌کردند که در چنین وضعیت سختی از لحاظ خواربار قرار بگیرند و البته تقسیم اراضی غله خیز اروپای شرقی بیشتر باعث تولید این قحطی شد لذا روسها متوجه شدند که اگر چاره سریعی در نظر نگیرند قحطی و گرسنگی میلیونها نفر را به مرگ تهدید خواهد کرد.

و برای اینکه بتوانند از مواد خواربار دیگران استفاده بکنند لازم بود قبلاً با آنها از در دوستی درآیند.

و شاید در اثر همین منظور بوده که تا مدت نامعلومی از تشدید فشار بر خطوط کرانه‌های مدیترانه و از تریست تا آذربایجان صرف‌نظر کردند «م نوازش»

نقل از جراید تهران

شنبه ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۵

روزنامه «صدای وطن» مورخه ۱۱ اسفند ۱۳۲۵

نفت ایران و کنفرانس مسکو پیشموری را چه دستی به آذربایجان برد سیاست بین‌المللی و نفت

آیا روسها می‌توانند برای تصویب نفت به مجلس پانزدهم امیدوار باشند؟

توقیف‌های متوالی و بسیار دور و دراز روزنامه صدای وطن ما را بکلی مانع از آن شد که مضمّن گذران جریان سیاست با خوانندگان عزیز در تماس باشیم و این هم جای شکایت نیست در تمام ممالک عقب‌افتاده همیشه رسم بر این بوده است که حکومت زور و قدرت بر جماعات مردم حکمروا باشد و گاهگاهی اسم این نوع حکومت‌ها را دموکراسی گذاشته‌اند حال اینکه خود شما بهتر می‌دانید اینها همه شوخی است و شاید توهین به دموکراسی است مقصود نگارنده اینست که اگر کسانی اسم این قبیل حکومت‌ها را دموکراسی بگذارند به لغت دموکراسی توهین فراوان نموده‌اند و می‌خواستم چنین نتیجه بگیریم که مملکت ما هم خواه ناخواه از این قاعده مستثنی نبوده و نیست و حکومت‌هایش همینهایی هستند که می‌بینید ناظر هستید و نتیجه اعمالشان نیز همین است که با جراید و مطبوعات ایران می‌شود.

باری در عرض ماههای اخیر همه می‌دانند که یک تحول کلی در سیاست بین‌المللی ایجاد شده است و این تحول در سرنوشت دنیا به طرز غیرقابل تصویری موثر بوده است یکسال پیش در چنین هنگامی در سراسر دنیا آتش اختلاف و نفاق شعله‌ور شده بود و دامنه آن روز به روز توسعه می‌یافت سازمان ملل متفق مبدل به میدان منازعه دول بزرگ شده بود

یک جنگ سوم دنیا را تهدید می‌کرد دنیای خسته و فرسوده هر لحظه در انتظار بود که از یک نقطه آتشی برخیزد و انبارهای باروت نقاط مختلفه گیتی را منفجر سازد.

در بالکان وقایعی روی می‌داد که برای دول متمدن گیتی شرم آور بود در سایر ممالک نیز اوضاع و احوال بهتر از بالکان نبود کار ایران از همه جا خطرناک‌تر و مدش‌تر بنظر می‌رسید در آذربایجان ابتدا سازمان‌هایی از حزب توده شروع به کار کردند و مرام و هدف آنها این بود که ناراضیان را به گرد خود مجتمع سازند و ناگفته نماند که در آن هنگام اوضاع عمومی خوب نبود اوضاع اجتماعی مردم هم خوب نبود طبعاً ناراضی زیاد بود به این جهت حزب توده در آذربایجان توانست خیلی زود قدرت و قوت بگیرد و بسیاری را به گرد خویش مجتمع سازد و با یک پرده تبلیغات دنیای زیبای آینده را در نظر آنها مجسم سازد حوالی همین اوقات یک دست‌هایی نامرئی در تهران در جستجوی کسی بود که بتواند در آذربایجان بساط تازه راه بیندازد و نقشه‌ای را که از سالها در شرف طرح شدن بود به موقع اجرا بگذارد نگارنده بی‌مورد و بی‌جا نمی‌باید متذکر گردد که نقطه ضعف آذربایجان همیشه مسئله زبان ترکی بوده است گو اینکه همه می‌دانیم این زبان عاریتی است و آنچه که فعلاً در آذربایجان بدان تکلم می‌شود با ترکی قفقازی و ترکی عثمانی تفاوت فراوان دارد. معیناً برای کسانی که بخواهند مسئله زبان را وسیله اقداماتی قرار دهند کار مشکل می‌شود در تهران آن هنگام حتی اعضای حزب توده هم حاضر نبودند به آذربایجان بروند و بساط خودمختاری ایجاد کنند چون اولاً آنها از نتیجه عمل خود بیمناک بودند و در ثانی اصلاً تصور نمی‌کردند چنین قدرتی داشته باشند فقط یک نفر حاضر به این کار شد آن هم سیدجعفر پیشه‌وری بود سیدجعفر را چنانچه همکاران مطبوعاتی او می‌شناسند مردی ناراضی بود با حزب توده هم زیاد همکاری نمی‌کرد گو اینکه یک کمونیست دوآتشه بود اما به حزب توده ایراد داشت که چرا دست به کار قیام نمی‌شوند وی از وضع خود ناراضی بود و همیشه یک

درد درونی او را رنج می‌داد و این درد مقام صدارت بود به طوری که گاهی می‌گفت اگر فلان کار به من سپرده شود چه خواهم کرد. به هر حال آن وقتی که می‌خواست در یک نقطه ایران برای اعمال بعدی قیامی صورت گیرد یقه پیشموری را گرفت و او را با خود به آذربایجان برد می‌گویند یک روز قبل از اینکه پیشموری به آذربایجان برود با جمعی از مدیران جراید و مظفر فیروز جلسهای تشکیل دادند و قرار بر این شد که پیشموری در آذربایجان قیام بکند و همکاران او در تهران مقدمات تشکیل یک حکومت موافق را فراهم سازند و البته وقتی حکومتی موافق روی کار آمد دیگر بسیاری از مشکلات حل شده است چنانچه ناظر بودیم قسمتی از این نقشه‌ها اجرا شد منظور کسانی که طرفدار تشکیل جنبش در آذربایجان بودند قبل از هر چیز این بود که مسئله نفت حل گردد والا همه کس می‌داند که با اوضاع و احوال امروزه و منافعی که دول بزرگ دارند هیچکس به خاطر منافع دول کوچک دست به کار نهضت‌سازی نمی‌شود و باید دانست که تا روزی که مسئله نفت حل نشد مسئله آذربایجان نیز لاینحل باقی ماند.

نگارنده به خاطر دارد دوماه قبل مفسر سیاسی رادیو برازاویل ضمن اشاره به اوضاع و احوال شرق نزدیک گفت در نیویورک قسمت عمده جلسات ابتدائی وزیران خارجه صرف این می‌شود که مسائل مربوطه به نفت شرق نزدیک را حل کنند بیش از هر کس نمایندگان امریکا و مستر برنس علاقمند به حل این مسئله بودند مستر برنس به کرات روی نظریات امریکا پافشاری کرد اما نمایندگان انگلستان و امریکا جداً پافشاری می‌کردند که به تقاضاهای روسیه به شرطی رسیدگی خواهند کرد که دامنه عمل خود را از ایران و آذربایجان به بالکان منتقل کنند.»

این خبری بود که به وسیله مفسر سیاسی آن رادیو منتشر شد اما در ابتدا توجه جهانیان را به خود جلب نکرد چون اختلافات بین‌المللی به حدی بود که هیچکس باور نمی‌کرد روسها تسلیم بشوند لیکن سه روز بعد همان مفسر ضمن بحث خود در اطراف سیاست بین‌المللی گفت «از

اختلافات بین‌المللی تا حد فراوانی کاسته شده و بخصوص درباره نفت شرق نزدیک تا حدی توافق حاصل گردیده است.» البته آن روزها هم این خبر زیاد جلب توجه نکرد و بخصوص ما ایرانیها نمی‌دانستیم که حل مسئله نفت تا چه پایه ممکن است در سرنوشت ما موثر باشد، درست در همین هنگام خبر عزیمت قوا به آذربایجان در جهان منتشر شد و کسانی که به سیاست بین‌المللی کاملاً واقف نبودند تصور نمی‌کردند که جنگ بین‌المللی سوم روزی از آذربایجان و در ایران آغاز خواهد شد همان‌طور که دیدیم قوا به آذربایجان رفت و جنگی هم آغاز شد و از همان هنگام بزرگترین تحولات تاریخ سیاسی قرن اخیر آغاز گردید سیاست‌های مخالف بین‌المللی به هم نزدیک شدند دیشب مفسر سیاسی رادیو خاورمیانه ضمن بحث از مسائل مربوطه شرق نزدیک صریحاً اشاره کرد که این مسئله باید بین وزیران امور خارجه در مسکو مطرح بشود تا در اطراف آن تصمیم بگیرند سپس این مفسر اضافه کرد گویانکه درباره نفت شمال ایران اختلاف خیلی زیاد نیست معیناً جای بحث فراوان دارد.

در اینجا ممکن است خوانندگان عزیز بپرسند حقیقتاً موضوعی که حل شده چه جای بحث و گفتگو دارد آن هم بین وزیران خارجه ظاهر مطلب چنین است برای اینکه دولت تعهدی در برابر اتحاد جماهیر شوروی به عهده گرفته و باید آن را به مجلس ببرد و لابد مجلس هم تصویب خواهد کرد اما مسئله مهم اینست که آیا طرح واگذاری نفت شمال را مجلس آینده تصویب خواهد کرد یا نه؟ و روس‌ها هم از همین ترس دارند آنها مطمئن به تصویب این طرح از جانب مجلس پانزدهم نیستند و چون به تدریج همکاری انگلستان و روسیه رو به توسعه می‌رود می‌خواهند مسئله را ابتدا از لحاظ سیاست خارجی حل و تصفیه نمایند، پس از اینکه موضوع از لحاظ سیاست خارجی حل شد برطرف ساختن سایر مشکلات، زیاد برای سیاست داخلی مشکل نیست اما بنظر نگارنده باز هم از لحاظ سیاست خارجی اینکار ممکن است مواجه با اشکال گردد اخیراً یک شماره از آخرین شماره‌های نیویورک تایمز بدست ما رسیده

است در این شماره صریحاً نویسنده پیشنهاد کرده است که امریکا باید در میدان سیاست شرق نزدیک و نفت ایران جایی برای خود ایجاد کند و از نفوذ توسعه کمونیسم جداً در این کشورها مخالفت به عمل آورد و لابد می‌داند واگذاری نفت شمال اگر از لحاظ منافع مادی امریکا اشکالی نداشته باشد قطعاً از نظر ایدئولوژی و هدف سیاسی آن دولت در شرق نزدیک اقدام مساعدی نخواهد بود و روسها هم این مسئله را لابد پیش‌بینی کرده‌اند و از مجلس پانزدهم نیز به همین علت امید انتظاری ندارند و برخلاف سابق که به باز شدن مجلس اظهار علاقه نشان نمی‌دهند بعضی محافل سیاسی کشور ما نیز نظرشان اینست که روسها نباید به مجلس آینده امیدوار باشند برای اینکه وضع مجلس آینده طوری نیست که با آمال و افکار آنها وفق دهد علاوه بر آن افق سیاسی ایران هنوز به حدی روشن نشده است که بتوان با اعتماد کامل گفت آنچه از تهویب مجلس آینده بگذرد حتماً قطعیت خواهد یافت اینست که مسئله نفت هنوز از لحاظ سیاست داخلی ایران روشن نیست و از لحاظ سیاست خارجی هم هنوز اشکالاتی موجود است که واضح ساختن آن مشکل بنظر می‌رسد.

فصل هیجدهم

کنفرانس مسکو و ایران^۱

احمد قوام، قوام السلطنه، نخست‌وزیر ایران در گیر و دار مسئله تخلیه خاک ایران از قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی و دفع فتنه بفرنج و پیچیده غائله آذربایجان و اقدامات سیاسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، در صدد برآمد با وسایلی بلکه بتواند حیثیت و آبروی کشور و ملت و دولت ایران را پس از خاتمه جنگ و خساراتی را که در حین جنگ به ایران وارد آمده است، جبران نماید. تنها راه امید او به جلب هر چه بیشتر دولتهای متفق و مخصوصاً امریکا را که تا آن زمان معناً و مادناً در این راه کوششهایی به عمل آورده بود، متمرکز گردید. یکی از راههایی که به این تصمیم و اجرای نقشه کمک می‌کرد این بود که وسیله‌ای فراهم آورد که اعضای شرکت‌کننده در کنفرانسهای مقدماتی در پاریس و لندن و کنفرانس اصلی در مسکو را راضی نماید که نماینده دولت ایران را در این کنفرانسها شرکت دهند تا ضمن تصمیمهایی که درباره آلمان و ژاپن می‌گیرند، صدای حق دولت و ملت ایران را به گوش آنها رسانیده جبران مافات را بنماید. بنابراین خود مستقیماً و مظفر فیروز سفیر ایران در مسکو به یک سلسله اقدامات و مذاکرات آشکارا و پنهانی و ارسال نامه‌ها برای وزیران امور خارجه دولتهای متفق و ارسال دستورالعملهایی به سفرای ایران در لندن و پاریس و مسکو مبادرت ورزیدند. ولی متأسفانه با وجود تمام وعده‌های مساعد که از طرف وزیران امور خارجه و نمایندگان آنها در کنفرانسها داده می‌شد دولت ایران نتوانست رسماً و مستقیماً نماینده‌ای در این کنفرانسها شرکت دهد. و فقط توانستند مقاصد و مطالب خود را به

اعضای کنفرانس تفهیم نمایند.

مظفر فیروز سفیر ایران در مسکو با جدیت و فعالیت بی‌نظیری دست اندر کار این امر خطیر شده با مطالعه دقیق اوضاع سیاسی و روابط بین دول متفق، از یک طرف ایالات متحده امریکا بیشتر و دولت انگلیس کمتر، با دولت اتحاد شوروی که به شدت رو به وخامت رفته حتی کار به تهدید و ارباب و وقوع جنگ دیگری کشیده و خطرانی که از جانب دولت اتحاد جماهیر شوروی متوجه آینده سیاست جهانی بطور عموم و ایران بطور اخص شده بود ضمن ارسال اسنادی که ذیلاً درج آنها مبادرت می‌شود، به نخست‌وزیر ایران، اوضاع را گوشزد می‌کرد.^۲

شماره: ۱۸۳۱

نمره: ۱۲۲۱

تاریخ: ۲۵/۴/۱۳

۲۵/۵/۱۶

وزارت امور خارجه

آقای سفیر کبیر

بطوریکه خاطر آن جناب مستحضر است دولت شاهنشاهی در بدو حدوث جنگ رویه بیطرفی را اتخاذ و پس از چندی هم نظر به موافقت کامل با اصول منشور آتلانتیک ابتدا به عقد پیمان اتحاد سه‌جانبی با دول متحده انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و بعد به اعلان جنگ علیه آلمان و الحاق به اعلامیه ملل متحده و امضای آن اعلامیه در واشنگتن و بالاخره اعلان جنگ علیه ژاپن مبادرت نمود و در تمام این مراحل با تصدیق و تقدیر مقامات مربوطه متفقین که نمونه بارز آن اعلامیه سران سه دولت بزرگ در تهران با امضا پرزیدنت روزولت فقید و مارشال استالین و ونیستون چرچیل می‌باشد. دولت و ملت ایران خسارات و محرومیت‌های بسیار دیده و آنچه در قوه داشته برای پیشرفت مقاصد حقه متفقین و پیروزی ملل متحده بر دشمنان مشترک معناً و مادناً کوشیده با تحمل فشار قحط و غلا و هجوم بیماری‌های گوناگون و ترقی فوق‌العاده

۲- برای توضیح و تشریح مطلب به کتاب اول «نظر اجمالی به تاریخ جهانی دوم» مراجعه

هزینه زندگی در دوران جنگ که هنوز آثار آن در این کشور مثل غالب کشورهای ستمدیده باقیست در راه موفقیت و پیروزی فداکاریهای صمیمانه نموده است. اینک در اجرای تعهدات مقرر در پیمان سه جانبه به منظور بهرهمندی ایران از مزایای ناشیه از منشور آتلانتیک بطور یکسان باطل دیگر جهان و تصریح بند ۱۲ اعلامیه ملل متحد که هریک از دول امضاکننده متعهد می شود با سایر دول امضاکننده همکاری کرده ترک مخاصمه و صلح جداگانه با دشمنان مشترک مبادرت نمایند. دولت شاهنشاهی خود را محق می داند لزوم شرکت خود را در کنفرانسهای صلح با آلمان و ژاپن متذکر شود. بنابراین دوستدار محترماً خواهشمند است مراتب به استحضار دولت متبوع خود برسانند تا در موقع انعقاد کنفرانسهای مزبور دولت شاهنشاهی را نیز دعوت نموده شرکت دهند. و لطفاً از نتیجه اقدامات حسنه و مساعی جمیله هرچه زودتر دوستدار را مستحضر فرمایند موجب کمال امتنان خواهد بود. مراتب بالا توسط سفیران شاهنشاهی در مسکو و لندن و واشنگتن و پاریس و نانکن به دولتهای متوقف فیها اعلام گردید. همچنین عین این نامه در تهران به سفرای کبار دولتهای انگلیس. امریکا - فرانسه و چین نگاشته شده است. موقع را مفتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می نمایم.

۲۵/۴/۱۵ / ۱۸۴۴

رونوشت شرح بالا صادره به سفرای کبار انگلیس - شوروی - امریکا - فرانسه و چین در تهران با رونوشت گزارش دفتر محرمانه استحضار به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو ارسال می گردد که در همین زمینه در آنجا نیز اقدام نموده از نتیجه وزارت امور خارجه را مستحضر فرمایند. از طرف وزیر امور خارجه

«امضا» (ناخوانا)

دستورالعملی از قوام السلطنه به سفارت کبرای ایران در مسکو

نمره: ۱۳۴

به تاریخ: ۲۵/۵/۱۵

سفارت کبرای ایران

دولت شاهنشاهی ایران نظر به شرایطی که دول دعوت کننده کنفرانس صلح فعلی

در نظر گرفته‌اند نخواست اصرار و رسماً تقاضای شرکت در کنفرانس فعلی پاریس را بنماید اکنون که دولتهای مصر - مکزیک، آلبانی و لوکزامبورگ هم تقاضای شرکت در کنفرانس پاریس را نموده‌اند درخواست دارد دولتهای دعوت کننده دولت شاهنشاهی ایران را هم در نظر بگیرند که تا خسارات و تحمل مصائب و صمیمیت‌هایی که برای فتح و پیروزی متفقین خود بکار برده و راه ایران در حقیقت پل پیروزی واقع شده است نیز در این کنفرانس دعوت شود. دولت شاهنشاهی ایران با دولتهای پنج‌گانه ایتالیا [ایتالیا] و غیره قطع رابطه کرده و در مدت جنگ عملیات طرفین نسبت به هم خصمانه بوده است چگونه ممکن است تحمل نماید دولت مکزیک و یا سایر دول در کنفرانس شرکت کنند و ایران در آن نماینده نداشته باشد. فوراً با مقامات مربوطه مذاکره نتیجه را تلگراف فرمائید ۱۳ مرداد ۵۱۵ قوام‌السلطنه

جواب سفیر در حاشیه:

در تاریخ ۱۶ مرداد آقای دکانوزف قائم مقام وزیر خارجه را ملاقات و تقاضای دولت ایران را بیان نمودم و اضافه کردم که دولت ایران انتظار دارد در مقابل اقدامات شایان تقدیری که برای ایجاد حسن روابط نموده و آقای مولوتف وزیر خارجه به این جانب اظهار رضایت از اقدامات دولت فعلی ایران نموده‌اند. دولت شوروی در این قضیه که شرکت در کنفرانس حق مسلم دولت ایران است برای تحکیم بیشتر روابط دوستانه بین دولتین ایران و شوروی جدیت نماید که ایران هم به کنفرانس پاریس دعوت شود. آقای دکانوزف هم از سیاست فعلی دولت ایران اظهار رضایت نمود و گفت که نماینده ایران در پاریس از بطر کبیر هم همین تقاضا را کرده است ولی تاکنون در این باب تصمیمی اتخاذ نشده ولی وعده می‌دهم که تقاضای ایران را به دولت شوروی رسانده شخصاً جدیت نمایم دولت شوروی تقاضای ایران را با نظر مساعدی تلقی نماید.

امضا [ناخوانا]

۲۵/۵/۱۶

نامه قوام السلطنه به لوروجتل سفیر کبیر انگلیس در ایران:

نمره: ۲۵۴۲

به تاریخ: ۲۵/۵/۱۹

وزارت امور خارجه

آقای سفیر کبیر

در پیرونامه مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۲۵ شماره (۱۸۳۱) دائر به تقاضای دعوت و شرکت دولت شاهنشاهی در کنفرانسهای صلح با آلمان و ژاپن محترماً اشعار می‌دارم: با اطمینان کامل به اینکه درخواست مزبور از طرف دول-دعوت کننده مورد قبول واقع خواهد شد اینجانب لازم می‌دانم خاطر جنابعالی را به این نکته معطوف دارم که گرچه سابقاً چنین اظهار شده بود که برای کنفرانس صلح با پنج دولت اروپائی متحدین سابق آلمان فقط بیست و یک دولت نامبرده درخواستهایی برای شرکت در کنفرانس صلح مزبور که اکنون در پاریس منعقد است به مقامات مربوطه کنفرانس صلح پاریس داده شده است و وضع دولت شاهنشاهی که در جریان جنگ جهانی اخیر با پنج دولت اروپائی نامبرده بالا قطع رابطه نموده در طول مدت جنگ مناسبات ایران با این پنج دولت عملاً خصمانه بوده اکنون بنا بر روح منشور آتلانتیک و به استناد مدلول و منطوق اعلامیه ملل متفق که در نامه بالا به آنها اشاره شده است و نظر به فداکاریها و محرومیتها و همکاریهای صمیمی ملت و دولت ایران در جنگ اخیر با ملل و دول متحد خود را محق می‌داند که در کنفرانس صلح کنونی در پاریس نیز دعوت شده شرکت نمایند.

بنابراین دوستدار از آنجناب مخصوصاً تمنا دارم مراتب را به استحضار دولت متبوع خویش رسانده از نتیجه هرچه زودتر اینجانب را قرین استحضار فرمایند. مراتب بالا توسط سفیران شاهنشاهی در مسکو و لندن و واشنگتن و پاریس به دولتهای متوقف فیها اعلام گردیده.

جناب آقای جون هلیه لوروجتل تهران نمره: ۲۵/۹/۷/۲۴۴
سفیر کبیر اعلیحضرت پادشاه انگلستان

و همچنین عین این نامه در تهران به سفرای کبار دولتهای آمریکا، فرانسه و شوروی نگاشته شده است موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید می‌نمایم.

احمد قوام

رونوشت شرح بالا به سفارت کبرای شاهنشاهی در مسکو ارسال می‌شود.

از طرف وزیر امور خارجه

نمره: ۲۵/۵/۲۰/۲۵۶۶

این بخشنامه به دستور قوام نخست‌وزیر از طرف وزارت امور خارجه به سفرای کبرای ایران ابلاغ شد:

نمره: ۳۵۲

به تاریخ: ۲۵/۱۱/۱۱

سفارت کبرای ایران

بخشنامه

این بخشنامه برای اطلاع و اقدام سفارتهای شاهنشاهی در لندن، مسکو، واشنگتن و پاریس است. عین نامه که روز دهم بهمن برای سفرای کبار شوروی، انگلیس، فرانسه و آمریکا در تهران فرستاده شده است ذیلاً درج می‌شود: «آقای سفیر کبیر بطوریکه استحضار دارند معاونین وزرای امور خارجه چهار دولت [انگلیس - شوروی - آمریکا - چین] اکنون در لندن برای تهیه مقدمات صلح با آلمان و تنظیم طرح قراردادهای مربوطه اجتماع نموده مشغول مذاکرات هستند که نتیجه آن در ماه مارس آینده در جلسه وزرای امور خارجه آن دول در مسکو مورد بررسی قرار گرفته و نسبت به تشکیل کنفرانس صلح با آلمان و تنظیم طرح عهدنامه با آن دولت تعیین تکلیف خواهد شد. دوستدار اطلاع حاصل کرده است که کمیته لندن به هیجده دولت دیگر مراجعه و نظریات آنها را خواستار شده است. با جلب توجه آن جناب به نامه‌های شانزدهم مهرماه ۱۳۲۴ شماره ۴۰۵۹ بیست و ششم آبان ۱۳۲۴ شماره ۵۳۶۸ ۱۳ تیر ۱۳۲۵ شماره

۸۳۱ نوزدهم مرداد ۱۳۲۵ شماره ۳۵۴۲ که نظریات دولت شاهنشاهی برای لزوم شرکت ایران در انجمن‌های صلح با آلمان و جبران خسارات و مطالبات این کشور ضمن آنها توضیح داده شده است. احتراماً زحمت می‌دهد که چون تا به حال به دولت دوستدار در این باره مراجعه نشده علیهذا خواهشمند است در این موقع نیز جلب توجه دولت متبوعه خود را نسبت به درخواست دولت شاهنشاهی بفرمایند. هروقت کمیته لندن نظریات دولت شاهنشاهی را درخواست نماید مراتب به کمیته نامبرده اطلاع داده خواهد شد. ضمناً زحمت‌افزا می‌گردد بطوریکه استحضار دارند دولت و ملت ایران از بدو شروع به جنگ متحمل خسارات زیادی شده از دولت و اتباع آلمان مطالباتی که تعیین تکلیف آنها باید بشود و در موقع کنفرانس صلح با آلمان نمایندگان ایران دستور خواهند یافت صورت خسارات و مطالبات مزبور را به مقامات مربوطه تسلیم نمایند. شایسته است هرچه زودتر معلوم شود از چه محل و به چه طریق مطالبات و خسارات دولت و اتباع ایران از آلمان جبران خواهد شد. در نزد مقامات مربوطه محل نسبت به اجرای منظور دولت اقدام فرمائید. ۱۰ بهمن ۱۳۲۵ همایونجاه

۲۵۲
۲۵ / ۱۱ / ۱۱

نظاره‌گر در ایران

نخستین

این نخستین بار است که دایره‌های مختلف در این مورد
و در این مورد عیناً در روز دهم بهمن بهر طرف از این
فرمان در این مورد است و در این مورد است و در این مورد است

دایره‌های مختلف بهر طرف از این مورد است و در این مورد است

[illegible]

صبح با دکان و جبران خن رات و دهان است نیز گویا فرزند
 کریم دارد سر است احقران زحمت یه درم چون با کمال
 هم سه در در لیه باره را حبه نه عصبیه از خدا شکر است در این
 موقع نیز جب زحمت هم که حذر دلت به در خوات
 هم که نه من بر بفرماید که بروقت هدیه نه از لطافت
 هم که نه من بر در خوات یاد رات به هدیه نایاب
 المصیح داده خواهد شد چهار خن زحمت افزا شود
 بطوریکه اکثر دارند هم که دلت ایران از بدو شروع
 مهر خن رات زید سر سر هم که دلت و اربع دکان دهان
 هم که نه من بر بفرماید که در موقع کنفرانس صبح با دکان
 نه من بر بفرماید که در رات خوات و

مهربانیت ز برادران است، روبرو یقیم نماند هیچ شکر است
 در می زودتر معلوم شود از چه مسرت و بچه طریق مهربانیت و مهربانیت
 محبت و اتباع در میان روزگاران جبران خود را در دنیا
 در نزد مهربانیت روبرو مهربانیت به وجود می آید
 اندام خالص ۱۰ بهمن ۱۳۵۵ ۱۱ رجب

قوام السلطنه برای تأیید مقاصد خود بیکار ننشسته این دستور را شخصاً به سفیر
 ایران در مسکو تلگراف کرد:

نمره: ۳۹۳

به تاریخ: ۲۵/۱۲/۲۰

سفارت کبرای ایران

بعد از صدور نامه مورخه ده بهمن به سفرای کبار چهار دولت در تهران که از
 مفاد آن اطلاع دارید در تاریخ ۲۴ بهمن تلگراف کشف به شورای وزیران خارجه در
 لندن به شرح زیر مخابره شد:

«از طرف دولت متبوعه خود دستور دارم که تقاضای دولت ایران را راجع به
 شرکت در کنفرانس صلح با آلمان و همچنین کمیته‌های مربوطه به آن به شما ابلاغ
 نمایم. بدیهی است تقاضا می‌شود که درخواست دولت ایران را به استحضار شورای

وزیران خارجه و هم‌چنین معاونین وزیران امور خارجه که فعلاً در لندن اجلاس دارند برسانید. ایران به آلمان اعلان جنگ داده و یکی از امضاکنندگان اعلامیه ملل متحد می‌باشد قبلاً هم پیمان سه‌گانه را با دول انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی امضا و کلیه منابع خود را از ۱۹۴۱ به اختیار متفقین خویش گذاشته و بدین وسیله نیل به پیروزی نهائی مشترک را تسهیل نموده است و دولت‌های متفق هم در طول مدت جنگ در موارد مختلفه نسبت به تأمین این منظور همواره نظرهای مساعد ابراز داشته‌اند. بیست و هشتم بهمن دبیر شورای وزیران خارجه نامه به سفیر کبیر ایران در لندن نوشته اطلاع داده است که معاونین وزیران امور خارجه موضوع را مطرح نموده قرار دادند این مسئله را به کنفرانس وزیران امور خارجه که ماه مارس در مسکو تشکیل می‌شود مراجعه دهند و در مذاکرات شفاهی هم گفته است امید می‌رود در موقع طرح موضوع درخواست ایران در مسکو تصویب شود. اول اسفند به سفیر کبیر ایران در لندن نظریات دولت شاهنشاهی ایران به شرح زیر تلگراف شد:

«دولت ایران که تقاضای شرکت در کنفرانس صلح با آلمان نموده سه نظر داشته و دارد. یکی برای حفظ حیثیت ملت و دولت ایران است که وقتی عهدنامه سه‌جانبه با دولتین شوروی و انگلیس منعقد نموده خود را با دولی که با آلمان و متحدین آن دولت در جنگ بوده‌اند متفق معرفی کرده تمام منابع خود را برای پیروزی مشترک به اختیار آنها گذارده در موقعی که دول خصم آلمان برای انعقاد قرارداد صلح جمع می‌شوند باید این دولت هم در بین آنها باشد تا حیثیت کشور را در جامعه بین‌المللی محفوظ بدارد. دوم وقتی ما به آلمان آگهی جنگ دادیم باید طبعاً یک موقعی هم با آن دولت صلح کنیم. موقع صلح و امضا قرارداد هم در این وقت است که همه اجتماع می‌نمایند و قرارداد صلح امضا می‌کنند. سوم موضوع خسارات و لطماتی است که از جنگ به ما وارد آمده است هم‌چنین مطالباتی که داریم تکلیف این قسمت هم در این موقع باید روشن شود. با توجه به سه موضوع که ذکر شد البته می‌دانید که نظریات اساسی ما نسبت به درخواست شرکت در کنفرانس صلح همین سه قسمت است که دو قسمت آن پس از قبول ما در کنفرانس طبعاً حاصل می‌شود. مطالبه خسارات و مطالبات را هم نمایندگان ما پس از شرکت در کنفرانس صلح وضعیت را می‌سنجند و در آنجا هرطور صلاح و مقتضی باشد مذاکره و اقدام خواهند کرد. بنابراین هرگاه ضرور باشد

نظریات ما قبلاً به شورای وزیران خارجه گفته شود. آنچه در این جا ذکر کرده‌ایم این است که فعلاً باید اظهار شود نسبت به طرز تشکیل حکومت آلمان که باید جانشین وضعیت فعلی و حکومت سابق شود هم چنین مسائل مرزی چون ما مجاور آلمان نیستیم نظریات خاصی نداریم که زیاد به انجام آن علاقه‌مند باشیم. در عین حال در جریان تشکیل کنفرانس نسبت به پیشنهادهائی که در این دو موضوع و سایر مسائل بشود نظریات خودمان را در موقع خود توسط نمایندگان ایران اظهار خواهیم کرد. در خاتمه دو نکته زیر هم توجه داده شود:

اول دولت ایران که درخواست شرکت در کنفرانس صلح با آلمان را دارد از این جهت است که آگهی جنگ ما به دولت آلمان حرف (-) و مانند بعضی دول دیگر فقط برای دعوت شدن به سازمان ملل متحد نبوده بلکه ما وقتی آگهی جنگ دادیم که ارتش آلمان در قفقاز یعنی تقریباً پشت دروازه ایران بود و خدمات ما به پیروزی نهائی کمتر از خدمات پشت جبهه دولتهائی نبوده است که عملاً وارد جنگ بوده‌اند و خساراتی هم خواه مستقیماً و خواه بطور غیرمستقیم در اثر این جنگ متوجه ایران شده است نمی‌توان به خسارات دولتهائی تشبیه نمود که صرف از جنبه تشریفاتی و یا از نقطه نظر اظهار احساسات موافق به متفقین در آخرین لحظه به آلمان آگهی جنگ دادند بنابراین دولت ایران خود را از هر حیث محق می‌داند در ردیف دولتهائی به حساب آید که عملاً وارد جنگ بوده‌اند. در تنظیم عهدنامه صلح شرکت نماید. دوم نظر کلی ما در عهدنامه صلح اینست که دول فاتح مخصوصاً به گذشته توجه داشته باشند و مجموع تعهدات طرفین طوری باشد که صلح عادلانه را تأمین نموده موجبات جنگ جدیدی را فراهم نکنند.»

این بود اقدامی که نزد انجمن معاونین وزیران امور خارجه در لندن بجا آمد و انتظار داریم اکنون که مطلب به شورای وزیران امور خارجه در مسکو مراجعه شده است به نتیجه مطلوبه برسیم اقداماتی هم که ضمن گزارش ۳۲۴۰ و تلگراف شماره ۱۴۴ اشاره فرموده‌اید صحیح است و بجا بوده است. مقتضی است با توجه به نظریاتی که ضمن تلگراف اول اسفند به لندن مخابره شده در این تلگراف شرح داده شده است مراقبت بفرمائید جریان موضوع به نحو مطلوب خاتمه یابد که شرکت ایران در کنفرانس صلح محرز و نظریات ما مورد توجه واقع شود. راجع به خسارات هم اگر

ضرورت یافت فعلاً مذاکره اصولی بفرمائید در موقع انعقاد کنفرانس هم نسبت به اقلام
آن توضیحات لازمه داده خواهد شد. گزارش ۳۲۴۰ ۱۹ اسفند ۱۵۵۰
قوام السلطنه

۳۹۴
۲۵/۱۲/۳۰
نخستین جلسه در ایران

بعد از سه روز سه روز مرخصی به بنیادین، چهارم دولت در تهران بود
نخستین جلسه در ایران در تاریخ بیست و چهارم بهمن تیرانگشت به ایران
وزیران خارج در لندن بشرح زیر می‌نویسند (از طرف دولت بریتانیا)
دکتر دارم مقامات دولت ایران را راجع به شرکت در کنفرانس مسکو
دکتران و هیئت هیئت اسرار به بان به اطلاع می‌رسانیم به هیئت مقامات
مدرخواست دولت ایران را به کنفرانس وزیران خارج و هم هیئت
مدرسین وزیران در خارج هم منعقد در لندن و بعد از آن در لندن
معه ایران به آن دعوت می‌گردد و یک روز از آنکه آن
دعوتیه هر یک از سینه قبده ای و آن سه گانه را به دولت کنفرانس

جواهر شاد و دلخواه نایب محمد در از بزرگوار و پادشاه
 مستقیم عزیز گشته و بدین وسیله بنده فرزند پادشاه را
 بهتیر گزیده است و دولت با سرسختی در طول مدت خلعت در دارد
 معصومه نسبت به نامی این مستند امر دارد و نظر آنکه بعد از این
 دولت (بیت و بیستم) بهیچ دیر شاد و وزیران خارجیه
 نیز لیک ایران در لندن زنده است و است که در میان وزیران در خارج
 در میان در اطلاع که فرزند پادشاه را به کنزاس وزیران در خارج
 و در سر و سواکتیک میوه را بهیچ دهنه و در مذاکرات شان که است
 و بهیچ در در سطح در میان در میان در میان در میان
 دول است بهیچ لیک ایران در لندن نظریات است که این
 بهیچ وزیر متراف است که است ایران در میان در میان

صلح با رکان که سه نفر داشته و در دیک برادر حفظ می‌شود و در
 ایران است هم وقتی عهد نامه به بنده به هم رسید و در دیک
 که در عهد نامه به هم به رکان و در دیک در عهد نامه
 مستحق صرفه که در تمام منابع عهد نامه برادر می‌شود و در دیک
 رکان که در دیک در رقیه که در دیک رکان برادر دیک و در دیک
 صلح به رکان به دیک در دیک رکان به دیک به دیک به دیک
 در دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک
 داریم به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک
 در دیک و در دیک در دیک و در دیک به دیک به دیک به دیک
 و در دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک به دیک

با درود که است چنين نگاه به ما داريم لطيف اين وقت که در اين وقت
 بدين روش که با وجود همه بر منج ما ذکر نه البته بدينه م نظريات
 ما نسبت به در عواست شرکت در کنفرانس صلح بين سه وقت است که
 آن ميراث ميراث در کنفرانس صلح ما ميراث نگاه به عواست و نگاه به
 راه ناسيلان ما ميراث شرکت در کنفرانس صلح و صفت را بجهت و
 در آنجا هر طور صلح و صفت به نه مذکور و دانه ام عواست که بدين
 نگاه ما صوف به نه نظريات ما بجهت به بزرگوار و بزرگوار و بزرگوار
 که بچه ما در اينجا به ذکر که داريم اين است که صفت به بدين نگاه به
 طرز تغيير عواست که ما به بدين بدين و صفت صلح و عواست به
 که چنين به بزرگوار و بزرگوار ما به در آنجا به صلح نظريات و
 ما داريم ما بدين به بزرگوار که بدين به بدين به بدين به بدين

تغییر کنفرانس نسبت به پیشنهادها در این مورد هیچ
 بحث نظریات هم ندارد در واقع همه طرف نمایندگان ایران
 موافق که در خانه هم نشسته زیر یک درخت در آن است
 ایران هم در موافقت شرکت در کنفرانس صلح با کمال راد دارد از این جهت
 هم دیگر هیچ ممانعتی در آن طرف — و نه یعنی هم دیگر ممانعتی
 دعوت شدن به زبان هر سینه نه به ممانعت دیگر صلح داریم مدتی
 کمال در وقت زمین تقریباً بیست دروازه ایران بعد از موافقت با فرزندان
 نهاده شرکت در موافقت بیست و چهارم نهاده پیشنهاد است که همه دارد و همه
 به موافقت با موافقت است و موافقت با موافقت است در این مورد
 ایران موافقت می‌کند به موافقت است که به موافقت است
 جنبه تشریفاتی و به روز منطقه نظرها را در صورت برافشایی

در همین لحظه به کمال دلخوشی دادند تا برین مرتبه ایران محظوظ
 در بر صیحت محض می باشد در ردیف ملت های محب بادییم عهد
 دارد و خجسته به بند در تیغ عهد نامه صلح شرکت نماید هم نظر
 در عهد نامه صلح است در محل خارج کشور گذشته و بوده است
 باشند و مجموع عهد است طریقی طور باشد هم صلح عهد نامه
 قاضی کند رجعت خجسته به بدین راه و از این نکته دلتها بیدار
 آمده ام و زنده اینجاست و دین و وزیران در خارج در دین
 به کمال و افتخار داریم اکنون هم مطلب بزرگ وزیران در خارج در ملک
 را محبت است به نیت صلح به بریم و ده ایام هم منتهی گذارن ۱۳۴۰
 و تکرار نامه عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد و عهد
 مستحق است به ترجمه به نظر و به نظر و به نظر و به نظر و به نظر و به نظر و به نظر

سند در این متگراف شرح دارد. سنوات راجعت بفرزاد مجری در این
 به نحو مطلوب خاتمه یابد هم شرکت ایران در کنفرانس صلح محوز غایت
 ، هر دو ترجمه واقع گردد راجع به قرارداد است و اگر ضرورت یافت
 مذاکره در صدد بفرزاد در موقع دست دکنز این است نسبت به اصلاح
 توضیحات مدرسه دارد. عذر هر نه گذارش ۴۲۴۰ —

۱۶ اسفند ۱۳۵۰ قمری

فصل نوزدهم

گزارشها و اقدامات مظفر فیروز سفیر کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی روسیه^۱

مظفر فیروز برای اجرای مقاصد و تلاشهای سیاسی قوام السلطنه نخست وزیر در کنفرانس وزیران امور خارجه دولتهای متفق در مسکو به یک سلسله اقدامات مجدانه مبادرت ورزید و با فعالیت مستمر و بازیهای سیاسی در صدد برآمد که رضایت خاطر نخست وزیر را به مرحله عمل درآورد. اسنادی که ذیلاً به درج آنها مبادرت می‌ورزد با اینکه مفصل است، ولی بسیاری از نکات مهم و پیچیده سیاست آن روز را در ارتباط میان دولتهای متفق، که زمانی دست به دست یکدیگر داده صمیمانه در براندازی دشمنانی که جهانی را به خاک و خون گشانده بودند، همکاری می‌کردند و پس از به زانو درآوردن آنها در تقسیم جهان آن روز به جان یکدیگر افتاده بودند، برای ثبت در تاریخ پس از جنگ جهانی دوم، برای ما روشن می‌کند. به این قرار:

۲۳۹

۱۰ / آذر ۲۵

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - طهران

روز ۸ آذر ژنرال اسمیت سفیر کبیر در اتحاد جماهیر شوروی که از

۱- آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران.

شخصیت‌های برجسته آمریکا و همیشه همراه روزولت رئیس‌جمهور متوفی بود و مخصوصاً در کنفرانس تهران و یالتا و اخیراً در کنفرانس پاریس حضور داشته ملاقات نمودم.

ژنرال نامبرده نسبت به اوضاع ایران بی‌نهایت علاقه‌مند و مطلع بوده است و از مجموع اظهارات مشارالیه استنباط کردم که حتی نظارت هم در سیاست ایران و اعمال سفیر کبیر آمریکا در تهران دارا می‌باشد.

ضمن مذاکرات راجع به اوضاع بین‌المللی و اظهار عقیده سفیر کبیر آمریکا که به هیچ‌وجه جنگ نخواهد شد و اینکه ملت آمریکا حاضر نیست جنگ دیگری را تحمل نماید، صحبت به جریانات ایران و وقایع اخیر کشیده شد و معلوم گردید مشارالیه از جزئیات اوضاع ایران مطلع می‌باشد و مخصوصاً از موضوع نفت و انتخابات و مسئله آذربایجان بحث نمود و به فعالیت اخیر انگلیسها در ایران اشاره کرد. اینجانب جواباً متذکر شدم که ملت ایران جز تعقیب روش دوستی و مودت با کلیه ملل بزرگ آرزویی ندارد ولی این دوستی باید روی پایه احترام متقابل قرار گیرد و مانع ترقی ملت ایران و انجام اصلاحات نشود و تذکر دادم ملت ایران به هیچ‌وجه نمی‌تواند رجعت به حکومت ابلاتی و سیاست منطقه نفوذ سابق را تحمل نماید و بنظر می‌رسد که تعقیب این روش و ترویج خرافات در ایران که از آثار سیاستهای استعماری گذشته است هیچگاه نمی‌تواند با اوضاع و احوال کنونی جهان در ایران موفقیت حاصل نماید.

راجع به سیاست منطقه نفوذ سفیر کبیر آمریکا اظهار داشت که دولت آمریکا با چنین سیاست مخالف می‌باشد. در جواب از ایشان استفسار نمودم که آیا مسبوق می‌باشد که قریب دوماه و نیم قبل دولت انگلیس رعایت و اجرای مجدد سیاست منطقه نفوذ در ایران که در قرارداد ۱۹۰۷ تصریح گردیده بود به دولت اتحاد جماهیر شوروی پیشنهاد نمود و دولت اخیرالذکر این پیشنهاد را نپذیرفت. در جواب سفیر کبیر آمریکا صحت این خبر را تأیید و تصدیق نمود. بدیهی است احراز قطعی صحت این خبر که نمونه‌ای از مقاصد و تحولات سیاست انگلیس در ایران است دارای کمال درجه اهمیت می‌باشد.

راجع به موضوع نفت سفیر کبیر آمریکا اظهار داشت که البته آمریکا خریدار و خواهان نفت در ایران می‌باشد و محروم داشتن کشور مزبور از نفت ایران مقتضی نمی‌باشد.

در جواب گفتم که متأسفانه افکار عمومی در ایران دارای این عقیده است که دولت امریکا در ایران سیاست مستقلی را تعقیب نمی‌کند بلکه آن را نسخه دوم سیاست انگلیس می‌داند و اگر عملاً خلاف این روش به افکار عمومی ایران ثابت و مسلم گردد که دولت امریکا دارای سیاست مستقلی بوده و علاقه آن به ایران ارتباط و بستگی به سیاست دیگری ندارد. در توسعه روابط و ازدیاد علاقه اقتصادی طوافین عامل بسیار موثر واقع می‌گردد و عمل استفاده از سرمایه امریکا را در ایران تسهیل می‌نماید. سفیر کبیر اظهار داشت: که دولت امریکا قطعاً نظریات و سیاست مستقلی در ایران دارد و مخصوصاً تأکید می‌کند که برای بهبود روابط بین دو کشور حاضر است تشریک مساعی نموده و مساعدت نماید. این جانب جواباً از حسن ظن سفیر کبیر نسبت به ایران اظهار امتنان نموده و ملاقات خاتمه یافت. سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران مظفر - فیروز.

یادداشت

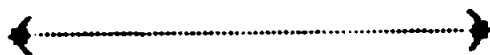
نمره: ۳۹۱/۱۴۴

به تاریخ: ۲۵/۱۲/۱۶

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

تعقیب گزارش کتبی راجع به کنفرانس مسکو و اقدامات لازمه جهت جلب مساعدت دولت شوروی راجع به تقاضای دولت ایران و وعده مساعدت آنها مجدداً به این جانب اظهار شده که دولت شوروی با نظریات ایران مساعدت دارد ولی موضوع باید در کنفرانس صلح مطرح شود. متصدیان انگلیسی که جریان مذاکرات کنفرانس را تنظیم می‌نمایند به این جانب اظهار داشتند که پس از تشکیل کنفرانس ممکن است راجع به برنامه آن تغییراتی داده شود. به هر حال احتمال دارد که بطور غیررسمی مذاکرات خارج از برنامه به عمل آید. البته این جانب مراقبت کامل دارم که از هر فرصت و پیش آمد ممکنه برای تأیید نظریات ایران و جلب مساعدت لازمه نسبت به آن اقدام نمایم. استدعا دارم دستور فرمائید کلیه اطلاعات لازمه در این باب به این جانب داده شود. فیروز.

يادداشت



تاریخ ماه ۱۳۲

۱۴۴/۴۹۱
۲۵/۱۲/۱۶

جناب شرف ماروقام الملک - تهران

تعیین گزاش کتبی راجع به کنوانسیون سکودا اقامت لازم است و بدین
 مساعدت دولت خود را راجع به تقاضای دولت ایران ^{دولت مساعدت نام دارد} ~~کاملاً~~ ^{بانی}
 جانب اظهار شده و دولت خود را بتولید ایران مساعدت دارد
 و اراضی بایه در کنوانسیون معین صلاح شد ^{در مستند بان انگلیس}
 در این مذاکرات کنوانسیون را تشکیل بایست باین جانب ^{بازار} ~~بازار~~ اظهار
 داشته اند پس از تشکیل کنوانسیون ممکن است راجع به برآمدگان غیراتی
 داده شود بهر حال احتمال دارد که بطور غیر رسمی مذاکرات خارج از زمانه
 بعمل آید البته این جانب هر اوقات کامل دارم که از ظرفیت و شایستگی
 باین نظریات ایران و بدین مساعدت لازم است باین اقامت نام داشته باشد
 بجهت دستور کار بیکه الامان لازم در این باب باین جانب داده شود غیر از این

نمره: ۳۹۴/۱۴۵

به تاریخ: ۲۵/۱۲/۲۱

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران
مسکو

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - نخست‌وزیر

در تعقیب گزارش مخصوص راجع به کنفرانس مسکو که توسط پیک مخصوص هفته گذشته حضور مبارک ارسال گردید اینک خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که اولین جلسه کنفرانس مسکو به تاریخ دهم مارس تحت ریاست مولوتف تشکیل گردید. نکته جالب توجه در موقع ورود وزیران امور خارجه به مسکو این بود که مولوتف به استقبال آنها نرفت و از طرف مولوتف، ویشنیسکی مأمور استقبال گردید. با در نظر گرفتن این نکته و سردی مناسبات مخصوصاً با توجه به یادداشت‌های متبادله اخیر بین دولت شوروی و دولت امریکا راجع به قضایای مجارستان و اظهارات اکسن معاون وزارت خارجه امریکا راجع به سیاست دولت شوروی که مورد اعتراض شدید دولت شوروی واقع گردید نمی‌توان زمینه را جهت ایجاد حسن تفاهم و توافق کامل نسبت به کلیه مسائل مورد بحث مساعد دانست. خصوصاً که در جلسه اول کنفرانس مولوتف بنام دولت شوروی تقاضا نمود که طرح رسیدگی به مسئله چین با توجه به توسعه اخیر جنگ داخلی و عدم رعایت تصمیمات سابق کنفرانس وزیران امور خارجه که لازم دانست حکومت چین از کلیه عوامل دموکراتیک تشکیل شود جزء برنامه کنفرانس گذاشته شود. مارشال وزیر امور خارجه امریکا اصولاً با طرح مسئله چین در ضمن مذاکرات کنفرانس مسکو موافقت نمود. اگرچه بهانه تشکیل این کنفرانس موضوع آلمان است ولی احتمال داده می‌شود اکثر مسائل مهم سیاسی بین‌المللی نیز بطور رسمی و غیررسمی مورد رسیدگی قرار گیرد.

بطوریکه ضمن گزارشات سابق خود پیش‌بینی نمودم و جریان اوضاع بین‌المللی آن راتأیید نمود. پس از امضای قراردادهای صلح با متحدین آلمان در پاریس به تاریخ دهم فوریه و رفع نگرانی دولت شوروی از امکان هرنوع بهانه دول آنگلو ساکسن جهت تأخیر امضای قراردادهای مزبور که جهت سیاست شوروی موفقیت بزرگی محسوب

می‌شود سیاست خارجی دولت شوروی در کلیه مسائل بین‌المللی رو به شدت گذاشته شده است و باید منتظر بود ضمن جریانات کنفرانس مسکو و طرح مسائل مختلف تمایل اخیر سیاست شوروی کاملاً منعکس گردد. اگرچه ظاهراً امر کنفرانس وزیران امور خارجه تشکیل گردیده ولی در حقیقت هر نوع موفقیت منوط به امکان حصول توافق بین امریکا و روسیه است و در مقابل هر توافقی ممکنه بین این دو دولت نظریات دول دیگر چندان قابل اهمیت و توجه نخواهد بود.

فعلاً زمینه مساعد بنظر نمی‌رسد و محافل صلاحیتدار دیپلماتیک چندان امیدوار نمی‌باشند. سفیر کبیر انگلیس ضمن صحبت با اینجانب از حصول نتایج مثبت در این کنفرانس اظهار یأس نمود. سفیر کبیر امریکا سه شب پیش که شام مهمان ایشان بودم به اینجانب اظهار داشت که چون دولت و ملت امریکا مسلماً مصمم هستند که جنگ دیگری برپا نشود نباید مایوس بود و بالاخره دول بزرگ روی اصل داد و ستد مجبور هستند طوری با هم کنار بیایند سفیر کبیر فرانسه به اینجانب اظهار داشت که اساس موفقیت بسته به امریکا و روسیه است و اظهار امیدواری می‌کرد که در بعضی مسائل ممکن است توافق نظر حاصل گردد، ولی بنظر این جانب نتیجه کنفرانس مسکو هرچه باشد ولو هم منفی در سیاست بین‌المللی مسلماً تأثیر و نتیجه مثبت و فوری خواهد داشت. زیرا هرگاه دول بزرگ نتوانند با هم کنار بیایند و نتیجه منفی باشد از لحاظ تشدید وخامت اوضاع و شدت تحریکات علیه یکدیگر تأثیر مثبت و فوری در اوضاع بین‌المللی خواهد داشت و هرگاه توافقی حاصل شود کیفیت و چگونگی توافقی‌های حاصله تأثیر فوری و مثبت در اوضاع بین‌المللی خواهد داشت مضافاً به اینکه جریان این کنفرانس میزان اختلافات و یا امکان همکاری دول بزرگ را روشن خواهد نمود و بنابراین کنفرانس مسکو بنظر اینجانب برای کلیه ملل و عالم بشریت دارای اهمیت حیاتی است و نتایج آن هرچه باشد مسلماً در اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان و مخصوصاً ایران دارای اثرات مثبت و عمیق خواهد بود.

مظفر - فیروز.

یادداشت

نمره: ۳۹۶/۱۴۷

به تاریخ: ۲۵/۱۲/۲۵

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

در تعقیب تلگراف شماره... اینک متن یادداشتی که به تاریخ ۲۴ اسفند تسلیم مولوتف وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی نمودم اینک برای استحضار جناب اشرف ذیل درج می گردد:

نمره: ۳۳۰۳

به تاریخ: ۲۵/۱۲/۲۴

آقای وزیر

نظر به اینکه کنفرانس وزیران امور خارجه در مسکو به منظور تعیین تکلیف آلمان و تهیه مقدمات کنفرانس صلح تشکیل گردیده و نظر به اینکه دولت و ملت ایران علاقمند است که با شرکت در کنفرانس صلح بتواند حقوق حقه خود را حفظ نموده و خسارات و مطالباتی را که از آلمان دارد با کمک و مساعدت دول بزرگ و متفقین خود تأمین نماید در تعقیب یادداشتی که به تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۴۷ از طرف دولت شاهنشاهی ایران مبنی بر تجدید تقاضای شرکت در کنفرانس صلح به سفرای کبار چهار دولت دوست و متفق اتحاد جماهیر شوروی و امریکا و بریتانیای کبیر و فرانسه در ایران تسلیم گردیده و همچنین در تعقیب تلگرافی که در تأیید این نظریه از طرف دولت شاهنشاهی ایران به تاریخ ۱۲ فوریه ۱۹۴۷ به دبیر شورای معاونین وزیران خارجه در لندن مخابره شده اینک لازم می دانم بنام دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران توجه دقیق جنابعالی را به نکات ذیل جلب نمایم:

۱- طبق اطلاع حاصله به تاریخ ۱۲ فوریه دولت اتحاد جماهیر شوروی طی یادداشت به عنوان معاونین وزیران خارجه در لندن نظریات خود را راجع به کنفرانس صلح و دولی که باید جهت شرکت در کنفرانس مزبور دعوت شوند تصریح نموده و

ضمن آن این قسم اظهار نظر نموده که دولی باید جهت شرکت در کنفرانس دعوت شوند که قوای مسلح آنها در جنگ علیه دشمن مشترک شرکت کرده باشند. اینک لازم می‌داند خاطر جنابعالی را بدین نکته متوجه دارم که با فرض قبول و تصویب نظریه دولت اتحاد جماهیر شوروی که فقط دولی باید به کنفرانس صلح دعوت شوند که با قوای مسلح خود در جنگ علیه دشمن مشترک شرکت نمودند باز دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران به علت سهم مهمی که در حصول پیروزی مشترک داشته و مخصوصاً شرکتی که قوای مسلح آن در جنگ علیه دشمن مشترک نموده قرارداد سه گانه مورخه ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ رسماً و صریحاً معاضدت و حدود عملیات ارتش شاهنشاهی را تصدیق و تعیین نموده محق خواهد داشت در کنفرانس صلح شرکت نماید.

قسمت اول بند دوم فصل ۳ قرارداد سه گانه مقرر می‌دارد:

«معاضدت قوای ایرانی محدود به حفظ امنیت داخلی در خاک ایران خواهد بود.» با توجه جنابعالی به صراحت ماده مزبور و اینکه طبق قرارداد منعقد شده شرکت قوای مسلح ایران در جنگ علیه دشمن مشترک رسماً تصریح و تصدیق گردیده و جهت آنها وظایف خاصی معین شده ملاحظه خواهند فرمود که دولت شاهنشاهی ایران جزو دولی است که قوای مسلح آن در جنگ شرکت نموده بنابراین حق دارد در کنفرانس صلح شرکت کند. ضمناً این نکته را تذکر می‌دهم که اگر دول متفق نخواستند قوای مسلح ایران به جبهه جنگ اعزام شوند و این مفهوم از نامه جناب آقای سمیرنوف سفرکبیر شوروی به عنوان وزیر امور خارجه ایران به تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ که ضمیمه ۲ قرارداد سه گانه می‌باشد برای این بود که به حفظ امنیت در پشت جبهه و تأمین خطوط ارتباطیه و جلوگیری از هرگونه عملیات تخریبی به وسیله دستجات پاراشوتیست دشمن به منظور خراب کردن پلهای راه آهن سرتاسری ایران و ایجاد اشکال و وقفه در رسانیدن کمک و مهمات به اتحاد جماهیر شوروی نهایت اهمیت را قائل بودند و مسلم است که اگر این موافقت و حفظ نظم و امنیت طبق قرارداد به عهده ارتش شاهنشاهی محول نشده بود و خود متفقین می‌خواستند این عمل را مستقیماً عهده‌دار شوند می‌بایست چندصد هزار نفر اضافه قوا به ایران اعزام دارند. بنابراین شرکت قوای مسلح ایران در جنگ و تأمین امنیت پشت جبهه متفقین طبق قرارداد موجب شد که فرماندهی قوای متفقین توانست چند

صدهزار نفر که در غیر این صورت می‌بایست عهده‌دار حفظ نظم و امنیت پشت جبهه شوند صرفه‌جویی نموده در جبهه‌های مختلف از آنها استفاده نماید.

۲- علاوه بر اینکه مساعی دولت و ملت ایران در راه حصول پیروزی مشترک مورد قبول ژنرال‌یسیم استالین پیشوای بزرگ اتحاد جماهیر شوروی و سایر رؤسای دول متفق در موارد مختلف و مخصوصاً در کنفرانس طهران واقع شده ضمن اعلامیه سه دولت که به تاریخ اول دسامبر ۱۹۴۳ در تهران صادر شده صریحاً تصریح گردیده است که دولتهای امضاکننده اعلامیه «به مشارکت ایران با سایر ملل صلح‌دوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ طبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند».

البته با توجه جنابعالی به مفاد اعلامیه طهران و وعده صریح ژنرال‌یسیم استالین و سایر دول بزرگ و متفق که ایران حق خواهد داشت بعد از جنگ در استقرار صلح بین‌المللی شرکت نماید. بدیهی است تصدیق خواهند فرمود که اجرای عملی این وعده و تعهد صریح تنها به وسیله دعوت دولت شاهنشاهی ایران در کنفرانس صلح صورت خواهد گرفت به علاوه لازم می‌دانم خاطر جنابعالی را به نامه مورخه ۲۹ ژانویه ۱۹۴۲ آقای سمیرنوف سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی در تهران به عنوان وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی که جزو ضمیمه اول قرارداد سه‌گانه می‌باشد جلب نمایم چنانکه ملاحظه خواهند فرمود ضمن نامه مزبور سفیر کبیر دولت شوروی جمله زیر را نوشته است:

«علاوه بر این دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نهایت کوشش را بکار خواهد برد که ایران در مذاکرات صلحی که مستقیماً به منافع او مرتبط باشد با دول دیگر بطور تساوی نماینده داشته باشد».

البته با توجه به مدلول این نامه تصدیق خواهند فرمود که دولت اتحاد جماهیر شوروی متعهد گردیده است که جهت شرکت دولت شاهنشاهی ایران در کنفرانس صلح با آلمان که دولت ایران مستقیماً در جریان آن ذینفع می‌باشد نهایت کوشش را مبذول دارند.

۳- اگرچه توضیح مسایل فوق و تذکر مفاد قراردادهای منعقد و نامه‌های متبادله و اعلامیه‌های صادره و تعهدات مسلمی که از مجموع آنها ایجاد گردیده جهت اثبات

حقانیت دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران در شرکت در کنفرانس صلح با آلمان کافی می‌باشد لازم می‌دانم خاطر جنابعالی را به این نکته جلب نمایم که دولت و ملت ایران مساعدت دولت اتحاد جماهیر شوروی را در قبول تقاضای دولت شاهنشاهی ایران به منظور شرکت در کنفرانس صلح نه تنها از لحاظ اجرای تعهداتی که نموده خواهان می‌باشد بلکه این کمک را بیشتر از این نظر انتظار دارد که دولت اتحاد جماهیر شوروی در پیروی از سیاست لنین بزرگ همیشه از نظریات و منویات ملی ایران پشتیبانی نموده به حیثیات ملی آن احترام گذاشته است.

در خاتمه با توجه دقیق جنابعالی به نکات فوق در این موقع که شورای وزیران امور خارجه در مسکو تشکیل گردیده مساعدت دولت اتحاد جماهیر شوروی را در قبول تقاضای دولت اعلیحضرت شاهنشاهی مبنی بر اینکه در کنفرانس صلح با آلمان شرکت کند خواهانم سفیر کبیر ایران - مظفر فیروز

جناب آقای مولوتف جانشین رئیس شورای وزیران
و وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی
رونوشت این نامه برای ژرژ بیدو وزیر امور خارجه فرانسه و ارنست بوین وزیر امور خارجه انگلیس و ژرژ مارشال وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا و ضمن نامه‌ای به این مضمون به منشی کل کنفرانس فرستاده شد:

مسکو به تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۴۷

آقای منشی کل

اینک نامه‌ای که به عنوان شورای وزیران امور خارجه بنام دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران نوشته‌ام در پنج نسخه تهیه و ارسال می‌گردد خواهشمندم مقرر دارید به هریک از وزیران امور خارجه که در شورای وزیران شرکت دارند به اسرع وقت یک نسخه از نامه این جانب ارسال گردد و نسخه پنجم در دبیرخانه شورای وزیران ثبت گردد. با احترامات فائقه سفیر کبیر ایران - مظفر فیروز

آقای نوکیف منشی کل دبیرخانه شورای وزیران امور خارجه

۳۴۰۳
۱۵/۵/۴۷

— Москва, 15 мая 1947

آی وزیر

نظرباینکه کنفرانس وزیران امور خارجه در
مسکو بمنظور تعیین تکلیف آلمان و تهیه مبداء
کنفرانس صلح تشکیل گردیده و نظرباینکه دول
و ملت ایران علاقمند است که با شرکت در کنفرانس
صلح بتواند حقوق حقه خود را حفظ نموده و
خسارات و مطالباتی را که از آلمان دارد بجا
کند و مساعدت دول بزرگ و متکین خود تامین
نماید در تمهید یادداشتی که بتاريخ ۲۰ ژانویه
۱۹۴۷ از طرف دولت شاهنشاهی ایران بمنی
بر تجدید تقاضای شرکت در کنفرانس صلح به
سفیرای کبار چهار دولت دوست و متفق اتحاد
جنتامهرشوی و آمریکا و بریتانیا یکپرو و ترا
در ایران تسلیم گردیده و همچنین در تمهید
تذکراتی که در تائید این نظریه از طرف دولت
شاهنشاهی ایران بتاريخ ۱۲ تیر ۱۳۲۶ به
دبیر شورای معاونین وزیران خارجه در لندن
مخابره شده اینک لازم میدانم بنام دولت —
امپاطحضرت شاهنشاهی ایران توجه دلیق جناب

Господин Министр,

В связи с открывающейся в Москве конференцией Министров Иностранных Дел, с целью определения судьбы Германии и проведения подготовительных работ для созыва мировой конференции, я, принимая во внимание заинтересованность Правительства Края и Краевого народа в участии на этой конференции, где оно могло бы защитить свои законные права и с помощью своих великих союзников обеспечить возмещение причиненных ему убытков и компенсации и Германии претензий, имеющим право, в дополнение к письму Краевого Правительства от 30-го января 1947 года переданной Послам 4-х Великих Держав - Советского СССР, США, Великобритании и Франции в Тегеране, а также в дополнение к телеграмме Краевого Правительства на имя Секретаря Совещания заместителей Министров Иностранных Дел в Лондоне от 13-го февраля 1947 года, подтверждающей вышеуказанную просьбу, обратиться к Вам с особой внимательностью на следующее:

1/ По имеющимся сведениям, 14-го февраля с.г. Советское Правительство сообщило Заместителям Министров Иностранных Дел свои соображения относительно Мировой Конференции

رابطه ذیل جلب نام :

۱ - طبق اطلاع حاصله بتاريخ ۱۱ آبریه
دولت اتحاد جماهیر شوروی طی یادداشت به
عنوان معاونین وزیران خارجه در لندن نظریات
خود را راجع به کنفرانس صلح و دولی که باید جهت
شرکت در کنفرانس به دعوت شوند تصریح نموده
و ضمن آن اینقسم اظهار نظر نموده که دولی
جهت شرکت در کنفرانس دعوت شوند که نوبی صلح
انها در جنگ بر علیه دشمن مشترک شرکت کرد باشد
اینک لازم میدانم خاطر جنابعالی را بدین
نکته متوجه دایم که با فراموشی و تصویب نظریه
دولت اتحاد جماهیر شوروی که فقط دولی باید
به کنفرانس صلح دعوت شوند که با نوبی صلح خود
در جنگ بر علیه دشمن مشترک شرکت نمودند باز
دولت اعلیحضرت شاهنشاهی ایران به علت سهم
مهمی که در حصول پیروزی مشترک داشته و سهم
شرکتی که نوبی صلح آن در جنگ بر علیه دشمن
مشترک نمود موافقت و قرارداد مکانه مورخه ۱۱ آبانیه
۱۳۱۶ رسماً و صریحاً معاضدت و حدود صلحات
ارتش شاهنشاهی را تعدیل و تعیین نمود معنی

مزار داشت در کنفرانس صلح شرکت نماید

и тех государств, которые могут быть
приглашены на нее в качестве участников.
Согласно заявления Советского Правительства,
на эту конференцию могут быть при-
глашены лишь те государства, сд. вооружен-
ными участвовавшие в войне против общего
врага.

В связи с этим, считая необходимым
обратить внимание Ганого Губернатора
дипломатии на то обстоятельство, что
гипотетическая допущенная возможность при-
нятия на основу предложения Правительства
СССР о приглашении на Конференцию лишь
тех государств, вооруженных оми которых
участвовали в войне против общего врага,
Правительством Его Величества Сакшикала
имеет полное право участвовать на указан-
ном Юрием Конференции ввиду его значи-
тельной роли в исторических событиях победы и
в обеспечении благодаря участию его воо-
руженных сил против общего врага, дипло-
матическим чого является Договор Трех
Государств от 29-го января 1918 года, в
котором были точно и официально опреде-
лены и подтверждены сд. взаимной помощи
Кавказской Армии и ее пределы. Пункт А,
статья 3 Договора Трех Государств гласит:

۱۱- زانویه ۱۳۱۱ که ضمیمه ۲ قرارداد سه گانه میباشد برای این بود که چهل و شصت درصد از سهمیه و تمامی خنجر و ارنای شبه و جلوگیری از

При анализе с большим вниманием указанной статьи официально и совершенно ясно подтверждается факт участия «вооруженных сил Крава» в войне против общего врага и в отводке им специальных задач, তবে Высочайшего Представительства согласится, что Краевое Представительство должно быть привлечено к тем тем государствам, чьи вооруженные силы участвовали в войне против общего врага и поэтому оно имеет право участвовать на Мировой Конференции. Одновременно обращая свое внимание на то обстоятельство, что если Советские Правительственные органы не покажут, чтобы вооруженные силы Крава были отправлены из фронта что является не только господина Сикресо, Советского Посла в Крае, на имя Министра Иностранных дел Крава от 20-го января 1944 года (Приложение 3 к Договору Трех Государств) то участие этого правительства в том, что Советским правительством выданы специальные охраняемые документы и порядок, обеспечивающие безопасность путей сообщения, предупреждения возможных диверсионных актов вражескими элементами с целью разоружения против «тран-

هرگونه عمليات تخريبى بوسيله دستجات پاراشوت
دشمن بشعير خراب کردن پلهاى راه آهن سرتا سر
ايران و ايجاد اشغال و قله دروسانیدن کک و
مهمات با اتحاد جماهیر شوروى نهايت اهميت را
قليل بودند و مسلم است که اگر این مراقبت و حلف
نظم و انضات طبق قرارداد پيچیده ارتش شاهنشاهی
محول نشده بود و خود متفقین میخواستند این عمل
را مستقيماً عهده دار شوند، ميهد پست چند صد هزار
نفر اضافی توا بايران اعزام دارند . پناهيان شر
ک
نواى مسلح ايران در جنگ و تا حين انضات پشت -
جبهه متفقین طبق قرارداد موجب شد که نروانده
نواى متفقین توانست چند صد هزار نفر که در فهران
صورت ميهاست عهده دار حفظ نظم و انضات نموند
پست جبهه شوند صرفه جويى نموده و در جبهه های
مختلف از آنها استفاده نماید .

۱ - مدوه براينکه صام دولت و ملت ايران

درواه حصول روزي مشرت مورد قبول ژنراليسم
ستالين پيشواى بزرگ اتحاد جماهیر شوروى و
روى دول متفق در موارد مختلف و مخصوصاً در
کفرانر طهران واقع شده ضمن اعزام به دولت

Кремлях железной дороги и задержании
действия военных операций Совету Со-
ветских Социалистических Республик.
Следовало, если бы указанная работа об-
уране спокойствия и порядка не была бы
возложена на Красную Армию в соответ-
ствии с заключенным договором, и, если
бы советские сами могли бы на себя со-
ответствие этой задачи, то это было бы
совершенно с необходимостью ввода дополни-
тельных военных сил в пределах несколь-
ких сот тысяч человек. Поэтому участие
вооруженных сил Ирана в войне и обеспе-
чение спокойствия и порядка в тиле оза-
бочено, даже возможность Советскому коман-
дованию перебросить и использовать на
различных фронтах те возможности сот тысяч
человек, которые в противном случае
должны были нести службу по охране тила.

2. Содействием Красного Премьер-
ства и Красного народа в деле достиже-
ния общей победы можно свое подгвордочы
в заявлениях Великого Рокда СССР Гене-
ралиссимуosa Сталина и глав других Совет-
ских Дермаз. Кроме того, это было записи
розово в Генералции Трак Дермаз от 1 -го
декабря 1942 года, где было точно уота-
новлено, что 1 * Правительство, подписав

که بتاريخ اول دسامبر ۱۹۱۲ در تهران صادر
 شده صحیحاً تصحیح گردیده است که دولتهای
 امضاکننده اعلامیه ۲ مشارکت ایران با سایر ملل
 متحد و سه در برقراری صلح بین اطللی و انگلیس
 و سعادت بعد از جنگ بر طبق اصول مظفر —
 آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است —
 استقبال دارند .

البته با توجه جنابحالی بطاقت اعلامیه —
 طهران و حد صریح ژنرالیم ستالین و سایر —
 روسای دول بزرگ و ملل که ایران حق خواهد داشت
 داشت بعد از جنگ در استقرار صلح بین اطللی
 شرکت نماید بدیهی است تمهید خواهند فرمود
 که اجرای ملل این وده و تمهید صریح تنها به
 وسيله دعوت دولت شاهنشاهی ایران در کنفرانس
 صلح صورت خواهد گرفت بحال و لازم میدانم خاطر
 جنابحالی را بنام مورخه ۱۹ ژانویه ۱۹۱۲ آقای
 سهرنگ سلوکبر اتحاد جماهیر شوروی در تهران
 بعنوان وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی که
 جزو ضمیمه اول قرارداد سه گانه میباشد جلب
 نمایم . چنانکه ملاحظه خواهند فرمود ضمن

اینه Декларации рассматривает на учете
 Права совместно с другими миролюбивыми
 нациями в установлении международного
 мира, безопасности и прогресса после
 войны, в соответствии с принципами
 Атлантической Хартии, которую подпи-
 сали все четыре Правительства."

Принципам во внимание содержание
 Декларации трех держав, а также без-
 условное обещание Генералиссимуса
 Сталина и других глав Великих держав
 Семнадцати о том, что по окончании войны
 Иран будет иметь право участвовать в
 деле установления международного мира,
 очевидно, Наше Высочайшее Представитель-
 ство соглашается, что практическое осуществле-
 ние этих обещаний может выразиться
 лишь в форме приглашения Иранского
 Бакинского Правительства на Ширну
 Конференцию.

Кроме того, считая необходимым
 обратить внимание Нашего Высочайше-
 го Представительства на письмо Советского Посла
 в Гетерне господина Ширнова на имя
 Министра Иностранних дел Ирана от ۲۰ го
 января ۱۹۱۲ года, которое является
 частью первого приложения к договору
 трех государств. В этом письме Говла
 Совета Советских Социалистических

نامه منير سليركبر دولت ل اتحاد جاهر قشورى

جمله زيرا نرفته است :

" علاوه بر اين دولت اتحاد جاهر قشورى

سوسياليستي نهايت كوشش را بكار خواهد برد

كه ايران دوط اكرات صلي كه مختلفه پنايع

او مرتبط باشد با دويل ديگر بطور تساوى ناپنده

دائمه باقىد . "

منه

البته با توجه بدلول اين نامه تصديق خوا

لرئود كه دولت اتحاد جاهر قشورى مستميد -

گريده كه جهت شركت دولت شاهنشاهى ايران

در كنفرانس صلح با آلمان كه دولت ايران مستقيما

در جريان آن نيتيغ ميباشد نهايت كوشش را با دويل

دارند .

۲ - اگرچه توضيح سايل نوب و تذكر ملاك

تعداد هاى متعلقه و نامه هاى متبادله و -

اعلامه هاى صادره و تعهدات مسلمى كه از جد

مجبور آنها ايجاد گريده جهت اثبات حقايق است

دولت اعلى حضرت شاهنشاهى ايران در شركت در

كنفرانس صلح با آلمان كافي ميباشد لازم ميدانم

Республик имеются следующие слова:

" Кроме того, Правительство Советов Социалистических Республик приложит все усилия к тому, чтобы Французскому правительству и другим странам во время мирных переговоров по вопросам непосредственно затрагивающим его интересам."

Как видно из содержания этого письма, Правительство СССР обязалось оказать всемерное содействие и участие Иранского Демократического Правительства на Мирной Конференции в Германском, в работе которой Иранское Правительство непосредственно заинтересовано.

3. Хотя вышеприведенные обещания обоснованные на соответствующих договорах, письмах и документах в общем сложности в достаточной мере обосновывают право Правительства Его Величества Ирана быть продолженным на Мирной Конференции в Германском, однако и считая необходимым обратить внимание нашего Бюро на необходимость еще на то обстоятельстве, что Иранское Правительство и Иранский народ рассчитывают на поддержку Правительства СССР в вопросе об участии Ирана на Мирной Конференции не только

سید کبیر ایران - مظفر قیصر

В заключение, обратим особое
внимание Вашего Высочествова-
ния на вышеприведенные соображения, и
в связи с открытием в Москве Конферен-
ции Главнокомандующих Вооруженными Силами,
Правительство СССР поддерживает просьбу
Правительства Его Величества Саксонского
Короля в вопросе об участии в Штут-
гартской Конференции о Германской.

POSSA ITALIA:

/ 203ACAP CIPY3 /

ЕГО ВЕЛИКОПРЕСЛАВНОСТИ
ГОСПОДИНУ Ч. Ч. О Л О Т О В
ЗАШЕСТИТЕЛЮ ПРЕДСЕДАТЕЛЮ СОВЕТА МИНИСТРОВ
МИНИСТРУ ИНОСТРАННЫХ ДЕЛ
С. С. С. Р.

جناب آقای مولود جاننشین رئیس شورای فهران
و فهران امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی

یادداشت

نمره: ۴۰۱/۱۵۰

به تاریخ: ۲۵/۱۲/۲۸

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

دیشب مهمان مولوتف بودم موقع را مغتنم شمرده بطور تفصیل راجع به امور مربوطه به دو کشور با مولوتف مذاکره کردم. مذاکرات خیلی گرم و صمیمانه بوده است. از اینکه فوراً به مندرجات یادداشت‌های این جانب ترتیب اثر داده و به وسیله ویشنیسکی در کمیسیون مربوطه پیشنهاد نمودند که ایران به علت مساعی قوای مسلح آن در جنگ به کنفرانس صلح دعوت شود اظهار امتنان و تشکر کردم و مخصوصاً تشکر و سلام جناب اشرف را به ایشان ابلاغ نمودم. مولوتف جواب داد که سیاست اتحاد جماهیر شوروی حاضر است همیشه با منویات ملی ایران مساعدت کند ولی ایران باید روشی کاملاً ملی تعقیب نموده استقلال خود را حفظ نماید در جواب تذکر دادم که زمامداری جناب اشرف بهترین ضامن است که سیاست ایران روش ملی و متمدنی و مودت نسبت به اتحاد جماهیر شوروی تعقیب خواهد نمود و اظهار امیدواری کردم که موضوع شرکت ایران را در کنفرانس صلح به نتیجه مثبت و قطعی خواهند رسانید. مولوتف قول داد که موضوع را به نفع ایران تعقیب نماید. با ویشنیسکی نیز ملاقات نموده مخصوصاً از ایشان تشکر کردم. اظهار داشت که ضمن یادداشت طرزی استدلال کردید که برای من که وکیل هستم قانع کننده و قانونی بود و فرصت داده که بتوانم از حقوق ایران دفاع کنم... سعی قوای مسلح آن در جنگ بدون اینکه در نتیجه این دفاع مجوزی جهت دعوت دول دیگر مانند ترکیه که با سیاست این الوقت خود از خون ما در جنگ فربه شد به دست دول ارتجاعی داده شود. مذاکرات این جانب با ویشنیسکی بسیار صمیمانه و تأثیر یادداشت و تغییر روش کمیسیون معاونین نسبت به ایران تأثیر عمیق در کلیه محافل دیپلماتیک مسکو نموده موجب تحصیل حیثیت زیادی برای سیاست خارجی جناب اشرف گردیده است زیرا فقط چهار روز قبل ویشنیسکی در کمیسیون مربوطه پیشنهاد نمود که نوزده دولت به اسم و رسم جهت کنفرانس صلح دعوت شوند و ابداً ذکر از ایران نبود ناگهان که در جلسه اخیر پیشنهاد خود را تغییر

داده دعوت ایران را به کنفرانس صلح پیشنهاد کرد تأثیر بسیار مطلوب نموده است و توجه کلیه محافل مربوطه را به خود جلب کرده است. بطور کلی مذاکرات این جانب با مولوتف و ویشننسکی بسیار رضایت بخش بود و اقدام لازمه به منظور اجرای منویات مبارک ادامه دارد. فیروز.

یادداشت

نمره: ۲/۲

به تاریخ: ۲۹/۱/۵

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

تلگراف جناب اشرف زیارت گردید از ابراز مرحمتی که به مناسبت اقدامات این جانب فرمودید کمال تشکر و امتنان را دارم. همیشه سعی هستم در راه انجام خدمت به کشور خود را لایق محبت و حسن اعتمادی که پیوسته جناب اشرف نسبت به این جانب ابراز می فرمائید معرفی نمایم و کلیه اقدامات این جانب متکی به تقویت جناب اشرف بوده و خواهد بود. از جریان کنفرانس این قسم استنباط می شود که عموماً مایل هستند در مسائل مربوطه به آلمان و اتریش راه حلی پیدا نموده توافقی حاصل نمایند. البته اختلافات هنوز زیاد و اساسی است ولی ممکن است ولو برای اغفال افکار عمومی دنیا هم باشد در بعضی مسائل توافق نمایند که یأس و وحشت زیاد در نتیجه این کنفرانس ایجاد نشود. اما در پشت پرده اختلافات سیاسی میان امریکا و اتحاد جماهیر شوروی بطور محسوس رو به ازدیاد است و سیاست اخیر ترومن بدون عکس العمل از طرف روسها نخواهد بود. موضوع دعوت ایران به کنفرانس صلح بطوری که قبلاً به عرض رسیده در نتیجه اقداماتی که به عمل آمده مواجه با مخالفت هیچیک از دول نگردیده عموماً موافق هستند ولی نسبت به بعضی دول دیگر اختلافات خیلی شدید است مثل آلبانی که روسها با تقویت فرانسه جداً اصرار دارند دعوت شود و انگلیسها و امریکائیهها مخالفت می نمایند. در نتیجه یادداشتها و اقدامات این جانب و پیشنهاد ویشننسکی به نفع ایران تصمیم سابق که فقره ۱۸ دولت دعوت به کنفرانس شوند مسلماً تغییر کرده و فعلاً مذاکرات جریان دارد. چند دولت دیگر دعوت شوند. بدیهی است به هریک از دول بزرگ کاندید [ای]

خود را تقویت نمایند محتمل است بجای ۱۸ دولت ۲۶ دولت دعوت شوند و منجمله ایران و انتظار می‌رود در ظرف هفته آینده تصمیم قطعی در این باب اتخاذ گردد. نکته جالب توجه این است که در جریان کنفرانس میان انگلیس و فرانسه مخصوصاً راجع به روهر Ruhr و ناحیه مزبور اختلافات خیلی شدید ظاهر شده و این اختلافات پس از ملاقات بیدو وزیر خارجه فرانسه با استالین رو به شدت رفته است. فیروز ۲۶/۱/۴

یادداشت

نمره: ۴/۴

به تاریخ: ۲۶/۱/۶

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

به تاریخ ۲۶ مارس موضوع شرکت ایران در کنفرانس صلح در شورای وزیران امور خارجه مطرح شد مارشال و بوین طبق قولی که به این جانب داده بودند نسبت به شرکت ایران موافقت نمودند و مخصوصاً مارشال شرح موثری راجع به سهم ایران و شرکت قوای ایران در حدود مقررات قرارداد بیان سپس مولوتف اظهار داشت که ابتکار دعوت ایران به کنفرانس صلح قبلاً در شورای معاونین از طرف ویشنیسکی بنام دولت شوروی صورت گرفته و اضافه نمود که متفقین و مخصوصاً انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی طبق قرارداد سه گانه تعهدات مسلمی در مقابل ایران جهت شرکت دادن آن در مذاکرات صلح دارا هستند و دولت شوروی معتقد است که باید به این تعهدات مسلم عمل نمود. بیدو وزیر خارجه فرانسه که اصولاً با دعوت دول زیاد به کنفرانس صلح مخالف می‌باشد با دعوت ایران موافقت دارد. بالاخره پس از ابراز موافقت نسبت به ایران از طرف وزیران امور خارجه در جلسه رسمی شورا موضوع با تأکید و سفارش لازم به شورای معاونین جهت پیشنهاد عودت داده شد. دیشب بوین را ملاقات و از کمک و مساعدت ایشان تشکر کردم. اظهار داشت برای اجرای تقاضای شما و به نکات مندرج در یادداشتی که ارسال داشتید کمال کوشش را نمودم و امیدوارم که راضی باشید. جواب دادم که دولت انگلستان همیشه سعی است تعهدات خود را اجرا نماید و موقع ارسال یادداشت یقین داشتم که پس از تذکر مطالب نماینده بریطانیای کبیر به انجام

تعهدات مسلم خود اقدام خواهید نمود و البته جای تشکر و خوشوقتی است که سهم ایران در نبرد مشترک این قسم مورد توجه واقع شده و اضافه کردم که سیاست جناب اشرف پیوسته مایل است که ایران عامل صلح بین‌المللی باشد و جای خوشوقتی است که با وصف این همه اختلافات باز موضوع ایران عامل حسن تفاهم کامل میان متفقین است.

روشی که از بدو کنفرانس مخصوصاً در اقدامات و مذاکرات خود اتخاذ نمودم این بود که هیچ‌یک از دول بزرگ تصور نکنند که برای پیش بردن مقصود خود به یکی از دول به خصوص متکی هستم تا موضوع ایران هم دچار دسته‌بندی و کشمکش بین آنها قرار گیرد بلکه تعهد داشتم با هریک از وزیران امور خارجه که مذاکره نمودم این قسم جلوه دهم که دولت و ملت ایران به مساعدت و تقویت بخصوص ایشان علاقمند است و با این روش نتیجه کاملاً مطلوب بدست آمده و با تقدیر و تمجیدی که عموماً نسبت به ایران می‌کنند اهمیت و حیثیت سیاسی ایران از هر حیث تأمین گردیده است.

مخبرین خارجی مقیم مسکو جریانات مربوط به ایران را با توجه مخصوص تعقیب می‌کنند و نماینده آسوشیتد پرس امریکا خبر مفصلی به امریکا و دوهزار روزنامه که عضو آن هستند ارسال داشته موضوع ایران را شاهکار سیاسی و موفقیت بزرگ دیپلماتیک جهت ایران معرفی نموده است. امیدوارم ملت ایران تحت توجه و رهبری جناب اشرف به تأمین مقام و حیثیت بین‌المللی که حقاً دارا می‌باشد نائل گردد. فیروز

مظفر
جناب اشرف
۲۹/۱/۳۰
قوام‌الملک - تهران

تاریخ ۲۵ مارس موضوع شرکت ایران در
کنوانسیون صلح در ژنو، از وزیران امور خارجه ملحق شد به مارشال

بون ملتی قواجر باینی جانب داده بودند به
 به شرکت ایران مرافقت نمود و عموماً مارشال
 شرح موشن راجع به کم ایران و شرکت قواجر
 ایران در حدود شوراس قواجر داد به ن
 پس بر لطف اظهار داشت که اینکه در وقت
 ایران به کنوآنس مع قلا در شوراس معادینه از
 کوز و شنگ بنام دولت شوراس صورت گرفته و
 افزانه نمود و تنقیز و عموماً انگلستان و
 اتحاد جماهیر شوراس ملتی قواجر داد سه گانه نهاد
 مسلم در مقابل ایران به شرکت دادن آن
 در مذاکرات صلح دارا هستند و دولت شوراس
 متفق است و بایه باین نامه است که عمل نموده و
 وزیر خارجه فرانسه و ~~معاون~~ اصولاً با دعوت دولت زیاد
 به کنوآنس مع مخالف شده با دعوت ایران مرافقت
 دارد بازه پس از ~~آن~~ ایران مرافقت نیست؛

ایران از طرف وزیران امور خارج در جلسه بکن
 شور با ارضی با تاکید و سفارش لازم بشود از سادین
 بهت بشود و عدت داده شد دیشب بون را
 مقامات و از کمک و مساعدت ایشان تشکر کرد
 اظهار داشت برادر او از تقاضای شل و نیکت مندرج
 در یادداشتی در ارسال داشتند کمال کوشش را
 نمودم و امید دارم در ارض همیشه جواب دادم و در
 انگلستان همیشه سالی که تمام است خود را اجراء نماید
 و در موقع ارسال یادداشت یقین داشتم که
 پس از آنکه در سطح بنامه بر یک بنابر کبیر با تمام
 تمام این ستم خوانده ام و امیدوارم که در این باره
 خوشوقت این که هم ایران در برداشت این قسم
 مورد توجه واقع بشود و اضافه کرد که
 سید صاحب اشرف برسته سالی که ایران
 عامل صلح بین المللی باشد و بار خوشوقت این که
 بهر صورت این همه اختلافات با هم در ارض ایران
 عامل حسن تفاهم کامل باین متفقین است

روشی که از بهر دکنوازش معصود داده است و متاع
 نو آفاده نمود این سو که هیچ کس از دل بزرگ تصور
 نکند و بر این پیش بردن مقصود نو بیک از دل
 به خصوص تنگی چشم ^{که} تا مضمون ایران هم دچار
 دسته بند و کشاکش بین الملل و اگر دیگر
 تهمه داشته باشد بهر کس از وزیران ایران آید و در نهان
 نمود این تهمه جلوه دهم و در دست ایران به دست
 تقویت به خصوص این عداوت و با این روش
 نیمه کاملاً مطلوب به دست آمده و با تهمه و تهمه
 عداوت به ایران ^{خلاف} می کشد و یک ایران از
 هر وقت تا این گردیده معصود است خبری خارجی
 تقیم می شود و این تهمه به ایران را به تهمه
 به تهمه می کشد و تهمه است و تهمه است و تهمه است
 شمع به ارک و تهمه است و تهمه است و تهمه است
 ارکال داشته و مضمون ایران را شایسته است و
 رفعت بزرگ دیدن یک به ایران مریض است.

این مضمون است ایران و تهمه است و تهمه است و تهمه است
 بین الملل و تهمه است و تهمه است و تهمه است

نمره: ۱۱/۷

به تاریخ: ۲۶/۱/۱۲

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران مسکو

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

چون بحث به میان آمده که قبل از تشکیل کنفرانس صلح ممکن است کمیته از بعضی دول جهت تهیه زمینه و تعیین شرایط مذاکرات کنفرانس صلح که در واقع ضمیمه شورای وزیران امور خارجه خواهد بود انتخاب شود اقدامات جدی نمودم که ایران علاوه بر شرکت در کنفرانس صلح جزء کمیته مشاوره که ضمیمه شورای وزیران خواهد بود نیز انتخاب شود. اقدامات و تدابیری که جهت حصول این نتیجه اتخاذ نموده و ملاقاتهایی که نمودم ضمن تلگراف نمیتوان تشریح نمود ولی نتایج آن تا حال کاملاً رضایت بخش بوده. به تاریخ اول آوریل بون وزیر خارجه انگلیس.

سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

به تاریخ عصر ۲۸ مارس نمایندگان خبرگزاریهای مهم خارجی و مخبرین جراید کشورهای مختلف مقیم مسکو را پذیرفته جلسه مطبوعاتی با حضور آنها تشکیل گردید. ضمن اظهاراتی که به آنها نموده رضایت دولت ایران و مخصوصاً شخص حضرت اشرف را از توجه سریع و مخصوص که نسبت به مندرجات یادداشتی این جانب از طرف وزیران امور خارجه چهار دولت مبذول گردیده اعلام و از اظهارات مودت آمیز مولوتف و مارشال و بون در جلسه ۲۶ مارس شورای وزیران نسبت به ایران اظهار امتنان نمودم ولی متذکر شدم که دعوت و شرکت ایران در کنفرانس صلح کافی نمی باشد و پس از شرح مفصلی از فداکاریهای ایران در راه حصول پیروزی مشترک متذکر شدم که خسارات هنگفتی که به ایران وارد آمده باید به وسیله اخذ غرامات از آلمان تأمین گردد و ارقام مربوطه به خسارات وارده به ایران که جمع آن بالغ بر ۹۵۰

میلیون دلار است جزء به جزء برای آنها تشریح کردم و به آنها خاطرنشان ساختم که مایلم صدای حق و فریاد مظلوم ملت ایران به توسط آنها به گوش افکار عمومی دنیا برسانم تا حقانیت ایران در اخذ غرامات از آلمان ثابت و مسلم گردد. جریان مفصل مذاکرات از طرف نماینده خبرگزاری پارس به تهران تلگراف شده و البته ملاحظه خواهند فرمود تذکرات این جانب و انتشار ارقام خسارات تأثیر عمیق نمود و از لحاظ تهیه زمینه و جلب افکار عمومی جهت اقدامات بعدی ضرورت داشت.

جریان مذاکرات این جانب در کلیه جراید شوروی به تاریخ ۲۹ مارس منعکس و به وسیله نمایندگان خبرگزاریها و مخبرین جراید خارجی به وسیله رادیو از مسکو و تلگرافات به کلیه نقاط دنیا پخش گردید. فیروز ۳۰ مارس ۱۹۴۷.

به این جانب نوشته و در تأیید و تفسیر اظهاراتی که ضمن جریان شورای وزیران به تاریخ ۲۶ مارس نموده نظر اخیر این جانب را کاملاً تأمین نموده است. بونین ضمن نامه خود به عنوان این جانب چنین می نویسد: «نسبت به اصولی که باید اتخاذ شود هنوز در شورای وزیران توافقی حاصل نگردیده و یکی از نکاتی که نسبت به آن باید تصمیم اتخاذ شود نکته‌ای است که جنابعالی به آن اشاره نمودید. یعنی کدام دول متفق جهت شرکت در کنفرانس صلح باید دعوت شوند و کدام دول جهت شرکت در مراحل دیگری که مربوط به تهیه قرارداد صلح با آلمان می باشد از لحاظ داشتن حق تقدم مخصوص صلاحیت شرکت خواهند داشت. این جانب با کمال وضوح توضیح دادم چنانچه شرکتی که فوقاً به آن اشاره گردیده محدود به عده معینی از دول باشد. باید ایران جزء دول مزبور قرار گیرد امیدوارم که روش دولت اعلیحضرت پادشاه انگلیس در این مورد رضایت کامل دولت ایران را جلب خواهد نمود» در خاتمه بونین به این جانب تذکر داده که «میان چهار دول هنوز راجع به اصولی که باید اتخاذ شود و دولی که باید دعوت شوند اختلافات قابل توجهی موجود است.» با توجه به مفاد نامه بونین ملاحظه خواهند فرمود که نظر اخیر این جانب که علاوه بر شرکت ایران در کنفرانس صلح در کمیته مشاوره مخصوص که ممکن است تشکیل شود ایران نیز دعوت شود از لحاظ انگلیس کاملاً تأمین است و در این باب تعهد کتبی بونین در دست است. روسها هم در نتیجه فشاری که آوردم موافق هستند امیدوارم در جلب نظر امریکائیها مخصوصاً چون کمال اهمیت را دارد موفق شوم ولی هنوز در این مورد نتیجه مثبت بدست نیامده و

مشغول اقدام هستم بعد از جلب نظر مارشال موافقت بیدو مشکل نخواهد بود.

مصاحبه این جانب با نمایندگان جراید و اظهارتی که راجع به خسارات وارده به ایران و حقانیت ایران به اخذ غرامات نمودم بیشتر برای این بود که از لحاظ تشریح حق مسلم ایران در اخذ غرامات صلاحیت ایران را جهت حضور در کلیه مذاکرات مربوطه به صلح با آلمان ثابت نمود. حق تقدم ایران کاملاً محرز گردد به این جهت علاوه بر توضیح رقم کل خسارات وارده ارقام جزء آن نیز مخصوصاً در مصاحبه خود تعیین نمودم و نماینده خبرگزاری پارس آن را مفصلاً به ایران تلگراف نمود و معلوم نیست به چه علت در اداره تبلیغات قسمتی از خبرهای ارسالی را حذف می‌نمایند و منظور از این روش در چنین موقع چیست؟ مثلاً رادیوتهران اظهارات این جانب به نمایندگان جراید را راجع به خسارات ایران به همین اکتفا نمود که رقم کل را بگوید و ارقام جزء که میزان خسارات مؤسسات مختلف از قبیل راه آهن و غیره که مخصوصاً تشریح کرده بودم بکلی حذف نمود و به جای آن خبر تعیین فلان عامل قزوینی خود را گفت به علاوه چنین خبر مهم که مورد علاقه عموم مردم است در برنامه ساعت هفت گفت و در برنامه ساعت نه شب که بیشتر مردم ولایات می‌گیرند تکرار نکرد ولی اخبار بی‌سر و ته را تکرار نمود. اخباری که از اینجا تلگراف می‌شود تماماً با در نظر گرفتن مقتضیات است و به هیچ وجه تبلیغات حق ندارد اظهارات فرستاده مخصوص جناب اشرف را در مسکو تحریف نموده یا حذف کند. استدعا دارم در این مورد مواخذه فرمائید و امر اکید صادر فرمائید اخبار تلگرافی نماینده آژانس پارس که مسئول آن این جانب هستم بدون فوت وقت و بدون هیچ نوع تحریف فوراً گفته شود.

جواب بوبین را دادم از نظر صریحی که راجع به ایران نوشته مخصوصاً آنچه راجع به شناسائی حق تقدم ایران است اظهار امتنان نمودم و مخصوصاً تذکر دادم که از طرف جناب اشرف مأموریت دارم از ایشان بنام جناب اشرف تشکر کنم. متن جواب این جانب بعداً به عرض خواهد رسید. فیروز.

ترجمه فارسی نامه فیروز به بوبین:

به تاریخ: ۲۹/۱/۱۴

نمره: ۱۴/۸

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران .

ذیلاً ترجمه فارسی نامه‌ای که به تاریخ ۲ آوریل این جانب در جواب یادداشت

بوین به مشارالیه ارسال داشت اصل نامه ارسالی به زیان انگلیسی بوده است:
آقای وزیر

با اعلام وصول یادداشت مورخ ۳۱ مارس ۱۹۴۷ جنابعالی به عنوان این جانب می‌خواهم از اظهارات آن جناب در جلسه شورای وزیران خارجه مورخه ۲۵ مارس که راجع به شرکت ایران در مذاکرات صلح فرمودید و مندرجات یادداشت مورخه ۳۱ مارس جنابعالی به عنوان این جانب که در واقع تأیید اظهارات مزبور است تشکر نمایم. لازم می‌دانم از مندرجات نامه آن جناب دائر بر اینکه بنظر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در صورتی که شرکت دول در جریان کنفرانس صلح و هم‌چنین با در نظر گرفتن حق تقدم جهت بعضی از دول به منظور شرکت آنها در مراحل دیگر برای تهیه قرارداد صلح با آلمان منحصر به یک عده محدودی از کشورها گردد ایران باید جزو کشورهایی باشد که از حق تقدم استفاده می‌نماید اتخاذ سند نموده به استحضار جنابعالی برسانم که روش دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان در این موضوع موجبات کمال رضایت خاطر و خرسندی دولت متبوعه این جانب و مخصوصاً شخص جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه را که به این جانب دستور داده‌اند مراتب امتنان ایشان را به جنابعالی ابلاغ نمایم فراهم نموده است.

هرچند متأسفم که اختلافات میان چهار دولت بزرگ در اصولی که باید تعقیب شود و هم‌چنین نسبت شرکت بعضی از دول متفق هنوز زیاد است ولی جای نهایت مسرت و خوشوقتی دوستدار و دولت متبوعه اینجانب است که در موضوع شرکت ایران بخصوص به هیچ وجه اختلاف نظری میان دول متفق موجود نمی‌باشد و این نکته با در نظر گرفتن ادامه مساعدت و توجه ملاطفت‌آمیز جنابعالی شرکت قطعی ایران را در هر نوع مذاکرات صلح روی پایه و اساس استفاده از حق تقدم البته تضمین خواهد بود.
با احترامات فائقه فیروز

نمره: ۱۵/۹

به تاریخ: ۲۹/۱/۱۷

جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه - تهران

در تعقیب تلگراف سابق این جانب که ضمن آن متذکر شدم که مصالح ایران

ایجاب می‌کند تا پایان کنفرانس مسکو و روشن شدن افق سیاست بین‌المللی در سیاست خارجی و اقدامات داخلی که ممکن است با جریانات سیاست خارجی ارتباط پیدا کند کمال احتیاط ملحوظ گردد اینک خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که پس از نطق ترومن جریانات مهمی در پشت پرده سیاست پیدا شده که از لحاظ سرنوشت ایران و سیاست دولت کمال اهمیت را حائز می‌باشد. نطق ترومن در محافل رسمی روسیه با کمال خون‌سردی و بی‌اعتنائی تلقی شده بطوری که در جریانات کنفرانس اصلاً اشارهای هم به آن نشده است.

در جراید شوروی حملات بسیار شدید به ترومن و سیاست امریکا روزافزون است و خلاصه مفهوم آنها این است که دولت شوروی مشت را با مشت جواب خواهد داد و اینکه هیتلر هم تحت عنوان مبارزه ضد کمونیزم همین افکار هزیان‌آمیز را داشت ولی با مشت شوروی از بین رفت. نکته قابل توجه این است که نطق ترومن در انگلستان خصوصاً میان رؤسای حزب کارگر به نحو نامساعد تلقی شده کاملاً محسوس است که دولت انگلیس مایل است اگر بتواند سیاست خود را از امریکا مستقل ساخته و لازمه آن این است که با دولت شوروی حسن تفاهم بیشتری پیدا نماید. ملاقات بوین با استالین از قرار معلوم خیلی مهم بود و طبق اطلاعی که از منابع موثق بدست آوردم راجع به ایران نیز مذاکره شده و از ازدیاد نفوذ امریکا که به ضرر دو حریف دیگر می‌باشد بحث گردیده است. نکته جالب توجه این است که بعد از ملاقات بوین با استالین لحن مذاکرات میان بوین و مولوتف در شورای وزیران تغییر کرده و خیلی بهتر و ملایم‌تر از سابق گردیده است. قدر مسلم با سیاست جدید ترومن مبارزه شدید بین کاپیتالیسم و کمونیزم در دنیا آغاز شده و موقعیت ایران در این نبرد بسیار باریک خواهد بود. بنظر این جانب مصالح ایران ایجاب می‌کند که هم از کاپیتالیسم امریکائی و هم از کمونیزم روسیه دوری کند و اصول مترقی و ملی که آن را ایرانیزم می‌توان نام داد اتخاذ نماید زیرا تمایل به سوی کاپیتالیسم امریکائی مسلماً از طرف شوروی تحمل نخواهد شد و استقلال و موجودیت سیاسی ایران را مورد تهدید قرار خواهد داد و همچنین تمایل به سوی کمونیزم شوروی نیز موجب ایجاد زحمت برای کشور خواهد گردید. بنظر این جانب نباید این نکته فراموش شود با قرض میلیارد؟ دلار هیچگاه موقعیت جغرافیائی ایران که دارای هزاران کیلومتر سرحد با اتحاد جماهیر شوروی است را نمی‌توان تغییر

داد و این همسایگی خصوصاً با عظمت فعلی روسیه و سیاست قدرتی را که تعقیب می‌نماید اقتضا دارد که ایران برای حفظ استقلال خود حقیقتاً روشی ملی و مرفی را تعقیب نماید به‌همین جهت بعضی اخبار که اخیراً در جراید شوروی راجع به انتخابات آذربایجان منتشر شده و اینکه بعضی از دشمنان مشهور شوروی و عمال ارتجاعی دیگر ممکن است از آنجا انتخاب شوند اگر صحیح باشد موجب کمال تأسف و از نظر مصالح ایران کاملاً مضر می‌باشد.

محتاج به تذکر نیست که از بدو ورود خود چگونه مقامات موثر شوروی را با برهان و دلیل قانع کردم که اولاً از تقویت دموکرات آذربایجان و توده صرف‌نظر نمایند و ثانیاً لحن شدید رادیو و جراید اینجا را در نتیجه و خواهش زیاد تغییر داده آرام کردم و ثالثاً اعتماد مقامات شوروی را به سیاست ملی جناب اشرف جلب و امیدوار ساختم بطوری که در موضوع شرکت ایران در کنفرانس صلح ابتکار موافق و اقدام با روسها بوده است حال اگر در نتیجه دسائس بعضی منابع نادان قرار بر این باشد که با روشی زننده و اقدامات تحریک آمیز غیرضروری این حسن اعتماد روسها را سلب نمایند و در مذاکرات بین‌المللی و به نظر شوروی ایران هم حکم یونان و ترکیه را پیدا نماید نه تنها تمام این زحمات به هدر خواهد رفت بلکه آینده بسیار وخیمی برای ایران تهیه خواهد شد که مسئولیت و ضرر آن در درجه اول متوجه کسانی خواهد بود که امروز علی‌رغم نظریات خیرخواهانه جناب اشرف بدبختی جدیدی را برای ایران تهیه نمایند.

این جانب ناچار نظر به مسئولیتی که در مقابل جناب اشرف دارم این نکات را تذکر می‌دهم و باز متذکر می‌شوم که اوضاع سیاست بین‌المللی بسیار تاریک و پیچیده است و مصالح کشور ایجاب می‌کند که از هر نوع اقدام و تحریکی که ممکن است ایجاد سوءظن جدید نماید احتراز شود. فیروز.

نمره: ۱۶/۱۰

به تاریخ: ۲۶/۱/۱۸

جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه - تهران

تحولات اخیر در سیاست بین‌المللی و فعالیت محسوسی که در پشت پرده در

مسکو جریان دارد با توجه به ارتباط مسلم و قطعی که با سرنوشت و آینده ایران پیدا خواهد کرد اقتضا داشت که مراقبت بخصوصی از طرف این جانب ملحوظ گردد. اگر تا همین اواخر دولت شوروی با تعقیب روش شدید نسبت به بریطانیای کبیر مایل بود با امریکا قسمی کنار بیاید پس از نطق ترومن روش شوروی تغییر نموده فعلاً تمایل متقابل از طرف روسیه و انگلستان محسوس است که در جریانات سیاسی بین‌المللی با هم نزدیکتر شوند. ملاقات بوین با استالین و نزدیکی بیشتری که میان انگلیس و شوروی ایجاد شده و مذاکراتی که طبق اطلاع این جانب راجع به ایران شده و ضمن تلگراف شماره ۱۵/۹ به آن اشاره نمودم ایجاب نمود که این جانب تدابیری را اتخاذ نمایم که اطلاعات بیشتری را بدست آورم و چون ضمن ملاقاتهای عادی و رسمی نمی‌توان این منظور را تأمین کرد تدابیری را اتخاذ نمودم که وزیر مختار زلاند جدید که ما این جانب کمال خصوصیت را دارد ترتیب شامی را بدهد که این جانب و بوین بتوانیم در مجلس غیررسمی مفصلاً صحبت نماییم. شب هفتم آوریل در سفارت زلاند جدید به انجام نقشه موفق و با بوین و سراسترانک معاون دائمی وزارت امور خارجه انگلیس که همراه بوین آمده شام خورده و چند ساعت مذاکره به عمل آمد؛ مذاکرات از نقطه نظر سیاست جناب اشرف و ایران بسیار رضایت بخش بود و جریان آن را توسط پیک مخصوص چند روز دیگر حضور مبارک ارسال خواهم داشت؛ خلاصه استنباط این جانب به قرار زیر است:

بوین که خیلی شوخ و برخلاف رجال انگلیسی صراحت مخصوصی دارد با اشاره به امریکا و روسیه اظهار داشت که هر دو از هم می‌ترسند و هر دو بلوف می‌زنند. موقعی که به بوین و استرانگ تذکر دادم که اگر دول بزرگ ایران را مانند سوئیس آسیا دانسته طبق قرارداد مخصوص استقلال آن را تضمین نموده و تعهد نمایند از هرگونه مداخله در امور داخلی آن خودداری کنند برای صلح دنیا مفید خواهد بود. جواب دادند که خیلی خوب است ولی سوئیس نفت ندارد و در ایران دعوی سر نفت است ولی رساندند که اگر نفت ایران به همه برسد و طبق نقشه تقسیم شود ادای این نظر عالی خواهد بود. حضرات از این نکته خیلی خوشوقت بودند و به این جانب اظهار داشتند که که روسها بودن انگلیسها را در خاورمیانه و ایران به امریکائیهها به مراتب ترجیح می‌دهند و از همین اظهار مسلم شد که میان بوین و استالین راجع به ایران بحث شده و

خبر قبلی این جانب که ضمن تلگراف شماره ۱۵/۹ به آن اشاره گردیده کاملاً تأیید شد. از مجموع اظهارات و مذاکرات این جانب استنباط زیر را نمودم:

اولاً سیاست انگلیس از رخنه و توسعه نفوذ امریکا در خاورمیانه و ایران کمال نگرانی را دارد و چون نمی‌تواند از طریق قدرت مالی با آن رقابت نماید درصدد است از طریق سیاسی جلوی آن را بگیرد.

ثانیاً انگلیس در درجه اول مایل است به خاورمیانه قراردادی میان امریکا و روسیه و انگلستان منعقد شود منافع آن خلاصه بین خود تقسیم نمایند تا از رقابت میان روسیه و امریکا استفاده نموده نفوذ بیشتری را برای خود در خاورمیانه به وسیله چنین قراردادی تأمین نماید.

ثالثاً چنانچه به عقد چنین قراردادی موفق نشوند با تشدید اختلاف میان شوروی و امریکا سعی خواهد بود وضع خود را تا حدی حفظ و تأمین نماید و بنظر این جانب دولت انگلیس روسها را باطناً تشویق خواهند کرد که شدیداً با رخنه نفوذ امریکا در خاورمیانه مبارزه نماید و خدا داند نتایج وخیم این مبارزات برای کشورهای خاورمیانه چه خواهد بود بدیهی است حصول توافق میان انگلیسها و شوروی کار آسانی نمی‌باشد ولی قدر مسلم فعلاً در انجام این مقصود مساعی زیادی در مسکو اعمال می‌گردد. وضع بسیار وخیم بنظر می‌رسد و روسها جداً مصمم‌اند به تبعیت سیاست قدرت و خشونت علیه امریکا می‌باشند. پریش تارلی که خیلی معروف می‌باشد کنفرانسی راجع به سیاست امریکا داد. پرفسور نامبرده حتی فرض جنگ را با امریکا نمود و اظهار داشت که به مجرد اعلان جنگ قوای شوروی فوراً تمام اروپا و سایر نقاط لازم که البته مقصود ایران و خاورمیانه بود تصرف خواهد نمود اظهار داشت ارتش سرخ در فرانسه به عنوان دوست استقبال خواهد شد زیرا از هر سه نفر فرانسوی یک نفر کمونیست می‌باشد. متذکر شد که امریکا ممکن است مسکو و لنین گراد را با اتم و غیره بمباران کند و جز کشتن عده‌ای زن و بچه تأثیری در جنگ نخواهد داشت و ما هم فوراً شاید با اتم یا حربیه‌های دیگر شهرهای امریکا را منهدم خواهیم ساخت. برای مرتبه اول از وجود اختراعات فاوسه چهار و پنج در روسیه و اینکه ارتش شوروی ۱۵ میلیون افراد و پانصد هزار افسر دارد، اشاره نمود. اظهارات پرفسور تارلی بی‌نهایت قابل توجه و فوق‌العاده نسبت به ترومن زننده و اهانت آمیز بود. محافل امریکائی معتقد هستند که اگر با روسها با لحن شدید

بحث شود بالاخره کنار خواهند آمد. روسها معتقد هستند که اولاً هیچ قدرتی در روی زمین نمی‌تواند با آنها بجنگد و ثانیاً اینکه امریکائیه‌ها بلوف می‌زنند و نمی‌توانند جنگ بکنند. بوین معتقد است که هم روسیه و هم امریکا از یکدیگر می‌ترسند و اینکه به هر دو بلوف می‌زنند فعلاً در انتظار کسب اطلاعات بیشتر لازم می‌دانم و خامت اوضاع را بار دیگر خاطرنشان سازم و استدعا نمایم که از هر نوع اقدام مثبت در سیاست خارجی تا روشن شدن افق احتراز و مخصوصاً از هر اقدامی که به روسها بهانه دهد خودداری شود طبق اطلاع واصله مارشال معروف شوروی و فاتح برلن ژوکف فرمانده قوای شوروی در قفقاز که اخیراً به قفقاز مراجعت و قوای آنجا نیز از قرار معلوم از هر حیث تقویت گردیده است. فیروز.

نمره: ۲۷/۱۷

به تاریخ: ۲۶/۲/۵

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

کنفرانس مسکو همانطوری که ضمن گزارش تلگرافی خود در ابتدای تشکیل کنفرانس پیش‌بینی نمودم بدون نتیجه پایان یافت به تاریخ ۲۵ آوریل صبح مارشال با طیاره و عصر بیدو با راه آهن و باز یک بعد از نصف شب بوین به وسیله راه آهن از مسکو عزیمت نمودند. نظر به اینکه جریان کنفرانس فقط موضوعی که نسبت به آن توافق نظر حاصل گردید و در میتونهای رسمی مذاکرات مثبت گردیده شرکت ایران در جریان کنفرانس و مذاکرات صلح بود و وزیران امور خارجه نسبت به شخص این جانب کمال خصوصیت و مساعدت را نموده و درخواستهایی را که می‌کردم عموماً انجام می‌دادند لذا در موقع مراجعت سه وزیر نامبرده از مسکو آنها را در میدان هواپیمائی و گار راه آهن بدرقه نموده موقع خداحافظی باز تشکر نمود و مخصوصاً مراتب رضایت خاطر جناب اشرف را به یک یک آنها ابلاغ نمودم. جریانات کنفرانس مسکو گرچه از لحاظ مسائل مهم بین‌المللی از هر حیث منتفی بود ولی از نظر ایران و موفقیت دیپلماسی جناب اشرف کاملاً رضایت‌بخش بود و صورت جلسات مذاکرات شورا و توافق نظر وزیران امور خارجه نسبت به رعایت حقوق ایران و نامه‌هایی که مخصوصاً بوین و بیدو به عنوان این

جانب نوشته و رسماً و صریحاً موافقت خود را با شرکت ایران در کنفرانس و کلیه مذاکرات صلح اعلام داشتند. حقوق حقه ایران را از هر حیث تأمین نموده عدم توجه و بی‌اعتنایی‌هایی که در گذشته شده بود جبران نمایند.

جریان کنفرانس مسکو برخلاف انتظار محافل رسمی امریکا نشان داده که اصول تهدید و تعقیب سیاست قدرت در مقابل شوروی نتیجه معکوس می‌دهد. زیرا با وصف نطق‌های متعدد ترومن از بدو تشکیل کنفرانس تا حال روش مولوتف در جریان مذاکرات در مقابل امریکائیان روز به روز شدیدتر گردید به نحوی که بالاخره نسبت به هیچیک از پیشنهادات امریکا حتی عقد پیمان چهارگانه برای جلوگیری از تجاوز آلمان مولوتف موافقت نکرد و جرأید و سخن‌گویان رسمی شوروی روش شدید و تهدید آمیزی را نسبت به امریکا پیش گرفته روز به روز رو به توسعه و شدت می‌رود جریانات فعلی بیش از پیش اقتضا دارد که برای حفظ استقلال ایران سیاست ملی و موازنه از هر حیث تعقیب گردد این جانب همیشه به مولوتف و ویشنیسکی و سایر مقامات موثر شوروی اطمینان داده و می‌دهم که دول جناب اشرف هیچگاه از اصول بی‌طرفی و تعقیب روش ملی که متضمن تشدید دوستی با اتحاد جماهیر شوروی است صرف‌نظر نخواهد کرد و حسن سلوک و رفتار دولت شوروی و مخصوصاً تظاهرات پی در پی مولوتف و ویشنیسکی به نفع ایران طی جریان کنفرانس صلح مدیون همین اطمینانهاست و بنظر این جانب مصونیت ایران از حوادث مادامی تأمین خواهد بود که در حقیقت این سیاست ملی تعقیب شود و هرگاه خدای نکرده مقامات شوروی تصور کنند که دولت ایران از لحاظ نزدیکی با سرمایه امریکا نظیر سیاست دولتهای یونان و چین را تعقیب می‌کند. باید منتظر بود که سرزمین ایران هم مانند یونان و چین دستخوش حوادث گردد و بدبختیهای جدیدی برای مردم تهیه شود. اگر با مقتضیات امروز تصور شود که دولت کانادا و یا مکزیک می‌تواند بدون ایجاد عکس‌العمل شدید از طرف امریکا سیاست نزدیکی با شوروی را تعقیب کند و متخصصین شوروی را جهت نظارت در امور خود استخدام نماید. معقول خواهد بود و نمی‌شود که رخنه نفوذ امریکا در ایران به وسیله سرمایه و متخصصین امریکائی از طرف شوروی نیز تحمل خواهد شد ولی باید تذکر دهیم که ایران از لحاظ موقعیت سوق‌الجیشی برای شوروی به مراتب مهمتر از مکزیک برای امریکاست. این جانب معتقد هستم باید دوستی ایران و امریکا کاملاً تشدید گردد و ما هم

از سرمایه و تکنیک امریکا استفاده کنیم. ولی مشروط بر اینکه اولاً استفاده از این سرمایه از طریق عادی صورت گیرد و مستلزم تحمیل شرایطی نباشد که با استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و حق حاکمیت کشور مخالف باشد و ثانیاً طوری صورت گیرد که موجب جلب سوغات شوروی نگردد. ناپلئون گفته است که «موقعیت جغرافیائی هر کشور چگونگی سیاست آنرا تعیین می‌نماید» این اظهار نظر ناپلئون در این عصر اتم هم کاملاً صدق پیدا می‌کند و با داشتن سه هزار کیلومتر سرحد با نیرومندترین کشور جهان مصالح کشور و حفظ استقلال مملکت ایجاب می‌کند که حقیقتاً در این جریان‌ها بی‌طرف بمانیم و اقدامی نکنیم که تصور شود کشور بی‌طرف برای مدعی سیاسی شوروی یک نوع حق مقدم قائل شده است. مذاکرات این مدت با وزیران امور خارجه و سایر عناصر موثر سیاسی جهان و کسب اطلاعات از منابع موثق راجع به بعضی تصمیمات فرماندهی شوروی و توجه کامل به قدرت و نیروی غیرقابل وصف و بی‌نظیر این کشور همسایه ایران این جانب را از لحاظ وظیفه ملی و مخصوصاً علاقه که به شخص جناب اشرف دارم وادار نموده مراتب فوق را خاطرنشان سازم و یقین دارم با مراتب وطن‌پرستی جناب اشرف و اعتمادی که به این جانب دارند به مفاد آن توجه کامل خواهند فرمود. فیروز. ۲۶/۲/۵

نمره: ۲۵/۱۶

به تاریخ: ۲۶/۱/۳۰

جناب اشرف آقای قوام‌السلطنه - تهران

در تعقیب تلگرافات و گزارشات سابق این جانب راجع به تحولات جدید در روابط و مناسبات بین انگلستان و اتحاد جماهیر شوروی بعد از ملاقات بوین و استالین مذاکرات به منظور تمدید و اصلاح بعضی مواد قرارداد اتحاد فی‌مابین دو کشور شروع گردید و فعلاً هم ادامه دارد. اخیراً خبر گزاری‌های امریکا و بعضی محافل انگلیسی اخباری را انتشار دادند که دولت شوروی می‌خواهد به وسیله مواد مخصوصی در قرارداد جدید از توسعه مناسبات امریکا و انگلستان جلوگیری نماید. در جواب این انتشارات روزنامه پراودا به تاریخ ۱۹ آوریل سرمقاله راجع به قرارداد انگلیس و شوروی منتشر

ساخته و انتشارات خبرگزاریهای امریکائی را تحریرک آمیز معرفی نموده ولی در عین حال چنین می‌نویسد: «باید بخاطر آورد که ابتکار مذاکرات راجع به تمدید و اصلاح قرارداد انگلیس و شوروی از طرف دولت انگلستان صورت گرفته و پیشنهاد نمودند که مدت آن به جای بیست و پنج سال به پنجاه سال تمدید داده شود و دولت بریتانیای کبیر دلیل این پیشنهاد را توسعه تشیید روابط حسنه موجود بین دو کشور معرفی نمود و چون اتحاد جماهیر شوروی دارای همین نیت و مایل به تشیید ملل به منظور تحکیم و تشیید روابط حسنه منعقد می‌گردد منطقاً باید طرفین معاهدتین را از شرکت در اتحادیه‌ها و اقداماتی که ممکن است بطور مستقیم و یا غیرمستقیم علیه طرف متعاقد دیگر باشد منع نماید.» از مندرجات پروا دما معلوم می‌شود شرایط شوروی برای تمدید قرارداد ذکر موادی است که از تشکیل بلوک ملل غربی و غیره جلوگیری خواهد نمود. با بستگی و احتیاجی که انگلستان به امریکا از لحاظ اقتصادی دارد مشکل است بتواند چنین شرایطی را قبول نماید مگر از طریق اقتصادی کمک‌هایی بشود که نیازمندی انگلیس را به امریکا کم نماید. به این جهت ورود وزیر تجارت انگلستان به تاریخ دیروز ۱۸ آوریل به مسکو با هیتی از متخصصین قابل توجه مخصوصه است. خصوصاً که کنفرانس با عدم موفقیت و نتیجه منفی قریب به اتمام است و می‌رساند که نتایج منفی در کنفرانس در مذاکرات انگلیس و شوروی تأثیری ندارد. احتمال دارد که دولت شوروی کوشش خواهد نمود به وسیله وعده مواد اولیه ضروری به انگلستان احتیاج کشور مزبور را به امریکا کم نماید و در مقابل البته امتیازات سیاسی از انگلیس درخواست خواهد نمود و مسلماً موضوع مذاکرات راجع به قرارداد سیاسی است که بین وزیر تجارت انگلستان با مقامات مربوطه شوروی است تا چه درجه توافق میان دو کشور پیدا خواهد شد جریانات آینده نشان خواهد داد. ولی با وصف تمایل قطعی انگلستان که به وسیله توسعه تجارت خود با کشورهای دیگر و صرفه‌جویی در دلار خود را از قید تسلط امریکا تا حدی نجات دهد ولی بنظر این جانب با توجه به رخنه کاملی که امریکائیها در زندگی اقتصادی انگلستان می‌نمودند مشکل بنظر می‌رسد که با این تدابیر فعلاً بتوان سیاست انگلیس را از سیاست امریکا جدا نمود. فیروز.

جنبہ شرف و رفقا، الملحقہ - تھران

باشند پس از رژه ارتش سرخ رژه کارگران و اتحادیه‌ها باشکوه
مخصوص جریان پیاپی در دوازده ساعت و نیم جمعاً با مابقی رژه‌ها در آن
طول کشید

به تاریخ: ۲۶/۲/۱۱

نمره: ۳۲/۲۰

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

جشن اول می [ماه مه] با حضور ژنرال یسیم استالین در میدان سرخ برپا گردید
رژه ارتش سرخ بی نهایت جالب توجه و روحیه قوی افسران و افراد ورزیده و جنگ دیده
آن مخصوصاً محسوس بود مارشال بودینی که فرمانده رژه بود. ضمن نطق خود اشاره به
این نکته نمود که «وظایف ارتش سرخ پایان نیافته و باید پیوسته آماده انجام خدمات
بیشتری باشد». نکته جالب توجه این بود که برای مرتبه اول تعداد بی شمار طیاره‌های
معمولی چندصد طیاره نوع جدید که بدون موتور کار می‌کند و حرکت آن روی اصول
فششه و خروج مواد شیمیائی از لوله تأمین می‌گردد و دارای سرعت سیر یک هزار و
سیصد کیلومتر در ساعت می‌باشد [منظورش موشک است] نمایش داده شد تانک جدید
که وزن آن هشتاد تن می‌باشد و میان متخصصین نظامی خارجی فوق‌العاده جلب توجه
نمود نیز دیده شد نمایش توپخانه ارتش سرخ فوق‌العاده جالب توجه بود مخصوصاً نوع
توپهائی که روی اصول ماویکو فاو دوکار می‌کند. شایع است که اسلحه فاو پنج در
اینجا اختراع و تکمیل گردیده که به وسیله آن دیگر دوری مسافت مانع بمباران
نخواهد بود و روسها خواهند توانست کلیه نقاط امریکا را به وسیله آن بمباران نمایند.
ضمن صحبت خصوصی در موقع کنفرانس با بوبین ایشان به این جانب اظهار داشت که
معتقد است روسها دارای این اسلحه می‌باشند. پس از رژه ارتش سرخ رژه کارگران و
اتحادیه‌های آنها باشکوه مخصوص جریان پیدا کرد و از ساعت نه و نیم صبح تا چهار
ساعت بعد از ظهر جریان آن طول کشید. فیروز.

△△△

جناب شرفدار قوام الملک - تهرآن

59/K/15


پس از بیان کنوا نس سکو لمن تبتدع و جوابه شود بر من مصلحت برسد امر کار بدست رفت
 تاریخ اولی محله در روزنامه پیراودا بقم ایریزوگ دینه ه شهره شود و از نشر گردید و
 خلاصه مفاد آن اینهاست که سلی انگلو سکن در بهد انقلاب و داشته بود جنگ و ازواج و
 انان ترکهای شرم جوان شرم و اخف نمود ازین پیرنه و از موق نشسته پس
 الان بتکیر دست بانیز در قاتج و خلم خود مارا حو کند راجه با شکست گردید و فو خوشه
 سلی انگلو سکن که در موق ظهور و صفت شرم شود از نتوانسته مارا انهدی سازند
 باید به انند و امر در بادت استالین گرا د سردکار دارند و هرگاه بهوان بازده فدا گویا
 غیر نقشه تر بتکیر انخواهند ابراد کتبه با مان سر و شست راجه خوانند نه زیرا
 بدور سرتکا سلی و قانون طبعیت را انستوان گزشت ما با داشتن حقایق و انکار جیه
 بنزد ما رستم و انکار شکی به افکار قدیر و پوسیده هسته در حکم زیستن میباشند
 هرگاه زیستن توانست بدور ما را بگردد انان نیز خوانند توانست مانع سرتکا سلی بشود
 اردن و انان شکی نیست به انگلستان و انیکه فکد بر بندت علی ان به و حلقه

مردانی آن خواهر گردیدند پس باطنی تفسیر نوشته و نیز به مگر انگلستان بخواند و بعد
نمودند بزم مستغنی طبل را با بزرگایه نظیر این بیتها بر عید میل انگلو ساکنین
باین کنهوا نسی نوشته است رفته در این ایستاده و نیز فرج را نیده به بنکر این جانب بایه
فرقی را که میان سیدان شریک و سیدان انگلو ساکن بر جوامع پیوسته مورد ترحم قرار داد
در حال که ادا در نقشه میسین و عشق و با علم و اتکا بقدرت بایه باین خود به دن انگلیک چی
معالی فایر در آن تاثیر کنه تعجب میکرد و سیدان میل انگلو ساکن در آن در حال تغییر

[illegible]

خواسته است تا تیر بران تسیر خواهد نمود ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~
~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~
 « این وضع قطعی حکم نگارید و با وصف آن در اصول امتقاد ^{چنان} استوار گشته
 ننموده اگر چه قدر سخت است و از ذخایر هنگفتی در این راه وجود دارند
 نان مرداران را تا این منتهی ^{و این کار به حد امکان} ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~
 گندم دادند و با حصول زراعت دانی که اسال پیش ^{یکشنبه} ~~یکشنبه~~ ~~یکشنبه~~ ~~یکشنبه~~
 بنظر میرسد که پس از جمع اوسر آن دشت و فصلت باز میتوان
 تشه بسیار شود و از اشکال داشت از مجموع و یا نام
 افریتران پیش پیش نموده که در این راه نزدیک و اول انگلو ساکن با
 بادران به ایجاد و دست بیشتر در زار وجود در المان مایه است خود را
 با شورش و غیرت خواهند نمود ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~
 بر کج ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~
 مشکله خواهد است و با توانا و قدرتی در جناب شرف سراخ دایم و یقین
 اینکه ^{و این کار به حد امکان} ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~ ~~و این کار به حد امکان~~
 به طرفی قیصر و با که قطعی متفقین فعلا مصالح ایران است نیز باز

ايد ايسه صالح و منافع ايران با دصف شلاص از هر قشتماني گردد
 بهير ايسه که هر قدر اختلافات و فراست زيادتر گردد با دافيد ايران
 سياست به موفقيتي دقيق را يعقبت نيابد با و ارزش و کس ايران
 بهت طرقي روز بروز زيادتر خواهد گرديد اطلاعاتي بفرمائي رسانم که
 اخيرا بعضي از بخشي و ايسه اجازه خواسته از حقيقي تفقاز عاظم
 تر که نمونه اجازه مانا داده است و حق اخيرا بعضي ~~معصوم~~ ديست
 که اجازه مانوس به تفقاز خواسته با بقا قدر انما و اوقات
 نشد مانده و اوقات تفقاز مانا از کوفت فاجع برلني چنانچه دشت
 ايسه که هرگز نخواهد بود بحسب ازيت هماس و ساير لوازم
 در تاييه زيور ايسه خواهد بود
 فرد



نمره: ۳۳/۲۱

به تاریخ: ۲۶/۲/۱۲

جناب اشرف آقای قوام السلطنه - تهران

پس از پایان کنفرانس مسکو لحن تبلیغات و جراید شوروی مخصوصاً علیه امریکارو به شدت رفته است. به تاریخ اول می مقاله در روزنامه پراودا به قلم ایرنیورگ نویسنده مشهور شوروی منتشر گردیده و خلاصه مفاد آن اینست که «ملل آنگلسا کسون در بند انقلاب خواستند به وسیله جنگ و انواع اقسام تحریکات رژیم جوان شوروی را فسقه نموده از بین ببرند ولی موفق نشدند. سپس آلمان هیتلری خواست با نیروی فاتح و عظیم خود ما را محو کند مواجه با شکست گردید و خود محو شد. ملل آنگلسا کسون که در موقع ظهور و ضعف رژیم شوروی نتوانستند ما را منهدم سازند باید بدانند که امروز با ملت استالین گراد سر و کار دارند و هرگاه به عنوان مبارزه ضد کمونیسم نظیر نقشه‌های هیتلر بخواهند اجرا کنند با همان سرنوشت مواجه خواهند شد. زیرا جلوی سیر تکامل و قانون طبیعت را نمی‌توان گرفت. ما با داشتن عقاید و افکار جدید به منزله بهار هستیم و آنها که متکی به افکار قدیمی و پوسیده هستند در حکم زمستان می‌باشند. هرگاه زمستان توانست جلوی بهار را بگیرد آنها نیز خواهند توانست مانع سیر تکامل بشری گردند.» نسبت به انگلستان و اینکه جنگ برخلاف مصلحت آن بود و موجب محو آن خواهد گردید مطابق تمسخر نوشته و می‌نویسد «مگر انگلستان بخواهد با سیاست خود رول بز [۹] طبال را بازی نماید نظیر این تبلیغات علیه ملل آنگلسا کسون پس از پایان کنفرانس رو به شدت رفته و برای آینده نوید خوبی را نمی‌دهد.» بنظر این جانب باید فرقی را که میان سیاست شوروی و سیاست آنگلسا کسن موجود است پیوسته مورد توجه قرار داد در حالی که اولی روی نقشه معین و عمیق و با علم و اتکاء به قدرت بی‌پایان خود بدون اینکه هیچ عامل خارجی در آن تأثیر کند تعقیب می‌گردد سیاست ملل آنگلسا کسن دائماً در حال تغییر و تحول است و علت آن این است که تصمیمات مربوطه به آن دائماً تحت تأثیر جریان‌ات سیاسی داخلی و اوضاع اقتصادی قرار می‌گیرد و به همین جهت است که روزی در نهایت ضعف و روز دیگر تظاهر به کمال قدرت می‌نماید. قدر مسلم عامل مرور زمان به

نفع سیاست شوروی کار می‌کند ادامه بلاتکلیفی و یأس ملل اروپا از تعیین سرنوشت خود و بحران و مشکلات روزافزون اقتصادی در ملل آنگلو ساکسن تماماً عواملی هستند که به نفع سیاست شوروی کار می‌کند. در اینجا مشکلات روزافزون کارگری در امریکا و بطور کلی بحران شدید اقتصادی برای سال آینده پیش‌بینی می‌کنند و هرگاه بحران اقتصادی در امریکا پیدا شود و ترقی فاحش نرخهای اجناس در چندماه اخیر در امریکا که تا صدی چهل هم ترقی نموده نشانه و پیشقراول بحران آینده تلقی می‌گردد بدیهی است سیاست خارجی امریکا شبانه تحت‌تأثیر بحران تغییر خواهد نمود. خاطر مبارک مستحضر است که پارسال [؟] سوختنی محصول در اینجا وضع قحطی حکمفرما گردید ولی با وصف آن در اصول اقتصادی کشور چندان تأثیری ننمود و گرچه قدری سخت است ولی از ذخایر هنگفتی که همیشه موجود دارند نان مردم را تأمین نموده حتی به فرانسه و لهستان و یوگوسلاوی و رومانی گندم دادند ولی با محصول فراوانی که امسال پیش‌بینی می‌کنند بنظر می‌رسد که پس از جمع‌آوری آن و تثبیت وضعیت باز می‌توان تشدید سیاست شوروی را انتظار داشت. از مجموع جریانات اخیر می‌توان پیش‌بینی نمود که در آینده نزدیک دول انگلو ساکسن با مبادرت به ایجاد وحدت بیشتر در نواحی خود در آلمان مناسبات خود را با شوروی وخیمتر خواهد نمود و بنظر می‌رسد که وخامت اوضاع سیاسی جهان بطور کلی رو به افزایش است. بدیهی است در این صورت وضع سیاست ایران روز به روز مشکلتر خواهد شد. ولی با توانائی و قدرتی که در جناب اشرف سراغ دارم و یقین اینکه هیچیک از طرفین و عوامل داخلی نخواهند توانست سیاست جناب اشرف را از جاده بی‌طرفی حقیقی و ملی که قطعاً متضمن حفظ مصالح ایران است منحرف سازند. امید است مصالح و منافع ایران با وصف مشکلات از هر حیث تأمین گردد. بدیهی است که هر قدر اختلافات حضرات زیادت‌ر گردد و مادامی که ایران سیاست بی‌طرفی حقیقی را تعقیب می‌نماید بهاء و ارزش دوستی ایران جهت طرفین روز به روز زیادت‌ر خواهد گردید. اطلاعاً به عرض می‌رسانم که اخیراً بعضی از مخبرین جراید اجازه خواستند از طریق قفقاز عازم ترکیه شوند اجازه به آنها داده نشد و حتی اخیراً بعضی دیپلماتهایی که اجازه مسافرت به قفقاز خواستند با تقاضای آنها موافقت نشد. فرمانده قوای قفقاز مارشال ژوکف فاتح برلن می‌باشد و شایع است که تمرکز قوا و تهیه عجیبی از حیث مهمات و سایر لوازم در ناحیه مزبور

دیده می‌شود. فیروز.

با دقت در مفاد نامه‌ها و گزارشهای مظفر فیروز سفیر کبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی ملاحظه می‌شود که تا چه حد جناب سفیر کبیر نخست‌وزیر ایران جناب اشرف احمد قوام‌السلطنه را از اتحاد شوروی ترسانده پیوسته وی را به دوستی و ملاحظه و حسن روابط از آن بنام حفظ حیثیت و حفظ تمامیت ارضی و استقلال ملی ایران تحریر و تحریک می‌نماید. قضاوت آن نیز با خوانندگان گرامی است.

فصل بیستم

قانون عفو عمومی مجرمین غائله آذربایجان

و

اقدامات دولت برای جبران زیانهای وارد ناشی از احکافات متجاسرین^۱

پس از ختم غائله آذربایجان و دفع شر از ماجراجویان و خائنان و ناامید شدن سران فراری و همکاران آنان برای بدست آوردن مجدد قدرت با وجود تشبثات و اقدامات ناجوانمردانه، سالها طول کشید تا دولت مرکزی ایران توانست با اقدامات مجدّدانه اثرات شوم و فلاکت بار این گروه خائن را که خود را حزب دموکرات آذربایجان می نامیدند، ترمیم نماید و با وسایل و کمکهای از راه گذراندن قانون از مجلس شورای ملی و تصویب نامه های از هیئت دولت و تشکیل کمیسیونها و اعزام نمایندگان برای رسیدگی به امور سیاسی و اقتصادی و نظامی، موفق شد تا اندازه ای جبران زیانهای مادی که از این بابت به مردم آذربایجان رسیده بود، بنماید.

در حالی که کمیسیونهای مربوط هریک بکار خود مشغول بودند، قبل از صدور فرمان عفو عمومی از طرف شاه که از تصویب مجلس شورای ملی نیز گذشت، اولین قدمی که دولت بنا به درخواست و تقاضای مجدّدانه اهالی آذربایجان، بخصوص جوانان، تأسیس دانشگاه تبریز بود، که داستان آن گرچه قدری مفصل است، به ذکر آن پرداخته سپس به درج مطالب دیگر می پردازیم:

داستان تأسیس دانشگاه تبریز

یکی از اقدامات مهم و موثر و مفید دولت پس از رفع غائله آذربایجان و سرکوب و فرار سران و پیروان حزب قلابی دموکرات آذربایجان تأسیس دانشگاه تبریز بود که دموکراتها با تأسیس مؤسسه‌ای بنام «آذربایجان اونیورسیتی» زمینه آن را می‌خواستند فراهم نمایند. تأسیس و به راه انداختن این مؤسسه علمی خود داستانی است که اگر بخواهیم وارد آن شویم باید کتابی قطور در این خصوص تدوین شود. بخصوص که خود این جانب دست‌اندرکار این کار بودم و به همین جهت از مطالعه کنندگان محترم این کتاب تمنی دارم که اگر اسمی از این جانب برده می‌شود آن را حمل به خودنمایی ننمایند. از ذکر این نکته ناگزیرم. چنانکه خواهیم دید، تأسیس و به راه افتادن این مؤسسه علمی به رهنمون خواسته‌های جوانان و مردم آذربایجان بوده است و دولت آن زمان که بدون پرده باید بگویم در این مورد ابتکاری برای تأسیس آن به خرج نداد. ولی بعدها چون به اهمیت آن پی برد از هیچگونه کمکی دریغ نکرد اینک تاریخچه این داستان:^۲

در دی ماه ۱۳۲۵ شادروان دکتر مصطفی حبیبی، استاد دانشکده پزشکی تهران و دکتر خانابابایی استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران از طرف وزارت فرهنگ مأمور می‌شوند زیر نظر دکتر اقبال وزیر بهداری وقت که برای سرکشی به آذربایجان می‌رفت در تبریز برای تأسیس دانشگاه مطالعاتی نمایند. هیئت مطالعات خود را به پایان رسانیده و اینطور در نظر می‌گیرند که فعلاً برای آذربایجان تأسیس دانشکده

۲ - الف: «خاطرات سفر آذربایجان و کردستان» به قلم محمدرضا خلیلی عراقی، فروردین

۱۳۲۸ شمسی، صفحات: ۳۳۲۰ - ۳۴۳

ب: روزنامه «شاهکار»، شماره ۳ سال اول، شماره: ۳. پنجشنبه ۲۰ مهر ۱۳۲۹ (مقاله

منوچهر مرتضوی).

ج: روزنامه «اخترشمال» دور سوم سال ششم شماره: ۲۸۹، ۳ شنبه ۲ آبان ۱۳۲۶

(جشن افتتاح دانشگاه تبریز).

د: جریان جشن پایان اولین دوره فارغ‌التحصیلی دانشکده ادبیات تبریز، سال تحصیلی

۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ (ضمیمه نشریه دانشکده ادبیات).

ه: شماره‌های روزنامه «تبریز» در خلال سالهای ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ شمسی.

ادبیات و دانشکده پزشکی در درجه اول اهمیت می باشد.

در خلال دی ماه تا مهرماه اقدامات زیادی از طرف اهالی و دانشجویان، فرهنگ دوستان و استاندار و نمایندگان آذربایجان برای تأسیس دانشگاه می شود، که نمونه ای از آن تلگراف شماره ۹۹۰ مورخه ۲۶/۱/۱۸ منصور استاندار وقت آذربایجان برای قوام السلطنه نخست وزیر وقت می باشد که عیناً در زیر ذکر می شود:

«راجع به ایجاد دانشگاه که صحبت آن از چندی قبل در تبریز بود برای اینکه هرچه زودتر اساس آن گذاشته و شروع بکار شود بررسیهایی به عمل آمد و فعلاً چنین به نظر آمده که دانشکده پزشکی و دانشکده ادبیات دائر شود. جهت انجام این منظور وسائل و اعتباراتی لازم است که اداره فرهنگ آذربایجان در نتیجه مطالعات کمیسیونی که در این باب تشکیل یافته بود به وسیله آقایان دکتر بیانی و دکتر حبیبی نمایندگان اعزامی از مرکز به وزارت فرهنگ پیشنهاد نموده تمنی دارد با بذل توجه مخصوص مقرر فرمایند از طرف وزارت فرهنگ اقدامات سریع و کافی به عمل آید.»

سرانجام بودجه ای به مبلغ ۶ میلیون ریال برای تأسیس دانشگاه از طرف هیئت وزیران به تصویب و در اختیار وزارت فرهنگ قرار گرفت. ولی متأسفانه بر اثر تغییراتی که در هیئت دولت به وجود آمد این موضوع متوقف بود ولی هواخواهان دانشگاه تبریز با حرارتی هرچه تمامتر موضوع را دنبال و منصور استاندار آذربایجان بار دیگر تلگراف زیر را برای دکتر صدیق وزیر فرهنگ می نماید:

«با وعده های مؤکدی که از طرف دولت راجع به افتتاح دانشگاه تبریز که امسال بایستی از تأسیس دانشکده های پزشکی و ادبیات شروع شود و اعتبار آن هم به مبلغ شش میلیون ریال تصویب گردید هنوز به اداره فرهنگ دستور عملی برای انجام این کار نرسیده چون دانشجویان و علاقمندان اهالی همواره مراجعه و تقاضای اقدام دارند و بیش از یک ماه به ابتدای سال تحصیلی نمانده متضمن است توجه فرموده به فوریت وسائل لازمه با دستور کافی به اداره فرهنگ آذربایجان برسانید. ۱۷۶۶۷ مورخه ۲۶/۵/۲۷.»

پس از مخابره تلگراف بالا پاسخ زیر از طرف دکتر صدیق برای منصور استاندار وقت می رسد:

«تلگراف ۲۷ مرداد راجع به تأسیس دانشگاه زیارت فوری اقدام خواهد کرد و

رؤسای دانشکده‌ها را اعزام خواهند داشت، در آغاز سال تحصیلی دانشگاه دائر خواهد شد. خواهمند است مقرر فرمائید مراتب را به اطلاع دانشجویان برسانند. ۰۶۴۱۱»

احکام وزارتتی از اول مهرماه ۱۳۲۶ برای دکتر بیانی رئیس دانشکده ادبیات و دکتر حبیبی رئیس دانشکده پزشکی و دیگر معلمین و اعضای اداری به پیشنهاد آنها صادر شد.

روز چهارشنبه ۲۲ آبان ۱۳۲۶ با حضور استاندار و کلیه رؤسای ادارات کشوری و لشکری و نمایندگان خارجی مقیم در عمارت دانش‌سرای پسران افتتاح گردید و دارای دو رشته زبان و ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیا بود.

در روز سوم آذر ۱۳۲۶ دکتر حبیبی که جان خود را هم بر اثر زحمات طاقت‌فرسا و شبانه‌روزی در این راه فدا نمود دانشکده پزشکی تبریز را افتتاح نمود در نخستین جلسه درس استاندار وعده‌ای از رؤسای کشوری و لشکری حضور داشتند و دکتر ایزدی استاد زیست‌شناسی دانشکده علوم دانشگاه تهران در عمارت دانش‌سرای پسران درس خود را شروع کرد:

در روزنامه «اختر شمال» شماره: ۲۸۹ مورخ ۲ شنبه ۲۶ آبان ۱۳۲۶. جریان افتتاح دانشگاه تبریز را چنین گزارش می‌دهد:

خلاصه متن گزارش آقای دکتر بیانی رئیس دانشکده ادبیات تبریز در جشن افتتاح دانشگاه تبریز

«امروز بسی مفتخرم که در جشن دانشکده ادبیات تبریز که اولین سنگ بنای معنوی دانشگاه آذربایجان است... سهیم باشم.

برای آذربایجانی غیور و جسور و میهن‌پرست امروز روزی است که یکی از نتایج فداکاریها و جانفشانیهای خود را به دست می‌آورد ولی باید بداند که در این راه معنوی و فرهنگی اولین قدم را برداشته و در پیش پا صدها راه پریچ و خم و فراز نشیب دارد که باید بپیماید و وظیفه سنگینی بر روی دوش نهاده است...

آذربایجانیهای عزیز: امروز چشم فرهنگ دنیا به تبریز و دانشگاه شماست... که اولین مرحله زندگانی خود را آغاز می‌کند، نگران است تا چگونه این نوزاد را در آغوش

مهر و محبت خود جای داده آن را به ثمر می‌رسانید.

دانشگاه تبریز به کمکهای مادی و معنوی شما احتیاج بی‌حد و حصر دارد. این بودجه ضعیف برای پیشرفت و ترقی آن کافی نبوده نمی‌تواند بار گران را به مقصد برساند.

... این گوی و این میدان در دست شما و در اختیار شماست همگی آرزومند فتح و موفقیت برادران خود می‌باشیم و امیدواریم که روزی دانشگاه تهران بلکه با بزرگترین دانشگاههای ممالک راقیه دم از رقابت زده مرکز علم و ادب و آمد و رفت دانشجویان و استادان سایر کشورها گردد...

دانشکده ادبیات تبریز که امروز جشن اولین روز شروع بکارش را می‌گیریم فعلاً دارای دو رشته زبان و ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیاست در این دو رشته به ترتیب تا این تاریخ ۵۱ نفر داوطلب واجد شرایط نام‌نویسی کرده و از فردا افتخار این را دارند که دروس مربوطه خود را در دانشکده آغاز نمایند...

در خاتمه بر دانشجویان جوان و پرشور آذربایجانی که در حفظ استقلال سرزمین گرامی و مقدسشان از جانفشانی دریغ نکرده چون سربازی مدافع حقوق و فرهنگشان بوده‌اند و هستند درود بی‌حد و حصر می‌فرستم... پاینده باد ایران.»

سه سال از این تاریخ گذشت سرانجام دانشگاه تبریز با هزاران مشقت و زحمت و مرارت توانست اولین دوره فارغ‌التحصیلهای خود را به ثمر برساند. ناچار برای روشن شدن مطلب، با وجود اطاله کلام به شرح آن می‌پردازیم:^۳

جریان جشن دوره اول فارغ‌التحصیلهای دانشکده ادبیات

در تاریخ یکشنبه ۲۱ مرداد ماه ساعت ۶ بعدازظهر
به مناسبت پایان دوره اول تحصیلی دانشکده ادبیات و به افتخار اولین دسته

۳- جریان جشن پایان اولین دوره فارغ‌التحصیلی دانشکده ادبیات تبریز، سال تحصیلی

فارغ التحصیل که از دانشگاه تبریز به اخذ پایان نامه موفق شده‌اند مجلس جشن باشکوهی در تالار فردوسی برپا شد و عموم بزرگان و معارف در آن حضور داشتند. در این جشن جناب آقای وحید معاون وزارت فرهنگ به نمایندگی از طرف جناب آقای نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ شرکت جستند و نماینده جناب آقای حکیمی وزیر دربار و عده‌ای نمایندگان مجلس شورای ملی و استاندار آذربایجان نیز حضور داشتند.

پس از نواختن سرود دانشگاه تبریز جناب آقای وحید معاون وزارت فرهنگ و جناب آقای زند استاندار آذربایجان و جناب آقای دکتر بیانی رئیس دانشگاه^۱ و آقای شفیع رئیس اداره تبلیغات مطالبی ایراد کردند سپس نمایشنامه خیام که به وسیله آقای ادیب طوسی استاد دانشکده ادبیات تنظیم شده بود و همچنین تابلو موزیکال حافظ از طرف دانشجویان بازی شد و مجلس در حدود ساعت ۹ به پایان رسید.

جریان این جشن به وسیله رادیو تبریز و رادیو تهران پخش گردید و روزنامه‌های تبریز نیز شرح ماقع را در روزنامه‌های خود منعکس کردند. اینک حتی‌الامکان به خلاصه متن سخنرانیها می‌پردازیم:

بیانات جناب آقای وحید معاون وزارت فرهنگ

جناب آقای استاندار - بانوان - آقایان

از اینکه برای این خدمتگذار قدیمی فرهنگ توفیق حاصل شده است... به نمایندگی جناب آقای نخست‌وزیر و جناب آقای وزیر فرهنگ در این جشن فرهنگی افتخار شرکت و حضور داشته باشم فوق‌العاده خوشوقتم. بطوریکه کلیه اهالی محترم آذربایجان و حضار گرامی مستحضر می‌باشند جناب آقای منصور نخست‌وزیر سابقه آنکه مدتی از دوران خدمتگذاری خود را در آذربایجان گذرانیده‌اند علاقه خاصی داشتند

۴- این نکته را باید متذکر شوم که شادروان دکتر حبیبی رئیس دانشکده پزشکی متأسفانه پس از شش ماه از شروع کار با کمال تأسف بدرود زندگی گفت دوستان و کارکنان دانشگاه تبریز را متأسف و متأثر کرد. پس از مرگ ان مقام ریاست دانشگاه تبریز به این جانب [دکتر خانابایانی] واگذار گردید و به این افتخار مفتخر شدم.

که شخصاً در جشن سالانه دانشگاه تبریز شرکت فرمایند و همچنین جناب آقای وزیر فرهنگ نیز نهایت تمایل را داشتند که بتوانند در این جشن فرهنگی حضور یافته و از نزدیک موفقیت‌های شایان تقدیر کارکنان دانشگاه تبریز را مشاهده فرمایند لیکن به علت کثرت اشتغال نتوانستند دعوت دانشگاه تبریز را اجابت فرمایند به همین جهت این جانب را مأمور فرمودند که به نمایندگی در این جشن شرکت نموده و حامل پیام تهنیت و تشکر ایشان باشم.

... موجب نهایت مسرت است که می‌بینم در نتیجه مساعی فراوان دولت و وزارت فرهنگ و نمایندگان محترم و فضلا و دانش‌پژوهان آذربایجان شهر تبریز که حقاً شایسته دارا بودن دانشکده‌های مختلف است توانسته است در مدت کوتاهی به تکمیل دانشگاه خود موفق و اولین دسته جوانان فارغ‌التحصیل را بیرون دهند. بدیهی است با انجام ساختمان دانشگاه قسمت اعظم از مشکلات مرتفع می‌شود، همچنین با توجه خاصی که از طرف وزارت فرهنگ نسبت به تکمیل کادر استادان و دبیران و تهیه وسایل مورد احتیاج دانشگاه از لحاظ آزمایشگاه و غیره می‌شود امید قطعی می‌رود که طی مدت بسیار کوتاهی نواقص فعلی مرتفع گردد.

از جناب آقای استاندار و کلیه بانوان و آقایان معظمی که در این جشن که اولین جشن فارغ‌التحصیلی دانشکده ادبیات است تشریف فرما شده‌اند از طرف وزارت فرهنگ تشکر و امتنان می‌نمایم و همچنین از آقای دکتر بیانی ریاست فعال و محبوب دانشگاه تبریز و آقایان رؤسا و معاونین و اساتید دانشکده‌ها و سایر کارمندان که از بدو تأسیس دانشگاه با کمال جدیت انجام وظیفه نموده و می‌نمایند قدردانی نموده بدین وسیله مراتب رضایت جناب آقای نخست‌وزیر و وزیر فرهنگ را ابلاغ می‌نمایم.

بیانات جناب آقای زند استاندار آذربایجان

خانمها - آقایان. بی‌نهایت مسرورم که این جانب در مدت کوتاه اقامت خود در تبریز از نزدیک ناظر جریان دو جشن مهم بوده و در شغف و مسرتی که اهالی غیور آذربایجان از این باب داشتند شریک و سهیم بودم.

اهمیت این دو جشن از این است که یکی بنیاد زندگانی مادی و دیگری اساس حیات معنوی است.

افتتاح لوله کشی تبریز که دو روز قبل با حضور جناب آقای حکیمی وزیر دربار... صورت گرفت... جشنی که مربوط به اساس حیات معنوی است همین جشن امروزی است که به مناسبت پایان اولین دوره فارغ التحصیلی دانشکده ادبیات تبریز از طرف دانشگاه برپا شده است. در اینکه این جشن وابسته به اساس زندگی معنوی است گمان می کنم کسی را شبهه و تردیدی نباشد. اهمیت علم و دانش بخصوص دانش و دانشگاهی یعنی بالاترین مراتب علم و فرهنگ به قدری واضح و روشن است که اگر چیزی در این باب گفته شود توضیح و اضافات خواهد بود. همین قدر عرض می کنم که معلومات عالی ادبی که فقط دانشکده ادبیات ضامن تعلیم و تعبیم آن تواند بود در این نقطه حساس کشور خدمات بسیار مهمی نسبت به میهن و جامعه تواند انجام داد. من خیلی خوشوقتم که امروز می بینم دانشکده ادبیات تبریز اولین محصول خود را می چیند و نویر نهال ادب خود را که مدت سه سال است در تربیت و تقویت آن کوشیده است به جامعه تقدیم می دارد.

به جوانانی که امروز در همین جلسه از دانشگاه سند لیسانس را می گیرند تبریک می گویم و توصیه می کنم که از معلومات خود استفاده کرده ملأام العمر در راه خدمت به میهن و بخصوص آذربایجان عزیز که مولد و منشاء خودشان است بکوشند و افکار منحرفی را که ممکن است روزی مایه تسلط دستی بیگانه بر آن گردد استقامت دهند و با مشعل علم و ادب این گونه اشخاص را هدایت و راهنمایی کنند.

گزارش آقای دکتر بیانی رئیس دانشگاه

حضار محترم:

بطوریکه در برنامه ملاحظه فرموده اید باید گزارش جریان کلی دانشگاه تبریز را به عرض برسانم. اینک با اعتذار از ذکر ارقام و آماری که موجب تصدیع خاطر حضار محترم است به ذکر آن مبادرت می ورزم. چنانکه اطلاع دارند دانشگاه تبریز فعلاً از یک دبیرخانه مرکزی و دو دانشکده پزشکی و ادبیات و شش مریضخانه و موزه مرکزی آذربایجان و دانش سرای مقدماتی کشاورزی رضائی تشکیل شده که تشکیلات اداری و فنی و مالی آن به قراری است که معروض می دارم:

به موجب قانون ۳ خرداد ۱۳۲۸ که از تصویب مجلس شورای ملی گذشت دانشگاه تبریز مانند دانشگاه تهران دارای استقلال و شخصیت حقوقی گردیده به موجب آن مشمول تمام قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های دانشگاه تهران شد.

بودجه دانشگاه به انضمام بیمارستانهای ضمیمه ۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال است. امور اداری دانشگاه به وسیله یک دبیرخانه مرکزی مرکب از شعب حسابداری، کارگزینی، کارپردازی، صاحب‌جمعی اموال و انتشارات در جریان است.

دانشکده پزشکی شامل پزشکی و داروسازی و مامائی و پزشکیاری می‌باشد که دانشکده پزشکی سال سوم و مامائی و پزشکیاری سال دوم و داروسازی سال اول خود را طی می‌نماید و به ترتیب ۲۳۰ نفر در دانشکده پزشکی و ۳۶ نفر در داروسازی و ۲۶ نفر در مامائی و ۴۰ نفر در پزشکیاری مشغول تحصیل‌اند. از مجموع این عده ۶۴ نفر به هزینه ارتش و ۲۸ نفر از شهرداریها و ۱۵ تن از سازمان خدمات شاهنشاهی کمک خرج دریافت می‌دارند ۲۲ نفر استاد و دانشیار و دستیار و دبیر به خدمت تدریس اشتغال دارند. آزمایشگاهها با لوازم نسبتاً مجهز شیمی و فیزیک و گیاه‌شناسی و زیست‌شناسی و انگل‌شناسی و فیزیولوژی و تشریح هریک بکار خود مشغول و به دانشجویان استفاده می‌دهد و مقدار معتناهی از لوازم آزمایشگاهی که قیمت آن یک میلیون ریال است از ممالک مختلف اروپا خریداری و اکنون در ۴۱ صندوق در گمرک خرمشهر موجود است که امید می‌رود به زودی وارد تبریز شود.

دانشکده پزشکی یکی از اقدامات مفیدی که در این مدت عمر کوتاه خود کرده دست به یک رشته تالیفاتی به وسیله استادان خود زده که این خود یکی از قدمهای برجسته ترقیات این مؤسسه علمی است.

البته فراموش نخواهد شد که این دانشکده حاصل مساعی و زحمات مرحوم دکتر حبیبی، که روانش شاد باشد، می‌باشد. دانشگاه تبریز این گم‌شده عزیز خود را پیوسته به یاد خواهد داشت.

بیمارستانهای ضمیمه دانشگاه

به موجب قانون ۳ خرداد ۱۳۲۸ چهار بیمارستان بوعلی، نسوان، واگیردار و چشم‌پزشکی با سه میلیون و دویست (۳،۲۰۰،۰۰۰) ریال ضمیمه دانشگاه تبریز گردید...

ولی از ذکر این نکته ناگزیریم که در این مدت کوتاه با وجود نبودن یک شاهی اضافه اعتبار با استفاده از بودجه دو دانشکده پزشکی و ادبیات و عوائد اختصاصی دانشگاه توانسته است اولاً سه بیمارستان یکی بنام رازی برای امراض داخلی و یکی بنام حبیبی مرکب از امراض کودکان و یک بخش دیگر چشم پزشکی تأسیس نماید و در ضمن از حیث دارو و غذا و لوازم تا آنجائی که برایش میسر و مقدور بود مجهز کرده با تشکیلات منظمی برای استفاده عموم آماده ساخته است. یک دستگاه کامل رادیولوژی که خریداری شده بود اخیراً در بیمارستان بوعلی نصب و شروع بکار کرده است. اقدامات دیگری که در اصلاح و توسعه بیمارستانها در نظر گرفته شده به زودی مشهود عموم واقع خواهد گردید. اینک آمار بیمارهای سرپائی و بستری بیمارستانها را از اول مهرماه ۱۳۲۸ یعنی روز الحاق تا امروز خاطرنشان می‌نماید: ۴۴۷۴۶ نفر سرپائی و ۲۹۰۰ نفر بستری. با مشاهده از نزدیک تفاوت حال با گذشته به خوبی واضح است.

دانشکده ادبیات:

دانشکده ادبیات از سه شعبه: ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیا و زبان خارجیه ترکیب شده که رشته‌های ادبیات فارسی و تاریخ و جغرافیا سومین مرحله دوره خود را طی می‌کند و امروز افتخار دارد ۱۴ نفر از شعبه ادبیات فارسی و ۲۶ نفر از شعبه تاریخ و جغرافیا لیسانسیه تقدیم جامعه نماید و رشته زبان خارجیه امسال قدم به سومین سال خود می‌گذارد و به ترتیب در این شعبه‌ها ۴۲ و ۵۴ و ۷۰ نفر دانشجوی به کار تحصیل مشغول بوده‌اند و ۲۵ نفر دانشیار و دبیر و حق‌التدریس بگیر در تعلیم و تربیت کمر خدمت بسته‌اند.

شماره کتابهای کتابخانه این دانشکده در این مدت قلیل به ۱۱۵۱۲ مجلد از بهترین و نخبه‌ترین کتابها به زبانهای مختلفه بالغ شده است... امید می‌رود در آینده سرآمد کتابخانه‌های آذربایجان بشود.

دانشکده ادبیات به وظیفه خود که نشر و چاپ کتاب است به خوبی پی برده و به وسیله استادانش به تألیف و ترجمه چندین کتاب پرداخته است.

نشریه (مجله) دانشکده ادبیات به انضمام یکی دو کتاب مفید تا کنون منتشر شده، این مجله با کمک ارباب علم و دانش آینده درخشانی را در پیش دارد.

اجازه افتتاح دانش‌سرای عالی برای تربیت معلم گرفته شده در سال آینده شروع به کار خواهد نمود و با مذاکره با دانشگاه تهران دانشجویان رشته ادبیات فارسی خواهند توانست دوره دکتری را در تهران بگذرانند.

در اینجا لازم می‌دانم که از زحمات استاد فقید شادروان جرجانی استاد عالیقدر و دانشمند دانشکده و رئیس سابق کتابخانه که با فقدانش قلوب تمام دانشگاهیان را جریحه‌دار کرد قدردانی کرده و یادی از روان پاکش بنمایم.

موزه آذربایجان:

موزه آذربایجان که طبق اجازه و موافقت وزارت فرهنگ در اختیار و ضمیمه دانشگاه تبریز شد و در خرداد سال گذشته افتتاح گردید. امروز دارای اشیاء عتیقه بسیار نفیس از ادوار تاریخی ایران باستان و پس از اسلام بوده توانسته است درهای خود را به روی ارباب ذوق باز نماید. اساسش محکم و پیریزی آن طوری شده که می‌تواند در آینده نزدیکی مژده پیشرفتهای سریعی را بدهد.

دانش‌سرای عالی و دانش‌سرای مقدماتی کشاورزی:

از سال پیش مقدمات تأسیس یک باب دانش‌سرای عالی کشاورزی در رضائیه [ارومیه] فراهم و بودجه آن به تصویب رسید و یک قسمت از باغ کشاورزی به دانشگاه تحویل گردید. ولی چون تصویب بودجه و تحویل و تحول دیر انجام گرفت و موانع دیگر... دانشگاه نتوانست در سال جاری به افتتاح آن مبادرت ورزد...

اما دانشگاه در این خصوص بیکار ننشسته دانش‌سرای مقدماتی کشاورزی رضائیه را که یک‌ماه است افتتاح شده ضمیمه کرده در سفری که این جانب شخصاً به رضائیه کردم نواقص آن را از نزدیک مشاهده و به زودی در رفع آن خواهد کوشید...

روابط خارجی فرهنگی دانشگاه تبریز:

دانشگاه تبریز از بدو تأسیس همواره در نظر داشت وسایلی فراهم آورد که خود را به مؤسسات فرهنگی ممالک مترقی شناسانده و با آنها در ارتباط علمی و ادبی و تربیتی قرار گیرد. خوشبختانه ترقیات سریع این منظور را عملی کرده به زودی طرف

توجه دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی بیشتر کشورهای روی زمین قرار گرفت و با آنها درهای مکاتبه و مبادله انتشارات را گشود. روابط مزبور به همین جا ختم نشد. نمایندگان یونسکو، یعنی سازمان فرهنگی بین‌الملل و فرهنگهای دولتهای خارجی یکی پس از دیگری شخصاً به تبریز آمده از نزدیک شاهد و ناظر جریان این مؤسسه علمی شده با ابراد سخنرانیه‌ها و دادن گزارشهایی آینده‌امیدبخشی را برای آن پیش‌بینی کردند. در ضمن دعوت‌های متوالی از دانشگاه تبریز برای شرکت در مجامع فرهنگی بین‌المللی به عمل می‌آید.

ساختمان دانشگاه تبریز:

در تیرماه سال گذشته اولین کلنگ بنای عظیم دانشگاه تبریز به دست جناب آقای دکتر زنگنه وزیر فرهنگ وقت در محوطه‌ای که ۲۴۷ هزار مترمربع مساحت دارد، زده شد و بلافاصله مبلغ ۵ میلیون ریال برای شروع ساختمان آن از طرف دولت تصویب و شروع به اقدام گردید. نقشه‌ها کشیده شد و شرکت ساختمانی «رس» برنده مناقصه شناخته و کار ساختمان را آغاز نهاد ولی اشکالات فنی و شروع فصل زمستان مانع از این آمد که جز پی‌کنی و کشیدن یک قسمت از دیوار و خریداری مقدار معتابیهی مصالح ساختمانی که اینک مورد استفاده قرار گرفته است.

ساختمان دانشگاه هم‌آهنگ با ساختمان بیمارستان صد و پنجاه تخت‌خوابی عطیه ملوکانه نیز مجدداً شروع و ساختمان تالار تشریح و آزمایشگاههای دانشکده پزشکی به سرعت رو به پیشرفت گذاشت.

اینک آماری که به وسیله شرکت ساختمان و مهندس ناظر ساختمان دانشگاه در این مدت پنجاه روز داده شده است به عرض می‌رساند.

تعداد عمده و بنا و آهنگر و نجار و سنگتراش و سرعمله و اعضای اداری

۵- رضاشاه چون از سلطنت استعفا کرد در حال خروج از کشور مبلغی پول که در بانک ملی ایران در حساب خود داشت به دولت واگذار کرد تا به هر طریق که مایل است آن را به مصارف عامه بگذارد. دولت هم آن را میان استانهای مختلف تقسیم کرد. از جمله یک قسمت آن به آذربایجان تعلق گرفت که دانشگاه از آن استفاده کرد و مبلغی از آن را در اختیار گرفت.

ساختمان بالغ بر ۱۵۰۸ نفر می‌باشد و تعداد میلیونها آجر، ۱۶۲۵ عدد سنگ هزاره تراشیده و ۱۰۵ متر مکعب شن و ۲۳۷ متر مکعب ماسه و ۷۸۰۰ تن آهن در پای کار موجود است.

این نکته ناگفته نماند که بودجه سال جاری هنوز به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده تا دولت بتواند بودجه جدیدی در اختیار دانشگاه گذارد و آنچه را که فعلاً خرج می‌شود از صرفه‌جوییهای بودجه عمومی سال گذشته دانشگاه و اعتبار مخصوص عطیه ملوکانه می‌باشد. مساعی شرکت ساختمانی «رس» قابل تقدیر است...

این بود خلاصه‌ای از عملیات و گزارش دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ ش. و اقداماتی که در این مدت کمتر از یک سال انجام شده ولی با اینهمه بنام یک فرد مسئول دانشگاه باید اذعان نمایم که نقائص ما فراوان و برای نیل به مقصود باید اعتبارات و وسایل کافی در اختیار دانشگاه گذاشته شود تا این راه صعب و دشوار به آسانی سپرده شود.

این بود گزارش مختصر جریان دانشگاه تبریز. اینکه سخنی چند درباره کیفیت و علت برپا داشتن این جشن نیز به عرض حضار محترم می‌رسد.

امروز در قلب خطه آذربایجان، که جان ایران است، مراسمی انجام می‌شود که تاریخ این سرزمین مانند آن را نشان نمی‌دهد.

با این جشنی که امروز گرفته می‌شود سزاوار است که نه فقط شهر تبریز بلکه سراسر خطه آذربایجان افتخار کند و عموم افراد ایرانی بدان مباحثات کنند.

سه سال پیش هنگامی که آئین گشایش دانشگاه تبریز برگزار می‌شد در عین حال که مردم این شهر از شادمانی در پوست نمی‌گنجیدند که یکی از مقدس‌ترین آرزوهای ایشان از مرحله خیال درآمده جامه تحقق به خود پوشیده بود همچنان اطمینان خاطر نداشتند که این کاخ پی نهاده پایان گیرد و بنای این خانه آرزو سامان پذیرد. اینک اعتراف می‌کنم بنده [خانبابایی] نیز که از آغاز افتخار خدمتگذاری این سازمان را داشتم و کمر همت برای تأسیس و پیشرفت آن بسته بودم، خود امید کامل نداشتم که در مدت سه سال متوالی یعنی یک دوره کامل تحصیلات عالی بر تمام موانع و عوائق فایق آیم. ولی غافل بودم که با قدرت اراده دشواریها آسان و گرفتاریها گشوده و مشکلات حل می‌شود.

آنانی که به اوضاع مالی و اجتماعی کشور آگاهند می‌دانند که تحصیل اعتبارات گزاف و خرج عاقلانه تا چه اندازه دشوار است و استقامت در مقابل کارشکنی‌ها و مانع‌تراشی‌های مشتی‌پاوه‌گرای خیانت‌پیشه که پیشرفت‌های فرهنگی و مدنی مردم ایران خارهاییست که چشم کوتاه‌بین آنان می‌خلد تا چه پایه تحمل می‌خواهد. من که یک فرد ناچیز ایرانیم اکنون به درگاه خداوند متعال سرافرازم که وظیفه فردی خود را در برابر میهن عزیز با علی‌حد امکان انجام داده‌ام و در انجام خدمتی که به عهده داشته‌ام دقت‌های فرو نگذاشته‌ام، از هیچ ناسزائی نهراسیده‌ام و از مشکلاتی که برای وصول به مقصود در پیش داشته‌ام تا برخورد به تهدید قتل نهراسیدم و گوش خود را به شنیدن بعضی رادیوهای بیگانه که از تأسیس این دانشگاه ناراحت شده بودند، بستم...

اکنون ای دانشجویان عزیز من، لطف خداوندی شامل حال شما گردید... در مدت سه سال اساس سازمان دانشگاه گذاشته و شالوده ساختمان عظیم آن ریخته شد. یک دوره تحصیلات عالی به پایان رسید و امروز لیسانسیه ادبیات و فردا دکتر پزشکی تحویل جامعه می‌شود تا اینان پزشک روان و آنان پزشک جسم و تن مردم باشند.

و ای هم‌میهنان عزیز آذربایجانی، حال مبارک‌ترین نوزاد به سلامت پا به عرصه وجود نهاد و به دست شما سپرده شد از این پس پرورش آن به عهده خود شماست برای حراست آن از گزند دشمنان خودی و بیگانه و خائنین و تربیت و تعالی آن بکوشید و این فرزند را چون جان شیرین بدارید، شکر نعمت به درگاه یزدان پاک به جای آرید...

سخنرانی آقای شفیع رئیس اداره تبلیغات آذربایجان

از پیشگاه حضار محترم اجازه می‌خواهم که با جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاه تبریز بنام یک جوان که خود این دوران را طی کرده چند دقیقه صحبت کنم.

دانشجویان عزیز: روی سخنم با شماست. با شما جوانان کشور، با شما جوانانی که سرنوشت علم و کمال کشور باستانی ایران را به عهده می‌گیرید. شما جوانانی که مغز این اجتماع به شمار می‌روید. شما جوانانی که چشم ما در وطن بدرقه راه وظیفه‌ای است که در پیش دارید مام وطن با چشمی امیدوار متوجه شماست! آری شما، شما زاده خاک آذربایجان، آذربایجانی که سرزمین دانشمندان است. آذربایجانی که مشعلدار تمدن

باستانی و سرزمین علم و ادب بوده است. امروز دانشگاه تبریز شما را از آغوش خود نثار اجتماع می‌کند و می‌گوید برو و بار دیگر چراغ علم و دانش فرراه برادران و خواهران خود گیر. برو، یک عمر از جان شیرین مام وطن بهره گرفتن و امروز باید از این بهره دیگران را نصیب دهی باید که باز انوار دانش از این سرزمین بر سراسر ایران باستان، این ایران کهنسال پرتوافکن شود.

شما ای جوانان عزیز، شما ای جوانان غیور و میهن‌پرست، شما ای گل سرسبد اجتماع، امروز از دانشگاه تبریز با قلبی امیدوار و روئی گشاده بر صحنه اجتماع قدم می‌گذارید و به شادمانی این موفقیت جشنها برپا می‌کنید ولی بدانید روزی هم فرا خواهد رسید که به پاس خدمات ذی‌قیمت شما اجتماع برای خاطر شما و بنام شما جشنها برپا خواهد کرد.

همین قدر بدانید که نه‌تنها در پیشگاه مردم سلحشور آذربایجان بلکه در برابر ملت ایران بسیار عزیز و گرامی هستید. جامعه قدم شما را گرامی می‌شمارد.

بدانید با دریافت دانشنامه بار سنگینی از مسئولیت در مقابل خدا و وجدان برای تعلیم و تربیت به ناوگان این کشور به عهده دارید و انتظار جامعه‌ای که شما را با آغوش باز می‌پذیرد این است که باید هریک منشاء اثر و مفید به حال کشور باشید.

دوستان عزیز بیایید در این لحظه که به دور هم جمعیم سوگند وفاداری یاد کنیم که ترقی و تعالی کشور را در تمام مراحل و شئون زندگی با ثبات و پشتکار خستگی‌ناپذیر کوشا باشیم. بکوشیم و به جهان و جهانیان ثابت کنیم که ایرانی همان ایرانی است که به وجود آورند، تمدن گیتی و مشعلدار معرفت و کمال بوده و نسل جوان کنونی نیز نگاه‌دارنده آن هست و خواهد بود.

سخنرانی آقای دیهیمی فارغ‌التحصیل

دانشکده ادبیات، شعبه تاریخ و جغرافیا

سه سال پیش از این در یک محیط متشنج و پراضطراب و در یک وضع درهم و برهم اجتماعی در حالیکه آذربایجان عزیز مانند شیر زخم‌خورده‌ای که از پنجه صیاد قهاری رسته باشد به خود می‌پیچید و می‌غرید یک مؤسسه علمی بنام دانشگاه تبریز در این استان در نتیجه تقاضا و اصرار گروهی از مردم دانش‌پژوه و جوانان فرهنگ‌دوست

برپا گردید.

روز بیستم آبانماه ۱۳۲۶ جشن افتتاح این مؤسسه در تالار دانش‌سرای پسران گرفته شد و مردم تبریز آن روز برای اولین مرتبه بیانات مردی را که لباس رسمی استادی بر تن داشت و مأمور گشایش دانشگاه تبریز بود، استماع نمودند. او در حالیکه صدایش از شدت هیجان می‌لرزید برای مردم این مرز و بوم مژده افتتاح عملی دانشگاه تبریز را می‌داد و نقشه‌های آینده را با اشاره به مشکلات و موانع تشریح می‌کرد. در میان سکوت مردم ملتعب و نگران از خلال صدای مرتعش و زیر و بم آهنگ گفتار او برقه‌ای امیدی جستن می‌نمود که زوایای دل‌های رنج‌دیده آذربایجانیان را روشن و آنها را به آینده خوش‌بین و امیدوارتر می‌ساخت.

اما از همان روز آغاز عدم‌ای بدبین و منفی‌باف که همیشه خار راه ترقی و مانع هرگونه تحولی بوده و خود را فهیم‌تر از دیگران می‌دانند اظهار یأس و بدبینی نموده و این اقدام دولت را به اصطلاح «سیاست» می‌نامیدند و چون معتقد بودند که هر کار فرهنگی که به اقتضای سیاست انجام گیرد، پوشالی بوده و باز به اقتضای یک «سیاست دیگر» از بین می‌رود، ایمان زیادی به پایداری این بنگاه نداشتند و به قول خود عمر آن را «دوروزه» می‌دانستند و عده‌ای را که اظهار شادمانی و خرسندی نموده یا برای تحصیل، داوطلب ورود بدانجا بودند استهزاء می‌کردند. اما از نخستین روز این سال نیکو از بهارش هویدا بود و انتخاب آقای دکتر بیانی و استادان آزموده، استعداد آذربایجان و بیداری آذربایجانیان خود دلیل کافی پایداری و پیشرفت دانشگاه تبریز محسوب می‌شد، منتهی کوتاه‌نظران چشم حقیقت‌بین نداشتند.

گر نه نبیند بروز شب بره چشم
چشمه آفتاب را چه گناه
به همین جهت در مقابل آنان سکوت اختیار شد و پاسخ آنها به جریان طبیعی و تدریجی تاریخ، که قاضی بی‌بدلی است باز گذاشته شد.

دانشگاه تبریز به عنوان پیش درآمد برای اینکه راه پیشرفت خود را هموار نموده در آینده از خط سیر خود که فقط اشاعه فرهنگ و توسعه تمدن است منحرف نشده دچار تشنجات و میدان مبارزات نگردد و در عین حال برای اینکه پاسخ محکمی به مخالفین خود داده باشد سیاست را که همیشه مانع نمود ترقی دانش و فرهنگ است از محیط خود دور نمود و با آگاهی به کمبودهای خویش با گام‌های تند به سوی هدف رهسپار

گردید.

چرخ دانشگاه تبریز، در حالیکه صد قافله دل همراه او بود، به راه افتاد. برای نگهداری این موهبت عظیم که نصیب آذربایجان عزیز شده بود و برای اعتلای این خونبهای جوانان آذربایجانی که در راه استقلال میهن خود به خاک و خون غلطیده بودند بذل کوششهای بیحد و حصر کمال لزوم را داشت و علاقمندان به این آب و خاک می‌خواستند که با تکمیل این دانشگاه شعله‌های دانش و فرهنگ را در دل مهد زردشت و مشروطیت ابدی سازند و در پرتو انوار آن راه ترقی ایران جاویدان را هموار نمایند.

برای این منظور و حصول کمال مطلوب نمایندگان و وزارت فرهنگ و استانداران وقت در رفع نواقص و قبول نظریات پیشنهادی صمیمانه اقدام کرده و وکلای آذربایجان در مجلس شورای ملی در تصویب قانون دانشگاه و بودجه مربوطه آن نهایت مجاهدت را به عمل آوردند. دانشمندان و روشنفکران محلی پروانه‌وار گرد این شمع کمال جمع شدند و اولیاء دانشکده را با پشتیبانی خود تشویق نمودند. در داخل دانشگاه نیز دانشجو دست در دست استاد نهاد و استاد آنچه در قوه داشت دریغ نمود. بالاتر از همه جناب آقای دکتر بیانی ریاست محترم دانشگاه با یک فعالیت دائمی که بیشتر به فداکاری نزدیک بود هر روز با اقدام نوی در تکمیل بنائی که خود به وجود آورنده آن محسوب می‌شد، کوشیده تمام نیروها را در جهت واحدی متحد و به نفع دانشگاه از آنها استفاده نمود تا اینکه دانشگاه تبریز به مفهوم حقیقی آن که گاه دانش باشد، نزدیک گردید.

در این مدت چه خون دلها که خورده نشد و چه مبارزات و فعالیتها که انجام گرفت و بالاتر از همه چه قربانیانی که فدای انجام وظیفه نگردید و در این مجلس جشن و سرور باز هم نمی‌توانم از ابراز تأسف و تأثر نسبت به درگذشت جانگداز و ناگهانی استاد دانشمند و هنرمند شادروان جرجانی که یکی از ارکان مهم دانشکده ادبیات بوده بدبختانه نتوانست نتیجه زحمات خود را به چشم ببیند و در حقیقت شهید راه ترقی دانشگاه تبریز شد، خودداری کنم و اکنون از پشت این تریبون از طرف کلیه دانشجویان فارغ‌التحصیل دانشکده ادبیات تبریز به روح پرفروش او و محضر کلیه کسانی که در پیشرفت دانشگاه کوشیده‌اند صمیمانه درود می‌فرستم.

بالاخره به هر زحمتی بود دانشگاه تبریز پایدار ماند و به ادامه خدمت توفیق حاصل کرد. اما تصور نشود که این تنها یک مؤسسه عادی بود که در آذربایجان برپا گردید، این بزرگترین سنگری بود که برای رهائی ایرانیان از چنگ اهریمن جهالت به وسیله جوانان غیور آذربایجانی اشغال شد و یکی از پایه‌های استقلال و آزادی ایران در این سنگر شمال غربی مستحکم گردید و برای جوانان این مرز و بوم اجازه داد که بعد از این مشتهای خود را محکمتر به دهان‌هایی که جهت اغوای آذربایجانیان گشوده می‌شود، بکوبند. زیرا که این بنگاه بزرگ بهتر می‌توانست حافظ و عامل بسط و توسعه فرهنگ درخشان ایران در این خطه زرخیز شود و به موجب ناموس هر ملتی که فرهنگش متین و استوار و وسیع‌تر باشد بقای او حتمی و پایدارتر خواهد بود.

این همایون درختی که به فرمان همایونی در مرکز دلهای آتشین و حساس کاشته شد و با تدابیر وزرای فرهنگ و وکلای آذربایجان آبیاری گردید و با مواظبت دائمی آقای دکتر بیانی پرورده شد اینک شاخ پرمیوه خود را نثار ملت ایران داشته و اولین گروه فارغ‌التحصیل خود را تحویل اجتماع می‌نماید. من از هم‌کنون در اطراف فداکاریهای این سربازان ارتش علم و دانش که باید علیه جهالت جنگیده دین خود را به میهن باستانی خویش ادا نمایند گفتاری نمی‌گویم و باز هم آن را به قضاوت جریان طبیعی و تدریجی تاریخ بازمی‌گذارم اما همین قدر می‌توانم اطمینان بدهم که آرزوی آقای دکتر بیانی را وعده ایفا می‌دهم و همانطور که در ایام تحصیل دانشجویان خوبی برای دانشکده بودیم در آینده خدمتگذار صمیمی برای میهن ایران بوده باشیم.

خلاصه‌ای از شعر آقای صدرا لاشرافی فارغ‌التحصیل رشته ادبیات فارسی

که آورده بس میوه‌ام ارمغانی
نوازنده مرغی کند زندخوانی
چه خوش باغبانی نمودم به بستان
کجا بود هرزه گل از ریشه کندم
جایش نشاندم گل ارغوانی
خجل شد بهار گل بوستانی
کجا کرده کس این چنین باغبانی

نهالی بکشتم به باغ جوانی
چه سرسبز باغی که ار شاخسارش
چه خوش باغبانی نمودم به بستان
کجا بود هرزه گل از ریشه کندم
گلی آنچنان نغز و دلکش که از وی
کجا دیده کس این چنین جانفزا گل

مر او را خزان ره نیابد اگرچه
یکی شهر باید چو تبریز زیبا
یکی اوستاد هنرمند و دانا
هم او گوش دارد به گفتار استاد
نمردیم و دیدیم پاداش رنجی
کنون اندر بن جشن فرخنده گوئیم
توئی قبله اهل معنی و مردم
شکفته به دانشگه اندر تو گوئی
براهش ز دل جانفشانید ازیرا
همه پاسدارید از این کاخ دانش
امید مهین میهن ما بدینجاست
هم آواز من گشته یکسر بگوئید

خزان شد مرا نویهار جوانی
یکی چامه گو آ در آبادگانی
کند مرو را روزگار شبانی
که جان پروراند به شیرین بیانی
که بردیم در کسب دانش نهانی
که ای کاخ دانش تو جاوید مانی
گشائی به دلها دری از معانی
ز دانش گل و سنبل است ارمغانی
که ما را به چنگ آمد از جانفشانی
که هست او یکی هدیه خسروانی
امید یکی کشور باستانی
به ماناد دانشکده جاودانی

این بود شمای مختصر از تاریخ و داستان تأسیس دانشگاه تبریز.

چون به تدریج دانشگاه رو به پیشرفت گذاشت و هر روز رو به تکامل می‌رفت نظرها جداً به سوی آن معطوف شد و جمعی از داخل و خارج دانشگاه درصدد برآمدند که این هدیه خدائی را از آن خود کرده زمام امور آن را بدست خود گیرند و به اصطلاح زیر پای کسی که مدت سه سال، چنانکه گذشت، خواب و راحتی و خانه و خانواده را به خود حرام کرده بود از میان بردارند. آهسته آهسته سر و صدها و بدگوئیا و ایرادات شروع به رواج گرفتن کرد. چون این جانب به هیچ وجه منفعتی جز زحمت و رنج و مرارت و دوری از خانواده نداشتم از کار ریاست دانشگاه استعفا کرده به تهران مراجعت کردم. دشمنان خرسند و خوشحال و دوستان ناراحت و ناراضی شدند. اگر به روزنامه‌های آن زمان تبریز مراجعه شود صدق گفتار این جانب روشن خواهد شد. برای اثبات این موضوع ناچار یک قسمت از مقاله‌ای که آقای منوچهر مرتضوی که آن زمان دانشجوی دانشکده ادبیات تبریز بود و بعدها به مقامات بالا رسید در روزنامه «شاهکار» سال اول شماره ۳ مورخ ۵ شنبه ۲۰ مهرماه ۱۳۲۹ که در تهران منتشر می‌شد به عنوان شاهد و دفاع متذکر می‌شود.

منوچهر مرتضوی

دانشگاه تبریز و دکتر بیانی

آذربایجان هرگز خادمین خود را فراموش نمی کند

یکی از خصائص بزرگی که ضامن و حافظ روح و انجام وظیفه و خدمتگذاری در اجتماع است تشویق از خادمین و تنبیه خائنین می باشد. ولی از این دو عامل اولی یعنی تشویق از خدمتگذاران جامعه مهمتر از دومی است...

ولی بدبختانه مقاماتی که مصدر تشویق و تنبیه می باشند به این دو اصل اساسی کوچکترین توجهی ندارند و اگر هم روزی خواستند تنبیه و تشویق به عمل آورند این تشویق از مفتخوران و خائنین و این تنبیه در حق خادمین عملی می شود... و اگر هم گاه به گاه در شرب الیهود فساد و غارت و خیانت کسانی دیده می شوند که خود را ملزم به خدمتگذاری جامعه و احتراز از خیانت می دانند برای اینست که هنوز روح نهائی و مایه پنهانی جامعه ما بیدار و هوشیار است و خادم و خائن را خوب تشخیص می دهد و درباره آنان خوب قضاوت می نماید... و این قضاوت است که خالی از اشتباه و نیز قابل فرجام می باشد.

با پوزش از اطناب مقدمه... موضوع اهمیت تشویق و تنبیه نبود بلکه چون می خواهم در این مختصر اشارهای به یک نفر خدمتگذار جامعه بکنیم از ترتیب این مقدمه گریزی نداشتیم بارها به مناسبت های مختلف متذکر شده ایم که، تأسیس دانشگاه تبریز یکی از آرمانهای بزرگ مردم دانش پرور آذربایجان بود و با ایجاد این مؤسسه فرهنگی دولت یکی از مثبت ترین قدمها را در توجه به این استان بزرگ... برداشت و برای پی بردن به درجه دلبستگی مردم آذربایجان به دانشگاه خود همین کافی است که با وجود اینکه اکثریت مردم سایر استانهای این کشور از نعمت سواد و خواندن محرومند از هریک از افراد آذربایجانی خواه فقیر و خواه توانگر خواه شهرنشین و خواه روستانشین سوال کنید (به چه چیز استان خود افتخار می کنید؟) و «به چه چیز بیشتر از هر چیز علاقمندید؟» جوابی جز دانشگاه تبریز نخواهید شنید.

این دانشگاه تأسیس شد و روزی که تأسیس می شد کلیه تأسیسات و تشکیلات آن از چند اطاق که دانش سرای پسران تبریز به دانشگاه تبریز به عاریت واگذار کرده بود تجاوز نمی کرد.

در چنین روزهایی بود که آقای دکتر بیانی کفالت و سپس ریاست این دانشگاه

جوان را به عهده گرفت.

دانشگاهی که به دکتر بیانی سپردند چند چیز بیشتر نداشت یکی اسم (دانشگاه تبریز) [آذربایجان اونیورسیتی] و دیگری چند اطاق عاریتی در دانش سرای تبریز. ولی همین دانشگاه هنگامی که دکتر بیانی آن را بعد از سه سال تحویل داد خیلی چیزها داشت. دانشگاهی بود، که اگر هم کامل نبود، اقلاً به تمام معنی شایسته نام «دانشکده» بود. دانشگاهی بود که عده دانشکده‌های آن و سایر مؤسسات و بیمارستانهایی که در اختیار داشت چند برابر عده اطاقهایی بود که روز اول از دانشسرای پسران به عاریت گرفته بود.

شاید عدمای بگویند که این اندازه ترقی با توجهی که دولت به این دانشگاه دارد در عرض سه سال صد درصد طبیعی است و امر خارق‌العاده‌ای محسوب نمی‌شود. ما صرف‌نظر از اینکه مطمئنیم هر شخص مطلع و بی‌غرضی تصدیق خواهد کرد که پیشرفتهای حاصله در عرض سه سال تصدی دکتر بیانی صد درصد فوق‌العاده بوده است.

به این بیت «حافظ» تمثیل می‌جوئیم:

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
آری شود ولیک به خون جگر شد

«سنگی» که لعل شده است دانشگاهیست که سه سال پیش با ورود چند نفر استاد به تبریز و تصمیم خشک و خالی دولت و همان دو سه اطاق عاریتی تأسیس شد و «لعلی» که از آن سنگ به وجود آمده است دانشگاهی است که امروز داریم و «مقام صبری» که این سنگ در آن مقام لعل شده است همین سه سال است که از تأسیس دانشگاه تبریز می‌گذرد ولی در عرض این سه سال برای تبدیل این سنگ بی‌قدر و ارزش به لعل گرانبها و نفیس جگری نیز خون شده است بلکه جگرها در این راه خون شده است که در رأس این جگرهای خون شده باید «دکتر بیانی» را نام برد [به خدای بزرگ مهربان بدون هیچگونه ادعائی راستش را گفته است].
بقیه در شماره بعد

۶- متأسفانه دسترسی به شماره بعد ندارم. به هر صورت از لطف و مرحمت آقای منوچهر

مرغضوی نهایت تشکر و امتنان را دارد، هرکجا هست خدای بزرگ یار و یاورش باشد و تشکرات قلبی و صمیمانه‌ام را بپذیرد. (خانابایانی)

در خلال این مدت فرمان عفو عمومی صادر شد و در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۳۲۸ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و بتدریج در سالهای بعد طبق تصویب نامه‌هایی که از هیئت وزیران مربوط به استرداد دارائی‌ها و جبران زیانهای مالی را به اشخاص که مورد تعرض متجاسرین قرار گرفته بودند، مورد اجرا گذاشته شد که به قرار زیر متذکر می‌شود: تمام این اسناد از آرشیو نخست‌وزیری استفاده شده است.

شماره: ۱۴۶۳۵

مورخه: ۱۳۲۸/۵/۲۸

مجلس شورای ملی

دوره ۱۵ قانون گذاری

قانون عفو عمومی مجرمین غائله آذربایجان و زنجان

ماده واحده - کلیه اشخاصی که در غائله سالهای ۱۳۲۴، ۱۳۲۵ در استان آذربایجان و شهرستان زنجان مرتکب جنحه یا جنایت عادی مربوط به غائله مزبور شده‌اند (به استثنای مرتکبین قتل و یا غارت) و همچنین شرکاءو معاونین آنها اعم از اینکه تحت تعقیب بوده یا به موجب حکم قطعی یا غیرقطعی محکوم شده‌اند و یا اساساً تاکنون مورد تعقیب قرار گرفته‌اند از تعقیب و مجازات معاف می‌گردند و هیچگونه آثار کیفری به عمل آنان مترتب نمی‌شود. شمول (این قانون نسبت به کسانی از اشخاص مذکور در قسمت اول این ماده که فعلاً در ممالک خارجه هستند در هر مورد بخصوص موکول به تصویب هیئت وزیران و صدور فرمان همایونی خواهد بود.

هرگاه یک یا چند نفر از کسانی که به موجب این قانون مشمول عفو عمومی می‌گردند در ثانی مرتکب جرمی نظیر جرایم مذکور فوق شوند آثار عفو کان لم یکن گشته و جرایم سابق نیز قابل تعقیب و مجازات خواهد بود.

مقررات این قانون به هیچوجه در حقوق مدعیان خصوصی موثر نیست.

کسانی که بر اثر خاتمه غائله آذربایجان خاک ایران را ترک کرده‌اند و طبق این ماده باید مورد تعقیب قرار گیرند نمی‌توانند از مقررات مربوط به مرور زمان استفاده کنند.

تبصره ۱: عده‌ای که بنام وزیر در حکومت قلابی پیشموری شرکت داشتند مشمول این معافیت نخواهند بود.

تبصره ۲: دولت مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون هیئت مورد اعتمادی را مأمور نماید که در آذربایجان و زنجان به تحقیق بپردازند چنانچه از طرف مأمورین دولت بنام متجاسر و یا عضویت فرقه دموکرات و یا نظایر آن وجوهی از مردم دریافت داشته‌اند با تسلیم مأمورین دولت به دادگاههای مربوطه وجوه مأخوذه را به اهالی مسترد داشته و گزارش نهانی خود را توسط دولت به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و ششم امرداد یکهزار و سیصد و بیست و هشت به تصویب مجلس شورای ملی رسید. رئیس مجلس شورای ملی رضا حکمت. [سردار فاخر]

به تاریخ: ۱۳۳۹/۳/۲۲

شماره: ۹۱۹۰

نخست‌وزیر

وزارت دارائی

فرمان همایونی دائر به اجرای قانون اجازه ضبط اموال متجاسرین آذربایجان و کردستان و تصفیه مطالبات و خسارات اشخاص و قانون مزبور که به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده ذیلاً ابلاغ می‌گردد.

با تأییدات خداوند متعال

ما

پهلوی شاهنشاه ایران

نظر به اصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی مقرر می‌داریم:

ماده اول - قانون اجازه ضبط اموال متجاسرین آذربایجان و کردستان و تصفیه مطالبات و خسارات اشخاصی که به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده و منظم به

این دستخط است به موقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند. به تاریخ دوازدهم خرداد

ماه ۱۳۳۹

قانون اجازه ضبط اموال متجاسرین آذربایجان و کردستان و تصفیه مطالبات و خسارات اشخاص.

ماده واحده - کلیه وجوه نقد و اموال منقول و غیرمنقول متجاسرین آذربایجان و کردستان و احزاب غیرقانونی دموکرات آذربایجان و کومله کردستان که در تصرف دولت است به ملکیت دولت شناخته می‌شود. به دولت اجازه داده می‌شود مطالبات و خسارات مورد ادعای دولت و اشخاص و مؤسسات غیردولتی را از متجاسرین که تا آخر اسفند ۳۳ کتباً به وزارت دارائی اعلام شده به وسیله کمیسیون مرکب از دادستان استان و پیشکار دارائی مورد رسیدگی قرار داده مبلغ مورد تصدیق را به هیئت وزیران گزارش دهد که پس از تصویب با اخذ سند ترک دعوی به ذیحق پرداخت گردد.

تبصره - پرداخت مطالب مردم مقدم بر دولت می‌باشد.

وزارت دارائی و دادگستری مأمور اجرای این قانون است.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه روز چهارشنبه چهارم

خرداد یکهزار و سیصد و سی و نه شمسی به تصویب مجلس سنا رسیده است.

رئیس مجلس سنا. محسن صدر [صدرالاشراف]

اصل فرمان همایونی و قانون در دفتر نخست‌وزیر است.

نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۴۱/۱۱/۱۴

شماره: ۲۸۰۷۶ / ت

وزارت دارائی

اداره کل بودجه

هیئت وزیران در جلسه ۱۳/۱۱/۴۱ بنا به پیشنهاد شماره ۴۸۴۷/۲۴ مورخ

۴۱/۸/۱ وزارت دارائی تصویب نمودند به وزارت دارائی اجازه داده می‌شود نسبت به آن

عده از متجاسرین آذربایجان و کردستان که به استناد قانون ضبط اموال متجاسرین آذربایجان و کردستان به تصویب ۱۳۳۹/۳/۴ املاک و مستغلات آنها به ملکیت دولت درآمده و خود یا بازماندگان آنها بعداً به ایران مراجعت نموده و به وضع آنها رسیدگی و آزاد شده‌اند پس از اطمینان به استحقاق ارفاق در صورتیکه تقاضای استرداد املاک و اماکن مسکونی خود را بنمایند طبق آئین‌نامه مخصوصی که به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید به تقاضای آنها رسیدگی نموده تمام ملک یا قسمتی از آن را در صورتیکه مانعی برای استرداد حاصل نشده باشد بدون پرداخت اجور سنواتی و بهره به خود یا وراثت آنان مسترد دارد. وزارت دارائی مکلف است پس از افتتاح مجلسین مجوز قانونی آن را تحصیل نماید.

به تاریخ: ۱۳۴۲/۲/۲۱

شماره: ۵۱۵۳۴

نخست‌وزیر

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه ۴۲/۲/۱۶ بنا به پیشنهاد شماره ۲۵۹۱۳/۲۴ مورخ ۴۱/۹/۱۸ وزارت دارائی و در اجرای قانون مصوب چهارم خرداد ماه ۱۳۳۹ موضوع مالکیت دولت بر اموال و املاک ضبطی متجاسرین آذربایجان و کردستان و پرداخت خسارات مربوط به دوره متجاسرین تصویب نمودند.

وزارت دارائی مجاز است نسبت به فروش املاک ضبطی مزبور طبق مقررات اقدام و از حاصل فروش املاک فوق خساراتی را که طبق قانون مذکور رسیدگی و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، بپردازد.

وزارت دارائی مکلف است پس از افتتاح مجلسین لایحه تحصیل مجوز قانونی این تصویب‌نامه را تهیه و تقدیم نماید اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است. از طرف نخست‌وزیر

تصویب نامه فوق در تاریخ ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۴۳ به صورت قانون به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی و نوشیح ملوکانه رسید و به وزارت دارائی ابلاغ گردید.

تاریخ: ۴۸/۴/۱۰

شماره: ۸۸۷/۴

نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۸/۴/۹ بنا به پیشنهاد شماره ۴۵۹ / م مورخ ۴۸/۳/۱ وزارت دارائی تصویب نمودند مبلغ هشت میلیون ریال (۸۰۰۰۰۰۰ ریال) از اعتبار سال جاری دولت در اختیار وزارت دارائی گذارده شود تا به خسارت دیدگانی که ادعای آنان مورد تأیید کمیسیونهای رسیدگی به ادعای خسارت دیدگان از متجاسرین آذربایجان و کردستان قرار گیرد بابت نصف مطالبات آنان در مقابل دریافت سندی که مسقط نیمی از ادعای آنان باشد پرداخت گردد. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

وزیر مشاور

محمود کشفیان

نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۸/۱۲/۲۶ بنابر پیشنهاد شماره ۲۶۹۸۱ مورخ ۴۸/۱۲/۲۲ وزارت دارائی و پیرو تصویب‌نامه شماره ۸۸۷/۴ مورخ ۴۸/۴/۱۰ تصویب نمودند وزارت دارائی مجاز است نصف دیگر خسارت زیان دیدگان از متجاسرین آذربایجان و کردستان را که خسارت آنان مورد تأیید کمیسیونهای رسیدگی به ادعای خسارت دیدگان مذکور قرار گرفته است با دریافت سندی که مسقط تمام ادعاهای آنان باشد از محل اعتباری که ضمن تصویب‌نامه فوق در اختیار وزارت دارائی گذارده شده پرداخت کند. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

وزیر مشاور

محمود کشفیان

شماره: ۱۰۳/۴۵۵

نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵۱/۲/۲ بنا به پیشنهاد شماره ۳۸۹۳ / م مورخ ۵۰/۱۲/۱۹ وزارت دارائی تصویب نمودند مبلغ یک میلیون و نهصد و ده هزار ریال (۱۹۱۰۰۰۰) ریال از اعتبار سال جاری دولت در اختیار وزارت دارائی گذارده شود تا به خسارت‌دیده‌گانی که ادعای آنان مورد تأیید کمیسیون‌های رسیدگی به ادعای خسارت دیده‌گان از متجاسرین آذربایجان و کردستان قرار گرفته با دریافت سند که مسقط کلیه ادعای آنان باشد پرداخت شود. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

هادی هدایتی

تاریخ: ۱۳۵۷/۸/۲۷

شماره: ۳۵۸۶

نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵۷/۸/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۴۱۵۹ / م مورخ ۱۳۵۲ / ۸ / ۱۹ وزارت دارائی تصویب نمودند مبلغ یک میلیون و پنجاه هزار (۱۰۵۰۰۰۰) ریال از محل اعتبار سال جاری دولت در اختیار وزارت دارائی گذارده شود تا به خسارت‌دیدگانی که ادعای آنان مورد تأیید کمیسیون‌های رسیدگی به ادعای خسارت‌دیدگان از متجاسرین آذربایجان و کردستان قرار گرفته با دریافت سند که مسقط ادعای آنان باشد پرداخت شود. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

هادی هدایتی

علاوه بر مبالغ فوق دولت تا سال ۱۳۵۴ مبلغ ۱۲۷۶۳۲۰۰ ریال طبق تصویب نامه‌هایی که از هیئت وزیران گذشت به خسارت دیدگان آذربایجان از متجاسرین پراخت کرد. پانزده فقره سند در این خصوص ضمیمه است به آنها مراجعه شود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که دولت و ملت ایران تا چندین سال پس از سرکوب کردن متجاسرین و دفع غائله آذربایجان علاوه بر گرفتاریهای سیاسی و زیانهای معنوی و مادی که در این راه متحمل شده بود، به جبران خسارات آسیب دیدگان اشتغال داشت.

نخست‌وزیر

وزارت کشور

به تاریخ: ۱۳۴۰/۱/۲۲

شماره: ۳۲۸۶۲

هیئت وزیران در جلسه ۱۳۴۰/۱۱/۲۱ بنا به پیشنهاد ۷/۱۱۳۳۷ مورخ ۱۳۴۰/۱۱/۵ وزارت کشور و موافقت ۳۲۴۳۱/۲۴ مورخ ۴۰/۱۰/۲۱ وزارت دارائی تصویب نمودند که ملکیت باقیمانده دو باب خانه باغچه به پلاکهای از شماره ۱۷۳ الی ۲۱۷۵ ضبطی از متجاسرین که فعلاً محل سکونت کلانتری‌های شهرستان تبریز می‌باشد بطور قطع به شهربانی تبریز انتقال داده شود وزارت دارائی مکلف است پس از گشایش مجلس شورای ملی لایحه تحصیل مجوز قانونی این تصویب‌نامه را تقدیم دارد. تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است از طرف نخست‌وزیر

به تاریخ: ۱۳۴۲/۱۱/۱۴

شماره: ۴۴۱۷۸

نخست‌وزیر

وزارت دارائی

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۲/۱۱/۵ بنا به پیشنهاد شماره ۲۰۴۱۹۲/۲۴ -

۴۲/۹/۵ وزارت دارائی و در اجرای قانون مصوب چهارم خرداد ماه ۱۳۳۹ و تصویب نامه جایگزین قانون شماره ۵۱۵۳۴ به تاریخ ۱۳۴۲/۲/۲۱ تصویب نمودند از مبلغ یک میلیون و نود و یک هزار و نهصد و چهل و هشت ریال خسارت وارده به آقای عزیزالله پرنیا ماکوئی از ناحیه متجاسرین آذربایجان بابت درآمد جنسی و نقدی املاک در دو ساله ۲۴ و ۲۵ [۱۳] و خسارات وارده به باغ و خانه و اثاثیه او که طبق صورت جلسه شماره ۲۴۵۳ به تاریخ ۴۲/۵/۹ کمیسیون متشکله از آقایان پیشکار دارائی آذربایجان غربی و دادستان استان مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته فعلاً مبلغ پانصد هزار ریال آن از محل موجودی درآمد املاک متجاسرین که در خزانه داریکل موجود می باشد با اخذ سند ترک دعوی نسبت به کل طلب در وجه ذینفع پرداخت و پس از [۴] اعتبار کافی از محل درآمد املاک ضبطی متجاسرین با وجوه حاصله از فروش آن بقیه پرداخت گردد.

اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است. از طرف نخست وزیر

شماره: ۳۸۰۶۴

به تاریخ: ۴۴/۳/۸

نخست وزیر

تصویب نامه هیئت وزیران

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۴۴/۳/۸ بنا بر پیشنهاد شماره ۲۵۶۳۲/۲۴ - ۴۳/۱۲/۲۹ وزارت دارائی و در اجرای قانون مصوب چهارم خرداد ۱۳۳۹ و قانون مصوب هیجدهم آبان یک هزار و سیصد و چهل و سه تصویب نمودند از مبلغ یکصد و پنجاه هزار ریال خسارت وارده به آقای بیوک عزب دفتری از ناحیه متجاسرین آذربایجان که طبق صورت جلسه مورخ ۱۳۴۳/۴/۱۴ کمیسیون مقرر در قانونی مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته فعلاً معادل هفتاد و پنج هزار ریال آن از محل درآمد املاک متجاسرین که در خزانه داریکل موجود می باشد با اخذ سند ترک دعوی نسبت به اصل طلب به ذینفع پرداخت و بقیه آن پس از اصل تصویب نامه در دفتر نخست وزیر است.

نخست وزیر

نخست وزير
تصويب نامه هيئت وزيران

شماره: ۲۶۲۸
به تاريخ: ۴۴/۳/۸

وزارت دارائي

هيئت وزيران در جلسه مورخ ۴۴/۳/۸ بنا به پيشنهاد شماره — وزارت دارائي تصويب نمودند كه مبلغ ۷۲۷۶۹۸ ريال از محل اعتبار سال جاري دولت به عنوان وام در اختيار وزارت دارائي گذارده شود تا جهت پرداخت بقيه مطالبات آقا يان عزيزالله پرنيا ماکوئي و غلامعلي اسكندري و بيوک عزب دفتري بابت خسارات وارده به نامبردگان از ناحيه متجاسرين آذربايجان به حساب املاک متجاسرين منظور و طبق مقررات مربوطه به نامبردگان پرداخت گردد و پس از پيدا شدن موجودي کافي در حساب درآمد املاک متجاسرين نسبت به واريز آن اقدام نمايند.

اصل تصويب نامه در دفتر نخست وزيري است نخست وزير

نخست وزير
تصويب نامه هيئت وزيران
محرمانه

وزارت دارائي

هيئت وزيران در جلسه مورخ ۴۷/۵/۵ بنا به پيشنهاد شماره ۲۳۵۶ - ۱ - ۰۲ - ۳۰/۴۰۲ مورخ ۴۶/۱۰/۱۲ وزارت جنگ تصويب نمودند مبلغ سيصد هزار ريال از محل اعتبار دولت در وجه سيف قاضي پرداخت گردد. اصل تصويب نامه در دفتر نخست وزير است.

وزير مشاور

۱۷۶۲/۴ - ۴۷/۵/۶

محمود کشفیان

رونوشت برای وزارت جنگ ابلاغ گردید

محرمانه
نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵۲/۷/۷ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱۹۶/۲۴ مورخ ۱۳۵۲/۵/۱۰ وزارت دارائی تصویب نمودند مبلغ یکصد و پنجاه هزار (۱۵۰۰۰۰) ریال از اعتبار سال جاری دولت در اختیار وزارت دارائی گذارده شود تا در وجه آقای میراسمعیل اتفاق که خسارت وارد نامبرده مورد تأیید کمیسیون رسیدگی به ادعای خسارت‌دیدگان از متجاسرین آذربایجان و کردستان قرار گرفته با دریافت سند که مسقط کلیه ادعای نامبرده می‌باشد پرداخت گردد.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر
هادی هدایتی

۱۰۸۴۴- ۱۳۵۲/۷/۸

گیرنده رونوشت حسابداری نخست‌وزیر

سازمان برنامه و بودجه

۱۳۵۲/۷/۸

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر
هادی هدایتی

نخست‌وزیر

تصویب‌نامه هیئت وزیران

وزارت امور اقتصادی و دارائی

۶۰۷/۱/۱۰۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵۴/۴/۱۴ بنا به پیشنهاد شماره ۲۳۹۴/۲۴ مورخ ۱۳۵۴/۲/۱۰ وزارت امور اقتصادی و دارائی تصویب نمودند مبلغ یک میلیون و

دویست و هشتاد هزار (۱۲۸۰۰۰) ریال از اعتبار سال جاری ردیف ۵۰۱۰۰۲ (هزینه‌های خاص دستگاههای اجرایی) در اختیار وزارت امور اقتصاد و دارائی گذارده شود تا در وجه آقای هادی لیقوانی و وراث قانونی مرحوم بالا اوغلان وراث قانونی مرحوم عبدالله محمد خانلو که خسارت وارده به نامبردگان مورد تأیید کمیسیون رسیدگی به ادعای خسارت دیدگان دوره متجاسرین قرار گرفته با دریافت سند که مسقط کلیه دعاوی آنان باشد پرداخت گردد. اصل تصویب‌نامه در دفتر نخست‌وزیر است.

وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر

هادی هدایتی

۹۱۹۸

۱۳۵۴/۴/۱۵

گیرنده رونوشت سازمان برنامه و بودجه

وزیر مشاور و معاون اجرایی

هادی هدایتی



○ احمد قورام



○ حسين علاء



○ ابراهيم حكيمى (حكيم الملك)

○ پيشه‌وری



○ مولوتف



○ استالين



منابع

الف - اسناد سیاسی و تاریخی (آرشیو)

۱- اسناد سیاسی و تاریخی انگلیسی:

1- Public Record Office (P.R.O) London

2- Soviet And American Interests in Middle East

کنفرانس در مرکز تحقیقاتی Dickenson دانشگاه ایالتی نیویورک در شهر
Binghamton روزهای ۱۴ - ۱۵ مه ۱۹۷۶ تحت نظر مطالعات خاورمیانه آن
دانشگاه.

3- Foreign Relation Of the United States Diplomatic Papers Vol. VIII

The Near East and Africa U.S. government Printing Office. Washington.

(اسناد سیاسی و تاریخی ایالات متحده امریکا). 1969.

۴- آرشیو وزارت امور خارجه ایران.

۵- آرشیو نخست‌وزیری ایران.

ب - منابع چاپی:

۱- رقابت روسیه و غرب در ایران. تألیف جورج لنزوسکی. ترجمه اسماعیل

رائین.

۲- از شکست تا پیروزی. ماجرای نفت. تألیف علیرضا طاهری.

۳- ایران در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی. تألیف علی‌اصغر شمیم.

۴- مرگ بود باز گشت هم بود. تألیف نجفقلی پسیان. آذر ۱۳۲۷.

- ۵- کتاب سرزمین زردشت. تألیف علی دهقان. اسفند ۱۳۴۸
- ۶- سیر کمونیزم در ایران از شهریور ۱۳۲۰ تا فرودین ۱۳۳۶.
- ۷- خاطراتی از مأموریت‌های من در آذربایجان از شهریور ماه ۱۳۲۰ تا دی ماه ۱۳۲۵. تألیف سرلشکر احمد زنگنه.
- ۸- قوام‌السلطنه. تألیف داودی. جلد اول. تهران. اسفند ۱۳۲۶
- ۹- بازیگران عصر پهلوی از فروغی تا فردوست. ۲ جلد تألیف: محمود طلوعی. ۱۳۷۲.
- ۱۰- الیگارش یا خاندانهای حکومتگر ایران. تألیف ابوالفضل قاسمی.
- 11- Cold War in Common Sense Thomas W. Wilson Newyork
- ۱۲- کمونیزم در ایران یا تاریخ مختصر فعالیت کمونیستها در ایران از اوایل مشروطیت تا فروردین ۱۳۴۲. تألیف: سرهنگ ستاد: علی زیبائی. تهران شهریور ۱۳۴۳.
- ۱۳- خاطرات سفر آذربایجان و کردستان به قلم محمدرضا خلیلی عراقی. چاپ دوم فروردین ۱۳۲۸.
- ۱۴- خاطرات سرتیپ علی‌اکبر درخشان از جنگهای گیلان و لرستان تا واقعه آذربایجان (۱۹۹۴ میلادی).

ج - مذاکرات مجلس شورای ملی ایران.

د - روزنامه‌ها و مجلات:

- ۱- مجله سپید و سیاه. شماره ۷۲۶. سوم شهریور ۱۳۴۶.
- ۲- مجله تهران مصور. شماره مورخ ۹ اسفند ۱۳۲۵.
- ۳- مجله خواندنیها. شماره مسلسل ۲۸۱.
- ۴- مه‌نامه ارتش.
- ۵- ۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان. روزنامه اطلاعات.
- ۶- روزنامه رستاخیز. شماره ۴۹۴. پنجشنبه ۲۵ آذر ۲۵۳۵ شاهنشاهی.
- ۷- روزنامه آتش. شماره ۵۰. پنجشنبه ۲۱ آذر ۱۳۲۵.

- ۸- روزنامه «امواج» مورخه ۸ اسفند ۱۳۲۵.
- ۹- روزنامه «نهضت خورشید ایران» مورخه ۹ اسفند ۱۳۲۵.
- ۱۰- روزنامه «صدای وطن» مورخه ۱۱ اسفند ۱۳۲۵.
- ۱۱- مجله یادگار.
- ۱۲- روزنامه شاهکار. شماره ۳ سال اول. مهر ۱۳۲۹.
- ۱۳- روزنامه «اختر شمال» دوره سوم. سال ششم سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۶.
- ۱۴- شماره‌های روزنامه «تبریز» سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۹

فهرست اعلام

احمدی - امیر ۳۶۸، ۵۶۸، ۵۷۶، ۶۶۴،

۶۶۵

احمدی - عبدالحسن ۲۱۹

اخگری - جعفر ۲۲۰

ارانی - تقی ۱۷، ۱۳۸

اردیلی - صفی‌الدین ۶۷۸

اردیلی - نصرالله ۷۰۰

اردلان - امان‌الله ۵۱، ۵۲، ۶۵، ۲۰۳

ارفع (تیمسار) ۷۳، ۱۷۵، ۲۵۶، ۲۶۱،

۲۶۲، ۲۶۷، ۷۰۷، ۷۰۸

استالین در اغلب صفحات

استرانگ ۸۷۷

اسدی - سلمان ۴۰۷، ۴۶۵

اسکندری - ایرج ۵۶۸

اسکندری - سلیمان محسن ۱۴۰

اسکندری - غلامعلی ۹۲۲

اسلانوف (ژنرال) ۲۳۵، ۲۳۶

اسمیرنوف ۱۱۱، ۱۷۵، ۸۵۴، ۸۵۵

اصانلو - غلامحسین ۶۴۳

آ

آخوند زاده - حسین ۲۲۰

آذربادگان - خلیل ۲۲۰

آراستی نوس - ادو ۱۰، ۱۱

آراسته - نادر ۵۰

آشتیانی - اقبال ۶۷۳

آقازاده - قاسم ۲۲۰

آق اولی (سرلشگر) ۴۷، ۴۰۸

آلن، توماس ۱۲۸

آلن - ژرژ ۷۰۵، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۰۷

آهی - مجید ۹، ۱۲۳، ۱۳۷، ۲۷۰، ۴۱۱،

۴۳۵، ۴۷۸، ۵۳۴، ۵۳۵

الف

ابتهاج - ابوالحسن ۷۷، ۷۸، ۴۰۲

ابراهیم‌اف - میرزا اژدر اوغلی ۸۸، ۹۱

ابراهیمی - فریدون ۲۱۷، ۲۲۱، ۶۵۷،

۶۸۵

اتفاق - میر اسماعیل ۹۲۳

باقراف - جعفر ۷۶۴، ۷۶۵
 باقرزاده - محمد (بیریا) ۸۸، ۸۹، ۱۵۴
 ۱۸۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۱، ۵۹۵
 ۷۷۳، ۷۱۸، ۶۸۵، ۶۸۰
 باکستر ۱۷۶، ۲۶۵، ۲۷۷، ۲۷۹
 بدر - محمود ۵۱
 برنس - جیمز ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴
 ۲۵۴، ۲۷۴، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۳۳
 ۳۶۰، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۶۲، ۴۶۳
 ۴۸۷، ۵۰۵، ۵۱۲، ۷۷۸
 بنش ۱۰۷، ۴۰۹
 بودینی (مارشال) ۸۸۴
 بولارد - ریدر ۱۵، ۳۸، ۳۹، ۶۴، ۱۲۴
 ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۰۲، ۳۰۴
 ۳۱۰
 بونه ۴۸۹
 بوین - ارنست ۳۸، ۶۴، ۷۱، ۸۰، ۲۱۳
 ۲۱۴، ۲۷۹، ۳۲۱، ۳۳۳، ۳۹۵
 ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۲۴، ۴۵۵، ۴۵۶
 ۴۶۲، ۸۵۶، ۸۶۶، ۸۷۱، ۸۷۲
 ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۷، ۸۷۹
 ۸۸۱، ۸۸۴
 بهار - ملک الشعرا ۳۶۸
 بهاء الملك ۴۰۲
 بهبانی - سید محمد ۲۴۸، ۲۴۹
 بهنام - نصرالله ۷۴۶، ۷۵۳، ۷۵۵، ۷۵۹
 ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۶۶، ۷۶۴

اصفهانی ۱۳۰
 اعتبار - احمد ۵۱
 اعتماد - سید مهدی ۸۸، ۸۹
 اقبال - منوچهر ۳۶۸، ۵۶۸، ۵۷۶، ۸۹۴
 الهامی - غلامرضا ۱۲۸، ۲۱۹، ۲۲۱
 ۲۲۹، ۲۸۴، ۶۸۵، ۶۹۲، ۶۹۳
 ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۳۵، ۷۳۶
 امامی - جمال ۴۷۳
 امجدی ۱۷۴
 امیر علائی - شمس الدین ۳۶۸، ۵۶۸، ۵۷۶
 امینی - اسدالله ۶۹۹
 انتظام - نصرالله ۴۸، ۴۰۲، ۴۵۲، ۴۶۶
 ۶۰۶
 انوار - سید قاسم ۶۷۸
 اورنگی - حسن ۲۲۱، ۶۸۵
 اوغلان - بالا ۹۲۴
 ایدن - آنتونی ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۱۸
 ۱۲۱، ۲۱۴، ۲۱۵، ۳۵۲، ۴۵۵
 ایرنیورگ ۸۸۹
 ایزاکف - ب. ۷۹۹
 ایزدی (دکتر) ۸۹۶
 ایکچیان - فتحعلی ۲۱۹

ب

بابایی - مختار ۷۰۰
 بارزانی - مصطفی ۱۷۰، ۱۸۷، ۶۲۹
 ۷۷۴، ۷۶۴

۷۷۶، ۷۷۵، ۷۷۲، ۷۶۷

بیات ماکو - آتش خان ۲۲۱

بیات - مرتضی (بهام السلطان) ۱۶، ۱۷، ۱۹،

۳۸، ۳۹، ۱۲۲، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱،

۲۲۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰،

۳۰۵، ۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۳،

۴۱۹، ۷۲۰

بیدو - ژرژ ۸۵۶، ۸۶۶، ۸۷۳، ۸۷۹

پ

پادگان - صادق ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۲۱۹،

۲۹۳، ۵۵۹، ۷۱۴، ۷۲۱، ۷۳۶،

۷۷۳، ۷۶۲

پاشا - حسن ۴۸۹، ۴۸۸

پرنیا ماکوئی - عزیزالله ۹۲۱، ۹۲۲

پطر کبیر ۸۲۸

پلدهرمان - لئو ۵۷۰

پناهیان (ژنرال) ۵۵۳، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱،

۵۶۲، ۵۶۳، ۶۳۷، ۷۱۳، ۷۱۷،

۷۲۱

پناهی - عباس ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۱۷

پنبه‌ای - عباسعلی ۲۲۰

پورچالو - قلیخان ۲۱۹

پیرنظر ۴۰۷، ۷۳۶، ۷۵۹

پرنیا (موتمن‌الملک) ۳۶۵

پیشه‌وری - سید جعفر اغلب صفحات

پی‌فوس ۲۳، ۴۲، ۴۴

ت

تارلی (پرفسور) ۸۷۸

ترابی - محمود ۲۱۹

تفضلی - جهانگیر ۴۰۷

تقی‌زاده - سید حسن ۱۱۸، ۱۲۲، ۲۱۰،

۳۲۱، ۳۲۵، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۰،

۳۵۴، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۶۱،

۳۶۲، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۲، ۳۷۴،

۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۳، ۳۹۰، ۳۹۲،

۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴،

۴۰۵، ۴۱۶ در اکثر صفحات

تهرانچی - محمدرضا ۳۶۱، ۳۶۵

ج

جالب (شیخ) ۵۷

جاوید - سلام‌الله ۲۰۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۹،

۵۵۳، ۵۵۹، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱،

۶۴۶، ۶۵۲، ۶۵۸، ۶۸۳، ۷۴۵،

۷۵۷، ۷۵۸

جنگلی - اسماعیل ۷۰۷، ۷۰۸

جنگلی - میرزا کوچک خان ۷۰۷

جودت - حسین ۲۱۹

جهانبانی (سرلشگر) ۱۱۴، ۱۲۴

چ

چرچیل - وینستون ۱۹۸، ۳۳۴، ۳۴۲،

۳۵۸، ۳۷۶، ۴۰۹، ۴۲۰، ۴۳۷، ۸۲۶

ح

حییی - حسن ۲۳۱

حییی - مصطفی ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۹۰۱

حکمت - رضا ۷۸۸، ۹۱۵

حکیمی - ابراهیم ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۲۰۱

۲۰۴، ۲۰۸، ۲۲۷، ۲۴۰، ۳۳۰

۳۳۳، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۵

۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۸۲، ۳۸۴

۳۸۵، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۵۳، ۵۸۳

۶۶۰، ۷۹۸، ۸۰۰

حمیدی - مهدی ۱۸۳

خ

خادم ملی - عظیم ۱۸۱

خادمی - علی ۶۹۹

خانبابا بیانی ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۸

۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۵، ۹۰۸، ۹۰۹

۹۱۰، ۹۱۲، ۹۱۳

خاوری - خلیل ۲۲۰

خزعل - شیخ (شیخ محمره) ۵۷، ۵۷۴

خسروانی (سرتیپ) ۶۰، ۱۲۵

خسروپرویز - خ. ۵۹۴، ۵۹۶

خلعت بری - ارسلان ۵۶۷

خلعت بری - نصرالله ۴۹، ۵۰

خیابانی - شیخ محمد ۷۵۴

د

دان ۱۶۳

دانش (دکتر) ۷۰۸

دانشیان - غلام یحیی ۲۱۹، ۲۲۱، ۵۵۹

۵۹۵، ۶۳۲، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۶

۶۸۶، ۷۰۲، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۷

۷۲۰، ۷۴۵، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۶۲

۷۷۳، ۷۷۴، ۸۱۵

داودی - اصغر ۷۰۰

داودی - حیات ۸۰۴

داودی - مصطفی ۱۸۱

درامی - علی ۶۰۰

درخشانی (سرتیپ) در اغلب صفحات

دقتری - متین ۳۶۸، ۴۸۶

دکانازف - وی ۱۰۲، ۳۰۲، ۴۰۹، ۸۲۸

دوگل (ژنرال) ۴۲۰

دیائیان - اصغر ۲۱۹

دیلیمقانی - صادق ۲۱۹، ۲۲۰

ر

رائین - اسماعیل ۶۷۰

راکو سوسکی ۱۰۴

رحیمزاده - زین العابدین ۲۲۰

رستم - سلیمان ۸۸

رسولزاده - محمد امین ۸۴

رسولی - رضا ۲۲۱، ۶۸۴، ۶۸۵

رسولی - رضا ۶۸۵

۸۰۰، ۵۸۳
 سپهبدی - انوشیروان ۴۹، ۵۱، ۱۳۷، ۱۶۸،
 ۲۱۶، ۳۶۸، ۵۶۸، ۶۱۶
 سپهر - مورخ الدوله ۳۶۸
 ستارخان ۷۵۴
 سرمدی - حسن ۷۰۰
 سلطانی - قاسم ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۴۲
 سلیمی - محمد شیخ ۷۰۰
 سمعی - ساعد ۱۲۸
 سهیلی - علی ۱۷، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸،
 ۱۲۱، ۱۴۶، ۳۷۱، ۳۷۳، ۳۷۵
 ۳۹۸، ۴۰۱
 سیاح - حمید ۴۰۷، ۴۶۵، ۴۶۸، ۵۷۶،
 ۷۹۳، ۷۹۹
 سیاسی (دکتر) ۴۶۶
 سیرگیف ۸۰۰
 سیف‌الدینی - محمد ۷۱۶
 سیف‌قازی - رحیم ۳۱، ۱۱۲، ۱۱۳،
 ۱۱۴، ۵۵۹، ۷۴۲، ۷۵۳، ۹۲۲

ش

شایگان (دکتر) ۵۷۶
 شبستری - علی ۸۹، ۱۳۰، ۱۵۰، ۱۸۱،
 ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۹۷، ۵۵۴،
 ۵۵۹، ۵۸۷، ۵۹۵، ۶۳۹، ۶۴۰،
 ۶۴۱، ۶۴۵، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۸،
 ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۳، ۷۳۶، ۷۴۵

رشتی - کریمخان ۴۷۳
 رضازاده - شفق (دکتر) ۴۰۷، ۴۶۵، ۴۷۱
 رضوی - حمید ۴۰۷
 رفقی - فالج ۴۰۴
 رفیعی - محمد تقی (نظام‌الدوله) ۲۱۸،
 ۲۱۹، ۶۸۳
 روستا - رضا ۵۷۲
 روسو - روبرت ۲۹۴، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۰،
 ۳۱۶، ۴۶۰
 رهنما - غلامحسین ۴۹، ۵۱، ۲۰۳

ز

زاهدی (ژنرال) ۴۸
 زفیری - حسن ۲۲۰
 زند - ابراهیم ۳۰، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۷۳،
 ۴۰۲، ۶۶۰، ۸۹۸، ۸۹۹
 زنگنه - احمد ۱۲۸، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۸

ژ

ژوکف ۸۷۹، ۸۹۰

س

سادچیکوف - ایوان واسیلیویچ ۴۷۳، ۴۷۴،
 ۴۷۶، ۴۷۸، ۵۲۱، ۵۳۰، ۵۴۵،
 ۵۸۸، ۷۰۴، ۷۸۰، ۷۸۳، ۷۸۹،
 ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۷
 ساعد - محمد ۱۰، ۹۴، ۱۱۱، ۱۲۹

۷۵۷، ۷۵۸

شبستری - کاظم ۷۵۷

شعفی - علی ۶۹۸

شفق - صادق ۳۲۷

شمس - اسماعیل ۸۹

شوارتسکف ۳۱، ۵۹، ۷۳، ۷۴، ۱۳۶،

۸۰۶، ۲۶۷، ۲۵۳

شیرازی - عبدالمجید ۲۶

شیروانی - سیدعظیم ۶۷۹

ص

صادق (مستشارالدوله) ۴۹

صادقی - ابوالحسن ۵۷۶

صالح - اللهیار ۵۰، ۲۰۳، ۴۶۶، ۵۶۸

صدر - سید محسن (صدرالاشراف) ۵۱، ۵۲،

۶۵، ۶۴، ۶۶، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴،

۱۳۵، ۱۴۶، ۱۸۲، ۲۰۱، ۲۰۲،

۲۰۳، ۲۹۳، ۵۸۳، ۷۰۷، ۹۱۶

صدیق (دکتر) ۸۹۵

صفایی - معرفت ۲۲۰

صفوی - شاه حسین ۶۷۴

ض

ضیائی - مهدیقلی ۱۲۸

ط

طاهرزاده - علی اکبر صابر ۶۷۹

طاهری (دکتر) ۵۷۰

طباطبایی - سیدضیاءالدین ۱۷، ۱۹، ۲۶،

۲۷، ۴۶، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۶۷،

۶۸، ۹۸، ۱۰۰، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۴۴،

۱۴۶، ۱۴۸، ۴۷۳، ۴۷۴، ۸۰۲

طباطبایی - سید محمد صادق ۴۸، ۳۲۳،

۴۲۴

طوسی - ادیب ۸۹۸

ظ

ظہیر - یدالله ۷۴۳

ع

عامری - جواد ۴۰۷، ۴۶۵، ۴۶۸

عباسی - محمد ولی ۱۳۰

عبده - جلال ۶۵، ۳۲۳

عدل - احمد حسین ۲۰۴

عدل - مصطفی ۵۰، ۵۱

عزب - بیوک ۹۲۲

عظیما - محمد ۲۱۹

عظیما - یوسف ۲۲۱، ۶۸۴، ۶۸۵

علاء - حسین ۲۱۲، ۲۶۶، ۳۰۸، ۳۱۴،

۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱،

۳۲۳، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۵۳، ۴۰۱،

۴۰۲، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۲، ۴۶۴،

۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۹۵، ۴۹۶،

۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۲۱،

۵۴۳، ۵۴۰، ۵۳۸، ۵۳۶، ۵۳۴

۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۱ و بقیہ صفحات

علوی مقدم - محمد علی ۵۵۳، ۵۵۹

عمیدی - نوری ۴۰۷

غ

غزنوی - محمود ۲۱۹

غفاری - ذکاء الدولہ ۳۶۸

ف

فاضلی - عبداللہ ۷۴۳

فاطمی - سید علی ۷۰۰

فتحعلیشاہ قاجار ۶۷۴

فتحی آرانلو - امیر ۶۰۰

فخرابی - ابراہیم ۷۰۷، ۷۰۸

فرخ فراز ۷۳۱

فرخ - معتصم السلطنہ ۱۲۲، ۱۲۳

فرغام پور - عبداللہ خان ۲۹

فرمانفرمایان - محمدولی ۵۷۶

فوت - مایکل ۵۸۴

فہیمی - خلیل ۲۰۳

فیروز (سرلشگر) ۵۶۸

فیروز - محمد حسین ۱۰۱، ۱۵۰، ۲۰۴

۳۶۸، ۴۷۳، ۵۵۳، ۵۵۷، ۵۵۸

۵۵۹، ۵۶۸، ۵۸۴، ۵۹۱، ۶۵۷

۶۵۸، ۶۶۱، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۸

۷۴۸، ۸۲۱، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۴۷

۸۴۹، ۸۵۲، ۸۵۶، ۸۶۵، ۸۶۶

۸۶۷، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۶

۸۷۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۴، ۸۹۱

ق

قاضی - محمد ۵۲۹

قشقای - ناصر ۱۸، ۲۹، ۵۷۵، ۸۰۳

قلی خان - مرتضیٰ ۲۹، ۳۶۸، ۵۸۵

قناحسنى - حسین ۷۱۵

قوام احمد ۴۹، ۱۰۱، ۱۵۰، ۳۴۷، ۳۵۶

۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰

۳۷۳، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰

۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۷، ۴۰۸

۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳

۴۱۶ و بقیہ صفحات

قوام الملک ۱۸، ۲۸

قیامی - زین العابدین ۲۱۹، ۲۲۱، ۶۸۵

ک

کاتبی - حسینقلی ۶۸۰

کادوگان - آلکساندر ۴۸۸

کاساکوفسکی - کنستانتن ۲۶

کاشانی - سید ابوالقاسم ۲۵، ۴۷، ۴۸، ۸۰

کاظمی ۴۶۶

کافتاراذرہ ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۴، ۱۴۲، ۷۹۵

کانیسنانی - محمودخان ۶۹

کاویان - جعفر ۲۱۹، ۲۲۱، ۶۸۳، ۷۱۳

ل

لاو- ريچارڊ ۵۵
 لنكرانى - احمد ۵۷۰
 لنكرانى - شيخ حسن ۱۵۰، ۵۷۰
 لنكرانى - مصطفى ۵۷۰
 لنين ۳۶۸، ۷۹۷، ۸۵۶
 ليقوانى - احتشام ۱۲۴، ۱۴۲
 ليقوانى - هادى ۹۲۴

م

مارشال - ژرژ ۸۵۶، ۸۶۶، ۸۷۱، ۸۷۳
 ۸۷۹
 ماشينچى - على ۲۱۹
 ماكسيموف ۲۰، ۲۱، ۹۸، ۱۰۰، ۱۵۰
 ۲۶۴
 مالك - امير ۲۱۸
 مالك - سعيد (لقمان الملك) ۵۱، ۲۰۳
 مجتهد - ميرزا حبيب ۶۷۰، ۶۷۲
 مجدى - ا. ۸۳، ۹۱، ۶۲۴، ۷۱۷، ۷۱۹
 ۷۲۳، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۸
 ۷۵۰، ۷۵۳
 محجوبى ۴۱۰
 محمد خانلو - عبدالله ۹۲۴
 محمدزاده اسكويى - احمد ۷۱۵، ۷۱۶
 ۷۱۷
 مرتضوى - منوچهر ۵۵۹، ۵۶۳، ۹۱۱
 مرزبان - اسماعيل ۴۹

كبرى - ربيع ۱۶۸، ۱۷۲، ۲۲۱، ۵۵۹
 ۶۴۴، ۶۸۵، ۶۸۶
 كر - كلارك ۲۶۶، ۳۰۱
 كروبي - سيد باقر ۶۸۰
 كشاورز - فريدون ۵۶۸
 كشفيان - محمود ۹۱۸
 كفايى - سيد عالم ۷۴۷
 كلفن - وان ۴۸۹
 كمال پاشا - مصطفى (آتاترك) ۸۵، ۸۶
 كمال هدايت - حسينعلى ۵۰، ۵۱، ۵۲
 ۲۰۳

كنان - جرج ۹۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۲
 كواسينخ ۱۵۹
 كونلى (دريا سالار) ۸۰۷
 كيابى - موسى ۲۱۹
 كينگ (نخست وزير كانادا) ۴۲۳، ۴۲۴
 كيوايى - موسى ۱۸۱

گ

گಾಗارين (كاپيتان) ۹۸، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۸۰
 گالوسينگى ۳۷
 گروميكو - آندره ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹
 ۵۰۶، ۷۷۹
 گلادوين جب ۳۶۲
 گلشائيان - عباسعلى ۵۱
 گل گلاب - حسين ۱۸۲، ۲۷۷
 گوركى - ماكسيم ۶۷۹

۳۶، ۳۹، ۶۱، ۶۲، ۹۸، ۸۰۸

ن

نابلئون بناپارت ۸۸۱

ناصری - هلال ۲۲۰

نجم - ابوالقاسم ۵۰، ۲۰۳

نجمی - ناصر ۷۰۶، ۷۰۷

نخجوان - احمد ۳۱، ۷۷

نریمان - محمود ۲۰۴

نوربخش (سرهنگ) ۲۳۵

نویکف ۸۵۶

نیکپور - عبدالحسین ۴۰۷، ۴۶۵

نیک پی - اعزاز ۵۷۶

نیک پی - منوچهر ۷۰۹، ۷۱۰

نیکجو - ابوالفتح ۲۱۹

و

واعظ تبریزی - حسین ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱

واقف - ابوالحسن ۲۱۹

والایی - رحیم ۲۱۸، ۲۱۹، ۷۱۸

وال.جی.دبلیو. ۱۳۳، ۱۶۱

وان ایزگ (سناتور) ۳۶۰

واندربریگ (سناتور) ۴۱۴

وثوق الدوله ۷۹۸

وکیلی - علی ۲۱۸

وکیلی - علی اکبر ۶۹۸

وکیلی - هاشم ۶۰۰

مستمع - عبدالقلی ۲۱۹

مسعودی - قاسم ۴۰۷

مشگینی - صمد ۷۰۰

مصدق - محمد ۱۹، ۲۵

مظفرزاده - صالح ۷۰۷، ۷۰۸

مک درموت - میکائیل ۴۶۳

منجمزاده - جواد ۷۰۰

منصور - علی ۷۶۸، ۸۰۰، ۸۹۸

موریس - لالاند ۲۸

موری - والاس ۲۸، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰،

۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۶۱، ۱۶۲،

۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۵۳،

۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۵ الی ۲۶۲ و بقیه

صفحات

موزعزاده - رسام ۲۲۰

موسویزاده ۵۵۳

موسوی - ناصرالدین ۷۰۸، ۷۱۶

مولوتوف - وی.ان. ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۲۴،

۷۱، ۹۴، ۱۰۲، ۱۲۳، ۲۶۶، ۲۷۰،

۲۷۲، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۵،

۳۰۱، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۳۳،

۳۷۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۲ و بقیه

صفحات

مهتاش - جاوید ۲۱۹، ۲۲۱، ۶۸۵

میکویان ۴۶۵، ۴۶۶

میکویف ۴۴۳، ۴۴۶، ۴۴۹

میلیسپو (دکتر) ۱۶، ۲۷، ۳۲، ۳۳، ۳۴،

ولاديميرف ۵۸۶

ويشنيشكي ۳۶۲، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۷۳،

۳۷۴، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۸۷،

۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵،

۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۶، ۴۱۶، ۴۲۳،

۴۶۶، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۹۳،

۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۷، ۷۶۴، ۸۶۵،

۸۶۶، ۸۸۰

ويلسون - توماس ۷۷۷

وينانت ۱۷۶، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۸۰،

ه

هاليفاكس ۲۱۳، ۳۰۷

هدايت - خسرو ۵۵۳

هدايتي - هادي ۹۱۹، ۹۲۳، ۹۲۴

هريمن ۲۶۶، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۴، ۷۷۹

هزير - عبدالحسين ۴۹، ۵۰، ۲۰۳، ۵۶۸،

۵۷۶، ۷۲۰، ۷۳۵، ۷۳۷

هليه لوروجتل - جون ۸۳۱

همايون جاه - محمدعلي ۱۶۹، ۲۵۹، ۲۶۱،

۲۶۴، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۶، ۴۷۸،

۷۳۰، ۷۳۴، ۷۴۴، ۸۳۳

همايوني (سرهنگ) ۱۲۲، ۱۲۳

هندرسون - لويي . دبليو. ۱۶۳، ۱۶۵،

۲۵۱، ۲۵۲، ۳۰۷

ي

يانگ ۲۸۸، ۲۸۹

يزدي - مرتضي ۵۶۸

يگانه - نورالله ۲۱۹

